تفسیر فرات کوفی

متن و ترجمه

تألیف: ابی القاسم فرات بن ابراهیم بن فرات الکوفی

متن و ترجمه

تفسیر فرات کوفی





▼

متن و ترجمه تفسیر فرات کوفی

تألیف: ابی القاسم فرات بن ابراهیم بن فرات الکوفی

محقق: محمد الکاظم

مترجمین: معصومه آ عبدالله - حکیمه حاجی علی‌اکبر

ویراستار: حسام حاج مؤمن

انتشارات دلیل‌ما

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۱

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: پرتوشمس

چاپخانه: نگارش

شابک: ۴ _ ۷۹۲ _ ۳۹۷ _ ۹۶۴ _ ۹۷۸

تلفن و نمابر: ۷۷۴۴۹۸۸ _ ۷۷۳۳۴۱۳ (۹۸۲۵۱+)

قم، صندوق پستی: ۱۱۵۳ _ ۳۷۱۳۵

www.Dalilema.com

Dalilema@yahoo.com



پیامک انتشارات ۱۰۰۰۰۷۷۴۴۹۸۸

انتشارات دلیل ما

مراکز پخش:

۱) قم، خیابان صفائیه، روبروی کوچه ۳۸، پلاک ۷۵۹،فروشگاه دلیل ما، تلفن ۷۷۳۷۰۱۱ _ ۷۷۳۷۰۰۱

۲) تهران، خ انقلاب، خ فخررازی، فروشگاه دلیل‌ما، پلاک ۶۱، تلفن ۶۶۴۶۴۱۴۱

۳) مشهد، چهارراه شهداء، ضلع شمالی باغ نادری، کوچه شهید خوراکیان، مجتمع تجاری گنجینه کتاب، طبقه اول، فروشگاه دلیل‌ما، تلفن ۵ _۲۲۳۷۱۱۳

سرشناسه	:کوفی، فرات بن ابراهیم، - ۳۰۷؟ ق.
عنوان قراردادی	:تفسیر فرات الکوفی. فارسی
عنوان و نام پدیدآور	:متن و ترجمه تفسیر فرات کوفی / تالیف ابی القاسم فرات بن فرات الکوفی، مترجم: معصومه آ عبدالله، حکیمه حاجی علی اکبر؛ ویراستار حسام حاج مومن.
مشخصات نشر	:قم :دلیل ما، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	: ۷۲۸ ص.
شابک	978-964-397-792-4 :
وضعیت فهرستنویسی	:فیپا
شناسه افزوده	:آ عبدالله، معصومه، مترجم
شناسه افزوده	:حاجی علی‌اکبر، حکیمه، مترجم
شناسه افزوده	:حاج مومن، حسام، ویراستار
رده بندی کنگره	BP ۹۳/ ک ۹ ت ۷۰۴۱ ۱۳۹۱ :
رده بندی دیویی	۲۹۷/ ۱۷۲۶ :
شماره کتابشناسی ملی	۲۶۹۷۱۰۶ :

تقدیم به ساحت مقدس کریمه اهل بیت،

محدّثه آل طهَ، فاطمه معصومه عليها السلام

السلام علیكِ یا بنتَ مُوسَی‌بنِ جَعفَرٍ وَ رَحمَةُ اللهِ وَ بَرَکاتُهُ.
السلام علیكِ عَرَّفَ اللهُ بَیننَا و بَینَکُم فِی الجَنَّةِ وَحَشَرَنا فی زُمرَتِکُم و اَورَدنا حَوضَ نَبِیّکُم و سَقَانا بکَأسِ جَدّکُم، مِن یدِ عَلیِّ بن اَبی‌طَالِبٍ صلواتُ اللهِ علیکمُ، اَسئَلُ اللهَ اَن یُرِیَنا فیکُمُ السُّرورَ والفَرَجَ و اَن یَجمَعَنا و اِیّاکُم فی زُمرَةِ جَدِّکُم مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و سلم و اَن لا یَسلُبَنا مَعرِفَتَکُم، اِنَّهُ وَلِیٌّ قَدِیرٌ.

فهرست

پیش‌گفتار

﴿ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ * ن وَ الْقَلَمِ وَ مٰا یَسْطُرُونَ ﴾[1]

فَالقَلَمُ قَلَمٌ مِن نُورٍ وَ کِتَابٌ مِن نُورٍ فِی لُوحٍ مَحفُوظٍ یَشهَدُهُ المُقَرَّبونَ وَ کَفی بِاللهِ شَهِیداً[2].

وَ بِحَقِّ القَلَمِ وَ مَا جَرَی وَ اللُّوحِ وَ مَا اَحصَی[3].

سپاس و ستایش خدای را که اصل خیر و سرچشمهٔ فیض است و جان و خرد را مالک و مراد.

و سلام و تحیّت بی‌کران بر «محمّد» مصطفی ﷺ آن مصطفای دار وجود که از نام «حمید» حقّ ساطع، و در سرای ملکوت احمد[4] و به دار مُلک «محمّد» ﷺ نام گرفت. و درود بی‌کران بر وصیّ او «امیرِ عوالم»، آن موجود عرشی که در کوتاه مدتی بر فرش فرود آمد. تنها کعبه می‌توانست تجلّی وجودش را پذیرا باشد و تنها محراب

---

۱. قلم، ۱

۲. *نورالثقلین*، ج ۵، ص ۳۸۷.

۳. اعمال شب عرفه، ۵۱۵.

۴. *تفسیر قمی*، ج ۲، ص ۳۴۶؛ *ترجمهٔ تفسیر البرهان*، ج ۸، ص ۸۲۲.

مسجد کوفه توان تحمل بار سنگین شهادتش را داشت. و سلام و صلوات بر خاندان معصومش، ائمهٔ اطهار ﷺ، آنان که کاخ ملکوت را با نام خویش روشن ساختند. خداوند جان و خرد به وجودشان بنازد و ماسوا به هستی‌شان ببالند.

کتاب ارزشمند تفسیر فرات یکی از قدیمی‌ترین ذخایر شیعه و گنجی از انوار الهیه و معارف قرآنیه است. جناب ابراهیم‌بن فرات کوفی مؤلف این اثر ماندگار، یکی از اصحاب ائمه ﷺ و از علمای عصر غیبت صغری محسوب می‌شوند.

در این تفسیر مأثوره،[1] بر جای مانده از قرن سوم و اوایل قرن چهارم مفسر فقط به ذکر روایت یا روایاتی ذیل برخی از آیات از بعضی سوره‌ها بسنده کرده و هیچ‌گونه اظهارنظری دربارهٔ روایت یا آیه نداشته است[2]. بیش از دویست نفر از راویان احادیث این تفسیر «ثقه» بوده و این اثر مورد تأیید بسیاری از علمای بزرگ از جمله علامه مجلسی و شیخ حرّ عاملی بوده است.

نکاتی در مورد کتاب حاضر

در تدوین مطالب این تفسیر، از نسخهٔ فرات کوفی تحقیق شیخ محمّدکاظم محمودی از عالمان سرزمین عراق، که انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران آن را به چاپ رسانده است، استفاده کرده‌ایم. محقق محترم در مجموع از ۸ نسخهٔ خطی این کتاب و دو نسخهٔ چاپی نجف و افست ایران، که در کتابخانه‌های مختلف وجود دارد، استفاده کرده است که عبارتند از:

ـ نسخهٔ کتابخانهٔ امیرالمؤمنین ﷺ در نجف اشرف

---

۱. نوعی از تفسیر قرآن را تفسیر به مأثور گویند و آن تفسیر به کمک نقل و اثر است. از نظر شیعه حدیث پیامبر ﷺ و امامان معصوم ﷺ در شمار مدارک تفسیر اثری هستند. (*مناهل العرفان*، عبدالعظیم رزقانی، به نقل از: *تاریخ عمومی حدیث*، معارف، ۲۹) اثر عبارت است از نقل حدیث و روایت آن. (*القاموس المحیط*، فیروزآبادی، به نقل از: *تاریخ عمومی حدیث*، معارف، ۲۸)

۲. پاورقی‌های درون متنی از مترجمان است.

- نسخهٔ کتابخانهٔ آیت‌الله بروجردی (نسخهٔ میرزای نوری)
- نسخهٔ احمدبن محمّدرضا علوی حسینی خوانساری در کتابخانهٔ نجلهٔ قم
- نسخهٔ مدرسهٔ فیضیهٔ قم
- نسخهٔ کتابخانهٔ رضوی در مشهد
- نسخهٔ کتابخانهٔ آقای روضاتی در اصفهان
- نسخهٔ کتابخانهٔ ملک تهران
- نسخهٔ دوم در کتابخانهٔ ملک تهران

اعراب‌گذاری روایات، به فرمودهٔ امام جعفر صادق علیه السلام در حدیث جمیل‌بن درّاج، انجام گرفت:

اَعْرِبُوا حَدیثَنا فَاِنّا قَومٌ فُصَحاءُ[1].

«حدیث ما را اعراب دهید (صحیح تلفظ کنید و درست بخوانید)؛ زیرا ما خانواده، مردمی فصیح زبانیم».

در نسخهٔ حاضر سلسله راویان حدیث[2] تا راوی قبل از امام معصوم علیه السلام را به خاطر سهولت در امر مطالعه حذف نمودیم.

در مواضعی که ذیل یک آیه، چند حدیث مشابه یا تکرار مطلب قبلی بیان شده بود به‌خاطر عدم ملالت و خستگی خواننده آن را حذف کردیم؛ مگر در مواردی که ضرورت بازگویی داشته و حدیث مورد نظر حاوی نکتهٔ جدیدی بوده است.

تفسیر فرات و مبحث تأویل

بیشتر روایات این کتاب جنبهٔ تأویلی دارند. در تأویل رجوع به غایت و حقیقت

---

۱. کافی، فضل العلم، ۶۷/۱

۲. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در مورد این اثر نفیس، تحقیقی تحت عنوان بازشناسی میراث کهن شیعه توسط خانم میرقبادی انجام داده است. مخاطبان خاصی که علاقه‌مند به اطلاعات بیشتری هستند در زمینهٔ نقد و بررسی و سلسله راویان می‌توانند به این کتاب رجوع نمایند.

امر نهفته است[1]. به عبارت دیگر، هر آیه‌ای علاوه بر معنای ظاهری آن، معنای باطنی نیز دارد؛ چنان‌که رسول خدا ﷺ در این مورد فرمود:

لَيْسَ مِنَ الْقُرآنِ آيَةٌ اِلّا وَلَها ظَهْرٌ وَبَطْنٌ[2].

در قرآن آیه‌ای نیست مگر این‌که ظاهری دارد و باطنی.

فضیل بن یسار از امام باقر ؑ دربارهٔ این روایت سؤال کرد. امام ؑ فرمود: «ظاهرش تنزیل آن و باطنش تأویل آن است. تأویل بخشی از آنها آمده و گذشته، و زمان تأویل برخی دیگر هنوز نرسیده است. قرآن و آیات آن همانند خورشید و ماه همواره در حرکت و پویایی‌اند. همان‌گونه که تأویل بخشی از بطون قرآن که دربارهٔ گذشتگان است، دربارهٔ آیندگان نیز خواهد بود[3].»

از امام محمّدباقر ؑ نقل شده است که فرمود:

وَلَوْ اَنَّ الآيَةَ اِذا نَزَلَتْ في قَوْمٍ ثُمَّ ماتَ اُولئِكَ الْقَومُ ماتَتِ الآيَةُ لَما بَقِيَ مِنَ الْقُرآنِ شَيْءٌ وَلكِنَّ الْقُرآنَ يَجري اَوَّلُهُ عَلىٰ آخِرِهِ مادامَتِ السَّمٰواتُ وَالاَرْضُ وَلِكُلِّ قَوْمٍ آيَةٌ يَتْلُونَها هُمْ مِنْها مِنْ خَيْرٍ اَوْ شَرٍّ[4].

«چنانچه آیه‌ای در مورد گروهی [خاص] نازل شود سپس آن گروه از دنیا بروند، آیه نیز از بین خواهد رفت و از قرآن چیزی باقی نخواهد ماند، ولی قرآن [زنده است] اول آن بر آخر آن جریان دارد تا زمانی که آسمان و زمین برقرار است. برای هر گروه آیه‌ای است که آن را تلاوت می‌کنند [اینان] یا جایگاه خیر دارند یا جایگاه شرّ».

بر طبق روایات معصومین ؑ قرآن بر مدار ولایت می‌گردد و انسان‌ها را به سوی

---

۱. مانند داستان خضر و موسی ؑ که حضرت خضر ؑ از حقیقت اموری آگاه بود که حضرت موسی ؑ از آن باخبر نبودند.

۲. *بحارالانوار*، ۱۵۵/۳۲

۳. محمّدبن الحسن الصفار، ۲۱۶

۴. العیاشی، ۱۰/۱؛ الفیض الکاشانی، *التفسیر الصافی*، ۱۴/۱

امام راهنمایی می‌نماید. رسول خدا ﷺ اولین مخاطب قرآن و افضل راسخان در علم است و پس از ایشان ائمهٔ هدی علیهم‌السلام که اوصیای آن‌حضرتند، چنین هستند.

امام محمّدباقر علیه‌السلام فرمود: «جز اوصیای پیغمبر کسی را نرسد که ادّعا کند ظاهر و باطن تمام قرآن نزد اوست[1].» ظاهر قرآن کریم دعوت به توحید و نبوت است و باطن آن دعوت به امامت و ولایت ائمه طاهرین علیهم‌السلام. ایمان و اعتقاد به ظواهر و بواطن قرآن از مسلّمات قطعی مکتب تشیع است. در این خصوص به لحاظ تأویل، سنن و قصص امّت‌های پیشین با امّت رسول خدا ﷺ نیز ارتباط پیدا می‌کند و بسیاری از اعمال آنها با اعمال این امّت، قابل انطباق است.

قرآن کتابی ذووجوه و ذوبطون بوده و حقایق آن پایان‌ناپذیر است. مفاد آیات قرآن منحصر بر اهل زمان خاصی نیست و همان‌طور که شب و روز و خورشید و ماه جریان دارد قرآن نیز زنده است و محتوای آن بر اهل هر زمان جاری و ساری است. به عبارت دیگر، قرآن از نظر تطبیق مفاهیم با مصادیق و بیان وضعیت آنان گستره‌ای بس وسیع دارد، بدین‌معنا که مفاهیم و مقاصد آیات تنها به مورد نزول و شأن نزول آن‌ها منحصر و خلاصه نمی‌شود.

سنن الهی همگی بر پایهٔ حکمت الهی بنا نهاده شده است و خدای متعال حقایق قرآنی و بسیاری علوم و معارف آن را در لایه‌ها و پرده‌های نهانی مخفی داشت تا به تناسب ظرفیت افراد، از این کتاب مبین استفاده گردد. دیگران به میزانی که به حضرات معصومین علیهم‌السلام نزدیک شوند و با ایشان سنخیت یابند، از آن حقایق بهره‌مند می‌شوند و در مسیر حق، به رشد و تعالی می‌رسند.



هدف از ترجمهٔ این تفسیر

۱. شناخت فضایل اهل بیت علیهم‌السلام و به‌خصوص حضرت امیر علیه‌السلام در قرآن کریم از

---

۱. کافی، ۳۳۲/۱

دلایل عمدهٔ ترجمهٔ این اثر کهن شیعی بوده است.

۲. احیای علوم آل محمّد ﷺ و توجه به حدیث و کلام نورانی معصومین ﷺ

همان‌گونه که در زیارت جامعهٔ کبیره می‌خوانیم «**کلامکم نور و امرکم رشد**» کلام معصوم ﷺ نور است و امر ایشان مایهٔ رشد و تعالی.

۳. توجه به تفاسیر روایی و رویکرد تأویل در قرآن.

از آنجا که مفسران حقیقی قرآن ذوات مقدسهٔ معصومین ﷺ هستند و علم به تفسیر و تأویل نزد ایشان است، دستیابی به گوهر مکنون این کتاب آسمانی تنها از طریق اهل بیت ﷺ که عِدل و شریک قرآن‌اند، میسر می‌گردد.

در روایتی از امام جعفر صادق ﷺ پایه گذار مکتب تشیع این مطلب به وضوح بیان شده است: «وظیفهٔ مردم آن است که قرآن را آن‌گونه که نازل شده است، قرائت کنند و هرگاه به تفسیر آن محتاج شدند، منحصراً به «ما» و به سوی «ما» روانه شوند»[1].

۴. فراهم آوردن زمینهٔ تدبّر در آیات الهی.

در تعالیم اسلام و مکتب امام صادق ﷺ ظرفیت و جامعیتی نهفته است که به روح انسان تعالی بخشیده و برای اندیشه و تفکر ارزش ویژه‌ای قائل است. محدث بزرگوار جناب فرات کوفی روایاتی را که از جانب معصوم ﷺ آمده است ذیل آیه قرار داده و هیچ اظهارنظری و توضیحی نیاورده است. این مطلب زمینه‌ای برای تأمل و تدبّر بیشتر در آیات الهی را فراهم می‌سازد.

توضیحی دربارهٔ روایات نقل شده در نسخهٔ فرات

اینک ممکن است برای خوانندگان محترم این پرسش پیش آید که آیا همهٔ روایاتی که در این تفسیر آمده است صحیح و معتبر است؟

بدون شک چنین نیست و شاید نتوان در مورد هیچ کتاب روایی و حدیثی این‌گونه

---

۱. *وسائل الشیعه*، ۲۰۲/۲۷

ادعا نمود. اما باید متذکر شویم که نسبت به صحت و عدم صحت روایات دو رویکرد وجود دارد:

الف) رویکرد مشهور علما و محدثان و فقهای شیعه از آغاز تا کنون، که صحت یک روایت را منحصر در کامل بودن و قابل اعتماد بودن سلسله راویان آن روایت نمی‌دانند بلکه اگر حدیث در کتب شناخته شده و متداول بین علمای شیعه آمده باشد و مضمون آن با شواهد و قراینی چون عدم مخالفت با قرآن و عقل قطعی و روایات دیگر، و پیدا کردن شواهدی از قرآن و روایاتی دیگر در تأیید آن و یا بلندی مضمون و دیگر شواهد و قراینی که در کتب مربوطه ذکر شده است تأیید شود، هرچند واجد سلسله سند کامل و درست و معلوم نباشد بازهم آن روایت را معتبر دانسته و به آن در مقام نظر و یا عمل ترتیب اثر می‌دادند.

ب) رویکرد غیرمشهور که صحیح بودن روایات را منوط به داشتن سلسله سند کامل و صحیح می‌داند.

به ادلّه مختلف، رویکرد اول منطقی و قابل قبول است. پذیرش رویکرد دوم به مفهوم بی‌اعتبار دانستن حجمی عظیم از روایات و احادیث شیعه حتی در کتب معتبری چون کافی است، و التزام به چنین نتیجه‌ای، پیامدهای سهمگینی برای معارف اسلامی و شیعی خواهد داشت[۱].

از آنجا که این اثر روایی همچون دیگر آثار دستخوش فراز و نشیب‌هایی بوده است به‌خصوص با در نظر گرفتن موقعیت خاص کوفه و اختلافات فرقه‌ای و شرایط ویژهٔ آن، ممکن است روایات غیرمعتبری نیز در بین روایات معتبر وارد شده باشد، که صدور آن از اهل بیت علیهم‌السلام منتفی یا مورد تردید باشد. از این لحاظ بعضی از احادیث که صدور آن از اهل بیت علیهم‌السلام منتفی بوده و یا گرایش زیدیه داشته‌اند و همچنین بعضی از احادیثی که از جانب زید بن علی صادر شده بود را از این کتاب، منقح و پاکسازی نمودیم و نام کتاب را «منتخبی از تفسیر فرات» نهادیم.

---

۱. ترجمه *البرهان*، ۱۹/۱

شرح و ترجمه‌های تفسیر فرات

کتابی به نام «ثمرة الفؤاد در شرح فرات» توسط عالم بزرگوار شیخ یوسف البنانی به چاپ رسیده است، که فقط به مجلد اول آن در کتابخانهٔ مسجد اعظم قم دست یافتیم. این کتاب به سبک قدیم و با خلوص و محبت نسبت به ساحت مقدس ائمهٔ معصومین ﷺ نگاشته شده است. مجلد اول این کتاب در ۴۹۳ موضوع عنوان‌بندی شده و تا آخر سورهٔ مبارکهٔ نساء را شامل می‌شود.

عالم بزرگوار شیخ یوسف البنانی در تأیید روایات فرات احادیثی از کتب اربعه شیعه به نقل از «وافی» فیض بیان نموده است. مؤلف این کتاب در مقدمهٔ کتاب چنین آورده است:

«تفسیر فرات تفسیر قویم و قدیمی است که همواره رؤیت آن مورد اشتیاق اکابر و اعیان اسلام بوده و با آن کوچکی حجم بر مطالب نفیسه بسیاری مشتمل است که مطابقت تامه دارد با مذهب اهل بیت عصمت ﷺ و با اخبار نبویه و ائمهٔ هدی ـ صلوات الله علیهم اجمعین».[1]

---

۱. *ثمرة الفؤاد*، ۳/۱

فرات کوفی کیست؟

ابوالقاسم فرات بن ابراهیم بن فرات کوفی، یکی از محدثان و رجال حدیث در نیمهٔ دوم سدهٔ سوم هجری و دههٔ نخست قرن چهارم است. به استناد گزینش نوع روایات ـ تطبیق برخی آیات قرآن با اهل بیت علیهم‌السلام ـ فرات را می‌توان از جمله عالمان بزرگی دانست که در مکتب اهل بیت علیهم‌السلام پرورش یافته است. او همچنین از نخستین مفسرانی است که با درک دقیق و عمیق از میزان اهمیت و حساسیت آموزه‌های خاندان اهل بیت علیهم‌السلام در عرصهٔ قرآن و معارف قرآنی به تنظیم و نگارش تفسیری با رویکردی متفاوت از صحابیان و تابعان، و در ساختاری روایی به نقل از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و امامان اهل بیت علیهم‌السلام همت گماشته است. نکتهٔ دیگر این‌که فرات نخستین فردی است که از او مجموعه‌ای روایی ـ تطبیقی به اهل بیت علیهم‌السلام در تفسیر و تأویل قرآن با این بافت و ترکیب خاص باقی مانده است[۱].

در منابع تاریخی، رجالی و شرح حال نگاری متقدمان، کمترین اطلاعی از تاریخ ولادت و وفات، موقعیت و شرایط زندگی، افکار و اندیشه‌ها و آثار احتمالی دیگر وی (جز تفسیر فرات) در اختیار نیست. این‌که فرات در کدامین سرزمین ولادت و یا وفات یافته به روشنی پیدا نیست؛ تنها نکته‌ای که مسلم و قطعی است، لقب «کوفی» اوست.

---

۱. *بازشناسی میراث کهن شیعه*، ۷۲

تنها راه به دست آوردن اطلاعات دربارهٔ زمان ولادت و مرگ وی، استفاده از قراین مختلف در مقطع زمانی مورد نظر و تحلیل آن داده‌ها است. بر همین اساس، محققان به استناد برخی قراین (از جمله سالمرگ جعفربن محمّد الفزاری (۳۰۰ ق.) از مشایخ فرات) نتیجه گرفته‌اند که او تا پس از این تاریخ زنده بوده است[1]. از این رو، می‌بایست امامت امام هادی ﷺ (۲۵۴ ق.) و امام حسن عسکری ﷺ (۲۶۰ ق.) را درک کرده باشد، و این اظهارنظر صرفاً براساس یک برآورد کلی از حداقل عمر ۶۰ یا ۷۰ ساله در شرایط عادی و متعارف برای اوست.

بنابراین، به استناد قراینی از این دست یعنی زمان مرگ برخی از مشایخ فرات، دوران بالندی و شکوفایی و ثمردهی علمی فرات در دورهٔ غیبت صغری قرار دارد، دوره‌ای نسبتاً کوتاه ـ حدود ۷۰ ساله ـ به عنوان حد فاصل دورهٔ حضور امامان ﷺ تا دورهٔ غیبت کبری، که یکی از سخت‌ترین روزگاران شیعه به لحاظ اعتقادی، و نیز دشوار به لحاظ فشارهای سیاسی و آشفتگی‌های فرهنگی بوده است.

فرات و عالمان هم‌عصرش

فرات با محدثان بزرگی از سرزمین قم چون علی‌بن ابراهیم و محمّدبن حسن فروخ صفار هم‌عصر است. تفاسیر باقی‌مانده از علی‌بن ابراهیم و فرات تا حدودی به لحاظ محتوا و نیز سبک و سیاق به هم نزدیک‌اند. در طبقهٔ بعد، شیخ کلینی در ری، عیاشی در سمرقند و ابن عقده در کوفه معاصران فرات هستند.

فرات و عالمان پس از وی

عالمانی چون صدوق، حسکانی و... به نقل روایاتی از فرات پرداخته‌اند، بدین

---

1. Meir M., Bar-Asher, ***Scripture & Exegesis in Early Imami shiism***, Brill, Ledien, 1999, p. 29

«براشر» به منابعی چون تنقیح المقال، روضات الجنات، فوائد الرضویه و الذریعه استناد کرده است. سخن وی دربارهٔ سالمرگ جعفربن محمّد الفزاری صحیح است.

ترتیب که چندی پس از مرگ فرات دو تن از مشایخ صدوق ـ حسن‌بن محمّد بن سعید هاشمی و احمدبن حسن القطان ـ برخی از روایات کتاب فرات را برای شیخ صدوق روایت کرده‌اند و این نخستین مورد از اثرگذاری فرات در آثار عالمان بعدی است.

صدوق از دو طریق و در ۲۴ مورد از فرات روایت کرده است:

الف) ۲۱ مورد از طریق استادش، حسن‌بن محمّدبن سعید هاشمی.

ب) ۳ مورد از طریق احمدبن حسن القطان. از جمله در کتاب‌های امالی (۸ مورد)، معانی الاخبار (۴ مورد)، خصال (۲ مورد)، کمال الدین (یک مورد)، علل الشرایع (۵ مورد)، عیون اخبار الرضا علیه السلام (۲ مورد) از فرات نقل شده‌اند.

عبیدالله بن عبدالله بن احمد معروف به حاکم الحسکانی از علمای عامه قرن پنجم نیز در کتابش، شواهد التنزیل حدود ۷۰ روایت از کتاب فرات نقل کرده است. عبدالله العلوی در کتاب فضل زیارة الحسین مجموعاً در ۱۳ مورد از فرات حدیث نقل کرده است.

کتاب تفسیر فرات از قرن یازدهم به دست بزرگانی چون ملا محسن فیض کاشانی، شیخ حر عاملی، قاضی سعید قمی، علامه مجلسی، شیخ محمّد قمی مشهدی و ابوالحسن عاملی اصفهانی رسیده است. این عالمان، فرات و تفسیر او را ستوده‌اند. شیخ حر عاملی در وسائل الشیعه از کتاب فرات به عنوان منبعی مورد اعتماد یاد کرده است.

شیخ محمّدالمشهدی در تفسیر کنزالدقائق که علامه مجلسی بر آن تقریظ نوشته است، ۱۲ مورد، و شیخ حر عاملی در کتاب وسائل الشیعه در ۱۲ مورد از فرات‌بن ابراهیم روایت آورده‌اند. محدث نوری در مستدرک وسائل ۳۷ مورد، و علامه مجلسی تقریباً تمام روایات کتاب فرات را یا به‌طور مستقیم از کتابش یا از طریق برخی کتاب‌های شیخ صدوق، در بحارالانوار روایت کرده است.

در قرون بعدی پس از علامه مجلسی، میرزای خوانساری تفسیر فرات را با تفاسیری چون تفسیر عیاشی، تفسیر قمی و... همسان و همسنگ شمرده و آن را تفسیری «کبیر»

خوانده است. مرحوم حاج شیخ عباس قمی در الفوائد الرضویه آورده است: «فرات کوفی محدث حمید و مفسر عمید صاحب تفسیر کبیر بر قرآن مجید[۱].»

مامقانی از عالمان سدهٔ چهاردهم است که بر محتوای روایات آمده در تفسیر فرات تکیه و تأکید کرده و آن را مهم‌ترین دلیل اعتبار کتاب و راوی آن شمرده است و ضمن تأکید بر اعتماد شیخ صدوق، شیخ حر عاملی و علامه مجلسی به فرات، سخن مجلسی را در این باره بازگو کرده و از این اعتمادها بالاترین درجهٔ حسن را برای فرات نتیجه گرفته است[۲].

سید محسن امین صاحب اعیان الشیعه، او را از اصحاب امام رضا علیه السلام دانسته[۳] و در نگاه عده‌ای دیگر، وی از اصحاب امام جواد علیه السلام و امام رضا علیه السلام و امام هادی علیه السلام شمرده شده[۴] و برخی دیگر وی را از رجال و اصحاب عصر امام جواد علیه السلام دانسته‌اند[۵].

کلام آخر

تفسیر فرات، بیان تفسیر و تأویل قرآن از کلام معصوم است، رود فراتی را مانَد که در کویر همیشهٔ زمان جاری است؛ ماء معین و چشمهٔ زلالی که روح تشنهٔ دوستداران امیرالمؤمنین علی علیه السلام را سیراب می‌کند، و قطره‌ای از دریای فضایل اوصیای پیامبر است. احیای این کتاب گام کوچکی در جهت تحقق ابلاغ مهم[۶] نبی‌اکرم صلی الله علیه و آله در خطبهٔ

---

۱. *الفوائد الرضویه*، ۳۴۹

۲. عبدالله المامقانی، *تنقیح المقال*، چاپ سنگی، ابواب فاء، ج ۳، ص ۳.

۳. سید محسن امین، *اعیان الشیعه*، تحقیق حسن امین، بیروت، مطبعة الانصاف، ۱۳۷۸ ق.، ۱۹۵۸ م.، ج ۴۲، ص ۲۷۱-۲۷۰.

۴. مسلم الداوری، *اصول علم الرجال بین النظریة و التطبیق*، تقریر محمّدعلی علی صالح المعلم، بی‌جا، نشر المؤلف، ۱۴۱۶ ق.، ص ۲۸۹.

۵. اردوبادی، ص ۲؛ السید الحسن الصدر، *تأسیس الشیعة الکرام لعلوم الاسلام*، بغداد، مرکز النشر و الطباعة العراقیة المحدودة، ۱۳۸۱ ق.، ۱۳۴۱ ش.، ص ۳۳۲.

۶. اشاره به آیهٔ ۶۷ سورهٔ مائده: «یا ایها الرسول بلّغ ما انزل الیك من ربّك...»

غدیر است. خطبهٔ غدیری که شناسنامهٔ شیعه و هویت اسلام است[۱].

حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

مَعَاشِرَ النّاسِ! اِنَّ فَضَائِلَ عَلِیِّ‌بنِ أَبی‌طَالِبٍ علیه‌السلام عِندَاللهِ عَزَّوَجَلَّ وَ قَد اَنزَلَها فِی القُرانِ اَکثَرُ مِن اَن اُحصِیَها فِی مَقامٍ وَاحِدٍ، فمن اَنبَأَکُم بِها و عَرَّفَها فَصَدِّقُوهُ[۲].

ای مردم! به راستی فضایل علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام نزد خداوند عزّوجلّ است که در قرآن آن فضایل را نازل فرموده و بیشتر از آن است که همه را در یک مجلس بشمارم، پس هر کس دربارهٔ آنها به شما خبر داد و آنها را برای شما تعریف کرد، تصدیقش نمایید.

ما نیز با استمداد از سیرهٔ سخاوتمندانهٔ صاحب لوای «**سلونی قبل ان تفقدونی**[۳]» توفیق کتابت یافته و با اعتماد به لطف ویژهٔ علوی برآن شدیم تا آیینه‌دار شعاعی از انوار مقدس امام المتقین، قائد الغرّ المحجّلین[۴]، حبل الله المتین[۵]، صراط مستقیم و نبأ عظیم[۶] در قرآن کریم باشیم.

---

۱. برای آشنایی بیشتر با راویان حدیث غدیر و صحت اعتبار آن به کتاب **خطبهٔ غدیر** جناب آقای توحیدی صفحات چهارده تا بیست‌وپنجم مقدمه رجوع فرمایید. (مقتبس از *الغدیر* علامه امینی)

۲. خطبهٔ غدیر، ۸۰

۳. *نهج‌البلاغه*، ۱۸۹

۴. زیارت ششم حضرت امیر علیه‌السلام، ۷۰۱

۵. زیارت حضرت امیر علیه‌السلام در روز مولود

۶. زیارت حضرت امیر علیه‌السلام در روز غدیر، ۷۱۷

تشکر و قدردانی

«رَحِمَ اللهُ مَنْ اَحیَا اَمْرَنَا اَهْل الْبَیْتِ»[1]

خداوند سبحان و ذوات مقدسه محمّد و آل محمّد ﷺ را بسیار شاکر و سپاس‌گزاریم که ما را مورد لطف و مرحمت خویش قرار دادند تا یکی از آثار کهن شیعی را احیا نموده و منتخبی از آن را به دوستان آل محمّد تقدیم داریم.

بدون تردید این اثر مرهون تلاش بی‌دریغ علمایی است که در دوران سخت نگاهبانی از حریم معارف اهل‌بیت ﷺ با رنج و زحمت فراوان احادیث ائمه ﷺ را به دست ما رسانده و از حریم دین پاسداری نموده‌اند. به همین جهت درود و سپاس بی‌کران خود را تقدیم ایشان نموده و از خداوند منان علو درجاتشان را خواستاریم.

از آنجا که آشنایی با این کتاب به پیشنهاد و مساعدت استاد گرامی جناب آقای دکتر امیر توحیدی از اساتید حوزهٔ علوم

---

۱. دعوات راوندی، ص ۲۲۵

قرآن و حدیث انجام گرفت، ضمن تشکر و قدردانی از زحمات ایشان، از خداوند متعال برای ایشان توفیقات روزافزون در احیای آثار علمی شیعه را خواهانیم.

همچنین از همهٔ بزرگوارانی که ما را در این امر یاری نموده، به ویژه انتشارات «دلیل ما» صمیمانه سپاس‌گزاری نموده و از حسن توجه و عنایت همهٔ کارشناسان و اساتید فن، تشکر می‌نمایم.

«اللهم زد فی قلوبنا مَحَبَّةَ مولانا امیرالمؤمنین علیه‌السلام
و عَجِّل فی فرج مولانا صاحب العصرِ و الزَّمان
و اجعلنا من خیر اعوانه و انصاره و الذّابّین عنه
و المستشهدین بین یدیه ـ آمین»

آ عبدالله

اول ذی القعدة الحرام ۱۴۳۲
مطابق با ولادت با سعادت
محدثه آل طه فاطمه معصومه علیهاالسلام

فَهَذا تَفسِيرُ آيَاتِ القُرآنِ مَروِيٌّ عَنِ الأَئِمَّةِ عليهم السلام

این تفسیر آیات قرآن کریم است

که از [لسان مبارک] ائمه اطهار عليهم السلام روایت شده است.

۱. عَنِ الأَصبَغِ بنِ نُباتَةَ قَالَ: قَالَ عَلِيُّ بنُ أَبِي طالِبٍ عليه السلام: نَزَلَ القُرآنُ أَربَاعاً: رُبعُ فِينا وَ رُبعُ فِي عَدُوِّنا و رُبعُ سُنَنُ وَ أَمثَالُ وَ رُبعُ فَرائِضُ وَ أَحكَامُ وَ لَنا كَرائِمُ القُرآنِ.
وَ قَالَ ابنُ عَبَّاسٍ: قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله: إِنَّ اللهَ تَعالَى أَنزَلَ فِي عَلِيٍّ كَرائِمَ القُرآنِ.
اصبغ بن نباته گفت: حضرت علی عليه السلام فرمود: قرآن در چهار بخش نازل شده است؛ بخشی دربارهٔ ما، بخشی دربارهٔ دشمنان ما، بخشی دربارهٔ سنّت‌ها و مثل‌ها و بخشی دربارهٔ واجبات و احکام که گرانبهاترین بخش آن دربارهٔ ماست. ابن عباس گفت: پیامبر صلى الله عليه و آله فرمود: همانا خداوند متعال گرانبهاترین بخش قرآن را دربارهٔ علی عليه السلام نازل فرمود.

۲. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ قَالَ: مَا نَزَلَت ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ﴾ إِلّا كَانَ عَلِيُّ بنُ أَبِي طالِبٍ رَأسَهَا وَ أَمِيرَهَا وَ شَرِيفَهَا ، وَ لَقَد عَاتَبَ اللهُ أَصحَابَ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله فَمَا ذَكَرَ عَلِيّاً إِلّا بِخَيرٍ.
ابن عباس گفت: هرگاه آیهٔ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید» نازل شد، حضرت علی عليه السلام سرآمد و امیر و ارجمند مخاطبان آن بود. خداوند متعال

همهٔ اصحاب پیامبر را سرزنش کرده امّا از حضرت علی ﷺ تنها به نیکی یاد کرده است.

۳. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ قَالَ: مَا فِی القُرآنِ آیـةٌ ﴿ یَا اَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا ﴾ إلّا وَ عَلِیٌّ أمِیرُهَا وَ شَرِیفُهَا وَ مُقَدَّمُهَا وَ لَقَد عَاتَبَ اللهُ أَصحَابَ النَّبِیِّ ﷺ وَ مَا ذَکَرَ عَلِیّاً إلّا بِخَیرٍ. قَالَ: قُلتُ: وَ أَینَ عَاتَبَهُم؟ قَالَ: قَولُهُ: ﴿ اِنَّ الَّذِینَ تَوَلَّوْا مِنْکُمْ یَوْمَ الْتَقَی الْجَمْعَانِ ﴾[1] لَم یَبقَ مَعَهُ أَحَدٌ غیرُ عَلِیٍّ وَ جَبرَئیلَ.

ابن عباس گفت: هر جا در قرآن آیهٔ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید» هست، حضرت علی ﷺ امیر و ارجمند و پیشرو مخاطبان آن است. خداوند اصحاب پیامبر ﷺ را سرزنش کرده امّا از حضرت علی ﷺ تنها به نیکی یاد کرده است. کسی پرسید: کجا آنان را سرزنش کرده است؟ گفت: آنجا که فرمود: «کسانی از شما که در روز برخورد دو گروه با یکدیگر [در جنگ احد] روی‌گردان شدند.» در آن روز هیچ کس جز حضرت علی ﷺ و جبرئیل در کنار پیامبر ﷺ نماند.

---

۱. آل عمران، ۱۵۵

وَ مِن سُورةِ فَاتِحَةِ الكِتَابِ

(فاتحة کتاب، ۶ ـ ۷)

﴿ إِهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقيمَ ٭ صِراطَ الَّذينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لاَ الضَّالِّينَ ﴾

ما را به راه راست هدایت فرما؛ راه کسانی که به آنها نعمت دادی، نه کسانی که مورد خشم قرار گرفته‌اند، و نه گمراهان.

۴. مُحَمَّدُبنُ الحُسَينِ عَن أَبيهِ عَن جَدِّهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ فِي قَولِهِ ـ عَزَّ وَ جَلَّ ـ **﴿ إِهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقيمَ ﴾** دِينَ اللهِ الَّذي نَزَلَ بِهِ جَبرَئيلُ ؑ عَلَى مُحَمَّدٍ ﷺ **﴿ صِراطَ الَّذينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لاَ الضَّالِّينَ ﴾** قَالَ: شِيعَةُ عَلِيٍّ الَّذينَ أَنعَمتَ عَلَيهِم بِوَلايَةِ عَلِيِّ بنِ أَبي‌طالِبٍ ؑ لَم تَغضِب عَلَيهِم وَ لَم يَضِلُّوا.

محمّدبن حسین از پدر بزرگوارش ؑ از جد بزرگوارش ؑ نقل فرمود: رسول خدا ﷺ دربارهٔ کلام حق تعالی فرمود: «ما را به راه راست هدایت فرما» یعنی همان دین خداوند که جبرئیل بر محمّد ﷺ نازل کرد. و دربارهٔ «راه کسانی که به آنها نعمت دادی، نه کسانی که مورد خشم قرارگرفته‌اند؛ و نه گمراهان» فرمود: شیعیان علی ؑ کسانی‌اند که با ولایت علی‌بن ابی‌طالب به آنها نعمت دادی و بر آنان خشم نگرفتی و گمراه نشدند.

وَ مِنَ السُّورَةِ الَّتِی تُذکَرُ فِیهَا البَقَرَةُ

(سورهٔ بقره، آیهٔ ۲۵)

﴿ وَ بَشِّرِ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ﴾

[ای پیامبر] به آنان‌که ایمان آورده‌اند وکارهای نیک انجام داده‌اند، بشارت ده.

۵. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ قَالَ: فِیمَا نَزَلَ مِنَ القُرانِ خَاصَّةً فِی رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله وَ عَلِیٍّ وَ أَهلِ بَیتِهِ علیهم السلام دُونَ النَّاسِ مِن سُورَةِ البَقَرَةِ ﴿ و بشّرِ ﴾ الآیَةُ نَزَلَت فِی عَلِیٍّ وَ حَمزَةَ وَ جَعفَرٍ وَ عُبَیدَةَ بنِ الحَارِثِ بنِ عَبدِالمُطَّلِبِ.

ابن عباس گفت: از جمله آیاتی که به‌طور خاص دربارهٔ رسول خدا صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام و اهل بیت ایشان و نه سایر مردم نازل شده است آیهٔ ﴿ وَبَشِّر ﴾ می‌باشد. این آیه دربارهٔ حضرت علی علیه السلام، حمزه، جعفر و عبیدةبن حارث‌بن عبدالمطلب نازل شده است.

۶. عَن جَابِرٍ عَن أَبِی جَعفَرٍ علیه السلام فِی قَولِهِ ﴿ وَ بَشِّرِ الصَّالِحَاتِ ﴾ قَالَ: الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ عَلِیُّ بنُ أَبِی طالِبٍ وَ الأَوصِیاءُ مِن بَعدِهِ وَ شِیعَتُهُم قَالَ اللهُ تَعالی فِیهِم ﴿ اَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجرِی مِن تَحتِهَا الانهَارُ کُلَّمَا رُزِقُوا مِنهَا مِن ثَمَرَةٍ رِزْقاً ﴾ إِلی آخِرِ الآیَةِ.

جابر از امام محمّد باقر علیه السلام روایت کرده که ایشان دربارهٔ آیهٔ ﴿ وَ بَشِّر ﴾ فرمود:

منظور از «کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیک انجام دادند» حضرت علی علیه‌السلام و جانشینان پس از او و شیعیانش می‌باشند؛ که خداوند دربارهٔ ایشان فرموده: «برای آنها باغ‌هایی است که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است. هر گاه از میوه‌ای روزی آنان شود، گویند: این همان است که پیش از این [در دنیا] به ما روزی داده شده بود. و همانند آن نیز برای آنها آورده شود، و در آنجا همسران پاک و پاکیزه‌ای دارند و در آنجا جاودان‌اند.»

(سورهٔ بقره، آیهٔ ۲۶)

﴿ يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَ يَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَ مَا يُضِلُّ بِهِ إِلاَّ الْفَاسِقِينَ ﴾

بسیاری را با آن گمراه می‌گرداند و بسیاری را هدایت می‌کند، و حال آن‌که جز بیرون روندگان [از حدود الهی] را با آن گمراه نمی‌کند.

۷. عَن جَابِرٍ عَنِ البَاقِرِ علیه‌السلام: وَ أَمَّا قَولُهُ ﴿ يُضِلُّ بِهِ الْفَاسِقِينَ ﴾. قَالَ: فَهُوَ عَلِيٌّ علیه‌السلام يُضِلُّ اللهُ بِهِ مَن عَادَاهُ وَ يَهدِي مَن وَالَاهُ قَالَ: ﴿ وَ مَا يُضِلُّ بِهِ ﴾ يَعنِي عَلِيّاً ﴿ الَّا الفَاسِقِينَ ﴾ يَعنِي مَن خَرَجَ مِن وِلايَتِهِ فَهُوَ فَاسِقٌ.

جابر از امام محمّد باقر علیه‌السلام روایت کرده که ایشان دربارهٔ آیهٔ ﴿ يُضِلُّ بِهِ ﴾ فرمود: منظور، حضرت علی علیه‌السلام است که خداوند به وسیلهٔ او کسانی راکه با او دشمنی می‌ورزند، گمراه می‌کند و کسانی راکه با او دوستی می‌ورزند، هدایت می‌کند. و نیز کلام حق تعالی «و حال آن‌که جز بیرون روندگان [از حدود الهی] را با آن گمراه نمی‌کند» حضرت علی علیه‌السلام را منظور دارد؛ یعنی هر که از ولایت او خارج شود، او (از حدود الهی) بیرون رفته است.

(سورهٔ بقره، آیهٔ ۳۰)

﴿ وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا

أَ تَجْعَلُ فيهٰا مَنْ يُفْسِدُ فيهٰا وَ يَسْفِكُ الدِّمٰاءَ ﴾

و [به یاد آور] هنگامی راکه پروردگارت به فرشتگان فرمود: من در زمین جانشینی قرار خواهم داد. [فرشتگان] گفتند: آیا در آن کسی را قرار می‌دهی که فساد کند و خون‌ها بریزد؟

۸. عَن صَالِحِ بنِ مِيثَم عَن أَبِيهِ قَالَ: بَينَا أَنَا فِي السُّوقِ إِذَا أَتَانِي الأَصبَغُ بنُ نُبَاتَةَ فَقَالَ لِي: وَيحَكَ يَا مِيثَمُ لَقَد سَمِعتُ مِن أَمِيرِ المُؤمِنِينَ عليه السلام آنِفاً حَدِيثاً صَعباً شَدِيدًا فَأَن يَكُونَ كَمَا ذُكِرَ قُلتُ: وَ مَا هُوَ؟ قَالَ: سَمِعتُهُ يَقُولُ: إِنَّ حَدِيثَنَا أَهلَ البَيتِ صَعبٌ مُستَصعَبٌ لَا يَحتَمِلُهُ إِلَّا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ، أَو نَبِيٌّ مُرسَلٌ، أَو مُؤمِنٌ قَدِ امتَحَنَ اللهُ قَلبَهُ لِلإِيمَانِ. قَالَ: فَقُمتُ مِن فَورِي فَأَتَيتُ أَمِيرَ المُؤمِنِينَ فَقُلتُ: يَا أَمِيرَ المُؤمِنِينَ جُعِلتُ فِدَاكَ حَدِيثٌ أَخبَرَنِي بِهِ الأَصبَغُ عَنكَ قَد ضِقتُ بِهِ ذَرعاً. قَالَ: فَمَا هُوَ؟ فَأَخبَرتُهُ بِهِ فَتَبَسَّمَ ثُمَّ قَالَ لِي: اِجلِس يَا مِيثَمُ أَوَ كُلُّ عِلمِ العُلَمَاءِ يُحتَمَلُ؟ قَالَ اللهُ لِمَلَائِكَتِهِ: ﴿ **إِنِّي جَاعِلٌ الدِّمَاء** ﴾ إِلَى آخِرِ الآيَةِ فَهَل رَأَيتَ المَلَائِكَةَ احتَمَلُوا العِلمَ؟ قَالَ: قُلتُ: هَذِهِ وَ اللهِ أَعظَمُ مِن تِلكَ. قَالَ: وَ الأُخرَى مِن مُوسَى عليه السلام أَنزَلَ اللهُ عَلَيهِ التَّورَاةَ فَظَنَّ أَن لَا أَحَدَ فِي الأَرضِ أَعلَمُ مِنهُ فَأَخبَرَهُ اللهُ تَعَالَى أَنَّ فِي خَلقِي مَن هُوَ أَعلَمُ مِنكَ وَ ذَاكَ إِذ خَافَ عَلَى نَبِيِّهِ العُجبَ. قَالَ: فَدَعَا رَبَّهُ أَن يُرشِدَهُ إِلَى ذَلِكَ العَالِمِ. قَالَ: فَجَمَعَ اللهُ بَينَهُ وَ بَينَ الخِضرِ عليه السلام فَخَرَقَ السَّفِينَةَ فَلَم يَحتَمِل ذَلِكَ مُوسَى وَ قَتَلَ الغُلَامَ فَلَم يَحتَمِلهُ و أَقَامَ الجِدَارَ فَلَم يَحتَمِل ذَلِكَ. وَ أَمَّا المُؤمِنُ فَإِنَّ نَبِيَّنَا مُحَمَّدٌ صلى الله عليه وآله أَخَذَ بِيَدِي يَومَ غَدِيرِ خُمٍّ، فَقَالَ: اللَّهُمَّ مَن كُنتُ مَولَاهُ فَعَلِيٌّ مَولَاهُ، فَهَل رَأَيتَ المُؤمِنِينَ احتَمَلُوا ذلك إِلَّا مَن عَصَمَهُمُ اللهُ مِنهُم. أَلَا فَأَبشِرُوا ثُمَّ أَبشِرُوا فَإِنَّ اللهَ قَد خَصَّكُم بِمَا لَم يَخُصَّ بِهِ المَلَائِكَةَ وَ النَّبِيِّينَ وَ المُؤمِنِينَ بِمَا احتَمَلتُم مِن أَمرِ رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله.

صالح پسر میثم به نقل از پدرش گفت: هنگامی که در بازار بودم، اصبغ بن نباته نزد من آمد و گفت: وای بر تو ای میثم! هم‌اکنون حدیثی دشوار و سخت از حضرت علی عليه السلام شنیدم که به راستی هم چنین است. گفتم: چه حدیثی؟ گفت:

شنیدم که فرمود: «همانا حدیث ما اهل بیت دشوار است و دشوار انگاشته می‌شود و جز فرشته‌ای مقرّب یا پیامبری فرستاده شده یا مؤمنی که خداوند قلبش را از برای ایمان آزموده باشد، هیچ کس آن را نمی‌پذیرد.» من بی‌درنگ برخاستم و نزد امیرمؤمنان علیه السلام رفتم و عرض کردم: ای امیرمؤمنان! فدایت شوم! اصبغ حدیثی از شما برایم بازگفت که سینه‌ام از شنیدنش به تنگ آمد. فرمود: چه حدیثی؟ چون ایشان را از آن سخن آگاه کردم، لبخندی زد و فرمود: بنشین ای میثم! آیا تمام دانش علما پذیرفته می‌شود؟ خداوند به فرشتگانش فرمود: «من در زمین جانشینی قرار خواهم داد. [فرشتگان] گفتند: آیا در آن کسی را قرار می‌دهی که فساد کند و خون‌ها بریزد؟» به نظر تو آیا فرشتگان این دانش را می‌پذیرفتند؟ عرض کردم: به خدا سوگند این سخن بزرگ‌تر از آن است. فرمود: نمونهٔ دیگر موسی علیه السلام است که خداوند تورات را بر او نازل فرمود و او پنداشت که هیچ کس بر زمین از او داناتر نیست. از این رو خداوند او را خبر داد که در میان آفریدگان من کسی هست که از تو داناتر است؛ چراکه از این‌که پیامبرش به خودبینی درافتد، بیم داشت. آن‌گاه موسی از پروردگارش خواست که آن دانا را به او بنمایاند. و خداوند او را با خضر رویارو کرد و او آن کشتی را سوراخ کرد و موسی امر را تحمل نکرد و باز او آن پسر بچه را کشت و موسی برنتابید و باز او آن دیوار را برپا داشت و موسی صبر نکرد. و امّا دربارهٔ مؤمنان؛ پیامبر ما حضرت محمّد صلی الله علیه و آله در روز غدیر خم دست مرا گرفت و فرمود: خداوندا! هر که من مولای اویم، علی مولای اوست. آیا به جز کسانی که خداوند آنان را در پناه خود داشت، مؤمنان این سخن را برتابیدند؟ بدانید و مژده دهید و نوید دهید؛ چراکه خداوند شما را به امری اختصاص داد که هیچ‌کس از فرشتگان و پیامبران و مؤمنان را به آن اختصاص نداد: شما امر رسول خدا صلی الله علیه و آله را پذیرفتید؟

(سورهٔ بقره، آیهٔ ۳۱)

﴿ وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْماءَ كُلَّها ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلائِكَةِ ﴾

و به آدم همهٔ نام‌ها را آموخت. سپس آنها را به فرشتگان عرضه داشت.

۹. عَن عَبدِ الرَّحمنِ بنِ يَزِيدَ: عَن أبى عَبدِ اللهِ عليه السلام قالَ: إنَّ اللهَ ـ تَبارَكَ وَ تَعالَى ـ كَانَ وَ لا شَيءَ فَخَلَقَ خَمسَةً مِن نُورِ جَلالِهِ وَ جَعَلَ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنهُم اسماً مِنَ اسمائِهِ المُنزَلَةِ؛ فَهُوَ الحَمِيدُ وَ سَمَّى النَّبِيَّ مُحَمَّدًا صلى الله عليه وآله، وَ هُوَ الأَعلَى وَ سَمَّى أَمِيرَ المُؤمِنِينَ عَلِيًّا، وَ لَهُ الأَسماءُ الحُسنَى فَاشتَقَّ مِنهَا حَسَناً وَ حُسَيناً، وَ هُوَ فَاطِرٌ فَاشتَقَّ لِفَاطِمَةَ مِن اسمَائِهِ اسماً، فَلَمَّا خَلَقَهُم جَعَلَهُم فِى المِيثاقِ فَإنَّهُم عَن يَمِينِ العَرشِ وَ خَلَقَ المَلائِكَةَ مِن نُورٍ فَلَمَّا أَن نَظَرُوا إلَيهِم عَظَّمُوا أمرَهُم وَ شَأنَهُم وَ لَقِنُوا التَّسبِيحَ فَذَلِكَ قَولُهُ: ﴿ وَ إِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُّونَ * وَ إِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ ﴾[1] فَلَمَّا خَلَقَ اللهُ تَعالَى آدَمَ عليه السلام نَظَرَ إلَيهِم عَن يَمِينِ العَرشِ فَقَالَ: يا رَبِّ مَن هَؤلاءِ؟ قَالَ: يا آدَمُ هَؤلاءِ صَفوَتِى وَ خَاصَّتِى خَلَقتُهُم مِن نُورِ جَلالِى وَ شَقَقتُ لَهُم اسماً مِنَ اسمَائِى، قَالَ: يا رَبِّ فَبِحَقِّكَ عَلَيهِم عَلِّمنِى اسمَاءَهُم، قَالَ: يا آدَمُ فَهُم عِندَكَ أَمَانَةٌ، سِرٌّ مِن سِرِّى، لا يَطَّلِع عَلَيهِ غَيرُكَ إلَّا بِإذنِى، قَالَ: نَعَم يا رَبِّ، قَالَ: يا آدَمُ أعطِنِى عَلَى ذَلِكَ العَهدَ، فَأَخَذَ عَلَيهِ العَهدَ ثُمَّ عَلَّمَهُ أَسمَاءَهُم ثُمَّ عَرَضَهُم عَلَى المَلائِكَةِ وَ لَم يَكُن عَلَّمَهُم بِأَسمَائِهِم ﴿ فَقالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْماءِ هؤُلاءِ إِنْ كُنْتُمْ صادِقِينَ قالُوا سُبْحانَكَ لا عِلْمَ لَنا إِلاَّ ما عَلَّمْتَنا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ * قالَ يا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمائِهِمْ ﴾[2] عَلِمَتِ المَلائِكَةُ أنَّهُ مُستَودَعٌ وَ أنَّهُ مُفَضَّلٌ بِالعِلمِ، وَ أُمِرُوا بِالسُّجُودِ إذ كَانَت سَجدَتُهُم لِآدَمَ تَفضِيلاً لَه وَ عِبادَةً لِلّهِ إذ كَانَ ذَلِكَ بِحَقٍّ لَهُ، وَأَبَى إبلِيسُ الفَاسِقُ عَن أمرِ رَبِّهِ فَقَالَ: ﴿ ما مَنَعَكَ أَلاَّ تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ ﴾[3].

قَالَ: فَقَد فَضَّلتُهُ عَلَيكَ حَيثُ أَمَرَ بِالفَضلِ لِلخَمسَةِ الَّذِينَ لَم أَجعَل لَكَ عَلَيهِم سُلطَانًا

---

۱. صافات، ۱۶۶-۱۶۵

۲. بقره، ۳۳-۳۲

۳. اعراف، ۱۲

وَلا مِن شِيعَتِهِم فَذَلِكَ اسْتِثنَاءُ اللَّعِينِ ﴿إِلَّا عِبَادَكَ مِنهُمُ الْمُخْلَصِينَ﴾[1]. قَالَ: ﴿إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ﴾[2] وَ هُم الشِّيعَةُ.

عبدالرحمن‌بن یزید از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده که ایشان فرمود: خداوند تبارک و تعالی بود و هیچ چیز نبود. آن‌گاه از نور جلال خویش پنج تن را آفرید و از نام‌های نازل شدهٔ خود بر هر یک از آنان نامی نهاد: او حمید است و پیامبر صلی الله علیه و آله را محمّد نامید، او اعلی است و امیرمؤمنان را علی نامید؛ برای او نام‌های حُسناست و نام‌های حسن و حسین را از آن برگرفت؛ او فاطر است و برای حضرت فاطمه علیها السلام نامی از نام‌های خود برگرفت. چون ایشان را بیافرید، ایشان را مورد میثاق قرار داد و در آن هنگام ایشان سمت راست عرش بودند. سپس فرشتگان را از نوری بیافرید و وقتی فرشتگان دیده سوی ایشان گشودند، امر و شأن ایشان را بزرگ داشتند و تسبیح گفتن را آموختند و این همان کلام حق تعالی است: «و به راستی ما صف‌زدگانیم و به راستی ما تسبیح‌گویانیم.» چون خداوند متعال آدم علیه السلام را بیافرید، از سمت راست عرش به ایشان نگریست و گفت: پروردگارا! اینان کیستند؟ فرمود: ای آدم! اینان برگزیدگان من و خاصّان من هستند که از نور جلال خویش آفریدمشان و نامی از نام‌های خویش برایشان برگرفتم. گفت: پروردگارا! تو را به حق خود بر ایشان نامشان را به من بیاموز. فرمود: ای آدم! پس این امانتی نزد تو باشد و سری از اسرارم باشد که جز تو هیچ کس نبایست از آن آگاه شود مگر آن‌که خود اجازه دهم. گفت: پذیرفتم ای پروردگار من! و خداوند فرمود: ای آدم! در این باره با من عهد ببند. این‌گونه خداوند از او عهد گرفت و سپس نام‌های ایشان را به او آموخت و آن‌گاه ایشان را بر فرشتگان عرضه داشت

---

۱. حجر، ۴۰

۲. حجر، ۴۲

و حال آن‌که نام‌هایشان را به آنان نیاموخته بود. «پس فرمود: اگر راست می‌گویید مرا از نام‌های ایشان باخبر کنید. [فرشتگان] گفتند: منزهی تو! ما هیچ نمی‌دانیم مگر آن‌چه راکه خود به ما آموخته‌ای. همانا تو دانای حکیمی. [خداوند] فرمود: ای آدم! آنان را از نام‌های ایشان آگاه کن.» این‌چنین فرشتگان دانستند که امانتی نزد او به ودیعه نهاده شده و او به سبب علمی از آنان برتری داده شده است. از این رو به آنان امر شد که سجده کنند تا با سجده به او برتری‌اش را بپذیرند و خدا را بپرستند؛ چراکه این حق او بود، اما ابلیس بدکار از امر پروردگارش سرپیچید. خداوند فرمود: «هنگامی که به تو امر کردم، چه چیز تو را بازداشت که سجده نکردی؟ [ابلیس] گفت: من از او بهترم.» خداوند فرمود: من او را بر تو برتری بخشیده‌ام؛ چراکه او برتری آن پنج تن را پذیرفت؛ همان پنج‌تنی که تو را بر آنان و شیعیانشان مسلط نگرداندم. و این همان استثنایی است که ابلیس ملعون گفت: «به‌جز آن بندگانت که از میان دیگر بندگان خالص شده‌اند.» و خداوند فرمود: «مسلماً تو بر بندگان من تسلّطی نداری.»

(سورهٔ بقره، آیهٔ ۳۷)
﴿ فَتَلَقَّىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ ﴾

سپس آدم کلماتی را از پروردگارش فراگرفت، و خداوند توبه‌اش را پذیرفت.

۱۰. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: لَمَّا نَزَلَتِ الخَطِيئَةُ بِآدَمَ وَ أُخرِجَ مِنَ الجَنَّةِ أَتَاهُ جَبرَئِيلُ عليه‌السلام فَقَالَ: يَا آدَمُ ادعُ رَبَّكَ قَالَ: حَبِيبِي جَبرَئِيلُ مَا أَدعُو؟ قَالَ: قُل: رَبِّ أَسأَلُكَ بِحَقِّ الخَمسَةِ الَّذِينَ تُخرِجُهُم مِن صُلبِي آخِرَ الزَّمَانِ إِلَّا تُبتَ عَلَيَّ وَ رَحِمتَنِي فَقَالَ لَهُ آدَمُ عليه‌السلام يَا جَبرَئِيلُ سَمِّهِم لِي قَالَ: قُل: رَبِّ اَسأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَ بِحَقِّ عَلِيٍّ وَصِيِّ نَبِيِّكَ وَ بِحَقِّ فَاطِمَةَ بِنتِ نَبِيِّكَ وَ بِحَقِّ الحَسَنِ وَ الحُسَينِ سِبطَي نَبِيِّكَ إِلَّا

تُبتَ عَلَيَّ وَ رَحِمتَنِي. فَدَعَا بِهِنَّ آدَمُ فَتَابَ اللهُ عَلَيهِ وَ ذَلِكَ قَولُ اللهِ تَعَالَى: ﴿ فَتَلَقَّى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ ﴾ وَ مَا مِن عَبدٍ مَكرُوبٍ يُخلِصُ النِّيَّةَ وَ يَدعُو بِهِنَّ إِلَّا استَجَابَ اللهُ لَهُ.

ابن عباس گفت: پیامبر ﷺ فرمود: زمانی که آدم خطا کرد و از بهشت بیرون شد، جبرئیل نزد او آمد و گفت: ای آدم! پروردگارت را بخوان. گفت: ای دوست من جبرئیل! چگونه او را بخوانم؟ گفت: بگو خدایا! به حق آن پنج تنی که از پشت من در آخرالزمان خارج می‌کنی، از تو می‌خواهم که توبهٔ مرا بپذیری و به من رحم کنی. آدم گفت: ای جبرئیل! آنها را برای من نام ببر. جبرئیل گفت: بگو پروردگارا! به حقّ پیامبرت محمّد ﷺ و به حقّ وصیّ او علی علیه السلام و به حقّ دختر پیامبرت فاطمه علیها السلام و به حقّ حسن و حسین علیهما السلام دو نوهٔ پیامبرت از تو تقاضا دارم که توبه‌ام را بپذیری و به من رحم کنی.

این‌چنین آدم به این نام‌ها خدا را خواند و خداوند توبهٔ او را پذیرفت و این همان سخن خداوند متعال است: «سپس آدم کلماتی را از پروردگارش فرا گرفت و خداوند توبه‌اش را پذیرفت.» پس هر بندهٔ گرفتاری خداوند را با نیّت خالص به این نام‌ها بخواند، خداوند دعایش را مستجاب می‌فرماید.

(سورهٔ بقره، آیهٔ ۳۸)

﴿ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى ﴾

پس اگر هدایتی از من به سوی شما بیاید.

۱۱. عَن أَبِي جَعفَرٍ البَاقِرِ علیه السلام: وَ قَولُهُ: ﴿ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى ﴾ قَالَ: فَهُوَ عَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام.

جابر گفت: از امام محمّد باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: منظور از هدایت در این آیه، علی بن ابی طالب علیه السلام است.

(سورهٔ بقره، آیهٔ ۴۰)

﴿ وَ أَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ ﴾

و به عهد و پیمان من وفا کنید، تا [من نیز] به عهد و پیمان شما وفا کنم.

۱۲. عَن سَمَاعَةَ بن مِهرَانَ: عَن أَبی عَبدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: قَولُ اللهِ تعالَی: ﴿ وَ أَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ ﴾ قَالَ: أَوفُوا بِوَلَايَةِ عَلِيِّ بنِ أَبی طالِبٍ عليه السلام فَرضٌ مِنَ اللهِ أُوفِ لَكُم بِالجَنَّةِ.

سماعة‌بن مهران گفت: امام جعفر صادق عليه السلام دربارهٔ این آیه فرمود: منظور این است که بر پیمان ولایت علی‌بن ابی‌طالب عليه السلام که از واجبات الهی است، وفا کنید تا من نیز به عهد خویش با شما که همانا بهشت است، وفا کنم.

(سورهٔ بقره، آیهٔ ۴۳)

﴿ وَ ارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ ﴾

و با رکوع‌کنندگان رکوع کنید.

۱۳. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ: وَ قَولُهُ ﴿ وَ ارْكَعُوا ﴾ أَنَّهَا نَزَلَت فِی رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله وَ عَلِيِّ بنِ أَبی طالِبٍ عليه السلام خَاصَّةً وَ هُمَا أَوَّلُ مَن صَلَّی وَ رَكَعَ.

ابن عباس گفت: آیهٔ ﴿ وَ ارْكَعُوا ﴾ دربارهٔ پیامبر صلى الله عليه وآله و حضرت علی عليه السلام نازل شد و آن دو، نخستین کسانی بودند که نماز گزاردند و رکوع به جای آوردند.

(سورهٔ بقره، آیهٔ ۴۵)

﴿ وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ وَ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ ﴾

و به وسیلهٔ صبر (روزه) و نماز یاری بجویید، و به راستی که آن (نماز) دشوار است مگر بر فروتنان.

۱۴. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ فِی قَولِهِ تَعَالَی: ﴿ وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ ﴾ الخَاشِعُ الذَّلِيلُ فِی صَلَاتِهِ المُقبِلُ

عَلَیها رَسُولُ اللهِ ﷺ وَ عَلیُّ بنُ أَبی طالِبٍ ؑ.

ابن عباس دربارهٔ آیهٔ ﴿وَ اسْتَعینُوا﴾ گفت: منظور از خاشع و فروتن در نماز و کسی که روی به نماز می‌آورد، رسول خدا ﷺ و علی ؑ است.

(سورهٔ بقره، آیهٔ ۸۲)

﴿وَ الَّذینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ أُولٰئِكَ أَصْحابُ الْجَنَّةِ هُمْ فیها خالِدُونَ﴾

و کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای نیک انجام داده‌اند، ایشان اهل بهشت‌اند و در آن جاودان‌اند.

۱۵. قَولُهُ: ﴿وَ الَّذینَ آمَنُوا﴾، نَزَلَت فِی عَلِیِّ بنِ أَبی طالِبٍ خاصَّةً وَ هُوَ أَوَّلُ مُؤمِنٍ وَ أَوَّلُ مُصَلٍّ مَعَ النَّبِیِّ ﷺ.

ابن عباس دربارهٔ این آیه گفت: این آیه مخصوص حضرت علی ؑ نازل شد و او نخستین کسی بود که ایمان آورد و با پیامبر ﷺ نماز گزارد.

(سورهٔ بقره، آیهٔ ۹۰)

﴿بِئْسَمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ یَكْفُرُوا بِما أَنْزَلَ اللهُ بَغْیًا أَنْ یُنَزِّلَ اللهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلىٰ مَنْ یَشاءُ مِنْ عِبادِهِ فَباءُو بِغَضَبٍ عَلىٰ غَضَبٍ﴾

خود را به بد چیزی فروختند [و آن این] که به آن‌چه خدا نازل کرده بود از روی حسد کافر شدند، که [چرا] خدا از فضلش به هر یک از بندگانش که خواهد نازل می‌کند. پس [از سوی خداوند] مستحقّ خشمی بر خشم دیگر شدند.

۱۶. عَن جابِرٍ عَن أَبی جَعفَرٍ الباقِرِ ؑ: وَ قالَ: نَزَلَ جَبرَئیلُ ؑ بِهٰذِهِ الآیَةِ وَ قَولُهُ: ﴿بِئْسَمَا اشْتَرَوْا... بَغْیًا﴾ فِی عَلِیِّ بنِ أَبی طالِبٍ ؑ وَ قالَ اللهُ فِی عَلِیٍّ ﴿أَنْ یُنَزِّلَ اللهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلىٰ مَنْ یَشاءُ مِنْ عِبادِهِ﴾ یَعنِی عَلِیًّا. قالَ اللهُ تَعالَی: ﴿فَباءُو بِغَضَبٍ عَلىٰ غَضَبٍ﴾ یَعنِی

بَنی‌اُمَیَّة وَ ﴿ لِلْکافِرینَ عَذابُ مُهینٌ ﴾ فِی حَقِّهِم.

جابر گفت: امام محمّد باقر ؑ فرمود: جبرئیل ؑ این آیه را دربارهٔ حضرت علی ؑ نازل کرد. خداوند دربارهٔ او فرمود: «خداوند از فضلش به هر یک از بندگانش که خواهد نازل می‌کند.» یعنی حضرت علی ؑ. خداوند متعال فرمود: «مستحق خشمی بر خشم دیگر شدند.» یعنی بنی‌امیّه و «برای کافرین عذابی خوارکننده است» در حق بنی‌امیه است.

(سورهٔ بقره، آیهٔ ۹۸)

﴿ مَنْ کانَ عَدُوًّا لِلّهِ وَ مَلائِکَتِهِ وَ رُسُلِهِ وَ جِبْرِیلَ وَ میکائِیلَ فَإِنَّ اللّهَ عَدُوٌّ لِلْکافِرینَ ﴾

بگو: هر کس دشمن خدا و فرشتگان و پیامبرانش و جبرئیل و میکائیل باشد، [کافر است و باید بداند که] خداوند به یقین دشمن کافران است.

۱۷. عَن أَبی کَهمَسٍ قالَ: قالَ عَلِیُّ‌بنُ أَبی‌طالِبٍ ؑ: یَنجُو فِیَّ ثَلاثَةٌ وَ یَهلِکُ فِیَّ ثَلاثَةٌ، یَهلِکُ اللّاعِنُ وَ المُستَمِعُ وَ المُقِرُّ وَ المَلِکُ المُترَفُ الَّذِی یُبرَأُ عِندَهُ مِن دِینِی وَ یُغضَبُ عِندَهُ مِن نَسَبِی وَ یُتَقَرَّبُ إِلَیهِ بِلَعنِی، إِنَّمَا نَسَبِی نَسَبُ رَسُولِ اللهِ ﷺ وَ دِینِی دِینُ رَسُولِ اللهِ ﷺ وَ یَنجُو فِیَّ ثَلاثَةٌ: المُحِبُّ المُوالِی وَ المُعادِی مَن عادانِی وَ المُحِبُّ مَن أَحَبَّنِی، فَإِذا أَحَبَّنِی عَبدٌ أَحَبَّ مُحِبِّی وَ شایَعَ فِیَّ، فَلیَمتَحِنِ الرَّجُلُ مِنکُم قَلبَه فَإِنَّ اللهَ لَم یَجعَل لِرَجُلٍ مِن قَلبَینِ فِی جَوفِهِ فَیُحِبَّ بِهَذا وَ یُبغِضَ بِهَذا، إِنَّهُ مَن أَشرَبَ قَلبَهُ حُبَّ غَیرِنا قاتَلَنا أَو أَلَّبَ عَلَینا فَلیَعلَم اَنَّ اللهَ عَدُوُّهُ وَ جَبرَئیلُ وَ مِیکائِیلُ وَاللهُ عَدُوٌّ لِلکافِرِینَ.

ابن کهمس می‌گوید: حضرت علی ؑ فرمود: سه گروه از مردم در ارتباط با من نجات می‌یابند و سه گروه به هلاکت می‌رسند. و اما هلاک شوندگان:

لعنت‌کنندهٔ بر من؛ کسی که لعنت بر من را می‌شنود و آن را می‌پذیرد؛ پادشاه

ستمگری که نزد او از دین من برائت می‌جویند و نسبت به نسب من خشمگین می‌شوند و با لعنت بر من به او تقرّب می‌جویند، و حال آن‌که نسب من نسب رسول خدا ﷺ و دین من دین رسول خدا ﷺ است. و اما نجات‌یافتگان: کسی که مرا دوست می‌دارد و پیرو من است؛ دشمن کسی که با من دشمنی می‌کند؛ دوستدار کسی که مرا دوست می‌دارد.

پس اگر بنده‌ای مرا دوست بدارد، دوستان مرا نیز دوست می‌دارد و از من پیروی می‌کند. هر یک از شما باید دل خود را بیازماید؛ زیرا خداوند در سینهٔ هیچ کس دو دل قرار نداده تا با یکی دوست بدارد و با دیگری دشمنی ورزد. کسی که قلبش را از محبّت غیر ما سیراب کرده، به جنگ با ما برخاسته و یا با دشمن ما متّحد شده است. پس باید بداند که خداوند و جبرئیل و میکائیل دشمن او هستند و خداوند دشمنِ کافران است.

(سورهٔ بقره، آیهٔ ۱۳۸)

﴿ صِبْغَةَ اللهِ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللهِ صِبْغَةً ﴾

صبغة الله [را بپذیرید] و چه کسی از نظر صبغه از خدا بهتر است؟

۱۸. مُحَمَّدُبنُ عَلِیٍّ عَن أَبی عَبدِ اللهِ ﷺ فِی قَولِهِ تَعالی: ﴿ صِبْغَةَ اللهِ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللهِ صِبْغَةً ﴾ قَالَ: صِبغَةُ المُؤمِنینَ بِالوَلایَةِ فِی المِیثَاقِ.

محمّد بن علی از امام جعفر صادق ﷺ روایت کرده است که ایشان دربارهٔ این کلام حق تعالی فرمود: منظور، صبغه است که مؤمنان در روز میثاق از ولایت پذیرفتند.

(سورهٔ بقره، آیهٔ ۱۴۳)

﴿ وَ كَذٰلِكَ جَعَلْنٰاكُمْ أُمَّةً وَسَطاً لِتَكُونُوا شُهَدٰاءَ عَلَى النّٰاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا ﴾

و این‌گونه شما را امّتی میانه‌رو قرار دادیم، تا بر مردم گواه باشید و پیامبر [نیز] بر شما گواه باشد.

۱۹. وَ قولُهُ تعالَی: ﴿ و کذلك ﴾ قَالَ: نَحنُ أُمَّةُ الوَسطِ وَ نَحنُ شُهَداءُ اللهِ عَلَی خَلقِهِ وَ حُجَّتُهُ فِی أرضِهِ.

محمّدبن علی گفت: امام جعفر صادق علیه‌السلام دربارهٔ این آیه فرمود: ما همان امت میانه‌رو هستیم و ما گواهان خداوند بر آفریدگانش و حجت او در زمینش هستیم.

۲۰. عَن مَیمُونِ البَانِ مَولَی بَنِی هِشَامٍ: عَن أَبی جَعفَرٍ علیه‌السلام فِی قَولِ اللهِ تَعالَی: ﴿ و کذلك ﴾ قَالَ أَبو جَعفَرٍ: مِنّا شَهِیدُ عَلَی کُلِّ زَمانٍ: عَلِیُّ بنُ أَبی طالِبٍ فِی زَمَانِهِ وَ الحَسَنُ فِی زَمَانِهِ وَ الحُسَینُ فِی زَمانِهِ، وَ کُلُّ مَن یَدعُو مِنّا إلَی أَمرِ اللهِ تَعَالی.

از میمون الباب بنده بنی‌هاشم روایت شده، امام محمّد باقر علیه‌السلام دربارهٔ این آیـه فرمود: از مـا اهـل بـیت علیهم‌السلام در هـر زمـان شـاهد و گـواهـی هست؛ عـلی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام گواه زمان خود؛ امام حسن علیه‌السلام گواه زمان خود؛ و امام حسین علیه‌السلام گواه زمان خویش بودند. همچنان است هر که از ما اهل بیت علیهم‌السلام به سوی امر خداوند متعال دعوت کند.

(سورهٔ بقره، آیهٔ ۱۸۵)

﴿ یُرِیدُ اللهُ بِکُمُ الْیُسْرَ وَ لاٰ یُرِیدُ بِکُمُ الْعُسْرَ ﴾

خداوند برای شما آسانی می‌خواهد و سختی نمی‌خواهد.

۲۱. عَن یُونُسَ بنِ یَعقُوبَ عَن أَبی عَبدِ اللهِ جَعفَرٍ الصَادِقِ علیه‌السلام فِی قَولِهِ تَـعَالَی: ﴿ یُـرِیدُ اللهُ بِکُمُ الْیُسْرَ ﴾ الآیَةُ قَالَ: فَذَلِكَ الیسرُ أَمیرُ المُؤمِنین عَلِیُّ بنُ أَبی طالِبٍ علیه‌السلام.

یونس‌بن یعقوب گفت: امام جعفر صادق علیه‌السلام دربارهٔ این آیه فرمود: منظور از «آسانی» امیرمؤمنان حضرت علی علیه‌السلام است.

(سورهٔ بقره، آیهٔ ۱۸۹)

﴿ وَ لَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهٰا وَ لٰكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقىٰ وَ أْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوٰابِهٰا ﴾

و نیکی آن نیست که از پشت خانه‌ها وارد آنها شوید، بلکه نیکی آن است که کسی پرهیزکار باشد و از درِ خانه‌ها وارد آنها شوید، و از خدا پروا کنید؛ باشد که رستگار گردید.

۲۲. عَنِ الحُسَينِ بنِ أَبِى العَلاءِ عَن أَبِى عبد الله عليه السلام فِى قَولِ اللهِ تَعالَى: ﴿ لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ ﴾[1] وَ قَولُه: ﴿ وَ لَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهٰا وَ لٰكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقىٰ وَ أْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوٰابِهٰا ﴾ قالَ: مُطِرُوا بِالمَدِينَةِ فَلَمّا تَقَشَّعَتِ السَّماءُ وَ خَرَجَتِ الشَّمسُ خَرَجَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله فِى أُناسٍ مِنَ المُهاجِرِينَ وَ الأَنصارِ فَجَلَسَ وَ جَلَسُوا حَولَهُ إِذ أَقبَلَ عَلِيُّ بنُ أَبِى طالِبٍ عليه السلام فَقالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله لِمَن حَولَهُ: هَذا عَلِيٌّ قَد أَتاكُم نَقِيُّ القَلبِ نَقِيُّ الكَفَّينِ، هَذا عَلِيُّ بنُ أَبِى طالِبٍ كَمالاً وَ يَقُولُ صَواباً تَزُولُ الجِبالُ وَ لا يَزُولُ عَن دِينِهِ. قالَ: فَلَمّا دَنا مِن رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله أَجلَسَهُ بَينَ يَدَيهِ فَقالَ: يا عَلِيُّ أَنا مَدِينَةُ الحِكمَةِ وَ أَنتَ بابُها فَمَن أَتَى المَدِينَةَ مِنَ البابِ وَصَلَ يا عَلِيُّ أَنتَ بابِىَ الَّذِى أُوتِىَ مِنهُ وَ أَنا بابُ اللهِ فَمَن أَتانِى مِن سِواكَ لَم يَصِل وَ مَن أَتَى سِواىَ لَم يَصِل. فَقالَ القَومُ بَعضُهُم لِبَعضٍ: ما يَعنِى بِهَذا؟ إِسأَلُوا بِهِ عَلَينا قُرآنا، قالَ: فَأَنزَلَ اللهُ بِهِ قُرآنا: ﴿ لَيْسَ الْبِرُّ ﴾، إِلَى آخِرِ الآيَةِ.

حسین‌بن ابی‌علاء از امام جعفر صادق عليه السلام روایت کرده است که ایشان دربارهٔ این آیه و نیز کلام خداوند متعال «نیکی آن نیست که رو سوی مشرق و مغرب بگردانید» فرمود: در مدینه بارانی بارید. چون آسمان صاف و خورشید پدیدار شد، رسول خدا صلى الله عليه وآله در میان جمعی از مهاجران و انصار بیرون آمد و ایشان نشست و آن جمع کنار ایشان حلقه زدند. در آن دم حضرت علی عليه السلام از

---

۱. بقره، ۱۷۷

راه رسید و رسول خدا ﷺ رو به اطرافیان خود فرمود: این مرد علی علیه السلام است که با دلی پاک و دستانی پاک نزدتان آمده است، این مرد، علی‌بن ابی‌طالب علیه السلام که صاحب کمال و گفتاری نیک است و اگر کوه‌ها از جا شوند، او از دینش بیرون نمی‌شود. چون حضرت علی علیه السلام به رسول خدا ﷺ نزدیک شد، ایشان وی را روبه‌روی خود نشانید و فرمود: ای علی! من شهر حکمت هستم و تو درِ آن هستی، پس هر که از در به شهر آید، به آن می‌رسد. ای علی! تو باب من هستی که از آن وارد می‌شوند و من باب خداوند هستم، پس هر که جز از راه تو سوی من آید، نخواهد رسید و هر که سوی کسی جز من آید، نخواهد رسید. در آن دم آن جماعت به یکدیگر گفتند: منظور چیست؟ از ایشان آیه‌ای در این باره بخواهید. آن‌گاه خداوند در این باره آیه‌ای نازل فرمود: «و نیکی آن نیست که از پشت خانه‌ها وارد آنها شوید، بلکه نیکی آن است که کسی پرهیزکار باشد و از درِ خانه‌ها وارد آنها شوید و از خدا پروا کنید؛ باشد که رستگار گردید.»

(سورهٔ بقره، آیهٔ ۱۹۹)

﴿ ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ ﴾

پس از آنجا که مردم باز می‌گردند، شما هم باز گردید.

۲۳. عَنِ الحُسَينِ بنِ عُلوانَ عَن جعفَرٍ عَن أَبيهِ عَن عَلِيِّ بنِ الحُسَينِ علیه السلام قالَ: قَامَ رَجُلٌ إِلَى عَلِيٍّ فَقالَ: يا أَمِيرَ المُؤمِنِينَ أَخبِرنا عَنِ النَّاسِ وَ أَشباهِ النَّاسِ وَ النَّسناسِ؟ قالَ: فَقالَ عَلِيٌّ: أَجِبهُ يا حَسَنُ قالَ: فَقالَ لَهُ الحَسَنُ علیه السلام: سَأَلتَ عَنِ النَّاسِ فَرَسُولُ اللهِ ﷺ النَّاسُ لِأَنَّ اللهَ تَعالَى يَقُولُ: ﴿ ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ ﴾ وَ نَحنُ مِنهُ، وَ سَأَلتَ عَن أَشباهِ النَّاسِ فَهُم شِيعَتُنا وَ هُم مِنَّا وَ هُم أَشباهُنا، وَ سَأَلتَ عَنِ النَّسناسِ فَهُم هذَا السَّوادُ الأَعظَمُ وَ هُوَ قَولُ اللهِ تَعالَى فِي كِتابِهِ ﴿ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالأَنعامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا ﴾[1].

---

۱. فرقان، ۴۴

حسین بن علوان گفت: امام جعفر صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش علیه السلام از امام سجاد علیه السلام نقل فرمود: مردی سوی حضرت علی علیه السلام برخاست و عرض کرد: ای امیرمؤمنان! ما را از مردم و همانندانِ مردم و نسناس آگاه سازید. حضرت علی علیه السلام فرمود: ای حسن! پاسخش را بده. امام حسن علیه السلام فرمود: از مردم پرسیدی؛ منظور از مردم [در اینجا]، رسول خدا صلی الله علیه و آله است؛ چرا که خداوند متعال می‌فرماید: «پس از آنجا که مردم باز می‌گردند، شما هم بازگردید و ما نیز از او هستیم. و اما دربارهٔ همانندانِ مردم پرسیدی؛ ایشان شیعیان ما می‌باشند که از ما هستند و همانند ما هستند. و اما دربارهٔ نسناس پرسیدی؛ آنان همین سیاهی‌لشکر انبوه هستند و این کلام خداوند متعال در کتابش است: «آنان فقط همچون چهارپایان هستند، بلکه آنان در راه (خود) گمراه‌ترند.»

(سورهٔ بقره، آیهٔ ۲۰۷)

﴿ وَ مِنَ النّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغاءَ مَرْضاتِ اللهِ وَ اللهُ رَءُوفٌ بِالْعِبادِ ﴾

و از مردم کسی است که جانش را برای خشنودی خدا می‌فروشد و خداوند به بندگان [خاصّ خود] مهربان است.

۲۴. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ فِی قَولِهِ تَعالَی: ﴿ وَ مِنَ النّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغاءَ مَرْضاتِ اللهِ ﴾ قالَ: نَزَلَ فِی عَلِیِّ بنِ أَبی‌طالِبٍ علیه السلام حِینَ باتَ عَلی فِراشِ رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله حَیثُ طَلَبَهُ المُشرِکُونَ.

ابن عباس دربارهٔ این آیه گفت: چون مشرکان قصد جان رسول خدا صلی الله علیه و آله را کردند و حضرت علی علیه السلام شب را در بستر ایشان گذراند، این آیه دربارهٔ وی نازل شد.

(سورۀ بقره، آیۀ ۲۰۸)

﴿ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كافَّةً ﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همگی به صلح و سازش درآیید.

۲۵. عَن شَرِيكٍ فِی قَولِهِ تَعالَی: ﴿ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً ﴾ قَالَ: فِی وَلَايَةِ عَلِیِّ بنِ أَبی طالِبٍ علیه السلام.

شریک دربارۀ این آیه گفت: منظور از «صلح و سازش» ولایت حضرت علی علیه السلام است.

۲۶. عَن أَبی بَکرٍ الکَلبیِّ عَن جَعفرِبنِ مُحَمَّدٍ علیه السلام فِی قَولِهِ تَعالَی: ﴿ ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً ﴾ قَالَ: فِی وَلَایَتِنا.

ابی‌بکر کلبی گفت: امام جعفر صادق علیه السلام دربارۀ این آیه فرمود: منظور، درآمدن به ولایت ما اهل بیت است.

(سورۀ بقره، آیۀ ۲۱۰)

﴿ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلاَّ أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللهُ في ظُلَلٍ مِنَ الْغَمامِ وَ الْمَلائِكَةُ ﴾

آیا جز این انتظار دارند که خدا و فرشتگان در سایبان‌هایی از ابر به سوی آنها بیایند؟

۲۷. عَن عَبدِ الوَاحِدِبنِ عَلِیٍّ قَالَ: قَالَ أَمِیرُ المُؤمِنِینَ عَلِیُّ بنُ أَبِی طالِبٍ علیه السلام: أَنَا أُؤَدِّی مِنَ النَّبِیینَ إِلَی الوَصِیِّینَ وَ مِنَ الوَصِیِّینَ إِلَی النَّبِیِّینَ، وَ مَا بَعثَ اللهُ نَبِیًّا إِلَّا وَ أَنَا أَقضِی دَینَهُ وَ أُنجِزُ عِدَاتِه، وَ لَقَدِ اصطَفَانِی رَبِّی بِالعِلمِ وَ الظَّفَرِ، وَ لَقَد وَفَدتُ إِلَی رَبِّیَ اثنَتَی عَشرَةَ وِفَادَةً فَعرَّفَنِی نَفسَهُ وَ أَعطَانِی مَفَاتِیحَ الغَیبِ. ثُمَّ قَالَ: یَا قَنبَرُ مَن عَلَی البَابِ؟ قَالَ: مِیثَمُ التَّمَّارِ مَا تَقُولُ أَن أُحَدِّثَكَ فَإِن أَخَذتَهُ کُنتَ مُؤمِنًا وَ إِن تَرَکتَهُ کُنتَ کَافِرًا. قَالَ: أَنَا الفَارُوقُ الَّذِی أُفَرِّقُ بَینَ الحَقِّ وَ البَاطِلِ، أَنَا أُدخِلُ أَولِیَائِی الجَنَّةَ وَ أَعدَائِی النَّارَ، أَنَا! قَالَ اللهُ ﴿ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلاَّ أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللهُ في ظُلَلٍ مِنَ الْغَمامِ وَ الْمَلائِكَةُ وَ قُضِيَ الْأَمْرُ

وَإِلَى اللهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴾.

عبدالواحدبن علی گفت: امیرمؤمنان حضرت علی ﷺ فرمود: من از پیامبران به اوصیا و از اوصیا به پیامبران می‌رسم. خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرد جز آن‌که من دین او را می‌پردازم و وعده‌هایش را عملی می‌سازم. پروردگارم مرا در علم و پیروزی برگزیده است. من دوازده مرتبه بر درگاه پروردگارم وارد شدم و او خود را به من شناسانید و کلیدهای غیب را به من عطا فرمود. ناگاه حضرت ﷺ فرمود: ای قنبر! چه کسی بر در است؟ عرض کرد: میثم تمار. فرمود: چه می‌گویی اگر تو را حدیثی گویم که اگر به آن عمل کنی، مؤمن باشی و اگر آن را واگذاری، کافر باشی؟ سپس فرمود: من آن جدا کننده‌ام که میان حق و باطل را جدا می‌کنم و دوستانم را به بهشت و دشمنانم را به دوزخ وارد می‌کنم؛ من! خداوند متعال فرمود: «آیا جز این انتظار دارند که خدا و فرشتگان، در سایبان‌هایی از ابر به سوی آنها بیایند؟ و حال آن‌که همه کارها انجام شده و همه چیزها سوی خدا بازگردانده می‌شود.»

(سورهٔ بقره، آیهٔ ۲۴۸)

﴿ بَقِيَّةٌ مِمَّا تَرَكَ آلُ مُوسىٰ وَ آلُ هارُونَ ﴾

بازمانده‌ای است از آن‌چه خاندان موسی وهارون بر جای نهاده‌اند.

۲۸. عن سُلَيمِ بنِ قَيسٍ قَالَ: خَرَجَ أَمِيرُ المُؤمِنين عَلِيُّ بنُ أَبِى طالِبٍ ﷺ وَ نَحنُ قُعودٌ فِى المَسجِدِ بَعدَ رُجُوعِهِ مِن صِفِّينَ وَ قَبلَ يوم النَّهرَوَانَ فَقَعَدَ عَلِيٌّ وَ احتَوَشنَاهُ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ يا أَمِيرَ المُؤمِنِينَ أَخبِرنَا عَن أَصحَابِكَ فَقَالَ: سَل فَذَكَرَ قِصَّةً طَوِيلَةً وَ قَالَ إِنِّى سَمِعتُ رَسُولَ اللهِ ﷺ يَقُولُ فِى كَلَامٍ لَهُ طَوِيلٍ إِنَّ اللهَ أَمَرَنِى بِحُبِّ أَربَعَةِ رِجَالٍ مِن أَصحَابِى وَ أَمَرَنِى أَن أُحِبَّهُم وَ الجَنَّةُ تَشتَاقُ إِلَيهِم فَقِيلَ مَن هُم يَا رَسُولَ اللهِ؟ فَقَالَ: عَلِيُّ بنُ أَبِى طالِبٍ، ثُمَّ سَكَتَ فَقَالُوا مَن هُم يَا رَسُولَ اللهِ؟ فَقَالَ عَلِيٌّ ثُمَّ سَكَتَ فَقَالُوا مَن هُم

يَا رَسُولَ اللهِ فَقَالَ: عَلِيٌّ وَ ثَلاثَةٌ مَعَهُ وَ هُوَ إِمَامُهُم وَ قَائِدُهُم وَ دَلِيلُهُم وَ هادِيهِم لا يَثتَنُونَ وَ لا يَضِلُّونَ وَ لا يَرجِعُونَ وَ لا يَطُولُ عَلَيهِمُ الأَمَدُ فَتَقسُو قُلُوبُهُم سَلمَانُ وَ أَبُوذَرٍّ وَ المِقدَادُ فَذَكَرَ قِصَّةً طَوِيلَةً ثُمَّ قَالَ ادعُوا لِي عَلِيًّا فَأَكبَبتُ عَلَيهِ فَأَسَرَّ إِلَى أَلفَ بَابٍ يَفتَحُ كُلُّ بَابٍ أَلفَ بَابٍ ثُمَّ أَقبَلَ إِلَينَا أَمِيرُ المُؤمِنِينَ وَ قَالَ: سَلُونِي قَبلَ أَن تَفقِدُونِي فَوَ الَّذِي فَلَقَ الحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ إِنِّي لَأَعلَمُ بِالتَّورَاةِ مِن أَهلِ التَّورَاةِ وَ إِنِّي لَأَعلَمُ بِالإِنجِيلِ مِن أَهلِ الإِنجِيلِ وَ إِنِّي لَأَعلَمُ بِالقُرانِ مِن أَهلِ القُرآنِ وَ الَّذِي فَلَقَ الحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ مَا مِن فِئَةٍ تَبلُغُ مِائَةَ نَاسٍ إِلَى يَومِ القِيَامَةِ إِلَّا وَ أَنَا عَارِفٌ بِقَائِدِهَا وَ سَائِقِهَا وَ سَلُونِي عَنِ القُرآنِ فَإِنَّ فِي القُرآنِ بَيَانَ كُلِّ شَيءٍ فِيهِ عِلمُ الأَوَّلِينَ وَ الآخِرِينَ وَ إِنَّ القُرآنَ لَم يَدَع لِقَائِلٍ مَقَالاً ﴿ وَ مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلاَّ اللهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ ﴾[1] لَيسَ بِوَاحِدٍ رَسُولُ اللهِ ﷺ مِنهُم أَعلَمَهُ اللهُ إِيَّاهُ فَعَلَّمَنِيهِ رَسُولُ اللهِ ﷺ ثُمَّ لا تَزَالُ فِي عَقِبِنَا إِلَى يَومِ القِيَامَةِ ثُمَّ قَرَأَ أَمِيرُ المُؤمِنِينَ ﴿ بَقِيَّةٌ مِمَّا تَرَكَ آلُ مُوسىٰ وَ آلُ هارُونَ ﴾ وَ أَنَا مِن رَسُولِ اللهِ ﷺ بِمَنزِلَةِ هارُونَ مِن مُوسَى وَ العِلمُ فِي عَقِبِنَا إِلَى أَن تَقُومَ السَّاعَةُ.

سُلیم بن قیس گفت: پس از بازگشت امیرمؤمنان حضرت علی علیه‌السلام از صفین و پیش از فرارسیدن جنگ نهروان ما در مسجد نشسته بودیم که حضرت علیه‌السلام آمد و ما ایشان را در میان گرفتیم. مردی عرض کرد: ای امیرمؤمنان! ما را از یاران خود خبر دهید. چون آن مرد این سؤال پرسید، حضرت علیه‌السلام قصه‌ای دراز بیان کرد و فرمود: از رسول خدا ﷺ شنیدم که در سخنی طولانی فرمود: همانا خداوند مرا به دوستی چهار تن از اصحابم فرمان داد و امر فرمود تا ایشان را دوست بدارم و البته بهشت به آنان شوق می‌ورزد. عرض شد: آنان کیستند ای رسول خدا؟! فرمود: علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام. و دیگر چیزی نفرمود. باز عرض کردند: آنان کیستند ای رسول خدا؟! فرمود: علی علیه‌السلام و سه تن که با اویند و او امام و رهبر و راهنما و هدایتگر آنان است، به بیراهه نمی‌روند و گمراه

---

۱. آل عمران، ۷

نمی‌شوند و از راه بازنمی‌گردند و آرزوها نزدشان به درازا نمی‌کشد تا مبادا که دل‌هایشان سخت شود؛ ایشان سلمان و ابوذر و مقداد هستند. سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله قصه‌ای دراز بیان کرد و فرمود: علی علیه السلام را نزد من فراخوانید. من سوی ایشان رهسپار شدم و ایشان هزار باب دانش را که هر یک رو به هزار باب گشوده می‌شد، در گوش من نجوا کرد. در آن دم حضرت علی علیه السلام رو سوی ما کرد و فرمود: از من بپرسید پیش از آن‌که مرا از دست دهید، چه به خدایی که دانه را شکافت و انسان را آفرید من به تورات از اهل تورات آگاه‌ترم و من به انجیل از اهل انجیل آگاه‌ترم و من به قرآن از اهل قرآن آگاه‌ترم و به خدایی که دانه را شکافت و انسان را آفرید تا به روز قیامت هیچ گروهی شمارش به صد تن نخواهد رسید جز آن‌که من کنون رهبر و فرمانده‌اش را می‌شناسم. از من دربارهٔ قرآن بپرسید چه در قرآن بیان همه چیز آمده و در آن دانش پیشینیان و پسینیان همه آمده و البته قرآن جای هیچ سخنی برای هیچ سخنوری نگذاشته است، که «تأویل آن را جز خدا و ریشه‌داران در دانش کسی نمی‌داند». ایشان یک نفر نیستند و رسول خدا صلی الله علیه و آله یکی از آنهاست که خداوند این دانش را به او آموخت و او آن را به من آموخت و از آن پس این دانش تا به روز قیامت به همراه ماست. سپس امیرمؤمنان علیه السلام قرائت فرمود: «بازمانده‌ای است از آن‌چه خاندان موسی و هارون به جای نهاده‌اند.» من نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله همچون هارون نسبت به موسی علیه السلام می‌باشم و تا آن‌گاه که قیامت برپا شود، دانش به همراه ماست.

(سورهٔ بقره، آیهٔ ۲۴۹)

﴿ إِنَّ اللهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ ﴾

خداوند شما را به رودخانه‌ای می‌آزماید.

۲۹. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ قَالَ: إِنَّ لِعَلِيِّ‌بنِ أَبِی‌طالِبٍ علیه السلام فِی کِتَابِ اللهِ اِسمًا لَا یَعرِفُهُ النَّاسُ قُلتُ:

وَ مَا هِیَ؟ قَالَ: سَمَّاهُ نَهرًا فَقَالَ: ﴿إِنَّ اللهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ﴾ كَمَا ابتَلىٰ بَنِي إِسرَائِيلَ إِذ خَرَجُوا إِلَى قِتَالِ جَالُوتَ فَابتَلَاهُم بِنَهَرٍ فَابتَلَاكُم بِوَلَايَةِ عَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ ؑ العَارِفُ فِيهَا نَاجٍ وَ المُقَصِّرُ فِيهَا مُذنِبٌ وَ التَّارِكُ لَهَا هَالِكٌ.

ابن عباس گفت: در کتاب خدا برای حضرت علی ؑ اسمی هست که مردم آن را نمی‌دانند. به او گفتم: آن چیست؟ گفت: خداوند او را «رودخانه» نامیده است؛ آنجا که می‌فرماید: «خداوند شما را به رودخانه‌ای می‌آزماید.» و همان‌گونه که بنی‌اسرائیل را هنگامی که به جنگ با جالوت رفتند به آن رودخانه آزمود، شما را نیز به ولایت حضرت علی ؑ آزمود. پس هر که او را بشناسد، نجات یابد، و هر که در حق او کوتاهی کند، به گناه درافتد و هر که او را ترک کند، هلاک شود.

(سورهٔ بقره، آیهٔ ۲۵۳)

﴿تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللهُ وَ رَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ وَ آتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَ أَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَ لَوْ شَاءَ اللهُ مَا اقْتَتَلَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَ لٰكِنِ اخْتَلَفُوا فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ وَ مِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ وَ لَوْ شَاءَ اللهُ مَا اقْتَتَلُوا وَ لٰكِنَّ اللهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ﴾

آنان پیامبرانی هستند که بعضی را بر بعضی برتری دادیم، از ایشان کسی هست که خدا با او سخن گفته است، و درجات بعضی را بالا برده است و به عیسی پسر مریم نشانه‌های روشن دادیم و او را بـه روح القدس تأیید کردیم و اگر خدا می‌خواست، کسانی که پس از ایشان بودند، بعد از آن‌که نشانه‌های روشنی برای آنها آمد بـا یکدیگر جـنگ نـمی‌کردند؛ ولی اختلاف کردند. پس بعضی از ایشان ایمان آوردند و بعضی کافر شدند. و اگر خدا می‌خواست با یکدیگر جنگ نمی‌کردند، ولی خداوند آن‌چه را می‌خواهد انجام می‌دهد.

۳۰. عَن أَصْبَغَ بنِ نُباتَةَ قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إلَى أَمِيرِ المُؤمِنينَ عَلِيِّ بنِ أَبي طالِبٍ ﷺ فَقَالَ: بِمَا نُسَمِّي هَؤُلَاءِ القَومَ الَّذِينَ تُقَاتِلُ، الدِّينُ وَاحِدٌ وَ الصَّلَاةُ وَاحِدَةٌ وَ المَنَاسِكُ وَاحِدَةٌ، ثُمَّ قَد نَادَينَا إلَى الصَّلَاةِ فَنَادَوا بِمِثلِ مَا قَد نَادَينَا فَبِمَا نُسَمِّيهِم قَالَ: نُسَمِّيهِم بِمَا سَمَّاهُمُ اللهُ تَعَالَى. قَالَ: فَقَالَ الرَّجُلُ: يَا أَمِيرَ المُؤمِنينَ مَا كُلُّ مَا قَالَ اللهُ نَعلَمُهُ. قَالَ أَمِيرُ المُؤمِنينَ ﷺ: ﴿ **تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنا بَعْضَهُمْ عَلىٰ بَعْضٍ** ﴾ إلَى قَولِهِ ﴿ **فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ وَ مِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ** ﴾ فَلَمَّا وَقَعَ الإختِلَافُ مِن مُؤمِنٍ وَ كَافِرٍ كُنَّا نَحنُ أَولَى بِاللهِ وَ بِالنَّبِيِّ وَ بِكِتَابِهِ وَ بِالقُرآنِ وَ بِالحَقِّ ﴿ **وَ لَوْ شاءَ اللهُ مَا اقْتَتَلُوا** ﴾ قَاتَلنَاهُم بِمَشِيَّةِ اللهِ وَ إرَادَتِهِ وَلَكِنَّ اللهَ يَفعَلُ مَا يُرِيدُ فَقَالَ الأَصبَغُ: قَالَ الرَّجُلُ: يَا أَمِيرَ المُؤمِنينَ كُفَّارٌ وَ رَبِّ الكَعبَةِ. قَالَ: فَرَأَيتُهُ يَحمِلُ بِالسَّيفِ حَتَّى يَضرِبَ بِهِ الكَتِيبَةَ.

اصبغ بن نباته گفت: مردی به خدمت امیرمؤمنان حضرت علی ﷺ رسید و عرض کرد: ما این قومی را که با آنان به جنگ برخاسته‌ای چه بنامیم حال آن‌که میان ما دین یکی و نماز یکی و مناسک یکی است و وقتی ما از برای نماز ندا سردهیم، آنان نیز همچون ندای ما را سر می‌دهند؛ حال ما اینان را چه بنامیم؟ حضرت ﷺ فرمود: ما همان نامی را بر اینان می‌نهیم که خداوند به آن نامیدشان. آن مرد عرض کرد: ای امیرمؤمنان! ما همه آن‌چه را که خداوند فرموده نمی‌دانیم! امیرمؤمنان ﷺ فرمود: «آنان پیامبرانی هستند که بعضی را بر بعضی برتری دادیم» تا آنجا که «بعضی از ایشان ایمان آوردند و بعضی کافر شدند». پس هنگامی که میان مؤمن و کافر در حقانیت اختلاف افتد، بی‌تردید ما به خداوند و پیامبر و کتاب و قرآن و حق سزاوارتریم. «و اگر خدا می‌خواست با هم جنگ نمی‌کردند» ما با خواست و ارادهٔ خداوند با آنان جنگیدیم، با این حال خداوند آن‌چه را خود می‌خواهد، انجام می‌دهد. در آن دم آن مرد عرض کرد: ای امیرمؤمنان! به پروردگار کعبه سوگند که اینان کافرند و من دیدم که او این بگفت و شمشیر برکشید و به دل آن سپاه زد.

(سورهٔ بقره، آیهٔ ۲۶۵)

﴿ مَثَلُ الَّذینَ یُنْفِقُونَ أَمْوٰالَهُمُ ابْتِغٰاءَ مَرْضٰاتِ اللّٰهِ ﴾

مثل کسانی که اموالشان را برای طلب خشنودی خدا انفاق می‌کنند...

۳۱. عَنِ الصّادِقِ علیه السلام قولُه: ﴿ مَثَلُ الَّذینَ یُنْفِقُونَ أَمْوٰالَهُمُ ابْتِغٰاءَ مَرْضٰاتِ اللّٰهِ ﴾: نَزَلَت فِی عَلِیِّ بنِ أَبی طالِبٍ علیه السلام.

امام جعفر صادق علیه السلام دربارهٔ این آیه فرمود: دربارهٔ حضرت علی علیه السلام نازل شده است[۱].

(سورهٔ بقره، آیهٔ ۲۷۴)

﴿ الَّذینَ یُنْفِقُونَ أَمْوٰالَهُمْ بِاللَّیْلِ وَ النَّهٰارِ سِرًّا وَ عَلاٰنِیَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لاٰ خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَ لاٰ هُمْ یَحْزَنُونَ ﴾

آنان که اموال خویش را در شب و روز، پنهان و آشکار انفاق می‌کنند، پاداششان نزد پروردگارشان [محفوظ است] و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند.

۳۲. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ فِی قَولِهِ تَعالَی ﴿ الَّذینَ یُنْفِقُونَ أَمْوٰالَهُمْ بِاللَّیْلِ وَ النَّهٰارِ سِرًّا وَ عَلاٰنِیَةً ﴾ قالَ: نَزَلَت فِی عَلِیِّ بنِ أَبی طالِبٍ علیه السلام وَ کانَ لَهُ أَربَعُ دَراهِمَ فَتَصَدَّقَ بِدِرهَمٍ لَیلاً وَ بِدِرهَمٍ نَهارًا وَ بِدِرهَمٍ سِرًّا وَ بِدِرهَمٍ عَلانِیَةً فَنَزَلَت فِیهِ هٰذِهِ الآیَةُ.

ابن عباس گفت: این آیه دربارهٔ حضرت علی علیه السلام نازل شد. او چهار درهم داشت که درهمی از آن را در شب و درهمی را در روز و درهمی را پنهان و درهمی را آشکار صدقه داد و این‌چنین این آیه دربارهٔ ایشان نازل شد.

۳۳. عَن أَبی عَبدِالرَّحمنِ السُّلَمِیِّ قالَ: إِنّی لَأَحفَظُ لِعَلِیِّ بنِ أَبی طالِبٍ علیه السلام أَربَعَ مَناقِبَ ما

---

۱. در ترجمهٔ جلد هفتم بحارالانوار آمده است: در این آیه منظور از «مَثَلُ الَّذینَ یُنفِقونَ أَموالَهُم ابتِغاءَ مَرضاتِ اللهِ» کسانی هستند که اموال خود را در راه علی‌بن ابی‌طالب علیه السلام صرف می‌کنند. (ترجمه جلد هفتم، ص ۲۵۷)

یمنعُنِی أَن أذکُرَهَا إِلّا الحَسَدُ قالَ: فَقِیلَ لَهُ أُذکُرهَا فَقَرَءَ هَذِهِ الآیَةَ ذاتَ یوم ﴿ **الَّذینَ یُنْفِقُونَ أَمْوٰالَهُمْ بِاللَّیْلِ وَ النَّهارِ سِرًّا وَ عَلانِیَةً** ﴾ إِلَی آخِرِ الآیَةِ قالَ: وَ مَا کَانَ یَملِکُ یَومَهُ ذَلِکَ إِلّا أَربَعَةَ دَرَاهِمَ فَأَعطَی دِرهَمًا بِاللَّیلِ وَ دِرهَمًا بِالنَّهارِ وَ دِرهَمًا سِرًّا وَ دِرهَمًا عَلانِیَةً.

ابی عبدالرحمن سُلّمی گفت: من از حضرت علی ؈ چهار فضیلت را به یاد دارم که تنها حسادت مرا از بیان آنها باز می‌دارد. کسی گفت: آنها را بازگو. و روزی ابی‌عبدالرحمن این آیه را قرائت کرد: «آنان که اموال خویش را در شب و روز، پنهان و آشکار انفاق می‌کنند» تا به پایان آیه؛ سپس گفت: روزی حضرت علی ؈ چهار درهم بیشتر نداشت؛ درهمی را در شب، درهمی را در روز، درهمی را پنهان و درهمی را آشکار بخشید.

۳۴. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ فِی قَولِهِ تَعالَی ﴿ **الَّذینَ یُنْفِقُونَ أَمْوٰالَهُمْ بِاللَّیْلِ وَ النَّهارِ سِرًّا وَ عَلانِیَةً** ﴾ قالَ نَزَلَت فِی عَلِیِّ بنِ أَبِی طالِبٍ ؈ وَ ذَلِکَ أَنَّهُ أَنفَقَ أَربَعَ دَرَاهِمَ، أَنفَقَ فِی سَوَادِ اللَّیلِ دِرهَمًا وَ فِی وُضُوحِ النَّهارِ دِرهَمًا وَ سِرًّا دِرهَمًا وَ عَلانِیَةً دِرهَمًا، فَلَمّا نَزَلَت هَذِهِ الآیَةُ قالَ النَّبِیُّ ﷺ أَیُّکُم صَاحِبُ هَذِهِ النَّفَقَةِ؟ فَأَمسَکَ القَومُ فَأَعادَهَا النَّبِیُّ ﷺ فَقامَ عَلِیُّ بنُ أَبِی طالِبٍ ؈ وَ قالَ أَنَا یا رَسُولَ اللهِ. فَتَلا النَّبِیُّ ﷺ ﴿ **فَلَهُم اَجْرُهُم** ﴾ یَعنِی ثَوابَهُم ﴿ **عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ** ﴾ مِن قِبَلِ العَذابِ ﴿ **وَ لا هُمْ یَحْزَنُونَ** ﴾ مِن قِبَلِ المَوتِ یَعنِی فِی الآخِرَةِ.

ابن عباس گفت: این آیه دربارهٔ حضرت علی ؈ نازل شد؛ از این قرار که او چهار درهم انفاق کرد: در سیاهی شب درهمی، در روشنایی روز درهمی، پنهانی درهمی و آشکارا درهمی. وقتی این آیه نازل شد، پیامبر ﷺ فرمود: کدام‌یک از شما این‌گونه انفاق کرده است؟ هیچ کس از یاران پاسخ نداد. پیامبر ﷺ باز پرسید. این بار حضرت علی ؈ برخاست و عرض کرد: من ای رسول خدا! آن‌گاه پیامبر ﷺ تلاوت فرمود، «پاداششان نزد پروردگارشان

[محفوظ است]. » یعنی ثواب ایشان «و نه بیمی بر آنان است» از عذاب «و نه اندوهگین می‌شوند» به خاطر مرگ یعنی در آخرت.

(سورهٔ بقره، آیهٔ ۲۸۵)

﴿ آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَ الْمُؤْمِنُونَ ﴾

پیامبر به آن‌چه از سوی پروردگارش بر او نازل شده است، ایمان آورده و مؤمنان [نیز].

۳۵. عَن جَابِربنِ يَزِيدَ عَن أَبِى جَعفَرٍ مُحَمَّدِبنِ عَلِيٍّ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه و آله: لَمَّا أُسرِىَ بِى إِلَى السَّمَاءِ قَالَ لِىَ العَزِيزُ ﴿ آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ ﴾ قُلتُ: ﴿ وَ الْمُؤْمِنُونَ ﴾ قَالَ: صَدقتَ يَا مُحَمَّدُ عَلَيكَ السَّلَامُ مَن خَلَّفتَ لِأُمَّتِكَ مِن بَعدِكَ؟ قُلتُ: خَيرُهَا لِأَهلِهَا، قَالَ: عَلِيُّ بنُ أَبِى طَالِبٍ؟ قُلتُ: نَعَم يَا رَبِّ. قَالَ: يَا مُحَمَّدُ إِنِّى اِطَّلَعتُ إِلَى الأَرضِ إِطِّلَاعَةً فَاختَرتُكَ مِنهَا وَ اشتَقَقتُ لَكَ اسمًا مِن أَسمَائِى لَا أُذكَرُ فِى مَكَانٍ إِلَّا ذُكِرتَ مَعِى فَأَنَا مَحمُودُ وَ أَنتَ مُحَمَّدُ، ثُمَّ اطَّلَعتُ الثَّانِيَةَ فَاختَرتُ عَلِيًّا وَ اشتَقَقتُ لَهُ اسمًا مِن أَسمَائِى فَأَنَا الأَعلَى وَ هُوَ عَلِيٌّ. يَا مُحَمَّدُ إِنِّى خَلَقتُكَ وَ خَلَقتُ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ وَ الحَسَنَ وَ الحُسَينَ وَ الأَئِمَّةَ مِن وُلدِهِ أَشبَاحَ نُورٍ مِن نُورِى وَ عَرَضتُ وِلَايَتَكُم عَلَى السَّمَاوَاتِ وَ أَهلِهَا وَ عَلَى الأَرَضِينَ وَ مَن فِيهِنَّ فَمَن قَبِلَ وَلَايَتَكُم كَانَ عِندِى مِنَ المُقَرَّبِينَ وَ مَن جَحَدَهَا كَانَ عِندِى مِنَ الكُفَّارِ. يَا مُحَمَّدُ لَو أَنَّ عَبدًا عَبَدَنِى حَتَّى يَنقَطِعَ أَو يَصِيرَ كَالشَّنِّ البَالِى ثُمَّ أَتَانِى جَاحِدًا لِوَلَايَتِكُم مَا غَفَرتُ لَهُ حَتَّى يُقِرَّ بِوَلَايَتِكُم. يَا مُحَمَّدُ تُحِبُّ أَن تَرَاهُم؟ قُلتُ: نَعَم يَا رَبِّ قَالَ: اِلتَفِت عَن يَمِينِ العَرشِ فَالتَفَتُّ فَإِذَا أَنَا بِالأَشبَاحِ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الحَسَنِ وَ الحُسَينِ وَ الأَئِمَةِ كُلِّهِم حَتَّى بَلَغَ المَهدِيَّ ـ صَلَوَاتُ اللهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيهِم أَجمَعِينَ ـ فِى ضَحضَاحٍ مِن نُورٍ قِيَامٌ يُصَلُّونَ وَ المَهدِيُّ فِى وَسَطِهِم كَأَنَّهُ كَوكَبُ دُرِّيٌّ، فَقَالَ لِى: يَا مُحَمَّدُ هٰؤُلَاءِ الحُجَجُ وَ هُوَ الثَّائِرُ مِن عِترَتِكَ فَوَ عِزَّتِى وَ جَلَالِى إِنَّهُ لَحُجَّةٌ وَاجِبَةٌ لِأَولِيَائِى مُنتَقِمٌ مِن أَعدَائِى.

جابر بن یزید از امام محمّد باقر عليه السلام روایت کرده است که ایشان فرمود:

رسول خداﷺ فرمود: چون شبانه مرا به آسمان بردند، خداوند شکست‌ناپذیر به من فرمود: «پیامبر به آن‌چه از سوی پروردگارش بر او نازل شده است، ایمان آورده.» من گفتم: «[و نیز] مؤمنان.» فرمود: راست گفتی ای محمّد! سلام بر تو، چه کسی را پس از خودت برای این امت جانشین گذارده‌ای؟ گفتم: کسی که برای امت بهترین است. فرمود: علی‌بن ابی‌طالبؑ؟ گفتم: بله‌ای پروردگارم! فرمود: من سوی زمین نگریستم و تو را از آنجا برگزیدم و برایت نامی از نام‌های خود برگرفتم و این‌چنین در هیچ کجا از من یاد نمی‌شود جز آن‌که از تو نیز به همراه من یاد شود؛ من محمود هستم و تو محمّد. سپس بار دیگر نگریستم و علیؑ را برگزیدم و برایش نامی از نام‌های خود برگرفتم؛ من اعلی هستم و او علی. ای محمّد! من تو را و علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان زادهٔ وی راﷺ چونان اشباح نور از نور آفریدم و ولایت شما را بر آسمان‌ها و اهلشان و بر زمین‌ها و هر که در آنهاست، عرضه داشتم؛ پس هر که ولایت شما را پذیرفت، از نزدیکان درگاه من شد و هر که آن را انکار کرد، از کافران درگاه من شد. ای محمّد! اگر بنده‌ای مرا چونان عبادت کند که بند بندش بگسلد یا همچون مشکی پوسیده شود، سپس در حالی نزد من بیاید که منکر ولایت شماست، هیچ او را نخواهم آمرزید تا این‌که به ولایت شما اقرار کند. ای محمّد! آیا دوست داری که ایشان را به تو نشان دهم؟ گفتم: بله ای پروردگار من! فرمود: رو سوی سمت راست عرش کن. من چنین کردم و ناگاه اشباح علی و فاطمه و حسن و حسین و دیگر امامان را تا به مهدیﷺ ـ که سلام و درود خداوند بر همهٔ ایشان باد ـ در موجی از نور دیدم که به نماز ایستاده‌اند و مهدیؑ را چون ستاره‌ای درخشان در میان گرفته‌اند. آن‌گاه خداوند فرمود: ای محمّد! اینان حجت‌های من هستند و این مرد منتقم خاندان توست که به عزت و جلالم سوگند او از برای دوستان من حجتی واجب است و از دشمنان من انتقام می‌گیرد.

۳۶. عَن حُذَيفَةَ بنِ اليمانِ قَالَ: دَخَلَت عَائِشَةُ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ وَ هُوَ يُقَبِّلُ فَاطِمَةَ ﷺ وَقَالَت: يَا رَسُولَ اللهِ أَتُقَبِّلُهَا وَ هِيَ ذَاتُ بَعلٍ؟ فَقَالَ لَهَا: أَمَا وَ اللهِ لَو عَرَفتِ وُدِّي لَهَا لَازدَدتِ لَهَا وُدًّا، إِنَّهُ لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ أَذَّنَ جَبرَئِيلُ ﷺ وَ أَقَامَ مِيكَائِيلُ ثُمَّ قَالَ لِي: أُدنُ قُلتُ أَدنُو وَ أَنتَ حَاضِرٌ؟ فَقَالَ: نَعم إِنَّ اللهَ ـ عَزَّ وَ جَلَّ ـ فَضَّلَ أَنبِيَاءَهُ المُرسَلِينَ عَلَى مَلَائِكَتِه المُقَرَّبِينَ وَ فَضَّلَكَ أَنتَ خَاصَّةً يَا مُحَمَّدُ. فَدَنَوتُ فَصَلَّيتُ بِأَهلِ السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ فَلَمَّا صِرتُ إِلَى السَّمَاءِ السَّادِسَةِ إِذَا أَنَا بِمَلَكٍ مِن نُورٍ عَلَى سَرِيرٍ مِن نُورٍ وَ حَولَهُ صَفٌّ مِنَ المَلَائِكَةِ فَسَلَّمتُ عَلَيهِ فَرَدَّ عَلَيَّ السَّلَامَ وَ هُوَ مُتَّكِيءٌ فَأَوحَى اللهُ تَعَالَى إِلَيهِ أَيُّهَا المَلَكُ سَلِّم عَلَيكَ حَبِيبِي وَ خِيرَتِي مِن خَلقِي فَرَدَدتَ عَلَيهِ السَّلَامَ وَ أَنتَ مُتَّكِيءٌ؟ فَوَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي لَتَقُومَنَّ وَ لَتُسَلِّمَنَّ عَلَيه وَ لَا تَقعُدُ إِلَى يَومِ القِيَامَةِ فَقَامَ المَلَكُ وَ عَانَقَنِي ثُمَّ قَالَ: مَا أَكرَمَكَ عَلَى رَبِّ العَالَمِينَ! فَلَمَّا صِرتُ إِلَى الحُجُبِ نُودِيتُ ﴿ **آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ** ﴾ فَأُلهِمتُ وَ قُلتُ ﴿ **وَ الْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ** ﴾ ثُمَّ أَخَذَ جَبرَئِيلُ ﷺ بِيَدِي فَأَدخَلَنِي الجَنَّةَ وَ أَنَا مَسرُورٌ فَإِذَا أَنَا بِشَجَرَةٍ مِن نُورٍ مُكَلَّلَةٍ بِالنُّورِ فِي أَصلِهَا مَلَكَانِ يَطوِيَانِ الحُلِيَّ وَ الحُلَلَ إِلَى يَومِ القِيَامَةِ ثُمَّ تَقَدَّمتُ أَمَامِي فَإِذَا أَنَا بِتُفَّاحٍ لَم أَرَ تُفَّاحًا أَعظَمَ مِنهُ فَأَخَذتُ وَاحِدَةً فَفَلَقتُهَا فَخَرَجَت عَلَيَّ مِنهَا حَورَاءُ كَأَنَّ أَجنَاحَهَا مَقَادِيمُ أَجنِحَةِ النُّسُورِ فَقُلتُ: لِمَن أَنتِ؟ فَبَكَت وَ قَالَت: لِابنِكَ المَقتُولِ ظُلمًا الحُسَينِ بنِ عَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ ﷺ ثُمَّ تَقَدَّمتُ أَمَامِي فَإِذَا أَنَا بِرُطَبٍ أَليَنَ مِنَ الزُّبدِ وَ أَحلَى مِنَ العَسَلِ فَأَخَذتُ رُطَبَةً فَأَكَلتُهَا وَ أَنَا أَشتَهِيهَا فَتَحَوَّلَتِ الرُّطَبَةُ نُطفَةً فِي صُلبِي فَلَمَّا هَبَطتُ إِلَى الأَرضِ وَاقَعتُ خَدِيجَةَ فَحَمَلَت بِفَاطِمَةَ، فَفَاطِمَةُ حَورَاءُ إِنسِيَّةٌ فَإِذَا اشتَقتُ إِلَى رَائِحَةِ الجَنَّةِ شَمِمتُ رَائِحَةَ ابنَتِي فَاطِمَةَ ﷺ.

حذیفه‌بن یمان گفت: عایشه نزد پیامبر ﷺ رسید و حال آنکه ایشان حضرت فاطمه ﷺ را می‌بوسید. عایشه عرض کرد: ای رسول خدا! آیا هنوز او را می‌بوسی، حال آنکه شوهر دارد؟ رسول خدا ﷺ فرمود: به خدا سوگند اگر

می‌دانستی چقدر دوستش دارم، تو نیز بیش از پیش دوستش می‌داشتی؛ چراکه چون مرا به آسمان چهارم فراز بردند، جبرئیل اذان سر داد و میکائیل اقامه گفت و سپس جبرئیل به من گفت: نزدیک بیا! گفتم: من بیایم حال آن‌که تو خود هستی؟ گفت: بله، خداوند عزوجل پیامبران فرستاده‌شده‌اش را بر فرشتگان مقرب خود برتری بخشیده و تو را ای محمّد به گونه‌ای ویژه برتری داده است. من جلو رفتم و پیشاپیش اهل آسمان چهارم نماز گزاردم. در آن دم فرشته‌ای از نور را دیدم که پیرامونش فرشتگان صف زده بودند. من به او سلام کردم و او سلامم را پاسخ گفت و حال آن‌که بر تخت تکیه زده بود. ناگهان خداوند متعال به او وحی فرمود: ای فرشته! حبیب من و برگزیدهٔ من از میان آفریدگانم بر تو سلام کرد و تو در حالی پاسخش را دادی که بر تخت تکیه زده بودی. به عزت و جلالم سوگند که بایست بایستی و بر او سلام گویی و تا به روز قیامت هیچ ننشینی. آن‌گاه آن فرشته برخاست و مرا در آغوش کشید و گفت: چقدر نزد پروردگار جهانیان ارجمند هستی! وقتی به حجاب‌ها رسیدم، به من ندا داده شد: «پیامبر به آن‌چه از سوی پروردگارش بر او نازل شده است، ایمان آورده.» آن‌گاه من الهام گرفتم و گفتم: «[و نیز] مؤمنان همگی به خداوند و فرشتگانش و کتاب‌هایش و فرستادگانش ایمان آورده‌اند.» سپس جبرئیل دست مرا که شادمان بودم گرفت و به بهشت درآورد و ناگاه من آنجا درختی از نور و آراسته به نور دیدم که دو فرشته تا به قیامت بر پایش دیبا و حریر می‌پوشاندند. من پیش رفتم و ناگهان سیبی دیدم که هرگز سیبی بزرگ‌تر از آن ندیده بودم. آن را برداشتم و میانش را شکافتم. در آن دم از میانش حوریه‌ای بیرون آمد که بال‌هایش همچون بال‌های پرندگان تیزپرواز بود. گفتم: تو از برای کیستی؟ ناگاه گریست و گفت: از برای حسین‌بن علی ﷺ پسر تو که به ستم کشته می‌شود. من باز پیش رفتم و ناگهان رطبی نرم‌تر از کره و شیرین‌تر از

عسل دیدم. آن را برداشتم و با میل بسیار خوردم و در آن دم آن رطب به نطفه‌ای در پشتم دگرگون شد. وقتی بر زمین فرود آمدم، با خدیجه همبستر شدم و او فاطمه علیها السلام را باردار شد. پس فاطمه علیها السلام فرشته‌ای از جنس انسان است که من هرگاه دلتنگ بوی بهشت می‌شوم، دخترم فاطمه علیها السلام را می‌بویم.

وَ مِن سُورَةِ آلِ عِمرَانَ

(سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۵ ـ ۱۶)

﴿ قُلْ أَؤُنَبِّئُكُمْ بِخَيْرٍ مِنْ ذٰلِكُمْ ﴾

بگو: آیا شما را به بهتر از این (متاع دنیا) خبر دهم؟

۳۷. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ: ﴿ قُلْ أَؤُنَبِّئُكُمْ بِخَيْرٍ مِنْ ذٰلِكُمْ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ ﴾ إِلَى آخِرِ الآيَتَينِ قَالَ: نَزَلَت فِي عَلِيِّ بنِ أَبِي طالِبٍ عليه السلام وَ حَمزَةَ بنِ عَبدِ المُطَّلِبِ وَ عُبَيدَةَ بنِ الحَارِثِ.

ابن عباس گفت: این آیه دربارهٔ علی بن ابی طالب عليه السلام و حمزة بن عبدالمطلب و عبیده پسر حارث نازل شده است.

(سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۸)

﴿ شَهِدَ اللّٰهُ أَنَّهُ لا إِلٰهَ إِلاّ هُوَ وَ الْمَلائِكَةُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قائِمًا بِالْقِسْطِ لا إِلٰهَ إِلاّ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴾

خداوند که برپادارندهٔ عدل و داد است، گواهی داد که هیچ معبودی جز او نیست و فرشتگان و صاحبان علم نیز [گواهی دادند] که او قیام به قسط دارد و جز او که توانای حکیم است، هیچ معبودی نیست.

۳۸. عَن أَبی جَعفرٍ علیه السلام فِی قَولِهِ: ﴿ شَهِدَ اللّٰهُ أَنَّهُ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ هُوَ وَ الْمَلاٰئِکَةُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قٰائِمًا بِالْقِسْطِ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ هُوَ الْعَزیزُ الْحَکیمُ ﴾ قَالَ أَبو جَعفرٍ علیه السلام: هُوَ کَمَا شَهِدَ لِنَفسِهِ. وَ أَمّا قَولُهُ ﴿ وَ الْمَلاٰئِکَةُ ﴾ فَأَقَرَّتِ المَلائِکَةُ بِالتَّسلیم لِرَبِّهِم وَ صَدَّقُوا وَ شَهِدُوا أَنَّهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ کَمَا شَهِدَ لِنَفسِهِ، وَ أَمّا قَولُهُ ﴿ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قٰائِمًا بِالْقِسْطِ ﴾ فَإِنَّ أُولِی العِلمِ الأَنبِیاءُ ـ عَلَیهِمُ الصَّلاةُ وَ السَّلامُ ـ وَ الأَوصِیاءُ علیهم السلام وَ هُم قِیامٌ بِالقِسطِ کَمَا قَالَ اللّٰهُ وَ القِسطُ هُوَ العَدلُ فِی الظّٰهِرِ، وَ العَدلُ فِی البطنِ هُوَ عَلِیُّ بنُ أَبی طالِبٍ علیه السلام.

امام محمّد باقر علیه السلام دربارهٔ این آیه فرمود: او همچنان است که خود برای خویش گواهی داده است. و امّا آنجا که فرمود «و فرشتگان»؛ آنان به تسلیم بودن برای پروردگارشان اقرار کردند و تصدیق نمودند و گواهی دادند که هیچ خدایی جز او نیست همچنانکه خود برای خویش گواهی داده است. و اما آنجا که فرمود «و صاحبان علم نیز [گواهی دادند] که او قیام به قسط دارد»، صاحبان علم همان پیامبران و اوصیا هستند ـ که سلام و درود بر ایشان باد ـ و ایشاناند که قیام به قسط دارند و قسط در ظاهر عدالت است و عدالت در باطن حضرت علی علیه السلام است[1].

(سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۳۳ ـ ۳۴)

﴿ إِنَّ اللّٰهَ اصْطَفىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرٰاهیمَ وَ آلَ عِمْرٰانَ عَلَى الْعٰالَمینَ ٭ ذُرِّیَّةً بَعْضُهٰا مِنْ بَعْضٍ وَ اللّٰهُ سَمیعٌ عَلیمٌ ﴾

بی تردید خداوند، آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برگزید. فرزندانی که بعضی از آنان از [نسل] بعضی دیگرند و خدا شنوای داناست.

۳۹. عَن خَیثَمَةَ الجُعفِیِّ قَالَ: قُلتُ لِأَبی جَعفَرٍ علیه السلام: جُعِلتُ فِداكَ أَخبِرنی عَن آدَمَ وَنُوحٍ کَانَا عَلَى مَا نَحنُ عَلَیهِ؟ قَالَ: یَا خَیثَمَةُ لَیسَ أَحَدٌ مِنَ الأَنبیاءِ وَ الرُّسُلِ إِلّا وَ قَد کَانُوا عَلَى

---

۱. در تفسیر عیاشی مانند همین حدیث به نقل از جابر و نیز در *بحارالانوار*، ۱۳۲/۳۶ آمده است.

مَا نحنُ عَليه ، يَا خَيثَمَةُ إنَّ المَلائِكَةَ فِى السَّماءِ هُم عَلى مَا أَنتُم عَليهِ وَ هُوَ قَـولُ اللهِ تَعَالَى ﴿ **إِنَّ اللهَ اصْطَفىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرٰاهِيمَ وَ آلَ عِمْرٰانَ عَلَى الْعٰالَمِينَ ذُرِّيَّةً بَعْضُهٰا مِنْ بَعْضٍ** ﴾ إِنَّما هُمُ الصَّفوَةُ الَّذِينَ ارتَضَاهُم لِنفسِهِ.

خيثمه جعفى گفت : به امام محمّد باقر عليه السلام عرض كردم : فدايت شوم! مرا از آدم و نوح عليهما السلام خبر دهيد ، آيا ايشان بر راه ما بودند؟ حضرت عليه السلام فرمود : اى خيثمه! فرشتگان آسمان نيز بر راه شما هستند و ايـن هـمان كـلام حـق تـعالى است : «بى ترديد خداوند آدم و نـوح و آل ابـراهـيم و نـيز آل‌عـمران را بـر جـهانيان برگزيد. فرزندانى كه بعضى از آنان از [نسل] بعضى ديگرند.» ايشـان هـمان برگزيدگان‌اند كه خداوند آنان را براى خود پسنديده است.

۴۰. عَن جَعفَرِبنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام قَالَ: قَالَ عَلِيُّ بنُ أَبى طالِبٍ عليه السلام لِلحَسَنِ: يَا بُنَيَّ قُم فَاخطُب حَتَّى أَسمَعَ كَلامَكَ. قَالَ: يَا أَبَتَاه كَيفَ أَخطُبُ وَ أَنا أَنظُرُ إِلَى وَجهِكَ استَحيِى مِنكَ. قَالَ: فَجَمَعَ عَلِيُّ بنُ أَبى طالِبٍ عليه السلام أُمَّهاتِ أَولادِهِ ثُمَّ تَوارَى عَنهُ حَيثُ يَسمَعُ كَلامَهُ فَقَامَ الحَسَنُ عليه السلام فَقَالَ: الحَمدُ لِلّهِ الوَاحِدِ بِغَيرِ تَشبِيهٍ ، الدَّائِمِ بِغَيرِ تَكوِينٍ ، القَائِمِ بِغَيرِ كُلفَةٍ ، الخَالِقِ بِغَيرِ مَنصَبَةٍ ، المُوصُوفِ بِغَيرِ غَايَةٍ ، المَعرُوفِ بِغَيرِ مَحدُودِيَّةٍ ، العَزِيزِ لَم يَزَل قَدِيمًا فِى القِدَمِ ، رُدِعَتِ القُلُوبُ لِهَيبَتِهِ ، وَ ذَهَلَتِ العُقُولُ لِعِزَّتِهِ ، وَ خَضَعَتِ الرِّقَابُ لِقُدرَتِهِ ، فَلَيسَ يَخطُرُ عَلَى قَلبِ بَشَرٍ مَبلَغُ جَبَرُوتِهِ ، وَ لَا يَبلُغُ النَّاسُ كُنهَ جَلالِهِ ، وَ لَا يُفصِحُ الوَاصِفُونَ مِنهُم لِكُنهِ عَظَمَتِهِ ، وَ لَا تَبلُغُهُ العُلَمَاءُ بِأَلبَابِهَا ، وَ لَا أَهلُ التَّفَكُّرِ بِتَدبِيرِ أُمُورِهَا ، أَعلَمُ خَلقِهِ بِهِ الَّذِى بِالحَدِّ لَا يَصِفُهُ ، يُدرِكُ الأَبصَارَ وَ لَا تُدرِكُهُ الأَبصَارُ وَ هُوَ اللَّطِيفُ الخَبِيرُ.

أَمَّا بَعدُ ، فَإِنَّ عَلِيًّا بَابٌ مَن دَخَلَهُ كَانَ مُؤمِنًا وَ مَن خَرَجَ مِنهُ كَانَ كَافِرًا ، أَقُولُ قَولِى هَذَا وَ أَستَغفِرُ اللهَ العَظِيمَ لِى وَ لَكُم.

فَقَامَ عَلِيُّ بنُ أَبِى طالِبٍ عليه السلام وَ قَبَّلَ بَينَ عَينَيهِ ثُمَّ قَالَ: ﴿ **ذُرِّيَّةً بَعْضُهٰا مِنْ بَعْضٍ وَ اللهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ** ﴾.

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: حضرت علی علیه السلام به امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود: پسرم برخیز و خطبه‌ای بخوان تا سخنرانی تو را بشنوم. امام حسن علیه السلام فرمود: ای پدر! چه‌طور خطبه بخوانم حال آن‌که بر روی شما می‌نگرم و از شما شرم دارم. از این رو حضرت علی علیه السلام مادران فرزندان خود را گرد آورد و خود را در مکانی که سخن او را می‌شنید، پنهان کرد. آن‌گاه امام حسن علیه السلام برخاست و فرمود: سپاس خداوند یگانه را که مانندی ندارد، پایداری است که ایجاد نشده و بی‌هیچ تکلّفی برجاست و بی‌هیچ زحمتی می‌آفریند و موصوفی است که برای وصفش غایتی نیست و معروفی است که برای شناختنش حدّی نیست و عزیزی است که همواره در قدمتش قدیم است. قلب‌ها از هیبتش در هراس و عقل‌ها در برابر عزتش سرگشته و گردن‌ها در برابر قدرتش خاضع‌اند. اندازهٔ جبروتش بر قلب هیچ بشری خطور نمی‌کند و مردم به ژرفای جلالش نمی‌رسند و بیان ژرفای عظمتش خارج از فصاحت واصفان است و دانشمندان با خردهایشان و ارباب اندیشه با تدبیر امورشان به او نخواهند رسید. داناترین آفریدگانش به او کسی است که او را به حدّ و اندازه وصف نمی‌کند. دیدگان را در می‌یابد و دیدگان او را در نمی‌یابند و او لطیف و آگاه است. امّا بعد، همانا علی علیه السلام بابی است که هر کس به آن درآید، مؤمن است و هر کس از آن بیرون رود، کافر است. این سخن را می‌گویم و از خداوند برای خود و شما آمرزش خواستارم. آن‌گاه حضرت علی علیه السلام برخاست و میان دو دیدهٔ ایشان را بوسید و فرمود: «فرزندانی که بعضی از آنان از [نسل] بعضی دیگرند و خدا شنوای داناست.»

۴۱. عَن أَبِی مُسلِمٍ الخُولَانِیِّ قَالَ: دَخَلَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله عَلَی فَاطِمَةَ الزَّهرَاءِ علیها السلام وَ عَائِشَةَ وَ هُمَا یَفتَخِرَانِ وَ قَدِ احمَرَّت وُجُوهُهُمَا فَسَأَلَهُمَا عَن خَبَرِهِمَا فَأَخبَرَتَاهُ فَقَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله: یَا عَائِشَةُ أَوَ مَا عَلِمتِ أَنَّ اللهَ اصطَفَی آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبرَاهِیمَ وَ آلَ عِمرَانَ وَ عَلِیًّا

وَ الحَسَنَ وَ الحُسَینَ وَ حَمزَةَ وَ جعفرًا وَ فَاطِمَةَ وَ خَدِیجَةَ عَلَی العَالَمِینَ؟

ابی مسلم خولانی گفت: پیامبر ﷺ بر حضرت فاطمه و عایشه وارد شد در حالی‌که آنان بر یکدیگر مفاخره می‌کردند و چهره‌هاشان سرخ شده بود. حضرت از ماجرا جویا شد و آنان ایشان را خبر دادند. پیامبر ﷺ به عایشه فرمود: ای عایشه! آیا نمی‌دانی که خداوند آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران و علی علیه‌السلام و حسن و حسین علیهماالسلام و حمزه و جعفر و فاطمه علیهاالسلام و خدیجه علیهاالسلام را بر جهانیان برگزید؟

۴۲. عَن بُرِیدَةَ قَالَ: بَعثَ رَسُولُ اللهِ ﷺ عَلِیَّ بنَ أَبی‌طالِبٍ علیه‌السلام إِلَی الیمَنِ وَ خَالِدًا إِلَی الخَیلِ وَ قَالَ: إِذَا اجتَمَعتُمَا فَعَلِیٌّ عَلَی النَّاسِ. قَالَ: فَلَمَّا قَدِمنَا إِلَی النَّبِیِّ ﷺ فُتِحَ عَلَی المُسلِمِینَ وَ أَصَابُوا مِنَ الغَنَائِمِ غَنَائِمَ کَثِیرَةً وَ أَخَذَ عَلِیُّ بنُ أَبی‌طالِبٍ علیه‌السلام جَارِیَةً مِنَ الخُمسِ. قَالَ: فَقَالَ خَالِدُ: یا بُرِیدَةُ اغتَنِمهَا إِلَی النَّبِیِّ ﷺ فَأَخبِرهُ وَ إِنَّهُ یَسقُطُ مِن عَینَیهِ. فَقَالَ بُرَیدَةُ: فَقَدِمتُ المَدِینَةَ وَ دَخَلتُ المَسجِدَ فَأَتَیتُ مَنزِلَ النَّبِیِّ ﷺ، وَ رَسُولُ اللهِ ﷺ فِی بَیتِهِ وَ نَفرٌ عَلَی بَابِهِ جُلُوسٌ قَالَ: وَ إِلَیكَ المَفَرُّ عِندَ النَّاسِ أَئِمَّةٌ! قَالَ: فَقَالُوا: یَا بُرَیدَةُ مَا الخَبَرُ؟ قَالَ: خَبَرُ فَتحِ اللهِ عَلَی المُسلِمِینَ فَأَصَابُوا مِنَ الغَنَائِمِ مَا لَم یُصِیبُوا مِثلَهَا. قَالُوا: فَمَا أَقدَمَكَ؟ قَالَ: بَعَثَنِی خَالِدُ أُخبِرَ النَّاسَ ﷺ بِجَارِیَةٍ أَخَذَهَا عَلِیُّ بنُ أَبی‌طالِبٍ علیه‌السلام مِنَ الخُمسِ قَالَ: فَأَخبِرهُ فَإِنَّهُ یَسقُطُ مِن عَینَیهِ. قَالَ: وَ رَسُولُ اللهِ ﷺ یَسمَعُ الکَلَامَ.

بریده گفت: رسول خدا ﷺ علی علیه‌السلام را سوی یمن و خالد را سوی خیل فرستاد و فرمود: زمانی که هر دو لشکر به هم رسیدید، علی علیه‌السلام امیر باشد. بریده گفت: وقتی به حضور پیامبر ﷺ می‌آمدیم، مسلمانان پیروز شده و غنایم بسیاری به‌دست آورده بودند و علی علیه‌السلام کنیزی را از خمس برداشت. خالد گفت: ای بریده! این فرصت را غنیمت شمار و به نزد پیامبر ﷺ برو و به ایشان خبر بده. بی‌تردید علی علیه‌السلام از چشمان پیامبر می‌افتد. بریده گفت: به

مدینه آمدم و داخل مسجد پیامبر ﷺ شدم و به درِ منزل ایشان رفتم. پیامبر در منزل بود و چند نفری هم کنار در نشسته بودند. آن‌ها گفتند: ای بریده! چه خبر؟ بریده گفت: خبر فتح و ظفری که خداوند به مسلمانان کرامت فرموده و ایشان غنایم بسیاری به دست آورده‌اند که تا به‌حال همانندش به دست ایشان نرسیده است. گفتند: چه چیز تو را واداشت که نزد پیامبر ﷺ بیایی؟ بریده گفت: خالد مرا فرستاده تا به پیامبر ﷺ خبر دهم که علی ؑ از غنایم بابت خمس کنیزی برداشته است. گفتند: این خبر را به حضرت بگو، بی‌تردید علی ؑ از چشم پیامبر ﷺ می‌افتد. بُریده گفت: رسول خدا ﷺ کلام ما را می‌شنید.

قَالَ: فَخَرَجَ النَّبِيُّ ﷺ مُغضِبًا كَأَنَّمَا يَفقَأُ فِي حُبِّ الرُّمَّانِ فَقَالَ: مَا بَالُ أَقوَامٍ يَنتَقِصُونَ عَلِيًّا؟! مَن يَنقُص عليًّا فَقَد يَنقُصِنِي، وَ مَن فَارَقَ عَلِيًّا فَقَد فَارَقَنِي، إِنَّ عَلِيًّا مِنِّي وَ أَنَا مِنهُ، خَلَقَهُ اللهُ مِن طِينَتِي وَ خُلِقتُ مِن طِينَةِ إِبرَاهِيم، وَ أَنَا أَفضَلُ مِن إِبرَاهِيمَ وَ فَضلُ إِبرَاهِيمَ لِي، ذُرِّيَّةً بَعضُهَا مِن بَعضٍ، وَيحَكَ يَا بُرَيدَةُ أَمَا عَلِمتَ أَنَّ لِعَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ ؑ فِي الخُمسِ أَفضَلَ مِنَ الجَارِيَةِ أَلَّتِي أَخَذَهَا وَ أَنَّهُ وَلِيُّكُم مِن بَعدِي.

قَالَ: فَلَمَّا رَأَيتُ شِدَّةَ غَضَبِ رَسُولِ اللهِ ﷺ قُلتُ: يَا رَسُولَ اللهِ أَسأَلُكَ بِحَقِّ الصُّحبَةِ إِلَّا بَسَطتَ لِي يَدَكَ حَتَّى أُبَايِعَكَ عَلَى الإِسلَامِ جَدِيدًا. قَالَ: فَمَا فَارَقتُ رَسُولَ اللهِ ﷺ حَتَّى بَايَعتُهُ عَلَى الإِسلَامِ جَدِيدًا.

حضرت خشمگین بیرون آمد و گویی چون اناری سرخ شده بود و فرمود: چه می‌پندارند کسانی که از منزلت علی ؑ می‌کاهند؟ هر که از منزلت علی بکاهد، از منزلت من کاسته و هر که از علی جدا شود، از من جدا شده است. علی از من است و من از اویم. خداوند او را از گل من و مرا از گل ابراهیم سرشته و حال آن‌که من از ابراهیم برترم و برتری ابراهیم از آنِ من است. «فرزندانی که بعضی از آنان از [نسل] بعضی دیگرند.» وای بر تو ای بریده! آیا ندانستی که حقّ علی ؑ در خمس بیشتر از کنیزی است که برای خود اختیار کرده و او بعد از

من ولیّ شماست؟ بریده گفت: چون شدّت خشمگینی رسول خدا را دیدم، عرض کردم: ای رسول خدا ﷺ دست مبارکتان را باز کنید تا با شما از نو بر اسلام بیعت کنم.

من از پیامبر ﷺ جدا نشدم تا این‌که با ایشان از نو بر اسلام بیعت کردم[1].

۴۳. عَن عُبَیدِ بنِ وَایلٍ قَالَ: رَأَیتُ أَبَاذَرٍ الغِفَارِیَّ بِالمَوسِمِ وَ قَد أَقبَلَ بِوَجهِهِ عَلَی النَّاسِ وَ هُوَ یَقُولُ: یَا أَیُّهَا النَّاسُ مَن عَرَفَنِی فَقَد عَرَفَنِی وَ مَن لَم یَعرِفنِی فَأَنَا جُندَبُ بنُ السَّکَنِ[2] أَبُوذَرٍ الغِفَارِیُّ سَمِعتُ رَسُولَ اللهِ ﷺ یَقُولُ: کَمَا قَالَ اللهُ تَعالَی: ﴿ **إِنَّ اللهَ اصْطَفَیٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبرَاهِیمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَی الْعَالَمِینَ * ذُرِّیَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَ اللهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ** ﴾ فَمُحَمَّدٌ ﷺ مِن نُوحٍ وَ الآلُ مِن إِبرَاهِیمَ وَ الصَّفوَةُ وَ السُّلَالَةُ مِن إِسمَاعِیلَ وَ العِترَةُ الهَادِیَةُ مِن مُحَمَّدٍ ـ عَلَیهِمُ الصَّلَاةِ وَ السَّلَامُ وَ التَّحِیَّةُ وَ الإِکرَامُ ـ بِهِ شُرِّفَ شَرِیفُهُم وَ بِهِ استَوجَبُوا الفَضلَ عَلَیٰ قَومِهِم، فَأَهلُ بَیتِ النَّبِیِّ فِینَا کَالسَّمَاءِ المَرفُوعَةِ وَ الأَرضِ المَبسُوطَةِ وَ الجِبَالِ المَنصُوبَةِ وَ الکَعبَةِ المَستُورَةِ وَ الشَّمسِ المُشرِقَةِ وَ القَمَرِ السَّارِی وَ النُّجُومِ الهَادِیَةِ وَ الشَّجَرَةِ الزَّیتُونَةِ أَضَاءَ زَیتُهَا وَ بُورِکَ فِی زَبَدِهَا. وَ مِنهُم وَصِیُّ مُحَمَّدٍ ﷺ فِی عِلمِهِ وَ مَعدِنُ العِلمِ بِتَأوِیلِهِ وَ قَائِدُ الغُرِّ المُحَجَّلِینَ وَ الصِّدِّیقُ الأَکبَرُ عَلِیُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ ؑ، إِلَا أَیَّتُهَا الأُمَّةُ المُتَحَیِّرَةُ بَعدَ نَبِیِّهَا أَم وَ اللهِ لَو قَدَّمتُم مَن قَدَّمَ اللهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَخَّرتُم مَن أَخَّرَ اللهُ وَ رَسُولُهُ مَا عَالَ وَلِیُّ اللهِ وَ لَا طَاشَ سَهمٌ مِن

---

۱. در تفسیر *البرهان* ذیل تفسیر آیه ۲۴ سورهٔ «ق» روایتی شبیه آن آورده است که از ابوذر روایت شده و مضمون آن چنین است: من همراه جعفر به حبشه هجرت کردیم. کنیزی به قیمت چهار هزار درهم به جعفر هدیه شد. وقتی به مدینه آمدیم جعفر کنیز را به علی ؑ هدیه کرد تا به او خدمت کند. حضرت کنیز را به خاطر رضای خدا آزاد کرد و چهارصد درهم صدقه داد. جبرئیل بر پیامبر نازل شد و گفت: چون کنیز را به خاطر رضای فاطمه آزاد کردی بهشت را به تو عطا کردم و به خاطر آن چهارصد درهم که صدقه دادی جهنم را در اختیار تو نهادم. پس هر که را خواستی با رحمت من به بهشت وارد و با بخشش و عفو من هر که را خواستی از جهنم آزاد کن.

۲. در بعضی از نسخ جندب‌بن الیمان آمده است.

فَرائِضِ اللهِ وَ لا تَنازَعَت هَذهِ الأُمَّةُ فِی شَیءٍ بَعدَ نَبِیِّهَا إلّا وَ عِلمُ ذَلِكَ عِندَ أَهلِ بَیتِ نَبِیِّکُم فَذُوقُوا وَبالَ ماكَسَبتُم ﴿ وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا اَیَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ ﴾.

عبیدبن وایل گفت: ابوذر غفاری را در موسم حج دیدم در حالی‌که رو به مردم کرده بود و چنین می‌گفت: ای مردم! هر که مرا می‌شناسد که می‌شناسد، و هر که مرا نمی‌شناسد بداند که من جندب پسر سکن، ابوذر غفاری هستم و از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود: همچنان‌که خداوند متعال فرمود: «بی تردید خداوند، آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برگزید، فرزندان که بعضی از آنان از [نسل] بعضی دیگرند و خدا شنوای داناست»، محمّد ﷺ از نوح است و آل از ابراهیم است و برگزیدگان و دودمان از اسماعیل علیه السلام هستند و عترتِ هدایت‌کننده از محمّد ﷺ است که این شریفان از وجود او شرافت یافته‌اند و به واسطهٔ او مستوجب فضل و برتری بر قوم خود شده‌اند. پس اهل بیت پیامبر علیهم السلام در میان ما همچون آسمان برافراشته و زمین گسترده و کوه‌های استوار و کعبه پنهان و خورشید درخشان و ماه جاری و ستارگان هدایتگرند. ایشان همچون درخت زیتون‌اند که روغنش نورافشان و عصاره‌اش بابرکت است. وصیّ پیامبر ﷺ در علم و نیز معدن علم تأویل او و پیشوای سپیدرویان عالم و صدّیق اکبر، علی‌بن ابی‌طالب علیه السلام از ایشان است. ای امت متحیّر و سرگردان پس از پیامبر! به خدا سوگند اگر آن کسی را که خدا و رسولش مقدّم داشتند، مقدّم می‌داشتید و آن را که خدا و رسولش پس راندند، باز پس می‌زدید؛ هیچ ولی خدایی فقیر نمی‌شد و هیچ تیری از فرایض الهی به خطا نمی‌رفت و این امّت پس از پیامبرشان در هیچ چیزی اختلاف نمی‌کردند مگر این‌که علم آن نزد اهل بیت پیامبرتان بود. پس بچشید وبال آن‌چه را کسب کردید: «زود باشد که بدانند آنان که ستم کردند به کجا خواهند رفت.»

(سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۳۷)

﴿كُلَّمٰا دَخَلَ عَلَيْهٰا زَكَرِيَّا الْمِحْرٰابَ وَجَدَ عِنْدَهٰا رِزْقًا قٰالَ يٰا مَرْيَمُ أَنّٰى لَكِ هٰذٰا قٰالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ إِنَّ اللّٰهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشٰاءُ بِغَيْرِ حِسٰابٍ﴾

هرگاه زکریّا در محراب بر او وارد می‌شد رزق و روزی نزد او می‌یافت، گفت: ای مریم! این (روزی) از کجا به تو می‌رسد؟ مریم گفت: این از نزد خداوند است. خداوند به هر کس بخواهد، بی‌شمار روزی می‌دهد.

۴۴. عَن أَبی سَعِیدِ الخُدرِیِّ قَالَ: أَصبحَ عَلِیُّ بنُ أَبی طالِبٍ عليه السلام ذَاتَ یَومٍ قَالَ: یَا فَاطِمَةُ عِندَكِ شَیءٌ تُغَذِّینِیهِ؟ قَالَت: لَا وَ الَّذِی أَکرَمَ أَبِی بِالنُّبُوَّةِ وَ أَکرَمَكَ بِالوَصِیَّةِ مَا أَصبحَ الغَدَاةُ عِندِی شَیءٌ وَ مَاکَانَ شَیءٌ أُطعِمنَاهُ یومَینِ إِلَّا شَیءٌ کُنتُ أُوثِرُكَ بِهِ عَلَی نَفسِی وَ عَلَی ابنَیَّ هَذَینِ الحَسَنِ وَ الحُسَینِ فَقَالَ عَلِیٌّ عليه السلام: یَا فَاطِمَةُ إِلَّاکُنتِ أَعلَمتِنِی فَأَبغِیَکُم شَیئًا. فَقَالَت یَا أَبَا الحَسَنِ إِنِّی لَأَستَحیِی مِن إِلَهِی أَن أُکَلِّفَ نَفسَكَ مَا لَا تَقدِرُ عَلَیهِ.

ابی سعید خُدری گفت: یک روز صبح حضرت علی عليه السلام به حضرت فاطمه عليها السلام فرمود: ای فاطمه! آیا چیزی داریم تا برای خوردن به من بدهی؟ فرمود: خیر، سوگند به خدایی که پدرم را به پیامبری و تو را به جانشینی او گرامی داشت، امروز هیچ خوراکی ندارم. از دو روز پیش نیز هر خوراکی بود، من تو را در خوردن آن بر خودم و بر دو فرزندم، حسن و حسین عليهما السلام برگزیدم. علی عليه السلام فرمود: ای فاطمه! چرا مرا آگاه نساختی تا چیزی برایتان تهیه کنم؟ فاطمه عليها السلام فرمود: ای اباحسن! از خدای خود شرم دارم تا تو را به امری ناچار کنم که در توان نیست!

فَخَرجَ عَلِیُّ بنُ أَبی طالِبٍ عليه السلام مِن عِندِ فَاطِمَةَ عليها السلام وَاثِقًا بِاللّٰهِ بِحُسنِ الظَّنِّ فَاستَقرَضَ دِینَارًا، فَبینَا الدِّینَارُ فِی یَدِ عَلِیِّ بنِ أَبی طالِبٍ عليه السلام یُرِیدُ أَن یَبتَاعَ لِعِیَالِهِ مَا یُصلِحُهُم فَتَعَرَّضَ لَهُ المِقدادُ بنُ الأَسوَدِ فِی یَومٍ شَدِیدِ الحَرِّ؛ قَد لَوَّحَتهُ الشَّمسُ مِن فَوقِهِ وَ أَذَتهُ

مِن تَحتِهِ ، فَلَمَّا رَآهُ عَلِيُّ بنُ أَبِي طالِبٍ عليه السلام أَنكَرَ شَأنَهُ فَقالَ: يا مِقدادُ ما أَزعَجَكَ هٰذِهِ السّاعَةَ مِن رَحلِكَ؟ قالَ: يا أَبَا الحَسَنِ خَلِّ سَبيلي وَ لا تَسأَلني عَمّا وَرائي فَقالَ: يا أَخي إِنَّهُ لا يَسَعُنِي أَن تُجاوِزَني حَتّى أَعلَمَ عِلمَكَ فَقالَ: يا أَبَا الحَسَنِ رَغبَةً إِلَى اللهِ وَ إِلَيكَ أَن تُخَلِّيَ سَبيلي وَ لا تَكشِفَني عَن حالي فَقالَ لَهُ: يا أَخي إِنَّهُ لا يَسَعُكَ أَن تَكتُمَني حالَكَ فَقالَ: يا أَبَا الحَسَنِ أَمّا إِذا أَبَيتُ فَوَ الَّذي أَكرَمَ مُحَمَّدًا صلى الله عليه و آله بِالنُّبُوَّةِ وَ أَكرَمَكَ بِالوَصِيَّةِ ما أَزعَجَني مِن رَحلي إِلَّا الجُهدُ وَ قَد تَرَكتُ عِيالي يَتَضاغَونَ جوعًا ، فَلَمّا سَمِعتُ بُكاءَ العِيالِ لَم تَحمِلني الأَرضُ فَخَرَجتُ مَهمومًا راكِبًا رَأسي ، هٰذِهِ حالي وَ قِصَّتي. فَانهَمَلَت عَينا عَلِيٍّ عليه السلام بِالبُكاءِ حَتّى بَلَّت دَمعَتُهُ لِحيَتَهُ فَقالَ لَهُ: أَحلِفُ بِالَّذي خَلَقَكَ ما أَزعَجَني إِلَّا الَّذي أَزعَجَكَ مِن رَحلِكَ وَ قَدِ استَقرَضتُ دينارًا فَقَد آثَرتُكَ عَلى نَفسي. فَدَفَعَ الدّينارَ إِلَيهِ.

علی عليه السلام با امیدواری و توکّل بر خداوند از نزد فاطمه بیرون رفت و یک دینار قرض کرد. در آن‌هنگام که دینار در دستش بود و می‌خواست برای خانواده‌اش چیزی بخرد که به کارشان آید، در روزی بسیار گرم با مقدادبن اسود روبه‌رو شد و حال آن‌که خورشید سرش را سوزانده بود و پایش را آزار داده بود. چون حضرت وی را دید، خود را از یاد برد و فرمود: ای مقداد! چه چیز تو را در چنین ساعتی از روز از منزل خارج کرده؟ عرض کرد: ای اباحسن! مرا به حال خود واگذار و از حال دلم مپرس. حضرت فرمود: ای برادر! شایسته نیست که از نزد من بگذری و حال تو را جویا نشوم. عرض کرد: ای اباحسن! از خدا و تو خواهانم که مرا به حال خود واگذاری و از حال من مپرسی. حضرت فرمود: ای برادر! روا نیست که حال خود را از من پنهان کنی. عرض کرد: ای اباحسن! حال که اصرار دارید، می‌گویم، سوگند به خدایی که محمّد صلى الله عليه و آله را به پیامبری و شما را به جانشینی او گرامی داشت، فشار زندگی مرا واداشته که این ساعت از روز از منزل خارج شوم، خانواده‌ام را در حالی ترک کرده‌ام که از گرسنگی

تلف می‌شدند، چون گریه آنان را شنیدم، نتوانستم برجا بمانم و اندوهناک و از خود بی‌خود بیرون آمدم؛ این حال و قصهٔ من بود. اشک از چشمان حضرت جاری شد، تا جایی که محاسن ایشان تر گشت. سپس به مقداد فرمود: سوگند به خدایی که تو را آفرید، همین امر نیز مرا از منزل بیرون آورده است. یک دینار قرض کرده‌ام و تو را در استفاده از آن بر خود مقدّم می‌دارم. سپس دینار را به او داد.

وَ رَجَعَ حَتّٰی دَخَلَ مَسجِدَ النَّبِیِّ ﷺ فَصَلّٰی فِیهِ الظُّهرَ وَ العَصرَ وَ المَغرِبَ، فَلَمّا قَضٰی رَسُولُ اللهِ ﷺ المَغرِبَ مَرَّ بِعَلِیِّ بنِ أَبِی‌طالِبٍ علیه السلام وَ هُوَ فِی الصَّفِّ الأَوَّلِ فَغَمَزَهُ بِرِجلِهِ فَقامَ عَلِیٌّ علیه السلام مُتَعَقِّبًا خَلفَ رَسُولِ اللهِ ﷺ حَتّٰی لَحِقَهُ عَلٰی بابٍ مِن أَبوابِ المَسجِدِ فَسَلَّمَ عَلَیهِ فَرَدَّ رَسُولُ اللهِ ﷺ فَقالَ: یا أَبَا الحَسَنِ هَل عِندَکَ شَیءٌ نَتَعَشّاهُ فَنَمِیلُ مَعَکَ؟ فَمَکَثَ مُطرِقًا لا یُحِیرُ جَوابًا حَیاءً مِن رَسُولِ اللهِ ﷺ وَ هُوَ یَعلَمُ ما کانَ مِن أَمرِ الدِّینارِ وَ مِن أَینَ أَخَذَهُ وَ أَینَ وَجَّهَهُ، وَ قَد کانَ أَوحَی اللهُ تَعالٰی إِلٰی نَبِیِّهِ مُحَمَّدٍ ﷺ أَن یَتَعَشَّی اللَّیلَةَ عِندَ عَلِیِّ‌بنِ أَبِی‌طالِبٍ علیه السلام، فَلَمّا نَظَرَ رَسُولُ اللهِ ﷺ إِلٰی سُکُوتِهِ فَقالَ: یا أَبَا الحَسَنِ ما لَکَ لا تَقُولُ لا فَانصَرِفُ أَو تَقُولُ نَعَم فَأَمضِی مَعَکَ. قالَ: حَیاءً وَ تَکَرُّمًا فَاذهَب بِنا.

حضرت بازگشت و داخل مسجد شد و نماز ظهر و عصر و مغرب را به جا آورد، پس از آن‌که رسول خدا ﷺ نماز مغرب را به پایان رسانید، از مقابل حضرت علی علیه السلام عبور کرد و در حالی‌که حضرت در صف اول بود، با پا به او اشاره کرد. حضرت علی علیه السلام برخاست و پشت سر ایشان به راه افتاد و در یکی از درهای مسجد به ایشان رسید و سلام کرد. پیامبر سلامش را پاسخ داد و فرمود: ای اباحسن! آیا برای شام غذایی دارید تا به نزد شما آییم؟ حضرت علی علیه السلام سر به زیر انداخت و درنگ کرد و از شرم رسول خدا در جواب ماند. حال آن‌که رسول خدا ﷺ از ماجرای دینار و این‌که او آن را از کجا آورده و به

کجا رسانده بود، خبر داشت و خداوند به ایشان وحی کرده بود که آن شب شام را نزد علی‌بن ابی‌طالب عليه‌السلام تناول فرماید. وقتی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله سکوت علی عليه‌السلام را دید فرمود: ای اباحسن! چه چیز مانع توست که بگویی نه، تا من بروم یا بگویی آری، تا با تو بیایم؟! حضرت علی عليه‌السلام فرمود: به خاطر تکریم و شرم است، با ما بیایید.

فَأَخَذَ رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله يَدَ عَلِيّ‌بنِ أَبِي‌طالِبٍ عليه‌السلام فَانطَلَقَا حَتَّى دَخَلا عَلَى فاطِمَةَ الزَّهرَاءِ عليهاالسلام وَ هِيَ فِي مُصَلَّاهَا قَد قَضَت صَلاتَهَا وَ خَلفَهَا جَفنَةٌ تَفُورُ دُخَانًا فَلَمَّا سَمِعَت كَلَامَ رَسُولِ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله فِي رَحلِهَا خَرَجَت مِن مُصَلَّاهَا فَسَلَّمَت عَلَيهِ، وَ كَانَت أَعَزَّ النَّاسِ عَلَيهِ، فَرَدَّ السَّلَامَ وَ مَسَحَ بِيَدِهِ عَلَى رَأسِهَا وَ قَالَ لَهَا: يَا بِنتَاه كَيفَ أَمسَيتِ رَحِمَكِ اللهُ تَعَالَى عَشِّينَا غَفَرَ اللهُ لَكِ وَ قَد فَعَلَ. فَأَخَذَتِ الجَفنَةَ فَوَضَعَتهَا بَينَ يَدَي رَسُولِ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله وَ عَلِيِّ‌بنِ أَبِي‌طالِبٍ عليه‌السلام.

قَالَ: فَوَضَعَ رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله كَفَّهُ الطَّيِّبَةَ المُبَارَكَةَ بَينَ كَتفَي عَلِيِّ‌بنِ أَبِي‌طالِبٍ عليه‌السلام فَغَمَزَهَا ثُمَّ قَالَ: يَا عَلِيُّ هَذَا بَدَلُ دِينَارِكَ هَذَا جَزَاءُ دِينَارِكَ ﴿ **مِنْ عِنْدِ اللهِ إِنَّ اللهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشٰاءُ بِغَيْرِ حِسٰابٍ** ﴾.

ثُمَّ استَعبَرَ النَّبِيُّ صلی‌الله‌علیه‌وآله بَاكِيًا ثُمَّ قَالَ: الحَمدُ لِلّهِ الَّذِي هُوَ أَبَى لَكُم أَن تَخرُجَا مِنَ الدُّنيَا حَتَّى يَجزِيَكُمَا هَذَا يَا عَلِيُّ فِي المَنَازِلِ الَّذِي جُزِيَ فِيهَا زَكَرِيَّا وَ يَجزِيَكِ يَا فَاطِمَةُ فِي الَّذِي جُزِيَت فِيهِ مَريَمُ بِنتُ عِمرَانَ: ﴿ **كُلَّمٰا دَخَلَ عَلَيْهٰا زَكَرِيَّا الْمِحْرٰابَ وَجَدَ عِنْدَهٰا رِزْقًا** ﴾.

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله دست علی عليه‌السلام را گرفت و با هم به راه افتادند تا به خانهٔ فاطمه عليهاالسلام وارد شدند. فاطمه عليهاالسلام در مصلای خویش بود و نمازش را خوانده بود و پشت سرش کاسه‌ای بود که بخار از آن برمی‌خاست. وقتی صدای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را در خانه‌اش شنید از مصلایش خارج شد و سلام کرد و حال آن‌که حضرت فاطمه عزیزترین افراد نزد رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بود. پیامبر سلامش را پاسخ داد و دستی بر سرش کشید و به او فرمود: دخترم! روزت را چگونه

گذرانده‌ای؟ خدایت رحمت کند، شام ما را بده، خدا تو را بیامرزد و البته چنین کرده است. حضرت فاطمه ﷺ کاسهٔ غذا را برداشت و در مقابل حضرت رسول خدا ﷺ و علی ﷺ قرار داد.

رسول خدا ﷺ دست پاک و مبارک خود را بین دو کتف علی ﷺ گذاشت و با اشاره به او فرمود: ای علی! این به جای دینار توست، این پاداش دینار توست «از نزد خداوند است. خداوند به هر کس بخواهد، بی‌شمار روزی می‌دهد». در این هنگام اشک از چشمان مبارک رسول‌خدا ﷺ جاری شد و فرمود: سپاس و ستایش از آنِ خداوندی است که نپذیرفت از دنیا بروید تا این‌که پاداشتان را بدهد. ای علی! خداوند در آن جایگاه‌هایی که به زکریا پاداش داد به تو پاداش می‌دهد. همچنین به تو ای فاطمه در آن جایگاهی پاداش می‌دهد که به مریم پاداش داد.

(سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۵۹ ـ ۶۱)

﴿ إِنَّ مَثَلَ عيسىٰ عِنْدَ اللهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرٰابٍ ثُمَّ قٰالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ * الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلاٰ تَكُنْ مِنَ الْمُمْتَرينَ * فَمَنْ حٰاجَّكَ فيهِ مِنْ بَعْدِ مٰا جٰاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعٰالَوْا نَدْعُ أَبْنٰاءَنٰا وَ أَبْنٰاءَكُمْ وَ نِسٰاءَنٰا وَ نِسٰاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنٰا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللهِ عَلَى الْكٰاذِبينَ ﴾

در حقیقت، مَثَل عیسی نزد خدا همچون مَثَل آدم است که او را از خاک آفرید، سپس به او فرمود: باش، پس موجود شد. حق از جانب پروردگار توست، پس از شک‌کنندگان مباش. پس بعد از آن‌که علم برای تو حاصل شد، هر کس در مورد آن (حق) با تو محاجّه کند بگو: بیایید تا پسرانمان و پسرانتان و زنانمان و زنانتان و خودمان (کسی که به منزلهٔ خود ماست) و خودتان را بخوانیم، سپس تضرّع و زاری نماییم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.

۴۵. عَن أَبی جَعفَرٍ عليه السلام فِی قَولِه: ﴿ أَبْنٰاءَنٰا وَ أَبْنٰاءَكُمْ ﴾ الحَسَنُ وَ الحُسَینُ عليهما السلام ﴿ وَ أَنْفُسَنٰا وَ أَنْفُسَكُمْ ﴾ رَسُولُ اللهِ وَ عَلِیٌّ عليه السلام ﴿ وَ نِسٰاءَنٰا وَ نِسٰاءَكُمْ ﴾ فَاطِمَةُ عليها السلام.

امام محمّد باقر عليه السلام دربارهٔ آیهٔ مباهله فرمود: منظور از ﴿ أَبنٰاءَنٰا ﴾ امام حسن و امام حسین عليهما السلام و منظور از ﴿ أَنفُسَنٰا ﴾ پیامبر صلى الله عليه وآله و علی عليه السلام و منظور از ﴿ نِسٰاءَنٰا ﴾ فاطمه عليها السلام است.

۴۶. عَنِ الشَّعبِیِّ قَالَ: جَاءَ العَاقِبُ وَ السَّیِّدُ النَّجرَانِیَّانِ إِلَی رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله فَدَعَاهُم إِلَی الإِسلَامِ فَقَالَا: إِنَّنَا مُسلِمَانِ. فَقَالَ: إِنَّهُ یَمنَعُكُمَا مِنَ الإِسلَامِ ثَلَاثٌ أَكلُ الخِنزِیرِ وَ تَعلِیقُ الصَّلِیبِ وَ قَولُكُم فِی عِیسَی بنِ مَریَمَ عليه السلام فَقَالَا: وَ مَن أَبُو عِیسَی؟ فَسَكَتَ فَنَزَلَ القُرآنُ: ﴿ إِنَّ مَثَلَ عیسىٰ عِنْدَ اللهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرٰابٍ ﴾ الآیَةُ ثُمَّ نَبتَهِلْ ﴿ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللهِ عَلَى الْكٰاذِبینَ ﴾ فَقَالَا: نُبَاهِلُكَ. فَتَوَاعَدُوا لِغَدٍ فَقَالَ أَحَدُهُمَا لِصَاحِبِهِ: لَا تُلَاعِنهُ فَوَاللهِ لَإِن كَانَ نَبِیًّا لَا تَرجِعُ إِلَی أَهلِكَ وَ لَكَ عَلَی وَجهِ الأَرضِ أَهلٌ وَ لَا مَالٌ. فَلَمَّا أَصبَحَ النَّبِیُّ صلى الله عليه وآله أَخَذَ بِیَدِ عَلِیٍّ وَ الحَسَنِ وَ الحُسَینِ وَ قَدَّمَهُم وَ جَعَلَ فَاطِمَةَ وَرَاءَهُم ثُمَّ قَالَ لَهُمَا: تَعَالَیَا فَهَذَا أَبنَاؤُنَا الحَسَنُ وَ الحُسَینُ وَ هَذَا نِسَاؤُنَا فَاطِمَةُ وَ أَنفُسُنَا لَعَلِیٌّ فَقَالَا: لَا نُلَاعِنُكَ.

شعبی گفت: عاقب و سیّد نصرانی نزد رسول خدا صلى الله عليه وآله آمدند و حضرت آنان را به اسلام دعوت کرد. عرض کردند: ما مسلمانیم. حضرت فرمود: سه چیز مانع مسلمانی شماست: خوردن گوشت خوک، آویزان کردن صلیب و سخن شما دربارهٔ عیسی‌بن مریم. عرض کردند: چه کسی پدر عیسی عليه السلام است؟ حضرت ساکت شد تا این‌که این آیه نازل شد: «در حقیقت، مثل عیسی نزد خدا همچون مَثَل آدم است که او را از خاک آفرید.»

عرض کردند: با تو مباهله می‌کنیم؛ و برای فردای آن روز قرار گذاشتند. یکی از آن‌دو به رفیقش گفت: با او مباهله نکن، به خدا سوگند اگر او پیامبر باشد، به سوی اهلت بر نمی‌گردی و برای تو در روی زمین خانواده و مالی باقی

نمی‌ماند. چون صبح شد، پیامبر دست علی ﷺ و حسنین ﷺ را گرفت و آن‌ها را در جلو و فاطمه ﷺ را در پشت سر ایشان قرار داد. سپس به آن‌دو فرمود: بیایید؛ این پسران ما حسن و حسین ﷺ و این زنان ما فاطمه ﷺ و این خودمان که علی ﷺ است. آن‌گاه عرض کردند: با تو در این لعنت کردن شرکت نمی‌کنیم.

۴۷. عَنِ الشَّعبِيِّ قَالَ: لَمَّا نَزَلَتِ الآيَةُ ﴿ **قُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ** ﴾ أَخَذَ رَسُولُ اللهِ ﷺ يَتَّكِأُ عَلى عَلِيٍّ وَ الحَسَنِ وَ الحُسَينِ وَ تَبِعَتهُم فَاطِمَةُ قَالَ: فَقَالَ: هٰؤُلَاءِ أَبنَاءُنَا وَ هَذِهِ نِسَاءُنَا وَ هَذِهِ أَنفُسُنَا ﷺ.

فَقَالَ رَجُلٌ لِشَرِيكٍ: يَا أَبَاعَبدِ اللهِ: ﴿ **إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَ الْهُدَىٰ**[1] ﴾ إِلَى آخِرِ الآيَةِ. قَالَ: يَلعَنُهُم كُلُّ شَيءٍ حَتَّى الخَنَافِسُ فِي جُحرِهَا. ثُمَّ غَضِبَ شَرِيكٌ وَ استَشَاطَ فَقَالَ: يَا مُعَافَا. فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ ابنُ المُقعَدِ: يَا أَبَاعَبدِ اللهِ أَنَّهُ لَم يَعنِكَ فَقَالَ: أَيقَعُ إِنَّما أَرَادَنِي تَرَكتَ ذِكرَ عَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ ﷺ.

شعبی گفت: زمانی که این آیه نازل شد، پیامبر خدا ﷺ بر علی ﷺ و حسن و حسین ﷺ پشت زد و فاطمه ﷺ در پی ایشان بود و فرمود: ایشان پسران ما و این زنان ما و این خودمان.

مردی گفت: ای اباعبدالله! «به راستی کسانی که دلایل روشن و نشانه‌های هدایتی را که ما نازل کرده‌ایم، پنهان می‌کنند»، آنان‌اند که خدا و لعنت‌کنندگان لعنتشان می‌کنند. فرمود: هر چیزی آنان را لعن می‌کند حتی سوسک در سوراخش....

۴۸. أَحمَدُبنُ جعفَرٍ مُعنعَنًا*: عَن عَلِيٍّ ﷺ قَالَ: لَمَّا قَدِمَ وَفدُ نَجرَانَ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ قَدِمَ

---

۱. بقره، ۱۵۹.

* معنعن: حدیثی است که در تمام سلسله سند به لفظ «عن فلان» تصریح شده باشد. (*علم الحدیث*، ۱۷۹) از لوازم مهم سند، افزون بر مشخص و معروف بودن راویان، ضرورت بیان چگونگی دریافت و تلقی حدیث از مشایخ است. تعابیری چون «سمعت»، «قرأت علیه»، «اخبرنی اجازةً» و... شناسه‌هایی هستند که نحوهٔ تلقی حدیث را از مشایخ نشان می‌دهند و یکی از راه‌های اعتبار بخشیدن به حدیث و اثبات وثاقت صدور آن به شمار می‌روند.

فِیهِم ثَلاثَةٌ مِنَ النَّصارَی مِن کِبارِهِم العَاقِبُ وَ قَیسُ وَ الأُسقُفُ فَجَاؤُوا إِلَی الیَهُودِ وَ هُم فِی بَیتِ المَدارِسِ فَصَاحُوا بِهِم یَا إِخوَةَ القِردَةِ وَ الخَنازِیرِ هَذَا الرَّجُلُ بَینَ ظَهرَانِیکُم قَد غَلَبَکُم إِنزِلُوا إِلَینَا. فَنَزَلَ إِلَیهِم ابنُ صُورِیَا الیَهُودِیّ وَ کَعبُ بنُ الاَشرَفِ الیَهُودِیّ فَقَالُوا لَهُم: إِحضِرُوا غَدًا نَمتَحِنُهُ. قَالَ: وَ کَانَ النَّبِیُّ ﷺ إِذَا صَلَّی الصُّبحَ قَالَ: هَاهُنَا مِنَ المُمتَحِنَةِ أَحَدٌ؟ فَإِن وَجَدَ أَحَدًا أَجَابَهُ وَ إِن لَم یَجِد أَحَدًا قَرَأَ عَلَی أَصحَابِهِ مَا نَزَلَ عَلَیهِ فِی تِلکَ اللَّیلَةِ، فَلَمَّا صَلَّی الصُّبحَ جَلَسُوا بَینَ یَدَیهِ فَقَالَ لَهُ الأُسقُفُ: یَا أَبَا القَاسِمِ فِدَاکَ أَبِی مُوسَی مَن أَبُوهُ؟ قَالَ: عِمرَانُ. قَالَ: فَیُوسُفُ مَن أَبُوهُ؟ قَالَ: یَعقُوبُ. قَالَ: فَأَنتَ فِدَاکَ أَبِی وَ أُمِّی مَن أَبُوکَ؟ قَالَ: عَبدُ اللهِ بنُ عَبدِ المُطَّلِبِ. قَالَ: فَعِیسَی مَن أَبُوهُ؟ قَالَ: فَسَکَتَ النَّبِیُّ ﷺ وَ کَانَ رَسُولُ اللهِ ﷺ رُبَّمَا إِحتَاجَ إِلَی شَیءٍ مِنَ المَنطِقِ فَیَنقَضُّ عَلَیهِ جَبرَئِیلُ ﷺ مِنَ السَّمَاءِ السَّابِعَةِ فَیَصِلُ لَهُ مَنطِقَهُ فِی أَسرَعَ مِن طُرفَةِ العَینِ فَذَاکَ قَولُ اللهِ تَعَالَی: ﴿ **وَ مَا أَمرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ کَلَمحٍ بِالبَصَرِ**[1] ﴾.

احمد بن جعفر روایت کرده است: حضرت علی ﷺ فرمود: چون جماعت نصارای نجران به حضور پیامبر ﷺ آمدند، پیشاپیش آنان سه تن از بزرگانشان به نام عاقب و قیس و اسقف به نزد یهودیانی که در بیت المدارس بودند، رفتند و فریاد برآوردند که ای برادران میمون و خوک! این مرد در میان شماست و بر شما چیره گشته است؟ بیایید پایین! ابن صوریای یهودی و کعب‌بن اشرف یهودی به سوی آنان آمدند و گفتند: فردا حاضر شوید تا او را بیازماییم. پیامبر اکرم ﷺ هرگاه نماز صبح را می‌خواند، می‌فرمود: از طایفه ممتحنه کسی اینجا هست؟ اگر کسی بود، حضرت به پرسش او می‌پرداخت و اگر کسی نبود، بر یاران خود هر آن‌چه را که در آن شب نازل شده بود، قرائت می‌فرمود. چون پیامبر نماز صبح را به جا آورد، نصارای نجران روبه‌رویش نشستند و اسقف عرض کرد: ای اباقاسم! پدرم به فدایت! پدر موسی که بود؟

---

۱. قمر، ۵۰.

فرمود: عمران. عرض کرد: پدر یوسف که بود؟ فرمود: یعقوب. گفت: پدر و مادرم به فدایت، پدر شما چه کسی بود؟ فرمود: عبد الله‌بن عبدالمطلب. عرض کرد: پدر عیسی که بود؟ پیامبر ﷺ سکوت فرمود؛ چرا که هرگاه ایشان در جست‌وجوی لفظی بود، جبرئیل در چشم به هم زدنی خود را از آسمان هفتم به ایشان می‌رساند و لفظ را در اختیارش می‌گذاشت و این کلام خداوند متعال است که «و فرمان ما جز یک بار نیست؛ همچون یک چشم بر هم زدن».

قَالَ: فَجَاءَ جبرَئيلُ عليه السلام فَقَالَ: هُوَ رُوحُ اللهِ وَ كَلِمَتُهُ فَقَالَ لَهُ الأُسقُفُ: يَكُونُ رُوحُ بِلَا جَسَدٍ؟ قَالَ: فَسَكَتَ النَّبِيُّ ﷺ. قَالَ: فَأَوحَى اللهُ إِلَيهِ ﴿ **إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ** ﴾ قَالَ: فَنَزَأَ الأُسقُفُ نَزوَةً إِعظَامًا لِعِيسَى عليه السلام أَن يُقَالَ لَهُ مِن تُرَابٍ. ثُمَّ قَالَ: مَا نَجِدُ هَذَا يَا مُحَمَّدُ فِي التَّورَاةِ وَ لَا فِي الإِنجِيلِ وَ لَا فِي الزَّبُورِ وَ لَا نَجِدُ هَذَا إِلَّا عِندَكَ! قَالَ: فَأَوحَى اللهُ إِلَيهِ: ﴿ **قُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ** ﴾ فَقَالُوا: أَنصَفتَنَا يَا أَبَاالقَاسِمِ فَمَتَى مَوعِدُكَ؟ قَالَ: بِالغَدَاةِ إِن شَاءَ اللهُ. قَالَ فَانصَرَفَ اليَهُودُ وَ هُم يَقُولُونَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ مَا نُبَالِي أَيُّهُمَا أَهلَكَ اللهُ: النَّصرَانِيَّةَ أَوِ الحَنِيفِيَّةَ إِذَا هَلَكُوا غَدًا.

در آن دم جبرئیل آمد و عرض کرد: او روح خدا و کلمه او بوده است. اسقف عرض کرد: آیا روح بی جسد می‌شود؟ حضرت سکوت کرد و خداوند متعال به او وحی فرمود: «در حقیقت مثل عیسی نزد خدا همچون مثل آدم است که او را از خاک آفرید.» اسقف از شنیدن نام عیسی عليه السلام تکان خورد و برای بزرگداشت عیسی عليه السلام که گفته شد از خاک است، برجست. سپس عرض کرد: ای محمّد ﷺ! ما این مطلب را در تورات و انجیل و زبور نیافته‌ایم و جز از تو نشنیده‌ایم. آن‌گاه خداوند متعال به آن‌حضرت وحی فرمود: «بگو: بیایید تا پسرانمان و پسرانتان و زنانمان و زنانتان و خودمان (کسی که به منزلهٔ خود ماست) و خودتان را بخوانیم.» عرض کردند: ای اباقاسم! منصفانه است، چه وقت وعده ما

خواهد بود؟ حضرت فرمود: فردا ان‌شاءالله. یهودیان برگشتند و می‌گفتند: لا اله الا الله، فرقی ندارد کدام‌یک از این دو گروه هلاک شوند، نصرانی یا حنیفیه!
قَالَ عَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ ؑ: فَلَمَّا صَلَّى النَّبِيُّ ؐ الصُّبحَ أَخَذَ بِيَدَيَّ فَجَعَلَنِي بَينَ يَدَيهِ وَ أَخَذَ فَاطِمَةَ ؑ فَجَعَلَهَا خَلفَ ظَهرِهِ، وَ أَخَذَ الحَسَنَ وَ الحُسَينَ عَن يَمِينِهِ وَ عَن شِمَالِهِ ثُمَّ بَرَّكَ لَهُم بَارِكًا فَلَمَّا رَأَوهُ قَد فَعَلَ ذَلِكَ نَدِمُوا وَ تَوَامَرُوا فِيمَا بَينَهُم وَ قَالُوا: وَ اللهِ إِنَّهُ لَنَبِيٌّ وَ لَئِن بَاهَلَنَا لَيَستَجِيبَنَّ اللهُ لَهُ عَلَينَا فَيُهلِكُنَا وَ لَا يُنجِينَا مِنهُ شَيءٌ إِلَّا أَن نَستَقِيلَهُ.
قَالَ: فَأَقبَلُوا يَستَتِرُونَ فِي خَشَبٍ كَانَ فِي المَسجِدِ حَتَّى جَلَسُوا بَينَ يَدَيهِ ثُمَّ قَالُوا: يَا أَبَا القَاسِمِ أَقِلنَا. قَالَ: نَعَم قَد أَقَلتُكُم، أَمَّا وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالحَقِّ لَو بَاهَلتُكُم مَا تَرَكَ اللهُ عَلَى ظَهرِ الأَرضِ نَصرَانِيًّا وَ لَا نَصرَانِيَّةً إِلَّا أَهلَكَهُ.
حضرت علی ؑ فرمود: چون پیامبر ؐ نماز صبح را به‌جا آورد، دست مرا گرفت و پیش روی خود قرار داد و فاطمه ؑ را پشت سر خود و حسن و حسین ؑ را در راست و چپ خود قرار داد و برایشان از خدا برکت خواست.
چون نصارا این کار را از حضرت دیدند، پشیمان شدند و در میان خود مشورت کردند و گفتند: به خدا سوگند که او پیامبر است و اگر با ما مباهله کند، هر آینه خدا دعایش را مستجاب می‌کند و ما را به هلاک خواهد رساند و هیچ چیزی ما را از آن نجات نخواهد بخشید، مگر این‌که ما از مباهله برگردیم.
آنان در حالی که خود را با چوب‌های درون مسجد پوشانده بودند پیش آمدند تا این‌که در حضور حضرت نشستند و عرض کردند: ای اباقاسم! از آن مباهله که با ما دارید، منصرف شوید.
ایشان فرمود: آری، منصرف شدم، امّا سوگند به خدایی که مرا بر حق برانگیخت، اگر با شما مباهله می‌کردم، خداوند بر زمین هیچ مرد و زن نصرانی بر جا نمی‌گذاشت مگر آن‌که او را هلاک می‌کرد.

۴۹. عَن شَهرِبنِ حَوشَبٍ قَالَ: قَدِمَ عَلَى رَسُولِ اللهِ ؐ عَبدُ المَسِيحِ بنِ أَبقَى وَ مَعَهُ العَاقِبُ وَ قَيسُ أَخُوهُ وَ مَعَهُ حَارِثُ بنُ عَبدِ المَسِيحِ وَ هُوَ غُلَامٌ وَ مَعَهُ أَربَعُونَ حَبرًا فَقَالَ: يَا

مُحَمَّدُ كَيفَ تَقُولُ فِي المَسِيحِ فَوَاللهِ إِنّا لَنُنكِرُ ما تَقُولُ. قالَ: فَأَوحَى اللهُ تَعالَى إِلَيهِ: ﴿ إِنَّ مَثَلَ عيسىٰ عِنْدَ اللهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرابٍ ثُمَّ قالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴾ قالَ: فَنَخَرَ نَخرَةً فَقالَ إِجلالاً لَهُ مِمّا يَقُولُ: بَل هُوَ اللهُ. فَأَنزَلَ اللهُ ﴿ فَمَنْ حاجَّكَ فيهِ مِنْ بَعْدِ ما جاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعالَوْا نَدْعُ ﴾ إِلَى آخِرِ الآيَةِ، فَلَمّا سَمِعَ بِذِكرِ الأَبناءِ غَضِبَ غَضَبًا شَدِيدًا وَ دَعا الحَسَنَ وَ الحُسَينَ وَ عَلِيًّا وَ فاطِمَةَ عليهم السلام فَأَقامَ الحَسَنَ عَن يَمِينِهِ وَ الحُسَينَ عَن يَسارِهِ وَ عَلِيًّا إِلَى صَدرِهِ وَ فاطِمَةَ إِلَى وَرائِهِ فَقالَ: هؤُلاءِ أَبناءُنا وَ نِساءُنا وَ أَنفُسُنا، فَائتِنا لَهُ بِأَكفاءٍ. قالَ: فَوَثَبَ العاقِبُ فَقالَ: أُذَكِّرُكَ اللهَ أَن تُلاعِنَ هَذَا الرَّجُلَ فَوَاللهِ إِن كانَ كاذِبًا ما لَكَ فِي مُلاعَنَتِهِ خَيرٌ وَ إِن كانَ صادِقًا لا يَحُولُ الحَولُ وَ مِنكُم نافِخُ ضَرمَةٍ قالَ: فَصالَحُوهُ كُلَّ الصُّلحِ.

شهر بن حوشب گفت: عبدالمسیح‌بن ابقی به همراه عاقب و برادرش قیس و حارث بن عبدالمسیح که جوان بود و چهل نفر از نصارا به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: ای محمّد! دربارهٔ مسیح چه می‌گویی؟ به خدا سوگند ما آن‌چه را می‌گویی رد می‌کنیم. آن‌گاه خداوند به حضرت وحی فرمود: «در حقیقت مثل عیسی نزد خدا همچون مثل آدم است که او را از خاک آفرید، سپس به او فرمود: باش، پس موجود شد.»

در آن دم او خرّه‌ای کشید و برای تجلیل از عیسی در برابر آن‌چه حضرت فرمود، عرض کرد: خیر، او خداست. آن‌گاه خداوند متعال نازل فرمود: «پس بعد از آن‌که علم برای تو حاصل شد، هر کس در مورد آن (حق) با تو محاجّه کند بگو: بیایید تا بخوانیم....» رسول خدا صلی الله علیه و آله چون در آیه ذکر پسران را شنید، خشمناک شد و حسن و حسین علیهما السلام و علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام را فراخواند و حسن را از راست و حسین را از چپ و علی علیه السلام را در مقابل سینه و فاطمه را در پشت سر خود قرار داد. سپس فرمود اینان پسران و زنان و خود ما هستند، کسانی را بیاورید که با ایشان برابر باشند. در آن دم عاقب به سوی عبدالمسیح

جلو دوید و گفت: خدا را به یادت می‌آورم که با این مرد در لعنت کردن شرکت نکنی. به خدا سوگند اگر او دروغگو باشد، برای ما در ملاعنه با او خیری نیست و اگر راستگو باشد، سالی به سر نیامده هیچ جانداری از شما بر جا نمی‌ماند. این شد که با حضرت بی هیچ کم و کاست صلح کردند.

(سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۰۳)

﴿ وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللهِ جَمیعًا وَ لاٰ تَفَرَّقُوا ﴾

و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید.

۵۰. عَن أَبِی‌الجَارُودِ: عَن أَبِی جعفرٍ عَن أَبِیهِ عَن جَدِّهِ عليهم السلام قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ فِی هَیئَةِ أَعرَابِیٍّ إِلَی النَّبِیِّ صلى الله عليه وآله فَقَالَ: یَا رَسُولَ اللهِ بِأَبِی أَنتَ وَ أُمِّی مَا مَعنَی: ﴿ **وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللهِ جَمیعًا وَ لاٰ تَفَرَّقُوا** ﴾ فَقَالَ لَهُ النَّبِیُّ صلى الله عليه وآله: أَنَا نَبِیُّ اللهِ وَ عَلِیُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ حَبلُهُ. فَخَرَجَ الأَعرَابِیُّ وَ هُوَ یَقُولُ: آمَنتُ بِاللهِ وَ بِرَسُولِهِ وَ اعتَصَمتُ بِحَبلِهِ.

امام محمّد باقر عليه السلام از قول جدّ بزرگوارشان عليه السلام فرمود: مردی با ظاهر یک اعرابی نزد پیامبر صلى الله عليه وآله آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! پدر و مادرم به فدایت! معنی این آیه چیست؟ حضرت فرمود: من پیامبر خدا و علی عليه السلام ریسمان خداوند است. اعرابی خارج شد، در حالی‌که می‌گفت: به خدا و رسولش ایمان آوردم و به ریسمان او چنگ زدم.

(سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۰۶)

﴿ یَوْمَ تَبْیَضُّ وُجُوهٌ وَ تَسْوَدُّ وُجُوهٌ ﴾

روزی که چهره‌هایی سفید و چهره‌هایی سیاه گردد.

۵۱. عَن أَبَانِ بنِ تَغلِبَ قَالَ: أَبُو جَعفَرٍ عليه السلام: وَلَایَةُ عَلِیِّ بنِ أَبِی طَالِبٍ عليه السلام الحَبلُ الَّذِی قَالَ اللهُ تَعَالَی فِیهِ ﴿ **وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللهِ جَمیعًا وَ لاٰ تَفَرَّقُوا** ﴾ فَمَنْ تَمَسَّكَ بِهِ كَانَ مُؤمِنًا

وَ مَن تَرَكَهُ خَرَجَ مِنَ الإِيمَانِ.

ابان‌بن تغلب گفت: امام محمّد باقر علیه السلام فرمود: ولایت علی‌بن ابی‌طالب همان ریسمانی است که خداوند متعال دربارهٔ آن فرمود: «و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید.» پس هر که به آن تمسّک جوید، مؤمن است و هر که آن را رها کند، از ایمان خارج شده است.

۵۲. الحُسَينُ‌بنُ سَعِيدٍ مُعنعَنًا: عَن جَعفَرِبنِ مُحَمَّدٍ علیه السلام قَالَ: يُحشَرُ يَومَ القِيَامَةِ شِيعَةُ عَلِيٍّ رَوَاءً مَروِيِّينَ مُبيَضَّةً وُجُوهُهُم، وَ يُحشَرُ أَعداءُ عَلِيٍّ يَومَ القِيَامَةِ وُجُوهُهُم مُسوَدَّةٌ ظَامِئِينَ. ثُمَّ قَرَأَ ﴿ يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَ تَسْوَدُّ وُجُوهٌ ﴾ مِثلَهُ.

حسین‌بن سعید روایت کرده است: امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: شیعیان علی علیه السلام در روز قیامت، سیراب شده و سیراب کننده با چهره‌هایی سفید و دشمنان ایشان عطشان و سیاه‌روی محشور می‌گردند. سپس این آیه را قرائت فرمود: «روزی که چهره‌هایی سفید و چهره‌هایی سیاه گردد.»

(سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۱۲)

﴿ ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ أَيْنَ مَا ثُقِفُوا إِلاَّ بِحَبْلٍ مِنَ اللهِ وَ حَبْلٍ مِنَ النَّاسِ ﴾

هر کجا یافت شوند، [مهر] خواری و ذلت بر آنان زده شده است،
مگر به ریسمانی از خدا و ریسمانی از مردم چنگ زنند.

۵۳. عَن أَبَانِ‌بنِ تَغلِبَ قَالَ: سَأَلتُ أَبَاجَعفَرٍ مُحَمَّدَبنَ عَلِيٍّ علیه السلام عَن قَولِ اللهِ تَعَالَى: ﴿ ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ أَيْنَ مَا ثُقِفُوا إِلاَّ بِحَبْلٍ مِنَ اللهِ وَ حَبْلٍ مِنَ النَّاسِ ﴾ قَالَ: مَا يَقُولُ النَّاسُ فِيهَا؟ قَالَ: قُلتُ: مَا تَقُولُ فِيهَا؟ قَالَ: فَقَالَ لِي: حَبلٌ مِنَ اللهِ كِتَابُهُ وَ حَبلٌ مِنَ النَّاسِ عَلِيُّ بنُ أَبِي‌طَالِبٍ علیه السلام.

ابان بن تغلب گفت: از امام محمّد باقر علیه السلام دربارهٔ این آیه پرسیدم. ایشان فرمود:

مردم دربارهٔ آن چه می‌گویند؟ عرض کردم: شما درباره‌اش چه می‌فرمایید؟ فرمود: ریسمانی از خدا کتاب او و ریسمانی از مردم علی‌بن ابی‌طالب ﷺ است.

(سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۲۸)

﴿ لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ ﴾

هیچ چیزی از این امر به دست تو نیست.

۵۴. عَن جَابِرِبنِ يَزِيدِ الجُعفِيِّ قَالَ: قَرَأتُ عِندَ أَبِي جَعفَرٍ ﷺ: ﴿ لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ ﴾ قَالَ: فَقَالَ: أَبُو جَعفَرٍ ﷺ: بَلَى وَ اللهِ لَقَد كَانَ لَهُ مِنَ الأَمرِ شَيءٌ وَ شَيءٌ. فَقُلتُ لَهُ: جُعِلتُ فِدَاكَ فَمَا تَأوِيلُ قَولِهِ: ﴿ لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ ﴾؟ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللهِ ﷺ حَرَصَ أَن يَكُونَ الأَمرُ لِأَمِيرِ المُؤمِنِينَ عَلِيِّ‌بنِ أَبِي طَالِبٍ ﷺ مِن بَعدِهِ فَأَبَى اللهُ. ثُمَّ قَالَ: وَ كَيفَ لَا يَكُونُ لِرَسُولِ اللهِ ﷺ مِنَ الأَمرِ شَيءٌ وَ قَد فَوَّضَ إِلَيهِ فَمَا أَحَلَّ كَانَ حَلَالاً إِلَى يَومِ القِيَامَةِ وَ مَا حَرَّمَ كَانَ حَرَامًا إِلَى يَومِ القِيَامَةِ.

جابر بن یزید جعفی گفت: نزد امام محمّد باقر ﷺ این آیه را قرائت کردم. ایشان فرمود: بله، به خدا سوگند چیزی و چیزی از این امر نزد او بود. به ایشان عرض کردم: فدایت شوم! تأویل آن چیست؟ فرمود: رسول خدا ﷺ می‌خواست بعد از ایشان علی‌بن ابی‌طالب ﷺ امیر باشد، خداوند نپذیرفت. سپس فرمود: چگونه هیچ چیز از این امر به دست او نباشد در حالی‌که خداوند این مهم را به او تفویض کرده: هر چه او حلال کند، حلال است و هر چه حرام کند، حرام است.

(سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۴۳ ـ ۱۴۴)

﴿ وَ لَقَدْ كُنْتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَ أَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ۞ وَ مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ ﴾

و مسلّماً شما پیش از آن‌که با مرگ روبه‌رو شوید، آرزوی آن را می‌کردید، سپس [اسباب] آن را [در جنگ احد] دیدید، در حالی‌که [فقط به کشته شده‌ها] نگاه می‌کردید [و به شهادت تن در نمی‌دادید] و محمّد ﷺ جز پیامبری که پیش از او پیامبران دیگری گذشتند، نیست. پس اگر بمیرد و یا کشته شود به عقب بر می‌گردید؟ [یعنی از دین خود برمی‌گردید؟]

۵۵. عَن حُذَيفَةَ بنِ اليَمانيِّ إنَّ رَسُولَ اللهِ ﷺ أمَرَ بِالجِهادِ يَومَ أُحُدٍ فَخَرَجَ النّاسُ سِرَاعًا يَتمَنَّونَ لِقَاءَ العَدُوِّ عَدُوِّهِم وَ بَغَوا فِي مَنطِقِهِم وَ قَالُوا: وَ للهِ لَئِن لَقِينا عَدُوَّنا لا نُوَلِّي حَتَّى نُقتَلَ عَن آخِرِنا رَجُلٌ أو يَفتَحُ اللهُ لَنا. قَالَ: فَلَمَّا أَتَوا القَومَ إبتَلاهُمُ اللهُ بِالَّذِي كَانَ مِنهُم وَ مِن بَغيِهِم فَلَم يَلبِثُوا إلّا يَسِيرًا حَتَّى إنهَزَمُوا عَن رَسُولِ اللهِ ﷺ إلّا عَلِيُّ بنُ أَبِي طالِبٍ عليه السلام وَ أَبُودُجَانَةَ سِمَاكُ بنُ خَرَشَةَ الأَنصارِيُّ فَلَمَّا رَأَى رَسُولُ اللهِ ﷺ مَا قَد نَزَلَ بِالنَّاسِ مِنَ الهَزِيمَةِ وَ البَلاءِ رَفَعَ البَيضَةَ عَن رَأسِهِ وَ جَعَلَ يُنادِي: أَيُّها النَّاسَ أَنا لَم أَمُت وَ لَم أُقتَل. وَ جَعَلَ النَّاسُ يَركَبُ بَعضُهُم بَعضًا لا يَلوُونَ عَلَى رَسُولِ اللهِ ﷺ وَ لا يَلتَفِتُونَ إلَيهِ، فَلَم يَزَالُوا كَذَلِكَ حَتَّى دَخَلُوا المَدِينَةَ فَلَم يَكتَفُوا بِالهَزِيمَةِ حَتَّى قَالَ أَفضَلُهُم رَجُلٌ فِي أَنفُسِهِم: قُتِلَ رَسُولُ اللهِ ﷺ فَلَمَّا آيَسَ رَسُولُ اللهِ ﷺ مِنَ القَومِ رَجَعَ إِلَى مَوضِعِهِ الَّذِي كَانَ فِيهِ فَلَم يَزَل عَلِيُّ بنُ أَبِي طالِبٍ عليه السلام وَ أَبُودُجَانَةَ الأَنصارِيُّ فَقَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: يا أَبادُجانَةَ ذَهَبَ النّاسُ فَالحَق بِقَومِكَ. فَقَالَ أَبُودُجانَةَ: يا رَسُولَ اللهِ مَا عَلَى هَذا بايَعناكَ وَ بايَعنا اللهَ وَ لا عَلَى هَذا خَرَجنا يَقُولُ اللهُ تَعالَى ﴿ **إنَّ الَّذينَ يُبايِعُونَكَ إنَّما يُبايِعُونَ اللهَ يَدُ اللهِ فَوقَ أَيدِيهِم**[1] ﴾ فَقَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: يا أَبادُجانَةَ أَنتَ فِي حِلٍّ مِن بَيعَتِكَ فَارجِع. فَقَالَ أَبُودُجانَةَ: يا رَسُولَ اللهِ لا تُحَدِّثُ نِساءُ الأَنصارِ فِي الخُدُورِ أَنّي أَسلَمتُكَ وَ رَغِبتُ نَفسِي عَن نَفسِكَ يا رَسُولَ اللهِ لا خَيرَ فِي العِيشِ بَعدَكَ.

حذیفة بن یمانی گفت: رسول خدا ﷺ در روز احد مسلمانان را به جهاد امر

---

۱. فتح، ۱۰

کرد و مردم هم در پی دستور ایشان با سرعت تمام بیرون آمدند و حال آن‌که آرزوی دیدار با دشمنشان را داشتند، در گفتارشان زیاده‌روی کردند و گفتند: به خدا سوگند اگر دشمنمان را ملاقات کنیم، هرگز به آن‌ها پشت نمی‌کنیم تا یا همگی کشته شویم یا خداوند پیروزی را نصیب ما گرداند. هنگامی‌که مسلمانان با دشمن روبه‌رو شدند، خداوند آن‌ها را با همان سخنان و آرزوهایی که می‌گفتند، آزمود. ولی آن‌ها فقط مدت کوتاهی توانستند در میدان جنگ بمانند و پس از مدتی به جز حضرت علی علیه‌السلام و ابودجانه سماک‌بن خرشه انصاری بقیه از کنار پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله گریختند. وقتی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرار مسلمانان را دید، کلاه خود را از سر مبارکش برداشت و مردم را این‌گونه ندا داد: ای مردم! من نمرده‌ام و کشته نشده‌ام. اما مردم فرار می‌کردند و بر یکدیگر سوار می‌شدند و به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله توجهی نمی‌کردند و همین‌گونه در اضطراب و فرار بودند تا داخل مدینه شدند، آن‌ها به این فرار و شکست هم اکتفا نکردند و آن کس که به گمانشان برترین آن‌ها بود، گفت: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله کشته شده است.

وقتی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله از آن قوم ناامید شد، به سوی جایگاه قبلی خود بازگشت و حضرت علی علیه‌السلام و ابودجانه را دید که هنوز آنجا بودند. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: ای ابادجانه! مردم رفتند، تو هم به قومت بپیوند. ابودجانه عرض کرد: ای رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله! ما این‌گونه با تو و با خدا بیعت نکرده بودیم و با این نیت از شهر بیرون نیامده‌ایم. مگر نه این است که خداوند می‌فرماید: «در حقیقت کسانی که با تو بیعت می‌کنند، جز این نیست که با خدا بیعت می‌کنند، دست خدا بالای دست‌های آنان است»؟ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: ابادجانه تو در بیعتت بر جایی، تو هم بازگرد. ابودجانه گفت: ای رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله آیا زنان انصار در خانه‌هایشان نمی‌گویند که من اسلام آوردم اما برای حفظ جانم از شما روگرداندم؟ ای رسول خدا! بعد از شما در زندگی خیری نخواهد بود.

قَالَ: فَلَمَّا سَمِعَ رَسُولُ اللهِ ﷺ كَلامَهُ وَ رَغبَتَهُ فِي الجِهَادِ إِنتَهَى رَسُولُ اللهِ ﷺ إِلَى صَخرَةٍ فَاستَتَرَ بِهَا لِيَتَّقِي بِهَا مِنَ السِّهَامِ سِهَامِ المُشرِكِينَ ، فَلَم يَلبَث أَبُودُجَانَةَ إِلَّا يَسِيرًا حَتَّى أَثخَنَ جِرَاحَةً فَتَحَامَلَ حَتَّى إِنتَهَى إِلَى رَسُولِ اللهِ ﷺ فَجَلَسَ إِلَى جَنبِهِ مُثخِنًا لَا حَرَاكَ بِهِ.

قَالَ: وَ عَلِيٌّ لَا يُبَارِزُ فَارِسًا وَ لَا رَاجِلاً إِلَّا قَتَلَهُ اللهُ عَلَى يَدَيهِ حَتَّى انقَطَعَ سَيفُهُ ، فَلَمَّا انقَطَعَ سَيفُهُ جَاءَ إِلَى رَسُولِ اللهِ ﷺ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللهِ انقَطَعَ سَيفِي وَ لَا سَيفَ لِي. فَخَلَعَ رَسُولُ اللهِ ﷺ سَيفَهُ ذَا الفَقَارِ فَقَلَّدَ عَلِيًّا وَ مَشَى إِلَى جَمعِ المُشرِكِينَ فَكَانَ لَا يَبرُزُ لَهُ أَحَدٌ إِلَّا قَتَلَهُ ، فَلَم يَزَل عَلَى ذَلِكَ حَتَّى وُهِيَت دُرَّاعَةُ فَفَرِقَ رَسُولَ اللهِ ﷺ ذَلِكَ فِيهِ ، فَنَظَرَ رَسُولُ اللهِ ﷺ إِلَى السَّمَاءِ وَ قَالَ:

اللَّهُمَّ إِنَّ مُحَمَّدًا عَبدُكَ وَ رَسُولُكَ جَعَلتَ لِكُلِّ نَبِيٍّ وَزِيرًا مِن أَهلِهِ لِتَشُدَّ بِهِ عَضُدَهُ وَ تُشرِكَهُ فِي أَمرِهِ ، وَ جَعَلتَ لِي وَزِيرًا مِن أَهلِي ، عَلِيَّ بنَ أَبِي طَالِبٍ أَخِي ، فَنِعمَ الأَخُ وَ نِعمَ الوَزِيرُ ، اللَّهُمَّ وَعَدتَنِي أَن تَمُدَّنِي بِأَربَعَةِ آلَافٍ مِنَ المَلَائِكَةِ مُردِفِينَ ، اللَّهُمَّ وَعدَكَ وَعدَكَ إِنَّكَ لَا تُخلِفُ المِيعَادَ ، وَعَدتَنِي أَن تُظهِرَ دِينَكَ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَو كَرِهَ المُشرِكُونَ.

چون رسول خدا ﷺ سخنان او را شنید و اشتیاقش را به جهاد دید، به سوی صخره‌ای رفت تا از تیرهای مشرکان در امان باشد. ابودجانه هم دیری نپایید که زخمی سخت خورد و طاقت آورد و به سختی خود را به پیامبر رسانید و در کنار ایشان نشست، او از شدت ضعف قادر به حرکت نبود. ولی حضرت علی ؑ همچنان مبارزه می‌کرد و با هیچ پیاده و سواره‌ای روبه‌رو نمی‌شد مگر آن‌که خداوند با دستان مبارک او وی را نابود می‌کرد. این مبارزه ادامه یافت تا این‌که شمشیر حضرت شکست. حضرت علی ؑ به سوی رسول خدا ﷺ آمد و فرمود: ای رسول خدا! شمشیرم شکست و دیگر شمشیری ندارم. رسول خدا ﷺ شمشیر خود ذوالفقار را باز کرد و به کمر حضرت علی ؑ بست و او دوباره به مشرکان حمله برد و با هر کس که مبارزه می‌کرد او را از پا

در می‌آورد، تا این‌که زره‌اش پاره شد و همچنان بر جا ماند تا آن‌که بالاپوش او نیز پاره شد. رسول خدا ﷺ از این صحنه برای علی ؑ نگران شد و سوی آسمان نگریست و فرمود: «خداوندا! همانا محمّد ﷺ بنده و رسول توست. برای هر پیامبری از خویشانش وزیری قرار داده‌ای تا یاورش و شریک امورش باشد. برای من نیز وزیری از خویشانم، برادرم علی‌بن ابی‌طالب ؑ را قرار دادی، آری او چه برادر خوب و چه نیکو وزیری است. پروردگارا! به من وعده داده‌ای تا مرا با چهار هزار فرشته پی در پی یاری کنی. خداوندا! وعده‌ات را خواهانم که می‌دانم تو خلف وعده نمی‌کنی. به من وعده داده‌ای که دین خودت را بر همه ادیان چیره گردانی؛ هر چند که مشرکان نخواهند.»

قَالَ: فَبینَما رَسُولُ اللهِ ﷺ یدعو رَبَّهُ وَ یَتضرَّعُ اِلَیهِ اِذ سَمِعَ دَوِیًّا مِنَ النَّاسِ فَرَفَعَ رَأسَهُ فَإِذَا جبرَئیلُ ؑ عَلی کُرسِیٍّ مِن ذَهَبٍ وَ مَعَهُ أَربَعَةُ آلَافٍ مِنَ المَلَائِکَةِ مُردِفِینَ وَ هُوَ یَقُولُ: لَا فَتَی إِلَّا عَلِیٌّ وَ لَا سَیفَ إِلَّا ذُوالفَقَارِ، فَهَبَطَ جبرَئیلُ ؑ عَلَی الصَّخرَةِ وَ حَفَّتِ المَلَائِکَةُ بِرَسُولِ اللهِ فَسَلَّمُوا عَلَیه فَقَالَ جبرَئِیلُ ؑ: یَا رَسُولَ اللهِ وَ الَّذِی أَکرَمَكَ بِالهُدَی لَقَد عَجِبَتِ المَلَائِکَةُ المُقَرَّبُونَ لِمُوَاسَاةِ هَذَا الرَّجُلِ لَكَ بِنَفسِهِ. فَقَالَ: یَا جبرَئیلُ مَا یَمنَعُهُ یُوَاسِینِی بِنَفسِهِ وَ هُوَ مِنِّی وَ أَنَا مِنهُ. فَقَالَ جبرَئِیلُ: وَ أَنَا مِنکُمَا ـ حَتَّی قَالَهَا ثَلَاثًا.

ثُمَّ حَمَلَ عَلِیُّ بنُ أَبی‌طَالِبٍ ؑ وَ حَمَلَ جبرَئیلُ ؑ وَ المَلَائِکَةُ ثُمَّ إِنَّ اللهَ تَعَالَی هَزَمَ جَمعَ المُشرِکِینَ وَ تَشَتَّتَ أَمرَهُم فَمَضَی رَسُولُ اللهِ ﷺ وَ عَلِیُّ بنُ أَبی‌طَالِبٍ ؑ بَینَ یَدَیهِ وَ مَعَهُ اللِّوَاءُ قَد خَضَبَهُ بِالدَّمِ وَ أَبُودُجَانَةَ خَلفَهُ فَلَمَّا أَشرَفَ عَلَی المَدِینَةِ فَإِذَا نِسَاءُ الأَنصَارِ یَبکِینَ عَلَی رَسُولِ اللهِ ﷺ فَلَمَّا نَظَرُوا إِلَی رَسُولِ اللهِ ﷺ استَقبَلَهُ أَهلُ المَدِینَةِ بِأَجمَعِهِم وَ مَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ إِلَی المَسجِدِ وَ نَظَرَ إِلَیهِ النَّاسُ فَتَضَرَّعُوا إِلَی اللهِ وَ إِلَی رَسُولِهِ وَ اَقَرُّوا بِالذَّنبِ وَ طَلَبُوا التَّوبَةَ فَأَنزَلَ اللهُ فِیهِم قُرآنًا یَعِیبُهُم بِالبَغیِ الَّذِی کَانَ مِنهُم وَ ذَلِكَ قَولُهُ تَعَالَی: **﴿وَ لَقَدْ کُنْتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَلْقَوْهُ فَقَدْ**

رَأَيْتُمُوهُ وَ أَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ﴾ يَقُولُ: قَد عَايَنتُمُ المَوتَ وَ العَدُوَّ فَلِمَ نَقَضتُمُ العَهدَ وَ جَزِعتُم مِنَ المَوتِ وَ قَد عَاهَدتُمُ اللهَ أَن لَا تَنهَزِمُوا حَتَّى قَالَ بَعضُكُم قُتِلَ مُحَمَّدٌ ﷺ، فَأَنزَلَ اللهُ تَعَالَى ﴿ **وَ مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ** ﴾ إِلَى آخِرِ الآيَةِ.

هنوز پیامبر ﷺ در دعا و تضرع به سوی پروردگار بود که بانگی از مردم شنید. سر برآورد و جبرئیل ؑ را بر کرسی زرینی دید که چهارهزار فرشته پشت سر هم به همراه دارد و می‌گوید: «هیچ جوانمردی جز علی ؑ و هیچ شمشیری جز ذوالفقار نیست.» جبرئیل بر آن صخره فرود آمد و فرشتگان اطراف پیامبر ﷺ را گرفتند و بر ایشان سلام کردند. جبرئیل عرض کرد: ای رسول خدا ﷺ سوگند به آن کس که تو را با هدایت گرامی داشت، فرشتگان مقرب الهی از حمایت این مرد با جان خویش از تو در شگفتی‌اند. حضرت فرمود: چرا با جان خویش از من حمایت نکند حال آن‌که او از من و من از اویم. جبرئیل گفت: من نیز از شما هستم و این جمله را سه بار تکرار کرد.

سپس حضرت علی ؑ همراه با جبرئیل و فرشتگان به مشرکان حمله کردند و خداوند متعال آن‌ها را در هم شکست و پراکنده شدند و امورشان در هم ریخت.

پس از آن رسول خدا ﷺ راهی مدینه شد، در حالی‌که حضرت علی ؑ در مقابل ایشان با پرچمی آغشته به خون می‌رفت و ابودجانه نیز پشت سرش می‌آمد. هنگامی‌که نزدیک مدینه شدند، زنان انصار که برای رسول خدا ﷺ می‌گریستند، چون ایشان را دیدند، همگی به استقبال ایشان رفتند. رسول خدا ﷺ به سوی مسجد رفت و مردم در حالی‌که به ایشان می‌نگریستند، به سوی خداوند و رسولش تضرع و زاری می‌کردند و به گناه خویش اعتراف و طلب توبه می‌کردند. در این هنگام خداوند آیه‌ای نازل فرمود که آن‌ها را به خاطر آن سرکشی و سخنانی که در ابتدا داشتند، سرزنش کرد و فرمود: «و شما مرگ را پیش از آن‌که با آن روبه‌رو شوید، سخت آرزو می‌کردید، پس آن را دیدید و همچنان نگاه می‌کردید.»

یعنی شما مرگ و دشمن را نظاره کردید، پس چرا عهد خود شکستید و از مرگ گریختید؟ در حالی‌که با خداوند عهد کرده بودید که فرار نکنید و حتی گفتید: محمّد ﷺ کشته شده است. خداوند متعال نیز این آیه را نازل فرمود: «و محمّد، جز فرستاده‌ای که پیش از او هم پیامبرانی آمده و گذشتند، نیست. آیا اگر او بمیرد یا کشته شود از عقیدهٔ خود برمی‌گردید؟ و هر کس از عقیدهٔ خود بازگردد، هرگز هیچ زیانی به خدا نمی‌رساند، و به زودی خداوند سپاسگزاران را پاداش می‌دهد.»

ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: أَيُّها النَّاسُ إِنَّكُم رَغِبتُم بِأَنفُسِكُم عَنِّي، وَ وَازَرَنِي عَلِيٌّ وَ وَاسَانِي، فَمَن أَطَاعَهُ فَقَد أَطَاعَنِي، وَ مَن عَصَاهُ فَقَد عَصَانِي وَ فَارَقَنِي فِي الدُّنيَا وَ الآخِرَة.

قَالَ: وَ قَالَ حُذَيفَةُ: لَيسَ يَنبَغِي لِأَحَدٍ يَعقِلُ يَشُكُّ فِيمَن لَم يُشرِك بِاللهِ أَنَّهُ أَفضَلُ مِمَّن أَشرَكَ بِه، وَ مَن لَم يَنهَزِم عَن رَسُولِ اللهِ ﷺ أَفضَلُ مِمَّن انهَزَمَ، وَ أَنَّ السَابِقَ إِلَى الإِيمَانِ بِاللهِ وَ رَسُولِهِ أَفضَلُ، وَ هُوَ عَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام.

سپس رسول خدا ﷺ فرمود: ای مردم! شما جان‌های خود را از من و یاری من دریغ داشتید و تنها حضرت علی عليه السلام با جان خود مرا حمایت کرد. هر که از او اطاعت کند، مرا اطاعت کرده و هر که از او روی گرداند، از من روی گردانده است و در دنیا و آخرت از من جداست. حذیفه گفت: بر انسان عاقل سزاوار نیست در این شک کند که کسی که به خدا شرک نورزیده برتر از کسی است که به او شرک ورزیده و کسی که از رسول خدا ﷺ فرار نکرده، برتر از کسی است که از ایشان فرار کرده و آن کس که در ایمان آوردن به خدا و رسولش پیشی جسته است، او برترین است و همانا او علی بن ابی طالب عليه السلام است.

۵۶. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ قَالَ: كَانَ عَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام يَقُولُ فِي حَيَاةِ النَّبِيِّ ﷺ إِنَّ اللهَ تَعَالَى يَقُولُ فِي كِتَابِهِ: ﴿ أَ فَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ ﴾ وَ اللهِ لَا نَنقَلِبُ عَلَى أَعقَابِنَا بَعدَ إِذ هَدَانَا اللهُ، وَ اللهِ لَئِن مَاتَ أَو قُتِلَ لَأُقَاتِلَنَّ عَلَى مَا قَاتَلَ عَلَيهِ، وَ مَن أَولَى بِهِ مِنِّي وَ أَنَا أَخُوهُ وَ وَارِثُهُ وَ ابنُ عَمِّهِ عليه السلام.

ابن عباس گفت: حضرت علی علیه السلام در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمود: خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «آیا اگر او بمیرد یا کشته شود، از عقیدهٔ خود برمی‌گردید؟» به خدا سوگند که بعد از آن‌که خداوند هدایتمان کرد از عقیدهٔ خود باز نمی‌گردیم و به خدا سوگند اگر پیامبر بمیرد یا کشته شود، من در راه آن‌چه او برایش جنگید، می جنگم. کیست که از من به او نزدیک‌تر باشد در حالی‌که من برادر و وارث و پسرعموی او هستم.

(سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۵۳)

﴿ إِذْ تُصْعِدُونَ وَ لاٰ تَلْوُونَ عَلىٰ أَحَدٍ وَ الرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ ﴾

[و به یاد آورید] هنگامی‌که راه خویش را در پیش گرفته و می‌گریختید و به کسی توجّه نمی‌کردید و پیامبر شما را فرا می‌خواند.

۵۷. عَنِ الحَسَنِ قَالَ: سَمِعتُ عَبدَ اللهِ بنِ عَبَّاسٍ يَقُولُ: حِينَ انجَفَلَ عَنهُ يومَ أُحُدٍ فِي قَولِهِ تَعَالَى: ﴿ إِذْ تُصْعِدُونَ وَ لاٰ تَلْوُونَ عَلىٰ أَحَدٍ وَ الرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ ﴾ فَلَم يَبقَ مَعَهُ مِنَ النَّاسِ غَيرُ عَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام وَ رَجُلٌ مِنَ الأَنصَارِ فَقَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله: يَا عَلِيُّ قَد صَنَعَ النَّاسُ مَا تَرَى فَقَالَ: لَا وَاللهِ يَا رَسُولَ اللهِ لَا أَسأَلُ عَنكَ الخَبَرَ مِن وَرَاءِ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ أَمَّا فَاحمِل عَلَى هَذِهِ الكَتِيبَةِ، فَحَمَلَ عَلَيهَا فَفَضَّهَا، فَقَالَ جَبرَئِيلُ عليه السلام يَا رَسُولَ اللهِ إِنَّ هَذِهِ لَهِيَ المُوَاسَاةُ فَقَالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله: إِنِّي مِنهُ وَ هُوَ مِنِّي. فَقَالَ جَبرَئِيلُ عليه السلام: وَ أَنَا مِنكُمَا.
ثُمَّ أَقبَلَ وَ قَالَ: مَا صَنَعتُ مَا حَدَّثتُ بِهَذَا الحَدِيثِ مُنذُ سَمِعتُهُ عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ مَعَ حَدِيثٍ آخَرَ سَمِعتُهُ فِي عَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام، وَ مَا حَدَّثتُ بِهَذَينِ الحَدِيثَينِ مُنذُ سَمِعتُهُمَا وَ مَا أَخبَرُ لِأَحَدٍ مِنَ النَّاسِ أَن يَكُونَ أَشَدَّ حُبًّا لِعَلِيٍّ مِنِّي وَ لَا أَعرَفَ بِفَضلِهِ مِنِّي وَلَكِنِّي أَكرَهُ أَن يَسمَعَ هَذَا مِنِّي هَؤُلَاءِ الَّذِينَ يَغلُونَ وَ يَفرُطُونَ فَيَزدَادُوا شَرًّا. فَلَم أَزَل بِهِ أَنَا وَ أَبُو خَلِيفَةَ صَاحِبُ مَنزِلِهِ يَطلُبُ إِلَيهِ حَتَّى أَخَذَ عَلَينَا أَن لَا نُحَدِّثَ بِهِ مَادَامَ حَيًّا فَأَقبَلَ فَقَالَ:

حَدَّثَنِی عَبدُ اللهِ‌بنُ عَبّاسٍ إِنَّ رَسُولَ اللهِ ﷺ دَعا عَلِیًّا فَقالَ: یا عَلِیُّ اِحفِظ عَلَیَّ البابَ فَلا یَدخُلَنَّ أَحَدُ الیومَ فَإِنَّ مَلائِکَةً مِن مَلائِکَةِ اللهِ استَأذَنوا رَبَّهُم أَن یَتَحَدَّثُوا إِلَیَّ الیومَ إِلَی اللَّیلِ فاقعُد. فَقَعَدَ عَلِیُّ بنُ أَبی طالِبٍ علیه السلام عَلَی البابِ فَجاءَ عُمَرُ بنُ الخَطّابِ فَرَدَّهُ ثُمَّ جاءَ وَسَطَ النَّهارِ فَرَدَّهُ ثُمَّ جاءَ عِندَ العَصرِ فَرَدَّهُ وَ أَخبَرَهُ أَنَّهُ قَدِ استَأذَنَ عَلَی النَّبِیِّ ﷺ سِتُّونَ وَ ثَلاثُمِائَةِ مَلَكٍ.

فَلَمّا أَصبَحَ عُمَرُ غَدًا إِلَی رَسُولِ اللهِ ﷺ فَأَخبَرَهُ بِما قالَ عَلِیُّ بنُ أَبی طالِبٍ علیه السلام فَدَعا رَسُولُ اللهِ ﷺ عَلِیًّا فَقالَ: وَ ما أَعلَمَكَ أَنَّهُ قَدِ استَأذَنَ عَلَیَّ ثَلاثُمِائَةٍ وَ سِتُّونَ مَلَكٍ؟ فَقالَ: وَ الَّذی بَعَثَكَ بِالحَقِّ ما مِنهُم مَلَكٌ استَأذَنَ عَلَیكَ إِلّا وَ أَنا أَسمَعُ صَوتَهُ بِأُذُنی وَ أَعقِدُ بِیَدی حَتَّی عَقَدتُ ثَلاثُمِائَةٍ وَ سِتُّونَ سِتِّینَ وَ ثَلاثَمِائَةٍ. قالَ: صَدَقتَ یَرحَمُكَ اللهُ. حَتَّی أَعادَها رَسُولُ اللهِ ثَلاثًا.

حسن گفت: از عبدالله‌بن عبّاس شنیدم که می‌گفت: هنگامی که در روز احد مردم از کنار پیامبر پراکنده شدند، چنان‌که خداوند نیز می‌فرماید «[و به یاد آورید] هنگامی که راه خویش را در پیش گرفته و می‌گریختید و به کسی توجه نمی‌کردید و پیامبر شما را فرا می‌خواند» و تنها حضرت علی علیه السلام و مردی از انصار در کنار حضرت باقی ماندند، پیامبر اکرم ﷺ فرمود: ای علی! می‌بینی مردم چه کردند؟! حضرت علی علیه السلام فرمود: به خدا سوگند دربارهٔ پشت سر هیچ خبری نمی‌خواهم. پیامبر ﷺ به او فرمود: بر این سپاه حمله کن. حضرت حمله کرد و آن‌ها را پراکنده کرد. جبرئیل عرض کرد: ای رسول خدا! این همان مواساتی است که در حق شما ادا نمود؟ پیامبر ﷺ پاسخ داد: علی از من و من از علی‌ام. جبرئیل عرض کرد: من هم از شمایم. بعد از آن راوی رو به ما کرد و گفت: از زمانی که این حدیث و حدیث دیگری را از ابن عبّاس دربارهٔ حضرت علی علیه السلام شنیده‌ام، این‌دو را برای کسی نگفته بودم؛ حال آن‌که در میان مردم کسی را نمی‌شناسم که علی علیه السلام را بیشتر از من دوست بدارد و بیشتر از من از برتری او آگاه باشد؛ ولی ناخرسندم از این‌که این را کسانی که غلوّ می‌کنند

و افراط می‌ورزند، از من بشنوند و شرّشان بیشتر شود.
راوی گفت: من و ابوخلیفه که صاحب منزل او بود، رهایش نکردیم و از او خواهش کردیم که آن حدیث را نیز برایمان بگوید، او نیز از ما عهد گرفت که تا زمانِ زنده بودنش این حدیث را به کسی نگوییم. آن‌گاه رو به ما کرد و گفت: عبدالله بن عباس برایم نقل کرده است که رسول خدا ﷺ حضرت علی علیه‌السلام را فراخواند و به او فرمود: ای علی! امروز بر درِ خانه‌ام بنشین و مواظب باش تا کسی داخل نشود؛ چراکه امروز تا شب فرشتگانی از فرشتگان خداوند از پروردگارشان اجازه خواسته‌اند تا امروز نزد من آیند و تا شب با من سخن بگویند.
حضرت علی علیه‌السلام در کنار در نشست، در این هنگام عمربن خطاب آمد، حضرت علی علیه‌السلام او را بازگرداند. دوباره هنگام ظهر آمد، حضرت او را بازگرداند. بار دیگر هنگام عصر آمد، حضرت باز هم او را بازگرداند و به او خبر داد که سیصدوشصت فرشته از رسول خدا ﷺ اجازهٔ ورود خواسته‌اند.
صبح فردا عمر نزد حضرت رسول ﷺ آمد و آن‌چه را که حضرت علی علیه‌السلام به او گفته بود، به پیامبر ﷺ خبر داد. رسول خدا ﷺ حضرت علی علیه‌السلام را صدا زد و فرمود: ای علی! از کجا می‌دانستی که سیصدوشصت فرشته نزد من آمده بودند؟ فرمود: سوگند به خدایی که شما را به حق برانگیخت، فرشته‌ای از شما اجازه ورود نمی‌خواست مگر آنکه صدایش را با گوش خود می‌شنیدم و با دستانم آن‌ها را می‌شمردم تا به سیصدوشصت رسید. پیامبر ﷺ فرمود: راست گفتی خدا تو را رحمت کند. و رسول خدا ﷺ این کلام را سه بار بازگفت.

(سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۵۴)

﴿ ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِ الْغَمِّ أَمَنَةً نُعَاسًا ﴾

سپس بعد از آن اندوه، آرامشی (به صورت خواب سبکی) بر شما فرو فرستاد.

۵۸. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ فِی قَولِهِ تَعالَی ﴿ ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِ الْغَمِّ أَمَنَةً نُعَاسًا ﴾ نَزَلَت فِی

عَلِیِّ بنِ أَبی طالِبٍ ﷺ غَشِیَهُ النُّعَاسُ یومَ أُحُدٍ.

ابن عباس گفت: این آیه دربارهٔ حضرت علی ﷺ نازل شد که در روز احد به خواب سبکی رفت.

(سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۵۷)

﴿ وَ لَئِنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبيلِ اللهِ أَوْ مُتُّمْ ﴾

و اگر در راه خدا کشته شوید یا بمیرید.

۵۹. جَعفَرُبنُ مُحمَّدٍ الفَزارِیُّ مُعنعَنًا: عَن أَبی جعفَرٍ ﷺ قالَ: سَأَلتُهُ عَن هَذِهِ الآیةِ **﴿ وَ لَئِنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبيلِ اللهِ أَوْ مُتُّمْ ﴾** قَالَ: قَالَ: أَتدرُونَ مَا سَبِیلُ اللهِ؟ قَالَ: قُلتُ: لا وَاللهِ إِلَّا أَن أَسمَعَهُ مِنكَ. فَقَالَ سَبِیلُ اللهِ عَلِیُّ بنُ أَبی طالِبٍ وَ ذُرِّیَّتُهُ وَ مَن قُتِلَ فِی وَلَایَتِهِ قُتِلَ فِی سَبِیلِ اللهِ وَ مَن مَاتَ فِی وَلَایَتِهِ مَاتَ فِی سَبِیلِ اللهِ.

جعفر بن محمّد فزاری روایت کرده است: شخصی از امام محمّد باقر ﷺ دربارهٔ این آیه پرسید، ایشان فرمود: آیا می‌دانی منظور از راه خدا چیست؟ عرض کرد: به خدا سوگند نمی‌دانم مگر آن‌که از شما بشنوم. فرمود: منظور از راه خدا حضرت علی بن ابی‌طالب ﷺ و فرزندان اوست، هر که در پناه ولایت او کشته شود، در راه خدا کشته شده و هر که در پناه ولایت او درگذرد، در راه خدا درگذشته است.

(سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۷۲)

﴿ الَّذينَ اسْتَجابُوا لِلّهِ وَ الرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ ما أَصابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَ اتَّقَوْا أَجْرٌ عَظيمٌ ﴾

کسانی‌که دعوت خدا و رسول را پس از آن‌که [در اُحد] زخمی شدند، پذیرفتند، برای کسانی از آنان که نیکویی کردند و پرهیزکاری نمودند، پاداشی بزرگ است.

۶۰. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ: وَ قَولُهُ: ﴿ الَّذينَ اسْتَجابُوا لِلّٰهِ وَ الرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ ما أَصابَهُمُ الْقَرْحُ ﴾ يَعنِى الجَراحَةَ. ﴿ لِلَّذينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَ اتَّقَوْا أَجْرٌ عَظيمٌ ﴾ قالَ: نَزَلَت فِى عَلِيِّ بنِ أَبِى‌طالِبٍ عليه‌السلام وَ تِسعةِ نَفَرٍ مَعَهُ بَعَثَهُم رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله فِى أَثَرِ أَبِى‌سُفيانَ حينَ ارتَحَلَ فَاستَجابُوا لِلّهِ وَ لِرَسُولِهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله.

ابن عباس گفت: «قرح» به معنای جراحت و زخم است و این آیه دربارهٔ حضرت علی عليه‌السلام و نُه نفر از همراهانش نازل شد، زمانی که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله آنان را در پی ابوسفیان فرستاد و آن‌ها دعوت خدا و رسول او را اجابت کردند[1].

(سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۸۶)

﴿ وَ لَتَسْمَعُنَّ مِنَ الَّذينَ أُوتُوا الْكِتابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ مِنَ الَّذينَ أَشْرَكُو أَذًى كَثيرًا ﴾

و از کسانی‌که پیش از شما به آنان کتاب داده شده و (نیز) از کسانی‌که شرک آورده‌اند، آزار بسیار خواهید شنید.

۶۱. وَ أَيضًا عَنهُ: وَ قَولُهُ: ﴿ وَ لَتَسْمَعُنَّ مِنَ الَّذينَ أُوتُوا الْكِتابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ مِنَ الَّذينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثيرًا ﴾: نَزَلَت فِى رَسُولِ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله خاصَّةً وَ فِى أَهلِ بَيتِهِ خاصَّةً عليهم‌السلام.

ابن عباس گفت: این آیه به‌طور اخص دربارهٔ رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله و اهل بیت ایشان عليهم‌السلام نازل شده است.

---

۱. **تفسیر قمی**، ج ۱، ص ۱۲۴؛ **تفسیر صافی**، ج ۲، ص ۱۳۰. قمی روایت کرده است که وقتی پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله بعد از جنگ احد وارد مدینه شد، جبرئیل عليه‌السلام بر او نازل شد و عرض کرد: ای محمّد! خداوند تو را امر می‌کند به سمت و دنبال قوم قریش خارج شوی و با تو خارج نشود مگر کسی که جراحتی دارد. پس رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله با ایشان قریش را دنبال کردند... آن‌گاه جبرئیل بر رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نازل شد و عرض کرد: ای محمّد! برگرد خداوند قریش را ترساند و فرار کردند و هرگز بر نمی‌گردند. این‌گونه رسول خدا به مدینه بازگشت و خداوند این آیه را نازل فرمود.

(سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۲۰۰)

﴿ یٰا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صٰابِرُوا وَ رٰابِطُوا وَ اتَّقُوا اللّٰهَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ ﴾

ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید! شکیبایی کنید و در شکیبایی پایدار باشید، و [از مرزها] محافظت کنید و از خدا پروا نمایید. باشد که رستگار شوید.

۶۲. وَ عَنهُ أَیضًا وَ قَولُهُ: ﴿ اصْبِرُوا ﴾ فِی أَنفُسِکُم ﴿ وَ صابِرُوا ﴾ عَدُوَّکُم ﴿ وَ رابِطُوا ﴾ فِی سَبیلِ اللّٰهِ ﴿ وَ اتَّقُوا اللّٰهَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ ﴾ نَزَلَت فِی رَسُولِ اللّٰهِ صلی الله علیه و آله وَ عَلِیِّ بنِ أَبی‌طالِبٍ علیه السلام وَ حَمزَةَ بنِ عَبدِ المُطَّلِبِ.

ابن عباس گفت: «شکیبایی کنید» در وجودتان «و در شکیبایی پایدار باشید» در برابر دشمنتان «و [از مرزها] حفاظت کنید» در راه خدا «و از خدا پروا نمایید، باشد که رستگار شوید»؛ این آیه دربارهٔ رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی‌بن ابی‌طالب علیه السلام و حمزة‌بن عبدالمطّلب نازل شد.

وَ مِن سُورَةُ النِّسَاءِ

(سورهٔ نساء، آیهٔ ۱)

﴿ وَ اتَّقُوا اللهَ الَّذي تَسائَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحامَ إِنَّ اللهَ كانَ عَلَيْكُمْ رَقيبًا ﴾

و از خدا که به نام او از یکدیگر درخواست می‌کنید و از [بریدن پیوند با] خویشاوندان پروا نمایید. همانا خداوند مراقب شماست.

۶۳. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ فِی قَولِهِ تَعالَی ﴿ وَ اتَّقُوا اللهَ الَّذي تَسائَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحامَ ﴾ نَزَلَت فِی رَسُولِ اللهِ ﷺ وَ أَهلِ بَیتِهِ وَ ذَوِی أَرحامِهِ وَ ذٰلِکَ أَنَّ کُلَّ سَبَبٍ وَ نَسَبٍ یَنقَطِعُ یَومَ القِیامَةِ إِلَّا مَن کانَ مِن سَبَبِهِ وَ نَسَبِهِ ﴿ إِنَّ اللهَ كانَ عَلَيْكُمْ رَقيبًا ﴾ یَعنِی حَفِیظًا.

ابن عبّاس گفت: کلام خداوند متعال «و از خدا که به نام او از یکدیگر درخواست می‌کنید و از [بریدن پیوند با] خویشاوندان پروا نمایید» دربارهٔ رسول خدا ﷺ و اهل بیت و خویشاوندان ایشان نازل شد؛ چرا که تمامی خویشی‌های سببی و نسبی در روز قیامت قطع خواهد شد مگر آن‌چه از سبب و نسب حضرت محمّد ﷺ باشد. «همانا خداوند مراقب شماست»؛ یعنی خداوند شما را بسیار محافظت می‌کند.

۶۴ . جَعفَرُبنُ مُحَمَّدِ الفَزارِیُّ مُعنعَنًا: عَن جَعفَرِبنِ مُحَمَّدٍ علیه السلام قالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله:
إنَّ اللهَ تَعالَی خَلقَنِی وَ أَهلَ بَیتِی مِن طِینَةٍ لَم یَخلُقِ اللهُ مِنهَا أَحَدًا غَیرَنا وَ مَن یَتوَلّانا ، فکُنَّا أَوَّلُ مَنِ ابتَدَأَ مِن خَلقِهِ ، فَلَمَّا خَلَقَنا فَتقَ بِنُورِنا کُلَّ طِینَةٍ طَیِّبةٍ وَ أَحیا بِنا کُلَّ طِینَةٍ طَیِّبَةٍ ، ثُمَّ قَالَ اللهُ تَعالَی: هٰؤلاءِ خِیارُ خَلقِی وَ حَمَلَةُ عَرشِی وَ خُزَّانُ عِلمِی وَ سَادَةُ أَهلِ السَّمَاءِ وَ سَادَةُ أَهلِ الأَرضِ ، هٰؤلَاء هُداةُ المُهتَدِینَ وَ المُهتَداءُ بِهِم ، مَن جاءَنِی بِوَلَایَتِهِم أَوجَبتُهُم جَنَّتِی وَ أَبَحتُهُم کَرامَتِی ، وَ مَن جاءَنِی بِعدَاوَتِهِم أَوجَبتُهُم نَارِی وَبعَثتُ عَلَیهِم عَذَابِی.
ثُمَّ قَالَ علیه السلام: وَ نَحنُ أَصلُ الإِیمَانِ بِاللهِ وَ مَلائِکَتِهِ وَ تَمامِهِ ، وَ مِنَّا الرَّقِیبُ عَلَی خَلقِ اللهِ ، وَ بِهِ إِسدادُ أَعمَالِ الصَّالِحِینَ ، وَ نَحنُ قَسَمُ اللهِ الَّذِی یُسأَلُ بِهِ وَ نَحنُ وَصِیَّةُ اللهِ فِی الأَوَّلِینَ وَ وَصِیَّتُهُ فِی الآخِرِینَ وَ ذٰلِکَ قَولُ اللهِ ـ جَلَّ جَلالُهُ: ﴿ **اتَّقُوا اللهَ الَّذي تَسائَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحامَ إِنَّ اللهَ کانَ عَلَیْکُمْ رَقِیبًا** ﴾.

جعفر بن محمّد فزاری روایت کرده است: امام جعفر صادق علیه السلام از قول پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند متعال من و اهل بیتم را از گلی سرشت که هیچ کس جز ما و دوستداران ما را از آن نیافریده است. ما نخستین کسانی بودیم که خداوند آفرینش ایشان را آغاز کرد. چون ما را آفرید، از نور ما هر سرشت پاکی را پدید آورد و از ما هر سرشت پاکی را زنده گرداند. سپس خداوند متعال فرمود: ایشان بهترین آفریدگان من و حاملان عرش من و نگاهبانان علم من و سرور اهل آسمان و زمین‌اند. اینان هدایتگران هدایت‌یافته‌اند که هدایتِ هدایت یافتگان از ایشان است. هر که با ولایت ایشان سوی من آید، بهشتم را بر او واجب خواهم ساخت و کرامتم را به او خواهم بخشید و هر که با دشمنی اینان به سوی من آید، جهنّمم را بر او واجب می‌کنم و عذابم را بر آنان می‌فرستم.
امام جعفر صادق علیه السلام در ادامه فرمود: ما اصل ایمان به خدا و فرشتگان او و تمامیّت او هستیم و مراقبت بر آفریدگان خدا از جانب ماست و قوام اعمال نیکوکاران با حضرت علی علیه السلام انجام می‌گیرد و ما سوگند خدا هستیم که از آن

سؤال می‌شود و ما به پیشینیان و سفارش او به پسینیان هستیم. و این کلام خداوند جلّ جلاله است که فرمود: «و از خدا که به نام او از یکدیگر درخواست می‌کنید و از (بریدن پیوند با) خویشاوندان پروا نمایید. همانا خداوند مراقب شماست.»

(سورهٔ نساء، آیهٔ ۲۹)

﴿ وَ لاٰ تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللّٰهَ كٰانَ بِكُمْ رَحِيمًا ﴾

خودتان را نکشید [و در معرض خطر قرار ندهید] بی‌تردید خداوند به شما مهربان است.

۶۵. عُبَيْدُبنُ كَثيرٍ مُعنعَنًا: عَن جَعفَرِبنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام فِی قَولِ اللّٰهِ تَعالَی: ﴿ لاٰ تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ﴾ قالَ: أَهلَ بَيتِ نَبِيِّكُم عليهم السلام.

عبیدبن کثیر گفت: امام جعفر صادق عليه السلام دربارهٔ کلام خداوند متعال «خودتان را نکشید» فرمود: یعنی اهل بیت پیامبرتان را.

(سورهٔ نساء، آیهٔ ۳۱)

﴿ إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبٰائِرَ مٰا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئٰاتِكُمْ وَ نُدْخِلْكُمْ مُدْخَلاً كَرِيمًا ﴾

اگر از گناهان بزرگی که از [ارتکاب] آن‌ها نهی شده‌اید، دوری کنید، بدی‌های شما را می‌زداییم و شما را به جایگاه شایسته‌ای وارد می‌کنیم.

۶۶. عَن مُعَلَّی‌بنِ خُنَيسٍ قالَ: سَمِعتُ أَباعَبدِ اللّٰهِ جَعفَرَ الصّادِقَ عليه السلام يَقُولُ: الكَبائِرُ سَبعٌ فِينا نَزَلَت وَ مِنّا استُحِلَّت فَأَكبَرُ الكَبائِرِ الشِّركُ بِاللّٰهِ وَ قَتلُ النَّفسِ الَّتی حَرَّمَ اللّٰهُ وَ قَذفُ المُحصِنَةِ وَ عُقوقُ الوالِدَينِ وَ أَكلُ مالِ اليَتيمِ وَ الفِرارُ مِنَ الزَّحفِ وَ إِنكارُ حَقِّنا.

فَأَمَّا الشِّركُ بِاللّٰهِ فَقَد أَنزَلَ اللّٰهُ فِينا ما أَنزَلَ وَ قالَ النَّبِيُّ فِينا ما قالَ فَكَذَّبُوا اللّٰهَ وَ كَذَّبُوا بِرَسُولِهِ.

وَ أَمّا قَتلُ النَّفسِ الَّتی حَرَّمَ اللّٰهُ فَقَد قَتَلُوا الحُسَينَ عليه السلام وَ أَهلَ بَيتِهِ.

وَ أَمَّا قَذفُ المُحصِنَةِ فَقَد قَذَفُوا فَاطِمَةَ بِنتَ رَسُولِ اللهِ ﷺ عَلَى مَنَابِرِهِم.
وَ أَمَّا عُقُوقُ الوَالِدَينِ فَقَد عَقُّوا رَسُولَ اللهِ ﷺ فِي ذُرِّيَّتِهِ.
وَ أَمَّا أَكلُ مَالَ اليَتِيمِ فَقَد مَنَعُوا حَقَّنَا مِن كِتَابِ اللهِ.
وَ أَمَّا الفِرَارُ مِنَ الزَّحفِ فَقَد أَعطَوا أَمِيرَ المُؤمِنِينَ بَيعَتَهُ طَائِعِينَ غَيرَ كَارِهِينَ ثُمَّ فَرُّوا عَنهُ وَ خَذَلُوهُ. وَ أَمَّا إِنكَارُ حَقِّنَا فَوَاللهِ مَا يَتَعَاجَمُ فِي هَذَا أَحدٌ.

معلّی بن خنیس گفت: از امام جعفر صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: هفت کبیره در مورد ما نازل شد و آن‌چه حلال شمرده شد، از ماست. بزرگ‌ترین کبیره‌ها شرک به خداوند است و قتل نفسی که خدا حرام کرده و بدگویی کردن از زن همسردار و نافرمانی از والدین و خوردن مال یتیم و فرار از جنگ و انکار حق ما. و امّا شرک به خداوند؛ خداوند آن‌چه را می‌دانید دربارهٔ ما نازل کرد و پیامبر آن‌چه را می‌دانید دربارهٔ ما گفت، امّا آنان خدا را دروغگو برشمردند و رسول او را دروغگو برشمردند. و امّا قتل نفسی که خداوند حرام کرد؛ آنان حسین علیه السلام و اهل بیتش را کشتند. و امّا بدگویی کردن از زن همسردار؛ آنان از حضرت فاطمه علیها السلام بر روی منبرهاشان بد گفتند. و امّا نافرمانی والدین؛ آنان از رسول خدا ﷺ در مورد فرزندانش نافرمانی کردند. و امّا خوردن مال یتیم؛ آنان ما را از حقّ خود در کتاب خدا به دور داشتند. و امّا فرار از جنگ؛ کسانی که با رغبت و بدون اجبار با امیر مؤمنان علیه السلام بیعت کردند، از او فرار کردند و تنهایش گذاشتند. و امّا انکار حق ما؛ به خدا سوگند این بر هیچ کس پوشیده نیست.

(سورهٔ نساء، آیهٔ ۳۶)

﴿ وَ اعْبُدُوا اللهَ وَ لاٰ تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوٰالِدَيْنِ إِحْسٰانًا وَبِذِي الْقُرْبىٰ ﴾

و خدا را پرستش کنید؛ و چیزی را شریک او نسازید، و به پدر و مادر و خویشاوندان نیکی کنید.

۶۷. مُحَمَّدُبنُ سَعيدِ الأَحمَسِيُّ مُعنعَنًا: عَن جَعفَرِ الصّادِقِ عليه السلام فِي قَولِهِ تَعالَى: ﴿ **وَ اعْبُدُوا اللهَ وَ لاٰ تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوٰالِدَيْنِ إِحْسٰانًا** ﴾ قالَ: إِنَّ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وآله وَ عَلِيَّ بنَ أَبِي طالِبٍ عليه السلام هُمَا الوالِدانِ ﴿ **وَ بِذِي الْقُرْبىٰ** ﴾ قالَ: الحَسَنُ وَ الحُسَينُ عليهما السلام.

محمّدبن سعید احمسی گفت: امام جعفر صادق عليه السلام دربارهٔ کلام خداوند متعال «و خدا را پرستش کنید و چیزی را شریک او نسازید و به پدر و مادر و خویشاوندان نیکی کنید» فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله و علی‌بن ابی‌طالب عليه السلام همان والدین هستند و ذی القربی امام حسن و امام حسین عليهما السلام می‌باشد.

۶۸. عَن أَبِي بَصِيرٍ قالَ: سَمِعتُ أَباعَبدِ اللهِ عليه السلام يَقُولُ: إِنَّ المُؤمِنَ إِذا ماتَ رَأَى رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وآله وَ عَلِيًّا عليه السلام يَحضُرانَهُ، وَ قالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: أَنا أَحَدُ الوالِدَينِ وَ عَلِيٌّ الآخَرُ. قالَ: قُلتُ: وَ أَيُّ مَوضِعٍ ذٰلِكَ مِن كِتابِ اللهِ؟ قالَ: قَولُهُ ﴿ **اعْبُدُوا اللهَ وَ لاٰ تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوٰالِدَيْنِ إِحْسٰانًا** ﴾.

ابی‌بصیر گفت: از امام جعفر صادق عليه السلام شنیدم که فرمود: مؤمن به هنگام مرگ، رسول خدا صلى الله عليه وآله و حضرت علی عليه السلام را می‌بیند که هر دو بر پیکرش حاضر می‌شوند. رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: من یکی از والدین و علی عليه السلام والد دیگر است. ابی‌بصیر گفت: عرض کردم: این کلام در کجای کتاب خداست؟ امام جعفر صادق عليه السلام فرمود: کلام حق تعالی: ﴿ **اعْبُدُوا اللهَ وَ لاٰ تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوٰالِدَيْنِ إِحْسٰانًا** ﴾.

(سورهٔ نساء، آیهٔ ۴۷)

﴿ يٰا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتٰابَ آمِنُوا بِمٰا نَزَّلْنٰا مُصَدِّقًا لِمٰا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهٰا عَلىٰ أَدْبٰارِهٰا أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمٰا لَعَنّٰا أَصْحٰابَ السَّبْتِ وَ كٰانَ أَمْرُ اللهِ مَفْعُولاً ﴾

ای کسانی‌که کتاب به شما داده شده است! به آنچه نازل کرده‌ایم که

تصدیق کنندهٔ آن چیزی (کتابی) است که با شماست ایمان بیاورید، پیش از آن‌که صورت‌هایی را محو کنیم و به پشت سرشان بازگردانیم، یا آن‌ها را لعنت کنیم همان‌گونه که اصحاب سَبْت [کسانی که حرمت روز شنبه را شکستند] را لعنت کردیم و امر خدا [در هر حال] انجام می‌شود.

۶۹. عَن جَابِرٍ: قَالَ أَبو جعفَرٍ ؈: نَزَلَ جبرَئیلُ ؈ عَلی مُحمَّدٍ ؈ بِهذِهِ الآیَةِ هکَذا: ﴿ **یا أَیُّهَا الَّذینَ أُوتُوا الْکِتابَ آمِنُوا بِما نَزَّلْنا** ﴾ فِی عَلِیٍّ ﴿ **مُصَدِّقًا لِما مَعَکُمْ مِنْ قَبْلِ** ﴾ إِلی آخِرِ الآیَةِ.

جابر گفت: امام محمّد باقر ؈ فرمود: جبرئیل ؈ این آیه را بر محمّد ؈ این‌گونه نازل کرد: «ای کسانی که کتاب به شما داده شده است! ایمان آورید به آن‌چه نازل کرده‌ایم» دربارهٔ علی ؈ «که تصدیق‌کننده آن چیزی است که با شماست» تا پایان آیه.

(سورهٔ نساء، آیهٔ ۴۸)

﴿ إِنَّ اللهَ لایَغْفِرُ أَنْ یُشْرَکَ بِهِ وَیَغْفِرُ مادُونَ ذٰلِکَ لِمَنْ یَشاءُ ﴾

بی‌تردید، خداوند این [گناه] را که به او شرک آورند، نمی‌آمرزد و به جز آن را برای کسی که بخواهد می‌آمرزد.

۷۰. عَن جَابِرٍ قَالَ: سَأَلتُ أَبا جَعفَرٍ ؈ عَن قَولِ اللهِ تَعالَی: ﴿ **إِنَّ اللهَ لا یَغْفِرُ أَنْ یُشْرَکَ** ﴾ قَالَ: یا جَابِرُ إِنَّ اللهَ لا یَغفِرُ أَن یُشرَکَ بِوَلایَةِ عَلِیِّ بنِ أَبی طالِبٍ ؈ وَ طاعَتِهِ، وَ أَمّا قولُهُ: ﴿ **وَ یَغْفِرُ ما دُونَ ذٰلِکَ لِمَنْ یَشاءُ** ﴾ فَإِنَّهُ وَلایَةُ عَلِیِّ بنِ أَبی طالِبٍ ؈.

جابر گفت: دربارهٔ کلام خداوند متعال ﴿ **إِنَّ اللهَ لا یَغْفِرُ أَنْ یُشْرَکَ** ﴾ از امام محمّد باقر ؈ پرسیدم، ایشان فرمود: ای جابر! خداوند این گناه را که به ولایت علی بن ابی طالب ؈ و اطاعت از او شرک آورند، نمی‌آمرزد و نیز آنجا که فرمود: «و به جز آن را برای کسی که بخواهد می‌آمرزد» منظور، ولایت علی‌بن ابی طالب ؈ است.

(سورهٔ نساء، آیهٔ ۵۴)

﴿ أَمْ يَحْسُدُونَ النّٰاسَ عَلىٰ مٰا آتٰاهُمُ اللّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنٰا آلَ إِبرَاهِيمَ الْكِتٰابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ آتَيْنٰاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا ﴾

یا بر مردم به خاطر این‌که خدا از فضل خویش به آنان داده است، حسد می‌برند؟ ما به آل ابراهیم کتاب و حکمت دادیم، و به آنان فرمانروایی بزرگ ارزانی داشتیم.

۷۱. عَن بُرَيدَةَ قَالَ: كُنتُ عِندَ أَبِي جَعفَرٍ عليه السلام فَسَأَلتُهُ عَن قَولِ اللهِ تَعَالَى: ﴿ أَمْ يَحْسُدُونَ النّٰاسَ عَلىٰ مٰا آتٰاهُمُ اللّهُ مِنْ فَضْلِهِ ﴾ قَالَ: فَنحنُ النَّاسُ وَ نَحنُ المَحسُودُونَ عَلَى مَا آتَانَا اللهُ مِنَ الإمَامَةِ دُونَ خَلقِ اللهِ جَمِيعًا ﴿ فَقَدْ آتَيْنٰا آلَ إِبرَاهِيمَ الْكِتٰابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ آتَيْنٰاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا ﴾ جَعَلنَا مِنهُمُ الرُّسُلَ وَ الأَنبِيَاءَ وَ الأَئِمَّةَ عليهم السلام فَكَيفَ يُقِرُّونَ بِهَا فِي آلِ إِبرَاهِيمَ وَيُكَذِّبُونَ بِهَا فِي آلِ مُحَمَّدٍ عليهم السلام ﴿ فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ وَكَفىٰ بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا[1] ﴾.

بُریده گفت: نزد امام محمّد باقر عليه السلام بودم و دربارهٔ کلام خداوند متعال «یا بر مردم به خاطر این‌که خدا از فضل خویش به آنان داده است، حسد می‌ورزند؟» پرسیدم. ایشان فرمود: مردم ما هستیم و ما مورد حسادت واقع شدیم بر آن‌چه که خداوند از امامت به ما و نه هیچ‌یک از دیگر آفریدگان عطا فرمود. «ما به آل ابراهیم کتاب و حکمت دادیم، و به آنان فرمانروایی بزرگ ارزانی داشتیم». از آنان رسولان و پیامبران و امامان عليهم السلام را قرار دادیم، پس چگونه است به آن‌چه در مورد آل ابراهیم گفته شد، اقرار می‌کنند، ولی در مورد آل محمّد عليهم السلام آن را تکذیب می‌نمایند؟ «پس از ایشان کسانی هستند که به او ایمان می‌آورند و کسانی از ایشان از او اعراض دارند و آن‌ها را جهنم افروخته بس است».

۷۲. عَن إِبرَاهِيمَ قَالَ: قُلتُ لِأَبِي عَبدِ اللهِ عليه السلام: جُعِلتُ فِدَاكَ مَا تَقُولُ فِي هَذِهِ الآيَةِ:

---

۱. نساء، ۵۵

﴿أَمْ يَحْسُدُونَ النّاسَ عَلىٰ ما آتاهُمُ اللهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنا آلَ إِبْراهِيمَ الْكِتابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ آتَيْناهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا﴾ قَالَ: نَحنُ النَّاسُ الَّذِينَ قَالَ اللهُ وَ نَحنُ المَحسُودُونَ وَ نَحنُ أَهلُ المُلكِ وَ نَحنُ وَرِثنَا النَّبِيِّينَ وَ عِندَنَا عَصَى مُوسَى، وَ إِنَّا لَخُزّانُ اللهِ فِي الأَرضِ لا بِخُزَّانٍ عَلَى ذَهَبٍ وَ لا فِضَّةٍ، وَ إِنَّ مِنَّا رَسُولَ اللهِ صلی الله علیه و آله وَ الحَسَنَ وَ الحُسَينَ علیهما السلام.

ابراهیم گفت: به امام جعفر صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم! دربارهٔ این آیه چه می‌فرمایید؟

ایشان فرمود: ما همان مردمی هستیم که خداوند فرمود و ما مورد حسادت واقع شدیم و ما صاحب فرمانروایی هستیم و ما از پیامبران ارث برده‌ایم و عصای موسی نزد ماست و ما خزانه‌داران خدا در زمین هستیم و نه خزانه‌داران طلا و نقره و همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله و امام حسن و امام حسین علیهما السلام از ما هستند.

۷۳. مُحَمَّدُبنُ القَاسِمِ‌بنِ عُبَيدٍ مُعَنعَنًا: عَن أَبِي عَبدِ اللهِ علیه السلام: قَولُهُ فِي آلِ إِبرَاهِيمَ ﴿وَ آتَيْناهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا﴾ قَالَ: المُلكُ العَظِيمُ أَن جَعَلَ مِنهُم أَئِمَّةً مَن أَطَاعَهُم أَطَاعَ اللهَ وَ مَن عَصَاهُم عَصَا اللهَ فَهَذَا المُلكُ العَظِيمُ.

محمّدبن قاسم‌بن عبید روایت کرده است: امام جعفر صادق علیه السلام دربارهٔ کلام خداوند متعال دربارهٔ آل ابراهیم «و به آنان فرمانروایی بزرگ ارزانی داشتیم» فرمود: فرمانروایی بزرگ این است که امامان علیهم السلام را از ایشان قرار دادیم، هر که ایشان را اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده و هر که از ایشان نافرمانی کند، خدا را نافرمانی کرده است؛ پس فرمانروایی بزرگ این است.

(سورهٔ نساء، آیهٔ ۵۸)

﴿إِنَّ اللهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمانَاتِ إِلىٰ أَهْلِها﴾

خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانشان برگردانید.

۷۴. عَنِ الشَّعبِيِّ عَن قَولِ اللهِ تَعَالَى: ﴿إِنَّ اللهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمانَاتِ إِلىٰ أَهْلِها﴾ قَالَ: أَقُولُهَا

وَ لاأَخافُ إِلَّا اللهَ ، هِیَ وَاللهِ وَلَایَةُ عَلِیِّ‌بنِ أَبی طالِبٍ علیه السلام.

شعبی دربارهٔ این آیه گفت: این را می‌گویم و جز از خدا نمی‌ترسم: به خدا سوگند امانت همان ولایت علی‌بن ابی‌طالب علیه السلام است.

(سورهٔ نساء، آیهٔ ۵۹)

﴿ یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا أَطیعُوا اللهَ وَ أَطیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ ﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا و رسول و صاحبان امر را که از شما هستند، اطاعت کنید.

۷۵. عَن زَیدِبنِ الحَسَنِ الأَنماطِیِّ قالَ: سَمِعتُ مُحَمَّدَبنَ عَبدِ اللهِ‌بنِ الحَسَنِ وَ هُوَ یخطُبُنا بِالمَدینَةِ وَ یَقُولُ: ﴿ أَطیعُوا اللهَ وَ أَطیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ ﴾ قالَ: الأَمرُ بِالمَعرُوفِ وَ النَّهیُ عَنِ المُنكَرِ.

زید بن حسن انماطی گفت: از محمّدبن عبد الله‌بن حسن در حالی‌که در مدینه برای ما خطبه می‌خواند، شنیدم که گفت: «خدا و رسول و صاحبان امر را که از شما هستند، اطاعت کنید» یعنی صاحبان امر که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند.

۷۶. عُبَیدُبنُ کَثیرٍ مُعَنعَنًا: أَنَّهُ سَأَلَ جَعفَرَبنَ مُحَمَّدٍ علیه السلام عَن قَولِ اللهِ تَعالَی: ﴿ أَطیعُوا اللهَ وَ أَطیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ ﴾ قالَ: أُولِی الفِقهِ وَ العِلمِ. قُلنا: أَخاصٌّ أَم عامٌّ؟ قالَ: بَل خاصٌّ لَنا.

عبید بن کثیر گفت: از امام جعفر صادق علیه السلام دربارهٔ این آیه سؤال شد. ایشان فرمود: صاحبان امر، صاحبان فقه و علم هستند. عرض کردیم: این عام است یا خاص؟ فرمود: فقط مخصوص ماست.

۷۷. جَعفَرُبنُ مُحَمَّدٍ الفَزارِیُّ مُعَنعَنًا: عَن أَبی جَعفَرٍ علیه السلام عَن قَولِ اللهِ تَعالَی: ﴿ أَطیعُوا اللهَ وَ أَطیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ ﴾ قالَ: فَأُولِی الأَمرِ فی هٰذِهِ الآیَةِ هُم آلُ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله.

جعفر بن محمّد فزاری گفت: امام محمّد باقر علیه‌السلام دربارهٔ این آیه فرمود: صاحبان امر در این آیه خاندان محمّد علیهم‌السلام هستند.

۷۸. عَن أَبی مَریَمَ قَالَ: سَأَلتُ جَعفَرَبنَ مُحَمَّدٍ علیه‌السلام عَن قَولِ اللهِ تَعالَی ﴿ **أَطيعُوا اللهَ وَ أَطيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنكُمْ** ﴾ أَكَانَت طَاعَةُ عَلِيٍّ علیه‌السلام مُفتَرَضَةً؟ قَالَ: كَانَت طَاعَةُ رَسُولِ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله خَاصَّةً مُفتَرَضَةً لِقَولِ اللهِ تَعَالَی ﴿ **مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ اَطَاعَ اللهَ**[1] ﴾ وَ كَانَت طَاعَةُ عَلِيِّ بنِ أَبی طالِبٍ علیه‌السلام طَاعَةَ رَسُولِ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله.

ابی‌مریم گفت: از امام جعفر صادق علیه‌السلام دربارهٔ این آیه پرسیدم که آیا اطاعت از امام علی علیه‌السلام واجب است؟ فرمود: اطاعت از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به‌طور اخصّ به استناد آیه «هر کس پیامبر را اطاعت کند، خدا را اطاعت نموده است» واجب است و اطاعت از علی علیه‌السلام اطاعت از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله است.

۷۹. عَن عَبدِ اللهِ‌بنِ جَريرٍ قَالَ: سَمِعتُ مُحَمَّدَبنَ عُمَرَبنِ عَلِيٍّ وَ سَأَلَهُ أَبانُ‌بنُ تَغلِبَ عَن قَولِ اللهِ تَعالَی: ﴿ **أَطيعُوا اللهَ وَ أَطيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنكُمْ** ﴾ قَالَ: أُمَراءُ سَرَایَا وَ كَانَ أَوَّلُهم عَلِيَّ بنَ أَبی طالِبٍ علیه‌السلام.

عبداللهبن جریر گفت: از محمّدبن عمربن علی شنیدم که چون ابان‌بن تغلب دربارهٔ این آیه از او پرسید، در پاسخ گفت: صاحبان امر فرماندهان سپاه هستند و نخستین ایشان علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام است.

۸۰. الحُسَينُ‌بنُ سَعِيدٍ مُعَنعَنًا: عَن أَبی جَعفَرٍ علیه‌السلام ﴿ **أُولِي الْأَمْرِ مِنكُمْ** ﴾ قَالَ: عَلِيٌّ علیه‌السلام.
حسین‌بن سعید گفت: امام محمّد باقر علیه‌السلام فرمود: منظور از ﴿ **أُولِي الْأَمْرِ مِنكُمْ** ﴾ علی علیه‌السلام است.

۸۱. عُبَيدُ بنُ كَثِيرٍ مُعَنعَنًا: عَن سَلمَانَ الفَارِسيِّ ـ رَحمَةُ اللهِ عَلَيهِ ـ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله: يَا عَلِيُّ مَن بَرِءَ عَن وَلَايَتِكَ فَقَد بَرِءَ عَن وَلَايَتِی، وَ مَن بَرِءَ مِن وَلَايَتِی فَقَد بَرِءَ مِن وَلَايَةِ اللهِ.

---

۱. نساء، ۸۰

يَا عَلِيُّ طَاعَتُكَ طَاعَتِي وَ طَاعَتِي طَاعَةُ اللهِ ، فَمَن أَطَاعَكَ فَقَد أَطَاعَنِي وَ مَن أَطَاعَنِي فَقَد أَطَاعَ اللهَ ، وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالحَقِّ نَبِيًّا لَحُبُّنَا أَهلَ البَيتِ أَعَزُّ مِنَ الجَوهَرِ وَ مِنَ اليَاقُوتِ الأَحمَرِ وَ مِنَ الزُّمُرُّدِ ، وَ قَد أَخَذَ اللهُ مِيثَاقَ مُحِبِّينَا أَهلَ البَيتِ فِي أُمِّ الكِتَابِ لَا يَزِيدُ فِيهِم رَجُلٌ وَ لَا يَنقُصُ مِنهُم رَجُلٌ إِلَى يَومِ القِيَامَةِ وَ هُوَ قَولُ اللهِ تَعَالَى: ﴿ **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنكُمْ** ﴾ فَهُوَ عَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ عليه‌السلام.

عبیدبن کثیر روایت کرده است: سلمان فارسی گفت: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: ای علی! هر که از ولایت تو بیزاری جوید، از ولایت من بیزاری جسته و هر که از ولایت من بیزاری جوید، از ولایت خدا بیزاری جسته است.

ای علی! اطاعت از تو اطاعت من است و اطاعت من اطاعت از خداست؛ پس هر که تو را اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده است. سوگند به خدایی که به حق مرا به پیامبری برانگیخت، دوستی ما اهل بیت از گوهر و یاقوت قرمز و زمرّد عزیزتر است و خداوند میثاق دوستداران ما اهل بیت علیهم‌السلام را در «ام الکتاب» محفوظ داشته است در حالی‌که تا روز قیامت یک نفر به آن افزوده نمی‌شود و یک نفر هم کم نمی‌گردد.

و این کلام خداوند متعال است که فرمود: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا و رسول و صاحبان امر را که از شما هستند، اطاعت کنید.» او علی بن ابی طالب علیه‌السلام است.

۸۲. عَن عِيسَى بنِ السَّرِيِّ قَالَ: قُلتُ لِأَبِي عَبدِ اللهِ عليه‌السلام: أَخبِرنِي عَن دَعَائِمِ الإِسلَامِ الَّتِي لَا يَسَعُ أَحَدًا مِنَ النَّاسِ التَّقصِيرُ عَن مَعرِفَةِ شَيءٍ مِنهَا الَّتِي مَن قَصُرَ عَن مَعرِفَةِ شَيءٍ مِنهَا فَسَدَ عَلَيهِ دِينُهُ وَ لَم يُقبَل مِنهُ عَمَلُهُ وَ لَم يُضَيِّق مِمَّا هُوَ فِيهِ بِجَهلِ شَيءٍ جَهلُهُ. قَالَ: شَهَادَةُ أَن لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَ الإِيمَانُ بِرَسُولِهِ وَ الإِقرَارُ بِمَا جَاءَ مِن عِندِ اللهِ وَ الزَّكَاةُ وَالوَلَايَةُ الَّتِي أَمَرَ اللهُ بِهَا وَلَايَةُ آلِ مُحَمَّدٍ صلی‌الله‌علیه‌وآله. قَالَ قُلتُ: هَل فِي الوَلَايَةِ شَيءٌ دُونَ شَيءٍ فَضلٌ يُعرَفُ لِمَن أَخَذَ بِهِ؟ قَالَ: نَعَم قَولُ اللهِ تَعَالَى: ﴿ **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللهَ**

وَ أَطيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنكُمْ﴾ فَكَانَ أَمِيرَ الْمُؤمِنِينَ عَلِيَّ بنَ أَبى طالِبٍ ﷺ.

عیسی‌بن سری گفت: به امام جعفر صادق ﷺ عرض کردم: مرا از پایه‌های دین آگاه سازید که هیچ کس مجاز نیست در شناخت آن‌ها کوتاهی کند و هر که در شناخت آن‌ها کوتاهی کند، دینش تباه می‌شود و عملش از او پذیرفته نمی‌شود و ندانستن او را از نادانی‌اش معذور نمی‌دارد.

فرمود: گواهی دادن به لا اله الا الله و ایمان به رسول خدا و اقرار به آن‌چه از جانب خدا آورده و زکات و ولایتی که خداوند به آن امر فرموده و آن همانا ولایت آل محمّد ﷺ است. عرض کردم: آیا در ولایت فضیلتی هست که برای کسی که بدان پایبند باشد، شناخته شود؟ فرمود: بله؛ کلام خداوند متعال «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا و رسول و صاحبان امر را که از شما هستند اطاعت کنید» که منظور از صاحبان امر علی‌بن ابی طالب ﷺ است.

۸۳. مُحَمَّدُبنُ عُمَرَ الزُّهرِيُّ مُعَنعَنًا: عَن أَبي جَعفَرٍ ﷺ فِي قَولِ اللهِ تَعَالَى: ﴿أَطِيعُوا اللهَ وَ أَطيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنكُمْ﴾ قَالَ: نَزَلَت فى عَلِيِّ‌بنِ أَبى طالِبٍ ﷺ.

قُلتُ: إِنَّ النَّاسَ يَقُولُونَ فَمَا مَنَعَهُ أَن يُسَمِّي عَلِيًّا وَ أَهلَ بَيتِهِ فِي كِتَابِهِ؟ قَالَ أَبو جَعفَرٍ ﷺ: فَتَقُولُونَ لَهُم إِنَّ اللهَ أَنزَلَ عَلَى رَسُولِهِ الصَّلاةَ وَ لَم يُسَمِّ ثَلاثًا وَ أَربَعًا حَتَّى كَانَ رَسُولُ اللهِ ﷺ هُوَ الَّذِى فَسَّرَ ذَلِكَ لَهُم، وَ أَنزَلَ الحَجَّ فَلَم يُنزِل: طُوفُوا أُسبوعًا فَفَسَّرَ لَهُم ذَلِكَ رَسُولُ اللهِ ﷺ وَ أَنزَلَ اللهُ ﴿أَطيعُوا اللهَ وَ أَطيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنكُمْ﴾ قَالَ: نَزَلَت فى عَلِيِّ‌بنِ أَبى طالِبٍ وَ الحَسَنِ وَ الحُسَينِ ﷺ فَقَالَ فِيهِ: مَن كُنتُ مَولاهُ فَعَلِيٌّ مَولاهُ.

محمّدبن عمر زهری روایت کرده است: امام محمّد باقر ﷺ دربارهٔ کلام خداوند متعال «خدا و رسول و صاحبان امر راکه از شما هستند اطاعت کنید» فرمود: این آیه دربارهٔ علی بن ابی طالب ﷺ نازل شد. عرض کردم: مردم می‌گویند چرا خداوند نام علی ﷺ و اهل بیتش را در کتاب خود نیاورده است؟ فرمود: به

آنان بگویید که خداوند نماز را بر رسولش نازل کرد، ولی از سه رکعت یا چهار رکعت نام نبرد و این پیامبر ﷺ بود که آن را برای مردم تفسیر کرد و نیز حج را نازل کرد، ولی نازل نکرد که هفت دور طواف کنید و رسول خدا ﷺ آن را برای آنان تفسیر کرد و نیز نازل کرد «خدا و رسول و صاحبان امر را که از شما هستند اطاعت کنید» که این آیه دربارهٔ علی و حسن و حسین علیهم السلام نازل شد و پیامبر دربارهٔ آن فرمود: هر که من مولای اویم، علی مولای اوست.

وَ قالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: أُوصِيكُم بِكِتَابِ اللهِ وَ أَهلِ بَيتِي؛ إِنِّي سَأَلتُ اللهَ أَن لا يُفَرِّقَ بَينَهُمَا حَتَّى يُورِدَهُمَا عَلَيَّ الحَوضَ؛ فَأَعطَانِي ذَلِكَ، فَلا تُعَلِّمُوهُم فَهُم أَعلَمُ مِنكُم، إِنَّهُم لَم يُخرِجُوكُم مِن بَابِ هُدًى وَ لَن يُدخِلُوكُم فِي بَابِ ضَلالَةٍ، وَ لَو سَكَتَ رَسُولُ اللهِ ﷺ وَ لَم يُبَيِّن أَهلَهَا لَادَّعَاهَا آلُ عَبَّاسٍ وَ آلُ عَقِيلٍ وَ آلُ فُلانٍ وَ آلُ فُلانٍ، وَلَكِنَّ اللهَ أَنزَلَ فِي كِتَابِهِ: ﴿**إِنَّمَا يُرِيدُ اللهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا**[1]﴾ فَكَانَ عَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ وَ الحَسَنُ وَ الحُسَينُ وَ فَاطِمَةُ علیهم السلام تَأوِيلَ هَذِهِ الآيَةِ فَأَخَذَ رَسُولُ اللهِ ﷺ بِيَدِ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الحَسَنِ وَ الحُسَينِ علیهم السلام فَأَدخَلَهُم تَحتَ الكِسَاءِ فِي بَيتِ أُمِّ سَلَمَةَ فَقَالَ: اللَّهُمَّ إِنَّ لِكُلِّ نَبِيٍّ ثِقلاً وَ أَهلاً فَهَؤُلَاءِ ثِقلِي وَ أَهلِي. فَقَالَت أُمُّ سَلَمَةَ: أَلَستُ مِن أَهلِكَ؟ فَقَالَ: إِنَّكِ إِلَى خَيرٍ وَلَكِنَّ هَؤُلَاءِ ثِقلِي وَ أَهلِي. فَلَمَّا قُبِضَ رَسُولُ اللهِ ﷺ كَانَ عَلِيٌّ أَولَى النَّاسِ بِهَا لِكِبَرِهِ وَ لِمَا بَلَّغَ فِيهِ رَسُولُ اللهِ ﷺ وَ أَقَامَهُ وَ أَخَذَهُ بِيَدِهِ.

رسول خدا ﷺ فرمود: شما را به کتاب خدا و اهل بیتم سفارش می‌کنم، که من از خداوند خواسته‌ام میان آن‌دو جدایی نیفکند تا آن‌که آن‌دو را در قیامت بر حوض کوثر بر من وارد کند و خداوند پذیرفت. پس به خاندان من تعلیم ندهید که آنان از شما داناترند، خاندان من شما را از راه حق به در نمی‌کنند و به راه گمراهی نمی‌کشانند.

---

۱. احزاب، ۳۳

اگر رسول خدا ﷺ لب فرو می‌بست و خاندان خود را معرفی نمی‌کرد، خاندان عباس و عقیل و فلان کس و فلان کس مدعی می‌شدند که خاندان ایشان‌اند. اما خداوند در کتابش نازل فرمود: «خداوند فقط می‌خواهد پلیدی را از شما اهل بیت بزداید و شما را پاک و مطهر سازد، پاک گرداندنی کامل که مخصوص شماست.»

که علی‌بن ابی‌طالب و حسن و حسین و فاطمه ﷺ تأویل این آیه بودند و از این رو رسول خدا ﷺ دست علی و فاطمه و حسن و حسین ﷺ را گرفت و ایشان را در خانهٔ امّ سلمه به زیر عبا گرد آورد و فرمود: خداوندا! هر پیامبری چیزی گرانبها و خاندانی دارد و اینان داشتهٔ گرانبها و خاندان من هستند.

ام‌سلمه عرض کرد: مگر من از خاندان شما نیستم؟ رسول خدا ﷺ فرمود: تو به راه خیر هستی، ولی اینان داشتهٔ گرانبهای من و خاندان من هستند.

از این رو چون رسول خدا ﷺ درگذشت، حضرت علی ﷺ به واسطهٔ عظمتش و آن‌چه رسول خدا ﷺ درباره‌اش ابلاغ کرده و برپا داشته بود و دستش را گرفته بود، از همهٔ مردم به امیری سزاوارتر بود.

(سورهٔ نساء، آیهٔ ۶۹)

﴿ وَ مَنْ يُطِعِ اللهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولٰئِكَ مَعَ الَّذينَ أَنْعَمَ اللهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيّينَ وَ الصِّدّيقينَ وَ الشُّهَدٰاءِ وَ الصّٰالِحينَ وَ حَسُنَ أُولٰئِكَ رَفيقًا ﴾

و هر کس از خدا و پیامبر اطاعت کند، اینان با کسانی هستند که خداوند بر آنان نعمت [خاص] داده (یعنی) پیامبران و صدق‌پیشگان و شهیدان و نیکوکاران، و آنان چه نیکو رفیقانی هستند.

۸۴. عَنِ الأَصبَغِ بنِ نُباتَةَ قالَ: لَمّا هَزَمنا أَهلَ البَصرَةِ جاءَ عَلِيُّ بنُ أَبي طالِبٍ ﷺ حَتّى اِستَنَدَ

إِلَى حَائِطٍ مِن حِيطَانِ الْبَصرَةِ فَاجتَمَعنَا حَولَهُ وَ أَمِيرُ الْمُؤمِنِينَ رَاكِبٌ وَ النَّاسُ نُزُولٌ، فَيَدعُو الرَّجُلَ بِاسمِهِ فَيَأتِيهِ ثُمَّ يَدعُو الرَّجُلَ بِاسمِهِ فَيَاتِيهُ ثُمَّ يَدعُو الرَّجُلَ بِاسمِهِ فَيَاتِيهُ حَتَّى وَافَاهُ بِهَا سِتُّونَ شَيخًا كُلُّهُم قَد صَفَرُوا اللِّحىَ و عَقَصُوهَا وَ أَكثَرُهُم يَومَئِذٍ مِن هَمدَانَ، فَأَخَذَ أَمِيرُ الْمُؤمِنِينَ طَرِيقًا مِن طَرِيقِ الْبَصرَةِ وَ نَحنُ مَعَهُ وَ عَلَينَا الدُّرُوعُ وَ الْمَغَافِرُ، مُتَقَلِّدِي السُّيُوفَ مُتَنَكِّبِي الأَترُسَةَ، حَتَّى انتَهَى إِلَى دَارٍ قَورَاءَ عَظِيمَةٍ فَدَخَلنَا فَإِذَا فِيهَا نِسوَةٌ يَبكِينَ، فَلَمَّا رَأَينَهُ صِحنَ صَيحَةً وَاحِدَةً وَ قُلنَ: هَذَا قَاتِلُ الأَحِبَّةِ فَأَسكَتَ عَنهُنَّ ثُمَّ قَالَ: أَينَ مَنزِلُ عَائِشَةَ فَاومَؤُوا إِلَى حُجرَةٍ فِي الدَّارِ فَحَمَلنَا عَلِيًّا ﷺ عَن دَابَّتِهِ فَأَنزَلنَاهُ فَدَخَلَ عَلَيهَا فَلَم أَسمَع مِن قَولِ عَلِيٍّ شَيئًا إِلَّا عَائِشَةَ إِمرَأَةٌ كَانَت عَالِيَةُ الصَّوتِ فَسَمِعتُ كَهَيئَةِ الْمَعَاذِيرِ: أَنِّي لَم أَفعَل.

اصبغ بن نباته گفت: وقتی اهل بصره را شکست دادیم، حضرت علی ﷺ به یکی از دیوارهای شهر بصره تکیه داد و ما اطراف ایشان جمع شدیم و امیرمؤمنان سوار و مردم پیاده بودند. ایشان هر شخصی را با اسمش می‌خواند و آن کس که اسمش خوانده شده بود، نزد حضرت می‌رفت. حضرت اسامی را خواند تا این‌که شصت نفر از بزرگان نزد ایشان حضور یافتند و محاسن آنان زرد شده بود و آن را بافته بودند و اکثر آن‌ها اهل همدان بودند. آن‌گاه امیرمؤمنان راهی از راه‌های بصره را پیش گرفت و ما نیز همراه ایشان بودیم و زره‌ها و کلاهخود بر تن داشتیم و شمشیر بر کمر بسته بودیم و سپر در دست داشتیم، تا این‌که حضرت وارد خانه‌ای فراخ و عظیم شد و ما هم داخل شدیم. در آنجا زنانی گریه می‌کردند و چون حضرت را دیدند، یکصدا فریاد برآوردند و گفتند: این مرد همان قاتل عزیزان ماست. حضرت سکوت کرد و به آن‌ها فرمود: منزل عایشه کدام است؟ آن‌ها سوی حجره‌ای که در آن خانه بود، اشاره کردند. حضرت علی ﷺ از مرکب پایین آمد و به منزل عایشه وارد شد. اصبغ گفت: من از سخنان حضرت علی ﷺ چیزی نشنیدم، جز صدای عایشه را که بلند بود و مانند عذرخواهی می‌گفت: من نکردم.

ثُمَّ خَرَجَ عَلَينَا أَمِيرُ الْمُؤمِنِينَ عَلِيٌّ ؈ فَحمَلنَاهُ عَلَى دابَّتِهِ فَعَارَضَتهُ إِمرَأَةٌ مِن قِبَلِ الدَّارِ فَقَالَ: أَينَ صَفِيَّةُ؟ قَالَت: لَبَّيكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤمِنِينَ. قَالَ: أَلَا تَكفِينَ عَنِّى هَؤُلَاءِ الكَلبَاتِ اللَّاتِى يَزعَمنَ أَنِّى قَتَلتُ الأَحِبَّةَ لَو قَتَلتُ الأَحِبَّةَ لَقَتَلتُ مَن فِى تِلكَ الدَّارِ ـ وَ أَومَىَ بِيَدِهِ إِلَى ثَلاثِ حُجَرٍ فِى الدَّارِ. فَضَرَبنَا بِأَيدِينَا عَلَى قَوَائِمِ السُّيُوفِ وَ ضَرَبنَا بِأَبصَارِنَا إِلَى الحُجَرِ الَّتِى أَومَىَ إِلَيهَا، فَوَ اللهِ مَا بَقِيَت فِى الدَّارِ بَاكِيَةٌ إِلَّا سَكَتَت وَ لَا قَائِمَةٌ إِلَّا جَلَسَت.

سپس امیرمؤمنان حضرت علی ؈ از منزل عایشه سوی ما بیرون آمد و ما ایشان را بر مرکب خود سوار کردیم که ناگاه زنی از جلوی آن خانه جلوی ایشان را گرفت. حضرت فرمود: صفیّه کجاست؟ عرض کرد: من هستم ای امیرمؤمنان! حضرت به او فرمود: چرا جلوی این سگان را که گمان می‌کنند من عزیزانشان را کشته‌ام نمی‌گیری؟ اگر من عزیزان آن‌ها را کشته بودم، همه اهل این خانه را نیز می‌کشتم. و با دست مبارک خود به آن سه حجره اشاره کرد. ما نیز دست به قبضهٔ شمشیر بردیم و چشم دوختیم که حضرت به آن حجره اشاره کرد. به خدا سوگند همه گریه کنان در آن خانه ساکت شدند و هر کس ایستاده بود، بر جای خود نشست.

قُلتُ: يَا أَبَا القَاسِمِ فَمَن كَانَ فِى تِلكَ الثَّلَاثِ حُجَرٍ قَالَ: أَمَّا وَاحِدَةٌ فَكَانَ فِيهَا مَروَانُ بنُ الحَكَمِ جَرِيحًا وَ مَعَهُ شَبَابُ قُرَيشٍ جُرحَى، وَ أَمَّا الثَّانِيَةُ فَكَانَ فِيهَا عَبدُ اللهِ بنُ الزُّبَيرِ وَ مَعَهُ آلُ الزُّبَيرِ جُرحَى، وَ أَمَّا الثَّالِثَةُ فَكَانَ فِيهَا رَئِيسُ أَهلِ البَصرَةِ يَدُورُ مَعَ عَائِشَةَ أَينَ مَا دَارَت. قُلتُ: يَا أَبَا القَاسِمِ هَؤُلَاءِ أَصحَابُ القَرحَةِ فَلَا مِلتُم عَلَيهِم بِهَذِهِ السُّيُوفِ؟ قَالَ: يَا ابنَ أَخِي أَمِيرُ الْمُؤمِنِينَ كَانَ أَعلَمَ مِنكَ وَسِعَهُم أَمَانُهُ، إِنَّا لَمَّا هَزَمنَا القَومَ نَادَى مُنَادِيهِ: لَا يُدَفَّف عَلَى جَرِيحٍ، وَ لَا يُتبَع مُدبِرٌ، وَ مَن أَلقَى سِلَاحَهُ فَهُوَ آمِنٌ، سُنَّةٌ يُستَنُّ بِهَا بَعدَ يَومِكُم هَذَا.

ثُمَّ مَضَى وَ مَضَينَا مَعَهُ حَتَّى انتَهَينَا إِلَى العَسكَرِ فَقَامَ إِلَيهِ نَاسٌ مِن أَصحَابِ النَّبِيِّ ﷺ

مِنهم أَبو أيّوبَ الأَنصارِيّ وَ قَيسُ‌بنُ سَعدٍ وَ عَمّارُبنُ ياسِرٍ وَ زَيدُبنُ حارِثَةَ وَ أَبولَيلَى فَقالَ: أَلا أُخبِرُكُم بِسَبعَةٍ مِن أَفضَلِ الخَلقِ يَومَ يَجمَعُهُمُ اللهُ تَعالَى؟ قالَ أَبوأيوب: بَلَى وَاللهِ فَاخبِرنا يا أَمِيرَ المُؤمِنِينَ فَأَنَّكَ كُنتَ تَشهَدُ وَ نَغِيبُ قالَ: فَإنَّ أَفضَلَ الخَلقِ يَومَ يَجمَعُهُمُ اللهُ سَبعَةٌ مِن بَنِى عَبدِالمُطَّلِبِ لا يُنكِرُ فَضلَهُم إلّا كافِرٌ وَ لا يَجحَدُ إلّا جاحِدٌ.
گفتم: ای ابا قاسم (کنیه اصبغ)، در آن خانه‌ها چه کسانی بودند؟ گفت: در یکی از آن‌ها مروان‌بن حکم با جوانان قریش بود که همگی مجروح بودند و در حجرهٔ دوم عبدالله‌بن زبیر و فرزندان زبیر بودند که آن‌ها نیز زخمی بودند و در حجره سوم رئیس بصره بود که هر کجا عایشه می رفت، همراه او بود. گفتم: ای اباقاسم چرا آن دشمنان زخمی را نکشتید؟ گفت: ای فرزند برادرم، امیرمؤمنان ﷺ از تو آگاه‌تر است، ایشان به آنان امان داد. هنگامی که اهل بصره را شکست دادیم، منادی حضرت این‌گونه ندا سر داد: «در کشتن زخمی شتاب نمی‌شود و فراری تعقیب نمی‌شود و هر کس سلاح زمین نهاد، در امان است؛ این سنّتی است که از امروز به بعد اجرا می‌شود.» سپس حضرت به راه افتاد و ما همراه او بودیم تا به لشکرگاه رسیدیم. گروهی از اصحاب پیامبر ﷺ مانند ابوایوب انصاری و قیس‌بن سعد و عماربن یاسر و زیدبن حارثه و ابولیلی برخاستند و به نزد حضرت آمدند. حضرت علی ﷺ فرمود: آیا شما را از هفت تن خبر دهم که در روزی که خداوند آفریدگان را گرد می‌آورد، آنان برترین ایشان‌اند؟ ابوایوب عرض کرد: ای امیرمؤمنان شما را به خدا سوگند به ما بگو، چراکه شما در پیشگاه پیامبر حاضر بودی و ما غایب بودیم. حضرت فرمود: در روزی که خداوند آفریدگان را گرد آورد، برترین آن‌ها هفت تن از فرزندان عبدالمطلب هستند که برتری آن‌ها را جز کافر و جاحد انکار نمی‌کند.
قالَ عَمّارُبنُ ياسِرٍ: سَمِّهِم يا أَمِيرَ المُؤمِنِينَ لِنَعرِفَهُم قالَ: إنَّ أَفضَلَ الخَلقِ يَومَ يَجمَعُ اللهُ الرُّسُلُ، وَ إنَّ أَفضَلَ الرُّسُلِ مُحَمَّدٌ ﷺ ثُمَّ إنَّ أَفضَلَ كُلِّ أُمَّةٍ بَعدَ نَبِيِّها وَصِيُّ نَبِيِّها حَتَّى

يُدرِكَهُ نَبِيٌّ وَ إِنَّ أَفضَلَ الأَوصِياءِ وَصِيُّ مُحَمَّدٍ ﷺ ثُمَّ إِنَّ أَفضَلَ النّاسِ بَعدَ الأَوصِياءِ الشُّهَدَاءُ وَ إِنَّ أَفضَلَ الشُّهَدَاءِ حَمزَةُ سَيِّدُ الشُّهَدَاءِ وَ جَعفَرُ بنُ أَبي طالِبٍ ﷺ ذَا الجَناحَينِ يَطِيرُ بِهَا مَعَ المَلائِكَةِ لَم يَحِلَّا بِحِليَتِهِ أَحَدٌ مِنَ الآدَمِيِّينَ فِي الجَنَّةِ شَيءٌ شَرَّفَهُ اللهُ بِهِ، وَ السِّبطَانِ الحَسَنُ وَ الحُسَينُ سَيِّدَي شَبابِ أَهلِ الجَنَّةِ وَ مَن وَلَدَت إِيّاهُمَا وَ المَهدِيُّ يَجعَلُهُ اللهُ مَن أَحَبَّ مِنّا أَهلَ البيتِ.

ثُمَّ قَالَ: أَبشِرُوا ـ ثَلاثًا: **﴿وَ مَنْ يُطِعِ اللهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسُنَ أُولٰئِكَ رَفِيقًا ۝ ذٰلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللهِ وَ كَفَىٰ بِاللهِ عَلِيمًا﴾**[1].

عماربن یاسر گفت: ای امیرمؤمنان نام آن‌ها را بگو تا بشناسیمشان. حضرت فرمود: در روزی که خداوند آفریدگان را گرد می‌آورد، برترین آن‌ها رسولان الهی هستند که برترین رسولان حضرت محمّد ﷺ است.

سپس برترین هر امّتی پس از پیامبرش وصیّ آن پیامبر است تا زمانی که پیامبری دیگر آن قوم را دریابد و برترین اوصیا وصیّ محمّد ﷺ است. سپس برترین مردم پس از اوصیا، شهیدان‌اند و برترین شهیدان حمزه سیّدالشهدا می‌باشد و نیز جعفربن ابی‌طالب که با دو بال به همراه فرشتگان پرواز می‌کند و هیچ‌یک از آدمیان آراستگی او را ندارند و این چیزی است که خداوند وی را با آن گرامی داشته است و نیز دو نوهٔ پیامبر، حسن و حسین ﷺ سروران جوانان اهل بهشت و نیز آن‌که ایشان را به دنیا آورد و همچنین حضرت مهدی ﷺ که خداوند او را دوست داشتنی‌ترین ما اهل بیت قرار می‌دهد. سپس سه بار فرمود: بشارت باد بر شما و این آیه را تلاوت فرمود: «و هر کس از خدا و پیامبر اطاعت کند، اینان با کسانی هستند که خداوند بر آنان نعمت [خاص] داده (یعنی) پیامبران و صدق‌پیشگان و شهیدان و نیکوکاران، و آنان چه نیکو

---

۱. نساء، ۷۰-۶۹

رفیقانی هستند. این فضل از جانب خداست و خدا در دانایی [به احوال خلق] کافی است.»

۸۵. عَن سُلَیمَانَ الدَّیلَمِیِّ قَالَ: کُنتُ عِندَ أَبِی عَبدِ اللهِ ﷺ إذ دَخَلَ عَلَیهِ أَبُوبَصِیرٍ وَ قَد حَضَرَهُ النَّفسُ فَلَمَّا أَن أَخَذَ مَجلِسَهُ قَالَ أَبُوعَبدِ اللهِ ﷺ: یا أَبَا مُحَمَّدٍ مَا هَذَا النَّفَسُ العَالِی؟ قَالَ: جُعِلتُ فِدَاكَ یَا ابنَ رَسُولِ اللهِ کَبُرَ سِنِّی وَ دَقَّ عَظمِی وَ اقتَرَبَ أَجَلِی وَ لَستُ أَدرِی مَا أَرِدُ عَلَیهِ مِن أَمرِ آخِرَتِی. فَقَالَ أَبُوعَبدِ اللهِ ﷺ: یَا أَبَا مُحَمَّدٍ وَ إِنَّكَ لَتَقُولُ هَذَا؟! فَقَالَ: وَ کَیفَ لَا أَقُولُ هَذَا؟! وَ ذَکَرَ کَلَامًا ثُمَّ قَالَ: یَا أَبَا مُحَمَّدٍ لَقَد ذَکَرَکُمُ اللهُ فِی کِتَابِهِ المُبِینِ: ﴿ **أُولٰئِكَ مَعَ الَّذِینَ أَنْعَمَ اللهُ عَلَیْهِمْ مِنَ النَّبِیِّینَ وَ الصِّدِّیقِینَ وَ الشُّهَدٰاءِ وَ الصّٰالِحِینَ وَحَسُنَ أُولٰئِكَ رَفِیقًا** ﴾ فَرَسُولُ اللهِ ﷺ فِی الآیَةِ مِنَ النَّبِیِّینَ وَ نَحنُ فِی هَذَا المَوضِعِ ﴿ **الصدیقین والشهداء** ﴾ وَأَنتُمُ الصَّالِحُونَ، فَتَسَمَّوا بِالصَّلَاحِ کَمَا سَمَّاکُمُ اللهُ یَا أَبَا مُحَمَّدٍ.

سلیمان دیلمی گفت: نزد امام جعفر صادق ﷺ بودم که ابوبصیر در حالی‌که نفس نفس می‌زد، خدمت ایشان رسید. هنگامی که نشست، امام جعفر صادق ﷺ رو به او کرد و فرمود: ای ابامحمّد! چرا بلند نفس می‌کشی؟ ابوبصیر عرض کرد: فدایت شوم ای فرزند رسول خدا! پیر و ناتوان شده‌ام و زمان مرگم نزدیک شده؛ با این وجود نمی‌دانم در آخرت چه حالی خواهم داشت. امام ﷺ فرمود: ای ابامحمّد! تو هم چنین می‌گویی؟ ابوبصیر عرض کرد: چرا نگویم؟ امام ﷺ فرمود: ای ابامحمّد! همانا خداوند شما را در قرآن یاد کرده و فرموده: «آنان همدم کسانی هستند که خدا نعمتشان داده؛ از پیامبران، راستگویان، شهیدان و نیکوکاران و چه نیکو رفیقانی هستند.» در این آیه مقصود از پیامبران رسول خدا ﷺ است و راستگویان و شهیدان ما هستیم و نیکوکاران شمایید. پس به نیکوکاری معروف شوید، همان‌گونه که خداوند شما را ای ابامحمّد، چنین نامیده است.

(سورهٔ نساء، آیهٔ ۸۳)

﴿ وَ لَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلىٰ أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ ﴾

و حال آن‌که اگر آن را به پیامبر و یا صاحبان امر که از ایشان هستند، بازگردانند، قطعًا اهل استنباط از آن، آن را در می‌یافتند.

۸۶. جَعفَرُبنُ مُحَمَّدٍ الفَزارِیُّ مُعنعَنًا: عَن أَبی جَعفَرٍ علیه السلام قالَ: یا جابِرُ إِنَّ حَدیثَ آلِ مُحَمَّدٍ صَعبٌ مُستَصعَبٌ ذَکوانُ أَجرَدُ ذُعرٌ، لا یُؤمِنُ وَاللهِ بِهِ إِلّا مَلَکٌ مُقَرَّبٌ أَو نَبِیٌّ مُرسَلٌ أَو عَبدٌ مُؤمِنٌ اِمتَحَنَ اللهُ قَلبَهُ لِلإِیمانِ. وَ إِنَّما الشَّقِیُّ الذّامُ الهالِکُ مِنکُم مَن تَرَکَ الحَدیثَ عَلَیهِ مِن حَدیثِ آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله فَعَرفتُمُوهُ وَ لانَت لَهُ قُلُوبُکُم فَتَمَسَّکُوا بِهِ فَإِنَّهُ الحَقُّ المُبینُ وَ ما ثَقُلَ عَلَیکُم فَلَم تُطیقُوهُ وَ کَبُرَ عَلَیکُم فَلَم تَحمِلُوهُ فَرُدُّوا إِلَینا فَإِنَّ الرّادَّ عَلَینا مُخبَثٌ أَلَم تَسمَعِ اللهُ یَقُولُ: **﴿ وَ لَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلىٰ أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ ﴾**.

جعفر بن محمّد فزاری گفت: امام محمّد باقر علیه السلام فرمود: ای جابر! همانا حدیث ما خاندان محمّد علیهم السلام دشوار است و دشوار انگاشته می‌شود و تیز و صریح و هراسناک است و به خدا سوگند به آن ایمان نمی‌آورد مگر فرشته‌ای مقرّب یا پیامبری مرسل یا بندهٔ مؤمنی که خداوند قلب او را به ایمان آزموده است. هر که حدیث آل محمّد علیهم السلام را رها کند، بدبخت و گنهکار و هلاک شده است. اگر آن را شناختید و قلب‌هاتان به آن نرم گردید، به سوی آن تمسّک جویید که آن حقیقت روشنگر است. امّا اگر بر شما سنگین آمد و طاقتش را نداشتید و بر شما سخت آمد و تحمل پذیرش آن را نداشتید، آن را به ما برگردانید. پس بدانید کسی که حدیث ما خاندان محمّد علیهم السلام را ردّ کند، پلید است. آیا نشنیدی که خداوند فرمود: «و حال آن‌که اگر آن را به پیامبر و یا صاحبان امر که از ایشان هستند، بازگردانند، قطعاً اهل استنباط از آن، آن را درمی‌یافتند.»

(سورهٔ نساء، آیهٔ ۱۱۹)

﴿ وَ مَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطٰانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرٰانًا مُبِينًا ﴾

و هر کس شیطان را به جای خدا، سرپرست (خود) بگیرد مسلمًا زیانی آشکار کرده است.

۸۷. عَن سُفيَانَ قَالَ: قَالَ لِی أَبُوعَبدِ اللهِ جَعفَرُبنُ مُحَمَّدٍ عليه السلام: يَا سُفيَانُ لَا تَذهَبَنَّ بِكَ المَذَاهِبُ، عَلَيكَ بِالقَصدِ، وَ عَلَيكَ أَن تَتَّبِعَ الهُدَى. قُلتُ: يَا ابنَ رَسُولِ اللهِ وَ مَا اتِّبَاعُ الهُدَى؟ قَالَ: كِتَابُ اللهِ وَ لُزومُ هَذَا الرَّجُلِ. فَقَالَ لِی: يَا سُفيَانُ أَنتَ لَا تَدرِی مَن هُوَ. قُلتُ: لَا وَاللهِ مَا أَدرِی مَن هُوَ. قَالَ: فَقَالَ لِی: وَ اللهِ لَكِنَّكَ آثَرتَ الدُّنيَا عَلَى الآخِرَةِ وَ مَن آثَرَ الدُّنيَا عَلَى الآخِرَةِ حَشَرَهُ اللهُ يَومَ القِيَامَةِ أَعمَى. قَالَ: قُلتُ: يَا ابنَ رَسُولِ اللهِ أَخبِرنِی عَن هَذَا الرَّجُلِ؟ لَعَلَّ اللهَ يَنفَعُنِی بِهِ. قَالَ: يَا سُفيَانُ هُوَ وَ اللهِ أَمِيرُ المُؤمِنِينَ عَلِیُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ عليه السلام مَنِ اتَّبَعَهُ فَقَد أُعطِیَ مَا لَم يُعطَ أَحَدٌ وَ مَن لَم يَتَّبِعهُ فَقَد خَسِرَ خُسرَانًا مُبِينًا هُوَ وَاللهِ جَدُّنَا عَلِیُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ عليه السلام، يَا سُفيَانُ إِن أَرَدتَ العُروَةَ الوُثقَى فَعَلَيكَ بِعَلِیٍّ فَإِنَّهُ وَاللهِ يُنجِيكَ مِنَ العَذَابِ، يَا سُفيَانُ لَا تَتَّبِع هَوَاكَ فَتَضِلَّ عَن سَوَاءِ السَّبِيلِ.

سفیان گفت: امام جعفر صادق عليه السلام به من فرمود: ای سفیان! مبادا راه‌های گوناگون تو را با خود ببرند، راه میانه را پی گیر و از هدایت پیروی کن. عرض کردم: پیروی از هدایت چیست؟ فرمود: کتاب خدا و پیروی از این مرد. سپس فرمود: سفیان! تو نمی‌دانی آن مرد کیست؟ عرض کردم: به خدا سوگند نمی‌دانم. امام فرمود: به خدا سوگند تو دنیا را بر آخرت ترجیح داده‌ای و هر که دنیا را بر آخرت مقدّم دارد، خداوند روز قیامت او را کور محشور می‌کند. عرض کردم: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله! بگویید آن مرد کیست؟ امید است خداوند از او مرا بهره‌مند کند. فرمود: سفیان! به خدا سوگند آن مرد امیرمؤمنان حضرت علی‌بن ابی‌طالب عليه السلام است. هر که پیرو او باشد، نعمتی دارد که به هیچ کس چنان نعمتی داده نشده و هر که از او سر باز زند، زیانی آشکار کرده است، به خدا سوگند او جدّ ما علی‌بن ابی طالب عليه السلام است. ای سفیان! اگر می خواهی به

دستاویز محکمی چنگ زنی، دست به دامان علی ﷺ بینداز که به خدا سوگند او تو را از عذاب نجات می‌بخشد. ای سفیان! از هوای نفست پیروی مکن که از راه منحرف خواهی شد.

(سورهٔ نساء، آیهٔ ۱۵۹)

﴿ وَ إِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتابِ إِلاَّ لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ يَوْمَ الْقِيامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا ﴾

و هیچ‌یک از اهل کتاب نیست مگر این‌که پیش از مرگش بـه او ایـمان می‌آورد و روز قیامت بر آنان گواه خواهد بود.

۸۸. عَن أَبانِ‌بنِ تَغلِبَ عَن أَبی عَبدِ اللهِ جَعفَرِبنِ مُحَمَّدٍ الصّادِقِ ﷺ قالَ: لَمّا نَزَلَت هٰذِهِ الآيَةُ: ﴿ وَ إِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتابِ إِلاَّ لَيُؤْمِنَنَّ به ﴾ قالَ: لا يَبقى أَحَدٌ يَرُدُّ عَلى عيسَى‌بنِ مَريَمَ ﷺ ما جاءَ بِهِ فيهِ إِلّا كانَ كافِرًا، وَ لا يَرُدُّ عَلى عَلِيِّ‌بنِ أَبی طالِبٍ ﷺ أَحَدٌ ما قالَ النَّبِيُّ ﷺ إِلّا كانَ كافِرًا.

ابان بن تغلب گفت: امام جعفر صادق ﷺ دربارهٔ این آیه فرمود: آن‌که هر چـه عیسی بن مریم از جانب خداوند آورد را انکار کرد، کافر بود و هر آن‌کس که آن‌چه را پیامبر ﷺ درباره حضرت علی ﷺ آورده است، انکار کند، کافر است.

۸۹. عُبَيدُبنُ كَثيرٍ مُعَنعَنًا: عَن جَعفَرِبنِ مُحَمَّدٍ عَن أَبيهِ ﷺ قالَ: قالَ رَسولُ اللهِ ﷺ: يا عَلِيُّ إِنَّ فيكَ مَثَلَ مِن عيسَى‌بنِ مَريَمَ ﷺ قالَ اللهُ تَعالى: ﴿ وَ إِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتابِ إِلاَّ لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ يَوْمَ الْقِيامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا ﴾، يا عَلِيُّ إِنَّهُ لا يَموتُ رَجُلٌ يَفتَري عَلى عيسَى‌بنِ مَريَمَ ﷺ حَتّى يُؤمِنَ بِهِ قَبلَ مَوتِهِ وَ يَقولُ فيهِ الحَقَّ حَيثُ لا يَنفَعُهُ ذٰلِكَ شَيئًا، وَ إِنَّكَ عَلى مِثلِهِ لا يَموتُ عَدُوُّكَ حَتّى يَراكَ عِندَ المَوتِ فَتَكونُ عَلَيهِ غَيظًا وَ حُزنًا حَتّى يُقِرَّ بِالحَقِّ مِن أَمرِكَ وَ يَقولُ فيكَ الحَقَّ وَ يُقِرُّ بِوَلايَتِكَ حَيثُ لا يَنفَعُهُ ذٰلِكَ شَيئًا وَ أَمّا وَلِيُّكَ فَإِنَّهُ يَراكَ عِندَ المَوتِ فَتَكونُ لَهُ شَفيعًا وَ مُبَشِّرًا وَ قُرَّةَ عَينٍ.

عبید بن کثیر روایت کرده است: امام جعفر صادق علیه السلام به نقل از پدر بزرگوارشان علیهم السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای علی! مثل تو همانند عیسی بن مریم است. خداوند می‌فرماید: «و هیچ‌یک از اهل کتاب نیست مگر این‌که پیش از مرگش به او ایمان می‌آورد و روز قیامت بر آنان گواه خواهد بود.»

ای علی! هر که بر عیسی‌بن مریم دروغ بست، پیش از مرگش به او ایمان آورد و دربارهٔ او حق را گفت، اما هنگامی بود که دیگر هیچ سودی برایش نداشت. تو هم مانند عیسی‌بن مریم هستی. دشمنت در هنگام مرگ تو را می‌بیند و تو بر او خشمناک و اندوهگین هستی تا این‌که او به ولایت تو اقرار می‌کند، ولی هنگامی است که دیگر هیچ سودی برایش ندارد، امّا دوستت تو را به هنگام مرگ می‌بینند و تو شفیع و بشارت‌دهنده و روشنی چشم او هستی.

(سورهٔ نساء، آیهٔ ۱۷۴)

﴿ قَدْ جاءَكُمْ بُرْهانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ أَنْزَلْنا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا ﴾

از سوی پروردگارتان برهانی آمده است و نوری آشکار را به سوی شما فرستادیم.

۹۰. أَحمَدُبنُ مُحَمَّدِبنِ طَلحَةَ الخُراسَانِيُّ مُعَنعَنًا: عَن أَبي‌جَعفَرٍ علیه السلام قالَ: نَزَلَ جَبرَئِيلُ علیه السلام عَلَى مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله بِهذِهِ الآيَةِ **﴿ يا أَيُّهَا النّاسُ قَدْ جاءَكُمْ بُرْهانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ أَنْزَلْنا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا ﴾** فِي عَلِيٍّ وَ البُرهَانُ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله قَولُهُ: **﴿ فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللهِ وَ اعْتَصَمُوا بِهِ[1] ﴾** قالَ: بِوَلايَةِ عَلِيِّ‌بنِ أَبي‌طالِبٍ علیه السلام.

احمد بن محمّد بن طلحه خراسانی روایت کرده است: امام محمّد باقر علیه السلام فرمود: جبرئیل بر حضرت محمّد صلی الله علیه و آله این آیه را نازل کرد: «ای مردم، از سوی پروردگارتان برهانی آمده است و نوری آشکار را به سوی شما فرستادیم» که

---

۱. نساء، ۱۷۵

نوری آشکار در وجود علی ﷷ و برهان، رسول خدا ﷺ است «پس اما کسانی‌که به خدا ایمان آوردند و به (ریسمان الهی) چنگ زدند» یعنی به ولایت علی بن ابی‌طالب ﷷ تمسک جستند.

وَ مِنْ سُورَةِ المَائِدَةِ

(سورهٔ مائده، آیهٔ ۳)

﴿ اَلْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دينَكُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلاٰمَ دِينًا ﴾

امروز دین شما را برایتان کامل کردم، و نعمتم را بر شما تمام کردم و اسلام را به عنوان دین برای شما پسندیدم.

۹۱. عَن فُرَاتِ بنِ أَحنَفَ: عَن أَبی عَبدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: قُلتُ: جُعِلتُ فِدَاكَ لِلمُسلِمِينَ عِيدٌ أَفضَلُ مِنَ الفِطرِ وَ الأَضحَی وَ يَومِ الجُمُعَةِ وَ يَومِ عَرَفَةَ؟ قَالَ: فَقَالَ لِی: نَعَم أَفضَلُهَا وَ أَعظَمُهَا وَأَشرَفُهَا عِندَاللهِ مَنزِلَةً، وَ هُوَ اليَومُ الَّذِی أَكمَلَ اللهُ فِيهِ الدِّينَ وَ أَنزَلَ عَلَی نَبِيِّهِ ﴿ **اَلْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دينَكُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلاٰمَ دينًا** ﴾ قَالَ: قُلتُ: وَ اَیُّ يَومٍ هُوَ؟ قَالَ: فَقَالَ لِی: إِنَّ أَنبِيَاءَ بَنِی إِسرَائِيلَ كَانُوا إِذَا أَرَادَ أَحَدُهُم أَن يَعقِدَ الوَصِيَّةَ وَالإِمَامَةَ لِلوَصِیِّ مِن بَعدِهِ فَفَعَلَ ذَلِكَ جَعَلُوا ذَلِكَ اليَومَ عِيدًا، وَ إِنَّهُ اليَومُ الَّذِی نَصَبَ فِيهِ رَسُولُ اللهِ صلی الله عليه و آله عَلِيًّا لِلنَّاسِ عَلَمًا وَ أَنزَلَ فِيهِ مَا أُنزِلَ، وَ كَمَلَ فِيهِ الدِّينُ وَ تَمَّت فِيهِ النِّعمَةُ عَلَی المُؤمِنِينَ. قَالَ: قُلتُ: وَ أَیُّ يَومٍ هُوَ فِی السَّنَةِ؟ قَالَ: فَقَالَ لِی: إِنَّ الأَيَّامَ تَتَقَدَّمُ وَتَتَأَخَّرُ فَرُبَّمَا كَانَ يَومَ السَّبتِ وَ الأَحَدِ وَ الإِثنَينِ إِلَی آخِرِ الأَيَّامِ. قَالَ: قُلتُ: فَمَا يَنبَغِی

لَنا أَن نَعمَلَ فِی ذَلِكَ اليوم؟ قَالَ: هُوَ يَومُ عِبادَةٍ وَ صَلاةٍ وَ شُكرٍ لله تَعالَى وَ حَمدٍ لَهُ وَ سُرُورٍ لِمَا مَنَّ اللهُ بِهِ عَلَيكُم مِن وَلايَتِنا وَ إِنِّی أُحِبُّ لَكُم أَن تَصُومُوهُ.

فرات‌بن احنف گفت: به امام جعفر صادق علیه‌السلام عرض کردم: فدایت شوم! آیا مسلمانان عیدی برتر از عید فطر و قربان و یا روز جمعه و روز عرفه دارند؟ امام به من فرمود: بله؛ برترین و بزرگ‌ترین و شریف‌ترین اعیاد از نظر منزلت نزد خداوند همان روزی است که دین را کامل و این آیه را نازل فرمود: «امروز دین شما را برایتان کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام کردم و اسلام را به عنوان دین برای شما پسندیدم.» به امام عرض کردم: این روز، چه روزی است؟ امام فرمود: هرگاه یکی از پیامبران بنی‌اسرائیل می‌خواست پیمان وصایت و امامت برای وصی خود ببندد و چنین می‌کرد، آنان آن روز را عید قرار می‌دادند و این روز همان روزی است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله حضرت علی علیه‌السلام را پیشوای مردم قرار داد و آن‌چه را که دربارهٔ ایشان نازل شده بود، اعلام کرد و در این روز دین کامل و نعمت بر مؤمنان تمام گشت. عرض کردم: آن، چه روزی در سال است؟ فرمود: روزها پیش و پس می‌رود، شاید شنبه باشد و شاید یک‌شنبه یا دوشنبه یا روزی دیگر. عرض کردم: شایسته است در آن روز چه اعمالی انجام دهیم؟ فرمود: این روز، روز عبادت و نماز و شکرگزاری و حمد خداوند است و این روز، روز شادمانی است؛ چراکه خداوند به واسطه ولایت ما اهل بیت بر شما منت نهاده است و من دوست دارم که شما این روز را روزه بگیرید.

۹۲. حَدَّثَنا يَقطِينُ الجَوالِيقِيّ: عَن جَعفَرٍ عَن أَبِيهِ علیهماالسلام فِی قَولِهِ: ﴿**الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي**﴾ قَالَ: نَزَلَت فِی عَلِيِّ‌بنِ أَبی‌طالِبٍ علیه‌السلام خاصَّةً دُونَ النّاسِ.

یقطین جوالیقی گفت: امام جعفر صادق علیه‌السلام به نقل از پدر بزرگوارشان علیه‌السلام فرمود: خداوند این آیه را به‌طور خاص دربارهٔ حضرت علی علیه‌السلام و نه کس دیگر نازل فرمود.

۹۳. عَن أَبِی الجَارُودِ قَالَ: سَمِعتُ أَبَاجَعفَرٍ علیه السلام یَقُولُ: حِینَ أَنزَلَ اللهُ تَعَالَی: ﴿ **الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي** ﴾ قَالَ: فَکَانَ کَمَالُ الدِّینِ بِوَلَایَةِ عَلِیِّ بنِ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام.

ابی جارود گفت: از امام محمّدباقر علیه السلام شنیدم که فرمود: زمانی که خدای متعال این آیه را نازل فرمود، کمال دین با ولایت علی‌بن ابی طالب علیه السلام صورت گرفت.

۹۴. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ قَالَ: بَینَمَا النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله وَ عَلِیٌّ علیه السلام بِمَکَّةَ أَیَّامَ الموسمِ إِذِ التَفَتَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله إِلَی عَلِیٍّ علیه السلام وَ قَالَ هَنِیئًا لَکَ وَ طُوبی لَکَ یَا أَبَا الحَسَنِ إِنَّ اللهَ قَدْ أَنزَلَ عَلَیَّ آیَةً مُحکَمَةً غَیرَ مُتَشَابِهَةٍ ذِکرِی وَ إِیَّاکَ فِیهَا سَوَاءٌ فَقَالَ: ﴿ **الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا** ﴾ بِیَومِ عَرَفَةٍ وَ یَومِ جُمُعَةٍ.

ابن عباس گفت: زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام در موسم حج در مکه بودند، پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام رو کرد و فرمود: گوارا باد بر تو! خوشا به حالت ای اباحسن! خداوند بر من آیه‌ای محکم و غیرمتشابه نازل کرد که در آن ذکر من و تو یکسان است و فرمود «امروز دین شما را برایتان کامل کردم» در روز عرفه و روز جمعه.

هَذَا جَبرَئِیلُ علیه السلام یُخبِرُنِی عَنِ اللهِ أَنَّ اللهَ یَبعَثُکَ أَنتَ وَ شِیعَتَکَ یَومَ القِیَامَةِ رُکبَانًا غَیرَ رِجَالَةٍ عَلَی نَجَائِبَ فَرحلُهَا مِنَ النُّورِ فَتَنَاخُ عِندَ قُبُورِهِم فَیُقَالُ لَهُم: اِرکَبُوا یَا أَولِیَاءَ اللهِ فَیَرکَبُونَ صَفًّا مُعتَدِلاً أَنتَ أَمَامُهُم إِلَی الجَنَّةِ حَتَّی إِذَا صَارُوا إِلَی الفَحصِ ثَارَت فِی وُجُوهِهِم رِیحٌ یُقَالُ لَهَا المثیرةُ فَتَذَرِی فِی وُجُوهِهِم المِسکُ الأَذفَرُ فَیُنَادُونَ بِصَوتٍ لَهُم نَحنُ العَلَوِیُّونَ فَیُقَالُ لَهُم: إِن کُنتُم العَلَوِیُّونَ فَأَنتُم الآمِنُون ﴿ **وَ لا خَوفٌ عَلَیکُمُ الیَومَ وَ لَا انتُم تَحزَنُونَ** ﴾.

جبرئیل علیه السلام مرا از سوی خداوند خبر داد که همانا او در روز قیامت تو و شیعیانت را سوار بر اشترانی که رحل‌های آن‌ها از نور است، برخواهد انگیخت. آن اشتران را نزد قبور ایشان می‌خوابانند و به ایشان گفته می‌شود: ای دوستان خدا! سوار شوید. آن‌گاه آنان در صف‌هایی آراسته سوار می‌شوند و در

حالی‌که تو پیشاپیش ایشان هستی، به سوی بهشت می‌روید، تا این‌که به آرامگاه می‌رسند و بر چهره‌هایشان بادی می‌وزد که آن را نسیمی اثربخش می‌گویند که بر روی آنان مشک تند بوی می‌افشاند و آن‌گاه ایشان به آوازی ندا سر می‌دهند: ما علویّون هستیم. در آن دم به ایشان می‌گویند: اگر شما علویون هستید، در امانید: «و در این روز نه ترسی بر شماست و نه اندوهناک می‌شوید».

(سورهٔ مائده، آیهٔ ۵)

﴿ وَ مَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴾

و هر کس به ایمان کافر شود، قطعًا عملش تباه می‌گردد
و در آخرت از زیانکاران خواهد بود.

۹۵. عَن ابنِ عَبّاسٍ قَالَ: إنَّ لِعَلِيِّ بنِ أَبی طالِبٍ عليه السلام فِی کِتابِ اللهِ أَسمَاءَ لا یَعرِفُهَا النَّاسُ قُلنَا: وَ مَا هِیَ؟ قَالَ: سَمَّاهُ الإیمَانَ فَقالَ: ﴿ **وَ مَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ** ﴾ الآیَة.

ابن عباس گفت: برای حضرت علی عليه السلام در کتاب خدا نام‌هایی است که مردمان نمی‌شناسند. گفتیم: آن نام‌ها چیست؟ گفت: خدا او را ایمان نامید و فرمود: «و هر کس به ایمان کافر شود، قطعًا عملش تباه می‌شود و در آخرت از زیانکاران خواهد بود».

۹۶. جَعفَرُبنُ مُحَمَّدِ الفَزَارِیُّ مُعنعنًا عَن أَبی جَعفَرٍ البَاقِرِ عليه السلام فِی قَولِهِ: ﴿ **وَ مَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ** ﴾ قَالَ: فَالإِیمَانُ فِی بَطنِ القُرآنِ عَلِیُّ بنُ أَبی‌طالِبٍ عليه السلام فَمَن کَفَرَ بِوَلایَتِهِ فَقَد حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِی الآخِرَةِ مِنَ الخَاسِرِینَ.

جعفر بن محمّد فزاری روایت کرده است: امام محمّد باقر عليه السلام دربارهٔ این آیه فرمود: ایمان در باطن قرآن علی‌بن ابی‌طالب عليه السلام است، پس هر که به ولایت او کافر شود، عملش تباه گردیده و در آخرت از زیانکاران خواهد بود.

(سورهٔ مائده، آیهٔ ۱۱)

﴿ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هَمَّ قَوْمٌ أَنْ يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ ﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نعمت خدا را بر خود یاد کنید، آن‌گاه
که گروهی قصد کردند که بر شما دست یازند و [خداوند]
دست آنان را از شما بازداشت.

۹۷. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ: ﴿ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هَمَّ قَوْمٌ أَنْ يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَ اتَّقُوا اللهَ وَ عَلَى اللهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴾ نَزَلَت فِی رَسُولِ اللهِ ﷺ وَ عَلِیِّ بنِ أَبی طالِبٍ ؑ وَزِيرِهِ حِينَ أَتاهُم يَستَعِينَهُم فِی القَتِيلَينِ.

ابن عباس گفت: این آیه دربارهٔ رسول خدا ﷺ و علی‌بن ابی‌طالب ؑ وزیر ایشان نازل شد، زمانی که خداوند در جنگ به یاری مسلمانان آمد.

(سورهٔ مائده، آیهٔ ۳۷)

﴿ وَ ما هُمْ بِخارِجينَ مِنْها ﴾

و حال آن‌که از آن بیرون آمدنی نیستند.

۹۸. عَن حِمرانَ قالَ: سَأَلتُ أَباعَبدِ اللهِ ؑ عَن قَولِ اللهِ تَعالَی: ﴿ وَ ما هُمْ بِخارِجينَ مِنْها ﴾ قالَ: كَأَنَّكَ تُرِيدُ الآدَمِيِّينَ؟ قُلتُ: نَعَم. قالَ: كانُوا حُوسِبُوا وَ عُذِّبُوا وَ أَنتُمُ المُخَلَّدُونَ فِی الجَنَّةِ قالَ اللهُ إِنَّ أَعداءَ عَلِیٍّ هُمُ المُخَلَّدُونَ فِی النّارِ أَبَدَ الآبِدِينَ وَ دَهرَ الدّاهِرِينَ هٰكَذا تَنزِيلُها.

حمران گفت: از امام جعفر صادق ؑ دربارهٔ این آیه پرسیدم. ایشان فرمود: گویی ظاهری را از آن اراده کردی؟ عرض کردم: بله. فرمود: حساب پس دهید و شادمان باشید که شما در بهشت، جاودان هستید. خداوند فرمود: دشمنان علی ؑ تا ابد در آتش جاودان هستند و چنین بود که این آیه نازل شد.

(سورهٔ مائده، آیهٔ ۵۴)

﴿ فَسَوْفَ يَأْتِي اللهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ ﴾

به زودی خداوند گروهی را می‌آورد که آنان را دوست دارد و آنان نیز او را دوست دارند.

۹۹. فُراتُ قَالَ: حَدَّثَنِي الحُسَينُ بنُ سَعِيدٍ مُعنعَنًا: عَنِ أَبِي جَعفَرٍ عليه السلام فِي قَولِهِ: ﴿ فَسَوْفَ يَأْتِي اللهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ ﴾ قَالَ: عَلِيٌّ وَ شِيعَتُهُ.

فرات به نقل از حسین‌بن سعید گفت: امام محمّد باقر عليه السلام فرمود: منظور از این آیه حضرت علی عليه السلام و شیعیان ایشان است.

(سورهٔ مائده، آیهٔ ۵۵)

﴿ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلاٰةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكاٰةَ وَ هُمْ رٰاكِعُونَ ﴾

جز این نیست که سرپرست شما خداست و پیامبرش و کسانی که ایمان آورده‌اند، همانانی که نماز برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند.

۱۰۰. عَنِ عَبدِ اللهِ بنِ عَطَاءٍ قَالَ: كُنتُ جَالِسًا مَعَ أَبِي جَعفَرٍ عليه السلام فِي مَسجِدِ الرَّسُولِ صلى الله عليه و آله وَ عَبدُ اللهِ بنُ سَلَام جَالِسٌ فِي صَحنِ المَسجِدِ، قَالَ: فقلت: جُعِلتُ فِدَاكَ هٰذَا الَّذِي عِندَهُ عِلمُ الكِتَابِ؟ قَالَ: لَا وَلٰكِنَّهُ صَاحِبُكُم عَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام نَزَلَ فِيهِ: ﴿ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا ﴾ إِلَى آخِرِ الآيَةِ، وَ نَزَلَ فِيهِ ﴿ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ ﴾ إِلَى آخِرِ الآيَةِ. فَأَخَذَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه و آله بِيَدِ عَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام يَومَ غَدِيرِ خُمٍّ وَ قَالَ: مَن كُنتُ مَولَاهُ فَعَلِيٌّ مَولَاهُ.

عبدالله‌بن عطاء گفت: با امام محمّد باقر عليه السلام در مسجد پیامبر صلى الله عليه و آله نشسته بودم، در حالی‌که عبدالله‌بن سلام نیز در صحن مسجد نشسته بود. عرض کردم: فدایت شوم! آیا این فرد، همان کسی است که علم کتاب نزد اوست؟ امام فرمود: خیر، بلکه چنین کسی ولیّ شما علی‌بن ابی‌طالب عليه السلام است که درباره‌اش

نازل شد: ﴿ إِنَّمٰا وَلِيُّكُمُ اللهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذينَ آمَنُوا ﴾ تا آخر آيه و نيز ﴿ يٰا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مٰا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ ﴾ تا آخر آيه. پس پيامبر ﷺ دست حضرت على ؑ را در روز غدير خم گرفت و فرمود: هر كه من مولاى اويم، على ؑ مولاى اوست.

۱۰۱. فُراتُ قَالَ: حَدَّثَنِى الحسينُ بنُ سَعِيدٍ مُعنعَنًا: عَنِ أَبِى جعفرٍ ؑ: إِنَّ رَسُولَ اللهِ ﷺ كَانَ يُصَلِّى ذَاتَ يَومٍ فِى مَسجِدٍ فَمَرَّ بِهِ مِسكِينٌ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللهِ ﷺ: هَل تُصدِّقَ عَلَيكَ بِشَىءٍ؟ قَالَ: نَعَم مَرَرتُ بِرَجُلٍ راكِعٍ فَأَعطَانِى خَاتَمَهُ. وَأَشَارَ بِيَدِهِ فَإِذَا هُوَ عَلِىُّ بنُ أَبِى طالِبٍ ؑ فَنَزَلَت هَذِهِ الآيَةُ: ﴿ إِنَّمٰا وَلِيُّكُمُ اللهُ وَ رَسُولُهُ وَالَّذينَ آمَنُوا الَّذينَ يُقيمُونَ الصَّلٰاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكٰاةَ وَ هُمْ رٰاكِعُونَ ﴾ فَقَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: هُوَ وَلِيُّكُم مِن بَعدِى.

فرات گفت: حسين‌بن سعيد روايت كرده است: امام محمّد باقر ؑ فرمود: روزى پيامبر در مسجد نماز مى‌خواند كه مسكينى از كنار ايشان گذشت. پيامبر از او پرسيد: آيا كسى به تو چيزى صدقه داد؟ عرض كرد: بله، از كنار مردى عبور كردم كه در ركوع بود و انگشترش را به من عطا كرد و با دست به على‌بن ابى‌طالب ؑ اشاره كرد. در آن دم اين آيه نازل شد: «جز اين نيست كه سرپرست شما خداست و پيامبرش و كسانى كه ايمان آورده‌اند، همانانى كه نماز برپا مى‌دارند و در حال ركوع زكات مى‌دهند.» پيامبر ﷺ فرمود: او پس از من ولىّ شماست.

۱۰۲. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ فِى قَولِهِ: ﴿ إِنَّمٰا وَلِيُّكُمُ اللهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذينَ آمَنُوا الَّذينَ يُقيمُونَ الصَّلٰاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكٰاةَ وَ هُمْ رٰاكِعُونَ ﴾ نَزَلَت فِى عَلِيٍّ ؑ خَاصَّةً.

ابن عباس گفت: اين آيه به‌طور خاصّ دربارهٔ حضرت على ؑ نازل گشت.

۱۰۳. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ فِى قَولِهِ: ﴿ إِنَّمٰا وَلِيُّكُمُ اللهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذينَ آمَنُوا ﴾ إِلَى قَولِهِ ﴿ وَ هُمْ رٰاكِعُونَ ﴾ قَالَ: أَتَى عَبدُ اللهِ بنِ سَلام وَ رَهطٌ مَعَهُ مِن أَهلِ الكِتَابِ إِلَى رَسُولِ اللهِ ﷺ عِندَ الظُّهرِ فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللهِ بُيُوتُنا قَاصِيَةٌ وَ لَا مُتحدَّثٌ دُونَ هَذَا المَسجِدِ وَ إِنَّ قَومنَا لَمَّا أَن رَأَونَا قَد صَدَّقنَا اللهَ وَ رَسُولَهُ وَ تَركنَا دِينَهُم أَظهَرُوا لَنَا العَدَاوَةَ، وَ أَقسَمُوا

أن لَا یُخَالِطُونَا وَ لَا یُجَالِسُونَا وَ لَا یُکَلِّمُونَا فَشَقَّ عَلَینَا. فَبَینَاهُم یَشکُونَ إِلَى النَّبِیِّ ﷺ إِذ نَزَلَت هَذِهِ الآیَةُ: ﴿ **إِنَّمَا وَلِیُّکُمُ اللّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِینَ آمَنُوا** ﴾ فَتَلَا عَلَیهِم فَقَالُوا: رَضِینَا بِاللّهِ وَ بِرَسُولِهِ وَ بِالمُؤمِنِینَ.

وَ أَذَّنَ بِلَالٌ بِالصَّلَاةِ وَ خَرَجَ رَسُولُ اللّهِ ﷺ إِلَى المَسجِدِ وَ النَّاسُ یُصَلُّونَ بَینَ رَاکِعٍ وَ سَاجِدٍ وَ قَاعِدٍ وَ إِذَا مِسکِینٌ یَسأَلُ فَدَعَاهُ النَّبِیُّ ﷺ فَقَالَ: هَل أَعطَاکَ أَحَدٌ شَیئًا؟ قَالَ: نَعَم. قَالَ: مَاذَا؟ قَالَ: خَاتَمُ فِضَّةٍ. قَالَ: مَن أَعطَاکَ؟ قَالَ: ذَاکَ الرَّجُلُ القَائِمُ. فَإِذَا هُوَ عَلِیٌّ قَالَ: أَنَّى أَعطَاکَ؟ قَالَ: أَعطَانِیهِ وَ هُوَ رَاکِعٌ. فَزَعَمُوا أَنَّ رَسُولَ اللّهِ ﷺ کَبَّرَ عِندَ ذَلِکَ یَقُولُ: ﴿ **وَ مَنْ یَتَوَلَّ اللّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الَّذِینَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ**[1] ﴾ الآیَةُ.

ابن عباس دربارهٔ این آیه گفت: عبد اللهبن سلام به همراه گروهی از اهل کتاب نزدیک نماز ظهر خدمت رسول خدا ﷺ آمدند و عرض کردند: ای رسول خدا! خانه‌های ما دور است و جز در این مسجد هم‌سخنی نداریم. قوممان وقتی دیدند که ما خداوند و رسولش را تصدیق کرده‌ایم و دین آنان را ترک کرده‌ایم، آشکارا با ما دشمنی کردند و سوگند خوردند که با ما همراهی نکنند و با ما همنشین نشوند و با ما سخن نگویند و از این رو ما به سختی افتاده‌ایم. در همان حال که آنان به پیامبر ﷺ گلایه می‌کردند، ناگاه این آیه نازل شد «جز این نیست که سرپرست شما خداست و پیامبرش و کسانی که ایمان آورده‌اند» و پیامبر آن را برای ایشان تلاوت فرمود و آنان عرض کردند: از خدا و رسولش و مؤمنان خشنود هستیم.

در آن دم بلال اذان گفت و رسول خدا ﷺ سوی مسجد بیرون رفت و حال آن‌که مردم نماز می‌خواندند و برخی در رکوع و برخی در سجود و برخی در قعود بودند و در همان هنگام که فرد مسکین در حال گدایی بود، پیامبر ﷺ او را فراخواند و فرمود: آیا کسی چیزی به تو عطا کرده است؟ عرض کرد: بله.

---

۱. مائده، ۵۶

فرمود: چه؟ عرض کرد: انگشتری نقره. فرمود: چه کسی به تو عطا کرد؟ عرض کرد: آن مرد که در قیام است. و آن مرد حضرت علی ﷺ بود. پیامبر ﷺ فرمود: چگونه به تو عطا کرد؟ عرض کرد: در حالی‌که در رکوع بود به من عطا کرد. در آن هنگام همه متوجه شدند که رسول خدا ﷺ تکبیر گفت و فرمود: «و هر کس خداوند و پیامبرش و کسانی را که ایمان آورده‌اند، دوست بدارد، [بداند که] بی‌تردید گروه خداوند پیروز است.»

۱۰۴. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ قَالَ: لَمَّا نَزَلَت: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللهُ وَ رَسُولُهُ﴾ إِلَى آخِرِ الآيَةِ جَاءَ النَّبِيُّ ﷺ إِلَى المَسجِدِ فَإِذَا سَائِلٌ فَدَعَاهُ قَالَ: مَن أَعطَاكَ مِن هَذَا المَسجِدِ؟ قَالَ: مَا أَعطَانِي إِلَّا هَذَا الرَّاكِعُ وَ السَّاجِدُ ـ يَعنِي عَلِيًّا. فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: الحَمدُ للهِ الَّذِي جَعَلَها فِيَّ وَ فِي أَهلِ بَيتِي. قَالَ: وَ كَانَ فِي خَاتَمِ عَلِيٍّ الَّذِي أَعطَاهُ السَّائِلَ: سُبحَانَ مَن فَخرِي بِأَنِّي لَهُ عَبدٌ.

ابن عباس گفت: زمانی که این آیه نازل شد، حضرت محمّد ﷺ به سوی مسجد آمد و سائلی را دید، او را فراخواند و فرمود: آیا کسی به تو چیزی داده است؟ عرض کرد: فقط آن مردی که در رکوع و سجود است ـ یعنی علی ﷺ. پیامبر ﷺ فرمود: سپاس خدایی را که این را درباره من و اهل بیتم قرار داد. بر روی انگشتری که حضرت علی ﷺ به سائل داد، این جمله بود: پاک و منزه است خدایی که افتخارم بندگی اوست.

۱۰۵. عَلِيُّ بنُ زِيَادٍ القَصَّارُ مُعنعَنًا: عن أَمِيرِ المُؤمِنِينَ عَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ ﷺ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ: مَن أَحَبَّ اللهَ أَحَبَّ النَّبِيَّ، وَ مَن أَحَبَّ النَّبِيَّ أَحَبَّنَا، وَ مَن أَحَبَّنا أَحَبَّ شِيعَتَنَا، فَإِنَّ النَّبِيَّ ﷺ وَ نَحنُ وَ شِيعَتَنَا مِن طِينَةٍ وَاحِدَةٍ وَ نَحنُ فِي الجَنَّةِ لَا نَبغَضُ مَن يُحِبُّنَا وَ لَا نُحِبُّ مَن أَبغَضَنَا، اِقرَؤُوا إِن شِئتُم: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا﴾ إِلَى آخِرِ الآيَةِ. قَالَ الحَادِثُ: صَدَقَ وَ اللهِ مَا نَزَلَت إِلَّا فِيهِ.

علی بن زیاد قصار روایت کرده است: حضرت علی ﷺ فرمود: هر که خدا را

دوست بدارد، پیامبرش را دوست دارد و هر که پیامبر را دوست بدارد، ما را دوست دارد و هر که ما را دوست بدارد، شیعیان ما را دوست دارد؛ چراکه پیامبر ﷺ و ما اهل بیت و شیعیان ما از یک سرشت آفریده شده‌ایم و همگی در بهشت هستیم. آنکه را دوستمان بدارد، دشمن نمی‌داریم و آنکه را دشمنمان بدارد، دوست نمی‌داریم. اگر می‌خواهید، بخوانید: «جز این نیست که سرپرست شما خداست و پیامبرش و کسانی که ایمان آوردند» تا آخر آیه.

حارث گفت: به خدا سوگند راست گفت، این آیه تنها در مورد او نازل شد.

۱۰۶. حَدَّثَنِی مُحَمَّدُبْنُ عِیسَی‌بنِ زَکَرِیَّا الدِّهقَانِ مُعنعَنًا: عَن أَمِیرِالمُؤمِنِینَ عَلِیِّ‌بنِ أَبِی‌طالِبٍ ؑ قَالَ: دَخَلتُ عَلَی رَسُولِ اللهِ ﷺ وَ هُوَ یَقرَءُ سُورَةَ المَائِدَةِ فَقَالَ: أُکتُب. فَکَتَبتُ حَتَّی انْتَهیتُ إِلَی هَذِهِ الآیَةِ: ﴿ **إِنَّمَا وَلِیُّکُمُ اللهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذین امنوا** ﴾ ثُمَّ أَتَی رَسُولُ اللهِ ﷺ یَخفِقُ بِرَأسِهِ کَأَنَّهُ نَائِمٌ وَ هُوَ عَلَی بِلِسَانِهِ حَتّی فَرَغَ مِن آخِرِ السُّورَةِ المَائِدَةِ ثُمَّ انتَبَهَ فَقَالَ لِی: أُکتُب فَأَملَی عَلَیَّ مِنَ المَوضِعِ الَّذِی خَفَقَ عِندَهَا فَقُلتُ: أَلَم تُملِ عَلَیَّ حَتَّی خَتَمتُهَا فَقَالَ: اللهُ أَکبرُ ذَلِکَ الَّذِی أَملَی عَلَیکَ جَبرَئِیلُ ؑ ثُمَّ قَالَ عَلِیٌّ ؑ فَأَملَی عَلَیَّ رَسُولُ اللهِ ﷺ سِتِّینَ آیَةٍ وَ أَملَی عَلَیَّ جَبرَئِیلُ أَربعًا وَ سِتِّینَ آیَةٍ.

محمّد بن عیسی بن زکریای دهقان روایت کرده است: حضرت علی ؑ فرمود: بر رسول خدا ﷺ وارد شدم در حالی‌که ایشان سورهٔ مائده را قرائت می‌کرد. فرمود: بنویس. من نوشتم تا این‌که به این آیه رسیدم: «جز این نیست که سرپرست شما خداست و پیامبرش و کسانی که ایمان آوردند.» سپس رسول خدا ﷺ سر تکان داد و گویی در خواب بود و این سوره را بر لب داشت تا این‌که آن را به پایان رساند و آنگاه به خود آمد و به من فرمود: بنویس. و از آنجایی که شروع به سر تکان دادن کرده بود بر من املاکرد. عرض کردم: آیا املا نکردید و من به پایانش رساندم؟ فرمود: الله اکبر، آن‌که بر تو املا کرد، جبرئیل بود. سپس حضرت علی ؑ فرمود: و رسول خدا شصت آیه را بر من املاکرد و جبرئیل شصت و چهار آیه را املاکرد.

(سورهٔ مائده، آیهٔ ۵۶)

﴿ وَ مَنْ يَتَوَلَّ اللهَ وَ رَسُولَهُ وَ الَّذينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللهِ هُمُ الْغالِبُونَ ﴾

و هر کس خدا و پیامبرش و کسانی را که ایمان آورده‌اند، دوست بدارد [بداند که] بی تردید گروه خداوند پیروزند.

۱۰۷. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ وَ قَولُهُ: ﴿ وَ مَنْ يَتَوَلَّ اللهَ وَ رَسُولَهُ وَ الَّذينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللهِ هُمُ الْغالِبُونَ ﴾ عَلِيُّ بنُ أَبی طالِبٍ عليه السلام.

ابن عباس گفت: منظور این آیه حضرت علی بن ابی طالب عليه السلام است.

(سورهٔ مائده، آیهٔ ۶۷)

﴿ يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ وَ اللهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النّاسِ ﴾

ای پیامبر! آن‌چه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده است [به مردم] ابلاغ کن و اگر چنین نکنی پیام او را نرسانده‌ای و خداوند تو را از گزند مردم نگاه می‌دارد.

۱۰۸. عَن عَبدِ اللهِ بنِ عَطاءٍ قالَ: كُنتُ جالِسًا مَعَ أَبی جعفرٍ عليه السلام فَرَأيتُ ابنًا لِعَبدِاللهِ بنِ سَلامٍ جالِسًا فِی ناحِيَةٍ فَقُلتُ لِأَبی جعفرٍ: زَعَمُوا أَنَّ أَبا هذَا الَّذی عِندَهُ عِلمٌ مِنَ الكِتابِ. قالَ: لا ذلِكَ عَلِيُّ بنُ أَبی طالِبٍ أَميرُ المُؤمِنينَ قالَ: أُوحِيَ إِلى رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله: قُل لِلنّاسِ مَن كُنتُ مَولاهُ فَعَلِيٌّ مَولاهُ، فَما بَلَّغَ بِذلِكَ وَ خافَ النّاسَ فَأُوحِيَ إِلَيهِ: ﴿ يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ وَ اللهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النّاسِ ﴾ فَأَخَذَ بِيَدِ عَلِيِّ بنِ أَبی طالِبٍ عليه السلام يَومَ غَديرِ خُمٍّ وَ قالَ: مَن كُنتُ مَولاهُ فَعَلِيٌّ مَولاهُ.

عبد الله بن عطا گفت: نزد امام محمّد باقر عليه السلام نشسته بودم که یکی از پسران عبد الله بن سلام را دیدم در گوشه‌ای نشسته است. به امام محمّد باقر عليه السلام عرض کردم: مردم می‌پندارند پدر این مرد کسی است که علمی از کتاب دارد. فرمود:

خیر، آن کس، علی‌بن ابی‌طالب ﷺ است. به رسول خدا ﷺ وحی شد: به مردم بگو: هر که من مولای اویم، علی مولای اوست. امّا پیامبر این را ابلاغ نکرد و از مردم ترسید. در آن دم به ایشان وحی شد: «ای پیامبر! آن‌چه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده است [به مردم] ابلاغ کن و اگر چنین نکنی، پیام او را نرسانده‌ای و خداوند تو را از گزند مردم نگاه می‌دارد.» پس پیامبر ﷺ روز غدیر خم دست علی‌بن ابی‌طالب ﷺ را گرفت و فرمود: هر که من مولای اویم، علی مولای اوست.

۱۰۹. جَعفَرُبنُ أَحمَدَبنِ یُوسُفَ مُعَنعَنًا: عَن أَبِی جَعفَرٍ ﷺ فِی قَولِهِ تَعالَی: ﴿ **یا أَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ** ﴾ إِلَی آخِرِ الآیَةِ فَخَرَجَ رَسُولُ اللهِ حِینَ أَتَتهُ عَزمَةٌ مِنَ اللهِ فِی یَوم شَدِیدِ الحَرِّ فَنُودِیَ فِی النَّاسِ فَاجتَمِعُوا وَ أَمَرَ بِشَجَرَاتٍ فَقِم مَا تَحتَهُنَّ مِنَ الشَّوكِ ثُمَّ قَالَ: یَا أَیُّهَا النَّاسُ مَن وَلِیُّکُم أَولَی بِکُم مِن أَنفُسِکُم؟ قَالُوا: اللهُ و رَسُولُهُ. فَقَالَ: مَن کُنتُ مَولَاهُ فَعَلِیٌّ مَولَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَن وَالَاهُ وَ عَادِ مَن عَادَاهُ وَ انصُر مَن نَصَرَهُ وَ اخذُل مَن خَذَلَهُ ـ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.

جعفر بن احمدبن یوسف روایت کرده است: امام محمّد باقر ﷺ دربارهٔ این آیه فرمود: چون اراده این امر از سوی خداوند به رسول خدا ﷺ رسید، ایشان در روزی بسیار گرم بیرون رفت و در میان مردم ندا سرداد و چون گرد آمدند، فرمان داد تا بوته‌هایی آوردند و بر خار تپه کردند. سپس فرمود: ای مردم! ولی شما کیست که از شما به خودتان سزاوارتر است؟ عرض کردند: خدا و رسولش. فرمود: هر که من مولای اویم، علی مولای اوست، خداوندا! دوست بدار هر که او را دوست دارد و دشمن بدار هر که او را دشمن دارد و یاری کن هر که او را یاری کند و خوار کن هر که او را خوار کند. و سه بار این سخن را باز گفت.

۱۱۰. عَنِ مُحَمَّدِ بنِ کَعبِ القُرَظِیِّ قَالَ: کَانَ النَّبِیُّ ﷺ یَتَحَارَسُهُ أَصحَابُهُ فَأَنزَلَ اللهُ: ﴿ **یا أَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ وَ اللهُ یَعْصِمُکَ مِنَ**

النّٰاسِ﴾ فَتَرَكَ الحَرَسَ حِينَ أَخبَرَهُ اللهُ أَنَّهُ يَعصِمُهُ مِنَ النَّاسِ.

محمّدبن کعب قرظی گفت: پیامبر ﷺ را یاران ایشان نگاهبانی می‌کردند که خداوند این آیه را نازل فرمود، چون خداوند پیامبر ﷺ را خبر داد که او را از گزند مردم نگاه می‌دارد، پیامبر ﷺ نگاهبانان را ترک گفت.

(سورهٔ مائده، آیهٔ ۸۷)

﴿ يٰا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لاٰ تُحَرِّمُوا طَيِّبٰاتِ مٰا أَحَلَّ اللهُ لَكُمْ ﴾

ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید، چیزهای پاکیزه‌ای را که خداوند برای شما حلال کرده، حرام مکنید.

۱۱۱. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ وَ قَولُهُ: ﴿ يٰا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لاٰ تُحَرِّمُوا طَيِّبٰاتِ مٰا أَحَلَّ اللهُ لَكُمْ ﴾ الآيَةُ نَزَلَت فِي عَلِيٍّ وَ أَصحَابِهِ مِنهُم عُثمَانُ‌بنُ مَظعُونٍ وَ عَمَّارُبنُ يَاسِرٍ وَ سَلمَانُ حَرَّمُوا عَلَى أَنفُسِهِم الشَّهَوَاتِ وَ هَمُّوا بِالإِخصَاءِ.

ابن عباس گفت: این آیه دربارهٔ حضرت علی ؑ و یارانش همانند عثمان‌بن مظعون و عماربن یاسر و سلمان نازل شد، که شهوات را بر خویشتن حرام کرده بودند و تجرّد پیش گرفته بودند.

وَ مِن سُورَةِ الأنعام

(سورهٔ انعام، آیهٔ ۴۴ ـ ۴۵)

﴿ فَلَمّٰا نَسُوا مٰا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنٰا عَلَيْهِمْ أَبْوٰابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتّٰى إِذٰا فَرِحُوا بِمٰا أُوتُوا أَخَذْنٰاهُمْ بَغْتَةً فَإِذٰا هُمْ مُبْلِسُونَ * فَقُطِعَ دٰابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰالَمِينَ ﴾

پس چون آن‌چه را که به آنان یادآوری شده بود به فراموشی سپردند، درهای همه چیز را بر آنان گشودیم، تا این‌که به آن‌چه به آن‌ها داده شد شادمان شدند. ناگهان آنان را [به عذاب] گرفتیم، پس آن‌گاه نا امید شدند. پس ریشهٔ آن گروهی که ستم کردند قطع گردید. و سپاس از آن خداوند، پروردگار جهانیان است.

۱۱۲. عَن جَابِرٍ قَالَ: سَأَلتُ أَبَاجَعفَرٍ علیه السلام عَن قَولِ اللهِ تَعَالَى ﴿ فَلَمّٰا نَسُوا مٰا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنٰا عَلَيْهِمْ أَبْوٰابَ كُلِّ شَيْءٍ ﴾ إِلَى ﴿ رَبِّ الْعٰالَمِينَ ﴾ قَالَ أَبُو جَعفَرٍ علیه السلام: أَمَّا قَولُهُ: ﴿ فَلَمّٰا نَسُوا مٰا ذُكِّرُوا بِهِ ﴾ يَعنِى فَلَمَّا تَرَكُوا وَلَايَةَ عَلِيِّ بنِ أَبِى طَالِبٍ علیه السلام وَ قَد أُمِرُوا بِهَا.

جابر گفت: دربارهٔ این آیه از امام محمّد باقر علیه السلام پرسیدم. ایشان فرمود: کلام حق تعالی «پس چون آن‌چه را که به آنان یادآوری شده بود به فراموشی سپردند»، یعنی آن هنگام که ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام را ترک کردند، حال آن‌که به آن امر شده بودند.

(سورهٔ انعام، آیهٔ ۵۴)

﴿ وَ إِذٰا جٰاءَكَ الَّذينَ يُؤْمِنُونَ بِآيٰاتِنٰا فَقُلْ سَلاٰمٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ ﴾

و هرگاه کسانی که به آیات ما ایمان دارند، نزد تو آیند، بگو: سلام بر شما، پروردگارتان بر خویش رحمت را مقرّر داشته است.

(سورهٔ انعام، آیهٔ ۸۲)

﴿ الَّذينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إيمٰانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ مُهْتَدُونَ ﴾

کسانی‌که ایمان آورده‌اند و ایمانشان را به ظلم درنیامیخته‌اند، آنان‌اند که ایمنی از آن آنهاست و ایشان هدایت‌یافتگان‌اند.

۱۱۳. عَنِ أَبانِ‌بنِ تَغلِبَ قَالَ: قُلتُ لِأَبی جَعفَرٍ مُحَمَّدِبنِ عَلِیٍّ ؈ فِی قَولِ اللهِ تَعالَی: ﴿ الَّذينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إيمٰانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ مُهْتَدُونَ ﴾ قَالَ أَبُوجَعفَرٍ ؈: یا أَبانُ أَنتُم تَقُولُونَ هُوَ الشِّركُ بِاللهِ وَ نَحنُ نَقُولُ هَذِهِ الآیَةُ نَزَلَت فِی أَمِیرِالمُؤمِنِینَ عَلِیِّ‌بنِ أَبِی‌طالِبٍ ؈ لِأَنَّهُ لَم یُشرِك بِاللهِ طَرفَةَ عَینٍ قَطُّ وَ لَم یَعبُدِ اللّاتَ وَ العُزَّی وَ هُوَ أَوَّلُ مَن صَلَّی مَعَ النَّبِیِّ ؆ وَ هُوَ أَوَّلُ مَن صَدَّقَهُ فَهَذِهِ الآیَةُ نَزَلَت فِیهِ.

ابان بن تغلب گفت: از امام محمّد باقر ؈ دربارهٔ این آیه پرسیدم، ایشان فرمود: ای ابان! شما می‌گویید که آن شرک به خداست و ما می‌گوییم این آیه در مورد امیرمؤمنان علی‌بن ابی‌طالب ؈ است؛ زیرا لحظه‌ای به خدا شرک نورزید و هرگز لات و عُزّی را نپرستید و او نخستین کسی بود که با پیامبر نماز گزارد و او نخستین کسی بود که پیامبر را تصدیق کرد، پس این آیه در مورد او نازل گشت.

۱۱۴. عَنِ أَبی مَریَمَ قَالَ: سَأَلتُ جَعفَرَبنَ مُحَمَّدٍ ؈ عَن قَولِ اللهِ تَعالَی: ﴿ الَّذينَ آمَنُوا وَ لَمْ

يَلْبِسُوا إيمٰانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ مُهْتَدُونَ﴾ قالَ: يا أَبا مَريَمَ هَذِهِ وَ اللهِ نَزَلَت فِی عَلِیِّ‌بنِ أَبی‌طالِبٍ ﷺ خَاصَّةً مَا أَلبَسَ إِيمَانَهُ بِشركٍ وَ لا ظُلمٍ وَ لا كِذبٍ وَ لا سِرقَةٍ وَلا خِيانَةٍ.

ابی‌مریم گفت: از امام جعفر صادق ﷺ دربارهٔ این آیه پرسیدم. ایشان فرمود: ای ابامریم! به خدا سوگند این آیه به‌طور خاص دربارهٔ علی بن ابی‌طالب ﷺ نازل شد؛ چراکه هرگز ایمانش به شرک و دروغ و دزدی و خیانت آمیخته نشد.

(سورهٔ انعام، آیهٔ ۱۱۲)

﴿وَ كَذٰلِكَ جَعَلْنٰا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيٰاطِينَ الْإِنْسِ وَ الْجِنِّ﴾

و این‌چنین برای هر پیامبری، دشمنی از شیاطین انسی و جنّی قرار دادیم.

۱۱۵. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ وَ فِی قَولِهِ: ﴿وَ كَذٰلِكَ جَعَلْنٰا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا﴾ نَزَلَت فِی النَّبِیِّ ﷺ وَ فی أَبی جَهلٍ.

ابن عباس گفت: این آیه دربارهٔ پیامبر ﷺ و ابوجهل نازل شد.

(سورهٔ انعام، آیهٔ ۱۲۲)

﴿أَ وَ مَنْ كٰانَ مَيْتًا فَأَحْيَيْنٰاهُ وَ جَعَلْنٰا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النّٰاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمٰاتِ لَيْسَ بِخٰارِجٍ مِنْهٰا كَذٰلِكَ زُيِّنَ لِلْكٰافِرِينَ مٰا كٰانُوا يَعْمَلُونَ﴾

آیا کسی که مرده بود، سپس او را زنده کردیم، و نوری برای او قرار دادیم که با آن در میان مردم راه برود، همچون کسی است که در تاریکی‌هاست و از آن‌ها بیرون‌آمدنی نیست؟ این‌گونه برای کافران، آن‌چه انجام می‌دادند، آراسته شده است.

۱۱۶. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ: ﴿أَ وَ مَنْ كٰانَ مَيْتًا فَأَحْيَيْنٰاهُ﴾ إِلَی آخِرِ الآيَةِ أَبُو جَهلِ‌بنِ هِشَامٍ.

ابن عباس گفت: این آیه دربارهٔ ابوجهل‌بن هشام است.

(سورهٔ انعام، آیهٔ ۱۵۳)

﴿وَ أَنَّ هٰذٰا صِرٰاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَ لاٰ تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ﴾

و این راه راست من است، پس از آن پیروی کنید و از راه‌های دیگر پیروی نکنید که شما را از راه او جدا می‌سازد.

۱۱۷. عَن حَمرَانَ قَالَ: سَمِعتُ أَبَاجَعفرٍ عليه السلام يَقُولُ فِي قَولِ اللهِ تَعَالَى: ﴿وَ أَنَّ هٰذٰا صِرٰاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَ لاٰ تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذٰلِكُمْ وَصّٰاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ قَالَ: أَمِيرُ الْمُؤمِنِينَ عَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ وَ الأَئِمَّةُ مِن وُلدِ فَاطِمَةَ الزَّهرَاءِ عليهم السلام هُم صِرَاطُ اللهِ فَمَن أَتَاهُ سَلَكَ السَّبِيلَ.

حمران گفت: از امام محمّد باقر عليه السلام شنیدم که دربارهٔ این آیه فرمود: امیرمؤمنان علی‌بن ابی‌طالب عليه السلام و امامان زاده فاطمه زهرا عليها السلام همان راه خداوند هستند که هر که به آن بپیوندد، راه را درمی‌نوردد.

۱۱۸. مُحَمَّدُبنُ الحَسَنِ بنِ إِبرَاهِيم مُعَنعَنًا: عَنِ أَبِي جَعفرٍ عليه السلام قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُوبَرزَةَ قَالَ: بَينَمَا نَحنُ عِندَ رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله إِذ قَالَ ـ وَ أَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى عَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام: ﴿وَ أَنَّ هٰذٰا صِرٰاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَ لاٰ تَتَّبِعُوا السُّبُلَ﴾ فَقَالَ رَجُلٌ: أَلَيسَ إِنَّمَا يَعنِي اللهُ فَضَّلَ هَذَا الصِّرَاطَ عَلَى مَا سِوَاهُ؟ فَقَالَ النَّبِيُّ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: هَذَا جَوَابُكَ يَا فُلَانُ: أَمَّا قَولُكَ: فَضَّلَ الإِسلَامَ عَلَى مَا سِوَاهُ كَذَلِكَ، وَ أَمَّا قَولُ اللهِ: ﴿هٰذٰا صِرٰاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ[1]﴾ فَإِنِّي قُلتُ لِرَبِّي مُقبِلاً عَن غَزوَةِ تَبُوكَ الأُولَى: اللّٰهُمَّ إِنِّي جَعَلتُ عَلِيًّا بِمَنزِلَةِ هَارُونَ مِن مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نُبُوَّةَ لَه مِن بَعدِي، فَصَدِّق كَلَامِي وَ أَنجِز وَعدِي، وَ اذكُر عَلِيًّا بِالقُرآنِ كَمَا ذَكَرتَ هَارُونَ، فَإِنَّكَ قَد ذَكَرتَ اسمِي فِي القُرآنِ. فَقَرَأَ آيَةً فَأَنزَلَ تَصدِيقَ قَولِي فَرَسَخَ جَسَدُهُ مِن أَهلِ هَذِهِ القِبلَةِ وَ تَكذِيبِ المُشرِكِينَ حَيثُ حِينَ شَكُّوا فِي مَنزِلِ

---

۱. حجر، ۴۱

عَلِیِّ بنِ أَبی طالِبٍ ﷺ. فَنزَلَ: ﴿ هٰذٰا صِرٰاطٌ عَلَیَّ مُسْتَقِیمٌ ﴾ وَ هُوَ جَالِسٌ عِندِی فَأَقبِلُوا نَصِیحَتَهُ وَ اسمَعُوا قَولَهُ، فَإِنَّهُ مَن یَسُبُّنِی یَسُبُّ اللهَ وَ مَن سَبَّ عَلِیًّا فَقَد سَبَّنِی.

محمّد بن حسن بن ابراهیم روایت کرده است: امام محمّد باقر ﷺ فرمود: ابوبرزه برای ما چنین گفت: ما نزد رسول خدا ﷺ بودیم که ایشان با دست به حضرت علی ﷺ اشاره کرد و فرمود: «این راه راست من است، پس از آن پیروی کنید و از راه‌های دیگر پیروی نکنید.» مردی عرض کرد: مگر منظور از این آیه این نیست که خداوند این راه را بر دیگر راه‌ها فضیلت بخشید؟ پیامبر ﷺ فرمود: ای فلانی! این جواب توست: این‌که گفتی خداوند اسلام را بر دیگر دین‌ها فضیلت بخشید، همین‌گونه است. و اما کلام خداوند متعال «این راهی راست است که [حفظ] آن بر عهده من است»، هنگامی که از غزوه تبوک اول باز می‌گشتم، به پروردگارم گفتم: خداوندا! من علی را برای خود به منزلهٔ هارون برای موسی قرار دادم، جز آن‌که پس از او دیگر پیامبری نیست، پس کلامم را تصدیق کن و وعده‌ام را به انجام برسان و از علی در قرآن یاد کن؛ همچنان‌که از هارون یاد کردی و از نام من در قرآن یاد کردی. آنگاه آیه‌ای قرائت فرمود. پس تصدیق سخنم را نازل کرد و این‌گونه در آن زمان که آنان در منزلت علی‌بن ابی‌طالب ﷺ شک کردند، تن او در برابر اهل این قبله و تکذیب مشرکان استوار گشت، و نازل شد «این راهی راست است که [حفظ] آن بر عهدهٔ من است» و آن کس کنار من نشسته است، پس نصیحتش را بپذیرید و کلامش را بشنوید که هر کس مرا ناسزا گوید، خداوند را ناسزا گفته و هر کس علی ﷺ را ناسزا گوید، مرا ناسزا گفته است.

۱۱۹. عَنِ أَبی مَالِكٍ الأَسَدِیِّ قَالَ: قُلتُ لِأَبی جَعفَرٍ ﷺ عَن قَولِ اللهِ تَعَالَی: ﴿ وَ أَنَّ هٰذٰا صِرٰاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَ لاٰ تَتَّبِعُوا السُّبُلَ ﴾ قَالَ: فَبَسطَ أَبُو جَعفَرٍ ﷺ یَدَهُ الیَسَارَ ثُمَّ دَوَّرَ فِیهَا یَدَهُ الیُمنَی ثُمَّ قَالَ: نَحنُ صِرَاطُهُ المُستَقِیمُ فَاتَّبِعُوهُ وَ لا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِکُم عَن سَبِیلِهِ یَمِینًا وَ شِمَالاً ـ ثُمَّ خَطَّ بِیَدِهِ.

ابی‌مالک اسدی گفت: از امام محمّد باقر ؑ دربارهٔ این آیه پرسیدم، ایشان دست چپ خود را گشود و دست راستش را حلقه کرد و در آن نهاد و فرمود: ما راه راست او هستیم، پس از آن پیروی کنید و از راه‌های دیگر پیروی نکنید که از چپ و راست شما را از راه او جدا می‌سازد. سپس حضرت با دستش خطی کشید.

(سورهٔ انعام، آیهٔ ۱۵۸)

﴿ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا ﴾

روزی که بعضی از آیات پروردگار تو بیاید ایمان کسی که از پیش ایمان نیاورده و یا در حال ایمانش کار خیری نکرده است، سودی به او نمی‌بخشد.

۱۲۰. جَعفَرُ بنُ مُحَمَّدٍ الفَزارِیُّ مُعَنعَنًا: عَنِ أَبی جَعفَرٍ ؑ فِی قَولِهِ تَعالَی: ﴿ **يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيمَانُهَا** ﴾ یَعنِی صَفوَتَنَا وَ نُصرَتَنَا. قُلتُ: إِنَّمَا قَدَّرَ اللهُ عَنهُ بِاللِّسَانِ وَ الیَدَینِ وَ القَلبِ. قَالَ: یَا خَیثَمَةُ إِنَّ نُصرَتَنَا بِاللِّسَانِ کَنُصرَتِنَا بِالسَّیفِ وَ نُصرَتَنَا بِالیَدَینِ أَفضَلُ وَ القِیَامُ فِیهَا!

یَا خَیثَمَةُ إِنَّ القُرآنَ نَزَلَت أَثلاثًا فَثُلثٌ فِینَا وَ ثُلثٌ فِی عَدُوِّنَا وَ ثُلثٌ فَرَائِض وَ أَحکَامٌ، وَ لَو أَنَّ آیَةً نَزَلَت فِی قَومٍ ثُمَّ مَاتُوا أُولَئِکَ مَاتَتِ الآیَةُ إِذًا مَا بَقِیَ مِنَ القُرآنِ شَیءٌ، إِنَّ القُرآنَ یَجرِی مِن أَوَّلِهِ إِلَی آخِرِهِ و آخِرِهِ إِلَی أَوَّلِهِ مَا قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الأَرضِ، فَلِکُلِّ قَومٍ آیَةٌ یَتلُونَهَا.

یَا خَیثَمَةٌ إِنَّ الإِسلَامَ بَدَأَ غَرِیبًا وَ سَیَعُودُ غَرِیبًا فَطُوبَی لِلغُرَبَاءِ وَ هَذَا فِی أَیدِی النَّاسِ فَکُلٌّ عَلَی هَذَا.

یَا خَیثَمَةُ سَیَأتِی عَلَی النَّاسِ زَمَانٌ لَا یَعرِفُونَ اللهَ مَا هُوَ وَ التُوحِیدَ حَتَّی یَکُونَ خُرُوجُ الدَّجَّالِ وَحَتَّی یَنزِلَ عِیسَی بنُ مَریَمَ ؑ مِنَ السَّمَاءِ وَ یَقتُلَ اللهُ الدَّجَّالَ عَلَی یَدَیهِ وَیُصَلِّی بِهِم رَجُلٌ مِنَّا أَهلَ البیتِ، أَلا تَرَی أَنَّ عِیسَی یُصَلِّی خَلفَنَا وَ هُوَ نَبِیٌّ أَلا وَ نَحنُ أَفضَلُ مِنهُ.

جعفر بن محمّد فزاری روایت کرده است: امام محمّد باقر ﷺ دربارهٔ این آیه فرمود: یعنی برگزیدهٔ ما و پیروزساز ما ـ که خداوند فرجش را نزدیک گرداند. عرض کردم: خداوند برای یاری او زبان‌ها و دستان و قلب‌هایی مقدّر فرموده است. فرمود: ای خیثمه! یاری ما با زبان همچون یاری ما با شمشیر است و یاری ما با دست و به پا خاستن در راه ما برتر است. ای خیثمه! قرآن در سه ثلث نازل شد، ثلثی دربارهٔ ما و ثلثی دربارهٔ دشمن ما و ثلثی دربارهٔ واجبات و احکام. اگر چنین بود که آیه‌ای دربارهٔ قومی نازل شود و سپس آنان بمیرند و آن آیه نیز بمیرد، آنگاه هیچ چیز از قرآن باقی نمی‌ماند. همانا قرآن از آغاز تا پایانش و از پایان تا آغازش تا آسمان‌ها و زمین برپاست، در جریان است. پس برای هر قومی آیه‌ای است که آن را تلاوت می‌کنند.

ای خیثمه! اسلام غریب آغاز شد و غریب باز خواهد گشت، پس خوشا به حال غریبان که این به دست مردم است و همه بر این روش‌اند.

ای خیثمه! به زودی زمانی بر مردم می‌آید که خدا و یگانگی او را نمی‌شناسند؛ تا این‌که بیرون شدن دجّال فرا می‌رسد و عیسی‌بن مریم ﷺ نازل می‌شود و خداوند دجّال را به دستان او هلاک می‌کند و مردی از ما اهل بیت پیشاپیش ایشان نماز می‌گذارد. آیا نمی‌دانی که عیسی پشت ما نماز می‌گذارد و حال آن‌که او پیامبر است؟ بدان که ما برتر از اوییم.

(سورهٔ انعام، آیهٔ ۱۶۰)

﴿ مَنْ جٰاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثٰالِهٰا وَ مَنْ جٰاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلاٰ يُجْزىٰ إِلاّٰ مِثْلَهٰا ﴾

هر کس کار نیکی به جای آورد، برای او ده برابر آن است و هر کس کار بدی به جای آورد جز به مانند آن جزا داده نمی‌شود.

۱۲۱ . عَنْ إِسْحاقَ بنِ عَمّارٍ الصَّيرَفِيِّ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبدِ اللهِ ﷺ فِي قَولِ اللهِ تَعالَى: ﴿ مَنْ جٰاءَ

بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثٰالِهٰا وَ مَنْ جٰاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلاٰ يُجْزىٰ إِلاّٰ مِثْلَهٰا ﴾ فَمَا الحَسَنَةُ وَ مَا السَّيِئَةُ؟ قَالَ: قُلتُ: أَخبِرنِى يَا ابنَ رَسُولِ اللهِ. قَالَ: الحَسَنَةُ السِّترُ وَالسَّيِئَةُ إِذاعَةُ حَدِيثِنَا.

اسحاق‌بن عمار صیرفی گفت: امام محمّد باقر ﷺ دربارهٔ این آیه فرمود: کار نیک و کار بد چیست؟ عرض کردم: مرا آگاه ساز ای پسر رسول خدا! فرمود: کار نیک پنهان داشتن و کار بد افشاکردن حدیث ماست.

۱۲۲. مُحَمَّدُ بنُ القَاسِمِ‌بنِ عُبَيدٍ مُعنعنًا: عَنِ أَبِى‌عَبدِ اللهِ ﷺ أَنَّهُ قَرَأَ ﴿ **مَنْ جٰاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثٰالِهٰا** ﴾ فَإِذَا جَاءَ بِهَا مَعَ الوَلَايَةِ فَلَهُ عَشرُ أَمثَالِهَا، ﴿ **وَ مَنْ جٰاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّت وُجُوهُهُمْ فِى النّٰارِ**[1] ﴾ جَهَنَّمُ لَا يَخرُجُ مِنهَا وَ لَا يُخَفَّفُ عَنهَا العَذَابُ ﴿ **وَ مَنْ جٰاءَ بِالسَّيِّئَةِ** ﴾ مِن غَيرِهِم لَا يُجَازَى إِلَّا مِثلَهَا.

وَ سَأَلتُهُ عَن قَولِهِ: ﴿ **مَنْ جٰاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خيرٌ منها وَ هُم مِن فَزَعٍ يَومَئِذٍ امِنُونَ** ﴾ مَا هِىَ الحَسَنَةُ الَّتِى مَن جَاءَ بِهَا أَمِنَ مِن فَزَعِ يومَ القِيَامَةِ؟ قَالَ: الحَسَنَةُ وَلَايَتُنَا وَ حُبُّنَا ﴿ **و مَنْ جٰاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّت وُجُوهُهُم فِى النّٰارِ** ﴾ وَ لَم يُقبَل لَهُم عَمَلاً وَ لَا صِرفًا وَ لَا عِدلاً فَهُوَ بُغضُنَا أَهلَ البَيتِ هَل يُجزَونَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعمَلُونَ.

محمّدبن قاسم‌بن عبید روایت کرده است: امام جعفر صادق ﷺ آیهٔ «هر کس کار نیکی به جای آورد، برای او ده برابر آن است» را خواند و فرمود: با ولایت است که برای او ده برابر آن است. «و کسی که کار بدی به جای آورد به رو در آتش افکنده خواهد شد» جهنمی که هرگز از آن خارج نمی‌گردد به او از عذاب آن تخفیف داده نخواهد شد «و هر کس کار بدی به جای آورد» کسی جز آن کسان، تنها همانند کار بدش مجازات می‌شود. پرسیدم: آن کار نیکی که هر کس انجام دهد از هراس روز قیامت در امان است، چیست؟ فرمود: آن کار نیک ولایت و دوست داشتن ماست. «و هر کس بدی آورد چهره‌هایشان در آتش واژگون شود.» و هیچ‌گونه عملی از آنان پذیرفته نمی‌شود، آن کار بد، دشمنی

---

۱. نحل، ۹۰

کردن با ما اهل بیت است؛ آیا به چیزی جز کردارشان جزا داده می‌شوند؟

۱۲۳. عَن أَبی حَنِیفَةَ سَابِقِ الحَاجِّ قَالَ: سَمِعتُ عَبدَ اللهِبنِ الحَسَنِ یَقُولُ: ﴿ **وَ أَحَاطَت بِهِ خَطِیئَتُهُ** ﴾ قَالَ: الإِذَاعَةُ عَلَینَا حَدِیثَنَا ﴿ **وَ مَن جَاءَ بِالحَسَنَةِ** ﴾ حُبُّنَا أَهلَ البَیتِ وَ السَّیِّئَةُ بُغضُنَا أَهلَ البَیتِ.

ابی حنیفه سابق الحاج گفت: از عبدالله‌بن حسن شنیدم که می‌گفت: حضرت دربارهٔ کلام حق تعالی «گناهانشان آنان را احاطه کرد» فرمود: منظور افشا کردن حدیث ماست. و «هر کس کار نیکی به جای آورد» کار نیک، دوست داشتن ما اهل بیت و کار بد دشمنی کردن با ما اهل بیت است.

وَ مِن سُورَةِ الأَعرَافِ

(سورهٔ اعراف، آیهٔ ۴۰)

﴿ وَ لا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتّٰى يَلِجَ الْجَمَلُ في سَمِّ الْخِيٰاطِ ﴾

و وارد بهشت نمی‌شوند تا این‌که شتر در سوراخ سوزن درآید.

۱۲۴. عَنِ أَبی الطُّفَیلِ قَالَ: سَمِعتُ أَمِیرَ المُؤمِنینَ عَلِیَّ بنَ أَبی‌طالِبٍ عليه السلام یَقُولُ: لَقَد عَلِمَ المُستَحفَظُونَ مِن أَصحابِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله و عَائِشَةُ بِنتُ أَبی‌بَکرٍ أَنَّ أَصحَابَ الجَمَلِ وَ أَصحَابَ النَّهرَوَانِ مَلعُونُونَ عَلَی لِسَانِ النَّبِیِّ صلى الله عليه وآله وَ لَا یَدخُلُونَ الجَنَّةَ حَتَّی یَلِجَ الجَمَلُ فِی سَمِّ الخِیَاطِ.

ابی‌طفیل گفت: شنیدم امیرمؤمنان حضرت علی عليه السلام فرمود: حافظان احادیث پیامبر در میان اصحاب ایشان صلى الله عليه وآله و عایشه دختر ابوبکر می‌دانند که اصحاب جمل و اصحاب نهروان بر زبان پیامبر صلى الله عليه وآله مورد لعنت قرار گرفتند و وارد بهشت نمی‌شوند تا این‌که شتر در سوراخ سوزن درآید.

(سورهٔ اعراف، آیهٔ ۴۴)

﴿ وَ نٰادىٰ أَصْحٰابُ الْجَنَّةِ أَصْحٰابَ النّٰارِ أَنْ قَدْ وَجَدْنٰا مٰا وَعَدَنٰا

رَبُّنا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْتُمْ ما وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قالُوا نَعَمْ فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللهِ عَلَى الظّالِمِينَ ﴾

و اهل بهشت اهل جهنم را ندا دهند که «ما آن‌چه را پروردگارمان به ما وعده داده بود حق یافتیم؛ آیا شما [نیز] آن‌چه را پروردگارتان به شما وعده داده بود حق یافتید؟ گویند: آری.» در این هنگام بانگ زننده‌ای در میان آن‌ها بانگ می‌زند که «لعنت خدا بر ستمکاران باد».

۱۲۵. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ قالَ: إنَّ لِعَلِيِّ بنِ أَبی طالِبٍ ﷺ فِی كِتابِ اللهِ أَسماءً لا يَعرِفُها النّاسُ. قالَ: قُلنا: وَ ما هِیَ؟ قالَ: سَمّاهُ اللهُ فِی القُرآنِ مُؤَذِّنًا وَ أَذانًا، فَأَمّا قَولُهُ تَعالَى **﴿ فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللهِ عَلَى الظّالِمِينَ ﴾** فَهُوَ المُؤَذِّنُ بَینَهُم يَقولُ: أَلا لَعنَةُ اللهِ عَلَى الظّالِمینَ الَّذینَ كَذَّبُوا بِوَلايَتی وَ استَخَفُّوا بِحَقّی.

ابن عباس گفت: برای علی‌بن ابی‌طالب ﷺ در کتاب خدا نام‌هایی است که مردم نمی‌دانند. گفتیم: کدام نام‌ها؟ فرمود: خداوند در قرآن او را مؤذّن و اذان نامید، و اما منظور از کلام خداوند متعال در آیه «در این هنگام بانگ‌زننده‌ای در میان آن‌ها بانگ می‌زند که لعنت خدا بر ستمکاران باد» علی ﷺ است که بین ایشان مؤذن است و می‌فرماید: همانا لعنت خدا بر ستمکاران، همان کسانی که ولایت مرا تکذیب کردند و حق مرا سبک شمردند.

۱۲۶. فُراتُ قالَ: حَدَّثَنِی الحُسَینُ بنُ سَعیدٍ مُعَنعَنًا: عَنِ أَبی جَعفَرٍ ﷺ قالَ: ما أَحَدٌ فِی التَوراةِ وَ لا فِی الإنجیلِ وَ لا فِی الزَّبُورِ إلّا عِندَنا اسمُهُ وَ اسمُ أَبیهِ وَ إنَّ فِی التَوراةِ مَكتُوبٌ: أَلا لَعنَةُ اللهِ عَلَى الظّالِمِینَ.

فرات گفت: حسین‌بن سعید روایت کرده است: امام محمّد باقر ﷺ فرمود: در تورات و انجیل و زبور احدی نیست مگر آن‌که اسم او و پدرش نزد ماست و در تورات نوشته شده: «لعنت خدا بر ستمکاران باد.»

فُراتُ قالَ: حَدَّثَنِی الحَسَنُ بنُ عَلِیِّ بنِ بَزیعٍ مُعَنعَنًا: عَنِ أَبی جَعفَرٍ ﷺ قالَ: **﴿ فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ**

بَیْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللهِ عَلَی الظّالِمِینَ﴾ عَلِیُّ بنُ أَبی طالِبٍ عليه السلام.

فرات گفت: حسن‌بن علی‌بن بزیع روایت کرده است: امام محمّد باقر عليه السلام فرمود: «در این هنگام بانگ‌زننده‌ای در میان آنها بانگ می‌زند.» منظور، علی‌بن ابی طالب عليه السلام است.

(سورهٔ اعراف، آیهٔ ۴۶)

﴿وَ بَیْنَهُما حِجابٌ وَ عَلَی الْأَعْرافِ رِجالٌ یَعْرِفُونَ کُلاًّ بِسِیماهُمْ﴾

و بر اعراف (بلندی‌های آن حایل) مردانی هستند که همه را به سیمایشان می‌شناسند.

عَنِ الأَصبَغِ‌بنِ نُباتَةَ قالَ: کُنتُ جالِسًا عِندَ أَمیرِالمُؤمِنینَ عَلِیِّ‌بنِ أَبی‌طالِبٍ عليه السلام فَجاءَهُ ابنُ الکَوّاءِ فَقالَ: یاأَمیرَ المُؤمِنینَ أَخبِرنی عَن قَولِ اللهِ تَعالَی ـ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿لَیْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُیُوتَ مِنْ ظُهُورِها وَ لٰکِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقیٰ وَ أْتُوا الْبُیُوتَ مِنْ أَبْوابِها[1]﴾ فَقالَ لَهُ أَمیرُ المُؤمِنینَ: نَحنُ البُیوتُ الَّتی أَمَرَ اللهُ أَن تُؤتَی مِن أَبوابِها، وَ نَحنُ بابُ اللهِ وَ بُیوتُهُ الَّتی یُؤتَی مِنهُ. فَمَن یَأتِینا وَ امَنَ بِوَلایَتِنا فَقَد أَتَی البُیوتَ مِن أَبوابِها، وَ مَن خالَفَنا وَ فَضَّلَ عَلَینا غَیرَنا فَقَد أَتَی البُیوتَ مِن ظُهورِها.

اصبغ‌بن نباته گفت: نزد امیرمؤمنان حضرت علی عليه السلام نشسته بودم که ابن کَوّاء وارد شد و عرض کرد: ای امیرمؤمنان! مرا از کلام خداوند عزّوجلّ باخبر ساز: «نیکی آن نیست که از پشت خانه‌ها وارد آن‌ها شوید، بلکه نیکی آن است که کسی پرهیزکار باشد و از درِ خانه‌ها وارد آن‌ها شوید.»

امیرمؤمنان عليه السلام فرمود: ما خانه‌هایی هستیم که خداوند امر فرمود تا از درهای آن وارد شوید و ما باب الله و خانه‌های خداوند هستیم که از آنجا وارد می‌شوند. پس کسی که به سوی ما آید و به ولایت ما ایمان آورد، از درها وارد خانه‌ها شده است و کسی که با ما مخالفت نماید و دیگران را بر ما برتری دهد،

---

۱. بقره، ۱۸۹

از پشت خانه‌ها وارد آن‌ها شده است.

فَقالَ: یا أَمیرَالمُؤمِنینَ ﴿ وَ عَلَى الْأَعْرافِ رِجالٌ یَعْرِفُونَ كُلاً بِسِیماهُمْ ﴾؟ فَقالَ: نَحنُ الأَعرافُ، نَعرِفُ أَنصارَنا بِأَسمائِهِم، وَ نَحنُ الأَعرافُ الَّذینَ لا یُعرَفُ اللهُ إِلّا بِسَبیلِ مَعرِفَتِنا، وَ نَحنُ الأَعرافُ نُوقَفُ یومَ القِیامَةِ بینَ الجَنَّةِ وَ النّارِ فَلا یَدخُلُ الجَنَّةَ إِلّا مَن عَرَفَنا وَ عَرَفناهُ، وَ لا یَدخُلُ النّارَ إِلّا مَن أَنكَرَنا وَ أَنكَرناهُ، رِزقٌ مِنَ اللهِ، لَو شاءَ عَرَفَ النّاسُ نَفسَهُ حَتّى یَعرِفُوا حَدَّهُ وَ یَأتُوهُ مِن بابِهِ، وَلكِنّا جَعَلَنا أَبوابَهُ وَ صِراطَهُ وَ سَبیلَهُ وَ بابَهُ الَّذی یُؤتَى مِنهُ.

عرض کرد «و بر اعراف مردانی هستند که همه را به سیمایشان می‌شناسند» چه؟ فرمود: ما اعراف هستیم که یارانمان را به نام‌هایشان می‌شناسیم و ما اعراف هستیم که خداوند تنها از راه ما شناخته می‌شود و ما اعراف هستیم که در روز قیامت میان بهشت و جهنم می‌ایستیم و تنها کسی وارد بهشت می‌شود که ما را بشناسد و ما او را بشناسیم و تنها کسی وارد جهنم می‌شود که ما را نشناسد و ما او را نشناسیم. این رزقی از جانب خداوند است، اگر می‌خواست مردم او را می‌شناختند و حدّ او را می‌دانستند و از درش وارد می‌شدند؛ امّا ما را ابواب خویش و راه و طریق خود و دری که از آن به سویش وارد می‌شوند، قرار داد.

قالَ: فَمَن عَدَلَ عَن وَلایَتِنا وَ فَضَّلَ عَلَینا غَیرَنا فَإِنَّهُم ﴿ عَنِ الصِراطِ لَنَاكِبُونَ[1] ﴾ فَلا سَواءٌ مَا اعتَصَمَ بِهِ المُعتَصِمُونَ، وَ لا سَواءٌ ما اعتَصَمَ بِهِ النّاسُ، وَ لا سَواءٌ حَیثُ ذَهَبَ مَن ذَهَبَ فَإِنَّما ذَهَبَ النّاسُ إِلى عُیُونٍ كَدِرَةٍ یُفرَغُ بَعضُها فی بَعضٍ، وَ ذَهَبَ مَن ذَهَبَ إِلَینا إِلى عُیُونٍ صافِیَةٍ تَجری عَلَیهِم بِإِذنِ اللهِ تَعالى لا انقِطاعَ لَها وَ لا نَفادَ.

فرمود: هر که از ولایت ما روی گرداند و غیر ما را بر ما برتری دهد، آنان «از راه راست منحرف‌اند»؛ آن‌چه که پناه آورندگان به آن چنگ می‌اندازند، همه یکسان نیست و آن‌چه که مردم به آن چنگ می‌اندازند، همه یکسان نیست

---

۱. مؤمنون، ۷۴

و چنین نیست که هر که به هر کجا رفت یکسان باشد، بلکه مردم سوی چشمه‌هایی گل‌آلود رفته‌اند که یکی در دیگری می‌ریزد؛ امّا آنان که سوی ما آمده‌اند، سوی چشمه‌هایی زلال آمده‌اند که به اذن خداوند متعال بی‌هیچ گسست و پایانی بر ایشان جاری‌اند.

۱۲۷. عَن حَبَّةَ العُرَنِیِّ أَنَّ ابنَ الکَوَّاءِ أَتی عَلِیًّا فَقالَ: یا أَمیرَ المُؤمِنینَ ما آیَتانِ فی کِتابِ اللهِ تَعالَی قَد أَعیَتانی وَ شَکَّکَتانی فی دینی. قالَ: وَ ما هُما؟ قالَ: قَولُ اللهِ تَعالَی ﴿ **وَ عَلَی الْأَعْرافِ رِجالٌ یَعْرِفُونَ کُلاًّ بِسیماهُمْ** ﴾. قالَ: وَ ما عَرَفتَ هٰذِهِ إِلَی السّاعَةِ؟ قالَ: لا. قالَ: نَحنُ الأَعرافُ مَن عَرَفَنا دَخَلَ الجَنَّةَ وَ مَن أَنکَرَنا دَخَلَ النّارَ.

حبه عرنی گفت: ابن کوّاء خدمت امام علی علیه السلام آمد و عرض کرد: ای امیرمؤمنان! این دو آیه در کتاب خداوند متعال چیست که مرا در دینم سرگشته کرده و به تردید درانداخته است؟ امام فرمود: کدام آیه‌ها؟ عرض کرد: کلام خداوند متعال: «و بر اعراف مردانی هستند که همه را به سیمایشان می‌شناسند»؟ فرمود: تاکنون معنی آن را نفهمیده‌ای؟ عرض کرد: نه. فرمود: اعراف ما هستیم، هر که ما را بشناسد، وارد بهشت می‌شود و هر که ما را انکار کند، وارد جهنم می‌گردد.

قالَ: وَ قَولُهُ: ﴿ **وَ الطَّیْرُ صافّاتٍ کُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلاتَهُ وَ تَسْبیحَهُ**[1] ﴾ قالَ: وَ ما عَرَفتَ هٰذِهِ إِلَی السّاعَةِ؟ قالَ: لا. قالَ: إِنَّ اللهَ خَلَقَ مَلائِکَةً عَلی صُوَرٍ شَتّی فَمِنهُم مَن صَوَّرَهُ عَلی صُورَةِ الأَسَدِ، وَ مِنهُم مَن صَوَّرَهُ عَلی صُورَةِ نَسرٍ، وَ لِلّهِ مَلَکٌ عَلی صُورَةِ دیکٍ بَراثِنُهُ تَحتَ الأَرضِ السّابِعَةِ السُّفلی وَ عُرفُهُ مَثنِیٌّ تَحتَ العَرشِ نِصفُهُ مِن نارٍ وَ نِصفُهُ مِن ثَلجٍ، فَلا الَّذی مِنَ النّارِ یُذیبُ الَّذی مِنَ الثَّلجِ وَ لا الَّذی مِنَ الثَّلجِ یُطفِئُ الَّذی مِنَ النّارِ، فَإِذا کانَ کُلُّ سَحَرٍ خَفَقَ بِجَناحَیهِ وَ صاحَ سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ المَلائِکَةِ وَ الرُّوحِ، مُحَمَّدٌ خَیرُ البَشَرِ وَ عَلِیٌّ خَیرُ الوَصِیّینَ فَصاحَتِ الدِّیَکَةُ.

عرض کرد: و کلام حق تعالی «و پرندگان بال گشاده خدای را تسبیح می‌گویند،

---

۱. نور، ۴۱

هر یک نماز و تسبیح خود را می‌داند» چه؟ فرمود: معنی آن را نیز تا کنون نفهمیده‌ای؟ عرض کرد: خیر. فرمود: خداوند فرشتگان را بر صورت‌های گوناگونی آفرید، برخی از آنان را صورت شیر بخشید و برخی را صورت عقاب بخشید. خداوند فرشته‌ای بر صورت خروس دارد که چنگال‌هایش به زیر زمین زیرین هفتم است و تاجش به زیر عرش دو نیم شده است؛ نیمی از آتش و نیمی از برف که نه آن‌که از آتش است، آن برفی را آب می‌کند و نه آن‌که از برف است، آن آتشی را خاموش می‌کند. به هنگام هر سحرگاه او بال می‌زند و بانگ برمی‌آورد که پاک و مقدّس است پروردگار فرشتگان و روح، محمّد ﷺ برترین آدمی است و علی ؑ برترین اوصیاست. آن‌گاه دیگر خروس‌ها نیز بانگ برمی‌آورند.

۱۲۸. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ فِی قَولِهِ تَعالَی: ﴿وَ عَلَى الْأَعْرافِ رِجالٌ يَعْرِفُونَ كُلاًّ بِسِيماهُمْ﴾ قالَ: النَّبِیُّ ﷺ وَ عَلِیُّ بنُ أَبِی‌طالِبٍ وَ فاطِمَةُ وَ الحَسَنُ وَ الحُسَینُ ؑ عَلَى سُورِ الجَنَّةِ وَ النّارِ یَعرِفُونَ المُحِبِّینَ لَهُم بِبَیاضِ الوُجُوهِ وَ المُبغِضِینَ لَهُم بِسَوادِ الوُجُوهِ.

ابن عباس دربارهٔ کلام خداوند متعال «و بر اعراف مردانی هستند که همگی را با سیمایشان می‌شناسند» گفت: ایشان پیامبر ﷺ و علی ؑ و فاطمه و حسن و حسین ؑ هستند که بر دیوار میان بهشت و جهنّم دوستداران خویش را از سپیدی چهره‌هایشان و کینه‌توزان خویش را از سیاهی چهره‌هایشان می‌شناسند.

(سورهٔ اعراف، آیهٔ ۱۴۵)

﴿وَ كَتَبْنا لَهُ فِي الْأَلْواحِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ﴾

و برای او (موسی) در آن لوح‌ها از هر چیزی نگاشتیم.

۱۲۹. عَلِیُّ بنُ أَحمَدَبنِ عَتّابٍ مُعَنعَنًا: عَن أَبِی جَعفَرٍ عَن أَبِیهِ ؑ قالَ: ما بَعَثَ اللهُ نَبِیًّا إِلّا أَعطاهُ مِنَ العِلمِ بَعضَهُ ما خَلا النَّبِیَّ ﷺ فَإِنَّهُ أَعطاهُ مِنَ العِلمِ کُلَّهُ فَقالَ: ﴿تِبیانًا لِکُلِّ شَیءٍ[1]﴾

---

۱. نحل، ۸۹.

و قالَ: ﴿ وَ كَتَبْنا لَهُ فِي الْأَلْواحِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ ﴾ وَ قالَ: ﴿ الَّذى عِندَهُ عِلمٌ مِنَ الكِتَابِ[1] ﴾ وَلَم يُخبِر أَنَّ عِندَهُ عِلمَ الكِتابِ وَ مَن لايَقَعُ مِنَ اللهِ عَلَى الجَمِيعِ وَ قالَ مُحَمَّدٍ ﷺ: ﴿ ثُمَّ اَورَثْنَا الكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا[2] ﴾ فَهذَا الكُلُّ وَ نَحنُ المُصطَفَونَ، وَ قالَ النَّبِيُّ ﷺ: ﴿ رَبِّ زدني علمًا ﴾ فَهِيَ الزِّيادَةُ الَّتِى عِندَنا مِنَ العِلمِ الَّذِى لَم يَكُن عِندَ أَحَدٍ مِنَ الأَوصِيَاءِ وَ الأَنبياءِ وَ لا ذُرِّيَّةِ الأَنبِيَاءِ غَيرِنَا، فَبِهَذَا العِلمِ عَلِمنَا البَلايَا وَ المَنَايَا وَفَصلَ الخِطَابِ.

علی بن احمد بن عتاب روایت کرده است: امام محمّد باقر علیه‌السلام از پدر بزرگوارشان علیه‌السلام نقل فرمود: خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرد مگر آن‌که بخشی از علم را به او عطا فرمود؛ به‌جز پیامبر ﷺ که از علم، تمامی آن را به ایشان عطا کرد و فرمود: «بیان کننده هر چیزی است». خداوند فرمود: «و برای او (موسی) در آن لوح‌ها از هر چیزی نگاشتیم»، و فرمود: «کسی که نزد او دانشی از علم کتاب بود» و حال آن‌که چنین خبر نداد که نزد او تمامی علم کتاب بود و کسی از سوی خدا بر تمام دست نیافت، امّا دربارهٔ حضرت محمّد ﷺ فرمود: «سپس این کتاب را به آن کسانی از بندگانمان که برگزیدیم، به میراث دادیم» و این تمامی آن بود و ما برگزیدگان هستیم، پیامبر ﷺ فرمود: «پروردگارا! مرا از علم بیفزا» و این همان افزوده‌ای است که از علم نزد ماست، علمی که نزد هیچ‌یک از اوصیا و پیامبران و یا فرزندان پیامبران جز ما نیست و ما از این علم بلاها و مرگ‌ها و فصل الخطاب را دانستیم.

(سورهٔ اعراف، آیهٔ ۱۷۲)

﴿ وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَ لَسْتُ بِرَبِّكُمْ ﴾

---

۱. نمل، ۴۰ ۲. فاطر، ۳۲

و [به یاد آور] هنگامی را که پروردگارت از پشت فرزندان آدم، ذرّیه
آن‌ها را برگرفت و آنان را بر خودشان گواه ساخت که آیا [من]
پروردگار شما نیستم؟

۱۳۰. فُرَاتُ قَالَ: حَدَّثَنا عَلِیُّ بنُ عَتَّابٍ مُعَنعَنًا: عَنِ أَبِی جَعفَرٍ ﷺ قَالَ: لَو أَنَّ الجُهَّالَ مِن هَذِهِ الأُمَّةِ یَعرِفُونَ مَتَی سُمِّیَ أَمِیرَ المُؤمِنِینَ لَم یُنکِرُوا، إِنَّ اللهَ تَبارَکَ وَ تَعالَی حِینَ أَخَذَ مِیثَاقَ ذُرِّیَّةِ آدَمَ ﷺ وَ ذَلِکَ فِیمَا أَنزَلَ اللهُ عَلَی مُحَمَّدٍ ﷺ فِی کِتَابِهِ، قَالَ اللهُ فَنَزَلَ بِهِ جَبرَئِیلُ ﷺ کَمَا قَرَأنَاهُ یَا جَابِرُ أَلَم تَسمَعِ اللهَ یَقُولُ فِی کِتَابِهِ: ﴿وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلىٰ أَنْفُسِهِمْ أَ لَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلىٰ﴾ وَ إِنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللهِ وَ إِنَّ عَلیًّا أَمیرُ المُؤمنینَ. فَوَاللهِ لَسَمَّاهُ اللهُ تَعَالَی أَمِیرَ المُؤمِنِینَ فِی الأَظِلَّةِ حَیثُ أَخَذَ مِن ذُرِّیَّةِ آدَمَ مِیثَاقَ.

فرات گفت: علی‌بن عتاب روایت کرده است: امام محمّد باقر ﷺ فرمود: اگر نادانان این امّت می‌دانستند چه هنگام حضرت علی ﷺ امیرمؤمنان نام گرفت، او را انکار نمی‌کردند؛ زیرا خداوند تبارک و تعالی از فرزندان آدم پیمان گرفت، و این در آن‌چه خداوند بر محمّد ﷺ در کتابش نازل کرده، آمده است، خداوند چنین فرمود و جبرئیل آن را نازل کرد؛ همچنان‌که خود خوانده‌ایم ای جابر! آیا نشنیده‌ای که خداوند متعال در کتابش می‌فرماید: «هنگامی راکه پروردگارت از پشت فرزندان آدم، ذریّه آنها را برگرفت و آنان را بر خودشان گواه ساخت که آیا من پروردگار شما نیستم؟» گفتند: آری. و این‌که محمّد ﷺ رسول خداست و علی ﷺ امیرمؤمنان است. پس به خدا سوگند خداوند متعال در عالم اظلّه به آن هنگام که از فرزندان آدم پیمان گرفت، او را امیرمؤمنان نام نهاد.

۱۳۱. عَنِ أَبِی خَدِیجَةَ قَالَ: قَالَ مُحَمَّدُبنُ عَلِیٍّ ﷺ: لَو عَلِمَ النَّاسُ مَتَی سُمِّیَ عَلِیٌّ أَمِیرَ المُؤمِنِینَ مَا اختَلَفَ فِیهِ اثنَانَ. قَالَ: قُلتُ: مَتَی؟ قَالَ: فَقَالَ لِی: فِی الأَظِلَّةِ حِینَ

أَخَذَ اللهُ المِيثَاقَ مِن بَنِی آدمَ مِن ظُهُورِهِم ذُرِّيَّتَهُم وَ أَشهَدَهُم عَلَی أَنفُسِهِم أَلَستُ بِرَبِّكُم؟ قَالُوا: بَلَی. مُحَمَّدٌ نَبِيُّكُم عَلِيٌّ أَمِيرُ المُؤمِنِينَ وَلِيُّكُم.

ابی خدیجه گفت: امام محمّد باقر علیه السلام فرمود: اگر مردم می‌دانستند چه هنگام حضرت علی علیه السلام امیرمؤمنان نام گرفت، هیچ دو نفری دربارهٔ او اختلاف پیدا نمی‌کردند. عرض کردم: چه هنگام؟ فرمود: در عالم اظلّه، هنگامی که خداوند از فرزندان آدم، در پشت ایشان، پیمان گرفت و آنان را بر خودشان گواه ساخت که آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: آری. و محمّد صلی الله علیه و آله پیامبر شماست و علی علیه السلام امیرمؤمنان ولیّ شماست.

۱۳۲. فُرَاتٌ قَالَ: حَدَّثَنَا إِسمَاعِيلُ بنُ إِسحَاقَ بنِ إِبرَاهِيمَ الفَارِسِيُّ مُعَنعَنًا: عَنِ أَبِی جَعفَرٍ مُحَمَّدِبنِ عَلِيٍّ علیهما السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله: يَا عَلِيُّ قَالَ: لَبَّيكَ! قَالَ لَهُ أَتَی الشَّيطَانُ الوَادِیَ فَأْتِ الوَادِیَ فَانظُر مَن فِيهِ فَأَتَی الوَادِیَ فَدَارَ فِيهِ فَلَم يَرَ أَحَدًا حَتَّی إِذَا صَارَ عَلَی بَابِهِ لَقِیَ شَيخًا فَقَالَ: مَا تَصنَعُ هُنَا؟ قَالَ: أَرسَلَنِی رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: تَعرِفُنِی؟ قَالَ: يَنبَغِی أَن تَكُونَ أَنتَ هُوَ يَا مَلعُونُ قَالَ: نَعَم قَالَ: فَمَا بُدٌّ مِن أَن أُصَارِعَكَ. قَالَ: لَا بُدَّ مِنهُ، فَصَارَعَهُ فَصَرَعَهُ عَلِيٌّ علیه السلام قَالَ: قُم عَنِّی يَا عَلِيُّ حَتَّی أُبَشِّرَكَ، فَقَامَ عَنهُ فَقَالَ: بِمَ تُبَشِّرُنِی يَا مَلعُونُ؟ قَالَ: إِذَا كَانَ يَومُ القِيَامَةِ صَارَ الحَسَنُ عَن يَمِينِ العَرشِ وَ الحُسَينُ عَن يَسَارِ العَرشِ يُعطُونَ شِيعَتَهُم الجَوَائِزَ مِنَ النَّارِ.

فرات گفت: اسماعیل بن اسحاق بن ابراهیم فارسی روایت کرده است: امام محمّد باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای علی! ایشان فرمود: گوش به فرمانم. فرمود: شیطان به این صحرا می‌آید؛ سوی این صحرا برو و بنگر تا چه کسی آنجاست. حضرت علی علیه السلام به صحرا رفت و چرخی زد، امّا هیچ کس را ندید. چون سوی خانه راهی شد، پیرمردی را دید که به ایشان عرض کرد: اینجا چه می‌کنی؟ فرمود: مرا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرستاده است. عرض کرد: مرا می‌شناسی؟ فرمود: بایست تو همان ملعون باشی. عرض کرد: آری. فرمود: باید با تو مبارزه کنم. عرض کرد: گریزی نیست. حضرت با او مبارزه کرد و بر

زمینش زد. عرض کرد: ای علی! برخیز تا تو را مژده‌ای بدهم. حضرت برخاست و فرمود: چه مژده‌ای ای ملعون؟! عرض کرد: چون روز قیامت فرارسد، حسن علیه السلام بر سمت راست عرش و حسین علیه السلام بر سمت چپ عرش می‌ایستند و به شیعیان خویش امان‌نامه جهنّم می‌دهند.

قالَ: فَقامَ إلَيهِ فَقالَ: أُصارِعُكَ مَرَّةً أُخرى، قالَ: نَعم، فَصَرَعَهُ أَميرُالمؤمنينَ علیه السلام. قالَ: قُم عَنِّى حَتّى أُبَشِّرَكَ فَقامَ عَنهُ فَقالَ: لَمّا خَلَقَ اللهُ آدَمَ عَلَيهِ الصَّلاةُ وَ السَّلامُ أَخرَجَ ذُرِّيَّتَه مِن ظَهرِهِ مِثلَ الذَّرِّ، قالَ: فَأَخَذَ مِيثاقَهُم فَقالَ: أَلَستُ بِرَبِّكُم؟ قالُوا بَلى. قالَ: فَأَشهَدَهُم عَلى أَنفُسِهِم فَأَخَذَ مِيثاقَ مُحَمَّدٍ وَ مِيثاقَكَ فَعَرَّفَ وَجهَكَ الوُجُوهَ وَ رُوحَكَ الأَرواحَ، فَلا يَقُولُ لَكَ أَحَدٌ أُحِبُّكَ إلّا عَرَفتَهُ، وَ لا يَقُولُ لَكَ أَحَدٌ أُبغِضُكَ إلّا عَرَفتَهُ.

حضرت سوی او رفت و فرمود: باری دیگر با تو مبارزه می‌کنم. امیرمؤمنان بر زمینش زد. عرض کرد: برخیز تا تو را مژده‌ای دهم. از رویش برخاست. عرض کرد: چون خداوند آدم علیه السلام را آفرید، ذریّه‌اش را همچون ذرّات از پشتش خارج کرد و از آنان پیمان گرفت و فرمود: آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: آری. پس خداوند آنان را بر خودشان گواه ساخت و دربارهٔ محمّد صلی الله علیه و آله از آنان پیمان گرفت و دربارهٔ تو از آنان پیمان گرفت و چهره‌ها را به چهرهٔ تو و روح‌ها را به روح تو شناسانید. پس هیچ کس به تو نمی‌گوید دوستت دارم جز آن‌که تو او را می‌شناسی و هیچ کس به تو نمی‌گوید با تو دشمنم جز آن‌که تو او را می‌شناسی.

قالَ: قُم صارِعنِى، قالَ: ثالِثَةً؟ قالَ: نَعَم، فَصارَعَهُ فَأَعرَقَهُ ثُمَّ صَرَعَهُ أَميرُالمُؤمِنينَ علیه السلام، فَقالَ: يا عَلِيُّ لا تُبغِضنِى قُم عَنِّى حَتّى أُبَشِّرَكَ، قالَ: بَلى وَ أَبرَءُ مِنكَ وَ أَلعَنُكَ، قالَ: وَ اللهِ يابنَ أَبى طالِبٍ ما أَحَدٌ يُبغِضُكَ إلّا أَشرَكتُ فِى رَحِمِ أُمِّهِ وَ فِى وَلَدِهِ فَقالَ لَهُ: أَمّا قَرَأتَ كِتابَ اللهِ: ﴿ **وَ شارِكْهُمْ فِي الْأَمْوالِ وَ الْأَوْلادِ وَ عِدْهُمْ وَ ما يَعِدُهُمُ الشَّيْطانُ إِلاَّ غُرُوراً**[1] ﴾.

حضرت فرمود: برخیز و مبارزه کن. عرض کرد: برای بار سوم؟ فرمود: آری.

---

۱. الاسراء، ۶۴

پذیرفت و عرق از او به راه افتاد و سپس امیرمؤمنان بر زمینش زد. عرض کرد: ای علی! با من دشمنی مکن، برخیز تا تو را مژده‌ای دهم. فرمود: چیست ای کسی که از تو بیزارم و لعنت بر تو! عرض کرد: ای پسر ابی‌طالب! به خدا سوگند هیچ کس با تو دشمنی نمی‌کند جز آن‌که در رحم مادرش و با پدرش شریک شده‌ام، مگر در کتاب خدا نخوانده‌ای: «و در اموال و فرزندان با آنها شریک شو، و به آنان وعده بده و شیطان آنان را جز به فریب وعده نمی‌دهد.»

۱۳۳. فُرَاتُ قَالَ: حَدَّثَنِی مُحَمَّدُبنُ القَاسِمِ مُعنعَنًا: عَنِ أَبِی‌عَبدِ اللهِ علیه‌السلام قَولُهُ تَعالَی: ﴿ **وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلىٰ أَنْفُسِهِمْ أَ لَسْتُ بِرَبِّكُمْ قالُوا بَلىٰ** ﴾ إِلَی آخِرِ الآیَةِ قَالَ: أَخرَجَ اللهُ مِن ظَهرِ آدَمَ ذُرِّیَّتَهُ إِلَی یَوم القِیَامَةِ فَخَرَجُوا کَالذَّرِّ فَعَرَّفَهُم نَفسَهُ وَ أَرَاهُم نَفسَهُ، وَ لَولَا ذَلِكَ لَم یَعرِف أَحَدٌ رَبَّهُ قَالَ: أَلَستُ بِرَبِّکُم؟ قَالُوا: بَلَی. قَالَ: فَإِنَّ مُحَمَّدًا صلی‌الله‌علیه‌وآله عَبدِی وَ رَسُولِی وَ إِنَّ عَلِیًّا أَمِیرَ المُؤمِنِینَ خَلِیفَتِی وَ أَمِینِی. وَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله: کُلُّ مَولُودٍ یُولَدُ عَلَی المَعرِفَةِ إِنَّ اللهَ تَعَالَی خَالِقُهُ وَ ذَلِكَ قَولُهُ تَعَالَی: ﴿ **وَلَئِنْ سَأَلْتَهُم مَن خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللهُ**[1] ﴾.

فرات گفت: محمّدبن قاسم روایت کرده است: امام جعفر صادق علیه‌السلام دربارهٔ کلام خداوند متعال «و [به یاد آور] هنگامی را که پروردگارت از پشت فرزندان آدم، ذریّه آنها را برگرفت و آنان را بر خودشان گواه ساخت که آیا [من] پروردگار شما نیستم؟» فرمود: خداوند از پشت آدم ذریّه‌اش را تا روز قیامت بیرون آورد و آنان چون ذرّات بیرون آمدند و او خود را به آنان شناسانید و خود را به آنان و اگر چنین نبود، هیچ کس پروردگارش را نمی‌شناخت فرمود:: آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: آری. فرمود: پس همانا محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله بندهٔ من و رسول من است و علی امیرمؤمنان علیه‌السلام، خلیفه من و امین من است. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: هر نوزادی بر این شناخت زاده

---

۱. زخرف، ۸۷

می‌شود که خداوند متعال آفرینندهٔ اوست و این کلام حق تعالی است: «و اگر از آنها بپرسی چه کسی ایشان را آفریده، می‌گویند: خدا.»

۱۳۴. عَنِ مِنهَالِبنِ عَمرٍو قَالَ: دَخَلنَا عَلَى عَلِيِّبنِ الحُسَينِبنِ عَلِيٍّ ﷺ بَعدَ مَا قُتِلَ الحُسَينُ ﷺ فَقُلتُ لَهُ: كَيفَ أَمسَيتَ؟ قَالَ: وَيحَكَ يَا مِنهَالُ أَمسَينَا كَهَيئَةِ آلِ مُوسَى فِي آلِ فِرعَونَ يُذَبِّحُونَ أَبنَاءَهُم وَ يَستَحيُونَ نِسَاءَهُم، أَمسَتِ العَرَبُ تَفتَخِرُ عَلَى العَجَمِ بِأَنَّ مُحَمَّدًا مِنهَا وَ أَمسَت قُرَيشٌ تَفتَخِرُ عَلَى العَرَبِ بِأَنَّ مُحَمَّدًا مِنهَا وَ أَمسَى آلُ مُحَمَّدٍ ـ عَلَيهِمُ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ وَ التَّحِيَّةُ وَ الإِكرَامُ وَ رَحمَةُ اللهِ وَ بَرَكَاتُهُ ـ مَخذُولِينَ مَقهُورِينَ مَقبُورِينَ، فَإِلَى اللهِ نَشكُو غِيبَةَ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ ﷺ وَ تَظَاهُرَ الأَعدَاءِ عَلَينَا.

منهال‌بن عمرو گفت: پس از آن‌که امام حسین ﷺ به شهادت رسید، بر امام سجاد ﷺ وارد شدیم و من به ایشان عرض کردم: چگونه شب را گذرانده‌اید؟ فرمود: وای بر تو ای منهال! همچون خاندان موسی در میان خاندان فرعون که فرزندان ایشان را سر می‌بریدند و زنانشان را زنده نگه می‌داشتند، شب را عرب در حالی سپری کرد که بر عجم می‌بالید و می‌گفت محمّد ﷺ از اوست و قریش شب را در حالی سپری کرد که بر عرب می‌بالید و می‌گفت محمّد ﷺ از آنان است و خاندان محمّد که سلام و صلوات و درود و ارج و رحمت و برکات خداوند بر ایشان باد، در حالی شب را سپری کردند که بی‌کس واگذاشته شده بودند و غم‌زده بودند و به خاک سپرده شده بودند، پس به سوی خدا از نبود پیامبرمان محمّد ﷺ و از همدستی دشمنان علیه ما شکوه می‌کنیم.

وَ مِن سُورَةِ الأَنفَالِ

(سورهٔ انفال، آیهٔ ۱)

﴿ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ * يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفٰالِ قُلِ الْأَنْفٰالُ لِلّٰهِ وَ الرَّسُولِ ﴾

به نام خداوند بخشاینده مهربان * از تو دربارهٔ انفال سؤال می‌کنند. بگو انفال از آنِ خدا و پیامبر است.

۱۳۵. أَبَانُ بنُ تَغلِبَ قَالَ: سَأَلتُ جَعفَرَبنَ مُحَمَّدٍ عليه‌السلام عَن قَولِ اللهِ تَعَالَى: **﴿ يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفٰالِ قُلِ الْأَنْفٰالُ لِلّٰهِ وَ الرَّسُولِ ﴾** فِيمَن نَزَلَت؟ قَالَ: فِينَا وَاللهِ نَزَلَت خَاصَّةً مَا شَرِكَنَا فِيهَا أَحَدٌ.

قُلتُ: فَإِنَّ أَبَا الجَارُودِ رَوَى عَن زَيدِبنِ عَلِيٍّ أَنَّهُ قَالَ: الخُمسُ لَنَا مَا احتَجنَا إِلَيهِ فَإِذَا استَغنَينَا عَنهُ فَلَيسَ لَنَا أَن نَبنِيَ الدُّورَ وَ القُصُورَ. قَالَ: فَهُوَ كَمَا قَالَ زَيدٌ وَ قَالَ: إِنَّمَا سَأَلتَ عَنِ الأَنفَالِ فَهِيَ لَنَا خَاصَّةً.

ابان‌بن تغلب گفت: از امام جعفر صادق علیه‌السلام پرسیدم: این آیه دربارهٔ چه کسی نازل شده است؟ ایشان فرمود: به خدا سوگند مخصوص ما خاندان پیامبر و احدی در آن با ما شریک نیست. عرض کردم: اباجارود از زیدبن علی روایت

کرد که وی گفت: خمس برای ما اهل بیت است تا زمانی‌که به آن نیازمندیم و هنگامی‌که از آن بی‌نیاز شدیم، در پی آن نیستیم که خانه‌ها و قصرها بنا کنیم. امام فرمود: همان‌طور است که زید گفته، و از انفال پرسیدی، بدان که مخصوص ما خاندان [اهل بیت] است.

(سورهٔ انفال، آیهٔ ۱۱)

﴿ وَ يُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمٰاءِ مٰاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَ يُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطٰانِ وَ لِيَرْبِطَ عَلىٰ قُلُوبِكُمْ وَ يُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدٰامَ ﴾

و از آسمان آبی بر شما فرو ریزانید تا شما را با آن پاک گرداند و وسوسهٔ شیطان را از شما بزداید و دل‌هایتان را محکم سازد و گام‌هایتان را بدان استوار سازد.

۱۳۶. جَعفَرُبنُ مُحَمَّدٍ الفَزارِيُّ مُعَنعَنًا: عَن أَبي‌جَعفَرٍ عليه السلام فِي قَولِهِ: ﴿ وَ يُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمٰاءِ مٰاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَ يُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطٰانِ وَ لِيَرْبِطَ عَلىٰ قُلُوبِكُمْ وَ يُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدٰامَ ﴾ قالَ: أَمّا قَولُهُ: ﴿ وَ يُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمٰاءِ مٰاءً ﴾ فَإِنَّ السَّماءَ فِي البَطنِ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله وَ الماءَ أَميرُ المُؤمِنينَ عَلِيُّ بنُ أَبي‌طالِبٍ عليه السلام جَعَلَ عَلِيًّا مِن رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله فَذَلِكَ قَولُهُ: ﴿ وَ يُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمٰاءِ مٰاءً ﴾ وَ أَمّا قَولُهُ: ﴿ لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ ﴾ فَذَلِكَ عَلِيُّ بنُ أَبي‌طالِبٍ عليه السلام يُطَهِّرُ اللهُ بِهِ قَلبَ مَن وَالاهُ فَذَلِكَ قَولُهُ ﴿ لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ ﴾ وَ أَمّا قَولُهُ ﴿ وَ يُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطٰانِ ﴾ فَإِنَّهُ يَعني مَن وَالى عَلِيَّ‌بنَ أَبي‌طالِبٍ عليه السلام أَذهَبَ اللهُ عَنهُ الرِّجسَ وَ تابَ عَلَيهِ.

جعفربن محمّد فزاری روایت کرده است: امام محمّد باقر عليه السلام دربارهٔ کلام حق تعالی «و از آسمان آبی بر شما فرو ریزانید تا شما را با آن پاک گرداند و وسوسهٔ شیطان را از شما بزداید و دل‌هایتان را محکم سازد و گام‌هایتان را بدان استوار سازد» فرمود: و امّا کلام حق تعالی «و از آسمان بارانی بر شما فرو فرستاد»،

آسمان در باطن، رسول خدا ﷺ است و آب، امیرمؤمنان حضرت علی ؑ است که خداوند او را از رسول خدا ﷺ قرار داد و این کلام حق تعالی است «و از آسمان بارانی بر شما فرو فرستاد». و امّا کلام حق تعالی «تا شما را با آن پاک گرداند» منظور، حضرت علی ؑ است که خداوند با او قلب دوستدارانش را پاک گرداند و این کلام او تبارک و تعالی است «تا شما را با آن پاک گرداند»، و امّا کلام حق تعالی «و وسوسهٔ شیطان را از شما بزداید» یعنی حضرت علی ؑ را دوست بدارد، خداوند پلیدی را از او می‌زداید و توبه‌اش را می‌پذیرد.

(سورهٔ انفال، آیهٔ ۴۱)

﴿ وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَأَنَّ لِلّٰهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبىٰ ﴾

و بدانید هر غنیمتی به دست آورید، یک‌پنجم آن از آنِ خدا و پیامبر و خویشاوندان [پیامبر] است.

۱۳۷ . عَن دَيلَمِ بنِ عُمَرَ قَالَ: إِنّا لَقِيَامٌ بِالشّامِ إِذ جِيءَ بِسَبيِّ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ حَتّى أُقِيمُوا عَلَى الدَّرَجِ إِذ جاءَ شَيخٌ مِن أَهلِ الشّامِ فَقالَ: الحَمدُ لِلّٰهِ الَّذي قَتَلَكُم وَ قَطَعَ قَرنَ الفِتنَةِ. فَقالَ عَلِيُّ بنُ الحُسَينِ ؑ: أَيُّهَا الشَّيخُ فَقَد أَنصَتُّ لَكَ حَتّى أَبدَيتَ لِي عَمّا فِي نَفسِكَ مِنَ العَداوَةِ، هَل قَرَأتَ القُرآنَ؟ قالَ: نَعَم. قالَ: هَل وَجَدتَ لَنا فِيهِ حَقًّا خاصَّةً دُونَ المُسلِمِينَ؟ قالَ: لا. قالَ: ما قَرَأتَ القُرآنَ. قالَ: بَلىٰ قَد قَرَأتُ القُرآنَ. قالَ: فَما قَرَأتَ الأَنفالَ: ﴿ وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَأَنَّ لِلّٰهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبىٰ ﴾ أَتَدرُونَ مَن هُم؟ قالَ: لا. قالَ: فَإِنّا نَحنُ هُم، قالَ: إِنَّكُم لَأَنتُم هُم؟ قالَ: نَعَم. قالَ: فَرَفَعَ الشَّيخُ يَدَهُ إِلَى السَّماءِ ثُمَّ قالَ: اللّٰهُمَّ إِنّي أَتُوبُ إِلَيكَ مِن قَتلِ آلِ مُحَمَّدٍ وَ مِن عَداوَةِ آلِ مُحَمَّدٍ.

از دیلم بن عمر نقل است که گفت: هنگامی که اسیران آل محمّد ﷺ را به شام آوردند ما آنجا بودیم، آنان ؑ را بر پلّکان مسجد برپای داشتند که ناگاه

پیرمردی شامی نزد ایشان آمد و گفت: سپاس خداوندی را که شما را کشت و شاخ فتنه را برید! امام سجاد علیه السلام به او فرمود: ای پیرمرد! من سکوت کردم تا آن‌چه در دل از دشمنی داشتی آشکار کردی. آیا قرآن خوانده‌ای؟ عرض کرد: آری. فرمود: آیا به حقّی که مخصوص ماست و شامل دیگر مسلمانان نمی‌شود، برخورده‌ای؟ عرض کرد: نه. فرمود: پس قرآن نخوانده‌ای. عرض کرد: بارها خوانده‌ام. امام فرمود: آیا این آیه سوره انفال را نخوانده‌ای: «و بدانید هر غنیمتی به دست آورید، یک‌پنجم آن از آنِ خدا و پیامبر و خویشاوندان پیامبر است.» آیا می‌دانی آن‌ها چه کسانی هستند؟ عرض کرد: نه. فرمود: ما همان خویشاوندان پیامبر می‌باشیم. پیرمرد عرض کرد: آیا واقعًا شما آنان هستید؟ فرمود: آری. پیرمرد شامی دستش را به سوی آسمان بلند کرد و گفت: خداوندا به درگاهت از کشتن خاندان محمّد صلی الله علیه و آله و دشمنی با خاندان محمّد علیه السلام توبه می‌کنم.

(سورهٔ انفال، آیهٔ ۴۲)

﴿ لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَ يَحْيىٰ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ ﴾

تا هر کس که هلاک (گمراه) می‌شود، از روی دلیل روشنی هلاک شود و آن‌که زنده (هدایت) می‌شود از روی دلیل روشنی زنده شود.

عَن سُلَيمَانَ بنِ يَسَارٍ قَالَ: رَأَيتُ ابنَ عَبَّاسٍ لَمَّا تُوُفِّيَ أَمِيرُ المُؤمِنِينَ عَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام بِالكُوفَةِ وَ قَد قَعَدَ فِي المَسجِدِ مُحتَبِيًا وَ وَضَعَ مِرفَقَهُ عَلَى رُكبَتَيهِ وَ أَسنَدَ يَدَهُ تَحتَ خَدِّهِ وَ قَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي قَائِلٌ فَاسمَعُوا ﴿ مَنْ شَاءَ فَلْيُؤمِنْ وَ مَنْ شَاءَ فَلْيَكْفُر[1] ﴾ سَمِعتُ رَسُولَ اللهِ صلی الله علیه و آله يَقُولُ: إِذَا مَاتَ عَلِيٌّ وَ أُخرِجَ مِنَ الدُّنيَا ظَهَرَت فِي الدُّنيَا خِصَالٌ لَا خَيرَ فِيهَا. فَقُلتُ: وَ مَا هِيَ يَا رَسُولَ اللهِ؟ فَقَالَ: تَقِلُّ الأَمَانَةُ وَ تَكثُرُ

---

۱. کهف، ۲۹.

الخِيَانَةُ حَتَّى يَركَبَ الرَّجُلُ الفَاحِشَةَ وَ أَصحَابُهُ يَنظُرُونَ إِلَيهِ ، وَاللهِ لَتَضَايَقُ الدُّنيَا بَعدَهُ بِنَكبَةٍ ، أَلَا وَ إِنَّ الأَرضَ لَايَخلُو مِنِّي مَادَامَ عَلِيٌّ حَيًّا فِي الدُّنيَا بَقِيَّةٌ مِن بَعدِي ، عَلِيٌّ فِي الدُّنيَا عِوَضٌ مِنِّي بَعدِي ، عَلِيٌّ كَجِلدِي ، عَلِيٌّ كَلَحمِي ، عَلِيٌّ عَظمِي ، عَلِيٌّ كَدَمِي ، عَلِيٌّ عُرُوقِي ، عَلِيٌّ أَخِي وَ وَصِيِّي فِي أَهلِي وَ خَلِيفَتِي فِي قَومِي وَ مُنجِزُ عِدَاتِي وَ قَاضِي دَينِي ، قَد صَحَبَنِي عَلِيٌّ فِي مُلِمَّاتِ أَمرِي ، وَ قَاتَلَ مَعِي أَحزَابَ الكُفَّارِ ، وَ شَاهَدَنِي فِي الوَحيِ وَ أَكَلَ مَعِي طَعَامَ الأَبرَارِ ، وَ صَافَحَهُ جَبرَئِيلُ ؑ مِرَارًا نَهَارًا جِهَارًا وَ قَبَّلَ جَبرَئِيلُ ؑ خَدَّ عَلِيٍّ اليَسَارَ وَ شَهِدَ جَبرَئِيلُ و أَشهَدَنِي أَنَّ عَلِيًّا مِنَ الطَّيِّبِينَ الأَخيَارِ ، وَ أَنَا أَشهَدُكُم مَعَاشِرَ النَّاسِ لَا تَتَسَاءَلُونَ مِن عِلمِ أَمرِكُم مَادَامَ عَلِيٌّ فِيكُم ، فَإِذَا فَقَدتُمُوهُ فَعِندَ ذَلِكَ تَقُومُ الآيَةُ ﴿ **لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَ يَحْيىٰ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ** ﴾.

سلیمان‌بن یسار گفت: در زمان وفات امیرمؤمنان ؑ در کوفه ابن عباس را دیدم، که در مسجد نشسته است. دامن لباس را روی پایش انداخته بود و آرنجش را روی زانوانش گذاشته بود و دستش را به زیر گونه‌اش نهاده بود و گفت: ای مردم، منم که سخن می‌گویم، بشنوید: «پس هرکه خواهد ایمان بیاورد و هرکه خواهد کفر ورزد.» از رسول خدا ﷺ شنیدم که می‌فرمود: هرگاه حضرت علی ؑ درگذشت و از دنیا برده شد، در دنیا خصلت‌هایی ظاهر می‌شود که هیچ خیری در آن نیست. عرض کردم: ای رسول خدا! این خصلت‌ها چیست؟ حضرت ﷺ فرمود: امانتداری کم و خیانت بسیار می‌شود تا جایی که مرد نزد زن بدکار می رود و دوستانش به او نگاه می‌کنند، به خدا سوگند پس از او [حضرت رسول ﷺ] هر آینه دنیا به نکبت تنگ خواهد شد. بدانید که زمین از من خالی نیست تا آن زمان که علی ؑ زنده است و او باقی‌ماندهٔ من است، پس از من علی در این دنیا جایگزین من است و علی همچون پوست من است و علی همچون گوشت من است و علی همچون استخوان من است و علی همچون خون من است و علی رگ‌های من است

و علی برادر من است و وصیّ من در میان خاندانم و جانشین من در میان قومم و به انجام‌رسان وعده‌های من و قاضی دین من است. علی در دشواری‌های کارم با من همراه بوده و با من با گروه‌های کافران نبرد کرده است و در وحی شاهد من بوده و با من غذای نیکان را خورده و جبرئیل بارها در روز روشن دست در دست او نهاده و جبرئیل بر گونهٔ چپ علی بوسه زده و جبرئیل شهادت داد و من شهادت می‌دهم که علی از پاکان برگزیده است و من ای جماعت مردم برایتان گواهی می‌دهم که تا علی در میانتان است، نزد یکدیگر جویای علم امرتان نشوید که چون او را از دست دهید، در آن هنگام این آیه بر پا می‌شود: «تا هر کس که هلاک می‌شود، از روی دلیل روشنی هلاک شود و آن‌که زنده می‌شود، از روی دلیل روشنی زنده شود.»

(سورهٔ انفال، آیهٔ ۶۶)

﴿ الْآنَ خَفَّفَ اللهُ عَنْكُمْ وَ عَلِمَ أَنَّ فيكُمْ ضَعْفًا ﴾

اکنون خداوند بار شما را سبک کرد و معلوم داشت که شما در سستی هستید.

عَنِ الأَصبَغِ‌بنِ نُباتَةَ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ المُؤمِنِينَ عَلِيُّ بنُ أَبی‌طالِبٍ ﷺ: لَا يَكُونُ النَّاسُ فِی حَالِ شِدَّةٍ إِلّا كَانَ شِيعَتِی أَحسَنَ النَّاسِ حَالاً، أَمَا سَمِعتُم اللهَ يَقُولُ فِی كِتَابِهِ المُبِينِ ﴿ الْآنَ خَفَّفَ اللهُ عَنْكُمْ وَ عَلِمَ أَنَّ فيكُمْ ضَعْفًا ﴾ فَخَفَّفَ عَنهُم مَا لَايُخَفَّفُ عَن غَيرِهِم.

اصبغ‌بن نباته گفت: امیرمؤمنان حضرت علی ﷺ فرمود: مردم بر حالی سخت دچار نمی‌شوند جز آن‌که شیعیان من بهترین حال را در میان مردم دارند، آیا نشنیده‌اند که خداوند درکتاب روشنگر خویش می‌فرماید: «اکنون خداوند بار شما را سبک کرد و معلوم داشت که شما در سستی هستید»، خداوند از آنان باری را می‌کاهد که از غیر ایشان نمی‌کاهد.

وَ مِن سُورَةِ التَّوبَةِ

(سورة توبه، آية ۱ ـ ۱۲)

﴿ بَرَاءَةٌ مِنَ اللهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ * فَسِيحُوا فِي الأَرضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللهِ وَ أَنَّ اللهَ مُخْزِي الْكَافِرِينَ * وَ أَذَانٌ مِنَ اللهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الأَكْبَرِ أَنَّ اللهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَ رَسُولُهُ فَإِنْ تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللهِ وَ بَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ * إِلاَّ الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا وَ لَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُّوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ * فَإِذَا انْسَلَخَ الأَشْهُرُ الْحُرُمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَ خُذُوهُمْ وَ احْصُرُوهُمْ وَ اقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ فَإِنْ تَابُوا وَ أَقَامُوا الصَّلاةَ وَ آتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ * وَ إِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلامَ اللهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لاٰ يَعْلَمُونَ * كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللهِ وَ عِنْدَ

رَسُولِهِ إِلاَّ الَّذِينَ عاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ فَمَا اسْتَقامُوا لَكُمْ فَاسْتَقيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللهَ يُحِبُّ الْمُتَّقينَ * كَيْفَ وَ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لا يَرْقُبُوا فيكُمْ إِلاًّ وَ لا ذِمَّةً يُرْضُونكُمْ بِأَفْواهِهِمْ وَ تَأْبىٰ قُلُوبُهُمْ وَ أَكْثَرُهُمْ فاسِقُونَ * اشْتَرَوْا بِآياتِ اللهِ ثَمَنًا قَليلاً فَصَدُّوا عَنْ سَبيلِهِ إِنَّهُمْ ساءَ ما كانُوا يَعْمَلُونَ * لا يَرْقُبُونَ في مُؤْمِنٍ إِلاًّ وَ لا ذِمَّةً وَ أُولٰئِكَ هُمُ الْمُعْتَدُونَ * فَإِنْ تابُوا وَ أَقامُوا الصَّلاةَ وَ آتَوُا الزَّكاةَ فَإِخْوانُكُمْ فِي الدِّينِ وَ نُفَصِّلُ الْآياتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ * وَ إِنْ نَكَثُوا أَيْمانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَ طَعَنُوا في دينِكُمْ فَقاتِلُوا أَئِمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لا أَيْمانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ﴾

[این آیات اعلام] بیزاری از سوی خدا و پیامبرش نسبت به آن مشرکانی است که با آن‌ها پیمان بسته‌اید. پس چهار ماه در زمین بگردید و بدانید که شما عاجزکنندهٔ خدا نیستید، و خداوند خوارکنندهٔ کافران است. و [این پیام] اعلامی است از سوی خدا و پیامبرش به مردم در روز حجّ اکبر که خداوند و پیامبرش از مشرکان بیزارند، پس اگر توبه کنید آن برای شما بهتر است و اگر روی بگردانید بدانید که شما عاجزکنندهٔ خدا نیستید، و کسانی را که کافر شدند به عذابی دردناک بشارت ده؛ مگر کسانی از مشرکان که با آن‌ها پیمان بسته‌اید، و چیزی از آن (پیمان) را نکاستند، و کسی را بر ضدّ شما پشتیبانی نکردند، پس پیمان آنان را تا پایان مدّتشان تمام کنید، بی‌تردید خداوند پرهیزکاران را دوست دارد. پس هرگاه ماه‌های حرام به پایان رسید، مشرکان را هر کجا که یافتید بکشید یا آنان را [به اسارت] بگیرید و حبس کنید و در هر کمینگاهی به کمینشان بنشینید؛ پس اگر توبه کنند و نماز بر پا دارند و زکات دهند [دست از آنان بردارید و] راهشان را باز کنید؛ زیرا خداوند آمرزندهٔ مهربان است. و اگر یکی از مشرکان به تو پناه آورد او را پناه بده، تا سخن خدا را بشنود، سپس او را به جای امنش برسان، این (امان دادن) به سبب آن است که

آن‌ها گروهی هستند که نمی‌دانند. چگونه برای مشرکان پیمانی نزد خدا و نزد پیامبرش [محترم] خواهد بود؟ [و حال آن‌که در دل نیّت پیمان‌شکنی دارند، پس با آن‌ها پیمانی محترم نخواهد بود] مگر [در مورد] کسانی که با آن‌ها کنار مسجدالحرام پیمان بستید. پس تا زمانی که [بر سر پیمانشان] برای شما پایدار ماندند، شما نیز برای آن‌ها [بر سر پیمانتان] پایدار بمانید، به راستی خداوند پرهیزکاران را دوست دارد. چگونه [برای مشرکان عهد و پیمانی است؟] و حال آن‌که اگر بر شما چیره شوند نه خویشاوندی را در مورد شما رعایت می‌کنند و نه پیمانی را، شما را با زبان خود خشنود می‌کنند و حال آن‌که دلشان ابا دارد و بیشتر آن‌ها بیرون روندگان [از دایرهٔ ایمان] هستند. آیات خدا را به بهای اندکی فروختند و [مردم را] از راه او بازداشتند، و به راستی بد است آن‌چه می‌کردند. در مورد هیچ مؤمنی خویشاوندی و پیمانی را رعایت نمی‌کنند و آن‌ها همان تجاوزکاران‌اند. پس اگر توبه کنند و نماز برپا دارند و زکات بدهند، برادران دینی شما هستند و اما آیات [خود] را برای گروهی که می‌دانند به تفصیل بیان می‌نماییم. و اگر سوگندهای خود را پس از پیمانشان بشکنند و در دین شما زبان به طعنه گشایند، پس با پیشوایان کفر پیکار کنید، به راستی آن‌ها [هیچ تعهدی به] سوگندی ندارند، باشد که باز ایستند.

۱۳۸. عَن حَکِیمِ‌بنِ جُبَیرٍ عَن عَلِیِّ‌بنِ الحُسَینِ ﷷ قَالَ: إِنَّ لِعَلِيٍ ﷷ إِسمًا فِی القُرانِ مَا یَعرِفُونَهُ. قَالَ: قُلتُ: أَیُّ اسمٍ؟ قَالَ: ﴿ وَ أَذَانٌ مِنَ اللهِ وَ رَسُولِهِ إِلَی النَّاسِ یَوْمَ الْحَجِّ الْأَکْبَرِ ﴾ قَالَ: فَقَالَ: الأَذَانُ مِنَ اللهِ هُوَ وَاللهِ عَلِيُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ ﷷ.

حکیم‌بن جبیر گفت: امام سجاد ﷷ فرمود: در قرآن برای حضرت علی ﷷ اسمی است که آن را نمی‌دانند. عرض کردم: کدام اسم؟ فرمود: « و [این پیام] اعلامی است از سوی خدا و پیامبرش به مردم در روز حج اکبر.» به خدا سوگند آن اعلام از سوی خدا همان علی‌بن ابی‌طالب ﷷ است.

۱۳۹. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ فِی قَولِهِ تَعَالَی: ﴿ بَرَاءَةٌ مِنَ اللهِ وَ رَسُولِهِ إِلَی الَّذینَ عاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِکینَ ﴾

فَسيحُوا فِي الأَرضِ أَربَعَةَ أَشْهُرٍ﴾ يقُولُ: بَرَاءَةٌ مِنَ اللهِ وَ رَسُولِهِ مِنَ العَهدِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدتُم مِنَ المُشرِكِينَ غَيرَ أَربَعَةِ أَشهُرٍ كَانَ بَينَ النَّبِيِّ وَ بَينَ المُشرِكِينَ وَلثٌ مِن عُقُودٍ فَأَمَرَ اللهُ رَسُولَهُ أَن يَنبِذَ إِلَى كُلِّ ذِى عَهدٍ عَهدَهُم إِلَّا مَن أَقَامَ الصَّلاةَ وَ أَتَى الزَّكَاةَ، فَلَمَّا كَانَت غَزوَةُ تَبُوكَ وَ دَخَلَت سَنَةُ تِسعٍ فِى شَهرِ ذِى الحَجَّةِ الحَرامِ مِن مُهَاجَرَةِ رَسُولِ اللهِ ﷺ نَزَلَت هَؤُلاءِ الآيَاتُ وَكَانَ رَسُولُ اللهِ ﷺ حِينَ فَتحَ مَكَّةَ لَم يُؤمَر أَن يَمنَعَ المُشرِكِينَ أَن يَحُجُّوا، وَكَانَ المُشرِكُونَ يَحُجُّونَ مَعَ المُسلِمِينَ فَتَرَكَهُم عَلَى حَجِّهِمُ الأَوَّلِ فِى الجَاهِلِيَّةِ وَ عَلَى أُمُورِهِمُ الَّتِى كَانُوا عَلَيهَا فِى طَوَافِهِم بِالبَيتِ عُرَاةً وَ تَحرِيمِهِمُ الشُّهُورَ الحَرَامِ و القَلَائِدَ و وُقُوفَهُم بِالمُزدَلِفَةِ، فَأَرَادَ الحَجَّ فَكَرِهَ أَن يَسمَعَ تَلبِيَةَ العَرَبِ لِغَيرِ اللهِ وَ الطَّوَافَ بِالبَيتِ عُرَاةً، فَبَعَثَ رَسُولُ اللهِ ﷺ أَبَابَكرٍ إِلَى المُوسِمِ، وَ بَعَثَ مَعَهُ بِهؤُلاءِ الآيَاتِ مِن بَرَاءَةٍ وَ أَمَرَهُ أَن يَقرَأَهَا عَلَى النَّاسِ يَومَ الحَجِّ الأَكبَرِ وَ أَمَرَهُ أَن يَرفَعَ الخَمسَ مِن قُرَيشٍ و كِنَانَةَ وَ خُزَاعَةَ إِلَى عَرَفَات، فَسَارَ أَبُوبَكرٍ حَتَّى نَزَلَ بِذِى الحُلَيفَةِ، فَنَزَلَ جَبرَئِيلُ ﷺ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ: إِنَّ اللهَ يَقُولُ: إِنَّه لَن يُؤَدِّى عَنِّى غَيرُكَ أَو رَجُلٌ مِنكَ. يَعنِى عَلِيًّا فَبَعَثَ النَّبِيُّ ﷺ عَلِيَّ بنَ أَبِى طَالِبٍ ﷺ فِى أَثَرِ أَبِى بَكرٍ لِيَدفَعَ إِلَيهِ هَؤُلاءِ الآيَاتِ مِن بَرَاءَةٍ وَ أَمَرَهُ أَن يُنَادِىَ بِهِنَّ يَومَ الحَجِّ الأَكبَرِ وَ هُوَ يَومُ النَّحرِ وَ أَن يَبرَءَ ذِمَّةَ اللهِ وَ رَسُولَهُ مِن كُلِّ عَهدٍ، وَ حَمَلَهُ عَلَى نَاقَتِهِ العَضبَاءِ.

ابن عباس درباره کلام خداوند متعال «[این آیات اعلام] بیزاری از سوی خدا و پیامبرش نسبت به آن مشرکانی است که با آن‌ها پیمان بسته‌اید، پس چهار ماه در زمین بگردید» گفت: بیزاری از سوی خدا و پیامبرش نسبت به پیمانی است که در غیر از آن چهار ماه با آن مشرکان بسته‌اید. میان پیامبر و مشرکان پیمان‌هایی سست برقرار بود. پس خداوند به رسولش امر کرد تا با هر کس که با او پیمانی دارد، پیمان رها کند مگر با کسانی که نماز به پا دارند و زکات بپردازند.

هنگام غزوه تبوک و در ذی الحجه در سال ۹ هجری این آیات نازل شد. چون رسول خدا ﷺ مکه را فتح کرد، از جانب خدا فرمانی به ایشان داده نشد که

مشرکان را از حج گزاردن منع کند، بلکه مشرکان همراه با مسلمانان حج می‌گزاردند و پیامبر ﷺ هم آنان را رها کرده بود تا به همان شیوه جاهلیت حج گزارند. آن‌ها بر اساس عقاید جاهلی خود عریان حج می‌گزاردند و ماه‌های حرام، قلائد و وقوف در مزدلفه را هم ممنوع کرده بودند. هنگامی که رسول خدا ﷺ اراده حج فرمود، دوست نداشت که «لبیک» عرب را برای غیر خدا بشنود، و عریان طواف کردن آنان را ببیند. از این رو ابوبکر را همراه این آیات از سورهٔ برائت به موسم حج فرستاد و به او امر فرمود تا این آیات را در روز حج اکبر برای مردم بخواند و تا روز عرفات پنج چیز را از قریش، کنانه و خزاعه بردارد.
ابوبکر به راه افتاد تا به ذی الحلیفه[۱] رسید. در این هنگام جبرئیل علیه‌السلام بر پیامبر ﷺ نازل شد و به ایشان عرض کرد: خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «جز خودت یا شخصی که از خودت باشد، کس دیگری این پیام و آیات را از سوی من ابلاغ نکند.» یعنی علی علیه‌السلام. پیامبر ﷺ حضرت علی علیه‌السلام را به دنبال ابوبکر فرستاد تا وی آیات سوره برائت را به او بسپارد و به حضرت فرمان داد تا در روز حج اکبر که همان روز قربانی است، مردم را فراخواند و بگوید که خدا و رسولش از هر عهدی با مشرکان برائت می‌جویند. این چنین پیامبر ﷺ حضرت علی علیه‌السلام را بر شتر خویش که «عضباء» نام داشت، سوار کرد.
فَسَارَ أَمِيرُ الْمُؤمِنِينَ عَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ علیه‌السلام عَلَى نَاقَةِ الرَّسُولِ فَأَدرَكَهُ بِذِي الحُلَيفَةِ، فَلَمَّا رَآهُ أَبُوبَكرٍ قَالَ: أَمِيرٌ أَو مَأمُورٌ؟ فَقَالَ عَلِيٌّ علیه‌السلام بَعَثَنِي رَسُولُ اللهِ ﷺ لِتدفَعَ إِلَى بَرَاءَةً. قَالَ: فَدَفَعَهَا إِلَيهِ وَ انصَرَفَ أَبُوبَكرٍ إِلَى رَسُولِ اللهِ ﷺ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللهِ مَا لِي نَزَعتَ مِنِّي بَرَاءَةَ؟! أُنزِلَ فِيَّ شَيءٌ؟ فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: إِنَّ جَبرَئِيلَ نَزَلَ عَلَيَّ فَأَخبَرَنِي أَنَّ اللهَ يَأمُرُنِي أَنَّهُ لَن يُؤَدِّي غَيرِي أَو رَجُلٌ مِنِّي، وَ أَنَا وَ عَلِيٌّ مِن شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ وَ النَّاسُ مِن شَجَرٍ شَتَّى، أَمَا تَرضَى يَا أَبَابَكرٍ أَنَّكَ صَاحِبِي فِي الغَارِ؟ قَالَ: بَلَى يَا رَسُولَ اللهِ.

---

۱. مکانی که اکنون به مسجد شجره معروف شده است.

حضرت علی ﷺ سوار بر شتر پیامبر ﷺ به راه افتاد، تا این‌که در ذی الحلیفه به ابوبکر رسید. زمانی که ابوبکر حضرت علی ﷺ را دید، به ایشان عرض کرد: امیری یا مأمور؟ فرمود: پیامبر ﷺ مرا فرستاده تا سورهٔ برائت را به من بدهی. ابوبکر سورهٔ برائت را به ایشان داد و به نزد رسول خدا ﷺ بازگشت و عرض کرد: ای رسول خدا ﷺ! چه شد که مرا از ابلاغ این سوره بی‌نصیب ساختی؟ آیا دربارهٔ من چیزی نازل شده است؟ پیامبر ﷺ فرمود: جبرئیل بر من نازل شد و به من خبر داد که خداوند به من امر کرده است که این سوره را جز من یا شخصی که از من باشد، کس دیگری ابلاغ نکند. من و علی ﷺ از یک درخت واحدیم و مردم از درختان گوناگون دیگر هستند. آیا خشنود نیستی که تو یار من در غار بوده‌ای؟ عرض کرد: آری ای رسول خدا!

كانَ يومَ الحَجِّ الأَكبرِ وَ فَرَغَ النّاسُ مِن رَمیِ جَمرَةِ الكُبرَى قامَ أَميرُ المُؤمِنينَ عَلِيُّ بنُ أَبي طالِبٍ ﷺ عِندَ الجَمرَةِ فَنادَى فِي النّاسِ فَاجتَمَعُوا إِلَيهِ فَقَرَءَ عَلَيهِمُ الصَّحيفَةَ بِهؤُلاءِ الآياتِ: ﴿ **بَرَاءَةٌ مِنَ اللهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ**[1] ﴾ إِلَى قَولِهِ: ﴿ **فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ**[2] ﴾، ثُمَّ نادَى أَلا لا يَطُوفَنَّ بِالبَيتِ عُريانٌ وَ لا يَحُجَّنَّ مُشرِكٌ بَعدَ عامِهِ هذا وَ أَنَّ لِكُلِّ ذي عَهدٍ عَهدَهُ إِلَى مُدَّتِهِ وَ أَنَّ اللهَ لا يُدخِلُ الجَنَّةَ إِلّا مَن كانَ مُسلِمًا وَ أَنَّ أَجَلَكُم أَربَعَةُ أَشهُرٍ إِلَى أَن تَبلُغُوا بُلدانَكُم فَهُوَ قَولُهُ ﴿ **فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ**[3] ﴾ وَ أَذَّنَ النّاسَ كُلَّهُم بِالقِتالِ إِن لَم يُؤمِنُوا فَهُوَ قَولُهُ: ﴿ **وَ أَذَانٌ مِنَ اللهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ** ﴾ قالَ: إِلَى أَهلِ خُزاعَةَ وَ بَني مُدلِجٍ وَ مَن كانَ لَهُ عَهدٌ غَيرُهُم، ﴿ **يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ** ﴾ قالَ: فَالأَذانُ أَميرُ المُؤمِنينَ عَلِيُّ بنُ أَبي طالِبٍ ﷺ النِّداءُ الَّذي نادَى بِهِ.

روز حج اکبر بود و مردم از رمی جمرهٔ کبری فارغ شده بودند که امیرمؤمنان

---

۱. توبه، ۱

۲. توبه، ۵

۳. توبه، ۳

علی بن ابی‌طالب علیه السلام در کنار جمره ایستاد و در میان مردم ندا سرداد. مردم به دور حضرت جمع شدند و ایشان نامه را با این آیات برای آن‌ها قرائت فرمود: «[این آیات] اعلام بیزاری از سوی خدا و پیامبرش نسبت به آن مشرکانی است که با آن‌ها پیمان بسته‌اید.» تا آنجا که فرمود: «راهشان را باز کنید.» سپس ندا سر داد: بدانید از این پس دیگر کسی برهنه طواف نکند و از سال بعد مشرکی به حج نمی‌آید و هر کس با رسول خدا صلی الله علیه و آله پیمانی بسته است تا انقضای مدت آن پیمان برقرار است، بدانید که خداوند تنها مسلمانان را وارد بهشت می‌کند و شما فقط چهار ماه فرصت دارید تا به شهرهای خود برسید؛ چراکه خداوند می‌فرماید: «پس چهار ماه در زمین بگردید.» و اگر از این پس ایمان نیاورید، خداوند به همه اجازه پیکار داده است، خداوند می‌فرماید: «و [این پیام] اعلامی است از سوی خدا و پیامبرش به مردم در روز حج اکبر.» به اهل خزاعه و بنی‌مدلج و کسانی که عهدی با پیامبر دارند، «روز حج اکبر» آن اعلام، امیرمؤمنان علی‌بن ابی‌طالب علیه السلام است، همان ندایی که وی برآورد.

قَالَ: فَلَمَّا قَالَ: ﴿ **فَسِيحُوا فِي الأَرضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ** ﴾ قَالُوا: وَ عَلَى مَا تُسِيرُنَا أَربَعَةَ أَشهُرٍ؟ فَقَد بَرِئنَا مِنكَ وَ مِن ابنِ عَمِّكَ إِن شِئتَ الآنَ الطَّعنَ وَ الضَّربَ، ثُمَّ استَثنَى اللهُ مِنهُم فَقَالَ: ﴿ **إِلاَّ الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ** ﴾ فَقَالَ: العَهدُ مَن كانَ بَينَهُ وَ بَينَ النَّبى صلی الله علیه و آله وَلَثٌ مِن عُقُودٍ عَلَى المُوادَعَةِ مِن خُزَاعَةَ، وَ أَمَّا قَولُهُ ﴿ **فَسِيحُوا فِي الأَرضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ** ﴾ قال: هذَا لِمَن كَانَ لَهُ عَهدٌ وَ لِمَن خَرَجَ عَهدُهُ فِى أَربَعَةِ أَشهُرٍ لِكَى يَتَفَرَّقُوا عَن مَكَّةَ وَ تِجَارَتِها فَيَبلَغُوا إِلَى أَهلِيهِم ثُمَّ إِن لَقِيهُم بَعدَ ذَلِكَ قَتَلُوهُم، وَ الأَربَعَةُ أَشهُرِ الَّتِى حَرَّمَ اللهُ فِيهَا دِمَاءَهُم: عِشرُونَ مِن ذِى الحَجَّةِ وَ المُحَرَّمُ وَ صَفَرُ وَ رَبِيعُ الأَوَّلُ وَ عَشرٌ مِن رَبِيعِ الآخِرِ فَهَذِهِ أَربَعَةُ أَشهُرِ المَسِيحَاتِ مِن يَومِ قَرَاءَةِ الصَّحِيفَةِ الَّتِى قَرَأَهَا أَمِيرُ المُؤمِنِينَ عَلِيُّ بنُ أَبِى طَالِبٍ علیه السلام.

هنگامی که حضرت علی علیه السلام فرمود: «پس چهار ماه در زمین بگردید»،

مشرکان گفتند: به چه دلیل ما فقط چهار ماه فرصت داریم؟ ما از تو و پسرعمویت بیزاریم و اگر تو بخواهی با تو نبرد خواهیم کرد. سپس خداوند گروهی از آن‌ها را استثنا کرد و فرمود: «مگر کسانی از مشرکان که با آن‌ها پیمان بسته‌اید.» حضرت علی علیه‌السلام نیز فرمود: عهد کسانی از خزاعه که با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله برای صلح پیمانی سست بسته‌اند.

و اما کلام خداوند متعال: «پس چهار ماه در زمین بگردید»، این برای کسانی است که با ایشان عهدی داشتند نیز کسانی که در طی چهار ماه عهدشان به پایان می‌رسد تا از مکه خارج شوند و تجارتشان را به پایان رسانند و به خانواده خود ملحق شوند. پس اگر بعد از این چهار ماه آنان را دیدند، آنان را بکشند.

و آن چهار ماهی که خداوند در آن‌ها خون آنان را حرام کرد، بیست روز از ذی الحجّه و محرّم و صفر و ربیع الاول و ده روز از ربیع الآخر است. این همان چهار ماه حرام است، از روزی که امیرمؤمنان این نامه را قرائت فرمود.

ثُمَّ قَالَ: ﴿ **وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللهِ وَ أَنَّ اللهَ مُخْزِي الْكَافِرِينَ** ﴾ يَا نَبِيَّ اللهِ قَالَ: فَيُظهِرُ نَبِيَّهُ عَلَيهِ وَ آلِهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ قَالَ: ثُمَّ استَثنَى فَنَسَخَ مِنهَا فَقَالَ: ﴿ **إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ** ﴾ هَؤُلَاءِ بَنُو ضَمرَةَ وَ بَنُو مُدلِجٍ حَيَّانِ مِن بَنِي كِنَانَةَ كَانُوا حُلَفَاءَ النَّبِيِّ صلی‌الله‌علیه‌وآله فِي غَزوَةِ بَنِي العَشِيرَةِ مِن بَطنِ تُبَّعٍ ﴿ **ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا** ﴾ يَقُولُ: لَم يَنقُضُوا عَهدَهُم بِغَدرٍ، ﴿ **وَ لَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا** ﴾ قَالَ: لَم يُظَاهِرُوا عَدُوَّكُم عَلَيكُم، ﴿ **فَأَتِمُّوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَى مُدَّتِهِمْ** ﴾ يَقُولُ: أَجَلُهُمُ الَّذِي شَرَطتُم لَهُم، ﴿ **إِنَّ اللهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ** ﴾ قَالَ: الَّذِينَ يَتَّقُونَ اللهَ فِيمَا حَرَّمَ عَلَيهِم وَ يُوفُونَ بِالعَهدِ. قَالَ: فَلَم يُعَاهِدِ النَّبِيُّ صلی‌الله‌علیه‌وآله بَعدَ هَؤُلَاءِ الآيَاتِ أَحَدًا.

سپس فرمود: «و بدانید که شما عاجزکنندهٔ خدا نیستید و خداوند خوارکنندهٔ کافران است.» ای رسول خدا! و این‌گونه پیامبرش صلی‌الله‌علیه‌وآله را پشتیبانی کرد. سپس استثنایی قایل شد و بخشی از آیه را نسخ کرد و فرمود: «مگر کسانی از مشرکان

که با آن‌ها پیمان بسته‌اید». ایشان همان بنوضمره و بنومدلج حیّان از بنی‌کنانه از هم‌پیمانان پیامبر در غزوه بنی‌عشیره از جمله تابعه بودند. «و چیزی از آن (پیمان) را نکاستند»، یعنی عهد و پیمانشان را با مکر و نیرنگ نشکستند، «و کسانی را بر ضد شما پشتیبانی نکردند» یعنی از دشمنانتان بر ضد شما پشتیبانی نکردند، «پس پیمان آن‌ها را تا پایان مدتشان تمام کنید». یعنی پایانی که با آنان شرط کرده‌اید، «بی‌تردید خداوند پرهیزکاران را دوست دارد» یعنی کسانی که در آن‌چه بر آنان حرام گشته بود، تقوا پیشه کردند و به عهد خود وفا کردند. حضرت در ادامه فرمود: پس از نزول این آیات پیامبر ﷺ با احدی از مشرکان پیمان نبست.

قالَ: قالَ: ثُمَّ نَسَخَ ذٰلِكَ فَأَنزَلَ اللهُ ﴿ **فَإِذَا انْسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرُمُ** ﴾ قالَ: هٰذِهِ الَّذِی ذَکَرنَا مُنذُ یومِ قَرَأَ عَلِیُّ‌بنُ أَبی‌طالِبٍ ؑ الصَّحِیفَةَ یَقولُ: فَإِذَا مَضَت أَربَعَةُ أَشهُرٍ قَاتِلُوا الَّذِینَ انقَضَی عَهدَهُم فِی الحِلِّ وَالحَرَامِ ﴿ **حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ** ﴾ إِلَی آخِرِ الآیَةِ.

ثُمَّ استَثنَی فَنَسَخَ مِنهُم فَقالَ: ﴿ **وَ إِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللهِ** ﴾ قالَ: مَن بُعِثَ إِلَیكَ مِن أَهلِ الشِّركِ یَسأَلُكَ لِتُؤمِنَهُ حَتَّی یَلقَاكَ فَیَسمَعَ مَا تَقُولُ وَ یَسمَعَ مَا أُنزِلَ إِلَیكَ فَهُوَ آمِنٌ فَأَجِرهُ ﴿ **حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللهِ** ﴾ وَ هُوَ كَلَامُكَ بِالقُرآنِ فَآمِنهُ ﴿ **ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ** ﴾ یَقولُ: حَتَّی یَبلُغَ مَأمَنَهُ مِن بِلَادِهِ.

ثُمَّ قالَ: ﴿ **كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللهِ وَ عِنْدَ رَسُولِهِ** ﴾ إِلَی آخِرِ الآیَةِ فَقالَ: هُمَا بَطنَانِ بَنُوضَمرَةَ وَ بَنُو مُدلِجٍ فَأَنزَلَ اللهُ هٰذَا فِیهِم حِینَ غَدَرُوا، ثُمَّ قالَ تَعالَی: ﴿ **كَيْفَ وَ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلًّا وَ لَا ذِمَّةً** ﴾ إِلَی ثَلاثِ آیَاتٍ قالَ: هُم قُرَیشٌ نَکَثُوا عَهدَ النَّبِیِّ ﷺ یَومَ الحُدَیبِیَةِ وَ کَانُوا رُؤُوسَ العَرَبِ فِی کُفرِهِم ثُمَّ قالَ: ﴿ **قَاتِلُوا أَئِمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ** ﴾.

حضرت فرمود: سپس آن سخن نسخ شد و خداوند نازل فرمود: «پس هرگاه ماه‌های حرام به پایان رسید.» این آیه همان آیه‌ای است که گفتیم حضرت

علی ﷺ در آن روز از صحیفه خواند، می‌گوید: هنگامی که این چهار ماه به پایان رسید، باکسانی که عهدشان را در حلال و حرام نقض کردند، «هرکجا که آنان را یافتید» پیکار کنید، تا پایان آیه. سپس استثنا شد و از میان آنان نیز برخی نسخ شد: «و اگر یکی از مشرکان به تو پناه آورد، او را پناه بده تا سخن خدا را بشنود» یعنی اگر کسی از مشرکان به سوی تو آمد و از تو خواست تا پناهش دهی تا تو را ببیند و سخنان تو و آن‌چه را بر تو نازل شده بشنود، او در امان است، پس پناهش ده «تا سخن خدا را بشنود» که همان کلام تو از قرآن است، پس او را ایمن دار، «سپس او را به جای امنش برسان» تا به مأمن خود در سرزمینش برسد.

سپس فرمود: «چگونه برای مشرکان پیمانی نزد خدا و نزد پیامبرش [محترم] خواهد بود؟» تا پایان آیه. منظور، دو گروه بنی‌ضمره و بنی‌مدلج است که چون حیله‌گری کردند، خداوند این آیه را دربارهٔ آنان نازل کرد و سپس فرمود: «چگونه [برای مشرکان عهد و پیمانی است؟] و حال آن‌که اگر بر شما چیره شوند نه خویشاوندی را در مورد شما رعایت می‌کنند و نه پیمانی را» تا سه آیه بعد. منظور، قریشیان هستند که در جنگ حدیبیه پیمان خود با پیامبر را شکستند و عرب‌ها را در کفرشان رهبری کردند. سپس فرمود: «با پیشوایان کفر پیکار کنید، به راستی آن‌ها سوگندی ندارند، باشد که باز ایستند.»

۱۴۰. الحَسَنُ بْنُ عَلِیِّ بن بَزِیعٍ معنعنًا: عَن أَبِی جَعفَرٍ ﷺ قَالَ: قَالَ أَمِیرُ المُؤمِنِینَ عَلِیُّ بنُ أَبِی طالِبٍ ﷺ: یا مَعشَرَ المُسلِمِینَ ﴿ **قاتِلُوا أَئِمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لا أَيْمانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ** ﴾ ثُمَّ قَالَ: هَؤُلاءِ هُم وَ رَبُّ الكَعبَةِ یَعنِی أَهلَ صِفِّینَ وَ البَصرَةِ وَ الخَوارِجِ.

حسن بن علی بن بزیع روایت کرده است: امام محمّد باقر ﷺ فرمود: امیرمؤمنان علی ﷺ فرمود: ای جماعت مسلمانان! «با پیشوایان کفر پیکار کنید، به راستی آن‌ها سوگندی ندارند، باشد که باز ایستند.» سپس حضرت فرمود: سوگند به پروردگار کعبه که آن‌ها همان اهل صفین و بصره و خوارج هستند.

(سورهٔ توبه، آیهٔ ۱۶)

﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَ لَمَّا يَعْلَمِ اللهُ الَّذينَ جاهَدُوا مِنْكُمْ وَ لَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللهِ وَ لا رَسُولِهِ وَ لاَ الْمُؤْمِنينَ وَليجَةً﴾

آیا گمان کرده‌اید که [به حال خود] واگذار می‌شوید و حال آن‌که خداوند هنوز کسانی راکه از میان شما جهاد کردند و غیر از خدا و پیامبرش و مؤمنان همرازی نگرفتند، مشخص نساخته است؟

۱۴۱. جَعفَرُ بنُ مُحَمَّدِ بنِ سَعيدٍ مُعنعَنًا: عَن عَلِيِّ بنِ الحُسَينِ عليه السلام: إنَّ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وآله قـالَ لِأَنَسٍ: يا أَنَسُ اِنطَلِق فَادعُ لِي سَيِّدَ العَرَبِ ـ يَعني عَلِيَّ بنَ أَبي طالِبٍ عليه السلام فَقالَت عائِشَةُ: أَلَستَ سَيِّدَ العَرَبِ؟ قالَ: أَنا سَيِّدُ وُلدِ آدَمَ وَ لا فَخرَ وَ عَلِيُّ بنُ أَبي طالِبٍ سَيِّدُ العَرَبِ. فَلَمّا جاءَ عَلِيُّ بنُ أَبي طالِبٍ عليه السلام بَعَثَ النَّبِيُّ إِلَى الأَنصارِ فَلَمّا صارُوا إِلَيهِ قالَ لَهُم: مَعشَرَ الأَنصارِ أَلا أَدُلُّكُم عَلى ما إن تَمَسَّكتُم بِهِ لَن تَضِلّوا بَعدي؟ هَذا عَلِيُّ بنُ أَبي طالِبٍ فَحُبّوهُ كَحُبّي وَ الزَمُوهُ كَإِلزامي فَمَن أَحَبَّهُ فَقَد أَحَبَّني وَ مَن أَحَبَّني فَقَد أَحَبَّ اللهَ وَ مَن أَحَبَّ اللهَ أَباحَهُ جَنَّتَهُ وَ أَذاقَهُ بَردَ عَفوِهِ، وَ مَن أَبغَضَهُ فَقَد أَبغَضَني وَ مَن أَبغَضَني فَقَد أَبغَضَ اللهَ وَ مَن أَبغَضَ اللهَ أَكَبَّهُ اللهُ عَلى وَجهِهِ فِي النّارِ وَ أَذاقَهُ أَليمَ عَذابِهِ، فَتَمَسَّكُوا بِوَلايَتِهِ وَ لا تَتَّخِذوا عَدُوَّهُ مِن دُونِهِ وَلِيجَةً فَيَغضَبُ عَلَيكُمُ الجَبّارُ.

جعفر بن محمّد بن سعید روایت کرده است: امام سجاد عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله به انس فرمود: ای انس! سرور عرب را نزد من فراخوان ـ یعنی حضرت علی عليه السلام ـ عایشه عرض کرد: مگر شما سرور عرب نیستید؟ پیامبر صلى الله عليه وآله فرمود: من سرور فرزندان آدم عليه السلام هستم و این فخرفروشی نیست و علی‌بن ابی طالب عليه السلام سرور عرب است. چون حضرت علی عليه السلام آمد، پیامبر صلى الله عليه وآله به دنبال انصار فرستاد و هنگامی که آمدند به آن‌ها فرمود: ای جماعت انصار! آیا می‌خواهید شما را به چیزی هدایت کنم که اگر به آن تمسک جویید بعد از من هرگز گمراه نخواهید شد؟ این شخص علی‌بن ابی‌طالب عليه السلام است. همچون من دوستش بدارید و

همچون من همراهی‌اش کنید. هر که او را دوست بدارد، مرا دوست داشته و هر که مرا دوست بدارد، خدا را دوست داشته است و هر که خدا را دوست بدارد، خداوند بهشت خود را به او ارزانی می‌دارد و بخشش شیرین خود را به او می‌چشاند و هر که با او دشمنی کند، با من دشمنی کرده و هر که با من دشمنی کند، با خدا دشمنی کرده و هر که با خدا دشمنی کند، خداوند او را با صورت در آتش می‌افکند، و عذاب دردناکش را به او می‌چشاند. پس به ولایت او تمسک جویید و به‌جای او با دشمن او دمساز نشوید که خداوند جبّار بر شما خشم می‌گیرد.

(سورهٔ توبه، آیهٔ ۱۹ ـ ۲۲)

﴿أَ جَعَلْتُمْ سِقٰايَةَ الْحٰاجِّ وَ عِمٰارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرٰامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللّٰهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ جٰاهَدَ فِي سَبيلِ اللّٰهِ لٰا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللّٰهِ وَ اللّٰهُ لٰا يَهْدِي الْقَوْمَ الظّٰالِمينَ * الَّذينَ آمَنُوا وَهٰاجَرُوا وَ جٰاهَدُوا في سَبيلِ اللّٰهِ بِأَمْوٰالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللّٰهِ وَ أُولٰئِكَ هُمُ الْفٰائِزُونَ * يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَ رِضْوٰانٍ وَ جَنّٰاتٍ لَهُمْ فيهٰا نَعيمٌ مُقيمٌ * خٰالِدينَ فيهٰا أَبَدًا إِنَّ اللّٰهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظيمٌ﴾

آیا آب دادن به حاجیان و آباد کردن مسجدالحرام را همچون [عمل] کسی پنداشتید که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و در راه خدا جهاد کرده است؟! نزد خدا برابر نیستند و خداوند گروه ستمکاران را هدایت نمی‌کند. کسانی که ایمان آوردند و مهاجرت کردند و در راه خدا با مال و جان خویش جهاد کردند، نزد خدا مرتبه‌ای بزرگ‌تر دارند و آنان همان رستگاران‌اند. پروردگارشان به آنان بشارت رحمتی از سوی خود و خشنودی و باغ‌هایی را می‌دهد که در آن‌ها نعمت برای آنان پایدار است. همیشه در آن‌ها جاودان‌اند، به راستی نزد خداوند پاداشی بزرگ است.

۱۴۲. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ قَالَ: إفتَخَرَ شَيبَةُ بنُ عَبدِ الدّارِ وَ العَبّاسُ بنُ عَبدِ المُطلِبِ فَقالَ شَيبَةُ: فِي

أَيدِينَا مَفَاتِيحُ الكَعبَةِ نَفتَحُهَا إِذَا شِئنَا وَ نُغلِقُها إِذَا شِئنَا فَنَحنُ خَيرُ النَّاسِ بَعدَ رَسُولِ اللهِ ﷺ. وَ قَالَ العَبَّاسُ: فِي أَيدِينَا سِقَايَةُ الحَاجِّ وَ عِمَارَةُ المَسجِدِ الحَرَامِ فَنَحنُ خَيرُ النَّاسِ بَعدَ رَسُولِ اللهِ ﷺ ، اِذ مَرَّ عَلَيهِمَا أَمِيرُالمُؤمِنِينَ عَلِيُّ بنُ أَبِي‌طَالِبٍ عليه السلام فَأَرادَا أَن يَفتَخِرَا فَقَالَا لَه: يَا أَبَا الحَسَنِ نُخبِرُكَ بِخَيرِ النَّاسِ بَعدَ رَسُولِ اللهِ ﷺ ؟ ها أَنَا ذَا فَقَالَ شَيبَةُ: فِي أَيدِينَا مَفَاتِيحُ الكَعبَةِ نَفتَحُهَا إِذَا شِئنَا وَ نُغلِقُهَا إِذَا شِئنَا فَنَحنُ خَيرُ النَّاسِ بَعدَ النَّبِيِّ ، وَ قَالَ العَبَّاسُ: فِي أَيدِينَا سِقَايَةُ الحَاجِّ وَ عِمَارَةُ المَسجِدِ الحَرَامِ فَنَحنُ خَيرُ النَّاسِ بَعدَ النَّبِيِّ ﷺ.

ابن عباس گفت: شیبه پسر عبدالدار و عباس پسر عبدالمطلب فخر می‌ورزیدند. شیبه گفت: کلیدهای کعبه در دست ماست، هرگاه بخواهیم آن را می‌گشاییم و هرگاه بخواهیم آن را می‌بندیم، پس ما بهترین مردمان پس از رسول خدا ﷺ هستیم. عباس گفت: آب دادن حاجیان و آباد کردن مسجدالحرام در دستان ماست، پس ما بهترین مردمان پس از رسول خدا ﷺ هستیم. در آن هنگام امیرمؤمنان عليه السلام بر آن‌دو گذر کرد، خواستند تا بر ایشان فخر بفروشند و عرض کردند: ای اباحسن! تو را از بهترین مردمان پس از رسول خدا ﷺ خبر دهیم؟! ما هستیم. شیبه عرض کرد: کلیدهای کعبه در دست ماست، هرگاه بخواهیم آن را می‌گشاییم و هرگاه بخواهیم آن را می‌بندیم، پس ما بهترین مردمان پس از پیامبریم. عباس عرض کرد: آب‌دادن به حاجیان و آبادکردن مسجدالحرام به دست ماست، پس ما بهترین مردمان پس از رسول خدا ﷺ هستیم.

فَقَالَ لَهُمَا عَلِيُّ بنُ أَبِي‌طَالِبٍ أَمِيرُالمُؤمِنِينَ عليه السلام: أَلَا أَدُلُّكُمَا عَلَى مَن هُوَ خَيرٌ مِنكُمَا؟ قَالَا لَهُ: وَ مَن هُوَ؟ قَالَ: الَّذِي ضَرَبَ رَقَبَتَكُمَا حَتَّى أَدخَلَكُمَا فِي الإِسلَامِ قَهرًا ، قَالَا: وَ مَن هُوَ؟ قَالَ: أَنَا فَقَامَ العَبَّاسُ مُغضِبًا حَتَّى أَتَى النَّبِيُّ ﷺ فَأَخبَرَهُ بِمَقَالَةِ عَلِيِّ بنِ أَبِي‌طَالِبٍ عليه السلام فَلَم يَرِدِ النَّبِيُّ شَيئًا فَهَبَطَ جَبرَئِيلُ عليه السلام فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللهَ يَقرَؤُكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ: ﴿ أَ جَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللهِ وَالْيَوْمِ

الْآخِرِ وَجٰاهَدَ في سَبيلِ اللّٰهِ لاٰ يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللّٰهِ ﴾ إِلى آخِرِ الآيَةِ فَدَعَا النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله العَبَّاسَ فَقَرَأَ عَلَيهِ الآيَةَ فَقَالَ: يَا عَمِّ قُم أُخرُج هَذَا الرَّحمانُ يُخَاصِمُكَ فِى عَلِيِّ بنِ أَبى طالِبٍ علیه السلام.

امیرمؤمنان علی علیه السلام به آن‌دو فرمود: آیا کسی را به شما معرفی کنم که از شما بهتر است؟ عرض کردند: کیست؟ فرمود: کسی که شمشیر بر گردن شما گذاشت تا این‌که شما را به اجبار به اسلام واداشت. عرض کردند: او کیست؟ فرمود: من. عباس عصبانی برخاست و نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفت و ایشان را از سخن حضرت علی علیه السلام باخبر کرد. پیامبر هیچ پاسخش را نداد تا این‌که جبرئیل فرود آمد و عرض کرد: ای محمّد! خداوند سلامت رسانید و فرمود: «آیا آب دادن به حاجیان و آباد کردن مسجدالحرام را همچون [عمل] کسی پنداشتید که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و در راه خدا جهاد کرده است؟ نزد خدا برابر نیستند.» تا آخر آیه. پیامبر صلی الله علیه و آله عباس را فراخواند و این آیه را برایش خواند. سپس فرمود: ای عمو! برخیز و خارج شو که خدای رحمان با تو در مورد علی علیه السلام مخاصمه کرد.

۱۴۳. عَنِ الكَلبِيِّ قَالَ: تَفَاخَرَ بَنوشَيبَةَ وَ بَنُو العَبَّاسِ فَقَالَ هَؤُلَاءِ: لَنَا السِّقَايَةُ، وَ قَالَ هَؤُلَاءِ: لَنَا الحِجَابَةُ، فَنَزَلَ ﴿ **أَجَعَلْتُمْ سِقٰايَةَ الْحٰاجِّ وَ عِمٰارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرٰامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللّٰهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ جٰاهَدَ في سَبيلِ اللّٰهِ** ﴾ فِى عَلِيٍّ قَالَ جَابِرُ بنُ الحِرِّ: قُلتُ لِلكَلبِيِّ: نَزَلَت فِى عَلِيٍّ خَاصَّةً؟ قَالَ: نَعَم.

کلبی گفت: بنوشیبه و بنوعباس تفاخر می‌کردند، آنان گفتند: آب دادن حاجیان با ماست و اینان گفتند: پرده‌داری کعبه با ماست. تا این‌که این آیه در مورد حضرت علی علیه السلام نازل شد: «آیا آب دادن به حاجیان و آباد کردن مسجدالحرام را همچون [عمل] کسی پنداشتید که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و در راه خدا جهاد کرده است؟!» جابربن حرّ گفت: به کلبی گفتم: آیا این آیه مخصوص حضرت علی علیه السلام است؟ گفت: بلی.

۱۴۴ . عَلِیُّ بنُ مُحَمَّدِ الزَّهرِیُّ مُعنعَنًا: عَنِ جعفرٍ عَن أَبیه عليهما السلام قَالَ: لَمَّا فَتَحَ النَّبِیُّ صلى الله عليه وآله مَکَّةَ أَعطَى العَبَّاسَ السِّقَایَةَ وَ أَعطَى عُثمانَ بنَ طَلحَةَ الحِجَابَةَ وَ لَم یُعطِ عَلِیًّا شَیئًا. فَقِیلَ لِعَلِیِّ بنِ أَبی طالِبٍ عليه السلام: إِنَّ النَّبِیَّ صلى الله عليه وآله أَعطَى العَبَّاسَ السِّقَایَةَ وَ أَعطَى عُثمانَ بنَ طَلحَةَ الحِجَابَةَ وَ لَم یُعطِكَ شَیئًا. قَالَ: مَا ارضَانِی بِمَا فَعَلَ اللهُ وَ رَسُولُه.

قَالَ: فَأَنزَلَ اللهُ تَعَالَى هَذِهِ الآیةِ: **﴿ أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَ عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ جَاهَدَ في سَبيلِ اللهِ لاٰ يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللهِ ﴾** إِلَى **﴿ أَجْرٌ عَظيمٌ ﴾** نَزَلَت فِی عَلِیِّ بنِ أَبی طالِبٍ عليه السلام.

محمد زهری روایت کرده است: امام جعفر صادق عليه السلام از قول پدر بزرگوارش عليه السلام فرمود: زمانی که پیامبر صلى الله عليه وآله مکه را فتح کرد، آب دادن به حاجیان را به عباس و پرده‌داری کعبه را به عثمان‌بن طلحه واگذار کرد و به علی عليه السلام چیزی واگذار نکرد. آن‌گاه به علی عليه السلام عرض شد: پیامبر صلى الله عليه وآله سقایت را به عباس و پرده‌داری را به عثمان‌بن طلحه واگذار کرد، ولی به شما چیزی واگذار نکرد. حضرت علی عليه السلام فرمود: به آن‌چه خدا و رسولش انجام دادند، بسیار خشنودم. آن‌گاه خداوند متعال این آیات را در مورد حضرت علی عليه السلام نازل فرمود.

(سورهٔ توبه، آیهٔ ۱۰۰)

﴿ وَ السّٰابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهٰاجِرينَ وَ الْأَنْصٰارِ ﴾

و پیشی گیرندگان نخستین از مهاجران و انصار.

۱۴۵ . جَعفَرُ بنُ مُحَمَّدِ بنِ هِشَام مُعَنعَنا: عَنِ الحَسَنِ بنِ عَلِیٍّ عليهما السلام أَنَّهُ حَمِدَ اللهَ تَعَالَى وَ أَثنَى عَلَیهِ وَ قَالَ **﴿ وَالسّٰابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهٰاجِرينَ وَ الْأَنْصٰارِ وَ الَّذينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسٰانٍ ﴾** فَکَمَا أَنَّ لِلسَّابِقِینَ فَضلَهُم عَلَى مَن بَعدَهُم کَذَلِكَ لِأَبی عَلِیِّ بنِ أَبی طالِبٍ عليه السلام فَضِیلَتُه عَلَى السَّابِقِینَ بِسَبقِهِ السَّابِقِینَ.

وَ قَالَ: **﴿ أَجَعَلْتُمْ سِقٰايَةَ الْحٰاجِّ وَ عِمٰارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرٰامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ**

وَ جَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللهِ﴾ وَاستَجَابَ لِرَسُولِ اللهِ ﷺ وَ وَاسَاهُ بِنَفسِهِ، ثُمَّ عَمُّهُ حَمزَةُ سَيِّدُالشُّهَدَاءِ وَ قَد كَانَ قُتِلَ مَعَهُ كَثِيرٌ فَكَانَ حَمزَةُ سَيِّدَهُم بِقَرَابَتِهِ مِن رَسُولِ اللهِ ﷺ، ثُمَّ جَعَلَ اللهُ لِجَعفَرٍ جَنَاحَينِ يَطِيرُ بِهِمَا مَعَ المَلَائِكَةِ فِى الجَنَّةِ حَيثُ يَشَاءُ وَ ذَلِكَ لِمَكَانِهِمَا وَ قَرَابَتِهِمَا مِن رَسُولِ اللهِ ﷺ وَ مَنزِلَتِهِمَا مِنهُ، وَ صَلَّى رَسُولُ اللهِ ﷺ عَلَى حَمزَةَ سَبعِينَ صَلَاةً مِن بَينِ الشُّهَدَاءِ الَّذِينَ استُشهِدُوا مَعَهُ، وَ جَعَلَ لِنِسَاءِ النَّبِيِّ فَضلاً عَلَى غَيرِهِم لِمَكَانِهِنَّ مِن رَسُولِ اللهِ ﷺ، وَ فَضَّلَ اللهُ الصَّلَاةَ فِى مَسجِدِ النَّبِيِّ ﷺ بِأَلفِ صَلَاةٍ عَلَى سَائِرِ المَسَاجِدِ إِلَّا المَسجِدِ الَّذِى إِبتَنَاهُ إِبرَاهِيمُ ؑ بِمَكَّةَ لِمَكَانِ رَسُولِ اللهِ ﷺ وَ فَضلِهِ، وَ عَلَّمَ رَسُولُ اللهِ ﷺ النَّاسَ الصَّلَوَاتِ فَقَالَ: قُولُوا: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيتَ عَلَى إِبرَاهِيمَ وَ آلِ إِبرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، فَحَقُّنَا عَلَى كُلِّ مُسلِمٍ أَن يُصَلِّىَ عَلَينَا مَعَ الصَّلَاةِ فَرِيضَةً وَاجِبَةً مِنَ اللهِ، وَ أَحَلَّ اللهُ لِرَسُولِهِ الغَنِيمَةَ وَ أَحَلَّهَا لَنَا وَ حَرَّمَ الصَّدَقَاتِ عَلَيهِ وَ حَرَّمَهَا عَلَينَا، كَرَامَةً أَكرَمَنَا اللهُ وَ فَضِيلَةً فَضَّلَنَا اللهُ بِهَا.

جعفربن محمّدبن هشام روایت کرده است: امام حسن ؑ پس از حمد و ثنای خداوند متعال فرمود: «و پیشی گیرندگان نخستین از مهاجران و انصار و کسانی که با نیکی از آنان پیروی کردند.» همچنان‌که پیشی‌گیرندگان بر کسانی که پس از ایشان هستند برتری دارند، پدرم حضرت علی ؑ نیز بر پیشی‌گیرندگان برتری دارد؛ چراکه وی از آنان پیشی گرفت.

خداوند در قرآن می‌فرماید: «آیا آب دادن به حاجیان و آباد کردن مسجدالحرام را همچون [عمل] کسی پنداشتید که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و در راه خدا جهاد کرده است» و دعوت رسول خدا ﷺ را پاسخ گفته و با جان خویش به ایشان قوّت قلب داده است؟ پس از آن حمزه سرور شهیدان عموی پیامبر است که به همراه او بسیاری کشته شدند، ولی حمزه به جهت نزدیکی که با پیامبر اکرم ﷺ داشت، سرور آن‌ها بود. پس از آن خداوند به جعفر طیّار دو

بال داد که به وسیلهٔ آن‌دو با فرشتگان در بهشت هرجا بخواهد پرواز می‌کند و این موقعیت به واسطه مقام آن‌دو در نزد پیامبر ﷺ و نزدیکی آن‌ها با ایشان بود.

پیامبر اکرم ﷺ در بین شهیدانی که با حمزه ؑ به شهادت رسیدند، تنها بر پیکر حمزه ؑ هفتاد نماز خواند و خداوند زنان پیامبر ﷺ را به سبب جایگاه آنان نسبت به رسول خدا ﷺ بر زنان دیگر برتری بخشید و نماز در مسجد پیامبر ﷺ را برابر با هزار نماز در دیگر مساجد به‌جز مسجدالحرام که ابراهیم ؑ در مکه بنا کرد، قرار داد.

رسول خدا ﷺ به مردم صلوات آموخت و فرمود: بگویید خداوندا درود بفرست بر محمّد و خاندان محمّد همان‌گونه که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم درود فرستادی، هماناکه تو ستودنی و بزرگ هستی. پس حقّ ما بر هر مسلمانی این است که به همراه نماز خود بر ما صلوات بفرستد که این از سوی خداوند متعال فرض و واجب است. خداوند غنیمت را برای پیامبر نیز برای ما حلال کرد و صدقه را برای پیامبر و نیز برای ما حرام کرد، این کرامتی است که خداوند بدان ما را ارج نهاد و فضیلتی است که خداوند بدان ما را برتری بخشید.

(سورهٔ توبه، آیهٔ ۱۰۲)

﴿ وَ آخَرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلاً صَالِحًا وَ آخَرَ سَيِّئًا عَسَى اللَّهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ ﴾

و گروهی دیگر به گناهان خود اعتراف کردند، کاری نیک را با [کار] دیگری که بد است، به هم آمیختند، امید است خداوند توبه آنان را بپذیرد.

۱۴۶. عَن خَيثَمَةَ الجُعفِيِّ قَالَ: دَخَلتُ عَلَى أَبِي جَعفَرٍ ؑ فَقَالَ لِي: يَا خَيثَمَةُ أَبلِغ مَوَالِينَا مِنَّا السَّلَامَ وَ أَعلِمهُم أَنَّهُم لَم يَنَالُوا مَا عِندَ اللهِ إِلَّا بِالعَمَلِ، وَ قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: سَلمَانُ مِنَّا أَهلَ البَيتِ إِنَّمَا عَنَى بِمَعرِفَتِنَا وَ إِقرَارِهِ بِوَلَايَتِنَا وَ هُوَ قَولُهُ تَعَالَى: ﴿ **خَلَطُوا عَمَلاً**

صَالِحًا وَ آخَرَ سَيِّئًا عَسَى اللهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ ﴾ وَالعَسى مِنَ اللهِ وَاجِبٌ وَ إِنَّمَا نَزَلَت فِى شِيعَتِنَا المُذنِبِينَ.

خیثمه جعفی گفت: بر امام محمّد باقر علیه‌السلام وارد شدم، ایشان به من فرمود: ای خیثمه! به دوستان ما سلام ما را برسان و ایشان را آگاه کن که به آن‌چه نزد خداست نمی رسند مگر با عمل. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: سلمان از ما اهل بیت است، و این به خاطر شناخت ما و اقرار به ولایت ما بود؛ این همان کلام خداوند متعال است: «کار نیک را با [کار] دیگری که بد است، به‌هم آمیختند، امید است خداوند توبهٔ آنان را بپذیرد.» امید به خداوند واجب است و این آیه در حقّ شیعیان گناهکار ما نازل شده است.

(سورهٔ توبه، آیهٔ ۱۱۱)

﴿ إِنَّ اللهَ اشْتَرىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَ أَمْوٰالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقٰاتِلُونَ في سَبيلِ اللهِ فَيَقْتُلُونَ وَ يُقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرٰاةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الْقُرْآنِ ﴾

به راستی خداوند از مؤمنان جان و مالشان را به [بهای] این‌که بهشت از آن آنان باشد، خریده است؛ [اینان] در راه خدا کارزار می‌کنند و می‌کشند و کشته می‌شوند [خداوند به آن‌ها وعده بهشت داده] و عده‌ای که [وفای به آن] در تورات و انجیل و قرآن بر او واجب است.

۱۴۷. جَعفَرُبنُ مُحَمَّدٍ الفَزَارِيُّ مُعنعَنًا: عَن أَبِی‌عَبدِ اللهِ علیه‌السلام قَالَ: كَانَ الحُسَينُ علیه‌السلام مَعَ أُمِّهِ تَحمِلُهُ فَأَخَذَهُ النَّبِيُّ صلی‌الله‌علیه‌وآله وَ قَالَ: لَعَنَ اللهُ قَاتِلَكَ وَ لَعَنَ اللهُ سَالِبَكَ وَ أَهلَكَ اللهُ المُتَوَازِرِينَ عَلَيكَ وَ حَكَمَ اللهُ بَينِى وَ بَينَ مَن أَعَانَ عَلَيكَ.

قَالَت فَاطِمَةُ الزَّهرَاءُ علیهاالسلام: يا أَبَةِ أَيَّ شَيءٍ تَقُولُ؟ قَالَ: يَا بِنتَاهُ ذَكَرتُ مَا يُصِيبُ بَعدِى وَبَعدَكِ مِنَ الأَذَى وَالظُّلمِ وَالغَدرِ وَالبَغيِ، وَهُوَ يَومَئِذٍ فِى عُصبَةٍ كَأَنَّهُم نُجُومُ السَّمَاءِ

يَتَهَادَونَ إِلَى القَتلِ وَ كَأَنِّى أَنظُرُ إِلَى مُعَسكَرِهِم وَ إِلَى مَوضِعِ رَحَالِهِم وَ تُربَتِهِم.
قَالَت: يَا أَبَهُ وَ أَينَ هَذَا المَوضِعُ الَّذِى تَصِفُ؟ قَالَ: مَوضِعٌ يُقَالُ لَهُ كَربَلاءُ وَ هِيَ دَارُ كَربٍ وَ بَلاءٍ عَلَينَا وَ عَلَى الأُمَّةِ، يَخرُجُ عَلَيهِم شِرَارُ أُمَّتِى وَ لَو أَنَّ أَحَدَهُم شَفَعَ لَهُ مَن فِى السَّمَاوَاتِ وَ الأَرضِينَ مَا شُفِّعُوا فِيهِ وَ هُمُ المُخَلَّدُونَ فِى النَّارِ.
جعفربن محمّد فزاری از امام جعفر صادق ؑ روایت کرده است که ایشان فرمود: امام حسین ؑ در آغوش مادرش بود که پیامبر ﷺ امام حسین ؑ را گرفت و فرمود: خداوند قاتلت را و آن‌که تو را چپاول می‌کند لعنت گوید، خدا کسانی راکه علیه تو دست در دست هم می‌دهند، هلاک کند و بین من و کسانی که دشمنت را یاری می‌کنند، حکم فرماید. حضرت فاطمه ؑ فرمود: پدرجان چه می‌گویید؟ فرمود: دخترم! به یاد آن آزار و ظلم و ستم و مکری افتادم که بعد از من و تو دچار حسین خواهد شد، او در آن روز در میان گروهی است که گویی ستارگان آسمان‌اند و به سوی شهادت می‌شتابند و گویی من لشکرگاه و خیمه و تربت آنان را می‌بینم. حضرت فاطمه ؑ فرمود: پدر! این محلّی که شما آن را توصیف می‌کنید، کجاست؟ فرمود: جایی است که آن را کربلا می‌نامند و آنجا برای ما و این امت خانهٔ کرب و بلاست. اشرار امّت من علیه ایشان خروج می‌کنند و اگر همهٔ کسانی که در آسمان‌ها و زمین‌ها هستند برای احدی از آن‌ها نزد خدا شفاعت کنند، پذیرفته نخواهد شد و آنان در آتش جاودان خواهند بود.
قَالَت: يَا أَبَهُ فَيُقتَلُ؟ قَالَ: نَعَم يَا بِنتَاهُ وَ مَا قُتِلَ قِتلَتَهُ أَحَدٌ كَانَ قَبلَهُ، وَ تَبكِيهِ السَّمَاوَاتُ وَ الأَرَضُونَ وَ المَلائِكَةُ وَ الوَحشُ وَ النَّبَاتَاتُ وَ البِحَارُ وَ الجِبَالُ، وَ لَو يُؤذَنُ لَهَا مَا بَقِىَ عَلَى الأَرضِ مُتَنَفِّسٌ، وَ يَأتِيهِ قَومٌ مِن مُحِبِّينَا لَيسَ فِى الأَرضِ أَعلَمُ بِاللهِ وَ لَا أَقوَمُ بِحَقِّنَا مِنهُم، وَ لَيسَ عَلَى ظَهرِ الأَرضِ أَحَدٌ يَلتَفِتُ إِلَيهِ غَيرُهُم، أُولَئِكَ مَصَابِيحُ فِى ظُلُمَاتِ الجَورِ، وَ هُمُ الشُّفَعَاءُ، وَ هُم وَارِدُونَ حَوضِى غَدًا أَعرِفُهُم إِذَا وَرَدُوا عَلَىَّ بِسِيمَاهُم،

وَ كُلُّ أَهلِ دِينٍ يَطلُبُونَ أَئِمَّتَهُم وَ هُم يَطلُبُونَا وَ لَا يَطلُبُونَ غَيرَنَا ، وَ هُم قِوامُ الأَرضِ ، وَ بِهِم يُنَزِّلُ الغَيثُ.

فَقَالَت فَاطِمَةُ الزَّهرَاءُ ؑ: يَا أَبَةِ إِنَّا لِلّٰهِ ، وَبَكَت. فَقَالَ لَهَا: يَا بِنتَاهُ إِنَّ أَهلَ الجِنَانِ هُمُ الشُّهَدَاءُ فِي الدُّنيَا بَذَلُوا ﴿ **أَنْفُسَهُمْ وَ أَمْوالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقاتِلُونَ في سَبيلِ اللهِ فَيَقْتُلُونَ وَ يُقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا** ﴾ فَمَا عِندَ اللهِ خَيرٌ مِنَ الدُّنيَا وَ مَا فِيهَا ، قَتلَةٌ أَهوَنُ مِن مِيتَةٍ ، مَن كُتِبَ عَلَيهِ القَتلُ خَرَجَ إِلَى مَضجَعِهِ ، وَ مَن لَم يُقتَل فَسَوفَ يَمُوتُ.

حضرت فاطمه ؑ فرمود: پدر! آيا او كشته خواهد شد؟ فرمود: آرى دخترم! چنان‌كه هيچ كس پيش از او همچون او كشته نشده است. آسمان‌ها و زمين‌ها و فرشتگان و وحوش و گياهان و درياها و كوه‌ها بر او مى‌گريند و اگر خدا اجازه مى‌داد ديگر هيچ كس بر روى زمين بر جا نمى‌ماند كه نفس بكشد. گروهى از دوستداران ما نزدش مى‌آيند كه در روى زمين به خدا عالم‌تر و به حقّ ما ثابت‌تر از ايشان نخواهد بود و در روى زمين هيچ كس جز ايشان رو سوى او نمى‌كند. آنان در تاريكى‌هاى ستم چراغ‌هاى درخشنده‌اند و صاحب مقام شفاعت‌اند. چون فردا بر حوض من وارد شوند، آنان را از سيمايشان خواهم شناخت و چون اهل هر دينى امامان خود را بطلبند، آنان غير از ما كسى را نخواهند طلبيد. آنان باعث قوام زمين‌اند و باران به‌خاطر آنان نازل مى‌شود. در آن دم حضرت فاطمه ؑ فرمود: اى پدر! ما از براى خداييم، و گريست. پيامبر ﷺ فرمود: اهل بهشت كسانى هستند كه در دنيا از جان و مالشان گواهانى هستند كه در دنيا مال و جان خود بخشيدند. «[اينان] در راه خدا كارزار مى‌كنند و مى‌كشند و كشته مى‌شوند [خداوند به آن‌ها وعده بهشت داده است] وعده‌اى كه وفاى به آن بر او واجب است.» آن‌چه نزد خداست بهتر است از دنيا و آن‌چه در آن است و شهيد شدن از مردن آسان‌تر است. هر كس كشته شدن برايش رقم خورده باشد، به قتلگاه خود خواهد رفت و كسى كه كشته نشود، يقينًا خواهد مرد.

يَا فَاطِمَةُ بِنتُ مُحَمَّدٍ! أَمَا تُحِبِّينَ أَن تَأمُرِينَ غَدًا بِأَمرٍ فَتُطَاعِينَ فِى هَـذَا الخَـلقِ عِـندَ الحِسَابِ ، أَمَا تَرضَينَ أَن يَكُونَ ابنُكِ مِن حَمَلَةِ العَرشِ ، أَمَا تَرضَينَ أَن يَكُونَ أَبُـوكِ يَأتُونَهُ يَسأَلُونَهُ الشَّفَاعَةَ ، أَمَا تَرضَينَ أَن يَكُونَ بَعلُكِ يَذُودُ الخَلقَ يَومَ العَـطَشِ عَـنِ الحَوضِ فَيُسقِىَ مِنهُ أَولِيَاءَهُ وَ يَذُودُ عَنهُ أَعدَاءَهُ ، أَمَا تَرضَينَ أَن يَكُونَ بَعلُكِ قَسِيمَ النَّارِ يَأمُرُ النَّارَ فَتُطِيعُهُ يُخرِجُ مِنهَا مَن يَشَاءُ وَ يَترُكُ مَن يَشَاءُ ، أَمَا تَرضَينَ أَن تَنظُرِينَ إِلَى المَلَائِكَةِ عَلَى أَرجَاءِ السَّمَاءِ يَنظُرُونَ إِلَيكِ وَ إِلَى مَا تَأمُرِينَ بِهِ وَ يَنظُرُونَ إِلَى بَعلِكِ قَد حَضَرَ الخَلَائِقُ وَ هُوَ يُخَاصِمُهُم عِندَ اللهِ فَمَا تَرِينَ اللهَ صَانِعٌ بِقَاتِلِ وُلدِكِ وَ قَاتِلِيكِ إِذَا أُفلِجَت حُجَّتُهُ عَلَى الخَـلَائِقِ وَ أُمِرَتِ النَّارُ أَن تُـطِيعَهُ ، أَمَـا تَـرضَينَ أَن تَكُـونَ المَلَائِكَةُ تَبكِى لِإِبنِكِ وَ يَأسَفُ عَلَيهِ كُلُّ شَىءٍ ، أَمَا تَرضَينَ أَن يَكُونَ مَن أَتَاهُ زَائِرًا فِى ضَمَانِ اللهِ وَ يَكُونَ مَن أَتَاهُ بِمَنزِلَةِ مَن حَجَّ إِلَى بَيتِ اللهِ وَ اعتَمَرَ وَ لَم يَخلُوا مِنَ الرَّحمَةِ طَرفَةَ عَينٍ وَ إِذَا مَاتَ مَاتَ شَهِيدًا وَ إِن بَقِىَ لَم تَزَلِ الحَفَظَةُ تَدعُو لَهُ مَا بَقِىَ وَ لَم يَزَل فِى حِفظِ اللهِ وَ أَمنِهِ حَتَّى يُفَارِقَ الدُّنيَا.

قَالَت: يَا أَبَةَ سَلَّمتُ وَ رَضِيتُ وَ تَوَكَّلتُ عَلَى اللهِ ، فَمَسَحَ عَلَى قَلبِهَا وَ مَسَحَ عَـينَيهَا فَقَالَ: إِنِّى وَ بَعلَكِ وَ أَنتِ وَ أَبنِيكِ فِى مَكَانٍ تَقَرُّ عَينَاكِ وَ يَفرَحُ قَلبُكِ.

ای فاطمه دختر محمّد ﷺ! آیا دوست نداری فردا به هـنگام حسـاب از هـر فرمانی که دربارهٔ این خلق دادی، اطاعت شود، آیا راضی نیستی که پسرت از حاملان عرش باشد، آیا راضی نیستی که مردم نزد پدرت بـیایند و طـلب شـفاعت کنند، آیا راضی نیستی شوهرت خلق را در روز تشنگی از حوض کوثر بازدارد تا دوستانش را از آن بنوشاند و دشمنانش را از آن بـرانـد، آیـا راضـی نـیستی شوهرت قسیم دوزخ باشد و به دوزخ فرمان دهد و آن از او اطاعت کند و او هر که را بخواهد از آن بیرون آورد و هر که را بخواهد در آن رها کند، آیا راضـی نیستی فرشتگان را بنگری که در جای‌جای آسمان ایستاده‌اند و به تو و آن‌چه دستور می‌دهی می‌نگرند، و نیز به شوهرت می‌نگرند که با خلایقی که حاضر

شده‌اند، نزد خدا مخاصمه می‌کند، چه می‌بینی که خداوند با قاتل فرزندت و قاتلان خودت چه می‌کند؛ در آن هنگام که حجّتش را بر تمامی آفریدگان آشکار می‌سازد و دوزخ فرمان می‌گیرد که از او اطاعت کند. آیا راضی نیستی که فرشتگان بر پسرت گریه کنند و همه چیز برای او اندوهناک شود، آیا راضی نیستی که هر کس به زیارت او برود، در امان خدا باشد و همچون کسی باشد که حجّ کعبه به جا آورده و عمره رفته است و یک چشم بر هم زدن از رحمت خدا دور نباشد و هرگاه بمیرد، شهید مرده باشد و مادامی که زنده باشد، فرشتگان برایش دعا کنند و پیوسته در حفظ و امان خدا باشد تا دنیا را ترک گوید.

حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: پدر! تسلیم و راضی شدم و بر خدا توکل کردم. آن‌گاه پیامبر صلی الله علیه و آله دست بر قلب و چشمان حضرت فاطمه علیها السلام کشید و فرمود: من و شوهرت و تو و دو فرزندت در جایگاهی خواهیم بود که چشم تو روشن و قلب تو خوشحال شود.

(سورهٔ توبه، آیهٔ ۱۱۹)

﴿ یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللهَ وَ کُونُوا مَعَ الصّادِقینَ ﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا پروا کنید و با راستگویان باشید.

۱۴۸. عَن أَبانِ بنِ تَغلِبَ عَن أَبی جَعفَرٍ علیه السلام: ﴿ **اتَّقُوا اللهَ وَ کُونُوا مَعَ الصّادِقینَ** ﴾ قالَ: مَعَ عَلِیٍّ علیه السلام.

ابان‌بن تغلب گفت: امام محمّد باقر علیه السلام فرمود: «از خدا پروا کنید و با راستگویان باشید» یعنی با حضرت علی علیه السلام.

۱۴۹. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ فِی قَولِ اللهِ: ﴿ **یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللهَ وَ کُونُوا مَعَ الصّادِقینَ** ﴾ قالَ: مَعَ عَلِیٍّ علیه السلام وَ أَصحابِهِ.

ابن عباس دربارهٔ کلام خداوند متعال «از خدا پروا کنید و با راستگویان باشید» گفت: یعنی با حضرت علی علیه السلام و یارانش.

۱۵۰ . عَنِ ابنِ عَبّاسٍ: وَ قَولُهُ: ﴿ اتَّقُوا اللهَ وَكُونُوا مَعَ الصّادِقِينَ ﴾ نَزَلَت فِی أَمِيرِ المُؤمِنِينَ عَلِیِّ بنِ أَبی طالِبٍ وَ أَهلِ بَيتِهِ عليهم السلام خَاصَّةً.

ابن عباس گفت: آیه ﴿ اتَّقُوا اللهَ وَكُونُوا مَعَ الصّادِقِينَ ﴾ ویژهٔ حضرت علی علیه السلام و اهل بیتش نازل گشت.

۱۵۱ . عَنِ أَبی سَعِيدٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله لَمّا نَزَلَتِ الآيَةُ عَلَى النَّبِیِّ علیه السلام: ﴿ اتَّقُوا اللهَ وَ كُونُوا مَعَ الصّادِقِينَ ﴾ إلتَفتَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله إِلَى أَصحَابِهِ فَقَالَ: أَتَدرُونَ فِيمَن نَزَلَت هَذِهِ الآيَةُ؟ قَالُوا: لَا يَا رَسُولَ اللهِ مَا نَدرِی فَقَالَ أَبُو دُجَانَةَ: يَا رَسُولَ اللهِ كُلُّنَا مِنَ الصَّادِقِينَ آمَنَّا بِكَ وَ صَدَّقنَاكَ ، قَالَ: لَا يَا أَبَا دُجَانَةَ هَذِهِ نَزَلَت فِی ابنِ عَمِّی أَمِيرِ المُؤمِنِينَ عَلِیِّ بنِ أَبی طالِبٍ علیه السلام خَاصَّةً دُونَ النَاسِ وَ هُوَ مِنَ الصَّادِقِينَ.

ابی سعید گفت: چون آیهٔ ﴿ اتَّقُوا اللهَ وَ كُونُوا مَعَ الصّادِقِينَ ﴾ نازل شد ، پیامبر صلی الله علیه و آله رو به اصحاب خود کرد و فرمود: آیا می‌دانید این آیه دربارهٔ چه کسی نازل شد؟ عرض کردند: خیر ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! ما نمی‌دانیم. ابودجانه عرض کرد: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! همهٔ ما از راستگویان هستیم که به تو ایمان آوردیم و تو را تصدیق کردیم. حضرت فرمود: ای ابادجانه! این آیه به‌طور خاص و بدون شراکت دیگران دربارهٔ پسر عموی من امیرمؤمنان علی‌بن ابی طالب علیه السلام نازل شد و او از راستگویان است.

وَ مِن سُورَةِ يُونُس

(سورهٔ یونس، آیهٔ ۱۵)

﴿ وَ إِذٰا تُتْلىٰ عَلَيْهِمْ آيٰاتُنٰا بَيِّنٰاتٍ قٰالَ الَّذينَ لاٰ يَرْجُونَ لِقٰاءَنَا ائْتِ بِقُرْآنٍ غَيْرِ هٰذٰا أَوْ بَدِّلْهُ قُلْ مٰا يَكُونُ لي أَنْ أُبَدِّلَهُ مِنْ تِلْقٰاءِ نَفْسي إِنْ أَتَّبِعُ إِلاّٰ مٰا يُوحىٰ إِلَيَّ ﴾

و هرگاه آیات ما که روشن است بر آنان خوانده شود، کسانی که به دیدار [ثواب و عقاب] ما امید ندارند می‌گویند: قرآنی غیر از این بیاور، یا آن را عوض کن. بگو: برای من ممکن نیست که آن را از پیش خودم عوض کنم. جز از آن‌چه به من وحی می‌شود، پیروی نمی‌کنم.

۱۵۲. عَنِ أَبِی حَمزَةَ الثُمالِیِّ قالَ: سَأَلتُ أَباجعفرٍ عليه السلام عَن قَولِ اللهِ تَعالَی: ﴿ ائْتِ بِقُرْآنٍ غَيْرِ هٰذٰا أَوْ بَدِّلْهُ ﴾ فَقالَ أَبو جعفَرٍ عليه السلام: ذَلِكَ قَولُ أَعداءِ اللهِ لِرَسُولِ اللهِ مِن خَلفِهِ ـ وَ هُم يَرونَ أَنَّ اللهَ لا يَسمَعُ قَولَهُم: لَو أَنَّهُ جَعَلَ إِمامًا غَيرَ عَلِيٍّ أَو بَدَّلَهُ مَكانَهُ فَقالَ اللهُ رَدًّا عَلَيهِم قَولَهُم: ﴿ قُلْ مٰا يَكُونُ لي أَنْ أُبَدِّلَهُ مِنْ تِلْقٰاءِ نَفْسي ﴾ يَعنِی أَمیرَ المُؤمِنینَ عَلِیَّ بنَ أَبی طالِبٍ عليه السلام ﴿ إِنْ أَتَّبِعُ إِلاّٰ مٰا يُوحىٰ إِلَيَّ ﴾ مِن رَبِّی فِی عَلِیٍّ، فَذَلِكَ قَولُهُ ﴿ ائْتِ بِقُرْآنٍ غَيْرِ هٰذٰا أَوْ بَدِّلْهُ ﴾.

ابوحمزه ثمالی گفت: از امام محمّد باقر علیه‌السلام دربارهٔ کلام خداوند متعال «قرآنی غیر از این بیاور، یا آن را عوض کن» پرسیدم. ایشان فرمود: این سخن دشمنان خداوند است که پشت سر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله گفتند و گمان می‌کردند که خداوند سخن آن‌ها را نمی‌شنود: ای کاش او امامی جز علی می‌نهاد یا جایگاه او را عوض می‌کرد! خداوند در پاسخ آنان فرمود: «بگو: برای من ممکن نیست که آن را از پیش خودم عوض کنم.» یعنی امیرمؤمنان حضرت علی علیه‌السلام را و «جز از آن‌چه به من وحی می‌شود، پیروی نمی‌کنم» یعنی از سوی پروردگارم دربارهٔ حضرت علی علیه‌السلام، پس این بود کلام خداوند متعال: «قرآنی غیر از این بیاور، یا آن را عوض کن».

۱۵۳. عَنِ زِیدِبنِ عَلِیٍّ فِی هَذِهِ الآیَةِ:

(سورهٔ یونس، آیهٔ ۲۵)

﴿ وَاللّٰهُ يَدْعُوا إِلىٰ دٰارِ السَّلاٰمِ وَ يَهْدي مَنْ يَشٰاءُ إِلىٰ صِرٰاطٍ مُسْتَقيمٍ ﴾

و خداوند به سرای سلامت (بهشت) فرا می‌خواند، و هر که را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند.

قَالَ: إِلَی وَلَایَةِ أَمِیرِالمُؤمِنِین عَلِیِّ‌بنِ أَبِی‌طالِبٍ علیه‌السلام.

زیدبن علی گفت: در این آیه ولایت حضرت علی علیه‌السلام منظور است.

(سورهٔ یونس، آیهٔ ۳۲)

﴿ فَمٰا ذٰا بَعْدَ الْحَقِّ إِلاَّ الضَّلاٰلُ فَأَنّٰى تُصْرَفُونَ ﴾

بعد از حق جز گمراهی چیست؟ پس چگونه [از راه راست] برگردانده می‌شوید؟

۱۵۴. عَبدُالرَّحمَانِ‌بنِ الحَسَنِ التمِیمِیِّ البَزَّازُ مُعنعَنًا: عَنِ أَبِی‌عَبدِ اللهِ عَن أَبِیهِ عَن جَدِّهِ علیهم‌السلام قَالَ: خَطَبَ أَمیرُالمُؤمِنِینَ عَلیُّ‌بنُ أَبِی‌طالِبٍ علیه‌السلام عَلَی مِنبَرِ الکُوفَةِ وَ کَانَ فِیمَا قَالَ:

وَ اللهِ إِنّی لَدَیّانُ النّاسِ یومَ الدِّینِ وَ قَسِیمُ بینَ الجَنَّةِ وَ النّارِ ، لا یَدخُلُها الدّاخِلُ إِلّا عَلی أَحَدِ قِسمَیَّ ، وَ إِنِّی الفارُوقُ الأَکبرُ ، إِنَّ جَمِیعَ الرُّسلِ وَ المَلائِکَةِ وَ الأَرواحِ خُلِقُوا لِخَلقِنَا لَقَد أُعطِیتُ التِّسعَ الَّتِی لَم یَسبِقنِی إِلَیها أَحَدٌ ، عُلِمتُ فَصلَ الخِطابِ ، وَ بُصِّرتُ سَبِیلَ الکِتابِ ، و ازجَلُ إِلَی السَّبَحاتِ وَ عَلِمتُ عِلمَ المَنایا وَ البَلایا وَ القَضایا ، وَ بِی کَمالُ الدِّینِ ، وَ أَنا النِّعمَةُ الَّتِی أَنعَمَها اللهُ عَلی خَلقِهِ ، کُلُّ ذٰلِكَ مَنٌّ مَنَّ اللهُ بِهِ عَلَیَّ ، و مِنّا الرَّقِیبُ عَلی خَلقِ اللهِ ، وَ نَحنُ قَسَمُ اللهِ وَ حُجَّتُهُ بَینَ العِبادِ إِذ یَقُولُ اللهُ: ﴿ **اتَّقُوا اللهَ الَّذي تَسائَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحامَ إِنَّ اللهَ کانَ عَلَيْکُمْ رَقِيبًا**[1] ﴾.

عبدالرحمان بن حسن تمیمی روایت کرده است: امام جعفر صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش از جدّ بزرگوارش علیهم السلام نقل کرد که ایشان فرمود: حضرت علی علیه السلام در کوفه بر منبر خطبه‌ای خواند و در آن فرمود: به خدا سوگند منم مزددهندهٔ مردم در روز جزا و منم قسمت‌کنندهٔ بهشت و دوزخ، هیچ کس داخل بهشت و دوزخ نمی‌شود مگر به تقسیم من و من جداکنندهٔ بین حق و باطل هستم و همهٔ فرستادگان و فرشتگان و ارواح برای ما خلق شده‌اند. به من نُه چیز عطا شده که هیچ کس سوی آن‌ها بر من پیشی نگرفته است؛ به من فصل الخطاب تعلیم داده شده است و من به راه‌های کتاب بینا شده‌ام و به راندن و به صدا درآوردن ابرها آشنا شده، علم به مرگ‌ها و بلاها و قضاها به من داده شده است و حکومت‌ها و کمال دین به وجود من است و من آن نعمتی هستم که خدا بر خلق خود ارزانی داشته است و همهٔ این‌ها منّت‌های خداوند است که به من ارزانی داشته است و نگهبان بر خلق خدا از ما قرار داده شده است و ماییم سوگند خدا و حجت او در میان بندگان. خداوند می‌فرماید: «از خدا که به نام او از یکدیگر درخواست می‌کنید، و از [بریدن پیوند با] خویشاوندان پروا نمایید. همانا خداوند مراقب شماست.»

---

۱. نساء، ۱.

فَنحنُ أهلُ بَيتٍ عَصَمَنا اللهُ مِن أن نَكُونَ فَتّانِينَ أو كَذّابِينَ أو سَاحِرِينَ أو زَيّافِينَ ، فَمَن كَانَ فِيه شيءٌ مِن هَذِهِ الخِصَالِ فَليسَ مِنّا و لاَ نحنُ مِنهُ ، إنّا أهلُ بَيتٍ طَهَّرَنا اللهُ مِن كُلِّ نَجِسٍ ، نحنُ الصَّادِقُونَ إذَا نَطَقنا ، وَ العَالِمُونَ إذَا سُئِلنا ، أعطَانَا اللهُ عَشرَ خِصَالٍ لَم تَكُن لِأحدٍ قَبلَنَا و لاَ تَكونُ لِأحدٍ بَعدَنَا: الحِلمُ وَ العِلمُ وَ اللُّبُّ وَ الفُتُوَّةُ و الشَّجاعَةُ وَ السَّخَاوَةُ وَ الصَّبرُ وَ الصِّدْقُ وَ العِفَافُ وَ الطَّهَارَةُ ، فَنحنُ كَلِمَةُ التَقوى وَ سَبيلُ الهُدَى وَ المَثَلُ الأعلَى وَ الحُجَّةُ العُظمَى وَ العُروَةُ الوُثقَى وَ الحَقُّ الَّذِي أقَرَّ اللهُ بِهِ **﴿ فَما ذٰا بَعْدَ الْحَقِّ إلاَّ الضَّلاٰلُ فَأنّٰى تُصْرَفُونَ ﴾**.

ماییم اهل بیتی که خداوند ما را از این‌که فتنه‌گر و دروغ‌پرداز و جادوگر و تقلّب‌کار باشیم معصوم داشته است. پس کسی که در او اندکی از این خصال باشد از ما نیست و ما از او نیستیم. خدا ما اهل بیت را از هرگونه ناپاکی طهارت بخشید. چون به سخن درآییم راستگویانیم و چون از ما پرسیده شود دانایان. خداوند به ما ده خصلت عطا کرده که به هیچ کس پیش و پس از ما آن را نداده است: بردباری و علم و خردمندی و جوانمردی و شجاعت و سخاوت و صبر و صدق و عفاف و طهارت. ماییم کلمهٔ تقوا و راه هدایت و نمونهٔ والا و حجّت عظما و ریسمان استوار و آن حقّی که خداوند مقرّر داشت: «بعد از حق جز گمراهی چیست؟ پس چگونه [از راه راست] برگردانده می‌شوید؟»

(سورهٔ یونس، آیهٔ ۵۸)

﴿ قُلْ بِفَضْلِ اللهِ وَ بِرَحْمَتِهِ فَبِذٰلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمّا يَجْمَعُونَ ﴾

بگو: تنها باید به فضل و رحمت خدا شاد باشند، که آن بهتر است از آن‌چه [دشمنان] فراهم می‌آورند.

۱۵۵ . جَعفَرُ بنُ مُحمَّدٍ الفَزَارِيُّ مُعنعَنًا: عَنِ أبِي جَعفرٍ ﷺ في قَولِهِ تَعالَى: **﴿ قُلْ بِفَضْلِ اللهِ**

وَ بِرَحْمَتِهِ فَبِذٰلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ﴾. قَالَ: فَضلُ اللهِ النَّبِيُّ ﷺ وَبِرَحمَتِهِ أَمِيرُ المُؤمِنِينَ عَلِيُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ عليه السلام.

جعفربن محمّد فزاری روایت کرده است: امام محمّد باقر عليه السلام فرمود: در آیه «بگو تنها باید به فضل و رحمت خدا شاد باشند، که آن بهتر است از آن‌چه فراهم می‌آورند» فضل خدا پیامبر ﷺ و رحمت او، امیرمؤمنان حضرت علی عليه السلام است.

۱۵۶. عَن زَیدِبنِ أَرقَمَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: **﴿قُلْ بِفَضْلِ اللهِ وَ بِرَحْمَتِهِ﴾** فَمَن قَسَمَ اللهُ حُبَّنَا أَهلَ البَیتِ فَهُوَ خَیرٌ لَهُ مِن سُلطَانِ هَؤُلَاءِ خَیرٌ مِمَّا یَجمَعُونَ.

زیدبن ارقم گفت: پیامبر ﷺ فرمود: «بگو تنها باید به فضل و رحمت خدا [شاد باشید]» کسی که خداوند دوستی ما اهل بیت را قسمتش کرده باشد، این برایش بهتر است از سلطنت آنان و بهتر است از آن‌چه که آنان فراهم می‌آورند.

۱۵۷. جَعفَرُبنُ مُحَمَّدٍ الفَزَارِیُّ مُعَنعَنًا: عَنِ أَبِی جَعفَرٍ مُحَمَّدِبنِ عَلِیٍّ عليه السلام قَالَ: خَرَجَ رَسُولُ اللهِ ﷺ ذَاتَ یَومٍ وَ هُوَ رَاکِبٌ وَ خَرَجَ أَمِیرُ المُؤمِنِینَ عَلِیُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ عليه السلام وَ هُوَ یَمشِی فَقَالَ النَّبِیُّ ﷺ: یَا أَبَا الحَسَنِ إِمَّا أَن تَرکَبَ وَ إِمَّا أَن تَنصَرِفَ فَإِنَّ اللهَ أَمَرَنِی أَن تَرکَبَ إِذَا رَکِبتُ و تَمشِیَ إِذَا مَشَیتُ وَ تَجلِسَ إِذَا جَلَستُ إِلَّا أَن یَکُونَ حَدًّا مِن حُدُودِ اللهِ لَا بُدَّ لَكَ مِنَ القِیَامِ وَ القُعُودِ فِیهِ، وَ مَا أَکرَمَنِیَ اللهُ بِکَرَامَةٍ إِلَّا وَ قَد أَکرَمَكَ بِمِثلِهَا خَصَّنِی بِالنُّبُوَّةِ وَ الرِّسَالَةِ وَ جَعَلَكَ وَلِیَّ ذَلِكَ تَقُومُ فِی صَعبِ أُمُورِهِ وَ الَّذِی بَعَثَنِی بِالحَقِّ نَبِیًّا مَا آمَنَ بِی مَن کَفَرَ بِكَ وَ لَا أَقَرَّ بِی مَن جَحَدَكَ، وَ لَا آمَنَ بِاللهِ مَن أَنکَرَكَ وَ إِنَّ فَضلَكَ لَمِن فَضلِی وَ إِنَّ فَضلِی لِفَضلِ اللهِ وَ هُوَ قَولُ رَبِّی: **﴿قُلْ بِفَضْلِ اللهِ وَ بِرَحْمَتِهِ فَبِذٰلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ﴾**.

جعفر بن محمّد فزاری روایت کرده است امام محمّد باقر عليه السلام فرمود: روزی رسول خدا ﷺ از منزل خارج شد در حالی‌که سواره بود. حضرت علی عليه السلام نیز ایشان را همراهی می‌کرد در حالی‌که پیاده راه می‌رفت. پیامبر ﷺ فرمود: ای

اباحسن! یا سوار شو و یا برگرد؛ چراکه خداوند به من امر کرده که چون من سوار باشم تو نیز سوار باشی و چون من پیاده باشم تو نیز پیاده باشی و چون من نشستم تو نیز بنشینی؛ جز آن‌که حدّی از حدود خدا در کار باشد و چاره‌ای جز قیام و قعود در آن نداشته باشی. خداوند به هیچ ارجی مرا ارجمند نداشته جز آن‌که به همانندش تو را نیز ارج نهاده است. مرا ممتاز به نبوت و رسالت نمود و تو را ولی و جانشین آن قرار داد که به کارهای دشوارش رسیدگی می‌کنی. سوگند به خدایی که مرا به پیامبری برانگیخت، آن‌که به تو کافر باشد، به من ایمان ندارد و آن‌که تو را تکذیب کند، مرا تصدیق نکرده و آن‌که تو را انکار کند، به خداوند ایمان نیاورده است. فضل تو از فضل من و فضل من از فضل خداست. و این همان کلام پروردگارم است: «بگو: باید به فضل و رحمت خدا شاد باشد که آن بهتر است از آن‌چه [دشمنان] فراهم می‌آورند.»

وَ اللهِ یا عَلِیُّ مَا خُلِقتَ إلَّا لِیُعرَفَ بِكَ مَعَالِمُ الدِّینِ وَ یُصلَحَ بِكَ دَارِسُ السَّبِیل، وَ لَقَد ضَلَّ مَن ضَلَّ عَنكَ، وَلَم یَهتَدِ إلَی اللهِ مَن لَم یَهتَدِ إلَیكَ وَ إلَی وَلَایَتِكَ وَ هُوَ قَولُ رَبِّی: ﴿ وَ إنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَىٰ[1] ﴾؛ یَعنِی إلَی وَلَایَتِكَ.

وَ لَقَد أَمَرَنی رَبِّی أَن أَفتَرِضَ مِن حَقِّكَ مَا أَمَرَنی أَن أَفتَرِضَهُ مِن حَقِّی، فَحَقُّكَ مَفرُوضٌ عَلی مَن آمَنَ بِی کَإفتِرَاضِ حَقِّی عَلَیهِ، وَ لَولَاكَ لَم یُعرَف حِزبُ اللهِ، وَبِكَ یُعرَفُ عَدُوُّ اللهِ، وَ لَو لَم یَلقَوهُ بِوَلَایَتِكَ مَا لَقَوهُ بِشَیءٍ، وَ إنَّ مَکَانِی لَأَعظَمُ مِنْ مَکَانِ مَن تَبِعَنِی.

ای علی! به خدا سوگند تو تنها از آن رو آفریده شده‌ای که نشانه‌های دین از تو شناخته شود و راه‌های فرسوده از تو بهبود یابد، به راستی آن‌که از تو گمراه شود، گمراه است و آن‌که سوی تو و ولایت تو راه نیابد، سوی خدا راه نیافته است و این همان کلام پروردگارم است: «و به راستی من آمرزنده کسی هستم که توبه کند و ایمان بیاورد و کار نیک انجام دهد، سپس هدایت یابد.» یعنی

۱. طه، ۸۲.

سوی ولایت تو هدایت شود. خداوند مرا امر کرده تا آن حقی را که برای خود واجب گرداندم، برای تو نیز واجب گردانم. پس هر که به من ایمان آورد، همچنان که حقّ من بر او واجب است، حقّ تو نیز بر او واجب گردد. اگر تو نبودی حزب خدا شناخته نمی‌شد و به وسیلهٔ تو دشمن خدا شناخته می‌شود و هر که خدا را بدون ولایت تو ملاقات کند، بدون هیچ چیز او را ملاقات کرده است و بی‌تردید جایگاه من والاتر است از جایگاه کسی که در پی من می‌آید.

وَ لَقد أنزَلَ اللهُ فِيكَ: ﴿ **يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ**[1] ﴾ يَعنِى مِن وَلَايَتِكَ يَا عَلِيُّ ﴿ **وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ**[2] ﴾ ، فَلَولَم أُبَلِّغ مَا أُمِرتُ بِهِ لَحَبِطَ عَمَلِي وَ مَن لَقِيَ اللهَ بِغَيرِ وَلايَتِكَ فَقَدَ حَبِطَ عَمَلُهُ ، مُوعُودُ مَا أَقُولُ لَكَ إِلَّا مَا يَقُولُ رَبِّی ، وَإِنَّ الَّذِی أَقُولُ لَكَ لَمِنَ اللهِ نَزَلَ فِيكَ ، فَإِلَى اللهِ أَشكُو تظَاهُرَ أُمَّتِى عَلَيكَ وَ إِلَى اللهِ أَشكُو مَا يَركَبُونَكَ بِهِ بَعدِى.

أَمَّا أَنَّهُ يَا عَلِيُّ مَا تَرَكَ قِتَالِى مَن قَاتَلَكَ ، وَ لَا سِلمَ لِى مَن نَصَبَ لَكَ وَ إِنَّكَ لَصَاحِبُ الأَكوَابِ و صَاحِبُ المَوَاقِفِ المَحمُودَةِ فِى ظِلِّ العَرشِ أَينَمَا أَوقَفُ فَتُدعَى إِذَا دُعِيتُ وَ تُحيَى إِذَا حُيِيتُ وَ تُكسَى إِذَا كُسِيتُ ، حَقَّت كَلِمَةُ العَذَابِ عَلَى مَن لَمْ يُصَدِّق قَولِى فِيكَ ، وَ حَقَّت كَلِمَةُ الرَّحمَةِ لِمَن صَدَّقَنِى ، وَ مَا رَكِبتُ بِأَمرٍ إِلَّا وَ قَد رَكِبتَ بِهِ ، وَ مَا اغتَابَكَ مُغتَابٌ وَ لَا أَعَانَ عَلَيكَ إِلَّا هُوَ فِى حَيِّزِ إِبلِيسَ ، وَ مَن وَالَاكَ وَ وَالَى مَن هُوَ مِنكَ مِن بَعدِكَ كَانَ مِن حِزبِ اللهِ وَ حِزبُ اللهِ هُمُ المُفلِحُونَ.

و خداوند این آیه را دربارهٔ تو نازل فرمود: «ای پیامبر! آن‌چه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده است [به مردم] ابلاغ کن». یعنی ولایت تو را ای علی! «و اگر [چنین] نکنی، پیام او را نرسانده‌ای». اگر آن‌چه را که بدان امر شده بودم ابلاغ نمی‌کردم، هر آینه عملم تباه می‌شد و هرکس خدا را بدون

---

۱. مائده، ۶۷

۲. همان

ولایت تو ملاقات کند، عملش تباه شده است. چنین است که هر آن‌چه برایت می‌گویم، همه سخن پروردگارم است که دربارهٔ تو نازل شده است. از روی‌گرداندن امتم بر تو و از آن‌چه که پس از من در حق تو روا می‌دارند، به سوی خدا شکایت می‌کنم. ای علی! آنکه با تو بجنگد، از جنگ با من کناره نگرفته و آنکه با تو جنگ افروزد، با من در آشتی نیست. همانا تو صاحب اکواب و مواقف محموده در زیر سایه عرش خدایی. هر کجا بایستم و مرا فراخوانند، تو نیز فراخوانده می‌شوی و چون زنده شوم، تو نیز زنده می‌شوی و چون لباس بر تنم شود، تو نیز پوشانده می‌شوی. کلمهٔ عذاب برای کسی که قول مرا در مورد تو تصدیق نمی‌کند، راست است و کلمه رحمت برای کسی که مرا تصدیق کند، حق است. پا در امری نگذاشته‌ام جز آنکه تو در آن پا گذاشته‌ای. هیچ غیبت‌کننده‌ای تو را بد نمی‌گوید و هیچ کس دشمن تو را یاری نمی‌دهد جز آن‌که در جرگه ابلیس است و آن کس که تو را یار باشد و پس از تو نیز با یاران تو باشد، او در گروه حزب الله است و ایشان رستگارند.

(سورهٔ یونس، آیهٔ ۹۴)

﴿ فَإِنْ كُنْتَ فِي شَكٍّ مِمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَسْئَلِ الَّذِينَ يَقْرَؤُنَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ ﴾

و اگر نسبت به آن‌چه به سوی تو نازل کرده‌ایم در شکّی، پس از کسانی که کتاب [آسمانی] را پیش از تو می‌خواندند، سؤال کن.

۱۵۸. عَن زُرارَةَ بنِ أَعيَنَ قالَ: قُلتُ لِأَبی جعفرٍ عليه السلام آيَةً فِی كِتابِ اللهِ تَعالَی نسأَلُكَ قالَ: وَ مَا هِیَ؟ قُلتُ: قَولُهُ: **﴿ فَإِنْ كُنْتَ فِي شَكٍّ مِمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَسْئَلِ الَّذِينَ يَقْرَؤُنَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ ﴾** مَن هَؤُلَاءِ الَّذِينَ أُمِرَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله بِسُؤَالِهِم فَقَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وآله لَمَّا أُسرِیَ بِهِ إِلَی السَّمَاءِ فَصارَ فِی السَّماءِ الرَّابِعَةِ جَمَعَ اللهُ لِیَ النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ

وَ المَلائِكَة ، فَأَذَّنَ جبرَئِيلُ ﷺ وَ أَقامَ الصَّلاةَ ثُمَّ تَقدَّمَ رَسُولُ اللهِ ﷺ فَصَلّى بِهِم فَلَمّا انصَرَفَ قَالَ: بِمَ تَشهَدُونَ؟ قَالُوا: نَشهَدُ أَن لاَ إِلـه إِلَّا اللهُ وَ إِنَّكَ رَسُولُ اللهِ و إِنَّ عَـلِيًّا أَمِيرُ المُؤمِنِينَ فَهُوَ مَعنَى قَولُه: ﴿ فَسْئَلِ الَّذينَ يَقْرَؤُنَ الْكِتابَ مِنْ قَبْلِكَ ﴾.

زرارةبن اعین گفت: به امام محمّد باقر ﷺ عرض کردم: دربارهٔ آیه‌ای از کتاب خدا سؤالی داریم. فرمود: کدام آیه؟ عرض کردم: کلام حق تعالی «و اگر نسبت به آن‌چه به سوی تو نازل کرده‌ایم در شکّی، پس از کسانی که کتاب [آسمانی] را پیش از تو می‌خواندند، سؤال کن.» آنان چه کسانی‌اند که رسول خدا ﷺ به سؤال کردن از آنان امر شده است؟ ایشان فرمود: چون رسول خدا ﷺ را شبانه سوی آسمان بردند و ایشان به آسمان چهارم رسید، خداوند پیامبران و صدّیقان و فرشتگان را برای ایشان گرد آورد. آن‌گاه جبرئیل ﷺ اذان گفت و نماز به پا داشت و رسول خدا ﷺ پیش آمد و نماز آنان را امامت کرد و چون نماز را به پایان رسانید فرمود: به چه چیز شهادت می‌دهید؟ عرض کردند: شهادت می‌دهیم که هیچ خدایی جز خداوند یگانه نیست و تو رسول خدایی و علی ﷺ امیرمؤمنان است. این همان معنی کلام خداوند است که فرمود: «پس از کسانی که کتاب [آسمانی] را پیش از تو می‌خواندند، سؤال کن.»

وَ مِن سُورَةِ هُودَ

(سورهٔ هود، آیهٔ ۷)

﴿ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ ﴾

و عرش او بر آب بود.

۱۵۹ . عُبَيدُبنُ كَثِيرٍ مُعَنعَنًا: عَنِ الحَسَنِ بنِ عَلِيِّ بنِ أَبي طالِبٍ عليه السلام قالَ: شَهِدتُ أَبي عِندَ عُمَرَ بنِ الخَطَّابِ وَ عِندَهُ كَعبُ الأَحبارِ وَ كَانَ رَجُلاً قد قَرَأَ التَّوراةَ وَ كُتُبَ الأَنبياءِ عليهم السلام فَقالَ لَهُ عُمَرُ: يا كَعبُ مَن كَانَ أَعلَمَ بَنِي إِسرَائِيلَ بَعدَ مُوسَى بنِ عِمرَانَ عليه السلام؟ قالَ: كَانَ أَعلَمُ بَنِي إِسرَائِيلَ بَعدَ مُوسَى بنِ عِمرَانَ يُوشَعَ بنَ نُونٍ وَ كَانَ وَصِيَّ مُوسَى بنِ عِمرَانَ بَعدَهُ وَ كَذَلِكَ كُلُّ نَبِيٍّ خَلا مِن قَبلِ مُوسَى بنِ عِمرَانَ وَ مِن بَعدِهِ كَانَ لَهُ وَصِيٌّ يَقُومُ فِي أُمَّتِهِ مِن بَعدِهِ.

فَقالَ لَهُ عُمَرُ: فَمَن وَصِيُّ نَبِيِّنَا وَ عَالِمُنا؟ أَبُوبَكرٍ؟ قالَ: وَ عَلِيٌّ سَاكِتٌ لَايَتَكَلَّمُ فَقالَ كَعبُ: مَهلاً فَإِنَّ السُّكُوتَ عَن هَذا أَفضَلُ، كَانَ أَبُوبَكرٍ رَجُلًا حَظَى بِالصَّلاحِ فَقَدَّمَهُ المُسلِمُونَ لِصَلاحِهِ، وَ لَم يَكُن بِوَصِيٍّ، فَإِنَّ مُوسَى بنَ عِمرَانَ لَمَّا تُوفِّيَ أَوصَى إِلَى يُوشَعَ بنِ نُونٍ فَقَبِلَهُ طَائِفَةٌ مِن بَنِي إِسرَائِيلَ وَ أَنكَرَت فَضلَهُ طَائِفَةٌ فَهِيَ الَّتِي ذَكَرَ اللهُ فِي القُرآنِ: ﴿ **فَآمَنَتْ طَائِفَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ كَفَرَتْ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ**

فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ[۱] ﴾ وَ كَذَلِكَ الأَنبياءُ السَّالِفَةُ وَ الأُمَمُ الخَالِيَةُ لَم يَكُن نَبِيٌّ إِلَّا وَ قَد كَانَ لَهُ وَصِيٌّ يَحسُدُهُ قَومُهُ وَ يَدفَعُونَ فَضلَهُ.

عبیدبن کثیر روایت کرده است: امام حسن علیه السلام فرمود: پدرم را نزد عمربن خطاب دیدم حال آن‌که کعب الاحبار نیز آنجا بود و او مردی بود که تورات و کتب پیامبران را خوانده بود. عمر به او گفت: ای کعب! پس از موسی‌بن عمران چه کسی داناترین بنی اسرائیل بود؟ گفت: داناترین مرد بنی‌اسرائیل پس از موسی، یوشع‌بن نون بود که پس از موسی‌بن عمران وصی او بود. هر پیامبری که پیش از موسی و پس از او بود، جانشینی داشت که پس از او به کار امتش می‌پرداخت. عمر به او گفت: وصی پیامبر ما و دانای ما کیست؟ ابوبکر؟ در این هنگام حضرت علی علیه السلام ساکت بود و سخنی نمی‌گفت. کعب گفت: آرام باش که در این باره سکوت بهتر است. ابوبکر مردی نیکوکار بود که مسلمانان برای نیکوکاری‌اش او را مقدم داشتند، امّا وصیّ نبود. هنگامی‌که موسی‌بن عمران درگذشت، یوشع‌بن نون را وصیّ خود قرار داد. گروهی از بنی‌اسرائیل او را پذیرفتند و گروهی برتری او را منکر شدند و این همان است که خداوند در قرآن از آن یاد کرد: «پس گروهی از بنی اسرائیل ایمان آوردند و گروهی کفر ورزیدند، آن‌گاه کسانی را که ایمان آوردند [ضدّ] دشمنانشان یاری کردیم تا چیره شوند.» در میان پیامبران گذشته و امت‌های پیشین هر پیامبری یک وصی داشت که قومش بر او حسد می‌بردند و برتری او را انکار می‌کردند.

فَقَالَ: وَيحَكَ يَا كَعبُ فَمَن تَرَى وَصِيَّ نَبِيِّنَا؟ قَالَ كَعبُ: مَعرُوفٌ فِي جَمِيعِ كُتُبِ الأَنبِيَاءِ وَالكُتُبِ المُنزَلَةِ مِنَ السَّمَاءِ عَلِيٌّ أَخُو النَّبِيِّ العَرَبِيِّ يُعِينُهُ عَلَى أَمرِهِ وَ يُوَازِرُهُ عَلَى مَن نَاوَاهُ، لَهُ زَوجَةٌ مُبَارَكَةٌ وَ لَهُ مِنهَا ابنَانِ يَقتُلُهُمَا أُمَّتُهُ مِن بَعدِهِ، وَ يَحسُدُ وَصِيَّهُ كَمَا حَسَدَتِ الأُمَمُ أَوصِيَاءَ أَنبِيَائِهَا، فَيَدفَعُونَهُ عَن حَقِّهِ وَ يَقتُلُونَ وُلدَهُ مِن بَعدِهِ كَحَذوِ الأُمَمِ المَاضِيَةِ.

---

۱. صف، ۱۴.

قَالَ: فَأَفحَمَ عُمَرُ عِندَهَا وَ قَالَ: يَا كَعبُ لَئِن صَدَقتَ فِي كِتَابِ اللهِ المُنزَلِ قَلِيلاً لَقَد كَذَبتَ كَثِيرًا. فَقَالَ كَعبُ: وَاللهِ مَا كَذَبتُ فِي كِتَابِ اللهِ قَطُّ وَلكِن سَأَلتَنِي عَن أَمرٍ لَم يَكُن لِي بُدٌّ مِن تَفسِيرِهِ وَ الجَوَابِ فِيهِ، فَإِنِّي لَأَعلَمُ أَنَّ أَعلَمَ هَذِهِ الأُمَّةِ أَمِيرُ المُؤمِنِينَ عَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام بَعدَ نَبِيِّهَا لِأَنِّي لَم أَسأَلهُ عَن شَيءٍ إِلَّا وَجَدتُ عِندَهُ عِلمًا تُصَدِّقُهُ بِهِ التَّورَاةُ وَ جَمِيعُ كُتُبِ الأَنبِيَاءِ.

فَقَالَ لَهُ عُمَرُ: أُسكُت يَا ابنَ اليَهُودِيَّةِ فَوَاللهِ إِنَّكَ لَكَثِيرُ التَّخَرُّصِ بِكَذِبٍ فَقَالَ كَعبُ: وَاللهِ مَا عَمِلتُ أَنِّي كَذَبتُ فِي شَيءٍ مِن كِتَابِ اللهِ مُنذُ جَرَى لِلّهِ عَلَيَّ الحُكمُ، وَ لَئِن شِئتَ لَأُلقِيَنَّ عَلَيكَ شَيئًا مِن عِلمِ التَّورَاةِ فَإِن فَهِمتَهُ فَأَنتَ أَعلَمُ مِنهُ وَ إِن فَهِمَهُ فَهُوَ أَعلَمُ مِنكَ.

فَقَالَ لَهُ عُمَرُ: هَاتِ بَعضَ هَنَاتِكَ.

عمر گفت: وای بر تو ای کعب! پس به نظر تو وصیّ پیامبر ما کیست؟ کعب گفت: او در کتب همهٔ پیامبران و کتب آسمانی معروف است، او همان علی علیه السلام برادر پیامبر عربی است که در امورش یاور او و در برابر دشمنانش، پشتیبان اوست. او همسری بزرگوار و از او دو پسر دارد که امتش پس از او آن دو را می‌کشند و به وصیّ او حسد می‌برند؛ همان‌گونه که امت‌های گذشته به اوصیای پیامبرانشان حسد بردند، پس به دنباله‌روی از امت‌های پیشین او را از حقّش باز می‌دارند و فرزندانش را به قتل می‌رسانند. عمر مبهوت شد و گفت: ای کعب! اگر دربارهٔ کتاب خدا کمی راست گفتی، در کنار آن بسیار هم دروغ گفتی.

کعب گفت: من هرگز درباره کتاب خدا دروغ نگفته‌ام، ولی از من چیزی پرسیدی که چاره‌ای جز بیان پاسخ و توضیح آن را نداشتم.

من خوب می‌دانم که داناترین این امت پس از پیامبرشان، امیرمؤمنان علی علیه السلام است؛ زیرا من هر چه از او پرسیدم، دانشی نزد او یافتم که تورات و کتب همهٔ پیامبران تصدیق‌کنندهٔ آن بود. عمر به او گفت: ای یهودی زاده! ساکت شو، به خدا سوگند که تو حدس و گمان‌های دروغ بسیاری داری. کعب گفت: به خدا

سوگند از زمانی که مکلف شده‌ام، یاد ندارم که دربارهٔ چیزی از کتاب خدا دروغ گفته باشم، اگر می‌خواهی گوشه‌ای از دانش تورات را بر تو عنوان می‌کنم، اگر فهمیدی، تو از او داناتری و اگر او آن را فهمید، پس او از تو داناتر است. عمر به او گفت: برخی از آنچه نزدت است بیاور.

فَقَالَ كَعبُ: أَخبِرنِی عَن قَولِ اللهِ تَعالَی: ﴿**وَ كَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ**﴾ فَأَینَ كَانَتِ الأَرضِ وَ أَینَ كَانَتِ السَّماءُ وَ أَینَ كَانَ جَمِیعُ خَلقِهِ؟ فَقَالَ لَهُ عُمَرُ: وَ مَن یَعلَمُ غَیبَ اللهِ مِنَّا إِلّا مَا سَمِعَهُ رَجُلُ مِن نَبِیِّنَا قَالَ: وَ لَكِن أَخَاكَ أَبَا حَسَنٍ أَخَالُ لَو سُئِلَ عَن ذَلِكَ لَشَرَحَهُ بِمِثلِ مَا قَرَأنَاهُ فِی التَّورَاةِ. فَقَالَ لَهُ عُمَرُ: فَدُونَكَه إِذَا اختَلَفَ المَجلِسُ.

قَالَ: فَلَمَّا دَخَلَ عَلَى عُمَرَ أَصحَابُهُ أَرَادُوا إِسقَاطَ أَمِیرِ المُؤمِنِینَ عَلِیِّ بنِ أَبِی طَالِبٍ ﷺ فَقَالَ كَعبُ: یَا أَبَا الحَسَنِ أَخبِرنِی عَن قَولِ اللهِ تَعَالَی فِی كِتَابِهِ: ﴿**وَ كَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِیَبْلُوَكُمْ أَیُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلاً**﴾ قَالَ أَمِیرُ المُؤمِنِینَ عَلِیُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ ﷺ: نَعَم. كَانَ عَرشُهُ عَلَى المَاءِ حِینَ لَا أَرضَ مَدحِیَّةٌ، وَلَا سَمَاءَ مَبنِیَّةٌ، وَلَا صَوتَ یُسمَعُ، وَلَا عَینَ تَنبُعُ، وَ لَا مَلَكَ مُقَرَّبُ، وَ لَا نَبِیَّ مُرسَلُ، وَ لَا نَجمَ یَسرِی، وَلَا قَمَرَ یَجرِی، وَلَا شَمسَ تُضِیءُ، وَ عَرشُهُ عَلَى المَاءِ، غَیرُ مُستَوحِشٍ إِلَى أَحَدٍ مِن خَلقِهِ، یُمَجِّدُ نَفسَهُ وَ یُقَدِّسُهَا كَمَا شَاءَ أَن یَكُونَ كَانَ.

کعب گفت: درباره این آیه که خداوند می‌فرماید: «و عرش او بر آب بود» برایم توضیح بده؛ در این هنگام، زمین و آسمان و همهٔ آفریدگان الهی کجا بوده‌اند؟ عمر به او گفت: تنها کسی از ما امور غیبی را می‌داند که از پیامبرمان چیزی شنیده باشد. گفت: ولی گمان می کنم که اگر این مسئله از اباحسن ﷺ پرسیده شود، آن را همان گونه که ما در تورات خوانده‌ایم، بیان کند. عمر به او گفت: پس هنگامی که به مجلس وارد شد، نزدیک او شو و از او بپرس. هنگامی که علی ﷺ بر عمر و یارانش وارد شد، خواستند که امیرمؤمنان علی ﷺ شکست بخورد، کعب گفت: ای اباحسن! درباره این سخن خداوند که می فرماید

«و عرش او بر آب بود، تا شما را بیازماید که کدام‌یک از شما نیکوکارتر است» برایم توضیح بده. امیرمؤمنان حضرت علی ﷺ فرمود: آری؛ عرش او بـر آب بود، آن‌گاه که هیچ زمینی گسترده نبود و هیچ آسمانی بنا نشده بود و هیچ آوایی شنیده نمی‌شد و هیچ چشمه‌ای نمی‌جوشید و هیچ فرشتهٔ مقرّبی نبود و هیچ پیامبر فرستاده‌شده‌ای نبود و هیچ ستاره‌ای شب‌روی نمی‌کرد و هیچ ماهی در گردش نبود و هیچ خورشیدی نمی‌تابید و عرش او بر آب بـود بـدون آن‌کـه دلتنگ هـیچ‌یک از آفـریدگانش بـاشد، خـود را بـزرگ مـی‌داشت و تـقدیس می‌نمود و آن‌چنان‌که می‌خواست باشد، بود.

ثُمَّ بَدَأَ أَن يَخلُقَ الخَلقَ فَضَرَبَ بِأَموَاجِ البُحُورِ فَثَارَ مِنهَا مِثلُ الدُّخَانِ كَأَعظَمِ مَا يَكُونُ مِن خَلقِ اللهِ فَبَنَى بِهَا سَمَاءً رَتقًا، ثُمَّ دَحَى الأَرضَ مِن مَوضِعِ الكَعبَةِ وَ هِيَ وَسطُ الأَرضِ فَطَبَقَت إِلَى البِحَارِ، ثُمَّ فَتَقَهَا بِالبُنيَانِ وَجَعَلَهَا سَبعًا بَعدَ إِذ كَانَت وَاحِدَةً ثُمَّ استَوَى إِلَى السَّمَاءِ وَ هِيَ دُخَانٌ مِن ذَلِكَ المَاءِ الَّذِي أَنشَأَهُ مِن تِلكَ البُحُورِ فَخَلَقَهَا سَبعًا طِبَاقًا بِكَلِمَتِهِ الَّتِي لَا يَعلَمُهَا غَيرُهُ، وَ جَعَلَ فِي كُلِّ سَمَاءٍ سَاكِنًا مِنَ المَلَائِكَةِ خَلَقَهُم مَعصُومِينَ مِن نُورٍ مِن بُحُورٍ عَذبَةٍ وَ هُوَ بَحرُ الرَّحمَةِ، وَ جَعَلَ طَعَامَهُمُ التَّسبِيحَ وَ التَّهلِيلَ وَ التَّقدِيسَ.

فَلَمَّا قَضَى أَمرَهُ وَ خَلقَهُ استَوَى عَلَى مُلكِهِ فَمُدِحَ كَمَا يَنبَغِي لَهُ أَن يُحمَدَ، ثُمَّ قَدَّرَ مُلكَهُ فَجَعَلَ فِي كُلِّ سَمَاءٍ شُهُبًا مُعَلَّقَةً كَوَاكِبَ كَتَعلِيقِ القَنَادِيلِ مِنَ المَسَاجِدِ مَا لَا يُحصِيهَا غَيرُهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى، وَ النَّجمُ مِن نُجُومِ السَّمَاءِ كَأَكبَرِ مَدِينَةٍ فِي الأَرضِ.

سپس خواست که خلق را بیافریند، موج دریاها را بـه راه انـداخت و چـیزی چون دود که گویی بزرگ‌ترین آفریده خدا بود برخاست و آن‌گاه آسمانی بسته از آن بنا کرد و سپس زمین را از زیر جای کعبه برکشید و پهن کرد که آن قسمت وسط زمین است. سپس آن را با دریاها متصل کرد و بعد از آن‌که یکی شدند، آن‌ها را هفت طبقه قرارداد. سپس به آسمان پرداخت و آن، دودی بود برخاسته

از آبی که از آن دریاها برپایش داشته بود، آن‌گاه به کلمه‌ای که هیچ کس جز او آن را نمی‌داند، آسمان را در هفت طبقه بیافرید و در هر آسمانی فرشتگانی را قرارداد که آن‌ها معصوم بودند از گناه و از نوری برگرفته از دریاهای خوشگوار که همان دریای رحمت است خلق شده بودند و طعام آن‌ها را تسبیح و تهلیل و تقدیس قرار داد. پس از این‌که کارش و خلقتش انجام گرفت، بر ملک خود استوار شد و آن چنان که شایستهٔ او بود، ستوده شد؛ سپس ملک خود را مقدّر فرمود و در هر آسمانی اخترانی فروزان مانند چراغ‌هایی که در مساجد آویزانند آویخت و جز ذات بلند مرتبه خودش کسی بر شمار آن‌ها آگاه نیست. ستاره‌ای از ستارگان آسمان بزرگ‌تر از شهری در زمین است.

ثُمَّ خَلَقَ الشَّمسَ وَ القَمرَ فَجَعَلَهُمَا شَمسَينِ فَلَو تَرَكَهُمَا تَبارَكَ وَ تَعالَى كَمَا كَانَ إبتِدَائُهُمَا فِى أَوَّلِ مَرَّةٍ لَم يُعرَف خِلقَةُ اللَّيلِ مِنَ النَّهارِ وَ لا عُرِفَ الشَّهرُ وَ لا السَّنَةُ وَ لا عُرِفَ الشِّتَاءُ مِنَ الصَّيفِ وَ لا عُرِفَ الرَّبِيعُ مِنَ الخَرِيفِ، وَ لَا عَلِمَ أَصحَابُ الدِّينِ مَتَى يَحُلُّ دَينُهُم، وَ لا عَلِمَ العَامِلُ مَتَى يَنصَرِفُ فِى مَعِيشَتِهِ، وَ مَتَى يَسكُنُ لِرَاحَةِ بَدَنِهِ، فَكَانَ اللهُ تَبارَكَ أَرأَف بِعِبَادِهِ وَ أَنظَرَ لَهُم، فَبَعَثَ جَبرَئِيلُ إِلَى إِحدَى الشَّمسَينِ فَمَسَحَ بِهَا جَنَاحَهُ فَأَذهَبَ مِنهَا الشُّعَاعَ وَ النُّورَ وَ تَرَكَ فِيهَا الضُّوءَ فَذَلِكَ قَولُهُ: ﴿ **وَ جَعَلْنَا اللَّيْلَ وَ النَّهارَ آيَتَيْنِ فَمَحَوْنا آيَةَ اللَّيْلِ وَ جَعَلْنا آيَةَ النَّهارِ مُبْصِرَةً لِتَبْتَغُوا فَضْلاً مِنْ رَبِّكُمْ وَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنينَ وَ الْحِسابَ وَ كُلَّ شَيْءٍ فَصَّلْناهُ تَفْصيلاً**[1] ﴾ وَ جَعَلَهُمَا يَجرِيَانِ فِى الفَلَكِ وَ الفَلَكُ يَجرِى فِيمَا بَينَ السَّمَاءِ وَ الأَرضِ مُستَطِيلُ فِى السَّمَاءِ إِستِطَالَتُهُ ثَلاثَةُ فَرَاسِخَ يَجرِى فِى غَمرَةِ الشَّمسِ وَ القَمَرِ، كُلُّ وَاحِدٍ مِنهُمَا عَلَى عَجَلَةٍ يَقُودُهُمَا ثَلاثُمِائَةِ مَلَكٍ بِيَدِ كُلِّ مَلَكٍ مِنهَا عُروَةٌ يَجُرُّونَهَا فِى غَمرَةِ ذَلِكَ البَحرِ، لَهُم رِجلٌ بِالتَّهلِيلِ وَ التَّسبِيحِ وَ التَّقدِيسِ، لَو بَرَزَ وَاحِدٌ مِنهَا مِن غَمرِ ذَلِكَ البَحرِ لَاحتَرَقَ كُلُّ شَىءٍ عَلَى وَجهِ الأَرضِ حَتَّى الجِبَالُ وَ الصُّخُورُ وَ مَا خَلَقَ اللهُ مِن شَىءٍ.

---

۱. الاسراء، ۱۲

سپس خورشید و ماه را آفرید و هر دو را تابنده قرار داد و اگر خداوند تبارک و تعالی آن‌ها را همچون آفرینش آغازین آن‌ها رها کرده بود، دیگر شب از روز و ماه از سال شناخته نمی‌شد و دیگر زمستان از تابستان و بهار از پاییز جدا نمی‌گردید. دینداران نیز وقت اعمال و وظایف دینی خود را نمی‌دانستند و کارگر نمی‌دانست چه زمانی باید به دنبال کسب روزی خود برود و چه زمانی استراحت کند. اما خداوند تبارک و تعالی به بندگانش مهربان و رئوف بود و در کارشان نگریست و جبرئیل را سوی یکی از آن‌دو ستارهٔ تابان فرستاد و او پر خود را بر آن کشید و این‌گونه تابش و نور را از آن برد و روشنی را در آن برجا گذاشت و این همان کلام خداوند متعال است: «شب و روز را دو نشانه قرار دادیم، سپس نشانه شب [نور ماه] را محو کردیم و نشانه روز را روشن قرار دادیم تا از پروردگارتان فزونی طلبید و تا شمارش سال‌ها و حساب [چیزهای دیگر] را بدانید، و هر چیزی را که به آن نیاز دارید به تفصیل بیان کردیم.» و آن‌دو را در فلک به جریان انداخت و فلک را میان آسمان و زمین جاری ساخت و درازایش را به اندازهٔ سه فرسخ رو به آسمان نهاد و آن در فراز و نشیب خورشید و ماه در جریان است و هر یک از این‌دو بر چرخی است و سیصد فرشته آن دو چرخ را می‌رانند که در دست هر یک از آنان حلقه‌ای است که آن را در ژرفای آن دریا می‌کشند و با تهلیل و تسبیح و تقدیس در راه‌اند و اگر یکی از آنان سر از ژرفای آن بحر بیرون کند، هر آینه همه آن‌چه بر روی زمین است، در آتش بسوزد، حتی کوه‌ها و صخره‌ها و هر آن‌چه خداوند متعال آفریده است.

فَلَمَّا خَلَقَ اللهُ السَّمَاوَاتِ وَالأَرضَ وَ اللَّيلَ وَ النَّهارَ وَ النُّجُومَ وَ الفَلَكَ وَ جَعَلَ الأَرضِينَ عَلَى ظَهرِ حُوتٍ أَثقَلَهَا فَاضطَرَبَت فَأَثبَتَهَا بِالجِبَالِ.

فَلَمَّا استَكمَلَ خَلقَ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ الأَرضِ يَومَئِذٍ خَالِيَةٌ لَيسَ فِيهَا أَحَدٌ قَالَ ﴿ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَ تَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَ يَسْفِكُ الدِّمَاءَ

وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ قالَ إِنِّي أَعْلَمُ ما لا تَعْلَمُونَ[۱] ﴾ ، فَبَعَثَ اللهُ جَبرَئِيلَ فَأَخَذَ مِن أَدِيمِ الأَرضِ قَبضَةً فَعَجَنَهُ بِالمَاءِ العَذبِ وَ المَالِحِ وَ رَكَّبَ فِيهِ الطَّبَائِعَ قَبلَ أَن يَنفُخَ فِيهِ الرُّوحَ فَخَلَقَهُ مِن أَدِيمِ الأَرضِ فَلِذَلِكَ سُمِّيَ آدمَ لِأَنَّهُ لَمَّا عُجِنَ بِالمَاءِ استَأْدَمَ فَطَرَحَهُ فِي الجَبَلِ كَالجَبَلِ العَظِيمِ وَ كَانَ إِبلِيسُ يَومَئِذٍ خَازِنًا عَلَى السَّمَاءِ الخَامِسَةِ يَدخُلُ فِي مَنخِرِ آدَمَ ثُمَّ يَخرُجُ مِن دُبُرِهِ ثُمَّ يَضرِبُ بِيَدِهِ فَيَقُولُ لِأَيِّ أَمرٍ خُلِقتَ لَئِن جُعِلتَ فَوقِي لَا أَطَعتُكَ وَ لَئِن جُعِلتَ أَسفَلَ مِنِّي لَا أُعِينُكَ فَمَكَثَ فِي الجَنَّةِ أَلفَ سَنَةٍ مَا بَينَ خَلقِهِ إِلَى أَن يُنفَخَ فِيهِ الرُّوحُ فَخَلَقَهُ مِن مَاءٍ وَ طِينٍ وَ نُورٍ وَ ظُلمَةٍ وَ رِيحٍ ، وَ النُّورُ مِن نُورِ اللهِ ، فَأَمَّا النُّورُ فَيُورِثُهُ الإِيمَانَ ، وَ أَمَّا الظُّلمَةُ فَتُورِثُهُ الضَّلَالَ وَ الكُفرَ ، وَ أَمَّا الطِّينُ فَيُورِثُهُ الرِّعدَةَ وَ الضَّعفَ وَ الإِقشِعرَارَ عِندَ إِصَابَةِ المَاءِ فَيَنبَعِثُ بِهِ عَلَى أَربَعِ الطَّبَائِعِ عَلَى الدَّمِ وَ البَلغَمِ وَ المِرَارِ وَ الرِّيحِ فَذَلِكَ قَولُهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: ﴿ أَ وَ لا يَذْكُرُ الْإِنْسانُ أَنَّا خَلَقْناهُ مِنْ قَبْلُ وَ لَمْ يَكُ شَيْئاً[۲] ﴾.

هنگامی که خداوند آسمان‌ها و زمین و شب و روز و ستارگان و فلک را آفرید و زمین‌ها را بر پشت ماهی قرار داد، بر او سنگینی کرد و لرزید، از این رو خداوند به وسیلهٔ کوه‌ها آن را آرام کرد. زمانی که آفرینش آن‌چه در آسمان‌ها بود به پایان رسید، حال آن‌که آن روز زمین خالی بود و هیچ کس در آن نبود، خداوند به فرشته‌ها فرمود: «من در زمین جانشینی قرار خواهم داد [فرشتگان] گفتند: آیا در آن کسی را قرار می‌دهی که فساد کند و خون‌ها بریزد؟ و حال آن‌که ما به ستایش تو تسبیح می گوییم؛ و تو را به پاکی یاد می کنیم [خداوند] فرمود: من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید.» خداوند جبرئیل را فرستاد تا از سطح زمین مشتی خاک بیاورد، آن‌گاه آن را با آب شیرین و آب شور خمیر کرد و پیش از آن‌که روح در آن دمیده شود، طبایع را در آن

---

۱. بقره، ۳۰

۲. مریم، ۶۷

درآمیخت و این‌گونه او را از ادیم زمین (یعنی سطح زمین) آفرید و از این رو او آدم نام گرفت و چون با آب آمیخته شد، صورت آدم گرفت و خداوند او را همچون کوهی سترگ بر کوهی نهاد. در آن روز ابلیس دربان آسمان پنجم بود... و با دست خود بر او می‌زد و می‌گفت: از برای چه آفریده شده‌ای؟ اگر فراتر از من قرار گیری از تو فرمان نمی‌برم و اگر فروتر از من قرار گیری، تو را یاری نمی‌رسانم. از روزی که خلق شد تا جان در او دمیده شد، هزار سال در بهشت ماند، سپس خداوند او را از آب و گل و نور و تاریکی و باد و پرتوی از نور خود آفرید. نور، ایمان را در او به ارمغان نهاد و تاریکی، گمراهی و کفر را و گل، لرز و ناتوانی و تب را به هنگام برخورد با آب. در حقیقت او دارای چهار طبع است؛ از این رو خداوند می‌فرماید: «آیا آدمی به یاد نمی‌آورد که ما او را پیش از این [حالت] آفریدیم در حالی‌که چیزی نبود.»

قَالَ: فَقَالَ كَعبُ: يَا عُمَرُ بِاللهِ أَتعلَمُ كَعِلمِ عَلِيٍّ؟ فَقَالَ: لَا. فَقَالَ كَعبُ: عَلِيُّ بنُ أَبِى طالِبٍ وَصِيُّ الأَنبِيَاءِ وَ مُحَمَّدُ خَاتَمُ الأَنبِيَاءِ عليهم السلام وَ عَلِيُّ خَاتَمُ الأَوصِيَاءِ عليهم السلام وَ لَيسَ عَلَى الأَرضِ اليَومَ مَنفُوسَةُ إِلَّا وَ عَلِيُّ بنُ أَبِى طالِبٍ أَعلَمُ مِنهُ، وَاللهِ مَا ذَكَرَ مِن خَلقِ الإِنسِ وَ الجِنِّ وَ السَّمَاءِ وَ الأَرضِ وَ المَلَائِكَةِ شَيئًا إِلَّا وَ قَد قَرَأتُهُ فِى التَّورَاةِ كَمَا قَرَأَ.

قَالَ: فَمَا رُئِيَ عُمَرُ غَضِبَ قَطُّ مِثلَ غَضَبِهِ ذَلِكَ اليَومَ.

کعب گفت: ای عمر تو را به خدا سوگند می‌دهم آیا تو دانشی همانند دانش علی‌بن ابی‌طالب عليه السلام داری؟ گفت: نه. کعب گفت: علی‌بن ابی‌طالب عليه السلام وصی تمام پیامبران است و محمد مصطفی صلى الله عليه وآله خاتم پیامبران الهی است و علی‌بن ابی‌طالب عليه السلام نیز خاتم اوصیا صلى الله عليه وآله است. امروز هیچ موجود زنده‌ای در عالم نیست مگر آن‌که علی‌بن ابی‌طالب عليه السلام از او داناتر است. به خدا سوگند آن‌چه علی عليه السلام از آفرینش آدم و جن و آسمان و زمین و فرشتگان ذکر کرد، من در تورات خوانده بودم همان‌گونه که او خوانده است. امام حسن عليه السلام فرمود: هیچ روزی عمر را خشمگین‌تر از آن روز ندیده بودم.

(سورهٔ هود، آیهٔ ۱۲)

﴿ فَلَعَلَّكَ تٰارِكٌ بَعْضَ مٰا يُوحىٰ إِلَيْكَ وَ ضٰائِقٌ بِهِ صَدْرُكَ ﴾

پس شاید قسمتی از آن‌چه راکه به تو وحی شده است، ترک کنی
و سینه‌ات از آن تنگ شود.

۱۶۰. عَن أَبی‌الجارُودِ: عَن أَبی‌جعفرٍ عليه‌السلام قالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله سَأَلتُ رَبّی مُواخَاةَ عَلِیٍّ وَ مُوازَرتَهُ وَ إِخلَاصَ قَلبِهِ وَ نَصِيحَتَهُ فَأَعطانِی. قَالَ: فَقالَ رَجُلٌ مِن أَصحابِهِ يا عَجَبًا لِمُحَمَّدٍ. وَاللهِ لَشَنَّةُ بالِيَةٌ فِيهَا صَاعٌ مِن تَمرٍ أَحَبُّ إِلَی مِمَّا سَأَلَ، أَلَاسَأَلَ مُحَمَّدٌ رَبَّهُ مَلَكًا يُعِينُهُ أَو كَنزًا يَتقَوَّی بِهِ عَلَی عَدُوِّهِ. قالَ: فَبَلَغَ ذَلِكَ النَّبیَّ عليه‌السلام فَضاقَ مِن ذَلِكَ صَدرُهُ قَالَ: فَأَنزَلَ اللهُ تَعالَی: **﴿ فَلَعَلَّكَ تٰارِكٌ بَعْضَ مٰا يُوحىٰ إِلَيْكَ وَ ضٰائِقٌ بِهِ صَدْرُكَ أَنْ يَقُولُوا لَوْ لاٰ أُنْزِلَ عَلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ جٰاءَ مَعَهُ مَلَكٌ إِنَّمٰا أَنْتَ نَذِيرٌ وَ اللهُ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ﴾** قالَ: فَكَانَ النَّبیُّ صلى‌الله‌عليه‌وآله يُسَلّی مَا بِقَلبِهِ.

ابی جارود از امام محمّد باقر عليه‌السلام روایت کرده است که ایشان فرمود: رسول‌خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: «از خدای خویش برادری علی و پشتیبانی و اخلاص قلب و نهایت خیرخواهی او را درخواست کردم و پروردگار آن‌چه را که خواستم به من عطا فرمود.»

مردی از اصحاب پیامبر گفت: شگفتا از محمّد صلى‌الله‌عليه‌وآله که چنین دعاهایی می‌کند. به خدا سوگند، سبدی فرسوده که در آن یک صاع خرما باشد، نزد من محبوب‌تر است از آن‌چه او خواسته است. چرا محمّد صلى‌الله‌عليه‌وآله دعا نکرد تا فرشته و ملکی او را یاری دهد، یا چرا گنجی طلب نکرد تا با آن قوی شود و بر دشمنانش غالب گردد؟! هنگامی که این سخنان به گوش پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله رسید، غمگین شد و خداوند این آیه را نازل فرمود: «پس شاید از [بیم] این‌که بگویند چرا گنجی بر او نازل نشده یا چرا فرشته ای به همراه او نیامده است؟ قسمتی از آن‌چه راکه به تو وحی شده است، ترک کنی و سینه‌ات از آن تنگ شود. تو تنها

بیم‌دهنده‌ای و خداوند بر هر چیزی نگاهبان است.»
و این‌چنین قلب پیامبر ﷺ تسلّی یافت.

(سورهٔ هود، آیهٔ ۱۷)

﴿ أَ فَمَنْ كٰانَ عَلىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَ يَتلُوهُ شَاهِدٌ مِنهُ ﴾

آیا کسی که از جانب پروردگارش بر حجّتی روشن است و به دنبال او شاهدی از [جنس] او می‌آید [همچون کسی است که این‌چنین نیست؟].

۱۶۱. عَن زاذَانَ قَالَ: سَمِعتُ عَلِيًّا عليه السلام يَقُولُ: لَو ثُنِيَت لِيَ الوِسَادَةُ فَجَلَستُ عَلَيهَا لَحَكَمتُ بَينَ أَهلِ التَّورَاةِ بِتورَاتِهِم وَ بَينَ أَهلِ الإِنجِيلِ بِإِنجِيلِهِم وَ بَينَ أَهلِ الزَّبُورِ بِزَبُورِهِم وَ بَينَ أَهلِ الفُرقَانِ بِفُرقَانِهِم بِقَضَاءٍ يَزهَرُ يَصعَدُ إِلَى اللهِ، وَاللهِ مَا نَزَلَت آيَةٌ فِي لَيلٍ أَو فِي نَهَارٍ، وَ لَا سَهلٍ وَ لَا جَبَلٍ، وَ لَا بَرٍّ وَ لَا بَحرٍ، إِلَّا وَ قَد عَرَفتُ أَيَّ سَاعَةٍ نَزَلَت وَ فِيمَن نَزَلَت، وَ مَا مِن قُرَيشٍ رَجُلٌ جَرَى عَلَيهِ المُوَاسِي إِلَّا وَ قَد نَزَلَت فِيهِ آيَةٌ مِن كِتَابِ اللهِ تَسُوقُهُ إِلَى جَنَّةٍ أَو تَقُودُهُ إِلَى نَارٍ.

قَالَ: فَقَالَ قَائِلٌ: فَمَا نَزَلَت فِيكَ يَا أَمِيرَالمُؤمِنِينَ؟ قَالَ: **﴿ أَ فَمَنْ كٰانَ عَلىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَ يَتْلُوهُ شٰاهِدٌ مِنْهُ ﴾** فَمُحَمَّدٌ ﷺ عَلَى بَيِّنَةٍ مِن رَبِّهِ وَ أَنَا الشَّاهِدُ مِنهُ أَتلُو آثَارَهُ.

زاذان گفت: از حضرت علی عليه السلام شنیدم که فرمود: اگر کرسی قضاوت برایم گذاشته شود تا بر آن بنشینم و بر آفریدگان حکم کنم، هر آینه می‌توانم میان پیروان تورات به کتاب تورات و میان پیروان انجیل به کتاب انجیل و میان پیروان زبور به کتاب زبور و میان پیروان فرقان به فرقان حکم کنم. به خدا سوگند به هر آیه‌ای که در شب یا روز، در بیابان یا کوه، در خشکی یا دریا نازل شده است، تا آنجا آگاهم که می‌دانم در چه روز و ساعتی و دربارهٔ چه کسی نازل شده است. هیچ‌یک از قریشیان نیست که برایش حادثه‌ای روی داده باشد جز آن‌که آیه‌ای در کتاب خدا دربارهٔ او نازل شده است که یا او را سوی بهشت

می‌برد و یا سوی دوزخ می‌راند. در این میان مردی برخاست و عرض کرد: ای امیرمؤمنان! چه آیه‌ای دربارهٔ شما نازل شده است؟

حضرت علی علیه السلام فرمود: «آیا کسی که از جانب پروردگارش بر حجتی روشن است و به دنبال او شاهدی از [جنس] او می‌آید [همچون کسی است که این چنین نیست؟]» حضرت محمّد صلی الله علیه و آله حجّت روشن از جانب پروردگارش است و من آن شاهد هستم که به دنبال او می‌آیم.

(سورهٔ هود، آیهٔ ۴۰)

﴿ وَ مٰا آمَنَ مَعَهُ إِلاّٰ قَلیلٌ ﴾

و جز اندکی به او ایمان نیاوردند.

۱۶۲. عَن زَیدِ بنِ سَلامٍ الجُعفِیِّ قالَ: دَخَلتُ عَلی أَبی‌جَعفَرٍ علیه السلام فَقُلتُ: أَصلَحَكَ اللهُ إِنَّ خَیثَمَةَ الجُعفِیِّ حَدَّثَنی عَنكَ أَنَّهُ سَأَلَكَ عَن قَولِ اللهِ: ﴿ وَ مٰا آمَنَ مَعَهُ إِلاّٰ قَلیلٌ ﴾ فَأَخبَرتَهُ أَنَّها جَرَت فی شیعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ. فَقالَ: صَدَقَ وَاللهِ خَیثَمَةُ لَهاکَذا حَدَّثتُهُ.

زید بن سلام جعفی گفت: بر امام محمّد باقر علیه السلام وارد شدم و عرض کردم: خدایت شایسته داشت! خیثمه جعفی برای من از شما روایتی دربارهٔ کلام خداوند متعال «و جز اندکی به او ایمان نیاوردند» نقل کرده است؛ او می‌گوید: شما فرموده‌اید این آیه دربارهٔ شیعیان خاندان محمّد علیهم السلام جاری شد. امام علیه السلام فرمود: به خدا سوگند خیثمه راست گفته است، من برایش چنین گفته‌ام.

(سورهٔ هود، آیهٔ ۵۰)

﴿ وَ إِلیٰ عٰادٍ أَخٰاهُمْ هُودًا ﴾

و به سوی [قوم] عاد برادرشان هود را [فرستادیم]....

(سورهٔ هود، آیهٔ ۶۱)

﴿ وَ إِلىٰ ثَمُودَ أَخٰاهُمْ صٰالِحًا ﴾

و به سوی [قوم] ثمود برادرشان صالح را [فرستادیم]....

(سورهٔ هود، آیهٔ ۸۴)

﴿ وَ إِلىٰ مَدْيَنَ أَخٰاهُمْ شُعَيْبًا ﴾

و به سوی [ساکنان شهر] مدین برادرشان شعیب را [فرستادیم]....

۱۶۳. عَن يَحيَى بنِ مُسَاوِرٍ قَالَ: أَتَى رَجُلٌ مِن أَهلِ الشَّامِ إِلَى عَلِيِّ بنِ الحُسَينِ عليه السلام فَقَالَ لَهُ: أَنتَ عَلِيُّ بنُ الحُسَينِ؟ قَالَ: نَعَم. قَالَ: أَبُوكَ قَتَلَ المُؤمِنِينَ! فَبَكَى عَلِيُّ بنُ الحُسَينِ قَالَ: ثُمَّ مَسَحَ وَجهَهُ وَ قَالَ: وَيلَكَ وَ بِمَا قَطَعتَ عَلَى أَبِي أَنَّهُ قَتَلَ المُؤمِنِينَ؟ قَالَ: بِقَولِهِ: اِخوَانُنَا بَغَوا عَلَينَا فَقَاتَلنَاهُم عَلَى بَغيِهِم. قَالَ: أَمَا تَقرَأُ القُرآنَ؟ قَالَ: إِنِّي أَقرَأُ، قَالَ: أَمَا سَمِعتَ قَولَهُ: ﴿ وَ إِلىٰ عٰادٍ أَخٰاهُمْ هُودًا، وَ إِلىٰ مَدْيَنَ أَخٰاهُمْ شُعَيْبًا، وَ إِلىٰ ثَمُودَ أَخٰاهُمْ صٰالِحًا ﴾؟ قَالَ: بَلَى. قَالَ: كَانَ أَخَاهُم فِي عَشِيرَتِهِم أَو فِي دِينِهِم؟ قَالَ: فِي عَشِيرَتِهِم ثُمَّ قَالَ: فَرَّجتَ عَنِّي فَرَّجَ اللهُ عَنكَ.

یحیی بن مساور گفت: مردی از اهالی شام نزد امام سجاد عليه السلام آمد و عرض کرد: آیا شما علی‌بن حسین عليه السلام هستید؟ ایشان فرمود: آری. عرض کرد: پدر شما مؤمنان را کشت. حضرت گریست و سپس دست بر صورت مبارکش کشید و فرمود: وای بر تو، از کجا قاطعانه می‌گویی که پدر من مؤمنان را کشته است؟ عرض کرد: به خاطر سخنش که گفت: برادرانمان بر ما ستم کردند و ما هم آنان را به خاطر ستمشان کشتیم. امام عليه السلام فرمود: آیا قرآن می‌خوانی؟ عرض کرد: بله، می‌خوانم. حضرت فرمود: آیا این سخن خداوند را نشنیده‌ای که می‌فرماید: «وبه سوی [قوم] عاد برادرشان هود را [فرستادیم] و به سوی [قوم] ثمود برادرشان صالح را [فرستادیم] و به سوی [ساکنان شهر] مدین

برادرشان شعیب را [فرستادیم].» عرض کرد: بله، شنیده‌ام. امام سجاد ﷺ فرمود: آیا برادری هود و صالح و شعیب با قومشان از جهت قبیله‌ای بود یا از جهت دینی؟ عرض کرد: قبیله‌ای. حضرت فرمود: اندوهم را زدودی، خداوند اندوهت را بزداید.

(سورهٔ هود، آیهٔ ۸۶)

﴿ بَقِيَّتُ اللهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴾

اگر مؤمن باشید، باقی‌مانده خدا برای شما بهتر است.

۱۶۴. عَن عُمَرَبنِ زَاهِرٍ قَالَ: قَالَ رَجُلٌ لِجَعفَربنِ مُحَمَّدٍ ﷺ: نُسَلِّمُ عَلَى القَائِمِ بِإمرَةِ المُؤمِنِينَ؟ قَالَ: لَا ذَلِكَ اسمٌ سَمَّى اللهُ بِهِ أَمِيرَالمُؤمِنِينَ ﷺ لَا يُسَمَّى بِهِ أَحَدٌ قَبلَهُ وَ لَا بَعدَهُ إِلَّا كَافِرٌ. قَالَ: فَكَيفَ نُسَلِّمُ عَلَيهِ؟ قَالَ: تَقُولُ: السَّلامُ عَلَيكَ يَا بَقِيَّةَ اللهِ. قَالَ: ثُمَّ قَرَأَ جَعفَرٌ ﷺ: ﴿ بَقِيَّتُ اللهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴾.

عمربن زاهر گفت: مردی به امام جعفر صادق ﷺ عرض کرد: آیا بر حضرت قائم ﷺ به عنوان امیرمؤمنان سلام کنیم؟ ایشان فرمود: خیر، خداوند این نام را مخصوص امیرمؤمنان علی ﷺ قرار داده و هیچ کس پیش یا پس از او این نام را نگرفته جز این‌که کافر باشد. عرض کرد: پس چگونه بر ایشان سلام کنیم؟ امام ﷺ فرمود: می‌گویی: سلام بر تو ای بقیة الله! سپس امام این آیه را تلاوت فرمود: «اگر مومن باشید، باقیمانده خدا برای شما بهتر است.»

(سورهٔ هود، آیهٔ ۹۸)

﴿ وَ بِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُودُ ﴾

و [آتش] بد محلّ ورودی است که به آن وارد می‌شوند.

۱۶۵. عَلِيُّ بنُ حمدونَ مُعَنعنًا: عَن أَبِي جَعفَرٍ ﷺ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعفَرٍ قَالَ اللهُ: يَا مُحَمَّدُ إِنَّ عَلِيًّا

فِی طَبَقتِكَ فَجَعَلتُهُ أَفضَلَ الوَصِيِّينَ وَ خَيرَ مُعتَمَدٍ لِلمُؤمِنِينَ وَ جَعَلتُهُ أَمِيرَ المُؤمِنِينَ وَ جَعَلتُهُ إِمَامَ المُتَّقِينَ وَ جَعَلتُهُ ضِيَاءً وَ نُورًا لِلمُتَوَسِّمِينَ وَ جَعَلتُهُ صِرَاطَ المُستَقِيمِ وَ جَعَلتُهُ سَبِيلَ الصَّالِحِينَ و جَعَلتُ لِمَن عَادَاهُ ﴿ وَ بِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُودُ ﴾.

علی‌بن حمدون گفت: امام محمّد باقر علیه السلام فرمود: خداوند فرمود: ای محمد! به راستی که علی در طبقه توست و من او را برترین اوصیا و بهترین معتمد برای مؤمنان و امیر ایشان و امام پرهیزکاران و روشنایی و نور سفیدرویان و راه راست و راه نیکوکاران قرار دادم و برای هر که با او دشمنی کند، چنین قرار دادم: «[آتش] بد محل ورودی است که به آن وارد می شوند».

(سورة هود، آیة ۱۰۹)

﴿ وَ إِنَّا لَمُوَفُّوهُمْ نَصِيبَهُمْ غَيْرَ مَنْقُوصٍ ﴾

و مسلّمًا ما بهرهٔ آنان را به تمام و کمال بی‌هیچ کاستی به ایشان خواهیم داد.

۱۶۶. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ فِی قَولِهِ تَعَالَى: ﴿ وَ إِنَّا لَمُوَفُّوهُمْ نَصِيبَهُمْ غَيْرَ مَنْقُوصٍ ﴾ يَعنِی: بَنِی‌هَاشِمٍ نُوَفِّيهِم مُلكَهُمُ الَّذِی أَوجَبَ اللهُ لَهُم غَيرَ مَنقُوصٍ قَالَ ابنُ عَبَّاسٍ: وَ هُوَ سِتُّونَ وَ مِائَةُ سَنَةٍ.

ابن عباس دربارهٔ کلام خداوند متعال در آیه «و مسلما ما بهره آنان را به تمام و کمال بی هیچ کاستی به ایشان خواهیم داد» گفت: یعنی به بنی‌هاشم بهره ملکی را که خداوند بر آنان بی‌هیچ کاستی واجب کرده است، خواهیم داد و آن یکصدوشصت سال است.

وَ مِن سُورَةِ يُوسُفَ

(سورهٔ یوسف، آیهٔ ۳۸)

﴿ وَ اتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبائي إبرَاهِيم وَ إسْحاقَ وَ يَعْقُوبَ ﴾

و از آیین پدرانم إبرَاهِیم و اسحاق و یعقوب پیروی کردهام.

۱۶۷. عَن أَبِی الطُّفَیلِ عامِرِبنِ وَاثِلَةَ قالَ: خَطَبَ الحَسَنُ بنُ عَلِیِّ بنِ أَبی طالِبٍ علیهما السلام بَعدَ وَفاةِ أَبیهِ فَحَمَدَ اللهَ وَ أَثنی عَلَیهِ ثُمَّ قالَ: مَن عَرَفَنِی فَقَد عَرَفَنِی وَ مَن لَم یَعرِفنِی فَأَنا الحَسَنُ ابنُ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله ثُمَّ تَلا هَذِهِ الآیَةَ قولَ یُوسُفَ النَّبِیِّ علیه السلام: **﴿ وَ اتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبائي إبرَاهِيم وَ إسْحاقَ وَ يَعْقُوبَ ﴾** فَالجَدُّ فِی کِتابِ اللهِ تَعالَی ثُمَّ قالَ: أَنا إبنُ البَشِیرِ وَ أَنا إبنُ النَّذِیرِ، وَ أَنا إبنُ الَّذِی أُرسِلَ رَحمَةً لِلعالَمِینَ، وَ أَنا مِن أَهلِ البَیتِ الَّذِینَ أَذهَبَ اللهُ عَنهُمُ الرِّجسَ وَ طَهَّرَهُم تَطهِیرًا، وَ أَنا مِن أَهلِ البَیتِ الَّذِی کانَ جَبرَئِیلُ علیه السلام یَنزِلُ فِیهِم وَ مِنهُم کانَ یَعرُجُ، وَ أَنا مِن أَهلِ البَیتِ الَّذِینَ افتَرَضَ اللهُ مَوَدَّتَهُم وَ وَلایَتَهُم فَقالَ فِیمَا أُنزِلَ عَلی مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله: **﴿ قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إلاَّ الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبىٰ وَ مَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ فيها حُسْنًا إنَّ اللهَ غَفُورٌ شَكُورٌ[1] ﴾** وَ إقتِرافُ الحَسَنَةِ مَوَدَّتُنا.

ابی‌طفیل عامربن واثله گفت: امام حسن علیه السلام پس از وفات پدر بزرگوارش علیه السلام

---

۱. شوری، ۲۳

خطبه‌ای ایراد فرمود و خداوند را حمد و ثنا گفت و سپس فرمود: هرکه مرا می‌شناسد که می‌شناسد و اگر کسی مرا نمی‌شناسد، همانا من حسن‌بن محمّد ﷺ هستم. سپس این آیه را که سخن حضرت یوسف ؑ است، تلاوت فرمود: «و از آیین پدرانم ابراهیم و اسحاق و یعقوب پیروی کرده‌ام.» و در ادامه فرمود: من فرزند آن مژده‌دهنده‌ام و من فرزند آن هشداردهنده‌ام و من فرزند کسی هستم که او رحمتی برای جهانیان بود و من از اهل بیتی هستم که خداوند هرگونه ناپاکی را از ایشان زدود و آنان را به تمام پاک گردانید و من از اهل بیتی هستم که جبرئیل در میان ایشان نازل می‌شد و از میان ایشان عروج می‌کرد و من از اهل بیتی هستم که خداوند مودّت و ولایت ایشان را واجب ساخت. و در آن‌چه بر حضرت محمّد ﷺ نازل کرد، فرمود: «بگو: از شما برای آن (تبلیغ رسالت) هیچ مزدی نمی‌خواهم، جز دوستی دربارهٔ خویشاوندان [نزدیکم]. و هر کس حسنه‌ای کسب کند برایش در آن (حسنه) زیبایی و نیکویی می‌افزاییم. به راستی خداوند آمرزنده شکرگزار است.» و کسب حسنه، دوستی ماست.

(سورهٔ یوسف، آیهٔ ۷۶)

﴿ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَنْ نَشَاءُ وَ فَوْقَ کُلِّ ذي عِلْمٍ عَلیمٌ ﴾

مراتب هرکه را بخواهیم بالا می‌بریم و برتر از هر صاحب علمی عالمی است.

۱۶۸. عَبدُ اللهِ‌بنُ مُحَمَّدِ‌بنِ‌هَاشِمِ الدُّورِیُّ مُعَنعَنًا: عَن مُحَمَّدِ‌بنِ عَلِیٍّ عَن آبَائِهِ ؑ قَالَ: هَبَطَ جَبرَئیلُ ؑ عَلَی النَّبِیِّ ﷺ وَ هُوَ فِی بَیتِ أُمِّ سَلَمَةَ فَقَالَ: یَا مُحَمَّدُ إِنَّ مَلَأً مِن مَلَائِکَةِ السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ یُجَادِلُونَ فِی شَیءٍ حَتَّی کَثُرَ بَینَهُم الجِدَالُ فِیهِ وَ هُم مِنَ الجِنِّ مِن قَومِ إِبلِیسَ الَّذِینَ قَالَ اللهُ فِی کِتَابِهِ: ﴿ کَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ[1] ﴾ فَأَوحَی اللهُ تَعَالَی

---

۱. کهف، ۵۰

إِلَى المَلَائِكَةِ قَدكَثُرَ جِدَالُكُم فَتَرَاضَوابِحُكمٍ مِنَ الآدَمِيِّينَ يَحكُمُ بَينَكُم، قَالُوا: قَد رَضِينَابِحُكمٍ مِن أُمَّةِ مُحَمَّدٍ قَالُوا: رَضِينَا بِعَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فَأَهبَطَ اللهُ مَلَكًا مِن مَلَائِكَةِ سَمَاءِ الدُّنيَا بِبِسَاطٍ وَ أَرِيكَتَينِ فَهَبَطَ عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله فَأَخبَرَهُ بِالَّذِي جَاءَ فِيهِ، فَدَعَا النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله بِعَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام وَ أَقعَدَهُ عَلَى البِسَاطِ وَ وَسَّدَهُ بِالأَرِيكَتَينِ ثُمَّ تَفَلَ فِي فَمِهِ ثُمَّ قَالَ: يَا عَلِيُّ ثَبَّتَ اللهُ قَلبَكَ وَ صَيَّرَ حُجَّتَكَ بَينَ عَينَيكَ ثُمَّ عُرِجَ بِهِ إِلَى السَّمَاءِ فَإِذَا نَزَلَ قَالَ: يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللهَ يَقرَؤُكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ: ﴿ **نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَنْ نَشَاءُ وَ فَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ** ﴾.

عبد الله بن محمّد بن هاشم دوری روایت کرده است: امام محمّد باقر عليه السلام از قول پدران بزرگوارش عليهم السلام فرمود: در حالی‌که پیامبر صلى الله عليه وآله در خانهٔ ام سلمه بود، جبرئیل بر ایشان نازل شد و گفت: ای محمّد! گروهی از فرشتگان آسمان چهارم دربارهٔ امری مشاجره کردند، تا جایی که مشاجره میانشان بالا گرفت و آنان از جنیان قوم ابلیسی بودند که خداوند در کتابش فرمود: «(جز ابلیس) که از جنّ بود و از [دایرهٔ] فرمان پروردگارش بیرون رفت» خداوند به فرشتگان وحی فرمود که جدال میانتان بالا گرفته است، با یکدیگر توافق کنید تا یکی از آدمیان میان شما قضاوت کند. گفتند: ما به قضاوت یکی از امّت محمّد صلى الله عليه وآله رضایت می‌دهیم و گفتند: به علی‌بن ابی‌طالب عليه السلام رضایت می‌دهیم. از این رو خداوند فرشته‌ای از آسمان دنیا را با یک فرش و دو اورنگ فرو فرستاد و او بر پیامبر صلى الله عليه وآله فرود آمد و به ایشان خبر داد که به چه دلیل آمده است. پیامبر صلى الله عليه وآله علی‌بن ابی‌طالب عليه السلام را فراخواند و او را بر آن فرش نشانید و بر آن دو اورنگ بر بالش نهاد و از دهان خویش دهان او را عطرآگین کرد و فرمود: ای علی! خداوند قلبت را استوار سازد و حجّت تو را بین دو چشمانت قرار دهد. سپس حضرت را سوی آسمان بالا بردند و چون حضرت فرود آمد، عرض کرد: ای محمّد! خداوند به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید: «مراتب هرکه را بخواهیم بالا می‌بریم و برتر از هر صاحب علمی عالمی است.»

(سورهٔ یوسف، آیهٔ ۱۰۶)

﴿ وَ مٰا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللّٰهِ إِلاّٰ وَ هُمْ مُشْرِكُونَ ﴾

و بیشتر آنان به خدا ایمان نمی‌آورند مگر این‌که [حقیقتاً] مشرک‌اند.

۱۶۹. عَن أَبِی‌ذَرٍ الغِفَارِيِّ قَالَ: كُنتُ مَعَ رَسُولِ اللهِ ﷺ وَهُوَ بِبَقِيعِ الغَرقَدِ فَقَالَ: وَالَّذِي نَفسِي بِيَدِهِ إِنَّ فِيكُم رَجُلاً يُقَاتِلُ النَّاسَ عَلَى تَأوِيلِ القُرآنِ كَمَا قَاتَلتُ المُشرِكِينَ عَلَى تَنزِيلِهِ وَ هُم فِي ذَلِكَ يَشهَدُونَ أَن لَا إِلَه إِلَّا اللهُ ﴿ وَ مٰا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللّٰهِ إِلاّٰ وَ هُمْ مُشْرِكُونَ ﴾ فَيَكبُرُ قَتلُهُم عَلَى النَّاسِ حَتَّى يَطعَنُوا عَلَى وَلِيِّ اللهِ وَ يَسخَطُوا عَمَلَهُ كَمَا سَخَطَ مُوسَى مِن أَمرِ السَّفِينَةِ وَ قَتلِ الغُلَامِ و إِقَامَةِ الجِدَارِ وَ كَانَ خَرقُ السَّفِينَةِ وَ قَتلُ الغُلَامِ وَ إِقَامَةُ الجِدَارِ لِلّهِ رِضَا وَ سَخَطَ ذَلِكَ مُوسَى.

ابوذر غفاری گفت: همراه رسول خدا ﷺ در قبرستان بقیع بودم که ایشان فرمود: سوگند به آن‌که جانم به دست اوست، در میان شما مردی است که با مردم به خاطر تأویل قرآن می‌جنگد؛ همان‌گونه که من با مشرکان به خاطر تنزیل آن جنگیدم و حال آن‌که آنان در آن جنگ به یگانگی خدا شهادت می‌دهند. «و بیشتر آنان به خدا ایمان نمی‌آورند مگر این‌که [حقیقتًا] مشرک‌اند». قتل آنان بر مردم دشوار می‌نماید تا آنجا که به ولیّ خدا زخم‌زبان می‌زنند و از کارش به خشم می‌آیند، چنان‌چه موسی علیه السلام در امر کشتی و قتل پسر بچه و برپا نمودن دیوار به خشم آمد؛ در حالی‌که سوراخ کردن کشتی و قتل پسر بچه و برپا نمودن دیوار همه برای رضای خدا انجام گرفت، ولی موسی علیه السلام از آن به خشم آمد.

(سورهٔ یوسف، آیهٔ ۱۰۸)

﴿ قُلْ هٰذِهِ سَبيلي أَدْعُوا إِلَى اللّٰهِ عَلىٰ بَصيرَةٍ أَنَا وَ مَنِ اتَّبَعَني ﴾

بگو: این راه من است، من و کسی که از من پیروی می‌کند با بینایی به سوی خدا فرامی‌خوانیم.

۱۷۰ . عَن أَبَانِ‌بنِ تَغلِبَ: عَن جَعفَرِبنِ مُحَمَّدٍ علیه السلام فِی هَذِهِ الآیَةِ: ﴿ **قُلْ هٰذِهِ سَبيلي أَدْعُوا إِلَى اللهِ عَلىٰ بَصيرَةٍ أَنَا وَ مَنِ اتَّبَعَني** ﴾ قَالَ: هِیَ وَاللهِ وَلایَتُنَا أَهلَ البَیتِ لا یُنکِرُهُ أَحَدٌ إِلَّا ضَالٌّ وَ لَا یَنتَقِصُ عَلِیًّا علیه السلام إِلَّا ضَالٌّ.

ابان‌بن تغلب گفت: امام جعفر صادق علیه السلام دربارهٔ این آیه فرمود: آن راه به خدا سوگند ولایت ما اهل بیت است که هیچ کس جز گمراه آن را انکار نمی‌کند و هیچ کس از منزلت حضرت علی علیه السلام نمی‌کاهد جز گمراه.

۱۷۱ . عَن عَبدِالحَمِیدِ: عَن أَبِی جَعفَرٍ علیه السلام قَالَ: لَا نَالَتنِی شَفَاعَةُ جَدِّی اِن لَم تَکُن هَذِهِ الآیَةُ نَزَلَت فِی عَلِیٍّ خَاصَّةً: ﴿ **قُلْ هٰذِهِ سَبيلي أَدْعُوا إِلَى اللهِ عَلىٰ بَصيرَةٍ أَنَا وَ مَنِ اتَّبَعَني وَ سُبْحَانَ اللهِ وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكينَ** ﴾.

عبدالحمید گفت: امام محمّد باقر علیه السلام فرمود: شفاعت جدّم مرا درنمی‌یافت اگر نبود که این آیه به‌طور اخص دربارهٔ حضرت علی علیه السلام نازل شد: «بگو: این راه من است، من و کسی که از من پیروی می‌کند با بینایی به سوی خدا فرامی‌خوانیم، و خداوند منزه است و من از مشرکان نیستم.»

۱۷۲ . جَعفَرُبنُ مُحَمَّدٍ الفَزَارِیُّ: عَن أَبِی جَعفَرٍ علیه السلام قَالَ: سَأَلتُهُ عَن قَولِ اللهِ تَعَالَی: ﴿ **قُلْ هٰذِهِ سَبيلي أَدْعُوا إِلَى اللهِ عَلىٰ بَصيرَةٍ أَنَا وَ مَنِ اتَّبَعَني** ﴾ قَالَ: مَنِ اتَّبَعَنِی عَلِیُّ‌بنُ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام.

جعفر بن محمّد فزاری گفت: از امام محمّد باقر علیه السلام دربارهٔ این آیه پرسیدم. ایشان فرمود: منظور از کسی که از من پیروی می‌کند، علی‌بن ابی طالب علیه السلام است.

وَ مِن سُورَةِ الرَّعدِ

(سورهٔ رعد، آیهٔ ۷)

﴿ إِنَّمٰا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هٰادٍ ﴾

تو فقط بیم‌دهنده‌ای و برای هر گروهی هدایت‌کننده‌ای است.

۱۷۳. عَن عَبدِ اللهِ‌بنِ عَطاءٍ قَالَ: كُنتُ جَالِسًا مَعَ أَبى‌جَعفَرٍ ؑ قَالَ: نَزَلَ فِى عَلِيٍّ ؑ: ﴿ إِنَّمٰا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هٰادٍ ﴾ فَالنَّبِىُّ ﷺ قَالَ أَنَا المُنذِرُ وَ بِعَلِيٍّ يَهتَدِى المُهتَدُونَ.

عبد الله‌بن عطاء گفت: با امام محمّد باقر ؑ نشسته بودم که ایشان فرمود: این آیه دربارهٔ حضرت علی ؑ نازل شد: «تو فقط بیم‌دهنده‌ای و برای هر گروهی هدایت‌کننده‌ای است.» پس پیامبر ﷺ فرمود: من بیم‌دهنده‌ام و هدایت‌شوندگان با علی ؑ هدایت می‌شوند.

۱۷۴. البَرَاءُبنُ عِيسَى التَّمِيمِىُّ مُعَنعَنًا: عَن أَبِى‌جَعفَرٍ ؑ فِى قَولِهِ: ﴿ إِنَّمٰا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هٰادٍ ﴾ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: أَنَا المُنذِرُ وَ أَنتَ يَا عَلِيُّ الهَادِى إِلَى أَمرِى.

براء بن عیسی تمیمی روایت کرده است: امام محمّد باقر ؑ دربارهٔ این آیه فرمود: رسول خدا ﷺ فرمود: من بیم‌دهنده‌ام و تو ای علی هدایت‌کننده به سوی امر من هستی.

۱۷۵ . عَنِ ابنِ مَسعُودٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: لَمَّا أُسرِیَ بِی إِلَی السَّمَاءِ لَم یَکُن بَینِی وَ بَینَ رَبِّی مَلَکٌ مُقَرَّبٌ وَ لا نَبِیٌّ مُرسَلٌ وَ لَا سَأَلتُ رَبِّی حَاجَةً إِلَّا أَعطَانِی خَیرًا مِنهَا فَوَقَعَ فِی مَسَامِعِی: ﴿ إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هادٍ ﴾ فَقُلتُ: إِلَهِی أَنَا المُنذِرُ فَمَنِ الهَادِی؟ فَقَالَ اللهُ ذَاكَ عَلِیُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ غَایَةُ المُهتَدِینَ وَ إِمَامُ المُتَّقِینَ وَ قَائِدُ الغُرِّ المُحَجَّلِینَ وَ مَن یَهدِی مِن أُمَّتِكَ بِرَحمَتِی إِلَی الجَنَّةِ.

ابن مسعود گفت: رسول خدا ﷺ فرمود: چون شبانه مرا سوی آسمان بردند، میان من و پروردگارم حتی فرشته‌ای مقرب یا پیامبری مرسل نبود و هر آن‌چه از پروردگارم خواستم، بهتر از آن را به من عطا فرمود و آن‌گاه در گوشم پیچید: «تو فقط بیم‌دهنده‌ای و برای هر گروهی هدایت‌کننده‌ای است.» پرسیدم: خداوندا! من بیم‌دهنده‌ام، چه کسی هدایت‌کننده است؟ خدا فرمود: او علی بن ابی‌طالب ؑ است که غایت هدایت‌پیشه‌گان و امام پرهیزکاران و سرور روسفیدان است و همان کسی است که امّتِ تو را با رحمت من به بهشت هدایت می‌کند.

(سورهٔ رعد، آیهٔ ۱۱)

﴿ لَهُ مُعَقِّباتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ ﴾

برای او [آدمی] فرشتگانی هستند که پی‌درپی او را از پیش رو و از پشت سر به فرمان خدا محافظت می‌کنند.

۱۷۶ . عَن أَبِی الجَوَازَةِ فِی قَولِهِ تَعَالَی: ﴿ لَهُ مُعَقِّباتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللهِ ﴾ قَالَ: هَذِهِ لِلنَّبِیِّ ﷺ خَاصَّةً.

ابی‌جوازه گفت: این آیه مخصوص پیامبر ﷺ است.

(سورهٔ رعد، آیهٔ ۲۸)

﴿ الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللهِ أَلا بِذِكْرِ اللهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ ﴾

[همان] کسانی‌که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد. آگاه باشید! که دل‌ها تنها با یاد خدا آرام می‌گیرد.

۱۷۷. مُحَمَّدُبنُ القَاسِم‌بنِ عُبَیدٍ مُعنعَنًا: عَن أَبی‌عَبدِ اللهِ ﷺ فِی قَولِهِ تَعالَی: ﴿**الَّذینَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللهِ أَلاٰ بِذِكْرِ اللهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ**﴾ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ لِعَلِیِّ بنِ أَبی‌طالِبٍ ﷺ: تَدرِی فِیمَن نَزَلت؟ قَالَ: اللهُ وَ رَسُولُهُ أَعلَمُ، قَالَ: فِیمَن صَدَّقَ لِی وَ آمَنَ بِی وَ أَحَبَّكَ وَ عِترَتَكَ مِن بَعدِكَ وَ سَلَّمَ الأَمرَ لَكَ وَ لِلأَئِمَّةِ مِن بَعدِكَ.

محمّدبن قاسم‌بن عبید روایت کرده است: امام جعفر صادق ﷺ دربارهٔ این آیه فرمود: رسول خدا ﷺ به حضرت علی ﷺ فرمود: می‌دانی این آیه دربارهٔ چه کسی نازل شد؟ حضرت علی ﷺ فرمود: خدا و رسولش داناترند. رسول خدا ﷺ فرمود: دربارهٔ کسی است که مرا تصدیق کند و به من ایمان بیاورد و تو را و پس از تو خاندانت را دوست بدارد و تسلیم امر تو و امامان پس از تو باشد.

(سورهٔ رعد، آیهٔ ۲۹)

﴿الَّذینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ طُوبیٰ لَهُمْ وَ حُسْنُ مَآبٍ﴾

کسانی‌که ایمان آوردند و کارهای نیک انجام دادند، زندگیِ خوش و نیکوییِ بازگشت، از آنِ آن‌هاست.

۱۷۸. فُراتُ‌بنُ إبرَاهِیمَ الکُوفِیُّ مُعنعَنًا: عَنِ ابنِ عَبّاسٍ فِی قَولِهِ تَعالَی: ﴿**طُوبیٰ لَهُمْ وَ حُسْنُ مَآبٍ**﴾ قَالَ النَّبِیُّ ﷺ: لَمّا أُسرِیَ بِی إِلَی السَّماءِ فَدَخَلتُ الجَنَّةَ فَإذا أَنا بِشَجَرَةٍ كُلُّ وَرَقَةٍ مِنها تَغطِی الدُّنیا وَ ما فِیهَا تَحمِلُ الحُلِیَّ وَ الحُلَلَ وَ الطَّعامَ ماخَلا الشَّرابَ، وَ لَیسَ فِی الجَنَّةِ قَصرٌ وَ لا دارٌ وَ لا بَیتٌ إلّا فِیهِ غُصنٌ مِن أَغصانِها، وَ صاحِبُ القَصرِ وَ الدّارِ وَ البَیتِ حَلیُهُ وَ حُلَلِهِ وَ طَعامُهُ فَهُوَ مِنها. فَقُلتُ: یا جَبرَئیلُ ما هٰذِهِ الشَّجَرَةُ؟ قالَ: هٰذِهِ طُوبَی، فَطُوبَی لَكَ وَ لِكَثیرٍ مِن أُمَّتِكَ. قُلتُ: فَأَینَ مُنتَهاها ـ یَعنِی أَصلَها ـ قالَ: فِی دارِ عَلِیِّ‌بنِ أَبی‌طالِبٍ ابنِ عَمِّكَ.

فرات بن ابراهیم کوفی روایت کرده است: ابن عباس دربارهٔ این آیه گفت: پیامبر ﷺ فرمود: چون شبانه مرا سوی آسمان بردند، به بهشت درآمدم و در آنجا درختی را دیدم که هر برگ از آن دنیا را با هر آن‌چه در آن است، می‌پوشانید و انواع زیورها و جامه‌ها و غذاها را به‌جز شراب بر خود داشت و در بهشت هیچ کاخ و سرا و خانه‌ای نیست مگر آن‌که در آن شاخه‌ای از شاخه‌های آن درخت بر اهل آن سایه افکنده و زیور و جامه‌ها و غذای صاحب آن سرا و خانه از آن شاخه است. گفتم: ای جبرئیل! این چه درختی است؟ گفت: درخت طوبی است، خوشا به حال تو و بسیاری از امتّت. گفتم: پایان آن کجاست؟ یعنی ریشهٔ آن. فرمود: در خانهٔ علی‌بن ابی‌طالب ؑ پسرعمویت.

۱۷۹. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: إِنَّ فِی الجَنَّةِ لَشَجَرَةً يُقَالُ لَها: طُوبَى، مَا فِی الجَنَّةِ دَارٌ إِلَّا وَ فِيهَا غُصنٌ مِن أَغصَانِهَا أَحلَى مِنَ الشَّهدِ وَ أَلينُ مِنَ الزَّبدِ، أَصلُهَا فِی دَارِی وَ فَرعُهَا فِی دَارِ عَلِیِّ بنِ أَبی طالِبٍ.

ابن عباس گفت: رسول خدا ﷺ فرمود: در بهشت درختی است که به آن طوبی می‌گویند. هیچ خانه‌ای در بهشت نیست مگر آن‌که شاخه‌ای از شاخه‌های طوبی در آن آمده است که شیرین‌تر از عسل و نرم‌تر از کره است و ریشهٔ آن در خانهٔ من و شاخهٔ آن در خانهٔ علی‌بن ابی‌طالب ؑ است.

۱۸۰. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ فی قولِ اللهِ تَعالَى: ﴿**الَّذينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ طُوبىٰ لَهُمْ وَ حُسْنُ مَآبٍ**﴾ قَالَ: شَجَرَةٌ أَصلُهَا فِی دَارِ عَلِیٍّ ؑ فِی الجَنّةِ وَ فِی كُلِّ دَارِ مُؤمِنٍ مِنها غُصنٌ يُقالُ لَهَا شَجَرَةُ طُوبَى لَهُم وَ حُسنُ مَآبٍ بِحُسنِ المَرجَعِ.

ابن عباس دربارهٔ این آیه گفت: درختی است که ریشهٔ آن در خانهٔ علی ؑ در بهشت است و در خانهٔ هر مؤمنی شاخه‌ای از آن است و به آن درخت، طوبی گفته می‌شود که با نیکویی بازگشت و نیکویی جایگاه بازگشت برای آنان است.

۱۸۱. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ عَن رَسُولِ اللهِ ﷺ فِی كَلامٍ ذَكَرَهُ وَ مَا طُوبَى فَطُوبَى لَهُم وَ حُسنُ مَآبٍ

قَالَ: شَجَرَةٌ فِی الجَنَّةِ غَرَسَهَا اللهُ بِیَدِهِ وَ نَفَخَ فِیهَا مِن رُوحِهِ ، تُنبِتُ الحُلِیَّ وَ الحُلَلَ وَ الثِّمَارَ مُتَدَلِّیَةً عَلَی أَفوَاهِ أَهلِ الجَنَّةِ ، وَ إِنَّهُ لَیَقَعُ عَلَیهَا الطَّیرُ المُشتَهِی مِنهُ شِوَاءً وَ قَدِیدًا فَیأتِیهِ عَلَی مَا یَشتَهِی ، وَ إِنَّ أَغصَانَهَا لَتُرَی مِن وَرَاءِ سُورِ الجَنَّةِ وَ هِیَ فِی مَنزِلِ عَلِیِّ بنِ أَبِی طَالِبٍ ﷺ لَن یُحَرِّمَهَا وَلِیَّهُ وَ لَن یَنَالَهَا عَدُوَّهُ.

ابن عباس گفت: رسول خدا ﷺ دربارهٔ طوبی و این آیه فرمود: طوبی درختی در بهشت است که خداوند به دست خود آن را کاشته است و از روح خود در آن دمیده است و زیورها و جامه‌ها و میوه‌هایی می‌رویاند که همه در دسترس بهشتیان است و هر آینه بر آن پرندگانی با گوشت‌های کبابی و قطعه‌ای لذیذ به هر گونه‌ای که دل بخواهد، می‌نشینند و هر آینه شاخه‌های آن از ورای پرچین‌های بهشت دیده می‌شود و آن در منزل علی‌بن ابی‌طالب ﷺ است که او آن را بر دوستدارش حرام نمی‌کند و دست دشمنش هرگز به آن نمی‌رسد.

۱۸۲. فُرَاتُ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بنُ أَحمَدَ مُعنعَنًا: عَن أَبِی جَعفَرٍ ﷺ قَالَ: سُئِلَ النَّبِیُّ ﷺ عَن قَولِهِ: ﴿ **طُوبیٰ لَهُمْ وَ حُسْنُ مَآبٍ** ﴾ قَالَ: شَجَرَةٌ فِی الجَنَّةِ أَصلُهَا فِی دَارِی وَ فَرعُهَا عَلَی أَهلِ الجَنَّةِ ، ثُمَّ سُئِلَ بَعدَ ذَلِكَ فَقَالَ: شَجَرَةٌ فِی الجَنَّةِ أَصلُهَا فِی دَارِ عَلِیٍّ وَ فَرعُهَا عَلَی أَهلِ الجَنَّةِ. قَالُوا: یَا رَسُولَ اللهِ سَأَلنَاكَ فَقُلتَ: أَصلُهَا فِی دَارِی ثُمَّ سَأَلنَاكَ فَقُلتَ أَصلُهَا فِی دَارِ عَلِیٍّ؟ فَقَالَ: إِنَّ دَارِی وَ دَارَ عَلِیٍّ وَاحِدَةٌ.

فرات گفت: محمّدبن احمد روایت کرده است: امام محمّد باقر ﷺ فرمود: دربارهٔ کلام خداوند متعال ﴿ **طُوبیٰ لَهُمْ وَ حُسْنُ مَآبٍ** ﴾ از پیامبر پرسیده شد. حضرت فرمود: درختی در بهشت است که ریشهٔ آن در خانهٔ من و شاخهٔ آن در خانهٔ بهشتیان است. پس از آن دوباره درباره‌اش پرسیدند، حضرت فرمود: درختی در بهشت است که ریشهٔ آن در خانهٔ علی و شاخهٔ آن در خانهٔ بهشتیان است. پرسیدند: ای رسول خدا! ما از شما دو بار پرسیدیم، یک بار فرمودید ریشهٔ این درخت در خانهٔ من است و بار دیگر فرمودید در خانهٔ علی ﷺ؟

حضرت فرمود: خانهٔ من و خانهٔ علی یکی است.

۱۸۳. إسمَاعِيلُ بنُ إسحَاقَ بنِ إبرَاهِيمَ الفَارسِيِّ مُعنعَنًا: عَن أَبِي جَعفَرٍ مُحَمَّدِ بنِ عَلِيٍّ عَن آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: لَمَّا أُسرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ فَصِرتُ فِي سَمَاءِ الدُّنيَا حَتَّى صِرتُ فِي السَّمَاءِ السَّادِسَةِ فَإِذَا أَنَا بِشَجَرَةٍ لَم أَرَ شَجَرَةً أَحسَنَ مِنهَا وَ لَا أَكبَرَ مِنهَا فَقُلتُ يَا حَبِيبِي مَا هَذِهِ الشَّجَرَةُ؟ قَالَ: هَذِهِ طُوبَى يَا حَبِيبِي. قَالَ: فَقُلتُ: مَا هَذَا الصَّوتُ العَالِيُّ الجُهورِيُّ؟ قَالَ: هَذَا صَوتُ طُوبَى، قُلتُ: اَيُّ شَيءٍ يَقُولُ؟ قَالَ: يَقُولُ: وَا شَوقَاهُ إِلَيكَ يَا عَلِيَّ بنَ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام.

اسماعیل بن اسحاق بن ابراهیم فارسی روایت کرده است: امام محمّد باقر علیه السلام از قول پدران بزرگوارش علیهم السلام فرمود: پیامبر صلى الله عليه وآله فرمود: چون شبانه مرا سوی آسمان بردند، از آسمان دنیا گذشتم تا این‌که به آسمان ششم رسیدم و در آنجا درختی را دیدم که تا پیش از آن درختی به آن بزرگی و نیکویی ندیده بودم. عرض کردم: ای حبیب من! این چه درختی است؟ فرمود: حبیب من این درخت طوبی است. عرض کردم: این صدای بلند و رسا از کجاست؟ فرمود: این صدای طوبی است. عرض کردم: چه می‌گوید؟ فرمود: می‌گوید ای علی! چقدر مشتاق تو هستم!

۱۸۴. فُرَاتُ قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بنُ الحَسَنِ بنِ إِبرَاهِيمَ مُعَنعَنًا: عَن أَبِي جَعفَرٍ مُحَمَّدِ بنِ عَلِيٍّ عليهما السلام فِي قَولِهِ تَعَالَى: ﴿**الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبىٰ لَهُمْ وَ حُسْنُ مَآبٍ**﴾ فَبَلَّغَنِي أَنَّ طُوبَى شَجَرَةٌ فِي الجَنَّةِ ثَابِتَةٌ فِي دَارِ عَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام وَ هِيَ لَهُ وَ لِشِيعَتِهِ، وَ عَلَى تِلكَ الشَّجَرَةِ أَسفَاطٌ فِيهَا حُلَلٌ مِن سُندُسٍ وَ إِستَبرَقٍ يَكُونُ لِلعَبدِ مِنهَا أَلفُ أَلفِ سَفطٍ فِي كُلِّ سَفطٍ مِائَةُ أَلفِ حُلَّةٍ لَيسَ مِنهَا حُلَّةٌ إِلَّا مُخَالِفَةً لَونَ الأُخرَى إِلَّا أَنَّ أَلوَانَهَا كُلَّهَا خُضرٌ مِن سُندُسٍ وَ إِستَبرَقٍ، فَهَذَا أَعلَى تِلكَ الشَّجَرَةِ وَ وَسطُهَا ظِلُّهُم يَظِلُّ عَلَيهِم يَسِيرُ الرَّاكِبُ فِي ظِلِّ تِلكَ الشَّجَرَةِ مِائَةَ عَامٍ قَبلَ أَن يَقطَعَهَا وَ أَسفَلُهَا ثَمرُهَا مُتَدَلٍّ عَلَى بُيُوتِهِم يَكُونُ مِنهَا القَضِيبُ مِثلَ القَصَبَةِ فِيهَا مِائَةُ لَونٍ مِنَ الفَوَاكِهِ،

مَا رَأَیتُ وَ لَم تَرَ وَ مَا سَمِعتُ وَ لَم تَسمَع ، مُتَدَلٍّ عَلَی بُیُوتِهِم کُلَّمَا قَطَعُوا مِنهَا ثُمَّ یُنبَتُ مَکَانَهُ یَقُولُ اللهُ تَعَالَی ﴿ لاٰ مَقْطُوعَةٍ وَ لاٰ مَمْنُوعَةٍ[1] ﴾ وَ تُدعَی تِلکَ الشَّجَرَةُ طُوبَی وَ یَخرُجُ نَهرٌ مِن أَصلِ تِلکَ الشَّجَرَةِ فَیسقَی جَنَّةَ عَدنٍ وِ هِیَ قَصرٌ مِن لُؤلُؤَةٍ وَاحِدَةٍ لَیسَ فِیهَا صَدعٌ وَ لَا وَ صلٌ لَواجتَمَعَ أَهلُ الإِسلَامِ کُلَّها عَلَی ذَلِکَ القَصرِ لَهُم فِیهِ سِعَةٌ ، لَهَا أَلفُ أَلفِ بَابٍ وَ کُلُّ بَابٍ مِصرَاعَینِ مِن زِبَرجَدٍ وَ یَاقُوتٍ عَرضُهَا اثنَی عَشَر مِیلاً لَا یَدخُلُهَا إِلَّا نَبِیٌّ أَوْ صِدِّیقٌ أَو شَهِیدٌ أَو مُتَحَابٌ فِی اللهِ أَو ضَیفٌ مِنَ المُؤمِنِینَ ، تِلکَ مَنازِلُهُم وَ هِیَ جَنَّةُ عَدنٍ.

فرات گفت: محمّدبن حسن‌بن ابراهیم روایت کرده است: امام محمّد باقر علیه‌السلام دربارهٔ این آیه فرمود: به من چنین رسیده که طوبی درختی است در بهشت که در خانهٔ علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام استوار شده و از برای او و شیعیان اوست. بر آن درخت سبدهایی است پُر از دیباهایی ابریشمین و زربافت که هزار هزار سبد از آن برای یک تن از آنان است و در هر سبد صد هزار دیباست که هر یک رنگی متفاوت از دیگری دارد و حال آن‌که تمامی آن‌ها رنگی سبز از ابریشم و زربافت دارند و این فراز آن درخت بود. این همه در میان آن درخت بر او و شیعیانش سایه می‌افکند و حال آن‌که اگر سوارکار در سایه آن درخت صد سال ره بسپرد، باز در سایهٔ آن درخت است. بر پای آن درخت میوه‌هایش بر خانه‌های ایشان آویخته است و هر ترکه‌ای از آن همچون نی است و صد رنگ میوه دارد که نه من دیده‌ام و نه شما و نه من شنیده‌ام و نه شما؛ هر آن‌چه از آن بچینند، باز جایش می روید، چنان‌که خداوند متعال فرمود: «نه قطع شود و نه باز داشته شود». به آن درخت، طوبی گویند که رودی از ریشه آن بیرون می‌آید که فردوس برین را سیراب می‌کند و آنجا قصری از مرواریدی یگانه است که هیچ کدورت در آن نیست و هیچ همتا ندارد و اگر تمامی اهل اسلام در آن قصر

---

۱. واقعه، ۳۳

گرد آیند، برای ایشان گشاده باشد و هزار هزار در دارد و هر در از آن دو لنگه از زبرجد و یاقوت دارد و دوازده میل عرض دارد و تنها پیامبران و صدّیقان و شهیدان و جانبازان راه خدا و مهمانی از مؤمنان به آن درمی‌آیند؛ آنجا منزلگاه‌های ایشان است و همان بهشت عدن است.

۱۸۵. عَن سَلمَانَ قَالَ: قَالَت بَعضُ أَزوَاجِ النَّبِیِّ ﷺ یَا رَسُولَ اللهِ مَا لَكَ یُحِبُّ فَاطِمَةَ حُبًّا مَا تُحِبُّهُ أَحَدًا مِن أَهلِ بَیتِكَ؟ قَالَ: إِنَّهُ لَمَّا أُسرِیَ بِی إِلَی السَّمَاءِ إِنتَهَی بِی جَبرَئِیلُ إِلَی شَجَرَةِ طُوبَی فَعَمَدَ إِلَی ثَمَرَةٍ مِن أَثمَارِ طُوبَی فَفَرَكَهُ بَینَ أَصبِعِیهِ ثُمَّ أَطعَمَنِیهِ ثُمَّ مَسَحَ یَدَهُ بَینَ كِتِفِی، ثُمَّ قَالَ: یَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَی یُبَشِّرُكَ بِفَاطِمَةَ مِن خَدِیجَةَ بِنتِ خُوَیلِدٍ، فَلَمَّا أَن هَبَطتُ إِلَی الأَرضِ فَكَانَ الَّذِی كَانَ فَعُلِقَت خَدِیجَةُ بِفَاطِمَةَ، فَإِذَا أَنَا اشتَقتُ إِلَی الجَنَّةِ أَدنَیتُهَا فَشَمَمتُ رِیحَ الجَنَّةِ فَهِیَ حَورَاءُ إِنسِیَّةٌ.

سلمان گفت: یکی از همسران پیامبر ﷺ به ایشان عرض کرد: ای رسول خدا ﷺ! چگونه است که شما فاطمه ؑ را بسیار دوست می‌دارید و هیچ‌یک از اهل بیتتان را این‌گونه دوست نمی‌دارید؟! حضرت فرمود: چون شبانه مرا سوی آسمان بردند، جبرئیل ؑ مرا به سمت درخت طوبی برد. میوه‌ای از میوه‌های درخت طوبی را چید و آن را بین انگشتانش فشرد و از آن به من داد تا بخورم. سپس میان دو کتفم را نوازش کرد و گفت: ای محمّد! خداوند متعال تو را به وجود فاطمه ؑ از خدیجه دختر خویلد مژده می‌دهد. زمانی‌که سوی زمین فرود آمدم، خدیجه ؑ فاطمه ؑ را باردار شد. هنگامی‌که دلتنگ بهشت می‌شوم، به کنار او می‌آیم و بوی بهشت را از او استشمام می‌کنم، او فرشته‌ای از جنس آدمی است.

۱۸۶. عِیسَی بنُ مِهرَانَ عَن جَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ عَن آبَائِهِ ؑ عَن أَمِیرِ المُؤمِنِینَ عَلِیِّ بنِ أَبِی طَالِبٍ ؑ قَالَ: لَمَّا نَزَلَت عَلَی رَسُولِ اللهِ ﷺ ﴿**طُوبَیٰ لَهُمْ وَ حُسْنُ مَآبٍ**﴾ قَامَ المِقدَادُ بنُ الأَسوَدِ الكِندِیُّ إِلَی رَسُولِ اللهِ ﷺ فَقَالَ: یَا رَسُولَ اللهِ وَ مَا طُوبَی؟ قَالَ:

يا مِقدادُ شَجَرَةٌ فِي الجَنَّةِ لَو يَسِيرُ الرّاكِبُ الجواءِ لَسارَ فِي ظِلِّها مِائَةَ عامٍ قَبلَ أن يَقطَعَها، وَرَقُها وَ بُسرُها بَرُودٌ خُضرٌ، وَ زَهرُها رِياضٌ صُفرٌ، وَ أَقناءُها سُندُسٌ وَإستَبرَقٌ، وَ ثَمَرُها حُلَلٌ خُضرٌ، وَ صَمغُها زَنجَبِيلٌ وَ عَسَلٌ، وَ بَطحاءُها ياقُوتٌ أحمَرُ وَ زُمُرُّدٌ أَخضَرُ، وَ تُرابُها مِسكٌ وَ عَنبَرٌ وَحَشِيشُها زَعفَرانٌ وَ الخُوخُ يَتَأَجَّجُ مِن غَيرِ وَقُودٍ، يَتَفَجَّرُ مِن أَصلِهَا السَّلسَبِيلُ وَ الرَّحِيقُ وَ المَعِينُ، وَ ظِلُّها مَجلِسٌ مِن مَجالِسِ شِيعَةِ أَمِيرِالمُؤمِنِينَ عَلِيِّ بنِ أَبِي طالِبٍ عليه‌السلام، وَ يَتَحَدَّثُ بِجَمعِهِم، وَ بَينَاهُم فِي ظِلِّهَا يَتَحَدَّثُونَ إذ جاءَتهُمُ المَلائِكَةُ يَقُودُونَ نُجُبًا جُبِلَت مِنَ الياقُوتِ، ثُمَّ نُفِخَ الرُّوحُ فِيهَا، مَزمُومَةً بِسَلاسِلَ مِن ذَهَبٍ كَأَنَّ وُجُوهَهَا المَصابِيحُ نَضارَةً وَ حُسنًا، وَبرُهَا خَزٌّ أحمَرُ وَ مِرعِزِّيٌّ أَبيَضُ مُختَلِطانِ لَم يَنظُرِ النّاظِرُونَ إِلَى مِثلِهَا حُسنًا وَ بَهاءً وَ ذُلُلٌ مِن غَيرِ مَهانَةٍ نُجَباءُ مِن غَيرِ رِياضَةٍ، عَلَيهَا رِحالٌ أَلوانُها مِنَ الدُّرِّ وَ الياقُوتِ مُفَضَّضَةً بِاللُّؤلُؤِ وَ المَرجانِ، صَفائِحُها مِنَ الذَّهَبِ الأَحمَرِ، مُلَبَّسَةً بِالعَبقَرِيِّ وَالأُرجُوانِ، فَأَناخُوا تِلكَ النَّجابِي إِلَيهِم ثُمَّ قالُوا لَهُم: رَبُّكُم يُقرِءُكُمُ السَّلامَ فَتَزُورُونَهُ وَ يَنظُرُ إِلَيكُم وَيُحِبُّكُم وَ تُحِبُّونَهُ وَ يَزِيدُكُم مِن فَضلِهِ وَ سَعَتِهِ فَإِنَّهُ ذُو رَحمَةٍ واسِعَةٍ وَ فَضلٍ عَظِيمٍ.

عیسی بن مهران گفت: امام جعفر صادق عليه‌السلام از قول پدران بزرگوارش عليهم‌السلام از حضرت علی عليه‌السلام فرمود: هنگامی که این آیه بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نازل شد، «زندگی خوش و نیکویی بازگشت، از آنِ آن‌هاست»، مقدادبن اسود کندی نزد رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله آمد و عرض کرد: ای رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، طوبی در این آیه شریفه به چه معناست؟ حضرت فرمود: ای مقداد! در بهشت درختی هست که اگر سوار تیزتک در سایه آن درخت صد سال راه بسپرد، باز هم به زیر سایه آن درخت است. برگ و خرمای آن درخت گوارا و سبز است و گل‌های آن بوستانی زرد و خوشه‌های آن ابریشمین و زربافت است و میوه آن زیورهای سبز و شیره آن زنجبیل و عسل است و دشت پیرامونش یاقوت سرخ و زمرّد سبز و خاکش مشک و عنبر است و گیاهش زعفران است که بی هیچ افروختنی برافروزد

و از ریشه‌اش چشمهٔ سلسبیل و رحیق و معین می‌جوشد و سایه‌اش مجلسی از مجالس شیعیان علی‌بن ابی‌طالب ؑ است که وی در آنجا با ایشان سخن می‌گوید و هنگامی‌که ایشان در سایهٔ آن درخت به گفت‌وگو نشسته‌اند ناگاه فرشتگان، سوار بر شترانی برگزیده که از یاقوت پدید آمده‌اند، نزد ایشان می‌رسند و آن‌گاه روح در آن شتران دمیده می‌شود؛ به زنجیرهایی زرین لگام شده‌اند و گویی چهره‌هاشان از سرزندگی و زیبایی چراغ‌هایی روشن است و پشمشان آمیزه‌ای است از خز سبز و موی مجعّد سپید که هیچ کس در زیبایی و درخشندگی همانندشان را ندیده است. شترانی رام بی‌آن‌که خوار شده باشند و شترانی پرورده بی‌آن‌که به سختی درافتاده باشند و جهازهایی به رنگ درّ و یاقوت و نقره‌کوب با مروارید و مرجان بر آن‌ها نهاده شده و پوستشان از طلای سرخ با پوشش رنگارنگ و ارغوان است. آنان را نزد ایشان بر زمین می‌نشانند و به ایشان گویند: پروردگارتان بر شما سلام می‌رساند، شما او را می‌نگرید و او سوی شما می‌نگرد و او دوستتان می‌دارد و شما دوستش می‌دارید و سپس او از فضل و بخشش بر شما می‌افزاید؛ چراکه او صاحب رحمت فراخ و فضل بزرگ است.

قَالَ: فَيَتَحوَّلُ كُلُّ رَجُلٍ مِنهُم عَلَى رَاحِلَتِهِ فَينطَلِقُونَ صَفًّا وَاحِدًا مُعتَدِلاً لا يُفَوِّتُ مِنهُم شَيءُ شَيئًا وَ لَا يُفَوِّتُ أُذُنُ نَاقَةٍ نَاقَتَها و لا بَرَكَةُ نَاقَةٍ بَرَكَها وَ لَا يَمُرُّونَ بِشَجَرَةٍ مِن أَشجَارِ الجَنَّةِ إِلَّا أَتحفَتهُم بِأَثمَارِهَا وَ رَحَلَت لَهُم عَن طَرِيقِهِم كَرَاهِيَّةُ أَن تَنثَلِمَ طَرِيقُهُم وَ أَن يُفَرَّقَ بَين الرَّجُلِ وَ رَفِيقِهِ.

فَلَمَّا رُفِعُوا إِلَى الجَبَّارِ جَلَّ جَلَالُهُ قَالُوا: رَبَّنَا أَنتَ السَّلَامُ وَ مِنكَ السَّلَامُ وَ لَكَ يَحِقُّ الجَلالُ وَ الإِكرامُ. قَالَ فَيقُولُ اللهُ أَنَا السَّلَامُ وَ مَعِيَ السَّلَامُ و لِيَ يَحِقُّ الجَلالُ و الإِكرَامُ فَمَرحَبًا بِعِبَادِيَ الَّذِينَ حَفِظُوا وَصِيَّتِي فِي أَهلِ بَيتِ نَبِيِّي وَ رَعَوا حَقِّي وَ خَافُونِي بِالغَيبِ وَ كَانُوا مِنِّي عَلَى كُلِّ حَالٍ مُشفِقِين.

فَقَالُوا: أَمَا وَ عِزَّتِكَ وَ جَلالِكَ مَا قَدَرنَاكَ حَقَّ قَدرِكَ، وَ مَا أَدَّينَا إِلَيكَ كُلَّ حَقِّكَ فَائذَن

لَنا فِی السُّجودِ، قَالَ لَهُم رَبُّهُم: إِنِّی قَد وَضَعتُ عَنکُم مُؤنَةَ العِبَادَةِ وَ أَرَحتُ عَلَیکُم أَبدَانَکُم وَ طَالَ مَا أَنصَبتُم لِیَ الأَبدَانَ وَ عَنِتُم لِیَ الوُجُوهَ، فَالآنَ أَفضَیتُم إِلَی رُوحِی وَ رَحمَتِی، فَاسأَلُونِی مَا شِئتُم وَ تَمَنَّوا عَلَیَّ أُعطِکُم أَمَانِیَّکُم فَإِنِّی لَن أَجزِیَکُمُ الیَومَ بِأَعمَالِکُم وَ لکِن بِرَحمَتِی وَ کَرَامَتِی وَ طَولِی وَ عَظِیمِ شَأنِی وَ بِحُبِّکُم أَهلَ بَیتِ نَبِیِّی.

آن‌گاه هریک از ایشان بر مرکب خود سوار می‌شوند و در صفی آراسته که هیچ‌یک جلو و عقب نباشند، به راه می‌افتند و حتی گوش و سینه‌های شتران نیز در کنار هم حرکت می‌کنند. به هر درخت از درختان بهشتی که می‌رسند، از میوه‌هایش به آن‌ها پیشکش می‌کند و از سر راه آن‌ها دور می‌رود تا مبادا وجود آن درخت باعث شود تا راهشان پیچ و خمی پیدا کند و یا آن‌ها یکدیگر را گم کنند و بین دوستان جدایی افتد. چون به درگاه خداوند جبار بزرگ‌مرتبه رسند، گویند: پروردگارا تویی سلام و سلام از توست، جلال و بزرگواری شایستهٔ توست. خداوند می‌فرماید: من سلامم و سلام با من است و جلال و بزرگواری شایستهٔ من است. خوش آمدند بندگان من که سفارش مرا دربارهٔ خاندان پیامبر من حفظ کردند و حق مرا پاس داشتند و به غیب از من خوف کردند و در هر حال دلشان با من بود.

آنان گویند: به عزت و جلالت سوگند ما چنان‌که باید، قدر تو را ندانستیم و آن‌گونه که باید حق تو را ادا نکردیم. به ما اجازه بده تا تو را سجده کنیم. پروردگارشان به آن‌ها می‌فرماید: من زحمت عبادت را از شما برداشتم و بدن‌های شما را در آسایش قرار دادم و شما مدت طولانی بدن‌های خود را برای عبادت من رنج دادید و چهره‌هایتان را برایم به خاک نهادید و هم‌اکنون به لطف و رحمت من رسیدید. حال هرچه دوست دارید از من بخواهید و آرزوهایتان را از من درخواست کنید تا برآورده سازم؛ زیرا من امروز فقط پاداش اعمال شما را نمی‌دهم، بلکه با رحمت و کرامت و بخشش و مقام بزرگم و به اندازهٔ دوستی شما با اهل بیت پیامبرم ﷺ به شما پاداش می‌دهم.

فَلا یَزالُونَ یَا مِقدَادُ مُحِبُّو عَلِیِّ بنِ أَبِی طالِبٍ ﷺ فِی العَطَایَا وَ المَوَاهِبِ حَتّی أَنَّ المُقَصِّرَ مِن شِیعَتِهِ لَیَتَمَنّی فِی أُمنِیَّتِهِ مِثلَ جَمِیعِ الدُّنیَا مُنذُ یَومِ خَلَقَ اللهُ إِلَی یَومِ أَفنَائِهَا. قَالَ لَهُم رَبُّهُم: لَقَد قَصَّرتُم فِی أَمَانِیِّکُم وَ رَضِیتُم بِدُونِ مَا یَحِقُّ لَکُم، فَانظُرُوا إِلَی مَوَاهِبِ رَبِّکُم. فَإِذَا بِقِبَابٍ وَ قُصُورٍ فِی أَعلَی عِلِّیِّینَ مِنَ الیَاقُوتِ الأَحمَرِ وَالأَخضَرِ وَ الأَصفَرِ وَ الأَبیَضِ یَزهَرُ نُورُهَا فَلَولَا أَنَّهُ مُسَخَّرٌ إِذًا لَلَمَعَتِ الأَبصَارُ مِنهَا. فَمَا کَانَ مِن تِلکَ القُصُورِ مِنَ الیَاقُوتِ الأَحمَرِ فَهُوَ مَفرُوشٌ بِالعَبقَرِیِّ الأَحمَرِ وَ مَا کَانَ مِنهَا مِنَ الیَاقُوتِ الأَخضَرِ فَهُوَ مَفرُوشٌ بِالسُّندُسِ الأَخضَرِ، وَ مَا کَانَ مِنهَا مِنَ الیَاقُوتِ الأَبیَضِ فَهُوَ مَفرُوشٌ بِالحَرِیرِ الأَبیَضِ، وَ مَا کَانَ مِنهَا مِنَ الیَاقُوتِ الأَصفَرِ فَهُوَ مَفرُوشٌ بِالرِّیَاضِ الأَصفَرِ، مَبثُوثَةٌ بِالزُّمُرُّدِ الأَخضَرِ وَ الفِضَّةِ البَیضَاءِ وَ الذَّهَبِ الأَحمَرِ، قَوَاعِدُهَا وَ أَرکَانُهَا مِنَ الجَوهَرِ، یُنَوِّرُ مِن أَبوَابِهَا وَ أَعرَاضِهَا بِنُورٍ مِثلِ شُعَاعِ الشَّمسِ عِندَهُ مِثلُ الکَوکَبِ الدُّرِّیِّ فِی النَّهَارِ المُضِیءِ، وَ إِذَا عَلَی بَابِ کُلِّ قَصرٍ مِن تِلکَ القُصُورِ **﴿ جَنَّتَانِ[۱] مُدْهَامَّتَانِ[۲] فِیهِمَا عَیْنَانِ نَضَّاخَتَانِ[۳] فِیهِمَا مِنْ کُلِّ فَاکِهَةٍ زَوْجَانِ[۴] ﴾**.

ای مقداد! از آن پس، دوستداران علی‌بن ابی‌طالب ﷺ غرقِ در عطاها و بخشش‌های پروردگارند، تا آنجا که کمترین فرد شیعه مثل تمام دنیا را از اول خلقت تا انتهای آن آرزو می‌کند، ولی پروردگارشان به آن‌ها می‌فرماید: در آرزوهایتان کوتاهی کردید و به کمتر از شایستگی خود راضی شدید، حال به بخشش‌های پروردگارتان بنگرید. ناگهان شیعیان گنبدها و قصرهایی بر فراز آسمان هفتم از یاقوت سرخ و سبز و زرد و سفید می‌بینند که نورشان چنان می‌درخشد که اگر آن نور در تسخیر نبود، چشم‌ها را سفید می‌کرد. آن قصرهایی که از یاقوت سرخ است با نقش و نگار سرخ فرش شده و آن‌هایی که

---

۱. الرحمن / ۶۲

۲. رحمن، ۶۴

۳. رحمن، ۶۶

۴. رحمن، ۵۲

از یاقوت سبز است با ابریشم سبز فرش شده و آن‌هایی که از یاقوت سفید است با حریر سفید فرش شده و آن‌هایی که از یاقوت زرد است با گل‌های زرد فرش شده است و در سراسرشان زمرد سبز و نقره سفید و طلای سرخ گسترده شده است.

پایه‌ها و ستون‌های قصرها از جواهر است و از درها و دیوارهایشان نوری می‌درخشد که نور شعاع آفتاب در برابر آن همچون نور ستاره درخشانی در روز روشن است.

در مقابل هر قصری دو بوستان است. «دو بهشت... از [شدّت] سرسبزی به سیاهی زند... در آن [دو بهشت] دو چشمهٔ جوشان‌اند... در آن دو از هر میوه‌ای دو نوع است.»

فَلَمَّا أَرَادُوا أَن یَنصَرِفُوا إِلَی مَنَازِلِهِم حَوِّلُوا عَلَی بَرَاذِینَ مِن نُورٍ بِأَیدِی وِلدَانٍ مُخَلَّدِینَ بِیَدِ کُلِّ وَاحِدٍ مِنهُم حَکَمَةُ بِرذَونٍ مِن تِلكَ البَرَاذِینِ، لُجُمُهَا وَ أَعِنَّتُهَا مِنَ الفِضَّةِ البَیضَاءِ وَ أَثفَارُهَا مِنَ الجَوهَرِ، فَإِذَا دَخَلُوا مَنَازِلَهُم وَجَدُوا المَلَائِكَةَ یُهَنُّونَهُم بِکَرَامَةِ رَبِّهِم، إِذَا استَقَرُّوا قَرَارَهُم قِیلَ لَهُم: ﴿ **هَلْ وَجَدْتُمْ مٰا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قٰالُوا نَعَمْ**[1] ﴾ رَبَّنَا رَضِینَا فَارضَ عَنَّا. قَالَ: بِرِضَایَ عَنکُم وَبِحُبِّکُم أَهلَ بَیتِ نَبِیِّ حَلَلتُم دَارِی وَ صَافَحَتکُمُ المَلَائِکَةُ فَهَنِیئًا هَنِیئًا ﴿ **عَطٰاءً غَيْرَ مَجْذُوذٍ**[2] ﴾ لَیسَ فِیهِ تَنغِیصُ، فَعِندَهَا قَالُوا: ﴿ **الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ إِنَّ رَبَّنٰا لَغَفُورٌ شَكُورٌ * الَّذِي أَحَلَّنٰا دٰارَ الْمُقٰامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لاٰ يَمَسُّنٰا فِيهٰا نَصَبٌ وَ لاٰ يَمَسُّنٰا فِيهٰا لُغُوبٌ**[3] ﴾.

هنگامی‌که شیعیان حضرت علی ؑ می‌خواهند به منزل‌های خود بازگردند، آن‌ها را بر مرکب‌هایی از نور سوار می‌کنند که مهار آن‌ها به دست پسرانی زیبا و جاویدان است که در دست هریک دهنهٔ یکی از آن مرکب‌هاست که مهار و افسار آن از نقره سفید و زین آن از جواهر است. چون به منزل‌هایشان وارد شوند،

---

۱. اعراف، ۴۴

۲. هود، ۱۰۸

۳. فاطر، ۳۵-۳۴

فرشتگان با کرامت خداوند به ایشان تبریک و تهنیت می‌گویند و هنگامی که در محل خود قرار گیرند، به آن‌ها خطاب می‌شود: «آیا شما [نیز] آن‌چه را پروردگارتان به شما وعده داده بود حق یافتید؟» می‌گویند: پروردگارا! ما خشنودیم تو نیز از ما خشنود باش. خطاب می‌شود: به خاطر رضایت و خشنودی‌ام از شما و دوستی شما با اهل بیت پیامبرم به خانهٔ من درآمدید و فرشتگان دست در دستانتان نهادند؛ گوارایتان باد، گوارایتان باد! «[خداوند به آن‌ها] بخششی قطع‌ناشدنی [عطا می‌کند].» که در آن هیچ ناگواری نیست. در این هنگام می‌گویند: «سپاس و ستایش از آن خداوندی است که اندوه را از [دل] ما بُرد، به راستی پروردگار ما آمرزندهٔ شکرگزار است. همان که از فضل خویش ما را در این سرای اقامت [ابدی] جای داد، در اینجا نه رنجی به ما می‌رسد و نه خستگی».

قَالَ عِيسَى بنُ مِهرَانَ: فَحَدَّثتُ بِهِ أَصحَابَ الحَدِيثِ عَن هَؤُلَاءِ الثَّمَانِيَةِ فَقُلتُ لَهُم: أَنَا أَبرَءُ إِلَيكُم مِن عُهدَةِ هَذَا الحَدِيثِ لِأَنَّ فِيهِ قَومٌ مَجهُولُونَ وَ لَعَلَّهُم إِن يَكُونُوا صَادِقِينَ، فَرَأَيتُ مِن لَيلَتِي أَو بَعدَ كَأَنَّ أَتَانِي آتٍ وَ مَعَهُ كِتَابٌ فِيهِ مِن مَخُولِ بنِ إِبرَاهِيمَ وَ الحَسَنِ بنِ الحُسَينِ وَ يَحيَى بنِ الحَسَنِ بنِ فُرَاتٍ وَ عَلِيِّ بنِ القَاسِمِ الكِندِيِّ وَ لَم أَلقَ عَلِيَّ بنَ القَاسِمِ وَ عِدَّةٌ بَعدَهُ لَم أَحفَظ أَسَامِيَهُم كَتَبنَا إِلَيكَ مِن تَحتِ شَجَرَةِ طُوبَى فَقَد أَنجَزَ لَنَا رَبُّنَا مَا وَعَدَنَا فَاستَمسِك بِهَذَا الكُتُبِ فَإِنَّكَ لَن تَقرَءَ مِنهَا كِتَابًا إِلَّا أَشرَقَت لَهُ الجَنَّةُ.

عیسی بن مهران گفت: این حدیث را به روایت آن هشت راوی بر اهل حدیث بازگفتم و به آنان گفتم: من از ضمانت این حدیث نزد شما شانه تهی می‌کنم؛ چراکه کسانی در آن ناشناس‌اند و امید است که ایشان راستگو بوده باشند؛ چراکه در شبی از این شب‌ها در خواب دیدم که کسی نزد من آمد و نوشته‌ای در دست داشت از محول‌بن ابراهیم و حسن‌بن حسین و یحیی بن حسن بن فرات و علی بن قاسم کندی، حال آن‌که علی‌بن قاسم را ندیده‌ام، و چند تن پس از وی که نام‌هایشان را به یاد ندارم، نوشته بود: ما از زیر درخت طوبی برایت نگاشته‌ایم و پروردگارمان وعده‌مان را به انجام رسانید، این نگاشته‌ها را نگاه

دار که هر گاه نگاشته‌ای از آن‌ها را بخوانی، بهشت از آن نورانی می‌شود.

۱۸۷. مُحَمَّدُبنُ أَحمَدَ مُعنعَنًا: عَن عَلِیِّ بنِ أَبی طالِبٍ علیه السلام قالَ: قالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله ذاتَ یَومٍ: یا عَلِیُّ عَلِمتَ أَنَّ جَبرَئیلَ علیه السلام أَخبَرَنی أَنَّ أُمَّتی تَغدِرُ بِكَ مِن بَعدی فَوَیلٌ ثُمَّ وَیلٌ ثُمَّ وَیلٌ لَهُم ثَلاثَ مَرّاتٍ. قُلتُ: یا رَسُولَ اللهِ وَ ما وَیلٌ؟ قالَ: وادٍ فی جَهَنَّمَ أَكثَرُ أَهلِهِ مُعادُوكَ وَ القاتِلُونَ لِذُرِّیَّتِكَ وَ النّاكِثُ لِبَیعَتِكَ، فَطُوبی ثُمَّ طُوبی ثُمَّ طُوبی ثَلاثَ مَرّاتٍ لِمَن أَحَبَّكَ وَ وَفی لَكَ. قُلتُ: یا رَسُولَ اللهِ وَ ما طُوبی؟ قالَ: شَجَرَةٌ فی دارِكَ فِی الجَنَّةِ لَیسَ دارٌ مِن دُوَرِ شیعَتِكَ فِی الجَنَّةِ إِلّا وَ فیها غُصنٌ مِن تِلكَ الشَّجَرَةِ تَهدی عَلَیهِم بِكُلِّ ما یَشتَهُونَ.

محمّدبن احمد گفت: حضرت علی علیه السلام فرمود: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود: ای علی! بدان جبرئیل علیه السلام به من خبر داد که امتم پس از من با تو نیرنگ می‌کنند، پس وای بر آنان و سه بار تکرار فرمود: ویل برای آنان است. عرض کردم: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! ویل چیست؟ فرمود: بیابانی است در جهنم که بیشتر اهل آن دشمنان تو و قاتلان فرزندان تو و پیمان‌شکنان بیعت با تو هستند. سپس سه بار فرمود: خوشا به حال آنان، طوبی برای کسی است که تو را دوست دارد و به عهد تو وفادار است. گفتم: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! طوبی چیست؟ فرمود: درختی در خانهٔ تو در بهشت است که خانه‌ای از خانه‌های شیعیان تو در بهشت نیست، مگر آن‌که شاخه‌ای از آن درخت در خانهٔ ایشان است و هر آن‌چه را دلشان بخواهد، سوی ایشان می‌فرستد.

(سورهٔ رعد، آیهٔ ۳۸)

﴿ وَ لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلاً مِنْ قَبْلِكَ وَ جَعَلْنا لَهُمْ أَزْواجًا وَ ذُرِّیَّةً ﴾

و بی‌تردید پیامبرانی را پیش از تو فرستادیم، و برای آن‌ها همسران و فرزندانی قرار دادیم.

۱۸۸. عَن عَبدِ اللهِ بنِ الوَلیدِ قالَ: دَخَلنا عَلی أَبی عَبدِ اللهِ علیه السلام فَقالَ لَنا: مِمَّن أَنتُم؟ فَقُلنا لَهُ: مِن

أَهلِ الكُوفَةِ ، فَقَالَ لَنا: إِنَّهُ لَيسَ بَلَدٌ مِنَ البُلدَانِ وَ لا مِصرٌ مِنَ الأَمصارِ أَكثَرَ مُحِبًّا لَنا مِن أَهلِ الكُوفَةِ ، إِنَّ اللهَ هَدَاكُم لِأَمرٍ جَهِلَهُ النَّاسُ فَأَحبَبتُمُونا وَ أَبغَضَنَا النَّاسُ وَ صَدَّقتُمُونَا وَ كَذَّبَنَا النَّاسُ وَ اتَّبعتُمُونا وَ خَالَفَنَا النَّاسُ ، فَجَعَلَ اللهُ مَحيَاكُم مَحيَانَا و مَماتَكُم مَمَاتَنَا ، فَأَشهَدُ عَلى أَبِي إِنَّهُ كَانَ يَقُولُ: مَا بَينَ أَحَدِكُم وَ بَينَ أَن يُغتَبَطَ وَ يَرَى مَا تَقَرُّ بِهِ عَينَيهِ إِلَّا أَن تَبلُغَ نَفسُهُ هَا هُنَا ـ و أَومَأَ بِيَدِهِ إِلَى حَلقِهِ ـ وَ قَد قَالَ اللهُ فِي كِتَابِهِ: ﴿ **وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلاً مِنْ قَبْلِكَ وَ جَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَ ذُرِّيَّةً** ﴾ فَنَحنُ ذُرِّيَّةُ رَسُولِ اللهِ ﷺ.

عبدالله‌بن ولید گفت: خدمت امام جعفر صادق علیه السلام رسیدیم، حضرت فرمود: شما از کدام طایفه هستید؟ عرض کردیم: ما از اهل کوفه هستیم. فرمود: اهل هیچ شهر و دیاری بیشتر از کوفه، دوستدار ما خاندان نیستند. خداوند شما را به راهی هدایت نموده که دیگران به آن جاهل‌اند، شما ما را دوست می‌دارید، در حالی‌که مردم به ما کینه می‌ورزند و شما ما را تصدیق می‌کنید، در حالی‌که مردم ما را تکذیب می‌کنند و شما ما را پیروی می‌کنید، در حالی‌که مردم از ما سرپیچی می‌کنند، خداوند زندگی شما را زندگی ما و مرگ شما را مرگ ما قرار دهد. من بر پدرم گواه هستم که می‌فرمود: فاصله بین شما و بین این‌که دیگران حسرت مقامتان را بخورند و این‌گونه از آیندهٔ خود شاد و خرم شوید، وقتی آشکار می‌شود که جانتان به اینجا برسد و سپس به گلوی مبارک خود اشاره کرد و فرمود: خداوند در کتاب خود فرموده است: «و بی‌تردید پیامبرانی را پیش از تو فرستادیم، و برای آن‌ها همسران و فرزندانی قرار دادیم.» ما فرزندان رسول خدا ﷺ هستیم.

وَ مِن سُورَةِ إبرَاهِيمَ

(سورهٔ ابراهیم، آیهٔ ۲۴ ـ ۲۵)

﴿ أَ لَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللهُ مَثَلاً كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهٰا ثٰابِتٌ وَ فَرْعُهٰا فِي السَّمٰاءِ * تُؤْتي أُكُلَهٰا كُلَّ حينٍ بِإِذْنِ رَبِّهٰا ﴾

آیا ندیدی که خداوند چگونه مثل زده است؟ [و در آن مَثَل] سخن پاکیزه‌ای را به درخت پاکیزه‌ای تشبیه کرده که ریشه‌اش [در زمین] ثابت و شاخه‌اش در آسمان است. میوه‌اش را در هر زمانی به اذن پروردگارش می‌دهد.

۱۸۹. عَن عُمَرَبنِ يَزِيدَ قَالَ: سَأَلتُ أَبَاعَبدِ اللهِ عليه السلام عَن قَولِ اللهِ ـ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿ كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهٰا ثٰابِتٌ وَ فَرْعُهٰا فِي السَّمٰاءِ ﴾ فَقَالَ: النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله أَصلُهَا وَ أَمِيرُ المُؤمِنِينَ فَرعُهَا وَ الأَئِمَّةُ مِن ذُرِّيَّتِهِمَا أَغصَانُهَا وَ عِلمُ الأَئِمَّةِ ثَمَرُهَا وَ شِيعَتُهُم وَرَقُهَا، فَهَل تَرَى فِيهَا فَضلاً؟ فَقُلتُ: لَا وَاللهِ إِنَّ المُؤمِنَ لَيَمُوتُ فَيَسقُطُ وَرَقَةٌ مِن تِلكَ الشَّجَرَةِ وَ إِنَّهُ لَيُولَدُ فَتُورِقُ بِوَرَقَةٍ مِنهَا. فَقُلتُ: قَولُهُ: ﴿ تُؤْتي أُكُلَهٰا كُلَّ حينٍ بِإِذْنِ رَبِّهٰا ﴾ قَالَ: يَعنِى مَا يَخرُجُ إِلَى النَّاسِ مِن عِلمِ الإِمَامِ حين يُسأَلُ عَنهُ.

عمربن یزید گفت: از امام جعفر صادق عليه السلام دربارهٔ کلام خداوند عزّوجلّ

«[سخن پاکیزه] را به درخت پاکیزه‌ای تشبیه کرده که ریشه آن [در زمین] ثابت و شاخه‌اش در آسمان است» پرسیدم، ایشان فرمود: پیامبر ﷺ ریشهٔ آن و حضرت علی علیه‌السلام شاخهٔ آن و امامان علیهم‌السلام از فرزندان ایشان شاخه‌های آن و میوه آن علم امامان و برگ آن شیعیان ایشان هستند. آیا چیز دیگری در آن می‌بینی؟ وقتی یکی از مؤمنان شیعه از دنیا می‌رود، یک برگ از درخت فرو می‌افتد و هر فرزندی از ایشان که زاده می‌شود یک برگ بر درخت می‌روید. عرض کردم: «میوه‌اش را در هر زمانی به اذن پروردگارش می‌دهد» چه؟ فرمود: منظور آن چیزی است که از علم امام سوی مردم بیرون می‌آید، چون آنان از وی بپرسند.

(سورهٔ ابراهیم، آیهٔ ۲۷)

﴿ يُثَبِّتُ اللهُ الَّذينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثّابِتِ ﴾

خداوند کسانی راکه ایمان آورده‌اند، با سخن ثابت، محکم و استوار می‌گرداند.

۱۹۰. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ فِی قَولِهِ تَعالَی: ﴿ يُثَبِّتُ اللهُ الَّذينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثّابِتِ فِي الْحَياةِ الدُّنْيا وَ فِي الْآخِرَةِ ﴾ قالَ: بِوَلايَةِ عَلِيِّ بنِ أَبی طالِبٍ علیه‌السلام.

ابن عباس دربارهٔ این آیه گفت: یعنی با ولایت علی بن ابی طالب علیه‌السلام.

(سورهٔ ابراهیم، آیهٔ ۲۸)

﴿ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللهِ كُفْرًا وَ أَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دارَ الْبَوارِ ﴾

آیا کسانی راکه نعمت خدا را به کفران [نعمت] مبدّل کردند و قوم خود را
در سرای هلاکت جای دادند، ملاحظه نکردی؟

۱۹۱. عَن هُبَیرَةَ بنِ یَریمَ قالَ: کُنّا عِندَ أَمیرِ الْمُؤمِنینَ عَلِیِّ بنِ أَبی طالِبٍ علیه‌السلام فَقَرَأَ: ﴿ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللهِ كُفْرًا ﴾ قالَ: تَدرِی فِیمَن نَزَلَت؟ قُلتُ: لا. قالَ: نَزَلَت فِی الأَفجَرَینِ

مِن قُرَيشٍ فِي بَنِي أُمَيَّةَ وَ بَنِي المُغِيرَةِ فَأَمَّا بَنُو المُغِيرَةِ فَقَطَعَ اللهُ دابِرَهُم يومَ بَدرٍ وَ أَمَّا بَنُو أُمَيَّةَ فَمُتِّعُوا إلَى حِينٍ.

هبیرةبن یریم گفت: نزد امیرمؤمنان حضرت علی علیه‌السلام بودیم که ایشان قرائت فرمود: «آیا کسانی را که نعمت خدا را به کفران [نعمت] مبدّل کردند، ملاحظه نکردی؟» سپس فرمود: آیا می‌دانی در چه مورد نازل شد؟ عرض کردم: خیر. فرمود: در مورد فاجران قریش، دربارهٔ بنی‌امیه و بنی‌مغیره نازل شد. بنی‌مغیره را خدا در روز بدر مقطوع النسل کرد و بنی‌امیه تا مدتی مهلت یافتند.

(سورهٔ ابراهیم، آیهٔ ۳۵)

﴿ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَ اجْنُبْنِي وَ بَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ ﴾

پروردگارا! این شهر را ایمن گردان و مرا و فرزندانم را از پرستش بت‌ها دور بدار.

۱۹۲. فُراتُ قَالَ: حَدَّثَنِی مُحَمَّدُبنُ عِيسَى بنِ زَكَرِيَّا مُعَنعَنًا: عَن أَبِی جَعفَرٍ مُحَمَّدِبنِ عَلِيٍّ علیهما‌السلام قَالَ: إِنَّ إبرَاهِيمَ خَلِيلُ اللهِ علیه‌السلام دَعا رَبَّهُ فَقَالَ: ﴿ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَ اجْنُبْنِي وَ بَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ ﴾ فَنالَت دَعوَتُهُ النَّبِيَّ صلی‌الله‌علیه‌وآله فَأَكرَمَهُ اللهُ بِالنُّبُوَّةِ وَ نَالَت دَعوَتُهُ عَلِيَّ بنَ أَبِی طالِبٍ علیه‌السلام فَاختَصَّهُ اللهُ بالإمَامَةِ وَ الوِصَايَةِ، وَ قَالَ اللهُ تَعالَى: يَا إبرَاهِيمُ ﴿ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ ﴾ إبرَاهِيمُ: ﴿ وَ مِن ذُرِّيَّتِي قَالَ: لَايَنَالُ عَهدِي الظَّالِمِينَ ﴾ قَالَ: الظَّالِمُ مَن أَشرَكَ بِاللهِ وَ ذَبَحَ لِلأَصنامِ وَ لَم يَبقَ أَحَدٌ مِن قُرَيشٍ وَ العَرَبِ مِن قَبلِ أَن يُبعَثَ النَّبِيُّ صلی‌الله‌علیه‌وآله إلّا وَ قَد أَشرَكَ بِاللهِ وَ عَبَدَ الأَصنامَ وَ ذَبَحَ لَها مَا خَلا أَمِيرَ المُؤمِنِينَ عَلِيَّ بنَ أَبِی طالِبٍ علیه‌السلام فَإِنَّهُ مِن قَبلِ أَن يَجرِیَ عَلَيهِ القَلَمُ أَسلَمَ، فَلا يَجُوزُ أَن يَكُونَ إمَامٌ أَشرَكَ بِاللهِ وَ ذَبَحَ لِلأَصنامِ لِأَنَّ اللهَ تَعالَى قَالَ: ﴿ لَا يَنَالُ عَهدِي الظَّالِمِينَ ﴾.

فرات گفت محمّدبن عیسی‌بن زکریا روایت کرده است: امام محمّد باقر علیه‌السلام فرمود: حضرت ابراهیم خلیل الله علیه‌السلام به درگاه پروردگارش دعا کرد و گفت: «پروردگارا! این شهر را ایمن گردان و مرا و فرزندانم را از پرستش بت‌ها دور

بدار.» دعای او به پیامبر ﷺ رسید و خداوند او را به نبوّت گرامی داشت و سپس به علی‌بن ابی‌طالب ؑ رسید و خداوند او را به امامت و وصایت اختصاص داد و خداوند فرمود: ای ابراهیم! «تو را برای مردم امام قرار دادم.» ابراهیم «گفت: و از فرزندانم. خدا گفت: عهد من به ظالمان نمی‌رسد.»

ظالم کسی است که به خدا شرک بورزد و برای بت‌ها قربانی کند. پیش از بعثت پیامبر ﷺ به غیر از حضرت علی ؑ، تمامی عرب و قریش مشرک بودند و بت می‌پرستیدند و برای بتان قربانی می‌کردند و تنها حضرت علی ؑ بود که پیش از آن‌که قلم بر او جاری گردد، اسلام آورد. پس روا نیست که امام به خدا شرک ورزد و برای بتان قربانی کند؛ چراکه خداوند فرمود: «عهد من به ظالمان نمی‌رسد.»

(سورهٔ ابراهیم، آیهٔ ۳۷)

﴿ رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ ﴾

پروردگارا! من بعضی از فرزندانم را در درّه‌ای بی‌آب و علف، نزدیک خانهٔ با حرمت تو سکنا داده‌ام، تا نماز را برپا دارند؛ پس دل‌های برخی از مردم را به سوی آنان متمایل کن.

۱۹۳. الحُسَينُ بنُ سَعِيدٍ مُعنعنًا: قَالَ: كُنَّا فِي الفُسطَاطِ عِندَ أَبِي جَعفَرٍ ؑ وَ فِي الفُسطَاطِ نَحوًا مِن خَمسِينَ رَجُلاً قَالَ: فَجَلَسَ بَعدَ سُكُونٍ مِنَّا طَوِيلٌ فَقَالَ: مَا لَكُم لَا تَنطِقُونَ؟! لَعَلَّكُم تَرَونَ أَنِّي نَبِيٌّ! لَا وَاللهِ مَا أَنَا كَذَلِكَ وَلَكِنَّ بِي قَرَابَةً مِن رَسُولِ اللهِ ﷺ قَرِيبَةً وَ وِلَادَةً مِن رَسُولِ اللهِ ﷺ، فَمَن وَصَلَنَا وَصَلَهُ اللهُ وَ مَن أَكرَمَنَا أَكرَمَهُ اللهُ وَ مَن قَطَعَنَا قَطَعَهُ اللهُ، أَتَدرُونَ أَيُّ البِقَاعِ عِندَ اللهِ أَفضَلُ مَنزِلَةً؟ فَلَم يَتَكَلَّم أَحَدٌ فَكَانَ هُوَ الرَّادُّ عَلَى نَفسِهِ فَقَالَ: تِلكَ مَكَّةُ الحَرَامِ الَّتِي وَضَعَهَا اللهُ لِنَفسِهِ حَرَمًا وَ جَعَلَ بَيتَهُ فِيهَا، ثُمَّ قَالَ: أَتَدرُونَ أَيُّ بُقعَةٍ فِي مَكَّةَ أَعظَمُ عِندَ اللهِ حُرمَةً؟ فَلَم يَتَكَلَّم أَحَدٌ فَكَانَ هُوَ الرَّادُّ

عَلی نَفسِهِ فَقالَ: ذَلِكَ المَسجِدُ الحَرام ، ثُمَّ قالَ: أَتدرُونَ أَیُّ بُقعَةٍ فِی المَسجِدِ الحَرامِ أَعظَمُ حُرمَةً عِندَ اللهِ؟ فَلَم یَتَکَلَّم أَحَدٌ فکانَ هُوَ الرّادُّ عَلی نَفسِهِ فَقالَ: ذَلِكَ بَینَ الرُّکنِ الأَسوَدِ إِلَی بابِ الکَعبَةِ ذَلِكَ حَطِیمُ إِسماعِیلَ النَّبیِّ نَفسِهِ الَّذی کانَ یَذُودُ فِیهِ غَنَمَهُ وَ یُصَلّی فِیهِ فَوَاللهِ لَو أَنَّ عَبدًا صَفَّ قَدَمَیهِ فِی ذَلِكَ المَکانِ قائِمًا بِاللَّیلِ مُصَلِّیًا حَتّی یَجِیئَهُ اللَّیلُ وَ لَم یَعرِف حَقَّنا وَ حُرمَتَنا اَهلَ البیتِ لَم یَقبَلِ اللهُ مِنهُ شَیئًا أَبَدًا.

أَلا إِنَّ أَبانا إِبراهِیمَ خَلِیلَ اللهِ ﷺ کانَ مِمّا اشتَرَطَ عَلی رَبِّهِ أَن قالَ: ﴿ **فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ** ﴾ أَمّا أَنَّهُ لَم یَعنِ النّاسَ کُلَّهُم ، فَأَنتُم أَولِیاؤُهُ وَ نُظَراؤُکُم ، وَ إِنَّما مَثَلُکُم فِی النّاسِ مَثَلُ الشَّعرَةِ السَّوداءِ فِی الثَّورِ الأَبیَضِ وَ مَثَلُ الشَّعرَةِ البَیضاءِ فِی الثَّورِ الأَسوَدِ ، یَنبَغِی لِلنّاسِ أَن یَحُجُّوا هَذا البَیتَ وَ یُعَظِّمُوهُ لِتَعظِیمِ اللهِ إِیّاهُ وَ أَن تَلقَونا حَیثُما کُنّا ، نَحنُ الأَدِلّاءُ عَلَی اللهِ تَعالَی.

حسین بن سعید: حدود پنجاه مرد در زیر چادری خدمت امام محمّد باقر ﷺ بودیم. حضرت نشست و بعد از سکوت طولانی ما فرمود: چرا حرف نمی زنید؟ شاید گمان می‌کنید من پیامبرم! نه، به خدا من پیامبر نیستم ولی خویشاوندی نزدیکی با رسول خدا ﷺ دارم و از نسل نزدیک اویم، پس هر که به ما بپیوندد، خدا به او می پیوندد و هر که ما را گرامی بدارد، خدایش گرامی می‌دارد و هر که از ما ببرد، خدا از او می‌برد. آیا می‌دانید کدام قطعه از زمین مقامش نزد خدا بالاتر است؟ کسی چیزی نگفت، تا این‌که ایشان خود پاسخ داد و فرمود: آن مکه است که خدا آن را برای حرم خویش پسندید و خانه‌اش را آنجا قرار داد. سپس فرمود: آیا می‌دانید کدام قطعه زمین در مکه نزد خداوند باارزش‌تر است؟ باز کسی چیزی نگفت تا این‌که ایشان خود پاسخ داد: آن مسجدالحرام است. سپس فرمود: می‌دانید کدام قطعه از مسجدالحرام نزد خداوند گرامی‌تر است؟ باز هم کسی چیزی نگفت تا این‌که ایشان خود پاسخ داد و فرمود: آن، فاصله بین حجرالاسود تا در خانهٔ کعبه است که حطیم

حضرت ابراهیم است. یعنی جایی که به گوسفندانش علف می‌داد و در آن نماز می‌خواند. به خدا سوگند اگر بنده‌ای در این مکان بر دو پای خویش شبی را تا شبی دیگر به نماز بایستد، ولی حق و حرمت ما خاندان را نشناسد، خداوند هیچ از او نمی‌پذیرد. همانا از شرط‌هایی که پدر ما حضرت ابراهیم علیه السلام با خدای خویش نمود این بود که گفت: بار خدایا! «تو دل‌هایی از مردمان را به سوی آن‌ها مایل گردان»، حضرت ابراهیم همهٔ مردم را منظور نداشت، آن مردم شما و افرادی همچون شمایید. همانا مثل شما در میان مردم همچون یک موی سیاه در گاو سفید یا موی سفید در گاو سیاه است. سزاوار است مردم این خانه را حج گزارند و آن را بزرگ شمرند، چون خدایش بزرگ دانسته و نیز سزاوار است ما را در هر کجا هستیم، ملاقات کنند؛ چرا که ما راهنمایان مردم به سوی خدا هستیم.

۱۹۴. أَحمَدُبنُ القَاسِمِ مُعَنعَنًا: عَن أَبِی‌جَعفَرٍ علیه السلام فِی قَولِ اللهِ یَحکِی قَولَ إِبرَاهِیمَ خَلِیلِ‌اللهِ علیه السلام: ﴿**رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ**﴾ قَالَ أَبُو جَعفَرٍ علیه السلام: وَاللهِ مَا قَالَ تَهوِی إِلَیهِ ـ یَعنِی البَیتَ ـ مَا قَالَ إِلَّا إِلَیهِم، أَفتَرَونَ أَنَّ اللهَ فَرَضَ عَلَیکُم إِتیَانَ هَذِهِ الأَحجَارِ وَ التَّمَسُّحِ بِهَا وَ لَم یَفرُض عَلَیکُم إِتیَانَنَا وَ سُؤَالَنَا وَ حُبَّنَا أَهلَ البَیتِ؟! وَ اللهِ مَا فَرَضَ عَلَیکُم غَیرَهُ.

احمد بن قاسم روایت کرده است: امام محمّد باقر علیه السلام دربارهٔ کلام خداوند متعال که از قول ابراهیم خلیل الله حکایت می‌کند: «پروردگارا! من بعضی از فرزندانم را در درّه‌ای بی‌آب و علف، نزدیک خانهٔ با حرمت تو سکنا داده‌ام، تا نماز را بر پا دارند؛ پس دل‌های برخی از مردم را به سوی آنان متمایل کن» فرمود: به خدا سوگند او نگفت به سوی آن، یعنی خانه، متمایل کن، بلکه گفت به سوی آنان متمایل کن؛ آیا می‌پندارید خداوند آمدن کنار این سنگ‌ها و مسح

آن‌ها را واجب کرده اما آمدن نزد ما و پرسیدن از ما و محبت ما را واجب نکرده است؟ به خدا سوگند جز این را واجب نکرده است.

۱۹۵ . عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ فِی قَولِ اللهِ تَعالَی: ﴿ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ ﴾ قَالَ: فَقَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ هِیَ قُلُوبُ شِیعَتِنَا تَهوِی إِلَی مَحَبَّتِنَا.

ابن عباس دربارهٔ کلام خداوند متعال «پس دل‌های برخی از مردم را به سوی آنان متمایل کن» گفت: رسول خدا ﷺ فرمود: منظور، قلوب شیعیان ماست که به سوی محبت ما متمایل‌اند.

وَ مِن سُورَةِ الحِجرِ

(سورهٔ حجر، آیهٔ ۴۰ ـ ۴۲)

﴿ إِلاّٰ عِبٰادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ ۞ قٰالَ هٰذٰا صِرٰاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ ۞ إِنَّ عِبٰادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطٰانٌ ﴾

مگر آن بندگانت که از میان سایر بندگانت خالص شده‌اند. فرمود: «این راهی راست است که [حفظ] آن بر عهده من است. مسلمًا تو بر بندگان من تسلّط نداری

(سورهٔ حجر، آیهٔ ۴۷)

﴿ إِخْوٰانًا عَلىٰ سُرُرٍ مُتَقٰابِلِينَ ﴾

... در حالی‌که با یکدیگر برادرند و بر روی تخت‌هایی روبه‌روی یکدیگر نشسته‌اند.

۱۹۶. عَن سَلّامِ بنِ المُستَنِيرِ الجُعفِيِّ قالَ: دَخَلتُ عَلَى أَبِي جَعفَرٍ ؈ فَقُلتُ: جَعَلَنِيَ اللهُ فِدَاكَ إِنِّي أَكرَهُ أَن أَشُقَّ عَلَيكَ فَإِن أَذِنتَ لِي أَن أَسأَلَكَ سَأَلتُكَ، فَقالَ: سَلنِي عَمَّا شِئتَ، قالَ: قُلتُ أَسأَلُكَ عَنِ القُرآنِ؟ قالَ: نَعَم، قالَ: قُلتُ: مَا قَولُ اللهِ ـ عَزَّ وَجَلَّ ـ فِي كِتَابِهِ: ﴿ **قٰالَ**

﴿**هٰذا صِراطُ عَلَيَّ مُسْتَقيمٌ**﴾ قالَ: صِراطُ عَلِيِّ بنِ أَبی طالِبٍ عليه السلام فَقُلتُ: صِراطُ عَلِيٍّ!؟ فَقالَ: صِراطُ عَلِيِّ بنِ أَبی طالِبٍ عليه السلام.

سلام‌بن مستنیر جعفی گفت: بر امام محمّد باقر عليه السلام وارد شدم و عرض کردم: خداوند مرا فدایت گرداند، من دوست ندارم باعث زحمت شما شوم امّا اگر اجازه می‌دهید سؤالی از شما بپرسم. ایشان فرمود: هرچه می‌خواهی بپرس. عرض کردم: سؤالی دربارهٔ قرآن داشتم. فرمود: بپرس. عرض کردم: منظور از این آیه قرآن که خداوند می‌فرماید «این راهی راست است که [حفظ] آن بر عهدهٔ من است» چیست؟ فرمود: منظور، راه علی‌بن ابی‌طالب عليه السلام است. عرض کردم: راه حضرت علی عليه السلام؟ امام عليه السلام فرمود: آری، راه علی بن ابی‌طالب عليه السلام است.

۱۹۷. عَن سُلَیمانَ الدَّیلَمِيِّ قالَ: کُنتُ عِندَ أَبی عَبدِ اللهِ عليه السلام إِذ دَخَلَ عَلَیهِ أَبُوبَصیرٍ وَ قَد أَخَذَهُ نَفَسُهُ فَلَمّا أَن أَخَذَ مَجلِسَهُ قالَ لَهُ أَبُوعَبدِ اللهِ: یا أَبا مُحَمَّدٍ ما هَذَا النَّفَسُ العالِی؟ قالَ: جُعِلتُ فِداكَ یَابنَ رَسُولِ اللهِ کَبُرَ سِنّی وَ دَقَّ عَظمی وَ لَستُ أَدری ما أَرِدُ عَلَیهِ مِن أَمرِ آخِرَتی. فَقالَ أَبُوعَبدِ اللهِ: یا أَبامُحَمَّدٍ إِنَّكَ لَتَقُولُ هَذا!؟ فَقالَ: جُعِلتُ فِداكَ وَ کَیفَ لا أَقُولُ هَذا فَذَکَرَ کَلاماً، فَقالَ: یا أَبامُحَمَّدٍ لَقَد ذَکَرَکُمُ اللهُ فِی کِتابِهِ فَقالَ: ﴿**إِخْوٰانًا عَلىٰ سُرُرٍ مُتَقٰابِلينَ**﴾ وَ اللهِ ما أَرادَ بِها غَیرَکُم یا أَبامُحَمَّدٍ فَهَل سَرَرتُكَ؟ قالَ: قُلتُ: جُعِلتُ فِداكَ زِدنی.

فَقالَ: لَقَد ذَکَرَکُمُ اللهُ فِی کِتابِهِ فَقالَ: ﴿**إِنَّ عِبٰادي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطٰانٌ**﴾ وَاللهِ ما أَرادَ بِها إِلَّا الأَئِمَّةَ وَ شیعَتَهُم فَهَل سَرَرتُكَ؟

سلیمان دیلمی گفت: نزد امام جعفر صادق عليه السلام بودم که ابوبصیر، در حالی‌که نفس نفس می‌زد، بر آن‌حضرت وارد شد. هنگامی که نشست، امام عليه السلام رو به او کرد و فرمود: ای ابامحمّد، چرا این‌گونه نفس می‌کشی؟ عرض کرد: فدایت شوم ای فرزند رسول خدا! پیر و ناتوان شده‌ام، با این وجود نمی‌دانم در آخرت چه حالی خواهم داشت! امام عليه السلام فرمود: ای ابامحمّد! تو هم چنین

می‌گویی؟! عرض کرد: قربانت گردم، چرا نگوییم؟ و سخنی گفت. سپس حضرت فرمود: ای ابامحمّد! خداوند شما را در قرآن کریم یاد کرده و فرموده: «در حالی‌که با یکدیگر برادرند و بر روی تخت‌هایی روبه‌روی یکدیگر نشسته‌اند.» به خدا سوگند در این آیه جز شما قصد کس دیگری را نداشته است. فرمود: ای ابامحمّد! آیا خوشحالت کردم؟ عرض کرد: آری، فدایت شوم؛ باز هم بگویید. سپس فرمود: ای ابامحمّد! همانا خداوند شما را در قرآن یاد کرده و فرموده «مسلّما تو بر بندگان من تسلّطی نداری» به خدا سوگند، در این آیه جز امامان علیهم‌السلام و شیعیانشان را قصد نداشته است، آیا خوشحالت کردم؟

۱۹۸. عَن عَبدِ اللهِ بنِ أَبی أَوفی قَالَ: خَرَجَ النَّبِیُّ صلی‌الله‌علیه‌وآله وَ نَحنُ فِی مَسجِدِ المَدِینَةِ فَقَامَ فَحَمِدَ اللهَ تَعَالَی وَ أَثنَی عَلَیهِ فَقَالَ: إِنِّی مُحَدِّثُکُم حَدِیثًا فَاحفَظُوهُ وَعُوهُ وَ لیُحَدَّث مِن بَعدِکُم إِنَّ اللهَ اصطَفَی لِرِسَالَتِهِ خَلقَهُ وَ ذَلِكَ قَولُ اللهِ تَعَالَی ﴿ **اللهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلاً وَ مِنَ النَّاسِ**[1] ﴾ أَسکَنَهُمُ الجَنَّةَ، وَ إِنِّی مُصطَفٍ مِنکُم مَن أُحِبُّ أَن أَصطَفِیهِ وَ أُوَاخِی بَینَکُم کَمَا آخَا اللهُ بَینَ المَلَائِکَةِ، فَذَکَرَ کَلَامًا فِیهِ طُولٌ فَقَالَ عَلِیُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ علیه‌السلام: لَقَدِ انقَطَعَ ظَهرِی وَ ذَهَبَ رُوحِی عِندَمَا صَنَعتَ بِأَصحَابِكَ مَا صَنَعتَ غَیرِی فَإِن کَانَ مِن سَخَطَةٍ بِكَ عَلَیَّ فَلَكَ العُتبَی وَالکَرَامَةُ، فَقَالَ رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله وَالَّذِی بَعَثَنِی بِالحَقِّ مَا أَنتَ مِنِّی إِلَّا بِمَنزِلَةِ هَارُونَ مِن مُوسَی إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِیَّ بَعدِی، وَ مَا أَخَّرتُكَ إِلَّا لِنَفسِی فَأَنَا رَسُولُ اللهِ وَ أَنتَ أَخِی وَ وَارِثِی. قَالَ: وَ مَا الَّذِی أَرِثُ مِنكَ یَا رَسُولَ اللهِ؟ قَالَ: مَا وَرِثَتِ الأَنبِیَاءُ مِن قَبلِی قَالَ: کِتَابُ رَبِّهِم وَ سُنَّةُ نَبِیِّهِم. أَنتَ مَعِیَ یَا عَلِیُّ فِی قَصرِی فِی الجَنَّةِ مَعَ فَاطِمَةَ بِنتِی، هِیَ زَوجَتُكَ فِی الدُّنیَا وَالآخِرَةِ وَأَنتَ رَفِیقِی. ثُمَّ تَلَا رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله: ﴿ **إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ** ﴾ اَلمُتَحَابِّینَ فِی اللهِ یَنظُرُ بَعضُهُم إِلَی بَعضٍ.

عبد الله بن ابی اوفی گفت: در حالی‌که ما در مسجد مدینه بودیم، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله خارج شد و به پا خاست و پس از حمد و ثنای خداوند فرمود: سخنی برایتان

---

۱. حج، ۷۵

می‌گویم، آن را به خاطر بسپارید و نگاه دارید و به اطلاع آن‌هایی که پس از شما می‌آیند برسانید. خداوند برای رسالت خود از میان آفریدگانش برگزید، همان‌طور که خود فرمود: «خداوند از فرشتگان و از مردم، فرستادگانی را برمی‌گزینند.» و در بهشت جایشان می‌دهد. من نیز از میان شما، آن کس را که دوست دارم برمی‌گزینم و در میان شما پیمان برادری برقرار می‌کنم، همان‌گونه که خداوند میان فرشتگان خود پیمان برادری بست. سپس حضرت کلامی طولانی در این باره ایراد کرد و آن‌گاه حضرت علی علیه‌السلام فرمود: هنگامی که متوجه شدم در میان اصحابتان برادری برقرار کردید و مرا از این موقعیت محروم داشتید، چیزی نمانده بود که روح از بدنم جدا شود و پشتم بشکند. این بی‌توجهی اگر به خاطر آن است که بر من خشمگین شده‌اید، امید است که مرا مورد لطف و بخشش خود قرار بدهید!

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: سوگند به خدایی که مرا به حق برانگیخت، جایگاه تو نسبت به من همان جایگاه هارون نسبت به موسی است، جز آن‌که بعد از من پیامبری نخواهد بود. من تو را برای خود نگه داشته‌ام، من رسول خدا هستم و تو برادر و وارث من هستی. حضرت علی علیه‌السلام فرمود: ای رسول خدا من چه چیزی از شما ارث می‌برم؟ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: آن‌چه که از پیامبران گذشته به امتشان رسید. همان کتاب پروردگارشان و سنت پیامبرشان. ای علی! تو با دخترم فاطمه در قصر من در بهشت همراه من هستید. فاطمه علیهاالسلام در دنیا و آخرت همسر توست و تو دوست من هستی. سپس رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله تلاوت فرمود: «در حالی‌که با یکدیگر برادرند، بر روی تخت‌هایی روبه‌روی یکدیگر نشسته‌اند.» و به خداوند عشق می‌ورزند و به یکدیگر می‌نگرند.

۱۹۹. عَن حَنَانِ بنِ سَدِیرٍ الصَّیرَفِیِّ قَالَ: دَخَلتُ عَلَی أَبِی‌عَبدِ اللهِ جَعفَرِبنِ مُحَمَّدٍ علیهماالسلام وَ عَلَی کَتِفِهِ مِطرَفُ مِن خَزٍّ فَقُلتُ لَهُ: یَا ابنَ رَسُولِ اللهِ مَا یُثبِتُ اللهُ شِیعَتَکُم عَلَی مَحَبَّتِکُم

أَهلَ البیتِ؟ فَقَالَ: أَوَ لَم یُؤمِن قَلبُكَ؟ قَالَ: بَلَى إِلَّا أَنَّ فِی قَلبِی قَرحَةٌ. ثُمَّ قَالَ لِخَادِمٍ لَهُ: إِئتِنِی بِبَیضَةٍ بَیضَاءَ فَوَضَعَهَا عَلَى النَّارِ حَتَّى نَضِجَت ثُمَّ أَهوَى بِالقِشرِ فِی النَّارِ وَ قَالَ: أَخبَرَنِی أَبِی عَن جَدِّی أَنَّهُ إِذَا کَانَ یَومُ القِیَامَةِ هَوَى مُبغِضُونَا فِی النَّارِ هٰکَذَا، ثُمَّ أَخرَجَ صُفرَةً فَأَخَذَهَا عَلَى کَفِّهِ الیُمنَى ثُمَّ قَالَ: وَاللهِ إِنَّا لَصَفوَةُ اللهِ کَمَا هٰذِهِ الصُّفرَةُ صَفوَةُ هٰذِهِ البَیضَةِ، ثُمَّ دَعَا بِخَاتَمِ فِضَّةٍ فَخَالَطَ الصُّفرَةَ مَعَ البَیَاضِ وَ البَیَاضَ مَعَ الصُّفرَةِ ثُمَّ قَالَ: أَخبَرَنِی أَبِی عَن آبَائِی عَن جَدِّی عَن رَسُولِ اللهِ ﷺ إِنَّهُ قَالَ: إِذَا کَانَ یَومُ القِیَامَةِ شِیعَتَنَا هٰکَذَا بِنَا مُختَلِطِینَ - وَ شَبَّكَ بَینَ أَصَابِعِهِ - ثُمَّ قَالَ ﴿ **إِخْوٰانًا عَلىٰ سُرُرٍ مُتَقٰابِلینَ** ﴾.

حنان بن سدیر صیرفی گفت: خدمت امام جعفر صادق علیه السلام رسیدم و آن‌حضرت ردایی نگارین از خز بر شانه داشت. عرض کردم: ای فرزند رسول خدا ﷺ! چگونه خداوند شیعهٔ شما را در محبت شما ثابت می‌دارد؟ فرمود: مگر قلبت ایمان نیاورده است؟ عرض کردم: آری، اما مختصر گره‌ای در قلبم است. حضرت به خادم خود فرمود: یک تخم‌مرغ سفید بیاور و آن را روی آتش گذاشت تا پخت و آن‌گاه پوست تخم‌مرغ را در آتش افکند. امام علیه السلام فرمود: پدرم از قول جدم مرا آگاه ساخت که چون روز قیامت فرارسد، کینه‌توزان ما این‌چنین در آتش افکنده می‌شوند، سپس حضرت زردهٔ تخم‌مرغ را درآورد و در کف دست راست خود قرار داد و فرمود: به خدا سوگند ما برگزیدهٔ خداوندیم همان‌گونه که این زرده برگزیده این تخم‌مرغ است.

سپس حضرت فرمود تا یک انگشتر نقره آوردند و سفیده را با زرده و زرده را با سفیده درآمیخت و فرمود: پدرم از قول پدرانم از جدم از رسول خدا ﷺ مرا خبر داد که چون روز قیامت فرا رسد، شیعیان ما این‌گونه با ما در هم آمیخته‌اند. حضرت انگشتان خویش را در هم فشرد و آن‌گاه فرمود: «در حالی‌که با یکدیگر برادرند، بر روی تخت‌هایی روبه‌روی یکدیگر نشسته‌اند.»

(سورهٔ حجر، آیهٔ ۷۲)

﴿ لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴾

به جان تو سوگند، آن‌ها در مستی خود سرگردان‌اند.

۲۰۰. عَنِ الأَعمَشِ قَالَ: خَرَجتُ حَاجًّا إِلَى مَكَّةَ فَلَمَّا إنصَرَفتُ بَعِيدًا رَأَيتُ عَميَاءَ عَلَى ظَهرِ الطَّرِيقِ تَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ رُدَّ عَلَيَّ بَصَرِي قَالَ: فَتَعَجَّبتُ مِن قَولِهَا وَ قُلتُ لَهَا: أَيُّ حَقٍّ لِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ عَلَيهِ إِنَّمَا الحَقُّ لَهُ عَلَيهِم فَقَالَت لِي: مَه يَا لُكَعُ وَاللهِ مَا ارتَضَى هُوَ حَتَّى حَلَفَ بِحَقِّهِم فَلَو لَم يَكُن لَهُم عَلَيهِ حَقٌّ مَا حَلَفَ بِهِ. قَالَ: قُلتُ: وَ أَيُّ مَوضِعٍ حَلَفَ؟ قَالَت قَولُهُ: ﴿ **لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ** ﴾ وَ العَمرُ فِي كَلَامِ العَرَبِ اَلحَيَاةُ.

قَالَ: فَقَضَيتُ حَجِّي ثُمَّ رَجَعتُ فَإِذَا بِهَا مُبصِرَةً فِي مَوضِعِهَا وَ هِيَ تَقُولُ: أَيُّهَا النَّاسُ حُبُّوا عَلِيًّا فَحُبُّهُ يُنجِيكُم مِنَ النَّارِ. قَالَ: فَسَلَّمتُ عَلَيهَا وَ قُلتُ: أَلَستِ العَميَاءَ بِالأَمسِ تَقُولِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ رُدَّ عَلَيَّ بَصَرِي؟ قَالَت: بَلَى. قُلتُ: حَدِّثِينِي بِقِصَّتِكِ قَالَت: وَاللهِ مَا جَزتَنِي إِذ وَقَفَ عَلَيَّ رَجُلٌ فَقَالَ لِي: إِن رَأَيتِ مُحَمَّدًا وَآلِهِ ـ سَلَامُ اللهِ عَلَيهِم ـ تَعرِفِينَهُ؟ قُلتُ: لَا وَلَكِن بِالدَّلَائِلِ الَّتِي جَاءَتنَا. قَالَت: فَبَينَا هُوَ يُخَاطِبُنِي إِذ أَتَانِي رَجُلٌ آخَرُ مُتَوَكِّئًا عَلَى رِجلَينِ فَقَالَ: مَا قِيَامُكَ مَعَهَا؟ قَالَ: إِنَّهَا تَسأَلُ رَبَّهَا بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَن يَرُدَّ عَلَيهَا بَصَرَهَا فَادعُ اللهَ لَهَا، قَالَت: فَدَعَا رَبَّهُ وَ مَسَحَ عَلَى عَينِي بِيَدِهِ فَأَبصَرتُ فَقُلتُ: مَن أَنتُم؟ فَقَالَ: أَنَا مُحَمَّدٌ وَ هَذَا عَلِيٌّ قَد رَدَّ اللهُ عَلَيكِ بَصَرَكِ أُقعُدِي فِي مَوضِعِكِ هَذَا حَتَّى يَرجِعَ النَّاسُ وَ أَعلِمِيهِم أَنَّ حُبَّ عَلِيٍّ يُنجِيهِم مِنَ النَّارِ.

اعمش گفت: به قصد حج سوی مکه به راه افتادم و هنگامی که دور شدم، در میان راه زنی نابینا را دیدم که می‌گفت: پروردگارا از تو می‌خواهم که به حق محمّد و آل او ﷺ بینایی‌ام را به من بازگردانی. از سخنش متعجب شدم و به او گفتم: چه حقی برای محمّد ﷺ و خاندانش بر خداوند است؟ این خداوند است که بر آنان حق دارد. به من گفت: ساکت ای فرومایه! به خدا سوگند

خداوند خشنود نشد تا این‌که به حقّ ایشان سوگند خورد و اگر حقّی برای ایشان بر او نبود، به آن حق سوگند یاد نکرده بود. گفتم: کجا خداوند سوگند خورده است؟ گفت: در این آیه که می‌فرماید: «به جان تو سوگند، آن‌ها در مستی خود سرگردان‌اند.» و در زبان عرب، عمر به معنای زندگی است. من حجّم را ادا کردم چون بازمی‌گشتم ناگهان همان زن را دیدم که بینا شده بود و در همان‌جا نشسته بود و می‌گفت: ای مردم علی علیه السلام را دوست بدارید، که دوستی او شما را از آتش نجات می‌دهد. به او سلام کردم و گفتم: تو همان نابینای دیروزی نیستی که می‌گفتی خدایا از تو می‌خواهم که به حق محمّد و آل او بینایی‌ام را به من بازگردانی؟ گفت: آری. گفتم: داستانت را برایم بگو. گفت: به خدا سوگند هنوز از نزد من نرفته بودی که مردی کنار من ایستاد و گفت: اگر محمّد و خاندان او را ببینی، می‌شناسی؟ گفتم: نه؛ اما با نشانه‌هایی که برایمان گفته‌اند می‌فهمم. در این هنگام که او با من در حال سخن بود، مرد دیگری که بر دو پای خود ایستاده بود آمد و گفت: چرا اینجا ایستاده‌اید؟ آن مرد گفت: او پروردگارش را به حق محمّد و خاندانش سوگند داده است که بینایی‌اش بازگردد، برای او دعا کن. او دعا کرد و با دستش بر چشمانم کشید، و آن‌گاه من بینا شدم. گفتم: شما کیستید؟ فرمود: من محمّد صلی الله علیه و آله هستم و این مرد علی علیه السلام است، خداوند بینایی‌ات را به تو بازگرداند، در جایت بنشین تا مردم بازگردند و به آن‌ها بگو که دوستی علی علیه السلام آن‌ها را از آتش نجات می‌دهد.

(سورهٔ حجر، آیهٔ ۷۵)

﴿ إِنَّ فِي ذٰلِكَ لَآيَاتٍ لِلْمُتَوَسِّمِينَ ﴾

به راستی در این [امور] برای اهل فراست نشانه‌هاست.

۲۰۱. عَن جَابِرٍ: عَن أَبِي جَعفَرٍ علیه السلام قَالَ: بَينَا أَمِيرُ المُؤمِنِينَ علیه السلام فِي مَسجِدِ الكُوفَةِ إِذا أَتَتهُ

إِمرَأةٌ تَستعدِی عَلَی زَوجِهَا فَقَضَا لِزَوجِهَا عَلَیهَا فَغَضِبَت وَ قَالَت: لَا وَاللهِ مَا الحَقُّ فِیمَا قَضَیتَ وَ مَا قَضَیتَ بِالسَّوِیَّةِ وَ لَا تَعدِلُ فِی الرَّعِیَّةِ وَ لَا قَضِیَّتُكَ عِندَ اللهِ بِالمَرضِیَّةِ. فَنظَرَ إِلَیهَا ثُمَّ قَالَ: كَذَبتِ یَا جَرِیَّةُ یَا بَذِیَّةُ یَا سَلسَعُ وَ یَا سَلفَعُ الَّتِی لَا تَحِیضُ مِن حَیثُ تَحِیضُ النِّسَاءُ.

قَالَ: فَوَلَّتِ المَرأَةُ هَارِبَةً وَ هِیَ تَقُولُ: یَا وَیلِی لَقَد هَتَكتَ یَا ابنَ أَبِی طَالِبٍ سِترًا كَانَ مَستُورًا. قَالَ: فَلَحِقَهَا عَمرُو بنُ حُرَیثٍ فَقَالَ لَهَا: یَا أَمَةَ اللهِ لَقَدِ استَقبَلتِ عَلِیًّا بِكَلَامٍ سَرَرتِنِی ثُمَّ إِنَّهُ نَزَعَكِ بِكَلِمَةٍ فَوَلَّیتِ عَنهُ هَارِبَةً تُوَلوِلِینَ! فَقَالَت: إِنَّ عَلِیًّا وَاللهِ أَخبَرَنِی بِالحَقِّ وَ بِمَا أَكتُمُهُ مِن زَوجِی مُنذُ وَلِیَ عِصمَتِی.

قَالَ: فَرَجَعَ عَمرُو إِلَی أَمِیرِ المُؤمِنِینَ ﷺ وَ أَخبَرَهُ بِمَا قَالَت فَقَالَ لَهُ فِیمَا تَقُولُ: یَا أَمِیرَ المُؤمِنِینَ مَا نَعرِفُكَ بِالكَهَانَةِ! قَالَ لَهُ: وَیلَكَ یَا عَمرُو إِنَّهَا لَیسَت بِالكَهَانَةِ مِنِّی وَ لَكِنَّ اللهَ خَلَقَ الأَروَاحَ قَبلَ الأَبدَانِ بِأَلفَی عَامٍ فَلَمَّا رَكَّبَ الأَروَاحَ فِی أَبدَانِهَا كَتَبَ بَینَ أَعیُنِهِم مُؤمِنٌ وَ كَافِرٌ وَ مَا هُم مُبتَلَینَ فِی قَدرِ أُذُنِ الفَأرَةِ ثُمَّ أَنزَلَ بِذَلِكَ قُرآنًا عَلَی نَبِیِّهِ ﷺ فَقَالَ: ﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِلْمُتَوَسِّمِينَ﴾ فَكَانَ رَسُولُ اللهِ ﷺ هُوَ المُتَوَسِّمُ ثُمَّ أَنَا مِن بَعدِهِ وَ الأَئِمَّةُ مِن ذُرِّیَّتِی بَعدِی هُمُ المُتَوَسِّمُونَ فَلَمَّا تَأَمَّلتُهَا عَرَفتُ مَا هِیَ عَلَیهِ بِسِیمَاهَا.

جابر گفت: امام محمّد باقر ﷺ فرمود: امیرمؤمنان علی ﷺ در مسجد کوفه بود که زنی نزد او آمد و از شوهر خود شکایت کرد. امیرمؤمنان علی ﷺ به نفع شوهر او حکم داد و از این رو آن زن خشمگین شد و گفت: به خدا سوگند که آن‌چه قضاوت کردی مطابق حق نبود و تو به‌طور مساوی حکم نکردی و در میان مردم عدالت را رعایت ننمودی و داوری تو نزد خداوند پذیرفته نیست. امام نگاهی به او کرد و سپس فرمود: دروغ گفتی ای کنیز بی‌ادب، ای دروغگو! که مثل دیگر زنان حیض نمی‌شوی.

آن زن در حالی‌که می‌گفت: ای وای، ای پسر ابوطالب سرّی را که پنهان بود

فاش کردی، پا به فرار گذاشت. عمرو بن حریث به دنبال او رفت و به او گفت: ای کنیز خدا! تو با علی ﷺ آن‌چنان سخن گفتی که ما را خوشحال کردی، اما او تو را با یک کلمه از جا کند و تو فرار کردی؟ گفت: به خدا سوگند که علی ﷺ از حقیقتی خبر داد که من آن حقیقت را از وقتی که ازدواج کرده‌ام، از شوهرم پنهان می‌کردم. عمرو به سوی امیرمؤمنان علی ﷺ برگشت و از سخنان آن زن خبر داد و عرض کرد: ای امیرمؤمنان نمی‌دانستم غیب‌گویی هم می‌دانی! ایشان فرمود: وای بر تو ای عمرو! این غیب‌گویی نبود، همانا خداوند تبارک و تعالی روح‌ها را دو هزار سال پیش از خلقت بدن‌ها آفرید و چون روح‌ها را در بدن‌ها قرار داد، میان دو چشم آن‌ها مؤمن یا کافر بودنشان و حتی به اندازهٔ گوش یک موش گرفتاری و آزمایش‌های آن‌ها را نوشت، آن‌گاه در قرآن که بر پیامبرش نازل نمود، فرمود: «به راستی در این [امور] برای اهل فراست نشانه‌هاست.» اهل فراست رسول خدا ﷺ و بعد از ایشان من و سپس امامان پس از من از فرزندانم می‌باشند که اهل فراست هستند. از این رو چون در او نگریستم، از آن‌چه بر رخ داشت، حالش را دریافتم.

(سورهٔ حجر، آیهٔ ۸۷)

﴿ وَ لَقَدْ آتَيْنٰاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثٰانِي وَ الْقُرْآنَ الْعَظِيمَ ﴾

و مسلّمًا به تو سبع المثانی (سورهٔ حمد) و قرآن عظیم را دادیم.

۲۰۲. عَن سَمَاعَةَ بنِ مِهرَانَ قَالَ: سَأَلتُ أَبَاعَبدِ اللهِ ﷺ عَن قَولِ اللهِ تَعَالَى: **﴿ وَ لَقَدْ آتَيْنٰاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثٰانِي وَ الْقُرْآنَ الْعَظِيمَ ﴾** قَالَ: فَقَالَ لِي: نَحنُ وَ اللهِ السَّبعُ المَثَانِي وَ نَحنُ وَجهُ اللهِ نَزُولُ بَينَ أَظهُرِكُم مَن عَرَفَنَا وَ مَن جَهِلَنَا فَأَمَامَهُ اليَقِينُ ـ يَعنِي المَوتَ.

سماعة‌بن مهران گفت: از امام جعفر صادق ﷺ دربارهٔ این آیه پرسیدم. ایشان فرمود: به خدا سوگند ما سبع مثانی هستیم و ما همان وجه الله هستیم که در میان

شما قرار داریم، هرکه ما را بشناسد و یا نشناسد، در پیش او یـقین کـه هـمان مرگ است، خواهد بود.

۲۰۳. عَن حَسّانَ العَامِرِیِّ قَالَ: سَأَلتُ أَبَا جَعفَرٍ علیه السلام عَن قَولِ اللهِ **﴿وَ لَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَ الْقُرْآنَ الْعَظِيمَ﴾** قَالَ: لَیسَ هَکَذَا تَنزِیلُهَا إِنَّمَا هِیَ: وَ لَقَد آتَینَاكَ سَبعًا مِنَ المَثَانِیَ نَحنُ هُم وُلدُ الوَلَدِ وَ القُرآنَ العَظِیمَ عَلِیُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام.

حسان عامری گفت: از امام جعفر صادق علیه السلام دربارهٔ این آیه پرسیدم، ایشان فرمود: تنزیل این آیه چنین نیست، بلکه این‌گونه است: و مسلّماً به تـو سبع المثانی را دادیم کـه مـا زادگـانِ آن فـرزند هستیم و قـرآن عـظیم، عـلی بـن ابی طالب علیه السلام است.

وَ مِن سُورَةِ النَّحلِ

(سورهٔ نحل، آیهٔ ۱۶)

﴿ وَ عَلامٰاتٍ وَ بِالنَّجْمِ هُمْ یَهْتَدُونَ ﴾

و نشانه‌هایی [ایجاد کرد] و آن‌ها به وسیله ستارگان راه می‌یابند.

۲۰۴. عَلِیُّ بنُ مُحَمَّدٍ الزُّهرِیُّ مُعَنعَنًا: عَن أَبی عَبدِ اللهِ علیه السلام فِی قَولِهِ: **﴿ وَ عَلامٰاتٍ وَ بِالنَّجْمِ هُمْ یَهْتَدُونَ ﴾** قَالَ: النَّجمُ رَسولُ اللهِ صلی الله علیه و آله وَالعَلامَاتُ الوَصِیُّ بِهِ یَهتَدونَ.

علی بن محمّد زهری گفت: امام جعفر صادق علیه السلام دربارهٔ این آیه فرمود: ستاره رسول خدا صلی الله علیه و آله و نشانه‌ها جانشینان پیامبرند که مردم با آنان هدایت می‌شوند.

۲۰۵. عَن أَبانِ بنِ تَغلِبَ قَالَ: قُلتُ لِأَبی جَعفَرٍ مُحَمَّدِبنِ عَلِیٍّ فِی قَولِ اللهِ تَعالَی: **﴿ وَ عَلامٰاتٍ وَ بِالنَّجْمِ هُمْ یَهْتَدُونَ ﴾** قَالَ: النَّجمُ مُحَمَّدٌ وَ العَلَامَاتُ الأَوصِیَاءُ علیهم السلام.

ابان بن تغلب گفت: از امام محمّد باقر علیه السلام دربارهٔ این آیه پرسیدم، ایشان فرمود: ستاره حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و نشانه‌ها اوصیای او هستند.

(سورهٔ نحل، آیهٔ ۲۴)

﴿ وَ إِذٰا قیلَ لَهُمْ مٰا ذٰا أَنْزَلَ رَبُّکُمْ قٰالُوا أَسٰاطیرُ الْأَوَّلینَ ﴾

و هرگاه به آن‌ها گفته شود: پروردگارتان چه چیزی را نازل کرده است؟
گویند: [آن‌چه نازل کرده] افسانه‌های پیشینیان است.

۲۰۶ . عَن أَبی حَمزَةَ الثُّمَالِیِّ عَن جَعفَرٍ الصَّادِقِ ؑ قَالَ: قَرَأَ جَبرَئیلُ ؑ عَلی مُحَمَّدٍ ﷺ هَذِهِ الآیَةَ هَکَذَا: ﴿ وَإِذا قیلَ لَهُمْ ما ذا أَنْزَلَ رَبُّکُمْ ﴾ فِی عَلِیٍّ ﴿ قالُوا: أَساطیرُ الْأَوَّلینَ ﴾.
ابی حمزه ثمالی گفت: امام جعفر صادق ؑ فرمود: جبرئیل ؑ این آیه را بر پیامبر ؑ چنین خواند: « هرگاه به آن‌ها گفته شود: پروردگارتان چه چیزی را نازل کرده است » دربارهٔ علی ؑ « گویند: افسانه‌های پیشینیان است. »

(سورهٔ نحل ، آیهٔ ۳۲)

﴿ الَّذینَ تَتَوَفّاهُمُ الْمَلائِکَةُ طَیِّبینَ یَقُولُونَ سَلامٌ عَلَیْکُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِما کُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴾

[همان] کسانی که فرشتگان جانشان را در حالی می‌گیرند که پاک و پاکیزه‌اند [و به آن‌ها] می گویند: « سلامتی [از هر آفتی] بر شما باد.
به پاداش آن‌چه انجام می‌دادید به بهشت در آیید »

۲۰۷ . عَن زَیدِ بنِ عَلِیٍّ قَالَ: یُنَادِی مُنَادٍ یَومَ القِیَامَةِ: أَینَ الَّذِینَ تَتَوَفَّاهُمُ المَلائِکَةُ طَیِّبِینَ یَقُولُونَ سَلامٌ عَلَیکُم؟ قَالَ: فَیَقُومُ قَومٌ مُبَیَاضِّینَ الوُجُوهِ فَیُقَالُ لَهُم: مَن أَنتُم؟ فَیَقُولُونَ: نَحنُ المُحِبُّونَ لِأَمِیرِالمُؤمِنِینَ عَلِیِّ بنِ أَبِی طَالِبٍ ؑ ، فَیُقَالُ لَهُم: بِمَا أَحبَبتُمُوهُ؟ فَیَقُولُونَ: یَا رَبَّنَا بِطَاعَتِهِ لَکَ وَ لِرَسُولِکَ ، فَیُقَالُ لَهُم: صَدَقتُم ، أُدخُلُوا الجَنَّةَ بِمَا کُنتُم تَعمَلُونَ.
زید بن علی گفت: در روز قیامت منادی ندا می‌دهد: کجا هستند آنان که فرشتگان جانشان را در حالی می‌گیرند که پاک و پاکیزه‌اند و [به آن‌ها] می‌گویند: سلامتی از [هر آفتی] بر شما باد؟ پس گروهی با چهره‌های سفید بر می خیزند. از آنان پرسیده می‌شود شما چه کسانی هستید؟ آن‌ها می‌گویند: ما دوستداران

امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب علیه السلام هستیم. به آن‌ها گفته می‌شود، به چه دلیل او را دوست می‌دارید؟ می‌گویند: پروردگارا! ما به خاطر اطاعتی که از تو و رسولت می‌داشت، او را دوست می‌داریم. به آن‌ها گفته می‌شود: راست گفتید، به پاداش آن‌چه انجام می‌داده‌اید، به بهشت در آیید.

(سورۀ نحل، آیۀ ۴۳ و سورۀ انبیاء، آیۀ ۷)

﴿ فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لاٰ تَعْلَمُونَ ﴾

پس اگر نمی‌دانید از اهل ذکر بپرسید.

۲۰۸. الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ مُعَنعَنًا: عَنْ أَبِي جَعفَرٍ علیه السلام فِي قَولِهِ تَعَالَى: ﴿ **فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لاٰ تَعْلَمُونَ** ﴾ قَالَ: نَحنُ أَهلُ الذِّكرِ.

حسین‌بن سعید روایت کرده است: امام محمّد باقر علیه السلام دربارۀ این آیه فرمود: ما اهل ذکر هستیم.

۲۰۹. مُحَمَّدُ بْنُ الحَسَنِ بنِ إِبرَاهِيمَ مُعَنعَنًا: عَنْ أَبِي جَعفَرٍ علیه السلام فِي قَولِهِ: ﴿ **فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لاٰ تَعْلَمُونَ** ﴾ قَالَ: هُم آلُ مُحَمَّدٍ.

محمّد بن حسن بن ابراهیم روایت کرده است: امام محمّد باقر علیه السلام دربارۀ این آیه فرمود: ایشان خاندان محمّد صلی الله علیه و آله هستند.

(سورۀ نحل، آیۀ ۶۸ ـ ۶۹)

﴿ وَ أَوْحىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذي مِنَ الْجِبٰالِ بُيُوتًا وَ مِنَ الشَّجَرِ وَ مِمّٰا يَعْرِشُونَ * ثُمَّ كُلي مِنْ كُلِّ الثَّمَرٰاتِ فَاسْلُكي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلاً يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهٰا شَرٰابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوٰانُهُ فيهِ شِفٰاءٌ لِلنّٰاسِ ﴾

و پروردگار تو به زنبور عسل وحی کرد که از کوه‌ها و درختان و آن‌چه داربست می‌زنند، خانه‌هایی بساز سپس از همۀ میوه‌ها بخور و راه‌های

پروردگارت را فرمانبردارانه در نورد. از شکم آن‌ها نوشیدنی که رنگ‌های گوناگون دارد، بیرون می‌آید که در آن برای مردم شفاست.

۲۱۰. عَن مُحَمَّدِبنِ الفُضَيلِ قَالَ: سَأَلتُ أَبَا الحَسَنِ عَن قَولِ اللهِ تَعَالَى: ﴿ وَ أَوْحىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذي مِنَ الْجِبٰالِ بُيُوتًا ﴾ قَالَ: هُمُ الأَوصِيَاءُ. قَالَ: قُلتُ: قَولُهُ: ﴿ أَنِ اتَّخِذي مِنَ الْجِبٰالِ بُيُوتًا ﴾ قَالَ: يَعنِي قُرَيشًا قَالَ: قُلتُ: قَولُهُ: ﴿ وَ مِنَ الشَّجَرِ ﴾ قَالَ: يَعنِي مِنَ العَرَبِ. قَالَ: قُلتُ: قَولُهُ: ﴿ وَ مِمّٰا يَعْرِشُونَ ﴾ قَالَ: يَعنِي مِنَ المَوَالِي قَالَ: قُلتُ: قَولُهُ: ﴿ فَاسْلُكي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلاً ﴾ قَالَ: هُوَ السَّبِيلُ الَّذِي نَحنُ عَلَيهِ مِن دِينِهِ. قُلتُ. قَولُهُ: ﴿ فيهِ شِفٰاءٌ لِلنّٰاسِ ﴾ قَالَ: يَعنِي مَا يَخرُجُ مِن عِلمِ أَمِيرِالمُؤمِنِينَ عَلِيِّ‌بنِ أَبِی‌طَالِبٍ ﷺ فَهُوَ الشِّفَاءُ كَمَا قَالَ اللهُ: ﴿ شِفٰاءٌ لِمٰا فِي الصُّدُورِ[1] ﴾.

محمّد بن فضیل گفت: از امام موسی کاظم ﷺ دربارهٔ کلام خداوند متعال «و پروردگار تو به زنبور عسل وحی کرد که از کوه‌ها خانه‌هایی بساز» پرسیدم، فرمود: آنان اوصیا هستند. عرض کردم: «این که از کوهها خانه‌هایی بساز» چه؟ فرمود: منظور قریش است. عرض کردم: «واز درختان» چه؟ فرمود: یعنی از عرب. عرض کردم: «و آن‌چه داربست می‌زنند» چه؟ فرمود: یعنی از موالی. عرض کردم: «و راه‌های پروردگارت را فرمانبردارانه در نورد» چه؟ فرمود: آن راهی است که دین ما بر آن استوار است. عرض کردم: «که در آن برای مردم شفاست» چه؟ فرمود: یعنی آن‌چه از علم امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب ﷺ صادر می‌شود، شفاست، چنان‌چه خداوند فرمود: «شفایی برای آن‌چه در سینه‌هاست».

(سورهٔ نحل، آیهٔ ۹۰)

﴿ إِنَّ اللهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسٰانِ وَ إِيتٰاءِ ذِي الْقُرْبىٰ ﴾

به راستی خداوند به عدالت و نیکوکاری و دادن [حقّ] خویشاوندان فرمان می‌دهد.

---

۱. یونس، ۵۷

۲۱۱. الحُسَينُ بنُ سَعِيدٍ مُعَنعَنًا: عَن أَبی جَعفَرٍ ﷺ ﴿ **إِنَّ اللهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ وَ إِيتَاءِ ذِي الْقُرْبىٰ** ﴾ قَالَ: العَدلُ رَسُولُ اللهِ ﷺ وَالإِحسَانُ عَلِيُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ ﷺ وَ ذِی القُربَی فَاطِمَةُ وَ أَولَادُهَا ﷺ.

حسین بن سعید روایت کرده است: امام محمّد باقر ﷺ دربارهٔ این آیه فرمود: عدالت، رسول خدا ﷺ و نیکوکاری، علی بن ابی طالب ﷺ است و منظور از خویشاوندان، حضرت فاطمه ﷺ و اولاد ایشان ﷺ هستند.

وَ مِن سُورَةِ بَنِی‌اسرَائِیلَ (الاسراء)

(سورهٔ اسراء، آیهٔ ۲۶)

﴿ وَ آتِ ذَا الْقُرْبىٰ حَقَّهُ ﴾

(سورهٔ روم، آیهٔ ۳۸)

﴿ فَآتِ ذَا الْقُرْبىٰ حَقَّهُ ﴾

به خویشاوند حقش را بده.

۲۱۲. عَن أَبِی‌مَریَمَ قَالَ: سَمِعتُ جَعفَرٍ ﷺ یَقُولُ: لَمَّا نَزَلَت هَـذِهِ الآیَـةُ: ﴿ وَ آتِ ذَا الْقُرْبىٰ حَقَّهُ ﴾ أَعطَى رَسُولُ اللهِ ﷺ فَاطِمَةَ فَدَكَ.

فَقَالَ أَبَانُ‌بنُ تَغلِبَ: رَسُولُ اللهِ ﷺ أَعطَاهَا؟ قَالَ: فَغَضِبَ جَعفَرُ ﷺ ثُمَّ قَالَ: اللهُ أَعطَاهَا.

ابی‌مریم گفت: از امام جعفر صادق ﷺ شنیدم که فرمود: زمانی‌که این آیه نازل شد، پیامبر ﷺ فدک را به فاطمه ﷺ بخشید.

ابان‌بن تغلب گفت: رسول خدا ﷺ بـه او بـخشید؟! امـام جـعفر صـادق ﷺ خشمگین شد و فرمود: خدا آن را به فاطمه بخشید.

۲۱۳. عَـن أَبِـی سَـعِیدٍ الخُـدرِیِّ قَـالَ: لَـمَّا نَـزَلَت ﴿ وَ آتِ ذَا الْقُرْبىٰ حَقَّهُ ﴾ قَـالَ: دَعَـا

رَسُولُ اللهِ ﷺ فَاطِمَةَ فَأَعطَاهَا فَدَكَ.

ابوسعید خدری گفت: زمانی‌که این آیه نازل شد، پیامبر ﷺ فاطمه ﷺ را فرا خواند و فدک را به او بخشید.

(سورهٔ اسراء، آیهٔ ۳۳)

﴿ وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنٰا لِوَلِيِّهِ سُلْطٰانًا فَلاٰ يُسْرِفْ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كٰانَ مَنْصُورًا ﴾

و هر کس مظلوم کشته شود، مسلمًا برای ولیّ او سلطه‌ای قرار می‌دهیم، پس او در کشتن نباید زیاده‌روی کند، بی‌تردید او یاری شده است.

۲۱۴. جَعفَرُبنُ مُحَمَّدٍ الفَزَارِیُّ مُعنعَنًا: عَن أَبی جَعفَرٍ ﷺ فِی قَولِهِ تَعالَی: **﴿ وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنٰا لِوَلِيِّهِ سُلْطٰانًا ﴾** قَالَ: الحُسَینُ ﷺ **﴿ فَلاٰ يُسْرِفْ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كٰانَ مَنْصُورًا ﴾** قَالَ: سَمَّی اللهُ المَهدِیَّ مَنصُورًا كَمَا سَمَّی أَحمَدَ وَ مُحَمَّدَ مَحمُودًا وَ كَمَا سَمَّی عِیسَی المَسِیحَ ﷺ.

جعفر بن محمّد فزاری روایت کرده است: امام محمّد باقر ﷺ دربارهٔ کلام خداوند متعال فرمود: «و هر کس مظلوم کشته شود، مسلمًا برای ولی او سلطه‌ای قرار می‌دهیم» یعنی امام حسین ﷺ، «پس او در کشتن نباید زیاده‌روی نماید، بی‌تردید او یاری شده است» خداوند حضرت مهدی ﷺ را منصور نامیده است؛ همان‌گونه که احمد و محمّد را محمود و عیسی را مسیح ﷺ نام نهاد.

(سورهٔ اسراء، آیهٔ ۴۱)

﴿ وَ لَقَدْ صَرَّفْنٰا فِي هٰذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكَّرُوا وَ مٰا يَزِيدُهُمْ إِلاّٰ نُفُورًا ﴾

و مسلمًا در این قرآن [سخن را گوناگون] گردانیدیم تا یاد کنند و پند گیرند ولی جز نفرت به آن‌ها نمی‌افزاید.

۲۱۵. عَن جَابِرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعفَرٍ عليه السلام: قَالَ اللهُ تَعَالَى: ﴿ وَ لَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هٰذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكَّرُوا ﴾ قَالَ: يَعنِي وَ لَقَد ذَكَرنَا عَلِيًّا فِي كُلِّ آيَةٍ فَأَبوا وَلَايَةَ عَلِيٍّ عليه السلام ﴿ وَ مَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا ﴾.

جابر گفت: امام محمّد باقر عليه السلام فرمود: خداوند متعال فرمود: «در این قرآن [سخن را گوناگون] گردانیدیم تا یاد کنند و پند گیرند». یعنی ما از علی عليه السلام در هر آیه‌ای یاد کردیم، ولی از ولایت او سر باز زدند «و جز نفرت به آن‌ها نمی‌افزاید».

۲۱۶. عَن أَبِي حَمزَةَ الثُّمَالِيِّ قَالَ: سَمِعتُ أَبَا جَعفَرٍ عليه السلام عَن قَولِ اللهِ: ﴿ وَ لَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هٰذَا الْقُرْآنِ ﴾ قَالَ: يَعنِي وَ لَقَد ذَكَرنَا عَلِيًّا فِي كُلِّ القُرآنِ وَ هُوَ الذِّكرُ وَ مَا يَزِيدُهُم إِلَّا نُفُورًا.

ابی حمزه ثمالی گفت: امام محمّد باقر عليه السلام دربارهٔ کلام خداوند متعال «و مسلمًا در این قرآن [سخن را گوناگون] گردانیدیم» فرمود: یعنی ما از علی عليه السلام در کل قرآن یاد کردیم و او ذکر است ولی جز نفرت به آن‌ها نمی‌افزاید.

(سورهٔ اسراء، آیهٔ ۴۶)

﴿ وَ إِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَّوْا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا ﴾

و هرگاه پروردگارت را در قرآن به تنهایی یاد کنی، در حالی‌که رمنده‌اند به پشتشان روی برمی‌گردانند.

۲۱۷. عَن عَمرِو بنِ شِمرٍ قَالَ: سَأَلتُ جَعفَرَ بنَ مُحَمَّدٍ عليه السلام: إِنِّي أَؤُمُّ قَومِي فَأَجهَرُ بِبِسمِ اللهِ الرَّحمَنِ الرَّحِيمِ، قَالَ: نَعَم فَاجهَر بِهَا قَد جَهَرَ بِهَا رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله ثُمَّ قَالَ: رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله كَانَ مِن أَحسَنِ النَّاسِ صَوتًا بِالقُرآنِ فَإِذَا قَامَ مِنَ اللَّيلِ يُصَلِّي جَاءَ أَبُو جَهلٍ وَ المُشرِكُونَ يَستَمِعُونَ قِرَاءَتَهُ فَإِذَا قَالَ: بِسمِ اللهِ الرَّحمَنِ الرَّحِيمِ وَضَعُوا أَصَابِعَهُم فِي آذَانِهِم وَ هَرَبُوا، فَإِذَا فَرَغَ مِن ذَلِكَ جَاؤُوا فَاستَمِعُوا قَالَ: وَ كَانَ أَبُو جَهلٍ يَقُولُ: إِنَّ ابنَ أَبِي كَبشَةَ لَيُرَدِّدُ اسمَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَيُحِبُّهُ. فَقَالَ جَعفَرُ عليه السلام: صَدَقَ وَ إِن كَانَ كَذُوبًا. قَالَ: فَأَنزَلَ اللهُ: ﴿ وَ إِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَّوْا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا ﴾ وَ هُوَ: بِسمِ اللهِ الرَّحمَنِ الرَّحِيمِ.

عمرو بن شمر گفت: از امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدم و عرض کردم: من قوم خود را در نماز امامت می‌کنم و بسم الله الرّحمن الرّحیم را با صدای بلند می‌خوانم. ایشان فرمود: بله، بلند بخوان که رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را بلند می‌خواند. سپس فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله خوش‌صداترین مردم در تلاوت قرآن بود، زمانی که برای نماز شب بیدار می‌شد، ابوجهل و دیگر مشرکان می‌آمدند تا قرائت ایشان را بشنوند، چون به بسم الله الرحمن الرحیم می‌رسید، آنان انگشتان خود را در گوش‌هاشان می‌گذاشتند و فرار می‌کردند. وقتی پیامبر از آن رد می‌شد، برمی‌گشتند و می‌شنیدند.

ابوجهل می‌گفت: پسر ابی‌کبشه اسم پروردگارش را تکرار می‌کند، به خاطر این‌که او را دوست دارد. او راست می‌گفت، گرچه بسیار دروغگو بود. پس خداوند نازل کرد: «و هرگاه پروردگارت را در قرآن به تنهایی یاد کنی، در حالی‌که رمنده‌اند به پشتشان روی برمی‌گردانند.» و آن ذکر همان بسم الله الرّحمن الرّحیم است.

(سورهٔ اسراء، آیهٔ ۶۴)

﴿ وَ شٰارِكْهُمْ فِي الْأَمْوٰالِ وَ الْأَوْلاٰدِ ﴾

و در اموال و فرزندان با آن‌ها شریک شو.

۲۱۸. عَن عَبدِ اللهِ بنِ عَبّاسٍ قَالَ: بَینَا رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله جَالِسٌ إذ نَظَرَ إلَی حَیَّةٍ کَأَنَّهَا بَعِیرٌ فَهَمَّ عَلِیٌّ بِضَربِهَا بِالعَصَی فَقَالَ لَهُ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله: إنَّهُ إبلِیسُ وَ إنِّی قَد أَخَذتُ عَلَیهِ شُرُوطًا أَلَّا یُبغِضَكَ مُبغِضٌ إلَّا شَارَكَهُ فِی رَحِمِ أُمِّهِ وَ ذَلِكَ قَولُهُ تَعَالَی: ﴿ وَ شٰارِكْهُمْ فِي الْأَمْوٰالِ وَ الْأَوْلاٰدِ ﴾.

عبدالله بن عباس گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته بود که ناگاه چشمش به ماری افتاد که اندازهٔ شتر بود. علی علیه السلام خواست با عصا به او ضربه‌ای وارد سازد که

پیامبر ﷺ به او فرمود: او ابلیس است و من با او شرط کرده‌ام که کسی با تو دشمنی نکند مگر این‌که ابلیس در رحم مادرش با او شریک شود، چنانچه خداوند متعال فرمود: «و در اموال و فرزندان با آن‌ها شریک شو».

(سورهٔ اسراء، آیهٔ ۷۳)

﴿ وَ إِنْ كٰادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذي أَوْحَيْنٰا إِلَيْكَ لِتَفْتَرِيَ عَلَيْنٰا غَيْرَهُ ﴾

و بی‌تردید نزدیک بود که تو را از آن‌چه به تو وحی کرده‌ایم فریب دهند، تا جز آن را بر ما به دروغ ببندی.

۲۱۹. جَعفَرُ بنُ مُحَمَّدٍ الفَزارِيُّ مُعَنعَنًا: عَن أَبي جَعفَرٍ عليه السلام قالَ: نَزَلَ جَبرَئيلُ عَلى مُحَمَّدٍ ﷺ بِهذِهِ الآيَةِ: ﴿ وَ إِنْ كٰادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذي أَوْحَيْنٰا إِلَيْكَ لِتَفْتَرِيَ عَلَيْنٰا غَيْرَهُ ﴾ قالَ: تَفسيرُها فِي عَلِيِّ بنِ أَبي طالِبٍ عليه السلام وَ لَقَد أَرادوا أَن يَرُدّوكَ عَنِ الَّذي أَوحَينا إِلَيكَ فِي عَلِيٍّ، إِنَّ اللهَ أَوحى إِلَيهِ أَن أَمَرَهُم بِوَلايَةِ عَلِيِّ بنِ أَبي طالِبٍ عليه السلام.

جعفر بن محمّد فزاری روایت کرده است: امام محمّد باقر عليه السلام فرمود: جبرئیل عليه السلام این آیه را بر پیامبر ﷺ نازل کرد که تفسیرش دربارهٔ حضرت علی عليه السلام است؛ آنان خواسته‌اند تو را از آن‌چه دربارهٔ علی به تو وحی کرده‌ایم، منع کنند؛ خداوند به او وحی کرده بود که آنان را به ولایت حضرت علی عليه السلام فرمان دهد.

وَ مِن سُورَةِ الكَهْفِ

(سورهٔ کهف، آیهٔ ۱۷)

﴿ مَنْ يَهْدِ اللهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَ مَنْ يُضْلِلْ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُرْشِدًا ﴾

هرکه را خداوند هدایت کند او راه یافته است، و هر که را راه [بهشت] ننماید، هرگز برای او سرپرست و راهنمایی نمی‌یابی.

۲۲۰. عَن أَبی أُمَامَةَ قَالَ: كُنَّا ذَاتَ يومٍ عِندَ رَسُولِ اللهِ ﷺ جُلوسًا فَجاءَنا أَمیرُ المُؤمِنِینَ عَلِیُّ بنُ أَبی طالِبٍ ؑ وَاتَّفَقَ مِن رَسُولِ اللهِ ﷺ قِیامٌ فَلَمَّا رَأَى عَلِیًّا جَلَسَ فَقَالَ: یاابنَ أَبی طالِبٍ أَتَعلَمُ لِمَ جَلَستُ؟ قَالَ: اللَّهُمَّ لا. فَقَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: خَتَمتُ أَنا النَّبِیِّینَ وَ خَتَمتَ أَنتَ الوَصِیِّینَ فَحَقُّ اللهِ أَن لا یَقِفَ مُوسَى بنُ عِمرَانَ ؑ مَوقِفًا إِلَّا وَقَفَ مَعَهُ یُوشَعُ بنُ نُونٍ، وَ إِنِّی أَقِفُ وَ تُوقِفُ وَ أَسأَلُ وَ تَسأَلُ فَأَعِدِ الجَوابَ یاابنَ أَبی طالِبٍ فَإِنَّما أَنتَ عُضوٌ مِن أَعضائی تَزُولُ أَینَما زِلتُ.

فَقَالَ عَلِیٌّ ؑ: یا رَسُولَ اللهِ فَمَا الَّذی تَسأَلُ حَتَّی اهتَدِیَ؟ فَقَالَ: یا عَلِیُّ مَن یَهدِ اللهُ فَلا مُضِلَّ لَهُ وَ مَن یُضلِلهُ فَلا هَادِیَ لَهُ، لَقَد أَخَذَ اللهُ مِیثَاقِی وَ مِیثَاقَكَ وَ أَهلَ مَوَدَّتِكَ وَ شِیعَتَكَ إِلَى یَومِ القِیامَةِ فِیكُم شَفاعَتِی، ثُمَّ قَرَأَ: ﴿ إِنَّما یَتَذَکَّرُ أُولُوا الأَلبابِ[1] ﴾

---

۱. زُمر، ۹.

هُم شِیعَتُكَ یَا عَلِیُّ.

ابی امامه گفت: روزی نزد رسول خدا ﷺ نشسته بودیم که امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب ؑ وارد شد. ما همراه رسول خدا به پا خاستیم. رسول خدا ﷺ با دیدن حضرت علی ؑ نشست. رسول خدا ﷺ فرمود: ای علی! می‌دانی چرا نشستم؟ حضرت پاسخ داد: به خدا نمی‌دانم. رسول خدا ﷺ فرمود: من خاتم پیامبران و تو خاتم وصیین هستی. به خدا سوگند در هر مقامی که موسی ؑ ایستاد، یوشع‌بن نون وصیّ او نیز ایستاد، هرگاه من می‌ایستم، تو نیز می‌ایستی و هر گاه من می‌پرسم، تو نیز می‌پرسی. ای علی! پاسخ مرا بده و مرا همراهی کن. تو عضوی از اعضای منی، هر جا کناره گرفتم تو نیز کناره می‌گیری، هرجا من حرکت کردم تو نیز مرا یاری کن.

حضرت علی ؑ فرمود: ای رسول خدا! چه چیز موجب هدایت خواهد شد؟ حضرت رسول ﷺ فرمود: هر که را خدا هدایت کند، گمراه نخواهد شد و هر که را خدا گمراه کند، هدایت نخواهد شد. همانا خداوند از من و تو در مورد دوستداران و شیعیانمان پیمان گرفت و شفاعت من در روز قیامت به ایشان خواهد رسید. سپس این آیه را قرائت فرمود: «تنها خردمندان پند می‌گیرند.» ای علی! خردمندان همان شیعیان تو هستند.

وَ مِن سُورَةِ مَريَمَ

(سورهٔ مریم، آیهٔ ۸۵)

﴿ يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمٰنِ وَفْدًا ﴾

روزی که پرهیزگاران را به سوی خداوند رحمان، گروهی گرد آوردیم.

فُراتُ قَالَ: حَدَّثَنِی الحُسَینُ بنُ سَعِیدٍ مُعنعَنًا: عَن أَبی جَعفَرٍ عليه السلام قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وآله قَالَ وَ عِندَهُ نَفَرٌ مِن أَصحَابِهِ وَ فِیهِم عَلِیُّ بنُ أَبی طالِبٍ عليه السلام قَالَ: إِنَّ اللهَ تَبارَکَ وَ تَعالَی إِذَا بَعَثَ النَّاسَ یَومَ القِیامَةِ یَخرُجُ قَومٌ مِن قُبورِهِم بَیاضُ وُجُوهِهِم کَبَیاضِ الثَّلجِ، عَلَیهِم ثِیابٌ بَیاضُها کَبَیاضِ اللَّبَنِ، وَ عَلَیهِم نِعالٌ مِن ذَهَبٍ شِراکُها وَاللهِ مِن نُورٍ یَتَلألأُ، فَیُؤتَونَ بِنُوقٍ مِن نُورٍ عَلَیها رِحالٌ مِنَ الذَّهَبِ قَد وَشَحَت بِالزَّبَرجَدِ وَ الیاقُوتِ لَزِمَةُ نُوقِهِم سَلاسِلُ الذَّهَبِ فَیَرکَبُونَها حَتَّی یَنتَهُونَ إِلَی الجَنانِ، وَ النّاسُ یُحاسِبُونَ وَ یَغتَمُّونَ، وَ هُم یَأکُلُونَ وَ یَشرَبُونَ.

فَقالَ عَلِیٌّ عليه السلام: مَن هُم یا رَسُولَ اللهِ؟ قَالَ: هُم شِیعَتُکَ وَ أَنتَ إِمامُهُم وَ هُوَ قَولُ اللهِ تَعالَی: **﴿ يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمٰنِ وَفْدًا ﴾** قَالَ: عَلَی النَّجائِبِ.

فرات گفت: حسین‌بن سعید روایت کرده است امام محمّد باقر عليه السلام فرمود: عده‌ای از اصحاب و علی بن ابی‌طالب عليه السلام در محضر رسول خدا صلى الله عليه وآله بودند که ایشان فرمود: چون خداوند تبارک و تعالی در روز قیامت مردم را بر می‌انگیزد،

گروهی از قبرهاشان خارج می‌شوند که چهره‌هایی به سفیدی برف دارند و جامه‌ای به سپیدی شیر بر تن دارند و پای‌افزاری از طلا بر پا دارند که به خدا بندهایش از نوری درخشنده است. آنان سوار بر ناقه‌ای از نور می‌شوند که جهازی از طلا بر آن است و با زبرجد و یاقوت آراسته شده و لگام ناقه‌هاشان زنجیرهایی زرین است. آن‌گاه به راه می‌افتند تا این‌که به بهشت می‌رسند و حال آن‌که مردم حساب پس می‌دهند و در دلهره‌اند، امّا اینان می‌خورند و می‌آشامند. حضرت علی علیه‌السلام فرمود: ای رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله اینان چه کسانی اند؟ حضرت فرمود: ایشان شیعیان تواند و تو امام آنانی و این کلام خداوند متعال است که فرمود: «روزی که پرهیزگاران را به سوی خداوند رحمان، گروهی گرد آوریم.» فرمود: آنان بر روی شتران اهلی سوارند.

(سورهٔ مریم، آیهٔ ۹۶ ـ ۹۷)

﴿ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمٰنُ وُدًّا * فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَ تُنْذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا ﴾

به راستی کسانی‌که ایمان آوردند و کارهای نیک انجام دادند، به زودی خداوند رحمان برای آنان [در دلها] محبّتی قرار می‌دهد. جز این نیست که ما این (قرآن) را بر زبان تو آسان کردیم تا به آن پرهیزگاران را بشارت و گروهی ستیزه جو را بیم دهی.

۲۲۱. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ فِی قَولِهِ تَعَالَى: **﴿ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمٰنُ وُدًّا ﴾** قَالَ: مَحَبَّةً فِی قُلُوبِ الْمُؤمِنِینَ وَ قَالَ: نَزَلَت فِی عَلِیِّ بنِ أَبی طالِبٍ علیه‌السلام.

ابن عباس دربارهٔ کلام خداوند متعال «کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیک انجام دادند، به زودی خداوند رحمان برای آنان [در دلها] محبتّی قرار می‌دهد» گفت: منظور، محبت در قلوب مؤمنان است که دربارهٔ علی بن ابی طالب علیه‌السلام نازل شده است.

۲۲۲. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ قالَ: أَخَذَ النَّبِیُّ ﷺ یَدِی وَ یَدَ عَلِیِّ بنِ أَبی طَالِبٍ علیه السلام فَعَلا بِنَا إِلَی ثَبِیرٍ ثُمَّ صَلَّی رَکَعَاتٍ ثُمَّ رَفَعَ یَدَیهِ إِلَی السَّمَاءِ فَقَالَ: اللّهُمَّ إِنَّ مُوسَی بنَ عِمرَانَ سَأَلَكَ وَ أَنا مُحَمَّدٌ نَبِیُّكَ أَسأَلُكَ: أَن تَشرَحَ لِی صَدرِی وَ تُیَسِّرَ لِی أَمرِی وَ تَحلُلَ عُقدَةً مِن لِسَانِی لِیَفقَهُوا قَولِی وَاجعَل لِی وَزِیرًا مِن أَهلِی عَلِیَّ بنَ أَبِی طَالِبٍ أَخِی، أُشدُد بِهِ أَزرِی وَ أَشرِکهُ فِی أَمرِی.

قالَ: فَقَالَ ابنُ عَبَّاسٍ: سَمِعتُ مُنَادِیًا یُنَادِی یَا أَحمَدُ قَد أُوتِیتَ مَا قَالَ: فَقَالَ النَّبِیُّ ﷺ لِعَلِیٍّ: یَا أَبَا الحَسَنِ إِرفَع یَدَكَ إِلَی السَّمَاءِ فَادعُ رَبَّكَ وَسَل یُعطِكَ. فَرَفَعَ عَلِیٌّ یَدَهُ إِلَی السَّمَاءِ وَ هُوَ یَقُولُ: اللَّهُمَّ اجعَل لِی عِندَكَ عَهدًا وَاجعَل لِی عِندَكَ وُدًّا فَأَنزَلَ اللهُ عَلَی نَبِیِّهِ: ﴿**إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ**﴾ إِلَی آخِرِ الآیَةِ فَتَلاهَا النَّبِیُّ عَلَی أَصحَابِهِ فَتَعَجَّبُوا مِن ذَلِكَ عَجَبًا شَدِیدًا فَقَالَ النَّبِیُّ ﷺ: بِمَا تَعجَبُونَ؟ إِنَّ القُرآنَ أَربَعَةُ أَربَاعٍ فَرُبعٌ فِینَا أَهلَ البَیتِ خَاصَّةً وَ رُبعٌ فِی أَعدَائِنَا وَ رُبعٌ حَلالٌ وَ حَرَامٌ وَ رُبعٌ فَرَائِضُ وَ أَحکَامٌ، وَ إِنَّ اللهَ أَنزَلَ فِی عَلِیٍّ کَرَائِمَ القُرآنِ.

ابن عباس گفت: پیامبر ﷺ دست من و دست علی بن ابی طالب علیه السلام را گرفت و ما را به منطقه‌ای به نام «ثبیر» برد، آن‌گاه چند رکعت نماز خواند و سپس دستانش را سوی آسمان بالا برد و فرمود: خدایا! موسی‌بن عمران از تو درخواست کرد و من محمّد، پیامبرِ تو نیز از تو می‌خواهم که سینه مرا فراخ گردانی و کار مرا آسان سازی و گره از زبان من بگشایی تا سخن مرا درک کنند و برای من وزیری از خاندانم قرار بده؛ علی بن ابی‌طالب علیه السلام برادرم را، با او پشت مرا محکم کن و او را در کار من شریک گردان. ابن عباس گفت: شنیدم منادی ندا داد: ای احمد! آن‌چه را خواستی به تو داده شد، پیامبر به علی علیه السلام فرمود: ای اباحسن! دست خود را سوی آسمان بلند کن و پروردگارت را بخوان و از او بخواه که به تو عطا خواهد کرد. علی دست خود را به آسمان بلند کرد و فرمود: خدایا! برای من نزد خودت پیمانی قرار بده و برای من نزد

خودت محبتی قرار بده. پس خداوند بر پیامبرش نازل کرد: «کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیک انجام دادند به زودی خداوند رحمان برای آنان محبتی قرار می‌دهد.» پیامبر ﷺ این آیه را بر اصحاب خود تلاوت کرد و همگی از آن به شدت تعجب کردند، پیامبر ﷺ فرمود: از چه چیزی تعجب می‌کنید، همانا قرآن چهار قسمت است؛ یک چهارم آن دربارهٔ ما اهل بیت و یک چهارم آن دربارهٔ دشمنان ما و یک چهارم آن حلال و حرام و یک چهارم آن واجبات و احکام است و همانا خداوند دربارهٔ علی، برترین‌های قرآن را نازل کرده است.

۲۲۳. عَنِ ابنِ الحَنَفِيَّةِ فِی قَولِهِ: ﴿ **سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمٰنُ وُدًّا** ﴾ قَالَ: لَا تُلقَى مُؤمِنًا إِلَّا وَ فِی قَلبِهِ وُدٌّ لِعَلِيِّ بنِ أَبِی طالِبٍ ؑ وَ أَهلِ بَيتِهِ ؑ.

ابن حنفیه گفت: منظور از این سخن خداوند «به زودی خداوند رحمان برای آنان محبّتی قرار می‌دهد» آن است که مؤمنی را ملاقات نمی‌کنی مگر آن‌که در قلبش محبّت علی بن ابی‌طالب ؑ و خاندانش قرار دارد.

۲۲۴. جَعفَرُ بنُ أَحمَدَ الأَزدِيُّ مُعَنعَنًا: عَن جَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ عَن أَبِيهِ عَن آبَائِهِ ؑ قَالَ: قَالَ كَيفَ أَصبَحتَ وَاللهِ يَا عَلِيُّ عَنكَ رَاضٍ وَ أَصبَحَ وَ اللهِ رَبُّكَ عَنكَ رَاضٍ وَ أَصبَحَ كُلُّ مُؤمِنٍ وَ مُؤمِنَةٍ عَنكَ رَاضُونَ إِلَى أَن تَقُومَ السَّاعَةُ.

قَالَ: قُلتُ: يَا رَسُولَ اللهِ قَد نَعِيتُ إِلَيكَ نَفسَكَ فَيَا لَيتَ نَفسِی المُتَوَفَّاةُ قَبلَ نَفسِكَ. قَالَ: أَبَى اللهُ فِی عِلمِهِ إِلَّا مَا يُرِيدُ. قُلتُ: فَادعُ اللهَ لِی بِدَعَوَاتٍ تُصِيبُنِی بَعدَ وَفَاتِكَ قَالَ: يَا عَلِيُّ أُدعُ لِنَفسِكَ بِمَا تُحِبُّ حَتَّى أُومِنَ فَإِنَّ تَأمِينِی لَكَ لَا يُرَدُّ.

قَالَ: فَدَعَا عَلِيٌّ اللَّهُمَّ ثَبِّت مَوَدَّتِی فِی قُلُوبِ المُؤمِنِينَ وَ المُؤمِنَاتِ إِلَى يَومِ القِيَامَةِ. قَالَ فَقَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: آمِينَ. فَقَالَ: يَا عَلِيُّ أُدعُ فَدَعَا بِتَثبِيتِ مَوَدَّتِهِ فِی قُلُوبِ المؤمِنِينَ وَ المُومِنَاتِ إِلَى يَومِ القِيَامَةِ. حَتَّى دَعَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ كُلَّمَا دَعَا دَعوَةٍ قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: آمِينَ. فَهَبَطَ جَبرَئِيلُ ؑ فَقَالَ: ﴿ **إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمٰنُ وُدًّا * فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَ تُنْذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا** ﴾

فَقَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله: الْمُتَّقِینَ عَلِیٌّ وَ شِیعَتُهِ.

جعفربن احمد ازدی گفت: امام جعفر صادق علیه السلام به نقل از پدر بزرگوارش از پدران بزرگوارش فرمود: امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام فرمود: خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیدم. ایشان به من فرمود: چگونه صبح راگذرانده‌ای؟ ای علی! به خدا سوگند در حالی صبح راگذرانده‌ای که پروردگارت و هر مرد و زن مؤمنی از تو راضی‌اند تا قیامت فرارسد.

عرض کردم: ای رسول خدا! کاش جان من پیش از شما از این دنیا پر کشد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند چنین نخواسته است. عرض کردم: پس برای من دعا کنید، آن‌چنان دعایی که پس از درگذشت شما مشمول حالم گردد. حضرت فرمود: ای علی! خودت به آن‌چه دوست می‌داری دعا کن، من ضمانت می‌کنم که رد نشود. علی علیه السلام چنین دعا کرد: بار خدایا دوستی مرا در قلوب مردان و زنان مؤمن تا روز قیامت پایدار فرما. آن‌گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله آمین گفت و فرمود: ای علی! دعا کن. او باز برای پایدار ماندن دوستی‌اش در قلوب مؤمنان تا روز قیامت دعا کرد. و این دعا سه بار تکرار شد و هر بار پیامبر آمین گفت. آن‌گاه جبرئیل علیه السلام نازل شد و گفت: «کسانی‌که ایمان آوردند و کارهای نیک انجام دادند، به زودی خداوند رحمان برای آنان [در دلها] محبتی قرار می‌دهد جز این نیست که ما این (قرآن) را بر زبان تو آسان کردیم تا به آن پرهیزکاران را بشارت و گروهی ستیزه جو را بیم دهی.

آن‌گاه پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: پرهیزکاران، علی و شیعیان او هستند.

وَ مِن سُورةِ طـٰـهٰ

(سورهٔ طـٰه، آیهٔ ۲۵ ـ ۳۵)

﴿ قٰالَ رَبِّ اشْرَحْ لي صَدْري * وَ يَسِّرْ لي أَمْري * وَ احْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسٰاني * يَفْقَهُوا قَوْلي * وَ اجْعَلْ لي وَزيرًا مِنْ أَهْلي * هٰارُونَ أَخي * اشْدُدْ بِهِ أَزْري * وَ أَشْرِكْهُ في أَمْري * كَيْ نُسَبِّحَكَ كَثيرًا * وَ نَذْكُرَكَ كَثيرًا * إِنَّكَ كُنْتَ بِنٰا بَصيرًا ﴾

[موسی] گفت: پروردگارا! سینه‌ام را برای من گشاده گردان، و کارم را برای من آسان کن، و از زبانم گره بگشا، تا سخنم را بفهمند، و از خاندانم وزیری برای من قرار ده، هارون برادرم را، پشتم را به او محکم کن، و او را در کار من شریک گردان، تا تو را تسبیح گوییم، و تو را بسیار یاد کنیم، به راستی تو به ما بینایی.

۲۲۵. عَن أَسمَاءَ بِنتِ عُمَيسٍ قَالَت: رَأَيتُ رَسُولَ اللهِ ﷺ بِإزَاءِ ثَبِيرٍ وَ هُوَ يَقُولُ: أَشرِق ثَبِيرِ، اللّهُمَّ إِنِّي أَسأَلُكَ مَا سَأَلَكَ أَخِي مُوسَى أَن تَشرَحَ لِي صَدرِي وَ أَن تُيَسِّرَ لِي أَمرِي وَ أَن تُحَلِّلَ عُقدَةً مِن لِسَانِي يَفقَهُوا قَولِي، وَاجعَل لِي وَزِيرًا مِن أَهلِي عَلِيًّا أَخِي أُشدُد بِهِ أَزرِي وَ أَشرِكهُ فِي أَمرِي كَي نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا وَ نَذكُرَكَ كَثِيرًا، إِنَّكَ كُنتَ بِنَا بَصِيرًا.

اسماء بنت عمیس گفت: رسول خدا ﷺ را در کوه ثبیر دیدم که می‌فرمود: بدرخش ای ثبیر! خدایا از تو می‌خواهم آن‌چه را که برادرم موسی از تو خواست؛ که سینه‌ام را گشاده گردانی و کارم را آسان نمایی و گره از زبانم بگشایی تا سخنم را بفهمند و از خاندانم وزیری برای من قرار دهی، علی ؑ برادرم را و پشتم را به او محکم کنی و او را در کار من شریک گردانی تا تو را تسبیح گوییم و تو را بسیار یاد کنیم، به راستی تو به ما بینایی.

(سورهٔ طه، آیهٔ ۵۴ و ۱۲۸)

﴿ إِنَّ فِي ذٰلِكَ لَآيَاتٍ لِأُولِي النُّهىٰ ﴾

به راستی در این [امور] برای خردمندان نشانه‌هاست.

۲۲۶. جَعفَرُ بنُ مُحَمَّدٍ الفَزَارِيُّ مُعَنعنًا: عن أَبِي عَبدِ اللهِ ؑ فِي قَولِهِ تَعَالَى: **﴿ إِنَّ فِي ذٰلِكَ لَآيَاتٍ لِأُولِي النُّهىٰ ﴾** قَالَ: نَحنُ وَاللهِ أُولِي النُّهىٰ وَنَحنُ قُوَّامُ اللهِ عَلَى خَلقِهِ وَخُزَّانُهُ عَلَى دِينِهِ، نَخزَنُهُ وَنَستُرُهُ وَنكتُم بِهِ مِن عَدُوِّنا كَما اكتَتَمَ بِهِ رَسُولُ اللهِ ﷺ حَتَّى أَذِنَ اللهُ لَهُ فِي الهِجرَةِ وَجِهادِ المُشرِكِينَ، فَنحنُ عَلَى مِنهَاجِ رَسُولِ اللهِ ﷺ حَتَّى يَأذَنَ اللهُ تَعَالَى بِإِظهَارِ دِينِهِ بِالسَّيفِ وَنَدعُو النَّاسَ إِلَيهِ وَنَضرِبُهُم عَلَيهِ عَودًا كَما ضَرَبَهُمْ عَلَيهِ رَسُولُ اللهِ ﷺ بَدءًا.

جعفر بن محمّد فرازی گفت: امام جعفر صادق ؑ دربارهٔ این آیه فرمود: به خدا سوگند ما خردمندان هستیم و ما ارکان خدا در میان مردم و نگهبانان دین او هستیم که آن را نگاهبانی می‌کنیم و می‌پوشانیم و از دشمنان پنهان می‌داریم؛ چنان‌که پیامبر ﷺ آن را پنهان داشت تا اجازه هجرت و جهاد با مشرکان به او داده شد. ما پیرو راه رسول خداییم تا خداوند متعال اجازه دهد که دینش با شمشیر آشکار شود و ما مردم را دعوت می‌کنیم و در این راه شمشیر به کار می‌بریم چنان‌که رسول خدا ﷺ در آغاز به کار برد.

(سورهٔ طـٰه، آیهٔ ۶۱)

﴿ وَ قَدْ خٰابَ مَنِ افْتَرىٰ ﴾

و مسلمًا هر كس [به خدا] دروغ بندد نااميد گردد.

۲۲۷. مُحَمَّدُ بنُ عِيسَى بنِ زَكَرِيَّا الدِّهقَانُ مُعنعَنًا: عَن أَبِي جَعفَرٍ عَن آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: إِنَّ لِلَّهِ تَعَالَى قَضِيبٌ مِن يَاقُوتَةٍ حَمرَاءَ، خَلَقَهُ بِقُدرَتِهِ ثُمَّ ذَرَاهُ إِلَى الأَرضِ ثُمَّ إِلَى عَلَى نَفسِهِ أَن لَا يَنَالَ القَضِيبُ إِلَّا مَن تَوَلَّى مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله ثُمَّ قَالَ: مَا يَنتَظِرُ وَلِيُّنَا إِلَّا أَن يَتَبَوَّأَ مَقعَدَهُ مِنَ الجَنَّةِ، وَ مَا يَنتَظِرُ عَدُوُّنَا إِلَّا أَن يَتَبَوَّأَ مَقعَدَهُ مِنَ النَّارِ، ثُمَّ أَومَى إِلَى أَمِيرِ المُؤمِنِينَ عَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فَقَالَ: أَولِيَاءُ هَذَا أَولِيَاءُ اللهِ وَ أَعدَاءُ هَذَا أَعدَاءُ اللهِ، فَضلاً مِنَ اللهِ عَلَى لِسَانِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله وَ قَد خَابَ مَنِ افتَرَى.

محمّد بن عيسى بن زكريا دهقان روايت كرده است: امام محمّد باقر عليه السلام به نقل از پدران بزرگوارش عليهم السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: همانا براى خداوند متعال شاخه‌اى از ياقوت سرخ است كه به قدرتش او را آفريد و آن را بر روى زمين پراكنده ساخت، سپس به سوى خويش بالا بردش تا آن تنها به دوستداران محمّد و آل محمّد عليهم السلام برسد. جايگاه دوستداران ما در بهشت و دشمنان ما جايگاهشان آتش است، سپس به سوى حضرت على عليه السلام اشاره نمود و فرمود: دوستان او دوستان خدا و دشمنان او دشمنان خدا هستند، اين فضلى از جانب خداست كه بر زبان پيامبر جارى شد و مسلمًا هر كس به خدا دروغ بندد، نااميد گردد.

(سورهٔ طـٰه، آيهٔ ۸۱ ـ ۸۲)

﴿ وَ مَنْ يَحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبي فَقَدْ هَوىٰ * وَ إِنّي لَغَفّارٌ لِمَنْ تٰابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صٰالِحًا ثُمَّ اهْتَدىٰ ﴾

وهر كس خشم من بر او فرود آيد، بى‌ترديد هلاك مى‌شود، و به راستى

من آمرزندهٔ کسی هستم که توبه کند و ایمان بیاورد و کار نیک انجام دهد، سپس هدایت یابد.

۲۲۸. قَالَ: حَدَّثَنا فُراتُ بنُ إبرَاهِيم الكُوفِيُّ مُعنعَنًا: عَن أَبِي جَعفرٍ عليه السلام فِي قَولِ اللهِ تَعالَى: **﴿ وَ إِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَىٰ ﴾** قَالَ: إِلَى وَلَايَتِنَا.

فرات‌بن ابراهیم کوفی گفت: امام محمّد باقر عليه السلام دربارهٔ کلام خداوند متعال «به راستی من آمرزندهٔ کسی هستم که توبه کند و ایمان بیاورد و کار نیک انجام دهد، سپس هدایت یابد» فرمود: یعنی به سوی ولایت ما اهل بیت.

۲۲۹. عَن سَعدِبنِ طَرِيفٍ قَالَ: كُنتُ جَالِسًا عِندَ أَبِي جَعفرٍ عليه السلام فَجَاءَ عَمرُو بنُ عُبَيدٍ فَقَالَ: أَخبِرنِي عَن قَولِ اللهِ تَعالَى: **﴿ وَ لَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَ مَنْ يَحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَىٰ * وَ إِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَىٰ ﴾** قَالَ لَهُ أَبُو جَعفرٍ عليه السلام إِنَّ التَوبَةَ وَ الإِيمَانَ وَ العَمَلَ الصَّالِحَ لَا يُقبَلُ إِلَّا بِالإِهتِدَاءِ أَمَّا التَوبَةُ فَمِنَ الشِّركِ بِاللهِ وَ أَمَّا الإِيمانُ فَهُوَ التَوحِيدُ لِلهِ وَ أَمَّا العَمَلُ الصَّالِحُ فَهُوَ أَدَاءُ الفَرَائِضِ، وَ أَمَّا الإِهتِدَاءُ فَبِوُلَاةِ الأَمرِ وَ نَحنُ هُم.

وَ أَمَّا قَولُهُ: **﴿ وَ مَنْ يَحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَىٰ ﴾** فَإِنَّمَا عَلَى النَّاسِ أَن يَقرَؤُا القُرآنَ كَمَا أُنزِلَ فَإِذَا احتَاجُوا إِلَى تَفسِيرِهِ فَالإِهتِدَاءُ بِنَا وَ إِلَينَا يَا عَمرُو.

سعدبن طریف گفت: خدمت امام محمّد باقر عليه السلام بودم که عمروبن عبید آمد و عرض کرد: مرا از کلام خداوند متعال «و در آن از حدّ مگذرید، و هر کس خشم من بر او فرود آید بی تردید هلاک می‌شود و به راستی من آمرزندهٔ کسی هستم که توبه کند و ایمان بیاورد و کار نیک انجام دهد سپس هدایت یابد» آگاه سازید. امام محمّد باقر عليه السلام فرمود: توبه و ایمان و کار نیک را نمی‌پذیرد مگر با هدایت یافتن؛ اما توبه یعنی از شرک توبه کردن و ایمان یعنی اقرار به یکتایی خدا و کار نیک انجام واجبات است و هدایت یافتن اعتقاد به صاحبان امر است و ما ایشان هستیم. و اما کلام حق تعالی «و هر کس خشم من بر او فرود آید

بی‌تردید هلاک شود»، مردم باید قرآن را آن‌طور که نازل شده بخوانند و هر گاه احتیاج به تفسیر آن پیدا کردند، راهنمایی با ما و سوی ماست.

۲۳۰. عُبَیدُبنُ کَثیرٍ مُعنعَنًا: عَن أَبی جَعفَرٍ مُحَمَّدِبنِ عَلِیٍّ علیهما السلام قَالَ: قَالَ اللهُ تَعالَی فِی کِتَابِهِ: ﴿ وَ إِنّي لَغَفّارٌ لِمَنْ تابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صالِحًا ثُمَّ اهْتَدیٰ ﴾ قَالَ: وَاللهِ لَو أَنَّهُ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا وَ لَم یَهتَدِ إِلَی وَلَایَتِنَا وَ مَوَدَّتِنَا وَ یَعرِف فَضلَنَا مَا أَغنَی عَنهُ ذَلِكَ شَیئًا.

عبیدبن کثیر روایت کرده است امام محمّد باقر علیه السلام فرمود: خداوند متعال در کتابش می‌فرماید: «به راستی من آمرزندهٔ کسی هستم که توبه کند و ایمان بیاورد و کار نیک انجام دهد؛ سپس هدایت یابد» به خدا سوگند اگر کسی توبه کند و ایمان آورد و کار نیک انجام دهد، اما سوی ولایت و محبّت ما هدایت نشود و فضیلت ما را نشناسد، هیچ یک از آن‌ها او را بی‌نیاز نمی‌کند.

۲۳۱. عَن أَبی‌ذَرٍ الغِفَارِیِّ فِی قَولِهِ تَعَالَی ﴿ وَ إِنّي لَغَفّارٌ لِمَنْ تابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صالِحًا ثُمَّ اهْتَدیٰ ﴾ قَالَ: آمَنَ بِمَا جَاءَ بِهِ مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آله ﴿ وَ عَمِلَ صالِحًا ﴾ قَالَ: أَداءُ الفَرَائِضِ ﴿ ثُمَّ اهْتَدیٰ ﴾ إِهتَدَی إِلَی حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ.

وَ سَمِعتُ رَسُولَ اللهِ صلی الله علیه و آله یَقُولُ: وَالَّذِی بَعَثَنِی بِالحَقِّ نَبِیًّا لا یَنفَعُ أَحَدَکُم الثَّلَاثَةُ حَتَّی یَأتِیَ بِالرَّابِعَةِ فَمَن شَاءَ حَقَّقَهَا وَ مَن شَاءَ کَفَرَ بِهَا، فَإِنَّا مَنَازِلُ الهُدَی وَ أَئِمَّةُ التُّقَی وَ بِنَا یُستَجَابُ الدُّعَاءُ وَ یُدفَعُ البَلَاءُ، وَ بِنَا یُنزَلُ الغَیثُ مِنَ السَّمَاءِ وَ دُونَ عِلمِنَا تَکِلُّ أَلسُنُ العُلَمَاءِ وَ نَحنُ بَابُ حِطَّةٍ وَ سَفِینَةُ نُوحٍ وَ نَحنُ جَنبُ اللهِ الَّذِی یُنَادِی مَن فَرَّطَ فِینَا یَومَ القِیَامَةِ بِالحَسرَةِ وَالنَّدَامَةِ، وَ نَحنُ حَبلُ اللهِ المَتِینُ الَّذِی مَنِ اعتَصَمَ بِهِ هُدِیَ إِلَی صِرَاطٍ مُستَقِیمٍ، وَ لا یَزالُ مُحِبُّنَا مَنفِیًّا مُودِیًا مُنفَرِدًا مَضرُوبًا مَطرُودًا مَکذُوبًا مَحزُونًا بَاکِیَ العَینِ حَزِینَ القَلبِ حَتَّی یَمُوتَ وَ ذَلِكَ فِی اللهِ قَلِیلٌ.

ابوذر غفاری دربارهٔ کلام خداوند متعال «به راستی من آمرزندهٔ کسی هستم که توبه کند و ایمان بیاورد و کار نیک انجام دهد، سپس هدایت یابد» گفت: به آن‌چه حضرت محمّد صلی الله علیه و آله آورده ایمان بیاورد «و کار نیک انجام دهد» واجبات

را به جا آورد «سپس هدایت یابد» سوی دوستی خاندان حضرت محمّد ﷺ هدایت یابد. از پیامبر ﷺ شنیدم که می‌فرمود: سوگند به آن که مرا بر حق به پیامبری برانگیخت آن سه قسمت اوّل برایتان سودی نخواهید بخشید مگر که چهارمی را به جا آورید. هر که خواست، آن را برآورد و هر که خواست، به آن کفر ورزد. ما منزلگاه‌های هدایت و امامان پرهیزکاران هستیم و دعا به وسیلهٔ ما مستجاب می‌شود و بلا به وسیلهٔ ما دفع می‌گردد و باران از آسمان به وسیلهٔ ما می‌بارد و در مقابل علم ما زبان دانشمندان گنگ می‌شود و ما بابِ ریزش گناهان و کشتی نوح هستیم و ما جنب خداوند هستیم که در روز قیامت هر که در مورد ما کوتاهی کرده باشد، ندای حسرت و پشیمانی سر می‌دهد. ما ریسمان محکم خداوندیم که هر که به آن چنگ زند، به راه راست هدایت می‌یابد. دوستدار ما پیوسته در تبعید و آزار و تنهایی و ضربه خوردن و طردشدن و تهمت و حزن و اشک و اندوه به سر می‌برد تا از دنیا برود و این همه در راه خدا چیز اندکی است.

(سورهٔ طه، آیهٔ ۱۰۸)

﴿ فَلاٰ تَسْمَعُ إِلاّٰ هَمْسًا ﴾

و جز صدایی آهسته نمی شنوی.

۲۳۲ . جَعفرُبنُ مُحَمَّدٍ الفَزارِیُّ مُعنعَنًا: عَن أَبی‌جَعفَرٍ ؑ قالَ: إِذاکَانَ یَومُ القِیامَةِ جَمَعَ اللهُ النَّاسَ فِی صَعِیدٍ وَاحِدٍ مِنَ الأَوَّلِینَ وَ الآخِرِینَ عُرَاةً حُفَاةً فَیقِفُونَ عَلَی طَرِیقِ المَحشَرِ حَتَّی یَعرَقُوا عَرَقًا شَدِیدًا ؑ وَ تَشتَدُّ أَنفاسُهُم فَیمکُثُونَ بِذَلِكَ مِقدارَ خَمسِینَ عامًا. قَالَ: فَقَالَ أَبو جَعفَرٍ ؑ فَثَمَّ قَالَ اللهُ تَعَالَی **﴿ فَلاٰ تَسْمَعُ إِلاّٰ هَمْسًا ﴾**.
قَالَ: ثُمَّ یُنَادِی مُنَادٍ مِن تِلقَاءِ العَرشِ: أَینَ النَّبِیُّ الأُمِّیُّ؟ قَالَ: فَیقُولُ النَّاسُ: قَد أَسمَعتَ فَسَمِّ بِاسمِهِ. قَالَ: فَیُنَادِی: أَینَ نَبِیُّ الرَّحمَةِ مُحَمَّدُبنُ عَبدِ اللهِ الأُمِّیُّ ﷺ؟ قَالَ: فَیتَقَدَّمُ

رَسُولُ اللهِ ﷺ أَمامَ النَّاسِ كُلِّهِم حَتَّى يَنتَهِيَ إِلَى الحَوضِ طُولُهُ مَا بَينَ أُبُلَّةَ إِلَى صَنعَاءَ فَيَقِفُ عَلَيهِ ثُمَّ يُنادِي بِصَاحِبِكُم فَيَتَقَدَّمُ أَمَامَ النَّاسِ فَيَقِفُ مَعَهُ، ثُمَّ يُؤذَنُ النَّاسَ وَ يَمُرُّونَ قَالَ أَبُو جَعفَرٍ علیه السلام: فَبَينَ وَارِدٍ يَومَئِذٍ وَ بَينَ مَصرُوفٍ عَنهُ مِن مُحِبِّينَا بَكَى وَ قَالَ: يَا رَبِّ شِيعَةُ عَلِيٍّ أَرَاهُم قَد صُرِفُوا تِلقَاءَ أَصحَابِ النَّارِ وَ مُنِعُوا عَنِ الحَوضِ.

قَالَ: فَيَقُولُ لَهُ المَلَكُ: إِنَّ اللهَ يَقُولُ لَكَ: قَد وَهَبتُهُم لَكَ يَا مُحَمَّدُ وَ صَفَحتُ لَكَ عَن ذُنُوبِهِم وَ أَلحَقتُهُم بِكَ وَ بِمَن كَانُوا يَتَوَلَّونَ وَ جَعَلتُهُم فِي زُمرَتِكَ وَ أَورَدتُهُم عَلَى حَوضِكَ.

فَقَالَ أَبُو جَعفَرٍ علیه السلام: فَكَم مِن بَاكٍ يَومَئِذٍ وَ بَاكِيَةٍ يُنَادِي يَا مُحَمَّدَاه إِذَا رَأَوا ذَلِكَ. قَالَ: فَلَا يَبقَى أَحَدٌ يَومَئِذٍ كَانَ يُحِبُّنَا وَ يَتَوَلَّانَا وَ يَتَبَرَّءُ مِن عَدُوِّنَا وَ يُبغِضُهُم إِلَّا كَانَ فِي حَيِّزِنَا وَ وَرَدَ حَوضَنَا.

جعفر بن محمّد فزاری روایت کرده است امام محمّد باقر علیه السلام فرمود: هنگامی‌که روز قیامت فرا رسد، خداوند گذشتگان و آیندگان را در یک سطح گرد می‌آورد، آن‌ها درحالی‌که لخت و پا برهنه هستند، در راه محشر می‌ایستند و عرق شدیدی از آن‌ها فرو می‌ریزد و نفس‌هایشان تنگ می‌شود و پنجاه سال در همین حال بر جا می‌مانند.

امام محمّد باقر علیه السلام فرمود: آنجاست که خداوند متعال فرمود: «و جز صدایی آهسته نمی‌شنوی». سپس ندادهنده‌ای از جانب خداوند ندا سر می‌دهد که پیامبر امّی کجاست؟ مردم می‌گویند: سخنت شنیده شد، نام ببر. ندا می‌دهد: پیامبر رحمت، محمّد بن عبدالله اُمّی ﷺ کجاست؟

در این هنگام رسول خدا ﷺ در حالی‌که پیشاپیش مردم قرارگرفته است، به راه می‌افتد تا به حوض کوثر می‌رسد؛ حوضی که بزرگی آن به اندازه فاصله‌ای است که از صنعا تا اُبله می‌باشد، رسول خدا ﷺ در کنار حوض می‌ایستد و بعد سرور شما را ندا می‌دهد و او پیشاپیش مردم می‌آید و کنار ایشان می‌ایستد، سپس به مردم اجازه می‌دهند تا عبور کنند.

در اینجا گروهی از یاران و دوستان ما عبور می‌کنند و جلو بعضی را هم می‌گیرند، هنگامی که رسول خدا ﷺ این وضع را مشاهده می‌کند، می‌گرید و می‌فرماید: بار خدایا اینک شیعیان علی ؑ را می‌بینم که سوی دوزخیان می‌روند و از حوض منع می‌شوند. در آن دم فرشته‌ای می‌آید و می‌گوید: خداوند متعال می‌فرماید: ای محمّد! من آن‌ها را به تو بخشیدم و به خاطر تو گناهان آنان را عفو کردم و آن‌ها را به طرف تو و کسانی‌که دوستشان می‌داشتند، برمی‌گردانم و با گروه تو همراه می‌کنم و به آن‌ها اجازه می‌دهم تا بر حوض وارد شوند.

آنان در آن روز می‌گریند و چون رسول خدا ﷺ را ببینند، فریاد وامحمّدا سر می‌دهند. پس در آن روز هیچ کس از آنان که ما را دوست می‌داشتند و ولایت ما را پذیرفته بودند و از دشمنمان بیزار بودند، نمی‌ماند جز آن‌که در میان ما بر حوض وارد می‌شوند.

(سورهٔ طٰه، آیهٔ ۱۱۱)

﴿ وَ قَدْ خٰابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا ﴾

و بی تردید هر کس بار ستم برداشت، [از رحمت الهی] ناامید گردد.

۲۳۳. عَن جَابِرِبنِ يَزِيدٍ قَالَ: قَالَ أَبُوالوَردِ - وَ أَنَا حَاضِرٌ - لِمُحَمَّدِبنِ عَلِيٍّ ؑ رَحِمَكَ اللهُ أَخبِرنِي عَن أَفضَلِ مَا عُبِدَ اللهُ بِهِ؟ فَقَالَ: شَهَادَةُ أَن لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللهِ ﷺ وَ المُحَافِظَةُ عَلَى الصَّلَوَاتِ الخَمسِ مَجمُوعَةً وَالدُّعَاءُ وَ التَّضَرُّعُ إِلَى اللهِ تَعَالَى وَ صِيَامُ شَهرِ رَمَضَانَ وَ أَدَاءُ الزَّكَاةِ وَ حَجُّ البيتِ وَ بِرُّ الوَالِدَينِ وَصِلَةُ الرَّحِمِ وَ كَثرَةُ ذِكرِ اللهِ وَ الكَفُّ عَن مَحَارِمِ اللهِ تَعَالَى وَ الصَّبرُ عَلَى البَلَاءِ وَ تِلَاوَةُ القُرآنِ وَ الأَمرُ بِالمَعرُوفِ وَ النَّهيُ عَنِ المُنكَرِ وَ كَفُّ اللِّسَانِ إِلَّا أَن يَقُولَ خَيرًا وَ غَضُّ البَصَرِ.

وَاعلَم يَا أَبَا الوَردِ أَنَّ الإِجتِهَادَ فِي دِينِ اللهِ المُحَافِظَةُ عَلَى الصَّلَوَاتِ المَجمُوعَةِ

وَ الصَّبرُ عَلی ترکِ المَعَاصِي وَ اعلَم یَا أَبَا الوَرد وَ یَا جَابِرُ إِنَّکُما لَم تفتشا مُؤمِنًا إِلَی أَن تَقُومَ السَّاعَةُ عَن ذَاتِ نَفسِهِ إِلَّا عَن حُبِّ عَلِیٍّ وَ إِنَّکُمَا لَم تَفتَشَا کَافِرًا إِلَی أَن تَقُومَ السَّاعَةُ عَن ذَاتِ نَفسِهِ إِلَّا وَجَدتُمَاه یُبغِضُ عَلِیًّا، وَ ذَلِكَ أَنَّ اللهَ تَعَالَی قَضَی عَلَی لِسَانِ مُحَمَّدٍ ﷺ لِعَلِيٍّ علیه‌السلام إِنَّهُ لا یُبغِضُكَ مُؤمِنٌ وَ لا یُحِبُّكَ کَافِرٌ أَو مُنَافِقٌ، ﴿وَ قَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا﴾ وَ لكِن أُحِبُّونَا حُبَّ قَصدٍ تَرشُدُوا وَ تُفلِحُوا أُحِبُّونَا مَحَبَّةَ الإِسلَامِ.

جابربن یزید گفت: ابوورد به امام محمّد باقر علیه‌السلام عرض کرد ـ در حالی‌که من نیز نزد آن‌ها بودم: خدایت رحمت کند، مرا از برترین گونه‌ای که خداوند به آن پرستش شده، آگاه سازید. ایشان فرمود: شهادت به یگانگی خدا و این که محمّد ﷺ رسول خداست و بر نمازهای پنجگانه مراقبت کردن و دعا و تضرع به سوی خدا و روزه ماه مبارک رمضان و پرداخت زکات و حجّ خانه خدا و نیکی به پدر و مادر و صله رحم و بسیاریِ یاد خدا و اجتناب از محارم الهی و صبر بر بلاء و تلاوت قرآن و امر به معروف و نهی از منکر و نگه‌داشتن زبان مگر برای سخن خیر و فرو بستن چشم. ای ابوورد باز بدان که اجتهاد در دین خدا و مراقبت بر تمامی نمازهای پنجگانه و صبر بر ترک معصیت‌ها. ای ابوورد و ای جابر! شما تا آن‌گاه که قیامت برپا شود، از درونِ جانِ هیچ مؤمنی خبردار نمی‌شوید جز از راه خبرداری از دوستی او با علی علیه‌السلام و نیز تا آن‌گاه که قیامت برپا شود، از درونِ جانِ هیچ خبردار نمی‌شوید جز این‌که دریابید او کینه علی علیه‌السلام در دل دارد؛ چراکه خداوند متعال بر زبان حضرت محمّد ﷺ جاری ساخت و ایشان به حضرت علی علیه‌السلام فرمود: به راستی که هیچ مؤمنی کینه‌توز تو نیست و هیچ کافر یا منافقی تو را دوست نمی‌دارد. «هر کس بار ستم برداشت، [از رحمت الهی] نومید گردد.» پس ما را به قصد این‌که راه یابید و رستگار شوید، دوست بدارید و ما را به دوستی اسلام دوست بدارید.

(سورهٔ طه، آیهٔ ۱۲۴)

﴿ وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمىٰ ﴾

و هر کس از یاد من رو بگرداند، به راستی برای او زندگی تنگی خواهد بود، و روز قیامت او را نابینا محشور می‌کنیم.

۲۳۴. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ فِی قَولِهِ ﴿ وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمىٰ ﴾ إن تَرَكَ وَلَايَةَ عَلِيٍّ أَعمَاهُ اللّٰهُ وَ أَصَمَّهُ عَنِ النِّدَاءِ، وَ ﴿ ذِكْرِي ﴾ يَعنِی ذِكرِی مِنَ الرَّسُولِ ﷺ عَلِیّ بنَ أَبی طالِبٍ علیه السلام.

ابن عباس دربارهٔ این آیه گفت: اگر کسی ولایت حضرت علی علیه السلام را واگذارد، خداوند او را در برابر ندای خود نابینا و ناشنوا می‌کند و منظور از ذکر من، ذکر خداوند از رسول خدا ﷺ دربارهٔ حضرت علی علیه السلام است.

وَ مِن سُورةِ الأَنبِيَاءِ

(سورهٔ انبیاء، آیهٔ ۲۴)

﴿ هٰذٰا ذِكْرُ مَنْ مَعِيَ وَ ذِكْرُ مَنْ قَبْلي ﴾

این [قرآن متضمن] یاد کسانی است که با من هستند و یاد کسانی است که پیش از من بودند.

۲۳۵. مُحَمَّدُ بنُ أَحمَدَ مُعنعَنًا: عَن أَبی جَعفَرٍ علیه‌السلام قالَ: قالَ أَمیرُ المُؤمِنینَ عَلِیُّ بنُ أَبی طالِبٍ: إِنَّ النَّبِیَّ صلی‌الله‌علیه‌وآله أُوتِیَ عِلمَ النَّبِیِّینَ وَ عِلمَ الوَصِیِّینَ وَ عِلمَ ما هُوَ کائِنٌ إِلی أَن تَقُومَ السّاعَةُ، ثُمَّ تَلا هذِهِ الآیَةَ یَقُولُ اللهُ تَعالی لِنَبِیِّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله: **﴿ هٰذٰا ذِكْرُ مَنْ مَعِيَ وَ ذِكْرُ مَنْ قَبْلي ﴾**.

محمّد بن احمد روایت کرده است: امام محمّد باقر علیه‌السلام به نقل از امیرمؤمنان حضرت علی علیه‌السلام فرمود: علم همهٔ پیامبران و اوصیا و علم هر آن‌چه تا به روز قیامت رخ می‌دهد، به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله داده شده است؛ سپس حضرت علیه‌السلام این آیه را تلاوت فرمود که خداوند به پیامبرش صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: «این [قرآن متضمن] یاد کسانی است که با من هستند و یاد کسانی است که پیش از من بودند».

(سورهٔ انبیاء، آیهٔ ۶۹)

﴿ يٰا نٰارُ كُوني بَرْدًا وَ سَلاٰمًا عَلىٰ إِبرٰاهِيم ﴾

ای آتش بر ابراهیم سرد و سلامت باش.

۲۳۶. مُحَمَّدُبنُ عُمَرَ الزَّهرِيّ مُعَنعَنًا: عَن أَبي‌عَبدِ اللهِ عليه السلام فِي قَولِ اللهِ تَعالَى: ﴿ قُلْنا يٰا نٰارُ كُوني بَرْدًا وَ سَلاٰمًا عَلىٰ إِبرٰاهِيم ﴾ قَالَ: إِنَّ أَوَّلَ مَنجنِيقٍ عَمِلَ فِي الدُّنيا مَنجنِيقٌ عَمِلَ لِإبرَاهِيمَ بِسُورِ الكُوفَةِ فِي نَهرٍ يُقالُ لَهُ كُوثَى وَ فِي قَريَةٍ يُقالُ لَها: قِنطَانا فَلَمَّا عَمِلَ إِبلِيسُ المَنجنِيقَ وَ أَجلَسَ فِيهِ إِبرَاهِيمَ عليه السلام وَ أَرادُوا أَن يَرمُوا بِهِ فِي نَارِها أَتاهُ جَبرَئِيلُ عليه السلام فَقالَ: السَّلامُ عَلَيكَ يا إِبرَاهِيمُ وَ رَحمَةُ اللهِ وَ بَرَكاتُهُ أَلَكَ حَاجَةٌ؟ قَالَ: مَا لِي إِلَيكَ حَاجَةٌ، بَعدَها قَالَ اللهُ تَعالَى: ﴿ يٰا نٰارُ كُوني بَرْدًا وَ سَلاٰمًا عَلىٰ إِبرٰاهِيم ﴾.

محمّد بن زهری روایت کرده است امام جعفر صادق عليه السلام دربارهٔ این آیه فرمود: نخستین منجنیقی که در دنیا به کار گرفته شد، منجنیقی بود که در حاشیهٔ کوفه در رودی به نام کُثی و در روستایی به نام قنطانا ساخته شد. چون ابلیس منجنیق را به کار انداخت و ابراهیم عليه السلام را در آن نشاند و خواستند او را در آتش بیندازند، جبرئیل نزدش آمد و گفت: سلام و رحمت و برکات خداوند بر تو ای ابراهیم! چیزی می‌خواهی؟ فرمود: از تو چیزی نمی‌خواهم. پس از آن خداوند متعال فرمود: «ای آتش بر ابراهیم سرد و سلامت باش».

(سورهٔ انبیاء، آیهٔ ۸۷)

﴿ سُبْحٰانَكَ إِنّي كُنْتُ مِنَ الظّٰالِمينَ ﴾

منزهی تو، به راستی من از ستمکارانم.

۲۳۷. مُحَمَّدُبنُ أَحمَدَ مُعَنعَنًا: عَن جَعفَرِبنِ مُحَمَّدٍ عَن أَبِيهِ عَن جَدِّهِ عليهم السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه و آله: إِنَّ اللهَ ـ تَبارَكَ وَ تَعالَى ـ عَرَضَ وَلايَةَ عَلِيِّ‌بنِ أَبي‌طَالِبٍ عليه السلام عَلَى أَهلِ السَّماوَاتِ وَ أَهلِ الأَرضِ فَقَبِلُوها مَا خَلا يُونُسَ‌بنَ مَتَّى فَعاقَبَهُ اللهُ وَ حَبَسَهُ فِي بَطنِ

الحُوتِ لِإنكَارِهِ وَلَايَةَ أَمِيرِالمُؤمِنِينَ عَلِيِّبنِ أَبِي‌طالِبٍ ﷺ حَتَّى قَبِلَهَا.

قَالَ أَبُو يَعقُوبَ: فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَن لَا إِلَهَ إِلَّا أَنتَ سُبحَانَكَ إِنِّي كُنتُ مِنَ الظَّالِمِينَ لِإنكَارِي وَلَايَةَ عَلِيِّبنِ أَبِي‌طالِبٍ ﷺ.

قَالَ أَبُو عَبدُ اللهِ: فَأَنكَرتُ الحَدِيثَ فَأَعرَضتُهُ عَلَى عَبدِ اللهِبنِ سُلَيمَانَ المَدَنِيِّ فَقَالَ لِي: لَاتَجزَع مِنهُ فَإِنَّ أَمِيرَالمُؤمِنِينَ عَلِيَّ بنَ أَبِي‌طالِبٍ ﷺ خَطَبَ هُنَا بِالكُوفَةِ فَحَمِدَ اللهَ تَعَالَى وَ أَثنَى عَلَيهِ فَقَالَ فِي خُطبَتِهِ: فَلَولَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ المُقِرِّينَ لَلَبِثَ فِي بَطنِهِ إِلَى يَومِ يُبعَثُونَ فَقَامَ إِلَيهِ فُلَانُبنُ فُلَانٍ وَ قَالَ: يَا أَمِيرَالمُؤمِنِينَ إِنَّا سَمِعنَا اللهَ: ﴿ **فَلَوْ لاٰ أَنَّهُ كٰانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ**[1] ﴾ فَقَالَ: اقعُد يَابَكَّارُ فَلَولَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ المُقِرِّينَ لَلَبِثَ فِي‌بَطنِهِ إِلَى يَومِ يُبعَثُونَ.

محمّد بن احمد روایت کرده است: امام جعفر صادق ﷺ از قول پدر بزرگوارش ﷺ از جد بزرگوارش ﷺ نقل کرد که رسول خدا ﷺ فرمود: خداوند متعال ولایت علی بن ابی‌طالب ﷺ را بر اهل آسمان‌ها و زمین عرضه داشت. آن‌ها پذیرفتند جز یونس‌بن متی که خداوند او را تنبیه کرد و به دلیل انکار ولایت علی‌بن ابی‌طالب ﷺ در شکم ماهی زندانی‌اش کرد، تا او نیز ولایت حضرت را پذیرفت.

ابویعقوب گفت: یونس در آن تاریکی فریاد زد که هیچ خدایی جز تو نیست؛ تو پاک و منزهی و من به سبب انکار ولایت علی بن ابی‌طالب ﷺ از ستمگران بوده‌ام. ابوعبد الله گفت: من این حدیث را انکار کردم و آن را بر عبد اللهبن سلیمان مدنی عرضه داشتم، او به من گفت: ناراحت نشو، امیرمؤمنان حضرت علی ﷺ اینجا، در کوفه برای ما خطبه‌ای خواند و پس از حمد و ثنای خداوند در خطبه خود فرمود: اگر یونس از اقرارکنندگان نبود تا روز قیامت در شکم ماهی می‌ماند. فلان کس از جا برخواست و گفت: ای امیرمؤمنان ما شنیده‌ایم

---

۱. صافات، ۱۴۳

که خداوند می‌فرماید: «و اگر نه این بود که او از تسبیح‌گویان بود.» حضرت فرمود: بنشین ای نابکار! اگر او از اقرارکنندگان نبود تا روز قیامت در شکم ماهی باقی می‌ماند.

(سورهٔ انبیاء، آیهٔ ۱۰۱ـ۱۰۳)

﴿ إِنَّ الَّذينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنىٰ أُولٰئِكَ عَنْهٰا مُبْعَدُونَ * لاٰ يَسْمَعُونَ حَسيسَهٰا وَ هُمْ في مَا اشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ خٰالِدُونَ * لاٰ يَحْزُنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَ تَتَلَقّٰاهُمُ الْمَلاٰئِكَةُ هٰذٰا يَوْمُكُمُ الَّذي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ﴾

و به راستی کسانی که نیکویی از سوی ما برای آنان پیشی گرفته است آن‌ها از آن (دوزخ) دور شدگان‌اند. صدای آن را نمی‌شنوند، و آنان در آن‌چه دلشان بخواهد جاودان‌اند. آن ترس بزرگ آنان را اندوهگین نمی‌سازد و فرشتگان به استقبال آن‌ها آیند [و گویند]: «این است روز شما که [به آن] وعده داده می‌شدید.»

۲۳۸. مُحَمَّدُ بنُ الحَسَنِ بنِ إبرَاهِيمَ مُعنعَنًا: عَن عَلِيِّ بنِ أَبي طالِبٍ عليه السلام قالَ: قالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: يا عَلِيُّ إنَّ اللهَ ـ تَبارَكَ وَ تَعالَى ـ وَهَبَ لَكَ حُبَّ المَساكِينِ وَ المُستَضعَفِينَ فِي الأَرضِ فَرَضِيتُ بِهِم إخوانًا وَ رَضُوا بِكَ إمَامًا، فَطُوبَى لِمَن أَحَبَّكَ وَ صَدَّقَ فِيكَ وَ وَيلٌ لِمَن أَبغَضَكَ وَ كَذَّبَ عَلَيكَ.

يا عَلِيُّ أَنتَ العَلَمُ لِهَذِهِ الأُمَّةِ مَن أَحَبَّكَ فَازَ وَ مَن أَبغَضَكَ هَلَكَ. يَا عَلِيُّ أَنا مَدِينَةُ العِلمِ وَ أَنتَ بَابُها وَ هَل تُؤتَى المَدِينَةُ إلّا مِن بَابِها يا عَلِيُّ أَهلُ مَوَدَّتِكَ كُلُّ أَوّابٍ حَفِيظٍ وَ كُلُّ ذِي طِمرِينَ لَو أَقسَمَ عَلَى اللهِ لَأَبَرَّ قَسَمَهُ يا عَلِيُّ إخوانُكَ كُلُّ طَاوٍ وَ بَاكٍ مُجتَهِدٍ يُحِبُّ فِيكَ وَ يُبغِضُ فِيكَ، مُحتَقَرٌ عِندَ الخَلقِ، عَظِيمُ المَنزِلَةِ عِندَ اللهِ تعالَى يا عَلِيُّ مُحِبُّوك جِيرَانُ اللهِ فِي دَارِ الفِردَوسِ لَا يَأسَفُونَ عَلَى مَا خَلَّفُوا فِي دَارِ الدُّنيا يا عَلِيُّ أنا وَلِيُّ مَن

وَالَیتَ وَ أَنَا عَدُوٌّ لِمَن عَادَیتَ یَا عَلِیُّ إِخوَانُكَ الذُّبلُ الشِّفَاهُ تُعرَفُ الرَّهبَانِیَّةُ فِی وُجُوهِهِم یَا عَلِیُّ إِخوَانُكَ یَفرَحُونَ فِی ثَلَاثِ مَوَاطِنَ: عِندَ المَوتِ وَ خُرُوجِ أَنفُسِهِم وَ أَنَا وَ أَنتَ شَاهِدُهُم، وَ عِندَ المَسأَلَةِ فِی قُبُورِهِم، وَ عِندَ العَرضِ وَ الصِّرَاطِ إِذَا سُئِلَ الخَلقُ عَن إِیمَانِهِم فَلَم یُجِیبُوا.

حسن پسر ابراهیم روایت کرده است: حضرت علی علیه‌السلام فرمود: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: ای علی! خداوند ـ تبارک و تعالی ـ دوستی و محبت بینوایان و مستضعفان در زمین را به تو بخشیده است. من به برادری با آن‌ها راضی شدم و به امامت تو خشنود شدند. پس خوشا به حال کسی که تو را دوست می‌دارد و تصدیقت می‌کند و وای بر کسی که با تو دشمن است و تکذیبت می‌کند. ای علی! تو راهنمای این امّتی، هر که تو را دوست بدارد، رستگار می‌شود و هر که به تو کینه ورزد، هلاک می‌شود. ای علی! من شهر علم هستم و تو دروازهٔ آن و آیا جز از راه دروازه به شهر وارد می‌شوند؟ ای علی! اهل مودت و دوستی تو کسی است که بسیار توبه کننده به درگاه الهی و بسیار نگه‌دارندهٔ نفس است و لباس‌های مندرس دارد. ولی اگر خداوند را برای امری سوگند دهد، خداوند سوگندش را می‌پذیرد. ای علی! برادران تو همگی از بدی‌ها پاک و پاکیزه‌اند و اهل تلاش و کوشش در کار خیرند. در راه تو دوستی می‌کنند و در راه تو دشمنی می‌کنند. پیش مردم بی‌مقدارند و نزد خداوند منزلتی بزرگ دارند. ای علی! دوستان تو همسایگان خداوند در فردوس برین هستند که بر آن‌چه از دنیا به جا گذاشته‌اند، افسوس نمی‌خورند. ای علی! من دوست کسی هستم که تو او را دوست داری و دشمن کسی هستم که تو با او دشمنی. ای علی! برادران تو لب‌هایشان خشکیده و بی‌رغبتی نسبت به دنیا در چهره‌هایشان هویداست. ای علی! برادران تو در سه جا شاد می‌شوند؛ هنگام مرگ و جدا شدن روح از بدن‌هایشان و این در حالی است که من و تو ناظر بر آنانیم و هنگام سؤال و جواب در قبر و موقع عرضهٔ اعمال و گذشتن از پل صراط به آن هنگام که از

دیگر مردم در مورد ایمانشان سؤال می‌شود و قادر به جواب دادن نیستند.

يَا عَلِيُّ حَرْبُكَ حَرْبِي وَ سِلْمُكَ سِلْمِي وَ حِزْبُكَ حِزْبِي وَ حِزْبِي حِزْبُ اللهِ يَا عَلِيُّ قُلْ لِإِخوَانِكَ إِنَّ اللهَ قَد رَضِيَ عَنهُم إِذ رَضِيَكَ لَهُم قَائِدًا وَ رَضُوا بِكَ وَلِيًّا يَا عَلِيُّ أَنتَ أَمِيرُ المُؤمِنِينَ وَ قَائِدُ الغُرِّ المُحَجَّلِينَ يَا عَلِيُّ شِيعَتُكَ المُنتَجَبُونَ وَ لَو لَا أَنتَ وَ شِيعَتُكَ مَا قَامَ لِلهِ دِينٌ وَ لَو لَا مَن فِي الأَرضِ مِنهُم مَا أَنزَلَتِ السَّمَاءُ قَطرَةً يَا عَلِيُّ لَكَ كَنزٌ فِي الجَنَّةِ وَ أَنتَ ذُو قَرنَيهَا وَ شِيعَتُكَ تُعرَفُ بِحِزبِ اللهِ يَا عَلِيُّ أَنتَ وَ شِيعَتُكَ القَائِمُونَ بِالقِسطِ وَ خِيرَةُ اللهِ مِن خَلقِهِ يَا عَلِيُّ أَنَا أَوَّلُ مَن يَنفُضُ التُّرَابَ عَن رَأسِهِ وَ أَنتَ مَعِي ثُمَّ سَائِرُ الخَلقِ يَا عَلِيُّ أَنتَ وَ شِيعَتُكَ عَلَى الحَوضِ تَسقُونَ مَن رَضِيتُم وَ تَمنَعُونَ مَن كَرِهتُم وَ أَنتُمُ الآمِنُونَ يَومَ الفَزَعِ الأَكبَرِ فِي ظِلِّ العَرشِ، يَفزَعُ الخَلائِقُ وَ لَا يَفزَعُونَ وَ يَحزَنُ النَّاسُ وَ لَا يَحزَنُونَ وَ فِيهِم نَزَلَت هَذِهِ الآيَةُ: ﴿ **وَ هُمْ مِنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ**[1] ﴾ ﴿ **إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنىٰ** ﴾ إِلَى ثَلَاثِ آيَاتٍ يَا عَلِيُّ أَنتَ وَ شِيعَتُكَ تُطلَبُونَ فِي المَوقِفِ وَ أَنتُم فِي الجِنَانِ مُتَنَعِّمُونَ يَا عَلِيُّ إِنَّ المَلَائِكَةَ وَ الخُزَّانَ يَشتَاقُونَ إِلَيكُم وَ إِنَّ حَمَلَةَ العَرشِ وَ المَلَائِكَةَ لَيَخُصُّونَكُم بِالدُّعَاءِ وَ يَسأَلُونَ اللهَ لِمُحِبِّيكُم وَ يَفرَحُونَ بِمَن قَدِمَ عَلَيهِم مِنكُم كَمَا يَفرَحُ الأَهلُ بِالغَائِبِ القَادِمِ بَعدَ طُولِ الغَيبَةِ.

ای علی! جنگ با تو جنگ با من و صلح تو صلح با من است و حزب تو حزب من و حزب من حزب خداست. ای علی! به برادرانت بگو خداوند از آن‌ها راضی شد؛ زیرا به پیشوایی تو بر آن‌ها رضایت داد و آن‌ها نیز به ولایت تو راضی شدند. ای علی! تو امیرمؤمنان و پیشوای روسفیدانی. ای علی! شیعیان تو برگزیدگان‌اند. اگر تو و شیعیانت نبودید، دینی برای خدا برپا نمی‌شد و اگر شیعیان تو در زمین نبودند، آسمان قطره‌ای فرو نمی‌فرستاد. ای علی! برای تو گنجی در بهشت است و تو صاحب آن هستی و شیعیان تو به حزب خدا شناخته می‌شوند. ای علی! تو و شیعیانت قیام‌کننده به عدل و داد هستید و

---

۱. نمل، ۸۹.

برگزیدگان خدا از میان خلق اوئید. ای علی! من نخستین کسی هستم که از قبر بیرون می‌آیم؛ در حالی‌که تو با من هستی و سپس دیگر آفریدگان از قبرهایشان بیرون می‌آیند. ای علی! تو و شیعیانت بر سر حوض کوثر هر کس را دوست داشته باشید، سیراب می‌کنید و دشمنانتان را باز می‌دارید. شما روز ترس بزرگ به زیر سایهٔ عرش در امانید، مردم می‌هراسند و شما نمی‌هراسید، مردم اندوهگین می‌شوند و شما اندوهناک نمی‌شوید، این آیه دربارهٔ شما نازل شده است: «و آنان در آن روز از هراس ایمن هستند.» و آیه دیگر که خداوند می‌فرماید: «به راستی کسانی که به توفیق ما در نیکی‌ها پیشی گرفتند، از آن (دوزخ) دورند.» ای علی! در آن جایگاه به دنبال تو و شیعیانت می‌گردند و حال آن‌که شما در بهشت از نعمت‌های الهی بهره‌مندید. ای علی! فرشتگان و نگاهبانان بهشت، مشتاق شما هستند و حاملان عرش و فرشتگان، به گونه‌ای ویژه، برای شما دعا می‌کنند و برای دوستان شما از خدا درخواست می‌کنند. وقتی یکی از شیعیان تو بر فرشتگان وارد می‌شود، آن‌گونه شاد و خوشحال می‌شوند که اهل خانواده با آمدن مسافرشان که مدت‌های مدیدی از بین آن‌ها رفته، شادمان می‌گردند.

یَا عَلِيُّ شِيعَتُكَ الَّذِينَ يَتَنَافَسُونَ فِي الدَّرَجَاتِ لِأَنَّهُم يَلقَونَ اللهَ وَ مَا عَلَيهِم مِن ذَنبٍ يَا عَلِيُّ إِنَّ أَعمَالَ شِيعَتِكَ سَتُعرَضُ عَلَيَّ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ فَأَفرَحُ بِصَالِحِ مَا يَبلُغُنِي مِن أَعمَالِهِم وَ أَستَغفِرُ لِسَيِّئَاتِهِم يَا عَلِيُّ ذِكرُكَ فِي التَّورَاةِ وَ ذِكرُ شِيعَتِكَ قَبلَ أَن يُخلَقُوا بِكُلِّ خَيرٍ وَ كَذَلِكَ فِي الإِنجِيلِ وَ أَهلِ الكِتَابِ عَنِ الِيَا يُخبِرُونَكَ مَعَ عِلمِكَ بِالتَّورَاةِ وَ الإِنجِيلِ وَ مَا أَعطَاكَ اللهُ مِن عِلمِ الكِتَابِ وَ إِنَّ أَهلَ الإِنجِيلِ لَيُعَظِّمُونَ الِيَا وَ مَا يَعرِفُونَهُ يُخبِرُونَهُ فِي كُتُبِهِم يَا عَلِيُّ أَعلِم أَصحَابَكَ أَنَّ ذِكرَهُم فِي السَّمَاءِ أَكثَرُ وَ أَعظَمُ مِن ذِكرِهِم فِي الأَرضِ لَهُم بِالخَيرِ فَلْيَفرَحُوا بِذَلِكَ وَ لِيَزدَادُوا إِجتِهَادًا يَا عَلِيُّ إِنَّ أَروَاحَ شِيعَتِكَ لَتَصعَدُ إِلَى السَّمَاءِ فِي رُقَادِهِم فَيَنظُرُ المَلَائِكَةُ إِلَيهِم كَمَا يَنظُرُ النَّاسُ إِلَى الهِلَالِ شَوقًا إِلَيهِم وَ مَا

يَرونَ مِن مَنزِلَتِهِم عِندَ اللهِ تَعالَى يَا عَلِيُّ قُل لِأَصحابِكَ العارِفِينَ بِكَ يَتَنَزَّهُونَ عَنِ الأَعمَالِ الَّتِي يُقَارِفُها عَدُوُّهُم فَمَا مِن يَومٍ وَ لَيلَةٍ إِلَّا وَ رَحمَةُ اللهِ تَغشَاهُم فَليَجتَنِبُوا الدَّنَسَ يَا عَلِيُّ اشتَدَّ غَضَبُ اللهِ عَلَى مَن قَلاهُم وَ بَرِئَ مِنكَ وَ مِنهُم وَ استَبدَلَ بِكَ وَ بِهِم وَ مَالَ إِلَى عَدُوِّكَ وَ تَرَكَكَ وَ شِيعَتَكَ وَ اختَارَ الضَّلالَةَ وَ نَصَبَ الحَربَ لَكَ وَ لِشِيعَتِكَ وَ أَبغَضَنَا أَهلَ البَيتِ وَ أَبغَضَ مَن وَالاكَ وَ نَصَرَكَ وَ بَذَلَ مُهجَتَهُ وَ مَا لَهُ فِينَا.

ای علی! شیعیان تو کسانی هستند که در کسب درجات بهشت با یکدیگر رقابت دارند؛ زیرا آن‌ها در حالی خدا را ملاقات می‌کنند که هیچ گناهی ندارند. ای علی! در هر روز جمعه اعمال شیعیانت بر من عرضه می‌شود، خبر کردار نیکشان مرا خوشحال می‌کند و برای گناهانشان آمرزش می‌طلبم. ای علی! ذکر تو و شیعیانت پیش از آن‌که آفریده شوند، در تورات و نیز در انجیل با تمامی نیکی‌ها آمده است. اهل کتاب تو را خبر می‌دهند با این‌که علم به تورات و انجیل و آن‌چه خداوند از علم کتاب تو را عطا کرده، نزد توست. اهل انجیل ایلیا را گرامی می‌دارند و آن‌چه را در کتاب‌هایشان از او می‌دانند، به او خبر می‌دهند. ای علی! یارانت را آگاه ساز که ذکر آنان در آسمان بیشتر و باشکوه‌تر از ذکر ایشان در زمین است و این سراسر برایشان نیکی است. پس باید به این مژده خوشحال باشند و بر کوشش خویش بیفزایند. ای علی! هنگامی که شیعیان تو به خواب می‌روند، ارواحشان به آسمان بالا می‌رود و به سبب مقام و منزلتی که در پیشگاه خدا دارند، فرشتگان مشتاقانه به آن‌ها می‌نگرند، همان‌گونه که مردم به هلال ماه می‌نگرند. ای علی! به یارانت که مقام تو را می‌شناسند، بگو از رفتاری که دشمنانشان انجام می‌دهند پرهیز کنند؛ زیرا شبانه‌روز رحمت خداوند آن‌ها را فرا می‌گیرد، پس باید از پلیدی دوری نمایند. ای علی! خشم و غضب خداوند سخت است بر کسی که با شیعیان تو دشمنی کند و از تو و شیعیانت بیزاری جوید و به جای تو و پیروانت دیگران را بدل گیرد و به دشمنانت بگرود و تو و پیروانت را واگذارد و گمراهی و ضلالت

را برگزیند و بر ضدّ تو و شیعیانت جنگ برافروزد و نسبت به ما اهـل بـیت و نسبت به هر کسی که تو را دوست دارد و یاری می‌کند و جان و مالش را در راه ما می‌دهد، بغض و کینه ورزد.

یَا عَلِیُّ أَقرِءهُم مِنِّی السَّلاَمَ مَن لَم أَرَهُ مِنهُم وَ لَم یَرَنِی فَاعلِمهُم أَنَّهُم إِخوَانِی وَ أَشتَاقُ إِلَی رُؤیَتِهِم الَّذِینَ یَتَمَسَّکُونَ بِحَبلِ اللهِ وَ لیَعتَصِمُوا بِهِ وَ لیَجتَهِدُوا فِی العَمَلِ، فَإِنَّا لَا نُخرِجُهُم مِنَ الهُدَی إِلَی ضَلاَلَةٍ أَبَدًا، وَ أَخبِرهُم أَنَّ اللهَ تَعَالَی عَنهُم رَاضٍ وَ أَنَّهُم یُبَاهِی بِهِمُ المَلاَئِکَةُ وَ یَنظُرُ إِلَیهِم فِی کُلِّ جُمُعَةٍ بِرَحمَتِهِ وَ بِأَنَّ المَلاَئِکَةَ تَستَغفِرُ لَهُم.

یَا عَلِیُّ لَا تَرغَب عَن نُصرَةِ قَومٍ یَبلُغُهُم أَو یَسمَعُونَ أَنِّی أُحِبُّكَ فَأَحَبُّوكَ بِحُبِّی إِیَّـاكَ وَ دَانُوا إِلَی اللهِ بِمَوَدَّتِكَ، وَ أَعطَوا صَفوَ المَوَدَّةِ مِـن قُـلُوبِهِم وَ اخـتَارُوكَ عَـلَی الآبَـاءِ وَ الأَولاَدِ وَ سَلَکُوا طَرِیقَكَ وَ قَد حُمِّلُوا عَلَی المَکَارِهِ فِینَا فَأَبَوا إِلَّا نَصرَنَا وَ بَذَلُوا المُهَجَ فِینَا مَعَ الأَذَی وَ سُوءِ القَولِ وَ مَا یَستَذِلُّونَ بِهِ مِن مَضَاضَةِ ذَلِكَ فَکُن بِهِم رَحِیمًا وَ اقنَع بِهِم فَإِنَّ اللهَ عَزَّ إِختَارَهُم لَنَا بِعِلمِهِ مِنَ الخَلقِ وَ خَلَقَهُم مِن طِینَتِنَا وَ استَودَعَهُم سِرَّنَا وَ أَلزَمَ قُلُوبَهُم مَعرِفَةَ حَقِّنَا وَ شَرَحَ صُدُورَهُم وَ جَعَلَهُم یَـتَمَسَّکُونَ بِـحَبلِنَا لَا یُـؤثِرُونَ عَلَینَا مَن خَالَفَنَا مَعَ مَا یَزُولُ مِنَ الدُّنیَا عَنهُم وَ مَیلِ السُّلطَانِ عَلَیهِم بِالمَکَارِهِ، أَیَّدَهُمُ اللهُ وَ سَلَكَ بِهِم طَرِیقَ الهُدَی فَاعتَصَمُوا بِهِ وَ النَّاسُ فِی عَمًی مِنَ الظَّلاَلَةِ مُتَخَبِّطِینَ فِی الأَهوَاءِ عَمِی عَنِ الحُجَّةِ وَ عَمَّا جَاءَ مِن عِندِ اللهِ فَهُم یُصبِحُونَ وَ یُمسُونَ فِی سَخَطِ اللهِ وَ شِیعَتُكَ عَلَی مِنهَاجِ الحَقِّ وَ الإِستِقَامَةِ لَا یَستَوحِشُونَ إِلَی مَـن خَـالَفَهُم لَـیسَ الرِّیَـاءُ مِنهُم وَ لَیسُوا مِنهُ أُولَئِكَ مَصَابِیحُ الدُّجَی.

ای علی! سلام مرا به شیعیانت برسان، کسانی که نه من آن‌ها را دیده‌ام و نه آن‌ها مرا دیده‌اند و به آن‌ها خبر بده که ایشان برادران من‌اند و مشتاق دیدارشان هستم. آن‌هایی که به ریسمان الهی تمسک می‌جویند، باید به آن چنگ زنند و در انجام کارهای نیک بکوشند؛ زیرا ما آن‌ها را هرگز از هدایت به راه گمراهی و ضلالت بیرون نمی‌بریم. همچنین به آن‌ها خبر ده که خداوند از آن‌ها خرسند

است و به وجود آنان بر فرشتگان مباهات می‌کند و در روزهای جمعه با نظر رحمت به آن‌ها می‌نگرد و فرشتگان برای آن‌ها آمرزش می‌طلبند. ای علی! روی برنَتاب از یاری و نصرت گروهی که وقتی به آن‌ها خبر می‌رسد و می‌شنوند که من تو را دوست دارم؛ به خاطر محبت من نسبت به تو، تو را دوست می‌دارند و با دوستی تو به خدا نزدیک می‌شوند و محبت قلبی و خالصانه خویش را به تو ارزانی می‌دارند و تو را بر پدران و فرزندان خویش برمی‌گزینند و راه تو را می‌روند و در راه دوستی و محبت ما سختی‌ها به آن‌ها تحمیل می‌شود، ولی آنان جز یاری ما و ایثار خونشان در راه ما از هر کار دیگری با وجود آزار و اذیت‌هایی که می‌کشند و سخنان بدی که می‌شنوند و رنج و مشقت‌هایی که از درد این مصیبت می‌برند، سر باز می‌زنند. پس نسبت به آن‌ها مهربان باش و به آنان قناعت کن؛ زیرا خداوند آن‌ها را برای ما با علم خود از میان مردم برگزیده و ایشان را از سرشت ما آفریده و اسرار ما را نزد آن‌ها ودیعه نهاده و شناخت حقّ ما را در قلبشان ثابت و استوار ساخته و سینه‌هایشان را فراخ نموده و آن‌ها را متمسّک به ریسمان ولایت ما قرار داده است. آن‌ها مخالفان ما را بر ما برنمی‌گزینند؛ هرچند این سبب شود منافع دنیا را از دست بدهند و پادشاهان به اذیت و آزار آن‌ها رو آورند. خداوند آن‌ها را تأیید فرماید و به راه هدایت واردشان کند. همان هدایتی که به آن چنگ زدند؛ در حالی‌که مردم در گمراهی به سر می‌بردند و در هواهای نفسانی حیران بودند و از دیدن راه حق و آن‌چه از نزد خدا آمده بود، کور بودند. مردم در خشم و ناخشنودی خداوند شب را به روز و صبح را به شب می‌رسانند و حال آن‌که شیعیان تو در راه روشن حق و پایداری بر آن ثابت و استوارند و از کسانی‌که با آن‌ها مخالفند، نمی‌ترسند. ریا از آن‌ها نیست و آن‌ها نیز از ریا نیستند؛ اینان همان چراغ‌های درخشان در تاریکی‌اند.

۲۳۹ . الحُسينُ بنُ سَعِيدٍ مُعنعنًا: عَن جَعفرٍ عَن أَبِيهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: إِذَا كَانَ يَومُ القِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ مِن بطنَانِ العَرشِ: يَا مَعشَرَ الخَلَائِقِ غُضُّوا أَبصَارَكُم حَتَّى تَمُرَّ بِنتُ حَبِيبِ اللهِ إِلَى قَصرِهَا فَاطِمَةُ عليها السلام ابنَتِي وَ عَلَيهَا رَيطَتَانِ خَضرَاوَانِ حَوَالَيهَا سَبعُونَ أَلفَ حَورَاءَ فَإِذَا بَلَغَت إِلَى بَابِ قَصرِهَا وَجَدَتِ الحَسَنَ قَائِمًا وَ الحُسَينَ نَائِمًا مَقطُوعَ الرَّأسِ فَتَقُولُ لِلحَسَنِ: مَن هَذَا؟ فَيَقُولُ: هَذَا أَخِي إِنَّ أُمَّةَ أَبِيكِ قَتَلُوهُ وَ قَطَعُوا رَأسَهُ، فَيَأتِيهَا النِّدَاءُ مِن عِندِ اللهِ يَا بِنتَ حَبِيبِ اللهِ إِنِّي إِنَّمَا أَرَيتُكِ مَا فَعَلَت بِهِ أُمَّةُ أَبِيكِ أَنِّي إِدَّخَرتُ لَكِ عِندِي تَعزِيَةً بِمُصِيبَتِكِ فِيهِ وَ إِنِّي جَعَلتُ تَعزِيَتَكِ اليَومَ أَنِّي لَا أَنظُرُ فِي مُحَاسَبَةِ العِبَادِ حَتَّى تَدخُلِي الجَنَّةَ أَنتَ وَذُرِّيَّتُكِ وَ شِيعَتُكِ وَ مَن أَولَاكُم مَعرُوفًا مِمَّن لَيسَ هُوَ مِن شِيعَتِكِ قَبلَ أَن أَنظُرَ فِي مُحَاسَبَةِ العِبَادِ، فَتَدخُلُ فَاطِمَةُ ابنَتِي الجَنَّةَ وَ ذُرِّيَّتُهَا وَ شِيعَتُهَا وَ مَن أَولَاهَا مَعرُوفًا مِمَّن لَيسَ مِن شِيعَتِهَا فَهُوَ قَولُ اللهِ ـ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿ **لَا يَحزُنُهُمُ الفَزَعُ الأَكبَرُ** ﴾ قَالَ: هَولُ يَومِ القِيَامَةِ ﴿ **وَ هُمْ فِيمَا اشْتَهَتْ أَنفُسُهُمْ خَالِدُونَ** ﴾ هِيَ وَاللهِ فَاطِمَةُ وَ ذُرِّيَّتُهَا وَشِيعَتُهَا وَمَن وَالَاهُم مَعرُوفًا لَيسَ هُوَ مِن شِيعَتِهَا.

حسین‌بن سعید روایت کرده است: امام جعفر صادق علیه السلام به نقل از پدرشان و ایشان از پدران خویش فرمود: پیامبر ﷺ فرمود: چون خداوند تبارک و تعالی در روز قیامت مردم را گرد آورد، مرا به مقام محمود وعده می‌دهد و با این مقام به من وفا می‌کند. زمانی که روز قیامت برپا گردد، برای من منبری با هزار پله و نه همچون پله‌های شما برپا می‌شود و من از آن بالا می‌روم تا این‌که بر فراز آن می‌رسم. آن‌گاه جبرئیل علیه السلام بیرق حمد را برایم می‌آورد و آن را در دستان من قرار می‌دهد و می‌گوید: ای محمّد ﷺ! این مقام محمودی است که خداوند به تو وعده داده است. من نیز به علی علیه السلام می‌گویم: بالا بیا! و او پله‌ای پایین‌تر از من قرار می‌گیرد و من بیرق حمد را در دست او قرار می‌دهم. سپس رضوان با کلیدهای بهشت می‌آید و می‌گوید: ای محمّد! این مقام محمودی است که خداوند به تو وعده داده است. سپس کلیدها را در دستان من قرار

می‌دهد و من آن‌ها را به علی بن ابی‌طالب ﷺ می‌سپارم. سپس مالک، دربان دوزخ می‌آید و می‌گوید: ای محمّد! این مقام محمودی است که خداوند به تو وعده داده است. این کلیدهای جهنم است، دشمن خود و فرزندان و امتّت را در آتش انداز. من آن‌ها را می‌گیرم و به علی بن ابی‌طالب ﷺ می‌سپارم. جهنم و بهشت در آن روز برای من و علی از عروس برای شویش مطیع‌تر هستند. و این کلام خداوند تبارک و تعالی در کتابش است که فرمود: «هر کافر لجوجی را به جهنم بیفکنید». ای محمّد! و ای علی! دشمنانتان را در آتش بیفکنید.

آن‌گاه من برمی‌خیزم و خداوند را چنان ثنا می‌گویم که هیچ کس پیش از من نگفته باشد و بعد از آن فرشتگان مقرّب را و سپس پیامبران مرسل را و سپس امّت‌های نیکوکار را ثنا می‌گویم و پس از آن می‌نشینم. آن‌گاه خداوند مرا ثنا می‌گوید و بعد از آن فرشتگانش و سپس پیامبرانش و سپس امّت‌های نیکوکار مرا ثنا می‌گویند. در آن دم ندادهنده‌ای از دو سوی عرش ندا سر می‌دهد: ای جماعت آفریدگان! چشم فروگیرید تا دختر حبیب خدا سوی قصرش گذر کند. در آن دم دخترم فاطمه ﷺ در حالی که دو چادر سبز بر سر و هفتاد هزار پری سیاه‌چشم گرداگرد خود دارد، می‌گذرد و چون بر در قصر خویش می‌رسد، حسن ﷺ را بر پا و حسین ﷺ را درازکش و سر بریده می‌بیند. آن‌گاه به حسن ﷺ می‌گوید: این کیست؟ می‌گوید: این برادرم است که امّت پدرت او را کشتند و سرش را بریدند. در آن هنگام ندایی از جانب خداوند به او می‌رسد که ای دختر حبیب خدا! من آن‌چه را امّت پدرت با او کردند، نشانت دادم؛ چراکه از پیش به خاطر مصیبتی که در او دیدی، تسلیتی برایت نزد خود گذاشته‌ام و آن این‌که بر حساب بندگانم نمی‌نگرم تا تو و فرزندانت و شیعیانت و هر آن‌که از غیر شیعیانت به تو نیکی کرده به بهشت درآیید. آن‌گاه دخترم فاطمه ﷺ و فرزندانش و شیعیانش و هر آن‌که از غیر شیعیانش به او نیکی

کرده، به بهشت در می‌آیند و این کلام خداوند متعال است در کتابش: «وحشت بزرگ آن‌ها را اندوهگین نمی‌کند.» در روز قیامت، «و آنان در آن‌چه دلشان بخواهد جاودانه متنعّم خواهند بود.» به خدا سوگند آنان فاطمه عليها السلام و فرزندانش و شیعیانش و هر آن‌که از غیرشیعیانش به او نیکی کرده می‌باشند.

وَ مِن سُورَةِ الحَجِّ

(سورهٔ حج، آیهٔ ۱۹، ۲۱، ۲۳ و ۲۴)

﴿ هٰذٰانِ خَصْمٰانِ اخْتَصَمُوا في رَبِّهِمْ فَالَّذينَ كَفَرُوا قُطِّعَتْ لَهُمْ ثِيٰابُ مِنْ نٰارٍ وَ ذُوقُوا عَذٰابَ الْحَريقِ * إِنَّ اللهَ يُدْخِلُ الَّذينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّٰالِحٰاتِ جنّاتٍ تجرى من تَحتِها الانهارُ وَ هُدُوا إِلىٰ صِرٰاطِ الْحَميدِ ﴾

این دو [گروه مؤمن و کافر] دشمن یکدیگرند که دربارهٔ پروردگارشان با هم مجادله کردند، پس کسانی که کافر شدند، برای آنان لباس‌هایی از آتش بریده شده است... و [به آن‌ها گویند:] بچشید عذاب سوزان را. مسلماً خدا کسانی را که ایمان آوردند و کارهای نیک انجام دادند به بهشت‌هایی در می‌آورد که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است و به راه ستوده رهنمون می‌گردند.

۲۴۰. عَنِ السُّدِّيِّ قَالَ: ﴿ هٰذٰانِ خَصْمٰانِ اخْتَصَمُوا في رَبِّهِمْ ﴾ الآيَتينِ نَزَلَت فِى عَلِيٍّ وَ حَمزَةَ وَ عُبيدَةَبنِ الحَارِثِ وَ فِى عُتبَةَبنِ رَبيعَةِ وَ الوَليدِبنِ عُتبَةِ وَ شَيبَةَبنِ رَبيعَةِ بَارَزَهُم يومَ بَدرٍ عَلِيٌّ وَ حمزَةُ وَ عُبيدَةُبنُ الحَارِثِ فَقَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: هَؤلَاءِ الثَّلَاثَةُ يومَ القِيَامَةِ كَوَاسِطَةِ القِلَادَةِ فِى المُؤمِنِينَ وَ هَؤُلَاءِ الثَّلَاثَةُ كَوَاسِطَةِ القِلَادَةِ فِى الكُفَّارِ.

سدی گفت: این دو آیه دربارهٔ حضرت علی علیه‌السلام و حمزه و عبیدةبن حارث و دربارهٔ عتبةبن ربیعه و ولیدبن عتبه و شیبةبن ربیعه نازل شد که در روز بدر حضرت علی علیه‌السلام و حمزه و عبیده با آنان مبارزه کردند. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: این سه تن در روز قیامت همچون گوهر گردنبند در میان مسلمانان هستند و آن سه تن همچون قلاده در میان کافران.

(سورهٔ حج، آیهٔ ۲۷)

﴿ وَ أَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ ﴾

در میان مردم برای [انجام مراسم] حج بانگ برآور.

۲۴۱. قَالَ: حَدَّثَنِی الحُسَینُ بنُ سَعِیدٍ مُعَنعَنًا: عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ فِی قَولِ اللهِ ـ عَزَّ وَ جَلَّ: **﴿ وَ أَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالاً ﴾** قَالَ: فَأَسمَعَ مَن فِی أَصلَابِ الرِّجَالِ وَ أَرحَامِ النِّسَاءِ فَأَجَابَهُ مَن آمَنَ وَ مَن سَبَقَ فِی عِلمِ اللهِ أَنَّهُ یَحُجُّ إِلَی یَومِ القِیَامَةِ لَبَّیكَ اللَّهُمَّ لَبَّیكَ.

حسین بن سعید روایت کرده است: ابن عباس دربارهٔ این آیه گفت: آنان که در پشت‌های پدران و رحم‌های مادران بودند، شنیدند و آن‌هایی که ایمان آوردند و در علم خداوند از پیش گذشته بود که تا روز قیامت حج می‌گزارند، پاسخ دادند: لبّیک اللّهمّ لبّیک.

(سورهٔ حج، آیهٔ ۴۰)

﴿ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلاَّ أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللهُ ﴾

آنانی که به ناحق از خانه‌هایشان بیرون رانده شدند [گناهی نداشتند]
جز این‌که گفتند: پروردگار ما خداست.

۲۴۲. قَالَ: حَدَّثَنِی عَلِیُّ بنُ مُحَمَّدِ بنِ عُمَرَ الزُّهرِیُّ مُعَنعَنًا: عَن أَبِی عَبدِ اللهِ علیه‌السلام فِی قَولِ اللهِ: **﴿ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلاَّ أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللهُ ﴾** عَلِیٌّ وَ الحَسَنُ وَ الحُسَینُ

وَجَعفَرُ وَ حَمزَةُ علیهما السلام.

علی بن محمّد بن عمر زهری روایت کرده است امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: این آیه دربارهٔ امام علی علیه السلام و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام جعفر و حمزه است.

۲۴۳. قَالَ: حَدَّثَنا مُحَمَّدُبنُ القَاسِمِ‌بنِ عَبیدٍ مُعَنعَنًا: عَن أَبی‌عَبدِ اللهِ علیه السلام فِی قَولِهِ: ﴿ **الَّذینَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيٰارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلاَّ أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللهُ** ﴾ قَالَ: نَزَلَ فِی عَلِیٍّ وَ جَعفَرٍ وَ حَمزَةَ وَ جَرَت فِی الحُسَینِ‌بنِ عَلِیٍّ علیهما السلام و التَّحِیَّةُ و الإِکرَامُ.

محمّد بن قاسم‌بن عبید روایت کرده است: امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: این آیه با تحیّت و اکرام دربارهٔ امام علی علیه السلام و جعفر و حمزه نازل شد و در مورد امام حسین علیه السلام نیز جاری گشت.

(سورهٔ حج، آیهٔ ۴۱)

﴿ الَّذینَ إِنْ مَكَّنّٰاهُمْ فِي الأَرْضِ أَقٰامُوا الصَّلاٰةَ وَ آتَوُا الزَّكٰاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ ﴾

[همان] کسانی که اگر در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به کار نیک امر می‌کنند و از کار بد باز می‌دارند.

۲۴۴. قَالَ: حَدَّثَنا فُراتُ عَن أَبی‌جَعفَرٍ مُحَمَّدِبنِ عَلِیٍّ علیهما السلام فِی قَولِهِ تَعالَی: ﴿ **الَّذینَ إِنْ مَكَّنّٰاهُمْ فِي الأَرْضِ أَقٰامُوا الصَّلاٰةَ وَ آتَوُا الزَّكٰاةَ** ﴾ الآیَةِ قَالَ: فِینا وَاللهِ نَزَلَت هَذِهِ الآیَةُ.

فرات گفت: امام محمّد باقر علیه السلام دربارهٔ این آیه فرمود: به خدا سوگند این آیه دربارهٔ ما نازل شد.

۲۴۵. عَن أَبی‌خَلِیفَةَ قَالَ: دَخَلتُ أَنَا وَ أَبوعُبَیدَةَ الحَذَّاءِ عَلی أَبی‌جَعفَرٍ علیه السلام فَقَالَ: یا جَارِیَةُ هَلُمِّی بِمِرفَقَةٍ. قُلتُ: بَل نَجلِسُ. قَالَ: یاأَبا خَلِیفَةِ لا تَرُدُّالکِرامَةَ لِأَنَّ‌الکِرامَةَ لا یَرُدُّها إِلَّا حِمَارٌ. قُلتُ: کَیفَ لَنا بِصَاحِبِ هَذَا الأَمرِ حَتّی نَعرِفَ قَالَ: فَقَالَ قَولَ اللهِ: ﴿ **الَّذینَ إِنْ مَكَّنّٰاهُمْ فِي الأَرْضِ أَقٰامُوا الصَّلاٰةَ وَ آتَوُا الزَّكٰاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ** ﴾ إِذا

رَأَیتَ هَذَا الرَّجُلَ مِنَّا فَاتَّبِعهُ فَإِنَّهُ هُوَ صَاحِبُهُ.

ابو خلیفه گفت: من و ابو عبیده حذّاء خدمت امام محمّد باقر ؑ رسیدیم. ایشان فرمود: ای کنیز! بالش بیاور. عرض کردم: نه؛ می‌نشینم. فرمود: ای ابو خلیفه! احترام را رد مکن که تنها حمار احترام را رد می‌کند! عرض کردم: صاحب این امر چگونه بر ما پدید می‌آید تا او را بشناسیم؟ فرمود: کلام خداوند متعال: «کسانی‌که اگر در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به کار نیک امر می‌کنند و از کار بد باز می‌دارند». چون چنین مردی را از ما دیدی، او را پیروی کن که او صاحب امر است.

۲۴۶. عَن زَیدِ بنِ عَلِیٍّ قَالَ: إِذَا قَامَ القَائِمُ مِن آلِ مُحَمَّدٍ یَقُولُ: یَا أَیُّهَا النَّاسُ نَحنُ الَّذِینَ وَعَدَکُمُ اللهُ فِی کِتَابِهِ: ﴿**الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوُا الزَّكَاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ**﴾.

زیدبن علی گفت: هنگامی که قائم آل محمّد ؑ قیام کند، می‌فرماید: ای مردم! ما همان کسانی هستیم که خداوند در کتابش به شما وعده داد: «کسانی که اگر در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به کار نیک امر می‌کنند و از کار بد باز می‌دارند. سرانجام کارها از آنِ خداست.»

(سورهٔ حج، آیهٔ ۴۵)

﴿وَ بِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ وَ قَصْرٍ مَشِيدٍ﴾

و [چه بسیار] چاه‌های رها شده و کاخ‌های بلند گچ‌کاری شده [که بی‌صاحب مانده است].

۲۴۷. قَالَ: حَدَّثَنَا فُرَاتُ مُعَنعَنًا: عَن أَبِی عَبدِ اللهِ جَعفَرِبنِ مُحَمَّدٍ ؑ فِی قَولِ اللهِ: ﴿**وَ بِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ وَ قَصْرٍ مَشِيدٍ**﴾ قَالَ: رَسُولُ اللهِ ﷺ القَصرُ، وَ البِئرُ المُعَطَّلَةِ عَلِیُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ ؑ.

فرات روایت کرده است: امام جعفر صادق علیه السلام دربارهٔ این آیه فرمود: رسول‌خدا صلی الله علیه و آله کاخ‌های بلند گچ‌کاری شده و علی بن ابی‌طالب علیه السلام چاه رها شده است.

(سورهٔ حج، آیهٔ ۷۳)

﴿ يٰا أَيُّهَا النّٰاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاسْتَمِعُوا لَهُ ﴾

ای مردم! مثلی زده شده به آن گوش فرادهید.

۲۴۸. قالَ: حَدَّثَنِی عَلِیُّ بنُ مُحَمَّدِبنِ عمرَ الزُّهرِیُّ مُعَنعَنًا: عَن أَبِی‌عَبدِ اللهِ علیه السلام فِی قَولِهِ: ﴿ يٰا أَيُّهَا النّٰاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاسْتَمِعُوا لَهُ ﴾ قالَ: عَلِیُّ‌بنُ أَبِی‌طالِبٍ علیه السلام ﴿ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبٰابًا ﴾.

علی بن محمّد بن زهری روایت کرده است: امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: «ای مردم! مثلی زده شده به آن گوش فرادهید» [منظور از مثلی که باید به آن گوش داده شود و اطاعت شود] علی بن ابی‌طالب علیه السلام است. «بی‌گمان کسانی راکه به جای خدا می‌خوانید، هرگز مگسی نمی‌آفرینند.»

(سورهٔ حج، آیهٔ ۷۷ ـ ۷۸)

﴿ يٰا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَ اسْجُدُوا وَ اعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَ افْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ * وَ جٰاهِدُوا فِي اللهِ حَقَّ جِهٰادِهِ هُوَ اجْتَبٰاكُمْ وَ مٰا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمّٰاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَ فِي هٰذٰا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَ تَكُونُوا شُهَدٰاءَ عَلَى النّٰاسِ ﴾

ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید! رکوع کنید و سجده نمایید و پروردگارتان را بپرستید و کار خوب انجام دهید، باشد که رستگار شوید. و در راه خدا

آن‌گونه که سزاوار جهاد است، جهاد کنید. او شما را برگزیده است و در دین هیچ تنگی بر شما قرار نداده است. آیین پدرتان إبرَاهِیم [را پیروی کنید] او پیش از این شما را مسلمان نامیده است و در این [قرآن نیز به این نام نامیده شده‌اید] تا این پیامبر بر شما گواه باشد و شما بر مردم گواه باشید.

۲۴۹. عَن بَرِیدٍ قَالَ کُنتُ عِندَ أَبِی جعفرٍ علیه السلام فَسَأَلتُهُ وَ قُلتُ: قَولِهِ تَعَالی ﴿ **یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا ارْکَعُوا وَ اسْجُدُوا وَ اعْبُدُوا رَبَّکُمْ وَ افْعَلُوا الْخَیْرَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ** ﴾ إِلَی آخِرِ السُّورَةِ. قَالَ: إِیَّانَا عَنَّی وَ نَحنُ المُجتَبُونَ وَلَم یَجعَل عَلَینَا فِی الدِّینِ مِن ضَیقٍ وَ الحَرَجِ أَشَدُّ مِنَ الضِّیقِ ﴿ **مِلَّةَ اَبِیکُم** ﴾ إِیَّانَا عَنَّی خَاصَّةً ﴿ **هُوَ سَمّٰاکُمُ الْمُسْلِمینَ** ﴾ سَمَّانَا المُسلِمینَ ﴿ **مِنْ قَبْلُ** ﴾ فِی الکُتُبِ الَّتِی مَضَت وَ ﴿ **فِی هَذَا** ﴾ القُرآنِ ﴿ **لِیَکُونَ الرَّسُولُ شَهیدًا** ﴾ فَالرَّسُولُ الشَّهِیدُ عَلَینَا وَ نَحنُ الشُّهَدَاءُ عَلَی النَّاسِ، فَمَن صَدَّقَ یَومَ القِیَامَةِ صَدَّقنَاهُ وَ مَن کَذَّبَ کَذَّبنَاهُ یَومَ القِیَامَةِ.

برید گفت: خدمت امام محمّد باقر علیه السلام بودم و از ایشان دربارهٔ این آیه پرسیدم. ایشان فرمود: ما را منظور دارد و ما برگزیده‌شدگانیم و بر ما در دین هیچ تنگی و دشواری قرار نداده که سخت‌تر از تنگی «آیین پدرتان» باشد؛ به طوری خاص ما را منظور دارد؛ «او شما را مسلمان نامیده است» ما را مسلمان نامیده است «پیش از این» در کتاب‌هایی که گذشت و «در این» قرآن «تا این پیامبر بر شما گواه باشد» پیامبر بر ما گواه است و ما بر مردم گواهیم، هر که تصدیق کند، در روز قیامت او را تصدیق می‌کنیم و هر که تکذیب کند، در روز قیامت او را تکذیب می‌کنیم.

وَ مِن سُورَةِ المُؤمِنُون

(سورهٔ مؤمنون، آیهٔ ۵۱)

﴿ يٰا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبٰاتِ ﴾

ای پیامبران! از چیزهای پاکیزه بخورید.

۲۵۰. عَن أَبِی‌مَریَمَ قَالَ: سَمِعتُ أَبانَ‌بنَ تَغلِبَ قَالَ سَأَلتُ جَعفَرَبنَ مُحَمَّدٍ علیه السلام عَن قَولِ اللهِ تَعَالَی: ﴿ يٰا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبٰاتِ ﴾ قَالَ: الرِّزقُ الحَلالِ.

ابی‌مریم گفت: از ابان‌بن تغلب شنیدم که گفت: از امام جعفر صادق علیه السلام دربارهٔ این آیه پرسیدم. ایشان فرمود: منظور رزق حلال است.

(سورهٔ مؤمنون، آیهٔ ۵۷ ـ ۶۱)

﴿ إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ * وَ الَّذِينَ هُمْ بِآيٰاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ * وَ الَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لاٰ يُشْرِكُونَ * وَ الَّذِينَ يُؤْتُونَ مٰا آتَوْا وَ قُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلىٰ رَبِّهِمْ رٰاجِعُونَ * أُولٰئِكَ يُسٰارِعُونَ فِي الْخَيْرٰاتِ وَ هُمْ لَهٰا سٰابِقُونَ ﴾

بی‌تردید آنانی که از ترس پروردگارشان بیمناک‌اند. و آنانی که به

نشانه‌های پروردگارشان ایمان می‌آورند. و آنانی که به پروردگارشان شرک نمی‌ورزند. و آنانی که [از مال و جانشان] آن‌چه را [که پیش از این] می‌دادند، [هم‌اکنون نیز] می‌دهند در حالی‌که دل‌هاشان ترسان است از این‌که آن‌ها به سوی پروردگارشان باز می‌گردند. این‌ها هستند که در خوبی‌ها می‌شتابند و این‌ها هستند که در انجام آن بر یکدیگر پیشی می‌گیرند.

۲۵۱. عَن أَبِی‌الجَارودِ قَالَ: سَأَلتُ أَبَاجَعفرٍ عليه السلام عَن قَولِ اللهِ سُبحَانَه: ﴿ وَ الَّذينَ يُؤْتُونَ ما آتَوْا وَ قُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلىٰ رَبِّهِمْ راجِعُونَ ﴾ يَقُولُ: يُعطُونَ مَا أَعطَوا وَ قُلُوبُهم وَجِلَةٌ ﴿ أُولٰئِكَ يُسارِعُونَ فِي الْخَيْراتِ وَ هُمْ لَها سابِقُونَ ﴾ عَلِيُّ بنُ أَبِی‌طَالِبٍ عليه السلام لَم يَسبِقهُ أَحَدٌ.

ابی جارود گفت: از امام محمّد باقر عليه السلام دربارهٔ کلام خداوند متعال «و آنانی که [از مال و جانشان] آن‌چه را [که پیش از این] می‌دادند، [هم‌اکنون نیز] می‌دهند در حالی‌که دل‌هاشان ترسان است از این‌که آن‌ها به سوی پروردگارشان باز می‌گردند» پرسیدم. ایشان فرمود: در مورد کسانی است که آن‌چه می‌دادند هم‌اکنون نیز می‌دهند در حالی‌که دل‌هاشان ترسان است. «این‌ها هستند که در خوبی‌ها می‌شتابند و این‌ها هستند که در انجام آن بر یکدیگر پیشی می‌گیرند» حضرت علی عليه السلام است که هیچ کس بر او پیشی نگرفته است.

(سورهٔ مؤمنون، آیهٔ ۷۴)

﴿ وَ إِنَّ الَّذينَ لا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّراطِ لَناكِبُونَ ﴾

کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند، از راه [راست] منحرف‌اند.

۲۵۲. قَالَ: حَدَّثَنِی عُبَيدُبنُ كَثِيرٍ عَن عَلِيٍّ عليه السلام فِی قَولِهِ ﴿ وَ إِنَّ الَّذينَ لا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّراطِ لَناكِبُونَ ﴾ قَالَ: عَن وَلَايَتِهِ.

عبیدبن کثیر گفت: حضرت علی عليه السلام فرمود: کسانی که از ولایت او منحرف‌اند.

(سورهٔ مؤمنون، آیهٔ ۹۳ ـ ۹۵)

﴿ قُلْ رَبِّ إِمّٰا تُرِيَنِّي مٰا يُوعَدُونَ * رَبِّ فَلاٰ تَجْعَلْنِي فِي الْقَوْمِ الظّٰالِمِينَ * وَ إِنّٰا عَلىٰ أَنْ نُرِيَكَ مٰا نَعِدُهُمْ لَقٰادِرُونَ ﴾

بگو: پروردگارا! اگر آن‌چه را [که از عذاب] به آنان وعده داده می‌شود به من بنمایی. پروردگارا! پس مرا در میان آن گروه ستمکار قرار مده. و بی‌تردید ما توانا ییم بر این‌که آن‌چه را به آنان وعده می‌دهیم به تو بنماییم.

۲۵۳. عَن جَابِرِبنِ عَبدِ اللهِ قَالَ: أَخبَرَ جَبرَئِيلُ عليه السلام النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله أَنَّ أُمَّتَكَ سَيَختَلِفُونَ مِن بَعدِكَ فَأَوحَى اللهُ تَعَالَى إِلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله: **﴿ قُلْ رَبِّ إِمّٰا تُرِيَنِّي مٰا يُوعَدُونَ * رَبِّ فَلاٰ تَجْعَلْنِي فِي الْقَوْمِ الظّٰالِمِينَ ﴾** قَالَ: أَصحَابُ الجَمَلِ فَقَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله فَأَنزَلَ اللهُ عَلَيهِ: **﴿ وَ إِنّٰا عَلىٰ أَنْ نُرِيَكَ مٰا نَعِدُهُمْ لَقٰادِرُونَ ﴾** فَلَمَّا نَزَلَت هَذِهِ الآيَةُ جَعَلَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله لَا يَشُكُّ أَنَّه سَيُرَى ذَلِكَ.

قَالَ جَابِرُ: بَينَما أَنَا جَالِسُ إِلَى جَنبِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله وَ هُوَ بِمِنًى يَخطُبُ النَّاسَ فَحَمِدَ اللهَ تَعَالَى وَ أَثنَى عَلَيهِ ثُمَّ قَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ أَلَيسَ قَدبَلَّغتُكُم؟ قَالُوا: بَلَى. قَالَ: أَلا لَا أَلفِيَنَّكُم تَرجِعُونَ بَعدِى كُفَّارًا يَضرِبُ بَعضُكُم رِقَابَ بَعضٍ، أَمَا لَئِن فَعَلتُم ذَلِكَ لَتَعرِفُنِّى فِى كَتِيبَةٍ أَضرِبُ وُجُوهَكُم فِيهَا بِالسَّيفِ. فَكَأَنَّهُ غُمِزَ مِن خَلفِهِ فَالتَفَّت ثُمَّ أَقبَلَ عَلَينَا فَقَالَ: أَو عَلِيُّ بنُ أَبى طَالِبٍ عليه السلام فَانزَلَ اللهُ عَلَيهِ **﴿ فَإِمّٰا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَإِنّٰا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ * أَوْ نُرِيَنَّكَ الَّذِي وَعَدْنٰاهُمْ فَإِنّٰا عَلَيْهِمْ مُقْتَدِرُونَ[1] ﴾** وَ هِىَ وَقعَةُ الجَمَلِ.

جابر بن عبد الله گفت: جبرئیل به پیامبر صلى الله عليه وآله خبر داد که امت تو پس از تو اختلاف خواهند کرد. خداوند به او وحی کرد: «بگو: پروردگارا! اگر آن‌چه را [که از عذاب] به آنان وعده داده می‌شود به من بنمایی. پروردگارا! پس مرا در میان آن گروه ستمکار قرار مده.» یعنی اصحاب جمل. پیامبر این بگفت و خداوند نازل کرد: «و بی‌تردید ما توانا ییم بر این‌که آن‌چه را به آنان وعده

---

۱. زخرف، ۴۲-۴۱

می‌دهیم به تو بنماییم.» چون این آیه نازل شد، پیامبر شک نداشت که به زودی آن را خواهد دید. جابر گفت: در آن هنگام که در منا در کنار پیامبر نشسته بودم و ایشان برای مردم خطبه می‌خواند، خدا را حمد و ثنا گفت و فرمود: ای مردم! آیا من به شما ابلاغ نکردم؟ عرض کردند: آری. فرمود: شما را چنین نیابم که پس از من به کفر برگردید و یکدیگر را گردن بزنید! آگاه باشید که اگر چنین کنید، مرا در لشکری خواهید دید که صورت‌های شما را با شمشیر می‌زنم. در آن دم گویی از پشت به ایشان اشاره شد؛ ایشان روی برگرداند و سپس رو سوی ما کرد و فرمود: و یا علی بن ابی‌طالب ﷺ را چنین خواهید دید. آن‌گاه خداوند بر ایشان نازل فرمود: «پس اگر تو را [از میان آنان] ببریم، مسلماً ما از آنان انتقام می‌گیریم. یا آن‌چه را به آنان [از عذاب] وعده داده‌ایم، به تو نشان می‌دهیم به راستی ما بر آنان تواناییم.» و در جنگ جمل چنین شد.

وَ مِن سُورَةِ النُّورِ

(سورهٔ نور، آیهٔ ۳۵ ـ ۳۶)

﴿ اللهُ نُورُ السَّماواتِ وَ الأَرضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكاةٍ فيها مِصْباحٌ الْمِصْباحُ في زُجاجَةٍ الزُّجاجَةُ كَأَنَّها كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لا شَرْقِيَّةٍ وَ لا غَرْبِيَّةٍ يَكادُ زَيْتُها يُضيءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ نُورٌ عَلىٰ نُورٍ يَهْدِي اللهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشاءُ وَ يَضْرِبُ اللهُ الأَمْثالَ لِلنّاسِ وَ اللهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَليمٌ * في بُيُوتٍ أَذِنَ اللهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذْكَرَ فيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فيها بِالْغُدُوِّ وَ الْآصالِ ﴾

خداوند نور آسمان‌ها و زمین است. مثل نور او همچون چراغدانی است که در آن چراغی باشد، و آن چراغ در شیشه‌ای است، آن شیشه همچون ستاره‌ای درخشان است که از درخت با برکت زیتونی که نه شرقی است و نه غربی افروخته می‌شود. نزدیک است روغنش [از درخشندگی] ـ هرچند آتشی بدان نرسیده است ـ روشنی بخشد، نوری است بر روی نور دیگر، خداوند هرکه را بخواهد به نورش هدایت می‌کند. و خدا برای مردم این مثل‌ها را می‌زند، و خداوند به هر چیزی داناست. [آن چراغ] در خانه‌هایی است که خداوند اجازه داده [قدر و منزلت آن‌ها] رفعت یابند و نامش در آن‌ها یاد شود، در آن خانه‌ها بامدادان و شامگاهان او را تسبیح گویند.

۲۵۴. عَن جَابِرٍ قَالَ أَبُوجعفرٍ بَلَّغَنَا وَاللهِ إِعلم أَنَّ قَولَ اللهِ تَعَالَى: ﴿ **اللهُ نُورُ السَّماٰواٰتِ وَ الأَرضِ مَثَلُ نُورِهِ** ﴾ فَهُوَ نُورُ مُحَمَّدٍ ﷺ ﴿ **كَمِشْكاٰةٍ** ﴾: المِشكَوةُ هُوَ صَدرُ نَبِيِّ اللهِ ﴿ **فِيهاٰ مِصْباٰحٌ** ﴾ وَ هُوَ العِلمُ ﴿ **الْمِصْباٰحُ فِي زُجاٰجَةٍ** ﴾ فَزَعِمَ أَنَّ الزُّجَاجَةَ أَمِيرُالمُؤمِنِينَ وَ عِلمُ رَسُولِ اللهِ ﷺ عِندَهُ، وَ أَمَّا قَولُهُ: ﴿ **كَأَنَّهاٰ كَوْكَبٌ دُرِّيٌ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُباٰرَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لاٰ شَرْقِيَّةٍ وَ لاٰ غَرْبِيَّةٍ** ﴾ قَالَ: لَا يَهُودِيَّةٍ وَ لَا نَصرَانِيَّةٍ ﴿ **يَكاٰدُ زَيْتُهاٰ يُضِيءُ** ﴾ قَالَ: يَكَادُ ذَلِكَ العِلمُ أَن يَتَكَلَّمَ فِيكَ قَبلَ أَن يَنطِقَ بِهِ الرَّجُلُ ﴿ **وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ ناٰرٌ نُورٌ عَلىٰ نُورٍ** ﴾ وَ زَعِمَ أَنَّ قَولَهُ: ﴿ **فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ** ﴾ هِيَ بُيُوتُ الأَنبِياءِ وَ بَيتُ عَلِيٍّ ﷺ مِنهَا.

جابر گفت: امام محمّد باقر ﷺ دربارهٔ کلام خداوند متعال چنین فرمود: «خداوند نور آسمان‌ها و زمین است مثل نور او» آن، نور حضرت محمّد ﷺ است «همچون چراغدانی است» چراغدان، سینهٔ پیامبر خداست «که در آن چراغی باشد» و آن، علم است «آن چراغ در شیشه‌ای است» آن شیشه، امیرمؤمنان ﷺ است و علم رسول خدا ﷺ نزد اوست. و اما کلام حق تعالی «آن شیشه همچون ستاره‌ای درخشان است که او درخت بابرکت زیتونی که نه شرقی است و نه غربی افروخته می‌شود» یعنی نه یهودی و نه نصرانی «نزدیک است روغنش روشنی بخشد» نزدیک است آن علم پیش از آن‌که کسی به آن زبان گشاید، دربارهٔ تو سخن بگوید «هر چند آتشی بدان نرسیده است، نوری است بر روی نور دیگر» و کلام حق تعالی «در خانه‌هایی است که خداوند اجازه داده [قدر و منزلت آن‌ها] رفعت یابند و نامش در آن‌ها یاد شود» منظور، خانه‌های پیامبران است و خانهٔ علی ﷺ از جمله آن‌هاست.

۲۵۵. قَالَ: حَدَّثَنِي جعفَرُبنُ مُحَمَّدِ الفَزَارِيُّ مُعنعَنًا: عَن أَبِي‌عَبدِ اللهِ ﷺ فِي قَولِهِ: ﴿ **اللهُ نُورُ السَّماٰواٰتِ وَ الأَرضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكاٰةٍ فِيهاٰ مِصْباٰحٌ** ﴾ الحَسَنُ مِصبَاحٌ ﴿ **الْمِصْباٰحُ** ﴾ وَ الحُسَينُ فِي زُجَاجَةٍ ﴿ **الزُّجاٰجَةُ كَأَنَّهاٰ كَوْكَبٌ دُرِّيٌ** ﴾ فَاطِمَةُ كَوكَبٌ دُرِّيٌّ مِن بَينِ نِسَاءِ

العَالَمِينَ ﴿ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ ﴾ إبرَاهِيمَ ﴿ لاٰ شَرْقِيَّةٍ وَ لاٰ غَرْبِيَّةٍ ﴾ يَعنِى لَا يَهُودِيَةً وَ لاَ نَصرَانِيةً ﴿ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ ﴾ يَكَادُ العِلمُ يَنبَعُ مِنهَا.

جعفر بن محمّد فزاری روایت کرده است: امام جعفر صادق ﷺ دربارهٔ کلام خداوند متعال فرمود: «خدا نور آسمان‌ها و زمین است مثل نور او همچون چراغدانی است که در آن چراغی باشد» امام حسن ﷺ چراغ است: «آن چراغ»، و امام حسین ﷺ همچون شیشه‌ای که «آن شیشه همچون ستاره‌ای درخشان است» فاطمه ﷺ ستاره درخشانی در بین تمام زنان دو عالم است «که از درخت بابرکت زیتون افروخته می‌شود» یعنی از حضرت ابراهیم ﷺ «نه شرقی است نه غربی» یعنی نه یهودی و نه نصرانی است. «نزدیک است روغنش، روشنی بخشد» نزدیک است علم از آن‌ها سرازیر گردد.

۲۵۶. عَنِ الحُسَينِ بنِ عَبدِ اللهِ بنِ جُندَبٍ قَالَ: خَرَجَ إِلَينَا صَحِيفَةٌ فَذَكَرَ أَنَّ أَبَاهُ كَتَبَ إِلَى أَبِى الحَسَنِ ﷺ جُعِلتُ فِدَاكَ إِنِّى قَد كَبِرتُ وَ ضَعُفتُ وَ عَجَزتُ عَن كَثِيرٍ مِمَّا كُنتُ أَقوَى عَلَيهِ فَأُحِبُّ جُعِلتُ فِدَاكَ أَن تُعَلِّمَنِى كَلامًا يُقَرِّبُنِى مِن رَبِّى وَ يَزِيدُنِى فَهمًا وَ عِلمًا.

فَكَتَبَ إِلَيهِ قَد بَعَثتُ إِلَيكَ بِكِتَابٍ فَاقرَاهُ وَ تَفَهَمُهُ فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءٌ لِمَن أَرَادَ اللهُ شِفَاهُ وَ هُدًى لِمَن أَرَادَ اللهُ هُدَاهُ فَأَكثِر مِن ذِكرِ بِسمِ اللهِ الرَّحمَنِ الرَّحِيمِ لَا حَولَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظِيمِ وَ اقرَأهَا عَلَى صَفوَانَ وَ آدَمَ.

قَالَ عَلِيُّ بنُ الحُسَينِ ﷺ إِنَّ مُحَمَّدًا ﷺ كَانَ أَمِينَ اللهِ فِى أَرضِهِ فَلَمَّا قُبِضَ مُحَمَّدٌ ﷺ كُنَّا أَهلَ البَيتِ أُمَنَاءَ اللهِ فِى أَرضِهِ، عِندَنَا عِلمُ البَلَايَا وَ المَنَايَا وَ أَنسَابُ العَرَبِ وَ مُولِدُ الإِسلَامِ، وَ إِنَّا لَنَعرِفُ الرَّجُلَ إِذَا رَأَينَاهُ بِحَقِيقَةِ الإِيمَانِ وَ بِحَقِيقَةِ النِّفَاقِ، وَ إِنَّ شِيعَتَنَا لَمَكتُوبُونَ بِأَسمَائِهِم وَ أَسمَاءِ آبَائِهِم، أَخَذَ اللهُ المِيثَاقَ عَلَينَا يَرِدُونَ مَوَارِدَنَا وَ يَدخُلُونَ مَدَاخِلَنَا، لَيسَ عَلَى مِلَّةِ إِبرَاهِيمَ خَلِيلِ الرَّحمَانِ غَيرُنَا وَ غَيرُهُم.

نامه‌ای را بیرون آورد و چنین گفت که پدرش به امام موسی کاظم ﷺ نوشته: فدایت شوم من پیر و ضعیف شده‌ام و در برابر آنچه روزی بر آن توانا بوده‌ام،

حال ناتوان شده‌ام. دوست می‌دارم فدایت شوم چیزی مرا بیاموزی تا به پروردگارم نزدیکم سازد و بر فهم و علمم بیفزاید. ایشان به وی چنین نوشت که نگاشته‌ای برایت فرستادم، آن را بخوان و فهم کن که در آن شفایی است برای هر که خداوند شفایش را بخواهد و هدایتی است برای هر که خداوند هدایتش را بخواهد. ذکر بسم الله الرّحمن الرّحیم لا حول و لا قوّة إلّا بالله العلی العظیم را بسیار بگو و آن را بر هر جاندار و بی جان بخوان. امام سجاد عليه السلام فرمود: حضرت محمّد صلى الله عليه وآله امین خدا در زمین او بود. چون ایشان درگذشت، ما اهل بیت امنای خدا در زمینش بوده‌ایم و علم بلاها و مرگ‌ها و نسب‌های عرب و زادگاه اسلام نزد ماست. ما چون کسی را ببینیم، حقیقت ایمان یا حقیقت نفاقش را می‌شناسیم و نام‌های شیعیان ما و نام‌های پدرانشان پیش‌پیش نوشته شده است. خداوند از آنان دربارهٔ ما پیمان گرفته است و آنان از جایگاه‌های ورود ما وارد می‌شوند و به جایگاه‌های دخول ما داخل می‌شوند و جز ما و ایشان کسی بر آیین ابراهیم خلیل نیست.

إِنّا یومَ القِیامَةِ آخِذِینَ بِحُجزَةِ نَبِیِّنا وَ نَبِیِّنا آخِذُ بِحُجزَةِ رَبِّهِ وَ إِنَّ الحُجزَةَ النُّورُ، وَ شِیعَتُنا آخِذِینَ بِحُجزَتِنا، مَن فَارَقَنا هَلَكَ وَ مَن تَبِعَنا نَجا، وَ الجاحِدُ لِوَلایَتِنا کَافِرٌ، وَ شِیعَتُنا وَ تابِعُ وَلایَتِنا مُؤمِنٌ، لَا یُحِبُّنا کَافِرٌ وَ لا یُبغِضُنا مُؤمِنٌ، مَن مَاتَ وَ هُوَ مُحِبُّنا کَانَ حَقًّا عَلَی اللهِ أَن یَبعَثَهُ مَعَنا، نَحنُ نُورٌ لِمَن تَبِعَنا، وَ نُورٌ لِمَنِ اقتَدَی بِنا، مَن رَغِبَ عَنّا لَیسَ مِنّا وَ مَن لَم یَکُن مِنّا فَلَیسَ مِنَ الإِسلَامِ فِی شَیءٍ.

ما در روز قیامت دامان پیامبرمان را می‌گیریم و پیامبرمان دامان پروردگارش را می‌گیرد که این دامان، نور است و شیعیان ما دامان ما را می‌گیرند؛ هر که از ما جدا شود، به هلاکت درافتد و هر که همراه ما شود، نجات یابد، آن‌که ولایت ما را انکار کند، کافر است و هر که شیعهٔ ما و پیرو ولایت ما باشد، مؤمن است. هیچ کافری ما را دوست نمی‌دارد و هیچ مؤمنی با ما دشمنی نمی‌کند، هر که

جان دهد در حالی که دوستدار ماست، بر خداوند است که او را همراه ما برانگیزد؛ ما نوری هستیم برای هر که ما را پیروی کند و نوری هستیم برای هر که به ما اقتدا کند، هر که از ما روی گرداند، از ما نیست و هر که از ما نباشد، از اسلام بهره‌ای نبرده است.

بِنَا فَتَحَ اللهُ وَ بِنَا يَختِمُهُ وَ بِنَا أَطعَمَكُمُ اللهُ عُشبَ الأَرضِ ، وَ بِنَا أَنزَلَ اللهُ عَلَيكُم قَطرَ السَّمَاءِ ، وَ بِنَا آمَنَكُمُ اللهُ مِنَ الغَرقِ فِى بَحرِكُم وَ مِنَ الخَسفِ فِى بَرِّكُم ، وَ بِنَا نَفَعَكُمُ اللهُ فِى حَيَاتِكُم وَ فِى قُبُورِكُم ، وَ فِى مَحشَرِكُم وَ عِندَ الصِّرَاطِ وَ عِندَ المِيزَانِ وَ عِندَ دُخُولِكُمُ الجِنَانَ.

إِنَّ مَثَلَنَا فِى كِتَابِ اللهِ كَمَثَلِ المِشكَوةِ وَ المِشكَوةُ فِى القَندِيلِ فَنَحنُ المِشكَوةُ ﴿ **فِيهَا مِصْبَاحٌ** ﴾ وَ المِصبَاحُ هُوَ مُحَمَّدُ ﷺ عَلَى ﴿ **الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ** ﴾ نَحنُ الزُّجَاجَةُ ﴿ **الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَ لَا غَرْبِيَّةٍ** ﴾ لَا مُنكَرَةٍ وَ لَا دَعِيَّةٍ ﴿ **يَكَادُ زَيْتُهَا** ﴾ نُورُهَا ﴿ **يُضِيءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ** ﴾ ، نُورُ الفُرقَانُ ﴿ **نُورٌ عَلَىٰ نُورٍ يَهْدِي اللهُ لِنُورِهِ** ﴾ لِوَلَايَتِنَا ﴿ **مَنْ يَشَاءُ وَ يَضْرِبُ اللهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَ اللهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ** ﴾ عَلى أَن يَهدِىَ مَن أَحَبَّ لِوَلَايَتِنَا ، حَقًّا عَلَى اللهِ أَن يَبعَثَ وَلِيَّنَا مُشرِقًا وَجهُهُ نَيِّرًا بُرهَانُهُ عَظِيمًا عِندَاللهِ حُجَّتُهُ ، يَجِيءُ عَدُوُّنَا يَومَ القِيَامَةِ مُسوَدًّا وَجهُهُ مُدحَضَةً عِندَاللهِ حُجَّتُهُ ، حَقًّا عَلَى اللهِ أَن يَجعَلَ وَلِيَّنَا رَفِيقَ ﴿ **النبيين و الصديقين و الشهداء و الصالحين و حسن اولئك رفيقًا** ﴾ (النور، ۳۶-۳۵) ، وَ حَقٌّ عَلَى اللهِ أَن يَجعَلَ عَدُوَّنَا رَفِيقًا لِلشَّيَاطِينِ وَ الكَافِرِينَ وَ بِئسَ أُولَئِكَ رَفِيقًا.

خداوند به خاطر ما آغاز کرد و به خاطر ما پایان می‌دهد و به خاطر ما شما از سبزیجات زمین بهره‌مند شدید و به خاطر ما از آسمان باران فرستاد و به خاطر ما شما را از غرق شدن در دریا و از فرورفتن در خشکی نگاه داشت. خداوند به وسیلهٔ ما در زندگی‌تان و در گورهاتان و در محشرتان و به هنگام صراط و به هنگام میزان و به هنگام درآمدن به بهشت شما را نفع می‌رساند. مثل ما در کتاب

خدا مثل چراغدان است و آن چراغدان در قندیل است و ما آن چراغدان هستیم «که در آن چراغی باشد» و آن چراغ حضرت محمّد ﷺ است «و آن چراغ در شیشه‌ای است» ما آن شیشه هستیم «آن شیشه همچون ستاره‌ای درخشان است که از درخت با برکت زیتونی که نه شرقی است و نه غربی افروخته می‌شود» نه ناپسند است و نه تاریک «نزدیک است روغنش» یعنی نورش «هر چند آتشی بدان نرسیده است، روشنی بخشد»؛ نور، فرقان است «نوری است بر روی نور دیگر، خداوند به نورش هدایت می‌کند» به ولایت ما «هر که را بخواهد، و خدا برای مردم این مثل‌ها را می‌زند و خداوند به هر چیزی داناست» که هر که را دوست می‌داشت، به ولایت ما هدایت کند؛ بر خداوند است که دوست ما را چونان برانگیزد که چهره‌اش تابناک است و برهانش آشکار است و حجتش نزد خداوند والاست، حال آن‌که دشمن ما در روز قیامت چونان می‌آید که چهره‌اش سیاه است و حجتش نزد خداوند مردود است؛ بر خداوند است که دوست ما را رفیق «پیامبران و صدیقان و شهیدان و نیکوکاران که ایشان چه خوب رفیقانی هستند» قرار دهد.

لِشَهِيدِنَا فَضلُ عَلَى الشُّهَدَاءِ بِعَشرِ دَرَجَاتٍ وَ لِشَهِيدِ شِيعَتِنَا عَلَى شَهِيدِ غَيرِنَا سَبعُ دَرَجَاتٍ.

نَحنُ النُّجَبَاءُ وَ نَحنُ أَبنَاءُ الأَوصِيَاءِ وَ نَحنُ أَولَى النَّاسِ بِاللهِ وَ نَحنُ المَخصُوصُونَ فِي كِتَابِ اللهِ وَ نَحنُ أَولَى النَّاسِ بِدِينِ اللهِ، وَ نَحنُ الَّذِينَ شَرَعَ اللهُ لَنَا دِينَهُ فَقَالَ اللهُ: ﴿ **شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مٰا وَصّٰى بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أَوْحَيْنٰا إِلَيْكَ** ﴾ يَا مُحَمَّدُ ﴿ **وَ مٰا وَصَّى بِهِ إِبرَاهِيمَ وَ إِسمَاعِيلَ وَ إِسحَاقَ وَ يَعقُوبَ** ﴾، فَقَد عَلَّمَنَا وَ بَلَّغَنَا مَا عَلِمنَا وَ استَودَعَنَا عِلمَهُم.

نَحنُ وَرَثَةُ الأَنبِيَاءِ وَ نَحنُ ذُرِّيَّةُ أُولِي العِلمِ ﴿ **أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ** ﴾ بِآلِ مُحَمَّدٍ ﴿ **وَ لاٰ تَتَفَرَّقُوا فِيهِ** ﴾ وَ كُونُوا عَلَى جَمَاعَتِكُم ﴿ **كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ** ﴾ مَن أَشرَكَ بِوَلَايَةِ عَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام ﴿ **مٰا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ** ﴾ مِن وَلَايَةِ عَلِيٍّ، إِنَّ ﴿ **اللهُ** ﴾ يَا مُحَمَّدُ ﴿ **يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ**

يَشاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنيبُ[1] ﴾ قَالَ مَن يُجِيبُكَ إِلَى وَلَايَةِ عَلِيِّ بنِ أَبِي طالِبٍ عليه السلام.

شهید ما بر دیگر شهیدان ده درجه برتری دارد و شهید شیعه ما بر شهیدان غیر ما هفت درجه برتری دارد، ما برگزیدگانیم و ما پسران اوصیاییم و ما سزاوارترین مردم در نزدیکی به خداییم و ماییم که در کتاب خدا مخصوصیم و ما سزاوارترین مردم به دین خداییم و ما آن کسانی هستیم که خداوند دینش را برای ما وضع کرد؛ خداوند متعال فرمود: «برای شما از دین آن چیزی را وضع کرد که به نوح سفارش آن را کرده بود و آن‌چه به تو وحی کردیم» ای محمّد «و آن‌چه ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب را به آن سفارش کرد» پس آن‌چه را ما می‌دانیم، به ما آموخت و ابلاغ کرد و علم آنان را نزد ما به ودیعه نهاد. ما وارثان پیامبران و فرزندان دارندگان علم هستیم، «دین را برپا دارید» با خاندان محمّد صلی الله علیه و آله «و در آن پراکنده نشوید» و بر جمعیت خویش برجا بمانید، «بر مشرکان دشوار است» آنان که به ولایت علی بن ابی طالب عليه السلام شرک می‌ورزند، به «آن‌چه تو آنان را به آن فرا می‌خوانی» یعنی ولایت علی بن ابی طالب عليه السلام شرک ورزیده‌اند، «خداوند» ای محمّد «هر که را بخواهد به سویش برمی‌گزیند و هر که را توبه کند، به سویش هدایت می‌کند» هر که در رهسپاری سوی ولایت علی بن ابی طالب عليه السلام تو را اجابت کند.

۲۵۷. **عَن فُضَيلِ بنِ الزُّبَيرِ قَالَ: سَأَلتُ زِيدَبنَ عَلِيٍّ عَن هَذِهِ الآيَةِ: ﴿ فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذْكَرَ ﴾ إِلَى آخِرِهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله: هِيَ بُيُوتُ الأَنبِيَاءِ، فَقَالَ أَبُوبَكرٍ: هَذَا مِنهَا ـ يَعنِي بَيتَ عَلِيِّ بنِ أَبِي طالِبٍ؟ فَقَالَ لَه النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله: هَذَا مِن أَفضَلِهَا.**

فضیل بن زبیر گفت: از زیدبن علی دربارهٔ این آیه پرسیدم: «در خانه‌هایی که خداوند اجازه داده است تا رفعت یابند و نامش در آن‌ها یاد شود.» گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آن خانه‌های انبیاست. در آن دم ابوبکر عرض کرد:

---

۱. شوری، ۱۳.

این نیز از آن‌هاست ـ یعنی خانه حضرت علی علیه السلام؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: این از برترین آن‌هاست.

(سورهٔ نور، آیهٔ ۴۰)

﴿ وَ مَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللّٰهُ لَهُ نُورًا فَمٰا لَهُ مِنْ نُورٍ ﴾

و هرکس خدا برای او نوری قرار نداده باشد، هیچ نوری ندارد.

۲۵۸. عَن أَبِی‌هُرَیرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: أَتَانِی جَبرَئِیلُ علیه السلام فَقَالَ: أُبَشِّرُكَ یَا مُحَمَّدُ بِمَا تَجُوزُ عَلَی الصِّرَاطِ قَالَ: قُلتُ: بَلَی قَالَ: تَجُوزُ بِنُورِ اللهِ، وَ يَجُوزُ عَلِيٌّ بِنُورِكَ، وَ نُورُكَ مِن نُورِ اللهِ، وَ تَجُوزُ أُمَّتُكَ بِنُورِ عَلِيٍّ، وَ نُورِ عَلِيٍّ مِن نُورِكَ **﴿ وَ مَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللّٰهُ لَهُ ﴾** مَعَ عَلِيٍّ **﴿ نُورًا فَمٰا لَهُ مِنْ نُورٍ ﴾**.

ابوهریره گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل نزد من آمد و گفت: ای محمّد! تو را به آن‌چه که به آن از صراط می‌گذری بشارت دهم؟ گفتم: بله. گفت: تو با نور خداوند می‌گذری و علی علیه السلام با نور تو می‌گذرد و حال آن‌که نور تو از نور خداست و امت تو با نور علی علیه السلام می‌گذرند و حال آن‌که نور علی علیه السلام از نور توست «و هر کس خدا برای او نوری قرار نداده باشد» [یعنی] با همراهی علی علیه السلام «هیچ نوری ندارد».

(سورهٔ نور، آیهٔ ۵۲ و ۵۵)

﴿ وَ مَنْ يُطِعِ اللّٰهَ وَ رَسُولَهُ وَ يَخْشَ اللّٰهَ وَ يَتَّقْهِ فَأُولٰئِكَ هُمُ الْفٰائِزُونَ * وَعَدَ اللّٰهُ الَّذينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصّٰالِحٰاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دينَهُمُ الَّذِي ارْتَضىٰ لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَني لاٰ يُشْرِكُونَ بي شَيْئًا ﴾

و هرکس خدا و پیامبرش را اطاعت کند و از خدا بترسد و از او پروا کند، اینان همان کامیاباناند. خداوند به کسانی از شما که ایمان آوردهاند و کارهای نیک انجام دادهاند وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین گرداند، همانگونه که کسانی را که پیش از آنها بودند، جانشین گردانید و آن دینی را که برایشان پسندیده است برای آنان استوار سازد و قطعاً ترسشان را به ایمنی تبدیل کند. مرا میپرستند و هیچ چیزی را با من شریک نمیگیرند.

۲۵۹. **عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ فِی قَولِ اللهِ تَعالَی: ﴿ وَ مَنْ يُطِعِ اللهَ وَ رَسُولَهُ وَ يَخْشَ اللهَ ﴾ فِيمَا سَلَفَ مِن ذُنُوبِهِ[1] ﴿ وَ يَتَّقْهِ ﴾ فِيمَا بَقِيَ ﴿ فَأُولٰئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ ﴾ بِالجَنَّةِ أُنزِلَت فِی عَلِیِّ بنِ أَبِی طالِبٍ علیه‌السلام.**

ابن عباس دربارهٔ کلام خداوند متعال گفت: «و هر کس خدا و پیامبرش را اطاعت کند و از خدا بترسد» به خاطر گناهانی که از او سر زده است «و از او پروا کند» در باقی مانده عمرش «اینان همان کامیاباناند» که به بهشت کامیاب میشوند؛ این آیه درباره علی بن ابی طالب علیه‌السلام نازل شده است.

۲۶۰. **عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ فِی قَولِهِ: ﴿ وَعَدَ اللهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الأَرْضِ ﴾ إِلَی آخِرِ الآيَةِ قَالَ: نَزَلَت فِی آلِ مُحَمَّدٍ علیهم‌السلام.**

ابن عباس گفت: این آیه دربارهٔ خاندان حضرت محمّد علیهم‌السلام نازل شده است.

۲۶۱. **عَنِ القَاسِمِ بنِ عَوفٍ قَالَ: سَمِعتُ عَبدَ اللهِ بنِ مُحَمَّدٍ يَقُولُ: ﴿ وَعَدَ اللهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ﴾ إِلَی آخِرِ الآيَةِ قَالَ: هِیَ لَنَا أَهلَ البَيتِ.**

قاسم بن عوف گفت: از امام جعفر صادق علیه‌السلام شنیدم که دربارهٔ آیه «خداوند به کسانی از شما که ایمان آوردهاند و کارهای نیک انجام دادهاند وعده داده است» تا آخر آیه، فرمود: این آیه برای ما اهل بیت است.

---

۱. «به خاطر گناهانی که از او سر زده است» مربوط به دوستداران علی علیه‌السلام است و امیرمؤمنان علیه‌السلام دارای مقام عصمت هستند.

(سورهٔ نور، آیهٔ ۶۳)

﴿ فَلْيَحْذَرِ الَّذينَ يُخالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصيبَهُمْ عَذابٌ أَليمٌ ﴾

پس کسانی که از فرمان او سرپیچی می‌کنند باید بترسند که بلایی یا عذابی دردناک به آنان برسد.

۲۶۲. قالَ: حَدَّثَنِی جَعفَرُبنُ مُحَمَّدٍ الفَزارِیُّ مُعَنعَنًا: عَن أَبی جَعفَرٍ ؑ فِی هَذِهِ الآيَةِ مِن قَولِ اللهِ تَعالَى: ﴿ فَلْيَحْذَرِ الَّذينَ يُخالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصيبَهُمْ عَذابٌ أَليمٌ ﴾ قالَ: الفِتنَةُ الكُفّارُ ، قالَ: يا أَباجَعفَرٍ حَدِّثنِی فِيمَن نَزَلَت قالَ: نَزَلَت فِی رَسولِ اللهِ ﷺ وَ جَرَى مِثلُها مِنَ النَّبِیِّ ﷺ فِی الأَوصِياءِ فِی طاعَتِهِم.

جعفربن محمّد فزاری روایت کرده است: امام محمّد باقر ؑ دربارهٔ این آیه فرمود: منظور کافران است. عرض شد: مرا آگاه سازید این آیه دربارهٔ چه کسی نازل شد؟ فرمود: درباره رسول خدا ﷺ نازل شد و همچون پیامبر ﷺ دربارهٔ اوصیا و فرمانبرداری از ایشان جاری است.

وَ مِن سُورَةِ الفُرقَانِ

(سورهٔ فرقان، آیهٔ ۸ ـ ۹)

﴿ وَ قَالَ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلاَّ رَجُلاً مَسْحُورًا * انْظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلاَ يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلاً ﴾

و ستمکاران گفتند: «جز از مردی جادو شده پیروی نمی‌کنید.» بنگر چگونه برای تو مثل‌ها زدند و گمراه شدند؛ پس نمی‌توانند راهی بیابند.

۲۶۳. جَعفَرُبنُ مُحَمَّدٍ الفَزَارِيُّ عَن أَبي‌جَعفَرٍ عليه السلام قَالَ: سَمِعتُهُ يَقُولُ: نَزَلَ جَبرَئِيلُ عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله بِهَذِهِ الآيَةِ هَكَذَا: ﴿ **قَالَ الظَّالِمُونَ** ﴾ آلِ مُحَمَّدٍ حَقَّهُم ﴿ **إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلاَّ رَجُلاً مَسْحُورًا** ﴾ قَالَ اللهُ لِنَبِيِّهِ: ﴿ **انْظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلاَ يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلاً** ﴾ يَعنِي: لَا يَستَطِيعُونَ إِلَى وَلَايَةِ عَلِيٍّ وَ عَلِيٌّ هُوَ السَّبِيلُ.

جعفربن محمّد فزاری گفت: از امام محمّد باقر عليه السلام شنیدم که فرمود: جبرئیل این آیه را چنین بر پیامبر صلى الله عليه و آله نازل کرد: «و ستمکاران» در حق خاندان محمّد عليهم السلام «گفتند: جز از مردی جادوشده پیروی نمی‌کنید.» آن‌گاه خداوند به پیامبرش چنین فرمود: «بنگر چگونه برای تو مثل‌ها زدند و گمراه شدند؛ پس نمی‌توانند راهی بیابند.» یعنی نمی‌توانند راهی به ولایت علی عليه السلام بیابند و راه همان علی عليه السلام است.

(سورهٔ فرقان، آیهٔ ۵۴)

﴿ وَ هُوَ الَّذي خَلَقَ مِنَ الْماءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَ صِهْرًا ﴾

و او کسی است که از آب [نطفه]، انسانی را آفرید و او را [دارای پیوند] نسبی و سببی قرار داد.

۲۶۴. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ فِی قَولِ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿ وَ هُوَ الَّذي خَلَقَ مِنَ الْماءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا ﴾ قالَ: خَلَقَ اللهُ نُطفَةً بَيضاءَ مَكنُونَةً فَجَعَلَها فِی صُلبِ آدَمَ ثُمَّ نَقَلَها مِن صُلبِ آدَمَ إِلَی صُلبِ شَيثٍ وَ مِن صُلبِ شَيثٍ إِلَی صُلبِ أَنُوشَ وَ مِن صُلبِ أَنُوشَ إِلَی صُلبِ فِينَانَ حَتَّی تَوارَثَتها كِرامُ الأَصلابِ فِی مُطَهَّراتِ الأَرحامِ حَتَّی جَعَلَهَا اللهُ فِی صُلبِ عَبدِالمُطَّلِبِ ثُمَّ قَسَمَها نِصفَينِ فَأَلقَی نِصفَها إِلَی صُلبِ عَبدِ اللهِ وَ نِصفَها إِلَی صُلبِ أَبِي طالِبٍ وَ هِيَ سُلالَةٌ فَوُلِدَ مِن عَبدِ اللهِ مُحَمَّدٌ ﷺ وَ مِن أَبِي طالِبٍ علیه السلام عَلِيٌّ علیه السلام فَذَلِكَ قَولُ اللهِ: ﴿ وَ هُوَ الَّذي خَلَقَ مِنَ الْماءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَ صِهْرًا ﴾ زَوَّجَ فاطِمَةَ بِنتَ مُحَمَّدٍ ﷺ فَعَلِيٌّ مِن مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدٌ مِن عَلِيٍّ وَ الحَسَنُ وَ الحُسَينُ وَ فاطِمَةُ علیهم السلام نَسَبٌ وَ عَلِيٌّ الصِّهرُ.

ابن عباس دربارهٔ کلام خداوند عزّوجلّ «و او کسی است که از آب [نطفه] انسانی را آفرید و او را [دارای پیوند] نسبی و سببی قرار داد» گفت: خداوند نطفهٔ سفید پوشیده‌ای آفرید و آن را در پشت آدم قرار داد، سپس از آدم به پشت شیث و از او به پشت انوش و از وی به پشت فینان و این‌چنین به وراثت در پشت مردان پاک و زنان پاکیزه منتقل کرد تا این‌که آن را در پشت عبدالمطلب قرار داد و آن نطفه را به دو نیم کرد و نیمی را در پشت عبد الله و نیمی دیگر را در پشت ابوطالب قرار داد و آن دودمانی بود، این‌گونه از عبد الله، محمّد ﷺ و از ابوطالب، علی علیه السلام متولد گردید و این همان کلام خداوند متعال است: «و او کسی است که از آب [نطفه]، انسانی را آفرید و او را [دارای پیوند] نسبی و سببی قرار داد.» این‌گونه فاطمه علیها السلام با علی علیه السلام ازدواج

کرد. پس علی ﷺ از محمّد ﷺ و محمّد ﷺ از علی ﷺ است و حسن و حسین و فاطمه ﷺ نسب و علی ﷺ سبب است.

(سورهٔ فرقان، آیهٔ ۶۳ ـ ۷۴)

﴿ وَ عِبادُ الرَّحْمٰنِ الَّذينَ يَمْشُونَ عَلَى الأَرضِ هَوْنًا وَ الَّذينَ لا يَدْعُونَ مَعَ اللهِ إِلٰهًا آخَرَ وَ لا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتي حَرَّمَ اللهُ إِلاّ بِالْحَقِّ وَ لا يَزْنُونَ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذٰلِكَ يَلْقَ أَثامًا * يُضاعَفْ لَهُ الْعَذابُ يَوْمَ الْقِيامَةِ وَ يَخْلُدْ فيهِ مُهانًا * إِلاّ مَنْ تابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ عَمَلاً صالِحًا فَأُولٰئِكَ يُبَدِّلُ اللهُ سَيِّئاتِهِمْ حَسَناتٍ وَ كانَ اللهُ غَفُورًا رَحيمًا وَ الَّذينَ يَقُولُونَ رَبَّنا هَبْ لَنا مِنْ أَزْواجِنا وَ ذُرِّيّاتِنا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَ اجْعَلْنا لِلْمُتَّقينَ إِمامًا * أُولٰئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِما صَبَرُوا وَ يُلَقَّوْنَ فيها تَحِيَّةً وَ سَلامًا * خالِدينَ فيها حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَ مُقامًا ﴾

و بندگان [خدای] رحمان کسانی هستند که بر روی زمین با فروتنی راه می‌روند... و کسانی هستند که با خدا معبود دیگری را نمی‌خوانند و نفسی را که خداوند [کشتن آن را] حرام کرده است جز به حق نمی‌کشند و زنا نمی‌کنند، و هر کس این [اعمال] را انجام دهد، کیفر گناهش را خواهد دید. در روز قیامت عذاب برای او دوچندان گردد و با خواری در آن جاودان می‌ماند. مگر آن کسی که توبه کند و ایمان بیاورد و کار نیک انجام دهد. پس اینان کسانی هستند که خداوند بدی‌هایشان را به نیکی‌ها تبدیل می‌کند، و خداوند آمرزندهٔ مهربان است... و آنانی هستند که می‌گویند: «پرودرگارا! به ما از همسران و فرزندانمان [آن‌که مایهٔ] روشنی چشم‌ها[ست] ببخش، و ما را پیشوای پرهیزکاران گردان». آنان‌اند که به سبب صبری که کرده‌اند غرفه[های بهشتی] پاداش یابند، و در آنجا با درود و سلام روبه‌رو شوند. در آنجا جاودان‌اند، نیکو جایگاه و اقامتگاهی است.

۲۶۵. مُحَمَّدُبنُ القَاسِمِبنِ عُبَیدٍ مُعَنعَنًا: عَن أَبِی عَبدِ اللهِ علیه السلام قَولُهُ تَعَالَی: ﴿ **الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا** ﴾ إِلَی قَولِهِ ﴿ **حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَ مُقَامًا** ﴾ قَالَ: هُمُ الأَوصِیاءُ یَمشُونَ عَلَی الأَرضِ هَوناً فَإِذَا قَامَ القَائِمُ عَرَفُوا کُلَّ نَاصِبٍ عَلَیهِ فَإِن أَقَرَّ بِالإِسلَامِ وَ هِیَ الوَلَایَةُ وَ إِلَّا ضُرِبَت عُنُقُهُ أَو أَقَرَّ بِالجِزیَةِ فَأَدَّیهَا کَمَا یُؤَدِّی أَهلُ الذِّمَّةِ.

محمّد بن قاسم‌بن عبید از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که ایشان دربارهٔ کلام خداوند متعال «کسانی که بر روی زمین با فروتنی راه می‌روند» تا «نیکو جایگاه و اقامتگاهی است» فرمود: کسانی که بر روی زمین با فروتنی راه می‌روند، همان اوصیا هستند و چون قائم آل محمّد صلی الله علیه و آله قیام کند، هر که را علیه او جنگ افروزد، می‌شناسد. پس اگر به اسلام که همان ولایت است اقرار کردند که هیچ، در غیر این‌صورت یا سر از تنشان جدا می‌شود یا باید جزیه بدهند، همان‌گونه که اهل ذمه جزیه می‌دهند.

۲۶۶. عَنِ الأَصبَغِ‌بنِ نُبَاتَةَ قَالَ: تَوَجَّهتُ إِلَی أَمِیرِ المُؤمِنِینَ عَلِیٍّ علیه السلام لِأُسَلِّمَ عَلَیهِ فَلَم أَلبَث أَن خَرَجَ فَقُمتُ قَائِمًا عَلَی رِجلِی فَاستَقبَلتُهُ فَضَرَبَ بِکَفِّهِ إِلَی کَفِّی فَشَبَّكَ أَصَابِعَهُ فِی أَصَابِعِی فَقَالَ لِی: یَا أَصبَغُ فَقُلتُ: لَبَّیكَ وَ سَعدَیكَ یَا أَمِیرَ المُؤمِنِینَ. فَقَالَ: إِنَّ وَلِیَّنَا وَلِیُّ اللهِ فَإِذَا مَاتَ کَانَ فِی الرَّفِیقِ الأَعلَی وَ سَقَاهُ اللهُ مِن نَهرٍ أَبرَدَ مِنَ الثَّلجِ وَ أَحلَی مِنَ الشَّهدِ. فَقُلتُ: جُعِلتُ فِدَاكَ یَا أَمِیرَ المُؤمِنِینَ وَ إِن کَانَ مُذنِبًا؟ قَالَ: نَعَم أَلَم تَقرَأ کِتَابَ اللهِ: ﴿ **أُولَٰئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا** ﴾.

اصبغ‌بن نباته گفت: نزد امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام رفتم تا بر ایشان سلام کنم. دیری نپایید که ایشان بیرون آمد و من به استقبال ایشان رفتم. دستم را گرفت و انگشتانم را میان انگشتانش فشرد و به من فرمود: ای اصبغ! عرض کردم: بله ای امیرمؤمنان، در خدمتم! فرمود: همانا دوستِ ما، دوستِ خداست و هرگاه بمیرد، نزد رفیق اعلاست و خداوند او را از نهری سردتر از برف و شیرین‌تر از عسل سیراب می‌کند. عرض کردم: فدایت شوم، ای

امیرمؤمنان! حتی اگر گناهکار باشد[1]؟ فرمود: بله، آیا کتاب خدا را نخوانده‌ای که می‌فرماید: «اینان کسانی هستند که خداوند بدی‌هایشان را به نیکی‌ها تبدیل می‌کند، و خداوند آمرزندهٔ مهربان است.»

۲۶۷. عَن سَلمَانَ الفَارِسِیِّ عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله فِی کَلَامٍ ذَکَرَهُ فِی عَلِیٍّ فَذَکَرَ سَلمَانُ لِعَلِیٍّ فَقَالَ: وَاللهِ یَا سَلمَانُ لَقَد حَدَّثَنِی بِمَا أَخبَرَکَ بِهِ ثُمَّ قَالَ: یَا عَلِیُّ لَقَد خَصَّکَ اللهُ بِالحِلمِ وَ العِلمِ وَ الغُرفَةِ الَّتِی قَالَ اللهُ: ﴿ **أُوْلٰئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمٰا صَبَرُوا وَ يُلَقَّوْنَ فِيهٰا تَحِيَّةً وَ سَلاٰمًا** ﴾ وَ اللهِ أَنَّهَا لَغُرفَةُ مَا دَخَلَهَا أَحَدُ قَطُّ وَ لَا یَدخُلُهَا أَحَدُ أَبَداً حَتَّی تَقُومَ عَلَی رَبِّکَ وَ إِنَّهُ لَیَحُفُّ بِهَا فِی کُلِّ یَومٍ سَبعُونَ أَلفَ مَلَكٍ مَا یَحُفُّونَ إِلَی یَومِهِم ذَلِكَ فِی إِصلَاحِهَا وَ المَرَمَّةِ لَهَا حَتَّی تَدخُلَهَا ثُمَّ یُدخِلُ اللهُ عَلَیكَ فِیهَا أَهلَ بَیتِكَ، وَاللهِ یَا عَلِیُّ إِنَّ فِیهَا لَسَرِیرُ مِن نُورٍ مَا یَستَطِیعُ أَحَدُ مِنَ المَلَائِکَةِ أَن یَنظُرَ إِلَیهِ مَجلِسُ لَكَ یَومَ تَدخُلُهَا فَإِذَا دَخَلتَهُ یَا عَلِیُّ أَقَامَ اللهُ جَمِیعَ أَهلِ السَّمَاءِ عَلَی أَرجُلِهِم حَتَّی یَستَقِرَّ بِكَ مَجلِسَكَ ثُمَّ لَا یَبقَی فِی السَّمَاءِ وَ لَا فِی أَطرَافِهَا مَلَكُ وَاحِدُ إِلَّا أَتَاكَ بِتَحِیَّةٍ مِنَ الرَّحمَانِ.

سلمان فارسی از قول پیامبر صلی الله علیه و آله حدیثی در فضایل حضرت علی علیه السلام برای ایشان نقل کرد، حضرت علی علیه السلام فرمود: ای سلمان! به خدا سوگند همان‌گونه که برای تو نقل فرمود، برای من نیز بیان فرموده است. سپس فرمود: ای علی! خداوند تو را مخصوص گردانیده با صبر و علم و غرفه‌هایی که دربارهٔ آن

---

۱. لازم به بیان این مهم است که احادیثی که در آنها فضیلت بسیاری برای دوستداران حضرت امیر علیه السلام ذکر شده است، از جمله آمرزش گناهان ایشان، همه و همه مشروط به آن است که با این محبت از دنیا خارج شوند. از این جهت دوستداران اهل بیت علیهم السلام باید مراقبت کنند خطاها و گناهان آنان را از دایرهٔ محبت و ولایت ایشان خارج نسازد و امام خویش را با ورع و اجتهاد و انجام واجبات و ترک محرّمات یاری دهند؛ چراکه شیطان سعی دارد تا این ریسمان محبت را باز کند و بر مؤمنان است که گناهان خویش راکوچک نشمرند و از درِ منزل این بزرگواران کنار نروند و همواره از خدا طلب نمایند: «ربّنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا و هب لنا من لدنك رحمة انّك انت الوهّاب».

چنین می‌فرماید: «آنان‌اند که به سبب صبری که کرده‌اند غرفه[های بهشتی] پاداش یابند و در آنجا با درود و سلام روبه‌رو شوند.» به خدا سوگند، آن غرفه‌ای است که هرگز کسی در آن وارد نشده و کسی در آن داخل نمی‌شود تا این‌که تو در پیشگاه پروردگارت قرار گیری؛ و آنجا در هر روز هفتاد هزار فرشته مشغول زیباسازی و ساختن آن هستند تا تو در آنجا وارد شوی و سپس خداوند، اهل بیت تو را در آنجا داخل می‌کند. ای علی! به خدا سوگند، در آنجا تختی از نور است که هیچ‌یک از فرشتگان نمی‌توانند به آن نگاه کنند و روزی که تو وارد آن غرفه شوی، آن تخت جایگاه نشستن توست. ای علی! هنگامی که به آنجا وارد شوی خداوند تمامی اهل آسمان‌ها را بر پا نگاه می‌دارد، تا تو در جای خود قرار گیری. آن‌گاه در آسمان و اطراف آن هیچ فرشته‌ای بر جا نمی‌ماند مگر آن‌که از جانب خداوند رحمان با درود نزد تو می‌آید.

۲۶۸. عَن أَبانِ‌بنِ تَغلِبَ قَالَ: سَأَلتُ جَعفرَبنَ مُحمَّدٍ عليهما السلام عَن قَولِ اللهِ تَعالَى: ﴿ **الَّذينَ يَقُولُونَ رَبَّنا هَبْ لَنا مِنْ أَزْواجِنا وَ ذُرِّيّاتِنا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَ اجْعَلْنا لِلْمُتَّقِينَ إِماماً** ﴾ قَالَ: نَحنُ هُم أَهلُ البَيتِ.

ابان‌بن تغلب گفت: از امام جعفر صادق عليه السلام دربارهٔ تفسیر این آیه پرسیدم: «و آنانی هستند که می‌گویند: پروردگارا! به ما از همسران و فرزندانمان آن کس را که روشنی چشم‌هاست ببخش و ما را پیشوای پرهیزکاران گردان». ایشان فرمود: منظور از آنان، ما خاندان پیامبر صلى الله عليه وآله هستیم.

۲۶۹. عَن أَبي‌سَعيدٍ فِي قَولِهِ تَعالَى: ﴿ **هَبْ لَنا مِنْ أَزْواجِنا وَ ذُرِّيّاتِنا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَ اجْعَلْنا لِلْمُتَّقِينَ إِماماً** ﴾ قَالَ النَّبيُّ صلى الله عليه وآله: قُلتُ لِجَبرَئيلَ عليه السلام: مَن أَزواجُنا؟ قَالَ: خَديجَةُ قَالَ قُلتُ: وَ مَن ذُرِّيَّاتُنا؟ قَالَ: فَاطِمَةُ. قُلتُ: وَ مَن قُرَّةُ أَعيُنٍ؟ قَالَ: الحَسَنُ وَ الحُسَينُ. قُلتُ: وَ مَن لِلمُتَّقينَ إِمامًا قَالَ: عَلِيُّ بنُ أَبي طالِبٍ عليه السلام.

ابوسعید دربارهٔ این آیه گفت: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: به جبرئیل گفتم: منظور

از همسران ما چه کسی است؟ گفت: حضرت خدیجه ﷺ. گفتم: مراد از فرزندانمان چه کسی است؟ گفت: حضرت فاطمه ﷺ. گفتم: روشنی چشم‌ها کیست؟ گفت: حسن و حسین ﷺ. گفتم: چه کسی پیشوای پرهیزکاران است؟ گفت: حضرت علی ﷺ.

وَ مِن سُورَةِ الشُّعَرَاءِ

(سورهٔ شعراء، آیهٔ ۴)

﴿ إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمٰاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنٰاقُهُمْ لَهٰا خٰاضِعِينَ ﴾

اگر بخواهیم نشانه‌ای از آسمان بر آنان فرو می‌فرستیم تا گردن‌هایشان در برابر آن خاضع گردد.

۲۷۰ . عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ فِي قَولِهِ: ﴿ إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمٰاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنٰاقُهُمْ لَهٰا خٰاضِعِينَ ﴾ فَقِيلَ لِمُحَمَّدٍ ﷺ: أَنزِلهَا عَلَينَا حَتَّى نُؤمِنَ فَقَالَ المُسلِمُونَ فَأَنزِلهَا عَلَيهِم حَتَّى يُؤمِنوا. فَأَنزَلَ اللهُ: ﴿ وَ أَقْسَمُوا بِاللهِ جَهْدَ أَيْمٰانِهِمْ ﴾ إِلَى ﴿ يَعْمَهُونَ ﴾ ﴿ وَ نُقَلِّبُ أَفْئِدَتَهُمْ وَ أَبْصٰارَهُمْ ﴾ عِندَ نُزُولِ هَذِهِ الآيَةِ ﴿ كَمٰا لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِ أَوَّلَ مَرَّةٍ ﴾ الآيَةُ[۱].

ابن عباس دربارهٔ این آیه گفت: به حضرت محمّد ﷺ عرض شد: آن نشانه را بر ما فرو فرست تا ایمان آوریم. مسلمانان عرض کردند: برای آنان فرو فرست تا ایمان آورند. آن‌گاه خداوند نازل فرمود: «و به سخت‌ترین سوگندهایشان به خدا سوگند یاد کردند که اگر نشانه‌ای برای آن‌ها بیاید حتماً به آن ایمان

---

۱. انعام، ۱۱۰-۱۰۹

می‌آورند. بگو: نشانه‌ها نزد خداست و شما چه می‌دانید که هر گاه بیاید باز ایمان نمی‌آورند» «و دل‌ها و دیدگانشان را برمی‌گردانیم» به هنگام فرود آمدن این نشانه «همان‌گونه که نخستین بار به آن ایمان نیاوردند».

(سورهٔ شعراء، آیهٔ ۱۰۰ ـ ۱۰۲)

﴿ فَمٰا لَنٰا مِنْ شٰافِعِينَ * وَ لاٰ صَدِيقٍ حَمِيمٍ * فَلَوْ أَنَّ لَنٰا كَرَّةً فَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴾

پس برای ما نه شفاعت‌کنندگانی هست و نه دوستی صمیمی. پس اگر برای ما بازگشتی [به دنیا] بود [به آنجا بازمی‌گشتیم] و از ایمان‌آورندگان می‌شدیم.

۲۷۱. فُرَاتُ بنُ إِبرَاهِيمَ الكُوفِيُّ مُعَنعَنًا: عَن جَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ عَن أَبِيهِ عليهما السلام قَالَ: نَزَلَت هٰذِهِ الآيَةُ فِينَا وَ فِی شِيعَتِنَا ﴿ فَمٰا لَنٰا مِنْ شٰافِعِينَ * وَ لاٰ صَدِيقٍ حَمِيمٍ ﴾ وَ ذٰلِكَ أَنَّ اللهَ يُفَضِّلُنَا وَ يُفَضِّلُ شِيعَتَنَا حَتَّى أَنَّا لَنَشفَعُ وَ يَشفَعُونَ فَإِذَا رَأَى ذٰلِكَ مَن لَيسَ مِنهُم قَالُوا: ﴿ فَمٰا لَنٰا مِنْ شٰافِعِينَ * وَ لاٰ صَدِيقٍ حَمِيمٍ ﴾.

فرات‌بن ابراهیم کوفی روایت کرده است: امام جعفر صادق علیه السلام از قول پدر بزرگوارش علیه السلام فرمود: این آیه دربارهٔ ما و شیعیان ما نازل شد؛ زیرا خداوند ما و شیعیانمان را برتری بخشیده تا ما شفاعت کنیم و آن‌ها نیز شفاعت کنند؛ چون کسانی که از ایشان نیستند چنین بینند، گویند: «پس برای ما نه شفاعت‌کنندگانی هست و نه دوستی صمیمی».

۲۷۲. سَهلُ بنُ أَحمَدَ الدِّينَوَرِيُّ مُعَنعَنًا: عَن أَبِی عَبدِ اللهِ جَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ عليهما السلام قَالَ: قَالَ جَابِرُ لِأَبِی جَعفَرٍ علیه السلام جُعِلتُ فِدَاكَ يَا ابنَ رَسُولِ اللهِ حَدِّثنِی بِحَدِيثٍ فِی فَضلِ جَدَّتِكَ فَاطِمَةَ علیها السلام إِذَا أَنَا حَدَّثتُ بِهِ الشِّيعَةَ فَرِحُوا بِذٰلِكَ.

قَالَ أَبُو جَعفَرٍ: حَدَّثَنِی أَبِی عَن جَدِّی عَن رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله قَالَ: إِذَا كَانَ يَومُ القِيَامَةِ نُصِبَ لِلأَنبِيَاءِ وَ الرُّسُلِ مَنَابِرُ مِن نُورٍ فَيَكُونُ مِنبَرِی أَعلَا مَنَابِرِهِم يَومَ القِيَامَةِ ثُمَّ

يَقُولُ اللهُ: يَا مُحَمَّدُ اخطُب فَأَخطُبُ بِخُطبَةٍ لَم يَسمَع أَحَدٌ مِنَ الأَنبِيَاءِ وَالرُّسُلِ بِمِثلِهَا، ثُمَّ يُنصَبُ لِلأَوصِيَاءِ مَنَابِرُ مِن نُورٍ وَ يُنصَبُ لِوَصِيِّي عَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ فِي أَوسَاطِهِم مِنبَرٌ مِن نُورٍ فَيَكُونُ مِنبَرُهُ أَعلَى مَنَابِرِهِم ثُمَّ يَقُولُ اللهُ: يَا عَلِيُّ اخطُب فَيَخطُبُ بِخُطبَةٍ لَم يَسمَع أَحَدٌ مِنَ الأَوصِيَاءِ بِمِثلِهَا، ثُمَّ يُنصَبُ لِأَولَادِ الأَنبِيَاءِ وَالمُرسَلِينَ مَنَابِرُ مِن نُورٍ فَيَكُونُ لِابنَيَّ وَ سِبطَيَّ وَ رَيحَانَتَي أَيَّامِ حَيَاتِي مِنبَرٌ مِن نُورٍ ثُمَّ يُقَالُ لَهُمَا: اخطُبَا فَيَخطُبَانِ بِخُطبَتَينِ لَم يَسمَع أَحَدٌ مِن أَولَادِ الأَنبِيَاءِ وَ المُرسَلِينَ بِمِثلِهِمَا.

سهل‌بن احمد دینوری روایت کرده است: امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمود: جابر به امام محمّد باقر علیه‌السلام عرض کرد: فدایت شوم ای پسر رسول خدا! حدیثی در فضیلت جده‌ات حضرت فاطمه علیهاالسلام برای من بگو که هرگاه آن را برای شیعیانت نقل کنم خوشحال شوند.

امام محمّد باقر علیه‌السلام فرمود: پدرم از پدربزرگم از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله برایم نقل کرد که ایشان فرمود: چون روز قیامت فرا رسد، برای پیامبران و رسولان منبرهایی از نور بر پا خواهد شد که در آن روز منبر من بر فراز منبرهای ایشان خواهد بود. سپس خداوند می‌فرماید: ای محمّد! خطبه بخوان. آن‌گاه من چنان خطبه‌ای می‌خوانم که هیچ‌یک از پیامبران و رسولان همانندش را نشنیده‌اند. سپس برای اوصیا منبرهایی از نور بر پا خواهد شد و برای وصیّ من علی بن ابی‌طالب در میان ایشان منبری از نور برپا می‌شود که بر فراز آن منبرها خواهد بود. سپس خداوند می‌فرماید: ای علی! خطبه بخوان. آن‌گاه او چنان خطبه‌ای می‌خواند که هیچ‌یک از اوصیا همانندش را نشنیده‌اند. سپس برای فرزندان پیامبران و رسولان منبرهایی از نور برپا خواهد شد و برای دو پسر و دو نوه و دو ریحانهٔ زندگی‌ام منبری از نور برپا می‌شود و به آنان گفته می‌شود: خطبه بخوانید! آن‌گاه آن‌دو چنان خطبه‌ای می‌خوانند که هیچ یک از فرزندان پیامبران و رسولان همانندش را نشنیده‌اند.

ثُمَّ يُنَادِي المُنَادِي وَ هُوَ جَبرَئِيلُ عليه السلام: أَينَ فَاطِمَةُ بِنتُ مُحَمَّدٍ؟ أَينَ خَدِيجَةُ بِنتُ خُوَيلِدٍ؟ أَينَ مَريَمُ بِنتُ عِمرَانَ؟ أَينَ آسِيَةُ بِنتُ مُزَاحِمٍ؟ أَينَ أُمُّ كُلثُوم أُمُّ يَحيَى بنِ زَكَرِيَّا؟ فَيَقُمنَ فَيَقُولُ اللهُ تَبارَكَ وَ تَعَالَى: يَا أَهلَ الجَمعِ لِمَنِ الكَرَمُ اليَومَ؟ فَيَقُولُ مُحَمَّدٌ وَ عَلِيٌّ وَ الحَسَنُ وَ الحُسَينُ: لِلّهِ الوَاحِدِ القَهَّارِ. فَيَقُولُ اللهُ تَعَالَى: يَا أَهلَ الجَمعِ إِنِّي قَد جَعَلتُ الكَرَمَ لِمُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ الحَسَنِ وَ الحُسَينِ وَ فَاطِمَةَ، يَا أَهلَ الجَمعِ طَأطِؤُا الرُّؤُوسَ وَ غُضُّوا الأَبصَارَ فَإِنَّ هَذِهِ فَاطِمَةُ تَسِيرُ إِلَى الجَنَّةِ: فَيأتِيهَا جَبرَئِيلُ بِنَاقَةٍ مِن نُوقِ الجَنَّةِ مُدَبَّجَةِ الجَنبَينِ، خِطَامُهَا مِنَ اللُّؤلُؤِ المُخفَقِ الرَّطبِ، عَلَيهَا رَحلٌ مِنَ المَرجَانِ فَتُنَاخُ بَينَ يَدَيهَا فَتَركَبُهَا فَيَبعَثُ إِلَيهَا مِائَةَ أَلفِ مَلَكٍ فَيَصِيرُوا عَلَى يَمِينِهَا وَ يُبعَثُ إِلَيهَا مِائَةُ أَلفِ مَلَكٍ يَحمِلُونَهَا عَلَى أَجنِحَتِهِم حَتَّى يُسَيِّرُوهَا عَلَى بَابِ الجَنَّةِ، فَإِذَا صَارَت عِندَ بَابِ الجَنَّةِ تَلتَفِتُ فَيَقُولُ اللهُ: يَا بِنتَ حَبِيبِي مَا التِفَاتُكِ وَ قَد أَمَرتُ بِكِ إِلَى جَنَّتِي؟ فَتَقُولُ: يَا رَبِّ أَحبَبتُ أَن يُعرَفَ قَدرِي فِي مِثلِ هَذَا اليَومِ فَيَقُولُ اللهُ يَا بِنتَ حَبِيبِي ارجِعِي فَانظُرِي مَن كَانَ فِي قَلبِهِ حُبٌّ لَكِ أَو لِأَحَدٍ مِن ذُرِّيَّتِكِ خُذِي بِيَدِهِ فَأَدخِلِيهِ الجَنَّةَ.

پس از آن منادی، یعنی جبرئیل، ندا سر می‌دهد: فاطمه دختر حضرت محمّد صلی الله علیه و آله کجاست؟ خدیجه دختر خویلد کجاست؟ مریم دختر عمران کجاست؟ آسیه دختر مزاحم کجاست؟ امکلثوم مادر یحیی‌بن زکریا کجاست؟ وقتی ایشان همه برخاستند، خداوند بلندمرتبه می‌فرماید: ای اهل محشر! امروز کرامت از آنِ کیست؟ حضرت محمّد و علی و حسن و حسین علیهم السلام می‌گویند: از خدایی که یکتا و قهار است. خداوند متعال می‌فرماید: ای اهل محشر! من کرامت را از برای محمّد و علی و حسن و حسین و فاطمه نهاده‌ام، ای اهل محشر! سرها به زیر اندازید و چشم‌ها فروبندید تا فاطمه علیها السلام سوی بهشت رود.

در آن دم جبرئیل ناقه‌ای از ناقه‌های بهشت برای آن بانو می‌آورد که دو پهلوی آن را به دیبای بهشتی آراسته‌اند و لگام آن از مروارید است و جهاز آن از مرجان؛

او آن ناقه را روبه‌روی فاطمه علیها السلام می‌خواباند و او بر آن سوار می‌شود. آن‌گاه صد هزار فرشته سوی او راهی می‌شوند تا طرف راست او باشند و صد هزار فرشته سویش راهی می‌شوند تا او را بر بال‌های خود سوی بهشت رهسپار کنند.
چون فاطمه علیها السلام به نزدیکی در بهشت برسد، سر بر می‌گرداند و خداوند می‌فرماید: ای دختر حبیب من! چرا سر برمی‌گردانی حال آن‌که فرمان داده‌ام به بهشت درآیی؟ فاطمه می‌گوید: پروردگارا! دوست داشتم در چنین روزی منزلت من شناخته شود.
خداوند می‌فرماید: ای دختر حبیب من! برگرد و بنگر، هر که محبت تو یا یکی از فرزندان تو را در دل دارد، دستش را بگیر و به بهشت درآر.
قَالَ أَبُو جَعفَرٍ: وَاللهِ یَا جَابِرُ إِنَّهَا ذَلِكَ الیَومَ لَتلتَقِطُ شِیعَتَهَا وَ مُحِبِّیهَا کَمَا یَلتَقِطُ الطَّیرُ الحَبَّ الجَیِّدَ مِنَ الحَبِّ الرَّدِی، فَإِذَا صَارَ شِیعَتُهَا مَعَهَا عِندَ بَابِ الجَنَّةِ یُلقِی اللهُ فِی قُلُوبِهِم أَن یَلتَفِتُوا فَإِذَا التَفَتُوا فَیَقُولُ اللهُ یَا أَحِبَّائِی مَا التِفَاتُکُم وَ قَد شَفَّعتُ فِیکُم فَاطِمَةَ بِنتَ حَبِیبِی؟ فَیَقُولُونَ: یَا رَبِّ أَحبَبنَا أَن یُعرَفَ قَدرُنَا فِی مِثلِ هَذَا الیَوم، فَیَقُولُ اللهُ: یَا أَحِبَّائِی إِرجِعُوا وَ انظُرُوا مَن أَحَبَّکُم لِحُبِّ فَاطِمَةَ، أُنظُرُوا مَن أَطعَمَکُم لِحُبِّ فَاطِمَةَ، أُنظُرُوا مَن کَسَاکُم لِحُبِّ فَاطِمَةَ، أُنظُرُوا مَن سَقَاکُم شَربَةً فِی حُبِّ فَاطِمَةَ، أُنظُرُوا مَن رَدَّ عَنکُم غَیبَةً فِی حُبِّ فَاطِمَةَ خُذُوا بِیَدِهِ وَ أَدخِلُوهُ الجَنَّةَ.
قَالَ أَبُو جَعفَرٍ: وَاللهِ لَا یَبقَی فِی النَّاسِ إِلَّا شَاكٌّ أَو کَافِرٌ أَو مُنَافِقٌ فَإِذَا صَارُوا بَینَ الطَّبَقَاتِ نَادَوا کَمَا قَالَ اللهُ تَعَالَی: **﴿ فَمٰا لَنٰا مِنْ شٰافِعِینَ * وَ لاٰ صَدِیقٍ حَمِیمٍ ﴾** فَیَقُولُونَ **﴿ فَلَوْ أَنَّ لَنٰا کَرَّةً فَنَکُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ ﴾** قَالَ أَبُو جَعفَرٍ: هَیهَاتَ هَیهَاتَ مُنِعُوا مَا طَلَبُوا **﴿ وَ لَوْ رُدُّوا لَعٰادُوا لِمٰا نُهُوا عَنْهُ وَ إِنَّهُمْ لَکٰاذِبُونَ[1] ﴾**.
امام محمّد باقر علیه السلام فرمود: ای جابر! به خدا سوگند حضرت فاطمه علیها السلام در آن روز شیعیان و دوستداران خود را برمی‌چیند، چنان‌که پرنده دانهٔ خوب را از

---

۱. انعام، ۲۸

میان دانهٔ بد برمی‌چیند. وقتی شیعیان او به همراهش به در بهشت می‌رسند، خداوند در دل‌هایشان می‌اندازد که سرشان را برگردانند. چون آنان سر برگردانند، خداوند می‌فرماید: ای دوستان من! چرا سر بر می‌گردانید حال آن‌که فاطمه دختر حبیبم را شفیعتان گردانده‌ام؟ آنان می‌گویند: پروردگارا! دوست داریم در چنین روزی منزلت ما شناخته شود. خداوند می‌فرماید: ای دوستان من! بازگردید و بنگرید چه کسی به خاطر دوستی فاطمه علیها السلام شما را دوست داشته و غذایی به شما داده و لباسی به شما پوشانده و جرعه‌ای آب به شما نوشانده و در نبودتان سخنی بد را از شما برگردانده است؛ دستش را بگیرید و به بهشتش درآورید. به خدا سوگند در آن دم هیچ کس بر جا نمی‌ماند جز شکاکان و کافران و منافقان که چون در میان آن طبقات درآیند، همچنان‌که خداوند متعال فرمود، ندا سر می‌دهند: «برای ما نه شفاعت‌کنندگانی هست و نه دوستی صمیمی» و می‌گویند: «پس اگر برای ما بازگشتی [به دنیا] بود [به آنجا بازمی‌گشتیم] و از ایمان آورندگان می‌شدیم». اما هیهات و هیهات که آنان از آن‌چه می‌خواهند، بازداشته می‌شوند «و اگر بازگردانده شوند، هر آینه به آن‌چه از آن نهی شده‌اند، بازمی‌گردند و همانا آنان دروغگویان‌اند».

(سورهٔ شعراء، آیهٔ ۲۱۴)

﴿ وَ أَنْذِرْ عَشيرَتَكَ الْأَقْرَبينَ ﴾

و خویشاوندان نزدیک خود را بیم ده.

۲۷۳. جعفَرُبنُ مُحَمَّدِبنِ أحمَدَبنِ يُوسُفَ الأُودِی مُعنعَنًا: عَن عَلِيِّبنِ أَبی طالِبٍ علیه السلام قالَ: لَمّا نَزَلَت هَذِهِ الآيَةُ عَلى رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله: ﴿ وَ أَنْذِرْ عَشيرَتَكَ الْأَقْرَبينَ * وَ اخْفِضْ جَناحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنينَ[1] ﴾ قالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله: عَرَفتُ إن بَدَأتُ بِها قَومی رَأَيتُ

---

۱. شعراء، ۲۱۵-۲۱۴

مِنهُم مَا أَكرَهُ فَصُمتُ عَلَيهَا حَتَّى أَتَانِى جَبرَئِيلُ فَقَالَ لِى: يَا مُحَمَّدُ إِنَّكَ إِن لَم تَفعَل مَا أُمِرتَ بِهِ عَذَّبَكَ رَبُّكَ.

قَالَ عَلِيٌّ ؑ: فَدَعَانِى رَسُولُ اللهِ ﷺ فَقَالَ لِى: يَا عَلِيُّ إِنَّ اللهَ قَد أَمَرَنِى أَن أُنذِرَ عَشِيرَتِى الأَقرَبِينَ فَعَرَفتُ إِن أَبدَءَ بِهِم بِذَلِكَ رَأَيتُ مِنهُم مَا أَكرَهُ، فَصُمتُ عَن ذَلِكَ حَتَّى أَتَانِى جَبرَئِيلُ فَقَالَ لِى يَا مُحَمَّدُ: إِنَّكَ إِن لَم تَفعَل مَا أُمِرتَ بِهِ عَذَّبَكَ رَبُّكَ فَاصنَع لَنَا يَا عَلِيُّ رِجلَ شَاةٍ عَلَى صَاعٍ مِن طَعَامٍ وَ أَعِدلَنَا عَسًا مِن لَبَنٍ ثُمَّ اجمَع لِى بَنِى عَبدِالمُطَّلِبِ فَفَعَلتُ فَاجتَمَعُوا لَهُ وَ هُم يَومَئِذٍ أَربَعُونَ رَجُلاً يَزِيدُونَ أَو يَنقصُونَه فِيهِم أَعمَامُهُ العَبَّاسُ وَ حَمزَةُ وَ أَبُوطَالِبِ وَ أَبُولَهَبِ الكَافِرُ.

فَجِئتُ فَقَدَّمتُ إِلَيهِم الجَفنَةَ فَأَخَذَ رَسُولُ اللهِ ﷺ مِنهَا جَذبَةَ لَحمٍ فَنَتَفَهَا بِأَسنَانِهِ ثُمَّ رَمَى بِهَا فِى نَوَاحِيهَا ثُمَّ قَالَ: كُلُوا بِاسمِ اللهِ. فَأَكَلَ القَومُ حَتَّى نَهلوا عَنهُ مَا يَرَونَ إِلَّا آثَارَ أَصَابِعِهِم وَاللهِ إِنَّ الرَّجُلَ لَيَأكُلُ مِثلَهَا، ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: اِسقِهِم يَا عَلِيُّ، فَجِئتُ بِذَلِكَ القَعبِ فَشَرِبُوا مِنهُ حَتَّى نَهلُوا جَمِيعًا وَ أَيمُ اللهِ إِن كَانَ الرَّجُلُ مِنهُم لَيشرَبُ مِثلَهُ، فَلَمَّا أَرَادَ رَسُولُ اللهِ ﷺ أَن يَتَكَلَّمَ تُذَرَّبَ أَبُولَهَبٍ إِلَى الكَلَامِ فَقَالَ: لَهَدَّ مَا سَحَرَكُم صَاحِبُكُم. فَتَفَرَّقُوا وَ لَم يُكَلِّمهُم رَسُولُ اللهِ ﷺ.

جعفربن محمّد بن احمدبن یوسف اودی روایت کرده است: حضرت علی ؑ فرمود: چون بر رسول خدا ﷺ نازل شد: «و خویشاوندان نزدیک خود را بیم ده و برای هر یک از مؤمنانی که از تو پیروی کرده‌اند، تواضع و فروتنی کن» رسول خدا ﷺ فرمود: می‌دانستم که اگر دعوتم را با قومم آغاز کنم، از آنان نتیجه‌ای ناخوشایند می‌بینم، از این رو سکوت کردم تا این‌که جبرئیل نزدم آمد و گفت: ای محمّد! اگر آن‌چه را بدان امر شده‌ای انجام ندهی، پروردگارت عذابت می‌کند. رسول خدا ﷺ مرا فراخواند و فرمود: ای علی! خداوند مرا فرمان داده تا خویشاوندان نزدیکم را بیم دهم و می‌دانم اگر این امر را با آنان آغاز کنم، از آنان نتیجه‌ای ناخوشایند می‌بینم، از این رو سکوت

کردم تا این‌که جبرئیل نزدم آمد و گفت: ای محمّد! اگر آن‌چه را بدان امر شده‌ای انجام ندهی، پروردگارت عذابت می‌کند. پس ای علی! ران گوسفندی با پیمانه‌ای برنج و کاسه‌ای شیر برای ما فراهم آور و سپس پسران عبدالمطلب را برایم گرد آور. من چنین کردم و آنان را برای حضرت گرد آوردم و حال آنان که در آن زمان کم و بیش چهل تن بودند و عموهای حضرت ﷺ، عباس و حمزه و ابوطالب و ابولهب کافر نیز در جمعشان بودند. من آمدم و طبقی نزد ایشان آوردم و رسول خدا ﷺ از آن قطعه‌ای گوشت برداشت و سپس آن را گوشهٔ طبق نهاد و فرمود: با نام خدا بخورید. آن قوم خوردند و چنان دست کشیدند که جز جای انگشتانشان چیزی بر جا نماند و به خدا سوگند هر یک تمامی آن را خوردند. سپس رسول خدا ﷺ فرمود: ای علی! ایشان را آب بنوشان. من آمدم و مشک آب را آوردم و آنان از آن نوشیدند و همه سیراب شدند و به خدا سوگند هر یک از آنان تمامی آن را نوشیدند. وقتی رسول خدا ﷺ خواست سخن بگوید، ابولهب سخن ایشان را قطع کرد و گفت: یارتان با این کار جادویتان کرد. آنان هم پراکنده شدند و رسول خدا ﷺ با آنان سخن نگفت.

فَلَمّا کانَ الغَدُ قالَ لی رَسُولُ اللهِ ﷺ: یا عَلِیُّ اَعِد لی مِثلَ الَّذی کُنتَ صَنَعتَ بِالأَمسِ مِنَ الطَّعامِ وَ الشَّرابِ فَإِنَّ هَذَا الرَّجُلَ قَد بَدَرَنی إِلی ما سَمِعتُ قَبلَ أَن أُکَلِّمَ القَومَ. فَفَعَلتُ ثُمَّ جَمَعتُهُم لَهُ فَصَنَعَ رَسُولُ اللهِ ﷺ کَما صَنَعَ بِالأَمسِ فَأَکَلُوا حَتَّی نَهَلُوا عَنهُ ثُمَّ سَقَیتُهُم فَشَرِبُوا حَتَّی نَهَلُوا عَنهُ مِن ذَلِكَ القَعبِ وَ أَیمُ اللهِ إِن کانَ الرَّجُلُ مِنهُم لَیَأکُلُ مِثلَها.

ثُمَّ قالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: یا بَنی عَبدِ المُطَّلِبِ إِنّی وَاللهِ ما أَعلَمُ شابًّا مِنَ العَرَبِ جاءَ قَومَهُ بِأَفضَل مِمّا جِئتُکُم بِهِ إِنّی قَد جِئتُکُم بِأَمرِ الدُّنیا وَ الآخِرَةِ فَأَیُّکُم یَکُونُ وَزیری عَلی أَمری هَذا عَلی أَن یَکُونَ أَخِی وَ وَلِیّی؟ فَأَحجَمَ القَومُ عَنهُ.

قالَ عَلِیٌّ: فَقُلتُ:ـ وَ إِنّی لَأَحدَثُهُم سِنًّا وَ أَحمَشُهُم ساقًا وَ أَعظَمُهُم بَطنًا وَ أَرمَصُهُم عَینًا

أَنَا يَا رَسُول الله أَنَا أَكُونُ وَزِيرَكَ عَلَى ذَلِكَ. فَأَخَذَ النَّبِيُّ ﷺ بِعُنُقِي ثُمَّ قَالَ: إِنَّ أَخِي هَذَا وَ وَلِيِّي فَاسمَعُوا لَهُ وَ أَطِيعُوا.
قَالَ: فَقَامَ القَومُ يَتَضَاحَكُونَ وَ يَقُولُونَ لِأَبِي طَالِبٍ: قَد أُمِرتَ أَن تُسمِعَ لَهُ وَ تُطِيعَ.

چون فردا شد، رسول خدا ﷺ به من فرمود: ای علی! همچون آن‌چه دیروز فراهم کردی، امروز نیز خوراک و آشامیدنی آماده کن، چه این مرد پیش از آن‌که با این قوم سخن گویم، شتابان آن‌چه شنیدی را گفت. من چنین کردم و سپس آنان را برای حضرت گرد آوردم و رسول خدا ﷺ آن‌چه را دیروز انجام داد، باز تکرار کرد و آنان خوردند تا این‌که دست کشیدند و سپس آنان را از آن مشک نوشاند تا این‌که سیراب شدند و به خدا سوگند هر یک از آنان تمامی آن را خوردند. سپس رسول خدا ﷺ فرمود: ای پسران عبدالمطلب! به خدا سوگند من هیچ جوانی را از عرب نمی‌شناسم که چیزی برتر از آن‌چه من برایتان آورده‌ام، برای قومش آورده باشد، چه من امر دنیا و آخرت را برایتان آورده‌ام. پس کدام‌یک از شما در این امر وزیر من می‌باشد تا برادر و ولی من باشد؟ امّا آن قوم از حضرت روی گرداندند. من که کم‌سال‌ترین و درشت‌اندام‌ترین و استوارتن‌ترین و تیزبین‌ترین آنان بودم، عرض کردم: من ای رسول خدا! من بر این کار وزیر تو هستم. آن‌گاه پیامبر دست بر گردن من نهاد و فرمود: برادر و ولی من این مرد است، پس حرفش را بشنوید و از او فرمان برید. آن قوم برخاستند و در حالی که می‌خندیدند به ابوطالب گفتند: تو را فرمان داد که حرف او را بشنوی و از او فرمان برید!

(سورهٔ شعراء، آیهٔ ۲۱۸ ـ ۲۱۹)

﴿ الَّذِي يَرٰاکَ حِينَ تَقُومُ * وَ تَقَلُّبَكَ فِي السّٰاجِدِينَ ﴾

آن کسی که تو را هنگامی که [به نماز] برمی‌خیزی می‌بیند و [نیز] جابه‌جا شدن تو را در [اصلاب] سجده کنندگان [می‌بیند].

۲۷۴. أَحمَدُبنُ الحَسَنِ مُعنعَنًا: عَن أَبی جعفرٍ مُحَمَّدِبنِ عَلِیٍّ﵉ فِی قَولِهِ تَعالَی ﴿ الَّذي يَرَاكَ حِينَ تَقُومُ * وَ تَقَلُّبَكَ فِي السَّاجِدِينَ ﴾ قَالَ: يَرَاكَ حِينَ تَقُومُ بِأَمرِهِ وَ تَقَلُّبَكَ فِی أَصلَابِ الأَنبِيَاءِ نَبِیٍّ بَعدَ نَبِیٍّ.

احمدبن حسین روایت کرده است: امام محمّد باقر﵇ دربارهٔ این آیه فرمود: آن که تو را هنگامی که به انجام امرش برمی‌خیزی، می‌بیند و نیز جابه‌جا شدن تو را در اصلاب پیامبران یکی پس از دیگری می‌بیند.

(سورهٔ شعراء، آیهٔ ۲۲۷)

﴿ وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ ﴾

و کسانی که ستم کردند به زودی خواهند دانست که به چه سرانجامی باز خواهند گشت.

۲۷۵. عَن مَالِكِ المازِنی قَالَ: أَتَی تِسعَةُ نَفَرٍ أَبَا سَعِيدٍ الخُدرِیَّ فَقَالُوا: يَا أَبَا سَعِيدٍ هَذَا الَّذِی يَكثُرُ النَّاسُ فِيهِ مَا تَقُولُ فِيهِ؟ فَقَالَ: عَمَّن تَسأَلُونی؟ قَالُوا: نَسأَلُ عَن عَلِیِّبنِ أَبی طالِبٍ. فَقَالَ: أَمَّا إِنَّكُم تَسأَلُونَ عَن رَجُلٍ أَمَرُّ مِنَ الدِّفلَی وَ أَحلَی مِنَ العَسَلِ وَ أَخَفُّ مِنَ الرِّيشَةِ وَ أَثقَلُ مِنَ الجِبَالِ، أَمَّا وَاللهِ مَا حَلَا إِلَّا عَلَی أَلسِنَةِ المُؤمِنِينَ وَ مَا خَفَّ إِلَّا عَلَی قُلُوبِ المُتَّقِينَ، وَ لَا أَحَبَّهُ قَطُّ لِلهِ وَ لِرَسُولِهِ إِلَّا حَشَرَهُ اللهُ مِنَ الآمِنِينَ وَ إِنَّهُ لَمِن حِزبِ اللهِ وَ حِزبُ اللهِ هُمُ الغَالِبُونَ.

وَاللهِ مَا أَمَرَّ إِلَّا عَلَی لِسَانِ كَافِرٍ وَ لَا أَثقَلَ إِلَّا عَلَی قَلبِ مُنَافِقٍ، وَ مَا زَوَی عَنهُ أَحَدُ قَطُّ و لا لوا و لا تحزب وَ لَا عَبَسَ وَ لَا يَسِرَ وَ لَا عَسِرَ وَ لَا قَصَرَ مَضَرَ، يأنصر و لا التَفَتَ وَ لَا نَظَرَ وَ لَا تَبَسَّمَ وَ لَا تَحَرَّی وَ لَا ضَحِكَ إِلَّا صَاحَبَهُ وَ لا عَجَبَ لِهَذَا الأَمرِ إِلَّا حَشَرَهُ اللهُ مُنَافِقًا مَعَ المُنَافِقِينَ ﴿ وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ ﴾.

مالک مازنی گفت: نه نفر نزد ابوسعید خدری آمدند و گفتند: ای ابوسعید! این کسی که مردم بسیار درباره‌اش سخن می‌گویند کیست؟ گفت: نزد من جویای

کیستید؟ گفتند: جویای علی بن ابی‌طالب علیه السلام. گفت: بدانید جویای مردی شده‌اید از زهر تلخ‌تر و از عسل شیرین‌تر و از پر سبک‌تر و از کوه‌ها سنگین‌تر، به خدا سوگند او شیرین نیست مگر بر زبان مؤمنان و سبک نیست مگر بر دل‌های پرهیزکاران و هیچ کس او را از برای خدا و رسولش دوست نمی‌دارد جز آن‌که خداوند او را در جرگهٔ امان‌یافتگان برمی‌انگیزد و او بی‌تردید در شمار حزب خداست و حزب خدا همانا چیرگان‌اند، و به خدا سوگند او تلخ نیست مگر بر زبان کافران و سنگین نیست مگر بر دل منافقان و هیچ کس بر او اخم نکرد و از او کناره‌گیری نکرد و طرفداری نکرد و بر او غضب نکرد و سختگیری نکرد و آسان‌گیری نکرد و کوتاهی نکرد و کوشایی نکرد و یاری نکرد و رویگردانی نکرد و نگاه نکرد و خنده نکرد و رسیدگی نکرد جز آن‌که او با وی همگام شد و هیچ جای شگفتی در این امر نیست جز آن‌که خداوند او را برای منافقان نیز منافق برمی‌انگیزد. «و کسانی که ستم کردند به زودی خواهند دانست که به چه سرانجامی باز خواهند گشت.»

۲۷۶. عَن عَبدِ اللهِ بنِ عَبَّاسٍ قالَ: قامَ رَسولُ اللهِ صلی الله علیه و آله فِينَا خَطِيبًا فَقَالَ: الحَمدُ لِلّهِ عَلَى آلائِهِ وَ بَلائِهِ عِندَنَا أهلَ البيتِ وَ أستَعِينُ اللهَ عَلَى نَكَباتِ الدُّنيا وَ موبِقَاتِ الآخِرَةِ وَ أشهَدُ أن لا إلَهَ إلَّا اللهُ وَحدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ وَ أنِّي مُحَمَّدًا عَبدُهُ وَ رَسُولُهُ، أرسَلَنِي بِرِسَالَتِهِ إلَى جَمِيعِ خَلقِهِ ﴿لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَ يَحْيىٰ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ[1]﴾ وَ اصطَفَانِي عَلَى جَمِيعِ العَالَمِينَ مِنَ الأَوَّلِينَ وَ الآخِرِينَ، أعطَانِي مَفَاتِيحَ خَزَائِنِهِ كُلَّهَا وَ استَودَعَنِي سِرَّهُ وَ أمَرَنِي بِأمرِهِ فَكَانَ القَائِمُ وَ أنَا الخَاتِمُ وَ لا حَولَ وَ لا قُوَّةَ إلَّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظِيمِ ﴿اتَّقُوا اللهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَ لا تَمُوتُنَّ إلاَّ وَ أنْتُمْ مُسْلِمُونَ[2]﴾ وَ اعلَمُوا أنَّ اللهَ بِكُلِّ شَيءٍ مُحِيطٌ وَ أنَّ اللهَ بِكُلِّ شَيءٍ عَلِيمٌ.

---

۱. انفال، ۴۲

۲. آل عمران، ۱۰۲

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ سَيَكُونُ بَعدِي قَومٌ يَكذِبُونَ عَلَيَّ فَلا تَقبَلُوا ذَلِكَ وَ أُمُورٌ تَأتِي مِن بَعدِي يَزعَمُ أَهلُهَا أَنَّهَا عَنِّي وَ مَعَاذَ اللهُ أَن أَقُولَ عَلَى اللهِ إِلَّا حَقًّا فَمَا أَمَرتُكُم إِلَّا بِمَا أَمَرَنِي بِهِ وَ لَا دَعَوتُكُم إِلَّا إِلَيهِ ﴿ وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ ﴾.

قَالَ: فَقَامَ إِلَيهِ عِبَادَةُ بنُ الصَّامِتِ فَقَالَ: مَتَى ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللهِ؟ وَ مَن هَؤُلَاءِ؟ عَرِّفنَاهُم لِنَحذَرَهُم. فَقَالَ: أَقوَامٌ قَدِ استَعَدُّوا لِلخَلَافَةِ مِن يَومِهِم هَذَا وَ سَيُظهِرُونَ لَكُم إِذَا بَلَغَتِ النَّفسُ مِنِّي هَاهُنَا ـ وَ أَومَأَ بِيَدِهِ إِلَى حَلقِهِ.

عبدالله‌بن عباس گفت: رسول خدا ﷺ در میان ما برخاست تا خطبه‌ای بخواند. آن‌گاه فرمود: سپاس و ستایش از آنِ خداوند است به خاطر تمامی نعمت‌ها و بلاهایی که بر ما اهل بیت نازل فرموده است و در برابر ناگواری‌های دنیا و آزارهای آخرت از او یاری می‌جویم و گواهی می‌دهم که هیچ خدایی جز او نیست، یگانه است و هیچ شریکی ندارد و من بنده و سفیر او هستم که مرا به پیغمبری بر همهٔ آفریدگان خود فرو فرستاد. «تا هر کس که هلاک (گمراه) شود، از روی دلیل روشنی هلاک شود و آن‌که زنده (هدایت) می‌شود از روی دلیل روشنی زنده شود». در میان همهٔ جهانیان، از پیشینیان و آیندگان، مرا برگزید و کلیدهای گنج‌های خود را سراسر به من عطا کرد و سرّش را نزد من به ودیعه نهاد و مرا به امرش فرمان داد و او برپا کننده بود و من به انجام‌رسان و هیچ اراده و توانی نیست جز از سوی خداوند والای والامرتبه «از خدا پروا کنید، آن‌گونه که سزاوار پروا از اوست و نمیرید مگر این‌که مسلمان باشید.» و بدانید که خداوند بر همه چیز احاطه دارد و به همه چیز داناست. ای مردم! به زودی پس از من جمعیتی بر من دروغ می‌بندند، از آنان نپذیرید؛ پس از من اموری پیش می‌آید که برخی می‌پندارند مربوط به من است، به خدا پناه می‌برم از این‌که به غیر از حق به پروردگارم نسبتی دهم. من شما را فرمان ندادم مگر به چیزی که خداوند مرا به آن فرمان داده بود و شما را

فرا نخواندم مگر به سوی او «کسانی که ستم کردند به زودی خواهند دانست که به چه سرانجامی باز خواهند گشت». سپس عبادة‌بن صامت از جا برخاست و عرض کرد: ای رسول خدا! آن چه هنگام است و آنان کیستند؟ آن‌ها را به ما معرفی فرما تا از ایشان دوری گزینیم. حضرت فرمود: آن افراد کسانی هستند که خود را از هم‌اکنون آماده جانشینی من کرده‌اند و این مطلب در آن هنگامی بر شما ظاهر می‌شود که جان من به اینجا برسد ـ و حضرت با دست بر گلوی مبارکش اشاره فرمود.

فَقَالَ لَهُ عِبَادَةُبنُ الصَّامِتِ: فَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ فَإِلَى مَن يَا رَسُولَ اللهِ قَالَ: إِذَا كَانَ ذَلِكَ فَعَلَيكُم بِالسَّمعِ وَ الطَّاعَةِ لِلسَّابِقِينَ مِن عِترَتِي فَإِنَّهُم يَصُدُّونَكُم عَنِ الغَيِّ وَ يَهدُونَكُم إِلَى الرُّشدِ وَيَدعُونَكُم إِلَى الحَقِّ فَيُحيُونَ كِتَابَ رَبِّي وَ سُنَّتِي وَ حَدِيثِي وَ يُمِيتُونَ البِدَعَ وَ يُقِيمُونَ بِالحَقِّ أَهلَهَا وَ يَزُولُونَ مَعَ الحَقِّ حَيثُ مَا زَالَ ، فَلَن يُخَيَّلَ إِلَى أَنَّكُم تَعمَلُونَ وَلكِنِّي مُجتَمِعٌ عَلَيكُم إِذَا أَعلَمتُكُم ذَلِكَ فَقَد أَعلَمتُكُم.

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى خَلَقَنِي وَ أَهلَ بَيتِي مِن طِينَةٍ لَم يَخلُق أَحَدًا غَيرَنَا وَ مَن ضَوَى إِلَينَا فَكُنَّا أَوَّلُ مَنِ ابتَدَأَ مِن خَلقِهِ فَلَمَّا خَلَقَنَا فَتَقَ بِنُورِنَا كُلَّ ظُلمَةٍ وَ أَحيَا بِنَا كُلَّ طِينَةٍ طَيِّبَةٍ وَأَمَاتَ بِنَا كُلَّ طِينَةٍ خَبِيثَةٍ ثُمَّ قَالَ: هَؤُلَاءِ خِيَارُ خَلقِي وَ حَمَلَةُ عَرشِي وَ خُزَّانُ عِلمِي وَ سَادَةُ أَهلِ السَّمَاءِ وَ الأَرضِ ، هَؤُلَاءِ البَرَرَةُ المُهتَدُونَ المُهتَدِي بِهِم ، مَن جَاءَنِي بِطَاعَتِهِم وَ وَلَايَتِهِم أَولَجتُهُ جَنَّتِي وَ كَرَامَتِي وَ مَن جَاءَنِي بِعِدَاوَتِهِم وَ البَرَائَةِ مِنهُم أَولَجتُهُ نَارِي وَ ضَاعَفتُ عَلَيهِ عَذَابِي وَ ذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ.

عبادة‌بن صامت عرض کرد: چون چنین شد، به چه کسی روی آوریم ای رسول خدا؟! فرمود: چون چنین شد، بر شماست که از پیشی‌گیرندگان خاندان من فرمانبری کنید، چه ایشان شما را از گمراهی باز می‌دارند و به هدایت راهنمایی‌تان می‌کنند و به حق فرا می‌خوانند و کتاب پروردگار مرا و سنت و حدیث مرا زنده می‌کنند و بدعت‌ها را می‌میرانند و اهل بدعت را به راه حق در

می‌آورند و پابه‌پای حق حرکت می‌کنند؛ با این همه گمان نمی‌کنم که شما چنین کنید، امّا من شما را گرد آوردم و از آن‌چه که بایست آگاه ساختم.
ای مردم! خداوند تبارک و تعالی مرا و اهل بیتم را از سرشتی آفرید که هیچ کس از غیر ما و پناه آورندگان به سوی ما را از آن نیافرید. ما نخستین کسانی بودیم که آفرینش خود را با آنان آغاز نمود، چون ما را آفرید، با نور ما تمامی تاریکی‌ها را شکافت و با ما تمامی سرشت‌های پاک را زنده گرداند و با ما تمامی سرشت‌های ناپاک را میراند؛ سپس فرمود: اینان برگزیدگان آفریدگان من‌اند و حاملان عرش من و نگاهبانان علم من و سروران آسمانیان و زمینیان، اینان نیکان هدایت‌یافته‌اند که به ایشان دیگران هدایت شوند. هر که با فرمانبری از ایشان و ولایت ایشان نزد من آید، او را در بهشتم و کرامتم جای می‌دهم و هر که با دشمنی با ایشان و دوری جویی از ایشان نزد من آید، او را در دوزخم جای می‌دهم و عذابم را بر او دوچندان می‌کنم و این است سزای ستمکاران.
ثُمَّ قَالَ: نَحنُ أَهلُ الإِيمَانِ بِاللهِ مِلاكُهُ وَ تَمَامُهُ حَقًّا وَ بِنَا سِدَادُ الأَعمَالِ الصَّالِحَةِ، وَنَحنُ وَصِيَّةُ اللهِ فِي الأَوَّلِينَ وَ الآخِرِينَ، وَإِنَّ مِنَّا الرَّقِيبَ عَلَى خَلقِ اللهِ وَ نَحنُ قَسمُ اللهِ قَسَمَ بِنَا حَيثُ يَقُولُ: ﴿ **اتَّقُوا اللهَ الَّذي تَسائَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحامَ إِنَّ اللهَ كانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا**[1] ﴾.
أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا أَهلَ البَيتِ عَصَمَنَا اللهُ مِن أَن نَكُونَ مَفتُونِينَ أَو فَاتِنِينَ أَو مُفتِنِينَ أَو كَذَّابِينَ أَو كَاهِنِينَ أَو سَاحِرِينَ أَو عَايِقِينَ أَو خَائِنِينَ أَو زَاجِرِينَ أَو مُبتَدِعِينَ أَو مُرتَابِينَ أَو صَادِفِينَ عَنِ الخَلقِ مُنَافِقِينَ، فَمَن كَانَ فِيهِ شَيءٌ مِن هَذِهِ الخِصَالِ فَلَيسَ مِنَّا وَ لَا أَنَا مِنهُ وَ اللهُ مِنهُ بَرِيءٌ وَ نَحنُ مِنهُ بَرَاءٌ وَ مَن بَرَاءَ اللهُ مِنهُ أَدخَلَهُ جَهَنَّمَ وَ بِئسَ المِهَادُ، وَ إِنَّا أَهلَ البَيتِ طَهَّرَنَا اللهُ مِن كُلِّ نَجِسٍ فَنَحنُ الصَّادِقُونَ إِذَا نَطَقُوا وَ العَالِمُونَ إِذَا سُئِلُوا وَ الحَافِظُونَ لِمَا استُودِعُوا، جَمَعَ اللهُ لَنَا عَشرَ خِصَالٍ لَم يَجتَمِعنَ لِأَحَدٍ قَبلَنَا وَ لَا تَكُونُ لِأَحَدٍ غَيرِنَا: العِلمُ وَ الحِلمُ وَ الحُكمُ وَ اللُّبُّ وَ النُّبُوَّةُ وَ الشَّجَاعَةُ وَ الصِّدقُ

---

۱. نساء، ۱

وَالصَّبرُ وَ الطَّهارَةُ وَ العِفافُ ، فَنَحنُ کَلِمَةُ التَقوَی وَ سَبیلُ الهُدَی وَ المَثَلُ الأَعلَی وَالحُجَّةُ العُظمَی وَ العُروَةُ الوُثقی وَ الحَقُّ الَّذِی أَمَرَ اللهُ فِی المَوَدَّةِ ﴿ **فَمَا ذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلاَّ الضَّلاٰلُ فَأَنَّی تُصْرَفُونَ**[۱] ﴾.

ما اهل ایمان به خداوندیم و ملاک و کمال بر حق ایمان به اوییم که کارهای نیک به ما استوار می‌گردد و ما سفارش خداوند در میان پیشینیان و آیندگانیم و نگهبان بر آفریدگان خدا از ماست و ما سوگند خداییم که به ما سوگند یاد کرد؛ آنجا که می‌فرماید: «بپرهیزید از بازخواست خدایی که از یکدیگر تقاضا می‌کنید که به او سوگند یاد کنید و بترسید از عذاب آن پروردگار دربارهٔ ارحام و قطع رحم نکنید و بدانید که خداوند نگهبان شماست.» ای مردم! همانا خداوند ما اهل بیت را مصون داشت از این‌که فریفته یا فریبنده یا فتنه‌گر یا پیشگو یا جادوگر یا ظاهرساز یا خیانتکار یا سرزنشگر یا بدعتگر یا شکاک باشیم یا از خلق دوری گزینیم و نفاق ورزیم. هر که چیزی از این خصلت‌ها در او باشد، از ما نیست و ما از او نیستیم و خداوند از او بیزار است و ما از او بیزاریم و هر که را خدا از او بیزار شود، به جهنم در می‌آورد که چه بد جایگاهی است! همانا خداوند ما اهل بیت را از هر ناپاکی پاک گرداند و از این رو ما راستگویانیم چون به سخن آییم و دانایانیم چون پرسیده شویم و نگاه دارندگانیم برای آن‌چه به امانت داریم. خداوند برای ما ده خصلت را جمع آورد که پیش از ما برای هیچ کس جمع نیامده و دیگر نخواهد آمد: دانش و بردباری و حکمت و خردمندی و پیام‌آوری و دلیری و راستی و صبر و پاکی و پاکدامنی؛ پس ما کلمه پرهیزکاری و راه هدایت و نمونه و حجت و ریسمان استوار هستیم که خداوند به دوستی ما فرمان داده است «و بعد از حق جز گمراهی چیست، پس چگونه [از راه راست] برگردانده می‌شوید؟

---

۱. یونس، ۳۲.

وَ مِن سُورَةِ النَّملِ

(سورۀ نمل، آیۀ ۶۰ ـ ۶۴)

﴿ أَمَّنْ خَلَقَ السَّماٰواٰتِ وَ الأَرضِ وَ أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّماٰءِ ماٰءً * أَمَّنْ جَعَلَ الأَرضَ قَراٰرًا وَ جَعَلَ خِلاٰلَهاٰ أَنْهاٰرًا * أَمَّنْ يُجيبُ الْمُضْطَرَّ إِذاٰ دَعاٰهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفاٰءَ الأَرْضِ أَ إِلٰهٌ مَعَ اللهِ قَليلاً ماٰ تَذَكَّرُونَ * أَمَّنْ يَهْديكُمْ في ظُلُماٰتِ الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ * أَمَّنْ يَبْدَؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعيدُهُ قُلْ هاٰتُوا بُرْهاٰنَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صاٰدِقينَ ﴾

بلکه کسی [بهتر است] که آسمان‌ها و زمین را آفرید و برای شما از آسمان آبی فرو فرستاد... بلکه کسی [بهتر است] که زمین را قرارگاهی [برای انسان] قرار داد و در میان آن رودهایی پدید آورد... بلکه کسی [بهتر است] که درمانده را اجابت می‌کند، هرگاه که او را بخواند، و بدی را از وی برطرف می‌سازد، و شما را جانشینان در زمین قرار می‌دهد. آیا با خدا معبودی [دیگر] است؟ اندکی پند می‌گیرید. بلکه کسی [بهتر است] که شما را در تاریکی‌های خشک و دریا راه می‌نماید، بلکه کسی [بهتر است] که آفرینش را آغاز می‌کند، سپس آن را باز می‌گرداند، بگو: اگر راست می‌گویید، دلیل خود را بیاورید.

۲۷۷ . القَاسِمُ بنُ حَمَّادٍ الدَّلّالِ مُعنعَنًا: عَن أَبی جعفَرٍ عليه السلام قَالَ: لَمّا نَزَلت خَمسُ آیَاتٍ ﴿ أَمَّنْ خَلَقَ السَّماٰوٰاتِ وَ الأَرضِ وَ أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّماٰءِ ماٰءً ﴾ إِلَى قَولِهِ ﴿ إِنْ كُنْتُمْ صٰادِقِينَ ﴾ وَ عَلِيُّ بنُ أَبی طالِبٍ عليه السلام إِلَى جَنبِ رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله فَانتَفَضَ إِنتِفَاضَ العُصفُورِ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: مَا لَكَ يَا عَلِيُّ؟! قَالَ: عَجِبتُ مِن جُرأَتِهِم عَلَى اللهِ وَ حِلمِ اللهِ عَنهُم. قَالَ: فَمَسَحَهُ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله ثُمَّ قَالَ: أَبشِر يَا عَلِيُّ فَإِنَّهُ لا يُحِبُّكَ مُنَافِقٌ وَ لَا يُبغِضُكَ مُؤمِنٌ وَ لَو لَا أَنتَ لَم يُعرَف حِزبُ اللهِ وَ حِزبُ رَسُولِهِ.

قاسم بن حمّاد دلّال گفت: امام محمّد باقر عليه السلام فرمود: زمانی که پنج آیهٔ مذکور نازل شد، حضرت علی عليه السلام درکنار رسول خدا صلى الله عليه وآله بود که ناگهان چون لرزش گنجشک بر خود لرزید. رسول خدا صلى الله عليه وآله به او فرمود: ای علی! چه شده است؟ حضرت علی عليه السلام فرمود: از گستاخی آنان بر خداوند و بردباری خداوند در برابر آنان تعجب کردم. در این هنگام رسول خدا صلى الله عليه وآله از وی دلجویی کرد و فرمود: ای علی! مژده باد تو را که هیچ منافقی تو را دوست نمی‌دارد و هیچ مؤمنی تو را دشمن نمی‌دارد. ای علی! اگر تو نبودی، حزب خدا و حزب رسولش شناخته نمی‌شدند.

(سورهٔ نمل، آیهٔ ۸۲)

﴿ وَ إِذٰا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنٰا لَهُمْ دٰابَّةً مِنَ الأَرضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النّٰاسَ كٰانُوا بِآيٰاتِنٰا لاٰ يُوقِنُونَ ﴾

و هرگاه آن سخن (وعدهٔ عذاب) بر آنان (کافران) واقع شود، جنبنده‌ای را از زمین برای آنان بیرون می‌آوریم که با آن‌ها سخن می‌گوید که: مردم به آیات ما یقین نمی‌کردند.

۲۷۸ . عَن خَيثَمَةَ الجُعفِيِّ قَالَ: دَخَلتُ عَلَى أَبی جَعفَرٍ عليه السلام فَقَالَ لِي: يَا خَيثَمَةُ أَبلِغ مَوَالِينَا مِنَّا السَّلَامَ وَ أَعلِمهُم أَنَّهُم لَن يَنَالُوا مَا عِندَ اللهِ إِلَّا بِالعَمَلِ، وَ لَن يَنَالُوا وَلَايَتَنَا إِلَّا بِالوَرَعِ، يَا خَيثَمَةُ لَيسَ يَنتَفِعُ مَن لَيسَ مَعَهُ وَلَايَتُنَا وَ لَا مَعرِفَتُنَا أَهلَ البَيتِ، وَاللهِ إِنَّ الدَّابَّةَ

لَتخرُجُ فتُكَلِّمُ النَّاسَ مُؤمِنٌ وَ كَافِرٌ وَ إِنَّهَا تَخرُجُ مِن بَيتِ اللهِ الحَرَام فَلَيسَ يَمُرُّ بِهَا يَعنِى مِنَ الخَلقِ مُسلِمِينَ مُؤمِنِينَ وَ إِنَّمَا كَفَرُوا بِـوَلاَيَتِنَا ﴿ لا يُوقِنُونَ ﴾ يَـا خَـيثَمَةُ ﴿ كـانُوا بآياتِنا ﴾ لا يُقِرُّونَ.

يَا خَيثَمَةُ اللهُ الإِيمَانُ وَ هُوَ قَولُهُ: ﴿ اَلمُؤمِنُ المُهَيمِنُ[1] ﴾ وَ نَحنُ أَهـلُهُ وَ فِـينَا مَسكَـنُهُ يَعنِى الإِيمَانَ وَ مِنَّا يُشَعَّبُ وَ مِنَّا عُرِفَ الإِيمَانُ وَ نَحنُ الإِسـلاَمُ وَ بِـنَا عُـرِفَ شَـرَائِعُ الإِسلَام وَ بِنَا تُشَعَّبُ.

يَا خَيثَمَةُ مَن عَرَفَ الإِيمَانَ وَ اتَّصَلَ بِهِ لَم تُنَجِّسهُ الذُّنُوبُ كَمَا أَنَّ المِصبَاحَ يُضِيءُ وَ يُـنفِذُ النُّورَ وَ لَيسَ يَنقُصُ مِن ضَوئِهِ شَيءٌ كَذَلِكَ مَن عَرَفَنَا وَ أَقَرَّ بِوَلاَيَتِنَا غَفَرَ اللهُ لَهُ ذُنُوبَهُ.

خیثمه جعفی گفت: خدمت امام محمّد باقر ﷺ رسیدم. ایشان به من فرمود: ای خیثمه! سلام ما را به دوستانمان برسان و آگاهشان ساز که تنها با عمل می‌توانند به ثواب‌هایی که نزد خداوند است، دست یابند و تنها با پارسایی به ولایت ما دست می‌یابند. ای خیثمه! کسی که ولایت ما و شناخت ما اهل بیت را ندارد، سود و بهره‌ای نمی‌برد. به خدا سوگند وقتی آن جنبنده از خانهٔ کعبه بیرون آید، با مردم مؤمن و کافر سخن می‌گوید، اما از کسانی که بر ایشان می‌گذرد، مسلمانان مؤمن را منظور ندارد، بلکه کسانی را منظور دارد که به ولایت ما کفر ورزیده‌اند، کسانی که «یقین نمی‌کردند» ای خیثمه! و «به آیات ما» اقرار نمی‌کردند.

ای خیثمه! خداوند ایمان است که خود را در قرآن مؤمن و مهیمن نامیده است و ما اهل او و مسکن ایمانیم و ایمان از ما شعبه می‌گیرد و به وسیلهٔ ما شناخته می‌شود و ما اسلامیم و احکام اسلام به وسیلهٔ ما شناخته می‌شود و از ما شعبه می‌گیرد.

ای خیثمه! هر که ایمان را بشناسد و به آن بپیوندد، گناهان او را ناپاک نمی‌گرداند، همان‌گونه که چراغ می‌تابد و نور می‌افکند و هیچ چیز از روشنایی آن نمی‌کاهد، هرکس ما را بشناسد و به ولایت ما اقرار کند، خداوند گناهانش را می‌آمرزد.

---

۱. حشر، ۲۴

(سورهٔ نمل، آیهٔ ۸۹ ـ ۹۰)

﴿ مَنْ جٰاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهٰا وَهُمْ مِنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ * وَ مَنْ جٰاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِي النّٰارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلاّٰ مٰا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴾

هرکس نیکی آوَرَد برای او [پاداشی] بهتر از آن است، و آنان در آن روز از هراس ایمن هستند. و هرکس بدی آوَرَد، چهره‌هایشان در آتش واژگون شود. آیا جز آن‌چه انجام می‌دادید جزا داده می‌شوید؟

۲۷۹. عَنِ الأَصبَغِ بنِ نُبَاتَةَ عَن عَلِيِّ بنِ أَبی طالِبٍ علیه السلام فِی قَولِهِ تَعالَی: ﴿ وَ هُمْ مِنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ ﴾ قالَ: فَقالَ: یا أَصبَغُ ما سَأَلَنی أَحَدٌ عَن هَذِهِ الآیَةِ وَ لَقَد سَأَلتُ رَسُولَ اللهِ صلی الله علیه و آله کَما سَأَلتَنی فَقالَ لِی: سَأَلتُ جَبرَئیلَ عَنها فَقالَ: یا مُحَمَّدُ إِذا کانَ یَومُ القِیامَةِ حَشَرَکَ اللهُ أَنتَ وَ أَهلَ بَیتِکَ وَ مَن یَتَوَلّاکَ وَ شیعَتَکَ حَتَّی یَقِفُوا بَینَ یَدَیِ اللهِ فَیَستُرُ اللهُ عَورَاتِهِم وَ یُؤمِنُهُم مِنَ الفَزَعِ الأَکبَرِ بِحُبِّهِم لَکَ وَ لِأَهلِ بَیتِکَ وَ لِعَلِیِّ بنِ أَبی طالِبٍ. قالَ: جَبرَئیلُ أَخبَرَنی فَقالَ: یا مُحَمَّدُ مَنِ اصطَنَعَ إِلَی أَهلِ بَیتی مَعرُوفاً کافَیتُهُ یَومَ القِیامَةِ یا عَلِیُّ شیعَتُکَ وَاللهِ آمِنُونَ فَرِحُونَ فَیَشفَعُونَ فَیُشَفَّعُونَ ثُمَّ قَرَأَ: ﴿ فَلاٰ أَنْسٰابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَ لاٰ يَتَسٰاءَلُونَ ﴾[1].

اصبغ بن نباته گفت: حضرت علی علیه السلام دربارهٔ کلام خداوند متعال «و آن‌ها در آن روز از هراس ایمن هستند» فرمود: ای اصبغ! هیچ کس از من تفسیر این آیه را نپرسیده و همچنان که تو امروز از من پرسیدی، من از رسول خدا صلی الله علیه و آله تفسیرش را پرسیدم، ایشان فرمود: من از جبرئیل دربارهٔ آن پرسیدم، او گفت: ای محمّد! روز قیامت که برپا شود، خداوند تو و اهل بیتت و دوستان و شیعیانت را محشور می‌سازد تا برابر خدا بایستند. آن‌گاه خداوند عیوب آن‌ها

---

۱. مؤمنون، ۱۰۱

را می‌پوشاند و آن‌ها را به‌دلیل دوستی تو و اهل بیت تو و به خاطر علی بن ابی‌طالب ﷺ از هراس بزرگ ایمن می‌سازد.

پیامبر ﷺ فرمود: جبرئیل مرا باخبر ساخت و گفت: ای محمّد! هر که به اهل بیت تو نیکی کند، در روز قیامت من او را بسنده‌ام.

ای علی! به خدا سوگند شیعیان تو شادمان و در امان‌اند، شفاعت می‌کنند و شفاعت آنان پذیرفته می‌شود. سپس این آیه را تلاوت فرمود: «در آن روز میان آن‌ها خویشاوندی نخواهد بود و از [حال] یکدیگر سؤال نمی‌کنند.»

۲۸۰. عَن أَبی‌عَبدِ اللهِ الجَدَلِیّ: عَن أَمیرِ المُؤمِنینَ عَلِیٍّ ﷺ قالَ: قالَ لی یا أَباعَبدِ اللهِ أَلا أُخبِرُكَ بِالحَسَنَةِ الَّتی مَن جاءَ بِها أَمِنَ مِن فَزَعِ یَومِ القِیامَةِ؟ حُبُّنا أَهلَ البَیتِ ثُمَّ قالَ: أَلا أُخبِرُكَ بِالسَّیِّئَةِ الَّتی مَن جاءَ بِها أَكَبَّهُ اللهُ عَلی وَجهِهِ فی نارِ جَهَنَّمَ؟ بُغضُنا أَهلَ البَیتِ. ثُمَّ تَلا أَمیرُ المُؤمِنینَ ﷺ: ﴿**مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَیْرٌ مِنْها وَ مَنْ جاءَ بِالسَّیِّئَةِ فَكُبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِی النّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلاّ ما كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ**﴾.

عبد الله جدلی گفت: امیرمؤمنان حضرت علی ﷺ به من فرمود: ای ابا عبد الله! آیا تو را از کار نیکی آگاه سازم که هر که آن را با خود بیاورد از هراس روز قیامت امان یابد؟ آن کار نیک، دوستی ما اهل بیت ﷺ است. سپس فرمود: آیا تو را از کار بدی آگاه سازم که هر که آن را با خود بیاورد، خداوند او را با صورت در آتش دوزخ واژگون خواهد کرد؟ آن کار، دشمنی با ما اهل بیت است. سپس امیرمؤمنان این آیه را تلاوت فرمود: «هرکس نیکی آوَرَد برای او [پاداشی] بهتر از آن است، و هرکس بدی آوَرَد، چهره‌هایشان در آتش واژگون شود. آیا جز آن‌چه انجام می‌دادید جزا داده می‌شوید؟»

وَ مِن سُورَةِ القِصَصِ

(سورهٔ قصص، آيهٔ ۵ ـ ۶)

﴿ وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوٰارِثِينَ * وَ نُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِيَ فِرْعَوْنَ وَ هٰامٰانَ وَ جُنُودَهُمٰا مِنْهُمْ مٰا كٰانُوا يَحْذَرُونَ ﴾

و ما می‌خواهیم بر کسانی که در آن سرزمین ضعیف شمرده شده‌اند، منّت نهیم و آنان را پیشوایان قرار دهیم و آنان را وارثان گردانیم. و در زمین به آنان قدرت دهیم و از آنان (بنی‌اسرائیل) به فرعون و هامان و لشکریانشان آن‌چه راكه از آن می‌ترسیدند، نشان می‌دهیم.

۲۸۱ . عَن أَبی المُغِيرَةِ قَالَ: قَالَ عَلِيٌّ عليه السلام: فِينَا نَزَلت هَذِهِ الآيَةِ **﴿ وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوٰارِثِينَ ﴾**.

ابی‌مغیره گفت: حضرت علی عليه السلام فرمود: این آیه دربارهٔ ما نازل شد.

۲۸۲ . قَالَ: حَدَّثَنَا الحُسَينُ بنُ سَعِيدٍ عَن عَلِيٍّ عليه السلام قَالَ: مَن أَرَادَ أَن يَسأَلَ عَن أَمرِنَا وَ أَمرِ القَومِ فَأَنَا وَ أَشيَاعُنَا يَومَ خَلقِ السَّمَاوَاتِ وَالأَرضِ عَلَى سُنَّةِ مُوسَى وَ أَشيَاعِهِ وَ إِنَّ عَدُوَّنَا يَومَ خَلقِ السَّمَاوَاتِ وَ الأَرضِ عَلَى سُنَّةِ فِرعَونَ وَ أَشيَاعِهُ فَليَقرَأ هَؤُلَاءِ الآيَاتِ مِن أَوَّلِ

السُّورَةِ إِلَى قَولِه: ﴿ يَحْذَرُونَ ﴾ ، وَ إِنِّي أُقسِمُ بِاللهِ الَّذِي فَلَقَ الحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسمَةَ الَّذِي أَنزَلَ الكِتَابَ عَلَى مُحَمَّدٍ ﷺ صِدقًا وَ عَدلًا لِيَعطِفَنَّ عَلَيكُم هَؤلاءِ عَطفَ الضَّرُوسِ عَلَى وُلدِهَا.

حسین بن سعید گفت: حضرت علی علیه السلام فرمود: هر که می‌خواهد دربارهٔ امر ما و امر این قوم بپرسد، همانا من و شیعیان ما در روزی که آسمان‌ها و زمین خلق شدند، بر سنّت موسی و شیعیانش آفریده شدیم و دشمنان ما در روزی که آسمان‌ها و زمین خلق شدند، بر سنّت فرعون و یارانش آفریده شدند؛ اگر این آیات از آغاز سوره تا «یحذرون» قرائت شود؛ به خدایی که دانه را شکافت و موجودات را آفرید و کتاب را بر حضرت محمّد ﷺ به راستی و عدالت نازل فرمود، سوگند یاد می‌کنم که هر آینه این آیات همچون مهر بر فرزندان بر شما مهر ورزد.

۲۸۳. عَن ثُوَيرِ بنِ أَبِي فَاخِتَةَ قَالَ: قَالَ لِي عَلِيُّ بنُ الحُسَينِ علیهما السلام: أَتَقرَأُ القُرآنَ؟ قَالَ: قُلتُ: نَعَم، قَالَ: فَاقرَأ طَسم سُورَةَ مُوسَى وَ فِرعَونَ، قَالَ: فَقَرَأتُ أَربَعَ آيَاتٍ مِن أَوَّلِ السُّورَةِ إِلَى قَولِهِ ﴿ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ﴾ قَالَ لِي: مَكَانَكَ حَسبُكَ وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالحَقِّ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا إِنَّ الأَبرَارَ مِنَّا أَهلَ البَيتِ وَ شِيعَتَنَا كَمَنزِلَةِ مُوسَى وَ شِيعَتِهِ.

ثویر بن ابی فاخته گفت: امام سجاد علیه السلام به من فرمود: آیا قرآن می‌خوانی؟ عرض کردم: بلی. فرمود: طسم سوره موسی و فرعون را بخوان. چهار آیه از اول سوره را تا «آنان را وارثان گردانیم» خواندم. آن گاه امام علیه السلام به من فرمود: تا همین جا بس است، سوگند به خدایی که محمّد ﷺ را به حق، بشارت‌دهنده برانگیخت، همانا نیکان ما اهل بیت و شیعیانمان همانند موسی و شیعیانش هستیم.

(سورهٔ قصص، آیهٔ ۴۴)

﴿ وَ مَا كُنْتَ بِجَانِبِ الْغَرْبِيِّ إِذْ قَضَيْنَا إِلَىٰ مُوسَى الْأَمْرَ ﴾

و هنگامی که امر [رسالت] را به موسی وحی کردیم، تو در طرف غربی [کوه طور] نبودی.

۲۸۴. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ مِثلُهُ و زَادَ فِيهِ فِي الوِصَايَةِ وَ حَدَّثَهُ بِمَا كَانَ وَ مَا هُوَ كَائِنٌ فَقالَ ابنُ عَبَّاسٍ وَ قَد حَدَّثَ نَبِيَّهُ بِمَا هُوَ كَائِنٌ وَ حَدَّثَهُ بِإختِلافِ هَذِهِ الأُمَّةِ مِن بَعدِهِ فَمَن زَعِمَ أَنَّ رَسُولَ اللهِ ﷺ مَاتَ بِغَيرِ وَصِيَّةٍ فَقَد كَذَبَ وَ جَهِلَ نَبِيَّهُ.

ابن عباس در حديثى دربارهٔ امر وصايت گفت: خداوند براى پيامبرش از آن‌چه كه رخ داده بود و رخ مى‌داد و از اختلافى كه پس از ايشان ميان امتش به وجود آمد، سخن گفته بود؛ پس هر كه گمان كند رسول خدا ﷺ بدون هيچ وصيّتى درگذشته است، دروغ گفته و پيامبرش را نشناخته است.

۲۸۵. عَن عَدِيِّ بنِ ثَابِتٍ الأَنصَارِيِّ قَالَ: قَالَ ابنُ عَبَّاسٍ فِي قَولِ اللهِ: ﴿ **وَ مٰا كُنْتَ بِجٰانِبِ الْغَرْبِيِّ إِذْ قَضَيْنٰا إِلىٰ مُوسَى الْأَمْرَ وَ مٰا كُنْتَ مِنَ الشّٰاهِدِينَ** ﴾ قَالَ: قَضَى إِلَيهِ بِالوَصِيَّةِ إِلَى يُوشَعَ بنِ نُونٍ وَ أَعلَمَهُ أَنَّهُ لَم يَبعَث نَبِيًّا إِلَّا وَ قَد جَعَلَ لَه وَصِيًّا وَ إِنِّي بَاعِثٌ نَبِيًّا عَرَبِيًّا وَ جَاعِلُ وَصِيِّهُ عَلِيًّا. قَالَ ابنُ عَبَّاسٍ: فَمَن زَعِمَ أَنَّ رَسُولَ اللهِ ﷺ لَم يُوصِ فَقَد كَذَبَ عَلَى اللهِ وَ جَهِلَ نَبِيَّهُ وَ قَد أَخبَرَ اللهُ نَبِيَّهُ بِمَا هُوَ كَائِنٌ إِلَى يَومِ القِيَامَةِ.

ابن عباس گفت: در اين آيه به حضرت موسى ﷺ امر وصايت يوشع‌بن نون وحى گرديد و خداوند او را آگاه ساخت كه هيچ پيامبرى برانگيخته نمى‌شود مگر آن‌كه خداوند براى او وصى قرار مى‌دهد و همانا خداوند پيامبرى عربى را برمى‌انگيزد و على ﷺ را وصىّ او قرار مى‌دهد. ابن‌عباس گفت: پس هر كه گمان كند رسول‌خدا ﷺ وصيت نكرده است، به راستى بر خدا دروغ بسته و پيامبرش را نشناخته است؛ چراكه خداوند پيامبرش را از آن‌چه كه تا به روز قيامت رخ دهد، خبر داده است.

(سورهٔ قصص، آيهٔ ۴۶)

﴿ وَ مٰا كُنْتَ بِجٰانِبِ الطُّورِ إِذْ نٰادَيْنٰا ﴾

و هنگامى كه [موسى را] ندا داديم در كنار [كوه] طور نبودى.

۲۸۶. عَن أَبی‌سَعِیدٍ المَدَائِنِیِّ قَالَ: قُلتُ لِأَبی عَبدِ اللهِ علیه‌السلام مَا مَعنَی قَولِهِ: ﴿ **وَ ما کُنْتَ بِجانِبِ الطُّورِ إِذْ نادَیْنا** ﴾ قَالَ: کِتَابُ کَتَبَهُ اللهُ یَا أَبَا سَعِیدٍ فِی وَرَقَةٍ آسُ اسمُهُ قَبلَ أَن یَخلُقَ الخَلقَ بِأَلفَی عَامٍ ثُمَّ صَیَّرَهَا مَعَهُ فِی عَرشِهِ أَو تَحتَ عَرشِهِ فِیهَا: یَا شِیعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ قَد أَعطَیتُکُم قَبلَ أَن تَسأَلُونِی وَ غَفَرتُ لَکُم قَبلَ أَن تَستَغفِرُونِی وَ مَن أَتَانِی مِنکُم بِوَلَایَةِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَسکَنتُهُ جَنَّتِی بِرَحمَتِی.

ابی‌سعید مدائنی گفت: به امام جعفر صادق علیه‌السلام عرض کردم: معنی «و هنگامی که موسی را ندا دادیم در کنار طور نبودی» چیست؟ امام علیه‌السلام فرمود: ای اباسعید! منظور از آن نوشته‌ای است که خدا آن را در ورقه‌ای به‌نام آس دو هزار سال پیش از آن‌که خلق را بیافریند، نگاشت و سپس آن را با خود در عرشش و یا به زیر عرشش قرار داد، بر آن نوشته است: ای شیعیان خاندان محمّد! پیش از آن‌که از من بخواهید، به شما عطا کرده‌ام و پیش از آن‌که از من آمرزش بخواهید، شما را آمرزیده‌ام، هر کس از شما با ولایت محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله و خاندان محمّد علیهم‌السلام نزد من آید، او را با رحمت خود در بهشتم جای می‌دهم.

وَ مِن سُورَةِ العَنكَبُوتِ

(سورهٔ عنكبوت، آيهٔ ۱ ـ ۲)

﴿ الم * أَ حَسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لاٰ يُفْتَنُونَ ﴾

الف لام میم. آیا مردم پنداشتند که اگر بگویند «ایمان آوردیم» رها می‌شوند و آزمایش نمی‌شوند؟

۲۸۷. عَن جَابِرِ بنِ عَبدِ اللهِ الأَنصَارِيّ قَالَ: كُنَّا جُلُوسًا عِندَ رَسُولِ اللهِ ﷺ إذ أَقبَلَ عَلِيٌّ عليه السلام فَلَمَّا نَظَرَ إِلَيهِ النَّبِيُّ ﷺ قَالَ: الحَمدُ لِلّهِ رَبِّ العَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ. قَالَ: قُلنَا: صَدَّقتَ يَا رَسُولَ اللهِ الحَمدُ لِلّهِ رَبِّ العَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ قَد ظَنَنَّا أَنَّكَ لَم تَقُلهَا إِلَّا بِعَجَبٍ مِن شَيءٍ رَأَيتَهُ. قَالَ: نَعَم لَمَّا رَأَيتُ عَلِيًّا مُقبِلًا ذَكَرتُ حَدِيثًا حَدَّثَنِي حَبِيبِي جَبرَئِيلُ عليه السلام، قَالَ: قَالَ: إِنِّي سَأَلتُ اللهَ أَن يَجمَعَ الأُمَّةُ عَلَيهِ فَأَبَى عَلَيهِ إِلَّا أَن يَبلُوَ بَعضَهُم بِبَعضٍ حَتَّى يَمِيزَ الخَبِيثُ مِنَ الطَّيِّبِ وَ أَنزَلَ عَلَينَا بِذَلِكَ كِتَابًا: ﴿ الم * أَ حَسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لاٰ يُفْتَنُونَ * وَ لَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ لَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ ﴾ الآيَةَ، أَمَا أَنَّهُ قَد عَوَّضَهُ مَكَانَهَا بِسَبعِ خِصَالٍ: يَلِي سِترَ عَورَتِكَ وَ يَقضِي دَينَكَ وَ عِدَاتَكَ وَ هُوَ مَعَكَ عَلَى عَقرِ حَوضِكَ، وَ هُوَ مِشكَاةٌ لَكَ يَومَ القِيَامَةِ، وَ لَن يَرجِعَ كَافِرًا بَعدَ إِيمَانٍ وَ لَا زَانٍ بَعدَ إِحصَانٍ فَكَم مِن ضِرسٍ قَاطِعٍ لَهُ فِي الإِسلَامِ مَعَ

الْقِدَمِ فِی الإِسلامِ وَ العِلمِ بِکَلَامِ اللهِ وَ الفِقهِ فِی دِینِ اللهِ مَعَ الصِّهرِ وَ القَرَابَةِ وَ النَّجدَةِ فِی الحَربِ وَ بَذلِ المَاعُونِ وَ الأَمرِ بِالمَعرُوفِ وَ النَّهیِ عَنِ المُنکَرِ وَ الوَلَایَةِ لِوَلِیِّی وَ العَدَاوَةِ لِعَدُوِّی بَشِّرهُ یَا مُحَمَّدُ بِذَلِکَ.

جابربن عبدالله انصاری گفت: نزد رسول خدا ﷺ نشسته بودیم که حضرت علی ﷺ آمد. پیامبر به او نگاه کرد و فرمود: سپاس و ستایش از آنِ خداوندی است که پروردگار جهانیان است و هیچ شریکی ندارد. ما عرض کردیم: گمان می‌کردیم تنها زمانی این سخن را می‌گویید که از چیزی که دیده‌اید تعجب کرده‌اید. فرمود: بله؛ وقتی علی ﷺ را دیدم که می‌آید، به یاد سخنی افتادم که دوستم جبرئیل ﷺ برایم گفت. او گفت: من از خدا خواستم که این امت را بر امامت او گرد آورد، امّا او نپذیرفت تا برخی از آنان را به برخی دیگر بیازماید تا پلید از پاک جدا گردد و در این امر آیه‌ای بر ما نازل فرمود: «الف لام میم. آیا مردم پنداشتند که اگر بگویند "ایمان آوردیم" رها می‌شوند و آزمایش نمی‌شوند؟ و بی‌تردید کسانی را که پیش از آنان بودند، آزمودیم؛ پس مسلّماً خداوند کسانی را که راست گفتند، می‌شناسد و قطعاً دروغگویان را [نیز] می‌شناسد.» اما به جای آن هفت خصلت را به او عطا کرد: این‌که عورت تو را (به هنگام مرگ) بپوشاند و قرض و قول تو را ادا کند و بر حوض تو همراه تو باشد و در روز قیامت مشکاتی برای تو باشد و هرگز پس از ایمان به کفر نگراید و هرگز پس از پاکدامنی به غیر آن نباشد و در راه اسلام چه بسیار تیغ برّان دارد و در این راه پیشگام است و به کلام خدا عالم است و در دین خدا فقیه است و این همه افزون است بر دامادی و خویشاوندی و یاری در جنگ و بخشیدن اموال و امر به معروف و نهی از منکر و دوستی با دوست من و دشمنی با دشمن من؛ ای محمّد! او را بر این امر مژده بده.

۲۸۸. عَنِ السُّدِیِّ فِی قَولِهِ: ﴿ **الم ﴿ أَ حَسِبَ النّاسُ أَنْ یُتْرَکُوا أَنْ یَقُولُوا آمَنّا وَ هُمْ لاٰ یُفْتَنُونَ** ﴾

وَ لَقَدْ فَتَنَّا الَّذينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللهُ الَّذينَ صَدَقُوا وَ لَيَعْلَمَنَّ الْكاذِبينَ ﴾ قالَ: الَّذِينَ صَدَقُوا عَلِيٌّ وَ أَصحَابُهُ.

سدی دربارهٔ این آیه گفت: کسانی که راست گفتند، حضرت علی ﷺ و اصحاب ایشان‌اند.

(سورهٔ عنکبوت، آیهٔ ۵ ـ ۶)

﴿ مَنْ كانَ يَرْجُوا لِقاءَ اللهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللهِ لَآتٍ وَ هُوَ السَّميعُ الْعَليمُ * وَ مَنْ جاهَدَ فَإِنَّما يُجاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعالَمينَ ﴾

هرکس امید ملاقات خدا (برانگیخته شدن) را دارد [بداند که] اجل خدا (مدّتی راکه خدا تعیین کرده) آمدنی است، و او شنوای داناست. هرکس [با نفس خود و دشمنان دین] جهاد کند، تنها به سود خویش جهاد می‌کند، به راستی خداوند از جهانیان بی‌نیاز است.

۲۸۹. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ فِی هَذِهِ الآيَةِ: ﴿ مَنْ كانَ يَرْجُوا لِقاءَ اللهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللهِ لَآتٍ وَ هُوَ السَّميعُ الْعَليمُ ﴾ نَزَلَت فِی بَنِی‌هاشِمِ مِنهُم حَمزةُبنُ عَبدِالمُطَّلِبِ وَ عُبَيدَةُبنُ الحارِثِ وَ فِيهِم نَزَلَت ﴿ وَ مَنْ جاهَدَ فَإِنَّما يُجاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعالَمينَ ﴾.

ابن عباس گفت: این آیات دربارهٔ بنی‌هاشم که حمزةبن عبدالمطلب و عبیدة بن حارث از ایشان است، نازل گشت.

(سورهٔ عنکبوت، آیهٔ ۱۸)

﴿ وَ ما عَلَى الرَّسُولِ إِلاَّ الْبَلاغُ الْمُبينُ ﴾

و بر پیامبر جز رساندن آشکار [پیام] نیست.

۲۹۰. عَنِ ابنِ عُمَرَ قالَ: سَمِعتُ رَسُولَ اللهِ ﷺ يَقُولُ فِی خُطبَتِهِ: أَيُّها النّاسُ لا تَسُبُّوا عَلِيًّا وَلَا تَحسُدُوهُ فَإِنَّهُ وَلِيُّ كُلِّ مُؤمِنٍ وَ مُؤمِنَةٍ بَعدِی فَأَحِبُّوهُ بِحُبِّی وَ أَكرِمُوهُ لِكَرامَتِی وَأَطِيعُوهُ لِلّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ استَرشِدُوهُ تَوَفَّقُوا وَ تَرشُدُوا فَإِنَّه الدَّلِيلُ لَكُم عَلَى اللهِ بَعدِی

فَقَد بَیَّنتُ لکُم أَمرَ عَلِیٍّ فاعقِلُوهُ ﴿ وَ ما عَلَی الرَّسُولِ إلاّ الْبَلاٰغُ الْمُبِینُ ﴾.

ابن عمر گفت: از رسول خدا ﷺ شنیدم که در خطبه‌اش می‌فرمود: ای مردم! به علی ؑ ناسزا نگویید و به او حسادت نکنید که او پس از من ولی هر مرد و زن مؤمنی است؛ پس به دوستی من او را دوست بدارید و از برای گرامی داشتن من او را گرامی دارید و از برای خدا و رسولش از او فرمان برید و از او هدایت جویید تا پیروز شوید و هدایت شوید که او پس از من راهنمای شما به سوی خداست. من امر علی ؑ را برایتان آشکار گرداندم، پس در آن بیندیشید «و بر پیامبر جز رساندن آشکار [پیام] نیست».

(سورهٔ عنکبوت، آیهٔ ۴۳ و ۴۹)

﴿ وَ تِلْکَ الْأَمْثٰالُ نَضْرِبُهٰا لِلنّٰاسِ وَ مٰا یَعْقِلُهٰا إلاّ الْعٰالِمُونَ * بَلْ هُوَ آیٰاتٌ بَیِّنٰاتٌ فِي صُدُورِ الَّذینَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَ مٰا یَجْحَدُ بِآیٰاتِنٰا إلاّ الظّٰالِمُونَ ﴾

و این مثل‌ها را برای مردم می‌زنیم و جز عالمان آن را در نمی‌یابند. ...بلکه آن آیات روشنی است در سینه‌های کسانی که به آنان علم داده شده است و جز ستمکاران آیات ما را انکار نمی‌کنند.

۲۹۱. عَن زِیدِبنِ سَلام الجُعفِیِّ قالَ: دَخَلتُ عَلی أَبی جعفرٍ ؑ فَقُلتُ: أَصلَحَكَ اللهُ إنَّ خَیثَمَةَ عَنكَ أَنَّهُ سَأَلَكَ عَن قَولِهِ: ﴿ بَلْ هُوَ آیٰاتٌ بَیِّنٰاتٌ فِي صُدُورِ الَّذینَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَ مٰا یَجْحَدُ بِآیٰاتِنٰا إلاّ الظّٰالِمُونَ ﴾ فَحَدَّثَنی أَنَّكَ حَدَّثتَهُ أَنَّها نَزَلَت فِیكُم وَ أَنَّكُم الَّذِینَ أُوتِیتُم العِلمَ. قالَ: صَدَقَ وَاللهِ خَیثَمَةُ لَهاكَذا حَدَّثتُهُ.

زید بن سلام جعفی گفت: خدمت امام محمّد باقر ؑ رسیدم و عرض کردم: خدایت شایسته داشت! خیثمه می‌گوید که از شما دربارهٔ آیهٔ «بلکه آن آیات روشنی است در سینه‌های کسانی که به آنان علم داده شده است و جز ستمکاران آیات ما را انکار نمی‌کنند» پرسیده است و شما به او چنین

فرموده‌ای که این آیه دربارهٔ شما نازل شده است و شما کسانی هستید که به آن‌ها علم داده شده است. ایشان فرمود: به خدا سوگند که خیثمه راست گفته است و من برایش چنین گفته‌ام.

(سورهٔ عنکبوت، آیهٔ ۶۹)

﴿ وَ الَّذینَ جاهَدُوا فینا لَنَهْدِیَنَّهُمْ سُبُلَنا ﴾

و کسانی که در [راه] ما جهاد کردند، مسلماً آنان را به راه‌هایمان هدایت می‌کنیم.

۲۹۲. فُراتُ عَن أَبی‌جَعفَرٍ علیه السلام فِی قَولِهِ تَعالَی ﴿ وَ الَّذینَ جاهَدُوا فینا لَنَهْدِیَنَّهُمْ سُبُلَنا وَ إِنَّ اللهَ لَمَعَ الْمُحْسِنینَ ﴾ قالَ: نَزَلَت فِینَا أَهلَ البَیتِ.

فرات‌بن ابراهیم گفت: امام محمّد باقر علیه السلام دربارهٔ این آیه فرمود: این آیه دربارهٔ ما اهل بیت نازل شد.

وَ مِن سُورَةِ الرُّومِ

(سورهٔ روم، آیهٔ ۴ و ۵)

﴿ وَ يَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ * بِنَصْرِ اللهِ ﴾

و در این روز مؤمنان شاد می‌شوند، به یاری خدا.

۲۹۳. فُراتُ قالَ: حَدَّثَنِی مُوسَیٰ بنُ عَلِیِّ بنِ مُوسَیٰ بنِ مُحَمَّدِ بنِ عَبدِالرَّحمانِ المُحارِبِیُّ مُعنعَنًا: عَن أَبِی عَبدِاللهِ جعفرِ بنِ مُحَمَّدٍ ﷺ، عَن أَبِیهِ عَن جَدِّهِ قالَ: قالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: مَعاشِرَ النّاسِ تَدرُونَ لِما خُلِقَت فاطِمَةُ؟ قالُوا: اللهُ وَ رَسُولُهُ أَعلَمُ. قالَ: خُلِقَت فاطِمَةُ حَوراءَ إِنسِیَّةً لا إِنسِیَّةً ثُمَّ قالَ: السَّلامُ عَلَیکَ یا رَسُولَ اللهِ وَ رَحمَةُ اللهِ وَ بَرَکاتُهُ، قُلتُ: وَ عَلَیکَ السَّلامُ یا جَبرَئِیلُ فَقالَ: إِنَّ اللهَ أَهدَیٰ إِلَیکَ تُفّاحَةً مِنَ الجَنَّةِ فَأَخَذتُها فَقَبَّلتُها وَ وَضَعتُها عَلَیٰ عَینِی وَ ضَمَمتُها إِلَیٰ صَدرِی ثُمَّ قالَ: یا مُحَمَّدُ کُلها، قُلتُ: یا حَبِیبِی جَبرَئِیلُ هَدِیَّةُ رَبِّی تُؤکَلُ؟ قالَ: نَعَم قَد أُمِرتَ بِأَکلِها فَأَفلَقتُها فَرَأَیتُ مِنها نُورًا ساطِعًا فَفَزِعتُ مِن ذٰلِكَ النُّورِ قالَ: کُل فَإِنَّ ذٰلِكَ نُورُ المَنصُورَةِ فاطِمَةَ. قُلتُ: یا جَبرَئِیلُ وَ مَنِ المَنصُورَةُ؟ قالَ: جارِیَةٌ تَخرُجُ مِن صُلبِكَ وَ اسمُها فِی السَّماءِ المَنصُورَةُ وَ فِی الأَرضِ فاطِمَةُ. فَقُلتُ: یا جَبرَئِیلُ وَ لِمَ سُمِّیَت فِی السَّماءِ مَنصُورَةَ وَ فِی الأَرضِ فاطِمَةَ؟ قالَ: سُمِّیَت فاطِمَةَ فِی الأَرضِ فَطَمَت شِیعَتَها مِنَ النّارِ وَ فُطِمُوا أَعداؤُها عَن

حُبِّهَا وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللهِ فِي كِتَابِهِ ﴿ وَ يَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللهِ ﴾ بِنَصرِ فَاطِمَةَ عليها السلام.

فرات گفت: موسی‌بن علی روایت کرده است: امام جعفر صادق علیه السلام به نقل از پدر بزرگوارش علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای جماعت مردم! آیا می‌دانید فاطمه علیها السلام برای چه آفریده شد؟ عرض کردند: خدا و رسولش بهتر می‌دانند. فرمود: فاطمه علیها السلام فرشته‌ای انسانی آفریده شد و نه انسان. جبرئیل گفت: سلام و رحمت و برکات خداوند بر تو ای رسول خدا! گفتم: و سلام بر تو ای جبرئیل! گفت: خداوند برایت سیبی از بهشت هدیه فرستاده است. من آن سیب را گرفتم و بوسیدم و بر چشم خود گذاشتم و در آغوش گرفتم. جبرئیل گفت: ای محمّد! آن را بخور. گفتم: ای دوست من، جبرئیل! هدیه پروردگارم را بخورم؟ گفت: بله؛ فرمان داده شده‌ای که آن را بخوری. من آن را شکافتم و ناگاه نوری فروزان در میانش دیدم و از آن نور هراسان شدم. جبرئیل گفت: بخور! این نور منصوره فاطمه است. گفتم: ای جبرئیل! منصوره کیست؟ گفت: دختری است که از نسل تو خواهد بود و در آسمان، منصوره و در زمین، فاطمه نام دارد. گفتم: ای جبرئیل! چرا در آسمان منصوره و در زمین فاطمه نامیده شده است؟ گفت: در زمین فاطمه نام گرفته؛ چراکه شیعیانش را از آتش دور می‌دارد و دشمنانش از دوستی‌اش به دور داشته می‌شوند و این کلام خداوند متعال است در کتابش: «و در این روز مؤمنان شاد می‌شوند، به یاری خدا» به نصر و یاری فاطمه علیها السلام.

(سورهٔ روم، آیهٔ ۳۰)

﴿ فِطْرَتَ اللهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا ﴾

با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن آفریده است.

۲۹۴. فُرَاتُ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُبنُ القَاسِمِ‌بنِ عُبَيدٍ مُعَنعَنًا: عَن أَبِي‌عَبدِ اللهِ علیه السلام فِي قَولِهِ

﴿ فِطْرَتَ اللهِ الَّتي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْها ﴾ قالَ: عَلَى التَّوحِيدِ وَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ وَ عَلِيٌّ أَمِيرُ المُؤمِنِينَ عليه السلام.

محمّد بن قاسم‌بن عبید روایت کرده است: امام جعفر صادق عليه السلام دربارهٔ این آیه فرمود: بر سرشت یگانگی خدا و این‌که محمّد صلى الله عليه وآله رسول خداست و علی عليه السلام امیرمؤمنان است.

(سورهٔ روم، آیهٔ ۳۸)

﴿ فَآتِ ذَا الْقُرْبىٰ حَقَّهُ ﴾

پس به خویشاوند حقّش را بده.

۲۹۵. قَالَ: حَدَّثَنا فُراتُ بنُ إبراهِيمَ الكُوفِيُّ مُعنعَنًا: عَن أَبى‌سَعِيدٍ الخُدرِيِّ قالَ: لَمَّا نَزَلَت الآيَةُ ﴿ فَآتِ ذَا الْقُرْبىٰ حَقَّهُ ﴾ دَعا النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله فاطِمَةَ عليها السلام فَأَعطاها فَدَكَ فَقالَ: هٰذالَكِ وَ لِعَقَبِكِ مِن بَعدِكِ.

فرات‌بن ابراهیم روایت کرده است: ابوسعید خدری گفت: هنگامی که این آیه نازل شد، پیامبر صلى الله عليه وآله حضرت فاطمه عليها السلام را فراخواند و فدک را به ایشان عطا کرد و فرمود: این برای توست و پس از تو برای فرزندانت.

۲۹۶. فُراتُ قالَ: حَدَّثَنِى الحُسَينُ‌بنُ سَعِيدٍ مُعنعَنًا: قالَ: لَمَّا نَزَلَت هٰذِهِ الآيَةُ: ﴿ فَآتِ ذَا الْقُرْبىٰ حَقَّهُ ﴾ دَعا النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله فاطِمَةَ عليها السلام فَأَعطاها فَدَكَ فَكُلَّما لَم يُوجَف عَلَيهِ أَصحابُ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله بِخَيلٍ وَ لا رِكابٍ فَهُوَ لِرَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله يَضِعُهُ حَيثُ يَشاء وَ فَدَك مِمَّا لَم يُوجَف عَلَيهِ بِخَيلٍ وَ لا رِكابٍ.

حسین‌بن سعید به نقل از فرات گفت: زمانی که این آیه نازل شد «پس به خویشاوند حقش را بده»، پیامبر صلى الله عليه وآله حضرت فاطمه عليها السلام را فراخواند و فدک را به ایشان عطا فرمود. هر آن‌چه که توسط یاران پیامبر صلى الله عليه وآله با لشرکشی به دست نیامده بود، از برای رسول خدا صلى الله عليه وآله می‌بود و ایشان آن را هر گونه که

می‌خواست سامان می‌داد؛ فدک نیز از جمله آن‌چه بود که با لشکرکشی به دست نیامده بود.

۲۹۷. عَن أَبانِ‌بنِ تَغلِبَ عَن جَعفَرِبنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام قَالَ: لَمَّا نَزَلَت هَذِهِ الآيَةُ: ﴿ **فَآتِ ذَا الْقُرْبىٰ حَقَّهُ** ﴾ دَعَا رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله فاطِمَةَ فَأَعطَاهَا فَدَكَ. قَالَ أَبانُ‌بنُ تَغلِبَ: قُلتُ لِجَعفَرِبنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام: رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله أَعطَاهَا؟ قَالَ: بَل اللهُ أَعطَاهَا.

ابان‌بن تغلب گفت: امام جعفر صادق عليه السلام فرمود: زمانی که این آیه نازل شد، رسول خدا صلى الله عليه وآله حضرت فاطمه عليها السلام را فرا خواند و فدک را به ایشان بخشید. ابان‌بن تغلب گفت: به امام جعفر صادق عليه السلام عرض کردم: آیا رسول خدا صلى الله عليه وآله آن را به ایشان بخشید؟ فرمود: خیر، خداوند به فاطمه عليها السلام بخشید.

۲۹۸. عَن ابنِ عَبَّاسٍ فِی قَولِهِ: ﴿ **فَآتِ ذَا الْقُرْبىٰ حَقَّهُ** ﴾ وَ ذَاكَ حِينَ جَعَلَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله سَهمَ ذِی القُربَی لِقَرَابَتِهِ فَكَانُوا يَأخُذُونَهُ عَلَى عَهدِ رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله حَتَّى تُوَفِّی ثُمَّ حَجَبَ الخَمسُ عَن قَرَابَتِهِ فَلَم يَأخُذُوهُ.

ابن عباس دربارهٔ کلام حق تعالی «به خویشاوند حقّش را بده» گفت: پیامبر صلى الله عليه وآله سهمی برای خویشاوندان خود قرار داده بود که در روزگار پیامبر صلى الله عليه وآله آن را می‌گرفتند؛ تا این‌که پیامبر صلى الله عليه وآله درگذشت و این خمس برای نزدیکان و خویشان ایشان منظور نشد.

وَ مِن سُورةِ لقمان

(سورهٔ لقمان، آیهٔ ۱۴)

﴿ اشْكُرْ لي وَ لِوٰالِدَيْكَ ﴾

[به او گفتیم:] مرا و پدر و مادرت را شکرگزار باش.

۲۹۹. عَن زِيادِبنِ المُنذَرِ قالَ: سَمِعتُ أَباجَعفَرٍ عليه السلام وَ سَأَلَهُ جابِرُ عَن هَذِهِ الآيَةِ **﴿ اشْكُرْ لي وَ لِوٰالِدَيْكَ ﴾** قَالَ: رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله وَ عَلِيُّ بنُ أَبى طالِبٍ عليه السلام.

زیادبن منذر گفت: از امام محمّد باقر عليه السلام شنیدم که در پاسخ به پرسش جابر از این آیه فرمود: منظور از والدین رسول خدا صلى الله عليه وآله و حضرت علی عليه السلام هستند.

وَ مِن سُورَةِ السَّجدَةِ

(سورهٔ سجده، آیهٔ ۱۸)

﴿ أَ فَمَنْ كٰانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كٰانَ فٰاسِقًا لاٰ يَسْتَوُونَ ﴾

آیا کسی که مؤمن است همچون کسی است که [از دایرهٔ ایمان] بیرون رفته است؟ برابر نیستند.

۳۰۰. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ فِی قَولِهِ تَعَالَی: ﴿ أَ فَمَنْ كٰانَ مُؤْمِنًا ﴾ يَعنِی عَلِيَّ بنَ أَبِی طالِبٍ عليه السلام ﴿ كَمَنْ كٰانَ فٰاسِقًا ﴾ يَعنِی الوَلِيدَبنَ عُقبَةَ بنِ أَبِی مُعَيطٍ لَعَنَهُ اللهُ ﴿ لاٰ يَسْتَوُونَ ﴾ عِندَ اللهِ.

وَ فِی قَولِهِ تَعَالَی: ﴿ أَمَّا الَّذينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّٰالِحٰاتِ فَلَهُمْ جَنّٰاتُ الْمَأْوىٰ نُزُلاً بِمٰا كٰانُوا يَعْمَلُونَ ﴾[1] نَزَلَت فِی عَلِيِّ بنِ أَبِی طالِبٍ عليه السلام ﴿ وَ أَمَّا الَّذينَ فَسَقُوا فَمَأْوٰاهُمُ النّٰارُ ﴾ نَزَلَت فِی الوَلِيدِ بنِ عُقبَةَ.

ابن عباس دربارهٔ کلام خداوند متعال گفت: «آیا کسی که مؤمن است» یعنی حضرت علی عليه السلام «همچون کسی است که [از دایرهٔ ایمان] بیرون رفته است؟» یعنی ولیدبن عقبةبن ابی‌معیط که لعنت خدا بر او «برابر نیستند» نزد خداوند.

و نیز کلام حق تعالی «اما کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیک انجام دادند، به

---

۱. سجده، ۱۹

پاداش آن‌چه انجام می‌دادند برای آنان بهشت‌هایی است که منزلگاه [واقعی آن‌ها] است و برای پذیرایی [از آنان] مهیا شده است » دربارهٔ حضرت علی عليه السلام نازل شده است و آیهٔ « و اما کسانی که [از دایرهٔ ایمان] بیرون رفتند، جایگاهشان آتش است » دربارهٔ ولیدبن عقبه نازل شده است.

۳۰۱. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ قَالَ: إِنسَبَّ عَلِيُّ بنُ أَبِی‌طالِبٍ عليه السلام وَ الوَلِيدُبنُ عُقبَةَبنِ أَبِی‌مُعَيطٍ قَالَ: فَقَالَ لِعَلِيٍّ: أَنَا وَاللهِ أَبسَطُ مِنكَ لِسَانًا وَ أَحَدُّ مِنكَ سِنَانًا وَ أَملأُ مِنكَ حَشوًا فِی الكَتِيبَةِ، قَالَ: فَقَالَ لَهُ عَلِيٌّ: أُسكُت فَإِنَّكَ فَاسِقٌ. قَالَ: فَنَزَلَتِ الآيَةُ **﴿ أَ فَمَنْ كانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كانَ فاسِقًا لا يَسْتَوُونَ ﴾**.

ابن عباس گفت: حضرت علی عليه السلام و ولیدبن عقبةبن ابی‌معیط بر هم مباهات می‌کردند؛ ولید گفت: به خدا سوگند زبان من از تو گویاتر و نیزهٔ من از نیزهٔ تو تیزتر و اندام من در جنگ از اندام تو تنومندتر است. حضرت علی عليه السلام به او فرمود: ساکت باش که تو فاسقی بیش نیستی. آن‌گاه این آیه نازل شد: « آیا کسی که مؤمن است همچون کسی است که [از دایرهٔ ایمان] بیرون رفته است؟ برابر نیستند. »

(سورهٔ سجده، آیهٔ ۲۴)

﴿ وَ جَعَلْنا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنا لَمّا صَبَرُوا وَ كانُوا بِآياتِنا يُوقِنُونَ ﴾

و هنگامی که شکیبایی ورزیدند و به آیات ما یقین می‌داشتند، از آنان پیشوایانی قرار دادیم که به امر ما هدایت می‌کردند.

۳۰۲. عَن جَابِرٍ: عَن أَبِی‌جعفَرٍ عليه السلام فِی قَولِهِ تَعَالَی: **﴿ وَ جَعَلْنا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنا ﴾** قَالَ: نَزَلَت فِی وُلدِ فَاطِمَةَ عليها السلام خَاصَّةً جَعَلَ اللهُ مِنهُم أَئِمَّةً يَهدُونَ بِأَمرِهِ.

جابر گفت: امام محمّد باقر عليه السلام فرمود: آیهٔ « از آنان پیشوایانی قرار دادیم که به امر ما هدایت می‌کردند » مخصوص فرزندان حضرت فاطمه عليها السلام نازل شده است که خداوند از آنان پیشوایانی قرار داده که به امر او هدایت می‌کنند.

وَ مِن سُورَةِ الأَحزَابِ

(سورهٔ احزاب، آیهٔ ۳۳)

﴿ إِنَّمَا يُرِيدُ اللهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا ﴾

خداوند فقط می‌خواهد پلیدی را از شما، اهل بیت [پیامبر] بزداید و شما را پاک گرداند، پاک گرداندنی [کامل که مخصوص شماست].

۳۰۳ . عَن شَهرِبنِ حَوشَبٍ قَالَ: أَتَيتُ أُمَّ سَلَمَةَ زَوجَةَ النَّبِيِّ ﷺ لِأُسَلِّمَ عَلَيهَا فَقُلتُ لَهَا: رَأَيتِ هَذِهِ الآيَةَ يَا أُمَّ المُؤمِنِينَ **﴿ إِنَّمَا يُرِيدُ اللهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا ﴾** قَالَت: أَنَا وَ رَسُولُ اللهِ ﷺ عَلَى مَنَامَةٍ لَنَا تَحتَنَا كِسَاءٌ خَيبَرِيٌّ فَجَاءَت فَاطِمَةُ وَ مَعَهَا الحَسَنُ وَ الحُسَينُ وَ فَخَّارٌ فِيهِ حَرِيرَةٌ فَقَالَ: أَينَ ابنُ عَمِّكِ؟ قَالَت: فِي البَيتِ قَالَ: فَاذهَبِي فَادعِيهِ قَالَت: فَدَعَتهُ فَأَخَذَ الكِسَاءَ مِن تَحتِنَا فَعَطَفَهُ فَأَخَذَ جَمِيعَهُ بِيَدِهِ فَقَالَ: اللَّهُمَّ هَؤُلاءِ أَهلُ بَيتِي فَأَذهِب عَنهُمُ الرِّجسَ وَ طَهِّرهُم تَطهِيرًا. وَ أَنَا جَالِسَةٌ خَلفَ رَسُولِ اللهِ ﷺ فَقُلتُ: يَا رَسُولَ اللهِ بِأَبِي أَنتَ وَ أُمِّي فَأَنَا؟ قَالَ: إِنَّكِ عَلَى خَيرٍ. وَنَزَلَت هَذِهِ الآيَةُ فِي النَّبِيِّ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالحَسَنِ وَالحُسَينِ عليهم السلام.

شهر بن حوشب گفت: نزد اُمّ سلمه همسر پیامبر ﷺ رفتم تا سلامی بر او

عرض کنم. به او گفتم: ای امّ المؤمنین! از ﴿ **إِنَّمَا يُرِيدُ اللهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا** ﴾ بگو. گفت: من و رسول خدا ﷺ بر روی عبایی خیبری بودیم که فاطمه ﷺ با ظرفی سفالی که در آن حریره بود به همراه حسن و حسین ﷺ وارد شد. پیامبر ﷺ فرمود: پسرعمویت کجاست؟ فرمود: در خانه است. رسول خدا ﷺ فرمود: برو و او را نیز فراخوان. اُمّ سلمه گفت: چون فاطمه ﷺ علی ﷺ را فراخواند، رسول خدا عبا را از زیر ما برداشت و آن را تا کرد و اطرافش را در دست گرفت و سپس فرمود: پروردگارا! اینان اهل بیت من هستند، پلیدی را از آن‌ها بزدای و پاکشان گردان. من که پشت رسول خدا ﷺ نشسته بودم، عرض کردم: ای رسول خدا! پدر و مادرم به فدایت! پس من چه؟! فرمود: تو به راه خیر هستی. و این آیه در شأن پیامبر ﷺ و علی و فاطمه و حسن و حسین ﷺ نازل شد.

۳۰۴. عَن أَبِی عَبدِ اللهِ الجَدَلِیِّ قَالَ: دَخَلتُ عَلَى عَائِشَةَ فَقُلتُ: أَینَ نَزَلَت هَذِهِ الآیَةُ: ﴿ **إِنَّمَا يُرِيدُ اللهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا** ﴾ قَالَت: نَزَلَت فِی بَیتِ أُمِّ سَلَمَةَ.

قَالَت أُمُّ سَلَمَةَ: لَو سَأَلتَ عَائِشَةَ لَحَدَّثَتكَ أَنَّ هَذِهِ الآیَةَ نَزَلَت فِی بَیتِی.

قَالَت: بَینَمَا رَسُولُ اللهِ ﷺ فِی البَیتِ إِذ قَالَ: لَو كَانَ أَحَدٌ یَذهَبُ فَیَدعُو لَنَا عَلِیًّا وَ فَاطِمَةَ وَ ابنَیهَا. قَالَت: فَقُلتُ: مَا أَجِدُ غَیرِی. قَالَت: فَدَفَعتُ وَ جِئتُ بِهِم جَمِیعاً فَجَلَسَ عَلِیٌّ بَینَ یَدَیهِ وَ جَلَسَ الحَسَنُ وَ الحُسَینُ عَن یَمِینِهِ وَ شِمَالِهِ وَ أَجلَسَ فَاطِمَةَ خَلفَهُ ثُمَّ تَجَلَّلَ بِثَوبٍ خَیبَرِیٍّ ثُمَّ قَالَ: نَحنُ جَمِیعًا إِلَیكَ ـ فَأَشَارَ رَسُولُ اللهِ ﷺ ثَلاثَ مَرَّاتٍ ـ إِلَیكَ لا إِلَى النَّارِ ذَاتِی وَ عِترَتِی أَهلَ بَیتِی مِن لَحمِی وَ دَمِی.

قَالَت أُمُّ سَلَمَةَ: یَا رَسُولَ اللهِ أَدخِلنِی مَعَهُم قَالَ: یَا أُمَّ سَلَمَةَ إِنَّكِ مِن صَالِحَاتِ أَزوَاجِی وَ لا یَدخُلُ الجَنَّةَ فِی هَذَا المَكَانِ إِلَّا مِنِّی.

قَالَت: وَ نَزَلَت هَذِهِ الآیَةُ ﴿ **إِنَّمَا يُرِيدُ اللهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا** ﴾.

ابی عبد الله جدلی گفت: نزد عایشه رفتم و گفتم: آیهٔ ﴿ **إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا** ﴾ در کجا نازل شد؟ گفت: در خانهٔ اُمّ سلمه. اُمّ سلمه گفت: اگر از عایشه می‌پرسیدی، برایت نقل می‌کرد که این آیه در خانهٔ من نازل شد. آنگاه گفت: در حالی‌که رسول خدا ﷺ در خانه بود، به من فرمود: کاش کسی بود و می‌رفت علی و فاطمه و دو پسرش علیهم‌السلام را نزد ما فرا می‌خواند. عرض کردم: کسی جز من نیست. سپس رفتم و همهٔ ایشان را آوردم. علی علیه‌السلام در مقابل رسول خدا ﷺ نشست و حسن و حسین علیهما‌السلام در سمت راست و چپ ایشان نشستند و حضرت، فاطمه علیهاالسلام را نیز پشت خود نشاند، سپس لباسی خیبری بر جمعشان کشید و فرمود: ما همه به سوی تو هستیم. و رسول خدا ﷺ سه مرتبه اشاره نمود و فرمود: من و اهل بیتم که از گوشت و خون من هستند، رو سوی تو داریم و نه سوی آتش.

اُمّ سلمه گفت: ای رسول خدا! من را نیز با ایشان قرار ده. فرمود: ای اُمّ سلمه به درستی که تو از بهترین همسران من هستی امّا در این مکان تنها کسی که از من است، وارد بهشت می‌شود.

اُمّ سلمه گفت: و این آیه نازل شد: «خداوند فقط می‌خواهد پلیدی را از شما، اهل بیت [پیامبر] بزداید و شما را پاک گرداند، پاک گرداندنی [کامل که مخصوص شماست].»

۳۰۵. عَن شَهرِبنِ حَوشَبٍ قَالَ: سَمِعتُ أُمَّ سَلَمَةَ زَوجَةَ النَّبِيِّ تَقُولُ حِينَ قُتِلَ الحُسَينُ بنُ عَلِيٍّ علیهما‌السلام لَعَنَت أَهلَ العِرَاقِ وَ قَالَت: قَتَلُوهُ لَعَنَهُمُ اللهُ غَرُّوهُ وَ خَذَلُوهُ وَ رَأَيتُ النَّبِيَّ ﷺ جَاءَتهُ فَاطِمَةُ غَدَاةً بِبُرمَةٍ لَهَا فِيهَا عَصِيدَةٌ تَحمِلُهُ فِي طَبَقٍ لَهَا فَوَضَعَتهُ بَينَ يَدَيهِ فَقَالَ لَهَا: أَينَ ابنُ عَمِّكِ؟ قَالَت: هُوَ فِي البَيتِ. قَالَ: إِذهَبِي فَادعِيهِ وَ ائتِينِي بِابنَيكِ. فَأَتَتهُ بِهِ وَ بِابنَيهَا كُلٌّ وَاحِدٍ مِنهُمَا يَدَهُ فِي يَدِهَا وَ عَلِيٌّ يَمشِي فِي آثَارِهِم حَتَّى دَخَلُوا عَلَى رَسُولِ اللهِ ﷺ فَأَقعَدَهُمَا فِي حَجرِهِ وَ جَلَسَ عَلِيٌّ عَن يَمِينِهِ وَ جَلَسَت فَاطِمَةُ عَن يَسَارِهِ.

قَالَت أُمُّ سَلَمَةَ: فَأَخَذَ مِن تَحتِی کِسَاءً خَیبَرِیًّا کَانَ بِسَاطًا لَنَا عَلَی المَنَامَةِ فِی المَدِینَةِ فَلَفَّهُ رَسُولُ اللهِ ﷺ عَلَیهِم جَمِیعًا وَ أَخَذَ بِشِمَالِهِ طَرَفَی الکِسَاءِ وَ أَلوَا بِیَدِهِ الیُمنَی إِلَی السَّمَاءِ ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهلُ بَیتِی فَأَذهِب عَنهُمُ الرِّجسَ وَ طَهِّرهُم تَطهِیرًا ـ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.

قَالَت أُمُّ سَلَمَةَ: قُلتُ: یَا رَسُولَ اللهِ أَلَستُ مِن أَهلِكَ؟ قَالَ: بَلَی فَأَدخَلَنِی فِی الکِسَاءِ بَعدَ مَا مَضَی دُعَاؤُهُ لِابنِ عَمِّهِ وَ ابنَیهِ وَ ابنَتِهِ فَاطِمَةَ ﷺ.

شهر بن حوشب گفت: هنگامی‌که امام حسین ﷺ را به شهادت رساندند، از اُمّ سلمه همسر پیامبر شنیدم که به اهل عراق لعنت می‌فرستاد و می‌گفت: خداوند آن‌ها را لعنت کند که او را کشتند، او را فریفتند و رهایش کردند. یک روز صبح فاطمه ﷺ دیگی سفالین از حلوا در طبقی نزد پیامبر آورد و آن را پیش روی ایشان نهاد. پیامبر ﷺ به او فرمود: پسرعمویت کجاست؟ فرمود: در خانه. پیامبر ﷺ فرمود: برو و او و دو پسرت را نزد من بیاور. فاطمه ﷺ دست در دستان دو پسرش آمد و حضرت علی ﷺ نیز پشت سرِ ایشان آمد. چون بر پیامبر ﷺ وارد شدند، پیامبر ﷺ حسنین ﷺ را در آغوش خود نشانید و علی ﷺ در طرف راست و فاطمه ﷺ در طرف چپ آن‌حضرت نشستند. اُمّ سلمه گفت: آن‌گاه پیامبر ﷺ عبایی خیبری را که در مدینه زیرانداز خواب ما بود، برداشت و آن را بر جمعشان کشید و با دست چپ خود دو طرف عبا را گرفت و با دست راست خود به آسمان اشاره کرد و فرمود: خداوندا! اینان اهل بیت من هستند، پلیدی را از آن‌ها بزدای و آن‌ها را پاک گردان. و این سخن را سه بار باز گفت.

اُمّ سلمه گفت: عرض کردم: ای رسول خدا ﷺ! آیا من از خاندان شما نیستم؟ فرمود: آری؛ سپس مرا نیز پس از این‌که دعایش در حقّ پسرعمو و دو پسرش و دخترش فاطمه به پایان رسید، به زیر عبا وارد ساخت.

۳۰۶. عَن عَمرَةَ الهَمدَانِیَّةِ قَالَت: قَالَت أُمُّ سَلَمَةَ: أَنتِ عَمرَةُ؟ قُلتُ: نَعَم. قَالَت عَمرَةُ قُلتُ: إِلَّا

تُخبِرِینِی عَن هَذَا الرَّجُلِ الَّذِی أُصِیبَ بَینَ ظَهرَانِیکُم فَمُحَبٌّ وَ مُبغَضٌ؟! قَالَت أُمُّ سَلَمَةَ: فَتُحِبِّیهِ؟ قَالَت: لَا أُحِبُّهُ وَ لَا أُبغِضُهُ ـ تُرِیدُ عَلِیًّا ـ قَالَت أُمُّ سَلَمَةَ: أَنزَلَ اللهُ تَعَالَی ﴿ **إِنَّمَا يُرِيدُ اللهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا** ﴾ وَ مَا فِی البَیتِ إِلَّا جَبرَئِیلُ وَ مِیکَائِیلُ وَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ ﷺ وَ عَلِیٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الحَسَنُ وَ الحُسَینُ علیهم‌السلام وَ أَنَا فَقُلتُ: یَا رَسُولَ اللهِ أَنَا مِن أَهلِ البَیتِ؟ فَقَالَ: أَنتِ مِن صَالِحَاتِ نِسَائِی. یَا عَمرَةُ فَلَوکَانَ قَالَ نَعَم کَانَ أَحَبَّ إِلَیَّ مِمَّا تَطلُعُ عَلَیهِ الشَّمسُ.

عمرهٔ همدانی گفت: [نزد اُمّ سلمه رفتم]. اُمّ سلمه گفت: تو عمره هستی؟ گفتم: آری، آیا دربارهٔ این مرد که در میان شماست به من خبر می‌دهی؟ چون برخی دوستش دارند و برخی با او دشمن هستند. اُمّ سلمه گفت: آیا تو او را دوست داری؟ گفتم: نه دوستش دارم و نه با او دشمنم ـ یعنی علی علیه‌السلام. اُمّ سلمه گفت: خداوند بلندمرتبه آیهٔ تطهیر را نازل فرمود، در حالی‌که در خانه به‌جز جبرئیل و میکائیل و پیامبر خدا ﷺ و حضرت علی علیه‌السلام و حضرت فاطمه علیهاالسلام و حسنین علیهماالسلام و من کس دیگری دیگر نبود. من به پیامبر عرض کردم: ای رسول خدا ﷺ! آیا من هم از اهل بیت هستم؟ فرمود: تو از بهترین همسران من هستی. ای عمره! اگر می‌فرمود آری؛ برای من دوست داشتنی‌تر از همهٔ چیزهایی بود که خورشید بر آن طلوع می‌کند.

۳۰۷. عَن أُمِّ سَلَمَةَ قَالَت: فِی بَیتِی نَزَلَت هَذِهِ الآیَةُ: ﴿ **إِنَّمَا يُرِيدُ اللهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا** ﴾ وَ ذَلِكَ أَنَّ رَسُولَ اللهِ ﷺ جَلَّلَهُم فِی مَسجِدِهِ بِکِسَاءٍ ثُمَّ رَفَعَ یَدَهُ فَنَصَبَهَا عَلَی الکِسَاءِ وَ هُوَ یَقُولُ: اَللَّهُمَّ إِنَّ هَؤُلَاءِ أَهلُ بَیتِی فَأَذهِب عَنهُمُ الرِّجسَ کَمَا أَذهَبتَ عَن إِسمَاعِیلَ وَ إِسحَاقَ وَ یَعقُوبَ وَ طَهِّرهُم مِنَ الرِّجسِ کَمَا طَهَّرتَ آلَ لُوطٍ وَ آلَ عِمرَانَ وَ آلَ هَارُونَ.

قُلتُ: یَا رَسُولَ اللهِ أَدخُلُ مَعَکُم؟ قَالَ: إِنَّكِ عَلَی خَیرٍ وَ إِنَّكِ مِن أَزوَاجِ النَّبِیِّ وَ اللهُ أَمَرَنِی بِهَؤُلَاءِ الخَمسَةِ خَصَّهُم بِهَذِهِ الدَّعوَةِ مِیرَاثًا مِن آلِ إِبرَاهِیمَ إِذ یَرفَعُ القَوَاعِدَ

مِنَ البیتِ فَادخُلُوا فِی دَعوَتِنَا فَدَعَا لَهُم بِهَا مُحَمَّدٌ ﷺ حِینَ أُمِرَ أَن یُجَدِّدَ دَعوَةَ أَبِیهِ إِبرَاهِیمَ علیه السلام.

قَالَت بِنتُهُ: سَمِّیهِم یَا أُمَّهُ قَالَت: فَاطِمَةُ وَ عَلِیٌّ وَ الحَسَنُ وَ الحُسَینُ علیهم السلام.

اُمّ سلمه گفت: در خانهٔ من آیهٔ تطهیر نازل شد. در این هنگام رسول خدا ﷺ اهل بیت خود را در مکان نماز خویش با عبا پوشانید و سپس دستش را بالا برد و بر روی عبا قرار داد و فرمود: خداوندا! همانا ایشان اهل بیت من هستند، پلیدی را از آن‌ها بزدای، همان‌گونه که از اسماعیل و اسحاق و یعقوب زدودی، و آن‌ها را از پلیدی پاک گردان، همان‌گونه که خاندان لوط و عمران و هارون را پاک گرداندی.

عرض کردم: ای رسول خدا! آیا من با شما نیستم؟ فرمود: تو زنی نیک هستی و از همسران پیامبری، اما خداوند به من دربارهٔ این پنج نفر امر کرده و ایشان را به این دعوت اختصاص داده است که میراثی از خاندان ابراهیم است، در آن هنگام که پایه‌های خانهٔ کعبه را بالا برد؛ پس در دعوت ما داخل شوید و محمّد ﷺ چون فرمان گرفت که دعوت پدرش ابراهیم علیه السلام را تجدید کند، برای ایشان به درگاه خداوند چنین دعا کرد.

دختر او گفت: ای مادر! آن‌ها را نام ببر. اُمّ سلمه گفت: فاطمه، علی، حسن و حسین علیهم السلام.

۳۰۸. الفَضلُ بنُ یُوسُفَ القَصَبَانِیُّ مُعَنعَنًا: عَن أَبِی جَعفَرٍ مُحَمَّدِبنِ عَلِیٍّ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: أَیُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَهلَ بَیتِ نَبِیِّکُم شَرَّفَهُمُ اللهُ بِکَرَامَتِهِ، وَ أَعَزَّهُم بِهُدَاهُ وَ اختَصَّهُم لِدِینِهِ، وَ فَضَّلَهُم بِعِلمِهِ، وَ استَحفَظَهُم وَ أَودَعَهُم عِلمَهُ عَلَی غَیبِهِ، عِمَادٌ لِدِینِهِ، شُهَدَاءُ عَلَیهِ، وَ أَوتَادٌ فِی أَرضِهِ، قُوَّامٌ بِأَمرِهِ، بَرَأَهُم قَبلَ خَلقِهِ أَظِلَّةً عَن یَمِینِ عَرشِهِ، نُجَبَاءُ فِی عِلمِهِ، إِختَارَهُم وَ انتَجَبَهُم وَ ارتَضَاهُم وَ اصطَفَاهُم، فَجَعَلَهُم عَلَمًا لِعِبَادِهِ وَ أَدِلَّاءَ لَهُم عَلَی صِرَاطِهِ، فَهُمُ الأَئِمَّةُ الدُّعَاةُ، وَ القَادَةُ الهُدَاةُ، وَ القُضَاةُ الحُکَّامُ، وَ النُّجُومُ

الأَعلامُ ، وَ الأُسرَةُ المُتخَيَّرَةُ ، وَ العِترَةُ المُطَهَّرَةُ ، وَ الأُمَّةُ الوُسطَى ، وَ الصِّراطُ الأَعلَمُ ، وَ السَّبِيلُ الأَقوَمُ ، زِينَةُ النُّجَبَاءِ ، وَ وَرَثَةُ الأَنبِيَاءِ ، وَ هُمُ الرَّحِمُ المَوصُولَةُ ، وَ الكَهفُ الحَصِينُ لِلمُؤمِنِينَ ، وَ نُورُ أَبصَارِ المُهتَدِينَ ، وَ عِصمَةٌ لِمَن لَجَأَ إِلَيهِم ، وَ أَمنٌ لِمَنِ استَجَارَ بِهِم ، وَ نَجَاةٌ لِمَن تَبِعَهُم ، يَغتَبِطُ مَن وَالاهُم ، وَ يَهلِكُ مَن عَادَاهُم ، وَ يَفُوزُ مَن تَمَسَّكَ بِهِم ، وَ الرَّاغِبُ عَنهُم مَارِقٌ ، وَ اللَّازِمُ لَهُم لَاحِقٌ ، وَ هُمُ البَابُ المُبتَلَى بِهِ ، مَن أَتَاهُ نَجَا وَ مَن أَبَاهُ هَوَى ، حِطَّةٌ لِمَن دَخَلَهُ ، وَ حُجَّةٌ عَلَى مَن تَرَكَهُ ، إِلَى اللهِ يَدعُونَ ، وَ بِأَمرِهِ يَعمَلُونَ ، وَ بِكِتَابِهِ يَحكُمُونَ ، وَ بِآيَاتِهِ يَرشُدُونَ ، فِيهِم نَزَلَت رِسَالَتُهُ ، وَ عَلَيهِم هَبَطَت مَلَائِكَتُهُ ، وَ إِلَيهِم نَفَثَ الرُّوحُ الأَمِينُ فَضلاً مِنهُ وَ رَحمَةً ، وَ آتَاهُم مَا لَم يُؤتِ أَحَدًا مِنَ العَالَمِينَ ، فَعِندَهُم وَ الحَمدُ لِلّهِ مَا يَلتَمِسُونَ وَ يُفتَقَرُ إِلَيهِ وَ يُحتَاجُ إِلَيهِ مِنَ العِلمِ الشَّاقِّ وَ الهُدَى مِنَ الضَّلَالَةِ وَ النُّورِ عِندَ دُخُولِ الظُّلَمِ ، فَهُمُ الفُرُوعُ الطَّيِّبَةُ ، وَ الشَّجَرَةُ المُبَارَكَةُ ، وَ مَعدِنُ العِلمِ ، وَ مُنتَهَى الحِلمِ ، وَمَوضِعُ الرِّسَالَةِ ، وَ مُختَلَفُ المَلَائِكَةِ ، فَهُم أَهلُ بَيتِ الرَّحمَةِ وَ البَرَكَةِ أَذهَبَ اللهُ عَنهُمُ الرِّجسَ وَ طَهَّرَهُم تَطهِيرًا.

فضل‌بن یوسف قصبانی گفت: امام محمّد باقر ﷺ فرمود: ای مردم! همانا خداوند اهل بیت پیامبرتان را با کرامت خویش شریف و بزرگ داشت و با هدایتش ایشان را عزیز و به دینش مخصوص گردانید و با علمش ایشان را برتری داد و علم به غیب خود را نزد آنان به امانت و ودیعه سپرد، ایشان ستون‌های دین و گواهان او و میخ‌های زمین و اجراکنندهٔ فرامین او هستند. پیش از خلقتش ایشان را به صورت سایه‌هایی در طرف راست عرش خود آفرید. آن‌ها در علم او برجسته هستند و او آن‌ها را برگزید و به آن‌ها خشنود شد و انتخابشان کرد و بیرقی برای بندگانش قرارشان داد و راهنمایان آنان در راه خود نهادشان. آنان امامان دعوت‌کننده [به سوی حق] و پیشوایان هدایت و اجراکنندگان احکام و ستارگان شناخته شده و خاندان برگزیده و عترت پاک

هستند. ایشان همان امت میانه‌رو و راه آگاه‌تر و مسیر محکم‌ترند. ایشان زینت خوبان و وارثان پیامبران و رحمت پی‌درپی و پناه محکم مؤمنان و نور چشم هدایت‌یافتگان‌اند. برای هر که سویشان پناه جوید، مأوایند و برای هر که از ایشان یاری جوید، امان‌اند و برای هر که پیروشان باشد، نجات‌اند. کسانی‌که آن‌ها را دوست دارند، خوشحال و خشنود هستند و آنان‌که با ایشان دشمنی کنند، هلاک می‌شوند. هر کس به آنان تمسک جوید، پیروز و هر کس از آنان روی بگرداند، گمراه و هر کس با آنان همسو باشد، به‌هنگام می‌رسد. ایشان دری هستند که بندگان به آن آزموده شوند؛ هر که سویش رو کند، نجات می‌یابد و هر که رو از آن برتابد، سرنگون می‌شود. مغفرتی است برای آن‌که به آن درآید و حجتی است برای آن‌که ترکش کند. ایشان به سوی خدا دعوت می‌کنند و به فرامین او عمل می‌نمایند. با کتاب او حکم و با آیاتش هدایتگری می‌کنند. رسالت او در میان ایشان نازل شد و فرشتگان به نزد آن‌ها فرود آمدند و جبرئیل سوی آنان فرستاده شد و این فضل و رحمتی از سوی او بود که آن‌چه به ایشان رسانید به هیچ کس از جهانیان نرسانید. شکر خدا هر آن‌چه خواستنی است و هر آن دانش دشوار و هدایت از گمراهی و روشنایی به هنگام پانهادن در تاریکی‌ها نزد ایشان است و ایشان شاخه‌های پاک و درخت مبارک و معدن علم و نهایت بردباری و جایگاه رسالت و محل آمد و شد فرشتگان و خاندان رحمت و برکت هستند که خداوند پلیدی را از آنان زدود و آنان را پاک گرداند.

۳۰۹. عَن أَبِی الحَمرَاءِ قَالَ: خَدَمتُ رَسُولَ اللهِ ﷺ تِسعَةَ أَشهُرٍ أَو عَشرَةَ أَشهُرٍ فَأَمَّا التِّسعَةُ فَلَستُ أَشُكُّ فِيهَا وَ رَسُولُ اللهِ يَخرُجُ مِن طُلُوعِ الفَجرِ فَيَأتِي بَابَ فَاطِمَةَ وَ عَلِيٍّ وَ الحَسَنِ وَ الحُسَينِ فَيَأخُذُ بِعِضَادَتِي البَابِ فَيَقُولُ: السَّلَامُ عَلَيكُم وَ رَحمَةُ اللهِ وَ بَرَكَاتُهُ اَلصَّلَاةَ يَرحَمُكُمُ اللهُ. قَالَ: فَيَقُولُونَ: وَ عَلَيكَ السَّلَامُ وَ رَحمَةُ اللهِ وَ بَرَكَاتُهُ يَا رَسُولَ اللهِ فَيَقُولُ رَسُولُ اللهِ ﷺ: ﴿**إِنَّمَا يُرِيدُ اللهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا**﴾.

ابی حمراء گفت: من نه یا ده ماه در خدمت رسول خدا ﷺ بودم. در نُه ماه هیچ شکّی ندارم، رسول خدا طلوع فجر خارج می‌شد و به سوی خانهٔ فاطمه و علی و حسن و حسین علیهم‌السلام می‌آمد و دو بازوی در را می‌گرفت و می‌فرمود: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما باد، خدایتان رحمت کند هنگام نماز است. آنان می‌فرمودند: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما باد، ای رسول خدا! آن‌گاه رسول خدا ﷺ می‌فرمود: «خداوند فقط می‌خواهد پلیدی را از شما، اهل بیت بزداید و شما را پاک گرداند، پاک گرداندنی [کامل که مخصوص شماست].»

۳۱۰. عُثمانُ بنُ مُحمَّدٍ مُعنعَنًا: عَن أَبی‌عَبدِ اللهِ جَعفَربنِ مُحمَّدٍ علیهما‌السلام قالَ إبتَنی أَمیرُ الْمُؤمِنینَ بِفاطِمَةَ علیها‌السلام فَاختَلَفَ رَسُولُ اللهِ ﷺ إلی بَابِها أَربَعِینَ صَباحًا کُلَّ غَداةٍ یَدُقُّ البابَ ثُمَّ یَقُولُ: السَّلامُ عَلَیکُم یا أَهلَ بَیتِ النُّبُوَّةِ وَ مَعدِنَ الرِّسالَةِ وَ مُختَلَفَ المَلائِکَةِ الصَّلاةَ رَحِمَکُمُ اللهُ ﴿**إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا**﴾ قالَ: ثُمَّ یَدُقُّ دَقًّا أَشَدَّ مِن ذَلِكَ وَ یَقُولُ: أَنَا سِلمٌ لِمَن سَالَمتُم وَ حَربٌ لِمَن حَارَبتُم.

عثمان بن محمّد روایت کرده است: امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمود: هنگامی که امیرمؤمنان با فاطمه علیها‌السلام ازدواج کرد، رسول خدا ﷺ به درِ خانهٔ حضرت فاطمه علیها‌السلام می‌آمد و در را می‌کوبید و می‌فرمود: سلام بر شما ای اهل بیت پیامبر و معدن رسالت و محل رفت و آمد فرشتگان! خدایتان رحمت کند، هنگام نماز است. «خداوند فقط می‌خواهد پلیدی را از شما، اهل بیت بزداید و شما را پاک گرداند، پاک گرداندنی [کامل که مخصوص شماست].» سپس در را محکم‌تر از قبل می‌کوبید و می‌فرمود: من در آشتی هستم با آن کس که با شما در آشتی باشد و در نبردم با آن کس که با شما در نبرد باشد.

۳۱۱. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ قالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ فَواللهِ: ﴿**إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا**﴾ فَانَا وَ أَهلُ بَیتی مُطَهَّرُونَ مِنَ الآفاتِ وَ الذُّنُوبِ.

أَلا وَ إِنَّ إِلَهِی اختَارَنی فِی ثَلاثَةٍ مِن أهلِ بَیتی عَلَی جَمِیعِ أُمَّتِی ،أَنا سَیِّدُ الثَّلاثَةِ وَ سَیِّدُ وُلدِ آدمَ إِلَی یَوم القِیامَةِ وَ لَا فَخرَ.

فَقَالَ أَهلُ السِّدَةِ: یَا رَسُولَ اللهِ قَد ضَمِنَّا أَن نَبلُغَ فَسَمِّ لَنَا الثَّلاثَةَ نَعرِفُهم؟ فَبَسَطَ رَسُولُ اللهِ ﷺ کَفَّهُ المُبَارَکَةَ الطَّیِّبَةَ ثُمَّ حَلَّقَ بِیَدِهِ ثُمَّ قَالَ:

إِختَارَنی وَ عَلِیُّ بنُ أَبِی‌طالِبٍ وَ حَمزَةُ وَ جَعفَرُ ، کُنَّا رُقُودًا لَیسَ مِنَّا إِلَّا مُسَجًّی بِثَوبِهِ عَلِیٌّ عَن یَمِینِی وَ جَعفَرُ عَن یَسَارِی وَ حَمزَةُ عِندَ رِجلِی فَمَا نَبَّهَنِی عَن رَقدَتِی غَیرَ خَفِیقِ أَجنِحَةِ المَلائِکَةِ وَ تَرَدُّدِ ذِرَاعِی تَحتَ خَدِّی ، فَانتَبَهتُ مِن رَقدَتِی وَ جَبرَئِیلُ علیه السلام فِی ثَلاثَةِ أَملاکٍ فَقَالَ لَهُ بَعضُ الثَّلاثَةِ أَملاکٍ: أَخبِرنَا إِلَی أَیِّهِم أُرسِلتَ؟ فَضَرَبَنِی بِرِجلِهِ فَقَالَ: إِلَی هَذَا وَ هُوَ سَیِّدُ وُلدِ آدمَ ثُمَّ قَالُوا: مَن هَذَا یَا جَبرَئِیلُ؟ فَقَالَ: مُحَمَّدُبنُ عَبدِ اللهِ ﷺ وَ حَمزَةُ سَیِّدُ الشُّهَدَاءِ وَ جَعفَرُ لَهُ جَنَاحَانِ خَضِیبَانِ یَطِیرُ بِهِمَا فِی الجَنَّةِ حَیثُ یَشَاءُ وَ هَذَا عَلِیُّ بنُ أَبِی طالِبٍ سَیِّدُ الوَصِیِّینَ.

ابن عباس گفت: رسول خدا ﷺ فرمود: به خدا سوگند « خداوند فقط می‌خواهد پلیدی را از شما، اهل بیت [پیامبر] بزداید و شما را پاک گرداند، پاک گرداندنی [کامل که مخصوص شماست].» پس من و اهل بیتم از تمامی ناپسندی‌ها و گناهان پاک گشته‌ایم. آگاه باشید که خداوند در میان سه تن از خاندانم مرا برگزید، من بزرگ آن سه تن و بزرگ فرزندان آدم تا روز قیامت هستم و این فخرفروشی نیست.

اهل سده عرض کردند: ای رسول خدا! قول داده‌ایم که پیامت را برسانیم، نام این سه نفر را برای ما بازگو تا بشناسیمشان.

رسول خدا ﷺ دست مبارک خود را بازکرد و سپس دستش را حلقه کرد و فرمود: خداوند مرا در حالی برگزید که من، علی بن ابی‌طالب علیه السلام، حمزة بن عبدالمطّلب و جعفربن ابی طالب علیهما السلام در کنار یکدیگر و هر یک از ما در لباس مخصوص به خودش خوابیده بود. علی علیه السلام طرف راستِ من، جعفر طرفِ چپ من

و حمزه در پایین پای من خوابیده بودند. من آن‌چنان به خواب عمیق فرو رفته بودم که چیزی مرا از خواب بیدار نکرد، مگر صدای بال فرشتگان و تکان بازویم که زیر گونه‌ام گذاشته بودم. از خواب بیدار شدم و جبرئیل را همراه سه فرشته دیدم. یکی از سه فرشته به جبرئیل گفت: ما را خبر ده که بر کدام یک از ایشان فرستاده شده‌ای؟ جبرئیل با پایش به من زد و گفت: بر این مرد که سرور فرزندان آدم است. گفتند: اینان کیستند ای جبرئیل؟! گفت: محمّد بن عبدالله ﷺ و حمزه سرور شهیدان و جعفر که دو بال سبز دارد و با آن دو بال در بهشت به هر کجا که بخواهد پرواز می‌کند و این مرد نیز علی بن ابی‌طالب ؑ سرور اوصیاست.

(سورهٔ احزاب، آیهٔ ۵۶)

﴿ إِنَّ اللهَ وَ مَلائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْليمًا ﴾

به راستی خداوند و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند، ای کسانی که ایمان آورده‌اید! [شما نیز] بر او درود فرستید، و [در برابر فرمانش] کاملاً تسلیم باشید.

۳۱۲. عَن أَبي‌هَاشِمٍ قَالَ: كُنتُ مَعَ جَعفَرِبنِ مُحَمَّدٍ ؑ فِي مَسجِدِ الحَرَامِ فَصَعِدَ الوَالِي يَخطُبُ يومَ الجُمُعَةِ فَقَالَ: **﴿ إِنَّ اللهَ وَ مَلائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْليمًا ﴾** فَقَالَ جَعفَرُ ؑ: يَا أَبَاهَاشِمٍ لَقَد قَالَ مَا لا يَعرِفُ تَفسِيرَهُ قَالَ: وَ سَلِّمُوا الوَلايَةَ لِعَلِيٍّ تَسلِيمًا.

ابی‌هاشم گفت: همراه امام جعفر صادق ؑ در مسجد الحرام بودم. والی شهر برخاست تا خطبهٔ روز جمعه را بخواند. او گفت: **﴿ إِنَّ اللهَ وَ مَلائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْليمًا ﴾**. امام جعفر صادق ؑ فرمود: ای اباهاشم! چیزی را گفت که تفسیرش را نمی‌داند. سپس فرمود: این آیه یعنی ولایت را به علی ؑ تسلیم کنید.

وَ مِن سُورَةِ سَبَأٍ

(سورهٔ سبأ، آیهٔ ۴۶)

﴿ قُلْ إِنَّمٰا أَعِظُكُمْ بِوٰاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلّٰهِ مَثْنیٰ وَ فُرٰادیٰ ﴾

بگو: شما را فقط به یک نکته پند می‌دهم، و آن این‌که دو دو، و یک یک برای [اجرای فرمان] خدا قیام کنید.

۳۱۳. عَن أَبی حَمزَةَ الثُّمَالِیِّ قَالَ: سَأَلتُ أَبَاجَعفَرٍ علیه السلام عَن قَولِ اللهِ تَعَالَی: **﴿ قُلْ إِنَّمٰا أَعِظُكُمْ بِوٰاحِدَةٍ ﴾** قَالَ: إِنَّمَا أَعِظُكُم بِوَلَایَةِ عَلِیٍّ وَهِیَ الوَاحِدَةُ الَّتِی قَالَ اللهُ: إِنَّمَا أَعِظُكُم بِوَاحِدَةٍ.

ابی حمزه ثمالی گفت: از امام محمّد باقر علیه السلام دربارهٔ این آیه پرسیدم، ایشان فرمود: شما را فقط به ولایت علی علیه السلام پند می‌دهم و این همان یک نکته‌ای است که خداوند فرمود: «شما را فقط به یک نکته پند می‌دهم».

۳۱۴. عَن عُمَرَ بنِ یَزِیدَ قَالَ: سَأَلتُ أَبَاجَعفَرٍ علیه السلام عَن قَولِ اللهِ تَعَالَی: **﴿ قُلْ إِنَّمٰا أَعِظُكُمْ بِوٰاحِدَةٍ ﴾** قَالَ: یَعنِی الوَلَایَةَ. فَقُلتُ: وَ كَیفَ ذَلِكَ؟ قَالَ: أَمَّا أَنَّهُ لَمَّا نَصَبَهُ لِلنَّاسِ فَقَالَ: كُنتُ مَولَاهُ فَعَلِیٌّ مَولَاهُ إِرتَابَ النَّاسُ وَقَالُوا: أَنَّ مُحَمَّدًا لَیَدعُونَا فِی كُلِّ وَقتٍ إِلَی أَمرٍ جَدِیدٍ وَ قَد بَدَانَا بِأَهلِ بَیتِهِ یُمَلِّكُهُم رِقَابَنَا. فَأَنزَلَ اللهُ عَلَی نَبِیِّهِ: یَا مُحَمَّدُ قُل إِنَّمَا أَعِظُكُم بِوَاحِدَةٍ فَقَد أَدَّیتُ إِلَیكُم مَا افتَرَضَ عَلَیكُم رَبُّكُم. أَمَّا **﴿ مَثْنیٰ ﴾** فَیَعنِی طَاعَةَ

رَسُولِ اللهِ وَ أَمِيرِ المُؤمِنِينَ عليه السلام وَ أَمَّا قَولُهُ ﴿ وَ فُرَادَى ﴾ فَيَعنِى طَاعَةَ الإِمَامِ مِن ذُرِّيَّتِهِمَا مِن بَعدِهِ.

عمربن یزید گفت: از امام محمّد باقر عليه السلام دربارۀ کلام خداوند متعال «شما را فقط به یک نکته پند می‌دهم» پرسیدم، ایشان فرمود: یعنی به ولایت. عرض کردم: چگونه؟ فرمود: چون پیامبر صلى الله عليه وآله علی عليه السلام را برای مردم به خلافت منصوب کرد و فرمود: «هر که من مولای اویم، علی مولای اوست»، مردم در تردید افتادند و گفتند: محمّد صلى الله عليه وآله هر دم ما را به امری جدید فرا می‌خواند و اکنون اهل بیتش را بر ما عرضه داشته تا آنان را بر ما چیره گرداند. پس خداوند بر پیامبرش نازل کرد: ای محمّد صلى الله عليه وآله! بگو شما را فقط به یک نکته پند می‌دهم تا شما را به آن‌چه پروردگارتان بر شما واجب کرده رهنمون شوم. امّا «دوبه‌دو» به معنای فرمانبرداری از رسول خدا صلى الله عليه وآله و امیرمؤمنان عليه السلام است و «یک‌یک» نیز به معنای فرمانبرداری از امامی است که از نسل آن‌دو پس از ایشان می‌آید.

وَ مِن سُورَةِ فاطِرٍ

(سورهٔ فاطر، آیهٔ ۳۲ ـ ۳۵ و ۴۱)

﴿ ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتابَ الَّذينَ اصْطَفَيْنا مِنْ عِبادِنا فَمِنْهُمْ ظالِمٌ لِنَفْسِهِ وَ مِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَ مِنْهُمْ سابِقٌ بِالْخَيْراتِ بِإِذْنِ اللهِ ذٰلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبيرُ ٭ جَنّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَها يُحَلَّوْنَ فيها مِنْ أَساوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَ لُؤْلُؤاً وَ لِباسُهُمْ فيها حَريرٌ ٭ وَ قالُوا الْحَمْدُ لِلّهِ الَّذي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ إِنَّ رَبَّنا لَغَفُورٌ شَكُورٌ ٭ الَّذي أَحَلَّنا دارَ الْمُقامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لا يَمَسُّنا فيها نَصَبٌ وَ لا يَمَسُّنا فيها لُغُوبٌ ٭ إِنَّ اللهَ يُمْسِكُ السَّماواتِ وَ الأَرضِ ﴾

سپس این کتاب را به آن کسانی از بندگانمان که برگزیدیم به میراث دادیم، بعضی از آنان بر خود ستمکارند و بعضی میانه‌روند و بعضی به فرمان خدا به خوبی‌ها پیشی گیرنده‌اند. این همان فزون‌بخشی بزرگ است. بهشت‌های دایمی که به آن‌ها داخل می‌شوند، و در آنجا با دستبندهای طلا و مروارید آراسته می‌شوند و لباسشان در آنجا ابریشم است. و گویند: سپاس و ستایش از آنِ خداوندی است که اندوه را از [دل] ما بُرد، به راستی پروردگار ما آمرزنده شکرگزار است. همان که از فضل خویش ما را در

این سرای اقامت [ابدی] جای داد. در اینجا نه رنجی به ما می‌رسد و نه خستگی... بی تردید خداوند آسمان‌ها و زمین را نگاه می‌دارد.

۳۱۵. عَن غَالِبِ‌بنِ عُثمَانَ النَّهدِیِّ قَالَ: خَرَجتُ حَاجًّا فَمَرَرتُ بِأَبِی جَعفَرٍ علیه السلام فَسَأَلتُهُ عَن هَذِهِ الآیَةِ: ﴿ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ﴾ إِلَی آخِرِهِ قَالَ: فَقَالَ لِی مُحَمَّدُبنُ عَلِیٍّ: مَا یَقُولُ فِیهَا قَومُكَ یَا أَبَا اِسحَاقَ؟ یَعنِی أَهلَ الكُوفَةِ. قُلتُ: یَزعُمُونَ أَنَّهَا نَزَلَت فِیهِم. قَالَ: فَقَالَ لِی مُحَمَّدُبنُ عَلِیٍّ: فَمَا یَحزُنُهُم إِذَا كَانُوا فِی الجَنَّةِ؟ قَالَ: قُلتُ: جُعِلتُ فِدَاكَ فَمَا الَّذِی تَقُولُ أَنتَ فِیهَا؟ قَالَ: یَا أَبَا إِسحَاقَ هَذِهِ وَاللهِ لَنَا خَاصَّةً أَمَّا ﴿سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ﴾ فَعَلِیُّ‌بنُ أَبِی طَالِبٍ وَ الحَسَنُ وَ الحُسَینُ علیهم السلام وَ الشَّهِیدُ مِنَّا أَهلَ البَیتِ، وَ الظَّالِمُ لِنَفسِهِ الَّذِی فِیهِ مَا فِی النَّاسِ وَ هُوَ مَغفُورٌ لَهُ وَ أَمَّا المُقتَصِدُ فَصَائِمٌ نَهَارَهُ وَ قَائِمٌ لَیلَهُ. ثُمَّ قَالَ: یَا أَبَا إِسحَاقَ بِنَا یُقِیلُ اللهُ عَثرَتَكُم وَ بِنَا یَغفِرُ اللهُ ذُنُوبَكُم وَ بِنَا یَقضِی اللهُ دُیُونَكُم وَ بِنَا یَفُكُّ اللهُ وَثَاقَ الذُّلِّ مِن أَعنَاقِكُم وَ بِنَا یَختِمُ وَ یَفتَحُ لَا بِكُم، وَ نَحنُ كَهفُكُم كَأَصحَابِ الكَهفِ وَ نَحنُ سَفِینَتُكُم كَسَفِینَةِ نُوحٍ وَ نَحنُ بَابُ حِطَّتِكُم كَبَابِ حِطَّةِ بَنِی إِسرَائِیلَ.

غالب بن عثمان نهدی گفت: رهسپار راه حج شدم و امام محمّد باقر علیه السلام را دیدم. از ایشان دربارهٔ آیهٔ «سپس این کتاب را به میراث دادیم» پرسیدم. فرمود: قوم تو در این باره چه می‌گویند؟ عرض کردم: می‌گویند آیه دربارهٔ آن‌هاست. فرمود: پس دیگر چه چیز اندوهناکشان می‌کند اگر در بهشت جای دارند؟ عرض کردم: فدایت شوم! شما دربارهٔ این آیه چه می‌فرمایید؟ فرمود: ای ابا اسحاق! به خدا سوگند آیه به ما اختصاص دارد و «پیشی‌گیرنده به خوبی‌ها» علی بن ابی‌طالب علیه السلام و حسن و حسین علیهما السلام و شهید از ما اهل بیت است، و ستمکار بر خود کسی از جنس مردم است که البته آمرزیدنی است و میانه‌رو کسی است که روزها روزه‌دار و شب‌ها شب‌زنده‌دار است. ای ابااسحاق! خداوند به خاطر ما لغزش‌های شما را از میان می‌برد و گناهان شما را می‌آمرزد و دیون شما را برطرف می‌سازد و رشته‌های خواری را از گردن‌هایتان باز می‌کند و به خاطر ما آغاز می‌کند و به خاطر ما به پایان می‌رساند و این همه به

خاطر ما و نه شماست. ما همچون غار اصحاب کهف پناهگاه شماییم و همچون کشتی نوح کشتی رهایی شماییم و همچون دری که سبب ریزش گناهان بنی‌اسرائیل بود، بابِ ریزش گناهان شماییم.

۳۱۶. عَن أَبی سَعِیدٍ الخُدرِیِّ قَالَ: سَمِعتُ رَسُولَ اللهِ ﷺ یَقُولُ لِعَلِیٍّ علیه السلام: یَا عَلِیُّ أَبشِر وَ بَشِّر فَلَیسَ عَلَی شِیعَتِكَ كَربٌ عِندَ المَوتِ، وَ لَا وَحشَةَ فِی القُبُورِ، یَنفُضُونَ التُّرَابَ عَن رُؤُسِهِم وَ لِحَاهُم یَقُولُونَ: ﴿ **الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ إِنَّ رَبَّنٰا لَغَفُورٌ شَكُورٌ * الَّذِي أَحَلَّنٰا دٰارَ الْمُقٰامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لٰا يَمَسُّنٰا فِيهٰا نَصَبٌ وَ لٰا يَمَسُّنٰا فِيهٰا لُغُوبٌ** ﴾.

ابوسعید خدری گفت: شنیدم رسول خدا ﷺ به علی علیه السلام چنین می‌فرمود: ای علی! شاد باش و شادباش گو؛ چراکه شیعیان تو در هنگام مرگ و اندرون قبرها هیچ اندوه و وحشتی ندارند. گرد و خاک از سر و صورت خود می‌زدایند و می‌گویند: «سپاس و ستایش از آنِ خداوندی است که اندوه را از [دل] ما بُرد، به راستی پروردگار ما آمرزنده شکرگزار است. همان که از فضل خویش ما را در این سرای اقامت [ابدی] جای داد. در اینجا نه رنجی به ما می‌رسد و نه خستگی.»

۳۱۷. الحُسَینُ بنُ سَعِیدٍ مُعَنعَنًا: عَن عَلِیٍّ علیه السلام قَالَ: أَنَا وَ شِیعَتِی یَومَ القِیَامَةِ عَلَی مَنَابِرَ مِن نُورٍ فَیَمُرُّ عَلَینَا المَلَائِكَةُ فَیُسَلِّمُ عَلَینَا فَیَقُولُونَ: مَن هَذَا الرَّجُلُ وَ مَن هَؤُلَاءِ؟ فَیُقَالُ لَهُم: عَلِیُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ ابنُ عَمِّ النَّبِیِّ. فَیُقَالُ: مَن هَؤُلَاءِ؟ قَالَ: فَیُقَالُ لَهُم: هَؤُلَاءِ شِیعَتُهُ. قَالَ: فَیَقُولُونَ: أَینَ النَّبِیُّ العَرَبِیُّ وَ ابنُ عَمِّهِ؟ فَیَقُولُونَ: هُوَ عِندَ العَرشِ. قَالَ: فَیُنَادِی مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ عِندَ رَبِّ العِزَّةِ: یَا عَلِیُّ ادخُلِ الجَنَّةَ أَنتَ وَ شِیعَتُكَ لَا حِسَابَ عَلَیكَ وَ لَا عَلَیهِم. فَیَدخُلُونَ الجَنَّةَ وَ یَتَنَعَّمُونَ فِیهَا مِن فَوَاكِهِهَا وَ یَلبَسُونَ السُّندُسَ وَ الإِستَبرَقَ وَ مَا لَم تَرَ عَینٌ فَیَقُولُونَ: ﴿ **الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ إِنَّ رَبَّنٰا لَغَفُورٌ شَكُورٌ** ﴾ الَّذِی مَنَّ عَلَینَا بِنَبِیِّهِ مُحَمَّدٍ ﷺ وَ بِوَصِیِّهِ عَلِیِّ بنِ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام، فَالحَمدُ لِلّٰهِ الَّذِی مَنَّ عَلَینَا بِهِمَا مِن فَضلِهِ وَ أَدخَلَنَا الجَنَّةَ فَنِعمَ أَجرُ العَامِلِینَ. فَیُنَادِی مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ: كُلُوا وَاشرَبُوا هَنِیئًا قَد نَظَرَ إِلَیكُمُ الرَّحمَانُ بِنَظرَةٍ فَلَا بُؤسَ عَلَیكُم وَ لَا حِسَابَ وَ لَا عَذَابَ.

حسین بن سعید روایت کرده است: امام علی ﷺ فرمود: من و شیعیانم در روز قیامت بر منبرهایی از نور می‌نشینیم و فرشتگان از کنارمان می‌گذرند و بر ما سلام می‌دهند و می‌گویند: این مرد کیست و اینان کیستند؟ به آن‌ها گویند: این فرد علی بن ابی‌طالب پسرعموی پیامبر ﷺ است. فرشتگان می‌گویند: اینان کیستند؟ به آن‌ها گویند: ایشان شیعیان علی ﷺ هستند. می‌پرسند: پیامبر عرب و پسرعمویش کجایند؟ گفته شود: آنان در عرش هستند. آن‌گاه ندادهنده‌ای در آسمان از جانب پروردگار عزّتمند ندا سر می‌دهد: ای علی! به همراه شیعیانت وارد بهشت شو در حالی‌که هیچ حسابی بر تو و بر ایشان نیست. آن‌گاه آنان وارد بهشت می‌شوند و از میوه‌های آن بهره‌مند می‌شوند و جامه‌هایی از حریر و ابریشم بر تن می‌کنند و از نعمت‌هایی بهره‌مند می‌شوند که هیچ چشمی ندیده است و می‌گویند: «سپاس و ستایش از آنِ خداوندی است که اندوه را از [دل] ما بُرد، به راستی پروردگار ما آمرزندهٔ شکرگزار است.» همان خدایی که با پیامبرش محمّد ﷺ و وصیّ‌اش علی ﷺ بر ما منّت گذاشت. پس سپاس و ستایش از آنِ خداوندی است که از فضلش بر ما به واسطهٔ ایشان منّت نهاد و ما را در بهشت داخل ساخت و چه خوب پاداش عمل کنندگان را پرداخت. آن‌گاه ندادهنده‌ای از آسمان ندا سر می‌دهد: بخورید و بیاشامید که گوارایتان باد! همانا خداوند بخشنده چنان به سوی شما نظر افکند که دیگر هیچ سختی و عذابی بر شما نیست.

۳۱۸. عَن جَهمِبنِ حَرٍّ قَالَ: دَخَلتُ مَسجِدَ المَدِينَةِ فَصَلَّيتُ رَكعَتَينِ عَلَى سَارِيَةٍ ثُمَّ دَعوتُ اللهَ وَقُلتُ: اللَّهُمَّ آنِس وَحدَتِي وَارحَم غُربَتِي وَائتِنِي بِجَلِيسٍ صَالِحٍ يُحَدِّثُنِي بِحَدِيثٍ يَنفَعُنِي اللهُ بِهِ، فَجَاءَ أَبُوالدَّردَاءِ حَتَّى جَلَسَ إِلَيَّ فَأَخبَرتُهُ بِدُعَائِي فَقَالَ: أَمَّا إِنِّي أَشَدُّ فَرَحًا بِدُعَائِكَ مِنكَ أَنَّ اللهَ جَعَلَنِي ذَلِكَ الجَلِيسَ الصَّالِحَ الَّذِي سَافَرَ إِلَيكَ أَمَّا إِنِّي سَأُحَدِّثُكَ بِحَدِيثٍ سَمِعتُهُ مِن رَسُولِ اللهِ ﷺ لَم أُحَدِّث بِهِ أَحَدًا قَبلَكَ وَلَا أُحَدِّثُ بَعدَكَ: سَمِعتُ رَسُولَ اللهِ ﷺ تَلا هَذِهِ الآيَةَ: ﴿ **ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا**

فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَ مِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَ مِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ بِإِذْنِ اللهِ ذٰلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ * جَنَّاتُ عَدْنٍ ﴾ فَقَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: السَّابِقُ يَدخُلُ الجَنَّةَ بِغَيرِ حِسَابٍ وَ المُقتَصِدُ يُحَاسِبُ حِسَابًا يَسِيرًا وَ الظَّالِمُ لِنَفسِهِ يَحبِسُ فِي يَومٍ مِقدَارُهُ خَمسِينَ أَلفَ سَنَةٍ حَتَّى يَدخُلَ الحَزَنَ فِي جَوفِهِ ثُمَّ يَرحَمُهُ فَيُدخِلُهُ الجَنَّةَ فَقَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: ﴿ **الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ** ﴾ الَّذِي أَدخَلَ أَجوَافَهُم فِي طُولِ المَحشَرِ ﴿ **إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ** ﴾ قَالَ: شَكَرَ لَهُم العَمَلَ القَلِيلَ وَ عَفَا لَهُم الذُّنُوبَ العِظَامَ.

جهم بن حرّ گفت: به مسجد مدينه رفتم و دو ركعت نماز خواندم. سپس به درگاه خداوند دعا كردم و از او چنين خواستم و گفتم: خدايا به تنهايی‌ام انيس باش و بر غربتم رحم كن. همنشين نيكوكاری نزدم بفرست تا سخنی برايم گويد و اين‌چنين مرا سود رسان. ناگاه ابودرداء آمد و نزد من نشست. دعايم را به او گفتم. گفت: به راستی من به خاطر اين دعا از تو خوشحال‌ترم؛ چرا كه خداوند مرا آن همنشين نيكوكار قرار داد تا سوی تو می‌آيم. حال من برای تو حديثی نقل می‌كنم كه از رسول خدا ﷺ شنيده‌ام و آن را تاكنون برای هيچ كس پيش از تو بازگو نكرده‌ام و بعد از تو نيز نخواهم كرد. شنيدم رسول خدا ﷺ اين آيه را تلاوت كرد و فرمود: «پيشی‌گيرنده» بدون حساب داخل بهشت می‌شود و «ميانه‌رو» به حسابی آسان محاسبه می‌گردد و ستمكار بر خود، روزی كه مقدارش پنجاه هزار سال است، حبس می‌شود تا اين‌كه حزن و اندوه همه وجودش را فرامی‌گيرد؛ آن‌گاه خداوند او را می‌بخشايد و وارد بهشتش می‌كند. سپس رسول خدا ﷺ فرمود: «حمد و سپاس از آنِ خداوندی است كه اندوه را از ما بُرد» اندوهی را كه در طول محشر در وجود آنان درآورده بود. «به راستی پروردگار ما آمرزندهٔ شكرگزار است» عمل ناچيز را از آنان پذيرفت و از گناهان بزرگشان چشم پوشيد.

۳۱۹. عَن سَلمَانَ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ فِي كَلَامٍ ذَكَرَهُ فِي عَلِيٍّ فَذَكَرَ سَلمَانُ لِعَلِيٍّ فَقَالَ: وَاللهِ يَا

سَلمانُ لَقَد حَدَّثَنِی بِمَا أَخبَرکَ بِهِ ثُمَّ قَالَ: یَا عَلِیُّ وَ اللهِ لَقَد سَمِعتُ صَوتًا مِن عِندِ الرَّحمَانِ لَم یُسمَع یَا عَلِیُّ مِثلُهُ قَطُّ مِمَّا یَذکُرُونَ مِن فَضلِكَ حَتَّی لَقَد رَأَیتُ السَّمَاوَاتِ تَمُورُ بِأَهلِهَا حَتَّی أَنَّ المَلَائِکَةَ لَیَتطَلَّبُونَ إِلَی مِن مَخَافَةِ مَا تَجرِی بِهِ السَّمَاوَاتِ مِنَ المُورِ وَ هُوَ قَولُ اللهِ عَزَّ ذِکرُهُ ﴿ **إِنَّ اللهَ يُمْسِكُ السَّمٰاوٰاتِ وَ الْأَرْضِ أَنْ تَزُولاٰ وَ لَئِنْ زٰالَتٰا إِنْ أَمْسَكَهُمٰا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كٰانَ حَلِيمًا غَفُورًا**[1] ﴾ فَمَا زَالَت إِلَّا یَومَئِذٍ تَعظِیمَا لِأَمرِكَ ، حَتَّی سَمِعَتِ المَلَائِکَةُ صَوتًا مِن عِندِ الرَّحمَانِ: أُسکُنوا یَا عِبَادِی إِنَّ عَبدًا مِن عَبِیدِی أَلقَیتُ عَلَیهِ مَحَبَّتِی وَ أَکرَمتُهُ بِطَاعَتِی وَ اصطَفَیتُهُ بِکَرَامَتِی. فَقَالَتِ المَلَائِکَةُ: ﴿ **الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ**[2] ﴾ فَمَن أَکرَمُ عَلَی اللهِ مِنكَ؟ وَاللهِ إِنَّ مُحَمَّدًا ﷺ وَجَمِیعَ أَهلِ بَیتِهِ ﷺ لَمُشرِفُونَ مُتَبَشِّرُونَ یُبَاهُونَ أَهلَ السَّمَاءِ بِفَضلِكَ یَقُولُ مُحَمَّدٌ: الحَمدُ لِلّٰهِ الَّذِی أَنجَزَلِی وَعدَهُ فِی أَخِی وَصَفِیِّی وَ خَالِصَتِی مِن خَلقِ اللهِ وَاللهِ مَا قُمتُ قُدَامَ رَبِّی قَطُّ إِلَّا بَشَّرَنِی بِهَذَا الَّذِی رَأَیتُ ، وَ إِنَّ مُحَمَّدًا لَفِی الوَسِیلَةِ عَلَی مِنبَرٍ مِن نُورٍ یَقُولُ: ﴿ **الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أَحَلَّنٰا دٰارَ الْمُقٰامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لاٰ يَمَسُّنٰا فِيهٰا نَصَبٌ وَ لاٰ يَمَسُّنٰا فِيهٰا لُغُوبٌ**[3] ﴾.

سلمان فارسی از قول پیامبر ﷺ در بیان مناقب امیر مؤمنان ؑ در محضر امام علی ؑ آغاز به سخن نمود که امام علی ؑ فرمود: ای سلمان! به خدا سوگند آن‌چه را که پیامبر تو را از آن خبر داده، خود برای من گفته است، سپس فرمود: ای علی! به خدا سوگند صدایی از جانب خداوند بخشنده شنیدم که هرگز در میان آن‌چه که از فضیلت تو می‌گویند، همانندش شنیده نشده است؛ آن‌چنان‌که دیدم آسمان‌ها چنان ساکنان خود را به این سو و آن‌سو می‌کشانند که فرشتگان از ترس آشوبی که در آسمان‌ها برپاست، سوی من پناه می‌آورند و این همان

---

۱. فاطر، ۴۱
۲. فاطر، ۳۴
۳. فاطر، ۳۵

کلام خداوند عزّ ذکره است: «بی‌تردید خداوند آسمان‌ها و زمین را نگاه می‌دارد که از مسیر خود منحرف نشوند، و اگر منحرف شوند پس از او هیچ کس آن دو را نگاه نمی‌دارد، به راستی خداوند بردبار آمرزنده است.» و آسمان‌ها در آن روز تنها از برای بزرگداشت امر تو منحرف نشدند؛ تا این‌که فرشتگان از جانب خداوند بخشنده صدایی شنیدند که می‌گفت: ای بندگان من! آرام گیرید، همانا محبّتم را بر بنده‌ای از بندگانم افکندم و او را به طاعتم گرامی داشتم و به کرامتم او را برگزیدم. فرشتگان گفتند: «حمد و سپاس از آنِ خداوندی است که اندوه را از [دل] ما برد.» حال چه کسی نزد خداوند از تو ارجمندتر است؟! به خدا سوگند محمّد ﷺ و همهٔ اهل بیتش ﷺ ارجمند و دلشاد نزد اهالی آسمان به فضیلت تو می‌بالند و محمّد ﷺ می‌فرماید: سپاس و ستایش از آنِ خداوندی است که به وعده‌اش در مورد برادر و منتخب و برگزیدهٔ من از میان آفریدگان خداوند برایم جامهٔ عمل پوشانید. به خدا سوگند هیچ‌گاه مقابل پروردگارم قیام نکردم مگر آن‌که مرا به آن‌چه دیدم، بشارت داد. و همانا محمّد ﷺ نشسته در جایگاه وسیله بر منبری از نور می‌فرماید: «سپاس و ستایش از آنِ خداوندی است که ما را در این سرای اقامت [ابدی] جای داد، در اینجا نه رنجی به ما می‌رسد و نه خستگی.»

وَ اللهِ یا عَلِیُّ إنَّ شِیعَتَکَ لَیُؤذَنَ لَهم عَلَیکُم فِی الدُّخُولِ فِی کُلِّ جُمُعَةٍ، وَ إنَّهم لَینظُرونَ إلَیکُم مِن مَنَازِلِهم یومَ الجُمُعَةِ کَما یَنظُرُ أهلُ الدُّنیا إلَی النَّجمِ فِی السَّماءِ، وَ إنَّکُم لَفِی أعلَی عِلِّیینَ فِی غُرفَةٍ لَیسَ فَوقَها دَرَجَةُ أَحَدٍ مِن خَلقِهِ وَ اللهِ مَا بَلَّغَها أحَدٌ غَیرَکُم.

ثُمَّ قَالَ أَمِیرُ المُؤمِنِینَ: وَ اللهِ لَأُبارِزُ الأَرضَ الَّذِی تَسکُنُ إلَیهِ وَ اللهِ لا تَزالُ الأَرضُ ثَابِتَةً مَا کُنتُ عَلَیها فَإذَا لَم یَکُن للهِ فِی خَلقِهِ حَاجَةٌ رَفَعَنِیَ اللهُ إلَیهِ. وَاللهِ لَو فَقَدتُمونِی لَمَارَت بِأَهلِها مُورًا لا یَرُدُّهُم إلَیها أَبَدًا، اللهَ اللهَ أیُّها النَّاسُ إیَّاکُم وَ النَّظَرَ فِی أَمرِ اللهِ وَ السَّلامُ عَلَی المُؤمِنِینَ وَ الحَمدُ للهِ رَبِّ العَالَمِینَ.

ای علی! به خدا سوگند در هر جمعه‌ای به شیعیان تو اجازه می‌دهند تا نزد شما آیند و آنان در روز جمعه از منزلگاه‌های خود سوی شما می‌نگرند، آن‌چنان که اهل دنیا به سوی ستاره‌ای در آسمان نظر می‌کنند و همانا شما در آسمان هفتم در غرفه‌ای جای دارید که درجهٔ هیچ‌یک از آفریدگان خداوند بالاتر از آن نیست و به خدا سوگند هیچ کس جز شما به آنجا نمی‌رسد. سپس امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: به خدا سوگند زمینی را که در آن ساکن هستید، آشکار ساختم. به خدا سوگند زمینِ با ثبات، مادامی که بر آن هستم منحرف و متزلزل نمی‌گردد. پس هنگامی که خداوند دیگر آفریدگانش را بر جا نخواهد، مرا به سوی خویش بالا می‌برد. به خدا سوگند اگر مرا از دست دهید هر آینه زمین چنان اهل خود را به این سو و آن سو می‌کشد که هرگز آنان بر جای نشوند. خدا را خدا را، ای مردم! برحذر باشید و در امر خدا نظر کنید و سلام بر مؤمنان و سپاس و ستایش از آنِ پروردگار جهانیان است.

وَ مِن سُورَةِ يس

(سورهٔ یس، آیهٔ ۱۳ ـ ۱۴ و ۲۰)

﴿ وَ اضْرِبْ لَهُمْ مَثَلاً أَصْحابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جاءَهَا الْمُرْسَلُونَ * إِذْ أَرْسَلْنا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُما فَعَزَّزْنا بِثالِثٍ * وَ جاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدينَةِ رَجُلٌ يَسْعىٰ قالَ يا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلينَ ﴾

و برای آنان مَثَلی‌بزن، [داستان] اهل آن شهر [انطاکیه]! هنگامی‌که فرستادگان [خداوند] به آنجا آمدند. آن‌گاه که به سوی آنان دو تن را فرستادیم، پس تکذیبشان کردند، آن‌گاه [آن‌دو را] به سوّمی توانا ساختیم... و از دورترین نقطهٔ شهر مردی شتابان آمد [و] گفت: ای قوم من! از این فرستادگان پیروی کنید.

۳۲۰. عَبدُالرَّحمانِ‌بنِ أَبی‌لَیلَی عَن أَبیهِ قالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: الصِّدّیقُونَ ثَلاثَةٌ حَبیبُ النَّجّارُ مُؤمِنُ آلِ یس الَّذی قالَ: ﴿ يا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلينَ ﴾ وَ حِزقیلُ مُؤمِنُ آلِ فِرعَونَ الَّذی قالَ: ﴿ أَ تَقْتُلُونَ رَجُلاً أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللهُ[1] ﴾ وَ عَلِیُّ بنُ أَبی‌طالِبٍ ؏ الثّالِثُ وَ هُوَ أَفضَلُهُم.

---

۱. غافر، ۲۸

عبدالرحمن بن ابی‌لیلی از پدرش نقل کرد: رسول خدا ﷺ فرمود: صدّیقین سه نفر هستند. حبیب نجّار همان مؤمن آل یاسین که گفت: «ای قوم من! از این فرستادگان پیروی کنید.» و حزقیل همان مؤمن آل فرعون که گفت: «آیا مردی را می‌کشید که می‌گوید پروردگار من خداست؟» و سوم علی بن ابی‌طالب ؑ که برترین ایشان است.

وَ مِن سُورَةِ الصَّافَاتِ

(سورهٔ صافات، آیهٔ ۲۴)

﴿ وَقِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْؤُلُونَ ﴾

آنان را بازدارید، بی‌تردید از ایشان سؤال می‌شود.

۳۲۱. عَن ابنِ عَبَّاسٍ فِی قَولِهِ تَعالَی: ﴿ وَقِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْؤُلُونَ ﴾ قالَ: عَن وَلایةِ عَلِیِّ بنِ أبی‌طالِبٍ.

ابن عباس دربارهٔ این آیه گفت: از ولایت علی بن ابی‌طالب علیه السلام سؤال می‌شود.

(سورهٔ صافات، آیهٔ ۱۳۰)

﴿ سَلامٌ عَلیٰ إِلْیاسینَ ﴾

سلام بر آل یاسین.

۳۲۲. عَن سُلَیمِ‌بنِ قَیسٍ العامِرِیِّ قالَ: سَمِعتُ عَلِیًّا یَقُولُ: رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله یاسینُ وَ نَحنُ آلُهُ.

سلیم بن قیس عامری گفت: از حضرت علی علیه السلام شنیدم که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله یاسین و ما خاندان او هستیم.

(سورهٔ صافات، آیهٔ ۱۶۴)

﴿ وَ مٰا مِنّٰا إِلاّٰ لَهُ مَقٰامٌ مَعْلُومٌ ﴾

و هیچ یک از ما نیست مگر این‌که برای او جایگاه معلومی است.

۳۲۳. جَعفَرُبنُ مُحَمَّدٍ الفَزَارِیُّ مُعَنعَنًا: عَن أَبی‌عَبدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: سَمِعتُهُ یَقُولُ فِی قَولِهِ ﴿ وَ مٰا مِنّٰا إِلاّٰ لَهُ مَقٰامٌ مَعْلُومٌ ﴾ قَالَ: أُنزِلَ فِی الأَئِمَّةِ وَ الأَوصِیَاءِ مِن آلِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله.

جعفربن محمّد فزاری روایت کرده است: امام جعفر صادق عليه السلام دربارهٔ این آیه فرمود: دربارهٔ امامان عليهم السلام و جانشینان خاندان حضرت محمّد صلى الله عليه وآله نازل شده است.

وَ مِن سُورةِ صٓ

(سورهٔ صٓ، آیهٔ ۲۸)

﴿ أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الأَرضِ أَمْ نَجعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجّارِ ﴾

آیا کسانی را که ایمان آورده‌اند و کارهای نیک انجام داده‌اند همچون فسادکنندگان در زمین قرار می‌دهیم؟ یا پرهیزکاران را همچون بدکاران قرار می‌دهیم؟

۳۲۴. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ فِی قَولِهِ تَعالَی: ﴿ أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الأَرضِ أَمْ نَجعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجّارِ ﴾ قَالَ: نَزَلَت هَذِهِ الآيَةُ فِی ثَلاثَةٍ مِنَ المُسلِمِينَ فَهُمُ المُتَّقُونَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحَاتِ وَ فِی ثَلاثَةٍ مِنَ المُشرِكِينَ فَهُمُ المُفسِدُونَ فِی الأَرضِ، فَأَمَّا الثَّلاثَةُ مِنَ المُسلِمِينَ فَعَلِیُّ بنُ أَبی طالِبٍ وَ حَمزَةُ وَ عُبَيدَةُ، وَ أَمَّا الثَّلاثَةُ مِنَ المُشرِكِينَ فَعُتبَةُ بنُ رَبِيعَةَ وَ شَيبَةُ وَ الوَلِيدُ بنُ عُتبَةَ وَ هُمُ الَّذِينَ تَبارَزُوا يَومَ بَدرٍ فَقَتَلَ عَلِیٌّ الوَلِيدَ وَ قَتَلَ حَمزَةُ عُتبَةَ بنَ رَبِيعَةَ وَ قَتَلَ عُبَيدَةُ شَيبَةَ.

ابن عباس گفت: این آیه دربارهٔ سه نفر از مسلمانانِ پرهیزکار که ایمان آورده‌اند و کارهای نیک انجام داده‌اند، و سه نفر از مشرکان که فسادکنندگان در زمین

هستند، نازل شده است. و امّا آن سه مسلمان، حضرت علی علیه‌السلام و حمزه و عبیده هستند و آن سه مشرک، عتبةبن ربیعه و شیبه و ولیدبن عتبه هستند که در روز بدر با یکدیگر مبارزه کردند. حضرت علی علیه‌السلام ولید را کشت، حمزه، عتبة بن ربیعه را کشت و عبیده، شیبه را کشت.

(سورهٔ ص، آیهٔ ۶۲ ـ ۶۴)

﴿ وَ قالُوا ما لَنا لا نَرىٰ رِجالاً كُنّا نَعُدُّهُمْ مِنَ الْأَشْرارِ * أَتَّخَذْناهُمْ سِخْرِيًّا أَمْ زاغَتْ عَنْهُمُ الْأَبْصارُ * إِنَّ ذٰلِكَ لَحَقٌّ تَخاصُمُ أَهْلِ النّارِ ﴾

و گویند: چرا مردانی را که از اشرار می‌شمردیم نمی‌بینیم؟! آیا آنان را مسخره کردیم یا چشم‌ها[ی ما] از آنان منحرف شده است؟ به راستی این [یعنی] ستیزهٔ اهل آتش با یکدیگر، حق است.

۳۲۵. فُراتُ قَالَ: حَدَّثَنِی جعفَرُبنُ مُحَمَّدٍ الفَزارِیُّ مُعنعَنًا: عَن أَبی‌عَبدِ اللهِ علیه‌السلام فِی قَولِهِ تَعالَی: ﴿ ما لَنا لا نَرىٰ رِجالاً كُنّا نَعُدُّهُمْ مِنَ الْأَشْرارِ ﴾ قَالَ: إِيّاکُم وَاللهِ عَنَی يَا مَعشَرَ الشِّيعَةِ.

فرات گفت: جعفربن محمّد فزاری روایت کرده است: امام جعفر صادق علیه‌السلام دربارهٔ کلام خداوند متعال «و گویند: چرا مردانی را که از اشرار می‌شمردیم نمی‌بینیم؟» فرمود: به خدا سوگند شما ای گروه شیعه مورد نظر هستید.

۳۲۶. عَن سَمَاعَةَبنِ مِهرَانَ قَالَ: قَالَ لِی أَبُوعَبدِ اللهِ علیه‌السلام مَا حَالُکُم عِندَ النَّاسِ؟ قَالَ: قُلتُ: مَا أَحَدٌ أَسوَءُ حَالًا مِنَّا عِندَهُم، نَحنُ عِندَهُم أَشَرُّ مِنَ اليَهُودِ وَ النَّصَارَی وَ المَجُوسِ وَ الَّذِينَ أَشرَکُوا. قَالَ: لَا وَاللهِ لَا يُرَی فِی النَّارِ مِنکُم اثنَانِ لَا وَاللهِ لَا وَاحِدٌ وَ إِنَّکُمُ الَّذِينَ نَزَلَت فِيهِم هَذِهِ الآيَةُ: ﴿ وَ قالُوا ما لَنا لا نَرىٰ رِجالاً كُنّا نَعُدُّهُمْ مِنَ الْأَشْرارِ * أَتَّخَذْناهُمْ سِخْرِيًّا أَمْ زاغَتْ عَنْهُمُ الْأَبْصارُ ﴾.

سماعة بن مهران گفت: امام جعفر صادق علیه‌السلام به من فرمود: حال شما نزد مردم

چگونه است؟ عرض کردم: هیچ کس بدحال‌تر از ما نزد آن‌ها نیست، ما پیش آن‌ها بدتر از یهود و نصارا و مجوس و مشرکان هستیم. امام ﷺ فرمود: نه؛ به خدا سوگند دو نفر از شما در آتش دیده نمی‌شود. نه؛ به خدا سوگند، یک نفر هم دیده نمی‌شود. شما کسانی هستید که این آیه دربارهٔ ایشان نازل گشت: «و گویند: چرا مردانی را که از اشرار می‌شمردیم نمی‌بینیم؟! آیا آنان را مسخره کردیم یا چشم‌ها[ی ما] از آنان منحرف شده است؟»

۳۲۷. عَن سُلَیمَانَ الدَّیلَمِیِّ قَالَ: کُنتُ عِندَ أَبِی‌عَبدِ اللهِ ﷺ إذ دَخَلَ عَلَیهِ أَبُوبَصِیرٍ وَ قَد أَخَذَهُ النَّفَسُ فَلَمَّا أَن أَخَذَ مَجلِسَهُ قَالَ لَهُ أَبُوعَبدِ اللهِ ﷺ: یَا أَبَا مُحَمَّدٍ مَا هَذَا النَّفَسُ العَالِی؟ قَالَ: جُعِلتُ فِدَاكَ یَا ابنَ رَسُولِ اللهِ کَبُرَت سِنِّی وَ دَقَّ عَظمِی وَ اقتَرَبَ أَجَلِی وَ لَستُ أَدرِی مَا أَرِدُ عَلَیهِ مِن أَمرِ آخِرَتِی. فَقَالَ یَا أَبَامُحَمَّدٍ إِنَّكَ لَتَقُولُ هَذَا؟ فَقَالَ: جُعِلتُ فِدَاكَ وَ کَیفَ لَا أَقُولُ هَذَا فَذَکَرَ کَلَامًا ثُمَّ قَالَ: یَا أَبَامُحَمَّدٍ لَقَد ذَکَرَکُمُ اللهُ إِذ حَکَی قَولَ عَدُوِّکُم فِی النَّارِ: ﴿ **مٰا لَنٰا لٰا نَرىٰ رِجٰالاً كُنّٰا نَعُدُّهُمْ مِنَ الْأَشْرٰارِ * أَتَّخَذْنٰاهُمْ سِخْرِيًّا أَمْ زٰاغَتْ عَنْهُمُ الْأَبْصٰارُ * إِنَّ ذٰلِكَ لَحَقٌّ تَخٰاصُمُ أَهْلِ النّٰارِ** ﴾ وَاللهِ مَا عَنَا بِهَذَا وَ لَا أَرَادَ غَیرَکُم إِذ صِرتُم عِندَ هَذَا العَالَمِ شِرَارَ النَّاسِ فَأَنتُم وَاللهِ فِی الجَنَّةِ تُحبَرُونَ وَ هُم فِی النَّارِ یَصلُونَ.

سلیمان دیلمی گفت: نزد امام جعفر صادق ﷺ بودم که ابوبصیر در حالی‌که نفسش گرفته بود، خدمت ایشان رسید. هنگامی که نشست، امام صادق ﷺ رو به او کرد و فرمود: ای ابامحمّد! چرا این‌گونه نفس عمیق می‌کشی؟ عرض کرد: فدایت شوم ای پسر رسول خدا! پیر و ناتوان شده‌ام و زمان مرگم نزدیک شده؛ با این وجود نمی‌دانم در آخرت چه حالی خواهم داشت. امام ﷺ فرمود: ای ابامحمّد! تو هم چنین می‌گویی؟ عرض کرد: قربانت شوم، چرا نگویم؟ امام ﷺ سخنانی ذکر کرد و سپس فرمود: ای ابامحمّد! همانا خداوند شما را یاد کرده در آنجا که از زبانِ دشمن شما در دوزخ چنین حکایت می‌کند: «و گویند:

چرا ما [در اینجا] مردانی را که از اشرار می‌شمردیم و تمسخرشان می‌کردیم نمی‌بینیم؟! یا شاید دیدگان ما [از دیدنشان] خیره گشته است؟» به خدا سوگند، مقصود و منظور از این آیه، کسی جز شما نیست؛ زیرا شما در نزد مردم این جهان اشرار محسوب شده‌اید. به خدا سوگند، هنگامی که شما در بهشت شادمان هستید، آنان در آتش سوخته می‌شوند.

وَ مِن سُورَةِ الزُّمَرِ

(سورهٔ زمر، آیهٔ ۹)

﴿ أَمَّنْ هُوَ قانِتٌ آناءَ اللَّيْلِ ساجِدًا وَ قائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَ يَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذينَ لا يَعْلَمُونَ إِنَّما يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبابِ ﴾

[آیا چنین کافری بهتر است] یا کسی که در ساعات شب در سجده و ایستاده با فروتنی به عبادت مشغول است، از آخرت بیمناک است و به رحمت پروردگارش امید دارد؟ بگو: آیا کسانی که می‌دانند و آنانی که نمی‌دانند برابرند؟ تنها خردمندان پند می‌گیرند.

۳۲۸. سُلَيمانُ الدَّيلَمِيُّ قالَ: كُنتُ عِندَ أَبي‌عَبدِ اللهِ ﷺ إذ دَخَلَ عَلَيهِ أَبُوبَصيرٍ وَ قَد أَخَذَهُ النَّفسُ فَلَمّا أَن أَخَذَ مَجلِسَهُ قالَ لَهُ أَبُوعَبدِ اللهِ ﷺ ما هَذَا النَّفسُ العالِي؟ قالَ: جُعِلتُ فِداكَ يَا ابنَ رَسُولِ اللهِ كَبُرَت سِنّي وَ دَقَّ عَظمي وَ اقتَرَبَ أَجَلي وَ لَستُ أَدري ما أَرِدُ عَلَيهِ مِن أَمرِ آخِرَتي. فَقالَ أَبُوعَبدِ اللهِ ﷺ: يا أَبا مُحَمَّدٍ إنَّكَ لَتَقُولُ هذا؟! فَقالَ: جُعِلتُ فِداكَ وَ كَيفَ لا أَقُولُ هَذا ـ فَذَكَرَ كَلامًا.

ثُمَّ قالَ: يا أَبا مُحَمَّدٍ إنَّ المَلائِكَةَ تُسقِطُ الذُّنُوبَ عَن ظُهُورِ شيعَتِنا كَما يُسقِطُ الرِّيحُ

الوَرَقَ فِی أَوانِ سُقُوطِهِ وَ ذَلِكَ قَولُهُ تَعالَی: ﴿ **الَّذينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَ مَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ يَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذينَ آمَنُوا**[1] ﴾ فَمَا إستِغفارُهُم وَاللهِ إِلّا لَكُم دُونَ الخَلقِ فَهَل سَرَرتُكَ یا أَبا مُحَمَّدٍ؟ قالَ: قُلتُ: جُعِلتُ فِداكَ زِدنی.

قالَ: یا أَبا مُحَمَّدٍ ذَكَرَنا اللهُ وَ ذَكَرَ شيعَتَنا وَ عَدُوَّنا فی آيَةٍ مِن كِتابِهِ: ﴿ **هَلْ يَسْتَوِي الَّذينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذينَ لا يَعْلَمُونَ إِنَّما يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبابِ** ﴾ فَنَحنُ الَّذينَ يَعلَمُونَ وَ عَدُوُّنا الَّذينَ لَا يَعلَمُونَ وَ شيعَتُنا أُولُوا الأَلبابِ.

قالَ: جُعِلتُ فِداكَ زِدنی. قالَ: لَقَد ذَكَرَكُمُ اللهُ فِی كِتابِهِ إِذ يَقُولُ: ﴿ **يا عِبادِيَ الَّذينَ أَسْرَفُوا عَلىٰ أَنْفُسِهِمْ لا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللهِ إِنَّ اللهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَميعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحيمُ**[2] ﴾ ما أَرادَ بِهَذا غَيرَكُم فَهَل سَرَرتُكَ یا أَبا مُحَمَّدٍ؟

سلیمان دیلمی گفت: خدمت امام جعفر صادق علیه‌السلام بودم که ابوبصیر در حالی‌که نفسش گرفته بود، خدمت ایشان رسید. هنگامی که نشست، امام صادق علیه‌السلام رو به او کرد و فرمود: ای ابامحمّد، چرا این‌گونه نفس عمیق می‌کشی؟ عرض کرد: فدایت شوم ای فرزند رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله! پیر و ناتوان شده‌ام و زمان مرگم نزدیک شده؛ با این وجود نمی‌دانم در آخرت چه حالی خواهم داشت. امام علیه‌السلام فرمود: ای ابا محمّد! تو هم چنین می‌گویی؟ ابوبصیر عرض کرد: قربانت شوم، چرا نگویم؟ امام علیه‌السلام سخنانی ذکر کرد و سپس فرمود: همانا فرشتگان گناهان را از دوش شیعیان ما می‌ریزند؛ همان‌گونه که باد خزان برگ‌ها را در فصل پاییز می‌ریزد و این کلام خداوند متعال است: «کسانی که عرش را حمل می‌کنند و کسانی که بر اطراف آن هستند، با سپاس و ستایش پروردگارشان تسبیح می‌گویند و برای کسانی که ایمان آورده‌اند، آمرزش می‌طلبند.» به خدا سوگند آمرزش‌خواهیِ آنان تنها برای شماست، نه برای

---

۱. مؤمن، ۷

۲. زمر، ۵۳

دیگر مردم. ای ابا محمّد! آیا خوشحالت کردم؟ عرض کرد: فدایت شوم، بیشتر بگویید. امام علیه السلام فرمود: ای ابا محمّد! خداوند از ما و شیعیان ما و دشمنان ما در آیه‌ای از کتابش یاد کرده است: «آیا کسانی که می‌دانند و آنانی که نمی‌دانند برابرند؟ تنها خردمندان پند می‌گیرند.» ما کسانی هستیم که می‌دانند و دشمنان ما کسانی هستند که نمی‌دانند و خردمندان، شیعیان ما هستند. عرض کرد: فدایت شوم، بیشتر بگویید. امام علیه السلام فرمود: خداوند از شما در کتابش یاد کرده است، آنجا که می‌فرماید: «ای بندگان من که در مورد نفس خویش زیاده‌روی کرده‌اید، از رحمت الهی نا‌امید نشوید؛ زیرا خداوند همهٔ گناهان شما را می‌آمرزد، به راستی او آمرزنده و مهربان است». خداوند در این آیه کسی جز شما را منظور نداشته است. ای ابا محمّد! آیا تو را خوشحال کردم؟

(سورهٔ زمر، آیهٔ ۲۹)

﴿ ضَرَبَ اللهُ مَثَلاً رَجُلاً فيهِ شُرَكٰاءُ مُتَشٰاكِسُونَ وَ رَجُلاً سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيٰانِ مَثَلاً ﴾

خداوند مَثَلی زد: مردی که چند شریک در [مالکیّت] او با یکدیگر دعوا دارند و مردی که فرمانبر مرد دیگری است، آیا این دو در مَثَل با هم برابرند؟

۳۲۹. عَن جابِرٍ قالَ: قالَ أَبوالطُّفَيلِ: قالَ عَلِيٌّ علیه السلام فِي قَولِهِ تَعالَى: ﴿ وَ رَجُلاً سَلَمًا لِرَجُلٍ ﴾ أَميرُالمُؤمِنينَ سَلَمٌ لِلنَّبِيِّ صلی الله علیه و آله.

جابر به نقل از ابوطفیل گفت: حضرت علی علیه السلام دربارهٔ کلام خداوند متعال «و مردی که فرمانبر مرد دیگری است»، فرمود: امیرمؤمنان علیه السلام فرمانبر پیامبر صلی الله علیه و آله است.

(سورهٔ زمر، آیهٔ ۵۶)

﴿ يٰا حَسْرَتىٰ عَلىٰ مٰا فَرَّطْتُ في جَنْبِ اللهِ ﴾

ای دریغ و افسوس بر آن‌چه در طاعت و بندگی خداکوتاهی کردم.

۳۳۰. فُراتُ بنُ إبراهِيمَ الكُوفِيُّ مُعنعَنًا: عَن عَلِيِّ بنِ الحُسَينِ عليه السلام فِي قَولِهِ تَعالَى: ﴿ **يٰا حَسْرَتىٰ عَلىٰ مٰا فَرَّطْتُ في جَنْبِ اللهِ** ﴾ قالَ: جَنبُ اللهِ عَلِيٌّ وَ هُوَ حُجَّةُ اللهِ عَلَى الخَلقِ يَومَ القِيامَةِ، إذا كانَ يومُ القِيامَةِ أمَرَ اللهُ خُزّانَ جَهنَّمَ أن يَدفَعَ مَفاتِيحَ جَهنَّمَ إلى عَلِيٍّ فَيُدخِلُ مَن يُرِيدُ وَ يُنجِي مَن يُرِيدُ وَ ذٰلِكَ أنَّ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وآله قالَ: مَن أحَبَّكَ فَقَد أحَبَّنِي وَ مَن أبغَضَكَ فَقَد أبغَضَنِي، يا عَلِيُّ أنتَ أخِي وَ أنا أخُوكَ، يا عَلِيُّ إنَّ لِواءَ الحَمدِ مَعَكَ يَومَ القِيامَةِ تَقَدَّمُ بِهِ قُدامُ أُمَّتِي وَ المُؤَذِّنُونَ عَن يَمِينِكَ وَ عَن شِمالِكَ.

فرات‌بن ابراهیم کوفی روایت کرده است: امام سجاد علیه السلام دربارهٔ این آیه فرمود: منظور از جنب خدا علی علیه السلام است و او حجت خدا بر خلق در روز قیامت است. هنگامی که روز قیامت فرارسد، خداوند به دربانان جهنم امر می‌کند تا کلیدهای جهنم را به علی علیه السلام بدهند و او هر که را بخواهد، داخل جهنم می‌کند و هر که را بخواهد، نجات می‌دهد؛ چراکه رسول خدا صلى الله عليه وآله به علی علیه السلام فرمود: کسی که تو را دوست بدارد، مرا دوست داشته و هر کس تو را دشمن دارد، مرا دشمن داشته است، ای علی! تو برادر من هستی و من برادر تو هستم، ای علی! همانا پرچم حمد در روز قیامت در دست توست و تو آن را پیشاپیش امّت من می‌آوری و مؤذنان در راست و چپ تو قرار خواهند گرفت.

۳۳۱. عُبَيدُ بنُ كَثِيرٍ مُعَنعَنًا: عَن أمِيرِ المُؤمِنِينَ عَلِيِّ بنِ أبِي طالِبٍ علیه السلام قالَ: أنا وَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله عَلَى الحَوضِ وَ مَعَنا عِترَتُنا فَمَن أرادَنا فَليَأخُذ بِقَولِنا وَ لِيَعمَل بِأعمالِنا فَإنّا أهلَ البَيتِ لَنا شَفاعَةٌ فَتَنافَسُوا فِي لِقائِنا عَلَى الحَوضِ فَإنّا نَذُودُ عَنهُ أعداءَنا وَ نَسقِي مِنهُ أولِياءَنا، وَ مَن شَرِبَ مِنهُ لَم يَظمَأ أبَدًا، وَ حَوضُنا مُترَعٌ فِيهِ مَثعَبانِ يَنصَبّانِ مِنَ الجَنَّةِ أحَدُهُما مِن تَسنِيمٍ وَ الآخَرُ مِن مَعِينٍ، عَلَى حافَتَيهِ

الزَّعفَرَانُ ، وَ حَصبَاهُ الدُّرُّ وَ اليَاقُوتُ وَ إِنَّ الأُمُورَ إِلَى اللهِ وَ لَيسَ إِلَى العِبَادِ وَ لَو كَانَ إِلَى العِبَادِ مَا اختَارُوا عَلَينَا أَحَدًا وَلٰكِنَّهُ يَختَصُّ بِرَحمَتِهِ مَن يَشَاءُ مِن عِبَادِهِ ، فَأَحمَدُ اللهَ عَلَى مَا اختَصَّكُم بِهِ مِنَ النِّعَمِ وَ عَلَى طِيبِ المَولِدِ فَإِنَّ ذِكرَنَا أَهلَ البَيتِ شِفَاءُ مِنَ الوَعكِ وَ الأَسقَامِ وَ وَسوَاسِ الرَّيبِ ، وَ إِنَّ حُبَّنَا رِضَا الرَّبِّ وَ الآخِذُ بِأَمرِنَا وَ طَرِيقَتِنَا مَعَنَا غَدًا فِي حَظِيرَةِ القُدسِ ، وَ المُنتَظِرُ لِأَمرِنَا كَالمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللهِ ، وَ مَن سَمِعَ وَاعِيَنَا فَلَم يَنصُرنَا أَكَبَّهُ اللهُ عَلَى مَنخِرَيهِ فِي النَّارِ.

عبید بن کثیر روایت کرده است: امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام فرمود: من و رسول خدا صلی الله علیه و آله بر حوض می‌ایستیم و خاندانمان همراه ما هستند؛ پس هر که می‌خواهد به ما بپیوندد، بایست به گفتهٔ ما گوش فرا دهد و به کردار ما عمل کند که شفاعت از برای ما اهل بیت است؛ پس برای دیدار ما بر حوض از یکدیگر پیشی گیرید که ما دشمنانمان را از آن دور می‌رانیم و دوستانمان را از آن می‌نوشانیم و هر که از آن بنوشد، هرگز تشنه نخواهد شد. حوض ما لبریز است و دو آبراهه دارد که از بهشت سرچشمه می‌گیرد؛ یکی از آن دو از چشمهٔ تسنیم و دیگری از چشمهٔ معین. بر لبه‌هایش زعفران است و ریگ‌هایش از درّ و یاقوت است و همه امور به سوی خداوند است و نه به سوی بندگان؛ که اگر به سوی بندگان می‌بود، هیچ‌کس را بر ما بر نمی‌گزیدند، امّا او هر که را از بندگانش بخواهد، به رحمت خود مخصوص می‌گرداند. پس خدا را می‌ستایم برای آن‌چه که از نعمت‌ها به شما اختصاص داد و زاد و ولدتان را پاک گرداند. همانا ذکر ما اهل بیت شفابخش ناخوشی‌ها و بیماری‌ها و وسوسه‌های شک‌برانگیز است و همانا دوستی ما خشنودی پروردگار است و آن‌که به فرمان ما گوش فرا دهد و پا در طریقت ما گذارد، فردا به کنار پرچین فردوس برین همراه ماست و آن‌که در انتظار امر ما باشد، همچون کسی است که در راه خدا در خون خود غلتیده و هر که ندای ما را بشنود امّا ما را یاری نکند، خداوند از صورت او را در آتش سرنگون می‌کند.

نَحنُ البَابُ إِذَا بُعِثُوا فَضَاقَت بِهِمُ المَذَاهِبُ ، نَحنُ بَابُ حِطَّةٍ وَ هُوَ بَابُ الإِسلَامِ مَن دَخَلَهُ نَجَا وَ مَن تَخَلَّفَ عَنهُ هَوَى ، بِنَا فَتَحَ اللهُ وَ بِنَا يَختِمُ ، وَ بِنَا يَمحُو اللهُ مَا يَشَاءُ وَ يُثبِتُ ، وَ بِنا يُنَزِّلُ الغَيثَ فَلا يَغُرَّنَّكُم بِاللهِ الغَرُورُ.

لَو تَعلَمُونَ مَا لَكُم فِي القِيَامِ بَينَ أَعدَائِكُم وَ صَبرِكُم عَلَى الأَذَى لَقَرَّت أَعيُنُكُم ، وَ لَو فَقَدتُمُونِي لَرَأَيتُم أُمُورًا يَتَمَنَّى أَحَدُكُمُ المَوتَ مِمَّا يَرَى مِنَ الجَورِ وَ الإِستِخفَافِ بِحَقِّ اللهِ وَ الخَوفِ ، فَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ فَاعتَصِمُوا بِحَبلِ اللهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا ، وَ عَلَيكُم بِالصَّبرِ وَ الصَّلَاةِ وَ التَّقِيَّةِ وَ اعلَمُوا أَنَّ اللهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يُبغِضُ مِن عِبَادِهِ المُتَلَوِّنَ فَلا تَزُولُوا عَنِ الحَقِّ وَ وَلَايَةِ أَهلِ الحَقِّ ، فَإِنَّهُ مَنِ استَبدَلَ بِنَا هَلَكَ وَ مَنِ اتَّبَعَ أَمرَنَا لَحِقَ وَ مَن سَلَكَ غَيرَ طَرِيقِنَا غَرِقَ وَ إِنَّ لِمُحِبِّينَا أَفوَاجًا مِن رَحمَةِ اللهِ وَ إِنَّ لِمُبغِضِينَا أَفوَاجًا مِن عَذَابِ اللهِ.

در آن هنگام که مردم برانگیخته شوند و گذرگاه‌ها بر ایشان تنگ آید، ما بابِ نجاتیم و ما بابِ ریزش گناهان که همان بابِ اسلام است، هستیم؛ هر که به آن درآید، نجات یابد و هر که به آن نرسد، سقوط کند. خداوند به خاطر ما آغاز کرد و به خاطر ما به پایان می‌رساند و به خاطر ما آن‌چه را که بخواهد از میان می‌برد یا بر جا می‌گذارد و به خاطر ما باران را فرو می‌ریزد، پس مبادا غرور شما را در پیشگاه خداوند بفریبد. اگر می‌دانستید با قیام در بین دشمنانتان و بردباری‌تان بر آزار آنان چه به دست می‌آورید، هر آینه چشمانتان روشن می‌گردید. اگر مرا از دست دهید، هر آینه چنان می‌بینید که هر یک از شما به سبب آن‌چه از ستمگری و سبک شمردن حق خدا و ترس می‌بیند، آرزوی مرگ می‌کند. پس اگر چنین شد، همگی به ریسمان خداوند چنگ زنید و پراکنده نشوید و بر شما باد شکیبایی و نماز و تقیه و بدانید که خداوند تبارک و تعالی از میان بندگان خود با ریاکار دشمن است، پس از حق و ولایت اهل حق روی نگردانید. همانا هر که دیگری را به جای ما گذارد، هلاک می‌شود و هر که

از فرمان ما پیروی کند، راه می‌یابد و هر که جز طریقت ما را بپیماید، غرق می‌شود. همانا رحمت خدا فوج فوج از برای دوستداران ماست و عذاب خدا فوج فوج از برای کینه توزان ماست.

طَرِيقُنَا القَصدُ وَ فِي أَمرِنَا الرُّشدُ، أَهلُ الجَنَّةِ يَنظُرُونَ إِلَى مَنَازِلِ شِيعَتِنَا كَمَا يُرَى الكَوكَبُ الدُّرِّيُّ فِي السَّمَاءِ لَا يَضِلُّ مَنِ اتَّبَعَنَا وَ لَا يَهتَدِي مَن أَنكَرَنَا وَ لَا يَنجُو مَن أَعَانَ عَلَينَا وَ لَا يُعَانُ مَن أَسلَمَنَا فَلَا تَخَلَّفُوا عَنَّا لِطَمَعِ دُنيَا وَ حُطَامٍ زَائِلٍ عَنكُم وَ تَزُولُونَ عَنهُ، فَإِنَّهُ مَن آثَرَ الدُّنيَا عَلَينَا عَظُمَت حَسرَتُهُ وَ كَذَلِكَ قَالَ اللهُ تَعَالَى: **﴿ يٰا حَسْرَتىٰ عَلىٰ مٰا فَرَّطْتُ في جَنْبِ اللهِ ﴾** سِرَاجُ المُؤمِنِ مَعرِفَةُ حَقِّنَا، وَ أَشَدُّ العَمَى مَن عَمِيَ فَضلَنَا وَ نَاصَبَنَا العَدَاوَةَ بِلَا ذَنبٍ إِلَّا أَن دَعَونَاهُ إِلَى الحَقِّ وَ دَعَاهُ غَيرُنَا إِلَى الفِتنَةِ فَآثَرَهَا عَلَينَا. لَنَا رَايَةُ الحَقِّ مَنِ استَظَلَّ بِهَا كَنَّتهُ، وَ مَن سَبَقَ إِلَيهَا فَازَ بِعِلمِهِ.

أَنتُم عُمَّارُ الأَرضِ الَّذِينَ استَخلَفَكُمُ اللهُ فِيهَا لِينظُرَ كَيفَ تَعمَلُونَ فَرَاقِبُوا اللهَ فِيمَا يَرَى مِنكُم، وَ عَلَيكُم بِالمَحَجَّةِ العُظمَى فَاسلُكُوهَا **﴿ سٰابِقُوا إِلىٰ مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَ جَنَّةٍ عَرْضُهٰا كَعَرْضِ السَّمٰاءِ وَ الأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذينَ آمَنُوا بِاللهِ وَ رُسُلِهِ[1] ﴾** وَ اعلَمُوا أَنَّكُم لَن تَنَالُوهَا إِلَّا بِالتَّقوَى، وَ مَن تَرَكَ الأَخذَ عَمَّن أَمَرَ اللهُ بِطَاعَتِهِ قَيَّضَ اللهُ لَهُ شَيطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ.

مَا بَالُكُم قَد رَكَنتُم إِلَى الدُّنيَا وَ رَضِيتُم بِالضَّيمِ وَ فَرَّطتُم فِيهَا فِيهِ عِزُّكُم وَ سَعَادَتُكُم وَ قُوَّتُكُم عَلَى مَن بَغَى عَلَيكُم، لَا مِن رَبِّكُم تَستَحيُونَ وَ لَا أَنفُسَكُم تَنظُرُونَ وَ أَنتُم فِي كُلِّ يَومٍ تُضَامُونَ وَ لَا تَنتَبِهُونَ مِن رَقدَتِكُم وَ لَا تَنقَضِي فَترَتُكُم.

مَا تَرَونَ دِينَكُم يَبلَى وَ أَنتُم فِي غَفلَةِ الدُّنيَا قَالَ اللهُ عَزَّ ذِكرُهُ: **﴿ وَ لٰا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النّٰارُ وَ مٰا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللهِ مِنْ أَوْلِيٰاءَ ثُمَّ لٰا تُنْصَرُونَ[2] ﴾**.

راه ما مقصد است و هدایت در امر ماست، بهشتیان به منزل‌های شیعیان ما

---

۱. حدید، ۲۱

۲. هود، ۱۱۳

می‌نگرند؛ چنان‌که به ستاره‌ای درخشان در آسمان نگریسته شود. هر که از ما پیروی کند، گمراه نمی‌شود و هر که ما را انکار کند، راه نمی‌یابد و هر که دشمن ما را یاری دهد، نجات نمی‌یابد و هر که ما را فرو گذارد، یاری نمی‌شود؛ پس به خاطر آز دنیا و متاع بی‌ارزشی که از دستتان می‌رود و از آن دور می‌شوید، به ما پشت نکنید که هر کس دنیا را بر ما ترجیح دهد، حسرتش فزون شود و این کلام خداوند متعال است: «ای دریغ و افسوس بر آن‌چه در طاعت و بندگی خدا کوتاهی کردم». چراغ مؤمن شناختن حق ماست و سخت‌ترین کوری را کسی دارد که برتری ما را نبیند و بدون هیچ گناهی با ما دشمنی برافروزد، چون جز این نیست که ما او را به حق فرامی‌خوانیم و جز ما او را به فتنه فرا می‌خواند و او فتنه را بر ما ترجیح می‌دهد. بیرق حق از برای ماست، هر که به زیر سایه‌اش درآید، او را پناه می‌دهد و هر که به سویش پیشی گیرد، با دانشی که دارد پیروز می‌شود. شما آبادکنندگان زمین هستید که خداوند شما را در آن به جانشینی نهاد تا بنگرد چگونه عمل می‌کنید، پس خدا را در آن‌چه از شما می‌بیند، در نظر آورید و بر شما باد راه روشن و والا، آن را بپیمایید و «بشتابید به سوی آمرزشی از پروردگارتان و بهشتی که پهنای آن همچون پهنای آسمان و زمین است [و] برای کسانی که به خدا و پیامبرانش ایمان آورده‌اند، آماده شده است». و بدانید که تنها با پرهیزکاری به آن دست می‌یابید، هر کس فرمان‌بری از آن‌که خداوند به فرمانبری‌اش امر کرده را واگذارد، خداوند شیطانی برای او مقدّر می‌دارد که همراه او می‌شود. چه در سر دارید که به دنیا تکیه کرده‌اید و به ستم خشنود شده‌اید و در دنیا نسبت به آن‌چه که عزت و سعادت و نیرومندی شما علیه آنان که به شما ستم می‌کنند، در آن است، کوتاهی می‌کنید؟ نه از پروردگارتان شرم می‌کنید و نه به حال خود می‌نگرید و حال آن‌که شما همه روز در خوابید و سستی‌تان پایان نمی‌یابد. آیا نمی‌بینید دین شما فرسوده می‌شود و شما سرگرم دنیا هستید؟ خداوند متعال می‌فرماید:

« و به کسانی که ستم کردند، تکیه نکنید که [اگر چنین کنید] آتش به شما می‌رسد در حالی‌که جز خدا برای شما هیچ سرپرستی نیست، و یاری نمی‌شوید. »

۳۳۲. عَن جَابِرٍ عَن أَبِي جَعفَرٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: لَقِّنُوا مَوتَاكُم لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ فَإِنَّهَا لَتَسِرُّ المُؤمِنَ حِينَ يَمرَقُ مِن قَبرِهِ، قَالَ لِي جَبرَئِيلُ: يَا مُحَمَّدُ لَو تَرَاهُم حِينَ يَمرَقُونَ مِن قُبُورِهِم يَنفُضُونَ التُّرَابَ عَن رُؤُوسِهِم وَ هَذَا يَقُولُ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ فَيَبيَضُّ وَجهُهُ وَ هَذَا يَقُولُ: ﴿ يٰا حَسْرَتىٰ عَلىٰ مٰا فَرَّطْتُ في جَنْبِ اللهِ ﴾ يَعنِي مِن وَلَايَةِ عَلِيٍّ مُسوَدٌّ وَجهُهُ.

جابر از امام محمّد باقر ؑ روایت کرد که ایشان فرمود: رسول خدا ﷺ فرمود: به مردگان خود تلقین کنید که هیچ خدایی جز خدای یگانه نیست که این سخن، مؤمن را به آن هنگام که سر از قبرش بر می‌آورد، شادمان می‌سازد. جبرئیل به من گفت: ای محمّد! آن‌ها را خواهی دید که چون سر از قبر برآورند و گرد از سرهایشان زدایند، یکی گوید: هیچ خدایی جز خدای یگانه نیست و از این سخن چهره‌اش سفید می‌گردد و یکی گوید «ای دریغ و افسوس بر آن‌چه در طاعت و بندگی خدا کوتاهی کردم»، یعنی در ولایت علی ؑ، و چهره‌اش سیاه می‌گردد.

(سورهٔ زمر، آیهٔ ۶۰)

﴿ وَ يَوْمَ الْقِيٰامَةِ تَرَى الَّذينَ كَذَبُوا عَلَى اللهِ وُجُوهُهُمْ مُسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ في جَهَنَّمَ مَثْوًى لِلْمُتَكَبِّرينَ ﴾

و روز قیامت کسانی را که بر خدا دروغ بسته‌اند در حالی خواهی دید که چهره‌هایشان سیاه است، آیا در دوزخ برای متکبران جایگاهی نیست؟!

۳۳۳. عَنِ القَاسِمِ بنِ عَوفٍ قَالَ: سَمِعتُ عَبدَ اللهِ بنِ مُحَمَّدٍ ؑ يَقُولُ: إِنَّا نُحَدِّثُ النَّاسَ حَدِيثًا عَلَى أَصنَافٍ شَتَّى فَمِن حَدِيثِنَا لَا نُبَالِي أَن نَتَكَلَّمَ بِهِ عَلَى المَنَابِرِ وَ هُوَ زَينٌ لَنَا وَ شَينٌ لِعَدُوِّنَا، وَ مِن حَدِيثِنَا حَدِيثٌ لَا نُحَدِّثُ بِهِ إِلَّا لِشِيعَتِنَا فَعَلَيهِ يَجتَمِعُونَ وَ عَلَيهِ

يَتَزاوَرُونَ، وَ مِن حَدِيثِنا حَدِيثٌ لَا نُحَدِّثُ بِهِ إلَّا رَجُلًا أوِ اثنَينِ فَما زَادَ عَلَى الثَّلاثَةِ فَلَيسَ بِشَيءٍ، وَ مِن حَدِيثِنا حَدِيثٌ لا نَضَعُهُ إلّا فِي حُصُونٍ حَصِينَةٍ وَ قُلُوبٍ أَمِينَةٍ وَ أَحلام ثَخِينَةٍ وَ عُقُولٍ رَصِينَةٍ فَيَكُونُونَ لَهُ وُعَاةً و رُعَاةً و دُعَاةً وَ حَفَظَةً شهودًا. إنّه لَيسَ أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ يُحَدِّثُ عَنَّا حَدِيثًا إلّا نحنُ سَائِلُوهُ عَنهُ يومًا، فَإن يَكُ كَاذِبًا كَذَّبنَاهُ فَصَارَ كَذَّابًا وَ إن يَكُ صَادِقًا صَدَّقنَاهُ فَصَارَ صَادِقًا. لَا تَطعَنُوا فِي عَينِ مُقبِلٍ يُقبِلُ إلَيكُم فَتَنبِذُوهُ بِمَقَالَةٍ يَشمَئِزُّ مِنها قَلبُهُ، وَ لا فِي قِفَاءِ مُدبِرٍ حِينَ يُدبِرُ عَنكُم فَيَزدَادُ إدبَارًا وَ نِفَارًا وَ إستِكبَارًا، قُولُوا لِلنَّاسِ حُسنًا وَ أَقِيمُوا الصَّلاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ أمُرُوا بِالمَعرُوفِ وَ انهَوا عَنِ المُنكَرِ وَ كُونُوا إخوانًا كَمَا أمَرَكُمُ اللهُ، إنَّهُ لَيسَ أَحَدٌ مِن هَذِهِ الفِرَقِ إلّا وَ قَد رَضِيَ الشَّيطَانُ بِالَّذِي أَعطَوهُ مِن أنفُسِهِم، لا أَهلُ وَثَنٍ يَعبُدُونَهُ وَ لا أَهلُ نَارٍ وَ لا أَهلُ هَذِهِ الأَهوَاءِ الخَبِيثَةِ لا قَد ثَنَى عَلَيهِم رِجلَهُ، وَ إنَّهُ قَد نَصَبَ لَكُم أَيَّتُهَا الشِّيعَةُ فَرَضِيَ مِنكُم بِأَن يَفرِقَ بَينَكُم فَبَينَمَا أَنتَ تَلقَى الرَّجُلَ يَنظُرُ إلَيكَ بِوَجهٍ تَعرِفُهُ وَ يُكَلِّمُكَ بِلِسَانٍ تَعرِفُهُ، إذ لَقِيكَ مِنَ الغَدِ فَكَلَّمَكَ بِغَيرِ ذَلِكَ اللِّسَانِ وَ يَنظُرُ إلَيكَ بِغَيرِ ذَلِكَ الوَجهِ، لا تَحقَبَنَّ رَاحِلَتَكَ كِذبًا عَلَينا فَإنَّهُ بِئسَ الحَقِيبَةُ تُحقِبُ رَاحِلَتَكَ، إنَّهُ مَن كَذَبَ عَلَينَا كَذَبَ عَلَى رَسُولِ اللهِ ﷺ وَ مَن كَذَبَ عَلَى رَسُولِ اللهِ ﷺ كَذَبَ عَلَى اللهِ وَ قَالَ اللهُ تَعَالَى: **﴿ وَ يَوْمَ الْقِيامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللهِ وُجُوهُهُمْ مُسْوَدَّةٌ أَ لَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِلْمُتَكَبِّرِينَ ﴾**.

قاسم بن عوف گفت: شنیدم که امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: ما به گونه‌های مختلفی برای مردم حدیث می‌گوییم؛ گونه‌ای از حدیث ماست که بدون هیچ مسئله‌ای آن را بر منابر می‌گوییم و زیوری است برای ما و ننگی است برای دشمنمان؛ و گونه‌ای از حدیث ماست که آن را تنها برای شیعیانمان می‌گوییم و ایشان آن را می‌پذیرند و برای هم بازگو می‌کنند؛ و گونه‌ای از حدیث ماست که آن را تنها برای یک یا دو تن می‌گوییم و اگر بر سه تن افزون گردد، در حدشان نیست؛ و گونه‌ای از حدیث ماست که آن را تنها در دژهای استوار و دل‌های

امین و خردهای ستبر و عقل‌های متین قرار می‌دهیم و اینان برای آن حدیث نگاهدارنده و دعوت‌کننده و نگاهبان و گواهان‌اند. همانا هیچ‌یک از مردم حدیثی از ما را باز نمی‌گوید جز آن‌که ما روزی وی را دربارهٔ آن بازخواست می‌کنیم؛ اگر دروغ گفته باشد، ما او را تکذیب می‌کنیم و این‌چنین دروغگو شناخته می‌شود و اگر راست گفته باشد، ما او را تصدیق می‌کنیم و این‌چنین راستگو شناخته می‌شود. پیش روی کسی که به شما رو می‌آورد، بدگویی نکنید تا او را به سخنی که دلش از آن بیزار می‌شود، دور نرانید و پشت سر کسی که به شما پشت می‌کند در آن هنگام که از شما روی می‌گرداند، بد نگویید تا روی‌گردانی و دلخوری و خودنمایی افزون نشود. با مردم به نیکی سخن گویید و نماز بر پا دارید و زکات بپردازید و به کار نیک فرمان دهید و از کار بد باز دارید و برادر باشید؛ همچنان‌که خداوند شما را فرمان داده است. همانا هیچ‌یک از پیروان این فرقه‌ها نیست جز آن‌که شیطان از آن‌چه که آنان از جانب خود به او داده‌اند، خشنود است، اینان نه بت‌پرستان‌اند که او را می‌پرستند و نه دوزخیان‌اند و نه دارندگان این هوس‌های پلید؛ او عزم اینان را نکرده است، بلکه او برای شما ای شیعیان دام نهاده است و از این خشنود می‌شود که میان شما تفرقه بیندازد، پس امروز با کسی رویارو می‌شوی که با چهره‌ای آشنا به تو می‌نگرد و با زبانی آشنا با تو سخن می‌گوید، اما به ناگاه فردا با او رویارو می‌شوی و با زبانی جز آن زبان با تو سخن می‌گوید و با چهره‌ای جز آن چهره به تو می‌نگرد. کوله‌بار خود را از دروغ بستن به ما انباشته مکنید که آن بد انباشته‌ای است. همانا هر که به ما دروغ بندد، به رسول خدا دروغ بسته و هر که بر رسول خدا ﷺ دروغ بندد، بر خدا دروغ بسته است؛ خداوند متعال فرمود: «و روز قیامت کسانی را که بر خدا دروغ بسته‌اند در حالی خواهی دید که چهره‌هایشان سیاه است، آیا در دوزخ برای متکبران جایگاهی نیست؟!»

(سورهٔ زمر، آیهٔ ۹)

﴿ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ ﴾.

اگر شرک آوری، یقیناً عملت باطل می‌شود.

۳۳۴. جعفَرُبنُ مُحَمَّدٍ الفَزارِيُّ مُعنعَنًا: عَن أَبِي جعفَرٍ عليه السلام فِي قَولِهِ تَعالَى: ﴿ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ ﴾ قالَ: لَئِن أَشرَكتَ بِوَلايَةِ عَلِيٍّ لَيَحبَطَنَّ عَمَلُكَ.

جعفر بن محمّد فزاری گفت: امام محمّد باقر عليه السلام دربارهٔ این آیه فرمود: اگر به ولایت علی عليه السلام شرک ورزی، یقیناً عملت باطل خواهد شد.

(سورهٔ زمر، آیهٔ ۷۴)

﴿ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَ أَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ ﴾.

سپاس و ستایش از آنِ خدایی است که وعده‌اش را با ما راست گردانید و زمین [بهشت] را به ما میراث داد، از هر کجای این بهشت که بخواهیم جای می‌گیریم.

۳۳۵. عَن أَبِي ذَرٍ الغِفارِيِّ رَضِيَ اللهُ عَنهُ قالَ: كُنتُ عِندَ رَسولِ اللهِ صلى الله عليه وآله ذاتَ يَومٍ فِي مَنزِلِ أُمِّ سَلَمَةَ وَ رَسولُ اللهِ يُحَدِّثُنِي وَ أَنا لَهُ مُستَمِعٌ إِذ دَخَلَ عَلِيُّ بنُ أَبِي طالِبٍ عليه السلام فَلَمّا أَن بَصُرَ بِهِ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله أَشرَقَ وَجهُهُ نورًا وَ فَرَحًا وَ سُرورًا بِأَخِيهِ وَ ابنِ عَمِّهِ، ثُمَّ ضَمَّهُ إِلَى صَدرِهِ وَ قَبَّلَ بَينَ عَينَيهِ ثُمَّ التَفَتَ إِلَيَّ فَقالَ: يا أَباذَرٍ تَعرِفُ هٰذَا الدّاخِلَ إِلَينا حَقَّ مَعرِفَتِهِ؟ قالَ أَبوذَرٍ: يا رَسولَ اللهِ هُوَ أَخوكَ وَ ابنُ عَمِّكَ وَ زَوجُ فاطِمَةَ وَ أَبوالحَسَنِ وَ الحُسَينِ سَيِّدَي شَبابِ أَهلِ الجَنَّةِ فَقالَ رَسولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: يا أَباذَرٍ هٰذَا الإِمامُ الأَزهَرُ وَ رُمحُ اللهِ الأَطوَلُ وَ بابُ اللهِ الأَكبَرُ، فَمَن أَرادَ اللهَ فَليَدخُل مِنَ البابِ.

ابوذر غفاری گفت: روزی در خانهٔ امّ سلمه نزد رسول خدا صلى الله عليه وآله بودم و ایشان برای من سخن می‌گفت و من به ایشان گوش فرا می‌دادم که ناگاه حضرت

علی ﷺ وارد شد. چون رسول خدا ﷺ چشمش به او افتاد، از دیدار برادر و پسرعموی خود چهره‌اش از شادی و سرور درخشید و او را در آغوش کشید و میان چشمانش را بوسید و سپس رو به من فرمود: ای ابوذر! آیا این مردی را که نزد ما آمد، چنان‌که سزاوارش باشد، می‌شناسی؟ عرض کردم: ای رسول خدا ﷺ! او برادر و پسرعموی شما و شوی حضرت فاطمه ﷺ و پدر حضرت حسن و حضرت حسین ﷺ سروران جوان اهل بهشت است. آن‌گاه رسول خدا ﷺ فرمود: ای ابوذر! این مرد، امام نورانی و [در مقابل دشمنان همچون] نیزهٔ بلند [قدرت] خداوند و [در سیر حرکت به سوی] خدا، باب اکبر است. هر که خدا را می‌خواهد، بایست از در وارد شود.

يَا أَبَاذَرٍ هَذَا القَائِمُ بِقِسطِ اللهِ وَ الذَّابُّ عَن حَرِيمِ اللهِ وَالنَّاصِرُ لِدِينِ اللهِ وَ حُجَّةُ اللهِ عَلَى خَلقِهِ فِي الأُمَمِ كُلِّهَا ـ كُلِّ أُمَّةٍ فِيهَا نَبِيٌّ.

يَا أَبَاذَرٍ إِنَّ لِلَّهِ ـ عَزَّ وَ جَلَّ ـ عَلَى كُلِّ رُكنٍ مِن أَركَانِ عَرشِهِ سَبعُونَ أَلفَ مَلَكٍ لَيسَ لَهُم تَسبِيحٌ وَ لَا عِبَادَةٌ إِلَّا الدُّعَاءَ لِعَلِيٍّ وَ الدُّعَاءَ عَلَى أَعدَائِهِ.

يَا أَبَاذَرٍ لَو لَا عَلِيٌّ مَا أَبَانَ الحَقُّ مِنَ البَاطِلِ وَ لَا مُؤمِنٌ مِن كَافِرٍ وَ مَا عُبِدَ اللهُ، لِأَنَّهُ ضَرَبَ عَلَى رُؤُوسِ المُشرِكِينَ حَتَّى أَسلَمُوا وَ عُبِدَ اللهُ، وَ لَو لَا ذَلِكَ مَا كَانَ ثَوَابٌ وَ لَا عِقَابٌ، لَا يَستُرُهُ مِنَ اللهِ سِترٌ وَ لَا يَحجُبُهُ عَنِ اللهِ حِجَابٌ بَل هُوَ الحِجَابُ وَ السِّترُ. ثُمَّ قَرَأَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: **﴿ شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مٰا وَصّٰى بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أَوْحَيْنٰا إِلَيْكَ وَ مٰا وَصَّيْنٰا بِهِ إِبْرٰاهِيمَ وَ مُوسىٰ وَ عِيسىٰ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لاٰ تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مٰا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللّٰهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشٰاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ[۱] ﴾**.

ای ابوذر! این مرد برپا کنندهٔ عدالت خداوند و مدافع حریم خداوند و یاریگر دین خداوند و حجت خداوند بر آفریدگانش در تمامی امت‌هاست؛ هر امتی که پیامبری در آن باشد. ای ابوذر! خداوند عزّوجلّ بر هر یک از پایه‌های

---

۱. شوری، ۱۳

عرشش هفتاد هزار فرشته دارد که تسبیح و عبادت آنان چیزی جز دعا کردن به علی ﷺ و لعنت دشمنان او نیست. ای ابوذر! اگر علی ﷺ نبود، حق از باطل و مؤمن از کافر آشکار نمی‌گشت و خداوند پرستش نمی‌شد؛ چراکه او بر سر مشرکان کوبید تا اسلام آوردند و خداوند پرستش شد و اگر چنین نبود، پاداش و جزایی هم نبود. هیچ پرده‌ای خدا را از او پنهان نمی‌دارد و هیچ پوششی خدا را بر او نمی‌پوشاند؛ بلکه او خود پوشش است و پرده. سپس رسول خدا ﷺ فرمود: «و برای شما از دین آن چیزی را وضع کرد که به نوح سفارش آن را کرده بود، و آن‌چه به تو وحی کردیم و آن‌چه ابراهیم و موسی و عیسی را به آن سفارش کردیم [این است] که «دین را برپا دارید و در آن دچار تفرقه نشوید». بر مشرکان [تحمّل] آن‌چه آنان را به آن فرا می‌خوانی دشوار است. خداوند هر که را بخواهد سوی خود برمی‌گزیند، و هر کس را که توبه کند [و دعوت تو را اجابت نماید] به سوی خود هدایت می‌کند.»

يَا أَبَاذَرٍ إِنَّ اللهَ تَعَالَى تَعَزَّزَ بِمُلْكِهِ وَ وَحدَانِيَّتِهِ فِي فَردَانِيَّتِهِ فَعَرَّفَ عِبَادَهُ الْمُخلِصِينَ نَفسَهُ فَأَبَاحَ لَهُ جَنَّتَهُ، فَمَن أَرَادَ أَن يَهدِيَهُ عَرَّفَهُ وَلَايَتَهُ وَ مَن أَرَادَ أَن يَطمِسَ عَلَى قَلبِهِ أَمسَكَ عَلَيهِ مَعرِفَتَهُ.

يَا أَبَاذَرٍ هَذَا رَايَةُ الْهُدَى وَ كَلِمَةُ التَّقوَى وَ العُروَةُ الْوُثقَى وَ إِمَامُ أَولِيَائِي وَ نُورُ مَن أَطَاعَنِي، وَ هُوَ الكَلِمَةُ الَّتِي أَلزَمتُهَا الْمُتَّقِينَ فَمَن أَحَبَّهُ كَانَ مُؤمِنًا وَ مَن أَبغَضَهُ كَانَ كَافِرًا وَ مَن تَرَكَ وَلَايَتَهُ كَانَ ضَالًّا مُضِلًّا وَ مَن جَحَدَ حَقَّهُ كَانَ مُشرِكًا.

يَا أَبَاذَرٍ يُؤتَى بِجَاحِدِ حَقِّ عَلِيٍّ وَ وَلَايَتِهِ يَومَ القِيَامَةِ أَصَمَّ وَ أَبكَمَ وَ أَعمَى يَتَكَبكَبُ فِي ظُلُمَاتِ يَومِ القِيَامَةِ يُنَادِي مُنَادٍ ﴿ **يَا حَسْرَتَىٰ عَلَىٰ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللهِ**[1] ﴾ وَ أُلقِيَ عُنُقَهُ طَوقٌ مِن نَارٍ وَ لِذَلِكَ الطَّوقِ ثَلَاثُمِاءَةِ شُعبَةٍ عَلَى كُلِّ شُعبَةٍ شِيطَانٌ يَتفُلُ فِي وَجهِهِ الكَلِحِ مِن جَوفِ قَبرِهِ إِلَى النَّارِ.

---

۱. زمر، ۵۶

ای ابوذر! همانا خداوند متعال به فرمانروایی و یگانگی‌اش در یکتایی خویش عزیز شد و خود را به بندگان شناسانید و بهشتش را از برای علی ﷺ حلال کرد، پس هر که را بخواهد هدایت کند، ولایت او را به وی می‌شناساند.
ای ابوذر! این مرد بیرق هدایت است و کلمهٔ تقوا و ریسمان استوار و پیشوای دوستان من است و نوری است از برای آنان که مرا اطاعت می‌کنند و او کلمه‌ای است که پرهیزکاران را بدان مُلزم ساختم. پس هر که او را دوست بدارد، مؤمن است و هر که او را دشمن بدارد، کافر است و هر که ولایت او را واگذارد، گمراه و گمراه کننده است و هر که حق او را انکار کند، مشرک است.
ای ابوذر! در روز قیامت کسی را که حق علی ﷺ و ولایتش را انکار کرده در حالی می‌آورند که ناشنوا و گنگ و نابیناست و این‌چنین در تاریکی‌های روز قیامت واژگون می‌شود و آن‌گاه ندادهنده‌ای ندا سر می‌دهد «ای دریغ و افسوس بر آن‌چه که در طاعت و عبادت خدا کوتاهی کردم»، و طوقی از آتش به گردنش انداخته می‌شود که سیصد شاخه دارد و بر هر شاخه‌اش شیطانی است که بر چهره درهم کشیدهٔ او آب دهان می‌اندازد و این از میان قبر او تا به دوزخ ادامه دارد.
فَقَالَ أَبُوذَرٍ: قُلتُ: فِدَاكَ أَبِی وَ أُمِّی یَا رَسُولَ اللهِ مَلأتَ قَلبِی فَرحًا وَ سُرُورًا فَزِدنِی فَقَالَ: یَا أَبَاذَرٍ لَمَّا أَن عُرِجَ بِی إِلَی السَّمَاءِ فَصِرتُ فِی السَّمَاءِ الدُّنیَا أَذَّنَ مَلَكٌ مِنَ المَلَائِکَةِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ فَأَخَذَ بِیَدِی جَبرَئِیلُ ﷺ فَقَدَّمَنی وَ قَالَ لِی: یَا مُحَمَّدُ صَل بِالمَلَائِکَةِ فَقَد طَالَ شَوقُهُم إِلَیكَ، فَصَلَّیتُ بِسَبعِینَ صَفًّا کُلُّ الصَّفِّ مَا بَینَ المَشرِقِ وَ المَغرِبِ لَا یَعلَمُ عَدَدَهُم إِلَّا الَّذِی خَلَقَهُم فَلَمَّا انتَفَلتُ من صَلَاتِی وَ أَخَذتُ فِی التَّسبِیحِ وَ التَّقدِیسِ أَقبَلَت إِلَیَّ شَرذِمَةٌ بَعدَ شَرذِمَةٍ مِنَ المَلَائِکَةِ فَسَلَّمُوا عَلَیَّ وَ قَالُوا: یَا مُحَمَّدُ لَنَا إِلَیكَ حَاجَةٌ هَل تَقضِیهَا یَا رَسُولَ اللهِ؟ فَظَنَنتُ أَنَّ المَلَائِکَةَ یَسأَلُونَ الشَّفَاعَةَ عِندَ رَبِّ العَالَمِینَ لِأَنَّ اللهَ فَضَّلَنِی بِالحَوضِ وَ الشَّفَاعَةِ عَلَی جَمِیعِ الأَنبِیَاءِ قُلتُ: مَا

حَاجَتُکُم یَا مَلَائِکَةَ رَبّی؟ قَالُوا: یَا نَبِیَّ اللهِ إِذَا رَجَعتَ إِلَی الأَرضِ فَاقرَء عَلِیَّ بنَ أَبِی طَالِبٍ مِنَّا السَّلَامَ وَ أَعلِمهُ بِأَنَّ قَد طَالَ شَوقُنَا إِلَیهِ. قُلتُ: یَا مَلَائِکَةَ رَبِّی هَل تَعرِفُونَا حَقَّ مَعرِفَتِنَا؟ فَقَالُوا: یَا نَبِیَّ اللهِ وَ کَیفَ لَا نَعرِفُکُم وَ أَنتُم أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللهُ، خَلَقَکُم أَشبَاحَ نُورٍ مِن نُورٍ فِی نُورٍ، مِن سَنَاءِ عِزِّهِ وَ مِن سَنَاءِ مُلکِه وَ مِن نُورِ وَجهِهِ الکَرِیم، وَ جَعَلَ لَکُم مَقَاعِدَ فِی مَلَکُوتِ سُلطَانِهِ وَ عَرشُهُ عَلَی المَاءِ قَبلَ أَن تَکُونَ السَّمَاءُ مَبنِیَّةً وَ الأَرضُ مَدحِیَّةً وَ هُوَ فِی المَوضِعِ الَّذِی یَتَوَفَّاهُ ثُمَّ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الأَرضِینَ فِی سِتَّةِ أَیَّامٍ ثُمَّ رَفَعَ العَرشَ إِلَی السَّمَاءِ السَّابِعَةِ فَاستَوَی عَلَی عَرشِهِ وَ أَنتُم أَمَامَ عَرشِهِ تُسَبِّحُونَ وَ تُقَدِّسُونَ وَ تُکَبِّرُونَ، ثُمَّ خَلَقَ المَلَائِکَةَ مِن بَدوِ مَا أَرَادَ مِن أَنوَارٍ شَتَّی، وَ کُنَّا نَمُرُّ بِکُم وَ أَنتُم تُسَبِّحُونَ وَ تُحَمِّدُونَ وَ تُهَلِّلُونَ وَ تُکَبِّرُونَ و تُمَجِّدُونَ و تُقَدِّسُونَ فَنُسَبِّحُ وَ نُقَدِّسُ وَ نُمَجِّدُ وَنُکَبِّرُ وَ نُهَلِّلُ بِتَسبِیحِکُم وَ تَحمِیدِکُم وَ تَهلِیلِکُم وَ تَکبِیرِکُم وَ تَقدِیسِکُم وَ تَمجِیدِکُم فَمَا نَزَل مِنَ اللهِ فَإِلَیکُم وَ مَا صَعَدَ إِلَی اللهِ فَمِن عِندَکُم فَلِمَ لَا نَعرِفُکُم إِقرَأ عَلِیًّا مِنَّا السَّلَامَ وَ أَعلِمهُ بِأَنَّهُ قَد طَالَ شَوقُنَا إِلَیهِ.

عرض کردم: پدر و مادرم به فدایت ای رسول خدا! قلبم را از شادی و سرور لبریز کردی، برایم بیشتر بفرما. فرمود: ای ابوذر! چون به آسمان عروج کردم و به آسمان دنیا رسیدم، فرشته‌ای از فرشتگان اذان گفت و نماز به پا داشت، آن‌گاه جبرئیل دست مرا گرفت و پیش برد و گفت: ای محمّد! پیشاپیش فرشتگان نماز بخوان که بسیار مشتاق تواند. من پیشاپیش هفتاد صف نماز گزاردم که هر صف از مشرق تا به مغرب بود و شمارشان را جز او که آفریده بودشان کسی نمی‌دانست. چون نماز را به پایان رساندم و شروع به تسبیح و تقدیس خداوند کردم، فرشتگان گروه گروه به سویم آمدند و بر من سلام کردند و گفتند: ای محمّد! ما خواسته‌ای از تو داریم، آیا آن را برآورده می‌سازی ای رسول خدا! من پنداشتم که فرشتگان می‌خواهند تا شفاعتشان را به درگاه پروردگار جهانیان کنم؛ چراکه خداوند با حوض و شفاعت مرا بر

تمامی پیامبران برتری بخشیده است. گفتم: چه می‌خواهید ای فرشتگان پروردگار من؟! گفتند: ای پیامبر خدا! وقتی به زمین بازگشتی، سلام ما را به علی ﷺ برسان و آگاهش کن که بسیار مشتاق اوییم. گفتم: ای فرشتگان پروردگار من! آیا ما را چنان‌که سزاوار ما باشد، می‌شناسید؟ گفتند: ای پیامبر خدا! چگونه شما را نشناسیم حال آن‌که شما نخستین آفریدگان خداوند هستید؛ شما را به صورت اشباح نور از نور و در نور و از روشنایی عزّتش و از روشنایی فرمانروایی‌اش و از نور وجه کریم خود آفرید و برایتان جایگاه‌هایی در ملکوت سلطنت خویش قرار داد. آن‌گاه پیش از آن‌که آسمان برپا و زمین گسترانده شود، عرشش را بر آب نهاد و سپس آسمان‌ها و زمین‌ها را در شش روز بیافرید و سپس عرش را به آسمان هفتم فراز برد و بر عرش خود جای گرفت در آن دم شما روبه‌روی عرشش تسبیح و تقدیس و تکبیر می‌گفتید و سپس آفرینش فرشتگان را آن‌چنان که خواست، از نورهای گوناگونی آغاز کرد و آن‌گاه ما بر شما گذر کردیم و با تسبیح و تحمید و تهلیل و تکبیر و تمجید و تقدیس گفتنِ شما و در آن دم ما نیز به همراهتان تسبیح و تقدیس و تمجید و تکبیر و تهلیل گفتیم؛ پس هر آن‌چه از جانب خداوند نازل شود، به سوی شماست و هر آن‌چه به سوی خداوند بالا رود، از جانب شماست، حال چگونه ما شما را نشناسیم؟! سلام ما را به علی ﷺ برسان و آگاهش ساز که بسیار مشتاق اوییم.

ثُمَّ عُرِجَ بِی إِلَی السَّمَاءِ الثَّانِیَةِ فَتَلَقَّتنِی المَلَائِکَةُ فَسَلَّمُوا عَلَیَّ وَ قَالُوا لِی مِثلَ مَقَالَةِ أَصحَابِهِم فَقُلتُ: یَا مَلَائِکَةَ رَبِّی هَل تَعرِفُونَا حَقَّ مَعرِفَتِنَا؟ فَقَالُوا: یَا نَبِیَّ اللهِ کَیفَ لَا نَعرِفُکُم وَ أَنتُم صَفوَةُ اللهِ مِن خَلقِهِ وَ خُزَّانُ عِلمِهِ وَ أَنتُمُ العُروَةُ الوُثقَی وَ أَنتُمُ الحُجَّةُ وَ أَنتُمُ الجَانِبُ وَ الجَنبُ وَ أَنتُمُ الکُرسِیُّ وَ أُصُولُ العِلمِ، قَائِمُکُم خَیرُ قَائِمٍ بِکُم! وَ نَاطِقُکُم خَیرُ نَاطِقٍ، بِکُم فَتَحَ اللهُ دِینَهُ وَ بِکُم یَختِمُهُ، فَاقرَأ عَلِیًّا مِنَّا السَّلَامَ وَ أَخبِرهُ بِشَوقِنَا إِلَیهِ.

سپس به آسمان دوم عروج کردم و در آنجا فرشتگان به دیدارم آمدند و سلام کردند و سخنی همچون یارانشان گفتند. من گفتم: ای فرشتگان پروردگار من! آیا ما را چنان‌که شایسته ما باشد، می‌شناسید؟ گفتند: ای پیامبر خدا! چگونه شما را نشناسیم حال آن‌که شما برگزیدگان خداوند از میان آفریدگانش هستید و شما خزانه‌داران علم اویید و شما ریسمان استوارید و شما دلیل آشکارید و شما جانب و جنب هستید و شما کرسی و اصول علم هستید؛ قائم شما علیه السلام بهترین کسی است که بر شما استوار است و سخنگوی شما بهترین سخنگویان است. خداوند دین خود را با شما آغاز کرد و با شما به پایان می‌رساند. پس به علی علیه السلام سلام ما را برسان و باخبرش کن که بسیار مشتاق اوییم.

ثُمَّ عُرِجَ بِی إِلَی السَّمَاءِ الثَّالِثَةِ فَتَلَقَّتنِی المَلَائِکَةُ فَسَلَّمُوا عَلَیَّ وَ قَالُوا لِی مِثلَ مَقَالَةِ أَصحَابِهِم فَقُلتُ: یَا مَلَائِکَةَ رَبِّی هَل تعرِفُونَا حَقَّ مَعرِفَتِنَا؟ فَقَالُوا: یَا نَبِیَّ اللهِ لِمَ لَا نَعرِفُکُم وَ أَنتُم بَابُ المَقَامِ وَ حُجَّةُ الخِصَامِ وَ عَلِیٌّ دَابَّةُ الأَرضِ وَ فَاصِلُ القَضَاءِ وَ صَاحِبُ العَصَاءِ وَ قَسِیمُ النَّارِ غَدًا وَ سَفِینَةُ النَّجَاةِ مَن رَکِبَهَا نَجَا وَ مَن تَخَلَّفَ عَنهَا فِی النَّارِ یَتَرَدَّی کَم فَقَمَ الدَّعَائِمَ وَ الأَقطَارَ الأَکنَافَ وَ الأَعمِدَةَ فُسطَاطِنَا السَّحَابُ إِلَّا عَلَی کِرَامِینَ أَنوَارِکُم فَلِمَ لَا نَعرِفُکُم فَاقرَأ عَلِیًّا مِنَّا السَّلَامَ وَ أَعلِمهُ بِشَوقِنَا إِلَیهِ.

ثُمَّ عُرِجَ بِی إِلَی السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ فَتَلَقَّتنِی المَلَائِکَةُ فَسَلَّمُوا عَلَیَّ وَ قَالُوا لِی مِثلَ مَقَالَةِ أَصحَابِهِم فَقُلتُ: یَا مَلَائِکَةَ رَبِّی هَل تَعرِفُونَا حَقَّ مَعرِفَتِنَا؟ فَقَالُوا: لِمَ لَا نَعرِفُکُم وَ أَنتُم شَجَرَةُ النُّبُوَّةِ وَ بَیتُ الرَّحمَةِ وَ مَعدِنُ الرِّسَالَةِ وَ مُختَلَفُ المَلَائِکَةِ وَ عَلَیکُم جِبرَئِیلُ یَنزِلُ بِالوَحیِ مِنَ السَّمَاءِ مِن عِندِ رَبِّ العَالَمِینَ فَاقرَأ عَلِیًّا مِنَّا السَّلَامَ وَ أَعلِمهُ بِطُولِ شَوقِنَا إِلَیهِ.

سپس به آسمان سوم عروج کردم و در آنجا فرشتگان به دیدارم آمدند و سلام کردند و سخنی همچون یارانشان گفتند. من گفتم: ای فرشتگان پروردگار من! آیا ما را چنان‌که شایسته ما باشد، می‌شناسید؟ گفتند: ای پیامبر خدا! چرا شما را

نشناسیم حال آن‌که شما باب مقام و حجت بر دشمنان هستید و علی علیه السلام جنبنده‌ای است که از زمین خارج می‌شود و فصل دهنده قضاوت است و صاحب عضباء (شتر یا ناقه‌ای در قیامت) است و فردای قیامت قسمت کننده دوزخ و کشتی نجات است که هر که سوارش شود نجات یابد و هر که از آن جا ماند، در آتش واژگون می‌گردد. سایه‌بان ابر ما هر پایه و ستون و گوشه و کناری را پوشانید جز انوار ارجمند شما را؛ پس چرا شما را نشناسیم؟! سلام ما را به علی علیه السلام برسان و از اشتیاق ما به او آگاهش کن. سپس بر آسمان چهارم عروج کردم و در آنجا فرشتگان به دیدارم آمدند و سلام کردند و سخنی همچون یارانشان گفتند. من گفتم: ای فرشتگان پروردگار من! آیا ما را چنان‌که شایسته ما باشد، می‌شناسید؟ گفتند: چرا شما را نشناسیم حال آن‌که شما درخت پیامبری و خانه رحمت و جایگاه رسالت و محل آمد و شد فرشتگان هستید و جبرئیل از آسمان از سوی پروردگار جهانیان وحی را بر شما فرود می‌آورد؛ پس سلام ما را به علی علیه السلام برسان و آگاهش کن که بسیار مشتاق اوییم.

ثُمَّ عُرِجَ بِی إِلَی السَّمَاءِ الخَامِسَةِ فَتَلَقَّتنِی المَلَائِکَةُ وَ سَلَّمُوا عَلَیَّ فَقَالُوا لِی مِثلَ مَقَالَةِ أَصحَابِهِم فَقُلتُ لَهُم: یَا مَلَائِکَةَ رَبِّی هَل تَعرِفُونَا حَقَّ مَعرِفَتِنَا؟ فَقَالُوا: یَا نَبِیَّ اللهِ لِمَ لَا نَعرِفُکُم وَ نَحنُ نَغدُو وَ نَرُوحُ عَلَی العَرشِ بِالغَدَاةِ وَ العَشِیِّ فَنَنظُرُ إِلَی سَاقِ العَرشِ مَکتُوبُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله أَیَّدَهُ اللهُ بِعَلِیِّ بنِ أَبِی طَالِبٍ فَعَلِیُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ وَلِیُّ اللهِ وَ العَلَمُ بَینَهُ وَ بَینَ خَلقِهِ وَ هُوَ دَافِعُ المُشرِکِینَ وَ مُبِیرُ الکَافِرِینَ، فَعَلِمنَا عِندَ ذَلِکَ أَنَّ عَلِیًّا وَلِیٌّ مِن أَولِیَاءِ اللهِ فَاقرَأ عَلِیًّا مِنَّا السَّلَامَ وَ أَعلِمهُ بِشَوقِنَا إِلَیهِ.

ثُمَّ عُرِجَ بِی إِلَی السَّمَاءِ السَّادِسَةِ فَتَلَقَّتنِی المَلَائِکَةُ فَسَلَّمُوا عَلَیَّ وَ قَالُوا لِی مِثلَ مَقَالَةِ أَصحَابِهِم فَقُلتُ: یَا مَلَائِکَةَ رَبِّی هَل تَعرِفُونَا حَقَّ مَعرِفَتِنَا؟ فَقَالُوا: بَلَی یَا نَبِیَّ اللهِ لِمَ لَا نَعرِفُکُم وَ قَد خَلَقَ اللهُ جَنَّةَ الفِردَوسِ وَ عَلَی بَابِهَا شَجَرَةٌ لَیسَ مِنهَا وَرَقَةٌ إِلَّا عَلَیهَا مَکتُوبَةٌ حَرفَینِ بِالنُّورِ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ عَلِیُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ عُروَةُ اللهِ

الوَثِيقَةِ وَ حَبلُ اللهِ المَتِينِ وَ عَينُهُ عَلَى الخَلَائِقِ أَجمَعِينَ وَ سَيفُ نِقمَتِه عَلَى المُشرِكِينَ فَاقرَأهُ مِنَّا السَّلَامَ وَ قَد طَالَ شَوقُنَا إِلَيهِ.

ثُمَّ عُرِجَ بِى إِلَى السَّمَاءِ السَّابِعَةِ فَسَمِعتُ المَلَائِكَةَ يَقُولُونَ لَمَّا أَن رَأَونِى ﴿ **الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ** ﴾ ثُمَّ تَلَقَّونِى فَسَلَّمُوا عَلَىَّ وَ قَالُوا لِى مِثلَ مَقَالَةِ أَصحَابِهِم فَقُلتُ: يَا مَلَائِكَةَ رَبِّى سَمِعتُ وَ أَنتُم تَقُولُونَ: ﴿ **الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَ أَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ** ﴾ فَمَا الَّذِى صَدَقتُم؟ قَالُوا: يَا نَبِيَّ اللهِ إِنَّ اللهَ تَعَالَى لَمَّا أَن خَلَقَكُم أَشبَاحَ نُورٍ مِن سَنَاءِ نُورِهِ وَ مِن سَنَاءِ عِزِّهِ وَ جَعَلَ لَكُم مَقَاعِدَ فِى مَلَكُوتِ سُلطَانِهِ وَ أَشهَدَكُم عَلَى عِبَادِهِ عَرَضَ وَلَايَتَكُم عَلَينَا وَ رَسَخَت فِى قُلُوبِنَا فَشَكَونَا مَحَبَّتَكَ إِلَى اللهِ فَوَعَدَنَا رَبُّنَا أَن يُرِينَاكَ فِى السَّمَاءِ مَعَنَا وَ قَد صَدَقَنَا وَعدَهُ وَ هُوَ ذَا أَنتَ مَعَنَا فِى السَّمَاءِ فَجَزَاكَ اللهُ مِن نَبِيٍّ خَيرًا، ثُمَّ شَكَونَا عَلِيَّ بنَ أَبِى طَالِبٍ إِلَى اللهِ فَخَلَقَ لَنَا فِى صُورَتِهِ مَلَكًا وَ أَقعَدَهُ عَن يَمِينِ عَرشِهِ عَلَى سَرِيرٍ مِن ذَهَبٍ مُرَصَّعٍ بِالدُّرِّ وَ الجَوَاهِرِ قَوَائِمُهُ مِنَ الزَّبَرجَدِ الأَخضَرِ عَلَيهِ قُبَّةٌ مِن لُؤلُؤَةٍ بَيضَاءَ يُرَى بَاطِنُهَا مِن ظَاهِرِهَا وَ ظَاهِرُهَا مِن بَاطِنِهَا بِلَا دِعَامَةٍ مِن تَحتِهَا وَ عَلَاقَةٍ مِن فَوقِهَا قَالَ لَهَا صَاحِبُ العَرشِ: قُومِى بِقُدرَتِى: فَقَامَت بِأَمرِ اللهِ فَكُلَّمَا اشتَقنَا إِلَى رُؤيَةِ عَلِيِّ بنِ أَبِى طَالِبٍ فِى الأَرضِ نَظَرنَا إِلَى مِثَالِهِ فِى السَّمَاءِ.

سپس به آسمان پنجم عروج کردم و فرشتگان به دیدارم آمدند و سلام کردند و سخنی همچون یارانشان گفتند. من به آن‌ها گفتم: ای فرشتگان پروردگار من! آیا ما را چنان‌که سزاوار ما باشد، می‌شناسید؟ گفتند: ای پیامبر خدا! چرا شما را نشناسیم حال آن‌که ما صبح و شام بر عرش رفت‌وآمد می‌کنیم و به ساق عرش می‌نگریم و می‌بینیم که بر آن نوشته شده هیچ خدایی جز خداوند یگانه نیست و محمّد صلی الله علیه و آله رسول اوست که خداوند او را با علی بن ابی طالب علیه السلام تأیید کرده است؛ علی علیه السلام که ولی خدا و نشانه میان او و آفریدگانش است و مشرکان را پس می‌راند و کافران را در هم می‌کوبد؛ از اینجا بود که دانستیم علی علیه السلام یکی از

اولیای خداوند است. سلام ما را به علی ﷺ برسان و آگاهش کن که مشتاق اوییم. سپس به آسمان ششم عروج کردم و فرشتگان به دیدارم آمدند و سلام کردند و سخنی همچون یارانشان گفتند. من گفتم: ای فرشتگان پروردگار من! آیا ما را چنان‌که سزاوار ما باشد، می‌شناسید؟ گفتند: بله ای پیامبر خدا! چرا شما را نشناسیم حال آن‌که خداوند باغ فردوس را آفرید و سپس بر درش درختی آفرید که بر هر برگ از آن با نور نوشته شده هیچ خدایی جز خداوند یگانه نیست و محمّد ﷺ رسول اوست و علی بن ابی‌طالب ﷺ ریسمان استوار خداوند و رشتهٔ محکم او و چشم او بر تمامی آفریدگان و شمشیر عذابش بر مشرکان است. سلام ما را به علی ﷺ برسان که بسیار مشتاق اوییم.
سپس به آسمان هفتم عروج کردم و شنیدم که فرشتگان چون مرا دیدند، گفتند: «سپاس و ستایش از آنِ خدایی است که وعده‌اش را به ما راست گردانید.» سپس به دیدار من آمدند و سلام کردند و سخنی همچون یارانشان گفتند. من گفتم: ای فرشتگان پروردگارم شنیدم که می‌گفتید: «سپاس و ستایش از آنِ خدایی است که وعده‌اش را به ما راست گردانید و زمین [بهشت] را به ما میراث داد، از هر کجای این بهشت که بخواهیم جای می‌گیریم»؛ چه وعده‌ای را برایتان راست گردانید؟ گفتند: ای پیامبر خدا! هنگامی که خداوند متعال شما را به صورت اشباحی از نور از روشنایی نور خود و روشنایی عزت خود آفرید و برایتان جایگاه‌هایی در ملکوت سلطنتش قرار داد و شما را بر بندگانش گواه گرفت، ولایت شما را بر ما عرضه داشت و آن در دل‌هایمان استوار شد؛ آن‌گاه ما بهانه محبت تو را نزد خداوند گرفتیم و از این رو پروردگارمان به ما وعده داد که تو را در آسمان در همراهی ما به ما نشان دهد و اکنون وعده‌اش را به ما راست گردانید و این‌چنین تو اکنون در آسمان همراه مایی، خداوند پاداش پیامبری نیک را به تو عطا کند. سپس ما بهانهٔ محبت علی ﷺ را نزد خداوند گرفتیم و در آن دم خداوند برایمان فرشته‌ای را به شکل

او آفرید و او را سمت راست عرش خود بر تختی از طلا، آراسته به درّ و جواهر نشانید که پایه‌هایش از زبرجد سبز بود و تاجی از مروارید سفید داشت که درونش از بیرونش و بیرونش از درونش پیدا بود و هیچ تکیه‌گاهی از زیر و هیچ آویزه‌ای از بالا نداشت. آن‌گاه صاحب عرش به او فرمود: به قدرت من برخیز! او به امر خداوند برخاست و از آن پس هر گاه ما به دیدار علی بن ابی‌طالب ؈ در زمین مشتاق می‌شویم، به همانند او در آسمان می‌نگریم.

وَ مِن سُورَةِ المُؤمِنِ

(سورهٔ مؤمن، آیهٔ ۷)

﴿ الَّذینَ یَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَ مَنْ حَوْلَهُ یُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ یُؤْمِنُونَ بِهِ وَ یَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذینَ آمَنُوا رَبَّنا وَسِعْتَ کُلَّ شَیْءٍ رَحْمَةً وَ عِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذینَ تابُوا وَ اتَّبَعُوا سَبیلَكَ ﴾

و کسانی که عرش را حمل می‌کنند و کسانی که بر اطراف آن هستند، با سپاس و ستایش، پروردگارشان را تسبیح می‌گویند و به او ایمان دارند و برای کسانی که ایمان آورده‌اند، آمرزش می‌طلبند [و می‌گویند:] پروردگارا! به رحمت و علم همه چیز را احاطه کرده‌ای؛ پس کسانی را که توبه کرده‌اند و از راه تو پیروی نموده‌اند، بیامرز.

۳۳۶. عَن مُحَمَّدِبنِ مُسلِمٍ قَالَ: سَمِعتُ أَباجَعفَرٍ عليه السلام یَقُولُ: قَولُ اللهِ **﴿ الَّذینَ یَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَ مَنْ حَوْلَهُ یُسَبِّحُونَ ﴾** یَعنِی مُحَمَّدًا وَ عَلِیًّا وَ الحَسَنَ وَ الحُسَینَ وَ إِبرَاهِیمَ وَ إِسمَاعِیلَ وَ مُوسَی وَ عِیسَی ـ صَلَواتُ اللهِ وَ سَلامُهُ عَلَیهِم أَجمَعِینَ.

محمّد بن مسلم گفت: از امام محمّد باقر عليه السلام شنیدم که فرمود: کلام خداوند متعال «کسانی که عرش را حمل می‌کنند و کسانی که بر اطراف آن هستند، پروردگارشان را تسبیح می‌گویند» یعنی حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و علی عليه السلام و امام

حسن و امام حسین علیهما السلام و ابراهیم و اسماعیل و موسی و عیسی، که درود خداوند بر همهٔ ایشان باد.

۳۳۷. عَن مُحَمَّدِبنِ مُسلِمٍ قَالَ: سَمِعتُ أَبَاجَعفَرٍ علیه السلام يَقُولُ: قَالَ اللهُ فِي كِتَابِهِ: ﴿**الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَ مَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ يَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا**﴾ قَالَ: لَيَستَغفِرُونَ لِشِيعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله وَ هُم الَّذِينَ آمَنُوا يَقُولُونَ: ﴿**رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَ عِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَ اتَّبَعُوا سَبِيلَكَ**﴾ يَعنِي الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَلَايَةِ عَلِيٍّ وَ عَلِيٌّ هُوَ السَّبِيلُ.

محمّد بن مسلم گفت: از امام محمّد باقر علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: «کسانی که عرش را حمل می‌کنند و کسانی که بر اطراف آن هستند، با سپاس و ستایش پروردگارشان را تسبیح می‌گویند و به او ایمان دارند و برای کسانی که ایمان آورده‌اند، آمرزش می‌طلبند. بی‌تردید آنان برای شیعیان خاندان حضرت محمّد صلی الله علیه و آله آمرزش می‌طلبند و هم آنان که ایمان آوردند، می‌گویند: «پروردگارا! به رحمت و علم همه چیز را احاطه کردی؛ پس کسانی را که توبه کرده‌اند و از راه تو پیروی نموده‌اند، بیامرز.» یعنی کسانی که از ولایت حضرت علی علیه السلام پیروی نموده‌اند و علی علیه السلام آن راه است.

۳۳۸. حَدَّثَنَا سُلَيمَانُ الأَعمَشِ قَالَ: دَخَلتُ عَلَى أَبِي عَبدِ اللهِ جَعفَرِبنِ مُحَمَّدٍ علیهما السلام وَ قُلتُ لَهُ: جُعِلتُ فِدَاكَ إِنَّ النَّاسَ يُسَمُّونَا رَوَافِضَ فَمَا الرَّوافِضُ؟ فَقَالَ وَاللهِ مَا هُم سَمُّوكُمُوهُ وَ اللهُ سَمَّاكُم بِهِ فِي التَّورَاةِ وَ الإِنجِيلِ عَلَى لِسَانِ مُوسَى وَ لِسَانِ عِيسَى، وَ ذَلِكَ أَنَّ سَبعِينَ رَجُلاً مِن قَومِ فِرعَونَ رَفَضُوا فِرعَونَ وَ دَخَلُوا فِي دِينِ مُوسَى علیه السلام فَسَمَّاهُمُ اللهُ تَعَالَى الرَّافِضَةُ، وَ أَوحَى إِلَى مُوسَى أَنَ أَثبتَ لَهُم فِي التَّورَاةِ حَتَّى يَملِكُونَهُ عَلَى لِسَانِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله فَفَرَّقَهُمُ اللهُ فِرَقًا كَثِيرَةً فَرَفَضُوا الخَيرَ وَ رَفَضتُم الشَّرَّ وَ استَقَمتُم مَعَ أَهلِ بَيتِ نَبِيِّكُم علیهم السلام فَذَهَبتُم حَيثُ ذَهَبَ نَبِيُّكُم وَاختَرتُم مَنِ اختَارَ اللهُ وَ رَسُولُهُ، فَابشِرُوا ثُمَّ ابشِرُوا فَأَنتُمُ المَرحُومُونَ المُتَقَبَّلُ مِن مُحسِنِهِم وَ المُتَجَاوَزُ عَن مُسِيئِهِم

وَ مَن لَم یَلقِ اللهَ بِمثلِ مَا لَقِیتُم لَم تُقبَل حَسَنَتُهُ وَ لَم یُتَجَاوَزُ عَن سَیِّئَتِهِ ، یَا سُلَیمَانُ هَل سَرَرتُكَ؟ فَقُلتُ: زِدنِی جُعِلتُ فِداكَ فَقَالَ: إنَّ لِلّهِ ـ عَزَّ وَ جَلَّ ـ مَلَائِكَةً یَستَغفِرُونَ لَكُم حَتَّی یَتَسَاقَطَ ذُنُوبُكُم كَمَا یَتَسَاقَطُ وَرَقُ الشَّجَرِ فِی یَومٍ رِیحٍ وَ ذَلِكَ قَولُ اللهِ تَعَالَی: ﴿ **الَّذینَ یَحمِلُونَ الْعَرْشَ وَ مَنْ حَوْلَهُ یُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ یَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذینَ آمَنُوا** ﴾ هُم شِیعَتُنَا وَ هِیَ وَاللهِ لَهُم ، یَا سُلَیمَانُ هَل سَرَرتُكَ؟ فَقُلتُ: زِدنِی جُعِلتُ فِدَاكَ ، قَالَ: مَا عَلی مِلَّةِ إبرَاهِیمَ إلَّا نَحنُ وَ شِیعَتُنَا وَ سَائِرُ النَّاسِ مِنهَا بَرَاءٌ.

سلیمان اعمش گفت: خدمت امام جعفر صادق علیه السلام رسیدم و به ایشان عرض کردم: مردم ما را رافضی می‌نامند، رافضی‌ها کیست‌اند؟ ایشان فرمود: به خدا سوگند آنان شما را چنین نام نگذارده‌اند، بلکه خداوند شما را در تورات و در انجیل بر زبان حضرت موسی علیه السلام و حضرت عیسی علیه السلام چنین نامید. بدین‌گونه که هفتاد تن از قوم فرعون، او را رفض کردند و رد نمودند و به دین موسی علیه السلام درآمدند؛ از این رو خداوند آنان را رافضی (یعنی ردکننده) نامید و به موسی علیه السلام وحی فرمود که این نام را برایشان در تورات ثبت کند تا زمانی که آنان این نام را از زبان حضرت محمّد صلی الله علیه و آله صاحب شوند. سپس خداوند آنان را در دسته‌های بسیاری پراکنده کرد و آنان نیکی را رفض و رد کردند امّا شما بدی را رفض کردید و با اهل بیت پیامبرتان پایداری ورزیدید و به جایی پای نهادید که پیامبرتان پای نهاده بود و کسی را برگزیدید که خداوند و رسولش برگزیده بودند، پس بشارت باد بر شما و مژده باد بر شما که شما رحمت می‌شوید و کردار نیکتان پذیرفته می‌شود و از کردار بدتان درگذشته می‌شود. هر کس خداوند را چنان‌که شما دیدارش می‌کنید، دیدار نکند، کار نیکش پذیرفته نمی‌شود و از کار بدش درگذشته نمی‌شود. ای سلیمان! آیا شادمانت کردم؟ عرض کردم: فدایت شوم، بیشتر بفرما! فرمود: همانا خداوند فرشتگانی دارد که برای شما آمرزش می‌خواهند تا این‌که گناهانتان چون

ریزش برگ درخت در روزی توفانی بریزد و این کلام خداوند متعال است: «کسانی که عرش را حمل می‌کنند و کسانی که بر اطراف آن هستند، با سپاس و ستایش، پروردگارشان را تسبیح می‌گویند و به او ایمان دارند و برای کسانی که ایمان آورده‌اند، آمرزش می‌طلبند.» آن کسان، شیعیان ما هستند و این آیه به خدا سوگند از برای ایشان است؛ ای سلیمان! آیا شادمانت کردم؟ عرض کردم: فدایت شوم، بیشتر بفرما! فرمود: تنها ما و شیعیان ما بر آیین ابراهیم هستیم و مردم دیگر از آن به‌دورند.

۳۳۹. فُراتُ قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بنُ الحُسَينِ مُعَنعَنًا: عَن جَعفَرِبنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام قَالَ: مَكَثَ جَبرَئِيلُ أَربَعِينَ يومًا لَم يُنَزِّل عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله فَقَالَ: يَا رَبِّ قَدِ اشتَدَّ شَوقِي إِلَى نَبِيِّكَ فَأذَن لِي فَأَوحَى اللهُ تَعَالَى إِلَيهِ وَ قَالَ: يَا جَبرَئِيلُ اهبِط إِلَى حَبِيبِي وَ نَبِيِّي فَاقرَأهُ مِنِّي السَّلَامَ وَ اخبِرهُ أَنِّي قَد خَصَّصتُهُ بِالنُّبوَّةِ وَ فَضَّلتُهُ عَلَى جَمِيعِ الأَنبِيَاءِ وَ اقرَأ وَصِيَّهُ مِنِّي السَّلَامَ وَ اخبِرهُ أَنِّي خَصَّصتُهُ بِالوَصِيَّةِ وَ فَضَّلتُهُ عَلَى جَمِيعِ الأَوصِيَاءِ.

قَالَ: فَهَبطَ جَبرَئِيلُ عليه السلام عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله فَكَانَ إِذَا هَبطَ وُضِعَت لَهُ وَسَادَةٌ مِن آدَمَ حَشوُهَا لِيفٌ فَجَلَسَ بَينَ يَدَيِّ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللهَ تَعَالَى يَقرَؤُكَ السَّلَامَ وَ يُخبِرُكَ أَنَّهُ خَصَّكَ بِالنُّبُوَّةِ وَ فَضَّلَكَ عَلَى جَمِيعِ الأَنبِيَاءِ وَ يَقرَأُ وَصِيَّكَ السَّلَامَ وَيُخبِرُكَ أَنَّهُ خَصَّهُ بِالوَصِيَّةِ وَ فَضَّلَهُ عَلَى جَمِيعِ الأَوصِيَاءِ.

قَالَ: فَبعَثَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله إِلَيهِ فَدَعَاهُ وَ أَخبَرَهُ بِمَا قَالَ جَبرَئِيلُ عليه السلام قَالَ: فَبَكَا عَلِيٌّ بُكَاءً شَدِيدًا ثُمَّ قَالَ: أَسأَلُ اللهَ أَن لَا يَسلُبَنِي دِينِي وَ لَا يَنزَعَ مِنِّي كَرَامَتَهُ وَ أَن يُعطِيَنِي مَا وَعَدَنِي.

فرات گفت: علی بن حسین روایت کرده است: امام جعفر صادق عليه السلام فرمود: جبرئیل چهل روز بر جای ماند و بر پیامبر نازل نشد. از این رو عرض کرد: پروردگارا! سخت مشتاق پیامبرت شده‌ام، رخصت دیدار وی را عطا فرما. خداوند متعال به او وحی کرد و فرمود: ای جبرئیل! نزد پیامبر من و حبیب من

فرود آی و سلام مرا به او برسان و او را خبر ده که من او را در پیامبری ویژه گردانده‌ام و بر همه پیامبران برتری‌اش بخشیده‌ام؛ همچنین به وصیّ‌اش سلام مرا برسان و او را خبر ده که در وصایت ویژه‌اش گردانده‌ام و بر همهٔ اوصیا برتری‌اش بخشیده‌ام. جبرئیل بر پیامبر فرود آمد و بر بالشی پوستی که از لیف انباشته شده بود، روبه‌روی پیامبر ﷺ نشست و عرض کرد: ای محمّد ﷺ! خداوند متعال به تو سلام می‌رساند و خبرت می‌دهد که در پیامبری ویژه‌ات گردانده و بر همهٔ پیامبران برتری‌ات بخشیده است؛ همچنین به وصی‌ات سلام می‌رساند و خبرت می‌دهد که وی را در وصایت ویژه گردانده و بر همه اوصیا برتری‌اش بخشیده است. در آن دم پیامبر ﷺ کسی را پی حضرت علی علیه‌السلام فرستاد و ایشان را از خبری که جبرئیل آورده بود، باخبر ساخت. ناگاه حضرت علی علیه‌السلام سخت گریست و سپس فرمود: از خداوند خواستارم که دینم را برنگیرد و کرامتش را از من برنگیرد و آن‌چه را به من وعده داده است، عطایم کند.

فَقَالَ جَبرَئیلُ علیه‌السلام: یَا مُحَمَّدُ حَقِیقٌ عَلَی أَن لَا یُعَذِّبَ عَلِیًّا وَ لَا أَحَداً تَوَلَّاهُ. فَقَالَ النَّبِیُّ ﷺ: یَا جَبرَئِیلُ عَلَی مَا کَانَ مِنهُم أَو کُلُّهُم نَاجٍ؟ فَقَالَ جَبرَئِیلُ: یَا مُحَمَّدُ نَجَا مَن تَوَلَّا شِیثًا بِشِیثٍ وَ نَجَا شِیثُ بِآدَمَ وَ نَجَا آدَمُ بِاللهِ، وَ نَجَا مَن تَوَلَّی سَامًا بِسَامٍ وَ نَجَا سَامُ بِنُوحَ وَ نَجَا نُوحُ بِاللهِ، وَ نَجَا مَن تَوَلَّی آصِفَ بِآصِفَ وَ نَجَا آصِفُ بِسُلَیمَانَ وَ نَجَا سُلَیمانُ بِاللهِ، وَ نَجَا مَن تَوَلَّی یُوشَعَ بِیُوشَعَ وَ نَجَا یُوشَعُ بِمُوسَی وَ نَجَا مُوسَی بِاللهِ، وَ نَجَا مَن تَوَلَّی شَمعُونَ بِشَمعُونَ وَ نَجَا شَمعُونُ بِعِیسَی وَ نَجَا عِیسَی بِاللهِ، وَ نَجَا مَن تَوَلَّی عَلِیًّا بِعَلِیٍّ وَ نَجَا عَلِیًّا بِكَ وَ نَجَوتَ أَنتَ بِاللهِ، وَ إِنَّمَا کُلُّ شَیءٍ بِاللهِ، وَ إِنَّ المَلَائِکَةَ وَ الحَفَظَةَ لَیَفخَرُونَ عَلَی جَمِیعِ المَلَائِکَةِ لِصُحبَتِهَا إِیَّاهُ.

جبرئیل عرض کرد: ای محمّد! واجب است که علی و هر که ولایت او را دارد، عذاب نشود. پیامبر ﷺ فرمود: برخی از آنان نجات می‌یابند یا همهٔ آنان؟

عرض کرد: ای محمّد ﷺ! هر که ولایت شیث را داشت، به واسطه او نجات یافت و شیث به واسطه آدم نجات یافت و آدم به خواست خدا؛ و هر که ولایت سام را داشت، به واسطه او نجات یافت و سام به واسطهٔ نوح نجات یافت و نوح به خواست خدا؛ و هر که ولایت آصف را داشت، به واسطهٔ او نجات یافت و آصف به واسطهٔ سلیمان نجات یافت و سلیمان به خواست خدا؛ و هر که ولایت یوشع را داشت، به واسطهٔ او نجات یافت و یوشع به واسطهٔ موسی نجات یافت و موسی به خواست خدا؛ و هر که ولایت شمعون را داشت، به واسطهٔ او نجات یافت و شمعون به واسطهٔ عیسی نجات یافت و عیسی به خواست خدا؛ و هر که ولایت علی ؑ را داشته باشد، به واسطهٔ او نجات می‌یابد و علی ؑ به واسطهٔ تو نجات می‌یابد و تو به خواست خدا. به راستی که همه چیز به خواست خداست و فرشتگان و نگاهبانان علی ؑ به خاطر هم‌صحبتی با او بر دیگر فرشتگان فخر می‌کنند.

قَالَ: فَجَلَسَ عَلِيٌّ ؑ يَسمَعُ كَلامَ جَبرِئِيلَ ؑ وَ لا يَرَى شَخصَهُ.

قَالَ: قُلتُ لِأَبِي عَبدِ اللهِ ؑ: جُعِلتُ فِدَاكَ مَا الَّذِي كَانَ مِن حَدِيثِهِم إِذَا اجتَمَعُوا؟ قَالَ: ذِكرُ اللهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ لَم تَبلُغ عَظِمَتُه، ثُمَّ ذَكَرُوا فَضلَ مُحَمَّدٍ ﷺ وَ مَا أَعطَاهُ اللهُ مِن عِلمٍ وَ قَلَّدَهُ مِن رِسَالَتِهِ، ثُمَّ ذَكَرُوا أَمرَ شِيعَتِنَا وَ الدُّعَاءَ لَهُم، وَ خَتمُهُم بِالحمدِ وَ الثَّنَاءِ عَلَى اللهِ.

قَالَ: قُلتُ: جُعِلتُ فِدَاكَ يَا أَبَاعَبدِ اللهِ وَ إِنَّ المَلَائِكَةَ لَتعرِفُنَا؟ قَالَ: سُبحَانَ اللهِ وَ كَيفَ لَا يَعرِفُونَكُم وَ قَد وُكِّلُوا بِالدُّعَاءِ لَكُم وَ المَلَائِكَةُ حَافِّينَ مِن حَولِ العَرش ﴿يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ﴾، ﴿وَ يَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا﴾ مَا إِستِغفَارُهُم إِلَّا لَكُم دُونَ هَذَا العَالَمِ.

آن‌گاه حضرت علی ؑ نیز نشست و حال آن‌که سخن جبرئیل را می‌شنید امّا او را نمی‌دید. به امام جعفر صادق ؑ عرض کردم: فدایت شوم! چون ایشان گرد هم آیند، چه می‌گویند؟ فرمود: ذکر خداوند تبارک و تعالی را که عظمتش

دست نیافتنی است، سپس ذکر فضیلت حضرت محمّد ﷺ را و آن‌چه که خداوند از علم به او عطا کرده و به رسالت خویش مخصوصش گردانده است. سپس از امر شیعیان ما یاد می‌کنند و برایشان دعا می‌کنند و سخن با حمد و ثنای خداوند به پایان می‌رسانند. عرض کردم: فدایت شوم! آیا فرشتگان ما را می‌شناسند؟ فرمود: سبحان الله! چگونه شما را نشناسند حال آن‌که برای دعاکردن به شما گمارده شده‌اند و فرشتگانی که عرش را در میان گرفته‌اند «با سپاس و ستایش پروردگارشان را تسبیح می‌گویند» و «برای کسانی که ایمان آورده‌اند، آمرزش می‌طلبند» و آمرزش خواهی آنان تنها برای شما و نه هیچ کس دیگر در این دنیاست.

(سورهٔ مؤمن، آیهٔ ۵۱)

﴿ إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذینَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ ﴾

به راستی ما فرستادگانمان و کسانی را که ایمان آورده‌اند، در زندگی دنیا و روزی که گواهان [برای گواهی] بر پای ایستند، یاری می‌کنیم.

۳۴۰. حَدَّثَنِی الْمُطَّلِّبُ بْنُ زِیَادٍ قَالَ: سَمِعتُ السُدَیَّ حِینَ دَخَلَ السُّودَانَ الکُوفَةَ یَبرَحُونَ عَلَی یَزِیدٍ فِی الطُّرُقِ وَ قَرَءَ هَذِهِ الآیَةَ: ﴿ إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذینَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ ﴾ قَالَ: لَیسَ مِن مُؤمِنٍ یُقتَلُ إِلَّا بَعَثَ اللهُ مِن بَعدِهِ مَن یُظهِرُ أَنَّهُ کَانَ عَلَی هُدیً.

مطلب‌بن زیاد گفت: چون سیاهان وارد کوفه شدند و در همه‌جا در پی یزید بودند، شنیدم که سدی این آیه را خواند و سپس گفت: هیچ مؤمنی کشته نمی‌شود جز آن‌که خداوند پس از او کسی را برمی‌انگیزد که آشکار می‌سازد وی بر راه هدایت بوده است.

وَ مِن سُورَةِ فُصِّلَت

(سورهٔ فصّلت، آیهٔ ۱ ـ ۵)

﴿ حمٓ * تَنْزيلُ مِنَ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ * كِتٰابُ فُصِّلَتْ آيٰاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ * بَشيرًا وَ نَذيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لاٰ يَسْمَعُونَ * وَقٰالُوا قُلُوبُنٰا في أَكِنَّةٍ مِمّٰا تَدْعُونٰا إِلَيْهِ وَ في آذٰانِنٰا وَقْرٌ وَ مِنْ بَيْنِنٰا وَ بَيْنِكَ حِجٰابٌ فَاعْمَلْ إِنَّنٰا عٰامِلُونَ ﴾

حاء میم. [این کتاب] از جانب خداوند بخشایندهٔ مهربان نازل شده است. کتابی است که آیاتش به روشنی بیان شده است، قرآنی است به زبان عربی برای گروهی که می‌دانند. بشارت دهنده و بیم‌دهنده است، ولی بیشترشان رویگردان شدند، پس [سخن حق را] نمی‌شنوند. و گفتند: دل‌های ما از آن‌چه ما را به سوی آن فرا می‌خوانی در پوشش‌هایی است و در گوش‌های ما سنگینی، و میان ما و تو حجابی است، پس [تو کار خودت را] انجام بده، ما [نیز کار خود را] انجام می‌دهیم.

۳۴۱. الحُسَينُ بنُ عَلِيِّ بنِ أَحمَدَ العَلَوِيُّ قَالَ: بَلَغَنِي عَن أَبِي عَبدِ اللهِ جَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ لِدَاوُدَ الرَّقِّيِّ: يَا دَاوُدُ أَيُّكُم يَنَالُ قُطبَ سَمَاءِ الدُّنيَا فَوَاللهِ أَنَّ أَروَاحَنَا وَ أَروَاحَ النَّبِيِّينَ لَتَنَالُ العَرشَ كُلَّ لَيلَةِ جُمُعَةٍ يَا دَاوُدُ قَرَأَ أَبِي مُحَمَّدُ بنُ عَلِيٍّ حمٓ السَّجدَةَ حَتَّى إِذَا

بَلَغَ ﴿ **فَهُم لَا يَسمَعُون** ﴾ قَالَ: نَزَلَ جَبرَئيلُ عليه السلام عَلى رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله أَنَّ الإِمَامَ بَعدَكَ عَلِيُّ بنُ أَبي طَالِبٍ عليه السلام حَتَّى قَرَأَ: حمَ السَّجدَةَ ﴿ **تَنزِيلٌ مِنَ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ * كِتابٌ فُصِّلَتْ آياتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ** ﴾ حَتّى بَلَغَ ﴿ **فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ** ﴾ قَالَ: عَن وَلَايَةِ عَلِيِّ بنِ أَبي طَالِبٍ عليه السلام ﴿ **فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ * وَقالُوا قُلُوبُنا في أَكِنَّةٍ مِمّا تَدْعُونا إِلَيْهِ وَ في آذانِنا وَقْرٌ وَ مِنْ بَيْنِنا وَبَيْنِكَ حِجابٌ فَاعْمَلْ إِنَّنا عامِلُونَ** ﴾.

حسين بن على بن احمد علوى گفت: حديثى از امام جعفر صادق عليه السلام خطاب به داود رقّى به من رسيد كه چنين بود: اى داود! كدام‌يک از شما به قطب آسمان دنيا دست مى‌يابد؟ به خدا سوگند كه ارواح ما و ارواح پيامبران هر شب جمعه به عرش مى‌رسد. اى داود! پدرم امام محمّد باقر عليه السلام در حال خواندن سورۀ حم سجده بود كه چون رسيد به «پس [سخن حق] را نمى‌شنوند» فرمود: جبرئيل عليه السلام بر پيامبر صلى الله عليه وآله نازل شد و عرض كرد: امام و پيشواى پس از تو على بن ابى‌طالب عليه السلام است؛ سپس اين آيات را خواند: «[اين كتاب] از جانب خداوند بخشايندۀ مهربان نازل شده است. كتابى است كه آياتش به روشنى بيان شده است. قرآنى است به زبان عربى براى گروهى كه مى‌دانند.» تا به آنجا رسيد كه «بيشترشان رويگردان شدند» يعنى از ولايت على عليه السلام روى گرداندند؛ چنان‌چه خداوند متعال فرمود: «پس [سخن حق را] نمى‌شنوند. و گفتند: دل‌هاى ما از آن‌چه ما را به سوى آن فرا مى‌خوانى در پوشش‌هايى است و در گوش‌هاى ما سنگينى، و ميان ما و تو حجابى است، پس [تو كار خودت را] انجام بده ما [نيز كار خود را] انجام مى‌دهيم.»

(سورۀ فصّلت، آيۀ ۳۰ و احقاف ۱۳)

﴿ إِنَّ الَّذينَ قالُوا رَبُّنَا اللّٰهُ ثُمَّ اسْتَقامُوا ﴾

به راستى كسانى كه گفتند «پروردگار ما خداست» سپس استقامت ورزيدند.

۳۴۲. عَن أَبي مَريَمَ قَالَ: سَمِعتُ أَبانَ بنَ تَغلِبَ يَسأَلُ جَعفَرٍ عليه السلام عَن قَولِ اللهِ تَعَالَى: ﴿ **إِنَّ الَّذينَ**

قَالُوا رَبُّنَا اللّٰهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا﴾ قَالَ اِستَقَامُوا عَلَى وَلَايَةِ عَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ عليه‌السلام.
ابی مریم گفت: از ابان‌بن تغلب شنیدم که او از امام جعفر صادق عليه‌السلام دربارهٔ این آیه پرسید و ایشان فرمود: یعنی بر ولایت علی بن ابی طالب عليه‌السلام استقامت ورزیدند.

(سورهٔ فصّلت، آیهٔ ۳۴)

﴿وَ لَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَ لَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾

خوبی و بدی یکسان نیستند [بدی را] به آن‌چه نیکوتر است دفع کن.

۳۴۳. عَن مُعَاوِيَةَبنِ عَمَّارٍ: عَن أَبِي‌عَبدِ اللّٰهِ عليه‌السلام قَالَ: قُلتُ: جُعِلتُ فِدَاكَ ﴿وَ لَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَ لَا السَّيِّئَةُ﴾ قَالَ: الحَسَنَةُ التَّقِيَّةُ وَ السَّيِّئَةُ الإِذَاعَةُ. قَالَ: قُلتُ: جُعِلتُ فِدَاكَ ﴿ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ قَالَ: الصُّمتُ. ثُمَّ قَالَ: فَأَنشَدتُكَ بِاللّٰهِ هَل تَعرِفُ ذَلِكَ فِي نَفسِكَ أَنَّكَ تَكُونُ مَعَ قَومٍ لَا يَعرِفُونَ مَا أَنتَ عَلَيهِ مِن دِينِكَ وَ لَا تَكُونُ لَهُم وُدًّا وَ صِدِّيقًا فَإِذَا عَرَفُوكَ وَ شَعَرُوكَ أَبغَضُوكَ؟ قُلتُ: صَدَقتَ. قَالَ: فَقَالَ لِي: فَذَا مِن ذَاكَ.
معاویة‌بن عمار گفت: به امام جعفر صادق عليه‌السلام عرض کردم: فدایت شوم! منظور این آیه چیست؟ «خوبی و بدی یکسان نیستند». فرمود: منظور از خوبی در این آیه تقیه و منظور از بدی افشاگری است. عرض کردم: فدایت شوم! منظور از «بدی را به آن‌چه نیکوتر است دفع کن» چیست؟ فرمود: با سکوت. سپس فرمود: تو را به خدا سوگند آیا می‌دانی این سخن کجا در مورد خودت جاری می‌شود؟ آنجا که در میان گروهی هستی که نمی‌دانند تو در دینت بر چه راهی هستی و تو نیز دوست و امین آنان نیستی، حال اگر تو را بشناسند و راهت را دریابند با تو دشمنی می‌کنند.

وَ مِن سُورةِ الشُّورَى

(سورهٔ شوری، آیهٔ ۱۳)

﴿ شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مٰا وَصّٰى بِهِ نُوحًا وَ الَّـذي أَوْحَـيْنٰا إِلَـيْكَ وَ مٰا وَصَّيْنٰا بِهِ إِبرٰاهِيم وَ مُوسىٰ وَ عيسىٰ أَنْ أَقيمُوا الدِّيـنَ وَ لاٰ تَتَفَرَّقُوا فيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكينَ مٰا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللّٰهُ يَجْتَبي إِلَيْهِ مَنْ يَشٰاءُ وَ يَهْدي إِلَيْهِ مَنْ يُنيبُ ﴾

برای شما از دین آن چیزی را وضع کرد که به نوح سفارش آن را کرده بود، و آن‌چه به تو وحی کردیم و آن‌چه ابراهیم و موسی و عیسی را به آن سفارش کردیم [این است] که: دین را برپا دارید و در آن دچار تفرقه نشوید. بر مشرکان [تحمّل] آن‌چه آنان را به آن فرا می‌خوانی دشوار است. خداوند هر که را بخواهد به سوی خود برمی‌گزیند، و هر کس را که توبه کند [و دعوت تو را اجابت نماید] به سوی خود هدایت می‌کند.

۳۴۴. عَنِ الإمامِ الرِّضا عليه السلام: نحنُ الَّذينَ شَرَعَ اللّٰهُ لَنا دِينَهُ فَقالَ: ﴿ شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مٰا وَصّٰى بِهِ نُوحًا وَ الَّذي أَوْحَيْنٰا إِلَيْكَ ﴾ يا مُحَمَّدُ وَ مَا وَصّى بِهِ إبراهِيمَ وَ إسماعِيلَ وَ إسحاقَ وَيعقُوبَ، فَقَد علَّمَنا وَ بَلَّغَنا مَا عَلِمنا وَ استَودَعَنا عِلمَهُم، نَحنُ وَرَثَةُ الأَنبِيَاءِ وَ نَحنُ ذُرِّيَّةُ أُولِي العِلمِ ﴿ أَنْ أَقيمُوا الدِّينَ ﴾ بِآلِ مُحَمَّدٍ ﴿ وَ لاٰ تَتَفَرَّقُوا فيهِ ﴾ وَ كُونُوا عَلى

جَماعَتِکُم ﴿**کَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكينَ**﴾ مَن أَشرَكَ بِوَلَايَةِ عَلِيِّ بنِ أَبی طالِبٍ عليه السلام ﴿**ما تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ**﴾ مِن وَلَايَةِ عَلِيٍّ. إِنَّ اللهَ يا مُحَمَّدُ ﴿**يَجْتَبي إِلَيْهِ مَنْ يَشاءُ وَ يَهْدي إِلَيْهِ مَنْ يُنيبُ**﴾ قَالَ: مَن يُجيبُكَ إِلَى وَلَايَةِ عَلِيِّ بنِ أَبی طالِبٍ عليه السلام.

وَ فِی الحَديثِ التّالِی مِنهُ: وَ نَحنُ الَّذينَ شَرَعَ اللهُ لَنَا الدِّينَ فَقالَ فِی كِتابِهِ: ﴿**شَرَعَ لَكُمْ وَ لا تَتَفَرَّقُوا فيهِ**﴾ وَ كُونُوا عَلَى جَماعَةِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله ﴿**كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكينَ**﴾.

امام رضا عليه السلام فرمود: ما همان کسانی هستیم که خداوند برای ما دینش را وضع کرد و «برای شما از دین آن چیزی را وضع کرد که به نوح سفارش آن را کرده بود و آن‌چه به تو وحی کردیم» و آن‌چه ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب را به آن سفارش کردیم ای محمّد! پس او آن‌چه راکه ما می‌دانیم به ما آموخته و رسانیده و دانش آنان را به ما سپرده است و ما وارثان پیامبرانیم و فرزندان دارندگان دانشیم «دین را برپا دارید» به خاندان محمّد عليهم السلام «و در آن دچار تفرقه نشوید» و بر یکدستگی خود بر جا بمانید که «تحمل آن بر مشرکان دشوار است» آنان که به ولایت علی عليه السلام شرک ورزند، به «آن‌چه آنان را به آن فرا می‌خوانی» شرک ورزیده‌اند یعنی به ولایت علی عليه السلام.

ای محمّد! «همانا خدا هر کس را بخواهد به سوی خود برمی‌گزیند و هر کس راکه توبه نماید به سوی خود هدایت می‌کند.» یعنی کسی که دعوت تو به ولایت علی عليه السلام را اجابت نماید. و در حدیث دیگری آمده است: ما کسانی هستیم که خداوند دینش را برای ما وضع کرد. پس در کتابش چنین فرمود: «برای شما از دین... در آن دچار تفرقه نشوید» و بر راه جماعت محمّد صلى الله عليه و آله باشید که این «بر مشرکان دشوار است».

(سورهٔ شوری، آیهٔ ۲۳)

﴿قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلاَّ الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبىٰ وَ مَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ فيها حُسْنًا إِنَّ اللهَ غَفُورٌ شَكُورٌ﴾

بگو: از شما برای آن (تبلیغ رسالت) هیچ مزدی نمی‌خواهم، جز دوستی
دربارهٔ خویشاوندان [نزدیکم]. و هر کس حسنه‌ای کسب کند،
برایش در آن (حسنه) زیبایی و نیکویی می‌افزاییم. به راستی
خداوند آمرزندهٔ شکرگزار است.

۳۴۵. عَن جَابِرٍ قَالَ: کُنَّا مَعَ رَسُولِ اللهِ ﷺ فِی حَائطٍ مِن حِیطَانِ بَنِی حَارِثَةَ إِذ جَاءَ جَمَلٌ أَجرَبُ أَعجَفُ حَتَّی سَجَدَ لِلنَّبِیِّ ﷺ. قُلنَا لِجَابِرٍ: أَنتَ رَأَیتَهُ؟ قَالَ: نَعم رَأَیتُهُ وَاضِعًا جِبهَتَهُ بَینَ یَدَی رَسُولِ اللهِ ﷺ فَقَالَ: یَا عُمَرُ إِنَّ هَذَا الجَمَلَ قَد سَجَدَ لِی وَ استَجَارَ بِی فَاذهَب فَاشتَرِهِ وَ اَعتِقهُ وَ لَا تَجعَل لِأَحَدٍ عَلَیهِ سَبِیلاً. قَالَ: فَذَهَبَ عُمَرُ فَاشتَرَاهُ وَ خَلَّی سَبِیلَهُ ثُمَّ جَاءَ إِلَی النَّبِیِّ ﷺ فَقَالَ: یَا رَسُولَ اللهِ هَذَا بَهِیمَةٌ یَسجُدُ لَكَ فَنحنُ أَحَقُّ أَن نَسجُدَ لَكَ سَلنَا عَلَی مَا جِئتَنَا بِهِ مِنَ الهُدَی أَجرًا سَلنَا عَلَیهِ عَمَلاً فَقَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: لَو کُنتُ آمُرُ أَحداً یَسجُدُ لِأَحَدٍ لَأَمَرتُ المَرأَةَ أَن تَسجُدَ لِزَوجِهَا. فَقَالَ جَابِرٌ: فَوَاللهِ مَا خَرَجتُ حَتَّی نَزَلَتِ الآیَةُ الکَرِیمَةُ: ﴿ **قُل لا أَسْئَلُكُمْ عَلَیْهِ أَجْرًا إِلاَّ الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبیٰ** ﴾.

جابر گفت: در گوشه‌ای از زمین‌های قبیله بنی‌حارثه در حضور رسول خدا ﷺ بودیم که شتری رنگ‌پریده آمد و سوی پیامبر ﷺ سجده کرد. به جابر گفتیم: تو آن را دیدی؟ گفت: آری، دیدمش که آمد و پیشانی‌اش را روبه‌روی رسول خدا ﷺ زمین گذاشت. حضرت فرمود: ای عمر! این شتر برای من سجده کرد و به من پناه آورد، پس برو و آن را بخر و آزادش کن و مگذار کسی سوی آن دست دراز کند. عمر رفت و آن را خرید و آزادش کرد. سپس سوی پیامبر باز آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! این چهارپا بر شما سجده می‌کند، حال آن‌که بر ما واجب‌تر است که به شما سجده کنیم. در ازای آن‌چه که از هدایت برای ما آورده‌ای، مزدی از ما بخواه! در ازای آن کاری از ما بخواه! حضرت فرمود: اگر امر می‌کردم کسی بر کسی سجده کند، هر آینه امر می‌کردم زن بر شوهرش سجده کند.

جابر گفت: به خدا سوگند هنوز خارج نشده بودیم که این آیه نازل شد: «از شما برای آن (تبلیغ رسالت) هیچ مزدی نمی‌خواهم، جز دوستی درباره خویشاوندان [نزدیکم].»

۳۴۶. عَنِ ابنِ عَبَّاس قَالَ: لَمَّا نَزَلَت هَذِهِ الآيَةُ: ﴿ **قُلْ لاٰ أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلاَّ الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبىٰ** ﴾. قُلتُ: يَا رَسُولَ اللهِ مَن قَرَابَتُكَ الَّذِينَ افتَرَضَ اللهُ عَلَينَا مَوَدَّتَهُم؟ قَالَ: عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ وُلدُهَا. ثَلاثَ مَرَّاتٍ يَقُولُهَا.

ابن عباس گفت: زمانی که آیهٔ فوق نازل شد، عرض کردم: ای رسول خدا! خویشاوندان شما که خداوند دوستی آنان را بر ما واجب گردانده، چه کسانی‌اند؟ فرمود: علی و فاطمه و فرزندان ایشان علیهم‌السلام و سه بار این سخن را باز فرمود.

۳۴۷. عَبدُ اللهِ بنِ حَكِيمٍ قَالَ: كُنتُ عِندَ جَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ عليه‌السلام فَسَأَلَهُ رَجُلٌ عَن قَولِهِ: ﴿ **قُلْ لاٰ أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلاَّ الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبىٰ** ﴾ قَالَ: إِنَّا نَزعَمُ قَرَابَةَ مَا بَينَنَا وَ بَينَهُ وَ تَزعَمُ قُرَيشٌ أَنَّهَا قَرَابَةُ مَا بَينَهُ وَ بَينَهُم وَ كَيفَ يَكُونُ هَذَا وَ قَد أَنبَأَ اللهُ أَنَّهُ مَعصُومٌ.

عبد الله بن حکیم گفت: نزد امام جعفر صادق علیه‌السلام بودم که مردی از ایشان در مورد آیه فوق پرسید. ایشان فرمود: ما برآنیم قرابتی که بین ما و بین رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله است، مورد نظر است و قریش بر آن است که قرابتی که بین پیامبر و آنان است، مورد نظر است و چگونه می‌تواند چنین باشد در حالی‌که خداوند خبر داده است که همانا رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله معصوم است.

۳۴۸. عَن عَبدِ اللهِ بنِ حَكِيمِ بنِ جُبَيرٍ إِنَّهُ قَالَ: سَأَلتُ عَلِيَّ بنَ الحُسَينِ بنِ عَلِيٍّ عليه‌السلام عَن هَذِهِ الآيَةِ: ﴿ **قُلْ لاٰ أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلاَّ الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبىٰ** ﴾ قَالَ: هِيَ قَرَابَتُنَا أَهلَ البَيتِ مِن مُحَمَّدٍ صلی‌الله‌علیه‌وآله.

عبد الله بن حکیم‌بن جبیر گفت: از امام سجاد علیه‌السلام دربارهٔ این آیه پرسیدم، ایشان فرمود: خویشاوندی ما اهل بیت علیهم‌السلام با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله مورد نظر است.

۳۴۹. عَن حَبِيبِ بنِ أَبِي ثَابِتٍ أَنَّهُ أَتَى مَسجِدَ قُبَاءَ وَ إِذَا فِيهِ مَشِيخَةٌ مِنَ الأَنصَارِ فَحَدَّثُوهُ أَنَّ

عَلِیَّ بنَ الحُسَینِ أَتاهُم یُصَلِّی فِی مَسجدِ قُباءَ فَسَلَّمُوا عَلَیهِ ثُمَّ قَالُوا: إن کُنتُم سَلَّمتُم إلَینا فِیما کَانَ بَینَکُم نَشهَدُ کُم فَإنَّ مَشِیخَتَنا حَدَّثُونا أَنَّهُم أَتَوا نَبِیَّ اللهِ فِی مَرَضِهِ الَّذِی مَاتَ فِیهِ فَقَالُوا: یا نَبِیَّ اللهِ قَد أَکرَمَنا اللهُ وَ هَدَانا بِكَ وَ آمَنَّا وَ فَضَّلنا بِكَ فَاقسِم فِی أَموالِنا مَا أَحبَبتَ فَقَالَ لَهُم نَبِیُّ اللهِ ﷺ: ﴿ **قُلْ لاَ أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلاَّ الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبىٰ** ﴾ فَأَمَرَنا بِمَوَدَّتِکُم.

از حبیب بن ابی ثابت روایت شده است که وی به مسجد قبا رفت و حال آنکه چند تن از ریش‌سفیدان انصار آنجا بودند. ایشان برای او چنین گفتند که روزی امام سجاد ؑ به مسجد قبا آمد تا پیشاپیش آنان نماز بگزارد. آنان بر حضرت سلام کرده و عرض کرده‌اند: اگر آن‌چه را که میانتان رخ داد، به ما واگذار می‌کردید، برایتان گواهی می‌دادیم که ریش‌سفیدان ما برایمان چنین گفتند که آنان به هنگام بیماری پیامبر خدا که بر اثر آن درگذشت، خدمت ایشان رسیده و عرض کرده‌اند: ای پیامبر خدا! به راستی که خداوند ما را با تو گرامی داشت و هدایت نمود و ما را با تو ایمن کرد و برتری بخشید. پس هر آن‌چه می‌خواهی از دارایی ما برای خود جدا کن. و پیامبر خدا ﷺ به آنان فرموده است: «بگو از شما برای آن (تبلیغ رسالت) هیچ مزدی نمی‌خواهم جز دوستی دربارهٔ خویشاوندان» و این چنین ما را به دوستی شما فرمان داد.

۳۵۰. عَن عَطاءِ بنِ أَبی رَباحٍ قَالَ: قُلتُ لِفَاطِمَةَ بِنتِ الحُسَینِ: أَخبِرِینی جُعِلتُ فِداكِ بِحَدِیثٍ أُحَدِّثُ وَ أَحتَجُّ بِهِ عَلَی النَّاسِ. قَالَت: نَعَم أَخبَرَنی أَبِی أَنَّ النَّبِیَّ ﷺ کَانَ نَازِلاً بِالمَدِینَةِ وَ أَنَّ مَن أَتاهُ مِنَ المُهاجِرِینَ مرسوا أَن یَفرِضُوا لِرَسُولِ اللهِ ﷺ فَرِیضَةً یَستَعِینُ بِها عَلَی مَن أَتاهُ فَأَتَوا رَسُولَ اللهِ ﷺ وَ قَالُوا: قَد رَأَینا مَا یَنُوبُكَ مِنَ النَّوائِبِ وَ إنَّا أَتَیناكَ لِنَفرِضَ مِن أَموالِنا فَرِیضَةً تَستَعِینُ بِها عَلَی مَن أَتاكَ.

عطاء بن ابی رُباح گفت: به بانو فاطمه دختر حضرت امام حسین ؑ عرض کردم: فدایتان گردم! مرا از حدیثی آگاه کنید که آن را روایت کنم و با آن بر مردم

حجّت آورم. فرمود: پدرم چنین مرا خبر داد که پیامبر ﷺ در مدینه ساکن بود و هر یک از مهاجران که نزد ایشان می‌آمدند، برآن شده بودند که سهمی از مال خود را به رسول خدا اختصاص دهند تا ایشان با آن سهم کسانی را که نزدشان می‌آیند، یاری رساند. آنان نزد رسول خدا ﷺ رفتند و عرض کردند: ما دیده‌ایم که چه سختی‌ها کشیده‌اید، پس آماده‌ایم تا سهمی به شما اختصاص دهیم تا با آن کسانی را که نزدتان می‌آیند، یاری کنید.

قَالَ: فَأَطرَقَ النَّبِيُّ ﷺ طَوِيلاً ثُمَّ رَفَعَ رَأسَهُ فَقَالَ: إِنِّی لَم أُؤمَر أَن آخُذَ مِنكُم عَلَى مَا جِئتُم بِهِ شَيئًا، إِنطَلِقُوا وَ إِن أُمِرتُ بِهِ أَعلَمتُكُم.

قَالَ: فَنَزَلَ جَبرَئِيلُ ؑ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ إِنَّ رَبَّكَ قَد سَمِعَ مَقَالَةَ قَومِكَ وَ مَا عَرَضُوا عَلَيكَ وَ قَد أَنزَلَ اللهُ عَلَيهِم فَرِيضَةً: ﴿ **قُلْ لاٰ أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلاَّ الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبىٰ** ﴾.

فَخَرَجُوا وَ هُم يَقُولُونَ مَا أَرَادَ رَسُولُ اللهِ ﷺ إِلَّا أَن يَذِلَّ لَهُ الأَشيَاءُ وَ تَخضَعَ لَهُ الرِّقَابُ مَادَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الأَرضُ لِبَنِی عَبدِالمُطَّلِبِ.

در آن دم پیامبر ﷺ سر به زیر افکند و پس از مدتی سر برآورد و فرمود: من دستور ندارم تا در ازای آن‌چه برایتان آورده‌ام چیزی از شما بگیرم، بروید تا اگر چنین فرمانی رسید خبرتان کنم. آن‌گاه جبرئیل نازل شد و عرض کرد: ای محمّد! پروردگارت سخن قومت را و آن‌چه را بر تو عرضه داشتند شنید و سهمی واجب بر آنان نازل فرموده است: «بگو، از شما دربارهٔ آن هیچ مزدی نمی‌خواهم جز دوستی دربارهٔ خویشاوندان.» آنان بیرون رفتند و گفتند: رسول خدا ﷺ تنها می‌خواهد همه چیز فرمانبر او باشد و همهٔ گردن‌ها به امرش نهاده شود و پیوسته آسمان‌ها و زمین از برای فرزندان عبدالمطلب باشد.

قَالَ: فَبَعَثَ رَسُولُ اللهِ ﷺ إِلَى عَلِيِّ بنِ أَبِی طَالِبٍ ؑ أَنِ اصعَدِ المِنبَرَ وَ ادعُ النَّاسَ إِلَيكَ ثُمَّ قُل: يَا أَيُّهَا النَّاسُ مَنِ انتَقَصَ أَجِيرًا أَجرَهُ فَلْيَتَبَوَّأْ مَقعَدَهُ النَّار وَ مَنِ انتَفَى مِن وَالِدَيهِ فَلْيَتَبَوَّأْ مَقعَدَهُ مِنَ النَّارِ.

قالَ: فَقامَ رَجُلٌ وَ قالَ: یا أَبَا الحَسَنِ ما لَهُنَّ مِن تأویلٍ؟ فَقالَ: اللّٰهُ وَ رَسُولُهُ أَعلَمُ. ثُمَّ أَتَى رَسُولَ اللّهِ ﷺ فَأَخبَرَهُ فَقالَ النَّبِیُّ: وَیلٌ لِقُرَیشٍ مِن تَأوِیلِهِنَّ ـ ثَلاثَ مَرّاتٍ ـ ثُمَّ قالَ: یا عَلِیُّ اِنطَلِق فَأَخبِرهُم: أَنّی أَنَا الأَجِیرُ الَّذِی أَثبَتَ اللّهُ مَوَدَّتَهُ مِنَ السَّماءِ ثُمَّ أَنا وَ أَنتَ مَولَی المُؤمِنِینَ وَ أَنا وَ أَنتَ أَبَوَا المُؤمِنِینَ.

رسول خدا ﷺ برای حضرت علی ؑ چنین پیغام داد که بر منبر برو و مردم را سوی خود فراخوان و بگو: ای مردم! هر که از مزد مزدگیر بکاهد، آتش نشیمنگاهش را پُر خواهد کرد و هر که از سوی پدر و مادرش رانده شود نیز آتش نشیمنگاهش را پُر خواهد کرد. در آن دم مردی برخاست و عرض کرد: ای اباحسن! تأویل این جملات چیست؟ فرمود: خدا و رسولش آگاه‌ترند. سپس نزد رسول خدا ﷺ رفت و ایشان را از سخن آن مرد خبر داد. حضرت فرمود: وای بر قریش با تأویلی که از آن جملات می‌کنند ـ و سه بار این سخن را باز فرمود ـ سپس فرمود: ای علی! برو و به آنان خبر ده که همانا من آن مزدگیر هستم که خداوند دوستی‌اش را از آسمان استوار گردانید و نیز من و تو مولای مؤمنانیم و من و تو پدر مؤمنانیم.

ثُمَّ خَرَجَ رَسُولُ اللّهِ ﷺ فَقالَ: یا مَعشَرَ قُرَیشٍ وَ المُهاجِرِینَ وَ الأَنصارِ. فَلَمّا اجتَمَعُوا قالَ: یا أَیُّها النّاسُ إِنَّ عَلِیًّا أَوَّلُکُم إِیمانًا بِاللّهِ، وَ أَقوَمُکُم بِأَمرِ اللّهِ، وَ أَوفاکُم بِعَهدِ اللّهِ، وَ أَعلَمُکُم بِالقَضِیَّةِ، وَ أَقسَمُکُم بِالسَّوِیَّةِ، وَ أَرحَمُکُم بِالرَّعِیَّةِ، وَ أَفضَلُکُم عِندَ اللّهِ مَزِیَّةً.

ثُمَّ قالَ: إِنَّ اللّهَ مَثَّلَ لِی أُمَّتِی فِی الطِّینِ وَ عَلَّمَنِی أَسماءَهُم کَما ﴿عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا[1]﴾ ثُمَّ عَرَضَهُم فَمَرَّ بِی أَصحابُ الرّایاتِ فَاستَغفَرتُ لِعَلِیٍّ وَ شِیعَتِهِ وَ سَأَلتُ رَبِّی أَن تَستَقِیمَ أُمَّتِی عَلَی عَلِیٍّ مِن بَعدِی فَأَبَی إِلّا أَن یُضِلَّ مَن یَشاءُ وَ یَهدِی مَن یَشاءُ، ثُمَّ ابتَدَأَنِی رَبِّی فِی عَلِیٍّ بِسَبعِ خِصالٍ.

---

۱. بقره، ۳۱

سپس رسول خدا ﷺ بیرون رفت و فرمود: ای گروه قریش و مهاجرین و انصار! چون گرد آمدند، فرمود: ای مردم! همانا علی ؑ نخستین شما در ایمان به خداوند و پایدارترین شما در اجرای امر خداوند و باوفاترین شما به عهد خدا و داناترین شما در داوری و دادگرترین شما در مساوات و مهربان‌ترین شما با مردم و والامقام‌ترین شما نزد خداوند است. سپس فرمود: همانا خداوند تمثال امتم را در سرشت گِل نشانم داد و نام‌های آنان را به من آموخت، چنان‌چه «همهٔ نام‌ها را به آدم آموخت»، سپس آن‌ها را بر من عرضه نمود و صاحبان پرچم‌ها از جلوی من گذشتند و من برای علی و شیعیانش آمرزش خواستم و از پروردگارم خواستم تا پس از من امتم را در راه پیشوایی علی استوار بدارد. لیکن خداوند روی برتافت جز آن‌که هر که را خواست گمراه کند و هر که را خواست راه نماید. سپس پروردگارم با علی ؑ هفت خصلت را برای من بنا نهاد.

أَمَّا أَولَاهُنَّ: فَإِنَّهُ أَوَّلُ مَن يَنشَقُّ الأَرضَ مَعِي وَ لَا فَخرَ. وَ أَمَّا الثَّانِيَةُ: فَإِنَّهُ يَذُودُ أعدَاءَهُ عَن حَوضِي كَمَا يَذُودُ الرُّعَاةُ غَرِيبَةَ الإِبلِ. وَ أَمَّا الثَّالِثَةُ: فَإِنَّ مِن فُقَرَاءِ شِيعَةِ عَلِيٍّ لَيَشفَعُ فِي مِثلِ رَبِيعَةَ وَ مُضَرَ. وَ أَمَّا الرَّابِعَةُ: فَإِنَّهُ أَوَّلُ مَن يَقرَعُ بَابَ الجَنَّةِ مَعِي وَ لَا فَخرَ. وَ أَمَّا الخَامِسَةُ: فَإِنَّهُ أَوَّلُ مَن يُزَوَّجُ مِنَ الحُورِ العِينِ مَعِي وَ لَا فَخرَ. وَ أَمَّا السَّادِسَةُ: فَإِنَّهُ أَوَّلُ مَن يَسكُنُ مَعِي فِي عِلِّيِّينَ وَ لَا فَخرَ. وَ أَمَّا السَّابِعَةُ: فَإِنَّهُ أَوَّلُ مَن يُسقَى **﴿مِنْ رَحِيق مَختوم ختامه مسك و فِي ذَلك فَليتنافس المتنَافِسُون﴾**.

اول آن‌که او نخستین کسی است که همراه من از درون زمین برانگیخته می‌شود و فخر نمی‌کنم. دوم آن‌که او دشمنان خود را از حوض کوثر می‌راند، همان‌گونه که شتربان شتر ناآشنا را می‌راند. سوم آن‌که شیعیان فقیر علی ؑ در روز قیامت گروهی را که تعداد آن‌ها همچون قبیلهٔ ربیعه و مضر است، شفاعت می‌کنند. چهارم آن‌که او نخستین کسی است که همراه من درِ بهشت را

می‌کوبد و فخر نمی‌کنم. پنجم آن‌که نخستین کسی که همراه من از حورالعین به همسری‌اش در می‌آیند و فخر نمی‌کنم. ششم آن‌که نخستین کسی است که همراه من در آسمان هفتم ساکن می‌شود و فخر نمی‌کنم. هفتم آن‌که نخستین کسی است که از شراب مهر نهاده شده سیراب می‌گردد.

۳۵۱. عَنِ الأَصبَغِ بنِ نُباتَةَ قَالَ: کُنتُ جَالِسًا عِندَ أَمِيرِ المُؤمِنِينَ عَلِيِّ بنِ أَبِی طالِبٍ عليه السلام فِی مَسجِدِ الکُوفَةِ فَأَتَاهُ رَجُلٌ مِن بَجِيلَةَ يُکَنَّى أَبَا خَدِيجَةَ وَ مَعَهُ سِتُّونَ رَجُلاً مِن بَجِيلَةَ فَسَلَّمَ وَ سَلَّمُوا ثُمَّ جَلَسَ وَ جَلَسُوا ثُمَّ أَنَّ أَبَا خَدِيجَةَ قَالَ: يَا أَمِيرَ المُؤمِنِينَ أَعِندَكَ سِرٌّ مِن أَسرَارِ رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله تُحَدِّثُنَا بِهِ؟ قَالَ: نَعَم يَا قَنبَرُ ائتِنِی بِالکِتَابَةِ فَفَضَّهَا فَإِذَا فِی أَسفَلِهَا سُلَيفَةٌ مِثلُ ذَنَبِ الفَارَةِ مَکتُوبٌ فِيهَا:

بِسمِ اللهِ الرَّحمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّ لَعنَةَ اللهِ وَ مَلَائِکَتِهِ وَ النَّاسِ أَجمَعِينَ عَلَى مَنِ انتَمَى إِلَى غَيرِ مَوَالِيهِ، وَ لَعنَةُ اللهِ وَ مَلَائِکَتِهِ وَ النَّاسِ أَجمَعِينَ عَلَى مَن أَحدَثَ فِی الإِسلَامِ أَو آوَى مُحدِثًا وَ لَعنَةُ اللهِ عَلَى مَن ظَلَمَ أَجِيرًا أَجرَهُ وَ لَعنَةُ اللهِ عَلَى مَن سَرَقَ مَنَارَ الأَرضِ وَ حُذُودَهَا يُکَلَّفُ يَومَ القِيَامَةِ أَن يَجِیءَ بِذَلِكَ مِن سَبعِ سَمَاوَاتٍ وَ سَبعِ أَرضِينَ.

ثُمَّ التَفَتَ إِلَى النَّاسِ فَقَالَ: وَ اللهِ لَو کُلِّفَت هَذَا دَوَابُّ الأَرضِ مَا أَطَاقَتهُ. فَقَالَ لَهُ أَبُو خَدِيجَةَ: وَلَکِن أَهلَ البَيتِ مَوَالِیَ کُلِّ مُسلِمٍ فَمَن تَوَلَّى غَيرَ مَوَالِيهِ فَقَالَ: لَستَ حَيثُ ذَهَبتَ يَا أَبَا خَدِيجَةَ وَلَکِنَّا أَهلَ البَيتِ مَوَالِی کُلِّ مُسلِمٍ فَمَن تَوَلَّى غَيرَنَا فَعَلَيهِ مِثلُ ذَلِكَ يَا أَبَا خَدِيجَةَ وَ الأَجِيرُ لَيسَ بِالدِّينَارِ وَ لَا بِالدِّينَارَينِ وَ لَا بِالدِّرهَمِ وَ لَا بِالدِّرهَمَينِ بَل مَن ظَلَمَ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وآله أَجرَهُ فِی قَرَابَتِهِ قَالَ اللهُ تَعَالَى: ﴿ **قُل لَا أَسئَلُکُم عَلَيهِ أَجرًا إِلاَّ المَوَدَّةَ فِی القُربىٰ** ﴾ فَمَن ظَلَمَ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وآله أَجرَهُ فِی قَرَابَتِهِ فَعَلَيهِ لَعنَةُ اللهِ وَ المَلَائِکَةِ وَ النَّاسِ أَجمَعِينَ.

اصبغ بن نباته گفت: در مسجد کوفه نزد امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب عليه السلام نشسته بودم که مردی از قبیلهٔ بجیله با لقب ابوخدیجه به همراه هفتاد مرد از بجیله خدمت ایشان رسید. سلام کرد و همراهانش سلام کردند و نشست و همراهانش

نشستند. سپس عرض کرد: ای امیرمؤمنان! آیا نزد شما سرّی از اسرار رسول خدا ﷺ هست تا برای ما آن را نقل کنید؟ فرمود: بله. ای قنبر! آن نوشته را برایم بیاور. نوشته را گشود. در پایین آن پوست کوچک و نازکی بود همچون دم موش که بر آن نوشته شده بود: به نام خداوند بخشندهٔ مهربان. لعنت خدا و فرشتگانش و تمامی مردم بر کسی که خود را به غیر از مولاهای خویش نسبت دهد و لعنت خدا و فرشتگانش و همهٔ مردم بر کسی که در اسلام از خود بدعت بگذارد و یا بدعت‌گذار را پناه دهد و لعنت خدا بر کسی که در پرداختن مزد مزدگیری ستم کند و لعنت خدا بر کسی که قطعه‌ای زمین یا مرزهای آن را بدزدد، چه در قیامت بر او تکلیف می‌کنند که آن را از هفت آسمان و هفت زمین پس بیاورد.

سپس سوی مردم رو کرد و فرمود: به خدا سوگند اگر این را بر چهارپایان زمین تکلیف کنند، طاقت آن را نخواهند داشت. ابوخدیجه عرض کرد: ولی اهل بیت علیهم السلام مولای تمامی مسلمان هستند، چه کسی جز مولاهای خویش را به ولایت می‌گیرد؟ فرمود: ای ابوخدیجه! تو چنان‌که می‌گویی نیستی، ولی اهل بیت مولای همهٔ مسلمانان هستند و هر که جز ما را به ولایت گیرد، سرانجامی همچون آن‌چه گفتم بر اوست. ای ابوخدیجه! مزد آن مزدگیر، یک یا دو دینار و یک یا دو درهم نیست، بلکه هر که در پرداختن مزد رسول خدا ﷺ دربارهٔ خویشاوندانش ستم کند است، چراکه خداوند متعال فرموده است: «بگو از شما دربارهٔ آن (تبلیغ رسالت) هیچ مزدی نمی‌خواهم جز دوستی دربارهٔ خویشاوندان»؛ پس هر که در پرداختن مزد رسول خدا ﷺ دربارهٔ خویشاوندانش ستم کند، لعنت خدا و فرشتگانش و همهٔ مردم بر اوست.

۳۵۲. عَن زِيادِبنِ المُنذِرِ قالَ: سَمِعتُ أَباجَعفَرٍ مُحَمَّدَبنَ عَلِيٍّ علیه السلام وَ هُوَ يَقُولُ: شَجَرَةٌ أَصلُها رَسُولُ اللهِ ﷺ وَ فَرعُها عَلِيُّبنُ أَبِي‌طالِبٍ وَ أَغصانُها فاطِمَةُ بِنتُ النَّبِيِّ وَ ثَمَرُها

الحَسَنُ وَ الحُسَینُ علیهما السلام وَ التَّحِیَّةُ وَ الإِکرَامُ فَإِنَّهَا شَجَرَةُ النُّبُوَّةِ وَ بَیتُ الرَّحمَةِ ، وَ مِفتَاحُ الحِکمَةِ ، وَ مَعدِنُ العِلمِ ، وَ مَوضِعُ الرِّسَالَةِ ، وَ مُختَلَفُ المَلَائِکَةِ ، وَ مَوضِعُ سِرِّ اللهِ وَ وَدِیعَتُهُ ، وَ الأَمَانَةُ الَّتِی عُرِضَت عَلَی السَّمَاوَاتِ وَ الأَرضِ وَ الجِبَالِ ، وَ حَرَمُ اللهِ الاَکبَرِ ، وَ بَیتُ اللهِ العَتِیقُ وَ ذِمَّتُهُ: وَ عِندَنَا عِلمُ المَنَایَا وَ البَلَایَا وَ القَضَایَا وَ الوَصَایَا وَ فَصلُ الخِطَابِ وَ مَولِدُ الإِسلَامِ وَ أَنسَابُ العَرَبِ.

زیادبن منذر گفت: از امام محمّد باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: درختی که ریشهٔ آن رسول خدا صلی الله علیه و آله و تنه‌اش علی بن ابی‌طالب علیه السلام و شاخه‌های آن فاطمه دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و میوهٔ آن حسن و حسین علیهما السلام است، آن درخت، درخت نبوّت و خانهٔ رحمت و کلید حکمت و معدن علم و جایگاه رسالت و محل رفت و آمد فرشتگان و جایگاه سرّ و ودیعت الهی و جایگاه امانتی است که بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه گشت و باری حرم خدای بزرگ و بیت الله عتیق و ذمّهٔ اوست. همانا علم مرگ‌ها و بلاها و پیشامدها و وصایا و فصل الخطاب و زادگاه اسلام و تمامی نسب‌های عرب نزد ماست.

کَانُوا نُورًا مُشرِقًا حَولَ عَرشِ رَبِّهِم فَأَمَرَهُم فَسَبَّحُوا فَسَبَّحَ أَهلُ السَّمَاوَاتِ لِتَسبِیحِهِم ، وَ إِنَّهُم لَصَافُّونَ وَ إِنَّهُم لَهُمُ المُسَبِّحُونَ ، فَمَن أَوفَی بِذِمَّتِهِم فَقَد أَوفَی بِذِمَّةِ اللهِ ، وَ مَن عَرَفَ حَقَّهُم فَقَد عَرَفَ حَقَّ اللهِ ، هَؤُلَاءِ عِترَةُ رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله وَ مَن جَحَدَ حَقَّهُم فَقَد جَحَدَ حَقَّ اللهِ ، هُم وُلَاةُ أَمرِ اللهِ وَ خَزَنَةُ وَحیِ اللهِ وَ وَرَثَةُ کِتَابِ اللهِ وَ هُمُ المُصطَفَونَ بِاسمِ اللهِ وَ أُمَنَائِهِ عَلَی وَحیِ اللهِ.

امامان علیهم السلام نوری تابناک گرداگرد عرش پروردگارشان بودند که خداوند دستور داد تا تسبیح گویند، آن‌گاه اهل آسمان‌ها نیز از تسبیح ایشان تسبیح گفتند.

پس کسی که به عهد خویش با ایشان وفا کند، به عهد خویش با خدا وفا کرده است و کسی که حقّ ایشان را بشناسد، حقّ خدا را شناخته است، ایشان عترت رسول خدا صلی الله علیه و آله هستند و کسی که حقّ ایشان را انکار کند، حقّ خدا را انکار

کرده است. ایشان والیان امر خدا و نگاهبانان وحی خدا و وارثان کتاب خدایند و ایشان برگزیدگان اسم خدا و امینان وحی خدایند.

هَؤُلَاءِ أَهلُ بَيتِ النُّبُوَّةِ وَ مضاضُ الرِّسَالَةِ وَ المُستَأنِسُونَ بِخَفِيقِ أَجنِحَةِ المَلَائِكَةِ، مَن كَانَ يَغدُوهُم جَبرَئِيلُ بِأَمرِ المَلِكِ الجَلِيلِ بِخَبَرِ التَّنزِيلِ وَ بُرهَانِ الدَّلَائِلِ.

هَؤُلَاءِ أَهلُ بَيتٍ أَكرَمَهُمُ اللهُ بِشَرَفِهِ، وَ شَرَّفَهُم بِكَرَامَتِهِ، وَ أَعَزَّهُم بِالهُدَى، وَ ثَبَّتَهُم بِالوَحيِ، وَ جَعَلَهُم أَئِمَّةً هُدَاةً، وَ نُورًا فِي الظُّلَمِ لِلنَّجَاةِ، وَ اختَصَّهُم لِدِينِهِ، وَ فَضَّلَهُم بِعِلمِهِ، وَ آتَاهُم مَا لَم يُؤتِ أَحَدًا مِنَ العَالَمِينَ، وَ جَعَلَهُم عِمَادًا لِدِينِهِ، وَ مُستَودِعًا لِمَكنُونِ سِرِّهِ، وَ أُمَنَاءَ عَلَى وَحيِهِ مِن خَلقِهِ، وَ شُهَدَاءَ عَلَى بَرِيَّتِهِ، وَ اختَارَهُمُ اللهُ وَ اجتَبَاهُم، وَ خَصَّهُم وَ اصطَفَاهُم، وَ فَضَّلَهُم وَ ارتَضَاهُم، وَ انتَجَبَهُم وَ انتَفَلَهُم وَ جَعَلَهُم نُورًا لِلبِلَادِ وَ عِمَادًا لِلعِبَادِ، وَ حُجَّتَهُ العُظمَى.

هُمُ النَّجَاةُ وَ الزُّلفَى، هُمُ الخِيَرَةُ الكِرَامُ، هُمُ القُضَاةُ الحُكَّامُ، هُمُ النُّجُومُ الأَعلَامُ، هُمُ الصِّرَاطُ المُستَقِيمُ، هُمُ السَّبِيلُ الأَقوَمُ، الرَّاغِبُ عَنهُم مَارِقٌ وَ المُقَصِّرُ عَنهُم زَاهِقٌ وَ اللَّازِمُ لَهُم لَاحِقٌ، هُم نُورُ اللهِ فِي قُلُوبِ المُؤمِنِينَ وَ البِحَارُ السَّائِغَةُ لِلشَّارِبِينَ، آمَنُ لِمَنِ إِلَيهِمُ التَجَأَ، وَ أَمَانٌ لِمَن تَمَسَّكَ بِهِم، إِلَى اللهِ يَدعُونَ، وَ لَهُ يُسَلِّمُونَ، وَ بِأَمرِهِ يَعمَلُونَ وَ بِبَيَانِهِ يَحكُمُونَ.

فِيهِم بَعَثَ اللهُ رَسُولَهُ، وَ عَلَيهِم هَبَطَت مَلَائِكَتُهُ، وَ بَينَهُم نَزَلَت سَكِينَتُهُ، وَ إِلَيهِم بُعِثَ الرُّوحُ الأَمِينُ مَنًّا مِنَ اللهِ عَلَيهِم، فَضَّلَهُم بِهِ وَ خَصَّهُم بِذَلِكَ، وَ آتَاهُم تَقوَاهُم بِالحِكمَةِ قَوَّاهُم، فُرُوعٌ طَيِّبَةٌ وَ أُصُولٌ مُبَارَكَةٌ، مُستَقَرُّ قَرَارِ الرَّحمَةِ، خُزَّانُ العِلمِ، وَ وَرَثَةُ الحِلمِ، وَ أُولُوا التُّقَى وَ النُّهَى، وَ النُّورُ وَ الضِّيَاءُ، وَ وَرَثَةُ الأَنبِيَاءِ وَ بَقِيَّةُ الوَصَايَا.

ایشان اهل بیت نبوت و مرکز رسالت و مأنوس به پر و بال زدن فرشتگان‌اند. آنان‌اند که جبرئیل به فرمان خداوند پادشاه شکوهمند در سپیده‌دم با خبرهای فرود آمده و رهنمایی‌های آشکار خدمتشان می‌رسد. ایشان اهل بیتی هستند

که خداوند به شرافت خویش آنان را گرامی داشت و با کرامتش به آنان شرافت بخشید و با هدایت ایشان را عزیز گرداند و با وحی استوارشان فرمود و ایشان را امامان هدایت و نوری برای نجات در ظلمت قرار داد و برای دینش ایشان را مخصوص گردانید و با علمش برتری داد و چیزی به آنان عطا کرد که به هیچ یک از جهانیان عطا نکرد و ایشان را ستونی برای دینش و امانتگاهی برای اسرار نهانش و امانتدارانی برای وحی‌اش در میان آفریدگانش و گواهانی بر خلقش قرار داد. ایشان مایهٔ نجات و نزدیکی و بهترین کریمان و قضاوت‌کنندگان حکمران و ستارگان نشان‌دار و صراط مستقیم و راه استوارند. هر که از ایشان روی گرداند، گمراه شود و هر که به ایشان دست نیابد، نابود شود و هر که به ایشان بپیوندد، به هنگام می رسد.

ایشان نور خدا در قلوب مؤمنان و دریاهای شیرین برای نوشندگان‌اند. کسی که به سویشان پناه جست، ایمنی یافت و کسی که به ایشان تمسّک جست، امنیت یافت. سوی خدا دعوت می‌کنند و برای او تسلیم می‌شوند و به امر او عمل می‌کنند و به بیّنات او حکم می‌کنند.

از میان آنان خدا رسولش را برانگیخت و بر ایشان فرشتگانش را فرود آورد و در میان ایشان آرامشش را نازل فرمود. جبرئیل سوی ایشان برانگیخته شد و این منّتی از سوی خداوند بر آن‌هاست که ایشان را به آن برتری بخشید و مخصو[ص] گردانید. پرهیزکاریشان را او به ایشان عطا کرد و با حکمت قدرتشان بخشید، ایشان شاخه‌های پاک و ریشه‌های خجسته‌اند. در جایگاه رحمت جای گرفته‌اند و خزانه‌داران دانش‌اند و صاحبان پرهیزکاری و امر و نهی‌اند. آنان نور و روشنی، وارثان انبیا و باقی‌مانده اوصیایند.

مِنهُمْ الطَّیِّبُ ذِکرُهُ، الْمُبارَکُ اسمُهُ مُحَمَّدُ ﷺ الْمصطَفی وَالمُرتَضی وَرَسُولُهُ الأُمِّیُّ.

وَ مِنهُم المَلِکُ الأَزهَرُ وَ الأَسَدُ المْرسَلُ حَمزَةُبنُ عَبدِ الْمُطِّلِبِ.

وَ مِنهُم الْمُستَسقَی بِهِ یَومَ الرَّمَادَةِ العَبَّاسُبنُ عَبدِالمُطَّلِبِ عَمُّ رَسُولِ اللهِ وَ صِنوُ أَبِیهِ.

وَ مِنهُم جَعفَرُ ذُوالجَناحَينِ وَ القِبلَتَينِ وَ الهِجرَتَينِ وَ البيعَتَينِ مِنَ الشَّجَرَةِ المُبارَكَةِ صَحِيحُ الأَدِيمِ وَضّاحُ البرهَانِ.

وَ مِنهُم حَبِيبُ مُحَمَّدٍ ﷺ وَ أَخُوهُ وَ المُبَلِّغُ عَنهُ مِن بَعدِهِ البرهَانَ وَ التَّأوِيلَ وَ مُحكَمَ التَّفسِيرِ أَمِيرُ المُؤمِنِينَ وَ وَلِيُّ المُؤمِنِينَ وَ وَصِيُّ رَسُولِ رَبِّ العَالَمِينَ عَلِيُّ بنُ أَبِي طالِبٍ عَلَيهِ مِنَ اللهِ الصَّلَوَاتُ الزَّكِيَّةُ وَ البَرَكَاتُ السَّنِيَّةُ.

هَؤُلاءِ الَّذِينَ افتَرَضَ اللهُ مَوَدَّتَهُم وَ وَلايَتَهُم عَلَى كُلِّ مُسلِمٍ وَ مُسلِمَةٍ فَقَالَ فِي مُحكَمِ كِتَابِهِ لِنَبِيِّهِ: ﴿ **قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلاَّ الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبىٰ وَ مَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللهَ غَفُورٌ شَكُورٌ** ﴾

قَالَ أَبُو جَعفَرٍ مُحَمَّدُ بنُ عَلِيٍّ ؑ: إِقتِرَافُ الحَسَنَةِ حُبُّنَا أَهلَ البَيتِ.

او که یادش پاک و نامش خجسته است، حضرت محمّد ﷺ همان برگزیده و خشنودشده و رسول امّی خداوند از ایشان است و آن پادشاه درخشنده و شیر فرستاده شده، حمزه پسر عبدالمطلب از ایشان است و آن‌که در روز خاکستر از او آب خواهند، عباس پسر عبدالمطلب و عموی رسول خدا و همزاد پدرش از ایشان است و جعفر صاحب دو بال و دو قبله و دو هجرت و دو بیعت از شمار درخت، روشن‌روان و روشنگر برهان‌های آشکار از ایشان است و یار محمّد ﷺ و برادر او که پس از او از سوی او برهان و تأویل و تفسیر محکم را تبلیغ می‌کند، امیرمؤمنان و ولیّ مؤمنان و وصیّ رسول پروردگار جهانیان علی بن ابی طالب که درودهای پاک و فزونی‌های ارجمند از سوی خداوند بر او باد، از ایشان است. آنان‌اند که خداوند دوستی و ولایتشان را بر هر مرد و زن مسلمانی واجب ساخت و در آیات محکم کتابش به پیامبرش فرمود: «بگو از شما دربارهٔ آن (تبلیغ رسالت) هیچ مزدی نمی‌خواهم جز دوستی دربارهٔ خویشاوندان.»

امام محمّد باقر ؑ فرمود: پیروی از حسنه حبّ ما اهل بیت است.

۳۵۳. حَدَّثَنا أَيُّوبُ بنُ عَلِيِّ بنِ الحُسَينِ بنِ سِمطٍ قَالَ: سَمِعتُ أَبِی يَقُولُ: سَمِعتُ عَلِيَّ بنَ أَبِی طالِبٍ علیه السلام يَقُولُ: سَمِعتُ رَسُولَ اللهِ صلی الله علیه و آله يَقُولُ: لَمَّا نَزَلَتِ الآيَةُ: ﴿ **قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبىٰ** ﴾ قَالَ جَبرَئِيلُ علیه السلام: يَا مُحَمَّدُ إِنَّ لِكُلِّ دِينٍ أَصلاً وَ دِعَامَةً وَ فَرعًا وَ بُنيَانًا وَ إِنَّ أَصلَ الدِّينِ وَ دِعَامَتَهُ قَولُ لَا اِلَهَ إِلَّا اللهُ وَ إِنَّ لِكُلِّ دِينٍ أَصلاً وَ دِعَامَةً وَ فَرعًا وَ بُنيَانًا وَ إِنَّ أَصلَ الدِّينِ وَ دِعَامَتَهُ قَولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَ إِنَّ فَرعَهُ وَ بُنيَانَهُ مَحَبَّتُكُم أَهلَ البَيتِ فِيمَا وَافَقَ الحَقَّ وَ دَعَا إِلَيهِ.

ایوب بن علی بن حسین بن سمط گفت: از پدرم شنیدم که می‌گفت: از حضرت علی علیه السلام شنیدم که فرمود: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: زمانی که نازل شد: «بگو از شما دربارهٔ آن (تبلیغ رسالت) هیچ مزدی نمی‌خواهم جز دوستی دربارهٔ خویشاوندان»، جبرئیل گفت: ای محمّد! همانا برای هر دینی اصل و پایه‌ای و نیز فرع و بنیانی است. اصل دین و ستون آن گفتن لا اله الا الله است و فرع و بنیان آن محبت شما اهل بیت است، در آن‌چه با حقّ موافق است و سوی آن فرا می‌خواند.

۳۵۴. عَن مُحَمَّدِ بنِ مُسلِمٍ: عَن أَبِی جَعفَرٍ علیه السلام قَالَ: مَا بَعَثَ اللهُ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا قَالَ لِقَومِهِ: ﴿ **قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبىٰ** ﴾ قَالَ: ثُمَّ قَالَ: أَمَا رَأَيتَ الرَّجُلَ يَوَدُّ الرَّجُلَ ثُمَّ لَا يَوَدُّ قَرَابَتَهُ فَيَكُونُ فِی نَفسِهِ عَلَيهِ شَیءٌ فَأَحَبَّ اللهُ إِن أَخَذُوهُ أَخَذُوهُ مَفرُوضًا وَ إِن تَرَكُوهُ تَرَكُوهُ مَفرُوضًا.

قَالَ: قُلتُ: قَولُهُ: ﴿ **وَ مَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا** ﴾ قَالَ: هُوَ التَّسلِيمُ لَنَا وَ الصِّدقُ فِينَا وَ أَن لَا يَكذِبَ عَلَينَا.

محمّد بن مسلم گفت: امام محمّد باقر علیه السلام فرمود: خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرد جز آن‌که به قومش فرمود: «بگو، از شما برای آن (تبلیغ رسالت) هیچ مزدی نمی‌خواهم، جز دوستی دربارهٔ خویشاوندان [نزدیکم].» عرض کردم: کلام حق تعالی «و هر کس حسنه‌ای کسب کند برایش در آن

(حسنه) زیبایی و نیکویی می‌افزاییم» چه؟ فرمود: آن تسلیم بودن برای ماست و تصدیق کردن ماست و این‌که ما را تکذیب نکنند.

۳۵۵. حَدَّثَنِی عَلِیُّبنُ حَسَّانَ عَن عَمِّهِ عَبدِالرَّحمَانِبنِ کَثِیرٍ: عَن أَبِی جَعفَرٍ علیه‌السلام قَولُهُ تَعالَی: ﴿ قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلاَّ الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبىٰ ﴾ ثُمَّ أَنَّ جَبرَئِیلَ علیه‌السلام أَتَاهُ فَقَالَ: یا مُحَمَّدُ إِنَّكَ قَد قَضَیتَ نُبُوَّتَكَ وَ أَستَکمَلتَ أَیَّامَكَ فَاجعَلِ الإِسمَ الأَکبَرَ وَ مِیرَاثَ العِلمِ وَ آثَارَ عِلمِ النُّبُوَّةِ عِندَ عَلِیٍّ، وَ إِنِّی لَا أَترُكُ الأَرضَ إِلَّا وَ فِیهَا عَالِمٌ یُعرَفُ بِهِ طَاعَتِی وَ یُعرَفُ بِهِ وَلَایَتِی وَ یَکُونُ حُجَّةً لِمَن وُلِدَ فِیمَا یَتَرَبَّصُ النَّبِیُّ إِلَی خُرُوجِ النَّبِیِّ الآخَرِ، فَأَوصَی إِلَیهِ بِالإِسمِ وَ هُوَ مِیرَاثُ العِلمِ وَ آثارُ عِلمِ النُّبُوَّةِ، وَ أَوصَی إِلَیهِ بِأَلفِ بَابٍ یُفتَحُ لِکُلِّ بَابٍ أَلفُ بَابٍ وَ کُلُّ کَلِمَةٍ أَلفُ کَلِمَةٍ، وَ مَرِضَ یَومَ الإِثنَینِ وَ قَالَ: یَا عَلِیُّ لَا تَخرُج ثَلَاثَةَ أَیَّامٍ حَتَّی تُؤَلِّفَ کِتَابَ اللهِ کَی لَایَزِیدَ فِیهِ الشَّیطَانُ شَیئًا وَ لَا یَنقُصَ مِنهُ شَیئًا فَإِنَّكَ فِی ضِدِّ سُنَّةِ وَصِیِّ سُلَیمَانَ عَلَیهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ. فَلَم یَضَع عَلِیٌّ رِدَاءَهُ عَلَی ظَهرِهِ حَتَّی جَمَعَ القُرآنَ فَلَم یَزِد فِیهِ الشَّیطَانُ شَیئًا وَ لَم یَنقُص مِنهُ شَیئًا.

علی بن حسان از عمویش عبدالرحمان‌بن کثیر روایت کرده است که امام محمّد باقر علیه‌السلام دربارهٔ کلام خداوند متعال «بگو از شما دربارهٔ آن (تبلیغ رسالت) هیچ مزدی نمی‌خواهم جز دوستی دربارهٔ خویشاوندان» فرمود: سپس جبرئیل خدمت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله رسید و فرمود: ای محمّد! همانا نبوّت تو به پایان رسید و روزگارت از تو درگذشت، پس اسم اکبر و میراث علم و آثار علم نبوّت را نزد علی علیه‌السلام بگذار؛ چراکه من زمین را وانمی‌گذارم جز آن‌که در آن دانایی باشد که با او طاعت من دانسته می‌شود و با او ولایت من شناخته می‌شود و در زمانی که پیامبری در انتظار بیرون آمدن پیامبری دیگر است، او برای آن‌که زاده می‌شود، حجّت باشد. این‌گونه پیامبر اسم را که همان میراث علم و آثار علم نبوّت بود، نزد او به وصایت سپرد و هزار باب را که برای هر بابش هزار باب گشوده می‌شد و هر کلمه‌ای از آن هزار کلمه بود، نزدش به

وصایت سپرد و پس از آن در روز دوشنبه بیمار شد. آنگاه فرمود: ای علی! سه روز بیرون مرو تا کتاب خدا را گردآوری تا شیطان چیزی به آن نیفزاید و چیزی از آن نکاهد؛ چه تو بر سنّت وصیّ سلیمان ؛ نیستی. این شد که علی ؛ ردا بر پشت خویش نینداخت تا آنکه قران را گرد آورد و این‌گونه شیطان چیزی به آن نیفزود و چیزی از آن نکاست.

(سورهٔ شوری، آیهٔ ۴۱ ـ ۴۲)

﴿ وَ لَمَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولٰئِكَ مٰا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبيلٍ * إِنَّمَا السَّبيلُ عَلَى الَّذينَ يَظْلِمُونَ النّٰاسَ وَ يَبْغُونَ فِي الأَرضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ ﴾

و هر کس پس از مظلوم واقع شدنش انتقام گیرد، چنین کسانی هیچ راهی بر [سرزنش] آنان نیست. راه [سرزنش] تنها بر کسانی است که به مردم ستم می‌کنند و به ناحق در زمین سرکشی می‌نمایند.

۳۵۶. عَن جَابِرٍ: عَن أَبی جَعفَرٍ ؛ فِی قَولِهِ: ﴿ **وَ لَمَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ** ﴾ قَالَ: القَائِمُ وَ أَصحَابُهُ قَالَ اللهُ تَعَالَی: ﴿ **فَأُولٰئِكَ مٰا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبيلٍ** ﴾ قَالَ: القَائِمُ إِذَا قَامَ انتَصَرَ مِن بَنِی أُمَيَّةَ وَ المُكَذِّبِينَ وَ النُّصَّابَ وَ هُوَ قَولُهُ ﴿ **إِنَّمَا السَّبيلُ عَلَى الَّذينَ يَظْلِمُونَ النّٰاسَ وَ يَبْغُونَ فِي الأَرضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ** ﴾.

جابر گفت: امام محمّد باقر ؛ فرمود: «و هر کس پس از مظلوم واقع شدنش انتقام گیرد» حضرت حجّت ؛ و یارانش، خداوند متعال فرمود: «چنین کسانی هیچ راهی بر سرزنش آنان نیست.» منظور، حضرت قائم ؛ است زمانی‌که قیام می‌کند و از بنی‌امیّه و تکذیب‌کنندگان و ناصبی‌ها انتقام می‌گیرد و این کلام خداوند است که فرمود: «راه سرزنش تنها بر کسانی است که به مردم ستم می‌کنند و به ناحق در زمین سرکشی می‌نمایند.»

(سورهٔ شوری، آیهٔ ۵۲)

﴿ وَ إِنَّكَ لَتَهْدِي إِلىٰ صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴾

و به راستی تو به راهی راست هدایت می‌کنی.

۳۵۷. عَن زَيدِبنِ عَلِيٍّ عليه السلام فِی قَولِهِ: ﴿ وَ إِنَّكَ لَتَهْدِي إِلىٰ صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴾ فَقالَ: هَدَاهُم وَ رَبِّ الكَعبَةِ إِلَى عَلِيِّ‌بنِ أَبِی‌طالِبٍ عليه السلام اهتَدَى بِهِ مَنِ اهتَدَى وَ ضَلَّ عَنهُ مَن ضَلَّ.

زیدبن علی دربارهٔ کلام حق تعالی «و به راستی تو به راهی راست هدایت می‌کنی» گفت: به پروردگار کعبه سوگند، آنان را به سوی علی بن ابی‌طالب عليه السلام هدایت می‌کند. هر که هدایت شود، با او هدایت شده و هر که گمراه شود، از او گمراه شده است.

وَ مِن سُورةِ الزُّخرُفِ

(سورهٔ زخرف، آیهٔ ۱۹)

﴿ وَ جَعَلُوا الْمَلٰائِكَةَ الَّذينَ هُمْ عِبٰادُ الرَّحْمٰنِ إِنٰاثًا أَ شَهِدُوا خَلْقَهُمْ سَتُكْتَبُ شَهٰادَتُهُمْ وَ يُسْئَلُونَ ﴾

و فرشتگان را كه خود بندگان [خداوند] رحمان‌اند دخترانی پنداشتند، آيا شاهد آفرينش آنان بوده‌اند؟! به زودی شهادت آن‌ها نوشته می‌شود و بازخواست می‌شوند.

۳۵۸. عَن سَلمَانِ الفَارِسِيِّ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ فِي كَلامٍ ذَكَرَهُ فِي عَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فَقَالَ: وَ اللهِ يَا سَلمَانُ لَقَد حَدَّثَنِي بِمَا أُخبِرُكَ بِهِ قَالَ فِي ذِكرِهِ: يَا عَلِيُّ قَالَ اللهُ تَعَالَى: **﴿ وَ جَعَلُوا الْمَلٰائِكَةَ الَّذينَ هُمْ عِبٰادُ الرَّحْمٰنِ إِنٰاثًا أَ شَهِدُوا خَلْقَهُمْ سَتُكْتَبُ شَهٰادَتُهُمْ وَ يُسْئَلُونَ ﴾** حَتَّى يُسَلِّمُوا عَلَيكَ ثُمَّ يُحيُوكَ بِتَحِيَّةِ الكِرَامِ وَ يُلقِي اللهُ عَلَيكَ المَحَبَّةَ العُظمَى وَ لَا يَبقَى لِلّٰهِ مَلَكٌ وَ لَا رَسُولٌ وَ لَا نَبِيٌّ وَ لَا مُؤمِنٌ وَ لَا شَجَرَةٌ وَ لَا شَيءٌ مِمَّا خَلَقَ الرَّحمَانُ إِلَّا أُحِبُّكَ. فِي كَلامٍ ذَكَرَهُ.

سلمان فارسی گفت: رسول ﷺ در مورد ذكر علی عليه السلام فرمود: به خدا قسم، ای سلمان! خبر می‌دهم تو را به آن‌چه كه مرا به آن باخبر ساختند (در مورد ذكر علی): ای علی! خدای تعالی فرمود: «و فرشتگان را كه خود بندگان [خداوند]

رحمان‌اند دخترانی پنداشتند. آیا شاهد آفرینش آن‌ها بوده‌اند؟ به زودی شهادت آن‌ها نوشته می‌شود و بازخواست می‌شوند.» تا این‌که در مورد تو تسلیم می‌شوند سپس به تحیّت بزرگی تو را تحیّت می‌دهند و خداوند بر تو محبت بزرگی قرار می‌دهد و برای خدا ملک و یا رسول و نبیّ و نه مؤمن و نه درخت و نه چیزی از آن‌چه رحمان خلق کرده باقی نمی‌ماند مگر آن‌که تو را دوست می‌دارد (در کلام ذکر او).

(سورۀ زخرف، آیۀ ۴۱ ـ ۴۲)

﴿ فَإِمّٰا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَإِنّٰا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ * أَوْ نُرِيَنَّكَ الَّذي وَعَدْنٰاهُمْ فَإِنّٰا عَلَيْهِمْ مُقْتَدِرُونَ ﴾

پس اگر تو را [از میان آنان] ببریم، مسلّماً از آنان انتقام می‌گیریم. یا آن‌چه را به آنان [از عذاب] وعده داده‌ایم، به تو نشان می‌دهیم، به راستی ما بر آنان توانائیم.

۳۵۹. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ فِي قَولِهِ تَعالَى: ﴿ فَإِمّٰا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَإِنّٰا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ ﴾ قالَ: بِعَلِيٍّ عليه السلام.

ابن عباس دربارۀ کلام خداوند متعال گفت: «پس اگر تو را [از میان آنان] ببریم، مسلّماً از آنان انتقام می‌گیریم.» به دست علی عليه السلام.

(سورۀ زخرف، آیۀ ۵۷ ـ ۵۹)

﴿ وَ لَمّٰا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلاً إِذٰا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ * وَ قٰالُوا ءَ آلِهَتُنٰا خَيْرٌ أَمْ هُوَ مٰا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلاّٰ جَدَلاً بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ * إِنْ هُوَ إِلاّٰ عَبْدٌ أَنْعَمْنٰا عَلَيْهِ وَ جَعَلْنٰاهُ مَثَلاً لِبَني إِسْرٰائيلَ ﴾

و هنگامی‌که به پسر مریم مَثَل زده شد، آن‌گاه قوم تو از آن [مَثَل به خنده و مسخره] بانگ برآوردند و گفتند: «آیا خدایان ما بهترند یا او؟» و این

[مَثَل] را جز برای جدل با تو نزدند، بلکه آنان مردمی ستیزه گرند. او (عیسی) نیست مگر بنده‌ای که به او نعمت دادیم و او را برای بنی‌اسرائیل نمونه و مَثَلی قرار دادیم.

۳۶۰. عَن رَبیعَةَ بنِ ناجِذٍ قالَ: سَمِعتُ أَمیرَ المُؤمِنینَ عَلِیَّ بنَ أَبی‌طالِبٍ علیه السلام یَقولُ: فِیَّ نَزَلَت هٰذِهِ الآیَةُ: ﴿ وَ لَمّا ضُرِبَ ابنُ مَریَمَ مَثَلاً إِذا قَومُكَ مِنهُ یَصِدُّونَ ﴾.

ربیعة‌بن ناجذ گفت: از امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام شنیدم که فرمود: این آیه دربارهٔ من نازل شد: «و هنگامی که به پسر مریم مثل زده شد، آن‌گاه قوم تو از آن مثل بانگ برآوردند.»

۳۶۱. عَن رَبیعَةَ بنِ ناجِذٍ عَن عَلِیٍّ علیه السلام قالَ: قالَ رَسولُ اللهِ صلی الله علیه و آله: یا عَلِیُّ إِنَّ فیكَ مَثَلاً مِن عیسَی بنِ مَریَمَ إِنَّ الیَهودَ أَبغَضوهُ حَتّی بَهَتوهُ وَ إِنَّ النَّصاری أَحَبّوهُ حَتّی جَعَلوهُ إِلٰهاً، وَ یَهلَكُ فیكَ رَجُلانِ: مُحِبٌّ مُفرِطٌ وَ مُبغِضٌ مُفتَرٍ. قالَ المُنافِقونَ ما قالوا ما رَفَعَ بِضَبعِ ابنِ عَمِّهِ، جَعَلَهُ مَثَلاً لِعیسَی بنِ مَریَمَ علیه السلام وَ کَیفَ یَکونُ هٰذا؟! وَ ضَجّوا ما قالوا. فَأَنزَلَ اللهُ ﴿ وَ لَمّا ضُرِبَ ابنُ مَریَمَ مَثَلاً إِذا قَومُكَ مِنهُ یَصِدُّونَ ﴾ قالَ: یَضِجّونَ. قالَ: وَ فی قِراءَةِ أُبَیٍّ یَضِجّونَ.

ربیعة بن ناجذ گفت: حضرت علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای علی! مثل تو همچون عیسی‌بن مریم است که یهودیان با او چنان دشمنی کردند که به او بهتان زدند و نصرانیان او را چنان دوست داشتند که او را خدا قرار دادند. در مورد تو نیز دو گروه به هلاکت می‌رسند: کسی که در دوستی تو افراط می‌ورزد و دشمنی که به تو افترا می‌بندد. پس از آن منافقان گفتند: دست پسرعمویش را بالا برد و او را مثالی برای عیسی‌بن مریم علیه السلام قرار داد؛ چگونه این ممکن است؟! و آن‌چه را گفتند، فریاد برآوردند. آن‌گاه خداوند نازل فرمود: «و هنگامی که به پسر مریم مثل زده شد، آن‌گاه قوم تو از آن بانگ برآوردند» فریاد برآوردند. و در قرائت ابن کعب فریاد برآوردند آمده است.

۳۶۲. عَنِ الحارثِ بنِ حُضَیرَةَ عَن أَبی صَادِقٍ عَنِ القَاسِمِ ـ وَ أَحسَبُهُ ابن جُندَبٍ ـ قَالَ: بَعَثَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله عَلِیَّ بنَ أَبی طالِبٍ علیه السلام إِلَی شِعبٍ فَأَعظَمَ فِیهِ النَّبأَ فَأَتَاهُ جَبرَئِیلُ علیه السلام فَأَخبَرَهُ عَنهُ فَلَمَّا رَجَعَ قَامَ إِلَیهِ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله فَقَبَّلَهُ وَ جَعَلَ یَمسَحُ عَرَقَ وَجهِ عَلِیٍّ بِوَجهِهِ وَ هُوَ یَقُولُ: قَد بَلَغَنِی نَبَاؤُكَ وَ الَّذِی صَنَعتَ فَأَنَا عَنكَ رَاضٍ. قَالَ: فَبَکَی عَلِیٌّ علیه السلام فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله: مَا یُبکِیكَ یَا عَلِیُّ أَفَرَحٌ أَم حَزَنٌ؟ قَالَ: وَ مَا لِی إِن لَا أَفرَحُ وَ أَنتَ تُخبِرُنِی یَا رَسُولَ اللهِ إِنَّكَ عَنِّی رَاضٍ. قَالَ النَّبِیُّ: إِنَّ اللهَ وَ مَلَائِکَتَهُ وَ جَبرَئِیلَ وَ مِیکَائِیلَ عَنكَ رَاضُونَ، أَمَّا وَ اللهِ لَو لَا أَن یَقُولَ فِیكَ طَوَائِفُ مِن أُمَّتِی مَا قَالَتِ النَّصَارَی فِی عِیسَی بنِ مَریَمَ لَقُلتُ الیَومَ فِیكَ مَقَالًا لَا تَمُرُّ بِمَلَإٍ مِنهُم قَلُّوا أَو کَثُرُوا إِلَّا قَامُوا إِلَیكَ یَأخُذُونَ التُّرَابَ مِن تَحتِ قَدَمَیكَ یَلتَمِسُونَ بِذَلِكَ البَرَکَةَ. قَالَ: فَقَالَ قُرَیشٌ: أَمَا رَضِیَ حَتَّی جَعَلَهُ مَثَلًا لِابنِ مَریَمَ؟! فَأَنزَلَ اللهُ تَعَالَی: ﴿**وَ لَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلاً إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ**﴾ قَالَ: یَضِجُّونَ ﴿**إِنْ هُوَ إِلاَّ عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَ جَعَلْنَاهُ مَثَلاً لِبَنِي إِسْرَائِيلَ**﴾.

حارث بن حضیره از ابی‌صادق از قول قاسم ـ گویا ابن جندب ـ گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله حضرت علی علیه السلام را سوی قبیله‌ای بزرگ فرستاد و او در آنجا کاری بزرگ کرد. آنگاه جبرئیل نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و ایشان را از آنجا باخبر ساخت. چون حضرت علی علیه السلام بازگشت، رسول خدا صلی الله علیه و آله سویش برخاست و او را بوسید و عرق چهره‌اش را با چهرهٔ خود پاک کرد و فرمود: خبر تو و کاری که کردی به من رسید، به راستی که من از تو خشنودم. ناگاه حضرت علی علیه السلام گریست. پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: چه چیز تو را گریاند؛ شادی یا اندوه؟ فرمود: چرا شادمان نشوم حال آنکه شما ای رسول خدا مرا خبر دادید که از من خشنود هستید. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند و فرشتگان او و جبرئیل و میکائیل از تو خشنودند، امّا به خدا سوگند اگر نبود که گروهی از امّت من دربارهٔ تو چونان گویند که نصرانیان دربارهٔ عیسی بن مریم گفتند، هر آینه امروز سخنی

درباره‌ات می‌گفتم که هر گاه بر جمعیّتی از آنان گذر کردی، کم باشند یا زیاد، سوی تو برخیزند و خاک از زیر پایت برگیرند و از آن برکت جویند. آن‌گاه قریشیان گفتند: آیا راضی نشد تا آن‌که او را مثالی برای عیسی‌بن مریم علیه السلام قرار داد؟ در آن دم خداوند متعال نازل فرمود: «و هنگامی‌که به پسر مریم مثل زده شد، آن‌گاه قوم تو از آن بانگ برآوردند.» فریاد برآوردند، «او نیست مگر بنده‌ای که به او نعمت دادیم و او را برای بنی‌اسرائیل نمونه و مَثَلی قرار دادیم».

۳۶۳. الجُعفِيُّ قالَ: حَدَّثَنِي أَحمَدُبنُ سُلَيمانَ الفَرقَسانِي قالَ لَنا ابنُ المُبارَكِ الصُّورِيُّ لِمَ قالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله لِأَبِي‌ذَرٍ ما أَقَلَّتِ الغَبراءُ وَ لا أَظَلَّتِ الخَضراءُ عَلى ذِي لَهجَةٍ أَصدَقَ مِن أَبِي‌ذَرٍ أَلَم يَكُنِ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله أَصدَقَ؟ قالَ: بَلى. قالَ: فَمَا القِصَّةُ يا أَبا عَبدِ اللهِ فِي ذَلِكَ قالَ عليه السلام: كانَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله فِي نَفَرٍ مِن قُرَيشٍ إذ قالَ: يَطلَعُ عَلَيكُم مِن هذَا الفَجِّ رَجُلٌ يُشبِهُ عِيسَى‌بنِ مَريَمَ فَاستَشرَفَت فاستَشرَقَ قُرَيشٌ لِلمَوضِعِ فَلَم يَطلِّع أَحَدٌ وَ قامَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله لِبعضِ حاجَتِهِ إذ طَلَعَ مِن ذلِكَ الفَجُّ عَلِيُّ‌بنُ أَبِي‌طالِبٍ عليه السلام فَلَمَّا رَأَوهُ قالُوا: الإِرتِدادُ وَ عِبادَةُ الأَوثانِ أَيسَرُ عَلَينا مِمَّا يَشبهُ ابنَ عَمِّهِ بِنَبِيٍّ. فَقالَ أَبُوذَرٍ: يا رَسُولَ اللهِ أَنَّهم قالُوا كَذا وَ كَذا فَقالُوا بِأَجمَعِهِم كَذِبٌ وَ حَلَّفُوا عَلَى ذلِكَ، فَوَجَدَ رَسُولُ اللهِ عَلَى أَبِي‌ذَرٍ فَما بَرِحَ حَتَّى نَزَلَ عَلَيهِ الوَحيُ: **﴿وَ لَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلاً إِذا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ﴾** قالَ: يَضِجُّونَ **﴿وَ قالُوا ءَ آلِهَتُنا خَيْرٌ أَمْ هُوَ ما ضَرَبُوهُ لَكَ إِلاَّ جَدَلاً بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ * إِنْ هُوَ إِلاَّ عَبْدٌ أَنْعَمْنا عَلَيْهِ وَ جَعَلْناهُ مَثَلاً لِبَنِي إِسْرائِيلَ﴾** فَقالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: ما أَظَلَّتِ الخَضراءُ وَ لا أَقَلَّتِ الغَبراءُ عَلَى ذِي لَهجَةٍ أَصدَقَ مِن أَبِي‌ذَرٍ.

جعفی از احمدبن سلیمان فرقسانی از پسر مبارک صوری روایت کرده است که وی از امام جعفر صادق علیه السلام پرسید: چرا پیامبر صلی الله علیه وآله به ابوذر فرمود: زمین خاکی و آسمان سبز کسی را که زبانی راستگوتر از ابوذر داشته باشد، به خود ندیده است؛ آیا پیامبر راستگوتر از او نبود؟ فرمود: آری. عرض کرد: پس

قصّه چیست؟ فرمود: پیامبر ﷺ در میان چند تن از قریشیان بود که ناگاه فرمود: از این گذرگاه مردی سوی شما سر می‌رسد که به عیسی‌بن مریم ﷺ می‌ماند. قریشیان سوی آن جایگاه به دوردست نگریستند، امّا هیچ کس سر نرسید. سپس پیامبر ﷺ برخاست و در پی کاری رفت. ناگاه از آن گذرگاه علی بن ابی‌طالب ﷺ سر رسید. چون قریشیان او را دیدند، گفتند: بیرون شدن از دین و پرستش بت‌ها بر ما آسان‌تر است از این‌که او پسرعموی خود را به پیامبری تشبیه کرد. پس از آن ابوذر عرض کرد: ای رسول خدا! آنان چنین و چنان گفتند و گفتند که این دروغ است و بر این سخن سوگند خوردند. در آن دم رسول خدا از ابوذر دلگیر شد، امّا دیری نپایید که وحی بر ایشان نازل شد: «و هنگامی که بر پسر مریم مثل زده شد، آن‌گاه قوم تو از آن بانگ برآوردند.» فریاد برآوردند «و گفتند: آیا خدایان ما بهترند یا او؟ و این [مَثَل] را جز برای جدل با تو نزدند، بلکه آنان مردمی ستیزه گرند. او نیست مگر بنده‌ای که به او نعمت دادیم و او را برای بنی‌اسرائیل نمونه و مَثَلی قرار دادیم.» در آن هنگام رسول خدا ﷺ فرمود: زمین خاکی و آسمان سبز کسی را که زبانی راستگوتر از ابوذر داشته باشد، به خود ندیده است.

(سورهٔ زخرف، آیهٔ ۶۸ ـ ۷۰)

﴿ يٰا عِبٰادِ لاٰ خَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَ لاٰ أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ * الَّذينَ آمَنُوا بِآيٰاتِنٰا وَ كٰانُوا مُسْلِمينَ * ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوٰاجُكُمْ تُحْبَرُونَ ﴾

ای بندگان من! امروز نه بیمی بر شماست و نه اندوهگین می‌شوید. کسانی که به آیات ما ایمان آوردند و [در برابر فرمان حق] تسلیم بودند، [به آنان گفته می‌شود:] شما و همسرانتان در حالی‌که مسرورید [یا گرامی داشته شده‌اید] به بهشت درآیید.

۳۶۴. حَدَّثَنا عَبدُ اللهِ‌بنِ الفَضلِ الثَّورِيِّ عَن جعفرٍ عَن أَبيهِ ﷺ قالَ: يُنادِي مُنادٍ يَومَ القِيامَةِ:

أَینَ الْمُحِبُّونَ لِعَلِیٍّ؟ فَیَقُومُونَ مِن کُلِّ فَجٍّ عَمِیقٍ فَیُقَالُ لَهُم: مَن أَنتُم؟ قَالُوا: نَحنُ الْمُحِبُّونَ لِعَلِیٍّ الخَالِصُونَ لَهُ حُبًّا. قَالَ: فَتُشرِکُونَ فِی حُبِّهِ أَحَدًا مِنَ النَّاسِ؟ فَیَقُولُونَ: لَا. فَیُقالُ لَهُم: ﴿ **ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَ أَزْواجُکُمْ تُحْبَرُونَ** ﴾.

عبد اللهبن فضل ثوری گفت: امام جعفر صادق علیه السلام از قول پدرش علیه السلام فرمود: در روز قیامت ندادهنده‌ای ندا سر می‌دهد: کجایند دوستداران علی علیه السلام؟ دز آن دم آنان از گذرگاه‌هایی ژرف به پا می‌خیزند. به آنان گفته شود: شما کیستید؟ گویند: ما دوستداران علی علیه السلام هستیم که در دوست داشتن او بی ریا بوده‌ایم. به آنان گفته شود: آیا هیچ کس از مردم را در دوست داشتن او شریک قرار دادید؟ گویند: خیر. به آنان گفته شود: «شما و همسرانتان در حالی که مسرورید [یا گرامی داشته شده‌اید] به بهشت درآیید.»

۳۶۵. حَدَّثَنا أَحمَدُبنُ السَّعِیدِ الأَنَماطِیِّ عَن عَبدِ اللهِبنِ الحُسَینِ عَن أَبِیهِ عَن جَدِّهِ عَن أَمِیرِ المُؤمِنِینَ عَلِیِّبنِ أَبی طالِبٍ علیه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله: یَا عَلِیُّ کَذَبَ مَن زَعَمَ أَنَّهُ یُحِبُّنِی وَ یُبغِضُكَ، یا عَلِیُّ أَنَّهُ إِذاکَانَ یومُ القِیامَةِ نَادَی مُنادٍ مِن بَطنَانِ العَرشِ: أَینَ مُحِبُّو عَلِیٍّ وَ مَن یُحِبُّهُ؟ أَینَ المُتَحَابُّونَ فِی اللهِ؟ أَینَ المُتَبَاذِلُونَ فِی اللهِ؟ أَینَ المُؤثِرُونَ عَلَی أَنفُسِهِم؟ أَینَ الَّذِینَ جَفَّت أَلسِنَتُهُم مِنَ العَطَشِ؟ أَینَ الَّذِینَ یُصَلُّونَ فِی اللَّیلِ وَالنَّاسُ نِیَامٌ؟ أَینَ الَّذِینَ یَبکُونَ مِن خَشیَةِ اللهِ ﴿ **لا خَوْفٌ عَلَیْکُمُ الْیَوْمَ وَ لا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ** ﴾ أَینَ رُفَقَاءُ النَّبِیِّ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله آمِنُوا وَقَرُّوا عَینًا ﴿ **ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْواجُکُمْ تُحْبَرُونَ** ﴾.

احمدبن سعید انماطی از عبد اللهبن حسین از پدرش از جدّش از امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام روایت کرده است که ایشان فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای علی! دروغ گفت آن کس که پنداشت مرا دوست می‌دارد و حال آنکه با تو دشمن است. ای علی! چون روز قیامت فرا رسد، ندادهنده‌ای از دو سوی عرش ندا سر می‌دهد: کجایند دوستداران علی علیه السلام و چه کسی او را دوست

می‌دارد؟ کجایند عشق‌ورزان با خدا؟ کجایند پاک‌بازان برای خدا؟ کجایند از خودگذشتگان؟ کجایند آنان که لب‌هاشان از تشنگی خشکید؟ کجایند نمازگزاران در شب به آن‌گاه که مردمان در خواب‌اند؟ کجایند آنان که از ترس خدا گریان‌اند؟ «امروز نه بیمی بر شماست و نه اندوهگین می‌شوید.» کجایند دوستان محمّد پیامبر ﷺ؟ در امان باشید و چشمتان روشن باد! «شما و همسرانتان در حالی‌که مسرورید به بهشت درآیید.»

۳۶۶. عَن عَمرِوبنِ جَابِرٍ عَن أَبِی جَعفَرٍ ؑ قَالَ: إِذَا کَانَ یَومُ القِیَامَةِ نَادَی مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ: أَینَ عَلِیُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ؟ قَالَ: فَأَقُومُ، فَیَقالُ لی: أَنتَ عَلِیٌّ؟ فَأَقُولُ: أَنا ابنُ عَمّ النَّبِیّ ﷺ وَ وَصِیُّهُ وَ وَارِثُهُ، فَیُقَالُ لِی: صَدَقتَ اُدخُلِ الجَنَّةَ فَقَد غَفَرَ اللهُ لَكَ وَ لِشِیعَتِكَ وَ قَد آمَنَكَ اللهُ وَ آمَنَهُم مَعَكَ مِنَ الفَزَعِ الأَکبَرِ ﴿ **ادْخُلُوا الْجَنَّةَ** ﴾ آمِنِینَ ﴿ **لاٰ خَوْفٌ عَلَیْکُمُ الْیَوْمَ وَ لاٰ أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ** ﴾.

عمروبن جابر گفت: امام محمّد باقر ؑ فرمود: چون روز قیامت فرا رسد، ندادهنده‌ای از آسمان ندا سر می‌دهد: علی بن ابی‌طالب ؑ کجاست؟! او برمی‌خیزد. به او گویند: تو علی هستی؟ می‌فرماید: من پسر عموی پیامبر ﷺ و وصیّ و وارث اویم. به او گویند: راست گفتی، به بهشت درآ که خداوند تو و شیعیانت را آمرزید و خداوند تو را و تو آنان را از هراس بزرگ ایمن داشت «به بهشت درآیید» در حالی‌که ایمن هستید «امروز نه بیمی بر شماست و نه اندوهگین می‌شوید».

۳۶۷. عَن أَبِی حَمزَةَ عَن عَلِیِّ بنِ الحُسَینِ ؑ قَالَ: إِذَا کَانَ یَومُ القِیَامَةِ نَادَی مُنَادٍ: ﴿ **یٰا عِبٰادِ لاٰ خَوْفٌ عَلَیْکُمُ الْیَوْمَ وَ لاٰ أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ** ﴾ قَالَ: إِذَا قَالَهَا لَم یَبقَ أَحَدٌ إِلَّا رَفَعَ رَأسَهُ فَإِذَا قَالَ: ﴿ **الَّذِینَ آمَنُوا بِآیٰاتِنٰا وَ کٰانُوا مُسْلِمِینَ** ﴾ المُحِبِّینَ، قَالَ: ثُمَّ یُنَادِی مُنَادٍ: هَذِهِ فَاطِمَةُ بِنتُ مُحَمَّدٍ تَمُرُّ بِکُم هِیَ وَ مَن مَعَهَا إِلَی الجَنَّةِ ثُمَّ یُرسَلُ فَطَأطِؤا رُؤُوسَکُم فَلا یَبقَی أَحَدٌ إِلَّا طَأطَأَ رَأسَهُ حَتَّی تَمُرَّ فَاطمةُ وَ مَن مَعَهَا إِلَی الجَنَّةِ. ثُمَّ یُرسِلُ اللهُ إِلَیهَا مَلَکًا فَیَقُولُ: یَا

فَاطِمَةُ سَلِینی حَاجَتَكِ. فَتَقُولُ: یَا رَبِّ حَاجَتِی أَن تَغفِرَ لی لِمَن نَصَرَ وَلَدِی.

از ابی‌حمزه از امام سجاد ﷺ روایت شده است که ایشان فرمود: چون روز قیامت فرا رسد، ندادهنده‌ای ندا سر دهد: «ای بندگان من! امروز نه بیمی بر شماست و نه اندوهگین می‌شوید.» چون این سخن گوید، هیچ کس بر جا نمی‌ماند جز آن‌که سر بر می‌آورد، در آن هنگام او می‌گوید: «کسانی‌که به آیات ما ایمان آوردند و تسلیم بودند» یعنی دوستدار ما بودند، سپس منادی ندا سر می‌دهد: این فاطمه ﷺ دختر محمّد ﷺ است که با همراهانش به سوی بهشت بر شما گذر می‌کند، پس سر فرود آورید! در آن دم هیچ کس بر جا نمی‌ماند جز آن‌که سر فرود می‌آورد تا آن‌که فاطمه ﷺ با همراهانش سوی بهشت گذر می‌کنند. سپس خداوند فرشته‌ای را نزد ایشان می‌فرستد و او عرض می‌کند: ای فاطمه! درخواستت را از من بخواه. می‌فرماید: پروردگارا! درخواستم این است که برای من کسانی را که فرزندم را یاری کردند، بیامرزی.

وَ مِن سُورَةِ الجَاثِيَة

(سورهٔ جاثیة، آیهٔ ۱۴)

﴿ قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لاٰ يَرْجُونَ أَيّٰامَ اللّٰهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمٰا كٰانُوا يَكْسِبُونَ ﴾

به کسانی‌که ایمان آورده‌اند بگو: از کسانی‌که امید به روزهای خدا ندارند درگذرند، تا [خداوند هر] گروهی را به سزای آن‌چه به دست می‌آورند، جزا دهد.

۳۶۸. حَدَّثَنا سُلَيمانُ الدَّيلَمِيُّ قالَ: كُنتُ عِندَ أَبي عَبدِ اللهِ ﷺ فَلَم نَلبَث أَن سَمِعنا تَلبِيَةً فَإِذا عَلِيٌّ قَد طَلَعَ عَلى عُنُقِهِ حَطَبٌ فَقامَ إِلَيهِ رَسُولُ اللهِ ﷺ فَعانَقَهُ حَتَّى رُئِيَ بَياضٌ مِن تَحتِ أَيدِيهِما ثُمَّ قالَ: يا عَلِيُّ إِنّي سَأَلتُ اللهَ أَن يَجعَلَكَ مَعي فِي الجَنَّةِ فَفَعَلَ، وَ سَأَلتُهُ أَن يَزيدَني فَزادَني زَوجَتَكَ، وَ سَأَلتُهُ أَن يَزيدَني فَزادَني مُحِبّيكَ، ثُمَّ زادَني مِن غَيرِ أَن اَستَزيدَهُ مُحِبّي مُحِبّيكَ. فَفَرِحَ بِذٰلِكَ أَميرُ المُؤمِنينَ عَلِيُّ بنُ أَبي طالِبٍ ﷺ ثُمَّ قالَ: بِأَبي أَنتَ وَ أُمّي مُحِبُّ مُحِبّي؟ قالَ: نَعَم.

يا عَلِيُّ إِذا كانَ يَومُ القِيامَةِ وُضِعَ لِي مِنبَرٌ مِن ياقُوتَةٍ حَمراءَ مُكَلَّلٌ بِزَبَرجَدَةٍ خَضراءَ لَهُ سَبعُونَ أَلفَ مِرقاةٍ بَينَ المِرقاةِ إِلَى المِرقاةِ حَضرَ الفَرَسِ القارِحِ ثَلاثَةَ أَيّامٍ فَأَصعَدُ

عَلَیهِ، ثُمَّ یُدعَی بِكَ فَیَتطَاوَلُ اِلَیكَ الخَلائِقُ فَیَقُولُونَ مَا یُعرَفُ فِی النَّبِیِّینَ فَیُنادِی مُنادٍ: هَذَا سَیِّدِ الوَصِیِّینَ، ثُمَّ تَصعَدُ فَتُعَانِقُنِی عَلَیهِ ثُمَّ تَأخُذُ بِحُجزَتِی وَ آخُذُ بِحُجزَةِ اللهِ هِیَ الحَقُّ، وَ تَأخُذُ ذُرِّیَّتُكَ بِحُجزَتِكَ وَ تَأخُذُ شِیعَتُكَ بِحُجزَةِ ذُرِّیَّتِكَ، فَأَینَ یَذهَبُ بِالحَقِّ إِلَی الجَنَّةِ، فَإِذَا دَخَلتُم الجَنَّةَ فَتَبَوَّأتُم مَعَ أَزوَاجِكُم وَ نَزَلتُم مَنَازِلَكُم أَوحَی اللهُ إِلَی مَالِكَ أَنِ افتَح بابَ جَهَنَّمَ لِیَنظُرَ أَولیائی إِلَی ما فَضَّلتُم عَلَی عَدُوِّهُم، فَیَفتَحُ أبوَابَ جَهَنَّمَ و یَطلَعونَ عَلَیهِم فَإِذَا وَجَدُوا رُوحَ رائِحَةِ الجَنَّةِ قَالُوا: یَا مَالِكُ أَتَطمَعُ اللهَ لَنا فِی تَخفِیفِ العَذَابِ عَنَّا؟ إِنَّا لَنَجِدُ رُوحًا. فَیَقُولُ لَهُم مَالِكُ: إِنَّ اللهَ أَوحَی إِلَی أَن أَفتَحَ أَبوَابَ جَهَنَّمَ لِیَنظُرَ أَولیاءُهُ إِلَیکُم، فَیَرفَعُونَ رُؤُوسَهُم فَیَقُولُ هَذَا: یَا فُلانُ أَلَم تَكُ تَجوعُ فَأُشبِعُكَ؟ وَ یَقُولُ هَذَا: یا فُلانُ أَلَم تَكُ تَعرِی فَأَكسُوكَ؟ وَ یَقُولُ هَذَا: یا فُلانُ أَلَم تَكُ تَخافُ فَآوِیكَ؟ وَ یَقُولُ هَذَا: یَا فُلانُ أَلَم تَكُ تُحَدِّثُ فَأَكتُمُ عَلَیكَ؟ فَتَقُولُونَ: بَلَی. فَیَقُولُونَ: إِستَوهَبُونَا مِن رَبِّكُم فَیَدعُونَ لَهُم فَیَخرجُونَ مِنَ النَّارِ إِلَی الجَنَّةِ فَیَكُونُونَ فِیهَا بِلا مَأوَی مَلومِینَ و یَسمُونَ الجَهَنَّمِیِّینَ فَیَقُولُونَ: سَأَلتُم رَبَّكُم فَأَنقَذَنَا مِن عَذَابِهِ فَادعُوهُ یَذهَب عَنَّا بِهَذَا الإِسمِ وَ یَجعَل لَنَا فِی الجَنَّةِ فَیَدعُونَ فَیُوحَی اللهُ إِلَی رِیحٍ فَتَهَبُ عَلَی أَفوَاهِ أَهلِ الجَنَّةِ فَیُنسِیهِم ذَلِكَ الإِسمَ وَ یَجعَلُ لَهُم فِی الجَنَّةِ مَأوَی. وَ نَزَلَت هَذِهِ الآیَاتُ: ﴿ **قُلْ لِلَّذِینَ آمَنُوا یَغْفِرُوا لِلَّذِینَ لا یَرْجُونَ أَیّامَ اللهِ لِیَجْزِیَ قَوْمًا بِما كانُوا یَكْسِبُونَ** ﴾ إِلَی قَولِهِ ﴿ **ساءَ ما یَحْكُمُونَ**[1] ﴾.

سلیمان دیلمی چنین روایت کرد: نزد امام حسین علیه السلام بودم. طولی نکشید که تلبیه‌ای شنیدم. پس هنگامی که علی علیه السلام وارد شد رسول خدا صلی الله علیه و آله سویش برخاست و او را در آغوش کشید چنان‌که سپیدی زیر کتف‌هایشان دیده می‌شد، سپس فرمود: ای علی! من از خداوند خواستم تا تو را در بهشت همراه من قرار دهد و او چنین کرد، از او خواستم تا بر من بیفزاید، او همسر تو را نیز بر من افزود، از او خواستم تا بر من بیفزاید، او دوستداران تو را نیز بر من

۱. جاثیه، ۲۱

افزود، سپس بدون آنکه بخواهم بر من بیفزاید، دوستدارانِ دوستداران تو را نیز بر من افزود. در آن دم امیرمؤمنان حضرت علی ؑ شاد شد و فرمود: پدر و مادرم به فدایت! دوستداران دوستدارانم را؟ فرمود: بله، ای علی! چون روز قیامت فرا رسد، منبری از یاقوت سرخ آراسته به تاجی از زبرجد سبز برای من می‌گذارند که هفتاد هزار پلّه دارد و میان هر پلّه از آن را اسبی پنج ساله سه روز بایست بتازد. آن‌گاه من از آن بالا می‌روم و سپس تو فراخوانده می‌شوی و آفریدگان سوی تو سر می‌کشند و می‌گویند: او در شمار پیامبران نیست. در آن دم ندادهنده‌ای ندا سر می‌دهد: این سیّد اوصیاست. سپس تو بالا می‌آیی و مرا در آغوش می‌کشی و بعد به عنایت من توسّل جسته و من نیز به خداوند که حق است توسّل می‌جویم و فرزندانت به لطف و عنایت تو و شیعیان تو به فرزندانت توسّل می‌جویند و به حق سوی بهشت روانه می‌شوند. چون به بهشت درآمدید و با همسرانتان جای گرفتید و در منازلتان فرود آمدید، خداوند به نگهبان دوزخ وحی می‌کند که درِ دوزخ را بگشا تا دوستان من بنگرند چگونه آنان را بر دشمنانشان برتری بخشیدند. آن‌گاه او درهای دوزخ را می‌گشاید و ایشان به آنان می‌نگرند. چون دوزخیان از شمیم بهشت جان می‌گیرند، گویند: ای دوزخبان! آیا امید داشته باشیم که خداوند در عذاب به ما تخفیف دهد؟ ما جانی یافتیم. دوزخبان گوید: خداوند به من وحی کرد که درهای دوزخ را بگشایم تا دوستانش به شما بنگرند. در آن دم آنان سر بر آورند و یکی می‌گوید: ای فلانی! آیا تو گرسنه نبودی و من سیرت کردم؟ دیگری می‌گوید: ای فلانی! آیا تو عریان نبودی و من پوشاندمت؟ دیگری می‌گوید: ای فلانی! آیا تو در هراس نبودی و من پناهت دادم؟ دیگری می‌گوید: ای فلانی! آیا تو سخن نگفتی و من رازدارت شدم؟ شما می‌گویید: آری. آنان می‌گویند: از پروردگارتان برای ما بخشش بخواهید. بهشتیان برای آنان دعا می‌کنند و آنان از آتش به سوی بهشت بیرون می‌آیند اما در آنجا بدون هیچ

پناهگاهی بر جا می‌مانند و سرزنش می‌شوند و دوزخی نام مـی‌گیرند. آن‌گـاه می‌گویند: شما از پروردگارتان خواستید و او ما را از عذابش رهایی بخشید، پس از او بخواهید تا این نام را از ما برگیرد و برای ما در بهشت جایی قرار دهد. بهشتیان دعا می‌کنند و ناگاه خداوند به بادی وحی می‌کند و آن باد بر دهان‌های بهشتیان وزیدن می‌گیرد و آن نام را از یاد ایشان می‌برد و برای آنان در بهشت پناهگاهی قرار می‌دهد. آن‌گاه این آیات نازل شد: «به کسانی که ایمان آورده‌اند بگو: از کسانی که امید به روزهای خدا ندارند درگذرند، تـا [خـداونـد هـر] گروهی را به سزای آن‌چه به دست می‌آورند جزا دهد.» تا آنجا که فرمود: «بد است آن‌چه حکم می‌کنند.»

وَ مِن سُورَةِ الاَحقَافِ

(سورهٔ احقاف، آیهٔ ۱۳)

﴿ إِنَّ الَّذينَ قالُوا رَبُّنَا اللهُ ثُمَّ اسْتَقامُوا فَلَا خَوفٌ عَلَيهِم وَ لَا يَحزَنُونَ ﴾

بی‌تردید کسانی که گفتند پروردگار ما خداست، سپس استقامت کردند، نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند.

(سورهٔ احقاف، آیهٔ ۱۵)

﴿ رَبِّ أَوْزِعْني أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ عَلىٰ وٰالِدَيَّ وَ أَنْ أَعْمَلَ صٰالِحًا تَرْضٰاهُ وَ أَصْلِحْ لي في ذُرِّيَّتي ﴾

پروردگارا! به من الهام کن تا نعمت تو را که بر من و پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای شکر بگزارم و کار نیکی انجام دهم که تو آن را می‌پسندی، و برایم در فرزندانم شایستگی ایجاد کن.

۳۶۹ـ حَدَّثَنا أَحمَدُبنُ عَبدِ اللهِ أَبوعَليّ الهِروِيّ الشِّيبانِيُّ قالَ: حَدَّثَنا مُحَمَّدُبنُ جَعفَرِ بنِ مُحَمَّدِ بنِ عَلِيِّ بنِ الحُسَينِ عَن أَبيهِ عَن آبائِهِ عَن عَلِيِّ بنِ أَبي طالِبٍ ﷺ قالَ: لَقَد هَمَمتُ بِتَزوِيجِ فاطِمَةَ الزَّهراءِ ﷺ بِنتَ رَسُولِ اللهِ حِينًا وَ إِنَّ ذٰلِكَ مُتَخَلخِلٌ فِي قَلبِي لَيلِي

وَ نَهارِی و لَم أجترِء أن أذكُر ذَلِكَ لِرَسُولِ اللهِ ﷺ حَتّی دَخَلتُ عَلی رَسُولِ اللهِ ﷺ ذَاتَ يَومٍ فَقالَ لِی: يَا عَلِیُّ قُلتُ: لَبَّيكَ يَا رَسُولَ اللهِ قَالَ: هَل لَكَ فِی التَّزوِيجِ؟ فَقُلتُ: رَسُولُ اللهِ أَعلَمُ إِذَا هُوَ يُرِيدُ أن يُزَوِّجَنِی بَعضَ نِسَاءِ قُرَيشٍ. وَ إِنِّی لَخَائِفٌ عَلی فَوتِ فَاطِمَةَ فَمَا شَعَرتُ بِشَیءٍ يَومًا إِذَا أَتَانِی رَسُولُ اللهِ فَقَالَ: يَا عَلِیُّ أجِب رَسُولَ اللهِ وَ اسرِع فَمَا رَأَينَا رَسُولَ اللهِ ﷺ بِأَشَدَّ فَرَحًا مِنهُ اليَومَ.

احمدبن عبدالله ابوعلی هروی شیبانی گفت: امام موسی کاظم علیه‌السلام از پدر بزرگوارش علیه‌السلام از پدران بزرگوار ایشان علیهم‌السلام از حضرت علی علیه‌السلام نقل کرد که ایشان فرمود: زمانی قصد آن داشتم که با حضرت فاطمه علیها‌السلام دختر رسول خدا ﷺ ازدواج کنم و این امر شب و روز دلم را بی‌قرار کرده بود امّا جرأت نمی‌کردم آن را با رسول خدا ﷺ در میان بگذارم؛ تا این‌که روزی خدمت رسول خدا ﷺ رسیدم و ایشان به من فرمود: ای علی! عرض کردم: گوش به فرمانم ای رسول خدا! فرمود: آیا تصمیم به ازدواج داری؟ عرض کردم: رسول خدا بهتر می‌داند تا یکی از زنان قریش را به همسری من درآورد؛ حال آن‌که می‌ترسیدم فاطمه علیها‌السلام را از دست دهم. تا این‌که یک روز هیچ در جریان نبودم که رسول خدا ﷺ کسی را نزد من فرستاد و او به من گفت: ای علی! رسول خدا ﷺ را اجابت کن و بشتاب که هیچ‌گاه ایشان را شادمان‌تر از امروز ندیده بوده‌ام.

قَالَ: فَأَتَيتُهُ مُسرِعًا فَإِذَا هُوَ فِی حُجرَةِ أُمِّ سَلَمَةَ فَلَمَّا نَظَرَ رَسُولُ اللهِ ﷺ تَهَلَّلَ وَجهُهُ وَ تَبَسَّمَ حَتّی نَظَرتُ إِلی أَسنَانِهِ تَبرُقُ فَقَالَ: أَبشِر يَا عَلِیُّ فَإِنَّ اللهَ قَد كَفَانِی مَا كَانَ قَد أَهَمَّنِی مِن أَمرِ تَزوِيجِكَ. قُلتُ: وَ كَيفَ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللهِ؟ فَقَالَ: أَتَانِی جَبرَئِيلُ وَ مَعَهُ مِن سُنبُلِ الجَنَّةِ وَ قَرَنفُلِهَا وَ طِيبِهَا فَأَخَذتُهَا وَ شَمِمتُهَا فَقُلتُ لَهُ: يَا جَبرَئِيلُ مَا سَبَبُ هَذَا السُّنبُلِ وَ القَرَنفُلِ؟ فَقَالَ: إِنَّ اللهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَی أَمَرَ سُكَّانَ الجَنَّةِ مِنَ المَلَائِكَةِ وَ مَن فِيهَا أَن يُزَيِّنُوا الجَنَّةَ كُلَّهَا بِمَغَارِسِهَا وَ أَشجَارِهَا وَ أَثمَارِهَا وَ قُصُورِهَا، وَ أَمَرَ رِيحًا

فَهبَّت بِأَنوَاعِ الطِّيبِ وَ العِطرِ ، فَأَمَرَ حُورَ عِينِهَا بِالغِنَاءِ فِيها بِسُورةِ طٰهٰ وَ يٰس وَ طَوَاسِينَ وَ حٰمٓ عٓسٓق ثُمَّ نَادَى مُنَادٍ مِن تَحتِ العَرشِ: اَلا أَنَّ اليومَ يومُ وَلِيمَةِ عَلِيِّ بنِ أَبى طالِبٍ عليه‌السلام أَلا أَنِّى أُشهِدُكُم أَنِّى قَد زَوَّجتُ فَاطِمَةَ بِنتَ مُحَمَّدِ بنِ عَبدِ اللهِ مِن عَلِيِّ بنِ أَبى طالِبٍ عليه‌السلام رِضًى مِنِّى بَعضُهُم لِبَعضٍ ، ثُمَّ بَعَثَ اللهُ سَحَابًا بَيضَاءَ فَقَطَرَت عَلَيهِم مِن لُؤلُؤِهَا وَ يَوَاقِيتِهَا وَ زَبَرجَدِهَا ، وَ قَامَتِ المَلائِكَةُ فَتَنَاثَرَت مِن سُنبُلِ الجَنَّةِ وَ قَرَنفُلِهَا ، وَ هَذَا مِمَّا نَثَرَتِ المَلائِكَةُ ، ثُمَّ أَمَرَ اللهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مَلَكًا مِنَ المَلائِكَةِ يُقَالُ لَه: رَاحِيلُ ـ وَ لَيسَ فِى المَلائِكَةِ أَبلَغُ مِنهُ ـ فَقَالَ لَهُ: أُخطُب يَا رَاحِيلُ ، فَخَطَبَ بِخُطبَةٍ لَم يَسمَع بِمِثلِهَا أَهلُ السَّمَاءِ وَ لَا أَهلُ الأَرضِ ، ثُمَّ نَادَى مُنَادٍ: يَا مَلائِكَتِى وَ سُكَّانَ سَمَاوَاتِى وَ جَنَّتِى بَارِكُوا عَلَى تَزوِيجِ عَلِيِّ بنِ أَبى طالِبٍ وَ فَاطِمَةَ عليهماالسلام فَقَد بَارَكتُ أَنا عَلَيهِمَا أَلا أَنِّى زَوَّجتُ أَحَبَّ النِّسَاءِ إِلَىَّ مِن أَحَبِّ الرِّجَالِ إِلَىَّ بَعدَ النَّبِيِّينَ وَ المُرسَلِينَ فَقَالَ رَاحِيلُ المَلَكُ: يَا رَبِّ وَ مَا بَرَكَتُكَ لَهُمَا بِأَكثَرَ مِمَّا رَأَينَا مِن إِكرَامِكَ لَهُمَا فِى جِنَانِكَ وَ دَورِكَ وَ هُمَا بَعدُ فِى الدُّنيَا؟ فَقَالَ: مِن بَرَكَتِى فِيهِمَا ـ أَو قَالَ عَلَيهِمَا ـ أَنِّى أَجمَعُهُمَا عَلَى مَحَبَّتِى وَ أَجعَلُهُمَا مَعدَنَينِ لِحُجَّتِى إِلَى يَومِ القِيَامَةِ ، وَ عِزَّتِى وَ جَلَالِى لَأَخلُقَنَّ مِنهُمَا خَلقًا وَ لَأُنشِئَنَّ مِنهُمَا ذُرِّيَّةً فَاجعَلُهُم خُزَّانًا فِى أَرضِى وَ مَعَادِنَ لِعِلمِى وَ دَعَائِمَ لِكِتَابِى ثُمَّ احتَجُّ عَلَى خَلقِى بَعدَ النَّبِيِّينَ وَ المُرسَلِينَ.

من شتابان سوی ایشان رفتم و حال آن‌که حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله در اتاق ام سلمه بود. چون ایشان مرا دید، چنان چهره‌اش شکفت و لبخند زد که من دندان‌های تابناکش را دیدم. آن‌گاه فرمود: ای علی! مژده باد تو را که خداوند آن‌چه را که برایم دربارهٔ ازدواج تو مهم بود، برآورده ساخت. عرض کردم: چطور ای رسول خدا!؟ فرمود: جبرئیل نزد من آمد حال آن‌که از بهشت شاخه‌ای سنبل و شاخه‌ای میخک و عطر آورده بود. من آن‌ها را از او گرفتم و بوییدم و گفتم: ای جبرئیل! سبب آوردن این سنبل و میخک چیست؟ گفت: خداوند تبارک و تعالی به فرشتگان و ساکنان بهشت فرمود تا آنجا را با نهال‌ها و درخت‌ها و

میوه‌ها و قصرهایش بیارایند و به بادی فرمود تا با گونه‌های عطر و مشک وزیدن گیرد و به پریان سیاه‌چشم فرمود تا با سوره‌های طه و یاسین و طواسین و حم عسق ... سر دهند و سپس ندا دهنده‌ای از زیر عرش ندا سر داد: بدانید که امروز روز ولیمه علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام است و بدانید که کنون شما را گواه می‌گیرم تا فاطمه زهرا علیهاالسلام دختر محمّد بن عبدالله صلی‌الله‌علیه‌وآله را به ازدواج علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام درآورم تا به یکدیگر از من خشنود باشند. سپس خداوند متعال ابری سفید فرستاد و آن ابر با مروارید و زبرجد و یاقوت‌هایش بر فرشتگان بارید و در آن دم فرشتگان برخاستند و با سنبل و میخک‌های بهشتی گلباران کردند و این گل‌ها از گلباران فرشتگان است. آن‌گاه خداوند به فرشته‌ای از فرشتگان به نام راحیل که شیواترین ایشان است، فرمود: خطبه بخوان ای راحیل! و او چنان خطبه‌ای خواند که هیچ کس از آسمانیان و زمینیان همچون آن را نشنیده است؛ سپس ندادهنده ندا سر داد: ای فرشتگان من و ای ساکنان آسمان‌ها و بهشت من! ازدواج علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام و فاطمه علیهاالسلام را تبریک گویید که من خود این را برایشان مبارک گردانده‌ام و بدانید که من دوست داشتنی‌ترین زن نزد خودم را به همسری دوست‌داشتنی‌ترین مرد نزد خودم پس از پیامبران و رسولان درآورده‌ام. آن‌گاه راحیل فرشته عرض کرد: پروردگارا! این برکت تو چیست که بیش از این ارج نهادن تو برای آن‌دو در بهشت و سراهایت است و حال آن‌که آن‌دو هنوز در دنیا به سر می‌برند؟ فرمود: از برکت من برای آن‌دو ـ و یا فرمود بر آن دو ـ این است که من آن دو را بر محبت خود جمع می‌آورم و آن‌دو را معدن‌های حجّتم تا به روز قیامت قرار می‌دهم و به عزت و جلالم سوگند که از آن‌دو خلقی می‌آفرینم و خاندانی می‌سازم و آنان را خزانه‌داران و معدن‌های علم و پایه‌های کتاب خود در زمینم قرار می‌دهم و آن‌گاه پس از پیامبران و رسولانم این چنین بر آفریدگانم حجّت می‌آورم.

فَأَبشِر یَا عَلِیُّ فَإِنَّ اللهَ تَبارَکَ وَ تَعَالَی قَد أَکرَمَکَ بِکَرَامَةٍ لَم یُکرِم بِمِثلِهَا أَحَدًا، قَد

زَوَّجتُكَ فَاطِمَةَ ابنَتِی عَلَی مَا زَوَّجَكَ الرَّحمَانُ فَوقَ عَرشِهِ وَ قَد رَضِيتُ لَهَا مَا رَضِیَ اللهُ لَهَا فَدُونَكَ أَهلَكَ فَإِنَّكَ أَحَقُّ بِهَا مِنِّی وَ لَقَد أَخبَرَنِی جَبرَئِيلُ أَنَّ الجَنَّةَ وَ أَهلَهَا لَمُشتَاقَةٌ إِلَيكُمَا ، وَ لَو لَا أَنَّ اللهَ قَدَّرَ أَن يُخرِجَ مِنكُمَا مَا يَتَّخِذُ بِهِ عَلَی الخَلقِ حُجَّةً لَأَجَابَ فِيكُمَا الجَنَّةَ وَ أَهلَهَا ، فَنِعمَ الأَخُ أَنتَ وَ نِعمَ الخَتَنُ أَنتَ وَ نِعمَ الصَّاحِبُ أَنتَ ، وَ كَفَاكَ بِرِضَاكَ اللهُ رِضًی.

فَقَالَ عَلِیُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ ﷺ: يَا رَسُولَ اللهِ بَلَغَ مِن قَدرِی حَتَّی إِنِّی ذُكِرتُ فِی الجَنَّةِ فَزَوَّجَنِیَ اللهُ فِی مَلَائِكَتِهِ؟ فَقَالَ: يَا عَلِیُّ إِنَّ اللهَ تَعَالَی إِذَا أَكرَمَ وَلِيَّهُ أَكرَمَهُ بِمَا لَا عَينٌ رَأَت وَ لَا أُذُنٌ سَمِعَت وَ إِنَّمَا حَبَاكَ اللهُ فِی الجَنَّةِ بِمَا لَا عَينٌ رَأَت وَ لَا أُذُنٌ سَمِعَت فَقَالَ عَلِیُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ ﷺ يَا ﴿ **رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ عَلَىٰ وَالِدَيَّ وَ أَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَ أَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي** ﴾ فَقَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: آمِينَ آمِينَ يَا رَبَّ العَالَمِينَ وَ يَا خَيرَ النَّاصِرِينَ.

پس ای علی! مژده باد تو را که خداوند تبارک و تعالی تو را چنان ارج نهاده که هیچ کس را این‌چنین گرامی نداشته و من دخترم فاطمه ﷺ را به همسری تو درآورده‌ام که خداوند رحمان بر فراز عرش خود او را به همسری‌ات درآورده است و از آن‌چه که خداوند برای فاطمه ﷺ راضی است، من نیز راضی‌ام. پس همسرت را با خود ببر که تو به او سزاوارتر از من هستی و جبرئیل به من خبر داده که بهشت و بهشتیان بسیار مشتاق شمایند و اگر نبود که خداوند متعال مقدّر فرموده تا از شما دو تن فرزندانی بیرون آید که حجتی بر آفریدگان او باشند، هر آینه بهشت و بهشتیان شما دو تن را در می‌یافتند. تو چه خوب برادری هستی و چه خوب دامادی هستی و خداوند خشنودی‌ات را به تمام برایت برآورده ساخته است! حضرت علی ﷺ عرض کرد: ای رسول خدا! آیا مقام من به جایی رسیده که در بهشت از من یاد می‌کنند و خداوند در میان فرشتگانش فاطمه ﷺ را به ازدواج من درآورده است؟ حضرت فرمود: خداوند

متعال چون ولی خود را گرامی دارد، او را چنان ارج می‌نهد که نه هیچ چشمی دیده و نه هیچ گوشی شنیده و خداوند به تو در بهشت این‌چنین عطا کرده است. آن‌گاه حضرت علی علیه‌السلام فرمود: «پروردگارا! به من الهام کن تا نعمت تو را که بر من و پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای شکر بگزارم و کار نیکی انجام دهم که تو آن را می‌پسندی و برایم در فرزندانم شایستگی ایجاد کن.» و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: آمین، آمین ای پروردگار جهانیان و ای بهترین یاوران.

وَ مِن سُورَةِ مُحَمَّدٍ

(سورهٔ محمّد، آیهٔ ۱۵)

﴿ مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ ﴾

مَثَل بهشتی که به پرهیزکاران وعده داده شده.

۳۷۰. عَنِ المُفَضَّلِ‌بنِ عُمَرَ قَالَ: سُئِلَ سَيِّدِی جعفَرُبنُ مُحَمَّدٍ عليهما السلام عَن قَولِ اللهِ ﴿ مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ ﴾ قَالَ: هِيَ فِی عَلِيٍّ وَ أَولادِهِ وَ شِيعَتِهِم هُمُ المُتَّقُونَ وَ هُم أَهلُ الجَنَّةِ وَالمَغفِرَةِ.

مفضّل‌بن عمر گفت: دربارهٔ این آیه از سرورم امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند. ایشان فرمود: این آیه دربارهٔ حضرت علی علیه السلام و فرزندانش و شیعیانش که همان پرهیزکاران‌اند، می‌باشد؛ و هم ایشان اهل بهشت و آمرزش هستند.

(سورهٔ محمّد، آیهٔ ۱۷)

﴿ وَ الَّذينَ اهْتَدَوْا زادَهُمْ هُدًی وَ آتاهُمْ تَقْواهُمْ ﴾

و کسانی که هدایت شدند، بر هدایتشان افزود و [ثواب] تقوایشان را به آنان ارزانی داشت.

۳۷۱. عَن خَيثَمَةَ الجُعفِيِّ قَالَ: دَخَلتُ عَلَى أَبِي جَعفَرٍ عليه السلام فَقَالَ لِي: يَا خَيثَمَةُ إِنَّ شِيعَتَنَا أَهلَ البَيتِ يُقذَفُ فِي قُلُوبِهِمُ الحُبُّ لَنَا أَهلَ البَيتِ وَ يُلهَمُونَ حُبَّنَا أَهلَ البَيتِ، أَلا أَنَّ الرَّجُلَ يُحِبُّنَا وَ يَحتَمِلُ مَا يَأتِيهِ مِن فَضلِنَا وَ لَم يَرَنَا وَ لَم يَسمَع كَلَامَنَا لِمَا يُرِيدُ اللهُ بِهِ مِنَ الخَيرِ وَ هُوَ قَولُ اللهِ: ﴿ **وَ الَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَ آتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ** ﴾ يَعنِي مَن لَقِيَنَا وَ سَمِعَ كَلَامَنَا زَادَهُ اللهُ هُدًى عَلَى هُدَاهُ.

خیثمه جعفی گفت: خدمت امام محمّد باقر عليه السلام رسیدم. ایشان فرمود: ای خیثمه! همانا در دل‌های شیعیان ما اهل بیت، دوستی ما اهل بیت افکنده می‌شود و دوستی ما اهل بیت به ایشان الهام می‌گردد. بدانید کسانی ما را دوست می‌دارند و آن‌چه را که از برتری ما به ایشان می‌رسد، درمی‌یابند حال آن‌که ما را ندیده‌اند و سخن ما را نشنیده‌اند و این به سبب خیری است که خداوند برایشان خواسته است و این کلام خداوند متعال است: «و کسانی که هدایت شدند، بر هدایتشان افزود و [ثواب] تقوایشان را به آنان ارزانی داشت.» یعنی هر که با ما دیدار کند و سخن ما را بشنود، خداوند هدایتی بر هدایتش می‌افزاید.

(سورهٔ محمّد، آیهٔ ۳۳)

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ لَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ ﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا و از پیامبر اطاعت کنید و اعمالتان را باطل نکنید.

۳۷۲. يَزِيدُبنُ فَرقَدٍ النَّهدِيِّ إِنَّهُ قَالَ: قَالَ جَعفَرُبنُ مُحَمَّدٍ عليهما السلام فِي قَولِهِ تَعَالَى: ﴿ **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ لَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ** ﴾ يَعنِي إِذَا أَطَاعُوا اللهَ وَ أَطَاعُوا الرَّسُولَ مَا يُبطِلُ أَعمَالَهُم؟ قَالَ: عَدَاوَتُنَا تُبطِلُ أَعمَالَهُم.

یزید بن فرقد گفت: امام جعفر صادق علیه‌السلام دربارهٔ این آیه فرمود: چون از خدا و از پیامبر اطاعت کردند، چه چیز اعمالشان را باطل می‌کند؟ سپس فرمود: این دشمنان ما هستند که اعمالشان باطل می‌شود.

وَ مِن سُورَةِ الفَتحِ

(سورهٔ فتح، آیهٔ ۲)

﴿ لِيَغْفِرَ لَكَ اللهُ مٰا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مٰا تَأَخَّرَ ﴾

تا خداوند از گناه گذشته و آینده تو درگذرد.

۳۷۳. عَن عَبدِ اللهِ‌بنِ سِنَانٍ عَن أَبی‌عَبدِ اللهِ عَن أَبِیهِ عَن آبَائِهِ عَن أَمِیرِالمُؤمِنِینَ عَلِیِّ بنِ أَبی‌طالِبٍ علیه‌السلام قَالَ: لَمَّا نَزَلَت عَلَی رَسُولِ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله: **﴿ لِيَغْفِرَ لَكَ اللهُ مٰا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمٰا تَأَخَّرَ ﴾** قَالَ: یَا جَبرَئِیلُ مَا الذَّنبُ المَاضِی وَ الذَّنبُ البَاقِی؟ قَالَ جَبرَئِیلُ علیه‌السلام: لَیسَ لَكَ ذَنبٌ أَن یَغفِرَهَا لَكَ.

عبدالله بن سنان گفت: امام جعفر صادق علیه‌السلام از پدر بزرگوارش علیه‌السلام از پدران بزرگوار ایشان علیهم‌السلام از حضرت علی علیه‌السلام نقل کرد که ایشان فرمود: چون این آیه بر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نازل شد، ایشان به جبرئیل فرمود: ای جبرئیل! گناه پیشین و گناه به‌جا مانده چیست؟ جبرئیل عرض کرد: تو هیچ گناهی نداری که از آن درگذرد[1].

---

۱. در حدیث دیگری داریم که حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله به امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود: ای علی! خداوند گناهان شیعیانت را بر دوش من قرار داده و سپس آن را آمرزیده است. همچنان‌که در کتابش فرموده است: «لِیَغْفِرَ لَكَ اللهُ مٰا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مٰا تَأَخَّرَ». (*علل الشرایع*، ص ۲۰۶؛ *ترجمهٔ البرهان*، ج ۸، ص ۳۷۷)

(سورهٔ فتح، آیهٔ ۴)

﴿ وَ لِلّٰهِ جُنُودُ السَّمٰاوٰاتِ وَ الأَرضِ ﴾

و لشکرهای آسمان‌ها و زمین از آنِ خداوند است.

۳۷۴. عَن أَبِی‌الجَارُودِ قَالَ: قَالَ لِی عَبدُ اللهِ‌بنِ الحَسَنِ: تَدرِی مَا تَفسِیرُ هَذِهِ الآیَةِ: ﴿ وَ لِلّٰهِ جُنُودُ السَّمٰاوٰاتِ وَ الأَرضِ ﴾ قُلتُ: اللهُ وَ رَسُولُهُ أَعلَمْ قَالَ: أَمَّا جُنُودُهُ فِی السَّمَاوَاتِ المَلَائِکَةُ وَ أَمَّا جُنُودُهُ فِی الأَرضِ فَالزَّبَانِیَةُ لَو مُیِّزُوا مِنَ النَّاسِ لَنَزَلَ بِهِمُ العَذَابُ.

ابی جارود گفت: عبدالله‌بن حسن دربارهٔ این آیه به من گفت: آیا می‌دانی تفسیرش چیست؟ گفتم: خدا و رسولش بهتر می‌دانند. گفت: لشکرهای خداوند در آسمان فرشتگان او هستند و لشکرهایش در زمین فرشتگان عذاب هستند که اگر در میان مردم باز شناخته می‌شدند، هر آینه عذاب بر آنان نازل می‌شد.

(سورهٔ فتح، آیهٔ ۱۸)

﴿ لَقَدْ رَضِيَ اللهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبٰايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ ﴾

بی‌تردید خداوند از مؤمنان هنگامی که زیر آن درخت با تو بیعت کردند، خشنود گشت.

۳۷۵. حَدَّثَنَا عَمرُوبنُ مَیمُونٍ قَالَ: إِنِّی لَجَالِسُ عِندَ ابنِ عَبَّاسٍ إِذ جَاءَهُ تِسعَةُ رَهطٍ فَقَالُوا: یَا ابنَ عَبَّاسٍ إِمَّا أَن تَقُومَ مَعَنَا وَ إِمَّا أَن تَخلُونَا هَؤُلَاءِ. قَالَ: وَ هُوَ یَومَئِذٍ صَحِیحٌ قَبلَ أَن یَذهَبَ بَصَرُهُ قَالَ: بَل أَقُومُ مَعَکُم. فَانتَبِذُوا فَلَا نَدرِی مَا قَالُوا فَجَاءَ وَ هُوَ یَنفُضُ ثَوبَهُ وَ هُوَ یَقُولُ: أُفٍّ وَ تُفٍّ وَقَعُوا فِی رَجُلٍ لَه عَشرٌ.

قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: لَأَبعَثَنَّ رَجُلًا یُحِبُّ اللهَ وَ رَسُولَهُ لَا یُخزِیهِ اللهُ أَبَدًا، فَاستَشرَفَ لَهَا مَنِ استَشرَفَ فَقَالَ: أَینَ عَلِیٌّ؟ قَالُوا: هُوَ فِی الرَّحَی یَطحَنُ، قَالَ: وَ مَا کَانَ أَحَدُکُم لِیَطحَنَ؟ فَدَعَاهُ وَ هُوَ أَرمَدُ فَنَفَثَ فِی عَینِهِ وَ هَزَّ الرَّایَةَ ثَلَاثًا ثُمَّ دَفَعَهَا إِلَیهِ فَجَاءَ بِصَفِیَّةَ بِنتِ حُیَیٍّ.

وَ بَعثَ أبَابَكرٍ بِسُورَةِ التَوبَةِ فَأَرسَلَ عَلِيًّا خَلفَهُ فَأَخَذَهَا مِنهُ.

عمربن میمون گفت: نزد ابن عباس نشسته بودم که ناگاه نه گروه نزدش آمدند و به او گفتند: یا همراه ما بیا یا اینجا را برای ما خلوت کن؛ حال آنکه در آن زمان ابن عباس هنوز سالم بود و بینایی‌اش را از دست نداده بود. وی به آنان گفت: با شما می‌آیم. آن‌گاه به گوشه‌ای رفتند و نفهمیدم چه گفتند که ابن عباس آمد و در حالی که لباسش را می‌تکاند، می‌گفت: اُف بر آنان! از مردی بد می‌گویند که ده ویژگی از برای اوست. روزی رسول خدا ﷺ فرمود: اکنون مردی را برمی‌انگیزم که خدا و رسولش را دوست می‌دارد و هرگز خداوند خوارش نمی‌کند. در آن دم همهٔ حاضران سر برآوردند و گردن کشیدند، اما رسول خدا ﷺ فرمود: علی علیه السلام کجاست؟ عرض کردند: در آسیاب گندم آرد می‌کند. فرمود: آیا کس دیگری نبود که گندم آرد کند؟ آن‌گاه وی را فراخواندند و حضرت در حالی که چشمش درد می‌کرد آمد؛ پیامبر ﷺ در چشم او دمید و پرچم را سه بار به اهتزاز درآورد و سپس آن را به او داد و او رفت و با صفیه دختر حیی بازگشت. و باری دیگر رسول خدا ﷺ ابوبکر را با سوره توبه راهی کرد و سپس علی علیه السلام را در پی او فرستاد و حضرت سوره را از او گرفت.

وَ قَالَ لِبَنِی عَمِّهِ: أَیُّکُم یُوَالِینِی فِی الدُّنیَا وَ الآخِرَةِ؟ فَقَالَ عَلِیٌّ: أَنَا أُوالِیكَ فِی الدُّنیَا وَالآخِرَةِ.

وَ جَمَعَ رَسُولُ اللهِ ﷺ عَلِیًّا وَ فَاطِمَةَ وَ الحَسَنَ وَ الحُسَینَ فَقَالَ: اللّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهلُ بَیتِی وَ خَاصَّتِی فَاذهَب عَنهُمُ الرِّجسَ وَ طَهِّرهُم تَطهِیرًا.

وَ کَانَ أَوَّلُ مَن أَسلَمَ مِنَ النَّاسِ بَعدَ خَدِیجَةَ.

قَالَ وَ شَرَی عَلِیٌّ نَفسَهُ لَبِسَ ثَوبَ النَّبِیِّ ثُمَّ أَتَی مَکَانَهُ فَجَعَلَ المُشرِکُونَ یَرمُونَهُ کَمَا یَرمُونَ رَسُولَ اللهِ ﷺ وَ هُم یَحسَبُونَهُ النَّبِیَّ ﷺ قَالَ: فَجَعَلَ یَتَضَوَّرُ وَ جَعَلُوا یَستَنکِرُونَ ذَلِكَ مِنهُ، وَ جَاءَ أَبُوبَکرٍ فَقَالَ: یَا رَسُولَ اللهِ ـ وَ هُوَ یَحسَبُهُ أَنَّه نَبِیُّ اللهِ ـ

فَقَالَ عَلِيٌّ: أَنَّ رَسُولَ اللهِ قَد ذَهَبَ نَحوَ بِئرِ مَيمُونٍ فَأَدرِكهُ، فَأَتبَعَهُ وَ دَخَلَ مَعَهُ الغَارَ فَلَمَّا أَصبَحَ كَشَفَ عَن رَأسِهِ قَالُوا: إِنَّكَ لَلَئِيمٌ قَد كُنَّا نَرمِي صَاحِبَكَ فَلا يَتَضَوَّرُ قَدِ استَنكَرنَا ذٰلِكَ مِنكَ.

و نیز رسول خدا ﷺ به پسرعموهایش فرمود: کدام‌یک از شما مرا در دنیا و آخرت یاری می‌کند؟ و این علی ؑ بود که عرض کرد: من شما را در دنیا و آخرت یاری می‌کنم. و نیز رسول خدا ﷺ علی ؑ و فاطمه ؑ و حسن و حسین ؑ را گرد آورد و فرمود: خداوندا اینان اهل بیت من و خویشان من هستند، پس ناپاکی را از ایشان بزدا و به تمام پاکشان گردان. و نیز هم او نخستین کس از مردم بود که پس از خدیجه اسلام آورد. و او بود که از خود گذشت و جامه پیامبر ﷺ را بر تن کرد و در جای ایشان خوابید و مشرکان که قصد جان رسول خدا ﷺ را کرده بودند، به این گمان که او پیامبر خداست، قصد جانش کردند و او بر پهلو پیچید و آنان قصد خود را پنهان کردند و ابوبکر آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! ـ حال آن‌که می‌پنداشت او پیامبر خداست ـ و علی ؑ به او فرمود: رسول خدا ﷺ سوی چاه میمون رفت، ایشان را دریاب. و ابوبکر در پی ایشان رفت و همراه ایشان به غار درآمد.

قَالَ: وَ خَرَجَ النَّاسُ فِي غَزوَةِ تَبُوكَ فَقَالَ عَلِيٌّ: أَخرُجُ مَعَكَ؟ قَالَ: لَا. فَبَكَى فَقَالَ: أَمَّا تَرضَى أَن تَكُونَ مِنِّي بِمَنزِلَةِ هَارُونَ مِن مُوسَى إِلَّا أَنَّكَ لَستَ بِنَبِيٍّ.

قَالَ: وَ سَدَّ أَبوَابَ المَسجِدِ غَيرَ بَابِ عَلِيٍّ فَكَانَ يَدخُلُهُ وَ هُوَ جُنُبٌ وَ هُوَ طَرِيقُهُ لَيسَ لَهُ طَرِيقٌ غَيرُهُ.

قَالَ: وَ أَخَذَ بِيَدِ عَلِيٍّ فَقَالَ: مَن كُنتُ مَولَاهُ فَهٰذَا وَلِيُّهُ وَ قَالَ اللّٰهُمَّ وَالِ مَن وَالَاهُ وَ عَادِ مَن عَادَاهُ.

وَ قَالَ ابنُ عَبَّاسٍ: وَ أَخبَرَنَا اللهُ فِي القُرآنِ أَنَّهُ قَد رَضِيَ عَن أَصحَابِ الشَّجَرَةِ فَهَل حَدَّثَنَا بَعدَ أَنَّهُ سَخِطَ عَلَيهِم؟ قَالَ: وَ قَالَ عُمَرُ: يَا رَسُولَ اللهِ دَعنِي أَضرِب عُنُقَهُ ـ يَعنِي: حَاطِبًا

ـفَقَالَ: وَ مَا يُدرِيكَ لَعَلَّ اللهَ قَدِ اطَّلَعَ فَقَالَ: إِعمَلُوا مَا شِئتُم ـيَعنِى أَهلَ بَدرٍ.

و نیز چون مردم برای غزوهٔ تبوک بیرون آمدند، علی ؑ به رسول خدا ﷺ عرض کرد: من نیز با شما بیرون آیم؟ رسول خدا ﷺ فرمود: خیر. علی ؑ گریست؛ اما رسول خدا ﷺ به او فرمود: آیا راضی نیستی که برای من به منزلهٔ هارون برای موسی باشی، جز آن‌که تو پیامبر نیستی؟ و نیز رسول خدا ﷺ تمام درهای مسجد را بست جز دری که سوی خانهٔ علی ؑ بود و ایشان از آن وارد می‌شد و گاه می‌شد که جنب بود، امّا راهی به جز آن نداشت. و نیز رسول خدا ﷺ دست علی ؑ را گرفت و فرمود: هر که من مولایش بوده‌ام، این مرد مولای اوست و فرمود: خداوندا دوست بدار کسی را که او را دوست می‌دارد و دشمن بدار کسی را که او را دشمن می‌دارد.

و نیز خداوند متعال در قرآنش به ما خبر داد که از اصحاب شجره خشنود است؛ آیا پس از آن هیچ به ما گفته شده که خداوند از آنان ناخشنود است؟

و نیز چون عمر عرض کرد: ای رسول خدا! اجازه دهید تا گردن او ـ یعنی حاطب ـ را بزنم؛ ایشان فرمود: تو چه می‌دانی شاید خداوند خود چنین خواسته است. و او گفت: پس هر چه می‌خواهید، بکنید ـ ای جماعت بدر.

(سورهٔ فتح، آیهٔ ۲۵)

﴿ لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴾

اگر از هم جدا بودند، مسلماً کسانی از آنان را که کفر ورزیده بودند، به عذابی دردناک عذاب می‌کردیم.

۳۷۶. عَن مُحَمَّدِبنِ عَبدِ اللهِ بنِ مِهرَانَ قَالَ: أَرَدتُ زِيَارَةَ أَبِى عَبدِ اللهِ الحُسَينِ بنِ عَلِيٍّ ؑ إِذَا شِيخٌ قَد عَارَضَنِى عَلَيهِ ثِيَابُ حِسَانٌ فَقَالَ لِى لَم يُقَاتِل أَمِيرُ المُؤمِنِينَ ؑ فُلَانًا وَ فُلَانًا؟ فَقَالَ لَهُ أَبُوعَبدِ اللهِ ؑ: لِمَكَانِ آيَةٍ مِن كِتَابِ اللهِ قَالَ لَهُ: وَ مَا هِىَ؟ قَالَ: قَولُهُ: **﴿ لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴾** كَانَ أَمِيرُ المُؤمِنِينَ قَد عَلِمَ أَنَّ فِى

أَصلَابِ المُنَافِقِينَ قَومًا مِنَ المُؤمِنِينَ فَعِندَ ذَلِكَ لَم يَقتُلَهُم وَ لَم يَستَسَبَّهُم. قَالَ: ثُمَّ التَفَتَ فَلَم أَرَ أَحَدًا.

محمّد بن عبدالله‌بن مهران گفت: خواستم با حضرت امام حسین علیه السلام دیدار کنم که ناگاه پیرمردی با جامه‌هایی نیک بر من پدیدار شد و به من گفت: چرا امیرمؤمنان علیه السلام با فلان کس و فلان کس نجنگید؟ حضرت علیه السلام به او فرمود: به سبب آیه‌ای از کتاب خدا. عرض کرد: کدام آیه؟ فرمود: «اگر از هم جدا بودند، مسلماً کسانی از آنان را که کفر ورزیده بودند، به عذابی دردناک عذاب می‌کردیم.» امیرمؤمنان علیه السلام می‌دانست که قومی از مسلمانان در پشت‌های منافقین هستند و از این رو در آن زمان با آنان نجنگید و از آنان بد نگفت. در آن دم آن مرد بازگشت و من دیگر او را ندیدم.

(سورهٔ فتح، آیهٔ ۲۹)

﴿ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ وَ الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلاً مِنَ اللهِ وَ رِضْوَانًا ﴾

محمّد صلی الله علیه و آله رسول خداست و کسانی که با او هستند، بر کافران سرسخت و در میان خودشان مهربان‌اند. آن‌ها را می‌بینی که رکوع‌کنان و سجده‌کنان فزون‌بخشی و خشنودی خدا را درخواست می‌کنند.

۳۷۷. عَن سُعَادٍ: عَن أَبِي جَعفَرٍ علیه السلام أَنَّهُ سُئِلَ عَن هَذِهِ الآيَةِ: **﴿ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ وَ الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلاً مِنَ اللهِ وَ رِضْوَانًا ﴾** قَالَ: مَثَلُ أَجرَاهُ اللهُ فِي شِيعَتِنَا كَمَا يُجرِي لَهُم فِي الأَصلَابِ ثُمَّ يَزرَعُهُم فِي الأَرحَامِ وَ يُخرِجُهُم لِلغَايَةِ الَّتِي أَخَذَ عَلَيهِم مِيثَاقَهُم فِي الخَلقِ، فَمِنهُم أَتقِيَاءُ وَ شُهَدَاءُ، وَ مِنهُمُ المُمتَحَنَةُ قُلُوبُهُم، وَ مِنهُمُ العُلَمَاءُ، وَ مِنهُمُ النُّجَبَاءُ وَ مِنهُمُ النَّجدَاءُ وَ مِنهُم أَهلُ التُّقَى، وَ مِنهُم أَهلُ التَّقوَى وَ مِنهُم أَهلُ التَّسلِيمِ، فَازُوا بِهَذِهِ الأَشيَاءِ سَبَقَت لَهُم مِنَ اللهِ

وَ فَضَلُوا بِمَا فَضَلُوا ، وَ جَرَت لِلنَّاسِ بَعدَهُم فِی المَوَاثِیقِ حَالُهُم أَسمَاؤُهُم حَدُّ المُستَضعَفِینَ وَ حَدُّ المُرجَونَ لِأَمرِ اللهِ حَدًّا إِمَّا یُعَذِّبُهُم وَ إِمَّا أَن یَتُوبَ عَلَیهِم ، وَ حَدُّ عَسَی أَن یَتُوبَ عَلَیهِم ، وَ حَدُّ لَابِثِینَ فِیهَا أَحقَابًا ، وَ حَدُّ خَالِدِینَ فِیهَا مَادَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالأَرضُ ، ثُمَّ حَدُّ الإِستِثنَاءِ مِنَ اللهِ مِنَ الفَرِیقَینِ مَنَازِلُ النَّاسِ فِی الخَیرِ وَ الشَّرِ ، خَلقَانِ مِن خَلقِ اللهِ فِیهِمَا المَشِیَّةُ فَمَن شَاءَهُ مِن خَلقِهِ فِی قِسمَةِ مَا قُسِمَ لَهُ تَحوِیلُ عَن حَالِ زِیَادَةُ فِی الأَرزَاقِ أَو نَقصُ مِنهَا أَو تَقصِیرُ فِی الآجَالِ وَ زِیَادَةُ فِیهَا أَو نُزُولُ البَلَاءِ أَو دَفعُهُ ، ثُمَّ أَسکَنَ الأَبدَانَ عَلَی مَا شَاءَ مِن ذَلِكَ فَجَعَلَ مِنهُ شِعرًا فِی القُلُوبِ ثَابِتًا لِأَهلِهِ وَ مِنهُ عَوَارِی مِنَ القُلُوبِ وَ الصُّدُورِ إِلَی أَجَلٍ لَهُ وَقتُ فَإِذَا بَلَغَ وَقتُهُم انتَزَعَ ذَلِكَ مِنهُم ، فَمَن أَلهَمَهُ اللهُ الخَیرَ وَ أَسکَنَهُ فِی قَلبِهِ بَلَغَ مِنهُ غَایَتَهُ الَّتِی أَخَذَ عَلَیهَا مِیثَاقَهُ فِی الخَلقِ الأَوَّلِ.

سعاد گفت: از امام محمّد باقر ﷺ دربارهٔ این آیه پرسیدند. ایشان فرمود: مثلی است که خداوند دربارهٔ شیعیان ما جاری ساخته است و نیز شیعیانی که در پشت‌ها قرار دارند و سپس خداوند متعال آنان را در رحم‌ها می‌کارد و آن‌گاه ایشان را برای غایتی که از آنان درباره‌اش در میان آفریدگان پیمان گرفته است، بیرون می‌آورد. پرهیزکاران و شهیدان از ایشان‌اند و کسانی که دل‌هایشان آزموده شده از ایشان‌اند و دانشمندان از ایشان‌اند و نجیبان از ایشان‌اند و پاکان از ایشان‌اند و اهل پرهیز از ایشان‌اند و اهل تقوا از ایشان‌اند و اهل تسلیم از ایشان‌اند. آنان به این درجات رستگار شده‌اند که از سوی خداوند برایشان پیش‌پیش رقم خورده است و این‌چنین برتری داده شده‌اند. پس از ایشان نام دیگر مردمان به نسبت حالشان در پیمان‌ها جاری شده است: گروه ناتوانان در دین و گروه کسانی که به امر خداوند امیدوارند که یا عذابشان می‌کند و یا توبه‌شان را می‌پذیرد و گروهی که امید است خداوند توبه‌شان را بپذیرد و گروهی که سالیانی در دوزخ به جا می‌مانند و گروهی که تا آسمان‌ها و زمین

برپاست در دوزخ جاوداناند و سپس گروه کسانی که از سوی خداوند منازلشان از این دو گروه استثنا می‌شود؛ مردم در نیکی و بدی‌اند، یعنی دو جماعت از آفریدگان خداوند که مشیّت او بر آن‌ها جاری است. پس هر که را او از میان آفریدگانش بخواهد، در قسمتی که برایش رقم خورده، تغییری در بیش و کمیِ روزی یا کاهش و افزایش عمر یا نزول و دفع بلا برایش صورت می‌دهد. پس خداوند متعال بدن‌ها را آن‌چنان‌که خود می‌خواست بر جا گردانید و احساسی از خود را در دل‌ها قرار دارد که برای دوستانش برجاست و برخی دل‌ها و سینه‌ها از آن تهی است و این تا زمانی معین است که چون این زمان سرآید، قسمت آنان از آنان برگرفته شود؛ پس هر که را خداوند نیکی به او الهام کرده باشد و در دلش جای داده باشد، او به غایتی که خداوند در آغاز آفرینش از وی درباره‌اش پیمان گرفته است، می‌رسد.

وَ مِن سُورَةِ الحُجُرَاتِ

(سورهٔ حجرات ، آیهٔ ۳)

﴿ أُولٰئِكَ الَّذينَ امْتَحَنَ اللهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوىٰ ﴾

ایشان کسانی هستند که خداوند دل‌هایشان را به تقوا آزموده است.

۳۷۸ . عَن أَنسِ بنِ مَالِكٍ إنَّ رَسُولَ اللهِ ﷺ ذَاتَ يومٍ وَ يَدُهُ فِي يَدِ عَلِيِّ بنِ أَبِي طالِبٍ ﷺ وَ لَقِيَهُ رَجُلٌ اِذ قَالَ لَهُ: يا فُلانُ لا تَسُبُّوا عَلِيًّا فَإِنَّهُ مَن سَبَّهُ فَقَد سَبَّنِي وَ مَن سَبَّنِي فَقد سَبَّ اللهَ ، وَاللهِ يا فُلانُ إنَّهُ لا يُؤمِنُ بِمَا يَكُونُ مِن عَلِيٍّ وَ وُلدِ عَلِيٍّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ إلَّا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ أو عَبدٌ قَدِ امتَحَنَ اللهُ قلبَهُ لِلإيمَانِ ، يا فُلانُ إِنَّهُ سَيُصِيبُ وُلدَ عَبدِ المُطَّلِب بلاءٌ شَدِيدٌ وَ أَثرَةٌ وَ قتلٌ وَ تَشرِيدٌ فَاللهِ اللهِ يَا فُلانُ فِي أَصحَابِي وَ ذُرِّيَّتِي وَ ذِمَّتِي فَإِنَّ لِلّهِ يَومٌ يَنتَصِفُ فِيهِ لِلمَظلُومِ مِنَ الظَّالِمِ.

انس بن مالک گفت: روزی رسول خدا ﷺ دستش را در دست حضرت علی ﷺ داده بود که مردی به دیدار ایشان آمد. حضرت به او فرمود: ای فلانی! به علی دشنام مده که هر که به او دشنام دهد، به من دشنام داده و هر که مرا دشنام دهد، به خدا دشنام داده است. ای فلانی! به خدا سوگند هیچ کس به آن‌چه از سوی علی ﷺ و نیز فرزند علی ﷺ در آخرالزمان می رسد، ایمان نمی‌آورد جز

فرشته‌ای مقرّب یا بنده‌ای که خداوند دلش را به ایمان آزموده است. ای فلانی! به زودی فرزندان عبدالمطلب در معرض بلایی سخت و خودخواهی و قتل و تبعید قرار می‌گیرند. ای فلانی! خدا را خدا را دربارهٔ یاران و فرزندان و کسان من [در نظر گیرید]، چه به راستی روزی از برای خداست که در آن داد ستمدیده را از ستمگر می‌گیرد.

(سورهٔ حجرات، آیهٔ ۴)

﴿ إِنَّ الَّذِينَ يُنٰادُونَكَ مِنْ وَرٰاءِ الْحُجُرٰاتِ أَكْثَرُهُمْ لاٰ يَعْقِلُونَ ﴾

بی تردید کسانی که از پشت حجره‌ها تو را ندا می‌دهند، بیشترشان نمی‌اندیشند.

۳۷۹. عَن دَاوُدَبنِ سِرحَانَ عَن أَبی‌عَبدِ اللهِ عليه السلام فِی قَولِهِ تَعَالَی: ﴿ إِنَّ الَّذِينَ يُنٰادُونَكَ مِنْ وَرٰاءِ الْحُجُرٰاتِ أَكْثَرُهُمْ لاٰ يَعْقِلُونَ ﴾ عَنی بِذَلِكَ كَسرَ بُيُوتِ رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله وَ بَيتِ عَلیِّ‌بنِ أَبی‌طالِبٍ عليه السلام، وَ ذَلِكَ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا يَأتُونَ مِنَ الأَمصَارِ فَيَقُولُونَ: بَيتُ مَن هَذَا؟ فَيَقُولُونَ: بَيتُ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله وَ يَقُولُونَ بيتُ أَمِيرِالمُؤمِنِينَ عَلیِّ‌بنِ أَبی‌طالِبٍ عليه السلام.

داود بن سرحان گفت: امام جعفر صادق عليه السلام فرمود: در کلام خداوند متعال «بی‌تردید کسانی که از پشت حجره‌ها تو را ندا می‌دهند، بیشترشان نمی‌اندیشند» منظور، جدا کردن خانه‌های رسول خدا صلی الله علیه و آله و خانهٔ علی بن ابی‌طالب عليه السلام است و آن از این قرار است که مردم از سرزمین‌هایی می‌آمدند و می‌گفتند: این خانهٔ کیست؟ می‌گفتند خانهٔ پیامبر صلی الله علیه و آله است و می‌گفتند: خانهٔ امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب عليه السلام است.

(سورهٔ حجرات، آیهٔ ۶)

﴿ يٰا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جٰاءَكُمْ فٰاسِقٌ بِنَبَإٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهٰالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلىٰ مٰا فَعَلْتُمْ نٰادِمِينَ ﴾

ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید! اگر فاسقی برای شما خبری بیاورد، [آن را] بررسی کنید که مبادا به نادانی گروهی را آسیب رسانید، پس آن‌گاه بر آن‌چه انجام داده‌اید پشیمان شوید.

۳۸۰. عَن جَابِرِبنِ عبدِ اللهِ الأَنصَارِيِّ قَالَ: بَعَثَ رَسُولُ اللهِ ﷺ الوَلِيدَبنَ عُقبَةَبنِ أَبِي‌مُعِيطٍ إِلَى بَنِي وَلِيعَةَ قَالَ: وَ كَانَت بَينَهُ وَ بَينَهُم شَحنَاءُ فِي الجَاهِلِيَّةِ قَالَ: فَلَمَّا بَلَغَ إِلَى بَنِي وَلِيعَةَ اِستَقبَلُوهُ لِيَنظُرُوا مَا فِي نَفسِهِ قَالَ: فَخَشِيَ القَومُ فَرَجَعَ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللهِ إِنَّ بَنِي وَلِيعَةَ أَرَادُوا قَتلِي وَ مَنَعُوا لِي الصَّدَقَةَ فَلَمَّا بَلَغَ بَنِي وَلِيعَةَ الَّذِي قَالَ لَهُم الوَلِيدُبنُ عُقبَةَ عِندَ رَسُولِ اللهِ ﷺ أَتَوا رَسُولَ اللهِ ﷺ فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللهِ لَقَد كَذَبَ الوَلِيدُ وَلٰكِن بَينَنَا وَ بَينَهُ شَحنَاءُ فِي الجَاهِلِيَّةِ فَخَشِينَا أَن يُعَاقِبَنَا بِالَّذِي بَينَنَا وَ بَينَهُ. قَالَ. فَقَالَ النَّبِيُّ: لَتَنتَهُنَّ يَا بَنِي وَلِيعَةَ أَو لَأَبعَثُنَّ إِلَيكُم رَجُلاً عِندِي كَنَفسِي يَقتُلُ مُقَاتِلِيكُم و يَسبِي ذَرَارِيكُم هُوَ هَذَا حَيثُ تَرَونَ. ثُمَّ ضَرَبَ بِيَدِهِ عَلَى كِتفِ أَمِيرِالمُؤمِنِينَ عَلِيِّ‌بنِ أَبِي‌طَالِبٍ ؈ وَ أَنزَلَ اللهُ فِي الوَلِيدِ آيَةَ ﴿ **يٰا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جٰاءَكُمْ فٰاسِقٌ بِنَبَإٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهٰالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلىٰ مٰا فَعَلْتُمْ نٰادِمِينَ** ﴾.

جابر بن عبد الله انصاری گفت: رسول خدا ﷺ ولیدبن عقبه را سوی قبیلهٔ بنی‌ولیعه راهی کرد، حال آن‌که بین او و آنان از زمان جاهلیت کینه‌ای وجود داشت. چون او به بنی‌ولیعه رسید، آنان جلوی راه او آمدند تا ببینند چه در سر دارد. او از آن قوم ترسید و سوی پیامبر ﷺ بازگشت و عرض کرد: ای رسول خدا ﷺ بنی‌ولیعه می‌خواستند مرا بکشند و از پرداخت صدقاتشان به من سر باز زدند. چون سخنی که ولیدبن عقبه دربارهٔ بنی‌ولیعه به رسول‌خدا ﷺ گفته بود، به گوش آنان رسید، نزد ایشان آمدند و عرض کردند: ای رسول خدا! ولید دروغ گفته است، جز این‌که بین ما و او از زمان جاهلیت کینه‌ای بود و از این رو ما ترسیدیم بدان سبب از ما تلافی جوید. پیامبر فرمود: ای بنی‌ولیعه! یا به این کینه پایان می‌دهید یا مردی را که نزد من همچون خود من است، سوی شما خواهم فرستاد تا جنگجویانتان را از پا درآورد و فرزندانتان

را به اسارت گیرد و او این مرد است که می‌بینید. سپس با دست مبارک خویش بر دوش امیرمؤمنان حضرت علی ﷺ زد. آن‌گاه خداوند آیه‌ای دربارهٔ ولید نازل فرمود: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر فاسقی برای شما خبری بیاورد [آن را] بررسی کنید که مبادا به نادانی گروهی را آسیب رسانید، پس آن‌گاه بر آن‌چه انجام داده‌اید، پشیمان شوید.»

(سورهٔ حجرات، آیهٔ ۷ ـ ۸)

﴿ وَ لٰكِنَّ اللهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمٰانَ وَ زَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ كَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْيٰانَ أُولٰئِكَ هُمُ الرّٰاشِدُونَ * فَضْلاً مِنَ اللهِ وَ نِعْمَةً وَ اللهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴾

ولی خداوند ایمان را محبوب شما کرد و آن را در دل‌های شما زینت داد و کفر و هرزگی و نافرمانی را در نظر شما منفور گردانید. آنان همان هدایت‌یافتگان‌اند. [این به جهت] فزون‌بخشی و نعمتی از سوی خداست و خداوند دانای حکیم است.

۳۸۱. عَن سَدِيرٍ الصَّيرَفِيِّ قَالَ: إِنِّي لَجَالِسٌ بَينَ يَدَي أَبِي‌عَبدِ اللهِ ﷺ أَعرَضُ عَلَيهِ مَسَائِلَ أَعطَانِيهَا أَصحَابُنَا إِذ عَرَضَت بِقَلبِي مَسأَلَةٌ فَقُلتُ لَهُ: مَسأَلَةٌ خَطِرَت بِقَلبِي السَّاعَةَ، قَالَ: وَ لَيسَ فِي المَسَائِلِ؟ قُلتُ: لَا، قَالَ: وَ مَا هِيَ؟ قُلتُ: قَولُ أَمِيرِ المُؤمِنِينَ ﷺ: إِنَّ أَمرَنَا صَعبٌ مُستَصعَبٌ لَا يُقِرُّ بِهِ إِلَّا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ أَو نَبِيٌّ مُرسَلٌ أَو عَبدٌ مُؤمِنٌ امتَحَنَ اللهُ قَلبَهُ لِلإِيمَانِ؟ فَقَالَ: نَعَم، إِنَّ مِنَ المَلَائِكَةِ مُقَرَّبِينَ وَ غَيرَ مُقَرَّبِينَ وَ مِنَ الأَنبِيَاءِ مُرسَلِينَ وَ غَيرَ مُرسَلِينَ وَ مِنَ المُؤمِنِينَ مُمتَحِنِينَ وَ غَيرَ مُمتَحِنِينَ، وَ إِنَّ أَمرَنَا أَمرُكُم هَذَا عَرَضَ عَلَى المَلَائِكَةِ فَلَم يُقِرَّ بِهِ إِلَّا المُقَرَّبُونَ وَ عَرَضَ عَلَى الأَنبِيَاءِ فَلَم يُقِرَّ بِهِ إِلَّا المُرسَلُونَ وَ عَرَضَ عَلَى المُؤمِنِينَ فَلَم يُقِرَّ بِهِ إِلَّا المُخلَصُونَ.

سدیر صیرفی گفت: روبه‌روی حضرت امام جعفر صادق ﷺ نشسته بودم و مسائلی راکه یارانمان به من داده بودند، بر ایشان عرضه می‌داشتم که ناگاه

مسئله‌ای به خاطرم رسید. به ایشان عرض کردم: هم‌اکنون مسئله‌ای به خاطرم رسید. فرمود: در این مسائل نبود؟ عرض کردم: خیر. فرمود: چیست؟ عرض کردم: کلام امیرمؤمنان علیه‌السلام است که فرمود: امر ما دشوار است و دشوار انگاشته می‌شود و هیچ‌کس به آن اقرار نمی‌کند، جز فرشته‌ای مقرّب یا پیامبر یا بندهٔ مؤمنی که خداوند دلش را به ایمان آزموده باشد. حضرت علیه‌السلام فرمود: بله؛ چرا که فرشتگان مقرّب‌اند و غیرمقرّب، و پیامبران مرسل‌اند و غیر مرسل، و مؤمنان آزموده شده‌اند و آزموده ناشده؛ امر ما که کنون گفتی بر فرشتگان عرضه شد، تنها مقرّبان به آن اقرار کردند و بر پیامبران عرضه شد، تنها مرسلون به آن اقرار کردند و بر مؤمنان عرضه شد، تنها مخلصان به آن اقرار کردند.

۳۸۲. عَن یُونُسَ‌بنِ خَبّابٍ: عَن أَبی جعفَرٍ علیه‌السلام قَالَ: حُبُّ عَلِيٍّ علیه‌السلام إِیمَانٌ وَ بُغضُهُ نِفَاقٌ ثُمَّ قَرَءَ **﴿وَ لٰكِنَّ اللهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمٰانَ وَ زَيَّنَهُ في قُلُوبِكُمْ وَ كَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْيٰانَ أُولٰئِكَ هُمُ الرّٰاشِدُونَ * فَضْلاً مِنَ اللهِ وَ نِعْمَةً﴾**.

یونس‌بن خبّاب گفت: امام محمّد باقر علیه‌السلام فرمود: دوستی با علی علیه‌السلام ایمان و کینه‌توزی با او نفاق است؛ سپس این آیه را قرائت فرمود.

۳۸۳. عَن زِیادِبنِ المُنذِرِ: عَن أَبی جَعفَرٍ علیه‌السلام قَالَ: حُبُّنَا إِیمَانٌ وَ بُغضُنَا کُفرٌ ثُمَّ قَرَءَ هَذِهِ الآیَةَ: **﴿وَ لٰكِنَّ اللهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمٰانَ وَ زَيَّنَهُ في قُلُوبِكُمْ وَ كَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْيٰانَ أُولٰئِكَ هُمُ الرّٰاشِدُونَ * فَضْلاً مِنَ اللهِ وَ نِعْمَةً﴾**.

زیادبن منذر گفت: امام محمّد باقر علیه‌السلام فرمود: دوستی با ما ایمان و کینه‌توزی با ما کفر است؛ سپس این آیه را قرائت فرمود.

۳۸۴. عَن بُرَیدِبنِ مُعَاوِیَةَ العِجلِيِّ وَ إِبرَاهِیمَ الأَحمَرِيِّ قَالَا: دَخَلنَا عَلَی أَبی جَعفَرٍ علیه‌السلام وَ عِندَهُ زِیَادُ الأَحلَام فَقَالَ أَبو جَعفَرٍ: یَا زِیَادُ مَا لِی أَرَی رِجلَیكَ مُتِفَلِّقَینِ؟ قَالَ: جُعِلتُ لَكَ الفِدَاءَ جِئتُ عَلَی نِضوٍ لِی عَامَّةِ الطَّرِیقِ وَ مَا حَمَلَنِی عَلَی ذَلِكَ إِلَّا حُبِّی لَكُم وَ شَوقِی إِلَیكُم. ثُمَّ أَطرَقَ زِیَادُ مَلِیًّا ثُمَّ قَالَ: جُعِلتُ لَكَ الفِدَاءَ إِنِّی رُبَّمَا خَلَوتُ فَأَتَانِی الشَّیطَانُ

فَيُذَكِّرُنِي مَا قَد سَلَفَ مِنَ الذُّنُوبِ وَ المَعَاصِي فَكَأَنِّي آيِسٌ ثُمَّ أَذكُرُ حُبِّي لَكُم وَ انقِطَاعِي وَ كَأَنِّي مُتَّكِأٌ لَكُم! قَالَ: يَا زِيَادُ: وَ هَلِ الدِّينُ إِلَّا الحُبُّ وَ البُغضُ؟ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الآيَاتِ الثَّلَاثَ كَأَنَّهَا فِي كَفِّهِ: ﴿ **وَ لٰكِنَّ اللهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمٰانَ وَ زَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ كَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْيٰانَ أُولٰئِكَ هُمُ الرّٰاشِدُونَ * فَضْلاً مِنَ اللهِ وَ نِعْمَةً وَ اللهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ** ﴾ وَ قَالَ: ﴿ **يُحِبُّونَ مَنْ هٰاجَرَ إِلَيْهِمْ**[۱] ﴾ وَ قَالَ: ﴿ **إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللهُ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَ اللهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ**[۲] ﴾ أَتَى رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللهِ ﷺ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللهِ إِنِّي أُحِبُّ الصَّوَّامِينَ وَ لَا أَصُومُ وَ أُحِبُّ المُصَلِّينَ وَ لَا أُصَلِّي وَ أُحِبُّ المُتَصَدِّقِينَ وَ لَا أَتَصَدَّقُ. فَقَالَ: أَنتَ مَعَ مَن أَحبَبتَ وَ لَكَ مَا اكتَسَبتَ، أَمَا تَرضَونَ أَن لَو كَانَت فَزعَةٌ مِنَ السَّمَاءِ فَزِعَ كُلُّ قَومٍ إِلَى مَأمَنِهِم وَ فَزِعنَا إِلَى رَسُولِ اللهِ ﷺ وَ فَزِعتُم إِلَينَا.

بریدبن معاویه عجلی و ابراهیم احمری گفتند: خدمت امام محمّد باقر علیه‌السلام رسیدیم و حال آن‌که زیاد الاحلام نزد ایشان بود. حضرت فرمود: ای زیاد! چرا پاهایت را آویزان کرده‌ای؟ عرض کرد: فدایت شوم، تمامی راه را با جامه‌ای فرسوده آمدم و آن‌چه مرا بر این داشت، دوست داشتن شما و شوق دیدارتان بود. سپس مدّتی سر به زیر انداخت و ناگاه عرض کرد: فدایت شوم! گاهی در تنهایی‌ام شیطان به سراغم می‌آید و گناهان و نافرمانی‌هایی را که کرده‌ام به یادم می‌آورد و گویی ناامید می‌شوم، سپس دوست داشتن شما و دوری از شما را به یاد می‌آورم و به شما دلگرم می‌شوم. فرمود: ای زیاد! آیا دین چیزی جز دوست داشتن و دشمنی کردن است؟ سپس این سه آیه را تلاوت فرمود و گویی آن‌ها در مشت ایشان بود! «ولی خداوند ایمان را محبوب شما کرد و آن را در دل‌های شما زینت داد و کفر و هرزگی و نافرمانی را در نظر شما منفور

۱. حشر، ۹

۲. آل‌عمران، ۳۱

گردانید، آنان همان هدایت یافتگان‌اند. [این به جهت] فزون‌بخشی و نعمتی از سوی خداست و خداوند دانای حکیم است.» و فرمود: «هر کس را که به سوی آنان هجرت کرده است، دوست دارند.» و فرمود: «اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید تا خداوند شما را دوست بدارد و گناهانتان را بیامرزد و خدا آمرزنده مهربان است.» مردی نزد رسول خدا ﷺ آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! من روزه‌داران را دوست دارم، ولی روزه نمی‌گیرم و نمازگزاران را دوست دارم، ولی نماز نمی‌خوانم و صدقه‌دهندگان را دوست دارم، ولی صدقه نمی‌دهم. رسول خدا ﷺ فرمود: تو با کسی هستی که آن را دوست می‌داری و آن‌چه کسب می‌کنی برای توست. آیا خشنود نیستید از این‌که چون هراسی از آسمان برسد، هر قومی هراسان سوی پناهگاهش پناه می‌آورد و ما سوی رسول خدا ﷺ پناه می‌آوریم و شما سوی ما پناه می‌آورید؟!

(سورهٔ حجرات، آیهٔ ۹)

﴿ وَ إِنْ طٰائِفَتٰانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمٰا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدٰاهُمٰا عَلَى الْأُخْرىٰ فَقٰاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتّٰى تَفِيءَ إِلىٰ أَمْرِ اللّٰهِ ﴾

و اگر دو گروه از مؤمنان با یکدیگر کارزار کنند، میان آن‌دو را اصلاح کنید. پس اگر یکی از آن دو بر [حقوق] دیگری تجاوز کند، با آن‌که متجاوز است بجنگید تا به فرمان خدا بازگردد.

۳۸۵. عَن ضَرارِبنِ الأَزوَر: إِنَّ رَجُلاً مِنَ الخَوارِجِ سَأَلَ ابنَ عَبّاسٍ عَن أَميرِالمُؤمِنينَ عَليِّ‌بنِ أَبي‌طالِبٍ عليه السلام فَأَعرَضَ عَنهُ ثُمَّ سَأَلَهُ فَقالَ: لَكانَ وَاللهِ عَليٌّ أَميرُالمُؤمِنينَ يُشبِهُ القَمَرُ الزّاهِرُ وَ الأَسَدُ الخادِرُ وَ الفُراتُ الزّاخِرُ وَ الرَّبيعُ الباكِرُ، فَأَشبَهَ مِنَ القَمَرِ ضَوؤُهُ و بَهاؤُهُ، وَ مِنَ الأَسَدِ شُجاعَتُهُ وَ مَضاؤُهُ، وَ مِنَ الفُراتِ جُودُهُ وَ سَخاؤُهُ، وَ مِنَ الرَّبيعِ خَصبُهُ وَ حِباؤُهُ، عَقِمَ النِّساءُ أَن يَأتينَ بِمِثلِ عَليٍّ بَعدَ النَّبيِّ. تَاللهِ ما سَمِعتُ وَ لا رَأَيتُ إِنسانًا مِثلَهُ، وَ قَد رَأَيتُهُ يومَ صِفّينَ وَ عَلَيهِ عَمامَةٌ بَيضاءُ وَ كَأَنَّ عَينَيهِ سِراجانِ وَ هُوَ

يَتَوَقَّفُ عَلَى شِرذَمَةٍ يَحُضُّهُم و يَحُثُّهم إِلَى أَن انتَهَى إِلَيَّ وَ أَنَا فِي كَنَفٍ مِنَ المُسلِمِينَ فَقَالَ: مَعَاشِرَ المُسلِمِينَ استَشعَرُوا الخَشيَةَ ، وَ عَنُوا الأَصوَاتِ ، وَ تُجَلبَبُوا بِالسَّكِينَةِ ، وَ اكمَلُوا اللَّامَةَ ، وَ اقلَقُوا السُّيُوفَ فِي الغَمَدِ قَبلَ السَّلَةِ ، و الحَظُوا الشَّزَرَ ، وَ اطعَنُوا وَ نَافَحُوا بِالظَّبَا و صِلُوا السُّيُوفَ بالخَطَا و الرِّمَاحَ بِالنِّبَالِ ، فَإِنَّكُم بِعَينِ اللهِ مَعَ ابنِ عَمِّ نَبِيِّكُم، عَاوَدُوا الكَرَّ وَاستَحيُوا مِنَ الفَرِّ، فَإِنَّه عَارُ بَاقٍ فِي الأَعقَابِ، وَنَارُ يَومَ الحِسَابِ، فَطَيِّبُوا عَن أَنفُسِكُم نَفسًا وَ اطوُوا عَنِ الحَيَاةِ كَشحًا ، وَ امشُوا إِلَى المَوتِ مَشيًا.

ضرار بن ازوران گفت: مردی از خوارج از ابن عباس دربارهٔ امیرمؤمنان حضرت علی ﷺ پرسید. وی از او روی گرداند. باز سؤال کرد. ابن عبّاس گفت: به خدا سوگند امیرمؤمنان حضرت علی ﷺ به ماهی تابناک و شیری در بیشه و دریایی خروشان و بهاری نو می‌ماند که نور و تابشش بیش از ماه و دلیری و برندگی‌اش بیش از شیر و بخشندگی و جوانمردی‌اش بیش از دریا و سرسبزی و ارمغانش بیش از بهار است. زنان عقیم شدند از این‌که پس از پیامبر ﷺ فرزندی چون علی ﷺ بیاورند. به خدا سوگند نشنیده‌ام و ندیده‌ام انسانی چون او باشد. او را در جنگ صفّین دیدم که دستاری سپید بر سر داشت و چشمانش گویی دو چراغ بود و بر لبه‌ای ایستاده بود و آنان را برمی‌انگیخت و ترغیب می‌کرد تا به من رسید و حال آن‌که من در پناه مسلمانان بودم. او می‌فرمود: ای گروه مسلمانان! هراس دشمن را دریابید و گوش تیز کنید و جامهٔ آرامش بر تن کنید و زره‌هاتان به تمام ببندید و شمشیرهاتان را پیش از برکشیدن در نیام بجنبانید و به خشم بنگرید و زخم بزنید و نبرد کنید و شمشیر را به نیزه و نیزه را به تیر چکاچک زنید. شما در پناه خدا با پسرعموی پیامبرتان همراهید، به یورش بازگردید و از گریختن شرم کنید که گریختن ننگی است که بر فرزندانتان به جا می‌ماند و آتشی است در روز حساب. پس جان‌هایتان را پاک کنید و روی از زندگی بگردانید و سوی مرگ رهسپار شوید.

وَ عَلَيكُم بِهَذَا السَّوَادِ الأَعظَمِ وَ الرِّوَاقِ المُطَنَّبِ فَاضرِبُوا ثَبَجَهُ ، فَإِنَّ الشَّيطَانَ عَلَيهِ لَعنَةُ اللهِ رَاكِدٌ فِى كِسرِهِ ، نَافِجٌ حِضنَيهِ وَ مُفتَرِشٌ ذِرَاعَيهِ ، قَد قَدَّمَ لِلوَثبَةِ يَدًا ، وَ أَخَّرَ لِلنُّكُوصِ رِجلاً ، فَصَبراً حَتَّى يَتَجلَّى لَكُم عَمُودُ الحَقِّ وَ أَنتُمُ الأَعلَونَ وَ اللهُ مَعَكُم وَ لَن يَتِرَكُم أَعمَالَكُم.

قَالَ: وَ أَقبَلَ مُعَاوِيَةُ فِى الكَتِيبَةِ الشَّهبَاءِ وَ هِىَ زُهَاءُ عَشرَةِ آلافٍ بِجَيشٍ شَاكِّينَ فِى الحَدِيدِ لَا يُرَى مِنهُم إِلَّا الحَدَقُ تَحتَ المَغافِرِ ، تَنظُرُونَ بِمَا تَعجَبُونَ؟! إِنَّما هِىَ جُثَثٌ ماثِلَةٌ فِيهَا قُلوبُ طَائِرَةٌ مُزَخرَفَةٌ بِتَموِيهِ الخَاسِرِينَ وَ رِجلِ جَرادٍ زَفَّت بِهِ رَيحُ صَبَا وَ لَفِيفُ سَدَاهُ الشَّيطَانُ و لَحمَتَهُ الضَّلالَةُ وَ صَرَخَ بِهِم نَاعِقُ البِدعَةِ ، وَ فِيهِم خُورُ البَاطِلِ وَ ضَحضَحَةُ المُكَاثِرِ فَلَو قَد مَسَّتها سُيُوفُ أَهلِ الحَقِّ لَتَهَافَتَت تَهَافُتَ الفَرَاشِ فِى النَّارِ إِلَّا فَسَوُّوا بَينَ الرُّكبِ وَ عَضُّوا عَلَى النَّوَاجِذِ وَ اضرِبُوا القَوانِصِ بِالصَّوَارِمِ وَ اشرَعُوا الرِّمَاحَ فِى الجَوَانِحِ وَ شَدُّوا فَإِنِّى شاد. حم لا ينصرون.

بر شما باد يورش به اين سپاه انبوه و خيمه‌های برپا شده، پشتش را به ضربه‌ای فروكوبيد كه شيطان ملعون بازوانش را استوار داشته و سينه‌اش را سپر كرده و كتف‌هايش را گسترانده و دستی را برای پرش جلو آورده و پايی را برای پس كشيدن عقب گذاشته است. شكيبا باشيد تا نور حق بر شما تجلّی كند كه شما برتر هستيد و خداوند با شماست و اعمالتان را تباه نخواهد كرد. معاويه در لشكری پُرسلاح با حدود ده هزار جنگجوی پوشيده در آهن كه جز چشم‌هايی به زير كلاهخود چيزی از آنان پيدا نبود، به پيش آمد. حضرت ﷺ فرمود: از آن‌چه می‌بينيد، در شگفتيد؟! اين‌ها نيستند جز جسدهايی برپا كه قلب‌هايی سست در آن‌هاست و از دغل‌كاری زيانكاران آراسته شده‌اند و پای ملخ‌اند كه باد صبا از جا برمی‌كندشان و انبوهی‌اند كه شيطان گردشان آورده و گمراهی پيوندشان داده و فرياد بدعت گوششان را پُر كرده است و نعره‌های پوچ سر می‌دهند و تكّه‌های انبوه در ميان خود دارند. اگر شمشيرهای اهل حق

آنان را لمس کند، هر آینه همچون پروانه‌ای که در آتش افتد، فرو می‌ریزند. به هوش باشید و سواران را بیارایید و دندان بر دندان بفشارید و سنگدان‌ها را با شمشیرهای برّان بدرید و نیزه‌ها را در پهلوها فرو برید و استوار باشید که من سخت استوارم و آنان هرگز پیروز نخواهند شد.

فَحَمَلُوا حَملَةَ ذِی یَدٍ (لَبدٍ) فأزَالُوهُم عَن أَمَاكِنِهِم وَ رَفعوهُم عَن مَرَاكِزِهِم وَ ارتَفَعَ الرَّهجُ وَ خُمِدَتِ الأَصوَاتُ فَلا یُسمَعُ إِلّا صَلصَلةُ الحَدِیدِ وَ غَمغَمَةُ الأَبطَالِ وَ لَا یُرَی إِلّا رَأسٌ نَادِرٍ أو یَدُ طائِحَةٌ ، وَ إِنَّا كَذلِكَ إِذ أَقبَلَ أَمِیرُ المُؤمِنِینَ علیه السلام مِن مَوضِعٍ یُرِیدُ یَتَحَالُّ الغُبارَ و یَنقَضُ العَلقَ عَن ذِرَاعَیهِ سَیفُهُ یَقطُرُ الدِّمَاءَ وَ قَدِ انحَنَی كَقَوسِ نَازِعٍ وَ هُوَ یَتلُو هَذِهِ الآیَةَ: **﴿ وَ إِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَیْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللهِ ﴾**. قَالَ: فَمَا رَأَیتُ قِتَالاً أَشَدُّ مِن ذَلِكَ الیَوم. یَا بُنَیَّ إِنِّی أَرَی المَوتَ لَا یَقلَعُ وَ مَن مَضَی لَا یَرجِعُ وَ مَن بَقِی فَإِلَیهِ یَنزِعُ إِنِّی أُوصِیكَ بِوَصِیَّةٍ فَاحفِظهَا وَ اتَّقِ اللهِ وَلیكَن أَولَی الأُمُورِ بِكَ الشُّكرُ للهِ فِی السِّرِّ وَ العَلانِیَةِ فَإِنَّ الشُّكرَ خَیرُ زَادٍ.

آن‌گاه با یال و کوپال یورش بردند و آنان را از جایگاه‌هایشان پراکندند و از پایگاه‌هایشان برافکندند و گرد به پا خاست و صداها فرو نشست و جز زنگ شمشیر و بانگ پهلوانان چیزی شنیده نمی‌شد و جز سری جدا از تن و دستی جدا از بدن چیزی دیده نمی‌شد و آن‌گاه در میان ما نیز امیرمؤمنان علیه السلام از جایی رو آورد و خواست غبار از خود برگیرد و سپر از بازوانش بگشاید، حال آن‌که از شمشیرش خون می‌چکید و چون کمانی کشیده خم شده بود و این آیه را تلاوت می‌فرمود: «و اگر دو گروه از مؤمنان با یکدیگر کارزار کنند، میان آن‌دو را اصلاح کنید. پس اگر یکی از آن دو بر [حقوق] دیگری تجاوز کند، با آن‌که متجاوز است بجنگید تا به فرمان خدا بازگردد.» هرگز کشتاری سهمگین‌تر از آن روز ندیدم. ای پسرم! من دیده‌ام که مرگ ریشه کن نمی‌شود و هر که درگذرد،

باز نمی‌گردد و هر که بر جا بماند، سویش راهی می‌شود؛ پس وصیّتی به تو می‌کنم، آن را حفظ کن و از خدا پروا کن و آن این‌که شکرگزاری از خداوند در نهان و آشکار برایت بر همه چیز مقدّم باشد که شکر بهترین توشه است.

(سورهٔ حجرات، آیهٔ ۱۳)

﴿ یا أَیُّهَا النّاسُ إِنّا خَلَقْناکُمْ مِنْ ذَکَرٍ وَ أُنْثیٰ وَ جَعَلْناکُمْ شُعُوبًا وَ قَبائِلَ لِتَعارَفُوا إِنَّ أَکْرَمَکُمْ عِنْدَ اللهِ أَتْقاکُمْ ﴾

ای مردم! بی تردید ما شما را از مرد و زنی آفریدیم، و شما را [به صورت] تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم، تا یکدیگر را بشناسید، به راستی گرامی‌ترین شما نزد خداوند پرهیزکارترین شماست.

۳۸۶. عَن حُذَیفَةَبنِ الیَمانِ عَن رَسُولِ اللهِ ﷺ أَنَّهُ قالَ: إِنَّ اللهَ تَعالَی خَلَقَ الخَلقَ قِسمَینِ ثُمَّ قَسَّمَ القِسمَینِ قَبائِلَ فَجَعَلَنِی فِی خَیرِهَا قَبِیلَةً فَذَلِكَ قَولُهُ: **﴿ یا أَیُّهَا النّاسُ إِنّا خَلَقْناکُمْ مِنْ ذَکَرٍ وَ أُنْثیٰ وَ جَعَلْناکُمْ شُعُوبًا وَ قَبائِلَ لِتَعارَفُوا ﴾** إِلَی آخِرِ الآیَةِ فَأَنَا أَتقَی وُلدِ آدَمَ وَ قَبِیلَتِی خَیرُ القَبائِلِ وَ أَکرَمُهَا عَلَی اللهِ وَ لَا فَخرَ.

حذیفة‌بن یمان گفت: رسول خدا ﷺ فرمود: خداوند متعال مردم را در دو گروه آفرید و آن دو گروه را به قبایلی تقسیم کرد و مرا در بهترین آن قبیله‌ها قرار داد و این کلام حق تعالی است: «ای مردم! بی تردید ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را به صورت تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید، به راستی گرامی‌ترین شما نزد خداوند پرهیزکارترین شماست.» من باتقواترین فرزند آدم و قبیلهٔ من بهترین قبایل و گرامی‌ترین آن‌ها در نزد خداوند است و فخر نمی‌فروشم.

وَ مِن سُورةِ ق

(سورهٔ ق، آیهٔ ۲۴)

﴿ أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ ﴾

هر کافر لجوجی را به جهنم بیفکنید.

۳۸۷. عَن مُحَمَّدِبنِ الحُسَينِ‌بنِ عَلِيٍّ العَلَوِيِّ العَمرِيِّ عَن أَبِيهِ عَن جَدِّهِ عَن عَلِيِّ‌بنِ أَبِی طالِبٍ عليه السلام فِی قَولِهِ: ﴿ أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ ﴾ قالَ: فَقالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله: إِنَّ اللهَ تَبارَكَ وَ تَعالَى إِذا جَمَعَ النّاسَ يَومَ القِيامَةِ فِی صَعِيدٍ واحِدٍ كُنتُ أَنا وَ أَنتَ يَومَئِذٍ عَن يَمِينِ العَرشِ فَيُقالُ لِی وَ لَكَ: قُوما فَأَلقِيا مَن أَبغَضَكُما وَ خالَفَكُما وَ كَذَّبَكُما فِی النّارِ.

محمّد بن حسین‌بن علی علوی عمری به نقل از پدرش از جدّش گفت: حضرت علی عليه السلام دربارهٔ کلام خداوند متعال «هر کافر لجوجی را به جهنم بیفکنید» فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله چنین فرمود: چون خداوند تبارک و تعالی مردم را در روز قیامت در جایگاه واحدی گرد آورد، در آن زمان من و تو در سمت راست عرش هستیم، آن‌گاه به من و تو گفته می‌شود: برخیزید و کسانی را که با شما دشمنی کردند و به مخالفت برخاستند و شما را تکذیب کردند، در آتش بیفکنید.

۳۸۸. حَدَّثَنا مُحَمَّدُبنُ الحَجّافِ السُّلَمِیِّ عَن جَعفَرِبنِ مُحَمَّدٍ عَن أَبِيهِ عَن آبائِهِ عليهم السلام قالَ: إِذا

كَانَ يومُ القِيامَةِ نَادَى مُنادٍ مِن بَطنَانِ العَرشِ: يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ ﴿ **أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ** ﴾ فَهُمَا المُلقِيَانِ فِي النَّارِ.

محمّد بن حجاف سلمی گفت: امام جعفر صادق علیه‌السلام به نقل از پدرشان و ایشان از پدران خویش فرمود: هنگامی‌که روز قیامت فرا رسد، ندادهنده‌ای از دو سوی عرش ندا سر می‌دهد: ای محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله و ای علی علیه‌السلام! «هر کافر لجوجی را به جهنم بیفکنید». پس آن دو کافران را در آتش اندازند.

۳۸۹. حَدَّثَنِی الحُسَینُ بنُ سَعِیدٍ مُعَنعَنًا عَن جَعفَرٍ عَن أَبِیهِ عَن آبَائِهِ علیهم‌السلام قَالَ: قَالَ النَّبِیُّ صلی‌الله‌علیه‌وآله: إِنَّ اللهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِذَا جَمَعَ النَّاسَ يَومَ القِيَامَةِ وَعَدَنِیَ المَقَامَ المَحمُودَ وَ هُوَ وَافٍ لِی بِهِ إِذَا كَانَ يَومُ القِيَامَةِ نُصِبَ لِی مِنبَرٌ لَهُ أَلفُ دَرَجَةٍ لا كَمَرَاقِيكُم فَأَصعَدُ حَتَّى أَعلُو فَوقَهُ فَيَأتِينِی جَبرَئِيلُ علیه‌السلام بِلِوَاءِ الحَمدِ فَيَضَعُهُ فِی يَدَیَّ وَ يَقُولُ: يَا مُحَمَّدُ هَذَا المَقَامُ المَحمُودُ الَّذِی وَعَدَكَ اللهُ فَأَقُولُ لِعَلِیٍّ: اصعَد، فَيَكُونُ أَسفَلَ مِنِّی بِدَرَجَةٍ فَأَضَعُ لِوَاءَ الحَمدِ فِی يَدِهِ ثُمَّ يَأتِی رِضوَانُ بِمَفَاتِيحِ الجَنَّةِ، فَيَقُولُ: يَا مُحَمَّدُ هَذَا المَقَامُ المَحمُودُ الَّذِی وَعَدَكَ اللهُ فَيَضَعُهَا فِی يَدَیَّ فَأَضَعُهَا فِی حِجرِ عَلِیِّ بنِ أَبِی طَالِبٍ، ثُمَّ يَأتِی مَالِكٌ خَازِنُ النَّارِ فَيَقُولُ: يَا مُحَمَّدُ هَذَا المَقَامُ المَحمُودُ الَّذِی وَعَدَكَ اللهُ هَذِهِ مَفَاتِيحُ النَّارِ أُدخِل عَدُوَّكَ وَ عَدُوَّ ذُرِّيَّتِكَ وَ عَدُوَّ أُمَّتِكَ النَّارَ فَآخُذُهَا وَ أَضَعُهَا فِی حِجرِ عَلِیِّ بنِ أَبِی طَالِبٍ فَالنَّارُ وَ الجَنَّةُ يَومَئِذٍ أَسمَعُ لِی وَ لِعَلِیٍّ مِنَ العَرُوسِ لِزَوجِهَا فَهُوَ قَولُ اللهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فِی كِتَابِهِ: ﴿ **أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ** ﴾ أَلقِ يَا مُحَمَّدُ وَ يَا عَلِیُّ عَدُوَّكُمَا فِی النَّارِ.

حسین‌بن سعید روایت کرده است: امام جعفر صادق علیه‌السلام به نقل از پدرشان علیه‌السلام و ایشان از پدران خویش علیهم‌السلام فرمود: پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: چون خداوند تبارک و تعالی در روز قیامت مردم را گرد آورد، مرا به مقام محمود وعده می‌دهد و با این مقام به من وفا می‌کند؛ زمانی که روز قیامت برپا گردد، برای من منبری با هزار پله و نه همچون پله‌های شما برپا می‌شود و من از آن بالا می‌روم تا این‌که

بر فراز آن می‌رسم. آن‌گاه جبرئیل علیه السلام بیرق حمد را برایم می‌آورد و آن را در دستان من قرار می‌دهد و می‌گوید: ای محمّد صلی الله علیه و آله! این مقام محمودی است که خداوند به تو وعده داده است. من نیز به علی علیه السلام می‌گویم: بالا بیا! و او پله‌ای پایین‌تر از من قرار می‌گیرد و من بیرق حمد را در دست او قرار می‌دهم. سپس رضوان با کلیدهای بهشت می‌آید و می‌گوید: ای محمّد! این مقام محمودی است که خداوند به تو وعده داده است. سپس کلیدها را در دستان من قرار می‌دهد و من آن‌ها را در اختیار علی بن ابی‌طالب علیه السلام می‌گذارم. سپس مالک، دربان دوزخ می‌آید و می‌گوید: ای محمّد! این مقام محمودی است که خداوند به تو وعده داده است. این کلیدهای جهنم است، دشمن خود و دشمن فرزندان و دشمن امتّت را در آتش انداز. من آن‌ها را می‌گیرم و در اختیار علی بن ابی‌طالب علیه السلام می‌گذارم. جهنم و بهشت در آن روز برای من و علی از عروسی برای شویش مطیع‌تر هستند. و این کلام خداوند تبارک و تعالی در کتابش است که فرمود: «هر کافر لجوجی را به جهنم بیفکنید». ای محمّد! و ای علی! دشمنانتان را در آتش بیفکنید.

ثُمَّ أَقُومُ فَأُثنِی عَلَی اللهِ ثَنَاءً لَم یَثنِ عَلَیهِ أَحَدٌ قَبلِی ثُمَّ أُثنِی عَلَی المَلَائِکَةِ المُقَرَّبِینَ ثُمَّ أُثنِی عَلَی الأَنبِیَاءِ المُرسَلِینَ ثُمَّ أُثنِی عَلَی الأُمَمِ الصَّالِحِینَ ثُمَّ أَجلِسُ فَیُثنِی اللهُ وَ یُثنِی عَلَیَّ مَلَائِکَتُهُ وَ یُثنِی عَلَیَّ أَنبِیَاءُهُ وَ رُسُلُهُ وَ یُثنِی عَلَیَّ الأُمَمُ الصَّالِحَةُ.

ثُمَّ یُنَادِی مُنَادٍ مِن بَطنَانِ العَرشِ: یَا مَعشَرَ الخَلَائِقِ غُضُّوا أَبصَارَکُم حَتَّی تَمُرَّ بِنتُ حَبِیبِ اللهِ إِلَی قَصرِهَا، فَتَمُرُّ فَاطِمَةُ بِنتِی عَلَیهَا رِیطَتَانِ خَضرَاوَانِ حَولَهَا سَبعُونَ أَلفَ حَورَاءَ فَإِذَا بَلَغَت إِلَی بَابِ قَصرِهَا وَجَدَتِ الحَسَنَ قَائِمًا وَ الحُسَینَ نَائِمًا مَقطُوعَ الرَّأسِ فَتَقُولُ لِلحَسَنِ: مَن هَذَا؟ فَیَقُولُ: هَذَا أَخِی إِن أُمَّةَ أَبِیکِ قَتَلُوهُ وَ قَطَعُوا رَأسَهُ، فَیَأتِیهَا النِّدَاءُ مِن عِندَ اللهِ: یَا بِنتَ حَبِیبِ اللهِ إِنِّی إِنَّمَا أَرَیتُکِ مَا فَعَلَت بِهِ أُمَّةُ أَبِیکِ لِأَنِّی ادَّخَرتُ لَکِ عِندِی تَعزِیَةً بِمُصِیبَتِکِ فِیهِ، إِنِّی جَعَلتُ لِتَعزِیَتِکِ بِمُصِیبَتِکِ فِیهِ أَنِّی

لَا أَنظُرُ فِی مُحَاسَبَةِ العِبادِ حَتَّی تَدخُلَی الجَنَّةَ أَنتَ وَ ذُرِّیَّتُكِ وَ شِیعَتُكِ وَ مَن أَولَاكُم مَعرُوفًا مِمَّن لَیسَ هُوَ مِن شِیعَتِكِ قَبلَ أَن أَنظُرَ فِی مُحَاسَبَةِ العِبادِ. فَتَدخُلُ فَاطِمَةُ ابنَتِی الجَنَّةَ وَ ذُرِّیَّتُهَا وَ شِیعَتُها وَ مَن وَالَاهَا مَعرُوفًا مِمَّن لَیسَ هُوَ مِن شِیعَتِهَا فَهُوَ قَولُ اللهِ تَعَالَی فِی کِتَابِهِ: ﴿ **لَا یَحْزُنُهُمُ ٱلْفَزَعُ ٱلْأَکْبَرُ** ﴾ قَالَ: هُوَ یَومُ القِیَمَةِ ﴿ **وَ هُمْ فِیمَا ٱشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ خَالِدُونَ** ﴾ هِیَ وَاللهِ فَاطِمَةُ وَ ذُرِّیَّتُهَا وَ شِیعَتُهَا وَ مَن أَولَاهُم مَعرُوفًا مِمَّن لَیسَ هُوَ مِن شِیعَتِهَا.

سپس برمی‌خیزم و خداوند را چنان ثنا می‌گویم که هیچ کس پیش از من نگفته باشد و بعد از آن فرشتگان مقرّب را و سپس پیامبران مرسل را و سپس امّت‌های نیکوکار را ثنا می‌گویم و پس از آن می‌نشینم. آن‌گاه خداوند مرا ثنا می‌گوید و پس از آن فرشتگانش و سپس پیامبرانش و سپس امّت‌های نیکوکار مرا ثنا می‌گویند. در آن دم نداده‌نده‌ای از دو سوی عرش ندا سر می‌دهد: ای گروه آفریدگان! چشم فروگیرید تا دختر حبیب خدا سوی قصرش گذر کند. پس دخترم فاطمه ﷺ در حالی که دو چادر سبز بر سر و هفتاد هزار پری سیاه‌چشم گرداگرد خود دارد، می‌گذرد و چون بر در قصر خویش می‌رسد، حسن ﷺ را بر پا و حسین ﷺ را درازکش و سر بریده می‌بیند. آن‌گاه به حسن ﷺ می‌گوید: این کیست؟ می‌گوید: این برادرم است که امّت پدرت او را کشتند و سرش را بریدند. در آن هنگام ندایی از جانب خداوند به او می‌رسد که ای دختر حبیب خدا! من آن‌چه را امّت پدرت با او کردند، نشانت دادم؛ چراکه از پیش به خاطر مصیبتی که در او دیدی، تسلیتی برایت نزد خود گذاشته‌ام و آن این‌که بر حساب بندگانم نمی‌نگرم تا تو و فرزندانت و شیعیانت و هر آن‌که از غیر شیعیانت به تو نیکی کرده به بهشت درآیید. آن‌گاه دخترم فاطمه ﷺ و فرزندانش و شیعیانش و هر آن‌که از غیر شیعیانش به او نیکی کرده، به بهشت در می‌آیند و این کلام خداوند متعال است در کتابش: «وحشت بزرگ آن‌ها را

اندوهگین نمی‌کند.» در روز قیامت «آنان در آن‌چه دلشان بخواهد جاودانه متنعّم خواهند بود.» به خدا سوگند آنان فاطمه ﷺ و فرزندانش و شیعیانش و هر آن‌که از غیرشیعیانش به او نیکی کرده، می‌باشند.

۳۹۰. قَالَ: حَدَّثَنِی عُثمَانُ‌بنُ مُحَمَّدٍ وَ الحُسَینُ‌بنُ سَعِیدٍ وَ اللَّفظُ لِلحُسَینِ مُعنعَنًا: عَن جَعفرِبنِ مُحَمَّدٍ ﷺ قَالَ: إِذَا کَانَ یَومُ القِیَامَةِ نُصِبَ مِنبَرٌ یَعلُو المَنَابِرَ فَیَتطاوَلُ الخَلائِقُ لِذَلِكَ المِنبَرِ إِذ طَلَعَ رَجُلٌ عَلَیهِ حُلَّتَانِ خَضرَاوَانِ مُتَّزِرٌ بِوَاحِدَةٍ مُتَرَّدٍ بِأُخرَی، فَیَمُرُّ بِالمَلَائِکَةِ فَیَقُولُونَ: هَذَا مِنَّا فَیَجُوزُهُم، ثُمَّ یَمُرُّ بِالشُّهَدَاءِ فَیَقُولُونَ: هَذَا مِنَّا فَیَجُوزُهُم وَ یَمُرُّ بِالنَّبِیِّینَ فَیَقُولُونَ هَذَا مِنَّا فَیَجُوزُهُم حَتَّی یَصعَدَ المِنبَرَ. ثُمَّ یَغِیبَانِ مَا شَاءَ اللهُ ثُمَّ یَطلَعَانِ فَیُعرَفَانِ مُحَمَّدٌ ﷺ وَ عَلِیٌّ وَ عَن یَسَارِ النَّبِیِّ مَلَكٌ وَ عَن یَمِینِهِ مَلَكٌ فَیَقُولُ المَلَكُ الَّذِی عَن یَمِینِهِ: یَا مَعشَرَ الخَلَائِقِ أَنَا رِضوَانُ خَازِنُ الجِنَانِ أَمَرَنِی اللهُ بِطَاعَتِهِ وَ طَاعَةِ مُحَمَّدٍ ﷺ وَ طَاعَةِ عَلِیِّ‌بنِ أَبِی‌طَالِبٍ ﷺ وَ هُوَ قَالَ اللهِ تَعَالَی: ﴿**أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ**﴾ یَا مُحَمَّدُ یَا عَلِیُّ ﷺ، وَ یَقُولُ المَلَكُ الَّذِی عَن یَسَارِه: یَا مَعشَرَ الخَلَائِقِ أَنَا خَازِنُ جَهَنَّمَ أَمَرَنِی اللهُ بِطَاعَتِهِ وَ طَاعَةِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ عَلَیهِمِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ.

عثمان‌بن محمّد و حسین‌بن سعید ـ کلام از حسین است ـ گفتند: امام جعفر صادق ﷺ فرمود: چون روز قیامت فرا رسد، منبری والاتر از تمامی منبرها برپا می‌شود و آفریدگان همگی چشم سوی آن منبر می‌دوزند. در آن دم مردی از راه می‌رسد که دو دیبا بر تن دارد و از یکی ازاری ساخته و از دیگری ردایی. او از پیش فرشتگان می‌گذرد و آنان می‌گویند: این از ماست و او عبور می‌کند. سپس از پیش شهیدان می‌گذرد و آنان می‌گویند: این از ماست و او عبور می‌کند. سپس از پیش پیامبران می‌گذرد و آنان می‌گویند: این از ماست و او عبور می‌کند تا این‌که از آن منبر بالا می‌رود. سپس آن‌دو تن هر آن‌قدر خدا بخواهد از دیدگان پنهان می‌شوند و سپس نمایان می‌گردند و همگان

درمی‌یابند که ایشان حضرت محمّد ﷺ و حضرت علی علیه السلام هستند و حال آن‌که بر سمت چپ پیامبر فرشته‌ای و بر سمت راستش فرشته‌ای قرار گرفته است. آن‌گاه فرشته سمت راست می‌گوید: ای گروه آفریدگان! من رضوان، دربان بهشت هستم و خداوند مرا فرمان داده تا از او و از محمّد ﷺ و از علی علیه السلام اطاعت کنم و این کلام خداوند متعال است: «هر کافر لجوجی را به آتش بیفکنید» ای محمّد و ای علی علیهما السلام؛ فرشتهٔ سمت چپ می‌گوید: ای گروه آفریدگان! من مالک، دربان دوزخ هستم و خداوند مرا فرمان داده تا از او و از محمّد ﷺ و از علی علیه السلام فرمان برم.

وَ مِن سُورةِ الذاريات

(سورۀ ذاريات، آيۀ ۵ ـ ۹)

﴿ إِنَّمٰا تُوعَدُونَ لَصٰادِقٌ * وَ إِنَّ الدِّينَ لَوٰاقِعٌ * وَ السَّمٰاءِ ذٰاتِ الْحُبُكِ * إِنَّكُمْ لَفي قَوْلٍ مُخْتَلِفٍ * يُؤْفَكُ عَنْهُ مَنْ أُفِكَ ﴾

جز اين نيست كه آن‌چه وعده داده مى‌شويد، قطعاً راست است و بى‌ترديد دين حقيقت دارد. و سوگند به آسمان داراى راه‌ها[ى تودرتو]. به راستى شما عقيده گوناگونى داريد. از آن (بهشت) برگردانده مى‌شود هر كس برگردانده شده است.

۳۹۱. عَن أَبِى حَمزَةَ الثُّمَالِىِّ قَالَ: قُلتُ لِأَبى جَعفَرٍ عليه السلام: **﴿ وَ السَّمٰاءِ ذٰاتِ الْحُبُكِ ﴾** قَالَ: اَلسَّمَاءُ فِى بَطنِ القُرآنِ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه و آله وَ الحُبُكُ أَمِيرُالمُؤمِنِينَ عَلِىُّ بنُ أَبِى طَالِبٍ عليه السلام وَ هُوَ ذَاتُ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله وَ أَهلِ بَيتِهِ عليهم السلام.

ابوحمزه ثمالى گفت: امام محمّد باقر عليه السلام فرمود: در آيۀ «سوگند به آسمان داراى راه‌هاى تودرتو» منظور از آسمان در بطن قرآن، رسول خدا صلى الله عليه و آله و منظور از «راه‌ها» اميرمؤمنان على بن ابى طالب عليه السلام است و او پيامبر صلى الله عليه و آله و اهل بيتش را داراست.

۳۹۲. جَعفَرُبنُ مُحَمَّدٍ الفَزَارِىُّ مُعنعَنًا عَن أَبِى جَعفَرٍ عليه السلام فِى قَولِهِ تَعَالَى: **﴿ إِنَّمٰا تُوعَدُونَ

لَصٰادِقٌ * وَ إِنَّ الدِّینَ لَوٰاقِعٌ * وَ السَّمٰاءِ ذٰاتِ الْحُبُكِ ﴾ قَالَ: الدِّینُ عَلِیٌّ ﷺ ﴿ وَ السَّمٰاءِ ذٰاتِ الْحُبُكِ ﴾ فَإِنَّهُ رَسُولُ اللهِ ﷺ ، وَ أَمَّا قَولُهِ: ﴿ إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُخْتَلِفٍ ﴾ فَإِنَّهُ یَعنِی هٰذِهِ الْأُمَّةَ تَختَلِفُ فِی وَلَایَةِ عَلِیِّ بن أَبی طالِبٍ ﷺ فَمَنِ استَقَامَ فِی وَلَایَةِ عَلِیٍّ دَخَلَ الجَنَّةَ وَ مَن خَالَفَ وَلَایَتَهُ دَخَلَ النَّارَ ، ﴿ یُؤْفَكُ عَنْهُ مَنْ أُفِكَ ﴾ فَإِنَّهُ یَعنِی عَلِیًّا فَمَن أُفِكَ عَن وَلَایَتِهِ أُفِكَ عَنِ الجَنَّةِ.

جعفر بن محمّد فزاری روایت کرده است: امام محمّد باقر ﷺ دربارهٔ کلام خداوند متعال «جز این نیست که آن‌چه وعده داده می‌شوید، قطعاً راست است و بی‌تردید دین حقیقت دارد و سوگند به آسمان دارای راه‌های تودرتو» فرمود: منظور از دین، امیرمؤمنان علی ﷺ و منظور از آسمانِ دارای راهی تودرتو، رسول خدا ﷺ است. و اما در کلام حق تعالی «به راستی شما عقیدهٔ گوناگونی دارید»، منظور این امّت است که در ولایت امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب ﷺ اختلاف کردند. پس هر که در ولایت علی ﷺ استقامت ورزد، به بهشت درآید و هر که با ولایت او مخالفت ورزد، به آتش درآید. «از آن برگردانده می‌شود، هر کس برگردانده شده است.» منظور علی ﷺ است؛ هر که از ولایت او برگردد، از بهشت برگردانده شده است.

(سورهٔ ذاریات، آیهٔ ۳۶)

﴿ فَمٰا وَجَدْنٰا فیهٰا غَیْرَ بَیْتٍ مِنَ الْمُسْلِمینَ ﴾

پس در آنجا از مسلمانان جز [اهل] یک خانه [را] نیافتیم.

۳۹۳. قَالَ: حَدَّثَنِی الحُسَینُ بنُ سَعِیدٍ مُعَنعَنًا عَن أَبِی جَعفَرٍ ﷺ فِی قَولِهِ: ﴿ فَأَخْرَجْنٰا مَنْ كٰانَ فیهٰا مِنَ الْمُؤْمِنینَ * فَمٰا وَجَدْنٰا فیهٰا غَیْرَ بَیْتٍ مِنَ الْمُسْلِمینَ ﴾ قَالَ: نَحنُ أَهلُ بَیتِ مُحَمَّدٍ ﷺ.

حسین بن سعید روایت کرده است: امام جعفر صادق ﷺ دربارهٔ کلام حق تعالی «پس هر که از مؤمنان در آن [شهر] بود بیرون کردیم. پس در آنجا از مسلمانان جز یک خانه [را] نیافتیم» فرمود: منظور ما اهل بیت محمّد ﷺ است.

وَ مِن سُورَةِ الطُّورِ

(سورة طور، آية ۲۱)

﴿ وَ الَّذينَ آمَنُوا وَ اتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإيمانٍ أَلْحَقْنا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ ﴾

و كسانى كه ايمان آوردند و فرزندانشان در ايمان از آنان پيروى كردند، فرزندانشان را به آنان ملحق مى‌كنيم.

۳۹۴. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ قالَ: سَمِعتُ أَميرَ المُؤمِنينَ عَلِيَّ بنَ أَبى طالِبٍ عليه السلام يَقُولُ: دَخَلَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه و آله ذاتَ يومٍ عَلى فاطِمَةَ عليها السلام وَ هِىَ حَزِينَةٌ فَقالَ لَها: ما حُزنُكِ يا بُنَيَّةِ؟ قالَت: يا أَبَةِ ذَكَرتُ المَحشَرَ وَ وُقُوفَ النّاسِ عُراةً يومَ القِيامَةِ. قالَ: يا بُنَيَّةِ إِنَّهُ لَيَومٌ عَظِيمٌ وَلكِن قَدأَخبَرَنى جِبرَئيلُ عَنِ اللهِ ـ عَزَّ وَ جَلَّ ـ قالَ: أَوَّلُ مَن يَنشَقُّ عَنهُ الأَرضُ يَومَ القِيامَةِ أَنا ثُمَّ أَبى إِبراهِيمُ ثُمَّ بَعلُكِ عَلِيُّ بنُ أَبى طالِبٍ عليه السلام ثُمَّ يَبعَثُ اللهُ إِلَيكِ جِبرَئيلَ فى سَبعِينَ أَلفَ مَلَكٍ فَيَضرِبُ عَلى قَبرِكِ سَبعَ قِبابٍ مِن نُورٍ ثُمَّ يَأتِيكِ إِسرافِيلُ بِثَلاثِ حُلَلٍ مِن نُورٍ فَيَقِفُ عِندَ رَأسِكِ فَيُنادِيكِ: يا فاطِمَةُ ابنَةُ مُحَمَّدٍ قُومِى إِلى مَحشَرِكِ فَتَقُومِينَ آمِنَةً رَوعَتَكِ مَستُورَةً عَورَتُكِ فَيُناوِلُكِ إِسرافِيلُ الحُلَلَ فَتَلبَسِينَها وَ يَأتِيكِ رُوفائِيلُ بِنَجِيبَةٍ مِن نُورٍ زِمامُها مِن لُؤلُؤٍ رَطبٍ عَلَيها مِحَفَّةٌ مِن ذَهَبٍ فَتَركَبِينَها وَ يَقُودُ رُوفائِيلُ بِزِمامِها وَ بَينَ يَدَيكِ سَبعُونَ أَلفَ مَلَكٍ بِأَيدِيهِم أَلوِيَةُ التَّسبِيحِ فَإِذا جَدَّ

بِكِ السَّيرُ استَقبَلَتكِ سَبعُونَ أَلف حَورَاءَ يَستَبشِرُونَ بِالنَّظَرِ إِلَيكِ بِيَدِ كُلِّ وَاحِدَةٍ مِنهُنَّ مِجمَرَةٌ مِن نُورٍ يَسطَعُ مِنهَا رِيحُ العُودِ مِن غَيرِ نَارٍ ، وَ عَلَيهِنَّ أَكَالِيلُ الجَوهَرِ مُرَصَّعٍ بِالزَّبَرجَدِ الأَخضَرِ فَيَسِرنَ عَن يَمِينِكِ ، فَإِذَا مِثلَ الَّذِى سِرتَ مِن قَبرِكِ إِلَى أَن لَقِيَتكِ استَقبَلَتكِ مَريَمُ بِنتُ عِمرَانَ فِى مِثلِ مَن مَعَكِ مِنَ الحُورِ فَتُسَلِّمُ عَلَيكِ وَتَسِيرُ هِىَ وَ مَن مَعَهَا عَن يَسَارِكِ ، ثُمَّ استَقبَلَتكِ أُمُّكِ خَدِيجَةُ بِنتُ خُوَيلِدٍ أَوَّلُ المُؤمِنَاتِ بِاللهِ وَ رَسُولِهِ وَ مَعَهَا سَبعُونَ أَلف مَلَكٍ بِأَيدِيهِم أَلوِيَةُ التَّكبِيرِ فَإِذَا قَرُبتِ مِنَ الجَمعِ استَقبَلَتكِ حَوَّاءُ فِى سَبعِينَ أَلف حَورَاءَ وَمَعَهَا آسِيَةُ بِنتُ مُزَاحِمٍ فَتَسِيرُ هِىَ وَ مَن مَعَهَا مَعَكِ فَإِذَا تَوَسَّطتِ الجَمعَ وَ ذَلِكَ أَنَّ اللهَ يَجمَعُ الخَلَائِقَ فِى صَعِيدٍ وَاحِدٍ فَيَستَوِى بِهِمُ الاَقدَامُ.

ابن عباس گفت: از امیرمؤمنان علی علیه‌السلام شنیدم که فرمود: روزی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بر حضرت فاطمه علیهاالسلام وارد شد و حال آن‌که آن بانو غمگین بود. به حضرت فاطمه علیهاالسلام فرمود: دخترم! چرا غمگینی؟ حضرت فاطمه فرمود: ای پدر! روز محشر و برهنگی مردم در قیامت را به یاد آوردم. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: دخترم! آن روز، روز بسیار بزرگی است؛ اما جبرئیل از سوی خداوند عزّوجلّ مرا خبر داد: چون در آن روز زمین شکافته شود، نخستین کسی که از زمین خارج می‌شود، من هستم؛ پس از من ابراهیم خلیل و پس از او شوهر تو علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام بیرون می‌آید. آن‌گاه خداوند مهربان جبرئیل را با هفتاد هزار ملک بر مزار تو خواهد فرستاد و او بر مزار تو هفت قبهٔ نور نصب خواهد کرد؛ سپس اسرافیل سه جامه از نور برایت می‌آورد و بالای سرت می‌ایستد و ندا سر می‌دهد: ای فاطمه دختر محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله! به سوی محشرت درآ. در آن دم تو برمی‌خیزی حال آن‌که از ترس در امانی و بدنت پوشیده است. اسرافیل جامه‌ها را تقدیمت می‌کند و تو آن‌ها را بر تن می‌کنی. پس از آن روفائیل مرکبی از نور برایت می‌آورد که لگامش از مروارید تر است و کجاوه‌ای از زر بر پشت

دارد. تو بر آن می‌نشینی و روفائیل لگامش را به دست می‌گیرد حال آن‌که هفتاد هزار فرشته پیشاپیش تو بیرق‌های تسبیح در دست دارند. چون تو به راه افتی، هفتاد هزار پری سیاه‌چشم به استقبالت می‌آیند و از نگریستن به تو شادمان می‌شوند. هر یک از آنان مجمره‌ای از نور در دست دارد که بی‌هیچ آتشی بوی عود می‌پراکند و همگی تاج‌هایی از گوهر آراسته به زبرجد سبز بر سر دارند و سمت راست تو راهی می‌شوند. تو چونان‌که از مزارت به راه افتاده‌ای، راه می‌سپاری تا این‌که مریم دخت عمران با پریان سیاه‌چشمی همچون آنان که همراه تواند، به استقبالت می‌آید و بر تو سلام می‌کند و او نیز با هر آن‌که به همراه دارد، در سمت چپ تو راهی می‌شود. سپس مادرت دخت خویلد، نخستین بانوی مؤمن به خدا و رسولش، به استقبالت می‌آید و هفتاد هزار فرشته به همراه دارد که در دستانشان بیرق‌های تکبیر است. چون تو به آن جمع نزدیک شوی، حوا در میان آن هفتاد هزار پری سیاه‌چشم به همراهی آسیه دخت مزاحم به استقبالت می‌آید و با همرهان خود در پی تو به راه می‌افتد و چون تو در میان آن جمع درآیی، آن دمی است که خداوند آفریدگان را در یک رتبه گرد می‌آورد و گام‌هایشان را با هم برابر می‌نهد.

ثُمَّ یُنَادِی مُنَادٍ مِن تَحتِ العَرشِ یُسمِعُ الخَلائِقَ: غُضُّوا أَبصَارَکُم حَتَّی تَجُوزَ فَاطِمَةُ الصِّدِّیقَةُ ابنَةُ مُحَمَّدٍ ﷺ وَ مَن مَعَهَا. فَلَا یَنظُرُ إِلَیكِ یَومَئِذٍ إِلَّا إِبرَاهِیمُ خَلِیلُ الرَّحمَانِ ﷺ وَ عَلِیُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ ﷺ، وَ یَطلُبُ آدَمُ حَوَّاءَ فَیَرَاهَا مَعَ أُمِّكِ خَدِیجَةَ أَمَامَكِ ثُمَّ یُنصَبُ لَكِ مِنبَرٌ مِنَ النُّورِ فِیهِ سَبعُ مَرَاقِیَ بَینَ المِرقَاةِ إِلَی المِرقَاةِ صُفُوفُ المَلَائِکَةِ بِأَیدِیهِم أَلوِیَةُ النُّورِ، وَ تَصطَفُّ الحُورُ العِینُ عَن یَمِینِ المِنبَرِ وَ عَن یَسَارِهِ، وَ أَقرَبُ النِّسَاءِ مَعَكِ عَن یَسَارِكِ حَوَّاءُ وَ آسِیَةُ بِنتُ مُزَاحِمٍ، فَإِذَا صِرتِ فِی أَعلَا المِنبَرِ أَتَاكِ جَبرَئِیلُ ﷺ فَیَقُولُ لَكِ: یَا فَاطِمَةُ سَلِی حَاجَتَكِ، فَتَقُولِینَ: یَا رَبِّ أَرِنِی الحَسَنَ وَ الحُسَینَ فَیَأتِیَانِكِ وَ أَودَاجُ الحُسَینِ تَشخُبُ دَمًا وَ هُوَ یَقُولُ: یَا رَبِّ خُذ لِیَ الیَومَ حَقِّی

مِمَّن ظَلَمَنی، فَیغضَبُ عِندَ ذَلِكَ الجَلیلُ وَ یَغضَبُ لِغَضَبِهِ جَهَنَّمُ وَ المَلائِکَةُ أَجمَعُونَ فَتَزفِرُ جَهَنَّمُ عِندَ ذَلِكَ زَفرَةً ثُمَّ یَخرُجُ فَوجُ مِنَ النَّارِ وَ یَلتَقِطُ قَتَلَةَ الحُسَینِ وَ أَبناءَهُم وَ أَبناءَ أَبنَاءِهِم وَ یَقُولُونَ: یا رَبِّ إِنَّا لَم نَحضُرِ الحُسَینَ ﷺ فَیَقُولُ اللهُ لِزَبانِیَةِ جَهَنَّمَ: خُذُوهُم بِسِیمَاهُم بِزُرقَةِ الأَعیُنِ وَ سَوَادِ الوُجُوهِ، خُذُوا بِنَواصِیهِم فَأَلقُوهُم فِی الدَّرَكِ الأَسفَلِ مِنَ النَّارِ فَأَنَّهُم کَانُوا أَشَدَّ عَلی أَولِیاءِ الحُسَینِ مِن آبَائِهِمُ الَّذِینَ حَارَبُوا الحُسَینَ فَقَتَلُوهُ، فَیُسمَعُ شَهِیقُهُم فِی جَهَنَّمَ.

در آن دم ندادهنده‌ای از زیر عرش چنان‌که تمامی آفریدگان بشنوند، ندا سر می‌دهد: دیده فروبندید تا فاطمه صدّیقه دخت محمّد ﷺ با همراهانش بگذرند. در آن روز هیچ کس جز ابراهیم خلیل ﷺ و علی بن ابی‌طالب ﷺ سوی تو نظر نمی‌کند و آدم ﷺ نیز چون به جست‌وجوی حوا درآید، او را با مادر تو خدیجه پیش روی تو می‌یابد. آن‌گاه از برای تو منبری از نور با هفت پله برپا می‌دارند که میان هر پله‌اش فرشتگانی با بیرق‌های نور صف بسته‌اند و پریانی سیاه‌چشم از راست و چپش صف زده‌اند، حال آن‌که نزدیک‌ترین زن از همراهانت حوا و آسیه دخت مزاحم در سمت چپ تو هستند. چون تو بر منبر فراز شوی، جبرئیل ﷺ سویت می‌آید و می‌گوید: ای فاطمه! حاجتت را بگو. تو می‌گویی: پروردگارا! حسن و حسین ﷺ را به من نشان ده. آن‌دو را نزد تو می‌آورند حال آن‌که از شاهرگ گلوی حسین خون بیرون می‌جهد و او می‌گوید: پروردگارا! امروز حقّ مرا از آنان که به من ستم کردند بستان. در آن دم خداوند جلیل را خشم می‌گیرد و از خشم او دوزخ و فرشتگان همگی خشمناک می‌شوند و دوزخ بانگی مهیب برمی‌کشد و موجی از آتش از آن سر بر می‌آورد و قاتلان حسین ﷺ و فرزندان و فرزندزادگان ایشان را برمی‌چینند. برخی از آنان می‌گویند: پروردگارا! ما که به هنگام قتل حسین حاضر نبودیم! و خداوند به فرشتگان عذاب می‌فرماید: آنان را از روی چهره‌هایشان که چشمانی آبی و صورتی سیاه دارند بگیرید، آنان را از پیشانی بگیرید و در

پایین‌ترین طبقهٔ دوزخ اندازید؛ چرا که اینان بر دوستداران حسین ؑ ستمکارتر از پدرانشان بودند که با حسین ؑ جنگیدند و او را به قتل رساندند. آن‌گاه نالهٔ آنان در دوزخ شنیده می‌شود.

ثُمَّ يَقُولُ جبرَئيلُ: يا فاطِمَةُ سَلِي حاجَتَكِ؟ فَتَقُولِينَ: يا رَبِّ شِيعَتِي، فَيَقُولُ اللهُ: قَد غَفَرتُ لَهُم، فَتَقُولِينَ: يا رَبِّ شِيعَةُ وَلَدِي، فَيَقُولُ اللهُ: قَد غَفَرتُ لَهُم، فَتَقُولِينَ: يا رَبِّ شِيعَةُ شِيعَتِي، فَيَقُولُ اللهُ: انطَلِقِي فَمَن اعتَصَمَ بِكِ فَهُوَ مَعَكِ فِي الجَنَّةِ، فَعِندَ ذٰلِكَ يَوَدُّ الخَلائِقُ أَنَّهُم كانُوا فاطِمِيِّينَ، فَتَسِيرِينَ وَ مَعَكِ شِيعَتُكِ وَ شِيعَةُ وُلدِكِ وَ شِيعَةُ أَميرِالمُؤمِنِينَ آمِنَةً رَوعاتِهِم مَستُورَةً عَوراتُهُم قَد ذَهَبَت عَنهُمُ الشَّدائِدُ وَ سَهُلَت لَهُمُ المَوارِدُ، يَخافُ النّاسُ وَ هُم لا يَخافُونَ وَ يَظمَأُ النّاسُ وَ هُم لا يَظمَأُونَ فَإِذا بَلَغتِ بابَ الجَنَّةِ تَلَقَّتكِ اثنَى عَشَرَ أَلفَ حَوراءَ لَم يَلتَقِينَ أَحَدًا قَبلَكِ وَ لا يَتَلَقَّينَ أَحَدًا بَعدَكِ، بِأَيدِيهِم حِرابٌ مِن نُورٍ عَلَى نَجائِبَ مِن نُورٍ رَحائِلُها مِنَ الذَّهَبِ الأَصفَرِ وَ الياقُوتِ، أَزِمَّتُها مِن لُؤلُؤٍ رَطبٍ، عَلَى كُلِّ نَجِيبَةٍ نُمرُقَةٌ مِن سُندُسٍ مَنضُودٍ فَإِذا دَخَلتِ الجَنَّةَ تُباشِرُ بِكِ أَهلُها وَ وُضِعَ لِشِيعَتِكِ مَوائِدُ مِن جَوهَرٍ عَلَى أَعمِدَةٍ مِن نُورٍ، فَيَأكُلُونَ مِنها وَ النّاسُ فِي الحِسابِ وَ هُم فِيما اشتَهَت أَنفُسُهُم خالِدُونَ، فَإِذا استَقَرَّ أَولِياءُ اللهِ فِي الجَنَّةِ زارَكِ آدَمُ وَ مَن دُونَهُ مِنَ النَّبِيِّينَ، وَ إِنَّ فِي بُطنانِ الفِردَوسِ لَلُؤلُؤَتانِ مِن عِرقٍ واحِدٍ، لُؤلُؤَةٌ بَيضاءُ وَ لُؤلُؤَةٌ صَفراءُ فِيها قُصُورٌ وَ دُورٌ فِي كُلِّ واحِدَةٍ سَبعُونَ أَلفَ دارٍ، البَيضاءُ مَنازِلُ لَنا وَ لِشِيعَتِنا وَ الصَّفراءُ مَنازِلُ لِإبراهِيمَ وَ آلِ إِبراهِيمَ.

قالَت: يا أَبَةِ فَما كُنتُ أُحِبُّ أَن أَرَى يَومَكَ وَ أَبقَى بَعدَكَ. قالَ: يا بُنَيَّةَ لَقَد أَخبَرَنِي جَبرَئيلُ عَنِ اللهِ إِنَّكِ أَوَّلُ مَن يَلحَقُنِي مِن أَهلِ بَيتِي فَالوَيلُ كُلُّهُ لِمَن ظَلَمَكِ وَ الفَوزُ العَظِيمُ لِمَن نَصَرَكِ.

قالَ عَطاءُ: وَ كانَ ابنُ عَبّاسٍ إِذا ذَكَرَ هَذَا الحَدِيثَ تَلا هَذِهِ الآيَةَ: ﴿ **وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ اتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمانٍ أَلْحَقْنا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ ما أَلَتْناهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِما كَسَبَ رَهِينٌ** ﴾.

سپس جبرئیل می‌گوید: ای فاطمه! حاجتت را بگو. تو می‌گویی: پروردگارا! شیعیانم را دریاب. خداوند می‌فرماید: آمرزیدمشان. تو می‌گویی: پروردگارا! شیعیان فرزندم را دریاب. خداوند می‌فرماید: آمرزیدمشان. تو می‌گویی: پروردگارا! یاران شیعیانم را دریاب. خداوند می‌فرماید: به راه درآ که هر کس به دامان تو چنگ اندازد، با تو در بهشت است. در آن هنگام تمامی آفریدگان آرزو دارند که ای کاش فاطمی بودند. تو به راه می‌افتی و شیعیان تو و شیعیان فرزند تو و شیعیان امیرمؤمنان ﷺ همراه تو به راه می‌افتند حال آن‌که از ترس در امان هستند و بدن‌هایشان پوشیده است و سختی‌ها از آنان رخت بربسته و راه‌ها بر آنان آسان گشته است. مردم ترسانند و ایشان نمی‌ترسند و مردم تشنه‌اند و ایشان تشنه نیستند. وقتی تو به دروازهٔ بهشت می‌رسی، دوازده هزار پری سیاه‌چشم با تو رویارو می‌شوند؛ پریانی که نه پیش از تو با کسی رویارو شده‌اند و نه پس از تو با کسی رویارو می‌شوند. در دستانشان نیزه‌هایی از نور است و بر مرکب‌هایی از نور نشسته‌اند که جهازهایی از طلای زرد و یاقوت و لگام‌هایی از مروارید تر دارند و بر هر یک از آن‌ها بالشی از دیبای آراسته است. چون تو به بهشت درآیی، بهشتیان ورود تو را به هم مژده می‌دهند و سفره‌هایی از گوهر بر ستون‌هایی از نور برای شیعیان تو می‌گسترانند و ایشان از آن سفره‌ها می‌خورند؛ حال آن‌که مردمان دیگر حساب پس می‌دهند و ایشان در هر آن‌چه که دلشان بخواهد، جاودانه‌اند. وقتی دوستان خدا در بهشت جای گیرند، آدم به همراه پیامبران تو را زیارت می‌کنند. در میان بهشت در دو جا دو مروارید از یک سنخ قرار دارد، مرواریدی سفید و مرواریدی زرد که در هر یک کاخ‌ها و سراهایی قرار دارد که در هر یک هفتاد هزار سرا قرار دارد. سراهای سفید منزلگاه‌های ما و شیعیان ماست و سراهای زرد از برای ابراهیم ﷺ و خاندان ابراهیم ﷺ است. آنگاه حضرت فاطمه ﷺ فرمود: ای پدر! هیچ دوست نمی‌داشتم که روز درگذشت تو را ببینم و پس از تو بر جا

بمانم. پیامبر ﷺ فرمود: دخترکم! جبرئیل از سوی خداوند متعال مـرا خـبر داده نخستین کسی که از اهل بیتم به من می‌پیوندد، تو هستی؛ پس نگون‌بختی، سراسر برای کسانی است که به تو ستم کنند و رستگاری بزرگ برای آنان است که تو را یاری دهند. عطاء گفت: ابن عباس پس از ذکر این حدیث این آیه را تلاوت کرد: «و کسانی که ایمان آوردند و فرزندانشان در ایمان از آنان پیروی کردند، فرزندانشان را به آنان ملحق می‌کنیم و چیزی از [پاداش] اعمالشان را نمی‌کاهیم. هر کسی در گرو آن چیزی است که به دست آورده است.»

وَ مِن سُورَةِ النَّجمِ

(سورهٔ نجم، آیهٔ ۱ ـ ۴)

﴿ وَ النَّجْمِ إِذٰا هَوىٰ * مٰا ضَلَّ صٰاحِبُكُمْ وَ مٰا غَوىٰ * وَ مٰا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوىٰ * إِنْ هُوَ إِلاّٰ وَحْيٌ يُوحىٰ ﴾

سوگند به ستاره آن‌گاه که فرود آید. همنشین شما (رسول خدا ﷺ) گمراه نشد و به بیراهه نرفت. و از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید. آن‌چه می‌گوید جز وحی‌ای که [به سوی او] وحی می‌شود، نیست.

۳۹۵. عَن عَبدِ اللهِ بنِ بُرَيدَةَ الأَسلَمِيِّ عَن أَبِيهِ قَالَ: إِنقَضَّ نَجمٌ عَلَى عَهدِ رَسُولِ اللهِ ﷺ فَقَالَ النَّبِيُّ مَن وَقَعَ هَذَا النَّجمُ فِي دَارِهِ فَهُوَ الخَلِيفَةُ فَوَقَعَ النَّجمُ فِي دَارِ عَلِيٍّ فَقَالَت قُرَيشٌ: ضَلَّ مُحَمَّدٌ، فَأَنزَلَ اللهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: **﴿ وَ النَّجْمِ إِذٰا هَوىٰ * مٰا ضَلَّ صٰاحِبُكُمْ وَ مٰا غَوىٰ * وَ مٰا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوىٰ * إِنْ هُوَ إِلاّٰ وَحْيٌ يُوحىٰ ﴾**.

عبدالله‌بن بریده اسلمی به نقل از پدرش گفت: در روزگار رسول خدا ﷺ به‌ناگاه ستاره‌ای فرود آمد. پیامبر فرمود: این ستاره در خانهٔ هر کس بیفتد، او خلیفه است. چون آن ستاره در خانهٔ حضرت علی ﷺ افتاد، قریشیان گفتند: محمّد گمراه شده است و آن‌گاه خداوند تبارک و تعالی این آیه را نازل فرمود.

۳۹۶. عَن نُوفِ البُکالِی عَن عَلِیّ بنِ أَبی طالِبٍ علیه السلام قالَ: جاءَت جَماعَةٌ مِن قُرَیشٍ إِلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله فَقالُوا: یا رَسُولَ اللهِ إِنصِب لَنا عَلَماً یَکُن لَنا مِن بَعدِكَ لِنَهتَدِیَ وَ لا نَضِلَّ کَما ضَلَّت بَنُو إِسرائِیلَ بَعدَ مُوسَی بنِ عِمرانَ فَقَد قالَ رَبُّكَ: ﴿ **إِنَّكَ مَیِّتٌ وَ إِنَّهُمْ مَیِّتُونَ**[1] ﴾ وَ لَسنا نَطمَعُ أَن تَعمُرَ فِینا ما عَمُرَ نُوحٌ فِی قَومِهِ وَ قَد عَرَفتَ مُنتَهَی أَجَلِكَ وَ نُرِیدُ أَن نَهتَدِیَ وَ لا نَضِلَّ. قالَ: إِنَّکُم قَرِیبُوا عَهدٍ بِالجاهِلِیَّةِ وَ فِی قُلُوبِ أَقوامٍ أَضغانٌ وَ عَسِیتُ إِن فَعَلتُ أَن لا تَقبَلُوا وَلکِن مَن کانَ فِی مَنزِلِهِ اللَّیلَةَ آیَةٌ مِن غَیرِ ضَیرٍ فَهُوَ صاحِبُ الحَقِّ.
قالَ: فَلَمّا صَلّی رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله العِشاءَ وَانصَرَفَ إِلَی مَنزِلِهِ سَقَطَ فِی مَنزِلِی نَجمٌ أَضاءَت لَهُ المَدِینَةَ وَ ما حَولَها وَ انفَلَقَ بِأَربَعِ فَلَقٍ انشَعَبَت فِی کُلِّ شُعبَةٍ فِلقَةٍ مِن غَیرِ ضَیرٍ.

نوف بکالی گفت: حضرت علی علیه السلام فرمود: جمعی از قریشیان خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدند و عرض کردند: ای رسول خدا! برای ما نشانی برافراز تا پس از شما به آن راه یابیم و گمراه نشویم آن‌چنان‌که بنی‌اسرائیل پس از موسی‌بن عمران علیه السلام گمراه شدند؛ چراکه پروردگار شما فرموده است: «به راستی تو می‌میری و آنان [نیز] می‌میرند» و ما این طمع نداریم که شما درمیان ما چون نوح درمیان قومش عمر کنید و حال آن‌که پایان عمر خویش را دریافته‌اید و ما خواستار آنیم که راه یابیم و گمراه نشویم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: شما به روزگار جاهلیت نزدیک هستید و اقوامی از شما در دل کینه‌هایی دارند و چنین می‌بینم که اگر چنین کنم، نپذیرید؛ با این حال هر که امشب در منزلش نشانه‌ای بی‌هیچ گزندی پدید آید، او صاحب این حق است. چون رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز عشا به جا آورد و رو سوی منزلش گذارد، حضرت علی علیه السلام عرض کرد: در خانه من ستاره‌ای فرود آمد که مدینه و پیرامونش از آن روشن شد و سپس چهار تکه شد و هر تکه‌اش به دو نیم شد و هیچ گزندی نرساند.
قالَ نُوفٌ: قالَ لِی جابِرُ بنُ عَبدِاللهِ: إِنَّ القَومَ أَصَرُّوا عَلَی ذلِكَ وَ أَمسَکُوا فَلَمّا أَوحَی اللهُ

---

۱. زمر، ۳۰

إلَى نَبِيِّهِ أَن أَرفَع ضِبعَ ابنِ عَمِّكَ قَالَ: يَا جَبرَئِيلُ أَخافُ مِن تَشَتُّتِ قُلُوبِ القَومِ فَأَوحَى اللهُ اِلَيهِ: ﴿ يٰا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مٰا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمٰا بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ وَ اللهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النّٰاسِ ﴾ قَالَ: فَأَمَرَ النَّبِيُّ ﷺ بَلالًا يُنادِي بِالصَّلاةِ جَامِعَةً فَاجتَمَعَ المُهاجِرُونَ وَ الأَنصارَ فَصَعِدَ المِنبَرَ فَحَمِدَ اللهَ تَعالَى وَ أَثنَى عَلَيهِ ثُمَّ قَالَ: يَا مَعشَرَ قُرَيشٍ لَكُم اليَومَ الشَّرَفُ صَفُّوا صُفُوفَكُم. ثُمَّ قَالَ: يَا مَعشَرَ العَرَبِ لَكُم اليَومَ الشَّرَفُ صَفُّوا صُفُوفَكُم. ثُمَّ قَالَ: يَا مَعشَرَ المَوَالِي لَكُم اليَومَ الشَّرَفُ صَفُّوا صُفُوفَكُم. ثُمَّ دَعَا بِدَوَاةٍ وَ قِرطَاسٍ فَأَمَرَ فَكَتَبَ فِيهِ: بِسمِ اللهِ الرَّحمَنِ الرَّحِيمِ لا إِلَهَ إِلَّا اللهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ. قَالَ: شَهِدتُم؟ قَالُوا: نَعَم. قَالَ: أَفَتَعلَمُونَ أَنَّ اللهَ مَولَاكُم؟ قَالُوا: اللَّهُمَّ نَعَم. قَالَ: فَقَبَضَ عَلَى ضِبعِ عَلِيِّ بنِ أَبِي طالِبٍ فَرَفَعَهُ لِلنَّاسِ حَتَّى تَبَيَّنَ بَيَاضُ إِبطَيهِ ثُمَّ قَالَ: مَن كُنتُ مَولَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مُولَاهُ. ثُمَ قَالَ: اللَّهُمَّ وَالِ مَن وَالَاهُ وَ عَادِ مَن عَادَاهُ وَانصُر مَن نَصَرَهُ وَ اخذُل مَن خَذَلَهُ، فِيهِ كَلَامٌ فَأَنزَلَ اللهُ تَعَالَى: ﴿ وَ النَّجْمِ إِذٰا هَوىٰ * مٰا ضَلَّ صٰاحِبُكُمْ وَ مٰا غَوىٰ * وَ مٰا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوىٰ * إِنْ هُوَ إِلاّٰ وَحْيٌ يُوحىٰ ﴾ فَأَوحَى اِلَيهِ: ﴿ يٰا اَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكِ مِنْ رَبِّكَ ﴾.

نوف گفت: جابربن عبدالله گفت: آن قوم بر این امر پای فشردند و اصرار کردند. آن‌گاه خداوند به پیامبرش وحی فرمود که بازوی پسرعمویت را بالا ببر. رسول خدا ﷺ فرمود: ای جبرئیل! من از پراکندگی دل‌های این قوم می‌ترسم، خداوند بر ایشان وحی فرمود: ای پیامبر! آن‌چه را از جانب پروردگارت بر تو نازل شده است [به مردم] ابلاغ کن و اگر [چنین] نکنی، پیام او را نرسانده‌ای و خداوند تو را از [گزند] مردم نگاه می‌دارد.» این‌چنین پیامبر ﷺ به بلال فرمان داد تا ندای نمازی جامع سر دهد و این‌گونه مهاجران و انصار گرد آمدند. آن‌گاه حضرت بر منبر رفت و پس از حمد و ثنای خداوند متعال فرمود: ای جماعت قریش! ارجمندی امروز از برای شماست، پس صف ببندید! سپس فرمود: ای جماعت عرب! ارجمندی امروز از برای شماست،

پس صف ببندید! سپس فرمود: ای جماعت موالی! ارجمندی امروز از برای شماست، پس صف ببندید! سپس دوات و کاغذ خواست و فرمان داد تا بر آن نوشتند: به نام خداوند بخشندهٔ مهربان، هیچ خدایی جز خداوند یگانه نیست و محمّد رسول اوست. آنگاه فرمود: گواهی می‌دهید؟ عرض کردند: بله. فرمود: آیا می‌دانید که خداوند مولای شماست؟ عرض کردند: به خدا سوگند بله. در آن هنگام ایشان بازوی حضرت علی علیه‌السلام را گرفت و آن را برای مردم بالا برد، آن‌چنان‌که سپیدی زیر کتف او به چشم آمد. سپس فرمود: هر که من مولای اویم، این علی، مولای اوست. خدایا دوست بدار هر آنکه او را دوست می‌دارد و دشمن بدار هر آنکه او را دشمن می‌دارد و یاری کن هر آنکه او را یاری کند و خوار ساز هر آنکه او را خوار سازد. آنگاه خداوند متعال نازل فرمود: «سوگند به ستاره آنگاه که فرود آید. همنشین شما گمراه نشد و به بیراهه نرفت. و از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید. آنچه می‌گوید جز وحی‌ای که [به سوی او] وحی می‌شود، نیست.» و به ایشان وحی فرمود: «ای پیامبر! آنچه را از جانب پروردگارت بر تو نازل شده است، به مردم ابلاغ کن.»

۳۹۷. قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُبنُ عِيسَىبنِ زَكَرِيَّا مُعنعَنًا: عَن جعفَرِبنِ مُحَمَّدٍعليهما‌السلام قَالَ: لَمَّا أَقَامَ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله أَمِيرَالمُؤمِنِينَ عَلِيَّ بنَ أَبِيطَالِبٍ عليه‌السلام يَومَ غَدِيرِ خُم ـ فَذَكَرَ كَلامًا ـ فَأَنزَلَ اللهُ عَلَى لِسَانِ جبرَئِيلَ عليه‌السلام فَقَالَ لَهُ: يَا مُحَمَّدُ إِنِّي مُنزِلٌ غَدًا ضَحوَةً نَجمًا مِنَ السَّمَاءِ يَغلِبُ ضَوءُهُ عَلَى ضَوءِ الشَّمسِ فَأَعلِم أَصحَابَكَ إِنَّهُ مَن سَقَطَ ذَلِكَ النَّجمُ فِي دَارِهِ فَهُوَ الخَلِيفَةُ مِن بَعدِكَ. فَأَعلَمَهُم رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله أَنَّهُ غَدًا يَسقُطُ مِنَ السَّمَاءِ نَجمٌ يَغلِبُ ضَوءُهُ ضَوءَ الشَّمسِ فَمَن سَقَطَ ذَلِكَ النَّجمُ فِي دَارِهِ فَهُوَ الخَلِيفَةُ مِن بَعدِي، فَجَلَسُوا كُلُّهُم كُلٌّ فِي مَنزِلِه يَتَوَقَّعُ أَن يَسقُطَ النَّجمُ فِي مَنزِلِهِ فَمَا لَبِثُوا أَن سَقَطَ النَّجمُ فِي مَنزِلِ عَلِيِّبنِ أَبِيطَالِبٍ وَ فَاطِمَةَ عليهما‌السلام وَالتَّحِيَّةُ وَ الإِكرَامُ، وَ اجتَمَعَ القَومُ وَ قَالُوا: وَاللهِ مَاتَكَلَّمَ فِيهِ إِلَّا بِالهَوَى. فَأَنزَلَ اللهُ تَعَالَى عَلَى نَبِيِّهِ: ﴿**وَ النَّجْمِ إِذٰا هَوىٰ * مٰا ضَلَّ**

صٰاحِبُكُمْ ﴿ فِى عَلِىٍّ ﴿ وَ مٰا غَوىٰ * وَ مٰا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوىٰ * إِنْ هُوَ إِلاّٰ وَحْيٌ يُوحىٰ ﴾ إِلَى ﴿ أَ فَتُمٰارُونَهُ عَلىٰ مٰا يَرىٰ ﴾.

محمّد بن عیسی بن زکریا روایت کرده است امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: چون رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز غدیر خم امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب علیه السلام را به پا داشت ـ امام جعفر علیه السلام سخنی ایراد کرد و سپس فرمود: ـ آن‌گاه خداوند بر زبان جبرئیل نازل فرمود: ای محمّد! فردا ظهر ستاره‌ای از آسمان فرود می‌آورم که نورش بر نور خورشید چیره می‌شود؛ پس یارانت را خبر ده که هر کس این ستاره در خانه‌اش فرود آید، او پس از تو خلیفه است. رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز آنان را خبر داد که فردا از آسمان ستاره‌ای فرود می‌آید که نورش بر نور خورشید چیره می‌شود و هر کس آن ستاره در خانه‌اش فرود آید، او پس از من خلیفه است. از این رو آنان همگی در خانه‌هایشان نشستند تا بلکه آن ستاره در خانه‌شان فرود آید، اما دیری نپایید که ستاره با درود و گرامیداشت در خانه علی بن ابی‌طالب علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام فرود آمد. این شد که آن قوم گرد هم آمدند و گفتند: او در این باره از روی هوای نفس سخن گفته است. پس خداوند بر پیامبرش نازل فرمود: «سوگند به ستاره آن‌گاه که فرود آید. همنشین شما گمراه نشد و به بیراهه نرفت» دربارهٔ حضرت علی علیه السلام «و از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید. آن‌چه می‌گوید جز وحی‌ای که [به سوی او] وحی می‌شود نیست.» تا آنجا که فرمود: «آیا بر سر آن‌چه می‌بینید با او مجادله می‌کنید؟»

(سورهٔ نجم، آیهٔ ۹)

﴿ فَكٰانَ قٰابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنىٰ ﴾

سپس [فاصله‌اش] به مقدار دو کمان یا نزدیک‌تر شد.

۳۹۸. حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ أَحْمَدَ مُعنعَنًا عَن عَلِيِّ بنِ الحُسَينِ عَن فَاطِمَةَ بِنتِ مُحَمَّدٍ عليها السلام قَالَت: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه و آله: لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ فَصِرتُ إِلَى سِدرَةِ المُنتَهى ﴿ **فَكٰانَ قٰابَ**

قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنٰى﴾ فَرَأَيتُهُ بِقَلبِي وَ لَم أَرَهُ بِعَينِي ، سَمِعتُ الأَذَانَ مَثنَى مَثنَى وَ الإِقَامَةَ وَترًا وَترًا ، وَ سَمِعتُ مُنَادِيًا يُنَادِي: يَا مَلَائِكَتِي وَ سُكَّانَ سَمَاوَاتِي وَ أَرضِي وَ حَمَلَةَ عَرشِي إِشهَدُوا أَنِّي أَنَا اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا وَحدِي لَا شَرِيكَ لِي. قَالُوا: شَهِدنَا وَ أَقرَرنَا. قَالَ: اشهَدُوا يَا مَلَائِكَتِي وَ سُكَّانَ سَمَاوَاتِي وَ أَرضِي وَ حَمَلَةَ عَرشِي بِأَنَّ مُحَمَّدًا عَبدِي وَ رَسُولِي. قَالُوا: شَهِدنَا وَ أَقرَرنَا ، قَالَ: وَ اشهَدُوا يَا مَلَائِكَتِي وَ سُكَّانَ سَمَاوَاتِي وَ أَرضِي وَ حَمَلَةَ عَرشِي بِأَنَّ عَلِيًّا وَلِيِّي وَ وَلِيُّ رَسُولِي وَ وَلِيُّ المُؤمِنِينَ. قَالُوا: شَهِدنَا وَ أَقرَرنَا.

جعفربن احمد روایت کرده است: امام سجاد علیه‌السلام از حضرت فاطمه علیهاالسلام از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل فرمود: چون به آسمان عروج یافتم، به سدرة المنتهی رسیدم «سپس [فاصله‌اش] به مقدار دو کمان یا نزدیک‌تر شد» و من او را با قلب خویش و نه با چشم دیدم و آن‌گاه دو بار اذان و یک بار اقامه شنیدم و سپس ندا دهنده‌ای ندا سر داد: ای فرشتگان من و ساکنان آسمان‌ها و زمین من و حاملان عرش من! گواهی دهید که من خداوند یکتایم که هیچ خدایی جز من نیست و یگانه‌ام و هیچ شریکی ندارم. گفتند: گواهی می‌دهیم و اقرار می‌کنیم. گفت: ای فرشتگان من و ساکنان آسمان‌ها و زمین من و حاملان عرش من! و گواهی دهید که محمّد بندهٔ من و رسول من است. گفتند: گواهی می‌دهیم و اقرار می‌کنیم. گفت: ای فرشتگان من و ساکنان آسمان‌ها و زمین من و حاملان عرش من! و گواهی دهید که علی علیه‌السلام ولی من و ولی رسول من و ولی مؤمنان است. گفتند: گواهی می‌دهیم و اقرار می‌کنیم.

قَالَ عِبَادُ: قَالَ أَبُو جَعفَرٍ علیه‌السلام: وَ كَانَ ابنُ عَبَّاسٍ إِذَا ذَكَرَ هَذَا الحَدِيثَ قَالَ: إِنَّا لَنَجِدُهُ فِي كِتَابِ اللهِ: **﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمٰانَةَ عَلَى السَّمٰاوٰاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبٰالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهٰا وَ أَشْفَقْنَ مِنْهٰا وَ حَمَلَهَا الْإِنْسٰانُ إِنَّهُ كٰانَ ظَلُومًا جَهُولاً[۱]﴾**. قَالَ: فَقَالَ ابنُ عَبَّاسٍ: مَا استَودَعَهُم دِينَارًا وَ لَا دِرهَمًا وَ لَا كَنزًا مِن كُنُوزِ الأَرضِ وَلَكِنَّهُ أَوحَى إِلَى السَّمَاوَاتِ

---

۱. احزاب، ۷۲

وَالأَرضِ وَالجِبَالِ مِن قَبلِ أَن يَخلُقَ آدَمَ أَنّي مُخَلِّفٌ فِيكِ الذُّرِّيَّةَ ذُرِّيَّةَ مُحَمَّدٍ ﷺ فَمَا أَنتِ فَاعِلَةٌ بِهِم؟ إِذَا دَعَوكِ فَأَجِيبِيهِم وَإِذَا أَووكِ فَاوِيهِم، وَأَوحَى إِلَى الجِبَالِ: إِن دَعَوكَ فَأَجِيبِهِم وَأُطِيعِي، فَأَشفَقَتِ السَّمَاوَاتُ وَالأَرضُ وَالجِبَالُ مِمَّا سَأَلَهَا اللهُ مِنَ الطَّاعَةِ لَهُم وَ مِمَّا حَملَهَا فَأَشفَقنَ مِن ذَلِكَ فَسَأَلَ اللهَ أَلَا طَاقَةَ لَهُم بِذَلِكَ مَخَافَةَ أَن يَغفُلوا عَنِ الطَّاعَةِ فَحَملَهَا بَنِي آدَمَ فَحَمَلَهَا.

عباد گفت: امام محمّد باقر ؑ فرمود: هر گاه ابن عباس از این حدیث یاد می‌کرد، می‌گفت: ما این سخن را در قرآن می‌یابیم: «بی‌تردید ما آن امانت را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه داشتیم. پس از حمل آن سر باز زدند و از آن ترسیدند و انسان آن را برداشت. به راستی او ستمکاری نادان است.» و می‌گفت: نزد آنان درهم و دینار و گنج‌های زمین را به امانت نسپرد؛ بلکه پیش از آفرینش آدم به آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها وحی کرد که من فرزندان حضرت محمّد ﷺ را نزدتان بر جا می‌گذارم، شما با ایشان چه می‌کنید؟ چون شما را فراخواندند، اجابتشان کنید و چون از شما پناه خواستند، پناهشان دهید؛ و به کوه‌ها وحی فرمود: چون شما را فراخواندند، اجابتشان کنید و از ایشان فرمان برید. چون خداوند از آنان خواست تا از ایشان فرمان ببرند، آنان از حمل این امانت ترسیدند و به خداوند عرض کردند که توان این کار را ندارند؛ چراکه می‌ترسیدند در فرمان‌بری از ایشان غفلت ورزند؛ این شد که بنی‌آدم این امانت را برداشت.

(سورهٔ نجم، آیهٔ ۳۲)

﴿الَّذينَ يَجْتَنِبُونَ كَبٰائِرَ الْإِثْمِ وَ الْفَوٰاحِشَ﴾

کسانی که از گناهان بزرگ و کارهای زشت دوری می‌کنند.

۳۹۹. عَن جَابِرٍ قَالَ: سَأَلتُ أَبَاجَعفَرٍ ؑ عَن تَفسِيرِ هَذِهِ الآيَةِ: ﴿الَّذينَ يَجْتَنِبُونَ كَبٰائِرَ الْإِثْمِ

وَ الْفَوٰاحِشَ ﴾ قٰالَ: فَقٰالَ أَبُو جعفرٍ عليه السلام: نَزَلَت فِی آلِ مُحَمَّدٍ وَ شِیعَتِهِم ﴿ الَّذینَ یَجْتَنِبُونَ کَبٰائِرَ الْإِثْمِ وَ الْفَوٰاحِشَ ﴾.

جابر گفت: از امام محمّد باقر عليه السلام دربارهٔ تفسیر این آیه پرسیدم. ایشان فرمود: دربارهٔ خاندان حضرت محمّد صلى الله عليه وآله و شیعیان ایشان نازل شد.

(سورهٔ نجم، آیهٔ ۵۶)

﴿ هٰذٰا نَذیرٌ مِنَ النُّذُرِ الْأُولىٰ ﴾

این بیم‌دهنده‌ای است از [جنس] بیم‌دهندگان پیشین.

۴۰۰. عَن جَابِرٍ عَن مُحَمَّدِبنِ عَلِیٍّ عليهما السلام قَالَ فِی قَولِهِ تَعَالَی: ﴿ هٰذٰا نَذیرٌ مِنَ النُّذُرِ الْأُولىٰ ﴾ قَالَ: هُوَ مُحَمَّدٌ صلى الله عليه وآله مِن إبرَاهِیمَ وَ إسمَاعِیلَ وَ إسحَاقَ وَ یَعقُوبَ قَالَ: هُم وَلَدُوهُ فَهُوَ مِن أَنفُسِهِم عَلَیهُمُ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ وَ التَّحِیَّةُ.

جابر گفت: امام محمّد تقی عليه السلام دربارهٔ این آیه فرمود: او حضرت محمّد صلى الله عليه وآله است که از ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب است. ایشان پدران اویند و او از ایشان است که درود و سلام و تحیت خدا بر آنان باد.

وَ مِن سُورَةِ القَمَرِ

(سورهٔ قمر، آیهٔ ۶)

﴿ وَ لَقَدْ أَنْذَرَهُمْ بَطْشَتَنَا فَتَمَارَوْا بِالنُّذُرِ ﴾

و مسلماً آنان را از عذاب شدید ما بیم داد. پس با بیم‌دهندگان مجادله کنید.

۴۰۱. عَن سَلمَانَ الفَارِسِیِّ عَنِ النَّبِیِّ ﷺ فِی کَلَامٍ ذَکَرَهُ فِی عَلِیٍّ فَذَکَرَهُ سَلمَانُ لِعَلِیٍّ فَقَالَ: وَاللهِ یَا سَلمَانُ لَقَد أَخبَرَنِی بِمَا أَخبَرَکَ بِهِ ثُمَّ قَالَ: یَا عَلِیُّ إِنَّکَ مُبتَلًی وَ النَّاسُ مُبتَلُونَ بِکَ وَاللهِ إِنَّکَ لَحُجَّةُ اللهِ عَلَی أَهلِ السَّمَاءِ وَ أَهلِ الأَرضِ وَ مَا خَلَقَ اللهُ مِن خَلقٍ إِلَّا وَ قَدِ احتَجَّ عَلَیهِ بِاسمِکَ وَ فِیمَا أُخِذَت إِلَیهِم مِنَ الکُتُبِ. ثُمَّ قَالَ: وَاللهِ مَا یُؤمِنُ المُؤمِنُونَ إِلَّا بِکَ وَ لَا یَضِلُّ الکَافِرُونَ إِلَّا بِکَ، وَ مَن أَکرَمَ عَلَی اللهِ مِنکَ؟ ثُمَّ قَالَ: یَا عَلِیُّ اِنَّکَ لِسَانُ اللهِ الَّذِی یَنطِقُ مِنهُ، وَ إِنَّکَ لَبَأسُ اللهِ الَّذِی یَنتَقِمُ بِهِ، وَ إِنَّکَ لَسَوطُ عذابِ اللهِ الَّذِی یَنتَصِرُ بِهِ، وَ إِنَّکَ لَبطشَةُ اللهِ الَّتِی قَالَ اللهُ: **﴿ وَ لَقَدْ أَنْذَرَهُمْ بَطْشَتَنَا فَتَمَارَوْا بِالنُّذُرِ ﴾** وَ إِنَّکَ إِیعَادُ اللهِ. فَمَن أَکرَمَ عَلَی اللهِ مِنکَ وَ إِنَّکَ وَ اللهِ لَقَد خَلَقَکَ اللهُ بِقُدرَتِهِ وَ أَخرَجَکَ مِنَ المُؤمِنِینَ مِن خَلقِهِ، وَ لَقَد أَثبَتَ مَوَدَّتَکَ فِی صُدورِ المُؤمِنِینَ. وَ اللهِ یَا عَلِیُّ إِنَّ فِی السَّمَاءِ لَمَلَائِکَةً مَا یُحصِیهِم إِلَّا اللهُ وَ أَنتَ القَائِمُ بِالقِسطِ یَنتَظِرُونَ أَمرَکَ وَ یَذکُرُونَ فَضلَکَ وَ یَتَفَاخَرُونَ أَهلُ السَّمَاءِ بِمَعرِفَتِکَ

وَ يَتَوَسَّلُونَ إِلَى اللهِ بِمَعرِفَتِكَ و إِنتِظَارِ أَمرِكَ ، يَا عَلِيُّ مَا سَبَقَكَ أَحَدٌ مِنَ الأَوَّلِينَ وَ لَا يُدرِكُكَ أَحَدٌ مِنَ الآخِرِينَ.

سلمان فارسی از قول پیامبر ﷺ در بیان مناقب امیر مؤمنان ؑ در محضر امام علی ؑ آغاز به سخن می‌نمود که امام علی ؑ فرمود: ای سلمان! به خدا سوگند آن‌چه که پیامبر تو را از آن خبر داده، خود مرا نیز از آن خبر داده است؛ سپس فرمود: ای علی! همانا تو مورد ابتلا قرار گرفتی و مردم نیز به واسطۀ تو آزموده شدند. به خدا سوگند تو حجّت خدا بر اهل آسمان و زمین هستی و خداوند خَلقی را نیافرید مگر آن‌که با اسم تو و با آن‌چه در کتب آسمانی آمده است، بر آن‌ها پیمان گرفت و احتجاج نمود.

سپس فرمود: به خدا سوگند مؤمنان ایمان نمی‌آورند مگر به واسطۀ وجود تو و کافران گمراه نمی‌شوند مگر به واسطۀ وجود تو و چه کسی نزد خدا از تو گرامی‌تر است؟ ای علی! تو زبان خدا هستی که با آن سخن می‌گوید و تو خشم خدایی که خدا به وسیلۀ آن انتقام می‌گیرد و همانا تو تازیانۀ عذاب خدایی که به وسیلۀ آن یاری داده می‌شود و تو عذاب خدایی که خداوند فرمود: «و مسلماً آنان را از عذاب شدید ما بیم داد» و همانا تو وعدۀ خدایی. پس چه کسی نزد خدا از تو گرامی‌تر است؟ به خدا سوگند خداوند تو را به قدرتش آفرید و تو را از شمار مؤمنان در میان آفریدگانش خلق کرد و دوستی تو را در سینه مؤمنان استوار کرد. به خدا سوگند ای علی! در آسمان فرشتگانی هستند که شمار آن‌ها را فقط خدا می‌داند و تو قائم به قسط و داد هستی و آنان منتظر امر تو هستند و از نیکی تو نزد یکدیگر می‌گویند و اهل آسمان به شناخت تو بر یکدیگر می‌بالند و به واسطۀ شناخت تو و انتظار امر تو سوی خدا متوسل می‌شوند. ای علی! هیچ کس از پیشینیان بر تو پیشی نگرفته و هیچ کس از آیندگان تو را درک نخواهد کرد.

(سورهٔ قمر، آیهٔ ۵۴ ـ ۵۵)

﴿ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ نَهَرٍ * فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُقْتَدِرٍ ﴾

به راستی پرهیزکاران در بهشت‌ها و [کنار] نهرها هستند. در مکانی پسندیده نزد پادشاهی قدرتمند.

۴۰۲. عَن جَابِرِبنِ عَبدِ اللهِ الأَنصَارِيِّ قَالَ: تَذَاكَرَ أَصحَابُنَا الجَنَّةَ عِندَ النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ النَّبِيُّ: إِنَّ أَوَّلَ أَهلِ الجَنَّةِ دُخُولًا عَلِيُّ بنُ أَبِي‌طَالِبٍ ؈ قَالَ: فَقَالَ أَبُودُجَانَةَ الأَنصَارِيُّ: يَا رَسُولَ اللهِ أَلَيسَ أَخبَرتَنَا أَنَّ الجَنَّةَ مُحَرَّمَةٌ عَلَى الأَنبِيَاءِ حَتَّى تَدخُلَهَا وَ عَلَى الأُمَمِ حَتَّى تَدخُلَهَا أُمَّتُكَ؟ قَالَ: بَلَى يَا أَبَادُجَانَةَ أَمَا عَلِمتَ أَنَّ لِلّهِ لِوَاءً مِن نُورٍ وَ عَمُودُهُ مِن يَاقُوتٍ مَكتُوبٌ عَلَى ذَلِكَ اللِّوَاءِ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ آلُ مُحَمَّدٍ خَيرُ البَرِيَّةِ، صَاحِبُ اللِّوَاءِ إِمَامُ القَومِ. قَالَ: فَسَرَّ بِذَلِكَ عَلِيًّا فَقَالَ: الحَمدُ لِلّهِ يَا رَسُولَ اللهِ الَّذِي أَكرَمَنَا وَ شَرَّفَنَا بِكَ. قَالَ: فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: أَبشِر يَا عَلِيُّ مَا مِن عَبدٍ يُحِبُّكَ وَ يَنتَحِلُ مَوَدَّتَكَ إِلَّا بَعَثَهُ اللهُ يَومَ القِيَامَةِ مَعَنَا. ثُمَّ قَرَءَ النَّبِيُّ ﷺ هَذِهِ الآيَةَ: **﴿ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ نَهَرٍ * فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُقْتَدِرٍ ﴾**.

جابر بن عبد الله انصاری گفت: یاران ما نزد رسول خدا ﷺ دربارهٔ بهشت سخن می‌گفتند. پیامبر ﷺ فرمود: نخستین کسی که به بهشت در می‌آید، علی بن ابی طالب ؈ است. ابودجانه انصاری عرض کرد: ای رسول خدا ﷺ! مگر شما نفرمودید که بهشت بر انبیا حرام است تا این‌که شما وارد شوید و بر امّت‌ها جایز نیست تا امّت شما داخل شوند؟! پیامبر ﷺ فرمود: بله ای ابادجانه! آیا نمی‌دانی خداوند بیرقی از نور دارد که ستونش از یاقوت است و بر آن نوشته شده: «هیچ خدایی جز خداوند یگانه نیست و محمّد رسول خداست و خاندان محمّد بهترین آفریدگان‌اند.» و حمل کننده آن بیرق امام قوم است. چون پیامبر ﷺ با این سخن علی ؈ را شادمان کرد، او فرمود: ای

رسول خدا ﷺ! سپاس و ستایش از آنِ خدایی است که ما را به واسطه شما گرامی داشت و شرافت بخشید. پیامبر ﷺ فرمود: ای علی! مژده باد تو را، هیچ بنده‌ای نیست که تو را دوست بدارد و به دوستی تو بگراید، جز آن‌که خداوند او را در روز قیامت با ما برمی‌انگیزد. سپس پیامبر ﷺ این آیه را قرائت فرمود: «به راستی پرهیزکاران در بهشت‌ها و کنار نهرها هستند. در مکانی پسندیده، نزد پادشاهی قدرتمند.»

وَ مِن سُورَةِ الرَّحمَانِ

(سورهٔ الرحمان، آیهٔ ۱۹ ـ ۲۲)

﴿ مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ * بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ * فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ * يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَ الْمَرْجَانُ ﴾

دو دریا را رها ساخت تا با یکدیگر تلاقی پیدا کنند. میان آن دو حایلی است که به هم تجاوز نمی‌کنند. پس کدام‌یک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟ از آن دو مروارید و مرجان بیرون می‌آید.

۴۰۳. عَن أَبی‌ذَرٍ الغِفَارِيِّ فِی قَولِهِ: ﴿ مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ ﴾ قَالَ: أَمِيرُ المُؤمِنِينَ عَلِيُّ بنُ أَبی‌طالِبٍ وَ فَاطِمَةُ علیهما السلام ﴿ يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَ الْمَرْجَانُ ﴾ الحَسَنُ وَ الحُسَينُ علیهما السلام فَمَن رَأَى مِثلَ هَؤُلَاءِ الأَربَعَةِ، لَا يُحِبُّهُم إِلَّا مُؤمِنٌ وَ لَا يُبغِضُهُم إِلَّا كَافِرٌ، فَكُونُوا مُؤمِنِينَ بِحُبِّ أَهلِ البَيتِ وَ لَا تَكُونُوا كُفَّارًا بِبُغضِ أَهلِ البَيتِ فَتُلقَوا فِی النَّارِ.

ابوذر غفاری دربارهٔ آیهٔ «دو دریا را رها ساخت تا با یکدیگر تلاقی پیدا کنند» گفت: منظور امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام است. «از آن دو مروارید و مرجان بیرون می‌آید» منظور امام حسن و امام حسین علیهما السلام است. چه کسی همانند این چهار نفر را دیده است؟ تنها مؤمنان ایشان را

دوست می‌دارند و تنها کافران با ایشان دشمنی می‌ورزند. پس با محبّت این خاندان مؤمن باشید و با دشمنی با ایشان کافر نگردید؛ چراکه در آتش دوزخ انداخته می‌شوید.

۴۰۴. عَن عَبدِ اللهِ بنِ مَسعُودٍ وَ قَد سُئِلَ یومًا فِی مَحفِلٍ مِنَ الْمُهَاجِرِینَ وَ الأَنصارِ فِی قَولِهِ ـ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لاٰ يَبْغِيَانِ ﴾ قالَ: لَا يَبغِی عَلِیٌّ عَلَى فَاطِمَةَ وَ لَا يَبغِی فَاطِمَةُ عَلَى عَلِیٍّ يَنعَمُ عَلِیٌّ بِمَا أَعَدَّ اللهُ لَهُ وَ خَصَّهُ مِن نَعِيمِهِ بِفَاطِمَةَ، إِتَّصَلَ مَعَهُمَا ابناهُمَا حَافِّينَ بِهِمَا مِنهُم فَيَصِلُ مِنَ النُّورِ كَالحِجَالِ خُصُّوا بِهِ مِن بَينِ أَهلِ الجِنَانِ، يَقِفُ عَلِیٌّ مِنَ النَّظَرِ إِلَى فَاطِمَةَ فَينعَمُ وَ إِلَى وَلَدَيهِ فَيَفرَحُ، وَ اللهُ يُعطِی فَضلَهُ مَن يَشَاءُ وَ هَذَا أَوسَعُ وَ أَرحَمُ وَ أَلطَفُ! ثُمَّ قَرَءَ هَذِهِ الآيَةَ: ﴿ يَتَنَازَعُونَ فِيهَا كَأْسًا لاٰ لَغْوٌ فِيهَا وَ لاٰ تَأْثِيمٌ[۱] ﴾ بَينَ أَمِيرِ الْمُؤمِنِينَ عَلِیِّ بنِ أَبِی طالِبٍ وَ فَاطِمَةَ وَ الحَسَنِ وَ الحُسَينِ ﷺ مِن غَيرِ تَكَلُّفٍ وَ كُلٌّ فِی أَمَاكِنِهِ وَ نَعِيمِهِ مَدَّ بَصَرِهِ.

روزی در جمع مهاجرین و انصار از عبدالله‌بن مسعود دربارهٔ آیهٔ «میان آن دو حایل است که به هم تجاوز نمی‌کنند» سؤال شد. گفت: علی ؑ مقام فاطمه ؑ و فاطمه ؑ مقام علی ؑ را طلب نمی‌کند. علی ؑ از آن‌چه که خداوند برایش فراهم ساخته در نعمت می‌شود و خداوند از نعمت خویش وجود مبارک حضرت فاطمه ؑ را به علی ؑ اختصاص داد و از پیوند آن‌دو، فرزندانی گرداگردشان به وجود آمد که همچون هودجی از نور در بین اهل بهشت مخصوص گشتند. آن‌گاه که علی ؑ به فاطمه می‌نگرد، آرامش می‌یابد و چون به فرزندانش نظر می‌اندازد، دلشاد می‌گردد. خداوند از فضل و رحمتش به هر که بخواهد عطا می‌کند و این نعمت از گسترده‌ترین و مهربان‌ترین و لطیف‌ترین نعمت‌هاست. سپس این آیه را قرائت کرد: «در آنجا جام شرابی را از یکدیگر می‌گیرند که [آشامیدن] آن نه سخن بیهوده است و نه گناهکاری.» و

---

۱. طور، ۲۳

این نعمت در میان امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام و امام حسن و امام حسین علیهما السلام می‌باشد. آن‌ها بدون هیچ سختی در جایگاه‌ها و نعمت‌های بهشت، تا جایی که چشم می‌بیند، بهره‌مند هستند.

(سورة الرحمان، آیهٔ ۳۹)

﴿ فَيَوْمَئِذٍ لاٰ يُسْئَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَ لاٰ جَانٌّ ﴾

پس در آن روز هیچ انسان و جنّی از گناهش سؤال نمی‌شود.

۴۰۵. قَالَ: حَدَّثَنِي إِسمَاعِيلُ بنُ إِبرَاهِيمَ مُعنعَنًا: عَن مَيسَرَةَ قَالَ: سَمِعتُ عَلِيَّ بنَ مُوسَى الرِّضَا عليه السلام يَقُولُ: وَاللهِ لَا يُرَى فِي النَّارِ مِنكُم اثنَانِ أَبداً لَا وَاللهِ وَ لَا وَاحِدٌ. قَالَ: قُلتُ لَهُ: أَصلَحَكَ اللهُ أَينَ هَذَا فِي كِتَابِ اللهِ؟ قَالَ: فِي سُورَةِ الرَّحمَانِ وَ هُوَ قَولُهُ تَعَالَى: ﴿ **فَيَوْمَئِذٍ لاٰ يُسْئَلُ عَنْ ذَنْبِهِ** ﴾ [منكم] ﴿ **إِنْسٌ وَ لاٰ جَانٌّ** ﴾. قَالَ: قُلتُ: لَيسَ فِيهَا مِنكُم. قَالَ: بَلَى وَاللهِ إِنَّهُ لَمُثبَتٌ فِيهَا وَ إِنَّ أَوَّلَ مَن غَيَّرَ ذَلِكَ لَابنُ أَروَى، وَ ذَلِكَ لَكُم خَاصَّةً، وَ عَلَيهِ وَ عَلَى أَصحَابِهِ حُجَّةٌ، وَ لَو لَم يَقِرَّ فِيهَا مِنكُم لَسَقَطَ عِقَابُ اللهِ عَنِ الخَلقِ.

اسماعیل بن ابراهیم روایت کرده است: میسره گفت: از امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود: به خدا سوگند، از شما شیعیان هرگز در آتش جهنم دو نفر دیده نمی‌شود. نه، به خدا سوگند یک نفر هم دیده نمی‌شود. میسره گفت: به ایشان عرض کردم: خدایت شایسته داشت! این موضوع در کجای کتاب خداست؟ فرمود: در سورهٔ الرّحمان؛ آنجا که می‌فرماید: «پس در آن روز هیچ انسان و جنّی» از میان شما «از گناهش سؤال نمی‌شود». عرض کردم: ولی ـ از میان شما ـ در آیه نیست. فرمود: آری؛ ولی به خدا سوگند که آن در آیه رقم خورده است و نخستین کسی که آن را تغییر داد، ابن اروی بود. آن ویژهٔ شماست و حجتی بر او و یاران اوست؛ چراکه اگر ـ از میان شما ـ در آیه نبود، هر آینه مجازات خداوند از همهٔ آفریدگانش برداشته می‌شد.

وَ مِن سُورَةِ الوَاقِعَةِ

(سورهٔ واقعه، آیهٔ ۷ ـ ۱۴)

﴿ وَ كُنتُمْ أَزْوٰاجًا ثَلاٰثَةً * فَأَصْحٰابُ الْمَيْمَنَةِ مٰا أَصْحٰابُ الْمَيْمَنَةِ * وَ أَصْحٰابُ الْمَشْئَمَةِ مٰا أَصْحٰابُ الْمَشْئَمَةِ * وَ السّٰابِقُونَ السّٰابِقُونَ * أُولٰئِكَ الْمُقَرَّبُونَ * في جَنّٰاتِ النَّعيمِ * ثُلَّةٌ مِنَ الْأَوَّلينَ * وَ قَليلٌ مِنَ الْآخِرينَ ﴾

و [شما مردم] سه دسته شوید: اصحاب دست راست، و اصحاب دست راست چه [کسانی] هستند؟! و اصحاب دست چپ، و اصحاب دست چپ چه [کسانی] هستند؟! و پیشی‌گیرندگان [در دنیا به ایمان و] پیشی‌گیرندگان [در آخرت به بهشت]. آنان مقرّبان [درگاه الهی] در بهشت‌های پرنعمت. [آنان] بسیاری از پیشینیان و اندکی از آیندگان [هستند].

۴۰۶. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ فِی قَولِهِ تَعالَی: ﴿ وَ السّٰابِقُونَ السّٰابِقُونَ * أُولٰئِكَ الْمُقَرَّبُونَ ﴾ إِلَی آخِرِ القِصَّةِ قَالَ: سَابِقُ هَذِهِ الأُمَّةِ أَمِیرُ المُؤمِنِینَ عَلِیُّ بنُ أَبِی طالِبٍ عليه السلام.

از ابن عباس روایت شده است که وی دربارهٔ کلام خداوند متعال «و پیشی‌گیرندگان [در دنیا به ایمان و] پیشی‌گیرندگان [در آخرت به بهشت]، آنان مقرّبان [درگاه الهی] در بهشت‌های پرنعمت [هستند].» گفت:

پیشی گیرندهٔ این امّت امیرمؤمنان علی بن ابی طالب ؛ است.

۴۰۷. عَن عَبدِ اللهِ بنِ عَبَّاسٍ قَالَ: سَمِعتُ سَلمَانَ الفَارِسِیَّ وَ هُوَ یَقُولُ: لَمَّا أَن مَرِضَ النَّبِیُّ المَرَضَةَ الَّتِی قَبَضَهُ اللهُ فِیهَا دَخَلتُ فَجَلَستُ بَینَ یَدَیهِ وَ دَخَلَت عَلَیهِ فَاطِمَةُ فَلَمَّا رَأَت مَا بِهِ خَنَقَتهَا العَبرَةُ حَتَّی فَاضَت دُمُوعُهَا عَلَی خَدَّیهَا فَلَمَّا أَن رَآهَا رَسُولُ اللهِ قَالَ: مَا یُبکِیكِ یا بُنَیَّةِ؟ قَالَت: وَ کَیفَ لَا أَبکِی وَ أَنا أَرَی مَا بِكَ مِنَ الضَّعفِ فَمَن لَنا بَعدَكَ یا رَسُولَ اللهِ؟ قَالَ لَهَا: لَکُمُ اللهُ فَتَوَکَّلِی عَلَیهِ وَاصبِرِی کَمَا صَبَرَ آبَاؤُكِ مِنَ الأَنبِیاءِ وَ أُمَّهَاتُكِ مِن أَزوَاجِهِم یا فَاطِمَةُ أَوَمَا عَلِمتِ أَنَّ اللهَ تَبارَكَ وَ تَعَالَی اختَارَ أَبَاكِ فَجَعَلَهُ نَبِیًّا وَ بَعَثَهُ رَسُولاً ثُمَّ عَلِیًّا فَزَوَّجَكِ إِیَّاهُ وَ جَعَلَهُ وَصِیًّا فَهُوَ أَعظَمُ النَّاسِ حَقًّا عَلَی المُسلِمِینَ بَعدَ أَبِیكِ وَ أَقدَمُهُم سِلماً وَ أَعَزُّهُم خَطَراً وَ أَجمَلُهُم خُلقاً وَ أَشَدُّهُم فِی اللهِ وَ فِیَّ غَضَبًا وَ أَشجَعُهُم قَلبًا وَ أَثبَتُهُم وَ أَربَطُهُم جَأشاً وَ أَسخَاهُم کَفًّا.

فَفَرِحَت بِذَلِكَ فَاطِمَةُ الزَّهرَاءُ فَرحاً شَدِیداً فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللهِ : هَل سَرَرتُكِ یا بُنَیَّةُ؟ قَالَت: نَعَم یَا رَسُولَ اللهِ لَقَد سَرَرتَنِی وَ أَحزَنتَنِی. قَالَ: کَذَلِكَ أُمُورُ الدُّنیَا یَشُوبُ سُرُورُهَا بِحُزنِهَا قَالَ: أَفَلا أَزِیدُكِ فِی زَوجِكِ مِن مَزِیدِ الخَیرِ کُلِّهِ؟ قَالَت: بَلَی یَا رَسُولَ اللهِ. قَالَ: إِنَّ عَلِیًّا أَوَّلُ مَن آمَنَ بِاللهِ وَ هُوَ ابنُ عَمِّ رَسُولِ اللهِ وَ أَخُو الرَّسُولِ وَ وَصِیُّ رَسُولِ اللهِ وَ زَوجُ بِنتِ رَسُولِ اللهِ وَ ابنَاهُ سِبطَا رَسُولِ اللهِ وَ عَمُّهُ سَیِّدُ الشُّهَدَاءِ عَمُّ رَسُولِ اللهِ وَ أَخُوهُ جَعفَرُ الطَّیَّارُ فِی الجَنَّةِ ابنُ عَمِّ رَسُولِ اللهِ وَ المَهدِیُّ الَّذِی یُصَلِّی عِیسَی خَلفَهُ مِنكِ وَ مِنهُ فَهَذِهِ خِصَالٌ لَم یُعطَهَا أَحَدٌ قَبلَهُ وَ لَا أَحَدٌ بَعدَهُ یَا بُنَیَّةُ هَل سَرَرتُكِ؟ قَالَت: نَعَم یَا رَسُولَ اللهِ. قَالَ: أَوَلا أَزِیدُكِ فِی زَوجِكِ مَزِیدَ الخَیرِ کُلِّهُ؟ قَالَت: بَلَی. قَالَ: إِنَّ اللهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَی خَلَقَ الخَلقَ قِسمَینِ فَجَعَلَنِی وَ زَوجَكِ فِی أَخیَرِهِمَا قِسماً وَ ذَلِكَ قَولُهُ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿ **وَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ** ﴾ ثُمَّ جَعَلَ الإِثنَینِ ثَلاثاً فَجَعَلَنِی وَ زَوجَكِ فِی أَخیَرِهِمَا ثُلثاً وَ ذَلِكَ قَولُهُ: ﴿ **وَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ * فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ** ﴾.

عبدالله بن عباس گفت: از سلمان فارسی شنیدم که می‌گفت: زمان بیماری پیامبر ﷺ که پس از آن بیماری وفات یافت، نزد آن‌حضرت رفتم و مقابل ایشان نشستم. آن‌گاه حضرت فاطمه ؇ وارد شد و چون رسول خدا ﷺ را در آن حالت دید، چنان بغض گلویش را فشرد که اشک بر گونه‌هایش جاری شد. وقتی رسول خدا ﷺ حضرت فاطمه ؇ را دید، فرمود: دخترم! چرا گریه می‌کنی؟ حضرت فاطمه ؇ فرمود: چگونه گریه نکنم، در حالی که چنین ضعف و بیماری را در شما می‌بینم. ای رسول خدا ﷺ! ما پس از شما چه کسی را خواهیم داشت؟ رسول خدا ﷺ فرمود: شما خدا را دارید، پس به خدا توکّل کن و صبر پیشه کن؛ همچنان‌که پدران پیامبرت و مادرانت که همسران ایشان بودند، صبر پیشه کردند.

ای فاطمه! آیا نمی‌دانی که خداوند بلندمرتبه پدرت را برگزید و او را پیامبر قرار داد و فرستادهٔ خویشش نمود و بعد از آن علی ؈ را به ازدواج تو درآورد و او را جانشین و وصی قرار داد. او را که بعد از پدرت بزرگ‌ترین حق را بر مسلمانان دارد. او پیشروترین این امت در اسلام و توانمندترین آن‌ها در خطر و زیباترین آن‌ها در اخلاق است. سهمناک‌ترین خشم را در راه خدا و من دارد و بی‌باک‌ترین دل و استوارترین و آرام‌ترین قلب و گشاده‌ترین دست از برای اوست.

چون حضرت فاطمه ؇ از این سخنان بسیار شادمان شد، رسول خدا ﷺ به او فرمود: دخترم! آیا خوشحالت کردم؟ فرمود: آری ای رسول خدا! هم خوشحالم کردی و هم غمگین! رسول خدا ﷺ فرمود: کارهای دنیا این چنین است؛ شادی و غمش در هم آمیخته است. آیا می‌خواهی از خوبی‌های شویت باز برایت بگویم؟ فرمود: بله ای رسول خدا ﷺ!

رسول خدا ﷺ فرمود: به درستی که علی ؈ نخستین کسی است که به خداوند

ایمان آورد و او پسرعمو و برادر و جانشین و همسر دختر رسول خداست. دو پسرش نوه‌های رسول خدا هستند و عمویش سرور شهیدان عموی رسول خداست. برادرش جعفر طیار که در بهشت است، پسرعموی رسول خداست و حضرت مهدی علیه‌السلام که حضرت عیسی علیه‌السلام پشت سرِ او نماز می‌خواند، از فرزندان تو و اوست. این‌ها ویژگی‌هایی است که تا به حال به کسی داده نشده و پس از آن هم به کسی داده نخواهد شد. ای دخترم! آیا خوشحالت کردم؟ فرمود: آری ای رسول خدا! فرمود: آیا می‌خواهی از خوبی‌های شویت باز برایت بگویم؟ فرمود: آری. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: همانا خداوند بلندمرتبه آفریدگان را به دو قسمت تقسیم کرد و من و همسرت را در قِسم دوم قرار داد. این همان کلام خداوند عزّوجلّ است: «اصحاب دست راست، و اصحاب دست راست چه [کسانی] هستند؟» سپس آن دو را سه قِسم کرد و من و همسرت را در ثلث آخر آن‌ها قرار داد. و این همان کلام خداوند عزّوجلّ است: «و پیشی‌گیرندگان [در دنیا به ایمان و] پیشی‌گیرندگان [در آخرت به بهشت]، آنان مقرّبان [درگاه الهی]، در بهشت‌های پرنعمت هستند.»

۴۰۸. عَن جَابِرِ الجُعفِيِّ عَن أَبِي جَعفَرٍ علیه‌السلام قَالَ: يَا جَابِرُ إِنَّ اللهَ خَلَقَ النَّاسَ عَلَى ثَلاثَةِ أَصنَافٍ وَ هُوَ قَولُهُ: ﴿ **وَ كُنْتُمْ أَزْواجًا ثَلاثَةً * فَأَصْحابُ الْمَيْمَنَةِ ما أَصْحابُ الْمَيْمَنَةِ * وَ أَصْحابُ الْمَشْئَمَةِ ما أَصْحابُ الْمَشْئَمَةِ * وَ السّابِقُونَ السّابِقُونَ * أُولٰئِكَ الْمُقَرَّبُونَ** ﴾ فَالسَّابِقُونَ هُم رُسُلُ اللهِ وَ خَاصَّتُهُ مِن خَلقِهِ جَعَلَ اللهُ فِيهِم خَمسَةَ أَروَاحٍ وَ أَيَّدَهُم بِرُوحِ القُدُسِ فَبِهِ عَرَفُوا الأَشيَاءَ، وَ أَيَّدَهُم بِرُوحِ الإِيمَانِ فَأَيَّدَهُمُ اللهُ بِهِ، وَ أَيَّدَهُم بِرُوحِ القُوَّةِ فَبِهِ قَوُوا عَلَى طَاعَةِ اللهِ، وَ أَيَّدَهُم بِرُوحِ الشَّهوَةِ فَبِهِ اشتَهَوا طَاعَةَ اللهِ وَ كَرِهُوا مَعصِيَتَهُ، وَ جَعَلَ فِيهِم رُوحَ المَدرَجِ الَّذِي يَذهَبُ النَّاسُ فِيهِ وَ يَجِيئُونَ، وَ جَعَلَ فِي المُؤمِنِينَ أَربَعَةَ أَروَاحٍ ـ وَ هُم أَصحَابُ المَيمَنَةِ ـ رُوحَ الإِيمَانِ وَ رُوحَ القُوَّةِ وَ رُوحَ الشَّهوَةِ وَ رُوحَ المَدرَجِ.

جابر جعفی گفت: امام محمّد باقر علیه السلام فرمود: ای جابر! همانا خداوند، مردم را سه دسته آفرید؛ چنان‌چه می‌فرماید: «و [شما مردم] سه دسته شوید: اصحاب دست راست، و اصحاب دست راست چه [کسانی] هستند؟! و اصحاب دست چپ، و اصحاب دست چپ چه [کسانی] هستند؟! و پیشی‌گیرندگان [در دنیا به ایمان و] پیشی‌گیرندگان [در آخرت به بهشت]. آنان مقرّبان [درگاه الهی] هستند.» پیشی‌گیرندگان، همان رسولان خدا و خواصّ درگاه او از میان آفریدگان می‌باشند که خدا در ایشان پنج روح قرار داده است: ایشان را به روح القدس مؤید ساخت که به وسیلهٔ آن همه چیز را شناختند؛ ایشان را با روح ایمان مؤید ساخت و این‌چنین خداوند آنان را تأیید کرد؛ ایشان را به روح توانایی مؤید ساخت که با آن بر اطاعت خدا توانایی یافتند؛ ایشان را به روح شهوت مؤید ساخت که با آن به اطاعت خدا میل و رغبت و از نافرمانی‌اش کراهت یافتند؛ در ایشان روح حرکت نهاد که مردم با آن رفت و آمد کنند.

امّا در مؤمنان که همان اصحاب دستِ راست هستند، چهار روح را قرار داد: روح ایمان؛ روح قدرت؛ روح شهوت؛ روح حرکت.

۴۰۹. الحُسَینُ بنُ سَعِیدٍ عَن جَعفَرِبنِ مُحَمَّدٍ علیه السلام قَالَ: سَأَلتُهُ عَن قَولِ اللهِ: ﴿ **ثُلَّةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ * وَ قَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ** ﴾ قَالَ: ثُلَّةٌ مِنَ الأَوَّلِینَ: ابنُ آدَمَ المَقتُولِ وَ مُؤمِنُ آلِ فِرعَونَ وَ حَبِیبُ النَّجَّارِ صَاحِبُ یَس ﴿ **وَ قَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ** ﴾ أَمِیرُ المُؤمِنِینَ عَلِیُّ بنُ أَبِی‌طَالِبٍ علیه السلام.

حسین‌بن سعید گفت: از امام جعفر صادق علیه السلام دربارهٔ کلام خداوند متعال «بسیاری از پیشینیان و اندکی از آیندگان» پرسیدم، ایشان فرمود: «بسیاری از پیشینیان»، پسر جان‌باختهٔ آدم و مؤمن خاندان فرعون و حبیب نجار همان صاحب یاسین هستند و «اندکی از آیندگان» امیرمؤمنان حضرت علی بن ابی‌طالب علیه السلام است.

(سورهٔ واقعه، آیهٔ ۱۷)
﴿ يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدٰانٌ مُخَلَّدُونَ ﴾

پسرانی جاودانی بر گرداگرد آنان می‌گردند.

۴۱۰. مُحَمَّدُبنُ عِيسَى‌بنِ زَكَرِيَّا مُعَنعَنًا: عَن جَعفَرِبنِ مُحَمَّدٍ عَن أَبِيهِ عَن جَدِّهِ عليهم السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله لِمُحِبِّينَا أَهلَ البَيتِ: سَتَجِدُونَ مِن قُرَيشٍ أَثَرَةً فَاصبِرُوا حَتَّى تَلقَونِي عَلَى الحَوضِ: شَرَابُهُ أَحلَى مِنَ العَسَلِ وَ أَبيَضُ مِنَ اللَّبَنِ وَ أَبرَدُ مِنَ الثَّلجِ وَ أَليَنُ مِنَ الزُّبَدِ، وَ أَنتُمُ الَّذِينَ وَصَفَكُمُ اللهُ فِي كِتَابِهِ: ﴿ **يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدٰانٌ مُخَلَّدُونَ * بِأَكْوٰابٍ وَ أَبٰارِيقَ وَ كَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ * لاٰ يُصَدَّعُونَ عَنْهٰا وَ لاٰ يُنْزِفُونَ * وَ فٰاكِهَةٍ مِمّٰا يَتَخَيَّرُونَ**[۱] ﴾.

محمّد بن عیسی‌بن زکریّا روایت کرده است: امام جعفر صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش از جد بزرگوارش نقل کرد که ایشان فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله به دوستداران ما اهل بیت علیهم السلام فرمود: از قریش خودخواهی بسیار خواهید دید، اما بردبار باشید تا در کنار حوض کوثر مرا دیدار کنید. حوضی که نوشیدنی آن شیرین‌تر از عسل و سفیدتر از شیر و خنک‌تر از برف و نرم‌تر از کره است. شما کسانی هستید که خداوند در قرآن وصفشان فرموده است: «پسرانی که همواره بر گرداگرد آنان می‌گردند، با تنگ‌های بی‌دسته و تنگ‌های بادسته و جام‌هایی لبریز از شراب روان، که از [نوشیدن] آن نه سردرد گیرند و نه مست شوند [و عقل خود را از دست دهند].»

---

۱. واقعه، ۲۰-۱۷

وَ مِن سُورَةِ الحَدِيدِ

(سورهٔ حدید، آیهٔ ۱۲)

﴿ يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ يَسْعىٰ نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ ﴾

[به یاد آور] روزی که مردان و زنان مؤمن را می‌بینی که نورشان پیشاپیش آنان می‌شتابد.

۴۱۱. عَن جَابِرٍ عَن أَبِی جَعفَرٍ علیه السلام قَالَ: سَأَلتُهُ عَن قَولِ اللهِ: **﴿ يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ يَسْعىٰ نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ بِأَيْمَانِهِمْ ﴾** قَالَ: رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله هُوَ نُورُ المُؤمِنِینَ یَسعَی بَینَ أَیدِیهِم یَومَ القِیَامَةِ إِذَا أَذِنَ اللهُ لَهُ أَن یَأتِیَ مَنزِلَهُ فِی جَنَّاتِ عَدنٍ وَ المُؤمِنُونَ یَتَّبِعُونَهُ وَ هُوَ یَسعَی بَینَ أَیدِیهِم حَتَّی یَدخُلَ جَنَّةَ عَدنٍ وَ هُم یَتَّبِعُونَ حَتَّی یَدخُلُونَ مَعَهُ.

وَ أَمَّا قَولُهُ: **﴿ وَ بِأَيْمَانِهِمْ ﴾** فَأَنتُم تَأخُذُونَ بِحُجزَةِ آلِ مُحَمَّدٍ وَ یَأخُذُ آلُ مُحَمَّدٍ بِحُجزَةِ الحَسَنِ وَ الحُسَینِ وَ یَأخُذُ اَمِیرُ المُؤمِنِینَ بِحُجزَةِ رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله حَتَّی یَدخُلُونَ مَعَ رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله فِی جَنَّةِ عَدنٍ، فَذَلِكَ قَولُهُ: **﴿ بُشْرَاكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ[1] ﴾**.

جابر گفت: از امام محمّد باقر علیه السلام دربارهٔ این سخن خداوند متعال: «[به یاد آور] روزی که مردان و زنان مؤمن را می‌بینی که نورشان پیشاپیش آنان و در

---

۱. حدید، ۱۲.

سمت راستشان می‌شتابد» پرسیدم. ایشان فرمود: رسول خدا ﷺ همان نور مؤمنان است که پیشاپیش ایشان می‌شتابد؛ در روز قیامت چون خداوند به او اجازه دهد که به منزل خود در بهشت‌های جاودان درآید و مؤمنان در پی او روانه شوند، او پیشاپیش ایشان می‌شتابد؛ تا آن‌که به بهشت جاودان داخل می‌شود و ایشان در پی او روانه می‌شوند تا آن‌که به همراهش داخل می‌شوند. اما آنجاکه می‌فرماید: «و در سمت راستشان» یعنی شما دست به دامان خاندان محمّد می‌شوید و خاندان محمّد دست به دامان حسن و حسین علیهما السلام می‌شوند و امیرمؤمنان علیه السلام دست به دامان رسول خدا ﷺ دارد تا این‌که همه همراه رسول خدا ﷺ به بهشت جاودان در می‌آیند و این همان کلام حق تعالی است: «امروز بشارت بر شما بهشت‌هایی است که از زیر [درختان و قصرهای] آن نهرها جاری است، در آنجا جاودانید. این همان رستگاری بزرگ است.»

(سورهٔ حدید، آیهٔ ۲۸)

﴿ يٰا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ وَ آمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ ﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا پروا کنید و به پیامبرش ایمان بیاورید، تا [خداوند] دو نصیب از رحمتش را به شما ارزانی دارد و برای شما نوری قرار دهد که با آن راه روید و شما را بیامرزد.

۴۱۲. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ فِی قَولِ اللهِ تَبارَكَ وَ تَعالَى: ﴿ يٰا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ وَ آمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ ﴾ قالَ: الحَسَنُ وَ الحُسَينُ ﴿ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ ﴾ قالَ: أَميرُ المُؤمِنينَ عَلِيُّ بنُ أَبی طالِبٍ علیه السلام.

ابن عباس دربارهٔ کلام خداوند تبارک و تعالی «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا پروا کنید و به پیامبرش ایمان بیاورید، تا [خداوند] دو نصیب از رحمتش را به شما ارزانی دارد» گفت: امام حسن و امام حسین علیهما السلام آن دو نصیب هستند

«و برای شما نوری قرار دهد که با آن راه روید.» و امیرمؤمنان علی بن ابی طالب ﷺ آن نور است.

۴۱۳. عَن جَابِرٍ عَن أَبِی جَعفَرٍ ﷺ فِی قَولِهِ تَعَالَی: ﴿ **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ آمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ** ﴾ يَعنِی: حَسَناً وَ حُسَيناً قَالَ: مَا ضَرَّ مَن أَكرَمَهُ اللهُ أَن يَكُونَ مِن شِيعَتِنَا مَا أَصَابَهُ فِی الدُّنيَا وَ لَو لَم يَقدِر عَلَی شَیءٍ يَأكُلُهُ إِلَّا الحَشِيشَ.

جابر گفت: امام محمّد باقر ﷺ دربارهٔ این آیه فرمود: منظور از دو نصیب از رحمتِ خداوند، امام حسن و امام حسین ﷺ می‌باشد. کسی که خداوند وی را با شیعه حضرت علی ﷺ بودن گرامی داشته، هرگونه که دنیای او بگذرد، زیان نکرده است؛ حتی اگر خوراکی جز خار و خاشاک پیدا نکند.

وَ مِن سُورَةِ المُجَادِلَةِ

(سورهٔ مجادلة، آیهٔ ۱۲)

﴿ يٰا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا إِذٰا نٰاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوٰاكُمْ صَدَقَةً ذٰلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ وَ أَطْهَرُ ﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هرگاه [خواستید] با پیامبر نجوا کنید، پیش از نجوایتان صدقه‌ای بدهید. این [کار] برای شما بهتر و پاک‌تر است.

۴۱۴ . عَن مُجَاهِدٍ قَالَ: قَالَ أَميرُ الْمُؤمِنينَ عَلِيُّ بنُ أَبي طالِبٍ عليه السلام: إِنَّ لَفِي كِتَابِ اللهِ آيَةً مَا عَمِلَ بِهَا أَحَدٌ قَبلِي وَ لَا يَعمَلُ بِهَا أَحَدٌ بَعدِي آيَةُ النَّجوَى كَانَ لِي دِينَارٌ فَبِعتُهُ بِعَشرَةِ دَرَاهِمَ فَجَعَلتُ أُقَدِّمُ بَينَ يَدَي كُلِّ نَجوَةٍ أُنَاجِيهَا النَّبِيَّ صلى الله عليه و آله دِرهَمًا. قَالَ: فَنَسَخَت فِي قَولِهِ ﴿ ءَ أَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوٰاكُمْ صَدَقَاتٍ ﴾ إِلَى قَولِهِ: ﴿ وَ اللهُ خَبيرٌ بِمٰا تَعْمَلُونَ ﴾ فَلَم يَعمَل بِهَا أَحَدٌ بَعدِي.

مجاهد گفت: امیر مؤمنان حضرت علی عليه السلام فرمود: همانا آیه‌ای در کتاب خدا هست که پیش از من کسی بدان عمل نکرده و پس از من نیز عمل نخواهد کرد؛ آن، آیهٔ نجواست. من دیناری داشتم که آن را به ده درهم فروختم و پیش از هر نجوایی که با پیامبر می‌کردم، درهمی از آن را صدقه دادم. سپس این آیه با آیه

«آیا ترسیدید پیش از نجوایتان صدقه‌ای بدهید» تا آنجا که می‌فرماید «و خداوند به آن‌چه انجام می‌دهید، آگاه است» نسخ شد و این‌چنین هیچ کس پس از من به آن عمل نکرد.

۴۱۵. قَالَ: حَدَّثَنا مُحَمَّدُبنُ عَبدِ اللهِ بنِ سُلیمانَ الحَضرَمِیّ مُعنعَنًا: عَن أَمِیرِالمُؤمِنِینَ عَلِیِّ بنِ أَبی طالِبٍ عليه السلام قَالَ: لَمّا نَزَلَت هَذِهِ الآیَةُ: ﴿ **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةً** ﴾ قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: مَا تَقُولُ ـ قَالَ: دِینَارٌ؟ قُلتُ: لَا یُطِیقُونَهُ. قَالَ: فَکَم؟ قُلتُ: شَعِیرَةٌ. قَالَ: إِنَّكَ لَزَهِیدٌ فَنَزَلَ: ﴿ **ءَأَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ** ﴾ فَخَفَّفَ اللهُ عَن هَذِهِ الأُمَّةِ بِی فَلَم یُنَزِّل فِی أَحَدٍ قَبلِی وَ لَا یُنَزِّلُ فِی أَحَدٍ بَعدِی.

عبدالله‌بن سلیمان حضرمی روایت کرده است: امیرمؤمنان حضرت علی عليه السلام فرمود: چون این آیه نازل شد، رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: چه می‌گویی؟ خوب است یک دینار باشد؟ عرض کردم: توانش را ندارند. فرمود: پس چقدر باشد؟ عرض کردم: دانه‌ای جو. فرمود: بسیار کم گفتی! آن‌گاه نازل شد: «آیا ترسیدید که پیش از نجوایتان صدقه‌ای بدهید؟» این‌گونه خداوند به خاطر من بر این امّت آسان گرفت؛ از این رو نه پیش از من و نه پس از من این آیه دربارهٔ کسی نازل نشده است.

۴۱۶. عَن جَابِرٍ قَالَ: لَمّا کَانَ یَومُ الطَّائِفِ دَعَا رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله عَلِیًّا عليه السلام فَنَاجَاهُ طَوِیلًا فَقَالَ بَعضُ أَصحَابِهِ: لَقَد طَالَ نَجوَاهُ بِابنِ عَمِّهِ. فَقَالَ: مَا أَنَا إِنتَجَیتُهُ بَلِ اللهُ إِنتَجَاهُ.

جابر گفت: در روز طائف رسول خدا صلى الله عليه وآله حضرت علی عليه السلام را فراخواند و با او نجوایی طولانی کرد. یکی از یاران ایشان گفت: نجوای پیامبر صلى الله عليه وآله با پسرعمویش به درازا کشید. ایشان فرمود: من با او نجوا نکردم، بلکه خداوند با او نجوا کرد.

وَ مِن سُورَةِ الحَشرِ

(سورهٔ حشر، آیهٔ ۷)

﴿ مٰا أَفٰاءَ اللّهُ عَلىٰ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرىٰ فَلِلّٰهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبىٰ وَ الْيَتٰامىٰ وَ الْمَسٰاكينِ وَ ابْنِ السَّبيلِ ﴾

آن‌چه را خداوند از [اموال] اهل آبادی‌ها به پیامبرش بازگردانید، از آنِ خدا و از آنِ پیامبر و از آنِ خویشاوندان [او] و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است.

۴۱۷. عَن أَبی حَمزَةَ الثُّمالِیِّ: عَن أَبی جَعفَرٍ علیه السلام قالَ: قَالَ اللّهُ تَبارَكَ وَ تَعالَی: **﴿ مٰا أَفٰاءَ اللّهُ عَلىٰ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرىٰ فَلِلّٰهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبىٰ ﴾** وَ ماكانَ لِلرَّسولِ فَهُوَ لَنا وَ لِشيعَتِنا حَلَّلناهُ لَهُم وَ طَيَّبناهُ لَهُم، يا أَبا حَمزَةَ وَاللّهِ لا يَضرِبُ عَلی شَیءٍ مِنَ السِّهامِ فِی شَرقِ الأَرضِ وَ لا غَربِها مالٌ إِلّاكانَ حَرامًا سُحتًا عَلی مَن نالَ مِنهُ شَيئًا ما خَلانا وَ شيعَتِنا إِنّا طَيَّبناهُ لَكُم وَ جَعَلناهُ لَكُم، وَاللّهِ يا أَبا حَمزَةَ لَقَد غُصِبنا وَ شيعَتُنا حَقَّنا مالًا مِنَ اللّهِ عَلَينا، ما مَلاؤُنا بِسَعادَةٍ وَ ما تارَكتَكُم بِعُقوبَةٍ فِی الدُّنيا.

ابوحمزه ثمالی گفت: امام محمّد باقر علیه السلام دربارهٔ این آیه فرمود: هر آن‌چه از برای رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، از برای ما و شیعیان ماست که ما آن را برای ایشان

حلال کرده‌ایم و پاک گردانده‌ایم. ای ابوحمزه! به خدا سوگند در شرق و غرب زمین هر مالی از قمار بر جا بماند، بر همگان دست یازیدن به آن حرام و نارواست جز ما و شیعیان ما که ما آن را برای شما پاک گردانده‌ایم و آن را برای شما قرار داده‌ایم.

۴۱۸. عَن عُبَيدِ بنِ يَحيَى قَالَ: سَأَلَ مُحَمَّدَبنَ الحُسَينِ عليه‌السلام رَجُلٌ حَضَرَنَا فَقُلتُ: جُعِلتُ فِدَاكَ كَانَ مِن أَمرِ فَدَكٍ دُونَ المُؤمِنِينَ عَلَى وَجهِهِ تَفسِيرُهَا لَهَا؟ قَالَ: نَعَم لَمَّا نَزَلَ بِهَا جَبرَئِيلُ عَلَى رَسُولِ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله شَدَّ رَسُولُ اللهِ سِلَاحَهُ وَ أَسرَجَ دَابَّتَهُ وَ شَدَّ عَلِيٌّ عليه‌السلام سِلَاحَهُ وَ أَسرَجَ دَابَّتَهُ ثُمَّ تَوَجَّهَا فِي جَوفِ اللَّيلِ وَ عَلِيٌّ لَا يَعلَمُ حَيثُ يُرِيدُ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله حَتَّى انتَهَيَا إِلَى فَدَكٍ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله: يَا عَلِيُّ تَحمِلُنِي أَو أَحمِلُكَ؟ قَالَ عَلِيٌّ: أَحمِلُكَ يَا رَسُولَ اللهِ، فَقَالَ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله: يَا عَلِيُّ بَل أَنَا أَحمِلُكَ لِأَنِّي أَطوَلُ بِكَ وَ لَا تَطُولُ بِي. فَحَمَلَ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله عَلِيًّا عَلَى كَتِفِهِ ثُمَّ قَامَ بِهِ فَلَم يَزَل يَطُولُ بِهِ حَتَّى عَلَا عَلِيٌّ عَلَى سُوَرِ حِصنٍ فَصَعِدَ عَلِيٌّ عَلَى الحِصنِ وَ مَعَهُ سَيفُ رَسُولِ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله فَأَذَّنَ عَلَى الحِصنِ وَ كَبَّرَ فَابتَدَرُوا أَهلُ الحِصنِ إِلَى بَابِ الحِصنِ هَرَابًا حَتَّى فَتَحُوهُ وَ خَرَجُوا مِنهُ فَاستَقبَلَهُم رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله بِجَمعِهِم وَ نَزَلَ عَلِيٌّ إِلَيهِم فَقَتَلَ عَلِيٌّ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ مِن عُظَمَائِهِم وَ كُبَرَائِهِم وَأَعطَى البَاقُونَ بِأَيدِيهِم وَسَاقَ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله ذَرَارِيَهُم وَ مَن بَقِيَ مِنهُم وَ غَنَائِمَهُم يَحمِلُونَهَا عَلَى رِقَابِهِم إِلَى المَدِينَةِ فَلَم يُوجِف فِيهَا غَيرُ رَسُولِ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله فَهِيَ لِرَسُولِ اللهِ وَ لِذُرِّيَّتِهِ خَاصَّةً دُونَ المُؤمِنِينَ.

عبیدبن یحیی گفت: مردی نزد امام سجاد عليه‌السلام سؤالی کرد. من به ایشان عرض کردم: فدایت شوم! امر فدک در نظر دیگر مؤمنان نیز همچون این مرد است. آیا تفسیر این آیه دربارهٔ آن است؟ ایشان فرمود: بله؛ چون جبرئیل این آیه را بر رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نازل کرد، رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله سلاح خود بربست و چهارپایش را زین کرد و نیز حضرت علی عليه‌السلام سلاح خود بربست و چهارپایش را زین کرد و سپس در دل شب به راه افتادند؛ حال آنکه حضرت علی عليه‌السلام نمی‌دانست

رسول خدا ﷺ رو سوی کجا دارد. ایشان رفتند تا این‌که به فدک رسیدند. آن‌گاه رسول خدا ﷺ به حضرت علی ؑ فرمود: ای علی! تو مرا بر دوش می‌گیری یا من تو را بر دوش گیرم؟ عرض کرد: من شما را بر دوش می‌گیرم ای رسول خدا! فرمود: نه؛ من تو را بر دوش می‌گیرم؛ چراکه من بلندقامت‌تر از تو هستم و تو از من بلندتر نیستی. رسول خدا ﷺ حضرت علی ؑ را بر دوش گرفت و او را بلند کرد و هنوز کامل بر پا نشده بود که حضرت علی ؑ سر به دیوار دژ رسانید و از آن بالا رفت؛ حال آن‌که شمشیر رسول خدا ﷺ همراه او بود. آن‌گاه اذان سرداد و تکبیر گفت و این‌چنین ساکنان دژ گریزان سوی در شتافتند و آن را گشودند و از آن بیرون آمدند. رسول خدا ﷺ رو سوی جمع آنان گذاشت و حضرت علی ؑ به سوی آنان فرود آمد و هیجده تن از بزرگان و سران آنان را از پا درآورد و دیگران را تسلیم بر جا گذاشت. رسول خدا ﷺ فرزندان و برجاماندگان آنان را به راه انداخت و آنان غنایم را بر دوش خود به مدینه آوردند و جز رسول خدا ﷺ کسی در آن‌ها دست نبرد؛ پس آن از برای رسول خدا و فرزندان ایشان است و نه دیگر مؤمنان.

(سورهٔ حشر، آیهٔ ۷)

﴿ وَ مٰا آتٰاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مٰا نَهٰاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا ﴾

و آن‌چه را پیامبر به شما داد، بگیرید و از آن‌چه شما را نهی کرد، بازایستید.

۴۱۹. عَن سَالِمِ بنِ عَبدِ اللهِ بنِ عُمَرَ عَن أَبِيهِ قَالَ: سَمِعتُ رَسُولَ اللهِ ﷺ يَقُولُ: أَيُّهَا النَّاسُ عَلِيٌّ مِثلُ حَدِّ السَّيفِ وَ الصَّابِرُ مَن صَبَرَهُ اللهُ يَعنِي يَدخُلُ الجَنَّةَ لِمَحَبَّةِ عَلِيٍّ، مَعَاشِرَ النَّاسِ اعلَمُوا أَنَّ عَلِيَّ بنَ أَبِي طَالِبٍ فِيكُم مِثلُ النَّجمِ الزَّاهِرِ فِي السَّمَاءِ إِذَا طَلَعَ أَضَاءَ مَا حَولَهُ، مَعَاشِرَ النَّاسِ إِعلَمُوا أَنِّي إِنَّمَا قُلتُ هَذَا لَا تُقَدِّمُ عَلَيكُم لِيَومِ الوَعِيدِ، مَعَاشِرَ النَّاسِ إِذَا كَانَ يَومُ القِيَامَةِ حَشَرَ النَّاسُ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ وَ حَشَرَ عَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ ؑ

وَسَطَ الفَوجِ وَ أَنَا فِی أَوَّلِهِ وَ وُلْدُ عَلِیِّ بنِ أَبِی طَالِبٍ فِی آخِرِ الفَوجِ، مَعَاشِرَ النَّاسِ فَهَل رَأَیتُم عَبدًا یَسبِقُ مَولاهُ، مَعَاشِرَ النَّاسِ إِعلَمُوا أَنَّ وَلایَةَ عَلِیٍّ فَرضٌ عَلَیکُم أَحفَظَهُ اللهُ عَلَیکُم وَ هُوَ قَولُ جَبرَئِیلَ هَبَطَ بِهِ إِلَیَّ مِن رَبِّ العَالَمِینَ مَعَاشِرَ النَّاسِ إِعلَمُوا أَنَّهُ قَولُ اللهِ تَعَالَی فِی کِتَابِهِ ﴿ **مٰا آتٰاکُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مٰا نَهٰاکُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا** ﴾.

سالم‌بن عبدالله‌بن عمر به نقل از پدرش گفت: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: ای مردم! علی علیه السلام همچو تیزی شمشیر است و صابر کسی است که خدا به او صبر دهد؛ یعنی او به‌خاطر دوستی علی علیه السلام داخل بهشت می‌شود. ای جماعت مردم! بدانید علی بن ابی‌طالب علیه السلام در میان شما همچون ستاره درخشنده در آسمان است که به هنگام طلوع پیرامونش را روشن می‌کند. ای جماعت مردم! بدانید سخنی که برایتان گفتم بر شما آشکار نمی‌شود تا آن‌گاه که روز موعود فرا رسد. ای جماعت مردم! چون روز قیامت فرا رسد، مردم در صفی واحد محشور می‌شوند و علی بن ابی‌طالب علیه السلام جداگانه در میان گروهی محشور می‌شود که من پیشاپیش آن و فرزندان او در پس آن هستند. ای جماعت مردم! آیا تا به حال بنده‌ای را دیده‌اید که از مولایش پیشی بگیرد؟ ای جماعت مردم! بدانید ولایت علی علیه السلام بر شما امری است واجب که خداوند آن را بر شما پایدار گردانده و این سخن جبرئیل است که از سوی پروردگار جهانیان بر من فرود آورده است. ای جماعت مردم! بدانید این همان کلام خداوند متعال در کتابش است: «و آن‌چه را پیامبر به شما داد، بگیرید و از آن‌چه شما را نهی کرد، بازایستید».

قَالَ ابنُ عَبَّاسٍ وَاللهِ لا أَشرَکتُ فِی حُبِّ عَلِیٍّ مَعَهُ غَیرَهُ. ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله: إِعلَمُوا أَنَّ هَذِهِ الجَنَّةَ وَالنَّارَ فَمِنَ الیَمِینِ عَلِیٌّ علیه السلام وَ عَلَی الشِّمَالِ شَیطَانٌ إِن اتَّبَعتُمُوهُ أَضَلَّکُم وَ إِن أَطَعتُمُوهُ أَدخَلَکُمُ النَّارَ، وَ عَلِیُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام إِن اتَّبَعتُمُوهُ هَدَاکُم وَ إِن أَطَعتُمُوهُ

أَدخَلَكُمُ الجَنَّةَ. فَوَثَبَ إِلَيهِ أَبُوذَرٍ الغِفَارِيُّ قَالَ: يَا رَسُولَ اللهِ فَكَيفَ قُلتَ ذَا؟ قَالَ: لِأَنَّهُ يَأمُرُ بِالتُّقَى وَ يَعمَلُ بِهَا وَ الشَّيطَانُ يَأمُرُ بِالمُنكَرِ وَ يَعمَلُ بِالفَحشَاءِ.

ابن عباس گفت: به خدا سوگند که هرگز در محبّت علی ﷺ دیگری را با او شریک نگردانده‌ام. رسول خدا ﷺ فرمود: بدانید که این بهشت و جهنم است، سمت راست علی ﷺ و سمت چپ شیطان ایستاده است. اگر از شیطان پیروی کنید، گمراهتان می‌کند و اگر اطاعتش نمودید، شما را به آتش دوزخ داخل می‌کند و اگر از علی ﷺ پیروی کنید، هدایتتان می‌کند و اگر اطاعتش نمودید، شما را به بهشت داخل می‌کند. در آن دم ابوذر غفاری جلو آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! چرا چنین فرمودی؟ ایشان فرمود: چون علی ﷺ به پرهیزکاری فرمان می‌دهد و خود به آن عمل می‌کند و شیطان به کردار ناپسند فرمان می‌دهد و خود به آن عمل می‌کند.

(سورهٔ حشر، آیهٔ ۱۰)

﴿ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنٰا وَ لِإِخْوٰانِنَا الَّذينَ سَبَقُونٰا بِالْإيمٰانِ ﴾

پروردگارا! ما و برادرانمان راکه در ایمان بر ما پیشی گرفته‌اید بیامرز.

۴۲۰. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَولُ اللهِ تَعَالَى: ﴿ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنٰا وَ لِإِخْوٰانِنَا الَّذينَ سَبَقُونٰا بِالْإيمٰانِ وَ لٰا تَجْعَلْ في قُلُوبِنٰا غِلاً لِلَّذينَ آمَنُوا رَبَّنٰا إِنَّكَ رَؤُفٌ رَحيمٌ ﴾ فَقَالَ ابنُ عَبَّاسٍ: هُم ثَلَاثَةُ نَفَرٍ: مُؤمِنُ آلِ فِرعَونَ وَ حَبِيبُ النَّجَارِ صَاحِبُ مَدِينَةِ أَنطَاكِيَّةَ وَ عَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ ﷺ.

ابن عباس دربارهٔ کلام خداوند متعال «پروردگارا! ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما پیشی گرفته‌اند، بیامرز، و در دل‌های ما نسبت به کسانی که ایمان آورده‌اند کینه‌ای قرار مده. پروردگارا! به راستی تو رئوف و مهربانی» گفت: ایشان سه نفر بودند؛ یکی مؤمن آل فرعون؛ دوم حبیب نجار صاحب شهر انطاکیه؛ و سومی علی بن ابی طالب ﷺ.

(سورهٔ حشر، آیهٔ ۲۰)

﴿ لاٰ يَسْتَوِي أَصْحٰابُ النّٰارِ وَ أَصْحٰابُ الْجَنَّةِ أَصْحٰابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفٰائِزُونَ ﴾

اهل آتش و اهل بهشت با هم برابر نیستند، اهل بهشت همان رستگاران‌اند.

۴۲۱. عَن أَبی سَعِیدٍ الخُدرِیِّ قَالَ: تَلا رَسُولُ اللهِ ﷺ هَذِهِ الآیَةَ: ﴿ **لاٰ يَسْتَوِي أَصْحٰابُ النّٰارِ وَ أَصْحٰابُ الْجَنَّةِ أَصْحٰابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفٰائِزُونَ** ﴾ ثُمَّ قَالَ: أَصحَابُ الجَنَّةِ مَن أَطَاعَنی وَ سَلَّمَ لِعَلِیٍّ الوَلَایَةَ بَعدِی، وَ أَصحَابُ النَّارِ مَن نَقَضَ البَیعَةَ وَ العَهدَ وَ قَاتَلَ عَلِیًّا بَعدِی، أَلَا إِنَّ عَلِیًّا بِضعَةٌ مِنِّی فَمَن حَارَبَهُ فَقَد حَارَبَنِی، ثُمَّ دَعَا عَلِیًّا فَقَالَ: یَا عَلِیُّ حَربُكَ حَربِی وَ سِلمُكَ سِلمِی وَ أَنتَ العَلَمُ فِیمَا بَینِی وَ بَینَ أُمَّتِی.

ابی‌سعید خدری گفت: رسول خدا ﷺ این آیه را تلاوت کرد و سپس فرمود: اهل بهشت کسانی هستند که مرا اطاعت کنند و پس از من به ولایت علی علیه‌السلام تسلیم باشند و اهل دوزخ کسانی هستند که عهد بشکنند و پس از من با علی علیه‌السلام به جنگ برخیزند. بدانید که علی علیه‌السلام پارهٔ تن من است و هر که با او بجنگد با من جنگیده است. سپس علی علیه‌السلام را فرا خواند و فرمود: ای علی! جنگ با تو جنگ با من است و صلح با تو، صلح با من است و تو در بین من و امّتم نشانه هستی.

وَ مِن سُورَةِ المُمتَحِنَةِ

(سورهٔ ممتحنه، آیهٔ ۱)

﴿ يٰا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لاٰ تَتَّخِذُوا عَدُوّي وَ عَدُوَّكُمْ أَوْلِيٰاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ ﴾

ای کسانی که ایمان آوردهاید! دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید، با آنان دوستی میکنید [و حال آنکه آنان به آنچه از حق برای شما آمده، کافر شدهاند].

۴۲۲. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ فِی قَولِهِ تَعالَی: **﴿ يٰا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لاٰ تَتَّخِذُوا عَدُوّي وَ عَدُوَّكُمْ أَوْلِيٰاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ ﴾** قالَ: قَدِمَت سارَةُ مَولاةُ بَنِی هاشِمٍ إِلَی المَدِینَةِ فَأَتَت رَسُولَ اللهِ ﷺ وَ مَن مَعَهُ مِن بَنِی عَبدِ المُطَّلِب فَقالَت: إِنِّی مَولاتُکُم وَ قَد أَصابَنِی جَهدٌ وَ قَد أَتَیتُکُم أَتَعَرَّضُ لِمَعرُوفِکُم. فَکُسِیَت وَ حُمِلَت وَ جُهِّزَت وَ عَمَدَها حاطِبُ بنُ أَبِی بَلتَعَةَ أَخُو بَنِی أَسَدِ بنِ عَبدِ العُزَّی فَکَتَبَ مَعَها کِتاباً إِلَی أَهلِ مَکَّةَ بِأَنَّ رَسُولَ اللهِ ﷺ قَد أَمَرَ النّاسَ أَن تَجهَزُوا وَ عَرَفَ حاطِبٌ أَنَّ رَسُولَ اللهِ ﷺ یُرِیدُ أَهلَ مَکَّةَ فَکَتَبَ إِلَیهِم یُحَذِّرُهُم، وَ جَعَلَ لِسارَةَ جَعلًا عَلَی أَن تَکتُمَ عَلَیهِ وَ تُبلِغَ رِسالَتَهُ فَفَعَلَت، فَنَزَلَ جَبرَئِیلُ ؑ عَلَی نَبِیِّ اللهِ فَأَخبَرَهُ فَبَعَثَ رَسُولُ اللهِ ﷺ رَجُلَینِ مِن أَصحابِهِ فِی

أَثَرِهَا: عَلِيُّ بنُ أَبِي طالِبِ عليه السلام وَ زُبَيرُبنُ العَوَامِ وَ أَخبَرَهُمَا خَبَرَ الصَّحِيفَةِ فَقَالَ: إِن أَعطَتكُمَا الصَّحِيفَةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهَا وَ إِلَّا فَاضرِبُوا عُنُقَهَا، فَلَحِقَا سَارَةَ فَقَالَا: أَينَ الصَّحِيفَةُ الَّتِي كُتِبَت مَعَكَ يَا عَدُوَّةَ اللهِ؟ فَحَلَفَت بِاللهِ مَا مَعَهَا كِتَابٌ، فَفَتَشَاهَا فَلَم يَجِدَا مَعَهَا شَيءٌ فَهَمَّا بِتَركِهَا ثُمَّ قَالَ أَحَدُهُمَا: وَاللهِ مَا كَذِبنَا وَ لَاكَذِبنَا، فَسَلَّ سَيفَهُ وَ قَالَ: أَحلَفُ بِاللهِ لَا أَغمَدُهُ حَتَّى يُخرِجُونَ الكِتَابَ أَو يَقَعُ فِي رَأسِكِ.

ابن عباس دربارهٔ این آیه گفت: ساره بندهٔ بنی‌هاشم به مدینه آمد و همراه با تنی چند از پسران عبدالمطلب نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: من بندهٔ شما بنی‌هاشم هستم و به سختی درافتاده‌ام، حال نزد شما آمده‌ام و به نیکی شما چشم دارم. آنان او را پوشاندند و مرکبش دادند و به او رسیدگی کردند. در آن میان حاطب‌بن ابی‌بلتعه از برادران بنی‌اسدبن عبدالغری نزد او رفت و نامه‌ای برای اهل مکه به او داد که در آن نوشته بود رسول خدا صلی الله علیه و آله به مردم فرمان داده تا مجهز شوند؛ چراکه حاطب دریافته بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله مکه را قصد کرده و از این رو نامه‌ای برای آنان نوشت و به آنان هشدار داد. این‌چنین حاطب ساره را واداشت تا مخفیانه پیغام او را برساند و او نیز پذیرفت. در آن دم جبرئیل بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شد و ایشان را باخبر ساخت. حضرت دو تن از یاران خود یعنی علی بن ابی‌طالب علیه السلام و زبیربن عوام را در پی ساره فرستاد و آن‌دو را از ماجرای نامه خبردار کرد و فرمود: اگر ساره آن نامه را به شما داد، اجازه دهید برود وگرنه گردنش را بزنید. آن‌دو به ساره رسیدند و به او گفتند: نامه‌ای که با خود داری کجاست ای دشمن خدا؟! او به خدا سوگند خورد که نامه‌ای همراه ندارد. از این رو خواستند ترکش کنند که ناگاه یکی از آن‌دو گفت: به خدا سوگند که به ما دروغ گفته نشده و ما دروغ نمی‌گوییم. سپس شمشیر کشید و گفت: به خدا سوگند این شمشیر را غلاف نمی‌کنم تا آن‌که نامه را بیرون آورید وگرنه سرت را می‌زنم.

فَزَعَموا أَنَّهُ عَلِيُّ بنُ أَبي طالِبٍ عليه السلام قالَت: فَلِلّهِ عَلَيكُما المِيثَاقُ إِن أَعطَيتُكُما الكِتابَ لا تَقتُلانِي وَ لا تَصلُبانِي وَ لا تَرُدّانِي إِلَى المَدِينَةِ. قالا: نَعَم. فَأَخرَجَتهُ مِن شَعرِها فَخَلَيا سَبِيلَها ثُمَّ رَجَعا إِلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله فَأَعطَياهُ الصَّحِيفَةَ فَإِذا فِيها مِن حاطِبِ بنِ أَبِي بَلتَعَةَ إِلَى أَهلِ مَكَّةَ أَنَّ مُحَمَّدًا قَد نَفَرَ فَإِنِّي لا أَدرِي إِيّاكُم أُرِيدُ أَو غَيرَكُم فَعَلَيكُم بِالحَذَرِ. فَأَرسَلَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله إِلَيهِ فَأَتاهُ فَقالَ: تَعرِفُ هَذَا الكِتابَ يا حاطِبُ؟ قالَ: نَعَم. قالَ: فَما حَمَلَكَ عَلَيهِ؟ فَقالَ: أَمّا وَالَّذِي أَنزَلَ عَلَيكَ الكِتابَ ما كَفَرتُ مُنذُ آمَنتُ وَ لا أَجَبتُهُم مُنذُ فارَقتُهُم، وَلكِن لَم يَكُن أَحَدٌ مِن أَصحابِكَ إِلّا وَ إِن بِمَكَّةَ الَّذِي يَمنَعُ عَشِيرَتَهُ فَأَحبَبتُ أَنِ اتَّخِذَ عِندَهُم يَدًا، وَ قَد عَلِمتُ أَنَّ اللهَ يُنَزِّلُ بِهِم بَأسَهُ وَ نَقمَتَهُ وَ أَنَّ كِتابِي لا يُغنِي عَنهُم شَيئًا. فَصَدَّقَهُ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله وَ عَذَرَهُ فَأَنزَلَ اللهُ تَعالَى: ﴿ **يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَ عَدُوَّكُمْ أَوْلِياءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ** ﴾

چون آنان دریافتند که او علی بن ابی طالب عليه السلام است، ساره عرض کرد: شما را به خدا قول دهید که اگر آن نوشته را به شما دهم، مرا نمی‌کشید و اسیرم نمی‌کنید و به مدینه بازم نمی‌گردانید. آن‌دو پذیرفتند و او نامه را از میان موهایش بیرون آورد و آن‌دو اجازه دادند تا برود. سپس نزد رسول خدا صلى الله عليه وآله بازگشتند و نامه را به ایشان دادند، ناگاه حضرت در آن نامه دید که حاطب‌بن ابی‌بلتعه به اهل مکه نوشته که محمّد صلى الله عليه وآله به پا خاسته و نمی‌دانم شما را قصد کرده یا دیگری را؛ ولی در هر حال بر حذر باشید. رسول خدا صلى الله عليه وآله کسی را دنبال او فرستاد و به او فرمود: آیا این نوشته را می‌شناسی ای حاطب؟! عرض کرد: بله. فرمود: چه باعث شد چنین کنی؟ عرض کرد: به خدایی که قرآن را بر شما نازل کرد، از زمانی که ایمان آورده‌ام، هیچ کفر نورزیده‌ام و از زمانی که از آنان جدا شده‌ام، هیچ پاسخشان را نداده‌ام؛ اما هر یک از یاران شما در مکه خاندانی دارد و هیچ کس از آنان محافظت نمی‌کند، از این رو خواستم تا به آنان لطفی کنم؛ با این‌که نیک می‌دانم خداوند خشم و عذاب خود را بر آنان فرو

می‌فرستد و نوشته من چیزی را از آنان باز نمی‌دارد. رسول خدا ﷺ نیز سخن و عذرش را باور کرد، و آن‌گاه نازل شد: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید، با آنان دوستی می‌کنید [و حال آن‌که آنان به آن‌چه از حق برای شما آمده، کافر شده‌اند].»

وَ مِن سُورَةِ الصَّفِّ

(سورۀ صف، آیۀ ۴)

﴿ إِنَّ اللهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ ﴾

بی‌تردید خداوند دوست دارد کسانی را که در راه او صفّ زده کارزار می‌کنند در حالی‌که گویی آنان [در استقامت و پایداری همچون] بنایی ریخته شده از سرب هستند.

۴۲۳. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ فِی قَولِهِ تَعَالَی: ﴿ إِنَّ اللهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ ﴾ نَزَلَت فِی عَلِیٍّ وَ حَمزَةَ وَ عُبَیدَةَ وَ سَهلِ‌بنِ حُنَیفٍ وَ الحَارِثِ‌بنِ الصِّمَّةِ وَأَبی دُجَانَةَ.

ابن عباس دربارۀ این کلام حق تعالی گوید: این آیه دربارۀ حضرت علی علیه‌السلام، حمزه، عبیده، سهل‌بن حنیف، حارث‌بن صمة و ابی‌دجانة نازل شده است.

(سورۀ صف، آیۀ ۹)

﴿ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ﴾

او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همهٔ ادیان چیره گرداند، هرچند مشرکان خوش نداشته باشند.

۴۲۴. جعفرُبنُ أَحمَدَ مُعنعَنًا: عَن أَبی‌عَبدِ اللهِ عليه السلام فِی قَولِهِ تَعالَی: ﴿ هُوَ الَّذي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدىٰ وَ دينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ﴾ قَالَ: إِذَا خَرَجَ القَائِمُ عليه السلام لَم يَبقَ مُشرِكٌ بِاللهِ العَظِيمِ وَ لاكَافِرٌ إِلّا كَرِهَ خُرُوجَهُ حَتَّى لو كَانَ فِی بَطنِ صَخرَةٍ لَقَالَتِ الصَّخرَةُ: يَا مُؤمِنُ فِيَّ مُشرِكٌ فَاكسِرنی وَ اقتُلهُ.

جعفربن احمد روایت کرده است: امام جعفر صادق عليه السلام دربارهٔ این آیه فرمود: هنگامی که حضرت قائم عليه السلام ظهور کند، نه هیچ مشرکی به خداوند بزرگ بر جا می‌ماند نه هیچ کفری، جز آن‌که از بیرون شدن ایشان ناخشنود است؛ تا آنجا که اگر کافر یا مشرکی در دل صخره باشد، آن صخره می‌گوید: ای مؤمن در دل من کافری است، مرا بشکن و او را به قتل برسان.

(سورهٔ صف، آیهٔ ۱۴)

﴿ يٰا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصٰارَ اللهِ كَمٰا قٰالَ عيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوٰارِيِّينَ مَنْ أَنْصٰاري إِلَى اللهِ قٰالَ الْحواريّون نَحْنُ أَنْصٰارُ اللهِ فَآمَنَتْ طٰائِفَةٌ مِنْ بَني إِسْرٰائيلَ وَ كَفَرَتْ طٰائِفَةٌ ﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! یاران خدا باشید، همان‌گونه که عیسی پسر مریم به حواریّون گفت: یاران من به سوی خدا چه کسانی هستند؟ حواریّون گفتند: ما یاران خداییم. پس گروهی از بنی‌اسرائیل ایمان آوردند و گروهی کفر ورزیدند.

۴۲۵. أَبُوالقَاسِمِ الحَسَنِيّ مُعَنعَنًا: عَن أَبی عَبدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ حَوَارِيَّ عِيسَى كَانُوا شِيعَتَهُ وَ إِنَّ شِيعَتَنَا حَوَارِيُّنَا، وَ مَا كَانَ حَوَارِيُّ عِيسَى بِأَطوَعَ لَهُ مِن حَوَارِيِّنَا لَنَا، وَ ﴿ قٰالَ عيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوٰارِيِّينَ مَنْ أَنْصٰاري إِلَى اللهِ قٰالَ الْحواريّون نَحْنُ أَنْصٰارُ اللهِ ﴾ وَ لا وَاللهِ مَا نَصَرُوهُ

مِنَ الیَهُودِ وَ لا قاتَلُوهُم دُونَهُ، وَ شِیعَتُنا وَاللهِ لَم یَزَلُوا مُنذُ قَبَضَ اللهُ رَسُولَهُ یَنصُرُونّا وَ یُقاتِلُونَ دُونَنا وَ یُحرَقُونَ وَ یُعَذَّبُونَ وَ یُشَرَّدُونَ فِی البُلدانِ جَزاهُمُ اللهُ عَنّا خَیرًا وَ قَد قالَ أَمِیرُ المُؤمِنِینَ ﷺ: وَ اللهِ لَو ضَرَبتُ خَیشُومَ مُحِبِّینا بِالسَّیفِ مَا أَبغَضُونا وَ اللهِ لَو دَنوتُ إِلَی مُبغِضِنا وَ حَبوتُ لَهُ مِنَ المَالِ حَبوًا مَا أَحَبَّنا.

ابوالقاسم حسنی روایت کرده است: امام جعفر صادق ﷺ فرمود: حواریّون عیسی شیعیان او بودند و شیعیان ما حواریّون ما هستند و حواریّون عیسی فرمان‌برتر از حواریّون ما نبودند. «عیسی پسر مریم به حواریّون گفت: یاران من به سوی خدا چه کسانی هستند؟ حواریّون گفتند: ما یاران خداییم».

نه! به خدا سوگند آنان عیسی را در برابر یهود یاری نرساندند و برای او نبرد نکردند، ولی به خدا سوگند شیعیان ما از آن هنگام که خداوند جان پیامبرش را گرفت، همچنان ما را یاری می‌دهند و به‌خاطر ما نبرد می‌کنند و در راه ما سوخته می‌شوند و شکنجه می‌بینند و در شهرها آواره می‌گردند. خداوند به آن‌ها از سوی ما جزای خیر دهد. امیرمؤمنان ﷺ فرموده است: به خدا سوگند اگر با شمشیر بر بینی دوستانمان بزنم، کینه ما به دل نگیرند و به خدا سوگند اگر به کسی که کینه‌توز ماست نزدیک شوم و ثروتی انبوه به او بدهم، باز هم ما را دوست نخواهد داشت.

وَ مِن سُورَةِ الجُمُعَةِ

(سورهٔ جمعه، آیهٔ ۲)

﴿ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتٰابَ وَ الْحِكْمَةَ ﴾

و به آن‌ها کتاب و حکمت می‌آموزد.

۴۲۶. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ فِی قَولِهِ تَعَالَی: **﴿ هُوَ الَّذي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولاً مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيٰاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتٰابَ وَ الْحِكْمَةَ ﴾** قَالَ: الكِتَابُ القُرآنُ وَالحِكمَةُ وَلَايَةُ عَلِیِّ بنِ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام.

ابن عباس دربارهٔ کلام خداوند متعال «او کسی است که در میان درس ناخوانده‌ها (اهل مکّه)، پیامبری از خودشان برانگیخت که آیات او را بر آنان می‌خواند و پاکشان می‌سازد و به آن‌ها کتاب و حکمت می‌آموزد»، گفت: منظور از کتاب، قرآن کریم و منظور از حکمت، ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام است.

(سورهٔ جمعه، آیهٔ ۹)

﴿ فَاسْعَوْا إِلىٰ ذِكْرِ اللّٰهِ ﴾

به سوی ذکر خدا بشتابید.

۴۲۷. قَالَ سَعِيدُ بنُ جُبَيرٍ: مَا خَلَقَ اللهُ ـ عَزَّ وَ جَلَّ ـ رَجُلًا بَعدَ النَّبِيِّ ﷺ أفضَلَ مِن عَلِيِّ بنِ أَبِی طالِبٍ ﷺ قَولُ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿ فَاسْعَوْا إِلیٰ ذِكْرِ اللهِ ﴾ قَالَ: إِلَى وَلَايَةِ عَلِيِّ بنِ أَبِی طالِبٍ ﷺ.

سعیدبن جبیر گفت: خداوند بلندمرتبه پس از پیامبر ﷺ کسی را برتر از علی بن ابی‌طالب ﷺ نیافرید و در آیهٔ «به سوی خدا بشتابید» منظور، به سوی ولایت علی بن ابی‌طالب ﷺ است.

(سورهٔ جمعه، آیهٔ ۱۱)

﴿ وَ إِذٰا رَأَوْا تِجٰارَةً أَوْ لَهْوًا انْفَضُّوا إِلَيْهٰا وَ تَرَكُوكَ قٰائِمًا ﴾

و هرگاه تجارتی یا سرگرمی‌ای را ببینند، به سوی آن پراکنده می‌شوند و تو را ایستاده رها می‌کنند.

۴۲۸. عَنِ السُّدِّيِّ قَالَ: مَرَّ دَحِيَّةُ الكَلبِيُّ بِتِجارَةٍ لَهُ مِنَ الشَّامِ مِن طَعَامٍ وَ غَيرِهِ وَ كَانَ التُّجَّارُ قَد أَبطَؤُوا عَنِ المَدِينَةِ فَأَصَابَهُم لِذَلِكَ جَهدٌ فَبَينَمَا رَسُولُ اللهِ ﷺ يَخطُبُ النَّاسَ فِی المَسجِدِ يَومَ الجُمُعَةِ إِذ قَدِمَتِ العِيرُ فَانفَضَّ النَّاسُ إِلَيهَا وَ تَرَكُوا النَّبِيَّ ﷺ قَائِمًا يَخطُبُ مَخَافَةَ تَفَرُّقِهِم وَ لَم يَبقَ مَعَ النَّبِيِّ إِلَّا خَمسَةُ عَشَرَ نَفَرًا فَأَنزَلَ اللهُ تَعَالَى هَذِهِ الآيَةَ: ﴿ وَ إِذٰا رَأَوْا تِجٰارَةً أَوْ لَهْوًا انْفَضُّوا إِلَيْهٰا وَ تَرَكُوكَ قٰائِمًا قُلْ مٰا عِنْدَ اللهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَ مِنَ التِّجٰارَةِ وَ اللهُ خَيْرُ الرّٰازِقِينَ ﴾.

سدی گفت: مردحیه کلبی از تجارت غذا و چیزهای دیگر از شام بازمی‌گشت و حال آن‌که تاجران در آمدن به مدینه دیر کرده بودند و از این رو مردم مدینه به سختی افتاده بودند. رسول خدا ﷺ روز جمعه در مسجد در حال خطبه خواندن برای مردم بود که ناگاه کاروان وارد شد و مردم به سوی آن پراکنده شدند و پیامبر را که از ترس پراکنده شدن مردم ایستاده خطبه می‌خواند، ترک کردند و تنها پانزده نفر همراه پیامبر برجا ماندند. آن‌گاه خداوند متعال این آیه

را نازل فرمود: «و هرگاه تجارتی یا سرگرمی‌ای را ببینند به سوی آن پراکنده می‌شوند و تو را ایستاده رها می‌کنند. بگو: آن‌چه نزد خداست از سرگرمی و تجارت بهتر است، و خداوند بهترین روزی‌دهندگان است.»

وَ مِن سُورَةِ المُنَافِقُونَ

(سورهٔ منافقون، آیهٔ ۸)

﴿ يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنٰا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَ لِلّٰهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لٰكِنَّ الْمُنٰافِقِينَ لاٰ يَعْلَمُونَ ﴾

می‌گویند: اگر به مدینه بازگردیم، مسلّمًا آن‌که توانـاتر است آن را کـه ناتوان‌تر است از آنجا بیرون خواهد کرد. و حال آن‌که عزّت تـنها از آنِ خدا و پیامبرش و مؤمنان است، ولی منافقان نمی‌دانند.

۴۲۹. عَن زَيدِبنِ أَرقَمَ قَالَ: كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللهِ ﷺ فِی سَفَرٍ قَالَ: فَسَمِعتُ عَن عَبدِ اللهِ‌بنِ أَبی‌بنِ السَّلُولِ يَقُولُ: وَاللهِ ﴿ لَئِنْ رَجَعْنٰا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ ﴾. قَالَ: فَجِئتُ إِلَى رَسُولِ اللهِ ﷺ فَأَخبَرتُهُ فَأَنزَلَ اللهُ تَعَالَى سُورَةَ الْمُنَافِقِينَ مِن أَوَّلِهَا إِلَى آخِرِهَا وَ أَنزَلَ عُذرِی وَ تَصدِيقِی.

زید بن ارقم گفت: در سفری همراه رسول خدا ﷺ بودیم. از عبد الله بن ابی بن سلول شنیدم که می‌گفت: به خدا سوگند «اگر به مدینه بازگردیم، مسلّما آن‌که تواناتر است آن را که ناتوان‌تر است از آنجا بیرون خواهد کرد». من نزد رسول خدا ﷺ آمدم و ایشان را از این سخن باخبر کردم. پس خداوند سورهٔ منافقین را از آغاز تا پایان نازل کرد و این عذر و تصدیق من بود که نازل شد.

وَ مِن سُورَةِ التَّحرِيمِ

(سورهٔ تحریم، آیهٔ ۴)

﴿ وَإِنْ تَظٰاهَرٰا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللهَ هُوَ مَوْلاٰهُ وَجِبْرِيلُ وَصٰالِحُ الْمُؤْمِنينَ ﴾

و اگر بر ضد او همپشت شوید، پس به راستی خداوند یاور اوست و جبرئیل و صالح [از] مؤمنان.

۴۳۰. قَالَ سَلّامُ سَمِعتُ عَن خَيثَمَةَ قَالَ: سَمِعتُ أَبَاجَعفَرٍ عليه السلام يَقُولُ: لَمَّا نَزَلَت هَذِهِ الآيَةُ ﴿ وَ إِنْ تَظٰاهَرٰا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللهَ هُوَ مَوْلاٰهُ وَ جِبْرِيلُ وَ صٰالِحُ الْمُؤْمِنينَ ﴾ قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله: يا عَلِيُّ أَنتَ صَالِحُ المُؤمِنِينَ.

قَالَ سَلّامُ: فَحَجَّجتُ فَلَقِيتُ أَبَاجَعفَرٍ عليه السلام فَذَكَرتُ لَهُ قَولَ خَيثَمَةَ فَقَالَ: صَدَقَ خَيثَمَةُ أَنَا حَدَّثتُهُ بِذَلِكَ. قَالَ: قُلتُ لَهُ: رَحِمَكَ اللهُ إِنِّي رَجُلٌ أُحِبُّكُم أَهلَ البَيتِ وَ أَتَوَلّاكُم وَأَتَبَرَّءُ مِن عَدُوِّكُم. قَالَ: قُلتُ: أُدعُ اللهَ لِي. قَالَ: أَحيَاكَ اللهُ حَيَاتَنَا وَ أَمَاتَكَ مَمَاتَنَا وَ سَلَكَ بِكَ سُبُلَنَا.

سلّام از خیثمه از امام محمّد باقر عليه السلام روایت کرده است که ایشان فرمود: هنگامی که این آیه نازل شد، پیامبر صلى الله عليه وآله فرمود: ای علی! تو صالح مؤمنان هستی. سلّام گفت: در حج امام محمّد باقر عليه السلام را دیدم و سخن خیثمه را برای

ایشان باز گفتم. ایشان فرمود: خیثمه راست گفته است، من این حدیث را برایش گفته‌ام. عرض کردم: خداوند شما را رحمت کند، من شخصی هستم که شما اهل بیت را دوست می‌دارم و ولایت شما را می‌پذیرم و از دشمنان شما بیزاری می‌جویم، در حقّ من دعا کنید. ایشان فرمود: خداوند زندگی و مرگ و راه تو را زندگی و مرگ و راه ما قرار دهد.

۴۳۱. عَن سَدِيرٍ الصَّيرَفِيِّ: عَن أَبِي جَعفَرٍ عليه السلام قَالَ: لَقَد عَرَّفَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله عَلِيًّا أَصحَابَهُ مَرَّتَينِ: مَرَّةً حَيثُ قَالَ: مَن كُنتُ مَولاهُ فَعَلِيٌّ مَولاهُ وَ أَمَّا الثَّانِيَةَ حَيثُ نَزَلَت هَذِهِ الآيَةُ: ﴿ **فَإِنَّ اللهَ هُوَ مَوْلاهُ وَ جِبْرِيلُ وَ صالِحُ الْمُؤْمِنِينَ** ﴾ إِلَى آخِرِ الآيَةِ أَخَذَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله بِيَدِ عَلِيٍّ فَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ هَذَا صَالِحُ المُؤمِنِينَ.

سدیر صیرفی گفت: امام محمّد باقر عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله حضرت علی عليه السلام را دو بار به یاران خود معرفی کرد. یک بار آنجا که فرمود: هرکه من مولای اویم، علی عليه السلام مولای اوست؛ و بار دوم هنگامی که این آیه نازل شد: «پس به راستی خداوند یاور اوست و جبرئیل و صالح [از] مؤمنان». در این هنگام رسول خدا صلى الله عليه وآله دست حضرت علی عليه السلام را گرفت و فرمود: ای مردم! بدانید که این مرد صالح مؤمنان است.

۴۳۲. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ فِي قَولِهِ: ﴿ **وَ صالِحُ الْمُؤْمِنِينَ** ﴾ قَالَ: عَلِيٌّ وَ أَشبَاهُهُ.

ابن عباس دربارهٔ کلام حق تعالی «صالح مؤمنان» گفت: منظور، حضرت علی عليه السلام و همانندان اوست.

۴۳۳. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ فِي قَولِهِ: ﴿ **وَ إِنْ تَظاهَرا عَلَيْهِ** ﴾ نَزَلَت فِي عَائِشَةَ وَ حَفصَةَ ﴿ **فَإِنَّ اللهَ هُوَ مَوْلاهُ** ﴾ نَزَلَت فِي رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله ﴿ **وَ جِبْرِيلُ وَ صالِحُ الْمُؤْمِنِينَ** ﴾ نَزَلَت فِي عَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام خَاصَّةً.

ابن عباس دربارهٔ این آیه گفت: «اگر بر ضد او همپشت شوید» دربارهٔ عایشه و حفصه نازل شد و «پس به راستی خداوند یاور اوست» دربارهٔ رسول خدا صلى الله عليه وآله

نازل شد و «صالح مؤمنان» مخصوص حضرت علی ﷺ نازل شد.

۴۳۴ . عَن رُشَیدٍ الهَجَرِیِّ قالَ: کُنتُ أَسِیرُ مَعَ مَولَایَ عَلِیِّ بنِ أَبِی طالِبٍ ﷺ فِی هـذَا الظَّـهرِ فَالتَفَتَ إِلَیَّ فَقالَ: أَنَا وَاللهِ یَا رُشَیدُ صَالِحُ المُؤمِنِینَ.

رشید هجری گفت: به همراه مولایم حضرت علی ﷺ ره می‌سپردم که ایشان رو به من کرد و فرمود: ای رشید! به خدا سوگند من صالح مؤمنان هستم.

وَ مِن سُورَةِ المُلكِ

(سورهٔ ملک، آیهٔ ۲۷)

﴿ فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سِيئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ قِيلَ هٰذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدَّعُونَ ﴾

پس هنگامی که آن را نزدیک ببینند، چهره‌های کسانی که کافر شده‌اند زشت گردد، و [به آنان] گفته شود: «این است آن‌چه که شما آن را می‌خواستید.»

۴۳۵. عَن دَاوُدَبنِ سِرحَانَ قَالَ: سَأَلتُ جَعفَرَبنَ مُحَمَّدٍ عليهما السلام عَن قَولِ اللهِ تَعَالَى: **﴿ فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سِيئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ قِيلَ هٰذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدَّعُونَ ﴾** قَالَ: عَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام إِذَا رَأَوْا مَنزِلَتَهُ وَ مَكَانَهُ مِنَ اللهِ أَكَلُوا أَكُفَّهُم عَلَى مَا فَرَّطُوا فِي وَلَايَتِهِ.

داود بن سرحان گفت: از امام جعفر صادق عليه السلام دربارهٔ کلام خداوند متعال «پس هنگامی که آن را نزدیک ببینند، چهره‌های کسانی که کافر شده‌اند زشت گردد، و [به آنان] گفته شود: این است آن‌چه که شما آن را می‌خواستید.» پرسیدم. ایشان فرمود: آن علی بن ابی‌طالب عليه السلام است که وقتی مقام و منزلت او را نزد خداوند می‌بینند، به خاطر کوتاهی که در امر ولایت او کرده‌اند، دست‌های خود را به دندان می‌گزند.

۴۳۶. جَعفَرُبنُ مُحَمَّدٍ الفَزَارِیُّ مُعَنعَنًا: عَن أَبی عَبدِ اللهِ عليه السلام فی قَولِهِ: ﴿ **فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سِيئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَقِيلَ هٰذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدَّعُونَ** ﴾ فَقَالَ: إِذَا رَأَوْا صُورَةَ أَمِيرِ المُؤمِنِينَ عليه السلام یَومَ القِیَامَةِ سِیئَت وَ اسوَدَّت وُجُوهُ الَّذِینَ کَفَرُوا وَ قِیلَ: هَذَا الَّذِی کُنتُم بِهِ تَدَّعُونَ.

جعفربن محمّد فزاری روایت کرده است: امام جعفر صادق عليه السلام دربارهٔ این آیه فرمود: هنگامی که در روز قیامت چهرهٔ امیرمؤمنان حضرت علی عليه السلام را ببینند، چهره‌های کسانی که کافر شده‌اند، زشت و سیاه گردد و به آنان گفته شود: این است آن‌چه که شما آن را می‌خواستید.

۴۳۷. جَعفَرُ مُعَنعَنًا: عَن أَبی عَبدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا دَفَعَ اللهُ لِوَاءَ الحَمدِ إِلَی مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله تَحتَهُ کُلُّ مَلَكٍ مُقَرَّبٍ وَ کُلُّ نَبِیٍّ مُرسَلٍ حَتَّی یَدفَعَهُ إِلَی عَلِیٍّ عليه السلام ﴿ **سِيئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ قِيلَ هٰذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدَّعُونَ** ﴾ أَی بِاسمِهِ تُسَمُّونَ أَمِیرَ المُؤمِنِینَ.

جعفر روایت کرده است: امام جعفر صادق عليه السلام فرمود: چون خداوند بیرق حمد را به محمّد صلى الله عليه وآله سپارد، تمامی فرشتگان مقرّب و همهٔ پیامبران فرستاده شده به زیرش می‌روند تا آن‌که آن را به علی عليه السلام می‌سپارد؛ آن‌گاه «چهره‌های کسانی که کافر شده‌اند زشت گردد، و [به آنان] گفته شود: «این است آن‌چه که شما آن را می‌خواستید.» یعنی نام او امیرمؤمنان را بر خود نهادید.

۴۳۸. عَنِ المُغیرَةِ قَالَ: سَمِعتُ أَبَا جَعفَرٍ عليه السلام یَقُولُ: ﴿ **فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سِيئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا** ﴾ لَمَّا رَأَوْا عَلِیًّا عِندَ الحَوضِ مَعَ رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله ﴿ **وَ قِيلَ هٰذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدَّعُونَ** ﴾ بِاسمِهِ تَسَمَّیتُم أَمِیرَ المُؤمِنِینَ أَنفُسَکُم.

مغیره گفت: از امام محمّد باقر عليه السلام شنیدم که می‌فرمود: «پس هنگامی که آن را نزدیک ببینند، چهره‌های کسانی که کافر شده‌اند زشت گردد» هنگامی که حضرت علی عليه السلام را در کنار حوض کوثر به همراه رسول خدا صلى الله عليه وآله ببینند «و [به آنان] گفته شود: این است آن‌چه که شما آن را می‌خواستید.» با نام او خود را امیرمؤمنان نامیدید.

وَ مِن سُورَةِ القَلَمِ

(سورهٔ قلم، آیهٔ ۱ ـ ۶)

﴿ ن وَ الْقَلَمِ وَ مٰا يَسْطُرُونَ[1] * مٰا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّك بِمَجْنُونٍ * وَ إِنَّ لَك لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ * وَ إِنَّكَ لَعَلىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ * فَسَتُبْصِرُ وَ يُبْصِرُونَ * بِأَيِّكُمُ الْمَفْتُونُ ﴾

نون. سوگند به قلم و آن‌چه می‌نگارد، که تو به [سبب] نعمت پروردگارت دیوانه نیستی. بی‌تردید برای تو پاداشی همیشگی است. و مسلماً تو بر خُلق و خویی بزرگ هستی. پس به زودی می‌بینی و می‌بینند که کدام‌یک از شما مجنون است.

۴۳۹. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ فِی قَولِهِ تَعَالَی: ﴿ ن ﴾ السَّمَکَةُ الَّتِی عَلَی ظَهرِهَا الأَرضِینَ وَ تَحتَ

---

۱. امام موسی کاظم علیه‌السلام دربارهٔ آیهٔ مذکور فرمود: نون نامی برای رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله است و قلم نامی برای امیرالمؤمنین علیه‌السلام است. (*تأویل الایات*، ج ۲، ص ۷۱۰) و در حدیث دیگری داریم، از امام صادق علیه‌السلام درخصوص تفسیر سورهٔ مقطعه قران چنین روایت کرده است: و اما نون رودی در بهشت است که خداوند عزّوجلّ به آن فرمود بسته شو، پس بسته شد؛ سپس خداوند عزّوجلّ به قلم فرمود: بنویس. بنابراین قلم، آن‌چه وجود داشته و آن‌چه تا روز قیامت به وجود خواهد آمد را در لوح محفوظ نوشت. جوهر، جوهری از نور است و قلم، قلمی از نور است و لوح لوحی از نور است... (برای مطالعهٔ بیشتر رجوع شود به کتاب ***ترجمهٔ تفسیر البرهان***، ج ۹، ص ۱۴۲)

الحُوتِ الثُّورُ وَ تَحتَ الثُّورِ الصَّخرَةُ وَ تَحتَ الصَّخرَةِ الثَّرَى وَ مَا يَعلَمُ تَحتَ الثَّرى إِلَّا اللهُ تَعالَى وَ إِسمُ السَّمَكَةِ لِيوَاقَنُ وَ اسمُ الثَّورِ يَهمُوثُ ﴿ وَ الْقَلَمِ ﴾ هُوَ الَّذِي يُكتَبُ بِهِ الذِّكرُ الحَكِيمُ الَّذِي عِندَ رَبِّ العَالَمِينَ ﴿ وَ مَا يَسْطُرُونَ ﴾ يَقُولُ: يَكتُبُ المَلائِكَةُ أَعمالَ بَنِي آدمَ ﴿ مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ ﴾ يَقُولُ: مَا أَنتَ بِمَا أَنعَمَ اللهُ عَلَيكَ مِنَ النُّبُوَّةِ وَ القُرآنِ يَا مُحَمَّدُ بِمَجنُونٍ.

ابن عباس دربارهٔ این آیه گفت: «نون» آن ماهی است که زمین‌ها بر پشت آن سوارند و به زیر آن، گاوی نر و به زیر آن گاو نر صخره‌ای و به زیر آن صخره خاک است و کسی نمی‌داند چه به زیر خاک است مگر خداوند متعال. اسم آن ماهی، لیواقن و اسم آن گاو نر یهموث است. «سوگند به قلم»ی که با آن ذکر حکیمانه‌ای که نزد پروردگار عالمیان است، نوشته می‌شود و «قسم به آن‌چه می‌نگارد» فرشتگان‌اند که اعمال فرزندان آدم را می‌نویسند، «تو به [سبب] نعمت پروردگارت دیوانه نیستی.» ای محمّد! تو هرگز به سبب نعمت نبوّت و قرآن که به تو عطا شده مجنون نیستی.

۴۴۰. عَن أَبِي حَبَابٍ: إِنَّ أَبَا أَيُّوبِ الأَنصَارِيَّ قَالَ: لَمَّا أَخَذَ النَّبِيُّ ﷺ بِيَدِ عَلِيِّ بنِ أَبِي طالِبٍ عليه السلام فَرَفَعَهَا وَ قَالَ: مَن كُنتُ مَولاهُ فَعَلِيٌّ مَولاهُ قَالَ نَاسٌ مِنَ النَّاسِ إِنَّمَا فُتِنَ بِابنِ عَمِّهِ فَنَزَلَتِ الآيَةُ: ﴿ فَسَتُبْصِرُ وَ يُبْصِرُونَ بِأَيِّكُمُ الْمَفْتُونُ ﴾.

ابی حباب به نقل از ابوایّوب انصاری گفت: زمانی که پیامبر ﷺ دست علی عليه السلام را گرفت و بالا برد و فرمود: هر که من مولای اویم، علی مولای اوست؛ برخی از مردم گفتند او شیفته و مجنون پسرعمویش شده است. پس این آیه نازل شد: «پس به زودی می‌بینی و می‌بینند که کدام‌یک از شما مجنون است.»

۴۴۱. عَن كَعبِ بنِ عَجرَةَ قَالَ ابنُ مَسعُودٍ: غَدَوتُ إِلَى رَسُولِ اللهِ ﷺ فِي مَرَضِهِ الَّذِي قُبِضَ فِيهِ فَدَخَلتُ المَسجِدَ وَ النَّاسُ أَجفَلَ مَا كَانُوا كَأَنَّ عَلَى رُؤُوسِهِمُ الطَّيرَ إِذ أَقبَلَ عَلِيُّ بنُ أَبِي طالِبٍ عليه السلام حَتَّى سَلَّمَ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ فَتَغَامَزَ بِهِ بَعضُ مَن كَانَ عِندَهُ فَنَظَرَ إِلَيهِمُ

النَّبِيُّ ﷺ فَقَالَ: أَلَا تَسأَلُونَ عَن أَفضَلِكُم؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللهِ. قَالَ: أَفضَلُكُم عَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ ؈ أَقدَمُكُم إِسلَامًا وَ أَوفَرُكُم إِيمَانًا رَ أَكثَرُكُم عِلمًا وَ أَرجَحُكُم حِلمًا وَ أَشَدُّكُم لِلهِ غَضَبًا وَ أَشَدُّكُم نِكَايَةً فِي الغَزوِ وَ الجِهَادِ. فَقَالَ لَهُ بَعضُ مَن حَضَرَ: يَا رَسُولَ اللهِ وَ إِنَّ عَلِيًّا قَد فَضَّلَنَا بِالخَيرِ كُلِّهِ. فَقَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: أَجَل هُوَ عَبدُ اللهِ وَ أَخُو رَسُولِ اللهِ فَقَد عَلَّمتُهُ عِلمِي وَ استَودَعتُهُ سِرِّي وَ هُوَ أَمِينِي عَلَى أُمَّتِي. فَقَالَ بَعضُ مَن حَضَرَ: لَقَد أَفتَنَ عَلِيٌّ رَسُولَ اللهِ حَتَّى لَا يَرَى بِهِ شَيئًا فَأَنزَلَ اللهُ الآيَةَ: ﴿ **فَسَتُبْصِرُ وَ يُبْصِرُونَ * بِأَيِّكُمُ الْمَفْتُونُ** ﴾.

کعب بن عجزه از ابن مسعود روایت کرده است که وی گفت: صبح هنگام نزد رسول خدا ﷺ رفتم و حال آن‌که ایشان کسالتی داشت که بر اثرش درگذشت. من داخل مسجد شدم و مردم را دیدم که انبوه‌تر از همیشه گرد هم آمده بودند و همه سرگردان بودند. ناگاه حضرت علی ؈ وارد شد و به پیامبر ﷺ سلام کرد. در آن هنگام برخی از کسانی که نزد ایشان بودند، با چشم به هم اشاره کردند. پیامبر ﷺ به آنان نگریست و فرمود: آیا نمی‌پرسید چه کسی برترین شماست؟ عرض کردند: بله ای رسول خدا! فرمود: برترین شما علی بن ابی‌طالب ؈ است که پیش از شما اسلام آورد و بیش از شما ایمان دارد و بیش‌تر از شما می‌داند و در بردباری سرآمد شماست و خشمش از برای خدا سخت‌تر از شماست و در جنگ و جهاد رزم‌آوری‌اش استوارتر از شماست. یکی از حاضران عرض کرد: ای رسول خدا! به راستی که علی ؈ در تمام نیکی‌ها بر ما برتری یافته است. رسول خدا ﷺ فرمود: آری؛ او بندهٔ خدا و برادر رسول خداست که من دانش خود را به او آموخته‌ام و راز خود را نزدش به امانت سپرده‌ام و او امین من بر امت من است. در آن دم یکی از حاضران گفت: علی، رسول خدا ﷺ را چنان مجنون کرده که ایشان هیچ از او نمی‌بینند. پس خداوند نازل فرمود: «پس به زودی می‌بینی و می‌بینند که کدام یک از شما مجنون است.»

۴۴۲. عَن طَاوُسٍ عَن أَبِيهِ قَالَ: سَمِعتُ مُحَمَّدَبنَ عَلِيٍّ ؈ يَقُولُ: نَزَلَ جَبرَئِيلُ ؈ عَلَى

النَّبِيِّ ﷺ بِعَرَفَاتٍ يومَ الجُمُعَةِ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللهَ يَقرَؤُكَ السَّلامَ وَ يَقُولُ: قُل لِأُمَّتِكَ: ﴿ **أَليَومَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِى** ﴾ بِوَلَايَةِ عَلِيِّ بنِ أَبي طَالِبٍ ﷺ فَذَكَرَ كَلاماً فِيهِ طُولٌ ـ فَقَالَ بَعضُ المُنَافِقِينَ لِبعضٍ: مَا تَرونَ عَينَيهِ تَدُورَانِ؟ ـ يَعنُونَ النَّبِيَّ ـ كَأَنَّهُ مَجنُونٌ وَ قَدِ افتَتَنَ بِابنِ عَمِّهِ مَا بَالُهُ رَفَعَ بِضَبعِهِ لَو قَدَرَ أَن يَجعَلَهُ مِثلَ كِسرَى وَ قَيصَرَ لَفَعَلَ. فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: ﴿ **بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ** ﴾ ـ يَعلَمُ النَّاسُ أَنَّ القُرآنَ قد نَزَلَ عَلَيهِ فَانصَتُوا فَقَرَءَ: ﴿ **ن وَ الْقَلَمِ وَ مَا يَسْطُرُونَ * مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ** ﴾ يَعنِي مَن قَالَ مِنَ المُنَافِقِينَ ﴿ **وَ إِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ** ﴾ بِتَبلِيغِكَ مَا بَلَّغتَ فِي عَلِيٍّ ﴿ **وَ إِنَّكَ لَعَلىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ * فَسَتُبْصِرُ وَ يُبْصِرُونَ * بِأَيِّكُمُ الْمَفْتُونُ** ﴾ قَالَ: وَ هَكَذَا نَزَلَت. وَ ذَكَرَ الحَدِيثَ.

طاووس از پدرش روایت کرده است که وی گفت: از امام محمّد باقر ﷺ شنیدم که فرمود: جبرئیل ﷺ روز جمعه در عرفات بر پیامبر ﷺ نازل شد و عرض کرد: ای محمّد! خدا به تو سلام می رساند و می‌فرماید به امّت بگو: «امروز دین شما را کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام گرداندم.» یعنی با ولایت علی بن ابی‌طالب ﷺ. در آن دم منافقان به یکدیگر گفتند: آیا می‌بینید چشمانش چگونه مـی‌چرخـد؟ ـ چشـمان پـیامبر ﷺ را مـی‌گفتند ـ گـویی مجنون و شـیفتهٔ پسرعمه‌اش شده است. چه اندیشید که بازوی او را بالا برد؟ اگر می توانست او را همچون کسری و قیصر قرار دهد، هر آینه چنین می‌کرد. آن‌گاه پیامبر ﷺ فرمود: «به نام خداوند بخشندهٔ مهربان» تا مردم بدانند که قرآن بر ایشان نازل شده و سکوت کنند؛ سپس فرمود: «سوگند به قلم و آن‌چه مـی‌نگارد. تـو بـه [سبب] نعمت پروردگارت دیوانه نیستی.» در پاسخ به آن‌چه منافقان گـفتند. «بی‌تردید برای تو پاداشی همیشگی است.» به خاطر ابلاغی که دربارهٔ علی ﷺ کردی «و مسلّماً تو بر خُلق و خویی بزرگ هستی. پس بـه زودی مـی‌بینی و می‌بینند که کدام‌یک از شما مجنون است.» سپس امام محمّد باقر ﷺ فرمود: آیه این‌چنین نازل شد. و سپس حدیثی بیان فرمود.

وَ مِن سُورَةِ الحَاقَّةِ

(سورهٔ حاقّه، آیهٔ ۱۲)

﴿ وَ تَعِيَهَا أُذُنٌ وَاعِيَةٌ ﴾

و تا گوش شنوا آن [پند و تذکر] را نگاه دارد.

۴۴۳ . عُبَيدُبنُ كَثيرٍ مُعَنعَنًا: عَن أَبي جَعفَرٍ عليه السلام فِي قَولِهِ: ﴿ وَتَعِيَهَا أُذُنٌ وَاعِيَةٌ ﴾ قَالَ: هِيَ وَاللهِ أُذُنُ عَلِيِّ بنِ أَبي طالِبٍ عليه السلام.

عبیدبن کثیر روایت کرده است: امام محمّد باقر عليه السلام دربارهٔ این کلام حق تعالی فرمود: به خدا سوگند آن گوش علی بن ابی طالب عليه السلام است.

۴۴۴ . جَعفَرُبنُ مُحَمَّدٍ الفَزارِيُّ مُعَنعَنًا: عَن أَبي جَعفَرٍ عليه السلام فِي قَولِهِ: ﴿ وَ تَعِيَهَا أُذُنٌ وَاعِيَةٌ ﴾ قَالَ: الأُذُنُ الوَاعِيَةُ عَلِيٌّ وَ هُوَ حُجَّةُ اللهِ عَلَى خَلقِهِ مَن أَطَاعَهُ أَطَاعَ اللهَ وَ مَن عَصَاهُ فَقَد عَصَى اللهَ.

جعفربن محمّد فزاری گفت: امام محمّد باقر عليه السلام فرمود: گوش شنوا همانا علی عليه السلام است. او حجت خدا بر خلق خداست. هر که او را فرمان برد، خدا را فرمان برده و هر که او را نافرمانی کند، خدا را نافرمانی کرده است.

۴۴۵ . حَدَّثَنا عَلِيُّ بنُ مُحَمَّدِبنِ مَخلَدٍ الجُعفِيُّ مُعَنعَنًا: عَن أَبي جَعفَرٍ عليه السلام قَالَ: لَمَّا نَزَلَتِ الآيَةُ:

﴿ وَ تَعِيَهٰا أُذُنٌ وٰاعِيَةٌ ﴾ قالَ النَّبِيُّ ﷺ: سَأَلتُ اللهَ أَن يَجعَلَها أُذُنَكَ يا عَلِيُّ.

علی بن محمّد بن مخلد جعفی روایت کرده است: امام محمّد باقر ؑ فرمود: زمانی که این آیه نازل شد، پیامبر ﷺ فرمود: ای علی ؑ! از خدا خواستم تا آن گوش را گوش تو قرار دهد.

۴۴۶. عَن مَكحُولٍ فِي قَولِهِ: ﴿ وَ تَعِيَهٰا أُذُنٌ وٰاعِيَةٌ ﴾ قالَ: قالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: سَأَلتُ رَبّي أَن يَجعَلَها أُذُنَ عَلِيٍّ، وَ كانَ عَلِيٌّ يَقُولُ: ما سَمِعتُ مِن رَسُولِ اللهِ ﷺ كَلاماً إِلّا أَوعَيتُه وَ حَفِظتُهُ.

مکحول روایت کرده است: رسول خدا ﷺ دربارهٔ این آیه فرمود: از پروردگارم خواستم تا آن گوش را گوش علی قرار دهد. و علی ؑ فرمود: کلامی از رسول خدا ﷺ نشنیدم مگر آن‌که آن را با دل و جان شنیدم و حفظ کردم.

۴۴۷. عَن صالِحِ بنِ مِيثَمٍ قالَ: سَمِعتُ بُرَيدَةَ الأَسلَمِيَّ يَقُولُ: قالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ لِعَلِيٍّ: إِنَّ اللهَ أَمَرَني أَن أُدنِيَكَ وَ لا أُقصِيَكَ وَ أَن أُعَلِّمَكَ وَ أَن تَعِيَهُ، وَ حَقٌّ عَلَى اللهِ أَن تَعِيَهُ. قالَ: وَ نَزَلَت ﴿ وَ تَعِيَهٰا أُذُنٌ وٰاعِيَةٌ ﴾.

صالح بن میثم گفت: از بریده اسلمی شنیدم که می‌گفت: رسول خدا ﷺ به علی ؑ فرمود: خداوند مرا امر فرمود تا تو را به خود نزدیک گردانم و تو را از خود دور نکنم و تو را بیاموزم و تو آن را نگاه داری و بر خداوند است که تو آن را نگاه داری. فرمود: چنین بود که این آیه نازل شد: «و تا گوش شنوا آن [پند و تذکر] را نگاه دارد.»

وَ مِن سُورَةِ المَعَارِجِ

(سورهٔ معارج، آیهٔ ۱ ـ ۲)

﴿ سَأَلَ سَائِلُ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ * لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ ﴾

درخواست‌کننده‌ای عذابی را که واقع شدنی است، درخواست کرد. که برای کافران از آن هیچ بازدارنده‌ای نیست.

۴۴۸. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ قَالَ: كُنتُ مَعَ رَسُولِ اللهِ ﷺ إذ دَخَلَ عَلَينَا عمرُو بنُ الحَارِثِ الفِهرِيُّ قَالَ: يَا أَحمَدُ أَمَرتَنَا بِالصَّلاةِ وَ الزَّكَاةِ أَفَمِنكَ هَذَا أَم مِن رَبِّكَ يَا مُحَمَّدُ؟ قَالَ: أَلفَرِيضَةُ مِن رَبِّي وَ أَدَاءُ الرِّسَالَةِ مِنِّي حَتَّى أَقُولَ: مَا أَدَّيتُ إِلَيكُم إِلَّا مَا أَمَرَنِي رَبِّي. قَالَ: فَأَمَرتَنَا بِحُبِّ عَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ زَعَمتَ أَنَّهُ مِنكَ كَهَارُونَ مِن مُوسَى، وَ شِيعَتُهُ عَلَى نُوقٍ غُرٍّ مُحَجَّلَةٍ يَرفُلُونَ فِي عَرصَةِ القِيَامَةِ حَتَّى يَأتِيَ الكَوثَرَ فَيَشرَبُ وَ يَسقِي صَحَّ هَذِهِ الأُمَّةَ وَ يَكُونُ زُمرَةُ فِي عَرصَةِ القِيَامَةِ، أَبِهَذَا الحُبِّ سَبَقَ مِنَ السَّمَاءِ أَم كَانَ مِنكَ يَا مُحَمَّدُ؟ قَالَ: بَلَىٰ سَبَقَ مِنَ السَّمَاءِ ثُمَّ كَانَ مِنِّي لَقَد خَلَقَنَا اللهُ نُورًا تَحتَ العَرشِ فَقَالَ عَمرُو بنُ الحَارِثِ: الآنَ عَلِمتُ أَنَّكَ سَاحِرٌ كَذَّابٌ يَا مُحَمَّدُ، أَلَستُمَا مِن وُلدِ آدَمَ؟ قَالَ: بَلَىٰ وَ لكِن خَلَقَنَا اللهُ نُورًا تَحتَ العَرشِ قَبلَ أَن يَخلُقَ اللهُ آدَمَ بِاثنَي عَشَرَ أَلفَ سَنَةٍ فَلَمَّا أَن خَلَقَ اللهُ آدَمَ أَلقَى النُّورَ فِي صُلبِ آدَمَ فَأَقبَلَ يَنتَقِلُ ذَلِكَ النُّورُ مِن صُلبٍ إِلَى صُلبٍ

حَتّٰی تَفَرَّقنَا فِی صُلبِ عَبدِ اللهِ بنِ عَبدِ المُطَّلِبِ وَ أَبی طالِبٍ فَخَلَقَنا رَبّی مِن ذٰلِكَ النُّورِ لٰكِنَّهُ لا نَبِیَّ بَعدِی.

قالَ: فَوَثَبَ عَمرُو بنُ الحارِثِ الفِهرِیِّ مَعَ اثنَی عَشَرَ رَجُلًا مِنَ الكُفّارِ وَ هُم یَنفُضُونَ أَردِیَتَهُم فَیَقُولُونَ اللّٰهُمَّ إن كانَ مُحَمَّدٌ صادِقًا فِی مَقالَتِهِ فارمِ عَمرًو وَ أَصحابَهُ بِشُواظٍ مِن نارٍ. قالَ: فَرَمیَ عَمرُو وَ أَصحابُهُ بِصاعِقَةٍ مِنَ السَّماءِ فَأَنزَلَ اللهُ هٰذِهِ الآیَةَ: ﴿ سَأَلَ سائِلٌ بِعَذابٍ واقِعٍ * لِلْكافِرينَ لَيْسَ لَهُ دافِعٌ * مِنَ اللهِ ذِي الْمَعارِجِ ﴾ فَالسّائِلُ عَمرُو وَأَصحابُهُ.

ابن عباس گفت: با رسول خدا صلی الله علیه و آله بودم که عمرو بن حارث فهری بر ما وارد شد و عرض کرد: ای احمد! ما را به نماز و زکات امر کرده‌ای؛ آیا این امور از جانب خدایت است یا از جانب خودت؟ حضرت فرمود: واجبات از جانب پروردگارم و ادا کردن رسالت از جانب من است؛ چنان‌چه گفته‌ام، هر آن‌چه سویتان آورده‌ام چیزی نبوده جز آن‌چه پروردگارم مرا بدان امر کرده است. عرض کرد: ما را به دوست داشتن علی بن ابی‌طالب علیه السلام امر کردی و گفتی او نسبت به تو به منزلهٔ هارون به موسی است و شیعیان او بر ناقه‌هایی روسفید سوارند و دامن‌کشان در عرصه قیامت وارد می‌شوند، تا این‌که او بر حوض کوثر وارد می‌شود و از آن می‌نوشد و به خوبان این امّت که در پهنای قیامت گروهی بیش نیستند، می‌نوشاند. ای محمّد! آیا این دوست داشتن پیشینه‌ای در آسمان دارد یا از جانب توست؟ فرمود: آری، در آسمان پیشینه دارد و سپس از جانب من است؛ چراکه خداوند ما را نوری به زیر عرش آفرید. عمرو بن حارث عرض کرد: اکنون دانستم که تو ای محمّد جادوگری دروغگویی! مگر شما دو نفر از فرزندان آدم نیستید؟ فرمود: آری، امّا خداوند دوازده هزار سال پیش از آن‌که آدم را بیافریند، ما را نوری به زیر عرش آفرید. چون خداوند آدم را بیافرید، آن نور را در پشت آدم نهاد و آن نور از پشتی به پشت دیگر راه

یافت تا آن‌که ما در پشت عبدالله‌بن عبدالمطلب و ابوطالب از هم جدا شدیم. پروردگارم ما هر دو را از آن نور آفرید، با این تفاوت که پس از من هیچ پیامبر دیگری نیست.

در آن دم عمروبن حارث فهری به همراه دوازده تن از کفار از جا برخاستند و در حالی‌که ردای خویش را می‌تکاندند، گفتند: خدایا! اگر محمّد در این سخن راستگوست، عمرو و یارانش را به پاره‌هایی از آتش بر خاک افکن. ناگاه عمرو و یارانش به صاعقه‌ای از آسمان بر خاک افتادند و خداوند این آیه را نازل فرمود: «درخواست‌کننده‌ای عذابی را که واقع شدنی است، درخواست کرد. که برای کافران از آن هیچ بازدارنده‌ای نیست، از سوی خداوند صاحب درجات.» پس سؤال‌کننده همان عمرو و یارانش بودند.

۴۴۹. عَنِ الحُسَینِ‌بنِ مُحَمَّدٍ الخَارِقِیِّ قَالَ: سَأَلتُ سُفیَانَ‌بنَ عُیینَةِ عَن ﴿سَأَلَ سَائِلٌ﴾ فِیمَن نَزَلَت؟ قَالَ: یَا ابنَ أَخِی سَأَلتَنِی عَن شَیءٍ مَا سَأَلَنِی عَنهُ أَحَدٌ قَبلَكَ، لَقَد سَأَلتُ جَعفَرَبنَ مُحَمَّدٍ علیه‌السلام عَن مِثلِ الَّذِی سَأَلتَنِی عَنهُ فَقَالَ: أَخبَرَنِی أَبِی عَن جَدِّی عَن أَبِیهِ عَن ابنِ عَبَّاسٍ قَالَ: لَمَّا کَانَ یَومُ غَدِیرِ خُمٍ قَامَ رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله خَطِیبًا فَأَوجَزَ فِی خُطبَتِهِ ثُمَّ دَعَا عَلِیَّ بنَ أَبِی طَالِبٍ علیه‌السلام فَأَخَذَ بِضَبعِهِ ثُمَّ رَفَعَ بِیَدِهِ حَتَّی رُئِیَ بَیَاضَ إِبطَیهِمَا وَ قَالَ: أَلَم أُبَلِّغكُمُ الرِّسَالَةَ؟ أَلَم أَنصَح لَكُم؟ قَالُوا: اللَّهُمَّ نَعَم. فَقَالَ: مَن کُنتُ مَولَاهُ فَعَلِیٌّ مَولَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَن وَالَاهُ وَ عَادِ مَن عَادَاهُ وَ انصُر مَن نَصَرَهُ وَ اخذُل مَن خَذَلَهُ. فَفَشَت فِی النَّاسِ فَبَلَغَ ذَلِكَ الحَارِثَ‌بنَ النُّعمَانِ الفِهرِیِّ فَرَحَلَ رَاحِلَتَهُ ثُمَّ استَوَی عَلَیهَا وَ رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله إِذ ذَاكَ بِمَكَّةَ حَتَّی انتَهَی إِلَی الأَبطَحِ فَأَنَاخَ نَاقَتَهُ ثُمَّ عَقَلَهَا ثُمَّ جَاءَ إِلَی النَّبِیِّ صلی‌الله‌علیه‌وآله فَسَلَّمَ فَرَدَّ عَلَیهِ النَّبِیُّ صلی‌الله‌علیه‌وآله فَقَالَ: یَا مُحَمَّدُ إِنَّكَ دَعَوتَنَا أَن نَقُولَ (لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ) فَقُلنَا ثُمَّ دَعَوتَنَا أَن نَقُولَ أَنَّكَ رَسُولُ اللهِ فَقُلنَا وَ فِی القَلبِ مَا فِیهِ ثُمَّ قُلتَ صَلُّوا فَصَلَّینَا ثُمَّ قُلتَ صُومُوا فَصُمنَا فَأَظمَأنَا نَهَارَنَا وَ أَتعَبنَا أَبدَانَنَا ثُمَّ قُلتَ حَجُّوا فَحَجَجنَا ثُمَّ قُلتَ إِذَا رُزِقَ أَحَدُكُم مِأَتَی دِرهَمٍ فَلیَتَصَدَّق بِخَمسَةٍ فِی کُلِّ سَنَةٍ فَفَعَلنَا ثُمَّ إِنَّكَ

أَقمتَ ابنَ عَمِّكَ فَجَعلتَهُ عَلَمًا وَ قُلتَ مَن كُنتُ مَولاهُ فَعَلِيٌّ مَولاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَن وَالاهُ وَ عَادِ مَن عَادَاهُ وَ انصُر مَن نَصَرَهُ وَاخذُل مَن خَذَلَهُ أَفَعَنكَ أَم عَنِ اللهِ؟! قَالَ: بَل عَنِ اللهِ ـ قَالَ فَقَالَهَا ثَلاثًا ـ قَالَ: فَنَهَضَ وَ إِنَّه لَمُغضِبٌ وَ إِنَّه لَيَقُولَ: اللَّهُمَّ إِن كَانَ مَا قَالَ مُحَمَّدٌ حَقًّا فَأَمطِر عَلَينَا حِجَارَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ نَقِمَةً فِي أَوَّلِنَا وَ آيَةً فِي آخِرِنَا وَ إِن كَانَ مَا قَالَ مُحَمَّدٌ كَذِبًا فَأَنزِل بِهِ نِقمَتَكَ. ثُمَّ أَثَارَ نَاقَتَهُ فَحَلَّ عِقَالَهَا ثُمَّ استَوَى عَلَيهَا فَلَمَّا خَرَجَ مِنَ الأَبطَحِ رَمَاهُ اللهُ تَعَالَى بِحَجَرٍ مِنَ السَّمَاءِ فَسُقِطَ عَلَى رَأسِهِ وَ خَرَجَ مِن دُبُرِهِ وَ سَقَطَ مَيتًا فَأَنزَلَ اللهُ فِيهِ **﴿ سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ * لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ * مِنَ اللهِ ذِي الْمَعَارِجِ ﴾**.

حسین‌بن محمّد خارفی گفت: از سفیان‌بن عیینه دربارهٔ این سوره پرسیدم که دربارهٔ چه کسی نازل شده است؟ گفت: ای پسر برادرم! سؤالی از من پرسیدی که تاکنون هیچ کس پیش از تو سؤالی نپرسیده بود؛ من از امام جعفر صادق علیه‌السلام همین سؤال را پرسیدم، ایشان فرمود: پدرم از جدم از پدرش از قول ابن عباس فرمود: چون روز غدیر خم فرا رسید، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله برای خطبه خواندن برخاست و خطبه‌ای مختصر خواند. سپس علی علیه‌السلام را فرا خواند و بازویش را گرفت و دستش را بالا برد تا جایی که سپیدی زیر بازوی ایشان آشکار شد. آن‌گاه فرمود: آیا رسالتم را به شما ابلاغ نکردم؟ آیا شما را نصیحت نکردم؟ عرض کردند: آری. فرمود: هر که من مولای اویم علی مولای اوست. خدایا دوست بدار هر که او را دوست دارد و دشمن بدار هر که او را دشمن دارد و یاری کن هر که او را یاری نماید و خوار ساز هر که او را خوار سازد. این خبر در میان مردم پیچید و به حارث‌بن نعمان فهری نیز رسید. او بار سفر بست و بر ناقه نشست و حال آن‌که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در آن هنگام در مکه بود. چون به دشت مکه رسید، ناقه‌اش را به زانو نشاند و پایش را بست و خدمت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله آمد و سلام کرد و عرض کرد: ای محمّد! تو ما را دعوت کردی تا

بگوییم هیچ خدایی جز خدای یگانه نیست؛ گفتیم. سپس دعوت کردی تا بگوییم تو رسول خدایی؛ گفتیم و در قلب ما آن‌چه بود که بود، سپس گفتی نماز بگزارید و ما نماز گزاردیم، سپس گفتی روزه بگیرید؛ گرفتیم، روزها در تشنگی به سر بردیم و بدن‌هایمان را به زحمت انداختیم. سپس گفتی: حج به جا آورید؛ حج نمودیم. سپس گفتی هنگامی که دویست درهم به یکی از شما روزی داده شد، یک پنجم آن را سالانه صدقه دهید، انجام دادیم. سپس پسرعمویت را برپا داشتی و او را علم کردی و گفتی هر که من مولای اویم علی مولای اوست. خدایا دوست بدار هر که او را دوست بدارد و دشمن بدار هر که او را دشمن بدارد و یاری کن هر که او را یاری دهد و خوار ساز هر که او را خوار سازد. حال این سخن از سوی توست یا از سوی خدا؟ پیامبر ﷺ فرمود: البته از جانب خداست. و سه بار این سخن تکرار فرمود. حارث‌بن نعمان غضبناک برخاست؛ در حالی‌که می‌گفت: خدایا اگر آن‌چه محمّد می‌گوید، حقّ است، از آسمان بر ما سنگ بباران تا بلایی بر اولین ما و نشانه‌ای برای آخرین ما باشد؛ امّا اگر آن‌چه محمّد می‌گوید، دروغ است، پس بلایت را بر او نازل کن. آن‌گاه شترش را برپا کرد و طنابش را باز کرد و بر آن نشست. چون از آن دشت بیرون رفت، خداوند سنگی از آسمان به سمت او پرتاب کرد و بر سرش اصابت کرد و از پشتش خارج شد و در جا مرد و خداوند این آیه را نازل فرمود: «درخواست کننده‌ای عذابی را که واقع شدنی است، درخواست کرد که برای کافران از آن هیچ بازدارنده‌ای نیست. از سوی خداوند صاحب درجات.»

۴۵۰. عَن سَعدِبنِ أَبی‌وَقّاصٍ قالَ: صَلّی بِنَا النَّبِیُّ ﷺ صَلاةَ الفَجرِ یومَ الجُمُعَةِ ثُمَّ أَقبَلَ عَلَینا بِوَجهِهِ‌الکَریمِ الحَسَنِ وَ أَثنی عَلَی اللهِ تَبارَکَ وَ تَعالی فَقالَ: أَخرُجُ یومَ القِیامَةِ وَ عَلِیُّ بنُ أَبی‌طالِبٍ أَمامی وَ بِیَدِهِ لِواءُ الحَمدِ وَ هُوَ یومَئِذٍ مِن شِقَّتَینِ شِقَّةٌ مِنَ السُّندُسِ وَ شِقَّةٌ مِنَ الإِستَبرَقِ فَوَثَبَ إِلَیهِ رَجلٌ أَعرابِیٌّ مِن أَهلِ نَجدٍ مِن وُلدِ جَعفرِبنِ کَلابِ‌بنِ رَبیعَةَ

فَقَالَ: قَد أَرسَلُونی إِلَیكَ لِأَسأَلَكَ. فَقَالَ: قُل یَا أَخَا البَادِیَةِ. قَالَ: مَا تَقُولُ فِی عَلِیِّ بنِ أَبی طالِبٍ فَقَد كَثُرَ الإختِلَافُ فِیهِ. فَتَبَسَّمَ رَسُولُ اللهِ ﷺ ضَاحِكًا. فَقَالَ: یَا أَعرَابِیُّ وَ لِمَ كَثُرَ الإختِلَافُ فِیهِ؟! عَلِیٌّ مِنِّی كَرَأسِی مِن بَدَنِی وَ زِرِّی مِن قَمِیصِی. فَوَثَبَ الأَعرَابِیُّ مُغضِبًا ثُمَّ قَالَ: یَا مُحَمَّدُ إِنِّی أَشَدُّ مِن عَلِیٍّ بَطشًا فَهَل یَستَطِیعُ عَلِیٌّ أَن یَحمِلَ لِوَاءَ الحَمدِ؟ فَقَالَ النَّبِیُّ ﷺ: مَهلًا یَا أَعرَابِیُّ فَقَد أُعطِیَ عَلِیٌّ یَومَ القِیَامَةِ خِصَالًا شَتَّی: حُسنَ یُوسُفَ وَ زُهدَ یَحیَی وَ صَبرَ أَیُّوبَ وَ طُولَ آدَمَ وَ قُوَّةَ جَبرَئِیلَ ﷺ وَ بِیَدِهِ لِوَاءُ الحَمدِ وَ كُلُّ الخَلَائِقِ تَحتَ اللِّوَاءِ یَحُفُّ بِهِ الائِمَّةُ وَ المُؤذِّنُونَ بِتَلَاوَةِ القُرآنِ وَ الأَذَانِ أَوَ هُمُ الَّذِینَ لَا یَتَبَدَّدُونَ فِی قُبُورِهِم. فَوَثَبَ الأَعرَابِیُّ مُغضِبًا وَ قَالَ: اللَّهُمَّ إِن یَكُن مَا قَالَ مُحَمَّدُ فِیهِ حَقًّا فَأَنزِل عَلَیَّ حَجَرًا فَأَنزَلَ اللهُ عَلَیهِ: ﴿ **سَأَلَ سائِلٌ بِعَذابٍ واقِعٍ * لِلْكافِرینَ لَیْسَ لَهُ دافِعٌ * مِنَ اللهِ ذِی الْمَعارِجِ** ﴾.

سعدبن ابی‌وقاص گفت: پیامبر ﷺ نماز صبح روز جمعه را پیشاپیش ما به جا آورد و سپس چهرهٔ گشاده و زیبای خود را سوی ما کرد و خداوند تبارک و تعالی را ستود و فرمود: در روز قیامت من و علی بن ابی‌طالب بیرون می‌آییم، در حالی‌که علی ؑ جلوی من است و در دست او بیرق حمد است و آن بیرق در آن روز دو تکّه است، تکّه‌ای از حریر و تکّه‌ای از دیبا. ناگهان مردی اعرابی از اهل نجد از فرزندان جعفربن کلاب‌بن ربیعه سوی پیامبر ﷺ جلو پرید و عرض کرد: من را فرستاده‌اند تا سؤالی از شما بپرسم. حضرت فرمود: بگو ای برادر بادیه‌نشین! عرض کرد: آن‌چه در مورد علی بن ابی‌طالب ؑ می‌گویی اختلاف بسیاری در آن است. پیامبر تبسّمی کرد و فرمود: ای اعرابی! چرا در آن اختلاف بسیار است؟ علی از من است همچون سرم از بدنم و ردایم از پیرهنم. در آن دم اعرابی غضبناک جلو پرید و عرض کرد: ای محمّد! من از علی درشت‌اندام‌ترم. آیا علی توانایی دارد که بیرق حمد را حمل کند؟ پیامبر ﷺ فرمود: صبر کن ای اعرابی! در روز قیامت ویژگی‌های گوناگونی به

علی ﷺ ارزانی می‌شود: زیبایی یوسف و پرهیزکاری یحیی و بردباری ایوب و قد آدم و قدرت جبرئیل ﷺ؛ و در دستان او بیرق حمد است و تمامی آفریدگان به زیر آن بیرق‌اند. امامان ﷺ و اذن‌یافتگان به تلاوت قرآن و اذان او را درمیان می‌گیرند و ایشان کسانی هستند که در قبرهاشان پراکنده نیستند. باز اعرابی غضبناک جلو پرید و عرض کرد: خدایا اگر آن‌چه محمّد در مورد او می‌گوید حقّ است، بر من سنگی نازل کن. آن‌گاه خداوند بر او نازل فرمود: «درخواست کننده‌ای عذابی را که واقع شدنی است، درخواست کرد که برای کافران از آن هیچ بازدارنده‌ای نیست. از سوی خداوند صاحب درجات.»

وَ مِن سُورَةِ الجِنِّ

(سورۀ جنّ، آیۀ ۱۴ ـ ۱۶)

﴿ وَ أَنَّا مِنَّا الْمُسْلِمُونَ وَ مِنَّا الْقاسِطُونَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولٰئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا * وَ أَمَّا الْقاسِطُونَ فَكانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا * وَ أَنْ لَوِ اسْتَقامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْناهُمْ ماءً غَدَقًا ﴾

و اینکه از میان ما [گروهی] مسلمان‌اند و از میان ما [گروهی] ستمکارند. پس هر کس اسلام آورد، اینان‌اند که راه راست را جویا شدند. و امّا ستمکاران هیزمی برای جهنّم‌اند. و اگر بر راه [راست] پایداری کنند، بی‌تردید به آنان آبی فراوان می‌نوشانیم.

۴۵۱. عَن جَابِرٍ عَن أَبِي جَعفَرٍ عليه السلام فِي قَولِهِ: ﴿ إِنَّ الَّذِينَ قالُوا رَبُّنَا اللّٰهُ ثُمَّ اسْتَقامُوا[1] ﴾ فَقَالَ: هُوَ وَاللهِ مَا أَنتُم عَلَيهِ ﴿ وَ أَنْ لَوِ اسْتَقامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْناهُمْ ماءً غَدَقًا ﴾ يَعنِي مَن جَرَى فِيهِ شَيءٌ مِن شِركِ الشَّيطَانِ يَعنِي ﴿ عَلَى الطَّرِيقَةِ ﴾ عَلَى الوَلَايَةِ فِي الأَصلِ عِندَ الأَظِلَّةِ حِينَ أَخَذَ اللهُ المِيثَاقَ مِن ذُرِّيَّةِ آدَمَ ﴿ لَأَسْقَيْناهُمْ ماءً غَدَقًا ﴾ قَالَ: كُنَّا وَضَعنَا أَظِلَّتَهُم فِي المَاءِ الفُرَاتِ العَذبِ.

---

۱. فصلت، ۳۰ و احقاف، ۱۳

جابر گفت: امام محمّد باقر ﷺ دربارهٔ این آیه «آنان که گفتند پروردگار ما الله است، سپس استقامت ورزیدند» فرمود: به خدا سوگند منظور، مذهبی است که شما بر آن هستید، «و اگر بر راه [راست] پایداری کنند بی تردید به آنان آبی فراوان می‌نوشانیم» منظور، کسانی هستند که چیزی از شرک شیطان در وجودشان جاری است و منظور از «بر راه [راست]» در اصل ولایت است که در عالم ذر خداوند از فرزندان آدم درباره‌اش پیمان گرفت «بی تردید به آنان آبی فراوان می‌نوشانیم» یعنی اگر چنین بودند، ما ذرات آنان را در آب شیرین فرات قرار می‌دادیم.

۴۵۲. عَن جَابِربنِ عَبدِ اللهِ الأَنصارِيِّ قَالَ: إفتَقَدتُ أَمِيرَ المُؤمِنِينَ ﷺ لَم أَرَهُ بِالمَدِينَةِ أَيَّامًا فَغلَبَنِي الشَّوقُ فَجِئتُ فَأَتَيتُ أُمَّ سَلَمَةَ المخزُومِيَّةِ فَوَقَفتُ بِالبَابِ فَخَرَجَت وَ هِيَ تَقُولُ: مَن بِالبَابِ؟ فَقُلتُ: أَنَا جَابِرُ بنُ عَبدِ اللهِ. فَقَالَت: يَا جَابِرُ مَا حَاجَتُكَ؟ قُلتُ: إِنِّي فَقَدتُ سَيِّدِي أَمِيرَ المُؤمِنِينَ ﷺ وَ لَم أَرَهُ بِالمَدِينَةِ مُذ أَيَّامٍ فَغَلَبَنِيَ الشَّوقُ إِلَيهِ أَتَيتُكِ لِأَسأَلَكِ مَا فَعَلَ أَمِيرُ المُؤمِنِينَ. فَقَالَت: يَا جَابِرُ أَمِيرُ المُؤمِنِينَ فِي السَّفرِ. فَقُلتُ: فِي أَيِّ سَفرٍ؟ فَقَالَت: يَا جَابِرُ عَلِيٌّ فِي بُرجَاتٍ مُنذُ ثَلَاثٍ فَقُلتُ: فِي أَيِّ بُرجَاتٍ؟ فَأَجَافَتِ البَابَ دُونِي فَقَالَت: يَا جَابِرُ ظَنَنتُكَ أَعلَمُ مِمَّا أَنتَ صِر إِلَى مَسجِدِ النَّبِيِّ ﷺ فَإِنَّكَ سَتَرَى عَلِيًّا ﷺ فَأَتَيتُ المَسجِدَ فَإِذَا أَنَا بِسَاجِدٍ مِن نُورٍ وَ سَحَابٍ مِن نُورٍ وَ لَا أَرَى عَلِيًّا ﷺ فَقُلتُ: يَا عَجَبًا غَرَّتنِي أُمُّ سَلَمَةَ فَلَبِثتُ قَلِيلاً إِذ تَطَامَنَ السَّحَابُ وَ انشَقَّت وَ نَزَلَ مِنهَا أَمِيرُ المُؤمِنِينَ وَ فِي كَفِّهِ سَيفٌ يَقطُرُ دَمًا، فَقَامَ إِلَيهِ السَّاجِدُ فَضَمَّهُ إِلَيهِ وَ قَبَّلَ بَينَ عَينَيهِ وَ قَالَ: الحَمدُ لِلّهِ يَا أَمِيرَ المُؤمِنِينَ الَّذِي نَصَرَكَ عَلَى أَعدَائِكَ وَ فَتَحَ عَلَى يَدَيكَ، لَكَ إِلَيَّ حَاجَةٌ؟ قَالَ: حَاجَتِي إِلَيكَ تَقرَءُ مَلَائِكَةَ السَّمَاوَاتِ مِنِّي السَّلَامَ وَ تُبَشِّرُهُم بِالنَّصرِ. ثُمَّ رَكِبَ السَّحَابَ فَطَارَ فَقُمتُ إِلَيهِ وَ قُلتُ: يَا أَمِيرَ المُؤمِنِينَ إِنِّي لَم أَرَكَ بِالمَدِينَةِ أَيَّامًا فَغَلَبَنِيَ الشَّوقُ إِلَيكَ فَأَتَيتُ أُمَّ سَلَمَةَ المَخزُومِيَّةِ لِأَسأَلَهَا عَنكَ فَوَقَفتُ بِالبَابِ فَخَرَجَت وَ هِيَ تَقُولُ: مَن بِالبَابِ؟ فَقُلتُ: أَنَا جَابِرُ فَقَالَت: مَا

حَاجَتُكَ يا أَخا الأَنصارِ؟ فَقُلتُ: إنِّى فَقَدتُ أَمِيرَ المُؤمِنِينَ وَ لَم أَرَهُ بِالمَدِينَةِ فَأَتَيتُكِ لِأَسأَلَكِ مَا فَعَلَ أَمِيرُ المُؤمِنِينَ؟ فَقَالَ: يَا جَابِرُ إِذهَب إِلَى المَسجِدِ فَإِنَّكَ سَتَرَاهُ فَأَتَيتُ المَسجِدَ فَإِذَا أَنَا بِسَاجِدٍ مِن نُورٍ وَ سَحَابٍ مِن نُورٍ وَ لا أَرَاكَ فَلَبِثتُ قَلِيلاً إِذ تَطَامَنَ السَّحَابُ وَ انشَقَّت وَ نَزَلتَ وَ فِى يَدِكَ سَيفٌ يَقطُرُ دَمًا فَأَينَ كُنتَ يَا أَمِيرَ المُؤمِنِينَ؟ قَالَ: يَا جَابِرُ كُنتُ فِى بُرجَاتٍ مُنذُ ثَلاثٍ. فَقُلتُ: وَ أَيش صَنَعتَ فِى بُرجَاتٍ؟ فَقَالَ لِى: يَا جَابِرُ مَا أَغفَلَكَ أَمَا عَلِمتَ أَنَّ وَلَايَتِى عَرَضت عَلَى أَهلِ السَّمَاوَاتِ وَ مَن فِيهَا وَ أَهلِ الأَرضِينَ وَ مَن فِيهَا فَأَبَت طَائِفَةٌ مِنَ الجِنِّ وَلَايَتِى فَبَعَثَنِى حَبِيبِى مُحَمَّدٌ صلی‌الله‌علیه‌وآله بِهَذَا السَّيفِ فَلَمَّا وَرَدتُ الجِنَّ إِفتَرَقَتِ الجِنُّ ثَلاثَ فِرَقٍ: فِرقَةٌ طَارَت بِالهَوَاءِ فَاحتَجَبَت مِنِّى، وَ فِرقَةٌ آمَنَت بِى وَ هِىَ الفِرقَةُ الَّتِى نَزَلَت فِيهَا الآيَةُ مِن ﴿ **قُلْ أُوْحِىَ** ﴾ وَ فِرقَةٌ جَحَدَتنِى حَقِّى فَجَادَلتُهَا بِهَذَا السَّيفِ سَيفِ حَبِيبِى مُحَمَّدٍ صلی‌الله‌علیه‌وآله حَتَّى قَتَلتُهَا عَن آخِرِهَا. فَقُلتُ: الحَمدُ لِلّهِ يَا أَمِيرَ المُؤمِنِينَ فَمَن كَانَ السَّاجِدُ؟ فَقَالَ لِى: يَا جَابِرُ كَانَ السَّاجِدُ أَكرَمَ المَلَائِكَةِ عَلَى اللهِ صَاحِبُ الحُجُبِ وَ كَّلَهُ اللهُ بِى إِذَا كَانَ أَيَّامُ الجُمُعَةِ يَأتِينِى بِأَخبَارِ السَّمَاوَاتِ وَالسَّلامِ مِنَ المَلَائِكَةِ وَ يَأخُذُ السَّلامَ مِن مَلَائِكَةِ السَّمَاوَاتِ إِلَىَّ.

جابربن عبد الله انصاری گفت: چند روزی بود که امیرمؤمنان حضرت علی علیه‌السلام را نمی‌یافتم و او را در مدینه نمی‌دیدم. دلتنگش شدم و به راه افتادم و به خانهٔ ام سلمه مخزومی رسیدم و بر در ایستادم. گفت: چه کسی بر در است؟ گفتم: جابربن عبد الله هستم. گفت: چه می‌خواهی ای جابر؟! گفتم: چند روزی است که سرورم علی علیه‌السلام را نیافته‌ام و ایشان را در مدینه ندیده‌ام؛ دلتنگش شده‌ام و نزد تو آمده‌ام تا بپرسم امیرمؤمنان چه می‌کند؟ گفت: امیرمؤمنان در سفر است ای جابر! گفتم: چه سفری؟ گفت: ای جابر! علی علیه‌السلام سه روز است که در آسمان‌هاست. گفتم: کدام آسمان؟ در را به رویم بست و گفت: ای جابر! می‌پنداشتم داناتر از این هستی! به مسجد پیامبر رو، علی علیه‌السلام را می‌بینی. من به

مسجد رفتم و ناگاه دیدم نوری آنجا در سجده است و ابری از نور آنجاست، امّا حضرت علی علیه السلام را ندیدم. گفتم: شگفتا! اُم سلمه مرا فریفته؟! کمی ایستادم. ناگهان آن ابر فرو نشست و شکافته شد و امیرمؤمنان از میان آن فرود آمد و حال آن‌که شمشیری در دست داشت که از آن خون می‌چکید. در آن دم آن نوری که در سجده بود، سوی ایشان برخاست و در آغوشش کشید و میان چشمانش را بوسید و عرض کرد: ای امیرمؤمنان! سپاس و ستایش از آنِ خداوندی است که شما را بر دشمنانت یاری داد و پیروزت گرداند؛ چیزی از من می‌خواهی؟ فرمود: از تو می‌خواهم که سلام مرا به فرشتگان آسمان‌ها برسانی و به آنان مژدهٔ پیروزی دهی. سپس آن نور بر آن ابر سوار شد و به آسمان رفت. من سوی حضرت برخاستم و عرض کردم: ای امیرمؤمنان! چند روزی بود که شما را در مدینه نمی‌دیدم، دلتنگ شدم و نزد اُم سلمه رفتم تا از او جویای شما شوم. بر در ایستادم. گفت: چه کسی بر در است؟ گفتم: جابر هستم. گفت: چه می‌خواهی ای برادر انصاری؟ گفتم: امیرمؤمنان را نیافته‌ام و ایشان را در مدینه ندیده‌ام، نزد تو آمده‌ام تا از او بپرسم امیرمؤمنان چه می‌کند؟ گفت: ای جابر! به مسجد برو تا ایشان را ببینی. من به مسجد آدم و ناگاه دیدم نوری در سجده است و ابری از نور اینجاست امّا شما را ندیدم. کمی ایستادم. ناگهان آن ابر فرونشست و شکافته شد و شما از آن فرود آمدید و حال آن‌که شمشیری در دست شما بود که از آن خون می‌چکید؛ کجا بودید ای امیرمؤمنان؟! فرمود: ای جابر! سه روز است که در آسمان‌ها بوده‌ام. عرض کردم: در آسمان‌ها چه می‌کردید؟ فرمود: ای جابر! چه غافلی! مگر نمی‌دانی که ولایت من بر اهل آسمان‌ها و هر آن‌که در آن‌ها بود و نیز اهل زمین‌ها و هر آن‌که در آن‌ها بود، عرضه شد، آن‌گاه طایفه‌ای از جنیان ولایت مرا نپذیرفتند. از این رو حبیبم محمّد صلی الله علیه و آله مرا با این شمشیر سوی آنان فرستاد و چون بر جنیان وارد شدم، آنان در سه دسته جدا شدند: دسته‌ای به آسمان پرواز کردند

و از من ناپدید شدند، دسته‌ای به من ایمان آوردند و آنان همان دسته‌ای بودند که آیه «بگو وحی شد» دربارهٔ ایشان نازل شد. اما دسته‌ای حق مرا انکار کردند و من با این شمشیر که شمشیر حبیبم محمّد ﷺ است، با آنان رودررو شدم و تا آخرین نفرشان را از پا درآوردم. آن‌گاه من عرض کردم: سپاس و ستایش از آنِ خداوند یکتاست، آن کسی که در سجده بود، که بود ای امیرمؤمنان؟! فرمود: ای جابر! او ارجمندترین فرشتگان نزد خداوند و صاحب پرده‌ها بود که خداوند او را بر من گمارده تا در روزهای جمعه اخبار آسمان‌ها را برایم بیاورد و سلام فرشتگان آسمان‌ها را به من برساند.

۴۵۳. أَبوالقَاسِمِ العَلَوِیُّ مُعَنعَنًا: عَن جَعفَرِبنِ مُحَمَّدٍ عَن أَبِیهِ ﷺ فِی قَولِ اللهِ: ﴿ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَٰئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا ﴾ الَّذِینَ أَقَرُّوا بِوَلَایَتِنَا فَأُولَئِكَ تَحَرُّوا رَشَدًا ﴿ وَ أَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا * وَ أَنْ لَوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَاهُمْ مَاءً غَدَقًا * لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ ﴾ قَتلِ الحُسَینَ ﷺ ﴿ وَ مَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا * وَ أَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللهِ أَحَدًا[1] ﴾ وَ إِنَّ الأَئِمَّةَ مِن أَهلِ بَیتِ مُحَمَّدٍ ﷺ فَلَا تَتَّخِذُوا مِن غَیرِهِم إِمَامًا ﴿ وَ أَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللهِ يَدْعُوهُ[2] ﴾ یَعنِی مُحَمَّدًا ﷺ یَدعُوهُم إِلَی وَلَایَةِ عَلِیٍّ كَادَت قُرَیشُ ﴿ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا[3] ﴾ عَلَیهِ ﴿ قُلْ إِنَّمَا أَدْعُوا رَبِّي[4] ﴾ أَیْ أَمرَ رَبِّی ﴿ وَ لَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا * قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَ لَا رَشَدًا[5] ﴾ أَیْ إِن أَرَادَ اللهُ أَن یُضِلَّكُم عَن وَلَایَتِهِ ضَرًّا وَ لَا رَشَدًا ﴿ قُلْ إِنِّي لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللهِ أَحَدٌ[6] ﴾ إِن أُمِرتُ بِهِ ﴿ وَ لَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا[7] ﴾ یَعنِی: وَ لَا ﴿ إِلَّا بَلَاغًا مِنَ اللهِ[8] ﴾ أَبلَغُكُم مَا أَهدَی

---

۱. جن، ۱۸-۱۷

۲ و ۳. جن، ۱۹

۴. جن، ۲۰

۵. جن، ۲۱-۲۰

۶ و ۷. جن، ۲۲

۸. جن، ۲۳

اللهُ بِهِ مِن وَلَايَةِ عَلِيِّ بنِ أَبِي طالِبٍ عليه السلام ﴿ وَ مَنْ يَعْصِ اللهَ وَ رَسُولَهُ[۱] ﴾ فِي وَلَايَةِ عَلِيِّ بنِ أَبِي طالِبٍ عليه السلام ﴿ فَإِنَّ لَهُ نارَ جَهَنَّمَ خالِدينَ فيها أَبَدًا[۲] ﴾ قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله: يا عَلِيُّ أَنتَ قَسِيمُ النَّارِ تَقُولُ هَذا لِي وَ هَذا لَكَ، وَ قالُوا: فَمَتَى يَكُونُ مَا تَعِدُنَا يا مُحَمَّدُ مِن أَمرِ عَلِيٍّ وَ النَّارِ؟ فَأَنزَلَ اللهُ تَعالَى: ﴿ حَتَّى إِذا رَأَوْا ما يُوعَدُونَ[۳] ﴾ يَعنِي المَوتَ وَ القِيامَةَ ﴿ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضْعَفُ ناصِرًا وَ أَقَلُّ عَدَدًا[۴] ﴾ قالُوا: فَمَتَى يَكُونُ هَذا؟ قالَ اللهُ لِمُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله: ﴿ قُلْ إِنْ أَدْري أَ قَريبٌ ما تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبّي أَمَدًا[۵] ﴾ قالَ: أَجَلاً ﴿ عالِمُ الْغَيْبِ فَلا يُظْهِرُ عَلىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا * إِلاَّ مَنِ ارْتَضىٰ مِنْ رَسُولٍ[۶] ﴾ قالَ: يَعنِي عَلِيَّ المُرتَضَى مِن رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله وَ هُوَ مِنهُ قالَ اللهُ: ﴿ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا[۷] ﴾ قالَ: فِي قَلبِهِ العِلمُ وَ مِن خَلفِهِ الرَّصَدُ يُعَلِّمُهُ عِلمَهُ وَ يَزُقُّهُ العِلمَ زَقًّا وَ يُعَلِّمُهُ اللهُ إِلهامًا، قالَ: فَالإِلهامُ مِنَ اللهِ وَ الرَّصَدُ التَّعلِيمُ مِنَ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله بَلَغَ اللهُ: أَن قَد بَلَّغَ رِسالاتِ رَبِّي ﴿ وَ أَحاطَ[۸] ﴾ بِمَا لَدَى الرَّسُولِ مِنَ العِلمِ ﴿ وَ أَحْصىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا[۹] ﴾ ما كانَ وَ مَا يَكُونُ مُنذُ خَلَقَ اللهُ آدَمَ عليه السلام إِلَى أَن تَقُومَ السّاعَةَ مِن فِتنَةٍ أَو زَلزَلَةٍ أَو خَسفٍ أَو قَذفٍ أَو أُمَّةٍ هَلَكَت فِيمَا مَضَى أَو تَهلِكُ فِيمَا بَقِيَ، فَكَم مِن إِمامٍ جائِرٍ أَو عادِلٍ أَو مَن يَمُوتُ مَوتًا أَو يُقتَلُ قَتلاً، وَ كَم مِن إِمامٍ مَخذُولٍ لا يَضُرُّهُ خِذلانُ مَن خَذَلَهُ وَ كَم مِن إِمامٍ مَنصُورٍ لا يَنفَعُهُ نُصرَةُ مَن نَصَرَهُ.

ابوالقاسم علوی گفت: امام جعفر صادق عليه السلام به نقل از پدر بزرگوارشان عليه السلام دربارهٔ آیه «پس هر کس اسلام آورد، ایناناند که راه راست را جویا شدند.» فرمود: کسانی که به ولایت ما اقرار کردند، آنان راه راست را جویا شدند. «و اما ستمکاران هیزمی برای جهنماند و اگر بر راه راست پایداری کنند، بی‌تردید

---

۱ و ۲. جن، ۲۳

۳ و ۴. جن، ۲۴

۵. جن، ۲۵

۶. جن، ۲۷-۲۶

۷-۹. جن، ۲۸

به آنان آبی فراوان می‌نوشانیم، تا در این مورد آنان را بیازماییم». در مورد قتل امام حسین علیه‌السلام «و هر کس از یاد و پند پروردگارش اعراض کند [خداوند] او را به عذابی سخت در می‌آورد و این‌که مسجدها از آنِ خداست، پس با کسی خدا را نخوانید». و این‌که امامان علیهم‌السلام از اهل بیت حضرت محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله هستند پس امامی غیر ایشان نگیرید. «و اینکه وقتی بنده خدا برخاست تا او را بخواند» یعنی حضرت محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله که آن‌ها را به ولایت علی علیه‌السلام فراخواند، نزدیک بود که قریشیان «برگرد او هجوم آورند» بر گرد محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله «بگو: من تنها پروردگارم را می‌خوانم» یعنی امر پروردگارم را. «کسی را با او شریک نگیرم، بگو: بی‌تردید من مالک زیان و هدایتی برای شما نیستم.» یعنی اگر خدا بخواهد شما را از ولایت او گمراه کند، من مالک زیان و هدایتی برای شما نیستم. «بگو: بی‌تردید هرگز کسی مرا از [عذاب] خدا پناه نمی‌دهد» اگر به فرمانش عمل نکنم «و هرگز جز او پناهگاهی نمی‌یابم» یعنی «جز ابلاغی از سوی خدا» پس ولایت علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام را که خداوند به سوی آن هدایت می‌کند، به شما ابلاغ می‌کنم. «و هر کس خدا و پیامبرش را نافرمانی کند» در مورد ولایت علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام، «به راستی آتش جهنم برای اوست که برای همیشه در آن جاودان‌اند». پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: ای علی! تو قسمت‌کنندهٔ جهنمی، می‌گویی این برای من و آن برای تو. آن‌گاه عرض شد: ای محمّد! چه زمان وعده‌ای که دربارهٔ علی علیه‌السلام و جهنم دادی، فرا می‌رسد؟ آن‌گاه خداوند متعال نازل فرمود «آیا آن‌گاه که آن‌چه را که وعده داده می‌شوند، ببینند» یعنی مرگ و قیامت را «پس به زودی خواهند دانست که چه کسی یاورش ناتوان‌تر و شمارش کمتر است.» عرض شد: چه زمان این امر محقّق می‌شود؟! آن‌گاه خداوند به حضرت محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «بگو: نمی‌دانم که آیا آن‌چه وعده داده شدید نزدیک است یا پروردگارم برای آن زمانی قرار می‌دهد» یعنی یا این‌که دور است «او دانای نهان است، پس کسی را بر غیب خود آگاه نمی‌کند، مگر

کسی که از رسولی خشنود باشد» یعنی علی علیه السلام که از رسول خدا صلی الله علیه و آله خشنود بود و رسول خدا نیز از او «پس بی تردید از پیش رو و از پشت سرش نگاهبانی را وارد می‌کند». در قلب او دانش است و از پشت سرش نگاهبانی است که دانشش را به او می‌آموزد و آن را به او می‌نوشاند و خداوند با الهام او را می‌آموزد. پس الهام از جانب خداوند است و نگاهبانی، آموزش پیامبر صلی الله علیه و آله است. خداوند پیام فرستاد که او پیام‌های پروردگارمان را تبلیغ کرده است و «احاطه دارد» به آن‌چه از دانش نزد رسول است «و عدد هر چیزی را شمارش کرده است» آن‌چه که رخ داده است و آن‌چه که رخ خواهد داد؛ از زمانی که خداوند آدم علیه السلام را آفرید تا زمانی که قیامت برپا می‌شود. از فتنه و زلزله و خسوف و شهاب گرفته تا امتی که در آن‌چه رخ داده به هلاکت رسیده یا در آن‌چه رخ خواهد داد، به هلاکت خواهد رسید. پس چه بسیار رهبر بیدادگر یا دادگر و یا کسی که جان می‌دهد یا کشته می‌شود و چه بسیار رهبر شکست خورده که شکست خوردن از کسی که او را شکست داده، چیزی از او نکاسته و یا رهبر پیروز شده که پیروز شدن بر کسی که از او پیروز شده، چیزی بر او نیفزوده است.

۴۵۴. عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِبْنِ عَلِيِّ‌بْنِ عُمَرَ الزُّهرِيِّ مُعَنعَنًا: عَنْ أَبِي‌عَبدِ اللهِ علیه السلام فِي قَولِهِ تَعَالَى: ﴿ وَ أَنْ لَوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَاهُمْ مَاءً غَدَقًا ﴾ قَالَ: لَوِ استَقَامُوا عَلَى وَلَايَةِ أَمِيرِالمُؤمِنِينَ عَلِيِّ‌بْنِ أَبِي‌طَالِبٍ علیه السلام مَا ضَلُّوا أَبَدًا.

علی بن محمّد بن علی بن عمر زهری روایت کرده است: امام جعفر صادق علیه السلام دربارهٔ کلام حق تعالی «و اگر بر راه [راست] پایداری کنند، بی‌تردید به آنان آبی فراوان می‌نوشانیم» فرمود: اگر بر ولایت امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب علیه السلام پایداری کنند، هیچ‌گاه گمراه نمی‌شوند.

۴۵۵. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ فِي قَولِهِ تَعَالَى: ﴿ وَ مَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا ﴾ قَالَ:

﴿ ذِكْرِ رَبِّهِ ﴾ وَلَايَةِ عَلِيِّ بنِ أَبي‌طالِبٍ علیه‌السلام.

ابن عباس دربارهٔ کلام خداوند متعال «و هر کس از یاد و پند پروردگارش اعراض کند، [خداوند] او را به عذابی سخت در می‌آورد.» گفت: منظور از «یاد و پند پروردگارش» ولایت علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام است.

وَ مِن سُورَةِ المُدَّثِّرِ

(سورهٔ مدّثّر، آیهٔ ۳۸ ـ ۴۸)

﴿كُلُّ نَفْسٍ بِمٰا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ * إِلاّٰ أَصْحٰابَ الْيَمِينِ * فِي جَنّٰاتٍ يَتَسٰاءَلُونَ * عَنِ الْمُجْرِمِينَ * مٰا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرَ * قٰالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ * وَ لَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِينَ * وَ كُنّٰا نَخُوضُ مَعَ الْخٰائِضِينَ * وَكُنّٰا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ * حَتّٰى أَتٰانَا الْيَقِينُ * فَمٰا تَنْفَعُهُمْ شَفٰاعَةُ الشّٰافِعِينَ﴾

هرکس در گرو کاری است که انجام داده است. مگر یاران دست راست. [آن‌ها که] در باغ‌هایی [هستند] می‌پرسند از گناهکاران: چه چیز شما را به آتش دوزخ درآورد؟ گویند: [ما] از نمازگزاران نبودیم، و به بینوا غذا نمی‌دادیم، و با کسانی که [در کارهای باطل] غوطه‌ور بودند، غوطه‌ور می‌شدیم. و روز قیامت را تکذیب می‌کردیم. تا این‌که یقین (مرگ) به سراغ ما آمد. پس شفاعت شفاعت‌کنندگان به آنان سودی نمی‌بخشد.

۴۵۶. أَبُو القَاسِمِ العَلَوِيُّ مُعَنعَنًا: عَن أَبِي جَعفَرٍ عليه السلام فِي قَولِهِ: ﴿كُلُّ نَفْسٍ بِمٰا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ * إِلاّٰ أَصْحٰابَ الْيَمِينِ﴾ قَالَ: نَحنُ وَ شِيعَتُنَا.

ابوالقاسم علوی روایت کرده است امام محمّد باقر عليه السلام دربارهٔ کلام حق تعالی

«هرکس درگرو کاری است که انجام داده است، مگر یاران دست راست» فرمود: منظور ما و شیعیانمان هستیم.

۴۵۷. الحُسَینُ بنُ سَعِیدٍ مُعَنعَنًا: عَن أَبی جَعفَرٍ مُحَمَّدِ بنِ عَلِیٍّ علیه‌السلام فِی قَولِ اللهِ: ﴿ إِلاَّ أَصْحٰابَ الْیَمینِ ﴾. قَالَ: شِیعَةُ عَلِیٍّ وَ اللهِ هُم أَصحَابُ الیَمِینِ.

حسین‌بن سعید روایت کرده است: امام محمّد باقر علیه‌السلام دربارهٔ اصحاب یمین فرمود: به خدا سوگند شیعیان حضرت علی علیه‌السلام همان یاران دست راست هستند.

۴۵۸. جعفَرُ بنُ مُحَمَّدٍ الفَزَارِیُّ مُعَنعَنًا: عَن أَبی عَبدِ اللهِ علیه‌السلام فِی قَولِهِ تَعَالَی: ﴿ فی جَنّٰاتٍ یَتَسٰاءَلُونَ * عَنِ الْمُجْرِمینَ * مٰا سَلَکَکُمْ فی سَقَرَ * قٰالُوا لَمْ نَکُ مِنَ الْمُصَلّینَ ﴾ یَعنِی: لَم نَكُ مِن شِیعَةِ عَلِیِّ بنِ أَبی طالِبٍ علیه‌السلام ﴿ وَ لَمْ نَکُ نُطْعِمُ الْمِسْکینَ * وَ کُنّٰا نَخُوضُ مَعَ الْخٰائِضینَ * وَ کُنّٰا نُکَذِّبُ بِیَوْمِ الدّینِ ﴾ فَذَلِكَ یَومُ القَائِمِ علیه‌السلام وَ هُوَ یَومُ الدِّینِ ﴿ حَتّٰی أَتٰانَا الْیَقینُ ﴾ أَیَّامُ القَائِمِ علیه‌السلام ﴿ فَمٰا تَنْفَعُهُمْ شَفٰاعَةُ الشّٰافِعینَ ﴾ فَمَا تَنفَعُهُم شَفَاعَةُ مَخلُوقٍ وَ لَن یَشفَعَ فِیهِم رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله یومَ القِیَامَةِ.

جعفربن محمّد فزاری روایت کرده است: امام جعفر صادق علیه‌السلام دربارهٔ کلام خداوند متعال فرمود: در آیه‌ای که خداوند می‌فرماید «می‌پرسند از گناهکاران: چه چیز شما را به آتش دوزخ درآورد؟ گویند: ما از نمازگزاران نبودیم» یعنی از شیعیان حضرت علی علیه‌السلام نبودیم. «و روز قیامت را تکذیب می‌کردیم» منظور، روز ظهور حضرت قائم علیه‌السلام است که روز دین است «تا این‌که یقین به سراغ ما آمد» یعنی روزگار حضرت قائم علیه‌السلام. «پس شفاعت شفاعت‌کنندگان به آنان سودی نمی‌بخشد» یعنی شفاعت هیچ آفریده‌ای به آنان سود نمی‌رساند و در روز قیامت هرگز رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در حق آن‌ها شفاعت نمی‌کند.

وَ مِن سُورَةِ القِيَامَةِ

(سورهٔ قیامة، آیهٔ ۱۶)

﴿ لاٰ تُحَرِّكْ بِهِ لِسٰانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ ﴾

زبانت را به [خواندن آیات] آن حرکت مده تا به [حفظ] آن شتاب کنی.

(سورهٔ قیامة، آیهٔ ۳۱ ـ ۳۴)

﴿ فَلاٰ صَدَّقَ وَ لاٰ صَلّٰى * وَ لٰكِنْ كَذَّبَ وَ تَوَلّٰى * ثُمَّ ذَهَبَ إِلىٰ أَهْلِهِ يَتَمَطّٰى * أَوْلىٰ لَكَ فَأَوْلىٰ ﴾

پس نه تصدیق کرد و نه نماز گزارد، ولی تکذیب کرد و روی گردانید. سپس خرامان به سوی خانواده‌اش رفت. وای بر تو! پس وای بر تو!

۴۵۹. عَن عَمّارِبنِ يَاسِرٍ قَالَ: كُنتُ عِندَ أَبِی ذَرٍ الغِفَارِیِّ فِی مَجلِسٍ لِابنِ عَبّاسٍ وَ عَلَيهِ فُسطَاطٌ وَ هُوَ يُحَدِّثُ النّاسَ إِذ قَامَ أَبوذَرٍ حَتّى ضَرَبَ بِيَدِهِ إِلَى عَمُودِ الفُسطَاطِ ثُمَّ قَالَ: أَيُّهَا النّاسُ مَن عَرَفَنِی فَقَد عَرَفَنِی وَ مَن لَم يَعرِفنِی فَقَد أَنبَأتُهُ بِاسمِی أَنَا جُندَبُ بنُ جُنَادَةَ أَبوذَرٍ الغِفَارِیُّ سَأَلتُكُم بِحَقِّ اللهِ وَ حَقِّ رَسُولِهِ أَسَمِعتُم مِن رَسُولِ اللهِ ﷺ وَ هُوَ يَقُولُ: مَا أَقَلَّتِ الغَبرَاءُ وَ لَا أَظَلَّتِ الخَضرَاءُ ذَالَهجَةٍ أَصدَقَ مِن أَبِی ذَرٍ؟ قَالُوا: اللّهُمَّ نَعَم.

قَالَ: أَفَتعلَمُونَ أَيُّهَا النَّاسُ أَنَّ رَسُولَ اللهِ ﷺ جَمَعَنَا يومَ غَدِيرِ خُمٍّ أَلفٌ وَ ثَـلاثُمِاءَةِ رَجُلٍ وَ جَمَعَنَا يومَ سَمُرَاتٍ خَمسُمِائَةِ رَجُلٍ كُلُّ ذَلِكَ يَقُولُ: اللَّهُمَّ مَـن كُـنتُ مَـولاهُ فَعَلِيٌّ مَولاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَن وَالاهُ وَ عَادِ مَن عَادَاهُ وَ انصُر مَن نَصَرَهُ وَاخذُل مَن خَـذَلَه. فَقَامَ عُمَرُ فَقَالَ: بَخٍ بَخٍ يَا ابنَ أَبِي طَالِبٍ أَصبَحتَ مَولايَ وَ مَولَى كُلِّ مُؤمِنٍ وَ مُؤمِنَةٍ. فَلَمَّا سَمِعَ ذَلِكَ مُعَاوِيَةُبنُ أَبِي سُفيَانَ اِتَّكَأَ عَلَى المُغِيرَةِبنِ شُعبَةَ وَ قَامَ وَ هُوَ يَقُولُ: لَا نُقِرُّ لِعَلِيٍّ بِوَلَايَةٍ وَ لَا نُصَدِّقُ مُحَمَّدًا فِي مَقَالَةٍ. فَأَنزَلَ اللهُ تَعَالَى عَلَى نَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ ﷺ: ﴿**فَلا صَدَّقَ وَ لا صَلّٰى * وَ لٰكِنْ كَذَّبَ وَ تَوَلّٰى * ثُمَّ ذَهَبَ إِلىٰ أَهْلِهِ يَتَمَطّٰى * أَوْلىٰ لَكَ فَأَوْلىٰ**﴾ تَهَدُّدًا مِنَ اللهِ تَعَالَى وَ انتِهَارًا. فَقَالُوا: اللَّهُمَّ نَعَم.

عمّار یاسر گفت: من و ابوذر غفاری در زیر خیمه‌ای که ابن عبّاس به زیر آن با مردم سخن می‌گفت حضور داشتیم. ابوذر برخاست و با دستش به ستون خیمه زد و گفت: ای مردم! هرکه مرا می‌شناسد که هیچ، و آن که مرا نمی‌شناسد بداند که من جندب‌بن جناده، ابوذر غفاری هستم. شما را به خدا و رسولش سوگند! از شما می‌پرسم که آیا این سخن رسول خدا را شنیدید که فرمود: تا زمین خاکی و آسمان سبز برپاست، هیچ کس راستگوتر از ابوذر نیست؟ گفتند: به خدا سوگند آری. گفت: آیا می‌دانید ای مردم که رسول خدا ﷺ در روز غدیر خم ما را که هزاروسیصد تن بودیم و نیز در روز سمرات[1] که پانصد تن بودیم، گردآورد و فرمود: خداوندا! هر که من مولای اویم، علی مولای اوست، پس دوست بدار آن‌که او را دوست می‌دارد و دشمن بدار آن‌که او را دشمن می‌دارد و یاری کن آن‌که او را یاری می‌کند و خوار کن آن‌که او را خوار می‌کند و آن‌گاه عمر برخاست و عرض کرد: مبارک باشد ای پسر ابوطالب! تو

---

۱. سَمُرَة چنان‌چه در *مجمع البحرین* آمده است، شَجَرُ الطلحه، اقاقیای شیره‌دار یا درخت موز ذکر شده است. جمع آن سَمُرات است. احتمالاً اشاره به درختانی باشد که زیر سایهٔ آن‌ها پیامبر ﷺ ایستاده‌اند و خطبه خواندند و از این‌جهت یوم سمرات نام برده شده است. (*مجمع البحرین*، ج ۳، ص ۳۳۶)

مولای من و مولای هر مرد و زن مؤمنی شده‌ای و در آن هنگام چون معاویةبن ابی‌سفیان این سخن شنید، دست بر شانه مغیرةبن شعبه زد و برخاست و گفت: ما ولایت علی و محمّد را در این سخن تصدیق نمی‌کنیم. پس خداوند متعال بر پیامبرش حضرت محمّد ﷺ نازل فرمود: «پس نه تصدیق کرد و نه نماز گزارد. ولی تکذیب کرد و روی گرداند. سپس خرامان به سوی خانواده‌اش رفت. وای بر تو، پس وای بر تو!» و این تهدیدی بود از سوی خداوند متعال. مردم گفتند: به خدا سوگند آری.

۴۶۰. عَن حُذَيفَةَبنِ اليَمانِ قَالَ: كُنتُ وَاللهِ جَالِسًا بَينَ يَدَى رَسُولِ اللهِ ﷺ وَ قَد نَزَلَ بِنَا غَدِيرُ خُمٍّ وَ قَد غَصَّ المَجلِسُ بِالمُهَاجِرِينَ وَ الأَنصَارِ فَقَامَ رَسُولُ اللهِ ﷺ عَلَى قَدَمَيهِ فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللهَ أَمَرَنِى بِأَمرٍ فَقَالَ: ﴿ **يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ** ﴾[1] فَقُلتُ لِصَاحِبِى جَبرَئِيلَ: يَا خَلِيلِى إِنَّ قُرَيشًا قَالُوا لِى كَذَا وَ كَذَا، فَأَتَى الخَبَرُ مِن رَبِّى فَقَالَ: ﴿ **وَ اللهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ** ﴾[2] ثُمَّ نَادَى عَلِيَّ بنَ أَبِى طَالِبٍ ﷺ فَأَقَامَهُ عَن يَمِينِهِ ثُمَّ قَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ أَلَستُم تَعلَمُونَ أَنِّى أَولَى مِنكُم بِأَنفُسِكُم؟ قَالُوا: اللَّهُمَّ بَلَى. قَالَ: مَن كُنتُ مَولَاهُ فَعَلِيٌّ مَولَاهُ. فَقَالَ رَجُلٌ مِن عَرضِ المَسجِدِ: يَا رَسُولَ اللهِ مَا تَأوِيلُ هَذَا؟ قَالَ: مَن كُنتُ نَبِيَّهُ فَعَلِيٌّ أَمِيرُهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَن وَالَاهُ وَ عَادِ مَن عَادَاهُ وَ انصُر مَن نَصَرَهُ وَ اخذُل مَن خَذَلَهُ.

فَقَالَ حُذَيفَةُ: فَوَاللهِ لَقَد رَأَيتُ مُعَاوِيَةَ حَتَّى قَامَ يَتَمَطَّى وَ خَرَجَ مُغضَبًا وَاضِعًا يَمِينَهُ عَلَى عَبدِ اللهِبنِ قَيسٍ الأَشعَرِيِّ وَ يَسَارَهُ عَلَى المُغِيرَةِبنِ شُعبَةَ ثُمَّ قَامَ يَمشِى مُتَمَطِّيًا وَهُوَ يَقُولُ: لَا نُصَدِّقُ مُحَمَّدًا عَلَى مَقَالَتِهِ وَ لَا نُقِرُّ لِعَلِيٍّ بِوَلَايَتِهِ. فَأَنزَلَ اللهُ تَعَالَى عَلَى إِثرِ كَلَامِهِ: ﴿ **فَلَا صَدَّقَ وَ لَا صَلَّى * وَ لٰكِنْ كَذَّبَ وَ تَوَلَّى * ثُمَّ ذَهَبَ إِلَىٰ أَهْلِهِ يَتَمَطَّى * أَوْلَىٰ لَكَ فَأَوْلَىٰ** ﴾ فَهَمَّ بِهِ رَسُولُ اللهِ ﷺ أَن يَرُدَّهُ فَيَقتُلَهُ فَقَالَ جَبرَئِيلُ ﴿ **لَا تُحَرِّكْ بِهِ**

---

۱. مائده، ۶۷

۲. مائده، ۶۷

لِسانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ ﴾. فَسَكَتَ النَّبيُّ عَنهُ.

حذیفةبن یمان گفت: به خدا سوگند در روز غدیر خم روبه‌روی رسول خدا ﷺ نشسته بودم و مجلس از مهاجران و انصار انبوه بود. آن‌گاه رسول خدا ﷺ بر پای مبارکش ایستاد و فرمود: ای مردم! همانا خداوند به من فرمان داد و فرمود: «ای پیامبر! آن‌چه را از جانب پروردگارت بر تو نازل شده است، [به مردم] ابلاغ کن و اگر [چنین] نکنی، پیام او را نرسانده‌ای.» من به دوستم جبرئیل گفتم: ای یار من! قریشیان به من چنین و چنان گفتند. آن‌گاه از جانب پروردگارم خبر رسید که «خداوند تو را از [گزند] مردم نگاه می‌دارد». سپس رسول خدا ﷺ حضرت علی ﷺ را فراخواند و در سمت راست خویش برپایش داشت و فرمود: ای مردم! آیا نمی‌دانید که من از شما بر شما سزاوارترم؟ عرض کردند: به خدا سوگند آری. فرمود: هر که من مولای اویم، علی مولای اوست. در آن دم مردی از پهنای مسجد عرض کرد: ای رسول خدا! تأویل این سخن چیست؟ فرمود: هر که من پیامبرش بوده‌ام، علی ﷺ امیر اوست. خداوندا! دوست بدار آن‌که او را دوست می‌دارد و دشمن بدار آن‌که او را دشمن می‌دارد و یاری کن آن‌که او را یاری می‌کند و خوار کن آن‌که او را خوار می‌کند. حذیفه می‌گوید: در آن دم معاویه را دیدم که خرامان برخاست و خشمگین بیرون رفت و در حالی که دست راستش را برای بلندشدن بر شانه عبدالله‌بن قیس گذاشته بود و دست چپش را بر شانه مغیرةبن شعبه، برخاست و خرامان گام برمی‌داشت و می‌گفت: ما محمّد را در سخنش تصدیق نمی‌کنیم و ولایت علی را نمی‌پذیریم. آن‌گاه خداوند در پی سخن او نازل فرمود: «پس نه تصدیق کرد و نه نمازگزارد، ولی تکذیب کرد و روی گردانید. سپس خرامان به سوی خانواده‌اش رفت. وای بر تو! پس توای بر تو!» در آن دم رسول خدا خواست تا پاسخش را بدهد و از پا درآوردش، اما جبرئیل گفت: «زبانت را به آن حرکت مده تا به آن شتاب نکنی.» و پیامبر از او چشم پوشید.

وَ مِن سُورَةِ الدَّهرِ

(سورهٔ دهر، آیهٔ ۷ ـ ۸)

﴿ يُوفُونَ بِالنَّذرِ وَ يَخافُونَ يَوْمًا كانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا * وَيُطْعِمُونَ الطَّعامَ عَلىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا ﴾

به نذر خود وفا می‌کنند و از روزی که شرّ آن فراگیر است بیم دارند.
و طعام را با وجود دوست داشتن آن به بینوا و یتیم و اسیر می‌خورانند.

۴۶۱ . فُراتُ بنُ إبرَاهِيمَ الكُوفِيُّ عَن جعفَرِبنِ مُحَمَّدٍ عَن أَبِيهِ عَن جَدِّهِ عليهم السلام قَالَ: مَرِضَ الحَسَنُ وَ الحُسَينُ عليهما السلام مَرَضًا شَدِيدًا فَعَادَهُمَا سَيِّدُ وُلدِ آدمَ مُحَمَّدٌ صلى الله عليه وآله وَ عَادَهُمَا أَبُوبَكرٍ وَ عُمَرُ فَقَالَ عُمَرُ لِعَلِيٍّ: يَا أَبَا الحَسَنِ إن نَذَرتَ لِلّهِ نَذرًا وَاجِبًا فَإِنَّ كُلَّ نَذرٍ لَا يَكُونُ لِلّهِ فَلَيسَ مِنهُ وَفاءٌ.

فَقَالَ عَلِيُّ بنُ أَبِي طالِبٍ عليه السلام: إن عَافَا اللهُ وَلَدَيَّ مِمَّا بِهِمَا صُمتُ لِلّهِ ثَلاثَةَ أَيَّامٍ مُتَوَلِيَاتٍ، وَ قَالَت فَاطِمَةُ مِثلَ مَقَالَةِ عَلِيٍّ وَ كَانَت لَهُم جَارِيَةٌ نُوبِيَةٌ تُدعَى فِضَّةُ قَالَت: إن عَافَا اللهُ سَيِّدَيَّ مِمَّا بِهِمَا صُمتُ لِلّهِ ثَلاثَةَ أَيَّامٍ.

فرات‌بن ابراهیم کوفی از امام جعفر صادق عليه السلام از پدر بزرگوارشان از جدّ بزرگوار ایشان عليه السلام روایت کرده است که ایشان فرمود: امام حسن و امام حسین عليهما السلام

سخت بیمار شدند و سرور فرزندان آدم حضرت محمّد ﷺ به عیادت ایشان رفت و ابوبکر و عمر نیز به عیادتشان رفتند. عمر به حضرت علی علیه السلام عرض کرد: ای اباحسن! بایست تا نذری از برای خداوند واجب کنی که به راستی هر نذری از برای خداوند نباشد، وفایی در انجام آن نخواهد بود. حضرت علی علیه السلام فرمود: اگر خداوند دو فرزند مرا از بیماری سلامت دارد، سه روز پی‌درپی از برای خداوند روزه خواهم گرفت. حضرت فاطمه علیها السلام نیز سخن حضرت علی علیه السلام را باز فرمود. ایشان کنیزی پاکدامان به نام فضّه داشتند که او نیز گفت: اگر خداوند دو سرور مرا از بیماری سلامت دارد، سه روز از برای خداوند روزه خواهم گرفت.

فَلَمَّا عَافَا اللهُ الغُلَامَينِ مِمَّا بِهِمَا انطَلَقَ عَلِيٌّ إِلَى جَارٍ يَهُودِيٍّ يُقَالُ لَهُ: شَمعُونُ بنُ [illegible]ارَا فَقَالَ لَهُ: يَا شَمعُونُ أَعطِنِى ثَلَاثَةَ أَصيعٍ مِن شَعِيرٍ وَجِزَّةً مِن صُوفٍ تَغزِلُهُ لَكَ ابنَةُ مُحَمَّدٍ ﷺ فَأَعطَاهُ اليَهُودِيُّ الشَّعِيرَ وَ الصُّوفَ فَانطَلَقَ إِلَى مَنزِلِ فَاطِمَةَ عليها السلام فَقَالَ لَهَا: يَا بِنتَ رَسُولِ اللهِ كُلِى هَذَا وَ اغزِلِى هَذَا. فَبَاتُوا وَ أَصبَحُوا صِيَامًا فَلَمَّا أَمسُوا قَامَتِ الجَارِيَةُ إِلَى صَاعٍ مِنَ الشَّعِيرِ وَ عَجَنَتهُ وَ خَبَزَت مِنهُ خَمسَةَ أَقرَاصٍ: قُرصُ لِعَلِيٍّ وَ قُرصُ لِفَاطِمَةَ وَ قُرصُ لِلحَسَنِ وَ قُرصُ لِلحُسَينِ وَ قُرصُ لِلجَارِيَةِ، وَ إِنَّ عَلِيًّا صَلَّى مَعَ النَّبِيِّ ﷺ ثُمَّ أَقبَلَ إِلَى مَنزِلِهِ لِيَفطِرَ فَلَمَّا أَن وُضِعَ بَينَ أَيدِيهِم الطَّعَامُ وَ أَرَادُوا أَكلَهُ فَإِذَا سَائِلٌ قَد قَامَ بِالبَابِ فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيكُم يَا أَهلَ بَيتِ مُحَمَّدٍ أَنَا مِسكِينٌ مِن مَسَاكِينِ المُسلِمِينَ أَطعِمُونِى أَطعَمَكُمُ اللهُ مِن مَوَائِدِ الجَنَّةِ. فَأَلقَى عَلِيٌّ وَ أَلقَى القَومُ مِن أَيدِيهِمُ الطَّعَامَ وَ أَنشَأَ عَلِيُّ بنُ أَبِى طَالِبٍ هَذِهِ الأَبيَاتَ:

فَاطِمُ ذَاتَ الوُدِّ وَ اليَقِينِ ... يَا بِنتَ خَيرِ النَّاسِ أَجمَعِينَ

أَمَا تَرَينَ البَائِسَ المِسكِينَ ... قَد جَاءَ بِالبَابِ لَهُ حَنِينٌ

يَشكُو إِلَى اللهِ وَ يَستَكِينُ ... يَشكُو إِلَينَا جَائِعٌ حَزِينٌ

كُلُّ امرِىءٍ بِكَسبِهِ رَهِينٌ ... مَن يَفعَلِ الخَيرَ يَقِف سَمِينٌ

وَ يَدخُلُ الجَنَّةَ آمِنِينَ ... حُرِّمَتِ الجَنَّةُ عَلَى الضَّنِينِ

يَهوِى مِنَ النَّارِ إِلَى سِجِّينٍ ... وَ يَخرُجُ مِنهَا إِن خَرَجَ بَعدَ حِينٍ

چون خداوند آن دو پسر ﷺ را از آن بیماری سلامت داشت، حضرت علی ﷺ نزد همسایهٔ یهودی خود که شمعون‌بن حارا نام داشت، رفت و به او فرمود: ای شمعون! سه صاع جو به من بده و قدری پشم نیز بده تا در ازای آن دختر حضرت محمّد ﷺ آن را برایت بریسد. آن یهودی جو و پشم به ایشان داد و حضرت ﷺ به سوی خانهٔ فاطمه ﷺ به راه افتاد و به ایشان فرمود: ای دختر رسول خدا ﷺ! از این خوراک ساز و این را بریس. این چنین شب را گذراندند و صبح را روزه گرفتند و چون شب شد، کنیز صاعی از آن جو را برداشت و خمیر کرد و از آن پنج قرص نان پخت؛ قرصی برای حضرت علی ﷺ و قرصی برای حضرت فاطمه ﷺ و قرصی برای امام حسن و قرصی برای امام حسین ﷺ و قرصی برای خود. حضرت علی ﷺ با پیامبر ﷺ نماز گزارد و سپس رو سوی خانهٔ خود گذاشت تا افطار کند. چون آن طعام پیش روی ایشان نهاده شد و خواستند آن را بخورند، ناگاه گدایی بر در رسید و عرض کرد: سلام بر شما ای اهل بیت محمّد ﷺ! من تهیدستی از تهیدستان مسلمان هستم؛ مرا طعامی دهید که خداوند از سفره‌های بهشتی طعامتان دهد. در آن دم حضرت علی ﷺ طعام از دهان برگرفت و آن گروه نیز چنین کردند و حضرت علی ﷺ چنین سرود:

ای فاطمه‌ای دارنده مهربانی و یقین
ای دختر برترینِ تمامی مردمان
آیا این بی‌نوای تهیدست را می‌بینی
که اندوهگین بر در آمده است
به درگاه خدا نالان است و کمک می‌خواهد
و سوی ما گرسنه و غمگین ناله می‌کند
هر که در گرو دستاورد خویش است
هر که کاری نیک کند، بهره‌مند به پا خواهد شد

و در امــــان بـــه بـــهشت راه مـــی‌یابد

چـــه بـــهشت بـــر بـــخیل حـــرام شـــده است

بخیل از آتش سـوی سـجین واژگـون مـی‌شود

وگـــر بـــرون آیـــد ایـن بسـا بـه درازا کشـد

قَالَ: فَأَنشَأَت فَاطِمَةُ عليها السلام وَ هِیَ تَقُولُ:

أَمرُكَ يَا ابنَ العَمِّ سَمعٌ طَاعَةٌ — مَا بِی مِن لُومٍ وَ لَا ضَرَاعَةٌ

أَمطِ عَنِّیَ اللُّومَ وَ الرَّقَاعَةَ — غُذِّيتُ بِالبِرِّ لَهُ صَنَاعَة

إِنِّی سَأُعطِيهِ وَ لَا أُنهِيهِ سَاعَةً — أَرجُو إِن أَطعَمتُ مِن مَجَاعَةٍ

أَن أَلحَقَّ الأَخيَارَ وَ الجَمَاعَةَ — وَ أَدخُلَ الجَنَّةَ لِی شَفَاعَةٌ

فَأَعطُوهُ طَعَامَهُم وَ بَاتُوا عَلَى صَومِهِم لَم يَذُوقُوا إِلَّا المَاءَ، فَلَمَّا أَمسُوا قَامَتِ الجَارِيَةُ إِلَى الصَّاعِ الثَّانِی فَعَجَنَتهُ وَ خَبَزَت مِنهُ أَقرَاصَ وَ إِنَّ عَلِيًّا صَلَّى مَعَ النَّبِیِّ صلى الله عليه وآله ثُمَّ أَقبَلَ إِلَى مَنزِلِهِ لِيَفطِرَ فَلَمَّا وُضِعَ بَينَ أَيدِيهِمُ الطَّعَامُ وَ أَرَادُوا أَكلَهُ إِذَا يَتِيمٌ قَد قَامَ بِالبَابِ فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيكُم يَا أَهلَ بَيتِ مُحَمَّدٍ أَنَا يَتِيمٌ مِن يَتَامَى المُسلِمِينَ أَطعِمُونِی أَطعَمَكُمُ اللهُ مِن مَوَائِدِ الجَنَّةِ. قَالَ: فَأَلقَى عَلِیٌّ وَ أَلقَى القَومُ مِن بَينِ أَيدِيهِمُ الطَّعَامَ وَ أَنشَأَ عَلِیُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ عليه السلام وَ هُوَ يَقُولُ:

فَاطِمُ بِنتَ السَّيِّدِ الكَرِيمِ — بِنتَ نَبِیٍّ لَيسَ بِالزَّنِيمِ

قَد جَاءَنَا اللهُ بِذِی اليَتِيمِ — وَ مَن يُسَلِّم فَهُوَ السَّلِيمُ

حُرِّمَتِ الجَنَّةُ عَلَى اللَّئِيمِ — لَا يَجُوزُ عَلَى الصِّرَاطِ المُستَقِيمِ

طَعَامُهُ الضَّرِيعُ فِی الجَحِيمِ — فَصَاحِبُ البُخلِ يَقِفُ ذَمِيمُ

و حضرت فاطمه عليها السلام چنین سرود:

ای عـموزاده فـرمانت را بـه گـوش جـان پـذیرم

چـــه هـیچ پسـتی و فـرومایگی در مـن نـیست

پســـتی و تـــنگ‌نظری از مـــن بـــه دور است

کـه مـن از نـیکی و نـیک‌کاری پـروار شـده‌ام

به او خواهم بخشید و دمی از او دریـغ نـمی‌دارم
و امید دارم که اگر در گرسنگی کسی را اطعام کنم
بـــه خـــوبان و جـــمع نـیکان بـپیوندم
و در حالی که صاحب شفاعتم به بـهشت راه یـابم

این‌چنین ایشان آن تهیدست را طعام دادند و خود با روزه شب را گذراندند و هیچ جز آب نچشیدند و چون شام دیگر فرا رسید، کنیز برخاست و صاعی دیگر از آن جو را برداشت و خمیر کرد و چند قرصی نان از آن پخت. حضرت علی ﷺ با پیامبر ﷺ نماز گزارد و سپس رو سوی خانه خود گذاشت تا افطار کند. چون آن طعام پیش روی ایشان نهاده شد و خواستند آن را بخورند ناگاه یتیمی بر در رسید و عرض کرد: سلام بر شما اهل اهل بیت محمّد ﷺ! من یتیمی از یتیمان مسلمان هستم، مرا طعامی دهید که خداوند از سفره‌های بهشتی طعامتان دهد. در آن دم حضرت علی ﷺ طعام از دهان برگرفت و آن گروه نیز چنین کردند و حضرت علی ﷺ چنین سرود:

ای فـــاطمه ای دخـــتر ســرور کــریم
ای دختر پیامبری که هـرگز تـنگ‌نظر نـبود
خـــداونـد ایـن یـتیم را نـزد مـا فـرستاده
و هر که تسلیم او شود به سلامت خواهد بود
بـــهشت بـر انسـان فـرومایه حـرام شـده
و او بــــــر راه راست ره نـــمی‌یابد
خوراکش در دوزخ عذابناک خـواهـد بـود
و انسان بخیل نکوهیده بر پـا خـواهـد شـد

قَالَ: فَأَنشَأَت فَاطِمَةُ ﷺ وَ هِيَ تَقُولُ هَذِهِ الأَبيَاتِ:

إِنِّـــي سَـــأُعطِيهِ وَلَا أُبَـــالِي وَ أُوثِـــرُ اللهَ عَـــلَى عِـيَالِي

وَاقضِ هٰذَا الغَزَلِ فِی الأَغـزَالِ | أَرجُو بِـذَاكَ الفَـوزَ فِـی المَآلِ
أَن يَـقبَلَ اللهُ وَ يَـنمِی مَآلِـی | وَ يَکـفِنِی هَـمِّی فِـی أَطـفَالِ
أَمسَـوا جِـيَاعًا وَ هُـم أَشـبَالُ | أَکـرَمُهُم عَـلِیَّ فِـی العِـيَالِ
بِکَـربَلَاءَ يُـقتَلُ إِقـتِتَالِ | وَ لِمَن قَـتَلَهُ الوَيـلُ وَ الوَبَـالُ
کَبُولُه فَارَت عَلَی الأَکبَالِ

و حضرت فاطمه علیها السلام چنین سرود:

من به او خواهم بخشید و هیچ درنگی در این ندارم
و خداوند را بر خانواده‌ام ترجیح می‌دهم
این غزل را در شمار غزل‌هایی بگذار
که با آن به رستگاری در قیامت امید دارم
باشد که خداوند بپذیرد و آرزویم را برآورد
و دغدغه مرا در امر کودکانم کفایت کند
چون شیرانند ولی شب را گرسنه گذراندند
که ارجمندترینشان بر من در این خانواده
در کربلا به سختی به شهادت می‌رسد
که عذاب و درد از برای قاتلش خواهد بود
و غل و زنجیرش از همه سخت‌تر خواهد بود

قَالَ: فَأَعطَوا طَعَامَهُم وَ بَاتُوا عَلَی صَومِهِم وَ لَم يَذُوقُوا إِلَّا المَاءَ وَ أَصبَحُوا صِيَامًا فَلَمَّا أَمسُوا قَامَتِ الجَارِيَةُ إِلَی الصَّاعِ الثَّالِثِ فَعَجَنَتهُ وَ خَبَزَت مِنهُ خَمسَةَ أَقرَاصٍ وَ إِنَّ عَلِيًّا صَلَّی مَعَ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله ثُمَّ أَقبَلَ إِلَی مَنزِلِهِ يُرِيدُ أَن يَفطِرَ فَلَمَّا وُضِعَ بَينَ أَيدِيهِمُ الطَّعَامُ وَ أَرَادُوا أَکلَهُ فَإِذَا أَسِيرُ کَافِرُ قَد قَامَ بِالبَابِ فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيکُم يَا أَهلَ بَيتِ مُحَمَّدٍ وَ اللهِ مَا أَنصَفتُمُونَا مِن أَنفُسِکُم تَأسِرُونَا وَ تُقَيِّدُونَا وَ لَا تُطعِمُونَا أَطعِمُونِی فَإِنِّی أَسِيرُ مُحَمَّدٍ. فَأَلقَی عَلِیٌّ وَ أَلقَی القَومُ مِن أَيدِيهِمُ الطَّعَامَ فَأَنشَأَ عَلِیُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام

هَذِهِ الأَبيَاتِ وَ هُوَ يَقُولُ:

يَا فَاطِمَةُ حَبِيبَتِي وَ بِنتُ أَحمَدَ	يَا بِنتَ مَن سَمَّاهُ اللهُ فَهُوَ مُحَمَّدُ
قَد زَانَهُ اللهُ بِخَلقٍ أَغيدُ	قَد جَاءَنَا اللهُ بِذِی المُقَيَّدِ
بِالقَيدِ مَأسُورٌ فَلَيسَ يَهتَدِی	مَن يُطعِمُ اليَومَ يَجِدهُ فِی غَدٍ
عِندَ الإلَهِ الوَاحِدِ المُوَحَّدِ	وَ مَا زَرَعَهُ الزَّارِعُونَ يُحصَدُ
أَعطِيهِ وَ لَا تَجعَلِيهِ أَنكَدُ	ثُمَّ اطلُبِی خَزَائِنَ الَّتِی لَم تَنفَدُ

این شد که طعام خود بازبخشیدند و بر روزهٔ خویش شب را گذراندند و هیچ جز آب نچشیدند و صبح را روزه گرفتند و چون شب شد، کنیز برخاست و صاع سوم از آن جو را برداشت و خمیر کرد و از آن پنج قرص نان پخت. حضرت علی ﷺ با پیامبر ﷺ نماز گزارد و سپس رو به سوی خانه خود گذاشت و خواست تا افطار کند. چون آن طعام پیش روی ایشان نهاده شد و خواستند آن را بخورند، ناگاه اسیری بر در رسید و عرض کرد: سلام بر شما ای اهل بیت محمّد ﷺ! به خدا سوگند در حق ما انصاف روا نداشتید! ما را اسیر می‌کنید و در بند می‌کنید و طعامی به ما نمی‌دهید؟ مرا طعامی دهید که من اسیر محمّد ﷺ هستم. حضرت علی ﷺ طعام از دهان برگرفت و آن گروه نیز چنین کردند و حضرت علی ﷺ این ابیات را سرود:

ای فاطمه ای محبوب من ای دختر احمد

ای دخت محمّدی که خدا این نام بر او نهاد

و او را به خُلقی کریمانه آراست

خداوند کسی را در بند نزد ما فرستاده است

در بند اسیر گشته و این‌چنین ره نیافته

هر که امروز اطعامش کند این فردا نجاتش دهد

به نزد خداوند یکتای یگانه

هر آنچه زارعان بکارند همان برخواهند داشت

بــــه او بــــبخش و هــیچ در مــنتش مگــذار

سپس گنجینه‌هایی را بخواه که هیچ پایان نمی‌پذیرد

قَالَ: فَأَنشَأَت فَاطِمَةُ عليها السلام وَ هِيَ تَقُولُ:

يَا ابنَ عَمٍّ لَم يَبقَ إِلَّا صَاعٌ — قَد دَبِرَتِ الكَفُّ مَعَ الذِّرَاعِ

إِبــنَيَّ وَاللهِ هُــمَا جِــيَاعٌ — يَا رَبِّ لَا تَترُكهُمَا ضَيَاعٌ

أَبُــو هُمَا لِلخَيرِ صَنَّاعٌ — قَد يَصنَعُ الخَيرَ بِابتِدَاعٍ

عَبلُ الذِّرَاعَينِ شَدِيدُ البَاعِ — وَ مَا عَلَى رَأسِي مِن قِنَاعٍ

إِلَّا قِنَاعٌ نَسجَهُ نُسَاعٌ

قَالَ: فَأَعطَوهُ طَعَامَهُم وَ بَاتُوا عَلَى صَومِهِم وَ لَم يَذُوقُوا إِلَّا المَاءَ فَأَصبَحُوا وَ قَد قَضَى اللهُ عَلَيهِم نَذرَهُم وَ إِنَّ عَلِيًّا عليه السلام أَخَذَ بِيَدِ الغُلَامَينِ وَ هُمَا كَالفَرخَينِ لَا رِيشَ لَهُمَا يَتَرَجَّجَانَ مِنَ الجُوعِ فَانطَلَقَ بِهِمَا إِلَى مَنزِلِ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله فَلَمَّا نَظَرَ اِلَيهِمَا رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه و آله إِغرَورَقَت عَينَاهُ بِالدُّمُوعِ وَ أَخَذَ بِيَدِ الغُلَامَينِ فَانطَلَقَ بِهَا إِلَى مَنزِلِ فَاطِمَةَ عليها السلام فَلَمَّا نَظَرَ إِلَيهَا رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه و آله وَ قَد تَغَيَّرَ لَونُهَا وَ إِذَا بَطنُهَا لَاصِقٌ بِظَهرِهَا انكَبَّ عَلَيهَا يُقَبِّلُ بَينَ عَينَيهَا، وَنَادَتهُ بَاكِيَةً: وَا غَوثَاهُ بِاللهِ ثُمَّ بِكَ يَا رَسُولَ اللهِ مِنَ الجَوعِ.

و حضرت فاطمه عليها السلام چنین سرود:

ای عــموزاده تــنها یک صــاع بــاقی مــانده

حال آن‌کــه ســراســر دست مــا خــالی شــده

به خدا سوگند کــه پســران مــن گــرسنه‌انــد

پــروردگارا آن دو را گــمگشته رهــا مکــن

که پدرشان بسیار دست در کار نــیک دارد

و همواره در نیکوکاری پیش‌قدم بوده است

بازوانــی قــدرتمند و دهشــی بســیار دارد

حال آن‌که بر سر مــن جــز پــوششی نــیست

این شد که طعام خود را به او بخشیدند و بر روزهٔ خویش شب را گذراندند و هیچ جز آب نچشیدند و چون صبح شد و نذر خویش به خداوند ادا کردند، حضرت علی ﷺ دست دو پسر خود را گرفت و آنان را که چون جوجه‌هایی که از گرسنگی لرزان بودند، به سوی خانهٔ پیامبر ﷺ رهسپار کرد. چون رسول خدا ﷺ به آن دو نگریست، چشمانش غرق در اشک شد و دست آن دو پسر را گرفت و سوی خانهٔ حضرت فاطمه ﷺ رهسپارشان کرد. چون چشم رسول خدا ﷺ به آن بانو افتاد و دید که رنگ رخسارش دگرگون شده و شکمش به کمرش چسبیده، سوی او شتافت و میان دیدگانش را بوسید و در آن دم حضرت فاطمه ﷺ گریه کنان ندا سر داد، خداوندا! به فریادمان برس و ای رسول خدا به فریادمان برس که بسیار گرسنه‌ایم.

قَالَ: فَرَفَعَ رَأسَهُ إِلَى السَّمَاءِ وَ هُوَ يَقُولُ: اللَّهُمَّ أَشبِع آلَ مُحَمَّدٍ. فَهَبَطَ جَبرَئِيلُ ﷺ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ اقرَء. قَالَ: وَ مَا أَقرَءُ؟ قَالَ: إِقرَء ﴿ **إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا * عَيْنًا يَشْرَبُ** ﴾ إِلَى آخِرِ ثَلَاثِ آيَاتٍ.

ثُمَّ إِنَّ عَلِيًّا ﷺ مَضَى مِن فَورِ ذَلِكَ حَتَّى أَتَى أَبَا جَبَلَةَ الانصَارِيَّ فَقَالَ لَهُ: يَا أَبَا جَبَلَةَ هَل مِن قَرضِ دِينَارٍ؟ قَالَ: نَعَم يَا أَبَا الحَسَنِ أُشهِدُ اللهَ وَ مَلَائِكَتَهُ أَنَّ أَكثَرَ مَالِي لَكَ حَلَالٌ مِنَ اللهِ وَ مِن رَسُولِهِ، قَالَ: لَا حَاجَةَ لِي فِي شَيءٍ مِن ذَلِكَ إِن يَكُ قَرضًا قَبِلتُهُ. قَالَ: فَرَفَعَ إِلَيهِ دِينَارًا.

وَ مَرَّ عَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ يَتَخَرَّقُ أَزِقَّةَ المَدِينَةِ لِيَبتَاعَ بِالدِّينَارِ طَعَامًا فَإِذَا هُوَ بِمِقدَادِ بنِ الأَسوَدِ الكِندِيِّ قَاعِدٌ عَلَى الطَّرِيقِ فَدَنَا مِنهُ وَ سَلَّمَ عَلَيهِ وَ قَالَ: يَا مِقدَادُ مَالِي أَرَاكَ فِي هَذَا المَوضِعِ كَئِيبًا حَزِينًا؟! فَقَالَ: أَقُولُ كَمَا قَالَ العَبدُ الصَّالِحُ مُوسَى بنُ عِمرَانَ ﷺ: ﴿ **رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ** ﴾. قَالَ: وَ مُنذُ كَم يَا مِقدَادُ؟ قَالَ: هَذَا أَربَعٌ فَرَجَعَ عَلِيٌّ مَلِيًّا ثُمَّ قَالَ: اللهُ أَكبَرُ أَكبَرُ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ مُنذُ ثَلَاثٍ وَ أَنتَ يَا مِقدَادُ مُذ أَربَعَ أَنتَ أَحَقُّ بِالدِّينَارِ مِنِّي. قَالَ: فَدَفَعَ إِلَيهِ الدِّينَارَ.

آن‌گاه رسول خدا ﷺ سر سوی آسمان برآورد و فرمود: خداوندا خاندان محمّد را سیر فرما. در آن دم جبرئیل فرود آمد و عرض کرد: ای محمّد! بخوان. فرمود: چه بخوانم؟ عرض کرد: بخوان که «بی‌تردید نیکوکاران از جامی می‌نوشند که [شرابش] آمیخته به کافور است» تا پایان سه آیه. در آن اوان حضرت علی ؑ بیرون شتافت و نزد ابا جبله انصاری رفت و فرمود: ای ابا جبله! آیا دیناری به من قرض می‌دهی؟ عرض کرد: بله ای ابا حسن. خدا و فرشتگانش را گواه می‌گیرم که بیشتر دارایی من از سوی خدا و از سوی رسول او بر تو حلال است. فرمود: نیازی به چیزی از آن ندارم، اگر قرض باشد، می‌پذیرم. او نیز دیناری به وی قرض داد. حضرت علی ؑ به راه افتاد و کوچه‌های مدینه را پشت سر می‌گذاشت تا دیناری طعام بخرد که ناگاه با مقدادبن اسود کندی که در راه نشسته بود، رویارو شد. نزدیک شد و به او سلام کرد و فرمود: ای مقداد! چه شده که افسرده و غمگین اینجا نشسته‌ای؟ عرض کرد: سخن من همان سخن بندهٔ نیکوکار خداوند موسی‌بن عمران است: «پروردگارا! من به هر آن‌چه از خیر بر من فرو فرستی نیازمندم.» فرمود: چند روز است که در این تنگنایی؟ عرض کرد: این چهارمین روز است. آن‌گاه حضرت علی ؑ غمگین شد و فرمود: الله اکبر، خاندان محمّد ﷺ سه روز است که در تنگنایند و تو ای مقداد چهار روز است که این چنینی؟ تو از من بر این دینار سزاوارتری. این شد که حضرت علی ؑ آن دینار را به مقداد بخشید.

وَ مَضَى حَتَّى دَخَلَ عَلَى رَسُولِ اللهِ ﷺ فِي مَسجِدِهِ فَلَمَّا انفَتَلَ رَسُولُ اللهِ ﷺ ضَرَبَ بِيَدِهِ إِلَى كِتفِهِ ثُمَّ قَالَ: يَا عَلِيُّ انهَض بِنَا إِلَى مَنزِلِكَ لَعَلَّنَا نُصِيبُ بِهِ طَعَامًا فَقَد بَلَغَنَا أَخذُكَ الدِّينَارَ مِن أَبِي جَبلَةَ. قَالَ: فَمَضَى وَ عَلِيٌّ يَستَحيِي مِن رَسُولِ اللهِ ﷺ رَابِطَ عَلَى بَطنِهِ حَجَرًا مِنَ الجُوعِ حَتَّى قَرَعَا عَلَى فَاطِمَةَ البَابَ فَلَمَّا نَظَرَت فَاطِمَةُ ؑ إِلَى رَسُولِ اللهِ ﷺ وَ قَد أَثَّرَ الجُوعُ فِي وَجهِهِ وَلَّت هَارِبَةً قَالَت: وَاسَوأَتَاهُ مِنَ اللهِ وَ مِن رَسُولِهِ كَأَنَّ أَبَا الحَسَنِ مَا عَلِمَ أَنَّ عِندَنَا مُذ ثَلَاثٍ.

ثُمَّ دَخَلَ مُخدِعًا لَها فَصلَّت رَكعَتَينِ ثُمَّ نادَت: یا إلَه مُحَمَّدٍ هَذا مُحَمَّدٌ نَبیُّكَ وَ فاطِمَةُ بِنتُ نَبیِّكَ وَ عَلِیٌّ خَتنُ نَبیِّكَ وَ ابنُ عَمِّهِ وَ هَذانِ الحَسَنُ وَ الحُسَینُ سِبطَی نَبیِّكَ، اللَّهُمَّ فَإنَّ بَنِی إسرائِیلَ سَأَلوكَ أن تُنَزِّلَ عَلَیهِم مائِدَةً مِنَ السَّماءِ فَأنزَلتَها عَلَیهِم وَ كَفَروا بِها، اللَّهُمَّ فَإنَّ آلَ مُحَمَّدٍ لا یَكفُروا بِها.

باز حضرت به راه افتاد و در مسجد رسول خدا ﷺ نزد ایشان رسید. چون رسول خدا ﷺ او را دید، دستی بر دوشش زد و فرمود: ای علی! برخیز تا با هم به خانه‌ات برویم، امید است که آنجا طعامی نصیب ما شود. شنیدم که دیناری از ابی‌جبله گرفته‌ای. حضرت علی ﷺ که از شرم رسول خدا ﷺ از گرسنگی سنگی بر شکم خود بسته بود، با ایشان راهی شد و بر در خانهٔ حضرت فاطمه ﷺ رسیدند و در زدند. چون حضرت فاطمه ﷺ رسول خدا ﷺ را دید، از آنجا که گرسنگی در چهره‌اش آشکار شده بود، گریزان رو گرداند و فرمود: شرم از خدا و از رسولش! گویا اباحسن نمی‌داند که سه روز است ما چگونه‌ایم! رسول خدا ﷺ از این کار دم بر نیاورد و وارد شد و دو رکعت نماز گزارد و سپس ندا سرداد: ای خدای محمّد! این محمّد پیامبر تو و فاطمه دختر پیامبر تو و علی داماد پیامبر تو و پسرعموی او و این دو حسن و حسین دو نوهٔ پیامبر تو هستند. خداوندا! بنی‌اسرائیل از تو خواستند که از آسمان سفره‌ای برایشان فرود آوری و تو چنین کردی حال آن‌که آنان به آن کفر ورزیدند. اما خاندان محمّد هرگز چنین کفر نمی‌ورزند.

ثُمَّ التَفَتَت مُسلِمَةُ فَإذا هِیَ بِصَحفَةٍ مَملُوَّةٍ ثَریدٌ وَ مَرقٌ فَاحتَمَلَتها وَ وَضَعَتها بَینَ یَدَیِ رَسولِ اللهِ ﷺ فَأهوَی بِیَدِهِ إلَی الصَّحفَةِ فَسَبَّحَت الصَّحفَةُ وَ الثَّریدُ وَ المَرقُ فَتَلا النَّبیُّ ﷺ: ﴿وَ إنْ مِنْ شَیْءٍ إلاّ یُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ[1]﴾ ثُمَّ قالَ: كُلوا مِن جَوانِبِ القَصعَةِ وَ لا تُهَدِّموا صُومِعَتَها فَإنَّ فیها البَرَكَةَ.

---

۱. الاسراء، ۴۴

فَأَكَلَ النَّبِيُّ ﷺ وَ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الحَسَنُ وَ الحُسَينُ ﷺ وَ النَّبِيُّ يأكُلُ وَ يَنظُرُ إِلَى عَلِيٍّ مُتَبَسِّمًا وَ عَلِيٌّ يَأكُلُ وَ يَنظُرُ إِلَى فَاطِمَةَ مُتعَجِّبًا فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ ﷺ: كُل يَا عَلِيُّ وَ لَا تَسأَل فَاطِمَةَ عَن شَيءٍ، الحَمدُ لِلّهِ الَّذِي جَعَلَ مَثَلَكَ وَ مَثَلَهَا مَثَل مَريمَ بِنتِ عِمرَانَ وَ زَكَرِيَّا يَا عَلِيُّ هَذَا بِالدِّينَارِ الَّذِي أَقرَضتَهُ لَقَد أَعطَاكَ اللهُ اللَّيلَةَ خَمسَةً وَ عِشرِينَ جُزءًا مِنَ المَعرُوفِ فَأَمَّا جُزءٌ وَاحِدٌ فَجَعَلَ لَكَ فِي دُنيَاكَ أَن أَطعَمَكَ مِن جَنَّتِهِ وَ أَربَعَةٌ وَ عِشرُونَ جُزءًا قَد ذَخَرَهَا لَكَ لِآخِرَتِكَ.

در آن دم فاطمه ﷺ با طبقی آکنده از خوراک و خورش وارد شد و آن را پیش روی رسول خدا ﷺ گذاشت. حضرت دست سوی آن طبق فرود آورد که ناگاه آن طبق و خوراک و خورش تسبیح پروردگار گفتند و پیامبر ﷺ تلاوت فرمود: «و هیچ چیز نیست مگر آن‌که به سپاس و ستایش او تسبیح می‌گوید.» سپس فرمود: از کنار این طبق بخورید و میانش را بر هم نزنید که بسی برکت در آن است. این‌چنین پیامبر ﷺ و حضرت علی و حضرت فاطمه و امام حسن و امام حسین ﷺ شروع به خوردن کردند و پیامبر ﷺ می‌خورد و با لبخندی به حضرت علی ﷺ می‌نگریست و حضرت علی ﷺ می‌خورد و شگفت‌زده به حضرت فاطمه ﷺ می‌نگریست. پیامبر ﷺ به او فرمود: ای علی! بخور و چیزی از فاطمه مپرس. سپاس و ستایش از آنِ خداوندی است که تو و او را همانند مریم دخت عمران و زکریا قرار داد. ای علی! این در ازای دیناری است که تو قرض دادی. خداوند امشب بیست‌وپنج جزء پاداش به تو عطا کرد که یک جزء آن را در دنیایت قرار داد و تو را از بهشت طعام بخشید و بیست‌وچهار جزء آن را برای آخرتت ذخیره کرد.

۴۶۲. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ فِي قَولِهِ تَعَالَى: ﴿وَ يُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا﴾ نَزَلَت فِي عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ أَصبَحَا وَ عِندَهُم ثَلَاثَةُ أَرغِفَةٍ فَأَطعَمُوا مِسكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا فَبَاتُوا جِيَاعًا فَنَزَلَت فِيهِم هَذِهِ الآيَةُ.

ابن عباس گفت: کلام حق تعالی «و طعام را با وجود دوست داشتن آن به بینوا و یتیم و اسیر می‌خورانند» دربارهٔ حضرت علی ﷺ و حضرت فاطمه ﷺ نازل شد در آن هنگام که روز خود را با سه قرص نان آغاز کردند و با آن تهیدست و یتیم و اسیری را اطعام کردند و خود گرسنه شب را گذراندند. از این رو این آیه دربارهٔ ایشان نازل شد.

(سورهٔ دهر، آیهٔ ۳۰)

﴿ وَ مٰا تَشٰاؤُنَ إِلّا أَنْ يَشٰاءَ اللّٰهُ إِنَّ اللّٰهَ كٰانَ عَلِيماً حَكِيماً ﴾

و نمی‌خواهند مگر آن‌چه را خدا خواهد. به راستی خداوند دانای حکیم است.

۴۶۳. عَنِ المُفَضَّلِ بنِ عُمَرَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبدِ اللهِ ﷺ: يَا مُفَضَّلُ إِنَّ اللهَ خَلَقَنَا مِن نُورِهِ وَ خَلَقَ شِيعَتَنَا مِنَّا وَ سَائِرُ الخَلقِ فِي النَّارِ، بِنَا يُطَاعُ اللهُ وَ بِنَا يُعصَى اللهُ. يَا مُفَضَّلُ سَبَقَت عَزِيمَةٌ مِنَ اللهِ أَن لَا يَتَقَبَّلَ مِن أَحَدٍ إِلَّا بِنَا وَ لَا يُعَذِّبُ أَحَدًا إِلَّا بِنَا، فَنَحنُ بَابُ اللهِ وَ حُجَّتُهُ وَ أُمَنَاؤُهُ عَلَى خَلقِهِ وَ خُزَّانُهُ فِي سَمَائِهِ وَ أَرضِهِ، وَ حَلَالُنَا عَنِ اللهِ وَ حَرَامُنَا عَنِ اللهِ، لَا يَحتَجِبُ مِنَ اللهِ إِذَا شِئنَا: ﴿ وَ مٰا تَشٰاؤُنَ إِلاّٰ أَنْ يَشٰاءَ اللّٰهُ ﴾ إِستِثنَاء وَ مِن قَولِهِ إِنَّ اللهَ جَعَلَ قَلبَ وَلِيِّهِ وَكرَ الإِرَادَةِ فَإِذَا شَاءَ اللهُ شِئنَا.

مفضّل بن عمر گفت: امام جعفر صادق ﷺ فرمود: ای مفضّل! خداوند ما را از نور خود و شیعیان ما را از ما آفرید و دیگر آفریدگان در آتش‌اند. خداوند با ما اطاعت می‌شود و با ما نافرمانی می‌شود. ای مفضّل! خواست خداوند پیش پیش چنین مقدر شد که هیچ عملی را از هیچ کس نپذیرد جز به خاطر ما و هیچ کس را در عذاب نیفکند جز به خاطر ما. پس ما باب خدا و حجّت او و امینان او بر آفریدگانش هستیم و ما خزانه‌داران او در آسمان و زمینش هستیم که حرام ما از سوی خدا و حلال ما از سوی اوست. هر گاه چیزی بخواهیم از خداوند پنهان نمی‌ماند؛ چراکه «نمی‌خواهند مگر آن‌چه را خدا خواهد» و این سخن

اوست که خداوند قلب ولی خود را آشیانهٔ ارادهٔ خویش قرار می‌دهد. پس هر گاه خداوند بخواهد، ما می‌خواهیم.

(سورهٔ دهر، آیهٔ ۳۱)

﴿ يُدْخِلُ مَنْ يَشٰاءُ في رَحْمَتِهِ ﴾

هر کس را بخواهد در رحمتش داخل می‌نماید.

۴۶۴. قَالَ: حَدَّثَنَا إِسمَاعِيلُ‌بنُ إِبرَاهِيمَ وَ الحُسَينُ‌بنُ سَعِيدٍ مُعَنعَنًا: عَن جَعفَرِبنِ مُحَمَّدٍ عليهما السلام فِي قَولِهِ تَعَالَى: ﴿ يُدْخِلُ مَنْ يَشٰاءُ في رَحْمَتِهِ ﴾ قَالَ: الرَّحمَةُ عَلِيُّ‌بنُ أَبِي‌طَالِبٍ عليه السلام.

اسماعیل‌بن ابراهیم و حسین‌بن سعید روایت کرده‌اند امام جعفر صادق عليه السلام دربارهٔ این کلام خداوند متعال که «هر کس را بخواهد در رحمتش داخل می‌نماید» فرمود: رحمت، علی بن ابی‌طالب عليه السلام است.

۴۶۵. قَالَ: حَدَّثَنَا جَعفَرُبنُ مُحَمَّدِ الأَودِيُّ مُعَنعَنًا: عَن جَعفَرِبنِ مُحَمَّدٍ عليهما السلام قَولُهُ تَعَالَى: ﴿ يُدْخِلُ مَنْ يَشٰاءُ في رَحْمَتِهِ ﴾ قَالَ أَبُوجَعفَرٍ عليه السلام: وَلَايَةُ عَلِيِّ‌بنِ أَبِي‌طَالِبٍ عليه السلام.

جعفر بن محمّد اودی گفت: امام جعفر صادق عليه السلام دربارهٔ کلام حق تعالی «هر کس را بخواهد در رحمتش داخل می‌نماید» فرمود: یعنی در ولایت علی بن ابی‌طالب عليه السلام.

وَ مِن سُورَةِ المُرسَلَاتِ

(سورهٔ مرسلات، آیهٔ ۴۸)

﴿ وَ إِذٰا قيلَ لَهُمُ ارْكَعُوا لاٰ يَرْكَعُونَ ﴾

و هنگامی که به آنان گفته شود «رکوع کنید» رکوع نمی‌کنند.

۴۶۶. عَن أَبِی حَمزَةَ الثُّمَالِیِّ قَالَ: سَأَلتُ أَبَاجَعفَرٍ عليه السلام فِی قَولِ اللهِ تَعَالَی: ﴿ وَ إِذٰا قيلَ لَهُمُ ارْكَعُوا لاٰ يَرْكَعُونَ ﴾ قَالَ: تَفسِيرُهَا فِی بَاطِنِ القُرآنِ: وَ إِذَا قِيلَ لِلنُّصَّابِ وَ المُكَذِّبِينَ تَوَلُّوا عَلِيًّا لَم يَفعَلُوا لِأَنَّهُم الَّذِينَ سَبَقَ عَلَيهِم فِی عِلمِ اللهِ مِنَ الشِّقَاءِ.

ابی حمزه ثمالی گفت: از امام محمّد باقر عليه السلام دربارهٔ این آیه پرسیدم. ایشان عليه السلام فرمود: تفسیر آن در باطن قرآن است. هنگامی که به ناصبی‌ها و تکذیب کنندگان گفته شود ولایت علی عليه السلام را بپذیرید، نمی‌پذیرند؛ چرا که آنان کسانی‌اند که پیشاپیش در علم خدا نگون‌بختی بر آنان رقم خورده است.

وَ مِن سُورَةِ النَّبأ

(سورهٔ نبأ، آیهٔ ۱ ـ ۳)

﴿ عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ * عَنِ النَّبَإِ الْعَظِيمِ * الَّذي هُمْ فيهِ مُخْتَلِفُونَ ﴾

از چه چیز از یکدیگر سؤال می‌کنند؟ از آن خبر بزرگ. همان که آنان در آن اختلاف دارند.

۴۶۷. عَن أَبی حَمزَةَ الثُمالیِّ قالَ: سَألتُ أَبا جعفرٍ عليه‌السلام عَن قولِ اللهِ تَعالَی: ﴿ عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ * عَنِ النَّبَإِ الْعَظِيمِ * الَّذي هُمْ فيهِ مُخْتَلِفُونَ ﴾ فَقالَ: كانَ عَلِیُّ بنُ أَبی طالِبٍ عليه‌السلام يَقولُ لِأَصحابِهِ: أَنا وَاللهِ النَّبأُ العَظِيمُ الَّذی اختَلَفَ فِیَّ جَمِيعُ الأُمَمِ بِأَلسِنَتِها، وَاللهِ ما لِلّهِ نَبَأٌ أَعظَمُ مِنِّی وَ لا لِلّهِ آيَةٌ أَعظَمُ مِنِّی.

ابی حمزه ثمالی گفت: از امام محمّد باقر عليه‌السلام دربارهٔ این آیات پرسیدم. امام فرمود: علی بن ابی‌طالب عليه‌السلام به یارانش می‌فرمود: به خدا سوگند منم آن خبر بزرگی که همهٔ امّت‌ها با زبان خودشان در مورد آن اختلاف کردند و به خدا سوگند خداوند هیچ خبر و هیچ نشانه‌ای بزرگ‌تر از من ندارد.

(سورهٔ نبأ، آیهٔ ۳۸)

﴿ يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَ الْمَلاٰئِكَةُ صَفًّا لاٰ يَتَكَلَّمُونَ إِلاّٰ مَنْ أَذِنَ لَهُ

الرَّحْمٰنُ وَ قٰالَ صَوٰابًا ﴾

روزی که روح و فرشتگان صف زده به پا خیزند [و] سخن نمی‌گویند مگر کسی که [خدای] رحمان به او اجازه دهد و [او] سخنی درست گوید.

۴۶۸. عَن أَبِی الجَارُودِ قَالَ: قَالَ أَبُو جعفرٍ ؈ فِی قَولِهِ تَعالَی: ﴿ **يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَ الْمَلاٰئِكَةُ صَفًّا لاٰ يَتَكَلَّمُونَ إِلاّٰ مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمٰنُ وَ قٰالَ صَوٰابًا** ﴾ قَالَ: إِذَا كَانَ يَومُ القِيَامَةِ خُطِفَ قَولُ ﴿ **لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ** ﴾ مِن قُلُوبِ العِبَادِ فِی المَوقِفِ إِلَّا مَن أَقَرَّ بِوَلَايَةِ عَلِیِّ بنِ أَبِی طالِبٍ ؈ وَ هُوَ قَولُهُ: ﴿ **إِلاّٰ مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمٰنُ** ﴾ مِن أَهلِ وَلَايَةِ عَلِیٍّ فَهُمُ الَّذِینَ یُؤذَنُ لَهُم بِقَولِ ﴿ **لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ** ﴾.

ابی جارود گفت: امام محمّد باقر ؈ دربارهٔ این آیه فرمود: هنگامی که روز قیامت برپا گردد، سخن «لا اله الّا الله» از دل‌های بندگان در موقف فراموش شود، جز از دل کسانی که به ولایت علی بن ابی‌طالب ؈ اقرار کرده باشند و این است معنای سخن خداوند: «مگر کسی که [خدای] رحمان به او اجازه دهد». یعنی از اهل ولایت علی ؈، ایشان هستند که به آن‌ها اجازه داده می‌شود بگویند «لا اِله الّا الله».

۴۶۹. عَن أَبِی حَمزَةَ الثُّمَالِیِّ قَالَ: دَخَلتُ عَلَی مُحَمَّدِبنِ عَلِیٍّ ؈ وَ قُلتُ: یَا ابنَ رَسُولِ اللهِ حَدِّثنِی بِحَدِیثٍ یَنفَعُنِی. قَالَ: یَا أَبَا حَمزَةَ کُلُّ یَدخُلُ الجَنَّةَ إِلَّا مَن أَبَی. قَالَ: قُلتُ: یَا ابنَ رَسُولِ اللهِ أَحَدٌ یَأبَی أَن یَدخُلَ الجَنَّةَ؟ قَالَ: نَعَم. قُلتُ: مَن؟ قَالَ: مَن لَم یَقُل: لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ. قَالَ: قُلتُ: یَا ابنَ رَسُولِ اللهِ حَسِبتُ أَن لَا أَروِی هَذَا الحَدِیثَ عَنكَ. قَالَ: وَ لِمَ؟ قُلتُ: إِنِّی تَرَکتُ المُرجِئَةَ وَ القَدَرِیَّةَ وَ الحَرُورِیَّةَ وَ بَنِی‌أُمَیَّةَ یَقُولُونَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ. فَقَالَ: أَیهَاتَ أَیهَاتَ إِذَا کَانَ یَومُ القِیَامَةِ سَلَبَهُمُ اللهُ إِیَّاهَا لَا یَقُولُهَا إِلَّا نَحنُ وَ شِیعَتُنَا وَ البَاقُونَ مِنهَا بِرَاءٌ أَ مَا سَمِعتَ اللهَ یَقُولُ: ﴿ **يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَ الْمَلاٰئِكَةُ صَفًّا لاٰ يَتَكَلَّمُونَ إِلاّٰ مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمٰنُ وَ قٰالَ صَوٰابًا** ﴾ قَالَ: مَن قَالَ لَا اِلَهَ إِلَّا اللهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ.

ابوحمزه ثمالی گفت: خدمت امام محمّد باقر علیه السلام رسیدم و عرض کردم: ای پسر رسول خدا! حدیثی برایم بفرما تا مرا سود رساند. امام فرمود: ای اباحمزه! همه در بهشت وارد می‌شوند مگر کسانی که خودشان ابا داشته باشند. عرض کردم: ای پسر رسول خدا! آیا می‌شود کسی از رفتن به بهشت ابا کند؟ فرمود: آری. عرض کردم: چه کسانی؟ فرمود: هر کس «لا اله الّا الله و محمّد رسول الله» را نگوید. عرض کردم: ای پسر رسول خدا! گمان کنم که نباید این حدیث را از شما نقل کنم. فرمود: چرا؟ عرض کردم: من دیدم که مرجئه و قدریّه و حروریّه و بنی‌امیّه می‌گفتند «لا اله الّا الله محمّد رسول الله». فرمود: هیهات! هیهات! هنگامی که قیامت فرارسد خداوند شهادتین را از آن‌ها سلب می‌کند و تنها ما و شیعیان ما شهادتین را می‌گویند و دیگران از آن به دور می‌مانند. آیا نشنیده‌ای که خداوند می‌فرماید: «روزی که روح و فرشتگان صف زده به پا خیزند [و] سخن نمی‌گویند مگر کسی که [خدای] رحمان به او اجازه دهد و [او] سخنی درست گوید.» یعنی هر کس بگوید «لا اله الّا الله، محمّد رسول الله».

وَ مِن سُورَةِ النّازِعاتِ

(سورهٔ نازعات، آیهٔ ۶ ـ ۷)

﴿ يَوْمَ تَرْجُفُ الرّاجِفَةُ * تَتْبَعُهَا الرّادِفَةُ ﴾

روزی که لرزاننده بلرزاند. و به دنبال آن لرزانندهٔ دیگری درآید.

۴۷۰. أَبُوالقَاسِمُ العَلَوِيُّ مُعَنعَنًا: عَن أَبِی عَبدِ اللهِ علیه السلام **﴿ يَوْمَ تَرْجُفُ الرّاجِفَةُ * تَتْبَعُهَا الرّادِفَةُ ﴾**: الرّاجِفَةُ الحُسَينُ بنُ عَلِيٍّ وَ الرّادِفَةُ عَلِيُّ بنُ أَبِی طالِبٍ علیهما السلام وَ هُوَ أَوَّلُ مَن يَنفُضُ رَأسَهُ مِنَ التُّرَابِ الحُسَينُ بنُ عَلِيٍّ فِی خَمسَةٍ وَ تِسعِينَ أَلفًا وَ هُوَ قَولُ اللهِ: **﴿ إِنّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَياةِ الدُّنْيا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهادُ * يَوْمَ لا يَنْفَعُ الظّالِمِينَ مَعْذِرَتُهُمْ وَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدّارِ**[1] **﴾**.

ابوالقاسم علوی روایت کرده است: امام جعفر صادق علیه السلام دربارهٔ این آیات فرمود: لرزاننده، حسین‌بن علی علیه السلام و لرزانندهٔ دیگری که به دنبال آن می‌آید، علی بن ابی‌طالب علیه السلام است و حسین‌بن علی علیه السلام نخستین کسی است که خاک مزار از سر می‌زداید و در میان نودوپنج هزار تن برانگیخته می‌شوند. چنان‌که خداوند می‌فرماید: «به راستی ما فرستادگانمان و کسانی را که ایمان آورده‌اند

---

۱. غافر، ۵۲-۵۱

در زندگی دنیا روزی که گواهان [برای گواهی] بر پای ایستند یاری مـی‌کنیم. روزی که ستمکاران را عذرخواهی‌شان سود ندهد و برای آنان لعـنت است و بدی آن سرای.»

وَ مِن سُورَةِ عَبَسَ

(سورهٔ عبس، آیهٔ ۳۴ ـ ۳۶)

﴿ يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخيهِ * وَ أُمِّهِ وَ أَبيهِ * وَ صٰاحِبَتِهِ وَ بَنيهِ ﴾

روزی که آدمی از برادرش می‌گریزد. و از مادر و پدرش. و از همسر و پسرانش.

۴۷۱. عَن أَبی هُرَیرَةَ قَالَ: سَمِعتُ أَبَا القَاسِمِ یَقُولُ فِی هَذِهِ الآیَةِ: ﴿ **يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخيهِ * وَ أُمِّهِ وَ أَبيهِ * وَ صٰاحِبَتِهِ وَ بَنيهِ** ﴾ إِلَّا مَن تَوَلَّی بِوَلَایَةِ عَلِیِّ بنِ أَبی طَالِبٍ علیه السلام فَإِنَّهُ لَا یَفِرُّ مَن وَالَاهُ وَ لَا یُعَادِی مَن أَحَبَّهُ وَ لَا یُحِبُّ مَن أَبغَضَهُ وَ لَا یُوَدُّ مَن عَادَاهُ، عَلِیٌّ لَه فِی الجَنَّةِ قَصرٌ مِن یَاقُوتَةٍ حَمرَاءَ وَ ثُلُثَا القَصرِ مُرَصَّعٌ بِأَنوَاعِ الیَاقُوتِ وَ الجَوهَرِ، عَلَیهِ شَرَفٌ یُعرَفُ بِتَسبِیحِهِ وَ تَقدِیسِهِ وَ تَحمِیدِهِ وَ تَمجِیدِهِ، لَهُ سَقفٌ یَا أَبَاهُرَیرَةَ مَا هُوَ؟ قَالَ أَبُوهُرَیرَةَ: مَا أَدرِی یَا رَسُولَ اللهِ. قَالَ: هُوَ العَرشُ وَ أَرضُهُ الزَعفِرَانُ قَالَهُ لَهُ الرَّحمَانُ: کُن فَکَانَ لَا یَسکُنُهُ إِلَّا عَلِیٌّ وَ أَصحَابُهُ وَ أَنَا وَ عَلِیٌّ فِی دَارٍ وَاحِدَةٍ وَ عَلِیٌّ مَعَ الحَقِّ وَ غَیرُهُ مَعَ البَاطِلِ.

ابی هریره گفت: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که دربارهٔ آیه «روزی که آدمی از برادرش می‌گریزد و از مادر و پدرش و از همسر و پسرانش» فرمود: مگر کسی که ولایت علی بن ابی‌طالب علیه السلام را پذیرفته باشد. آن کس که یار علی علیه السلام بوده،

نمی‌گریزد و آن کس که او را دوست می‌داشته، دشمن برشمرده نمی‌شود و آن کس که کینهٔ او می‌داشته، دوست برشمرده نمی‌شود و آن کس که با او دشمنی کرده باشد دوست داشته نمی‌شود. برای علی ﷺ در بهشت قصری از یاقوت سرخ است که یک‌سوم آن قصر به گونه‌های یاقوت و گوهر آراسته شده و بلندایی بر آن است که از تسبیح و تقدیس و تحمید و تمجید او شناخته می‌شود و سقفی دارد؛ ای اباهریره! آن سقف چیست؟ ابوهریره عرض کرد: نمی‌دانم ای رسول خدا! فرمود: سقف آن عرش است و زمینش زعفران. خداوند رحمان می‌گوید: باش، پس موجود می‌گردد و در این قصر جز علی ﷺ و یارانش ساکن نمی‌گردند و من و علی در یک خانه هستیم و علی با حق است و غیر او با باطل.

وَ مِن سُورَةِ كُوِّرَت

(سورهٔ کوّرت، آیهٔ ۷)

﴿ وَ إِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ ﴾

و هنگامی که اشخاص [با یکدیگر] قرین شوند.

۴۷۲. عَن مُحَمَّدِبنِ عَلِیِّ ابنِ الحَنَفِیَّةِ أَنَّهُ قَرَءَ: ﴿ وَ إِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ ﴾ قَالَ: بِحَقِّ الَّذِی نَفسِی بِیَدِهِ لَو أَنَّ رَجُلًا عَبَدَ اللهَ بَینَ الرُّکنِ وَ المَقَامِ حَتَّی تَلتَقِیَ تَرقُوَتَاهُ لَحَشَرَهُ اللهُ مَعَ مَن یُحِبُّ.

محمّد بن علی بن حنفیّه این آیه را خواند و چنین گفت: به حق آن خدایی که جانم به دست اوست، اگر مردی از بندگان خدا بین رکن و مقام آن‌قدر خدا را عبادت کند که دو استخوان سینه‌اش به هم بچسبد، خداوند او را با کسی که دوستش دارد، محشور می‌کند.

(سورهٔ کوّرت، آیهٔ ۸ ـ ۹)

﴿ وَ إِذَا الْمَوْؤُدَةُ سُئِلَتْ * بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ ﴾

و هنگامی که از آن دختر زنده به گور شده سؤال شود. به کدامین گناه کشته شده است؟

۴۷۳. عَن مُحَمَّدِبنِ الحَنَفِیَّةِ فِی قَولِهِ تَعَالَی: ﴿ وَ إِذَا الْمَوْؤُدَةُ سُئِلَتْ ﴾ قَالَ: مَوَدَّتُنَا.

محمّد بن حنفیه گفت: در این آیه آن‌چه از آن سؤال خواهد شد، مودّت ما (اهل بیت) است.

۴۷۴. جَعفَرٌ مُعَنعَنًا: عَن أَبی‌جَعفَرٍ عليه السلام فِی قَولِهِ: ﴿ وَ إِذَا الْمَوْؤُدَةُ سُئِلَتْ * بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ ﴾ قَالَ: مَن قُتِلَ فِی مَوَدَّتِنَا.

جعفر روایت کرده است: امام محمّد باقر عليه السلام دربارهٔ این آیات فرمود: منظور کسی است که در راه دوستی ما کشته شود.

۴۷۵. عَلِیُّ بنُ مُحَمَّدِبنِ عَلِیِّ‌بنِ عُمَرَ الزُّهرِیُّ مُعَنعَنًا: عَن جَعفَرِبنِ مُحَمَّدٍ عليهما السلام فِی قَولِهِ: ﴿ وَ إِذَا الْمَوْؤُدَةُ سُئِلَتْ * بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ ﴾ قَالَ: هُم قَرَابَةُ رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله.

علی بن محمّد بن علی بن عمر زهری روایت کرده است: امام جعفر صادق عليه السلام دربارهٔ این آیات فرمود: ایشان نزدیکان رسول خدایند.

۴۷۶. جَعفَرُ بنُ أَحمَدَ بنِ یُوسُفَ مُعَنعَنًا: عَن أَبی‌جَعفَرٍ عليه السلام قَالَ: ﴿ وَ إِذَا الْمَوْؤُدَةُ سُئِلَتْ * بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ ﴾ یَقُولُ: أَسأَلُکُم عَنِ المَودَةِ الَّتِی أُنزِلَت عَلَیکُم وَصَلَهَا مَوَدَّةُ القُربَی بِأَیِّ ذَنبٍ قَتَلتُمُوهُم.

جعفر بن احمد بن یوسف روایت کرده است: امام محمّد باقر عليه السلام دربارهٔ این آیات فرمود: خداوند می‌فرماید: از مودّتی که بر شما نازل شده است، که همان مودّت ذی القربی است، از شما می‌پرسم: به کدامین گناه آنان را کشتید؟!

۴۷۷. جَعفَرُبنُ مُحَمَّدٍ الفَزَارِیُّ مُعَنعَنًا: عَن أَبی‌عَبدِ اللهِ عليه السلام فِی قَولِ اللهِ عَزَّ ذِکرُهُ: ﴿ وَ إِذَا الْمَوْؤُدَةُ سُئِلَتْ ﴾ یَعنِی: مَوَدَّتُنَا أَهلَ البَیتِ ﴿ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ ﴾ قَالَ: ذَلِكَ حَقُّنَا الوَاجِبُ عَلَی النَّاسِ وَ حُبُّنَا الوَاجِبُ عَلَی الخَلقِ قَتَلوا مَوَدَّتَنَا.

جعفر بن محمّد فزاری گفت: از امام جعفر صادق عليه السلام دربارهٔ کلام خداوند عزّ ذکره «و هنگامی که از آن دختر زنده‌به‌گور شده سؤال شود» پرسیدم، فرمود: منظور دوستی ما اهل بیت است. «به کدامین گناه کشته شده» آن، حق واجب ما بر مردم است. با این‌که دوستی ما بر آفریدگان واجب است، مودّت ما را کشتند.

وَ مِن سُورَةِ المُطَفِّفِينَ

(سورهٔ مطففین، آیهٔ ۷ ـ ۹ و ۱۸ و ۲۰ ۲۵ ـ ۲۶ و ۲۸)

﴿كَلاّٰ إِنَّ كِتٰابَ الفُجّٰارِ لَفي سِجّينٍ * وَ مٰا أَدْرٰاكَ مٰا سِجّينٌ * كِتٰابٌ مَرْقُومٌ * كَلاّٰ إِنَّ كِتٰابَ الْأَبْرٰارِ لَفي عِلِّيّينَ * كِتٰابٌ مَرْقُومٌ * يُسْقَوْنَ مِنْ رَحيقٍ مَخْتُومٍ * خِتٰامُهُ مِسْكٌ وَ في ذٰلِكَ فَلْيَتَنٰافَسِ الْمُتَنٰافِسُونَ * عَيْناً يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ

چنین نیست، بی‌گمان کتاب (نامهٔ عمل) بدکاران قطعاً در سجّین است. و تو چه می‌دانی که سجّین چیست؟ کتابی است نوشته شده... چنین نیست، به راستی کتاب (نامهٔ عمل) نیکوکاران در علّیّین است. کتابی است نوشته شده... از شرابی مُهر شده نوشانده شوند که مُهرش مشک است و در این [نعمت] رقابت‌کنندگان باید رقابت کنند... چشمه‌ای که مقرّبان [درگاه الهی] از آن می‌نوشند.

۴۷۸. عَن سَعیدِبنِ عُثمَانَ الجَزّارِ قَالَ: سَمِعتُ أَبَاسَعِیدٍ المَدَائِنِیَّ عَن أَبی‌عَبدِ اللهِ علیه السلام قَالَ: فِی قَولِ اللهِ تَعَالَی: ﴿كَلاّٰ إِنَّ كِتٰابَ الفُجّٰارِ لَفي سِجّينٍ * وَ مٰا أَدْرٰاكَ مٰا سِجّينٌ * كِتٰابٌ مَرْقُومٌ﴾. بِبُغضِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله ﴿كَلاّٰ إِنَّ كِتٰابَ الْأَبْرٰارِ لَفي عِلِّيّينَ كِتٰابٌ مَرْقُومٌ﴾ بِحُبِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله.

سعیدبن عثمان گفت: از ابوسعید مدائنی شنیدم که از امام جعفر صادق علیه‌السلام روایت کرد که ایشان فرمود: در کلام خداوند متعال «چنین نیست، بی‌گمان کتاب (نامهٔ عمل) بدکاران قطعاً در سجّین است و تو چه می‌دانی که سجّین چیست؟ کتابی نوشته شده است»، منظور کینه‌توزی محمّد و آل محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله است. «چنین نیست، به راستی کتاب (نامهٔ عمل) نیکوکاران در علّیّین است... کتابی نوشته شده است»، منظور دوستی محمّد و آل محمّد علیهم‌السلام است.

۴۷۹. قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُبنُ الحَسَنِ بنِ إبرَاهِيمَ عَن جَعفرٍ علیه‌السلام قَالَ: نَزَلَتِ الآيَاتُ: ﴿**كَلاَّ إِنَّ كِتابَ الْأَبْرارِ لَفي عِلِّيِّينَ * وَ ما أَدْراكَ ما عِلِّيُّونَ**﴾ إِلَى قَولِهِ: ﴿**يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ**﴾ وَ هِيَ خَمسُ آيَاتٍ وَ هُم رَسُولُ اللهِ وَ فَاطِمَةُ وَ الحَسَنُ وَ الحُسَينُ ـ عَلَيهِمُ الصَّلاَةُ وَ السَّلَامُ وَ التَّحِيَّةُ وَ الإِكرَامُ.

محمّد بن حسن بن ابراهیم گفت: امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمود: آیات «چنین نیست، به راستی کتاب (نامهٔ عمل) نیکوکاران در علّیّین است و تو چه می‌دانی که علّیّین چیست» تا آنجا که می‌فرماید «مقرّبان [درگاه الهی] از آن می‌نوشند» پنج آیه است و ایشان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و علی علیه‌السلام و فاطمه علیهاالسلام و حسن و حسین علیهماالسلام هستند که درود و سلام و تحیّت و ارجمندی بر آنها باد.

۴۸۰. عَن عَطاءِ بنِ أَبِي رِبَاحٍ قَالَ: قُلتُ لِفَاطِمَةَ بِنتِ الحُسَينِ أَخبِرِينِي جُعِلتُ فِدَاكِ بِحَدِيثٍ أُحَدِّثُ بِهِ وَ احتَجُّ بِهِ عَلَى النَّاسِ. قَالَت: نَعَم أَخبَرَنِي أَبِي أَنَّ النَّبِيَّ صلی‌الله‌علیه‌وآله بَعَثَ إِلَى عَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ علیه‌السلام أَن اصعَدِ المِنبَرَ وَ ادعُ النَّاسَ إِلَيكَ ثُمَّ قَالَ قُلتُ: أَيُّهَا النَّاسُ مَنِ انتَقَصَ أَجِيراً أَجرَهُ فَلْيَتَبَوَّءِ مَقعَدَهُ مِنَ النَّارِ وَ مَنِ ادَّعَى إِلَى غَيرِ مَوَالِيهِ فَلْيَتَبَوَّءِ مَقعَدَهُ مِنَ النَّارِ وَ مَنِ انتَفَى مِن وَالِدَيهِ فَلْيَتَبَوَّءِ مَقعَدَهُ مِنَ النَّارِ[1].

قَالَ: فَقَالَ رَجُلٌ: يَا أَبَا الحَسَنِ مَا لَهُنَّ مِن تَأوِيلٍ؟ فَقَالَ: اللهُ وَ رَسُولُهُ أَعلَمُ. ثُمَّ أَتَى

---

۱. نهج البلاغه، خطبهٔ ۲۱۰

رَسُولَ اللهِ ﷺ فَأَخبَرَهُ فَقَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: وَيلٌ لِقُرَيشٍ مِن تَأوِيلِهِنَّ - ثَلاثَ مَرَّاتٍ - ثُمَّ قَالَ: يَا عَلِيُّ انطَلِق فَأَخبِرهُم إِنِّي أَنَا الأَجِيرُ الَّذِي أَثبَتَ اللهُ مَوَدَّتَهُ مِنَ السَّمَاءِ وَ أَنَا وَ أَنتَ مَولَى المُؤمِنِينَ وَ أَنَا وَ أَنتَ أَبَوَا المُؤمِنِينَ.
ثُمَّ خَرَجَ رَسُولُ اللهِ ﷺ فَقَالَ: يَا مَعشَرَ قُرَيشٍ وَالمُهَاجِرِينَ وَالأَنصَارِ، فَلَمَّا اجتَمَعُوا قَالَ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ عَلِيًّا أَوَّلُكُم إِيمَانًا بِاللهِ وَ أَوفَاكُم بِعَهدِ اللهِ وَ أَقوَمُكُم بِأَمرِ اللهِ وَأَعلَمُكُم بِالقَضِيَّةِ وَ أَقسَمُكُم بِالسَّوِيَّةِ وَ أَرحَمُكُم بِالرَّعِيَّةِ وَ أَفضَلُكُم عِندَ اللهِ مَزِيَّةً.

عطاء بن ابی ریاح گفت: به فاطمه دختر امام حسین ؑ عرض کردم: فدایت شوم! مرا از حدیثی آگاه ساز تا آن را بازگویم و با آن بر مردم حجت آورم. ایشان گفت: پدرم مرا خبر داد که رسول خدا ﷺ کسی را نزد حضرت علی ؑ فرستاد که بر منبر بالا رود و مردم را سوی خود فرا خوان. آن‌گاه حضرت علی ؑ چنین فرمود: ای مردم! هر که در پرداختن مزد مزدگیری کم گذارد، نشیمن‌گاهش را آتش دوزخ انباشته می‌کند و هر که به جز موالی خود دیگران را به خود نسبت دهد، نشیمن‌گاهش را آتش دوزخ انباشته می‌کند و هر که از سوی پدر و مادرش رانده شود، نشیمن‌گاهش را آتش دوزخ انباشته می‌کند. در آن دم کسی پرسید: ای ابا حسن! تأویل این سخن چیست؟ فرمود: خدا و رسولش بهتر می‌دانند. سپس حضرت نزد رسول خدا ﷺ رفت و ایشان را از سخن آن مرد خبر داد. رسول خدا ﷺ سه بار فرمود: وای بر قریش با تأویل کردنشان! سپس فرمود: ای علی! سوی آنان برو و باخبرشان کن که من آن مزدگیرم که خداوند دوستی‌اش را از آسمان استوار داشت و من و تو مولای مؤمنان هستیم و من و تو پدران مؤمنان هستیم. سپس رسول خدا ﷺ بیرون رفت و فرمود: ای جماعت قریش و مهاجران و انصار! وقتی آنان گرد آمدند، فرمود: ای مردم! همانا علی ؑ نخستین کس از شما در ایمان و وفادارترین شما به پیمان خداوند و پایدارترین شما در فرمان خداوند و

داناترین شما در قضاوت و دادگرترین شما در مساوات و مهربان‌ترین شما در حق رعیت و والامقام‌ترین شما نزد خداوند است.

ثُمَّ قالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: إنَّ اللهَ مَثَّلَ لِی أُمَّتِی فی الطِّینِ وَ عَلَّمَنِی أسماءَهُم کَما عَلَّمَ آدَمَ الأَسماءَ کُلَّها فَمَرَّ بی أصحابُ الرّایاتِ فاستَغفَرتُ لِعَلِیٍّ وَ شیعَتِهِ وَ سَألتُ رَبّی أن یَستَقیمَ أُمَّتی عَلی عَلِیِّ بنِ أبی طالِبٍ مِن بَعدی فَأَبی رَبّی إلّا أن یُضِلَّ مَن یَشاءُ وَ یَهدِی مَن یَشاء. ثُمَّ ابتَدَأَنی رَبّی فی عَلِیٍّ بِسَبعِ خِصالٍ أمّا أُولاهُنَّ فَإِنَّه أوَّلُ مَن یَنشَقُّ عَنهُ الأَرضَ مَعِیَ وَ لا فَخرَ، وَ أَمَّا الثّانِیَةُ فَإنَّه یَذُودُ عَن حَوضِی کَما یَذُودُ الرُّعاةُ غَرِیبَةَ الإبِلِ، وَ أَمَّا الثّالِثَةُ فَإنَّ مِن فُقَراءِ شِیعَةِ عَلِیٍّ لَیُشَفَّعُ فِیَّ مِثلِ رَبِیعَةَ وَ مُضَرَ، وَ أَمَّا الرّابِعَةُ فَإنَّهُ أَوَّلُ مَن یَقرَعُ بابَ الجَنَّةِ مَعِیَ وَ لا فَخرَ، وَ أَمَّا الخامِسَةُ فَإنَّهُ أوَّلُ مَن یَزَوَّجُ مِنَ الحَورِ العِینِ وَ لا فَخرَ، وَ أَمَّا السّادِسَةُ فَإنَّهُ أَوَّلُ مَن یَسکُنُ مَعِی فِی عِلِّیِّینِ وَ لا فَخرَ، وَ أَمَّا السّابِعَةُ فَإنَّهُ اَوَّلُ مَن یُسقَی مِن رَحِیقٍ مَختُومٍ خِتامُهُ مِسکٌ وَ فِی ذلِکَ فَلیَتَنافَسِ المُتَنافِسُونَ.

سپس رسول خدا ﷺ فرمود: خداوند تمثال امت مرا در سرشت گِل به من نشان داد و نام‌های ایشان را به من آموخت؛ همچنان‌که تمامی نام‌ها را به آدم ﷺ آموخت. آن‌گاه همهٔ سردمداران بر من گذر کردند و من برای علی ﷺ و شیعیانش آمرزش طلبیدم و از پروردگارم خواستم تا امتم را پس از من در راه علی بن ابی‌طالب ﷺ استوار دارد. اما پروردگارم نپذیرفت جز این‌که هر که را خود خواست هدایت کند و هر که را خواست گمراه نماید. سپس پروردگارم هفت خصلت را در مورد علی ﷺ برای من بنا نهاد؛ نخست این‌که او نخستین کسی است که همراه من سر از زمین برمی‌آورد و فخر نمی‌فروشم. دوم آن‌که او کسانی را از حوض من بازمی‌دارد، چنان‌که ساربان شتران ناآشنا را می‌راند. سوم آن‌که از فقیران شیعه علی ﷺ به خاطر من به شمار قبیله‌های ربیعه و مضر شفاعت شوند. چهارم آن‌که او نخستین کسی است که همراه من بر در بهشت

می‌کوبد و فخر نمی‌فروشم. پنجم آن‌که او نخستین کسی است که از پریان سیاه‌چشم همسر می‌گیرد و فخر نمی‌فروشم. ششم آن‌که او نخستین کسی است که همراه من در آسمان هفتم سکنا می‌گزیند و فخر نمی‌فروشم. هفتم آن‌که او نخستین کسی است که از شرابی مُهر شده که مُهرش مشک است، می‌نوشد و رقابت‌کنندگان در این (نعمت) باید رقابت کنند.

۴۸۱ . عَن کَعبٍ فِی قَولِ اللهِ تَعَالَی: ﴿ **يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ * خِتَامُهُ مِسْكٌ وَ فِي ذٰلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ * عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ** ﴾ فَهَنِيئًا لَهُم ثُمَّ قَالَ کَعبُ: وَاللهِ لَا يُحِبُّهُم إِلَّا مَن أَخَذَ اللهُ مِنهُ المِيثَاقَ.

کعب دربارهٔ کلام خداوند متعال گفت: «از شرابی مُهرشده نوشانده شوند که مُهرش مشک است و در این [نعمت] رقابت‌کنندگان باید رقابت کنند. چشمه‌ای که مقرّبان [درگاه الهی] از آن می‌نوشند.» پس گوارا باد بر آنان؛ به خدا سوگند تنها کسانی ایشان را دوست می‌دارند که خداوند از آنان پیمان گرفته است.

(سورهٔ مطففین، آیهٔ ۲۹)

﴿ إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ ﴾

بی‌تردید کسانی که گناه می‌کردند، به کسانی که ایمان آوردند، می‌خندیدند....

۴۸۲ . عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ فِی قَولِهِ تَعَالَی: ﴿ **إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ** ﴾ قَالَ: فَهُوَ حَارِثُ بنُ قِيسٍ وَ أُنَاسٌ مَعَهُ كَانُوا إِذَا مَرَّ عَلَيهِم عَلِيُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ ﷺ قَالُوا: أُنظُرُوا إِلَى هَذَا الَّذِی اصطَفَاهُ مُحَمَّدٌ ﷺ وَ اختَارَهُ مِن أَهلِ بَيتِهِ وَ كَانُوا يَسخَرُونَ مِنهُ، وَ إِذَا كَانَ يَومُ القِيَامَةِ فُتِحَ بَينَ الجَنَّةِ وَ النَّارِ بَابٌ فَعَلِيُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ ﷺ عَلَى الأَرِيكَةِ مُتَّكِئٌ فَيَقُولُ هَلُمَّ لَكُم، فَإِذَا جَاؤُا سَدَّ بَينَهُمُ البَابُ فَهُوَ كَذَلِكَ لِيَسخَرَ مِنهُم وَ يَضحَكَ، قَالَ اللهُ: ﴿ **فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ * عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ** *

هَلْ ثُوِّبَ الْكُفّارُ ما كانُوا يَفْعَلُونَ﴾.

ابن عباس دربارهٔ کلام خداوند متعال گفت: «بی‌تردید کسانی که گناه می‌کردند، به کسانی که ایمان آوردند، می‌خندیدند.» منظور، حارث‌بن قیس است و مردمانی که با او همراه بودند. آنان وقتی حضرت علی ؑ بر آنان گذر می‌کرد، می‌گفتند: به کسی که محمّد ﷺ او را برگزیده و از میان اهل بیتش انتخابش کرده، بنگرید. و این‌چنین حضرت را ریشخند می‌کردند. پس چون روز قیامت فرا رسد، دری میان بهشت و دوزخ گشوده شود و حضرت علی ؑ تکیه زده بر تختی به آنان می‌فرماید: سوی ما بشتابید! و قتی آنان می‌آیند، آن در پیش رویشان بسته می‌شود و این بار حضرت علی ؑ آنان را ریشخند می‌کند و می‌خندد. خداوند متعال می‌فرماید: «پس امروز کسانی که ایمان آوردند، به کافران می‌خندند. بر روی تخت‌ها می‌نگرند. آیا کافران به آن‌چه انجام می‌دادند، پاداش داده شدند؟»

وَ مِن سُورَةِ الإنشِقَاقِ

(سورهٔ انشقاق، آیهٔ ۸)

﴿ فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا ﴾

و به زودی به حسابش به آسانی رسیدگی می‌شود.

۴۸۳ . عَن مُعَاذِبنِ جَبَلٍ أَنَّ النَّبِیَّ ﷺ خَرَجَ مِنَ الغَارِ فَأَتی مَنزِلَ خَدِیجَةَ کَئِیباً حَزِیناً فَقَالَت خَدِیجَةُ: یَا رَسُولَ اللهِ مَا الَّذِی أَرَی بِكَ مِنَ الکَآبَةِ وَ الحُزنِ مَا لَم أَرَهُ فِیكَ مُنذُ صَحِبتَنِی؟ قَالَ: یَحزُنُنِی غَیبُوبَةِ عَلِیٍّ، قَالَت: یَا رَسُولَ اللهِ تَفَرَّقَتِ المُسلِمُونَ فِی الآفَاقِ وَ إِنَّمَا بَقِیَ ثَمانُ رِجَالٍ کَانَ مَعَكَ اللَّیلَةَ سَبعَةُ نَفَرٍ فَتحزَنُ لِغَیبُوبَةِ رَجُلٍ!؟ فَغَضِبَ النَّبِیُّ ﷺ وَ قَالَ: یَا خَدِیجَةُ إِنَّ اللهَ أَعطَانِی فِی عَلِیٍّ ثَلاثَةً لِدُنیَایَ وَ ثَلاثَةً لِآخِرَتِی فَأَمَّا الثَّلاثَةُ الَّتِی لِدُنیَای فَمَا أَخَافُ عَلَیهِ أَن یَمُوتَ وَ لَا یُقتَلَ حَتَّی یُعطِیَنِی اللهُ مَوعِدَهُ إِیَّایَ، وَلکِن أَخَافُ عَلَیهِ وَاحِدَةً.

قَالَت: یَا رَسُولَ اللهِ إِن أَنتَ أَخبَرتَنِی مَا الثَّلاثَةُ لِدُنیَاكَ وَ مَا الثَّلاثَةُ لِآخِرَتِكَ وَ مَا الوَاحِدَةُ الَّتِی تَتَخَوَّفُ عَلَیهِ لَاحتَوِیَنَّ عَلَی بَعِیرِی وَ لَأَطلُبَنَّهُ حَیثُمَا کَانَ إِلَّا أَن یَحُولَ بَینِی وَ بَینَهُ المَوتُ.

معاذ بن جبل گفت: پیامبر ﷺ از غار خارج شد و در حالی‌که ناراحت و غمگین

بود، به خانه خدیجه علیها السلام وارد شد. خدیجه علیها السلام فرمود: ای رسول خدا! چه چیز این چنین ناراحتی و اندوه شما شده است که من از زمان آشنایی‌ام با شما چنین غمی در شما ندیده بودم؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: نبودنِ علی علیه السلام مرا غمگین کرده است. خدیجه علیها السلام فرمود: ای رسول خدا! مسلمانان در جهان پراکنده شده‌اند و همراه شما هشت نفر مانده‌اند. شبی را با هفت نفر به سر بردید، حال به‌خاطر نبودن یکی از آن‌ها ناراحت می‌شوید؟ پیامبر صلی الله علیه و آله خشمگین شد و فرمود: ای خدیجه! خداوند دربارهٔ علی علیه السلام سه چیز برای دنیایم و سه چیز برای آخرتم به من عطا فرمود. من از ترس از دست دادن آن‌چه که خداوند به واسطهٔ او در دنیا به من می‌دهد در این اندیشه نیستم که مبادا او جان دهد یا کشته شود، بلکه به سببی دیگر درباره او از این اندیشه در هراسم.

خدیجه علیها السلام فرمود: ای رسول خدا! اگر به من بگویی آن سه امر دنیا و آخرت از برای شما و نیز آن امری که بر آن می‌ترسید چیست، بر شترم سوار می‌شوم و در پی حضرت علی علیه السلام در هر کجا می‌گردم، حتی اگر بمیرم.

قَالَ: يَا خَدِيجَةُ إِنَّ اللهَ أَعطَانِي فِي عَلِيٍّ لِدُنيَايَ أَنَّهُ يُوَارِي عَورَتِي عِندَ مَوتِي وَ أَعطَانِي فِي عَلِيٍّ لِدُنيَايَ أَنَّهُ يَقتُلُ بَينَ يَدَيَّ أَربَعَةً وَ ثَلَاثِينَ مُبَارِزاً قَبلَ أَن يَمُوتَ أَو يُقتَلَ، وَ أَعطَانِي فِي عَلِيٍّ لِآخِرَتِي أَنَّهُ مُتَّكَأُ يَومَ الشَّفَاعَةِ وَ أَعطَانِي فِي عَلِيٍّ لِآخِرَتِي أَنَّهُ صَاحِبُ مَفَاتِيحِي يَومَ أَفتَحُ أَبوَابَ الجَنَّةِ وَ أَعطَانِي فِي عَلِيٍّ لِآخِرَتِي أَنِّي أُعطِيَ يَومَ القِيَامَةِ أَربَعَةَ أَلوِيَةٍ فَلِوَاءُ الحَمدِ بِيَدِي وَ أَدفَعُ لِوَاءَ التَّهلِيلِ لِعَلِيٍّ وَ أُوجِهُهُ فِي أَوَّلِ فَوجٍ وَ هُمُ الَّذِينَ يُحَاسِبُونَ حِسَاباً يَسِيراً وَ يَدخُلُونَ الجَنَّةَ بِغَيرِ حِسَابٍ عَلَيهِم، وَ أَدفَعُ لِوَاءَ التَّكبِيرِ إِلَى حَمزَةَ وَ أُوجِهُهُ فِي الفَوجِ الثَّانِي، وَ أَدفَعُ لِوَاءَ التَّسبِيحِ إِلَى جَعفَرٍ وَ أُوجِهُهُ فِي الفَوجِ الثَّالِثِ، ثُمَّ أُقِيمُ عَلَى أُمَّتِي حَتَّى أَشفَعَ لَهُم، ثُمَّ أَكُونُ أَنَا القَائِدُ وَ إِبرَاهِيمُ السَّائِقُ حَتَّى أُدخِلَ أُمَّتِيَ الجَنَّةَ، وَلَكِن أَخَافُ عَلَيهِ إِضرَارَ جَهلَةِ قُرَيشٍ.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای خدیجه! آن سه چیزی که خداوند با علی علیه السلام برای

دنیایم به من عطا کرده این است که او در هنگام مرگم مرا می‌پوشاند و پیش از آن‌که بمیرد یا کشته شود، در کنار من سی‌وچهار مبارز را از پای در می‌آورد و برای آخرتم نیز خداوند با وجود علی ﷺ چنین به من عطا کرده که او در روز شفاعت تکیه‌گاه است و برای آخرتم با وجود او چنین به من عطا کرده که او در روزی که من درهای بهشت را می‌گشایم، کلیددار من است و برای آخرتم با وجود او چنین به من عطا کرده که چون در روز قیامت به من چهار بیرق عطا شود، من بیرق «الحمد لله» را خود به دست می‌گیرم و بیرق «لا اله الا الله» را به علی می‌سپارم و او را به جلوداری گروهی روانه می‌دارم که به آسانی محاسبه می‌شوند و بدون آن‌که حسابی بر ایشان باشد، به بهشت وارد می‌شوند. و امّا بیرق «الله اکبر» را به حمزه می‌سپارم و او را سوی گروه دوم روانه می‌دارم و بیرق «سبحان الله» را به جعفر می‌سپارم و او را سوی گروه سوم روانه می‌دارم و آن‌گاه خود در برابر امّتم می‌ایستم تا ایشان را شفاعت کنم. سپس من رهبر می‌شوم و ابراهیم هدایت‌کننده می‌شود تا امّتم را به بهشت داخل کنم؛ با این همه از آسیب رساندن نادانی قریش به او می‌ترسم.

فَاحتَوَت عَلَى بَعِيرِهَا وَ قَدِ اختَلَطَ الظَّلَامُ فَخَرَجَت فَطَلَبَتهُ فَإِذَا هِيَ بِشَخصٍ فَسَلَّمَت لِيَرُدَّ السَّلَامَ لِتَعلَمَ عَلِيٌّ هُوَ أَم لَا فَقَالَ: وَ عَلَيكِ السَّلَامُ أَ خَدِيجَةُ؟ قَالَت: نَعَم: فَأَنَاخَت ثُمَّ قَالَت: بِأَبِي أَنتَ وَ أُمِّي إِركَب قَالَ: أَنتِ أَحَقُّ بِالرُكُوبِ مِنِّي إِذهَبِي إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَبَشِّرِي حَتَّى آتِيكُم فَأَنَاخَت عَلَى البَابِ وَ رَسُولُ اللهِ ﷺ مُستَلقٍ عَلَى قَفَاهُ يَمسَحُ فِيمَا بَينَ نَحرِهِ إِلَى سُرَّتِهِ بِيَمِينِهِ وَ هُوَ يَقُولُ: اللَّهُمَّ فَرِّج هَمِّي وَ بَرِّد كَبِدِي بِخَلِيلِي عَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ ﷺ حَتَّى قَالَهَا ثَلَاثاً. قَالَت لَهُ خَدِيجَةُ: قَدِ استَجَابَ اللهُ دَعوَتَكَ فَاستَقَلَّ قَائِمًا رَافِعًا يَدَيهِ يَقُولُ: شُكرًا لِلمُجِيبِ ـ حَتَّى قَالَهَا أَحَدَ عَشرَةَ مَرَّةً.

حضرت خدیجه در تاریکی بر شترش سوار و به دنبال حضرت علی ﷺ روانه شد. ناگهان با شخصی روبه‌رو شد. به او سلام کرد تا با پاسخش دریابد که او

حضرت علی ﷺ است یا نه. حضرت علی ﷺ فرمود: سلام بر تو، آیا تو خدیجه هستی؟ خدیجه فرمود: آری و شتر را نشانید. سپس عرض کرد: پدر و مادرم به فدایت، سوار شو! حضرت علی ﷺ فرمود: شما در سوار بودن بر من مقدّمی، به سوی پیامبر ﷺ برو و به او بشارتِ دیدنِ مرا بده، تا من نیز نزد شما بیایم. خدیجه به درِ خانه رسید حال آن‌که رسول خدا ﷺ بر پشت دراز کشیده بود و با دست راست بر گلو تا ناف مبارکش می‌کشید و می‌فرمود: پروردگارا! با دیدار دوستم علی بن ابی‌طالب ﷺ اندوهم را از میان ببر و جگرم را خنک گردان. و سه بار این جمله را تکرار فرمود. خدیجه به ایشان عرض کرد: خداوند دعایت را مستجاب کرده است. رسول خدا ﷺ از جا برخاست و دستان خویش برافراشت و فرمود: سپاس از برای خداوندی که دعایم را اجابت نمود. و این جمله را یازده مرتبه تکرار فرمود.

وَ مِن سُورَةِ الغَاشِيَةِ

(سورهٔ غاشیه، آیهٔ ۲ ـ ۵)

﴿ وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ * عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ * تَصْلَىٰ نَارًا حَامِيَةً * تُسْقَىٰ مِنْ عَيْنٍ آنِيَةٍ ﴾

در آن روز چهره‌هایی خوار و زبون‌اند. کارکننده و رنج‌کشنده‌اند. به آتشی سوزنده درآیند. از چشمه‌ای بسیار داغ به آن‌ها نوشانده شود.

۴۸۴. فُرَاتُ بنُ إبرَاهِيمَ الكُوفِيُّ مُعنعَنًا: عَن جَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام قَالَ: كُلُّ عَدُوٍّ لَنَا نَاصِبٍ مَنسُوبٌ إِلَى هَذِهِ الآيَةِ: **﴿ وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ * عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ * تَصْلَىٰ نَارًا حَامِيَةً * تُسْقَىٰ مِنْ عَيْنٍ آنِيَةٍ ﴾**.

فرات‌بن ابراهیم کوفی روایت کرده است: امام جعفر صادق عليه السلام فرمود: هر که دشمن ما باشد و ناصبی (برافروزندهٔ جنگ) علیه ما باشد، به این آیات منسوب است: «در آن روز چهره‌هایی خوار و زبون‌اند. کارکننده و رنج‌کشنده (ناصب) اند. به آتشی سوزنده درآیند. از چشمه‌ای بسیار داغ به آن‌ها نوشانده شود.»

۴۸۵. جَعفَرُ بنُ أَحمَدَ مُعنعَنًا: عَن أَبِی عَبدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: خَرَجتُ أَنَا وَ أَبِی ذَاتَ يَوم فَإِذَا هُوَ بِأُنَاسٍ مِن أَصحَابِنَا بَينَ المِنبَرِ وَ القَبرِ فَسَلَّمَ عَلَيهِم ثُمَّ قَالَ: أَمَا وَاللهِ إِنِّی لَأُحِبُّ رِيحَكُم

وَ أَرواحَكُم فَأَعِينُونِي عَلَى ذَلِكَ بِوَرَعٍ وَ إِجتِهَادٍ ، مَنِ ائتَمَّ بِعَبدٍ فَليَعمَل بِعَمَلِهِ ، أَنتُم شِيعَةُ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ وَ أَنتُم شَرطُ اللهِ وَ أَنتُم أَنصَارُ اللهِ وَ أَنتُمُ السَّابِقُونَ الأَوَّلُونَ وَ السَّابِقُونَ الآخِرُونَ فِي الدُّنيَا وَ السَّابِقُونَ فِي الآخِرَةِ إِلَى الجَنَّةِ ، قَد ضَمِنَّا لَكُمُ الجَنَّةَ بِضَمَانِ اللهِ وَ ضَمَانِ رَسُولِ اللهِ ﷺ وَ أَهلِ بَيتِهِ ، أَنتُمُ الطَّيِّبُونَ وَ نِسَاؤُكُمُ الطَّيِّبَاتُ ، كُلُّ مُؤمِنَةٍ حَورَاءُ وَ كُلُّ مُؤمِنٍ صِدِّيقٌ.

كَم مَرَّةً قَد قَالَ أَمِيرُ المُؤمِنِينَ عَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ ؑ لِقَنبَرٍ : يَا قَنبَرُ أَبشِر وَ بَشِّر وَ استَبشِر وَاللهِ لَقَد قُبِضَ رَسُولُ اللهِ ﷺ وَ هُوَ سَاخِطٌ عَلَى جَمِيعِ أُمَّتِهِ إِلَّا الشِّيعَةَ.

أَلَا وَ إِنَّ لِكُلِّ شَيءٍ شَرَفًا وَ إِنَّ شَرَفَ الدِّينِ الشِّيعَةُ ، أَلَا وَ إِنَّ لِكُلِّ شَيءٍ عُروَةً وَ إِنَّ عُروَةَ الدِّينِ الشِّيعَةُ ، أَلَا وَ إِنَّ لِكُلِّ شَيءٍ إِمَامًا وَ إِمَامُ الأَرضِ أَرضٌ يَسكُنُ فِيهَا الشِّيعَةُ ، أَلَا وَ إِنَّ لِكُلِّ شَيءٍ سَيِّدًا وَ سَيِّدُ المَجَالِسِ مَجَالِسُ الشِّيعَةِ ، أَلَا وَ إِنَّ لِكُلِّ شَيءٍ شَهوَةً وَ إِنَّ شَهوَةَ الدُّنيَا سُكنَى شِيعَتِنَا فِيهَا ، وَ اللهِ لَو لَا مَا فِي الأَرضِ مِنكُم مَا استَكمَلَ أَهلُ خَلَافِكُم طَيِّبَاتِ مَالِهِم ، وَ مَا لَهُم فِي الآخِرَةِ مِن نَصِيبٍ.

جعفربن احمد روایت کرده است: امام جعفر صادق ؑ فرمود: روزی من و پدرم به مسجد پیامبر ﷺ وارد شدیم و جمعی از یارانمان را دیدیم که میان منبر و قبر رسول خدا ﷺ نشسته بودند. پدرم به آن‌ها سلام کرد و سپس فرمود: به خدا سوگند من بوی شما و جان‌هایتان را دوست می‌دارم، مرا با پرهیزکاری و کوشش در این دوستی یاری کنید، چه هر که از امامی پیروی می‌کند، باید کرداری همچون او داشته باشد شما شیعه خاندان محمّد ﷺ هستید. شما لشکریان و یاران خداوندید و شما همان پیشی‌گیرندگان نخستین و آخرین در دنیا و پیشتازان آخرت به سوی بهشت هستید. ما به ضمانت خداوند و ضمانت رسول خدا ﷺ و اهل بیتش بهشت را برای شما ضمانت می‌کنیم؛ چه شما و زنانتان پاکدامن هستید و زنان مؤمنتان حوریه‌اند و مردان مؤمنتان راستگویان. حضرت علی ؑ بارها به قنبر فرمود: ای قنبر! شاد باش

و شادباش‌گو و مژده ده که به خدا سوگند رسول خداﷺ در حالی جان سپرد که بر تمامی امتش جز شیعیان خشمگین بود.
بدانید که از برای هر چیز ارجی هست و ارج دین، شیعیان‌اند. بدانید که از برای هر چیز ریسمانی هست و ریسمان دین شیعیان‌اند. بدانید که از برای هر چیز پیشوایی هست و پیشوای زمین، سرزمینی است که شیعیان در آن سکنا گزیده‌اند. بدانید که از برای هر چیز سروری هست و سرور مجلس‌ها، مجالس شیعیان است. بدانید که از برای هر چیز لذتی هست و لذّت دنیا سکنا گزیدن شیعیان در آن است. به خدا سوگند اگر چنین نبود که شما در زمین باشید، نعمت‌ها به مخالفانتان به تمام نمی‌رسید و در آخرت بهره‌ای نصیبشان نمی‌شد.
كُلُّ نَاصِبٍ وَ إِن تَعَبَّدَ مَنسُوبٌ إِلَى هَذِهِ الآيَةِ: ﴿ **وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ * عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ * تَصْلَىٰ نَارًا حَامِيَةً * تُسْقَىٰ مِنْ عَيْنٍ آنِيَةٍ** ﴾، وَ مَن دَعَا مِن مُخَالِفٍ لَكُم فَإِجَابَةُ دُعَائِهِ لَكُم، وَ مَن طَلَبَ مِنكُم إِلَى اللهِ حَاجَةً فَلَزِمَتهُ وَ مَن سَأَلَ مَسأَلَةً فَلَزِمَتهُ وَ مَن دَعَا بِدَعوَةٍ فَلَزِمَتهُ، وَ مَن عَمِلَ مِنكُم حَسَنَةً فَلا يُحصَى تَضَاعُفُهَا، وَ مَن أَسَاءَ سَيِّئَةً فَمُحَمَّدٌﷺ حَجِيجُهُ يَعنِي يُحَاجُّ عَنهُ قَالَ أَبُوجَعفَرٍؑ: حَجِيجُهُ مَن تَبِعَتهَا.
وَاللهِ إِنَّ صَائِمَكُم لَيَرعَى فِي رِيَاضِ الجَنَّةِ تَدعُو لَهُ المَلَائِكَةُ بِالعَونِ حَتَّى يُفطِرَ، وَ إِنَّ حَاجَّكُم وَ مُعتَمِرَكُم لَخَاصُّ اللهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى، وَ إِنَّكُم جَمِيعًا لَأَهلُ دَعوَةِ اللهِ وَ أَهلُ إِجَابَتِهِ وَ أَهلُ وَلَايَتِهِ، لَا خَوفٌ عَلَيكُم وَ لَا حُزنٌ، كُلُّكُم فِي الجَنَّةِ، فَتَنَافَسُوا فِي فَضَائِلِ الدَّرَجَاتِ.
وَاللهِ مَا مِن أَحَدٍ أَقرَبُ مِن عَرشِ اللهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى تَقَرُّبًا يَومَ القِيَامَةِ مِن شِيعَتِنَا، مَا أَحسَنَ صُنعَ اللهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِلَيكُم، وَ لَو لَا أَن تُفتَنُوا فَيَشمَتَ بِكُم عَدُوُّكُم وَ يَعلَمُ النَّاسُ ذَلِكَ لَسَلَّمَت عَلَيكُمُ المَلَائِكَةُ قُبُلًا.
هر که ناصبی (برافروزندهٔ جنگ) علیه ما باشد، گرچه بسیار عبادت کند، به این آیات منسوب است: «در آن روز چهره‌هایی خوار و زبون‌اند. کارکننده

و رنج‌کشنده (ناصب)اند. به آتشی سوزنده درآیند. از چشمه‌ای بسیار داغ به آن‌ها نوشانده شود.» هر یک از مخالفان شما اگر دعایی کند، اجابت دعایش به شما بسته است و هر یک از شما اگر سوی خدا حاجتی بطلبد یا درخواستی کند یا دعایی کند، برایش بایسته باشد و نیز هر یک از شما چون کار نیکی انجام دهد، پاداشِ چند برابرش به شمار نیاید و چون کار بدی انجام دهد، آن‌گاه حضرت محمّد ﷺ مدافع او می‌شود و از او دفاع می‌کند؛ حضرت امام محمّد باقر علیه‌السلام فرمود: مدافع او کسی است که پیروی‌اش کرده است. به خدا سوگند روزه‌دار شما هر آینه در گلستان‌های بهشت می‌خرامد و فرشتگان برایش یاری می‌طلبند تا آن‌که روزه‌اش را بگشاید و حج‌گزار شما و عمره‌گزار شما نزد خداوند تبارک و تعالی زایری ویژه است و شما همگی شایستهٔ دعوت خداوند و شایستهٔ اجابت او و شایستهٔ ولایت اویید که هیچ ترسی بر شما نیست و هیچ اندوهی نخواهید خورد و همگی در بهشت جای دارید و برای درجات برتر از هم پیشی می‌گیرید. به خدا سوگند در روز قیامت هیچ کس به عرش خداوند تبارک و تعالی از شیعیان ما نزدیک‌تر نیست. چه نیکوست لطف خداوند تبارک و تعالی در حق شما! اگر نبود که شیفته گردید و دشمنانتان به نکوهشتان بنشینند و مردم باخبر شوند، هر آینه فرشتگان بر شما درود می‌فرستادند.

وَ قَد قَالَ أَمیرُ المُؤمِنینَ علیه‌السلام: یَخرُجُ أَهلُ وَلَایَتِنَا مِن قُبُورِهِم یَومَ القِیَامَةِ مُشرِفَةً وُجُوهُهُم قَرَّت أَعیُنُهُم، قَد أُعطُوا الأَمَانَ، یَخَافُ النَّاسُ وَ لَا یَخَافُونَ، وَ یَحزَنُ النَّاسُ وَ لَا یَحزَنُونَ.

وَ اللهِ مَا مِن عَبدٍ مِنکُم یَقُومُ إِلَی صَلَاتِهِ إِلَّا وَ قَدِ اکتَنَفَتهُ المَلَائِکَةُ مِن خَلفِهِ یُصَلُّونَ عَلَیهِ وَ یَدعُونَ لَهُ حَتَّی یَفرُغَ مِن صَلَاتِهِ.

أَلَا وَ إِنَّ لِکُلِّ شَیءٍ جَوهَرًا وَ جَوهَرُ وُلدِ آدَمَ علیه‌السلام مُحَمَّدٌ ﷺ وَ نَحنُ وَ شِیعَتُنَا.

قَالَ سَعدَانُ بنُ مُسلِمٍ: وَ زَادَ فِی الحَدِیثِ عَثیَمُ بنُ أَسلَمَ عَن مُعَاوِیَةَ بنِ عَمَّارٍ عَن أَبِی عَبدِ اللهِ علیه‌السلام: قَالَ: قَالَ أَبُو عَبدِ اللهِ علیه‌السلام: وَاللهِ لَولَاکُم مَا زُخرِفَتِ الجَنَّةُ، وَاللهِ

لَولا كُم مَا خُلِقَت حَورَاءُ وَاللهِ لَولاَ كُم مَا نَزَلَت قَطرَةٌ ، وَاللهِ لَولا كُم مَا نَبَتَت حَبَّةٌ ، وَاللهِ لَولا كُم مَا قَرَّت عَينٌ ، وَاللهِ لَلَّهُ أَشَدُّ حُبًّا لَكُم مِنِّى ، فَأَعِينُونَا عَلَى ذَلِكَ بِالوَرَعِ وَ الإِجتِهَادِ وَ العَمَلِ بِطَاعَتِهِ.

امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام فرمود: در روز قیامت اهل ولایت ما در حالی از قبرهایشان بیرون می‌آیند که چهره‌هایشان تابناک و چشمانشان روشن است و امان یافته‌اند و آن‌گاه که مردمان در هراس‌اند، ایشان نمی‌هراسند و چون مردمان در اندوه‌اند، ایشان اندوه نمی‌خورند. به خدا سوگند هیچ بنده‌ای از میان شما نیست جز آن‌که چون به نماز ایستد، فرشتگان از پشتش او را در جلو گیرند و بر او درود فرستند و دعایش کنند تا این‌که نمازش را به پایان رساند. بدانید که از برای هر چیز گوهری هست و گوهر فرزندان آدم حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و ما و شیعیان ما هستیم.

سعدان‌بن مسلم می‌گوید: عیثم‌بن اسلم از معاویة‌بن عمّار از قول امام جعفر صادق علیه السلام بر این حدیث افزوده و روایت کرده که ایشان فرمود: به خدا سوگند اگر شما نبودید، حوریان بهشتی آفریده نمی‌شدند و به خدا سوگند اگر شما نبودید، قطره‌ای فرود نمی‌آمد و به خدا سوگند اگر شما نبودید، دانه‌ای نمی‌رویید و به خدا سوگند اگر شما نبودید، چشمی روشن نمی‌گشت و به خدا سوگند که خداوند بیش از من شما را دوست می‌دارد؛ پس ما را در این راه با پرهیزکاری و تلاش و عمل به اطاعت از خدا یاری رسانید.

(سورهٔ غاشیه، آیهٔ ۲۵ ـ ۲۶)

﴿ إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ * ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ ﴾

بی‌تردید بازگشت آنان تنها به سوی ماست. سپس بی‌شک حساب آنان [نیز] تنها بر عهدهٔ ماست.

۴۸۶. عَن صَفوَانَ قَالَ: سَمِعتُ أَبَا الحَسَنِ علیه السلام يَقُولُ: إِنَّ إِلَينَا إِيَابَ هَذَا الخَلقِ وَ عَلَينَا حِسَابُهُم.

صفوان گفت: از امام موسی کاظم علیه السلام شنیدم که فرمود: بی تردید بازگشت این خلق به سوی ماست و حساب آنان (نیز) تنها بر عهدهٔ ماست.

۴۸۷. عَن قَبِيصَةَ بنِ يَزِيدَ الجُعفِيِّ قَالَ: دَخَلتُ عَلَى الصَّادِقِ جَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ عليهما السلام وَ عِندَهُ البوسُ بنُ أَبِي الدَّوسِ وَابنُ ظَبيَانَ وَ القَاسِمُ الصَّيرَفِيُّ فَسَلَّمتُ وَ جَلَستُ وَ قُلتُ: يَا ابنَ رَسُولِ اللهِ قَد أَتَيتُكَ مُستَفِيدًا. قَالَ: سَل وَ أَوجِز.

قُلتُ: أَينَ كُنتُم قَبلَ أَن يَخلُقَ اللهُ سَمَاءً مَبنِيَّةً وَ أَرضًا مَدحِيَّةً وَ طَودًا أَو ظُلمَةً وَ نُورًا.

قَالَ: يَا قَبِيصَةُ لِمَ سَأَلتَنَا عَن هَذَا الحَدِيثِ فِي مِثلِ هَذَا الوَقتِ أَمَا عَلِمتَ أَنَّ حُبَّنَا قَد اكتُتِمَ وَ بُغضَنَا قَد فَشَا، وَ أَنَّ لَنَا أَعدَاءً مِنَ الجِنِّ يُخرِجُونَ حَدِيثَنَا إِلَى أَعدَائِنَا مِنَ الإِنسِ، وَ أَنَّ الحِيطَانَ لَهَا آذَانٌ كَآذَانِ النَّاسِ. قَالَ: قُلتُ: قَد سَأَلتُ عَن ذَلِكَ.

قَالَ: يَا قَبِيصَةُ كُنَّا أَشبَاحَ نُورٍ حَولَ العَرشِ نُسَبِّحُ اللهَ قَبلَ أَن يَخلُقَ آدَمَ بِخَمسَةَ عَشَرَ أَلفَ عَامٍ فَلَمَّا خَلَقَ اللهُ آدَمَ فَرَّغَنَا فِي صُلبِهِ فَلَم يَزَل يَنقُلُنَا مِن صُلبٍ طَاهِرٍ إِلَى رَحِمٍ مُطَهَّرٍ حَتَّى بَعَثَ اللهُ مُحَمَّدًا صلى الله عليه وآله فَنَحنُ عُروَةُ اللهِ الوُثقَى؛ مَنِ استَمسَكَ بِنَا نَجَا وَ مَن تَخَلَّفَ عَنَّا هَوَى، لَا نُدخِلُهُ فِي بَابِ ضَلَالَةٍ وَ لَا نُخرِجُهُ مِن بَابِ هُدًى، وَ نَحنُ رُعَاةُ شَمسِ اللهِ، وَ نَحنُ عِترَةُ رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله، وَ نَحنُ القُبَّةُ الَّتِي طَالَت أَطنَابُهَا وَ اتَّسَعَ فِنَاؤُهَا، مَن ضَوَا إِلَينَا نَجَا إِلَى الجَنَّةِ، وَ مَن تَخَلَّفَ عَنَّا هَوَى إِلَى النَّارِ.

قُلتُ: لِوَجهِ رَبِّي الحَمدُ أَسأَلُكَ عَن قَولِ اللهِ تَعَالَى: ﴿ **إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ * ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ** ﴾؟ قَالَ: فِينَا التَّنزِيلُ. قَالَ: قُلتُ: إِنَّمَا أَسأَلُكَ عَنِ التَّفسِيرِ.

قَالَ: نَعَم يَا قَبِيصَةُ إِذَا كَانَ يَومُ القِيَامَةِ جَعَلَ اللهُ حِسَابَ شِيعَتِنَا عَلَينَا فَمَا كَانَ بَينَهُم وَبَينَ اللهِ استَوهَبَهُ مُحَمَّدٌ صلى الله عليه وآله مِنَ اللهِ، وَ مَا كَانَ فِيمَا بَينَهُم وَ بَينَ النَّاسِ مِنَ المَظَالِمِ أَدَّاهُ مُحَمَّدٌ صلى الله عليه وآله، وَ مَا كَانَ فِيمَا بَينَنَا وَ بَينَهُم وَهَبنَاهُ لَهُم حَتَّى يَدخُلُونَ الجَنَّةَ بِغَيرِ حِسَابٍ.

قبیصة‌بن یزید جعفی گفت: خدمت حضرت امام صادق علیه السلام رسیدم و حال آن‌که بوس بن ابی‌الدوس و ابن ظبیان و قاسم صیرفی نزد ایشان بودند. سلام

کردم و نشستم و عرض کردم: ای پسر رسول خدا! خدمتتان رسیده‌ام تا بهره‌مند شوم. ایشان فرمود: بپرس امّا مختصر! عرض کردم: پیش از آن‌که خداوند آسمانِ برافراشته و زمینِ گسترانده و کوه‌های برپا و یا تاریکی و نور را بیافریند، شما کجا بودید؟ فرمود: ای قبیصه! چرا در چنین هنگامی از ما دربارهٔ این حدیث می‌پرسی؟ آیا نمی‌دانی دوستی با ما پنهان داشته شده و دشمنی با ما آشکار شده است؟ و آیا نمی‌دانی که ما دشمنانی از جنس جنیان داریم که حدیث ما را به دشمنان ما از جنس انسان‌ها می‌رسانند و این‌چنین دیوارها گوش‌هایی چون گوش مردمان دارند؟ عرض کردم: حال این سؤال را پرسیده‌ام. فرمود: ای قبیصه! پانزده هزار سال پیش از آن‌که خداوند آدم را بیافریند، ما اشباحی گرداگرد عرش خداوند بودیم و تسبیح او می‌گفتیم. چون خداوند آدم را آفرید، ما را در پشت او جای داد و از آن پس پیوسته ما را از پشتی پاک به رحمی پاکیزه منتقل کرد تا این‌که حضرت محمّد ﷺ را برانگیخت؛ پس ما ریسمان استوار خداوندیم که هر که به ما چنگ اندازد، نجات یابد و هر که از ما برجا ماند، سقوط کند. ما او را به درِ گمراهی درنمی‌آوریم و از درِ هدایت بیرونش نمی‌کنیم. ما نگاهبانان خورشید خداوندیم و ما خاندان رسول خداییم و ما خیمه‌گاهی بلندپایه و پردامنه‌ایم که هر که سوی ما پناه آورد، سوی بهشت نجات یابد و هر که از ما سرپیچی نماید، سوی دوزخ سقوط کند. عرض کردم: سپاس و ستایش برای وجه پروردگارم است. دربارهٔ کلام خداوند متعال «بی‌تردید بازگشت آنان تنها به سوی ماست. سپس بی‌شک حساب آنان [نیز] تنها بر عهدهٔ ماست» چه می‌فرمایید؟ فرمود: دربارهٔ ما نازل شده است. عرض کردم: دربارهٔ تفسیرش پرسیدم. فرمود: ای قبیصه! چون روز قیامت فرا رسد، خداوند حساب شیعیان ما را بر عهدهٔ ما می‌گذارد. آن‌گاه هر چه میان ایشان و خداوند باشد، حضرت محمّد ﷺ آن را

از خداوند درخواست می‌کند و هر آن‌چه از مظالم میان ایشان و مردم باشد، حضرت محمّد ﷺ آن را می‌پردازد و هر آن‌چه میان ما و ایشان باشد، ما آن را به ایشان می‌بخشیم تا بی‌هیچ محاسبه به بهشت درآیند.

وَ مِن سُورَةِ الفَجرِ

(سورهٔ فجر، آیهٔ ۲۷ ـ ۳۰)

﴿ يٰا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ * ارْجِعي إِلىٰ رَبِّكِ رٰاضِيَةً مَرْضِيَّةً * فَادْخُلي في عِبٰادي * وَ ادْخُلي جَنَّتي ﴾

ای نفس آرام یافته! به سوی پروردگارت خشنود و پسندیده بازگرد. سپس در میان بندگانم درآی. و به بهشتم داخل شو.

۴۸۸. عَن أَبی‌بَصیرٍ قَالَ: قُلتُ لِأَبی عَبدِ اللهِ عليه‌السلام: جُعِلتُ فِدَاكَ يَستَكرِهُ المُؤمِنُ عَلَى خُرُوجِ نَفسِهِ؟ قَالَ: فَقَالَ: لَا وَ اللهِ، قَالَ: قُلتُ: وَ كَيفَ ذَاكَ؟ قَالَ: إِنَّ المُؤمِنَ إِذَا حَضَرَتهُ الوَفَاةُ حَضَرَ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله وَ أَهلُ بَيتِهِ اَمِيرُ المُؤمِنِينَ عَلِيُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ وَ فَاطِمَةُ وَ الحَسَنُ وَ الحُسَينُ وَ جَمِيعُ الأَئِمَّةِ عليهم‌السلام وَ لكِن إلتَوا عَن اسمِ فَاطِمَةَ وَ يَحضُرُهُ جَبرَئِيلُ وَ مِيكَائِيلُ وَ إِسرَافِيلُ وَ عِزرَائِيلُ عليهم‌السلام قَالَ: فَيَقُولُ أَمِيرُ المُؤمِنِينَ: يَا رَسُولَ اللهِ إِنَّهُ كَانَ مِمَّن يُحِبُّنَا وَ يَتَوَلَّانَا فَأَحِبَّهُ. قَالَ: فَيَقُولُ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله: يَا جَبرَئِيلُ إِنَّهُ كَانَ مِمَّن يُحِبُّ عَلِيًّا وَ ذُرِّيَّتَهُ فَأَحِبَّهُ، قَالَ: فَيَقُولُ جَبرَئِيلُ لِمِيكَائِيلَ وَ إِسرَافِيلَ مِثلَ ذَلِكَ قَالَ: ثُمَّ يَقُولُونَ جَمِيعًا لِمَلَكِ المَوتِ: إِنَّهُ كَانَ يُحِبُّ مُحَمَّداً وَ آلَهُ وَ يَتَوَلَّى عَلِيًّا وَ ذُرِّيَّتَهُ فَارفُق بِهِ. قَالَ: فَيَقُولُ مَلَكُ المَوتِ: وَ الَّذِی اختَارَكُم وَ كَرَّمَكُم وَ اصطَفَى مُحَمَّداً صلى‌الله‌عليه‌وآله

بِالنُّبُوَّةِ وَ خَصَّهُ بِالرِّسَالَةِ لَأَنَا أَرفَقُ بِهِ مِن وَالِدٍ رَفِيقٍ وَ أَشفَقُ مِن أَخٍ شَفِيقٍ.
ثُمَّ مَالَ إِلَيهِ مَلَكُ المَوتِ فَيَقُولُ لَهُ: يَا عَبدَ اللهِ أَخَذتَ فَكَاكَ رَقَبَتِكَ؟ أَخَذتَ رِهَانَ أَمَانِكَ؟ فَيَقُولُ: نَعَم. فَيَقُولُ: فَبِمَاذَا؟ فَيَقُولُ: بِحُبّي مُحَمَّداً وَ آلِهِ وَ بِوَلَايَتِي عَلِيًّا وَ ذُرِّيَّتَهُ. فَيَقُولُ: أَمَّا مَا كُنتَ تَحذَرُ فَقَد آمَنَكَ اللهُ مِنهُ وَ أَمَّا مَا كُنتَ تَرجُو فَقَد أَتَاكَ اللهُ بِهِ، اِفتَح عَينَيكَ فَانظُر إِلَى مَا عِندَكَ قَالَ: فَيَفتَحُ عَينَيهِ فَيَنظُرُ إِلَيهِم وَاحِدًا وَاحِدًا وَ يُفتَحُ لَهُ بَابُ إِلَى الجَنَّةِ فَيَنظُرُ إِلَيهَا فَيَقُولُ لَهُ: هَذَا مَا أَعَدَّ اللهُ لَكَ وَ هَؤُلَاءِ رُفَقَاؤُكَ أَفَتُحِبُّ اللِّحَاقَ بِهِم أَوِ الرُّجُوعَ إِلَى الدُّنيَا؟ قَالَ: فَقَالَ أَبُو عَبدِ اللهِ عليه السلام: أَمَا رَأَيتَ شَخصَتَهُ وَ رَفَعَ حَاجِبَيهِ إِلَى فَوقٍ مَن قَولُهُ: لَا حَاجَةَ لِي إِلَى الدُّنيَا وَ لَا الرُّجُوعِ إِلَيهَا، وَ يُنَادِيهِ مُنَادٍ مِن بَطنَانِ العَرشِ يَسمَعُهُ وَ يَسمَعُ مَن بِحَضرَتِهِ: ﴿ **يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ** ﴾ إِلَى مُحَمَّدٍ وَ وَصِيِّهِ وَ الأَئِمَّةِ مِن بَعدِهِ ﴿ **ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً** ﴾ بِالوَلَايَةِ ﴿ **مَرْضِيَّةً** ﴾ بِالثَّوَابِ فَادخُلِي فِي عِبَادِي مَعَ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله وَ أَهلِ بَيتِهِ عليهم السلام ﴿ **وَ ادْخُلِي جَنَّتِي** ﴾ غَيرَ مَشُوبَةٍ.

ابی‌بصیر گفت: به امام جعفر صادق عليه السلام عرض کردم: فدایت شوم! آیا مؤمن جان سپردن را ناپسند می‌شمارد؟ فرمود: به خدا سوگند نه! عرض کردم: چگونه چنین است؟ فرمود: هنگامی‌که زمان مرگش فرا می‌رسد، رسول خدا صلى الله عليه وآله و خاندان او یعنی امیرمؤمنان حضرت علی عليه السلام و حضرت فاطمه عليها السلام و امام حسن و امام حسین عليهما السلام و تمامی امامان عليهم السلام و جبرئیل و میکائیل و اسرافیل عليهم السلام در نزد او حاضر می‌شوند. در این هنگام امیرمؤمنان عليه السلام می‌فرماید: ای رسول خدا صلى الله عليه وآله! او از کسانی است که ما را دوست می‌دارد و ولایت ما را پذیرفته است، پس دوستش بدار. رسول خدا صلى الله عليه وآله می‌فرماید: ای جبرئیل! او از کسانی است که علی عليه السلام و فرزندانش را دوست می‌دارد پس دوستش بدار. جبرئیل نیز همین کلام را به میکائیل و اسرافیل می‌گوید. سپس همگی به فرشتهٔ مرگ می‌گویند: او محمّد صلى الله عليه وآله و خاندانش را دوست می‌داشته

و ولایت حضرت علی ؑ و فرزندان او را پذیرفته است، با او به مهربانی رفتار کن. آن‌گاه فرشتهٔ مرگ می‌گوید: سوگند به خدایی که شما را انتخاب نمود و گرامی داشت و محمّد ﷺ را به پیامبری برگزید و با رسالت مخصوصش گرداند، من نسبت به او از پدری مهربان مهربان‌تر و از برادری دلسوز دلسوزترم. سپس فرشتهٔ مرگ به سوی او می‌رود و می‌گوید: ای بندهٔ خدا! آیا آزادکننده‌ات از بردگی و شرط امان یافتنت را گرفته‌ای؟ او می‌گوید: آری. فرشتهٔ مرگ می‌گوید: چگونه؟ می‌گوید: با دوستی محمّد ﷺ و خاندانش و ولایت حضرت علی ؑ و فرزندانش. آن‌گاه فرشتهٔ مرگ می‌گوید: از هر چه که می‌ترسیدی، خداوند از آن تو را ایمن کرده و هر چه که آرزو داشتی، خداوند به تو عطا کرده است. چشمانت را باز کن و به آن‌چه در نزدت است نگاه کن. او چشمانش را باز می‌کند و به تک‌تک ایشان نگاه می‌کند. در این هنگام دری از بهشت به رویش باز می‌شود و او به بهشت می‌نگرد. سپس فرشتهٔ مرگ به او می‌گوید: این همان چیزی است که خداوند برای تو آماده کرده و اینان دوستان تو هستند، آیا دوست داری که به آنان بپیوندی یا به دنیا بازگردی؟ پاسخ می‌دهد: نه نیازی به دنیا دارم و نه می‌خواهم بدان بازگردم. در آن دم ندادهنده‌ای از دو سوی عرش چنان او را ندا می‌دهد که او و هر کس در کنار اوست بشنود و می‌گوید: «ای نفس آرام یافته» از وجود محمّد ﷺ و وصیّ او و امامان پس از او «بازگرد به سوی پروردگارت خشنود» از ولایت، «و پسندیده» برای پاداش، «سپس در میان بندگانم درآی» به همراه محمّد ﷺ و اهل بیتش «و به بهشتم داخل شو» بی‌هیچ دلواپسی.

۴۸۹. عَن مُحَمَّدِبنِ سُلَیمَانَ الدَّیلَمِیِّ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِی قَالَ: سَمِعتُ الأَفرِیقِی: یَقُولُ: سَأَلتُ أَبَاعَبدِ اللهِ ؑ عَنِ المُؤمِنِ أَیَستَکرِهُ عَلَی قَبضِ رُوحِهِ؟ قَالَ: لَا وَاللهِ. قُلتُ: وَکَیفَ ذَاكَ؟ قَالَ: لِأَنَّهُ إِذَا حَضَرَهُ مَلَكُ المَوتِ جَزِعَ فَیَقُولُ لَهُ مَلَكُ المَوتِ: لَا تَجزَع فَوَاللهِ لَأَنَا أَبَرُّ

بِكَ وَ أَشفَقُ عَلَيكَ مِن وَالِدٍ رَحِيمٍ لَو حَضَرَكَ إِفتَح عَينَيكَ فَانظُر قَالَ: وَ يَتَمَثَّلُ لَهُ رَسُولُ اللهِ ﷺ وَ أَمِيرُ المُؤمِنِينَ وَ الحَسَنُ وَ الحُسَينُ وَ الأَئِمَّةُ مِن بَعدِهِم وَ فَاطِمَةُ عليها السلام قَالَ: فَينظُرُ إِلَيهِم فَيستَبشِرُ بِهِم ، فَمَا رَأَيتَ شَخصَتَهُ تِلكَ؟ قُلتُ: بَلَى قَالَ: فَإِنَّمَا يَنظُرُ إِلَيهِم.

قَالَ: قُلتُ: جُعِلتُ فِدَاكَ قَد يُشَخَّصُ المُؤمِنُ وَالكَافِرُ؟! قَالَ: وَيحَكَ أَنَّ الكَافِرَ يُشَخَّصُ مُنقَلِباً إِلَى خَلفِهِ لِأَنَّ مَلَكَ المَوتِ إِنَّمَا يَأتِيهِ لِيَحمِلَهُ مِن خَلفِهِ ، وَ المُؤمِنُ يَنظُرُ أَمَامَهُ ، وَ يُنَادِي رَوحَهُ مُنَادٍ مِن قِبَلِ رَبِّ العِزَّةِ مِن بَطنَانِ العَرشِ فَوقَ الأُفُقِ الأَعلَى وَ يَقُولُ: ﴿ **يٰا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ** ﴾ إِلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ﴿ **ارْجِعي إِلىٰ رَبِّكِ رٰاضِيَةً مَرْضِيَّةً * فَادْخُلي في عِبٰادي * وَ ادْخُلي جَنَّتي** ﴾ فَيَقُولُ مَلَكُ المَوتِ: إِنِّي قَد أُمِرتُ أَن أُخَيِّرَكَ الرُّجُوعَ إِلَى الدُّنيَا وَ المُضِيَّ فَلَيسَ شَيءٌ أَحَبُّ إِلَيهِ مِنِ انسِلَالِ رُوحِهِ.

محمّد بن سليمان ديلمی گفت: پدرم برايم نقل کرد که از افريقی شنيدم که می‌گفت: از امام جعفر صادق عليه السلام پرسيدم آيا مؤمن جان سپردن را ناپسند می‌شمارد؟ فرمود: به خدا سوگند نه. عرض کردم: چگونه چنين است؟ فرمود: هنگامی که فرشتهٔ مرگ برای گرفتن جان مؤمن می‌آيد، مؤمن بی‌تابی می‌کند. فرشتهٔ مرگ به او می‌گويد: بی‌تابی مکن، به خدا سوگند من نسبت به تو از پدری مهربان که نزدت آمده باشد، دلسوزتر و نيکوکارترم، چشم‌هايت را باز کن و ببين. در اين هنگام وجود مبارک رسول خدا ﷺ و اميرمؤمنان عليه السلام و امام حسن و امام حسين عليهما السلام و امامان پس از ايشان و حضرت فاطمه عليها السلام برايش نمايان می‌شود. او به ايشان می‌نگرد و از ديدارشان شادمان می‌شود. عرض کردم: آری، فرمود: او تنها به ايشان می‌نگرد. عرض کردم: فدايت شوم، آيا مؤمن و کافر خيره می‌شوند؟ فرمود: وای بر تو، همانا کافر موقع مرگ پشت سرش را می‌نگرد تا فرشتهٔ مرگ جانش را بگيرد؛ و مؤمن به مقابلش نگاه می‌کند، و از جانب پروردگار عزيز از دو سوی عرش بر فراز افق

اعلی ندادهنده‌ای روحش را ندا می‌دهد و می‌گوید: «ای نفس آرام یـافته» از وجود محمّد ﷺ و خاندانش «به سـوی پـروردگارت خشـنود و پسـندیده بازگرد. سپس در میان بندگانم درآی و به بهشتم داخل شو».

در آن دم فرشتهٔ مرگ می‌گوید: به من امر شده است که تو را در بازگشت به دنیا و ترک کردن آن مخیّر گذارم. اما برای مؤمن، چیزی خوشایندتر از این نیست که روح از بدنش خارج شود.

وَ مِن سُورَةِ البَلَدِ

(سورهٔ بلد، آیهٔ ۱ ـ ۲)

﴿ لا أُقْسِمُ بِهٰذَا الْبَلَدِ * وَ أَنْتَ حِلٌّ بِهٰذَا الْبَلَدِ ﴾

سوگند یاد می‌کنم به این شهر، و حال آن‌که تو در این شهر سکونت داری.

۴۹۰. عَن إِبرَاهِيمَ‌بنِ أَبِي‌يَحيَى قَالَ: سُئِلَ أَبُوعَبدِ اللهِ عليه‌السلام عَن قَولِ اللهِ تَعَالَى: ﴿ لا أُقْسِمُ بِهٰذَا الْبَلَدِ * وَ أَنْتَ حِلٌّ بِهٰذَا الْبَلَدِ ﴾ قَالَ: إِنَّ قُرَيشًا كَانُوا يُحَرِّمُونَ البَلَدَ وَ يَتَقَلَّدُونَ اللِّحَاءَ الشَّجَرِ قَالَ حَمَّادُ: أَغصَانَهَا إِذَا خَرَجُوا مِنَ الحَرَمِ فَاستَحَلُّوا مِن نَبِيِّ‌اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله الشَّتمَ وَ التَّكذِيبَ فَقَالَ: ﴿ لا أُقْسِمُ بِهٰذَا الْبَلَدِ * وَ أَنْتَ حِلٌّ بِهٰذَا الْبَلَدِ ﴾ إِنَّهُم عَظَّمُوا البَلَدَ وَ استَحَلُّوا مَا حَرَّمَ اللهُ.

ابراهیم بن ابی‌یحیی گفت: از امام جعفر صادق عليه‌السلام دربارهٔ کلام خداوند متعال «سوگند یاد می‌کنم به این شهر، و حال آن‌که تو در این شهر سکونت داری» پرسیدند. ایشان فرمود: قریشیان هر نوع آزار و اذیتی را در مکه حرام می‌دانستند و لیف درخت را ـ حمّاد گفته است شاخه‌های درخت را ـ به هنگام خروج از حرم بر گردن می‌آویختند، امّا ناسزاگویی و دروغ بستن به پیامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله را حلال می‌دانستند. خداوند نیز فرمود: «سوگند یاد می‌کنم به این شهر، و حال

آن‌که تو در این شهر سکونت داری»؛ چراکه آن‌ها به مکه احترام می‌گذاشتند امّا آن‌چه راکه خداوند حرام کرده بود، حلال می‌دانستند.

(سورهٔ بلد، آیهٔ ۱۱ ـ ۱۳)

﴿ فَلاَ اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ * وَ مٰا أَدْرٰاكَ مَا الْعَقَبَةُ * فَكُّ رَقَبَةٍ ﴾

پس به آن گردنه وارد نشد. و تو چه می‌دانی که آن گردنه چیست؟ آزادکردن برده‌ای.

۴۹۱. عَن يُوسُفَ‌بنِ بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلَ أَبَانُ أَبَاعَبدِ اللهِ عليه السلام عَن هَذِهِ الآيَةِ: ﴿ فَلاَ اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ ﴾ قَالَ: يا أَبَانُ بَلَغَكَ عَن أَحَدٍ فِيهَا شَيءٌ؟ فَقُلتُ: لَا. فَقَالَ: يَا أَبَانُ نَحنُ العَقَبَةُ وَ لَا يَصعَدُ إِلَينَا إِلَّا مَن كَانَ مِنَّا، ثُمَّ قَالَ: إِلَّا أَزِيدُكَ حَرفًا هُوَ خَيرٌ لَكَ مِنَ الدُّنيَا وَ مَا فِيهَا؟ قُلتُ: بَلَى جُعِلتُ فِدَاكَ قَالَ: النَّاسُ مَمَالِيكُ النَّارِ غَيرَكَ وَ غَيرَ أَصحَابِكَ‌فَكَكتُم مِنهَا. قُلتُ: بِمَاذَافَكَكنَا مِنهَا. قَالَ: بِوَلَايَتِكُم أَمِيرِ المُؤمِنِينَ عَلِيِّ‌بنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام.

یوسف‌بن بصیر گفت: ابان دربارهٔ آیهٔ «پس به آن گردنه وارد نشد» از امام جعفر صادق عليه السلام پرسید. ایشان فرمود: ای ابان! آیا در این مورد از کسی چیزی شنیده‌ای؟ عرض کردم: نه. فرمود: ای ابان! ما همان گردنه هستیم که تنها کسی که از ما باشد می‌تواند به سمت ما بالا رود. سپس فرمود: آیا سخنی برایت بگویم که برایت از دنیا و آن‌چه در آن است بهتر باشد؟ عرض کردم: آری فدایت شوم. فرمود: مردم، زیردستان آتش‌اند، غیر از تو و یارانت که خداوند شما را از آتش آزاد کرده است. گفتم: به‌خاطر چه چیزی ما را از آتش آزاد کرد؟ فرمود: به‌خاطر ولایت امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب عليه السلام.

۴۹۲. عَن أَبَانِ‌بنِ تَغلِبَ عَن أَبِي‌عَبدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: قُلتُ لَهُ: جُعِلتُ فِدَاكَ! مَا فَكُّ رَقَبَةٍ؟ قَالَ: النَّاسُ كُلُّهُم عَبِيدُ النَّارِ غَيرَكَ وَ غَيرَ أَصحَابِكَ فَإِنَّ اللهَ فَكَّ رِقَابَكُم مِنَ النَّارِ بِوَلَايَتِنَا أَهلَ البَيتِ.

ابان بن تغلب از قول امام جعفر صادق عليه السلام نقل می‌کند که به امام عليه السلام عرض

کردم: فدایت شوم! آزاد کردن برده به چه معناست؟ ایشان فرمود: همهٔ مردم بردهٔ آتش هستند، غیر از تو و یارانت؛ چراکه خداوند به‌خاطر ولایت ما اهل بیت ﷺ شما را از بردگی آتش آزاد کرده است.

وَ مِن سُورَةِ الشَّمسِ

(سورهٔ شمس، آيهٔ ۱ ـ ۴)

﴿ وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا * وَالْقَمَرِ إِذَا تَلاهَا * وَالنَّهَارِ إِذَا جَلاَّهَا * وَ اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا ﴾

سوگند به خوشید و روشنایی آن؛ و سوگند به ماه، آن‌گاه که از پی آن درآید؛ و سوگند به روز، آن‌گاه که آشکارش سازد؛ و سوگند به شب، آن‌گاه که می‌پوشاندش.

۴۹۳. عَلِيُّ بنُ مُحَمَّدِبنِ عُمَرَ الزُّهرِيُّ مُعَنعَنًا: عَن أَبي‌جَعفَرٍ عليه السلام قَالَ: قَالَ الحَارِثُ الأَعوَرُ لِلحُسَينِ عليه السلام: يا ابنَ رَسُولِ اللهِ جُعِلتُ فِداكَ أَخبِرني عَن قَولِ اللهِ في كِتابِهِ: ﴿ وَ الشَّمْسِ وَ ضُحَاهَا ﴾ قَالَ: وَيحَكَ يا حارِثُ ذَلِكَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله. قَالَ: قُلتُ: جُعِلتُ فِداكَ: قَولُهُ: ﴿ وَ الْقَمَرِ إِذَا تَلاهَا ﴾ قَالَ: ذَلِكَ أَميرُ المُؤمِنينَ عَلِيُّ بنُ أَبي‌طالِبٍ عليه السلام يَتلو مُحَمَّداً صلى الله عليه وآله. قَالَ: قُلتُ: ﴿ وَ النَّهَارِ إِذَا جَلاَّهَا ﴾ قَالَ: ذَلِكَ القَائِمُ مِن آلِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله يَملَأُ الأَرضَ عَدلاً وَ قِسطًا.

علی بن محمّد بن عمر زهری روایت کرده است: امام محمّد باقر عليه السلام فرمود: حارث اعور به امام حسین عليه السلام عرض کرد: ای فرزند رسول خدا صلى الله عليه وآله فدایت شوم! مرا از این سخن خداوند در قرآن که می‌فرماید «قسم به خورشید و روشنایی

آن» آگاه کن. فرمود: وای بر تو ای حارث! منظور از آن حضرت محمّد رسول خدا ﷺ است. حارث گفت: عرض کردم: فدایت شوم، آیه «قسم به ماه، آن‌گاه که از پی آن درآید» به چه معناست؟ فرمود: آن امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام است که در پی حضرت محمّد ﷺ می‌آید. عرض کردم: «و سوگند به روز، آن‌گاه که آشکار سازد» به چه معناست؟ فرمود: آن قائم آل محمّد ﷺ است که زمین را از عدل و داد پر می‌کند.

۴۹۴. أَحمَدُ بنُ مُحَمَّدِ بنِ أَحمَدَ بنِ طَلحَةَ الخُرَاسَانِيُّ مُعَنعَنًا: عَن جَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ علیهما‌السلام فِي قَولِ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿ وَ الشَّمْسِ وَ ضُحَاهَا ﴾ يَعنِي رَسُولَ اللهِ ﷺ، ﴿ وَ الْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا ﴾ يَعنِي أَمِيرَ الْمُؤمِنِينَ عَلِيَّ بنَ أَبِي‌طَالِبٍ علیه‌السلام. ﴿ وَ النَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا ﴾ يَعنِي الأَئِمَّةَ أَهلَ البَيتِ يَملِكُونَ الأَرضَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ فَيَملَؤُنَهَا عَدلًا وَ قِسطًا المُعِينُ لَهُم كَمُعِينِ مُوسَى عَلَى فِرعَونَ وَ المُعِينُ عَلَيهِم كَمُعِينِ فِرعَونَ عَلَى مُوسَى.

احمدبن محمّد بن احمدبن طلحه خراسانی گفت: امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمود: در سخن خداوند بلندمرتبه «قسم به خورشید و روشنایی آن» منظور رسول خدا ﷺ است. «و سوگند به ماه آن‌گاه که از پی آن درآید» یعنی امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام. و منظور از «سوگند به روز، آن‌گاه که آشکار سازد» امامان اهل بیت هستند که در آخر الزمان مالک زمین می‌شوند و آن را از عدل و داد پر می‌کنند. هر که یاور ایشان باشد، مانند یاور موسی در برابر فرعون است و هر که دشمن ایشان را یاری کند، مانند آن است که فرعون را در برابر موسی یاری کرده است.

۴۹۵. عَن سُلَيمَانَ ـ يَعنِي الدَّيلَمِيَّ ـ عَن أَبِي‌عَبدِ اللهِ علیه‌السلام قَالَ: سَأَلتُهُ عَن قَولِ اللهِ تَعَالَى: ﴿ وَ الشَّمْسِ وَ ضُحَاهَا ﴾ قَالَ: اَلشَّمسُ رَسُولُ اللهِ ﷺ أَوضَحَ لِلنَّاسِ دِينَهُم. قُلتُ: ﴿ وَ الْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا ﴾ قَالَ: ذَلِكَ أَمِيرُ الْمُؤمِنِينَ عَلِيُّ بنُ أَبِي‌طَالِبٍ علیه‌السلام تَلَا رَسُولَ اللهِ ﷺ وَ نَفَثَهُ بِالعِلمِ نَفثًا ﴿ وَ النَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا ﴾ قَالَ: ذَلِكَ الإِمَامُ مِن ذُرِّيَّةِ فَاطِمَةَ علیهاالسلام.

سلیمان دیلمی گفت: از امام جعفر صادق ﷺ دربارهٔ کلام خداوند متعال «قسم به خورشید و روشنایی آن» پرسیدم. ایشان فرمود: خورشید رسول خدا ﷺ است که برای مردم دینشان را روشن ساخت. عرض کردم: آیه «و سوگند به ماه، آن‌گاه که از پی آن درآید» به چه معناست؟ فرمود: آن امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب ﷺ است که به دنبال رسول خدا ﷺ می‌آید و دانش را در وجودش نهاده است. «و سوگند به روز، آن‌گاه که آشکار سازد» منظور، امامان زادهٔ فاطمه ﷺ می‌باشند.

(سورهٔ شمس، آیهٔ ۹)

﴿ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكّٰاهٰا ﴾

مسلّماً هرکس آن را پاک گردانید، رستگار شد.

۴۹۶. مُحَمَّدُبْنُ القَاسِمِ بنِ عُبَيدٍ عَن أَبِى عَبدِ اللهِ ﷺ فِى قَولِهِ تَعَالَى: ﴿ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكّٰاهٰا ﴾ قَالَ: أَمِيرُ المُؤمِنِينَ عَلِيٌّ زَكَّاهُ النَّبِيُّ ﷺ.

محمّد بن قاسم بن عبید گفت: امام جعفر صادق ﷺ دربارهٔ کلام حق تعالی «مسلّماً هر کس آن را پاک گردانید، رستگار شد» فرمود: منظور امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب ﷺ است که پیامبر ﷺ او را پاک گردانید.

وَ مِن سُورَةِ اللَّيلِ

(سورهٔ لیل، آیهٔ ۱ ـ ۳)

﴿ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ * وَ اللَّيْلِ إِذٰا يَغْشىٰ * وَ النَّهٰارِ إِذٰا تَجَلّٰى * وَ مٰا خَلَقَ الذَّكَرَ وَ الْأُنْثىٰ ﴾

به نام خداوند بخشایندهٔ مهربان * سوگند به شب هنگامی که می‌پوشاند و سوگند به روز هنگامی‌که آشکار می‌شود.
و سوگند به آن‌که نر و ماده را آفرید.

۴۹۷. فُرَاتُ بنُ إبرَاهِيمَ الكُوفِيُّ مُعنعَنًا: عَنِ عَلِيِّ بنِ الحُسَينِ عليهما السلام قَالَ: كَانَ رَجُلٌ مُوسِرٌ عَلَى عَهدِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله فِي دَارِهِ حَدِيقَةٌ وَ لَهُ جَارٌ لَهُ صِبيَةٌ فَكَانَ يَتَسَاقَطُ الرُّطَبُ عَنِ النَّخلَةِ فَيَشُدُّونَ صِبيَانُهُ يَأكُلُونَهُ فَيَأتِي المُوسِرُ فَيُخرِجُ الرُّطَبَ مِن جَوفِ أَفوَاهِ الصَّبِيَّةِ، فَشَكَى الرَّجُلُ ذَلِكَ إِلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله فَأَقبَلَ وَحدَهُ إِلَى الرَّجُلِ فَقَالَ: بِعنِي حَدِيقَتَكَ هَذِهِ بِحَدِيقَةٍ فِي الجَنَّةِ. فَقَالَ لَهُ المُوسِرُ: لَا أَبِيعُكَ عَاجِلاً بِآجِلٍ فَبَكَى النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله وَ رَجَعَ نَحوَ المَسجِدِ فَلَقِيَهُ أَمِيرُ المُؤمِنِينَ عَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فَقَالَ: لَهُ: يَا رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وآله مَا يُبكِيكَ لَا أَبكَى اللهُ عَينَيكَ فَأَخبَرَهُ خَبَرَ الرَّجُلِ الضَّعِيفِ وَ الحَدِيقَةِ، فَأَقبَلَ أَمِيرُ المُؤمِنِينَ حَتَّى استَخرَجَهُ مِن مَنزِلِهِ وَ قَالَ لَهُ: بِعنِي دَارَكَ. قَالَ المُوسِرُ: بِحَائِطِكَ

الحَسَی! فَصَفَقَ عَلی یَدِهِ وَ دارَ إلَی الضَّعیفِ فَقالَ لَهُ: دُر إلی دارِكَ فَقَدمَلَّكَکَها اللهُ رَبُّ العالَمینَ وَ أقبَلَ أمیرُ المُؤمِنینَ علیه‌السلام وَ نَزَلَ جبرَئیلُ علیه‌السلام عَلَی النَّبیِّ صلی‌الله‌علیه‌وآله فَقالَ لَهُ: یا مُحَمَّدُ إقرَء: ﴿ وَ اللَّیْلِ إِذٰا یَغْشیٰ * وَ النَّهٰارِ إِذٰا تَجَلّٰی * وَ مٰا خَلَقَ الذَّکَرَ وَ الْأُنْثیٰ[1] ﴾ إلی آخِرِ السُّورَةِ. فَقامَ النَّبیُّ صلی‌الله‌علیه‌وآله فَقَبَّلَ بَینَ عَینَیهِ ثُمَّ قالَ: بِأَبی أنت وَ أُمّی قَد أنزَلَ اللهُ فِیكَ هَذِهِ السُّورَةَ کامِلَةً.

فرات بن ابراهیم کوفی روایت کرده است: امام سجاد علیه‌السلام فرمود: در زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله مردی ثروتمند بود که در خانه‌اش درخت رطبی داشت و مردی با فرزندانی کوچک در همسایگی‌اش به سر می‌برد. هرگاه از شاخهٔ آن درخت خرمایی در منزل آن‌ها می‌افتاد و آن کودکان می‌خوردند، آن مرد می‌آمد و آن خرما را از دهان آن‌ها بیرون می‌آورد. پدر کودکان نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از این مطلب شکایت کرد. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله خود نزد آن مرد رفت و به او فرمود: این باغت را در ازای باغی در بهشت به من بفروش. مرد ثروتمند عرض کرد: من نقد را در ازای نسیه به تو نمی‌فروشم. پیامبر گریست و به سمت مسجد بازگشت. علی علیه‌السلام ایشان را دید و عرض کرد: ای رسول خدا! خدا چشمانت را گریان نسازد، چرا گریه می‌کنی؟! رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله خبر آن مرد بیچاره و آن درخت را برای علی علیه‌السلام نقل کرد. امیرمؤمنان علیه‌السلام راهی شد و آن مرد را به بیرون فراخواند و به او فرمود: خانه‌ات را به من بفروش. عرض کرد: در ازای زمینت در حاشیهٔ شهر. حضرت با او معامله کرد و به خانهٔ مرد بیچاره رفت و به او فرمود: به خانه‌ات رو که پروردگار جهانیان آن خانه را به ملک تو درآورده است. امیرمؤمنان علیه‌السلام بازگشت و جبرئیل علیه‌السلام بر پیامبر نازل شد و عرض کرد: ای محمّد! بخوان «سوگند به شب هنگامی که می‌پوشاند و سوگند به روز هنگامی که آشکار می‌شود و سوگند به آن‌که نر و ماده را آفرید» تا آخر سوره. آن‌گاه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله

---

۱. لیل، ۳-۱

برخاست و میان دو چشم علی ﷺ را بوسید و سپس فرمود: پدر و مادرم فدای تو باد! به راستی این سوره را به‌طور کامل خداوند دربارهٔ تو نازل فرمود.

۴۹۸. قَالَ حَدَّثَنا مُحَمَّدُبنُ القاسمِبنِ عُبَيدٍ مُعَنعَنًا: عَن أَبِي‌عَبدِ اللهِ ﷺ فِي قَولِ اللهِ تَعَالَى: ﴿ وَ كَذَّبَ بِالحُسنَى ﴾ بِوَلَايَةِ عَلِيٍّ ﷺ ﴿ فَسَنُيَسِّرُهُ لِلعُسرَىٰ ﴾ النّارُ ﴿ وَ مٰا يُغْني عَنْهُ مٰالُهُ إِذٰا تَرَدّٰى ﴾ وَ مَا يُغنِي إِذَا مَاتَ ﴿ إِنَّ عَلَيْنا لَلْهُدىٰ ﴾ إِنَّ عَلِيًّا هَذَا الهُدَى ﴿ وَ إِنَّ لَنا لَلْآخِرَةَ وَ الْأُولىٰ ﴾ ﴿ فَأَنْذَرْتُكُمْ نٰارًا تَلَظّٰى ﴾ القَائِمُ ـ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيهِ ـ إِذَا قَامَ بِالغَضَبِ فَقَتَلَ مِن كُلِّ أَلفٍ تِسعَمِاءَةٍ وَ تِسعَةً وَ تِسعِينَ ﴿ لا يَصْلاٰها إِلاَّ الْأَشْقَى ﴾ ﴿ الَّذي كَذَّبَ ﴾ بِالوَلَايَةِ ﴿ وَ تَوَلّٰى ﴾ عَنهَا ﴿ وَ سَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى ﴾ المُؤمِنُ ﴿ الَّذي يُؤْتي مٰالَهُ يَتَزَكّٰى ﴾ الَّذِي يُعطِي العِلمَ أَهلَهُ ﴿ وَ مٰا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزىٰ ﴾ مَا لِأَحَدٍ عِندَهُ مُكَافَأَةٌ ﴿ إِلاَّ ابْتِغٰاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلىٰ ﴾ القُربَةُ إِلَى اللهِ تَعَالَى ﴿ وَ لَسَوْفَ يَرْضىٰ ﴾ إِذَا عَايَنَ الثَّوابَ.

محمّد بن قاسم‌بن عبید روایت کرده است: امام جعفر صادق ﷺ دربارهٔ کلام خداوند متعال «و نیکوترین را تکذیب کرد» فرمود: یعنی ولایت علی ﷺ را تکذیب کرد. «پس به زودی برای او پیمودن دشوارترین راه را آسان خواهیم کرد» منظور راه جهنم است «و هرگاه به هلاکت بیفتد، دارایی‌اش به او سودی نمی‌بخشد» و چون بمیرد، به حال او سودی ندارد. «بی‌تردید هدایت تنها بر [عهدهٔ] ماست» این هدایت، علی ﷺ است. «بی‌شک آخرت و دنیا برای ماست، پس شما را از آتشی که زبانه می‌کشد بیم می‌دهم» منظور، حضرت قائم ﷺ است که چون قیام کند از هر هزار نفر، نهصدونودونه نفر را می‌کشد. «که جز بدبخت‌ترین داخل آن نمی‌شود، همان کسی که [آیات خدا را] تکذیب کرد» ولایت را «و روی برتافت» از ولایت «به زودی پرهیزکارترین افراد از آن دور داشته می‌شود» یعنی مؤمن «همان کسی که مالش را می‌بخشد تا پاک شود» منظور کسی است که علم را به اهلش می‌بخشد «و هیچ کس را نزد او [حق] نعمتی نیست که [به سبب بخشش مال] آن نعمت پاداش داده شود»

هیچ غرامتی از برای کسی بر عهدهٔ او نیست. «[پس انفاق نمی‌کند] مگر برای طلب رضایت پروردگار بلندمرتبه‌اش» یعنی برای نزدیکی به خدا «و مسلماً به زودی خشنود می‌شود» یعنی هنگامی که به پاداش الهی می‌رسد.

وَ مِن سُورَةِ الضُّحَى

(سورهٔ ضحی، آیهٔ ۱ ـ ۱۱)

﴿ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ * وَ الضُّحىٰ * وَ اللَّيْلِ إِذٰا سَجىٰ * مٰا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَ مٰا قَلىٰ * وَ لَلآخِرَةُ خَيْرٌ لَكَ مِنَ الْأُولىٰ * وَ لَسَوْفَ يُعْطيكَ رَبُّكَ فَتَرْضىٰ * أَ لَمْ يَجِدْكَ يَتيمًا فَآوىٰ * وَ وَجَدَكَ ضالاًّ فَهَدىٰ * وَ وَجَدَكَ عٰائِلاً فَأَغْنىٰ * فَأَمَّا الْيَتيمَ فَلاٰ تَقْهَرْ * وَ أَمَّا السّٰائِلَ فَلاٰ تَنْهَرْ * وَ أَمّٰا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ ﴾

به نام خداوند بخشایندهٔ مهربان * سوگند به روشنایی روز و سوگند به شب هنگامی که آرام گیرد. پروردگارت نه تو را واگذاشته و نه دشمن داشته است و مسلماً آخرت برای تو بهت از دنیاست و قطعاً پروردگارت [آن مقدار] به تو خواهد بخشید که خشنود شوی. آیا تو را یتیم نیافت پس بی‌نیاز گردانید. پس یتیم را خوار مکن و درخواست‌کننده را با تندی مران و امّا نعمت پروردگارت را بازگوی.

۴۹۹ . عَنِ السُّدِيِّ فِي قَولِ اللهِ تَعَالَى: ﴿ وَ لَسَوْفَ يُعْطيكَ رَبُّكَ فَتَرْضىٰ[1] ﴾ قَالَ: رِضَاهُ أَن

---

۱. ضحی، ۵.

يَدخُلَ أَهلُ بَيتِهِ الجَنَّةَ.

سدیّ دربارهٔ کلام خداوند متعال «و قطعاً پروردگارت [آن مقدار] به تو خواهد بخشید که خشنود شوی» گفت: خشنودی او در این است که اهل بیت او به بهشت درآیند.

۵۰۰. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ: ﴿ **وَ وَجَدَكَ ضَالاًّ**[۱] ﴾ عَنِ النُّبُوَّةِ ﴿ **فَهَدىٰ** ﴾ إِلَى النُّبُوَّةِ ﴿ **وَ وَجَدَكَ عائِلاً فَأَغْنىٰ**[۲] ﴾ بِخَدِيجَةَ.

ابن عباس گفت: آیهٔ «و تو را راه گم کرده یافت»، یعنی راه گم کرده از نبوت و پیامبری؛ «پس راه نمود» سوی نبوت، «و تو را نیازمند یافت، پس بی‌نیاز گردانید» به وسیلهٔ حضرت خدیجه عليها السلام.

۵۰۱. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ فِي قَولِهِ: ﴿ **وَ لَلآخِرَةُ خَيْرٌ لَكَ** ﴾ يَقُولُ: لَلجَزاءُ لَكَ فِي الآخِرَةِ خَيرٌ ﴿ **مِنَ الْأُولىٰ** ﴾ يَقُولُ: ثَوابُ الآخِرَةِ خَيرٌ لَكَ مِمّا أُعطِيتَ مِنَ الدُّنيا ﴿ **وَ لَسَوْفَ** ﴾ وَ هذِهِ عِدَةٌ مِنهُ ﴿ **يُعْطِيكَ رَبُّكَ** ﴾ مِنَ الثَّوابِ فِي الآخِرَةِ ﴿ **فَتَرْضىٰ** ﴾ يَقُولُ: فَتَقنَعْ ثُمَّ عُدَّت عَلَيهِ ﴿ **أَ لَمْ يَجِدْكَ يَتِيماً** ﴾ عِندَ أَبِي طالِبٍ عليه السلام فِي حَجرِهِ يَتِيماً ﴿ **فَآوىٰ** ﴾ يَقُولُ: يَكفُلُ عَنهُ ﴿ **وَ وَجَدَكَ ضَالاًّ** ﴾ يَقُولُ: فِي قَومٍ ضالٍّ ـ يَعنِي بِهِ الكُفّارَ ـ ﴿ **فَهَدىٰ** ﴾ لِلتَّوحِيدِ ﴿ **وَ وَجَدَكَ عائِلاً** ﴾ يَقُولُ: فَقِيراً ﴿ **فَأَغْنىٰ** ﴾ يَقُولُ: قَنَّعَكَ بِما أَعطاكَ مِنَ الرِّزقِ.

ابن عباس گفت: در این سخن خداوند «و مسلّماً آخرت برای تو بهتر است» یعنی پاداشی که در آخرت برای توست بهتر است «از دنیا»، یعنی ثوابی که در آخرت به تو داده می‌شود، بهتر است از آن‌چه که در این دنیا به تو داده شده، «و قطعاً» این وعده‌ای از جانب اوست که «پروردگارت به تو خواهد بخشید» از ثواب در آخرت «که خشنود شوی» تا قانع شوی. سپس آیه برای ایشان می‌شمارد: «آیا تو را یتیم نیافت» نزد ابوطالب تنها در اتاقش «پس پناه داد» از

---

۱. ضحی، ۷

۲. ضحی، ۸

او بی‌نیاز کرد، «و تو را راه گم‌کرده یافت» در میان قوم گمراهان ـ منظور کافران است ـ «پس هدایت کرد» برای یکتاپرستی «و تو را نیازمند یافت»، یعنی فقیر «پس بی‌نیاز گردانید» با آن‌چه از روزی به تو عطا کرد، قانعت گردانید.

۵۰۲. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ فِي قَولِهِ: ﴿ **وَ لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضىٰ** ﴾ قَالَ: يُدخِلُ اللهُ ذُرِّيَّتَهُ الجَنَّةَ.

ابن عباس دربارهٔ کلام حق تعالی «و قطعاً پروردگارت [آن مقدار] به تو خواهد بخشید که خشنود شوی» گفت: خداوند فرزندانش را وارد بهشت می‌نماید.

۵۰۳. عُبَيدُبنُ كَثِيرٍ: عَن أَمِيرِالمُؤمِنِينَ عَلِيِّ‌بنِ أَبِي‌طالِبٍ عليه‌السلام قَالَ: خُلِقَتِ الأَرضُ لِسَبعَةٍ بِهِم يُرزَقُونَ وَ بِهِم يُنصَرُونَ وَ بِهِم يُمطَرُونَ عَبدُ اللهِ‌بنِ مَسعُودٍ وَ أَبُوذَرٍ وَ عَمَّارُ وَ سَلمَانُ الفَارِسِيُّ وَ مِقدَادُ ابنُ الأَسوَدِ وَ حُذَيفَةُ وَ أَنَا إِمَامُهُم السَّابِعُ قَالَ اللهُ تَعالَى ﴿ **وَ أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ**[1] ﴾.

عبیدبن کثیر گفت: امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب عليه‌السلام فرمود: زمین به خاطر هفت نفر آفریده شد که مردم به خاطر آن‌ها روزی داده می‌شوند و یاری می‌شوند و به خاطر آن‌ها باران می‌بارد: عبدالله‌بن مسعود و ابوذر و عمار و سلمان فارسی و مقدادبن اسود و حذیفه و من که امام آن‌ها و هفتمین آن‌ها هستم. خداوند متعال فرمود: «و اما نعمت پروردگارت را بازگوی».

۵۰۴. عَن حَربِ بنِ شُرَيحِ البَصرِيِّ قَالَ: قُلتُ لِمُحَمَّدِبنِ عَلِيٍّ عليهما‌السلام أَيُّ آيَةٍ فِي كِتَابِ اللهِ أَرجَى؟ قَالَ: مَا يَقُولُ فِيهَا قَومُكَ؟ قَالَ: قُلتُ: يَقُولُونَ: ﴿ **يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللهِ**[2] ﴾ قَالَ: لَكِنَّا أَهلَ البَيتِ لَا نَقُولُ ذَلِكَ قَالَ: قُلتُ: فَأَيُّ شَيءٍ تَقُولُونَ فِيهَا؟ قَالَ: نَقُولُ: ﴿ **وَ لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضىٰ** ﴾ الشَّفَاعَةُ وَاللهِ الشَّفَاعَةُ وَ اللهِ الشَّفَاعَةُ.

---

۱. ضحی، ۱۱

۲. زمر، ۵۳

حرب بن شریح بصری گفت: به امام محمّد باقر علیه السلام عرض کردم: کدام آیه در قرآن امیدوارکننده‌تر است؟ حضرت فرمود: قوم تو در این باره چه می‌گویند؟ عرض کردم: این آیه را می‌گویند: «ای بندگان من! کسانی که دربارهٔ نفس‌های خود زیاده‌روی کرده‌اید! از رحمت خداوند ناامید نشوید». ایشان فرمود: اما ما خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله این‌گونه نمی‌گوییم. عرض کردم: شما کدام آیه را می‌گویید؟ فرمود: ما این آیه را می‌گوییم که می‌فرماید: «و قطعاً پروردگارت [آن مقدار] به تو خواهد بخشید که خشنود شوی»، منظور شفاعت است، به خدا سوگند که شفاعت است، به خدا سوگند که شفاعت است.

وَ مِن سُورةِ الم نَشرَح

(سورهٔ شرح، آيهٔ ۱ ـ ۷)

﴿ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ * أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ * وَ وَضَعْنَا عَنْكَ وِزْرَكَ * الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ * وَ رَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ * فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا * إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا * فَإِذَا فَرَغْتَ فَانْصَبْ * وَ إِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ ﴾

به نام خداوند بخشنده مهربان * آیا سینه‌ات را برای تو گشاده نکردیم؟ و بار گرانت را از [دوش] تو بر نداشتیم؟ همان [باری] که پشت تو را شکست. و یاد تو را بلندآوازه گردانیدیم. پس به یقین با دشواری آسانی است. بی‌تردید با دشواری آسانی است. پس هرگاه [از نماز] فراغت یافتی، سخت [در دعا] بکوش. و فقط به سوی پروردگارت روی آور.

۵۰۵. قَالَ: حَدَّثَنَا أَبوالقَاسِمِ عَبدُالرَّحمَانِ‌بنِ مُحَمَّدِبنِ عَبدُالرَّحمَانِ العَلَوِيِّ الحَسَنِيُّ مُعنعَنًا: عَن أَبِی عَبدِ اللهِ عليه‌السلام: ﴿ فَإِذَا فَرَغْتَ فَانْصَبْ ﴾ عَلِيًّا لِلوَلَايَةِ.

ابوالقاسم عبدالرحمان‌بن محمّد روایت کرده است: امام جعفر صادق عليه‌السلام فرمود: «پس هرگاه فراغت یافتی، سخت بکوش (و یا منصوب کن)» یعنی علی عليه‌السلام را به ولایت منصوب کن.

۵۰۶. مُحَمَّدُ بنُ القَاسِمِبنِ عُبَيدٍ مُعنعنًا: عَن أَبِیعَبدِ اللهِ عليه السلام قَولُهُ تَعالَى: ﴿ أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ ﴾ قَالَ: بِعَلِيٍّ ﴿ وَ وَضَعْنَا عَنْكَ وِزْرَكَ * الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ فَإِذَا فَرَغْتَ فَانْصَبْ ﴾ عَلِيًّا عليه السلام ﴿ وَ إِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ ﴾ فِی ذَلِكَ.

محمّد بن القاسم‌بن عبید گفت: امام جعفر صادق عليه السلام دربارهٔ کلام خداوند متعال فرمود: «آیا سینه‌ات را برای تو گشاده نکردیم؟» به وسیلهٔ حضرت علی عليه السلام. «و بار گرانت را از [دوش] تو برداشتیم. همان [باری] که پشت تو را شکست... پس هرگاه فراغت یافتی سخت بکوش (و یا منصوب کن)» حضرت علی عليه السلام را به ولایت منصوب کن «و در این امر فقط به سوی پروردگارت روی آور.»

۵۰۷. قَالَ: حَدَّثَنَا جَعفَرُبنُ مُحَمَّدٍ مُعنَعَنًا عَن أَبِیجَعفَرٍ عليه السلام فِی قَولِهِ: ﴿ أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ ﴾ قَالَ: أَلَم نَعلَمكَ مَن وَصِيُّكَ؟

امام جعفر صادق عليه السلام به نقل از امام محمّد باقر عليه السلام فرمود: «آیا سینه‌ات را برای تو گشاده نکردیم؟» آیا تو را آگاه نکردیم که وصی تو چه کسی است؟

۵۰۸. قَالَ: حَدَّثَنِی جَعفَرُ بنُ أَحمَدَ بنِ يُوسُفَ مُعنَعنًا: عَن أَبِیجَعفَرٍ عليه السلام قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: لَا يَزَالُ يَخرُجُ لَهُم حَدِيثًا فِی فَضلِ وَصِيِّهِ حَتَّى نَزَلَت عَلَيهِ هَذِهِ السُّورَةُ فَاحتَجَّ عَلَيهِم عَلَانِيَةً حِينَ أُعلِمَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله بِمَوتِهِ وَ نُعِيَت إِلَيهِ نَفسُهُ فَقَالَ: ﴿ فَإِذَا فَرَغْتَ فَانْصَبْ ﴾ يَقُولُ: إِذَا فَرَغتَ مِن نُبُوَّتِكَ فَانصَب عَلِيًّا مِن بَعدِكَ وَ عَلِيٌّ وَصِيُّكَ فَأَعلِمهُم فَضلَهُ عَلَانِيَةً فَقَالَ: مَن كُنتُ مَولَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَولَاهُ وَ قَالَ: اللَّهُمَّ وَالِ مَن وَالَاهُ وَ عَادِ مَن عَادَاهُ وَ انصُر مَن نَصَرَهُ وَاخذُل مَن خَذَلَهُ ـ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.

وَكَانَ قَبلُ ذَلِكَ إِنَّمَا يُرَاوِدُ النَّاسَ بِفَضلِ عَلِيٍّ بِالتَّعرِيضِ فَقَالَ: أَبعَثُ رَجُلًا يُحِبُّ اللهَ وَرَسُولَهُ وَ يُحِبُّهُ اللهُ وَ رَسُولُهُ لَيسَ بِفَرَّارٍ. يُعَرِّضُ وَ قَد كَانَ يَبعَثُ غَيرَهُ فَيَرجِعُ يُجَبِّنُ أَصحَابَهُ وَ يُجَبِّنُونَهُ وَ يَقُولُ إِنَّهُ لَيسَ مِثلُ غَيرِهِ مَن رَجَعَ يُجَبِّنُ أَصحَابَهُ وَ يُجَبِّنُونَهُ. وَقَالَ قَبلَ ذَلِكَ: عَلِيٌّ سَيِّدُ المُسلِمِينَ. وَ قَالَ: عَلِيُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ عليه السلام عَمُودُ الإِيمَانِ وَ هُوَ

يَضرِبُ النّاسَ مِن بَعدِي عَلَى الحَقِّ ، وَ عَلِيٌّ مَعَ الحَقِّ مَا زَالَ عَلِيٌّ فَالحَقُّ مَعَهُ.
فَكَانَ حَقُّهُ الوَصِيَّةَ الَّتِي جَعَلَت لَهُ الإِسمَ الأَكبَرَ وَ مِيرَاثَ العِلمِ.

جعفربن احمدبن یوسف روایت کرده است: امام محمّد باقر عليه‌السلام فرمود: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله پیوسته در فضل وصی خود برای آنان حدیث می‌فرمود، تا این‌که این آیه بر ایشان نازل شد. پس چون رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به وفات خویش آگاه شد و خبر جان‌دادنشان به ایشان رسید، آشکارا در این باره نزد آنان حجت آورد و فرمود: «پس هرگاه فراغت یافتی، سخت بکوش (و یا نصب کن)». می‌فرماید: پس هر گاه از پیامبری‌ات فراغت یافتی، حضرت علی عليه‌السلام را پس از خود منصوب کن؛ او وصی توست، پس آشکارا آنان را از برتری او آگاه ساز. سپس فرمود: هر که من مولای اویم، این علی مولای اوست. خداوندا! دوست بدار هر که او را دوست می‌دارد و دشمن بدار هر که او را دشمن می‌دارد و یاری کن هر که او را یاری می‌کند و خوار کن هر که او را خوار می‌کند. و سه مرتبه این سخن باز فرمود. حال آنکه پیش از آن رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله از برتری حضرت علی عليه‌السلام با مردم به کنایه سخن می‌گفت و باری فرمود: کسی را روانه (جنگ) خواهم کرد که خدا و رسولش را دوست می‌دارد و خدا و رسولش او را دوست می‌دارند و [در موقع کارزار] اهل فرار نیست. و این‌گونه با کنایه کسی جز حضرت علی عليه‌السلام را روانه می‌کرد و او در حالی باز می‌گشت که یارانش را ترسانده بود و یارانش او را ترسانده بودند. سپس می‌فرمود: او همچون دیگری نیست که بازگشت و حال آنکه یارانش را ترسانده بود و یارانش او را ترسانده بودند. و پیش از این می‌فرمود: علی عليه‌السلام سرور مسلمانان است، و می‌فرمود: علی بن ابی‌طالب عليه‌السلام ستون ایمان است و اوست که پس از من مردمان را به راه حق در می‌آورد و تا زمانی که برجاست با حق است و حق با اوست.

از این رو وصایتی که اسم اکبر و میراث علم را برای حضرت علی عليه‌السلام قرار داد، حق او بود.

وَ مِن سُورَةِ التِّينِ

(سورهٔ تین، آیهٔ ۱ ـ ۸)

﴿ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ * وَالتِّينِ وَالزَّيْتُونِ * وَطُورِ سِينِينَ * وَ هٰذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ * لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسانَ في أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ * ثُمَّ رَدَدْناهُ أَسْفَلَ سافِلِينَ * إِلاَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ * فَما يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالدِّينِ * أَ لَيْسَ اللهُ بِأَحْكَمِ الْحاكِمِينَ ﴾

به نام خداوند بخشایندهٔ مهربان * سوگند به انجیر و زیتون و سوگند به کوه سینا و سوگند به این شهر امن، قطعاً انسان را در نیکوترین اعتدال آفریدیم. سپس او را به پست‌ترین [مراحل] پستی‌ها بازگردانیدیم. مگر کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیک انجام دادند که برای آنان پاداشی پایان‌ناپذیر است. پس بعد از این [آیات روشن] چه چیزی تو را به تکذیب دین وامی‌دارد؟ آیا خداوند حاکم‌ترین حاکمان نیست؟

۵۰۹. قَالَ أَبُو القَاسِمِ العَلَوِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا فُرَاتُ بْنُ إِبرَاهِيمَ الكُوفِيُّ مُعَنعَنًا: عَن أَبِي عَبدِ اللهِ عليه السلام فِي قَولِهِ تَعَالَى: ﴿ فَما يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالدِّينِ ﴾ قَالَ: عَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام.

ابوالقاسم علوی به نقل از روایت فرات‌بن ابراهیم کوفی گفت: امام جعفر

صادق عليه السلام فرمود: در کلام خداوند متعال «چه چیزی تو را به تکذیب دین وامی‌دارد؟» منظور از دین علی بن ابی‌طالب عليه السلام است.

۵۱۰. قَالَ حَدَّثَنِی عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدٍ الزُّهرِیُّ مُعَنعَنًا: عَنْ أَبِی‌عَبدِ اللهِ عليه السلام فِی قَولِهِ تَعَالَی: ﴿ **إِلاَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ** ﴾ قَالَ: المُؤمِنُونَ هُم سَلمَانُ الفَارِسِیُّ وَ المِقدَادُ وَ عَمَّارٌ وَ أَبُوذَرٍ ـ رَضِیَ اللهُ عَنهُم ـ وَ أَمِیرُ المُؤمِنِینَ عَلِیُّ بنُ أَبِی‌طَالِبٍ عليه السلام ﴿ **فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ** ﴾ قَالَ: هُوَ أَمِیرُ المُؤمِنِینَ عَلِیُّ بنُ أَبِی‌طَالِبٍ عليه السلام.
علی بن محمّد زهری روایت کرده است: امام جعفر صادق عليه السلام دربارهٔ کلام خداوند متعال «مگر کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیک انجام دادند، که برای آنان پاداشی پایان‌ناپذیر است» فرمود: منظور از مؤمنان سلمان فارسی و مقداد و عمّار و ابوذر ـ که خدا از ایشان راضی شد ـ و امیرمؤمنان حضرت علی عليه السلام است «پس برای آنان پاداشی پایان‌ناپذیر است» منظور، امیرمؤمنان حضرت علی عليه السلام است.

۵۱۱. عَن مُحَمَّدِبنِ الفُضَیلِ الصَّیرَفِیِّ قَالَ: سَأَلتُ أَبَا الحَسَنِ مُوسَی‌بنِ جَعفَرٍ عليهما السلام عَن قَولِ اللهِ تَعَالَی ﴿ **وَالتِّينِ وَ الزَّيْتُونِ** ﴾؟ قَالَ: أَمَّا التِّینُ الحَسَنُ أَمَّا الزَّیتُونُ فَالحُسَینُ. قَالَ: قُلتُ: وَ قَولُهُ ﴿ **طُورِ سِينِينَ** ﴾؟ قَالَ: إِنَّمَا هُوَ طُورُ سِینَا. قُلتُ: وَ مَا یَعنِی بِقَولِهِ: طُورُ سِینَا؟ قَالَ: ذَاكَ أَمِیرُ المُؤمِنِینَ عَلِیُّ بنُ أَبِی‌طَالِبٍ عليه السلام قَالَ: فَقُلتُ: فَقَولُهُ: ﴿ **وَ هٰذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ** ﴾؟ قَالَ: ذَاكَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله وَ هُوَ سَبِیلٌ آمَنَ اللهُ بِهِ الخَلقَ فِی سَبِیلِهِم وَ مِنَ النَّارِ إِذَا أَطَاعُوهُ. قَولُهُ: ﴿ **إِلاَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ** ﴾ قَالَ: ذَاكَ أَمِیرُ المُؤمِنِینَ عَلِیُّ بنُ أَبِی‌طَالِبٍ عليه السلام وَ شِیعَتُهُ ﴿ **فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالدِّينِ** ﴾ یَعنِی وَلَایَتَه.
محمّد بن فضیل صیرفی گفت: از امام موسی کاظم عليه السلام دربارهٔ کلام خداوند متعال «سوگند به انجیر و زیتون» پرسیدم. ایشان فرمود: انجیر امام حسین عليه السلام و زیتون امام حسین عليه السلام است. عرض کردم: «طور سینین» چه؟ فرمود: منظور، طور سیناست. عرض کردم: طور سینا یعنی چه؟ فرمود: منظور،

امیرمؤمنان حضرت علی ﷺ است. عرض کردم: «و سوگند به این شهر امن» چه؟ فرمود: منظور رسول خدا ﷺ است و ایشان راهی است که خداوند به واسطهٔ آن آفریدگان را در پیمودن راهشان و از درافتادن به دوزخ امان می‌دارد؛ لیک اگر پیروی‌اش کنند. «مگر کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیک انجام دادند» منظور، امیرمؤمنان حضرت علی ﷺ و شیعیان اوست. «پس برای ایشان پاداشی پایان‌ناپذیر است، چه چیز تو را به تکذیب دین وامی‌دارد؟» یعنی به تکذیب ولایت او.

وَ مِن سُورَةِ القَدرِ

(سورهٔ قدر، آیهٔ ۱ ـ ۵)

﴿ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ * إِنّٰا أَنْزَلْنٰاهُ في لَيْلَةِ الْقَدْرِ * وَ مٰا أَدْرٰاكَ مٰا لَيْلَةُ الْقَدْرِ * لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ * تَنَزَّلُ الْمَلاٰئِكَةُ وَ الرُّوحُ فيهٰا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ * سَلاٰمٌ هِيَ حَتّٰى مَطْلَعِ الْفَجْرِ ﴾

به نام خداوند بخشايندهٔ مهربان * ما آن [قرآن] را در شب قدر نازل كرديم و تو چه می‌دانی كه شب قدر چيست؟ شب قدر از هزار ماه بهتر است. در آن [شب] فرشتگان و روح به فرمان پروردگارشان برای هر كاری نازل می‌شوند. شبی است كه تا وقت طلوع فجر، سلامتی است.

۵۱۲. حَدَّثَنَا فُراتُ بنُ إبرَاهِيمَ الكُوفِيُّ مُعنعَنًا: عَن أَبِی عَبدِ اللهِ عليه السلام أَنَّهُ كَانَ يَقرَأُ هَذِهِ الآيَةَ: ﴿ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ * سَلاٰمٌ ﴾ اَیْ بِكُلِّ أَمرٍ إِلَى مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله وَ عَلِيٍّ عليه السلام سَلامٌ.

فرات‌بن ابراهيم كوفی روايت كرده است: امام جعفر صادق عليه السلام دربارهٔ آيه «به فرمان پروردگارشان برای هر امری نازل می‌شوند» فرمود: يعنی برای هر امری همراه با سلام به سوی حضرت محمّد صلى الله عليه وآله و حضرت علی عليه السلام نازل می‌شوند.

۵۱۳. مُحَمَّدُ بنُ القَاسِمِبنِ عُبيدٍ مُعنعَنًا: عَن أَبِی عَبد اللهِ ﷺ إنَّهُ قـالَ: ﴿ إنّا أنزَلناهُ في لَيلَةِ القَدرِ ﴾ اللَّيلَةُ فَاطِمَةُ وَ القَدرُ اللهُ فَمَن عَـرَفَ فَـاطِمَةَ حَـقَّ مَـعرِفَتِها فَـقَد أَدرَكَ لَـيلَةَ القَدرِ، وَ إنَّما سُمِّيَت فَاطِمَةُ لِأَنَّ الخَلقَ فُطِمُوا عَن مَعرِفَتِهَا ـ أَو مِن مَعرِفَتِهَا الشَّكُّ ـ وَ قَولُه: ﴿ وَ ما أدراكَ ما لَيلَةُ القَدرِ * لَيلَةُ القَدرِ خَيرٌ مِنْ ألفِ شَهرٍ ﴾ يَعنِی خَيرٌ مِن أَلفِ مُؤمِنٍ وَ هِیَ أُمُّ المُؤمِنِينَ ﴿ تَنَزَّلُ المَلائِكَةُ وَ الرُّوحُ فيها ﴾ وَ المَلائِكَةُ المُؤمِنُونَ الَّذِينَ يَملِكُونَ عِلمَ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ وَ الرُّوحُ القُدُسُ هِی فَاطِمَةُ ﷺ ﴿ بِإذنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أمرٍ * سَلامٌ هِيَ حَتّی مَطلَعِ الفَجرِ ﴾ يَعنِی حَتَّی يَخرُجَ القَائِمُ ﷺ.

محمّد بن قاسم‌بن عبید روایت کرده است: امام جعفر صادق ﷺ فرمود: «ما آن (قرآن) را در شب قدر نازل کردیم»، شب، حضرت فاطمه ﷺ و قدر، خداوند متعال است. هر که حضرت فاطمه ﷺ را چنان‌که سزاوار آن بانو باشد، بشناسد، او شب قدر را درک کرده است. او فاطمه نام گرفت چراکه مردمان از شناختش فطم گشته و بازداشته شده‌اند ـ یا در شناختش به تردید افتادند ـ «و تو چه می‌دانی که شب قدر چیست؟ شب قدر از هزار ماه بهتر است.» یعنی از هزار مؤمن بهتر است و او مادر مؤمنان است. «در آن [شب] فرشتگان و روح نازل می‌شوند.» فرشتگان، مؤمنانی هستند که علم خاندان حضرت محمّد ﷺ را دارند و روح القُدُس حضرت فاطمه ﷺ است. «به فرمان پروردگارشان برای هر امری نازل می‌شوند. شبی است که تا وقت طلوع فجر، سلامتی است.» یعنی تا آن‌گاه که حضرت قائم ﷺ به پا می‌خیزد.

وَ مِن سُورَةِ البَيِّنَة

(سورهٔ بيّنه، آيهٔ ۷ ـ ۸)

﴿ إِنَّ الَّذينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ * جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْري مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدينَ فيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ ذٰلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ ﴾

به راستی کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای نیک انجام دادند، آنها همان بهترین آفریدگان‌اند، پاداش آنان نزد پروردگارشان بهشت‌های پاینده است که از زیر [درختان] آن نهرها روان است، جاودانه در آن ماندگارند، خداوند از آنان خشنود است و [آنان نیز] از او خشنودند.
این برای کسی است که از پروردگارش بترسد.

۵۱۴. قَالَ حَدَّثَنَا أَبُوالقَاسِمُ العَلَوِيُّ مُعَنعَنًا: عَن أَبِي جَعفَرٍ مُحَمَّدِبنِ عَلِيٍّ عليهما السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله وسلم مِنَ الخَيرِ لِعَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام مَا لَم يَقُلهُ لِأَحَدٍ قَالَ: ﴿ إِنَّ الَّذينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ ﴾ أَنتَ وَ شِيعَتُكَ يَا عَلِيُّ خَيرُ البَرِيَّةِ فَعَلِيٌّ وَاللهِ خَيرُ البَرِيَّةِ بَعدَ رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله وسلم.

ابوالقاسم علوی روایت کرده است: امام محمّد باقر عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم آن‌چه را که دربارهٔ نیکی حضرت علی عليه السلام فرمود، هرگز دربارهٔ کس دیگری به

زبان نیاورد، ایشان فرمود: «به راستی کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای نیک انجام دادند، آن‌ها همان بهترین آفریدگان هستند.» ای علی! تو و شیعیانت بهترین آفریدگان هستید؛ به خدا سوگند پس از فرستادهٔ خدا ﷺ شما بهترین آفریدگان هستید.

۵۱۵. الحُسَینُ بنُ الحَکَم عَن أَبی جَعفَرٍ ﷺ عَنِ النَّبیِّ ﷺ قَالَ: یَا عَلِیُّ ﴿ **إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولٰئِكَ هُمْ خَیْرُ الْبَرِیَّةِ** ﴾ أَنتَ وَ شِیعَتُكَ تَرِدُ عَلَیَّ أَنتَ وَ شِیعَتُكَ رَاضِینَ مَرضِیِّینَ.

حسین بن حکم از امام محمّد باقر ﷺ از پیامبر اکرم ﷺ روایت کرد که ایشان فرمود: ای علی! «به راستی کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای نیک انجام دادند، آن‌ها همان بهترین آفریدگان هستند.» تو به همراه شیعیانت در حالی بر من وارد می‌شوید که خشنود هستید و خداوند از شما خشنود است.

۵۱۶. عَن جَابِرِ بنِ عَبدِ اللهِ الأَنصَارِیِّ قَالَ: کُنَّا جُلُوسًا عِندَ رَسُولِ اللهِ ﷺ إِذْ أَقبَلَ أَمِیرُ المُؤمِنِینَ عَلِیُّ بنُ أَبی طَالِبٍ ﷺ فَلَمَّا نَظَرَ إِلَیهِ النَّبیُّ ﷺ قَالَ: قَد أَتَاکُم أَخِی. ثُمَّ التَفَتَ إِلَی الکَعبَةِ قَالَ: وَ رَبِّ هَذِهِ البَنِیَّةِ إِنَّ هَذَا وَ شِیعَتَهُ هُمُ الفَائِزُونَ یَومَ القِیَامَةِ.
ثُمَّ أَقبَلَ عَلَینَا بِوَجهِهِ فَقَالَ: أَمَّا وَ اللهِ أَنَّهُ أَوَّلُکُم إِیمَانًا بِاللهِ وَ أَقوَمُکُم لِأَمرِ اللهِ وَ أَوفَاکُم بِعَهدِ اللهِ وَ أَقضَاکُم بِحُکمِ اللهِ وَ أَقسَمُکُم بِالسَّوِیَّةِ وَ أَعدَلُکُم فِی الرَّعِیَّةِ وَ أَعظَمُکُم عِندَ اللهِ مَزِیَّةً.
قَالَ جَابِرٌ: فَأَنزَلَ اللهُ تَعَالَی هَذِهِ الآیَةَ: ﴿ **إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولٰئِكَ هُمْ خَیْرُ الْبَرِیَّةِ** ﴾ فَکَانَ عَلِیٌّ ﷺ إِذَا أَقبَلَ قَالَ أَصحَابُ مُحَمَّدٍ: قَد أَتَاکُم خَیرُ البَرِیَّةِ بَعدَ رَسُولِ اللهِ ﷺ.

جابر بن عبدالله انصاری گفت: نزد رسول خدا ﷺ نشسته بودیم که ناگاه امیرمؤمنان حضرت علی ﷺ وارد شد. وقتی پیامبر ﷺ او را دید، فرمود: برادر من نزدتان آمده است. سپس رو سوی کعبه کرد و فرمود: به پروردگار

این بنا سوگند که این مرد و شیعیانش همان رستگاران در روز قیامت هستند. سپس رو سوی ما گرداند و فرمود: به خدا سوگند او نخستین کس از شما در ایمان و پایدارترین شما برای فرمان خداوند و وفادارترین شما به پیمان خداوند و داناترین شما در داوری و دادگرترین شما در مساوات و عادل‌ترین شما در حق رعیت و والامقام‌ترین شما نزد خداوند است. جابر می‌گوید: آن‌گاه خداوند متعال این آیه را نازل فرمود: «به راستی کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیک انجام دادند، ایشان همان بهترین آفریدگان هستند.» این چنین بود که هر گاه حضرت علی ﷺ وارد می‌شد، یاران حضرت محمّد ﷺ می‌گفتند: بهترین آفریدگان پس از رسول خدا ﷺ نزدتان آمده است.

۵۱۷. عَن جَابِرِ بنِ عَبدِ اللهِ الأَنصَارِيِّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ فِي مَرَضِهِ الَّذِي قُبِضَ فِيهِ لِفَاطِمَةَ ﷺ: بِأَبِي أَنتِ وَ أُمِّي أَرسِلِي إِلَى بَعلِكِ فَادعِيهِ لِي. فَقَالَت فَاطِمَةُ لِلحَسَنِ ﷺ: إِنطَلِق إِلَى أَبِيكَ فَقُل يَدعُوكَ جَدِّي. قَالَ: فَانطَلَقَ إِلَيهِ الحَسَنُ فَدَعَاهُ فَأَقبَلَ أَمِيرُ المُؤمِنِينَ عَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ ﷺ حَتَّى دَخَلَ عَلَى رَسُولِ اللهِ ﷺ وَ فَاطِمَةُ ﷺ عِندَهُ وَ هِيَ تَقُولُ: وَا كَربَاهُ لِكَربِكَ يَا أَبَتَاهُ. فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللهِ ﷺ لَا كَربَ لِأَبِيكِ بَعدَ اليَومِ يَا فَاطِمَةُ إِنَّ النَّبِيَّ لَا يُشَقُّ عَلَيهِ الجَيبُ وَ لَا يُخمَشُ عَلَيهِ الوَجهُ وَ لَا يُدعَى عَلَيهِ بِالوَيلِ، وَلَكِن قُولِي كَمَا قَالَ أَبُوكِ عَلَى إِبرَاهِيمَ: تَدمَعُ العَينَانِ وَ قَد يُوجَعُ القَلبُ وَ لَا نَقُولُ مَا يُسخِطُ الرَّبُّ وَ إِنَّا بِكَ يَا إِبرَاهِيمُ لَمَحزُونُونَ وَ لَو عَاشَ إِبرَاهِيمُ لَكَانَ نَبِيًّا!

جابربن عبدالله انصاری گفت: رسول خدا ﷺ در زمان بیماری ایشان که بر اثرش درگذشت، به حضرت فاطمه ﷺ فرمود: پدر و مادرم به فدایت! کسی را سوی شویت بفرست و او را نزد من فراخوان. حضرت فاطمه ﷺ به امام حسن ﷺ فرمود: سوی پدرت برو و به او بگو که پدربزرگم شما را فرا می‌خواند. امام حسن ﷺ سوی او رفت و فراخواندش. امیرمؤمنان حضرت علی ﷺ به راه افتاد و بر رسول خدا ﷺ وارد شد حال آن‌که حضرت فاطمه ﷺ

نزد ایشان بود و می‌فرمود: وامصیبتا از مصیبت تو ای پدر! رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: پس از امروز دیگر مصیبتی برای پدرت وجود ندارد ای فاطمه! بدان که بر مرگ پیامبران نباید گریبان چاک زد و پنجه بر رخسار کشید و ناله سر داد؛ لیک تو نیز آن بگو که پدرت بر مرگ ابراهیم گفت: چشم‌ها گریان است و دل به درد آمده است اما سخنی نمی‌گوییم که خشم پروردگار را برانگیزد. به راستی ای ابراهیم ما بر تو اندوهگین هستیم و اگر تو زنده می‌بودی، هر آینه (همچون) پیامبری بودی!

ثُمَّ قَالَ: يَا عَلِيُّ أُدنُ مِنِّي فَدنَا مِنهُ فَقَالَ: أَدخِل أُذُنَكَ فِي فِيَّ. فَفَعَلَ وَ قَالَ: يَا أَخِي أَلَم تَسمَع قَولَ اللهِ فِي كِتَابِهِ: ﴿**إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ**﴾؟ قَالَ: بَلَى يَا رَسُولَ اللهِ قَالَ: هُوَ أَنتَ وَ شِيعَتُكَ غُرًّا مُحَجَّلُون شِبَاعَ مَروِيِّينَ أَوَ لَم تَسمَع قَولَ اللهِ فِي كِتَابِهِ: ﴿**إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَ الْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولٰئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ**﴾؟ قَالَ: بَلَى يَا رَسُولَ اللهِ. قَالَ: هُم عَدُوُّكَ وَ شِيعَتُهُم يَجِيئُونَ يَومَ القِيَامَةِ مُسوَدَّةً وُجُوهُهُم ظِمَاءً مُظمَئِينَ أَشقِيَاءَ مُعَذَّبِينَ كُفَّارًا مُنَافِقِينَ، ذٰلِكَ لَكَ وَ لِشِيعَتِكَ، وَ هَذَا لِعَدُوِّكَ وَ لِشِيعَتِهِم. هَكَذَا رَوَى جَابِرُ الأَنصَارِيُّ.

سپس فرمود: ای علی! نزدیک من بیا. حضرت نزدیک ایشان شد و آنگاه فرمود: گوشَت را نزدیک دهانم آور. حضرت چنین کرد. ایشان فرمود: برادرم! آیا نشنیده‌ای که خداوند در کتابش می‌فرماید: «به راستی که ایمان آورده‌اند و کارهای نیک انجام دادند، آنها همان بهترین آفریدگان‌اند»؟ عرض کرد: آری، ای رسول خدا! فرمود: منظور، تو و شیعیانت هستید که روسفید و سیراب هستید و دیگران را نیز سیراب می‌کنید؛ آیا نشنیده‌ای که خداوند در کتابش می‌فرماید: «بی‌تردید کسانی که از اهل کتاب کافر شدند و مشرکان در آتش جهنّم جاودان‌اند، آنها همان بدترین آفریدگان‌اند»؟ عرض کرد: آری ای رسول خدا! فرمود: آنان دشمنان تو و شیعیان آنان هستند که در

روز قیامت روسیاه می‌آیند و تشنه و نگون‌بخت و در شکنجه و کافر و منافق‌اند. آن برای تو و شیعیان توست و این برای دشمنان تو و شیعیان آنان.

۵۱۸. عَن أبی‌أیّوبِ الأنصاریِّ قال: قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: لَمّا أُسرِیَ بی إلَی السَّماءِ وَ انتَهیتُ إلَی سِدرَةِ المُنتهی سَمِعتُ وَهَبت مِنهَا رِیحُ بَقّتها فَقُلتُ لِجَبرئیلَ: ما هذا؟ فَقَالَ: هٰذِهِ سِدرَةُ المُنتَهی اشتَاقَت إلَی ابنِ عَمِّكَ حِینَ نَظَرَت إلَیكَ فَسَمِعتُ مُنادِیًا یُنَادِی مِن عِندَ رَبّی: مُحَمَّدٌ خَیرُ الأنبیَاءِ وَ أمِیرُ المُؤمِنِینَ عَلیٌّ خَیرُ الأَولِیاءِ وَ أهلُ وَلایَتِهِ خَیرُ البرِیَّةِ **﴿جَزٰاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنّٰاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهٰارُ خٰالِدِينَ فِيهٰا أَبَدًا رَضِيَ اللّٰهُ﴾** عَن عَلیٍّ وَ أهلِ وَلایَتِهِ هُمُ المخصُوصُونَ بِرَحمَةِ اللهِ المُلَبَّسُونَ نُورَ اللهِ المُقَرَّبُونَ إلَی اللهِ طُوبَی لَهُم ثُمَّ طُوبَی لَهُم یَغبِطُهُمُ الخَلائِقُ یَومَ القِیامَةِ بِمَنزِلَتِهِم عِندَ رَبِّهِم.

ابوایّوب انصاری گفت: رسول خدا ﷺ فرمود: چون شبانه به آسمان عروج کردم و به سدرة المنتهی رسیدم، صدای بادی را شنیدم که از میان آن وزیدن گرفت و به لرزه‌اش انداخت. به جبرئیل گفتم: این چیست؟ گفت: این سدرة المنتهی است که با دیدن تو به پسرعمویت شوق می‌ورزد. آنگاه شنیدم ندادهنده‌ای از جانب پروردگارم ندا سرداد: محمّد ﷺ بهترین پیامبران است و امیرمؤمنان علی ؑ بهترین اولیاست و اهل ولایت او بهترین مردمان‌اند که «پاداش ایشان نزد پروردگارشان بهشت‌هایی پاینده است که از زیر [درختان] آن نهرها روان است و ایشان جاودانه در آن ماندگارند و خداوند [از ایشان] خشنود است» یعنی از علی ؑ و اهل ولایت او که رحمت خداوند ویژهٔ آنان است و در نور خداوند پوشانده شده‌اند و نزد خداوند مقرّب‌اند. خوشا به حال ایشان و باز خوشا به حال ایشان که آفریدگان در روز قیامت از منزلت ایشان نزد پروردگارشان غبطه می‌خورند.

وَ مِن سُورَةِ الزَّلزَلَةِ

(سورهٔ زلزله، آیهٔ ۴)

﴿ يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبارَها ﴾

در آن روز زمین خبرهایش را باز گوید.

۵۱۹. عَن عَمرِو ذِی مَرَّةٍ قالَ: بَینَا عِندَ أَمِیرِ المُؤمِنِینَ عَلِیِّ بنِ أَبی طالِبٍ علیه السلام إذ تَحَرَّکَتِ الأَرضُ فَجَعَلَ یَضرِبُهَا بِیَدِهِ ثُمَّ قالَ: مَا لَكِ؟ فَلَم تُجِبهُ. ثُمَّ قالَ: مَا لَكِ فَلَم تُجِبهُ ثُمَّ قالَ: أَمَا وَ اللهِ لَو کَانَت هِیَةً لَحَدَّثَتنِی وَ إِنِّی لَأَنَا الَّذِی تُحَدِّثُ الأَرضُ أَخبَارَهَا أَو رَجُلٌ مِنِّی.

عمرو ذی مره گفت: نزد امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام بودیم که ناگاه زمین لرزید. حضرت با دستش ضربه‌ای بر زمین زد و فرمود: تو را چه شده؟ امّا زمین پاسخی نداد. باز فرمود: تو را چه شده؟ پاسخی نداد. آن‌گاه فرمود: به خدا سوگند اگر آن زمین‌لرزه (قیامت) بود، به من می‌گفت. همانا من آن کسی هستم که زمین خبرهایش را برای او باز می‌گوید؛ من یا مردی از فرزندان من.

وَ مِن سُورَةِ العَادِيَاتِ

(سورهٔ عادیات، آیهٔ ۱ ـ ۱۱)

﴿ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ * وَ الْعادِیاتِ ضَبْحًا * فَالْمُورِیاتِ قَدْحًا * فَالْمُغیراتِ صُبْحًا * فَأَثَرْنَ بِهِ نَقْعًا * فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا * إِنَّ الْإِنْسانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ * وَ إِنَّهُ عَلىٰ ذٰلِكَ لَشَهیدٌ * وَ إِنَّهُ لِحُبِّ الْخَیْرِ لَشَدیدٌ * أَ فَلا یَعْلَمُ إِذا بُعْثِرَ ما فِي الْقُبُورِ * وَ حُصِّلَ ما فِي الصُّدُورِ * إِنَّ رَبَّهُمْ بِهِمْ یَوْمَئِذٍ لَخَبیرٌ ﴾

به نام خداوند بخشنده مهربان * سوگند به اسبان دونده که نفس نفس می‌زنند و سوگند به آتش افروزندگان با زدن [سم‌هایشان به سنگ‌ها] و سوگند به [هجوم] آورندگان در صبحگاهان که با آن [هجوم] غباری برانگیزند و با آن [هجوم] در میان گروهی درآیند. به راستی انسان نسبت به پروردگار بسیار ناسپاس است. بی‌تردید او بر این [ناسپاسی] گواه است و به راستی او مال را بسیار دوست دارد. آیا نمی‌داند که هر گاه آن‌چه در قبرهاست برانگیخته شود و آن‌چه در سینه‌هاست آشکار گردد. به راستی در چنین روزی پروردگارشان به آنها آگاه است.

۵۲۰. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ قَالَ: دَعَا النَّبِيُّ ﷺ أَبَابَكرٍ إِلَى غَزوَةِ ذَاتِ السَّلَاسِلِ فَأَعطَاهُ الرَّايَةَ

فَرَدَّها ثُمَّ دَعا عُمَرَ فَأعطاهُ الرَّايةَ فَرَدَّها ثُمَّ دَعا خالِدَبنَ الوليدِ فَأعطاهُ الرّايَةَ فَرَجع فَدَعاأَميرَالمُؤمِنينَ عَلِيَّ بنَ أَبِي طالِبٍ عليه السلام فَأمكَنَهُ مِنَ الرّايَةِ فَسَيَّرَهُم مَعَهُ وَ أَمَرَهُم أن يَسمَعُوا لَهُ وَ يُطِيعُوهُ.

قالَ: فَانطَلَقَ أَميرُالمُؤمِنينَ عَلِيُّ بنُ أَبِي طالِبٍ عليه السلام بِالعَسكَرِ وَ هُم مَعَهُ حَتّى انتَهى إِلَى القَومِ فَلَم يَكُن بَينَهُ وَ بَينَهُم إِلّا جَبَلٌ. قالَ: فَأَمَرَهُم أَن يَنزِلُوا فِي أَسفَلِ الجَبَلِ فَقالَ لَهُم: إِركَبُوا دَوابَّكُم. فَقالَ خالِدُبنُ الوَلِيدِ: يا أَبابَكرٍ و أَنتَ يا عُمَرُ ما تَرَونَ إِلَى هذَا الغُلامِ أَينَ أَنزَلَنا؟! أَنزَلَنا فِي وادٍ كَثِيرِ الحَيّاتِ كَثِيرِ الهامِّ كَثِيرِ السِّباعِ، نَحنُ مِنهُ عَلى إِحدَى ثَلاثِ خِصالٍ إِمّا سَبُعٌ يَأكُلُنا وَ يَأكُلُ دَوابَّنا و إِمّا حَيّاتٌ تَعقِرُنا و تَعقِرُ دَوابَّنا وَ إِمّا يَعلَمُ بِنا عَدُوُّنا فَيَقتُلُنا، قُومُوا بِنا إِلَيهِ.

ابن عباس گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله ابابکر را فراخواند تا برای غزوهٔ ذات السلاسل آماده شود و پرچم را به او داد، ولی ابوبکر بی‌نتیجه بازگشت. پیامبر صلی الله علیه و آله عمر را فراخواند و پرچم را به او سپرد. او نیز بی‌نتیجه بازگشت. سپس خالدبن ولید را فراخواند و پرچم را به او داد، او نیز برگشت. سپس امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب علیه السلام را فراخواند و پرچم را به او داد و آنان را به همراه وی راهی کرد و فرمانشان داد تا علی علیه السلام را بشنوند و از او فرمان برند.

امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب علیه السلام با سپاه به راه افتاد و آن‌ها با او بودند تا به نزدیک آن قوم رسیدند، به گونه‌ای که فقط کوهی بین آن‌ها فاصله بود. حضرت دستور داد تا در پایین کوه فرود آیند. سپس به آنان فرمود: بر چهارپایانتان سوار شوید. خالدبن ولید گفت: ای ابابکر و ای عمر! آیا نمی‌بینید این جوان ما را کجا فرود آورده؟! ما را در بیابانی پر از مار و حشرات گزنده و حیوانات درنده فرود آورده و ما به یکی از این سه مصیبت گرفتار می‌شویم؛ ما و اسب‌هایمان طعمهٔ درندگان می‌شویم و یا مارها ما و اسب‌هایمان را نیش می‌زنند و یا دشمن از وجود ما آگاه می‌شود و ما را به قتل

می رساند. برخیزید تا با هم سوی او برویم.

قَالَ: فَجَاؤُوا إِلَى عَلِيٍّ وَ قَالُوا: يَا عَلِيُّ أَنزَلتَنَا فِي وَادٍ كَثِيرِ السِّبَاعِ كَثِيرِ الهَامِّ كَثِيرِ الحَيَّاتِ نَحنُ مِنهُ عَلَى إِحدَى ثَلَاثِ خِصَالٍ: إِمَّا سَبُعٌ يَأكُلُنَا وَ يَأكُلُ دَوَابَّنَا أَو حَيَّاتٌ تَعقِرُنَا وَ تَعقِرُ دَوَابَّنَا أَو يَعلَمُ عَدُوُّنَا فَيَلِينَا فَيَقتُلُنَا قَالَ: فَقَالَ لَهُم عَلِيٌّ: أَلَيسَ قَد أَمَرَكُم رَسُولُ اللهِ ﷺ أَن تَسمَعُوا لِي وَ تُطِيعُونِي؟ قَالُوا: بَلَى قَالَ: فَانزِلُوا.

قَالَ: فَرَجَعُوا فَأَبَت تَحمِلُهُمُ الأَرضُ فَاستَفَزَّهُم خَالِدُبنُ الوَلِيدِ قَالَ: قُومُوا بِنَا إِلَيهِ قَالَ: فَجَاؤُوا إِلَيهِ فَرَدُّوا عَلَيهِ ذَلِكَ الكَلَامَ فَقَالَ: أَلَيسَ قَد أَمَرَكُم رَسُولُ اللهِ ﷺ أَن تَسمَعُوا لِي وَ تُطِيعُونِي؟ قَالُوا: بَلَى قَالَ: فَارجِعُوا قَالَ: فَأَبَوا أَن يَنقَادُوا وَ استَفَزَّهُم خَالِدُبنُ الوَلِيدِ ثَالِثَةً فَقَالُوا لَهُ مِثلَ ذَلِكَ الكَلَامِ فَقَالَ لَهُم: أَلَيسَ قَد أَمَرَكُم رَسُولُ اللهِ ﷺ أَن تَسمَعُوا لِي وَ تُطِيعُوا أَمرِي؟ قَالُوا: بَلَى قَالَ: فَانزِلُوا بَارَكَ اللهُ فِيكُم لَيسَ عَلَيكُم بَأسٌ. قَالَ: فَنَزَلُوا وَ هُم مَرعُوبِينَ.

آن‌ها نزد علی ؑ آمدند و عرض کردند: ای علی! ما را در بیابانی پر از حیوانات درنده و حشرات گزنده و مار فرود آورده‌ای؟ ما به کیی از این سه بلا گرفتار می‌شویم؛ ما و اسب‌هایمان طعمهٔ درندگان می‌شویم، یا مارها و اسب‌هایمان را نیش می‌زنند و یا دشمن از وجود ما آگاه می‌شود و سر می‌رسد و ما را می‌کشد. علی ؑ فرمود: مگر پیامبر شما را فرمان نداد تا سخن مرا بشنوید و مرا اطاعت کنید؟! عرض کردند: بله. فرمود: پس فرود آیید. آنان بازگشتند امّا زمین از تحمل آن‌ها سر باز زد و خالدبن ولید باز آن‌ها را تحریک کرد و گفت: برخیزید تا با هم سوی او برویم. باز نزد حضرت آمدند و آن سخن بازگفتند و ایشان فرمود: مگر پیامبر شما را فرمان نداد تا سخن مرا بشنوید و مرا اطاعت کنید؟! عرض کردند: بله. فرمود: پس بازگردید. امّا آنان سرپیچی کردند و خالدبن ولید برای بار سوم آنان را تحریک کرد و باز رفتند و همانند آن سخن بازگفتند و حضرت فرمود: مگر رسول خدا ﷺ شما را فرمان نداد تا سخن مرا بشنوید و مرا

اطاعت کنید؟! عرض کردند: بله. فرمود: پس فرود آیید، خداوند برکتتان دهد، هیچ غمی نیست! آن‌ها پایین آمدند در حالی‌که ترسیده بودند.

قَالَ: وَ مَا زَالَ عَلِیٌّ علیه السلام لَیلَةً قَائِمًا یُصَلِّی حَتَّی إِذَا کَانَ فِی السَّحرِ قَالَ لَهُم: إِرکَبُوا بَارِكَ اللهُ فِیکُم قَالَ: فَرَکِبُوا وَ اطَّلَعَ الجَبَلَ حَتَّی إِذَا انحَدَرَ عَلَی القَومِ وَ أَشرَفَ عَلَیهِم قَالَ لَهُم: اِنزَعُوا أَکِمَّةَ دَوابِّکُم قَالَ: فَشَمَّتِ الخَیلُ رِیحَ الإِناثِ قَالَ: فَصَهَلَت فَسَمِعَ الخَیلُ صَهِیلَ خُیُولِهِم فَوَلُّوا هَارِبِینَ. قَالَ: فَقَتَلَ مُقَاتِلَهُم وَ سَبَی ذَرَارِیهُم.

قَالَ: فَهَبَطَ جَبرَئِیلُ علیه السلام عَلَی رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله فَقَالَ: یَا مُحَمَّدُ ﴿ **وَ الْعَادِیَاتِ ضَبْحًا * فَالْمُورِیَاتِ قَدْحًا * فَالْمُغِیرَاتِ صُبْحًا * فَأَثَرْنَ بِهِ نَقْعًا * فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا**[1] ﴾ قَالَ: فَقَالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله تَخَالَطَ القَومُ وَ رَبِّ الکَعبَةِ. قَالَ: وَ جَاءَهُ البِشَارَةُ.

علی علیه السلام تمام شب را پیوسته نماز می‌گزارد. هنگامی که سحر شد، فرمود: خدا به شما برکت دهد! بر مرکب‌هایتان سوار شوید. آنان سوار شدند و از کوه بالا رفتند و از سراشیبی آن پایین آمدند. چون بر دشمن مسلط شدند، حضرت فرمود: دهان‌بندهای چهارپایانتان را باز کنید. در آن دم اسب‌های نر بوی ماده اسب‌ها را استشمام کردند و شیهه کشیدند و چون اسب‌ها صدای شیهه آنان را شنیدند، رو بر تافتند و گریختند. آن‌گاه آنان جنگجویان دشمن را از پا درآوردند و خاندانشان را به اسارت گرفتند.

جبرئیل بر رسول خدا صلی الله علیه و آله فرود آمد و عرض کرد: ای محمّد! «سوگند به اسبان دونده که نفس‌نفس می‌زنند، و سوگند به آتش افروزندگان با زدن [سم‌هایشان به سنگ‌ها] و سوگند به [هجوم] آورندگان در صبحگاهان، که با آن [هجوم] غباری برانگیزند، و با آن [هجوم] در میان گروهی درآیند.» و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «به خدای کعبه سوگند! آنان در هم آمیختند.» و مژدهٔ پیروزی به ایشان رسید.

---

۱. عادیات، ۵-۱

۵۲۱. عَن سَلمَانَ الفَارِسِيِّ قَالَ: بَينَمَا نَحنُ أَجمَعُ مَا كُنَّا حَولَ النَّبِيِّ ﷺ مَا خَلَا أَمِيرَ المُؤمِنِينَ عَلِيَّ بنَ أَبي‌طَالِبٍ ؑ فَإِنَّهُ كَانَ فِى مِنبَرٍ فِى الحَارِ إِذ أَقبَلَ أَعرَابِيٌّ بَدَوِيٌّ يَتَخَطَّأُ صُفُوفَ المُهَاجِرِينَ وَ الأَنصَارِ حَتَّى جَثىٰ بَينَ يَدَى رَسُولِ اللهِ ﷺ وَ هُوَ يَقُولُ: السَّلَامُ عَلَيكَ يَا رَسُولَ اللهِ فِدَاكَ أَبِى وَ أُمِّى يَا رَسُولَ اللهِ. فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: وَ عَلَيكَ السَّلَامُ مَن أَنتَ يَا أَعرَابِيُّ؟ قَالَ: رَجُلٌ مِن بَنِى لَجِيم يَا رَسُولَ اللهِ فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: مَا وَرَاكَ يَا أَخَا لَجِيمٍ؟ قَالَ: يَا رَسُولَ اللهِ خَلَّفتُ خَثعَمًا وَ قَد تَهَيَّؤُا وَ عَبَؤُا كَتَائِبَهُم وَ خَلَّفتُ الرَّايَاتِ تَخفِقُ فَوقَ رُؤُوسِهِم يَقدمُهُم الحَارِثُ بنُ مَكِيدَةَ الخَثعَمِيِّ فِى خَمسِمِاءَةٍ مِن رِجَالِ خَثعَمٍ يَتَأَلّونَ بِاللَّاتِ وَ العُزَّى أَن لَا يَرجِعُوا حَتَّى يَرُدُّوا المَدِينَةَ فَيَقتُلُونَكَ وَ مَن مَعَكَ يَا رَسُولَ اللهِ.

سلمان فارسی گفت: ما همگی دور پیامبر ﷺ جمع بودیم به غیر از امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب ؑ که در جمع ما نبود. حضرت رسول ﷺ در گرما بر روی منبر بودند که عربی بدوی در حالی‌که صفوف مهاجرین و انصار را کنار می‌زد جلو آمد و پیش روی پیامبر ﷺ زانو زد و عرض کرد: سلام بر شما ای رسول خدا! پدر و مادرم به فدایت ای رسول خدا! پیامبر ﷺ فرمود: سلام بر تو، کیستی ای اعرابی؟ عرض کرد: ای رسول خدا! مردی از بنی‌لجیم هستم. فرمود: ای برادر لجیمی! چه شده؟ گفت: ای رسول خدا! قبیلهٔ خثعم را پشت سر گذاشته‌ام حال آن‌که مسلّح شده بودند و لشکرشان را بسیج کرده بودند و علم‌هایی را پشت سر گذاشته‌ام که بر فراز سرهایشان در اهتزاز بود و حارث‌بن مکیده خثعمی پیشاپیش پانصد مرد خثعمی در حرکت بود. ای رسول خدا! آنان به لات و عزّی سوگند خورده‌اند که تا وارد مدینه نشده‌اند و شما و همراهانتان را نکشته‌اند، بازنگردند.

قَالَ: فَدَمَعَت عَينَا النَّبِيِّ ﷺ حَتَّى أَبكىٰ جَمِيعَ أَصحَابِهِ ثُمَّ قَالَ: مَعَاشِرَ النَّاسِ سَمِعتُم مَقَالَةَ الأَعرَابِيِّ؟ قَالُوا: كُلٌّ قَد سَمِعنَا يَا رَسُولَ اللهِ قَالَ: فَمَن مِنكُم يَخرُجُ إِلَى هَؤُلَاءِ

القَوم قَبلَ أَن يَطؤُنا فِي دِيارِنَا وَ حَرِيمِنَا لَعَلَّ اللهُ يَفتَحُ عَلَى يَدَيهِ وَ أَضمَنُ لَهُ عَلَى اللهِ الجَنَّةَ؟ قَالَ: فَوَاللهِ مَا قَالَ أَحَدُنَا يَا رَسُولَ اللهِ.

قَالَ فَقَامَ النَّبِيُّ ﷺ عَلَى قَدَمَيهِ وَ هُوَ يَقُولُ: مَعَاشِرَ أَصحَابِي هَل سَمِعتُم مَقَالَةَ الأَعرَابِيِّ؟ قَالُوا: كُلٌّ قَد سَمِعنَا يَا رَسُولَ اللهِ قَالَ: فَمَن مِنكُم يَخرُجُ إِلَيهِم قَبلَ أَن يَطَؤُنَا فِي دِيَارِنَا وَ حَرِيمِنَا لَعَلَّ اللهُ أَن يَفتَحَ عَلَى يَدَيهِ وَ أَضمَنُ لَهُ عَلَى اللهِ اثنَي عَشَرَ قَصرًا فِي الجَنَّةِ؟ قَالَ: فَوَاللهِ مَا قَالَ أَحَدُنَا يَا رَسُولَ اللهِ.

در آن دم اشک از چشمان پیامبر جاری شد و همهٔ اصحاب پیامبر گریستند. سپس فرمود: ای جماعت مردم! آیا سخن اعرابی را شنیدید؟ عرض کردند: ای رسول خدا! همه آن را شنیدیم. فرمود: چه کسی از شما به سوی این قوم خارج می‌شود پیش از آنکه به سرزمین و حریم ما تجاوز کنند؟ امید است که خداوند به دست او گشایشی حاصل کند و من نزد خدا برای او بهشت را تضمین می‌کنم. سلمان گفت: به خدا سوگند هیچ‌یک از ما پاسخ نداد.

پیامبر بر روی دو پای مبارکش ایستاد و فرمود: ای جماعت یاران من! آیا سخن اعرابی را شنیدید؟! عرض کردند: ای رسول خدا! همه آن را شنیدیم. فرمود: چه کسی از شما به سوی این قوم خارج می‌شود پیش از آنکه به سرزمین و حریم ما تجاوز کنند؟ امید است که خداوند به دست او گشایشی حاصل کند و من نزد خدا برای او دوازده قصر در بهشت را تضمین می‌نمایم. سلمان گفت: به خدا سوگند هیچ‌یک از ما پاسخ نداد.

قَالَ: فَبَينَمَا النَّبِيُّ ﷺ وَاقِفٌ إِذ أَقبَلَ أَمِيرُ المُؤمِنِينَ عَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ ؑ فَلَمَّا نَظَرَ إِلَى النَّبِيِّ وَ هُوَ وَاقِفٌ وَ دُمُوعُهُ تَنحَدِرُ كَأَنَّهَا جُمَانٌ انقَطَعَ سِلكُهُ عَلَى خَدَّيهِ لَم يَتَمَالَك أَن رَمَى بِنَفسِهِ عَن بَعِيرِهِ إِلَى الأَرضِ ثُمَّ أَقبَلَ يَسعَى نَحوَ النَّبِيِّ ﷺ يَمسَحُ بِرِدَائِهِ الدُّمُوعَ عَن وَجهِ رَسُولِ اللهِ ﷺ وَ هُوَ يَقُولُ: مَا الَّذِي أَبكَاكَ لَا أَبكَى اللهُ عَينَيكَ يَا حَبِيبَ اللهِ هَل نَزَلَ فِي أُمَّتِكَ شَيءٌ مِنَ السَّمَاءِ؟ قَالَ: يَا عَلِيُّ مَا نَزَلَ فِيهِم إِلَّا خَيرٌ وَلَكِن هَذَا

الأَعرَابِیُّ حَدَّثَنِی عَن رِجَالِ خَثعَم بِأَنَّهُم قَد عَبَؤُا کَتَائِبَهُم وَ خَفَقَتِ الرَّایَاتُ فَوقَ رُؤُوسِهِم ، یُکَذِّبُونَ قَولِی وَ یَزعُمُونَ بِأَنَّهُم لَا یَعرِفُونَ رَبِّی یَقدِمُهُم الحَارِثُ بنُ مَکِیدَةَ الخَثعَمِیُّ فِی خَمسِمِاءَةٍ مِن رِجَالِ خَثعَم یَتَأَلَّونَ بِاللَّاتِ وَ العُزَّی لَا یَرجِعُونَ حَتَّی یَرُدُّوا المَدِینَةَ فَیَقتُلُونِی وَ مَن مَعِی وَ إِنِّی قُلتُ لِأَصحَابِی: مَن مِنکُم یَخرُجُ إِلَی هَؤُلَاءِ القَومِ مِن قَبلِ أَن یَطَؤُنَا فِی دِیَارِنَا وَ حَرِیمِنَا لَعَلَّ اللهُ أَن یَفتَحَ عَلَی یَدَیهِ وَ أَضمَنُ لَهُ عَلَی اللهِ اثنَی عَشَر قَصرًا فِی الجَنَّةِ.

در همان حال که پیامبر ایستاده بود، علی ﷺ از راه رسید. چون پیامبر ﷺ را دید ایستاده و همچون مرواریدهای رشته گسیخته اشک بر گونه‌هایش جاری است، بی‌هیچ خودداری از شتر بر زمین پرید و سوی پیامبر شتافت و با پیراهنش اشک‌های پیامبر را از صورتش پاک کرد و عرض کرد: ای حبیب خدا! چرا گریه می‌کنید؟ خدا چشمانتان را گریان نسازد! آیا دربارهٔ امتتان چیزی از آسمان نازل شده است؟ فرمود: ای علی! جز خوبی دربارهٔ ایشان چیزی نازل نشده، ولی این اعرابی برای من از مردان خثعم خبر آورده که آن‌ها لشکرشان را بسیج کرده‌اند و علم‌هایشان را بر فراز سرهایشان به اهتزاز درآورده‌اند و گفتار مرا تکذیب می‌کنند و گمان می‌کنند که پروردگار مرا نمی‌شناسند و حارث‌بن مکیده خثعمی پیشاپیش پانصد مرد خثعمی در حرکت است و به لات و عزّی سوگند خورده‌اند که تا به مدینه بازنگشته‌اند و من و همراهانم را نکشته‌اند، بازنگردند و من به یارانم گفتم چه کسی از ایشان پیش از آن‌که آنان به دیار و حریم ما تجاوز کنند، به سوی آن قوم خارج می‌شود بدان امید که خداوند به دست او گشایشی حاصل کند و من نزد خداوند دوازده قصر در بهشت برای او تضمین می‌کنم؟!

فَقَالَ عَلِیٌّ ﷺ: فِدَاکَ أَبِی وَ أُمِّی یَا رَسُولَ اللهِ صِف لِی هَذِهِ القُصُورَ فَقَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: یَا عَلِیُّ بِنَاءُ هَذِهِ القُصُورِ لَبِنَةٌ مِن ذَهَبٍ وَ لَبِنَةٌ مِن فِضَّةٍ مَلَاطُهَا

المِسكُ الأَذفَـرُ وَ العَنبَرُ ، حَصبَاؤُهَا اَلدُّرُّ وَ اليـاقُوتُ تُـرَابُـهَا اَلزَعـفرَانُ وَ كَـثِيبُهَا الكَافُورُ ، فِي صَحنِ كُلِّ قصرٍ مِن هَذِهِ القُصُورِ أَربَعَةُ أَنهَارٍ نَهرٌ مِن عَسَلٍ وَ نَهرٌ مِن خَمرٍ وَ نَهرٌ مِن لَبَنٍ وَ نَهرٌ مِن مَاءٍ ، مَحفُوفُ بِالأَشجَارِ ، وَ المَرجَانُ عَلَى حَافَّتَي كُلِّ نَهرٍ مِن هَذِهِ الأَنهَارِ ، وَ خُلِقَ فِيهَا خَيمَةٌ مِن دُرَّةٍ بَيضَاءَ لَا قَطعَ فِيهَا وَ لَا فَصلَ قَالَ لَـهَا كُـونِي فَكَانَت ، يُرَى بَاطِنُها مِن ظَاهِرِهَا وَ ظَاهِرُهَا مِن بَاطِنِهَا ، فِي كُلِّ خَيمَةٍ سَرِيرٌ مُفَضَّضٌ بِاليَاقُوتِ الأَحمَرِ ، قَوَائِمُهُ مِنَ الزَّبَرجَدِ الأَخضَرِ ، عَلَى كُلِّ سَرِيرٍ حَورَاءُ مِنَ الحُورِ العِينِ ، عَلَى كُلِّ حَورَاءَ سَبعُونَ حُلَّةً خَضرَاءَ وَ سَبعُونَ حُلَّةً صَفرَاءَ ، يُرَى مُخُّ سَاقِهَا خَلفَ عِظَامِهَا وَ جِلدِهَا وَ حُلِيهَا وَ حُلَلِهَا كَمَا تَرَى الخَمرَةَ الصَّافِيَةَ فِي الزُّجَاجَةِ البَيضَاءِ ، مُكَلَّلَةٌ بِالجَوهَرِ ، لِكُلِّ حَورَاءَ سَبعُونَ ذُؤَابَةً كُلُّ ذُؤَابَةٍ بِيَدِ وَصِيفٍ ، وَ بِيَدِ كُلِّ وَصِيفٍ مِجمَرٌ تُبَخِّرُ تِلكَ الذُّؤَابَةَ ، يَفُوحُ مِن ذَلِكَ المِجمَرِ بُخَارٌ لَا يَفُوحُ بِنَارٍ وَلَكِن بِقُدرَةِ الجَبَّارِ.

علی ﷺ فرمود: پدر و مادرم به فدایت ای رسول خدا! این قصرها را برایم توصیف فرما. رسول خدا ﷺ فرمود: ای علی! بنای این قصرها خشتی از طلا و خشتی از نقره و ساروجش از مشک تندبوی و عنبر و سنگریزه‌هایش مروارید و یاقوت و خاکش زعفران و ریگ‌هایش کافور است. در شبستان هر یک از آن قصرها چهار رود است که یکی از عسل و یکی از شراب و یکی از شیر و یکی از آب است و همه در میان درختان‌اند و کناره‌های هر یک از آن رودها از مرجان است و بر آن‌ها خیمه‌هایی از مروارید سفید آفریده شده که نه کسی را از آن‌ها می‌رانند و نه کسی را باز می‌دارند. خداوند متعال به آن‌ها فرمود: باشید! پس هست شدند. درونشان از بیرونشان پیداست و بیرونشان از درونشان. در هر خیمه تختی آراسته به یاقوت سرخ با پایه‌هایی از زبرجد سبز است و بر هر تخت سیاه‌چشمی از پریان سیاه‌چشم است و هر پری هفتاد دیبای سبز و هفتاد دیبای زرد و مغز ساق‌ها در ورای زیور و دیبا دیده می‌شود؛

همچنان‌که شرابی ناب را در شیشه‌ای سفید می‌بینی و از گونه‌های جواهر تاج بر سر دارند و هر یک از آنان هفتاد طرّه گیسو دارد که هر طرّه‌ای به دست ندیمی است و هر ندیم به دست دیگرش مجمری دارد که آن طرّه را بخار می‌دهد و بخار آن منجمر نه از آتش بلکه به قدرت خداوند جبّار عطر می‌افشاند.

قَالَ: فَقَالَ عَلِیٌّ ؏: فِدَاكَ أَبِی وَ أُمِّی یَا رَسُولَ اللهِ أَنَا لَهُم فَقَالَ النَّبِیُّ ﷺ: یَا عَلِیُّ هَذَا لَكَ وَ أَنتَ لَهُ، إِنجَد إِلَی القَومِ فَجَهَّزَهُ رَسُولُ اللهِ ﷺ فِی خَمسِینَ وَ مِاءَةِ رَجُلٍ مِنَ الأَنصَارِ وَ المُهَاجِرِینَ فَقَامَ ابنُ عَبَّاسٍ وَ قَالَ: فِدَاكَ أَبِی وَ أُمِّی یَا رَسُولَ اللهِ تَجَهَّزُ ابنَ عَمِّی فِی خَمسِینَ وَ مِاءَةِ رَجُلٍ مِنَ العَرَبِ إِلَی خَمسِمِاءَةِ رَجُلٍ وَ فِیهِم الحَارِثُ بنُ مَکِیدَةَ یُعَدُّ بِخَمسِمِاءَةِ فَارِسٍ؟! فَقَالَ النَّبِیُّ ﷺ: إِمطِ عَنِّی یَا ابنَ عَبَّاسٍ فَوَ الَّذِی بَعَثَنِی بِالحَقِّ لَو کَانُوا عَلَی عَدَدِ الثَّرَی وَ عَلِیٌّ وَحدَهُ لَأَعطَی اللهُ عَلِیًّا عَلَیهِم النُّصرَةَ حَتَّی یَأتِینَا بِسَبیِهِم أَجمَعِینَ. فَجَهَّزَهُ النَّبِیُّ وَ هُوَ یَقُولُ: إِذهَب یَا حَبِیبِی حَفَظَ اللهُ مِن تَحتِكَ وَ مِن فَوقِكَ وَ عَن یَمِینِكَ وَ عَن شِمَالِكَ وَ اللهُ خَلِیفَتِی عَلَیكَ.

فَسَارَ عَلِیٌّ بِمَن مَعَهُ حَتَّی نَزَلُوا بِوَادٍ خَلفَ المَدِینَةِ بِثَلَاثَةِ أَمیَالٍ یُقَالُ لَهُ: وَادِی ذِی خَشَبٍ قَالَ: فَوَرَدُوا الوَادِیَّ لَیلًا فَضَلُّوا الطَّرِیقَ قَالَ: فَرَفَعَ عَلِیٌّ رَأسَهُ إِلَی السَّمَاءِ وَ هُوَ یَقُولُ: یَا مَهدِیَّ کُلِّ ضَالٍّ وَ یَا مُنقِذَ کُلِّ غَرِیقٍ وَ یَا مُفَرِّجَ کُلِّ مَغمُومٍ، لَا تُقَوِّ عَلَینَا ظَالِمًا وَ لَا تَظفَر بِنَا عَدُوَّنَا وَ اهدِنَا إِلَی سَبِیلِ الرَّشَادِ.

حضرت علی ؏ فرمود: ای رسول خدا! پدر و مادرم به فدایت! من از برای آن‌ها. پیامبر ﷺ فرمود: ای علی! این از برای تو و تو از برای آنی. سوی آن قوم بشتاب. آن‌گاه پیامبر ﷺ علی ؏ را با صدوپنجاه مرد از انصار و مهاجرین راهی نبرد کرد. ابن‌عباس برخاست و عرض کرد: ای رسول خدا! پدر و مادرم فدایت! پسرعموی مرا با صدوپنجاه مرد از عرب آمادهٔ نبرد با پانصد تن می‌کنی حال آن‌که حارث‌بن مکیده در میان آنان است و خود پانصد سوار به شمار می‌رود؟!

پیامبر ﷺ فرمود: ای ابن عباس! از نزد من به نبرد بشتاب که سوگند به خدایی که مرا به حق برانگیخت، اگر آنان به شمار ستارگان باشند و علی علیه السلام یکّه و تنها باشد، خداوند علی علیه السلام را بر همهٔ آنان یاری و نصرت می‌بخشد تا این‌که همهٔ آن‌ها را به اسارت گیرد و نزد ما آورد. سپس پیامبر او را تجهیز کرد و فرمود: ای دوست من! برو، خدا تو را از پایین و بالا و راست و چپ حفظ کند، تو را به خدا می‌سپارم.

علی علیه السلام با همراهانش حرکت کرد تا این‌که سه میل پس از مدینه در بیابانی فرود آمدند که ذی‌خشب نام داشت. چون شب وارد بیابان شدند و راه را گم کردند، حضرت سرش را سوی آسمان گرفت و چنین فرمود: ای هدایتگرِ هر گمراه و ای نجات‌بخشِ هر غریق و ای گشایش‌دهندهٔ هر اندوهناک! بر ما ستمگر را چیره مساز و دشمن را بر ما پیروز مفرما و ما را به راه درست هدایت فرما.

قَالَ: فَإِذَا الخَيلُ تَقدَحُ بِحَوافِرِهَا مِنَ الحِجَارَةِ النَّارَ حَتّى عَرَفُوا الطَّرِيقَ فَسَلَكُوهُ فَأَنزَلَ اللهُ تَعالَى عَلى نَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ ﷺ ﴿**وَ الْعَادِيَاتِ ضَبْحًا**﴾ يَعنِي الخَيلَ ﴿**فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا**﴾ قَالَ: قَدَحَتِ الخَيلُ بِحَوافِرِهَا مِنَ الحِجَارَةِ النَّارَ ﴿**فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا**﴾ قَالَ: صَبَّحَهُم عَلِيٌّ مَعَ طُلُوعِ الفَجرِ وَ كَانَ لَا يَسبِقُهُ أَحَدُ إِلَى الأَذَانِ فَلَمَّا سَمِعَ المُشرِكُونَ الأَذَانَ قَالَ بَعضُهُم لِبَعضٍ: يَنبَغِي أَن يَكُونَ رَاعٍ فِي رُؤُوسِ هَذِهِ الجِبَالِ يَذكُرُ اللهَ فَلَمَّا أَن قَالَ: أَشهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللهِ قَالَ بَعضُهُم لِبَعضٍ: يَنبَغِي أَن يَكُونَ الرَّاعِي مِن أَصحَابِ السَّاحِرِ الكَذَّابِ وَ كَانَ عَلِيٌّ علیه السلام لَا يُقَاتِلُ حَتّى تَطلُعَ الشَّمسُ وَ تَنزِلَ مَلَائِكَةُ النَّهَارِ.

قَالَ: فَلَمَّا أَن تَرَجَّلَ النَّهَارُ إِلتَفَتَ عَلِيٌّ إِلَى صَاحِبِ رَايَةِ النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ لَهُ: إِرفَعهَا فَلَمَّا أَن رَفَعَهَا وَ رَآهَا المُشرِكُونَ عَرَفُوهَا وَ قَالَ بَعضُهُم لِبَعضٍ: هَذَا عَدُوُّكُمُ الَّذِي جِئتُم تَطلُبُونَهُ، هَذَا مُحَمَّدٌ وَ أَصحَابُهُ قَالَ: قَالَ: فَخَرَجَ غُلَامٌ مِنَ المُشرِكِينَ مِن أَشَدِّهِم بَأسًا وَ أَكثَرِهِم كُفرًا فَنَادَى أَصحَابَ النَّبِيِّ ﷺ: يَا أَصحَابَ السَّاحِرِ الكَذَّابِ أَيُّكُم مُحَمَّدٌ فَليَبرُز إِلَى فَخَرَجَ إِلَيهِ أَمِيرُ المُؤمِنِينَ عَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام وَ هُوَ يَقُولُ:

ثَكَلَتكَ أُمُّكَ وَ أنتَ السَّاحِرُ الكَذّابُ، مُحَمّدٌ جاء بِالحَقِّ مِن عِندَ الحَقِّ. قَالَ لَهُ: مَن أنتَ؟ قَالَ: أَنَا عَلِيُّ بنُ أَبي طالِبٍ أَخو رَسُولِ اللهِ وَ ابنُ عَمِّهِ وَ زَوجُ ابنَتِهِ. قَالَ: لَكَ هَذِهِ المَنزِلَةُ مِن مُحَمَّدٍ؟ قَالَ لَهُ عَلِيٌّ: نَعم.

ناگهان سم اسبان نر بر سنگ‌ها جرقه افکند و آنان راه را یافتند. در آن دم خداوند متعال بر پیامبرش نازل فرمود: «و سوگند به اسبان دونده که نفس‌نفس می‌زنند.» یعنی اسبان نر «و سوگند به آتش افروزندگان با زدن [سم‌هایشان به سنگ‌ها]». اسبان نر با زدن سم‌هایشان به سنگ‌ها جرقه می‌افکندند. «و سوگند به هجوم‌آورندگان در صبحگاهان». حضرت علی ﷺ صبحگاه آنان را بیدار کرد و پیش از همه به اذان گفتن شتافت. وقتی مشرکان اذان را شنیدند، به یکدیگر گفتند: شاید چوپانی بر قلهٔ کوه است که نام خدا را ذکر می‌کند. زمانی که حضرت فرمود: شهادت می‌دهم که محمّد ﷺ رسول خداست، بعضی از آن‌ها گفتند: پیداست که چوپان از یاران آن جادوگر دروغگو است. علی ﷺ جنگ را شروع نکرد تا خورشید طلوع کند و فرشتگان روز فرود آیند. چون روز برآمد، علی ﷺ به سوی صاحب پرچم پیامبر ﷺ رو کرد و به او فرمود: آن را بالا ببر. وقتی آن را بالا برد و مشرکان دیدند، آن را شناختند و به یکدیگر گفتند: این همان دشمنتان است که در پی‌اش آمده‌اید، اینان محمّد و یاران اویند. در آن هنگام نوجوانی از مشرکان که از زورمندترین و کفرپیشه‌ترین آنان بود، یاران پیامبر ﷺ را ندا داد: ای یاران جادوگر دروغگو! کدام‌یک از شما محمّد است، بایست خود را به من نشان دهد. آن‌گاه امیرمؤمنان علی ﷺ سوی او بیرون آمد و فرمود: مادرت به عزایت بنشیند، تو خود جادوگر دروغگویی، محمّد به حق از نزد حق آمده است. گفت: تو کیستی؟ فرمود: من علی بن ابی‌طالب برادر رسول خدا و پسرعمو و شوی دختر اویم. گفت: تو با محمّد چنین نسبت‌هایی داری؟ علی ﷺ فرمود: آری.

قَالَ: فَأَنتَ وَ مُحَمَّدُ شَرعُ وَاحِدُ مَا كُنتُ أُبَالِى لَقِيتُكَ أَو لَقِيتُ مُحَمَّدًا قَالَ ثُمَّ شَدَّ عَلَى عَلِيٍّ وَ هُوَ يَقُولُ:

لاقَيتَ لَـيثًا يـا عـلىُّ ضَـيغَما   قرمًا كَرِيمًا فِى الوَغْيِ مُشـرَما

لَيثًا شَدِيدًا مِن رِجَالِ خَـثعَمَا   يَنصُرُ دِيـنًا مُـعلَمًا وَ مُـحكَمًا

مَن يَلقَنِى يَلقَ غُلَامًا طَـالَ مَـا   كَـادَ القُـرُومَ فَأَتَـتهُ سِـلما

فَأَجَابُه عَلِيٌّ عليه السلام وَ هُوَ يَقُولُ:

لَاقَـيتَ قِـرمًا هَـاشِمِيًّا ضَـيغَما   لَيثًا شَدِيدًا فِى الوَغيِ غَشَـمشَما

أَنَـا عَـلِيٌّ سَأُبِـينُ خَـثعَما   بِكُـلِّ خُـطى يَـرَى النَّـقعَ دَمـا

وَكُلِّ صَارِمٍ ضَروبٍ قُمَما

قَالَ: ثُمَّ حَمَلَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنهُمَا عَلَى صَاحِبِهِ فَاختَلَفَ بَينَهُمَا ضَربَتَانِ فَضَرَبَهُ عَلِيٌّ عليه السلام ضَربَةً فَقَتَلَهُ وَ عَجَّلَ اللهُ بِرُوحِهِ إِلَى النَّارِ، ثُمَّ نَادَى عَلِيٌّ: هَل مِن مُبارِزٍ؟ فَبَرَزَ أَخٌ لِلمَقتُولِ وَ هُوَ يَقُولُ:

أُقسِمُ بِـاللَّاتِ وَ العُـزَّى قَسَـمُ   إِنِّى لَدَى الحَربِ صَبُورٌ مَا أَرَم

مَن يَلقَنِى أَذِقهُ أَنوَاعَ الأَلَم

فَأَجَابُهُ عَلِيٌّ عليه السلام وَ هُوَ يَقُولُ:

بِاللهِ رَبِّـى إِنَّـنِى لَأَقسِـمُ   قَسَمٌ حَقٌّ لَيسَ فِيهِ مَأثَـم

إِنَّكُم مِن شَرِّنا لَن تَسلَمُوا

گفت: پس تو و محمّد بر یک دین هستید و اکنون فرقی برایم نمی‌کند که او را ببینم یا تو را. سپس سوی علی علیه السلام یورش برد و گفت:

ای علی به دیدار شیری اوژن و شتری تنومند آمده‌ای که از برای پیکار بینی‌اش را بریده‌اند. شیری سهمگین از مردان خثعم که آیینی استوار را یاری می‌دهد. هر که مرا بیند، جوانی را دیده که بسیار بر شتران تنومند دام نهاده و آنان تسلیمش شده‌اند.

و علی ﷺ در پاسخش فرمود:
به دیدار شتری تنومند و شیری سهمگین از بنی‌هاشم آمده‌ای که در پیکار بسی دلیر است. من علی‌ام و به زودی چون شیری پدید خواهم آمد که به هر گام پستی‌ها و بلندی‌ها را پُر خون و شمشیرها را چون لقمه‌ای می‌بیند.
سپس هر یک سوی هماورد خود حمله‌ور شد و دو ضربه بین آنان ردّوبدل شد و علی ﷺ با ضربه‌ای او را از پا درآورد و خداوند روحش را سوی آتش شتابانید. آن‌گاه علی ﷺ ندا سر داد: آیا مبارزی هست؟ ناگاه برادر آن کشته‌شده پیش آمد و گفت: به لات و عزّی سوگند می‌خورم که من در جنگ شکیبایم و هر که به دیدارم آید، گونه‌های درد را به او می‌چشانم. و علی ﷺ در پاسخش گفت: به پروردگارم الله سوگندی بر حق یاد می‌کنم که هیچ جای گناهی در آن نیست که شما از دست ما سالم نخواهید ماند.
وَ حَمَلَ کُلُّ وَاحِدٍ مِنهُمَا عَلی صَاحِبِهِ فَضَربَهُ عَلِیٌّ ضَربَةً فَقَتَلَهُ وَ عَجَّلَ اللهُ بِرُوحِهِ إِلَی النَّارِ. ثُمَّ نَادَی عَلِیٌّ: هَل مِن مُبَارِزٍ؟ فَبَرَزَ لَهُ الحَارِثُ بنُ مَکِیدَةَ وَ کَانَ صَاحِبُ الجَمعِ وَ هُوَ یُعَدُّ بِخَمسِمِاءَةِ فَارِسٍ وَ هُوَ الَّذِی أَنزَلَ اللهُ تَعَالَی فِیهِ: ﴿ **إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ** ﴾ قَالَ: کَفُورٌ ﴿ **وَ إِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ** ﴾ قَالَ: شَهِیدٌ عَلَیهِ بِالکُفرِ ﴿ **وَ إِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ** ﴾ قَالَ: أَمِیرُ المُؤمِنِینَ عَلِیُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ ﷺ یَعنِی بِالتِّبَاعِهِ مُحَمَّدًا ﷺ. قَالَ: فَبَرَزَ الحَارِثُ وَ هُوَ یَحرِضُ عَلَی اللهِ وَ عَلَی رَسُولِهِ وَ هُوَ یَقُولُ:

لَأَنصُرَنَّ اللَّاتَ نَصرًا حَقًّا　　بِکُلِّ عَضبٍ وَ أَزَالَ الحَلقَا
بِکُلِّ صَارِمٍ یُرَی مُنعَقَا

فَأَجَابَهُ عَلِیٌّ ﷺ وَ هُوَ یَقُولُ:

أَذُودُکُم بِاللهِ عَن مُحَمَّدٍ　　بِقَلبِ سَیفٍ قَاطِعٍ مُهَنَّدٍ
أَرجُو بِذَاكَ الفَوزَ یَومًا أَرِدُ　　عَلَی إِلهِی وَ الشَّفِیعُ أَحمَدُ

و هر یک سوی هماورد خود حمله‌ور شد و علی ﷺ با ضربه‌ای او را از پا

درآورد و خداوند روحش را سوی آتش شتابانید. آن‌گاه علی (ع) ندا سرداد: آیا مبارزی هست؟ در آن دم حارث‌بن مکیده که بزرگ آن جمع بود و خود پانصد سوار به شمار می‌رفت، پیش آمد. او همان کسی بود که خداوند متعال درباره‌اش نازل فرمود: «همانا انسان نسبت به پروردگارش بسیار ناسپاس است.» یعنی بسیار کفر می‌ورزد «و بی‌تردید او بر این [ناسپاسی] گواه است.» یعنی گواه بر کفر او «و به راستی او خیر را بسیار دوست دارد». یعنی امیرمؤمنان علی (ع) با دنباله‌روی محمّد (ص). حارث پیش آمد و در حالی که همه را علیه خداوند و رسولش می‌شوراند، می‌گفت: لات را به نیکی یاری خواهم داد، با بُرنده‌هایی تیز که سپرها را می‌افکند و با شمشیرهایی برّان که نعره‌کشان پیش می‌آیند. و علی (ع) در پاسخش فرمود:

به خدا سوگند که با تیزی شمشیری برّا و آب دیده دستتان را از محمّد (ص) به دور می‌دارم. و با این پیروزی به روزی که بر خدایم وارد می‌شوم و محمّد (ص) شفیع است، امیدوار هستم.

ثُمَّ حَمَلَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنهُمَا عَلَى صَاحِبِهِ فَضَرَبَهُ عَلِيٌّ ضَربَةً قَتَلَه وَ عَجَّلَ اللّٰهُ بِرُوحِهِ إِلَى النَّارِ، ثُمَّ نَادَى عَلِيٌّ: هَل مِن مُبَارِزٍ؟ فَبَرَزَ إِلَيهِ ابنُ عَمٍّ لَهُ يُقَالُ لَه: عَمرُوبنُ الفَتَّاكِ وَهُوَ يَقُولُ:

إِنِّي عَمروٌ، وَ أَبِي الفَتَّاكُ   وَ نَصلُ سَيفٍ بِيَدِي هَتَّاكُ

يَقطَعُ رَأسًا لَم يَزَل كَذَاكَ!

فَأَجَابَهُ عَلِيٌّ (ع) وَ هُوَ يَقُولُ:

فَهَاكَهَا مُترَعَةً دِهَاقًا   كَأسُ دِهَاقٌ مَزَجَت زُعَاقًا

إِنِّي أَنَا المَرءُ الَّذِي إِن لَاقَى   أَقُدُّ هَامًا وَ أَجُذُّ سَاقًا

سپس هر یک سوی هماورد خود حمله‌ور شد و علی (ع) با ضربه‌ای او را از پا درآورد و خداوند روحش را سوی آتش شتابانید. آن‌گاه علی (ع) ندا سرداد: آیا

مبارزی هست؟ ناگاه پسرعموی حارث که عمرو بن فتّاک نام داشت، پیش آمد و گفت: من عمرو فتّاک هستم و با تیزی شمشیری بی‌پروا که در دست دارم چنان‌که خواهی دید سر می‌برم. و علی ؑ در پاسخش فرمود: من آن مردی هستم که در نبرد سر می‌برم و پا می‌شکنم.

ثُمَّ حَمَلَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنهُمَا عَلَى صَاحِبِهِ فَضَرَبَهُ عَلِيٌّ ضَربَةً فَقَتَلَهُ وَ عَجَّلَ اللهُ بِرُوحِهِ إِلَى النَّارِ، ثُمَّ نَادَى عَلِيٌّ: هَل مِن مُبَارِزٍ؟ فَلَم يَبرُزْ إِلَيهِ أَحَدٌ فَشَدَّ أَمِيرُ المُؤمِنِينَ ؑ حَتَّى تَوَسَّطَ جَمعَهُم فَذَلِكَ قَولُ اللهِ: ﴿ فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا ﴾ فَقَتَلَ عَلِيٌّ مُقَاتَلَهُم وَسَبَى ذَرَارِيَهُم وَ أَخَذَ أَموَالَهُم وَ أَقبَلَ بِسَبيِهِم إِلَى رَسُولِ اللهِ ﷺ فَبَلَغَ ذَلِكَ النَّبِيَّ فَخَرَجَ وَ جَمِيعُ أَصحَابِهِ حَتَّى استَقبَلَ عَلِيًّا عَلَى ثَلاثَةِ أَميَالٍ مِنَ المَدِينَةِ وَ أَقبَلَ النَّبِيُّ ﷺ يَمسَحُ الغُبَارَ عَن وَجهِ أَمِيرِ المُؤمِنِينَ عَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ ؑ بِرِدَائِهِ وَ يُقَبِّلُ بَينَ عَينَيهِ وَ يَبكِي وَ هُوَ يَقُولُ: الحَمدُ لِلّهِ يَا عَلِيُّ الَّذِي شَدَّ بِكَ أَزرِي وَ قَوَّى بِكَ ظَهرِي يَا عَلِيُّ إِنَّنِي سَأَلتُ اللهَ فِيكَ كَمَا سَأَلَ أَخِي مُوسَى بنُ عِمرَانَ ؑ أَن يُشرِكَ هَارُونَ فِي أَمرِهِ وَ قَد سَأَلتُ رَبِّي أَن يَشُدَّ بِكَ أَزرِي.

ثُمَّ إِلتَفَتَ إِلَى أَصحَابِهِ وَ هُوَ يَقُولُ: مَعَاشِرَ أَصحَابِي لَا تَلُومُونِي فِي حُبِّ عَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ فَإِنَّمَا حُبِّي عَلِيًّا مِن أَمرِ اللهِ وَ اللهُ أَمَرَنِي أَن أُحِبَّ عَلِيًّا وَ أُدنِيهِ، يَا عَلِيُّ مَن أَحَبَّكَ فَقَد أَحَبَّنِي وَ مَن أَحَبَّنِي فَقَد أَحَبَّ اللهَ وَ مَن أَحَبَّ اللهَ أَحَبَّهُ اللهُ وَكَانَ حَقًّا عَلَى اللهِ أَن يُسكِنَ مُحِبِّيهِ الجَنَّةَ، يَا عَلِيُّ مَن أَبغَضَكَ فَقَد أَبغَضَنِي وَ مَن أَبغَضَنِي فَقَد أَبغَضَ اللهَ وَ مَن أَبغَضَ اللهَ أَبغَضَهُ اللهُ وَ لَعَنَهُ، وَكَانَ حَقًّا عَلَى اللهِ أَن يُوقِفَهُ يَومَ القِيَامَةِ مَوقِفَ البُغضَاءِ وَ لَا يُقبَلُ مِنهُ صَرفٌ وَ لَا عَدلٌ وَ لَا إِجَارَةٌ.

سپس هر یک سوی هماورد خود حمله‌ور شد و علی ؑ با ضربه‌ای او را از پا درآورد و خداوند روحش را سوی آتش شتابانید. آن‌گاه علی ؑ ندا سرداد: آیا مبارزی هست؟ دیگر هیچ کس پیش نیامد. ناگاه امیرمؤمنان ؑ تاخت تا به میان جمعشان درآمد و این کلام خداوند متعال است: «و با آن [هجوم] در

میان گروهی درآیند.» این‌چنین علی علیه السلام جنگجویانشان را از پا درآورد و فرزندانشان را به اسارت گرفت و دارایی‌شان را بگرفت و اسیرانشان را سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله راهی کرد. این خبر به پیامبر رسید و ایشان به همراه تمامی یارانش برای استقبال از علی به سه میل پس از مدینه رفت و با ردای خود غبار از چهرهٔ امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌زدود و میان چشمانش را می‌بوسید و می‌گریست و می‌فرمود: ای علی! سپاس و ستایش از آنِ خداوندی است که با تو پشت مرا محکم کرد و با تو مرا توان بخشید. ای علی! من دربارهٔ تو همچنان که برادرم موسی‌بن عمران از خداوند خواست تا هارون را در کارش شریک گرداند، از خداوند خواستم که پشت مرا با تو محکم کند. سپس پیامبر رو سوی یاران خود کرد و فرمود: ای جماعت یاران من! مرا به خاطر دوست داشتن علی بن ابی‌طالب سرزنش نکنید؛ چراکه دوستی من با علی فرمان خداوند است و خداوند به من فرمان داد که علی را دوست بدارم و به خود نزدیکش کنم. ای علی! هر که تو را دوست بدارد، مرا دوست داشته و هر که مرا دوست بدارد، خدا را دوست داشته و هر که خدا را دوست بدارد، خدا دوستش می‌دارد و این حقّی است بر خدا که دوستداران خود را به بهشت درآورد. ای علی! هر که تو را دشمن دارد، مرا دشمن داشته و هر که مرا دشمن دارد، خدا را دشمن داشته و هر که خدا را دشمن دارد، خدا دشمنش دارد و لعنتش گوید و این حقّی است بر خدا که روز قیامت او را در جایگاه نفرت بازایستاند و هیچ عملی را از او نپذیرد.

۵۲۲. عَبدُ اللهِ‌بنِ بَحرِبنِ طَیفُورٍ مُعنعَنًا: عَن جَعفَرِبنِ مُحَمَّدٍ علیهما السلام فِی قَولِ اللهِ تَبارَكَ وَ تَعالَی: ﴿وَ الْعادِیاتِ ضَبْحًا﴾ قالَ: هَذِهِ السُّورَةُ فِی أَهلِ وَادِی الیابِسِ. قِیلَ: یَا ابنَ رَسُولِ اللهِ وَمَا کَانَ حَالُهم وَ قِصَّتُهم؟ قَالَ: إِنَّ أَهلَ وَادِی الیَابِسِ إِجتَمَعُوا اثنَی عَشَرَ أَلفَ فَارِسٍ وَتَعَاهَدُوا وَ تَعَاقَدُوا أَن لَا یَتَخَلَّفَ رَجُلٌ عَن رَجُلٍ وَ لَا یَخذُلُ أَحَدُ أَحَدًا وَ لَا یَفِرُّ رَجُلٌ

عَن صَاحِبِهِ حَتَّى يَمُوتُوا كُلُّهُم عَلَى خَلقٍ وَاحِدٍ وَ يَقتُلُونَ مُحَمَّدًا وَ عَلِيًّا، فَنَزَلَ جَبرَئِيلُ عليه‌السلام عَلَى مُحَمَّدٍ صلى‌الله‌عليه‌وآله فَأَخبَرَهُ بِقِصَّتِهِم وَ مَا تَعَاهَدُوا عَلَيهِ وَ تَوَافَقُوا وَأَمَرَهُ أَن يَبعَثَ أَبَابَكرٍ إِلَيهِم فِي أَربَعَةِ آلَافِ فَارِسٍ مِنَ المُهَاجِرِينَ وَ الأَنصَارِ فَصَعِدَ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله المِنبَرَ فَحَمِدَ اللهَ تَعَالَى وَ أَثنَى عَلَيهِ ثُمَّ قَالَ: يَا مَعشَرَ المُهَاجِرِينَ وَ الأَنصَارِ إِنَّ جَبرَئِيلَ عليه‌السلام أَخبَرَنِي أَنَّ أَهلَ الوَادِي اليَابِسِ اثنَي عَشَرَ أَلفَ فَارِسٍ قَدِ استَعَدُّوا وَ تَعَاهَدُوا وَ تَوَافَقُوا أَن لَا يَغدِرَ رَجُلٌ بِصَاحِبِهِ وَ لَا يَفِرَّ عَنهُ وَ لَا يَخذُلَهُ حَتَّى يَقتُلُونِي أَو يَقتُلونَ أَخِي عَلِيَّ بنَ أَبِي طَالِبٍ عَلِيًّا وَ أَمَرَنِي أَن أُسِيرَ إِلَيهِم أَبَابَكرٍ فِي أَربَعَةِ آلَافِ فَارِسٍ، فَخُذُوا فِي أَمرِكُم وَ استَعِدُّوا لِعَدُوِّكُم وَ انهَضُوا إِلَيهِم عَلَى اسمِ اللهِ وَ بَرَكَتِهِ يَومَ الإِثنَينِ إِن شَاءَ اللهُ.

عبدالله‌بن بحربن طیفور روایت کرده است: امام جعفر صادق عليه‌السلام دربارهٔ کلام خداوند تبارک و تعالی «سوگند به اسبان دونده که نفس‌نفس می‌زنند» فرمود: این سوره در مورد اهل وادی یابس است. عرض شد: ای پسر رسول خدا! حال و قصهٔ آن‌ها چگونه بود؟ فرمود: دوازده هزار سوار از اهالی وادی یابس جمع شدند و با هم عهد بستند و قرار گذاشتند تا هیچ مردی مرد دیگر را جا نگذارد و هیچ‌یک دیگری را رها نکنند و هیچ کس از همراه خود دوری نکند تا آن‌گاه که همگی با هم جان ببازند و محمّد صلى‌الله‌عليه‌وآله و علی عليه‌السلام را به قتل برسانند. جبرئیل عليه‌السلام بر پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله نازل شد و پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله را از ماجرای آنان و آن‌چه بر آن عهد بسته و درباره‌اش به توافق رسیده بودند باخبر ساخت و به پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله امر کرد تا ابابکر را با چهار هزار سوار از مهاجرین و انصار به سوی آنان بفرستد. پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله بالای منبر رفت و خدا را حمد و ثنا گفت. سپس فرمود: ای گروه مهاجرین و انصار! جبرئیل عليه‌السلام مرا از اهل بیابان یابس باخبر ساخته است که با دوازده هزار سوار آماده شدند و با هم عهد بسته و به توافق رسیدند که هیچ مردی رفیقش را نفریبد و از او فرار نکند و او را تنها نگذارد تا این‌که

مرا یا برادرم علی بن ابی‌طالب را بکشند و به من امر کرد تا ابابکر را با چهار هزار سوار به سوی آنان روانه کنم. پس دست به کار شوید و برای نبرد با دشمنتان آماده شوید و ان‌شاءالله به اسم و برکت خداوند روز دوشنبه سویشان حمله کنید.

فَأَخَذَ المُسلِمُونَ عِدَّتَهُم وَ تَهَيَّأوا وَ أَمَرَ رَسُولُ اللهِ ﷺ أَبابَكرٍ بِأَمرٍ وَكَانَ فِيمَا أَمَرَهُ بِهِ: أَن إِذَا رَآهُم أَن يُعرِضَ عَلَيهِمُ الإِسلَامَ فَإِن تَابَعُوهُ وَ إِلَّا وَاقَعَهُم فَقَتَلَ مُقَاتِلِيهِم وَ سَبَى ذَرَارِيَهُم وَ استَبَاحَ أَموَالَهُم وَ أَخرَبَ دِيَارَهُم.

فَمَضَى أَبُوبَكرٍ وَ مَن مَعَهُ مِنَ المُهَاجِرِينَ وَ الأَنصَارِ فِي أَحسَنِ عُدَّةٍ وَ أَحسَنِ هَيئَةٍ يَسِيرُ بِهِم سِيرًا رَفِيقًا حَتَّى انتَهُوا إِلَى أَهلِ الوَادِي اليَابِسِ فَلَمَّا بَلَغَ القَومَ نُزُولُ القَومِ عَلَيهِم وَ نُزُولُ أَبِي‌بَكرٍ وَ أَصحَابِهِ قَرِيبًا مِنهُم خَرَجَ إِلَيهِم مِن وَادِي اليَابِسِ مِاءَتَا رَجُلٍ مُدَحَّجِينَ فِي السِّلَاحِ فَلَمَّا صَادَفُوهُم قَالُوا لَهُم: مِن أَينَ أَقبَلتُم وَ أَينَ تُرِيدُونَ لِيَخرُجَ إِلَينَا صَاحِبُكُم حَتَّى نُكَلِّمَهُ فَخَرَجَ إِلَيهِم أَبُوبَكرٍ وَ نَفَرٌ مِنَ المُسلِمِينَ فَقَالَ لَهُم أَبُوبَكرٍ: أَنَا صَاحِبُ رَسُولِ اللهِ. فَقَالُوا: مَا أَقدَمَكَ عَلَينَا؟ قَالَ: أَمَرَنِي رَسُولُ اللهِ ﷺ أَن أُعرِضَ عَلَيكُمُ الإِسلَامَ أَن تَدخُلُوا فِيمَا دَخَلَ فِيهِ المُسلِمُونَ وَ لَكُم مَا لَهُم وَ عَلَيكُم مَا عَلَيهِم وَ إِلَّا فَالحَربُ بَينَنَا وَ بَينَكُم. قَالُوا لَهُ: أَمَا وَ اللَّاتِ وَ العُزَّى لَولَا رَحِمٌ بَينَنَا وَ بَينَكَ وَ قَرَابَةٌ قَرِيبَةٌ لَقَتَلنَاكَ وَ جَمِيعَ أَصحَابِكَ حَتَّى يَكُونَ حَدِيثًا لِمَن يَأتِي بَعدَكُم إِرجِع أَنتَ وَ أَصحَابُكَ وَ مَن مَعَكَ وَ ارغَبُوا فِي العَافِيَةِ فَإِنَّا نُرِيدُ صَاحِبَكُم بِعَينِهِ وَ أَخَاهُ عَلِيَّ بنَ أَبِي‌طَالِبٍ.

مسلمانان ساز و برگ برگرفتند و مسلّح شدند و رسول خدا ﷺ دستوراتی به ابوبکر داد که از جمله آن بود که چون آنان را دید، اسلام را بر ایشان عرضه دارد، اگر پیروی‌اش کردند که هیچ، وگرنه با آنان نبرد کند و جنگجویانشان را از پا درآورد و فرزندانشان را به اسارت گیرد و دارایی‌شان را مباح و سرزمینشان را ویران کند. ابوبکر با آنان که از مهاجرین و انصار همراهش

بودند، با بهترین سازوبرگ و بهترین هیئت به راه افتاد و آنان را به نرمی رهسپار کرد تا آن‌که به اهل وادی یابس رسیدند. چون آن قوم از فرود آمدن این قوم باخبر شدند و دانستند که ابوبکر و یارانش در نزدیکی آنان فرود آمده‌اند، دویست مرد از وادی یابس تا دندان مسلّح سوی آنان بیرون شدند و چون به آنان رسیدند، گفتند: از کجا آمده‌اید و به کجا می‌روید؟ بزرگتان باید سوی ما آید تا با او سخن گوییم. آن‌گاه ابوبکر با چند تن از مسلمانان سویشان بیرون آمدند و ابوبکر به آنان گفت: من یار رسول خدا ﷺ هستم. گفتند: چه چیز تو را سوی ما روانه کرده؟ گفت: رسول خدا به من فرمان داده تا اسلام را به شما عرضه دارم تا در آن‌چه که مسلمانان بدان درآمده‌اند، شما نیز درآیید و هر آن‌چه از برای آنان است، برای شما و هر آن‌چه علیه آنان است علیه شما نیز باشد وگرنه بین ما و شما جنگ حکم کند. گفتند: به لات و عزی سوگند اگر نبود پیوند و خویشاوندی نزدیکی که بین ما و توست، هر آینه تو و تمامی یارانت را می‌کشتیم تا درس عبرتی باشد برای آنان که پس از شما می‌آیند. اکنون تو و یاران و همراهانت بازگردید و قدر عافیت را بدانید که ما تنها بزرگتان را و برادرش علی بن ابی‌طالب را می‌خواهیم.

فَقَالَ أَبُوبَكرٍ لِأَصحَابِهِ: يَا قَومُ أَكثَرُ مِنَّا اَضعَافًا وَ أَعَدُّ مِنكُم عِدَّةً وَ قَد نَأَت دَارُكُم عَن إِخوَانِكُم مِنَ المُسلِمِينَ فَارجِعُوا نُعلِمُ رَسُولَ اللهِ ﷺ بِحَالِ القَومِ فَقَالُوا لَهُ جَمِيعًا: خَالَفتَ يَا أَبَابَكرٍ رَسُولَ اللهِ ﷺ وَ مَا أُمِرتَ بِهِ فَاتَّقِ اللهَ وَ وَاقِعِ القَومَ وَ لَا تُخَالِف قَولَ رَسُولِ اللهِ ﷺ. قَالَ: اِنِّي أَعلَمُ مَا لَا تَعلَمُونَ وَ الشَّاهِدُ يَرىٰ مَا لَا يَرىٰ الغَائِبُ فَانصَرَفَ النَّاسُ وَ انصَرَفُوا أَجمَعِينَ.

فَأَخبَرَ جَبرَئِيلُ ؈ النَّبِيَّ ﷺ بِمَا بِمَقَالَةِ القَومِ وَ مَا رَدَّ عَلَيهِم أَبُوبَكرٍ فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: يَا أَبَابَكرٍ خَالَفتَ أَمرِي وَ لَم تَفعَل مَا أَمَرتُكَ بِهِ وَ كُنتَ لِي عَاصِيًا فِيمَا أَمَرتُكَ. فَقَامَ النَّبِيُّ ﷺ وَ صَعِدَ المِنبَرَ فَحَمِدَ اللهَ وَ أَثنَىٰ عَلَيهِ ثُمَّ قَالَ: يَا مَعَاشِرَ

الْمُسلِمِينَ إِنِّي أَمرتُ أَبَابَكرٍ أَن يَسِيرَ إِلَى أَهلِ وَادِي الْيَابِسِ وَ أَن يَعرِضَ عَلَيهِمُ الإِسلَامَ وَ يَدعُوهُم إِلَى اللهِ وَ إِلَى فَإِن أَجَابُوا وَ إِلَّا وَاقَعَهُم وَ أَنَّه سَارَ إِلَيهِم فَخَرَجَ إِلَيهِ مِنهُم مِاءَتَا رَجُلٍ فَلَمَّا سَمِعَ كَلامَهُم وَ مَا استَقبَلُوهُ بِهِ انفَتَحَ سِحرُهُ وَ دَخَلَهُ الرُّعبُ مِنهُم وَ تَرَكَ قَولِي وَ لَم يُطِع أَمرِي وَ إِنَّ جَبرَئِيلَ عليه‌السلام أَمَرَنِي عَنِ اللهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَن أَبعَثَ عُمَرَ مَكَانَهُ فِي أَصحَابِهِ فِي أَربَعَةِ آلافِ فَارِسٍ فَسِر يَا عُمَرُ بِاسمِ اللهِ وَ لَا تَعمَل مَا عَمِلَ أَبُوبَكرٍ أَخُوكَ فَإِنَّهُ قَد عَصَى اللهَ وَ عَصَانِي. وَ أَمَرَهُ بِمَا أَمَرَ بِهِ أَبَابَكرٍ.

ابوبکر به یارانش گفت: ای قوم! شمار آنان بیشتر از ماست و تجهیزات آنان بیشتر است و شما از برادران مسلمانتان فاصله دارید، پس برگردید تا رسول خدا را از حال این قوم باخبر کنیم. همگی در پاسخش گفتند: ای ابوبکر! از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و فرمانش سرپیچی کردی، تقوای الهی پیشه کن و با این قوم بجنگ و از سخن رسول خدا سرپیچی نکن. او گفت: من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید و حاضر چیزی می‌بیند که غایب نمی‌بیند. این‌گونه آن جمع صرف‌نظر کردند و همگی برگشتند.

جبرئیل علیه‌السلام پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را از سخن آن قوم و پاسخ ابوبکر به آنان خبر داد. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: ای ابوبکر! از فرمان من سرپیچی کردی و آن‌چه تو را بدان فرمان داده بودم، انجام ندادی و از من در آن‌چه به تو فرمان دادم، نافرمانی کردی. آن‌گاه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله برخاست و بر منبر رفت و خداوند را حمد و ثنا گفت و سپس فرمود: ای جماعت مسلمانان! من به ابوبکر فرمان دادم که سوی اهل وادی یابس روانه شود و اسلام را به آنان عرضه دارد و آنان را سوی خدا و من فراخواند. اگر پذیرفتند که هیچ وگرنه با آنان بجنگند. او سویشان روانه شده و دویست تن از آنان سوی او بیرون آمده‌اند و چون سخن آنان را شنیده و آن‌چه را که روبه‌رویش چیده بوده‌اند، دیده، خود را باخته و ترس از آنان در او راه یافته و سخن مرا واگذاشته و فرمان مرا اطاعت نکرده است. حال جبرئیل از

سوی خداوند متعال به من فرمان داده تا عمر را به جای او به همراه یارانش با چهار هزار سوار بفرستم. پس ای عمر! به اسم خداوند راهی شو و آن مکن که برادرت ابوبکر کرد که او از خدا و از من نافرمانی کرد. آن‌گاه پیامبر همان فرمانی را که به ابوبکر داده بود، به او نیز داد.

فَخَرَجَ عُمَرُ وَ الْمُهَاجِرُونَ وَ الأَنصَارُ الَّذِينَ كَانُوا مَعَ أَبِى بَكرٍ يَقصُدُ بِهِم فِى مَسِيرِهِ حَتَّى شَارَفَ القَومَ حَيثُ يَرَاهُم وَ يَرَونَهُ حَتَّى خَرَجَ إِلَيهِم مِاءَتَا رَجُلٍ مِن أَهلِ وَادِى اليَابِسِ فَقَالُوا لَهُ وَ لِأَصحَابِهِ مِثلَ مَقَالَتِهِم لِأَبِى بَكرٍ فَانصَرَفَ عَنهُم وَ انصَرَفَ النَّاسُ مَعَهُ وَ كَادَ أَن يَطِيرَ قَلبُهُ لَمَّا رَأَى مِن نَجدَةِ القَومِ وَ جَمعِهِم وَ رَجَعَ.

فَنَزَلَ جَبرَئِيلُ عليه السلام عَلَى النَّبِىِّ صلى الله عليه وآله وَ أَخبَرَهُ بِمَا صَنَعَ عُمَرُ وَ أَنَّهُ قَدِ انصَرَفَ وَ انصَرَفَ الْمُسلِمُونَ مَعَهُ فَصَعِدَ النَّبِىُّ صلى الله عليه وآله المِنبَرَ فَحَمِدَ اللهَ تَعَالَى وَ أَثنَى عَلَيهِ وَ أَخبَرَ بِمَا صَنَعَ عُمَرُ وَ مَا كَانَ مِنهُ وَ أَنَّهُ قَدِ انصَرَفَ بِالْمُسلِمِينَ مَعَهُ مُخَالِفًا لِأَمرِى عَاصِيًا لِقَولِى فَقَامَ إِلَيهِ عُمَرُ.

وَ أَخبَرَهُ بِمِثلِ مَا أَخبَرَهُ بِهِ صَاحِبُهُ فَقَالَ لَهُ النَّبِىُّ صلى الله عليه وآله: يَا عُمَرُ قَد عَصَيتَ اللهَ فِى عَرشِهِ وَ عَصَيتَنِى وَ خَالَفتَ أَمرِى وَ عَمِلتَ بِرَأيِكَ إِلَّا قَبَّحَ اللهُ رَأيَكَ وَ إِنَّ جَبرَئِيلَ عليه السلام أَمَرَنِى عَنِ اللهِ أَن أَبعَثَ عَلِيَّ بنَ أَبِى طَالِبٍ عليه السلام فِى هَؤُلَاءِ الْمُسلِمِينَ وَ أَخبَرَنِى أَنَّ اللهَ تَعَالَى يَفتَحُ عَلَيهِ وَ عَلَى أَصحَابِهِ. ثُمَّ نَزَلَ فَدَعَا عَلِيَّ بنَ أَبِى طَالِبٍ عليه السلام فَأَوصَاهُ بِمَا أَوصَى بِهِ أَبَابَكرٍ وَ عُمَرَ وَ أَصحَابَهُ أَربَعَةَ آلَافِ فَارِسٍ وَ أَخبَرَهُ أَنَّ اللهَ سَيَفتَحُ عَلَيهِ وَعَلَى أَصحَابِهِ.

عمر بیرون شد و مهاجران و انصاری که همراه ابوبکر بودند، در راه به او پیوستند تا این‌که به دیدرس آن قوم رسید؛ چنان‌که او آنان را می‌دید و آنان نیز او را می‌دیدند. آن‌گاه دویست تن از اهل وادی یابس سوی او بیرون آمدند و به او و یارانش همان سخنی را گفتند که به ابوبکر گفته بودند. او نیز از آنان روی گرداند و آن جماعت نیز به همراهش بازگشتند و چیزی نمانده بود که از

چونان دلیری و جمعیتی که از آنان دیده بود، قلبش از جا درآید و بازگشت.
در آن هنگام جبرئیل بر پیامبر ﷺ نازل شد و او را از آن‌چه عمر کرد، خبر داد و گفت که او بازگشته و مسلمانان نیز به همراهش بازگشته‌اند. پیامبر ﷺ بر منبر رفت و خداوند متعال را حمد و ثنا گفت و همه را از کار عمر و آن‌چه از او سر زده بود خبر داد و گفت که او مسلمانان را با خود بازگردانده و از فرمان من سرپیچی و از سخن من نافرمانی کرده است. در آن دم عمر نزد پیامبر رسید و همان خبری را که ابوبکر به ایشان داده بود، داد. پیامبر ﷺ به او فرمود: ای عمر! خداوند را در عرشش و نیز مرا نافرمانی کردی و از فرمان من سرپیچی کردی و خودرأیی نمودی که خداوند رأیت را زشت شمرد. جبرئیل ؑ از سوی خداوند مرا فرمان داده که علی بن ابی‌طالب ؑ را با آن مسلمانان بفرستم و مرا خبر داده که خداوند پیروزی را نصیب او و یارانش می‌کند. سپس از منبر پایین آمد و علی بن ابی‌طالب ؑ را فراخواند و همان سفارشی را که به ابوبکر و عمر کرده بود، به وی نیز کرد و یارانش چهار هزار سوار بودند و به او خبر داد که خداوند پیروزی را نصیب او و یارانش می‌کند.
فَخَرَجَ عَلِيٌّ ؑ وَ مَعَهُ المُهَاجِرُونَ وَ الأَنصَارُ فَسَارَبِهِم سير أَبِي‌بَكرٍ وَ عُمَرَ وَ ذَلِكَ أَنَّهُ أَعنَفُ بِهِم فِي السَّيرِ حَتَّى خَافُوا أَن يَتَقَطَّعوا مِنَ التَّعَبِ وَ تَحفِى دَوَابُّهُم فَقَالَ لَهُم: لَا تَخَافُوا فَإِنَّ رَسُولَ اللهِ ﷺ أَمَرَنِي بِأَمرٍ وَ أَنَا مَنتَهٍ إِلَى أَمرِهِ، وَ أَخبَرَنِي أَنَّ اللهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى سَيَفتَحُ عَلَيَّ وَ عَلَيكُم، ابشِرُوا فَإِنَّكُم غَادُونَ إِلَى خَيرٍ. فَطَابَت أَنفُسُهُم وَ سَكَنَت قُلُوبُهُم فَسَارُوا كُلَّ ذَلِكَ فِي السَّيرِ وَ التَّعَبِ الشَّدِيدِ حَتَّى بَاتُوا قَرِيبًا مِنهُم حَيثُ يُرَاهُم وَ يَرَونَهُ وَ أَمَرَ أَصحَابَهُ أَن يَنزِلُوا وَ سَمِعَ أَهلَ الوَادِي اليَابِسِ بِقُدُومِ عَلِيِّ بنِ أَبِي‌طَالِبٍ ؑ فَخَرَجَ مِنهُم إِلَيهِ مِاءَتَا فَارِس شاكين فِي السَّلَاحِ فَلَمَّا رَآهُم عَلِيٌّ ؑ خَرَجَ إِلَيهِم فِي نَفَرٍ مِن أَصحَابِهِ فَقَالُوا لَهُم: مَن أَنتُم وَ مِن أَينَ أَقبَلتُم وَ أَينَ تُرِيدُونَ؟
قَالَ: أَنَا أَمِيرُ المُؤمِنِينَ عَلِيُّ بنُ أَبِي‌طَالِبٍ ابنُ عَمِّ رَسُولِ اللهِ ﷺ وَ أَخُوهُ وَ رَسُولُهُ

إِلَیکُم أَن ندعُوکم إِلَی شَهادَةِ أَن لا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَ اَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللهِ وَ لکُم مَا لِلمُسلِمِینَ وَ عَلَیکُم مَا عَلَیهِم مِنَ الخَیرِ وَ الشَّرِّ.

فَقَالوا: إِیَّاكَ أَرَدنا وَ أَنتَ طُلِبتَنا قد سَمِعنَا مَقَالَتكَ وَ مَا أَرَدتُ وَ هَذَا الأَمرُ لَا یُوَافقنا وَتَبًّا لَكَ وَ لِأَصحَابِكَ وَ خُذ حذرك وَ استَعِدَّ لِلحَربِ وَ لکِنَّا قَاتَلوك وَ قَاتَلوا أَصحَابَكَ، وَ المَوعِدُ فِیمَا بینَنَا وَ بَینَکُم غَدًا سَحَرًا وَ قَد أَعذرنا فِیمَا بَینَنَا وَ بَینَکُم.

حضرت امام علی ؈ به همراه مهاجرین و انصار راهی شد و ایشان را به شیوه‌ای غیر از شیوهٔ ابوبکر و عمر به راه درآورد. به این ترتیب که در پیمودن راه چنان به ایشان سخت گرفت که ترسیدند از خستگی نفسشان بند آید و چهارپایانشان از پا درآیند. در آن دم حضرت ؈ به آنان فرمود: نترسید، رسول خدا ﷺ فرمانی به من داده و مرا خبر داده است که خداوند من و شما را پیروز خواهد کرد، پس مژده باد بر شما که به راه خیر و به سوی خیر هستید. پس جان و دل ایشان شاد شد و نیرو گفتند و به این ترتیب، ایشان آن راه سخت را پیمودند تا این‌که به نزدیکی آنها رسیدند، چنان‌که می‌توانستند یکدیگر را ببینند. حضرت ؈ به یارانش فرمان داد تا فرود آیند و خبر آمدن حضرت امام علی بن ابی‌طالب ؈ و یارانش به گوش اهل وادی یابس رسید. پس دویست مرد تا دندان مسلّح از اهل وادی یابس به سوی ایشان بیرون آمدند و چون حضرت ؈ آنان را دید، ایشان نیز به همراه چند تن از یارانش به سوی آنان بیرون شد. آنها عرض کردند: شما کیستید؟ از کجا آمده‌اید و به کجا می‌روید؟ حضرت ؈ فرمود: من علی بن ابی‌طالب، عموزاده و برادر رسول خدا ﷺ و فرستادهٔ ایشان به سوی شما هستم. شما را دعوت می‌کنم که گواهی دهید هیچ خدایی جز الله نیست و حضرت محمّد ﷺ فرستادهٔ اوست، اگر ایمان آورید، هر آن‌چه از برای مسلمانان است، از برای شماست و هر آن‌چه از خیر و شر بر آنهاست، بر شماست. آنان عرض کردند: ما خود تو را می‌خواستیم و در پی تو

بودیم، سخت را و آن‌چه را بر ما عرضه داشتی، شنیدیم. این چیزی است که ما نمی‌پسندیم، پس به هوش باش و برای سخت‌ترین نبرد آماده شو و بدان که ما تو و یارانت را می‌کشیم و وعدهٔ ما با تو بامداد فرداست و در آن‌چه بین ماست، حجّت را تمام کردیم.

فَقَالَ لَهُم عَلِيٌّ عليه السلام: وَيلَكُم تُهَدِّدُونِي بِكَثرَتِكُم وَ جَمعِكُم؟! وَ أَنَا أَستَعِينُ بِاللهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ بِالمُسلِمِينَ عَلَيكُم وَ لَا حَولَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظِيمِ. فَانصَرَفُوا إِلَى مَرَاكِزِهِم وَ انصَرَفَ عَلِيٌّ إِلَى مَركَزِهِ.

فَلَمَّا جَنَّهُ اللَّيلُ أَمَرَ عَلِيٌّ أَصحَابَهُ أَن يَحُسُّوا دَوَابَّهُم وَ يَقضِمُونَهَا وَ يُسرِجُونَهَا، فَلَمَّا أَسفَرَ عَمُودُ الصُّبحِ صَلَّى بِالنَّاسِ بِغَلَسٍ فَمَرَّ عَلَيهِم بِأَصحَابِهِ فَلَم يَعلَمُوا حَتَّى تَوَطَّأَتهُم الخَيلُ فَمَا أَدرَكَ آخِرَ أَصحَابِهِ حَتَّى قَتَلَ مُقَاتِلِيهِم وَ سَبىٰ ذَرارِيَهُم وَ استَبَاحَ أَموَالَهُم وَ أَخرَبَ دِيَارَهُم وَ أَقبَلَ بِالأُسَارَى وَ الأَموَالِ مَعَهُ.

وَ نَزَلَ جَبرَئِيلُ عليه السلام فَأَخبَرَ النَّبِيَّ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه و آله بِمَا فَتَحَ اللهُ عَلَى يَدَي أَمِيرِ المُؤمِنِينَ عَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام وَ جَمَاعَةِ المُسلِمِينَ فَصَعِدَ المِنبَرَ وَ حَمِدَ اللهَ تَعَالَى وَ أَثنَى عَلَيهِ وَ أَخبَرَ النَّاسَ بِمَا فَتَحَ اللهُ تَعَالَى عَلَى المُسلِمِينَ وَ أَعلَمَهُم أَنَّهُ لَم يُصِب مِنهُم إِلَّا رَجُلَانِ.

حضرت علی عليه السلام به آنان فرمود: وای بر شما! مرا به انبوهی و جمعیتتان تهدید می‌کنید حال آن‌که من از خداوند و فرشتگانش و مسلمانان در برابرتان یاری می‌جویم و هیچ قدرت و توانی نیست جز از سوی خداوند والای بلندمرتبه. این‌چنین آنان به جایگاه‌هایشان بازگشتند و حضرت علی عليه السلام نیز به جایگاهش بازگشت.

چون شب پرده افکند، حضرت علی عليه السلام به یارانش فرمان داد تا چهارپایانشان را قشو کنند و علف خورانند و زین کنند و چون سپیدی صبح رخ نمود، در گرگ و میش پیشاپیش مردم نماز گزارد و با یارانش بر آن قوم تاخت و آنان

بی‌خبر بودند تا آن‌که اسبان به زیرشان گرفتند و هنوز آخرین یاران حضرت فرا نرسیده بودند که جنگجویانشان را از پا درآورد و فرزندانشان را به اسارت گرفت و دارایی‌شان را به غنیمت گرفت و سرزمینشان را ویران کرد و با اسیران و اموالشان به راه افتاد. در آن دم جبرئیل نازل شد و پیامبر ﷺ را خبر داد که خداوند به دست امیرمؤمنان علی علیه السلام و مسلمانان گشایش حاصل کرده است. آن‌گاه پیامبر بر منبر رفت و خداوند متعال را حمد و ثنا گفت و مردم را خبر داد که خداوند متعال برای مسلمانان پیروزی حاصل کرده و آگاهشان کرد که تنها دو تن از ایشان زخم خورده‌اند.

فَخَرَجَ النَّبِيُّ ﷺ يستقبِلُ عَلِيًّا وَ جَمِيعُ أَهلِ المَدِينَةِ مِنَ المُسلِمِينَ حَتَّى لَقِيَهُ عَلَى ثَلاثَةِ أَمیالٍ مِنَ المَدِينَةِ فَلَمَّا رَآهُ عَلِيٌّ مُقبِلًا نَزَلَ عَن دَابَّتِهِ وَ نَزَلَ النَّبِيُّ ﷺ حَتَّى إلتزَمَهُ وَ قَبَّلَ النَّبِيُّ ﷺ بينَ عَينَيهِ وَ نَزَلَ جَمَاعَةُ المُسلِمِينَ إِلَى عَلِيٍّ حَيثُ نَزَلَ النَّبِيُّ ﷺ وَ أَقبَلَ بِالغَنِيمَةِ وَ الأُسَارَى وَ مَا رَزَقَهُم اللهُ تَعَالَى مِن أَهلِ الوَادِي اليَابِسِ. ثُمَّ قَالَ جعفَرُ بنُ مُحَمَّدٍ علیه السلام: فَمَا غَنَمَ المُسلِمُونَ مِثلَهَا قَطُّ إِلّا أَن يَكُونَ خَيبَرُ فَإِنَّهَا مِثلُ خَيبَرَ وَ أَنزَلَ اللهُ تَعَالَى فِي ذَلِكَ اليَومِ: ﴿ **وَ الْعادِياتِ ضَبْحًا** ﴾ يَعنِي بِالعَادِيَاتِ الخَيلَ تَعدُو بِالرِّجَالِ وَ الضَّبحُ ضَبحًا فِي أَعِنَّتِها وَ لُجُمِهَا ، ﴿ **فَالْمُورِياتِ قَدْحًا** ﴾ قَالَ: قَدَحَتِ الخَيلُ ، ﴿ **فَالْمُغِيراتِ صُبْحًا** ﴾ أَخبَرَكَ أَنَّهَا أَغَارَت عَلَيهَا صُبحًا ، ﴿ **فَأَثَرْنَ بِهِ نَقْعًا** ﴾ يَعنِي بِالخَيلِ أَثَرنَ بِالوَادِي نَقعًا ، ﴿ **فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا** ﴾: جَمعَ القَومِ ، ﴿ **إِنَّ الْإِنْسانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ** ﴾ قَالَ: لَكَفُورٌ ﴿ **وَ إِنَّهُ عَلىٰ ذٰلِكَ لَشَهِيدٌ** ﴾ قَالَ: يَعنِيهُمَا جَمِيعًا قد شَهِدَا جَمعَ وَادِي اليَابِسِ وَ تَمَنَّيَا الحَيَاةَ ، ﴿ **وَ إِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ** ﴾ يَعنِي أَمِيرَ المُؤمِنِينَ علیه السلام ، ﴿ **أَ فَلا يَعْلَمُ إِذا بُعْثِرَ ما فِي الْقُبُورِ * وَ حُصِّلَ ما فِي الصُّدُورِ * إِنَّ رَبَّهُمْ بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَخَبِيرٌ** ﴾ قَالَ: نَزَلَت هَاتَانِ الآيَتَانِ فِيهِمَا خَاصَّةً كَانَا يَضمِرَانِ ضَمِيرَ السَّوءِ وَ يَعمَلَانِ بِهِ فَأَخبَرَ اللهُ تَعَالَى خَبَرَهُمَا. فَهَذِهِ قِصَّةُ أَهلِ وَادِي اليَابِسِ وَ تَفسِيرُ السُّورَةِ.

سپس پیامبر ﷺ برای استقبال از حضرت علی علیه السلام به همراه همهٔ مسلمانان

مدینه بیرون شد تا این‌که ایشان را پس از سه میل از مدینه دید. چون حضرت علی ﷺ دید که ایشان به استقبالش می‌آیند، از چهارپایش پیاده شد و پیامبر نیز پیاده شد تا به یکدیگر رسیدند و پیامبر ﷺ میان چشمان حضرت را بوسید و جماعت مسلمانان نیز در پی پیامبر سوی حضرت پیاده شدند و رو سوی غنایم و اسیران و هر آن‌چه که خداوند از اهل وادی یابش نصیبشان کرده بود، گذاشتند.

سپس حضرت امام جعفر صادق ﷺ فرمود: مسلمانان هیچ‌گاه چونان غنیمتی نگرفته بودند جز در خیبر و آن غنایم همانند غنایم خیبر بود. خداوند متعال در آن روز نازل فرمود: «سوگند به اسبان دونده که نفس نفس می‌زنند.» یعنی به اسبان دونده که مردان را می‌دوانند و در دهان‌بندها و لجام‌هایشان نفس نفس می‌زنند. «سوگند به آتش افروزندگان با زدن [سم‌هایشان به سنگ‌ها].» اسبان آتش افروختند «سوگند به [هجوم] آورندگان در صبحگاهان.» خبر می‌دهد که اسبان صبح هنگام بر آنان تاختند «که با آن [هجوم] غباری برانگیزانند.» یعنی اسبان در آن وادی غبار برانگیختند «و با آن [هجوم] در میان گروهی درآیند.» در میان آن قوم «به راستی انسان نسبت به پروردگارش بسیار ناسپاس است» بسیار کفر پیشه «و بی‌تردید او بر این [ناسپاسی] گواه است» آن دو نفر را منظور دارد که جماعت وادی یابس را دیدند و خواستند زنده بمانند. «و به راستی او خیر را بسیار دوست دارد» یعنی امیرمؤمنان ﷺ «آیا نمی‌داند که هرگاه آن‌چه در قبرهاست برانگیخته شود، و آن‌چه در سینه‌هاست آشکار گردد. به راستی در چنین روزی پروردگارشان به آن‌ها آگاه است.» این دو آیه ویژهٔ آن دو نفر نازل شد که در دلشان بدی نهان می‌کردند و به آن عمل می‌کردند و خداوند این‌گونه از آنان خبر داد.

این بود قصهٔ اهل وادی یابس و تفسیر این سوره.

وَ مِن سُورَةِ التَّكَاثُرِ

(سورهٔ تکاثر، آیهٔ ۸)

﴿ ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعيمِ ﴾

آن‌گاه در آن روز حتماً از شما دربارهٔ آن نعمت سؤال خواهد شد.

۵۲۳. عَن أَبى حَفصٍ الصَّائِغِ قَالَ: سَمِعتُ جعفَرَبنَ مُحَمَّدٍ عليه السلام يَقُولُ فِى قَولِ اللهِ تَعَالَى: **﴿ ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعيمِ ﴾** قَالَ: نَحنُ مِنَ النَّعِيمِ الَّذِى ذَكَرَ اللهُ ثُمَّ قَرَأَ جَعفَرُ: **﴿ وَ إِذْ تَقُولُ لِلَّذي أَنْعَمَ اللهُ عَلَيْهِ وَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ[1] ﴾**.

ابی‌حفص صائغ گفت: از امام جعفر صادق عليه السلام شنیدم که دربارهٔ این آیه فرمود: ما از جمله نعمتی هستیم که خداوند از آن یاد کرد. سپس این آیه را تلاوت فرمود: «و [به یاد آور] هنگامی را که به آن کسی که خداوند به او نعمت داده بود و تو [نیز] به او نعمت داده بودی می‌گفتی.»

۵۲۴. عَن حَنَانِ بنِ سَدِيرٍ قَالَ: حَدَّثَنِى أَبى قَالَ: كُنتُ عِندَ جَعفَرِبنِ مُحَمَّدٍ عليهما السلام فَقَدِمَ إِلَينَا طَعَامًا مَا أَكَلتُ طَعَامًا مِثلَهُ قَطُّ فَقَالَ لِى: يَا سَدِيرُ كَيفَ رَأَيتَ طَعَامَنَا هَذَا؟ قُلتُ: بِأَبِى

---

۱. احزاب، ۳۷

أَنتَ وَ أُمِّي يَا ابنَ رَسُولِ اللهِ مَا أَكَلتُ مِثلَهُ قَطُّ وَ لَا أَظُنُّ آكُلُ أَبَدًا مِثلَهُ. ثُمَّ إِنَّ عَينِي تَغرغَرَت فَبَكِيتُ فَقَالَ: يَا سَدِيرُ مَا يُبكِيكَ؟ قُلتُ: يَا ابنَ رَسُولِ اللهِ ذَكَرتُ آيَةً فِي كِتابِ اللهِ تَعَالَى. قَالَ: وَ مَا هِيَ؟ قُلتُ: قَولُ اللهِ فِي كِتَابِهِ: ﴿ ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعيمِ ﴾ فَخِفتُ أَن يَكُونَ هَذَا الطَّعَامُ مِنَ النَّعِيمِ الَّذِي يَسأَلُنَا اللهُ عَنهُ. فَضَحِكَ حَتَّى بَدَت نَوَاجِذُهُ ثُمَّ قَالَ: يَا سَدِيرُ لَا تُسأَلُ عَن طَعَامٍ طَيِّبٍ وَ لَا ثَوبٍ لَيِّنٍ وَ لَا رَائِحَةٍ طَيِّبَةٍ، بَل لَنَا خُلِقَ وَ لَهُ خُلِقنَا وَ لنعمَل فِيهِ بِالطَّاعَةِ. قُلتُ لَهُ: بِأَبِي أَنتَ وَ أُمِّي يَا ابنَ رَسُولِ اللهِ فَمَا النَّعِيمُ؟ قَالَ: حُبُّ عَلِيٍّ وَ عِترَتِهِ يَسأَلُهم يَومَ القِيَامَةِ: كَيفَ كَانَ شُكرُكُم لِي حِينَ أَنعمتُ عَلَيكُم بِحُبِّ عَلِيٍّ وَ عِترَتِهِ؟

حنّان بن سدیر از قول پدرش گفت: خدمت امام جعفر صادق علیه السلام بودم که طعامی برایمان آوردند؛ طعامی که هرگز همانندش را نخورده بودم. ایشان فرمود: ای سدیر! این غذای ما چگونه بود؟ عرض کردم: پدر و مادرم به فدایت ای پسر رسول خدا! هرگز مثل آن را نخوردهام و گمان نمی‌کنم مثل آن در آینده نیز نصیبم شود. آن‌گاه اشک در چشمانم حلقه زد و گریستم. ایشان علیه السلام فرمود: ای سدیر! چرا گریه می‌کنی؟ عرض کردم: ای پسر رسول خدا! به یاد آیه‌ای در قرآن افتادم. فرمود: کدام آیه؟ عرض کردم: آنجا که خداوند در کتابش می‌فرماید: «آن‌گاه در آن روز حتماً از شما دربارهٔ آن نعمت سؤال خواهد شد.» ترسیدم این طعام از جمله نعمتی باشد که خدا درباره آن از ما سؤال خواهد کرد. امام خندید به گونه‌ای که دندان‌های ایشان نمایان شد. سپس فرمود: ای سدیر! از هیچ طعام پاک و لباس نرم و بوی خوشی سؤال نخواهد شد؛ چراکه این‌ها برای ما آفریده شده و ما برای این‌ها آفریده شده‌ایم و تنها بایست با استفاده از این نعمت‌ها فرمان‌بردار خدا باشیم. عرض کردم: پدر و مادرم به فدایت ای پسر رسول خدا! پس آن نعمت چیست؟ فرمود: دوستی با علی علیه السلام و خاندان او، خداوند در روز قیامت سؤال می‌کند: چگونه شکر مرا به جا آوردید هنگامی که با دوستی علی علیه السلام و خاندانش بر شما نعمت بخشیدم؟

وَ مِن سُورَةِ العَصرِ

(سورهٔ عصر، آیهٔ ۱ ـ ۳)

﴿ وَ الْعَصْرِ * إِنَّ الْإِنْسانَ لَفي خُسْرٍ * إِلاَّ الَّذينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ وَ تَواصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَواصَوْا بِالصَّبْرِ ﴾

سوگند به عصر. به راستی انسان در زیانکاری است. مگر کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیک انجام دادند و یکدیگر را به حق سفارش کردند و به شکیبایی توصیه نمودند.

۵۲۵. قَالَ: حَدَّثَنَا أَبوالقَاسِمُ العَلَوِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا فُرَاتُ مُعَنعَنًا: عَن أَبِیعَبدِ اللهِ الصَّادِقِ علیه السلام فِی قَولِهِ تَعَالَی: **﴿ إِلاَّ الَّذينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ وَ تَواصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَواصَوْا بِالصَّبْرِ ﴾** قَالَ: إِستَثنَی اللهُ تَعَالَی أَهلَ صَفوَتِهِ مِن خَلقِهِ حَیثُ قَالَ: **﴿ إِنَّ الْإِنْسانَ لَفي خُسْرٍ * إِلاَّ الَّذينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ ﴾** أَدُّوا الفَرَائِضَ **﴿ وَ تَواصَوْا بِالْحَقِّ ﴾** الوَلَایَةُ وَ أَوصُوا ذَرَارِیَهُم وَ مَن خَلَّفُوا بِالوَلَایَةِ وَ بِالصَّبرِ عَلَیهَا.

ابوالقاسم علوی به نقل از روایت فرات کوفی گفت: امام جعفر صادق علیه السلام دربارهٔ این آیه «مگر کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیک انجام دادند و یکدیگر را به حق سفارش کردند و به شکیبایی توصیه نمودند» فرمود:

خداوند متعال اهل برگزیدهٔ خود را از آفریدگانش استثنا کرد، آنجا که فرمود: «به راستی انسان در زیانکاری است. مگر کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیک انجام دادند». واجبات را به جا آوردند. «و یکدیگر را به حق سفارش کردند». یعنی به ولایت، آنان فرزندان خود و نسل‌های پس از خود را به ولایت و به شکیبایی در راه ولایت سفارش کردند.

وَ مِن سُورَةِ الكَوثَرِ

(سورهٔ کوثر، آیهٔ ۱ ـ ۳)

﴿ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ * إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ * فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَ انْحَرْ * إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ ﴾

به نام خداوند بخشایندهٔ مهربان * به راستی ما به تو کوثر عطا کردیم.
پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن. بی‌گمان دشمن تو،
خود مقطوع النسل است.

۵۲۶. عُبَيدُبنُ كَثِيرٍ مُعَنعَنًا: عَن أَبي جَعفَرٍ مُحَمَّدِبنِ عَليٍّ عليه السلام قالَ: لَمَّا أَنزَلَ اللهُ تَعالَى عَلَى نَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله: ﴿ **إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ**[1] ﴾ قالَ لَهُ أَميرُ المُؤمِنينَ عَلِيُّ بنُ أَبي طالِبٍ عليه السلام: يا رَسُولَ اللهِ لَقَد شَرَّفَ اللهُ هَذَا النَّهرَ وَ كَرَّمَهُ فَانعَتهُ لَنا؟ قالَ: نَعَم يا عَلِيُّ الكَوثَرُ نَهرٌ يَجرِي مِن تَحتِ عَرشِ اللهِ، مَاؤُهُ أَبيَضُ مِنَ اللَّبَنِ وَ أَحلَى مِنَ العَسَلِ وَ أَليَنُ مِنَ الزُّبدِ، حَصبَاؤُهُ الدُّرُّ وَ اليَاقُوتُ وَ المَرجَانُ، تُرابُهُ المِسكُ الأَذفَرُ وَ حَشِيشُهُ الزَّعفَرانُ، سِنخُ قَوائِمِهِ عَرشُ رَبِّ العَالَمِينَ، ثَمَرُهُ كَأَمثَالِ القِلالِ مِنَ الزَّبَرجَدِ الأَخضَرِ وَ اليَاقُوتِ الأَحمَرِ وَ الدُّرِّ الأَبيَضِ يَستَبِينُ ظَاهِرُهُ مِن بَاطِنِهِ وَ بَاطِنُهُ مِن ظَاهِرِهِ. فَبَكَى النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله

---

۱. کوثر، ۱.

وَ أَصحَابُهُ ثُمَّ ضَرَبَ بِيَدِهِ إِلَى عَلِيِّبنِ أَبِىطالِبٍ فَقَالَ: وَاللهِ يَا عَلِيُّ مَا هُوَ لِى وَحدِى وَ إِنَّمَا هُوَ لِى وَ لَكَ وَ لِمُحِبِّيكَ مِن بَعدِى.

عبید بن کثیر روایت کرده است: امام محمّد باقر علیه‌السلام فرمود: چون خداوند متعال بر پیامبرش حضرت محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله نازل کرد: «به راستی ما به تو کوثر عطا کردیم»، حضرت علی علیه‌السلام به ایشان فرمود: ای رسول خدا! به راستی خداوند به این نهر شرافت بخشید و آن را گرامی داشت، پس آن را برای ما توصیف فرما. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: البته، ای علی! کوثر نهری است که از زیر عرش خداوند جاری می‌گردد و آب آن سفیدتر از شیر و شیرین‌تر از عسل و نرم‌تر از کره است. سنگ‌های کفِ آن از مروارید و یاقوت و مرجان است و خاکش از مشک خوشبو و گیاه کنارهٔ آن از زعفران و بن‌ستون‌هایش عرش پروردگار جهانیان است. میوهٔ آن همچون جواهرهای کمیاب از زبرجد سبز و یاقوت قرمز و مروارید سفید است. ظاهرش باطنش را می‌نمایاند و باطنش ظاهرش را. آن‌گاه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و اصحابش گریستند و پیامبر با دست مبارک خویش به علی علیه‌السلام زد و فرمود: به خدا سوگند ای علی! آن‌چه وصف کردم، تنها برای من نیست، بلکه برای من و تو و دوستداران تو پس از من است.

۵۲۷. عَنِ المُختَارِبنِ فُلفُلٍ قَالَ: سَمِعتُ عَن أَنَسٍ يَقُولُ: أَغفَى رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله إِغفَاءَةً فَرَفَعَ رَأسَهُ مُتَبَسِّمًا فَقَالَ لَهُم وَ قَالُوا لَهُ: يَا رَسُولَ اللهِ لِمَ ضَحِكتَ؟ قَالَ نَزَلَت عَلَيَّ آنِفًا سورةٌ فَقَرَأَهَا ﴿ **بسم الله الرّحمن الرّحيم اِنّا اَعطَينَاكَ** ﴾ حَتَّى خَتَمَهَا.

مختار بن فلفل گفت: از انس شنیدم که می‌گفت: پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به حالت خواب بود که ناگاه خندان سربرآورد و لب به سخن گشود. به ایشان عرض کردند: ای رسول خدا! چرا می‌خندید؟ فرمود: هم‌اکنون سوره‌ای بر من نازل شد. و شروع به تلاوت آن فرمود: «به نام خداوند بخشایندهٔ مهربان. به راستی ما به تو کوثر عطا کردیم. پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن. بی‌گمان دشمن تو، خود مقطوع النسل است.»

وَ مِن سُورَةِ الكَافِرُونَ

(سورهٔ کافرون، آیهٔ ۱ ـ ۵)

﴿ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ * قُلْ يا أَيُّهَا الْكافِرُونَ * لا أَعْبُدُ ما تَعْبُدُونَ * وَ لا أَنْتُمْ عابِدُونَ ما أَعْبُدُ * وَ لا أَنَا عابِدٌ ما عَبَدْتُّمْ * وَ لا أَنْتُمْ عابِدُونَ ما أَعْبُدُ ﴾

به نام خداوند بخشایندهٔ مهربان * بگو: ای کافران! نمی‌پرستم آن‌چه را شما می‌پرستید. و نه شما پرستنده‌اید آن‌چه را من می‌پرستم. و نه من پرستنده‌ام آن‌چه را شما پرستیده‌اید. و نه شما پرستنده‌اید آن‌چه را من می‌پرستم. دین شما از آنِ شما و دینِ من از آنِ من است.

۵۲۸. حَدَّثَنا أَبوحَفصٍ الصّائِغُ: عَن جَعفَرِبنِ مُحَمَّدٍ عليهما السلام قالَ: لَمّا نَزَلَت عَلَی النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله **﴿ وَ لَوْ لا أَنْ ثَبَّتْناكَ لَقَدْ كِدْتَ تَرْكَنُ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَليلاً * إِذًا لَأَذَقْناكَ ضِعْفَ الْحَياةِ وَ ضِعْفَ الْمَماتِ**[۱] **﴾** قالَ: تَفسيرُها قالَ قَومُهُ تَعالِ حَتّى نَعبُدَ إِلٰهَكَ سَنَةً وَ تَعبُدَ إِلٰهَنا سَنَةً. قالَ: فَأَنزَلَ اللهُ عَلَيهِ: **﴿ قُلْ يا أَيُّهَا الْكافِرُونَ * لا أَعْبُدُ ما تَعْبُدُونَ * وَ لا أَنْتُمْ عابِدُونَ ما أَعْبُدُ**[۲] **﴾** إِلَى آخِرِ السُّورَةِ.

---

۱. إسراء، ۷۵ـ۷۴ ۲. کافرون، ۵ـ۱

ابوحفص صائغ گفت: امام جعفر صادق ﷺ فرمود: آن‌گاه که بر پیامبر ﷺ نازل شد: «و اگر نه آن بود که [قلب] تو را استوار داشتیم، بی‌تردید نزدیک بود که اندکی به سوی آنان میل پیدا کنی. آن‌گاه مسلماً تو را دوچندان [عذاب] دنیا و دوچندان [عذاب] پس از مرگ می‌چشاندیم»، تفسیرش چنین بود که قوم ایشان گفتند بیا تا سالی ما خدای تو را بپرستیم و سالی تو خدای ما را بپرست. پس خداوند بر پیامبر ﷺ نازل فرمود: «بگو ای کافران! نمی‌پرستم آن‌چه را شما می‌پرستید. و نه شما پرستنده‌اید آن‌چه را من می‌پرستم. و نه من پرستنده‌ام آن‌چه را شما پرستیده‌اید. و نه شما پرستنده‌اید آن‌چه را من می‌پرستم. دینِ شما از آنِ شما و دینِ من از آنِ من است.»

وَ مِن سُورةِ النَّصرِ

(سورۀ نصر، آیۀ ۱ ـ ۳)

﴿ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ * إِذٰا جٰاءَ نَصْرُ اللّٰهِ وَ الْفَتْحُ * وَ رَأَيْتَ النّٰاسَ يَدْخُلُونَ في دينِ اللّٰهِ أَفْوٰاجًا * فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَ اسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كٰانَ تَوّٰابًا ﴾

به نام خداوند بخشایندۀ مهربان * هنگامی که یاری خدا و فتح فرا رسد * و چون در آن روز مردم را ببینی که گروه گروه به دین خدا داخل می‌شوند * پس خدای خود را تسبیح و حمد کن و از او مغفرت بخواه؛ به درستی که او خدای بسیار توبه‌پذیر است.

۵۲۹. عَن أَنَسِ بنِ مَالِكٍ قَالَ: كُنَّا إِذَا أَرَدنَا أَن نَسأَلَ رَسُولَ اللهِ ﷺ عَن شَيءٍ أَمَرنَا أَمِيرَ المُؤمِنِينَ عَلِيَّ بنَ أَبِي طَالِبٍ ؈ أَو سَلمانَ الفَارِسِيَّ أَو ثَابِتَ بنَ مَعاذٍ الأَنصَارِيَّ فَلَمَّا نَزَلَتِ الآيَةُ ﴿ إِذٰا جٰاءَ نَصْرُ اللّٰهِ وَ الْفَتْحُ ﴾ وَ عَلِمنَا أَنَّ رَسُولَ اللهِ ﷺ قَد نَعِيَت إِلَيهِ نَفسُهُ قُلنَا لِسَلمَانَ: سَل رَسُولَ اللهِ ﷺ مَن نَسنِدُ إِلَيهِ أَمرَنَا وَ أَو يَكُونُ إِلَيهِ مفزَعُنَا وَ مَن أَحَبَّ النَّاسِ إِلَيهِ فَلَقِيَهُ فَسَأَلَهُ فَأَعرَضَ عَنهُ ثُمَّ سَأَلَهُ فَأَعرَضَ عَنهُ ـ ثَلاثَ مَرَّاتٍ ـ فَخَشِيَ سَلمانُ أَن يَكونَ النَّبِيُّ ﷺ قَد مَقَتَهُ وَ وَجَدَ فِي نَفسِهِ فَلَمَّا كَانَ بَعدَ لُقِيِّهِ فَقَالَ:

يَا سَلمَانُ يَا أَبَاعَبدِ اللهِ أَلا أُنَبِّئُكَ عَمَّا كُنتَ سَأَلتَنِي؟ قَالَ: بَلَى يَا رَسُولَ اللهِ إِنِّي خَشِيتُ أَن تَكُونَ قَد مَقتَنِي وَجَدتَ فِي نَفسِكَ عَلَيَّ. قَالَ: كَلَّا يَا سَلمَانُ إِنَّ أَخِي وَ وَزِيرِي وَ خَلِيفَتِي فِي أَهلِي وَ خَيرَ مَن أُترِكُ بَعدِي يَقضِي دَينِي وَ يُنجِزُ مَوعِدِي أَمِيرُ المُؤمِنِينَ عَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام.

انس‌بن مالک گفت: هرگاه می‌خواستیم از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤالی بپرسیم، از امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام یا سلمان فارسی و یا ثابت‌بن معاد انصاری می‌خواستیم آن را از ایشان بپرسد. از این رو چون نازل شد «آن‌گاه که یاری خداوند و پیروزی آید» و دانستیم که جان سپردن رسول خدا صلی الله علیه و آله نزدیک شده است، به سلمان فارسی گفتیم از رسول خدا صلی الله علیه و آله بپرس که در امورمان به چه کسی تکیه کنیم تا پناهگاهمان باشد و نیز چه کسی نزد ایشان از دیگر مردمان دوست‌داشتنی‌تر است؟ سلمان به دیدار رسول خدا صلی الله علیه و آله رفت و سؤال ما را پرسید، اما ایشان پاسخی نداد. باز او از ایشان جویای پاسخ شد اما نشنید و این سه بار تکرار شد. سلمان ترسید که مبادا رسول خدا صلی الله علیه و آله از او دلگیر شده باشد و دیگر هیچ نگفت. چون آن دیدار گذشت، رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود: ای سلمان! ای اباعبدالله! می‌خواهی تو را از آن‌چه پرسیدی باخبر کنم؟ عرض کرد: آری ای رسول خدا. می‌ترسیدم که مبادا از من دلگیر شده باشید. فرمود: هرگز ای سلمان! همانا برادر و وزیر و جانشین من در میان اهل بیتم و بهترین کسی که من پس از خود بر جای می‌گذارم و او دِین مرا می‌پردازد و به وعدهٔ من جامهٔ عمل می‌پوشاند، امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام است.

۵۳۰. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ فِي قَولِهِ تَعَالَى ﴿ **إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللهِ وَ الْفَتْحُ** ﴾ يَقُولُ: عَلَى الأَعدَاءِ مِن قُرَيشٍ وَ غَيرِهِم وَ الفَتحُ فَتحُ مَكَّةَ ﴿ **وَ رَأَيْتَ النَّاسَ** ﴾ يَقُولُ الأَحيَاءُ ﴿ **يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللهِ أَفْوَاجًا** ﴾ يَقُولُ: جَمَاعَاتٍ وَ قَبلَ ذَلِكَ إِنَّمَا كَانَ يَدخُلُ الوَاحِدُ بَعدَ الوَاحِدِ فَقِيلَ إِذَا رَأَيتُ الأَحيَاءَ تَدخُلُ جَمَاعَاتٍ فِي الدِّينِ فَإِنَّكَ مَيِّتٌ، نُعِيَت إِلَيهِ نَفسُهُ ﴿ **فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ** ﴾

يَقُولُ: فَصَلِّ بِأَمرِ رَبِّكَ ﴿ وَ اسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كٰانَ تَوّٰابًا ﴾ يَقُولُ: مُتَجَاوِزًا.

ابن عباس دربارهٔ کلام خداوند متعال گفت: «هنگامی که یاری خدا و پیروزی فرا رسد» یعنی یاری علیه دشمنان قریشی و غیر آنان و پیروزی، یعنی فتح مکه «و مردم را می‌بینی» یعنی زندگان «که گروه گروه به دین خدا در می‌آیند» یعنی دسته‌جمعی؛ چراکه پیش از آن مردم یکی یکی به اسلام می‌گرویدند. آیه چنین می‌گوید که وقتی دیدی زندگان دسته‌جمعی به دین خدا در می‌آیند، زمان جان دادن توست؛ یعنی هنگام جان سپردن رسول خدا ﷺ فرا می‌رسد. «پس با سپاس و ستایش پروردگارت تسبیح گوی» یعنی به فرمان پروردگارت نماز بگزار «و از او آمرزش بخواه که او بسیار توبه‌پذیر است» بسیار پذیرای توست.

۵۳۱. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ قَالَ: لَمَّا نَزَلَت هَذِهِ السُّورَةَ دَعَا رَسُولُ اللهِ ﷺ فَاطِمَةَ عليها السلام فَقَالَ: إِنَّهُ قَد نَعِيتُ إِلَى نَفسِي فَبَكَت فَقَالَ: لَاتَبكِينَ فَإِنَّكَ أَوَّلُ أَهلِي لِحَاقًا بِي فَضَحِكَت.

ابن عباس گفت: زمانی که این سوره نازل شد، رسول خدا ﷺ، حضرت فاطمه عليها السلام را فرا خواند و فرمود: زمان مرگ من فرا رسیده است. چون حضرت فاطمه عليها السلام گریست، پیامبر فرمود: گریه نکن؛ از خاندانم تو نخستین کسی هستی که به من می‌پیوندی، آن وقت بود که حضرت فاطمه عليها السلام خندید.

۵۳۲. فُرَاتُ قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بنُ مُحَمَّدِ بنِ إِسمَاعِيلَ الخَزَّازِ الهَمدَانِيُّ مُعَنعَنًا: قَالَ: رَجُلٌ كَانَ قَد أَدرَكَ سِتَّةً أَو سَبعَةً مِن أَصحَابِ النَّبِيِّ ﷺ قَالُوا: لَمَّا نَزَلَ: ﴿ إِذٰا جٰاءَ نَصْرُ اللهِ وَ الْفَتْحُ ﴾ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: يَا عَلِيُّ يَا فَاطِمَةُ قَد ﴿ جٰاءَ نَصْرُ اللهِ وَ الْفَتْحُ وَ رَأَيْتَ النّٰاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللهِ أَفْوٰاجًا ﴾ فَسُبحَانَ رَبِّي وَ بِحَمدِهِ وَاستَغفِرُ رَبِّي ﴿ إِنَّهُ كٰانَ تَوّٰابًا ﴾.

يَا عَلِيُّ إِنَّ اللهَ قَضَى الجِهَادَ عَلَى المُؤمِنِينَ فِي الفِتنَةِ مِن بَعدِي فَقَالَ عَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ: يَا رَسُولَ اللهِ وَ كَيفَ نُجَاهِدُ المُؤمِنِينَ الَّذِينَ يَقُولُونَ فِي فِتنَتِهِم آمَنَّا؟ قَالَ: يُجَاهِدُونَ عَلَى الإِحدَاثِ فِي الدِّينِ إِذَا عَمِلُوا بِالرَّأيِ فِي الدِّينِ إِنَّمَا الدِّينُ مِنَ الرَّبِّ أَمرُهُ وَ نَهيُهُ.

قَالَ أَمِيرُ المُؤمِنِينَ عليه السلام: يَا رَسُولَ اللهِ أَرَأَيتَ إِذَا نَزَلَ بِنَا أَمرٌ لَيسَ فِيهِ كِتَابٌ وَلَا سُنَّةٌ مِنكَ

مَا نعمَلُ فِیهِ؟ قَالَ النَّبِیُّ ﷺ: إِجعَلُوهُ شُورَی بَینَ المُؤمِنِینَ وَ لَا تَقصُرُونَهُ بِأَمرِ خَاصَّةً. قَالَ أَمِیرُ المُؤمِنِینَ: یَا رَسُولَ اللهِ إِنَّكَ قَد قُلتُ لِی ـ حِینَ خَزَلَت عَنِّی الشَّهَادَةُ وَاستُشهِدَ مَنِ استُشهِدَ مِنَ المُؤمِنِینَ یَومَ أُحُدٍ: الشَّهَادَةُ مِن وَرَائِكَ؟ قَالَ: فَكَیفَ صَبرُكَ إِذَا خَضَبَت هَذِهِ مِن هَذَا؟ وَ وَضَعَ رَسُولُ اللهِ ﷺ یَدَهُ عَلَی رَأسِهِ وَ لَحِیَتَهُ قَالَ عَلِیٌّ: یَا رَسُولَ اللهِ لَیسَ حِینَئِذٍ هُوَ مِن مَوَاطِنِ الصَّبرِ وَلَكِن مِن مَوَاطِنِ البُشرَی قَالَ عَلِیٌّ أَعِدَّ خُصُومَتَكَ فَإِنَّكَ مُخَاصِمُ قَومَكَ یَومَ القِیَامَةِ.

فرات گفت: علی بن محمّد بن اسماعیل خزاز همدانی روایت کرده است: مردی که شش یا هفت نفر از اصحاب پیامبر ﷺ را درک کرده بود، گفت که ایشان گفتند: چون نازل شد «هنگامی که یاری خداوند و پیروزی فرا رسید» پیامبر ﷺ فرمود: ای علی و ای فاطمه! «یاری خداوند و پیروزی» فرا رسیده است «و مردم را می‌بینی که گروه گروه به دین خدا در می‌آیند» پس سپاس و ستایش از برای پروردگار من است و او را می‌ستایم و از او آمرزش می‌خواهم «که او بسیار توبه‌پذیر است». ای علی! همانا خداوند در فتنه‌ای پس از من جهاد را بر مؤمنان جاری می‌سازد. حضرت علی ؑ عرض کرد: ای رسول خدا! چگونه با مؤمنانی جهاد کنیم که در آن فتنه می‌گویند ما ایمان آورده‌ایم؟ فرمود: با آنان به‌خاطر بدعت‌گذاری در دین جهاد کنید؛ در آن هنگام که در دین به رأی خود عمل کردند؛ چراکه دین پروردگار من تنها امر و نهی اوست. امیرمؤمنان ؑ عرض کرد: ای رسول خدا! اگر امری بر ما رخ داد که در کتاب و سنت شما سخنی در آن نیست، با آن چه کنیم؟ پیامبر ﷺ فرمود: آن را میان مؤمنان به شورا گذارید و آن رابه امری خاص محدود نکنید. امیرمؤمنان ؑ عرض کرد: ای رسول خدا! شما در روز جنگ احد وقتی شهادت از من روبرتافت و مؤمنان دیگری به آن رسیدند، به من فرمودی که شهادت در پی توست. رسول خدا ﷺ فرمود: بردباری‌ات چگونه خواهد بود چون اینجا به

خون خضاب می‌شود؟ و رسول خدا ﷺ دست بر سر و ریش حضرت علی ؑ نهاد. حضرت علی ؑ عرض کرد: ای رسول خدا! آن هنگام جای بردباری نیست بلکه جای مژده است. پیامبر ﷺ فرمود: ای علی! حجّت‌های خویش فراهم ساز که در روز قیامت با قومت مخاصمه خواهی داشت.

وَ مِن سُورَةِ الإِخلَاصِ

(سورهٔ اخلاص، آیهٔ ۱ ـ ۴)

﴿ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ * قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ * اللهُ الصَّمَدُ * لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ * وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ﴾

به نام خداوند بخشنده مهربان * بگو: او خداوند یکتاست. خداوند آن بی‌نیازی است که همهٔ نیازمندان قصد او کنند. نه زاده است و نه زاده شده. و برای او همتایی نبوده است.

۵۳۳. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ قَالَ: إِنَّ قُرَيشًا سَأَلُوا النَّبِيَّ ﷺ مِنهُم جُبَيرُبنُ مُطعِمٍ وَ أَبُو جَهلِ بنِ هِشَامٍ وَ رُؤَسَاءُ مِن قُرَيشٍ: يَا مُحَمَّدُ أَخبِرنَا عَن رَبِّكَ مِن أَيِّ شَيءٍ هُوَ؟ مِن خَشَبٍ أَم مِن نُحَاسٍ أَم مِن حَدِيدٍ؟!

وَ قَالَتِ اليَهُودُ: إِنَّه قَد أُنزِلَ نَعتُهُ فِي التَّوراةِ فَأَخبِرنَا عَنهُ؟ فَأَنزَلَ اللهُ تَعَالَى إِلَى نَبِيِّهِ ﷺ ﴿ **قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ اللهُ الصَّمَدُ** ﴾ يَعنِي الصَّمَدَ الَّذِي لَا جَوفَ لَهُ. وَ قَالَ بَعضُهُم: الصَّمَدُ السَّيِّدُ الَّذِي يُسنَدُ إِلَيهِ الأَشيَاءُ ﴿ **لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ** ﴾ قَالَ: وَ ذَلِكَ أَنَّ المُشرِكِينَ قَالُوا: المَلَائِكَةُ بَنَاتُ اللهِ وَ قَالَتِ اليَهُودُ: عُزَيرٌ ابنُ اللهِ وَ قَالَتِ النَّصَارَى المَسِيحُ ابنُ اللهِ فَأَنزَلَ اللهُ ﴿ **وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ** ﴾ يَعنِي لَا مِثلَ لَهُ فِي الإِلَهِيَّةِ وَ لَا ضِدَّ لَهُ وَ لَا نِدَّ لَهُ

وَ لا شِبهَ لَهُ وَ لا شَرِيكَ لَهُ لا إِلَه إِلّا اللهُ.
قَالَ أَبُو جَعفَرٍ عليه السلام: هِيَ مَكِّيَّةٌ كُلُّها نَزَلَت.

ابن عباس گفت: قریشیان از جمله جبیربن مطعم و ابوجهل‌بن هشام و برخی دیگر از سران قریش از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدند: ای محمّد! ما را از پروردگارت خبر ده که او از چیست؟ از چوب است یا از مس یا آهن؟ و یهودیان گفتند: وصف او در تورات نازل شده است، پس تو نیز ما را از او خبر ده! آن‌گاه خداوند بر پیامبرش صلی الله علیه و آله نازل فرمود: «بگو او خداوند یکتاست. خداوند آن بی‌نیازی است که همهٔ نیازمندان قصد او کنند.» یعنی بی‌نیازی که هیچ کاستی درون خود ندارد. برخی نیز گفته‌اند صمد، سروری است که چیزها به آن استوار شود. نه زاده است و نه زاده شده. و این بدان سبب گفته شد که مشرکان می‌گفتند فرشتگان دختران خداوندند و یهودیان می‌گفتند عزیر پسر خداوند است و نصاریون می‌گفتند حضرت مسیح علیه السلام پسر خداوند است. آن‌گاه خداوند نازل فرمود «و برای او همتایی نبوده است» یعنی او هیچ همانندی در خداوندی ندارد و هیچ ضدّ و مانند و شبیه و شریکی ندارد و هیچ خدایی جز خدای یگانه نیست.

وَ مِن سُورَةِ الفَلَقِ

(سورهٔ فلق، آیهٔ ۱ ـ ۵)

﴿ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ * قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ * مِنْ شَرِّ مٰا خَلَقَ * وَ مِنْ شَرِّ غٰاسِقٍ إِذٰا وَقَبَ * وَ مِنْ شَرِّ النَّفّٰاثٰاتِ فِي الْعُقَدِ * وَ مِنْ شَرِّ حٰاسِدٍ إِذٰا حَسَدَ ﴾

به نام خداوند بخشنده مهربان * بگو: پناه می‌برم به پروردگار سپیده صبح. از شرّ آن‌چه آفریده است. و از شرّ تاریکی، آن‌گاه که درآید و از شرّ دمندگان در گره‌ها و از شرّ حسود، آن‌گاه که حسد ورزد.

۵۳۴. ابنُ مُحَمَّدِبنِ مَيمُونٍ عَن عِيسَى يَعنِى ابنَ مُحَمَّدٍ عَن جَدِّهِ: عَن أَمِيرِالمُؤمِنِينَ عَلِيِّ بنِ أَبِى طالِبٍ ﷺ قالَ: سَحَرَ لَبِيدُبنُ أَعصَمَ اليَهُودِىُّ وَ أُمُّ عَبدِ اللهِ اليَهُودِيَّةُ رَسُولَ اللهِ ﷺ فِى عَقدٍ مِن قَزٍّ أَحمَرَ وَ أَخضَرَ وَ أَصفَرَ فَعَقَدُوهُ لَهُ فِى إِحدَى عَشَرَ عُقدَةً ثُمَّ جَعَلُوهُ فِى جُفٍّ مِن طلعٍ ـ قالَ: يَعنِى قُشُورَ اللُّوزِ الكُفِّ ـ ثُمَّ أَدخَلُوهُ فِى بِئرٍ بِوادٍ فِى المَدِينَةِ فِى مَراقِى البِئرِ تَحتَ راعُوفَةٍ ـ يَعنِى الحَجَرَ الخارِجَ ـ فَأَقامَ النَّبِىُّ ﷺ ثَلاثاً لا يَأكُلُ وَ لا يَشرَبُ وَ لا يَسمَعُ وَ لا يُبصِرُ وَ لا يَأتِى النِّساءَ فَنَزَلَ عَلَيهِ جَبرَئِيلُ ﷺ وَ نَزَلَ مَعَهُ بِالمُعَوَّذَتَينِ فَقالَ لَهُ: يا مُحَمَّدُ ما شَأنُكَ؟ قالَ: ما أَدرِى أَنا بِالحالِ الَّذِى تَرَى فَقالَ: إِنَّ أُمَّ

عَبدِ اللهِ وَ لَبيدَ بنَ أَعصَمَ سَحَرَاكَ، وَ أَخبَرَهُ بِالسِّحرِ وَ حَيثُ هُوَ. ثُمَّ قَرَءَ جبرَئيلُ عليه السلام: ﴿ **بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ** ﴾ فَقَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله ذٰلِكَ فَانحَلَّت عُقدَةٌ ثُمَّ لَم يَزَل يَقرَءُ آيَةً وَ يَقرَءُ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله وَ تَنحَلُّ عُقدَةٌ حَتّى أَقرَأَهَا عَلَيهِ إِحدَى عَشَرَ آيَةً وَ انحَلَّت إِحدَى عَشَرَ عُقدَةً وَ جَلَسَ النَّبِيُّ وَ دَخَلَ أَمِيرُ الْمُؤمِنِينَ عليه السلام فَأَخبَرَهُ بِمَا جَاءَ بِهِ جبرَئيلُ وَ قَالَ لَهُ: إِنطَلِق فَأتِنِي بِالسِّحرِ فَخَرَجَ عَلِيٌّ فَجَاءَ بِهِ فَأَمَرَ بِهِ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله فَنَقَضَ ثُمَّ تَفَلَ عَلَيهِ وَ أَرسَلَ إِلَى لَبيدِبنِ أَعصَمَ وَ أُمِّ عَبدِ اللهِ اليَهُودِيَّةِ فَقَالَ: مَا دَعَاكُم إِلَى مَا صَنِعتُم؟! ثُمَّ دَعَا رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله عَلَى لَبيدٍ وَ قَالَ: لَا أَخرَجَكَ اللهُ مِنَ الدُّنيَا سَالِماً قَالَ: وَ كَانَ مُوسِرًا كَثِيرَ المَالِ فَمَرَّ بِهِ غُلَامٌ يَسعَى فِي أُذُنِهِ قُرطٌ قِيمَتُهُ دِينَارٌ فَجَاذَبَهُ فَخَرَمَ أُذُنَ الصَبِيِّ فَأُخَذَ وَ قُطِعَت يَدُهُ فَمَاتَ مِن وَقتِهِ.

ابن محمّد بن میمون از عیسی ابن محمّد از جدّش از امیرمؤمنان حضرت علی عليه السلام روایت کرده است که ایشان فرمود: لبیدبن اعصم یهودی و اُم عبدالله یهودی، رسول خدا صلى الله عليه وآله را درگره‌هایی از پارچه‌های ابریشمی قرمز و سبز و زرد جادو کردند و آن را در یازده گره افکندند و سپس در پوست دم موش قرار دادند و در چاهی در یکی از دشت‌های مدینه در تورفتگی‌های چاه به زیر سنگی قرار دادند. این شد که پیامبر صلى الله عليه وآله سه روز هیچ چیز نخورد و نیاشامید و نمی‌شنید و نمی‌دید و نزد همسرانش نمی‌رفت، این‌که جبرئیل فرود آمد و با خود معوّذتین را آورد و عرض کرد: ای محمّد! تو را چه شده؟ فرمود: نمی‌دانم، چنینم که می‌بینی. عرض کرد: ام عبدالله و لبیدبن اعصم تو را جادو کرده‌اند. و این‌گونه جبرئیل ایشان را از جادو و مکانش باخبر کرد. سپس جبرئیل قرائت کرد: «به نام خداوند بخشندهٔ مهربان بگو پناه می‌برم به پروردگار سپیده صبح.» و پیامبر نیز این بگفت و گره‌ای باز شد. سپس با خواندن آیه‌ای دیگر و باز خواندن پیامبر صلى الله عليه وآله گره‌ها یکی یکی باز شد تا این‌که جبرئیل یازده آیه برایشان قرائت کرد و آن یازده گره باز شد. پیامبر صلى الله عليه وآله نشسته

بود که امیرمؤمنان علی ﷺ داخل شد و حضرت او را از خبری که جبرئیل آورده بود، آگاه کرد و فرمود: راهی شو و آن جادو را برایم بیاور. حضرت علی ﷺ بیرون رفت و آن را آورد. رسول خدا ﷺ فرمود تا آن را از میان بردند و سپس این برایشان دشوار آمد و کسی را نزد لبید و ام عبدالله فرستاد و فرمود: چه باعث شد چنین کنید؟ سپس لبید را نزد خود فراخواند و فرمود: خدا تو را تندرست از دنیا بیرون نبرد! پس از آن لبید که مردی بسیار ثروتمند بود روزی کودکی را دید که می‌دوید و در گوش گوشواره‌ای به ارزش یک دینار داشت. او را نزد خود آورد و گوشش را پاره کرد و در این بین دست او شکست. مرگ او نیز در ان وقت رسید.

وَ مِن سُورةِ الناس

(سورهٔ الناس، آيهٔ ۱ ـ ۶)

﴿ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ * قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النّٰاسِ * مَلِكِ النّٰاسِ * إِلٰهِ النّٰاسِ * مِنْ شَرِّ الْوَسْوٰاسِ الْخَنّٰاسِ * الَّذي يُوَسْوِسُ في صُدُورِ النّٰاسِ * مِنَ الْجِنَّةِ وَ النّٰاسِ ﴾

به نام خداونده بخشنده مهربان * بگو: پناه می‌برم بـه پـروردگار مـردم، فرمانروای مردم، معبود مردم، از شرّ آن وسوسه‌گر پنهان. [همان] کسی که در سینه‌های مردم وسوسه می‌کند. از جنّیان و مردم.

۵۳۵. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ فِی قَولِهِ تَعَالَی ﴿ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النّٰاسِ ﴾ يَقُولُ: يَا مُحَمَّدُ قُل أَعُوذُ بِـرَبِّ النَّاسِ (يَعنِی بِخَالِقِ) النَّاسَ ﴿ مَلِكِ النّٰاسِ إِلٰهِ النّٰاسِ ﴾ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ مَعَهُ ﴿ مِنْ شَرِّ الْوَسْوٰاسِ ﴾ يَعنِی الشَّيطَانَ ﴿ الْخَنّٰاسِ ﴾ يَقُولُ: يُوَسوِسُ عَلَى قَلبِ ابنِ آدَمَ فَإِذَا ذَكَرَ ابنِ آدَمَ اللهَ خَنَسَ مِن قَلبِهِ فَذَهَبَ ثُمَّ قَالَ ﴿ الَّذي يُوَسْوِسُ في صُدُورِ النّٰاسِ مِنَ الْجِنَّةِ وَ النّٰاسِ ﴾ يُدخِلُونَ فِی صُوَرِ الجِنِّ فَيُوَسوِسُونَ عَلَى قَلبِهِ كَمَا يُوَسوِسُ عَلَى قَلبِ ابنِ آدَمَ وَ يَدخُلُ مِنَ الجِنِّی كَمَا يَدخُلُ مِنَ الإِنسِيِّ وَ هَاتَانِ السُّورَتَانِ نَزَلَتَا عَلَى رَسُولِ اللهِ ﷺ حِينَ سُحِرَ وَ أُمِرَ أَن يَتَعَوَّذَ بِهِمَا.

ابن عباس دربارهٔ کلام حق تعالی گفت: «بگو پناه می‌برم به پروردگار مـردم» می‌فرماید: ای محمّد! بگو پناه می‌برم به پروردگار مردم؛ یعنی آفرینندهٔ مردم. «فرمانروای مردم، معبود مردم» هیچ شریک و هـمراهـی نـدارد. «از شـر آن وسوسه‌گر» یعنی شیطان «پنهان»، می‌فرماید: بر قلب آدمیزاد وسوسه می‌کند و چون خداوند را یاد کند، پنهان می‌شود و از قلب او رخت برمی‌بندد «کسی که در سینه‌های مردم وسوسه می‌کند، از جنّیان و مردم» در صورت جن وارد می‌شود و بر قلب او وسوسه می‌کند همان‌گونه که بر قلب آدم وسوسه می‌کند و همچنان‌که وارد انسان می‌شود، وارد جن می‌شود. این دو سوره، ناس و فلق، زمانی بر رسول خدا ﷺ نازل شد که ایشان جادو شده بود و فرمان رسید که خود را به آن دو تعویذ کند.

صَدَقَ اللهُ العَلِيُّ العَظِيمُ وَ صَدَقَ رَسُولُهُ النَّبِيُّ الكَرِيمُ وَ نَحنُ عَلَى ذَلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ وَ لِآلاءِ رَبِّنَا حَامِدِينَ وَ الحَمدُ للهِ رَبِّ العَالِمِينَ وَ صَلَّى اللهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ خَيرِ خَلقِهِ وَ آلِهِ وَ أَهلِ بَيتِهِ وَ عِترَتِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ أَجمَعِينَ.

راست گفت خداوند والای بلندمرتبه و راست گفت فرستادهٔ او پیامبر کریم و ما از گواهان این سخنیم و ستایشگر نـعمت‌های پـروردگارمانیم و سـپاس و ستایش از برای پروردگار جهانیان است و درود خداوند بر سرور ما حضرت محمّد ﷺ برترین آفریدگان خداوند و نیز بر تمامی خـاندان و اهـل بـیت و عترت و فرزندان او ﷺ.

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ و الِهِ، واجعَلنَا مِمَّن یَعتَصِمُ بِحَبلِهِ، و یَأوی مِنَ المُتَشابِهَاتِ اِلی حِرزِ مَعقِلِهِ و یَسکُنُ فِی ظِلِّ جَناحِهِ، و یَهتَدی بِضَوءِ صَباحِهِ، و یَقتَدی بِتَبَلُّجِ اِسفَارِهِ، و یَستصبِحُ بِمِصبَاحِهِ، و لا یَلتَمِسُ الهُدَی فی غَیرِهِ. اَللّهُمَّ و کَما نَصَبتَ بِهِ مُحَمَّدًا عَلَمًا لِلدَّلالَةِ عَلَیكَ، وانهَجتَ بِالِهِ سُبُلَ الرِّضَا اِلَیكَ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ الِهِ، وَاجعَلِ القُرانَ وَسیلَةً لَنَا اِلَی اَشرَفِ مَنازِلِ الکَرامَةِ، و سُلَّمًا نَعرُجُ فیهِ اِلی مَحَلِّ السَّلامَةِ[1].

بار خدایا! بر محمّد و آلش درود فرست، و ما را از کسانی قرار ده که به ریسمان محکم قرآن چنگ می‌زنند، و در امور شبهه‌انگیز به پناهگاه آیات این کتاب پناهنده می‌گردند و در سایهٔ بال رحمت آن سکنا می‌گزینند، و از نور صبحش راه می‌یابند و از رخشندگی سپیده‌اش پیروی می‌نمایند، و از چراغش چراغ می‌افروزند، و از غیر آن هدایت نمی‌جویند. بار الها! همچنان که حضرت محمّد ﷺ را نشانه‌ای برای دلالت به خودت قرار دادی و به آلِ آن‌جناب (اهل بیت ﷺ) مسیر خشنودی خود را روشن نمودی، پس بر محمّد و آلش درود فرست، و قرآن را برای ما وسیلهٔ رسیدن به والاترین منازل کرامت و نردبان اوج گرفتن ما به محل سلامت قرار ده.

---

۱. برگزیده‌ای از دعای امام سجاد ﷺ به وقت ختم قرآن. (**صحیفه سجادیه**، دعای ۴۲، ص ۲۰۹)

کتاب‌شناسی

۱. **قرآن کریم**، ترجمهٔ دکتر امیر توحیدی، انتشارات حافظ نوین.

۲. **نهج البلاغه**، ترجمهٔ محمّد دشتی، چاپ ظهور قم، ۱۳۷۹.

۳. **صحیفه کامله سجادیه**، ترجمهٔ حسین انصاریان، انتشارات پیام آزادی، تهران، ۱۳۷۴.

۴. **تفسیر فرات کوفی**، تحقیق محمّد الکاظم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۴۱۰ ق.

۵. اردوبادی، محمّد علی، **تفسیر فرات کوفی** (مقدمه)، نجف اشرف، ۱۳۵۴ ق.

۶. امین، سید محسن، **اعیان الشیعه**، ج ۴۲، تحقیق حسن امین، بیروت، مطبعة الانصاف، ۱۳۷۸ ق.، ۱۹۵۸ م.

۷. البحرانی، سید هاشم، **تفسیر البرهان**، ترجمهٔ ناظمیان، گنجیان، صادق خورشا، تهران، انتشارات کتاب صبح، ۱۳۸۹.

۸. البنانی، یوسف، **ثمرة الفؤاد**

۹. توحیدی، امیر، **خطبهٔ غدیریه**، تهران، انتشارات زراره، ۱۳۸۴.

۱۰. الحاکم الحسکانی، عبیدالله‌بن احمد، **شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الایات النازلة فی اهل البیت** علیهم‌السلام، تحقیق محمّد باقر المحمودی، چاپ وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ ق.

۱۱. حسینی استرآبادی، **تأویل الآیات الظاهره**، انتشارات جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم، ۱۴۰۹ ق.

۱۲. حرّ عاملی، محمّد بن حسن، **وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**، ج ۳۰، تحقیق مؤسسة آل البیت ﷺ لاحیاء التراث، الطبعة الثانیة، قم، مطبعة مهر، ۱۴۱۴ق.

۱۳. زرقانی، عبدالعظیم، **مناهل العرفان**

۱۴. الصدر، السید الحسن، **تأسیس الشیعة الکرام لعلوم الاسلام**، بغداد، مرکز النشر و الطباعة العراقیه المحدودة، ۱۳۸۱ ق.، ۱۳۴۱ ق.

۱۵. الصدر، السید الحسن، **نهایة الدرایة فی شرح الرسالة الموسومة بالوجیزه للبهائی**، تحقیق ماجد الغرباوی، قم، نشر المشعر، ۱۴۱۳ ق.

۱۶. الصفّار، محمّد بن الحسن‌بن فروخ، **بصائر الدرجات**، تحقیق میرزا محسن کوچه‌باغی، تهران، مؤسسة الاعلمی، ۱۴۰۴ ق.

۱۷. طباطبایی، محمّدحسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**

۱۸. طریحی، فخرالدین، **مجمع البحرین**، تحقیق احمد حسینی، مکتب مرتضویه، ۱۳۸۶ ق.

۱۹. عبدالباقی، محمّد فؤاد، **المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم**

۲۰. کلینی، یعقوب‌بن اسحاق، **اصول‌کافی**، ترجمه و شرح مصطفوی، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت، ۱۳۴۸.

۲۱. فیروزآبادی، **القاموس المحیط**

۲۲. قبادی، مریم، **بازشناسی میراث‌کهن شیعه**، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۹.

۲۳. قمی، عباس، **الفوائد الرضویه**، بی‌نا، بی‌تا.

۲۴. قمی، عباس، **کلیات مفاتیح الجنان**، ترجمهٔ مهدی الهی قمشه‌ای، چاپخانه دفتر تبلیغات اسلامی، انتشارات پارسیان، قم، ۱۳۸۰.

۲۵. القمی المشهدی، محمّد بن محمّد رضا، **کنز الدقائق و بحر الغرائب**، تحقیق حسین درگاهی، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش.

۲۶. المامقانی، عبدالله، **تنقیح المقال**، چاپ سنگی، ابواب فاء.

۲۷. مجلسی، محمّد باقر، **بحارالانوار**، ج ۳۲ و ۸۹، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.

۲۸. مدیرشانه‌چی، کاظم، **علم الحدیث**، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۱.

۲۹. مستنبط، احمد، **القطره**، قم، نشر حاذق، ۱۴۲۸ ق.

۳۰. معارف، مجید، **تاریخ عمومی حدیث**

۳۱. معرفت، **تفسیر و مفسران**

۳۲. الموسوی الخوئی، ابوالقاسم، **معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة**، الطبعة الخامسة، قم، منشورات مدینة العلم، ۱۴۱۳ ق.، ۱۹۹۲ م.

۳۳. نوری طبرسی، حسین، **مستدرک الوسائل**، بیروت، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ ق.